

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مقدمه

بعون و عنایت ایزد متعال و بمساعدت و توجهات عسرفان پرور حکومت معظم
مهربان که مخصوصاً در این عصر در خشنده و طن عزیز مادهر رشته نایل ترقیات
و واجد انواع خوشبختی و بهبودی میشود، به نشر چهارمین سالنامه کابل
توفیق می یابیم .

نشر سالنامه های کابل که از آغاز سال ۱۳۱۲ الی حال بحمد الله در کشور ما مفید واقع شده
انخطه پاك از آن خیلی استفاده کرده اند، باید اذعان نمود که اجرا و نپای این
از توجهات و طن خواهانه و افکار حکیمانه شهر یار فقید و پادشاه دانای

سعید افغانستان اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه غازی شهید رحمة الله تعالیٰ علیه بوده است. چه قبل از عهد هایون آن حکیم فرزانه سالنامه در کشور ما بی سابقه بوده و در دست رس اولاد این خالک نبود.

شهر یار جوان و پادشاه مهر بان ما، که خدایش طول عمر و مزید شوکت و اقبال عنایت کند، طوریکه در اجرا و اداره همه امور و وطن تاسی بوالد بزرگوار خود میفرمایند، امور عرفانی اینخطه را نیز پرورش داده و با توجهات مخصوصی در ترقی و اعتلای هر شعبه بذل مساعی میفرمایند، که امور را جمع بانجمن ادبی کابل و این همه توفیقاتیکه خدام این انجمن راجع به پیشرفت کار خود حاصل کرده، مرهون و مندیون همین توجهات و عواطف پدرانۀ تا جدار جوان خود میباشد. درقبال مراحم و مساعدت حکومت مهر بان خود انجمن ادبی که خود را مستغنی از هر زحمت و مانعی میدانست لهذا تغییر موقع انتشار سالنامه کابل را در نظر گرفته و مناسب چنان دانست که آنرا سالنامه سنوی قرار داده در برج حمل هر سال نشر نماید. اینست که بتوفیقات کماله ایزدی، درین سنه مطابق مقصود به نشر آن اقدام ورزیده و بعد ازین سالنامه مادر جمله نشرات انجمن ادبی نسخه مستقلی بشمار خواهد بود.

ضمناً از فضلا و محترمینیکه سالنامه ۱۳۱۳ ما را تقدیر نموده و آن ذوات عزیزیکه بما کمک قلمی فرموده اند متشکر و ممیون بوده سعادت و موفقیت شان را از خدای متعال رجا می نمائیم .
(انجمن)



و محترم خود از هر جهت بدرستی اداره فرموده کمال فعالیت و قابلیت ذات ملوکانه خویش را بمنصه شهود رسانیدند.

• و در غیبت وزیر معارف افغانستان ذات شاهانه از طرف اعلیحضرت شهید نیزبوکالت وزارت معارف تعیین شده و امور وزارت موصوفه را ترتیب و انتظام خوبی بخشیدند.

اعلیحضرت محمدظاهر شاه با وجود سن جوان یک ذات فعال، عقیف، متدین و وطن دوست و متواضع، حلیم، متحمل بوده دارای ذکاوت و هوش سرشاری میباشند و به تمام صفاتی که ما بوجود مبارک این شهریار جوان خود سراغ داریم یگانه فرزند پیرو و خلف الصدق پدر بزرگ خود بوده و در تمام ایام شهزادگی از حسن اخلاق و گذاره و سلوک خیلی شریفانه خود نسبت به مادیون و سایر افراد ملت تجارب شیرین و خوشگواری داده و در امور اداره این دو وزارت بخانه مهم و دوزخه تحصیلات ذات هایونی خویش بدرستی و نهایت خوبی از عهده برآمده اند و امروز که خداوند متعال زمام اداره این کشور را بکف با کفایت شان سپرده است، با ما مورین لایق عهد پدر شهید خود با مراعات خیلی شریفانه پیش آمده و ما ما روش نیک و خصائل برجسته و معقول اعلیحضرت پدر شهید خود شان را پیروی مینمایند.



تعهد نامه

اعلیٰ حضرت محمد ظاهر شاه

بمجلس شورای ملی

امروز که اینخادم اسلام به فضل خدای قادر متعال و اتفاق ملت عزیزم به پادشاهی افغانستان انتخاب و سلطنت ما از طرف جمهور طبقات ملت تأیید شده بر اساس ماده (۶) اصولنامه اساسی مملکت حاضر شده ایم عهدنامه را که قبول و تعهد آن بمانتوجه میشود بمحضر شما نمایندگان ملت قرائت کرده و صورت کتبی آنرا بنام سعادت مملکت امضا نمائیم:

به خدای عظیم و قرآن کریم عهدی کنیم که در اعمال و افعال خود، خداوند جل شانہ را حاضر و ناظر دانسته بمحافظت دین مبین اسلام و استقلال افغانستان و حفظ حقوق ملت و حراست و ترقی و سعادت وطن به اساس شرع متین محمدی (ص) و مقررات اصول اساسی مملکت سلطنت نمایم، و به برکت روحانیت مقدس اولیای کرام رضی الله تعالی عنہم برای خود استمداد میمایم.



بیعتنامه وکلای دارالشورای ملی

مخبر اعلیحضرت هما یونی

بسم الله الرحمن الرحيم

به پاس خدمات و فداکاریهای اعلیحضرت سعید شهید محمد نادر شاه غازی طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه که این مرد بزرگ برای استقلال و نجات وطن و همچنان از آغاز جلوس و زمامداری سعادت مندانه خویش تا دقیقه آخرین حیات شرافت مندانه اش در راه حصول سعادت دینی و دنیوی و حفظ شئون ملی و آسایش عمومی ملت افغانستان ابراز و حیات قیمتمدار بزرگوارانه خود را برای استحصال این مقاصد عالیله فدا نموده، هیئت شورای ملی اصالتاً و از طرف مؤکلین خودها که عبارت از افراد طبقات ملت افغانستان است و کالتاً به اساس دینی و اسلامی که تعیین اولی الامر فرض ذمه ملت است و بموجب اصل (۵) اصول اساسی مملکت اعلیحضرت عزیز ملت محمد ظاهر خان خلف ارشد صالح و سعادت مند و محبوب اعلیحضرت امیر شهید محمد نادر شاه را لیاقتاً و استحقاقاً بجهت اولی الامر به امارت سلطنت جلیله افغانستان قبول و بحضور شاهانه شان طوعاً و صمیماً بیعت مینماید، و قراریکه اعلیحضرت محمد ظاهر خان بمواجه هیئت شورای ملی و اشراف واعزه و اکابر ملت این ودیعه شریفه امارت را قبول و تعویل مفاد اصل (۶) اصول اساسی را تعهد فرموده اند ملت افغانستان امیدوار و مترصد است که اعلیحضرت موصوف امور سلطنت مفوضه خویش را مطابق احکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی رحمت الله علیه و اصول اساسی مملکت اجرا نموده استقلال وطن و حقوق ملت را محافظه فرمایند، از خالق متعال برای اعلیحضرت محمد ظاهر خان در انجام این مقاصد خطیر و مهم استعانت و توفیقات مزیده را مسئلت مینمائیم.

۲۷ عقرب ۱۳۱۲
۳۰ رجب المرجب ۳۵۲

۳۵۷۲
۱۱۴۸۴

فرمان پادشاهی راجع به برقراری

ج، ع، ج والا حضرت صدر اعظم صاحب

ج، ع، ج عم محترم سردار محمد هاشم خان صدراعظم!
خدمات برجسته و جان نثاریهای قابل قدریکه شما در راه سعادت و نجات وطن و اداره
امور آن در ادوار گذشته و هنگام انقلاب مخصوصاً ایام عهده داری تان به صدارت
عظمی به اثبات رسانیده اید يك بیک باعث آبادی و اعتلای این وطن تسلیم گردیده و طوریکه
معلوم است خیراندیشی و کاردانی تان ذریعۀ خوشبختی افغانستان و برای مقدرات این مملکت
عامل مؤثری شمرده میشود، لهذا شمارا که در نظر ملت قدردان ما بنحداشناسی و وطن خواهی
معروف و هم مورد اعتماد عامه میباشد مجدداً بر تبه رفیعیۀ صدارت عظمی افغانستان مقرر و منظور
نموده امر و اراده میفرمائیم که خود را صدراعظم سلطنت ما شناخته کاینه خود را بخنور
ما معرفی و بعون الله تعالی اجراءات مملکت داری را مطابق اصول موضوعه الآن کما کان
اشغال نمائید.

معرفی کابینه دولت

بمضور اعلیحضرت همایونی

بمضور مبارک اعلیحضرت شهر یاری!

از زیارت فرمان مبارک همایونی نمبر $(\frac{۳۵۷۲}{۱۱۴۸۴})$ تاریخی ۲۷ عقرب که نظر بحسن ظن ذات شاهانه شان خدمات ناچیزانه زمان انقلاب و دوره حکومت اعلیحضرت شاه شهید سعید فدائی را تقدیر و به رتبه رفیعہ صدارت عظمای افغانستان منظور و بمعرفی اعضای کابینه مامور فرموده اند شرف افتخار حاصل داشته کابینه ام را ذیل بمبضور مبارک ملو کانه معرفی مینمایم:

ع، ج، ا، شاه محمود خان : وزیر حربیه .

» » فیض محمد خان : امور خارجیه .

» » ا، محمد گل خان : داخلیه .

» » فضل احمد خان سابق معین عدلیه : عدلیه .

» » احمد علی خان : معارف .

» » میرزا محمد خان : تجارت و وکیل وزارت مالیه .

» » الله نواز خان : فوائد عامه .

ج محمد اکبر خان : مدیر مستقل طبیه .

» رحیم الله خان : » » پست، تلگراف، و تلیفون .

اعضای کابینه ذواتی اند که در فوق معرفی شد، خود فدائی و عموم اعضای کابینه عهد مینمایم که وظائف انفرادی و مجموعی خود ها را بکمال صداقت و رجان نشانی مطابق اصول مرضونه و خط مشی ملو کانه اعلیحضرت ایفا نموده از خداوند توفیق کامله را در حسن اجرای وظائف خود خواستیم.

خط مشی حکومت اعلیٰ حضرت

محمد ظاهر شاه

ج، ع، ج، عم محترم محمد هاشم خان صدر اعظم !
خط مشی حکومت جدیدہ ما بر طبق مقررات شرع مطہر و ترویج او امر
دین مبین محمدی صلی اللہ علیہ وسلم بر وفق خط مشی اعلیٰ حضرت شہید و الد
مرحوم ما ست کہ به عون اللہ تعالیٰ در مملکت عزیز اسلامی ما بہمان اساس ہمہ امور
جریان پذیر میگردد - و ہکذا سیاست امور خارجہ این مملکت بر طبق معاہدات
دورہ سلطنت اعلیٰ حضرت شہید موصوف با دول متعاہدہ کماکان ادامہ خواہد داشت -

خط مشی حکومت اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه شہید

اول - حکومت موجودہ موافق با حکام دین مقدس اسلام و مذهب مہذب جنفی امور مملکت
را ادارہ و اجرا خواہد کرد و برای اینکہ شریعت غرای محمدی (ص) در امور
مملکتی قائم و دائم باشد ریاست شورای ملی و وزارت عدلیہ مسئول میباشند و شعبہ احتساب
از امور لازمی این حکومت است، بیک صورت منظم این شعبہ دائر خراہد شد، موافق
با حکام دین الہی افغانستان بدون امتیاز قومیت و نژاد با ہم برادر و در حقوق مساوی
یکدیگر شناختہ می شوند، حجاب در افغانستان موافق بدین و شریعت محمدی صلی اللہ
علیہ وسلم قائم خواہد بود.

دوم - منع رشوت و شراب نوشی - در حال ما مورین حکومت از ہر مدار جیکہ باشند در
وزارت عدلیہ بہ قرآن عظیم الشان عہد خواہند نمود کہ ہیچگاہ رشوت و ہدیہ از اہالی
نمی گیرند و بپاک نفسی و پاک دامنی خدمت خلق اللہ را اجرا می کنند و بدولت متبوعہ

خویش از امروز بعد خیانت مالی یا عملی نمی نمایند و صادقانه بوظیفه خویش می پردازند جزای شراب نوشی موافق به شریعت محمدی (ص) داده خواهد شد فروش ظاهر و خفیه شراب در تمام افغانستان ممنوع است اهالی بساختن شراب مجاز نیست در خانه که شراب ساخته شود یا دکانیکه شراب بفروشد دولت چون تحقیق کرد و به ثبوت رسید ضبط می شود و اشخاص جزای شرعی خواهند دید اگر به ما مورین حکومت ثابت شد که شراب می نوشد علاوه از جزای شرعی از ما موریت طرد می شود، تبعه خارجه ازین حکم مستثنی است.

سوم - امور حریه افغانستان برای حفظ استقلال و نگهداشت امنیت مملکت: - حکومت موجوده میخواهد یک قشون منظم با اساسه ساخت جدید تشکیل کند و نهایت توجه باین مسئله که حیات و نجات افغانستان وابسته اوست صرف می نماید و برای اینکه صاحبمنصبان نظامی ما تعلیم یافته شوند و از علوم و فنون حربی دنیای متمدن و استعمال آلات و ادوات حرب بدانند مکتب حریه زود از زود تشکیل و ترتیب میگردد، مسئله گرفتن عسکر صورت قومی و خوش برضا جاری می شود.

چهارم - ادامه و برقراری و استحکام مناسبات افغانستان با دول خارجه: - مثل زمان امان الله خان مناسبات افغانستان با دول خارجه که جریان داشت جریان خواهد کرد و حکومت موجوده دوستی و سلوک مرغوب دول متحابه را نسبت به افغانستان آرزو و خواهش دارد و هم حکومت موجوده با تمام موجودیت خود برای حفظ و استقلال افغانستان و ارائه کردن نظر دوستانه و خیر خواهانه خویش با دول معاهدین حاضر و آماده است.

پنجم - امور داخله: - وزارت داخله در تعین حکام و مامورین ولایات و حکومتی های اعلی و کلان و باقی حکام اهتمام و توجه تام خواهد کرد که کار به اهل کار داده شود و فهرست مامورین خویش را به مجلس انتخاب خواهد داد تا غور و تحقیق کرده شود و هم برای ترمیم و تعمیم تلیفون و تلگراف سعی و کوشش خواهد نمود و انتظام پوسته را بصورت خوبترین و آسانترین تامین خواهد نمود برای ترمیم راه های عبور و مرور موثر، گادی زود از زود توجه خواهد نمود.

ششم - مالیات را وزارت مالیه بصورت خوب اداره خواهد کرد و کوشش خواهد نمود که تمام ولایات اقساط مالیه را مثل سابق به خزینۀ دولت بادیه کنند، محصولات گمرکی هم در گمرک جاهای ولایات مثل سابق گرفته میشود، باقیاتیکه در ملک مانده باشد بطریق مراعات جمع می شود اما تسهیلات داده خواهد شد تا اشخاص باقی ده خوار و پریشان نشوند و هم دولت دچار زحمت نگردد، آنچه حکومت های سابق نسبت به باقیات حکم معافی در اعلامها نموده اند منظور است.

هفتم - تجارت و زراعت: - افغانستان امروز از بیشتر بیشتر باین شعبه کارا احتیاج دارد و می خواهد با دول ایران ایتالیا، فرانسه، بریتانیا، اتحاد جماهیر اشتراکیه، امریکا، بلجیم، جرمنی، جاپان و غیره دولیکه آرزو داشته باشند مناسبات تجارتنی خود را باز کند و از دول متمدن درین راه استفاده نماید و راه آهن را زود از زود آغاز کند و معادن افغانستان را بکار بیندازد، نه رهای آب برای زراعت تعمیر نماید حکومت موجوده می خواهد وسایل زراعتی دنیای متمدن را تا باندازه امکان در زراعت افغانستان تطبیق نماید.

هشتم - علم و فن برای ترقیات دینی و دنیوی افغانستان از اهم ضروریات شمرده میشود و حکومت حاضره این مسئله را خیلی اهم میداند، هر وقتیکه شورای ملی تشکیل و وکلای ملی جمع شوند امید است راه خوبتری نسبت باین مسئله یافته شود که تا ملت خود را برای حفاظت خویش علماً مستعد ساخته بتواند.

نهم - شورای ملت: - وکلای ملت از تمام اهالی بمرکزمیرسند، صورت انتخاب بطور سابق بوده و کلارا اهالی از دانشمندان و علما و صادقان و بهی خواهان که ملت بر آنها اعتماد کلی داشته باشد انتخاب خواهند کرد و وزرای دولت و حکام، مسئول وکلای ملت خواهند بود ریاست شورا حق تفتیش خواهد داشت، و رئیس شورای ملت از طرف وکلای ملت انتخاب میشود.

دهم - صدر اعظم با انتخاب و منظوری شاهانه تعیین میشود، و صدرا عظم کابینه وزراء را تشکیل کرده بحضور شاهانه معرفی می نماید و منظوری حاصل می کند.

تعزیت و تهنیت گوردیپلوماتیک

محضور اعلیٰ حضرت ہمایونی

بیانیہ ع، ج شیخ السفرا

اعلیٰ حضرت تا،

از طرف همقطاران محترم و از جانب خودم، افتخار دارم باعلیٰ حضرت شما عمیق ترین احساسات ہمدردی و مراتب تسلیات ما ترا در سوگواری عظمیٰ یعنی فقدان و ضیاع اعلیٰ حضرت پادشاہ محمد نادر شاہ کہ اعلیٰ حضرت شما و افغانستان را متالم گردانیدہ است، تقدیم داریم۔ امیدواریم کہ تمام این ہمہ مظاہرات ہمدردانہ کہ با اعلیٰ حضرت شما از ہمہ اطراف میرسد الم و اندوہ شمارا تا اندازہ تسکین و بارطاعت و توان فرسائی را کہ با اعلیٰ حضرت شما نسبت باین سانحہ تحمیل میشود، تخفیف نماید، اعلیٰ حضرت شما را درین موقع جلوس تان بہ تخت افغانستان سلام نمودہ آرزوہای دوستانہ ما ترا کہ برای ترقی و پیشرفت کامل تمام امور و کارروائیہائیکہ بمقصد تحکیم دولت افغانیہ و استقلال آن و سعادت ملت افغان دارند، ابراز و اظہار میداریم۔

نطق اعلیٰ حضرت بجواب شیخ السفرا

جناب شیخ السفرا؛

از احساسات ہمدردی شما و همقطاران محترم تان کہ درین موقع غم انگیز سانحہ شہادت پدیر معظم ما نسبت بما ابراز فرمودید کمال تشکر داریم۔ فی الحقیقت این صدمہ جانکاه برای ما و مملکت ما اسباب آنچنان کدورت و تاثیراتی است کہ فراموش نخواہد شد، اما خیلی خوش و ققیم کہ معاضدت و وفاداری بسیار صادقانہ ملت ما و ہم مظاہرات پر لطف دول دوست و متعاہد افغانستان، موجب تخفیف این صدمہ ناگوار واقع و تاحدی باعث تسلی ما شدہ است۔

ضمناً از اظہارات دوستانہ و نیات خیر خواہانہ تان نسبت بجلوس ما بہ تخت شاہی افغانستان اظہار قدردانی و امتنان نمودہ از اینکہ با تائیدات الہی کہ آرزوی یگانہ ما تشدید و تائید مناسبات صمیمانہ افغانستان مستقل با دول دوست اوست، بشما اطمینان دادہ خواہشہای نیک خود ما ترا برای سعادت ملل و ممالک شما اظہار میداریم۔

واقعه شهادت اعلیحضرت

شاه شهید محمد نادر شاه غازی

پادشاه فقید افغانستان

پادشاه نجات بخشا، شهریار ترقیخواه، محصل یگانۀ استقلال و وطن، احیاکنندۀ شئون و مفاخر تاریخی افغانستان، تاجدار علم و ادب پرور، مربی و مروج تمدن صحیح عصر، خادم و دوستدار شریعت اسلام، فرزند فوق العادۀ افغانستان « اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی » و آن وجود شریف و گرامیکه تمام آرزوها و آمال مقدس ملی ما را گنجینۀ بی پایان و بجز بی کرانی بود (شهید راه محبت و خدمت و وطن گردید) انا لله وانا الیه راجعون .

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی را دست غدرو خیانت یکنفر غداری شهید کرده دوازده ملیون نفوس بیچاره این کشور را تعزیه دار گردانید! همان شهر یاریکه و وطن پرور، ملت نواز، ترقیخواه، دوستدار علم و ادب بوده تمام مدت حیات شریف و راحت و آسایش خود و خانواده نجیب خود را فدای خدمت و آسایش این ملت کرده بود!

اعلیحضرت محمد نادر شاه مدت سی سال تمام از عهد اولین مرحلۀ رشد و جوانی تا رفق آخرین حیات مثل یک عاشق شیدا بوطن و ملت خود علاقه مندی داشته، و پروانه وار بحول شمع و وطن میگردید، گاهی داخل صنف عسکر شده بنام کند کمشری، غندمشری، جنرالی، نایب سالاری، سپه سالاری برای بلندی شان و عظمت ملت و مملکت خدمت میکرد، هنگامی بنام رئیس تنظیمیۀ مشرق و خان آباد و غیره گرد مذلت و بدبختی را از چهره اهالی وطن شسته راحت و سعادت آنها را تأمین میفرمود،



شهریار فقید افغانستان اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه شهید

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی آن شاه مظلوم و آن فرزند دلسوز و عاشق وطن بدرجه شهادت فایض گردید، همان پادشاهیکه در راه تحصیل استقلال افغانستان يك قائد نیرومند و برای نجات افغانستان از آتش بیداد نفاق و شورش خانمانسوز گذشته جان عزیز خود و برادران و يك جمع کبار و صفار خانواده نجیب خودش را در معرض تهلکه انداخته، جان، ناموس، سعادت و شرافت این ملک و ملت را تأمین کرده بود.

همان شهریار بزرگ و نیرومندی که بیاداش آن خدمات برجسته و بزرگ، بتقدیر و حق شناسی این ملت به اریکه شاهی جلوس فرموده خزاین خالی مملکت را مملو از سیم و زر، سامان و اسباب تاراج شده دولت را چند مراتبه زایدتر تکمیل و امنیت را در سرتاسر کشور قایم و اشرار را بکلی قمع کرده و تشکیلات عسکری، پولیس، معارف، مطبوعات انجمن های علمی، ادبی، دارالفتون، عمرانات، عمارات عالیه، شوسه ها، مخبرات، نقلیات، شفاخانه های حربی، دارالایتام، در المجازین و بالاخره تمام لوازم مملکت و حوائج مهمه و ضروریه که يك ملت بآن محتاج است همدر ابعملیات خارقه نمائی در ظرف چهار سال و چند ماه مدت زمامداری خود تکمیل و مورد استفاده قرار داده بود، همان شهریار لایق ما را بالاخره در محفلی که بروز چهارشنبه ۱۶ عقرب ساعت (۳) بعد از ظهر به تقریب تقسیم انعامات برای طلاب افغانی در چمن مقابل قصر دلکشاه ترتیب داده شده بود و این شهریار معارف پرور مطابق مرسوم همه ساله برای طلاب مکاتب شهر محض تشویق به علم و عرفان بدست حق پرست خود انعام داده و دست با عاطفه پدری را بسر و روی هر کدام نوازش میداد، در چنین محفل شریف در چنین مجمع متبرک، در جائیکه ملایک آسمان بعلم دوستی و شفقت پدرانۀ این شهریار نسبت باولاد افغانستان احسن و رحمت میفرستاد! دفعتاً يك شخص ناپاکی موسوم بعبد الخالق تفنگچه از آستین غدرو خیانت بر آورده و سه زخم التیام ناپذیری بقلب و سینۀ آنو جود مقدسیکه کعبه آمال تمام ملت افغانستان بود وارد نمود.

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی شهید و خانواده نجیب شان از لحاظ شرافت برجسته گی اخلاق، خدمات مهمه و انواع فداکاری ها و جان بازی هائیکه بملت و کشور افغانستان نموده اند محبوب خاص و عام این ملت بوده عساکر، مامورین، طلاب مدارس

و سایر طبقات هر کدام شان را چون جان عزیز خود دوست داشته و ابداً مایل نبوده و نیستند که اقبالاً خاری بیای شان اذیت نماید، ولی بد بختانه برخلاف توقع و انتظار عموم اینچنین شخص نابکاری ارتکاب رذیلانه کرده و جلب بغض و نفرت عموم را نسبت بخود نمود. مراتب قدر شناسی و وفاداری این ملت حق شناس را خوانندگان عزیز در سطور آتی یعنی آغاز جلوس شهریار موجوده فرزند صالح و نجیب اعلیحضرت محمد نادر شاه فقید بخوبی میدانند.

پس ازان بروز دوم واقعه شهادت مراسم تشییع جنازه و تدفین آن شهید راه سعادت مملکت افغانستان که در روز پنجشنبه ۱۷ عقرب گرفته شده بود، در روز مذکور بدون آنکه از طرف دوائر رسمیه اعلامی شده باشد عموم طبقات فوج و گروه گروه چون سیلاب مواجی در اطراف سرك سمت مشرقی ارگ و طول جاده استقلال و وزارت حریبه و مسجد عیدگاه - بایك عالم تأثر و اندوه دیده میشدند که از تقدیم بیعت با اعلیحضرت محمد ظاهر خان در سلام خانه فراغت یافته و بطرف مسجد عیدگاه برای ادای نماز جنازه آن شهید سعید راه خدمت وطن می شتا فتند، از جلو دروازه شرقی ارگ الی مسجد عیدگاه و تپه مرنجان افراد قطعات عسکری و صنوف متعدده اهالی در حالیکه تماماً غوطه خوارا مواج حزن و اندوه و الم فوق العاده بودند دیده می شدند. عساکر با فاصله مختصری از هم ایستاده و تفنگ های خود را به علامت تعزیت معکوساً بدوش افکنده بودند - و مقرر گردیده بود که جنازه آن پادشاه معظم و شهید راه وطن به حمل موتر به مسجد عیدگاه (جهت ادای نماز جنازه) و از آنجا بمدفن آباءی شاه شهید به تپه مرنجان نقل داده شود، همان است که در ساعت ۱۱ روز جنازه آن شهید سعید به حمل موتریکه به اقسام گل ها تزئین شده و وقار و عظمت مخصوصی بخود گرفته بود، از ارگ خارج و در حالیکه در جلو آن قطعات عسکری با علم های شریف و به عقب آن وزرا، معین ها، رؤسا و اعضای مجلس اعیان و شورا، جمعیت العلماء و مشائخ و صاحبمنصبان بزرگ نظامی و ملکی بایك عالم اندوه و تأثر و آه و فغان آرا مشایعت میکردند. به تائی طرف مسجد عیدگاه بمرکت افتاد و در عرض راه بر جنازه مبارك شاه شهید از هر طرف گلها نثار و غلغله های تکبیر و تهلیل آمیخته با غریو و فغان شنیده میشد، و بهمین ترتیب به ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه به دروازه مسجد عیدگاه و اصل و درین موقع از طرف قطعات عسکری بانوای

موزیکہ و آداب عسکری ادای سلام و احترام گردیدہ و موتر حامل جنازہ آن شہید سعید جنت مکان در میان غریبو و فریاد و فغان عموم طبقات داخل محوطہ مسجد عید گاہ (کہ سرتاسر آن از منتظرین صلوة جنازہ شاہانہ مملو بود) گردیدہ و بدوش صاحب منصبان بزرگ نظامی و علمای محترم بہ محل ادای نماز جنازہ نقل دادہ شد و نماز جنازہ آن شاہ شہید سعید بہ جمعیت کثیری (کہ نظیر آن تا کنون در آنجا دیدہ نشدہ و گویا کہ ملائک از آسمان جہت اشتراک در نماز جنازہ ایشان نازل شدہ بود) بہ بہترین طرز ادا گردید، در خاتمہ نماز جنازہ و تلاوت ادعیہ طولانی کثیرہ بروح آن شاہ سعید و ذکر آن محاسن و مزایای تاریخی و اسلامی و خدا شناسی و ملت پروری و وطن دوستی و خدمات عالی ذات شہریاری کہ در طول حیات در خشان شان برای ملک و ملت افغانستان انجام دادہ اند و اینکه آن جنت مکین طوریکہ درین دنیای فانی پادشاہ معزز و معظم بودند در عقبی نیز در زمرہ سلاطین شہدا شامل شدند ولی افغانستان ازین ناحیہ بواسطہ اقدام یک شقی سبہ روزگار خسارہ زیادی کشید کہ تلافی آن بجز ازینکہ مادست بیعت را بفرزندارشد این شاہ شہید اعلیٰ حضرت محمد ظاہر خان دادہ و بخاندان شریف و نجیب شان یک اخلاص و اعتماد کاملی بدل می پرورانیم، بدیگر صورت ممکن نیست؛ از زبان حقائق ترجمان جناب مستطاب نورالمشائخ صاحب بہ لہجہ و آہنگ مخصوص رقت آوری کہ عموم حضار را بہ گریہ در آورده بود؛ بیانات مہیج و مؤثر دیگری نیز ایراد گردید و عموم علما، فضلا، امنا، و معاریف ملکی و نظامی حتی عموم طبقات ملت مناقب و مزایای عالیہ اخلاقی و مراتب خدمتگذاری و جان نثاری و دیانت پروری و ترقی خواهی آن شاہ سعید و شہید را تذکر نمودند، بعد از ادعیہ کثیرہ بر روح مبارک آن شاہ شہید جنت مکان و بقای عمر و اقبال اعلیٰ حضرت محمد ظاہر خان تاجدار جدید افغانستان بہمان تجلیل و احترامات فوق العادہ جنازہ آن شاہ شہید راہ سعادت و مفخرت مملکت افغانستان را بہ موتر حمل و بطرف تپہ مرنجان با یک آداب و احترامات مجلی نقل دادند۔ لدی الوصول بہ دروازہ مسجد عید گاہ مجدداً قطعات عسکری مراسم سلام و احترامات شایانی را ایفا کردند و موتر جنازہ با تجلیل و وقار مخصوصی بمرکت

افتاد. برای اجرای مراسم تدفین آن تاجدار با فضل و تاریخی افغانستان، جمعیت کثیری از طبقات مختلفه در تپه مرنجان و اطراف آن مشاهده میشد، عندالورد به حدود مدفن جنازه آن شهید سعید به دوش علمای محترم و صاحب منصبان عسکری و معاریف ملی که هر کدام از یکدیگر برای تشریف جستن بآن پیشی می گرفتند، به مدفن نقل و بر طبق مقررات اسلامی، آن فخر تاجداران افغانی را که طول حیاتش را یک سلسله مجاهدات و خدمات تاریخی در راه حصول سعادت خاک افغانستان تشکیل میداد و اخیراً در راه خدمت همین خاک جان عزیز خود را فدا ساخت بظهر پنجشنبه بخاک سپردند.

بعد از ختم فاتحه چهل ذات همایونس در خواست مجازات قاتل از طرف ملت شده و پس از اینکه قاتل نابکار و معاونین قتل محمود، عبدالله، اسحق خودشان در محکمه عدلیه بافعال شنیعه خود اعتراف کردند عبدالخالق قاتل و محمود اعدام و عبدالله و اسحق محکوم بجزس دوام گردیدند.



جناب مرحوم مغفور سردار محمد آصف خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED
ASSEF KHAN oncle de S. M.
NADIR CHAH.



جناب مرحوم مغفور سردار محمد یحیی خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED
YAHYA KHAN grand'père de
S. M. NADIR CHAH.



جناب مرحوم مغفور سردار محمد یوسف خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED
YOUSSEF KHAN père de S. M.
NADIR CHAH.

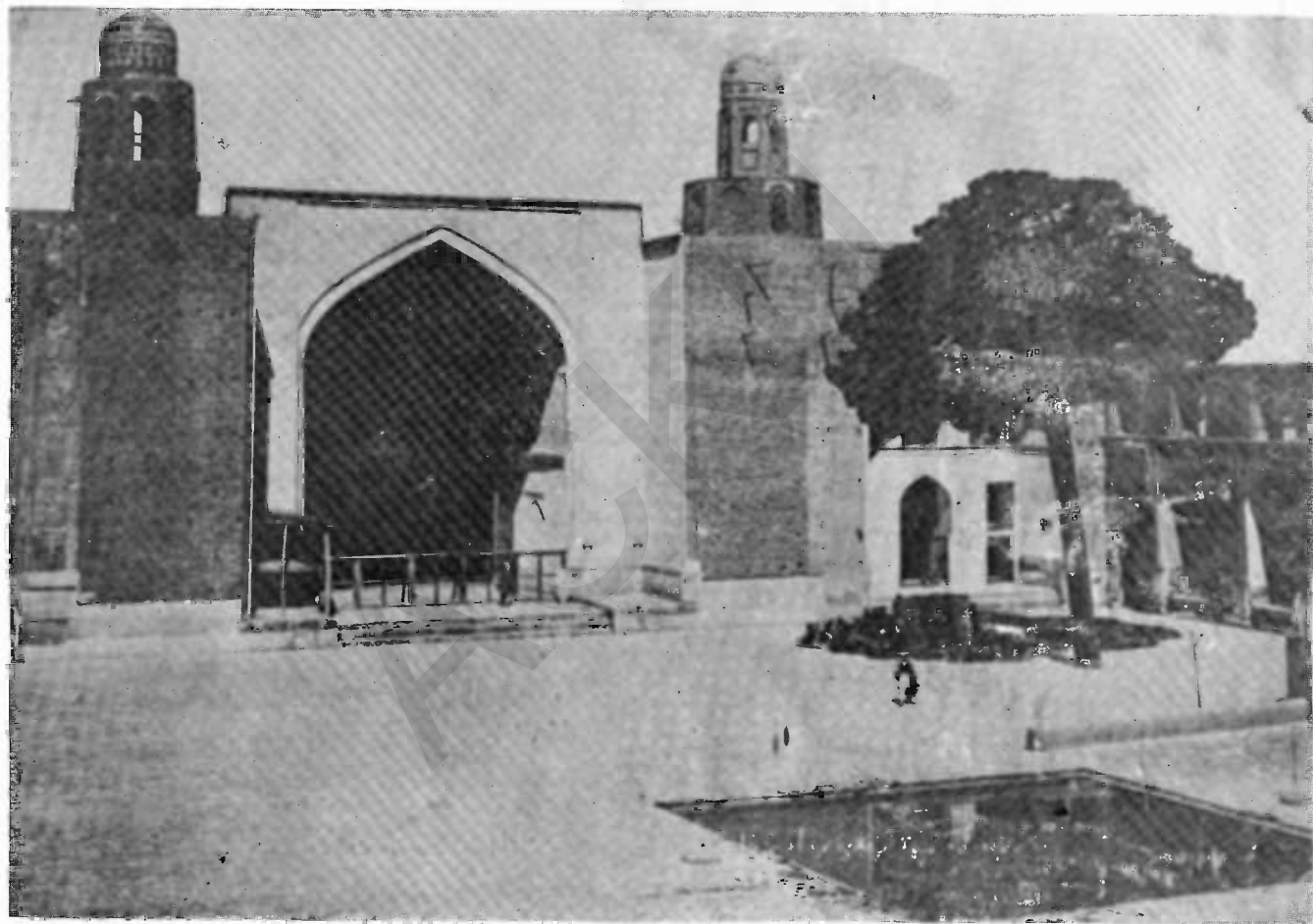
يك فتوى تاريخى كه بعد از حصول استقلال در وزارت حربيه گرفته شده



اعلیحضرت غازى محمد نادر شاه شهید و والا حضرتین سردار شاه و ایخان غازى وزیر مختار
و سردار شاه محمود خان غازى سپه سالار و وزیر حربیه

Photographie prise après la victoire de la Guerre de l'Indépendance
au Ministère de la Guerre.

De gauche à droite : S. M. Nadir Chah, S. A. R. Sirdar Chah Vali
Khan Ministre Afghan à Paris, S. A. R. Sirdar Chah Mahmoud Khan
Ministre de la Guerre.



جامع شریف ہرات
La Grande Mosquée de HÉRAT



شرافت مآب جناب قیاب صاحب



شرافت مآب جناب حضرت صاحب نور المشائخ



تتمعات تاریخی :
پنم آقای محمد بعنوبخان

نژاد افغانیان

سهل ترین موضوع از لحاظ وضاحت مباحث تاریخی و موجود بودن آثار و شواهد مستند کنونی یا مشکلیترین مسئله از جهت عدم توجه مورخین وطنی و درهم ساختن حقایق تاریخی موضوع نژاد اهالی عزیز افغانستان است. چه در صورتیکه اقوام مهاجر آریائی که ازین سرزمین عزیز یعنی مهد پرورش و گهواره قدیمه نژاد آریائی در ممالک و امصار بعیده رفته و توطن گریده اند امروز میتوانند با جرئت اثبات نژاد کرده و تاریخی برای خود تدوین نمایند آیا قوم قویم و ملت تاریخی این سرزمین که میتوان آنرا ابوالآبی آریه نامید نمیشود تاریخ روشنی در موضوع نژاد خود داشته باشند؟ پس باید اذعان نمود که ذوق شخصی مورخین گذشته وطن مقتضی همین مسئله بوده که خواهی نخواهی نژاد اهالی را منسوب باقوای نمایند که نزد آنها موقعیتی داشته است همچنان اسناد خود قول اشخاصی را قرار میدادند که آنها بدون زحمت تحقیق و تتبع یکی بعد دیگر متوسل بروایت تخمینی یک مورخ شده اند امثال مورخ فرشته، تاریخ سلطانی، حاججهان لودی خورشید جهان و امثالهم.

انجمن ادبی کابل که از آغاز تاسیس تاکنون همهچه مطالب مهمه ملی یعنی احیای ادبیات، تاریخ و مشاهیر و بانی شئون قدیمه ملیه پرداخته است از اجمله موضوع تاریخ قدیم و غن یعنی دوره قبل الاسلام و تاریخ ادبیات، نژاد و غیره را از لحاظ تحقیقات و نگارش دیگران در نظر داشته است: جناب یعقوب حسن خان که در همین موضوع ذوقی دارند مدت چنددی بود که بکتاب مخلفه موقوف خارجی و داخلی رجوع فرموده و تحقیقاتی نسبت بنژاد، خصوصیات تاریخی ملت نجیب افغانستان می نمود. و

آخراً بترتیب و تدوین یکمده فوت های مهمی موفق شده و در نظر دارد که آنرا بعنوان تاریخچه قدیم افغانستان یعنی ادوار قبل الاسلام طبع نماید. عجبانه جناب معزی انیه از جمله آن یاد داشت های سودمند خود عده را به مقصد اخذ مطالب نژاد اهالی این سرزمین برای سانسنامه کابل اهدا نموده است که بنده بترتیب و تسوید آن پرداخته اینک بنظر قارئین محترم می رسانم.

(غلام جیلانی اعظمی)

معاون انجمن

آریه ها

مؤلف در مقدمه کتاب تاریخ قدیم افغانستان که در دست دارد بحث مفصل از مسکن اصلی آریه ها کرده و توضیحاتی (۱) داد. است پس اگر این موضوع را درین مختصر که مقصد ما از توضیح نژاد افغانیان است تکرار کنیم مسئله بطول انجامد، لهند اعجاباً از تکرار موضوع صرف نظر کرده و مقصد را بطور آتی میگذاریم.

۱ - مردم آریه ویا هند و اروپائی درین ایام (هندوستان شمالی، افغانستان، تاجکستان، ایران آرمینیه، قفقاز، کل یورپ « ماسوای هنگری لیب لند» روس جنوبی و فن لیند» سکوت دارند و مردمانیکه از یورپ به امریکه، و افریقه جنوبی، استرالیایا و نیوزیلند رفته متوطن شده اند هم از نژاد هند و اروپائی میباشند اهالی هنگری، لیب لیند، روس جنوبی و فن لیند زرد پوست میباشند -

عتیقه شناسان و محققین تاریخی اروپا پس از اینکه مصر در سالهای اهمیت الواح و عتایق ۹۹ - ۱۷۹۸ میلادی بدست ناپلیون معروف مفتوح گردید، مصروف قدیم در تاریخ: و متوجه به تحقیقات تاریخ و تمدن قدیم سرزمین شرق و تهذیب و تمدن ملل مذکوره گردیدند.

گرچه قبل ازین هم مورخین اروپائی از قبیل یونانیها و رومیها خدمتی بتوضیح تاریخ ملل و ممالک مشرق کرده بودند ولی این تحقیقات مابعد در مصر مباحث تاریخ گذشته را غالباً مستند ساخته و کشفیات جدیدی را بران افزود، مخصوصاً کتیبه هائیکه از سرزمین های قدیم و تاریخی بدست آمد بیشتر برای حل غوامض تاریخی کمک کرده و اسناد مهمی بدست محققین داد.

مثلاً موقعیکه نظامیان فرانسوی در قلعه «سینت جولیان» مصروف کار و عملیات بودند اتفاقاً سنگی معروف به «روزیت» بدست آنها آمد که تحریرات منقوره اش به سه رسم الخط و سه زبان بوده و ناپلیون بزرگ آنها را بمقتصد ترجمه و تحقیق بفرانسه فرستاد و متخصصین این فن در آن شروع به تحقیق نمودند (۱) - و پس از استفاده از ینگونه آثار تاریخی ذوق و شغفی به مورخین و منتبعین اروپائی پیدا شده بخرمیتات و کاوشهای دیگری پرداختند که امروز حیات بافتن تاریخ ادوار زندگی بشر قدیم مرهون همین کیفیت است یعنی آثار مکتشفه از امصار و بلاد قدیمه، کتیبه ها و الواح منقوشه بخطوط و علامه های بشر گذشته بهترین ترجمان حالات و حیات شان بوده و خود بخود آنها از چگونگی حیات و کیفیت تمدن و تهذیب ملل مذکوره اظهار و نمایندگی می نمایند مثلاً سوماریها، ایلامیها و آتوریها و غیره شرح بعضی وقایع را بالواح گلی بی رنگ و شیشه دار تحریر کرده و آنها را مثل خشت و ظرف گلی پخته میکردند، مصریها بستکها و پوست بوته پایی روس (لفظ انگلیسی پیر بمعنی کاغذ از ان اشتقاق یافته) می نگاهشند، بالاخره ازین الواح مدفونه - تمدن قدیم و در خشان شرق بدست آمده و مبرهن گردید که سرزمین باعظمت شرق مهد پرورش و ولادت انبیای اولی العزم (علیهم السلام) و ایشانیها معلم و مربی اخلاق، مؤسس تمدن و اصول اجتماع و بانی حکومت و اهل تدین بوده و بیاتی دنیای بشریت ازین صفات و محاسن و مکارم اخلاق بمنزله خرد سرمشق هادانه اند.

واضح است که برای تهیه لوازم زندگی بشر منطقه معتدله موقعیت اراضی برای مساعدترین حصه زمین میباشد بنا بران برای زندگی و رهایش سکونت انسانهای قدیم: انسانهای قدیم مورخین مالک عراق، مصر، شامات و غیره را از لحاظ آب و هوا، سرسبزی و شادابی اراضی موزون دانسته و برای سکونت اجتماعات انسانی و طی کردن مراحل ترقی مساعد پنداشته اند همچنان از کتب قدیمه (وید) و (آویستا) معلوم میشود که قطعات اراضی (سغد) ماوراء النهر و (آریانه) هرات، (باختر) بلخ نسبت به امروز بیشتر سرسبز و شاداب و دارای جلگه های وسیع و مرغزارهای لطیفه و کوه های سرسبز و مملو از اشجاری بوده از حیث علف، نباتات هر قسم، طیور، مواشی و غیره وسایل تغذیه انسانی و حیوانی خوبتر برای گذاره و سکونت مساعد بوده. لهذا اگر مهد پرورش و گهواره تربیت نخستین بشریت را مورخین از لحاظ استعداد خاک و مواد ضروریه طبیعی به اراضی مسکونه فعلی نسل سامی منسوب نموده باشند باهمین دلایل نمیتوان ولایات شمالی افغانستان و ماوراء النهر را ازین استعداد بی بهره دانسته و یا آنرا محل سکونت بشر قدیم نتوان شمرد، علاوه تا چین و افغانستان در منطقه معتدله شمالی واقع شده برای سکونت انسانها مساعد و موزون میباشد.

گرچه تا هنوز درین ولایات اصولاً حفریاتی شروع نشده تا از خرابه زار و آثاریکه شواهد قدامت این شهرها بشمار است اسباب و اسناد لازمه کشف شود ولی با این هم تا جائیکه علمای حفریات مخصوصاً هیئت های علمی فرانسه بقدریکه در خرابه زار بلخ تحقیقاتی کرده و نظریاتی اظهار نموده اند معلوم میشود که این سرزمین دربارک

* نخستین کسیکه این کتیبه ها را خوانده و مرفق بفهمیدن شد شامیلیان فرانسوی است.

زمانه خیلی قدیمی مهد زندگانی انسانهای بوده که هنوز از تمدن کلدیه و آثور خبری نبود - و یقین است اگر حفاریات اصولی در ولایات مذکوره اجراء شود آثار و شواهد مهمه دیگری بدست خواهد آمد که تمدن اقوام آریائی اینخاک را نسبت به آثور و کلدیه نیز قدیمتر ثابت کند -

پس تاسی با قوال علمای تاریخ کرده میگوئیم : که مرکز زندگانی اولیه و مهد پرورش نخستین اقوام آریائی شمال مملکت عزیز ما افغانستان بوده و در ادوار مختلف قسمت های عمده ازینخاک نظر بکثرت و تراید نفوس خود و یاد دیگر حوادثیکه در مرز و حیات انسانی طبعاً واقع میشود مجبور به مهاجرت ها شده و در جلگه های وسیع هند و فارس و ممالک غربی رفته و قسمتی توطن بهمین خاک های پدری و سرزمین تاریخی خود اختیار کرده و در عین حال از کوهستانات و جلگه های مساعد و شاداب وطن استفاده نموده اند که اقوام موجوده افغانستان با خلط جزئی از خونهای بعضی همسایه های مشرق مثل مغل ها و کچی هم از سامی های عهد اسلام باقی همه از بقایای همان آریه های قدیم و اخلاف صحیح پدران تاریخی خود میباشند شهر های قدیمه افغانستان مثل بلخ، آریانه، کابل و بست با رعایت اسلوب مدنی در تاریخ های قدیمه معمور و محل سکونت اجتماعات بزرگی از اهالی خود این سرزمین بوده که هنوز سکندر مقدونی و کوشانی ها درین خاک دست نیافته و قبل از تسلط این حکومت مهاجرت و یاهجوم اقوام سامی در افغانستان مطلق واقع نشده بود پس ازین تشریح مختصر به مرام اصلی خود رجوع مینمائیم .

لغات و زبان که یکی از مهمترین وسایل قرابت انتساب انسان و اقوام جهان است درینجا بیشتر جلب توجه ما را کرده و لازم افتاد مختصراً از انتساب زبانهای افغانستانی با دیگر السنه آریائی بحثی نمائیم لهذا میتوان فهمید که عموم لغاتیکه اقوام آریائی مثل اروپائیا امریکائی ها (که از یورپ به امریکه توطن گرفته اند)، هندی ها، افغانستانی ها و ایرانی ها و غیرم بدان متکلم اند شاخه های يك اصل یعنی زبان آریه تاریخی و با دخالت جزئی و بایشتری (اما بعد از هجومات مغل ها و سامی های اهل اسلام) که بمرور دهور لغات سامی ها و مغل ها در آن تأثیر نموده امروز مورد محاوره و تکلم اقوام مذکوره میباشد - اسلاف و متکلمین السنه موجوده آریه و یاهند و اروپائی چندین قرن قبل از ولادت مسیح علیه السلام از بحر اطلس الی رودکنگا و دریای طارم ترکستان مشرق سکونت داشتند .

علمای السنه زبان های آریائی را دریازده شعبه () قرار گردن چایلد Gordon Childe تقسیم کرده که منجمله آن ما فقط سه شعبه را که موضوع بحث بوده و در آسیا تعلق مخصوصی دارند بیان مینمائیم .

۱ - زبانهای متفرقه فارسی است یعنی زبانهاییکه در کتبه های قدیمه شاهان هخامنشی و در گاته ها (سرودها) و کتب دینی مؤخرتر پارسی « ژند » () در قید تحریر آمده، و عده دیگری از زبانهاییکه از ترکستان مشرق الی قفقاز و یورپ منتشر بود .

۲ - شعبه دومین مشتمل است به زبانهای هندی که بدو سنسکرت و باز پراکریت های قدیمی و بالآخره زبانهای عصری مروجه هندوستان شمالی مشتق از آن شده .

* میگویند در عهد ویشناس شاه بلخ (فردوسی در شاهنامه این بادشاه را گشتاسب نامیده است) که از ملکه او « حوتاس » نام می برد زردشت یکی از زبان های علمی و درباری کنایی را تدوین نموده نام آن را « ژند » نهاد - « ژند » جزو چقیاقی را گویند که شعله آتش میدهد - ژند بسیار مشکل بود لهذا شرح آن تحریر و نام آن « پاژند » نهاده شد - پاژند حصه دیگر چقیاقی را میگویند - یعنی وقتیکه « ژند » با « پاژند » تصادم خورد جلوه بنظر بیاید - لیکن این شرح از متن هم مشکل تر بوده شرح مزید لاحق آن گردید چنانچه نام شرح دومین اوستا گذاشته شده (سخندان فارس)

این کتابیکه پارسی ها آنرا مقدس میباشند در زبانی نوشته شده که آنرا عموماً آویستائی میگویند، و این زبان از زبان کتیبه های شاهان هخامنشی دارای اختلاف است - آتش پرستان عقیده دارند که کتاب دارای ۲۱ جلد بود و محروف طلائی بردوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود - و میگویند که بعد از زوال سلطنت هخامنشی بر باد شد و جزء کیکه بدست آمد بگفته سکندر یونانی در زبان یونانی ترجمه گردید - بعد از آن یکی از پادشاهان پارتی که در حدود نصف قرن اول میلادی سلطنت میکرد کار جمع آوری آویستا را شروع کرده بود، اما اردشیر بانی خاندان ساسانی جامع آویستا گفته میشود و از روی نوشته چانیکه موجود بود و عبارات آویستائی که مردم یاد داشتند آئین دین زردشتی منضبط شد -

۳ — طایفه سومین عبارت است از السنه طخاری که درین زمانه مرده و بکلی از میان رفته و فقط از کتیبه های (۱۰۰) قدیمی که درین نزدیکی ها از شهر مدفون وادی طارم بدست آمده کشف شده است که غالباً تاریخ آن در نصف آخر هزارم سال میلادی می باشد .

يك نکته مهم وقابل توجه اینست که سنسکرت « رگ وید » و فارسی کتیبه های داریوش و گاته های زردشت اینقدر باهم شبیه می باشند که این سه زبان را میتوان لجه های مختلف یکن زبان واحد شمرد . مزید به مطلب فوق ملل بزرگ هند و ایران توأمأ خود را بيك نام مشترك (ایریه و آریه) (۱۰۰) میخوانند و در یکی از زمانه قدیم دسته مشترك دریاها را میدانستند مثلاً (سرسوتی) و (هراوواتش) (۱۰۰) - کذا معبودان آنها دارای اسم واحدی بودند مثلاً « ترا » ، آریتان ، ناستبه و غیره . همچنان سرود های دینی آنها بيك وزن دارند و طرز قربانی های شان یکنوع بودند و بيك نوع شربی که آن را متبرک و مقدس می شمردند بيك اسم بسیار شبیه (یه و یایمه) (۱۰۰) شروع کرده می نوشیدند .

بنابران از يك آهنگی و وحدت مراسم و غیره میتوانیم استنباط نمائیم که هندی ها و ایرانیها بلاشبه دوفرع از اصل يك نژاد آریه بوده و قبل از تفرق اوطات تا از منه درازی بیکجا بود و باش واقامت داشتند .

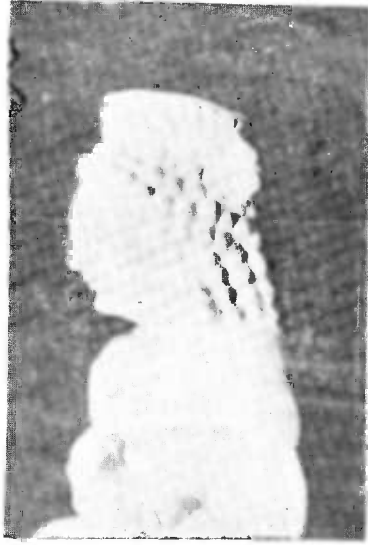
گرچه علای السنه ، زبانهای فارسی ، هندی و طخاری راسه شعبه زبانهای آریائی قرار داده اند ولی فی الحقیقت این سه خانواده زبانها از زبان باختری (بلخ) منشعب شده اند ، بدلا یلیکه (۱) مردم آریه از مرکز باختر بطرف مغرب و جنوب مشرق و مشرق مهاجرت نموده و با اوطات مختلف سکونت پذیر گردیده اند - (۲) زردشت بلخی « ژند » را تدوین نموده زبان مروج آن زمان را برای ما نشان داده است (۳) نفوس متزایده آریه از بلخ به هند مهاجرت کرده و بدریای اندس رسیده رگ وید را تصنیف کردند و زبان سنسکرات سنه ۱۹۰۰ ق م ، برابما معلوم شد - (۴) شعبه آریائی های فارسی از نواحی مرو باختر داخل ایران مشرق شده ولایت کرمان را عبور و بسرزمین فارس موجوده واقامت گرین گردیدند و بواسطه واقامت به همین سرزمین فارس قومیت و زبان شان بفارسی شهرت یافت - کتیبه ها نیکه از قدمای آن ملت مثل داریوش (۱۰۰) و غیره اخیراً بدست آمده زبان مروجه قرن ششم قبل المیلادی خلاصه فارس را بمائشان میدهد .

« کتیبه طخاری به الف بای خروشطهی نوشته شده و این ابجد خروشطهی Khroshtli در ترکستان مشرقی در زمان سلطنت کوشانی به قرن سوم میلادی رسیده بود - خروشطهی از خط آریائی (خط ساییها) مشتق شده و در هندوستان به قرن ششم ق م د زمانیکه علاقه شمال مغربی هندوستان تحت سلطنت ایران بود وارد شده بود کتیبه آریائی که جوهن مارشل در تکسیلا یافته است ثابت میکند که زبان و ابجد آریائی به گندهارا داخل شده بود ، گویا عمل خروشطهی هندوستان شمال مغربی بود و اگر کدرام جای دیگر یافت شود البته منخ و مرکز آن همین علاقه است - خروشطهی علامات صریح میدای سایی را نشان میدهد مثلاً از طرف راست به جانب چپ نوشته میشود و حروف علت پوره اظهار تمیضود ، در قرن سوم میلادی این ابجد خروشطهی در ترکستان چینی رواج و عروج یافته بود ، بعد از ان الف بای برهی جای آنرا گرفت - البته بعد از ظهور و غلبه اسلام درین دیار و رسم خط عربی ویا فارسی رواج یافت - « آریه تلفظ ژندی و آریه تلفظ سنسکرت میداند - « آریه » نام قدیم دریای مالمند و علاقه قندهار سرسوتی به فتح سین و را و سکون سین و فتح واو - هراوواتش به فتح هور و ضم و انف و سکون واو و کسرت سکون سین « آریه » (یه تلفظ آریائی و یمه تلفظ سنسکرتی است - ابتداء یمه یکی از نامهای آفتاب شروب شونده بود بعد بنام کدما ملوانی تبدیل شد ، و عقیده داشتند که (یمه چندین نفر را راه نشان میدهد » و اولین کسی است که در « اطفاقی و وسیع رگت » داخل میشود - دوسگ داشت که رگ آنها نخودی ، پوز آنها بنین و چهار چشم را دارا بودند - وظیفه این سگها این بود که مرده ها را بوئی و معلوم کرده بحضور پادشاه خود یعنی یه بیارند ا بنا بران میتوانیم از روی رواج زردشتی موسوم به سگدین یادگار این سگها را سراغ نمائیم - آویسته ، ویز میکند که « در وقت نزع يك آدم باید سگ زرد دارای چهار چشم و یاسگ سفید دارای گوشهای خود رنگ نزدیک مرده ، ورده شود تا دیو در نعض داخل شده نتواند - درین نام پارسی ها یعنی گبر هانکه از رسم قدیم واقف نیستند بر سینه مرده تکه نان میبندد ، اگر سگ نان را خورد آدم یقیماً مرده است ، پس او را به دخه می برند -

« آریه های بلخ افغانستان که در فارسی مهاجرت کرده واقامت گرین گردیدند منجمله آنها سه قبیله یعنی پسا رگانی ، Pasargadae و مارا فیان Maraphian و ماسپیان Maspiian معزز گردیدند که سپس صفحا منشی های خاندان شاهی ، از قبیله پسا رگانی بوجود آمدند .



مجسمه های کوچک صنعت گری بونودیک که در اثر حفاریات هیئت حفاری وزارت معارف در تپه خزانه ، عقب چنداول ، کشف شده است
 Statuettes d'Art Greco - Bouddhique découvertes au cours des fouilles entreprises par le
 Ministère de l'Instruction Public à TAPPA-É-KHAZANAH aux environs de Kaboul.



مجسمه های سنگ مرمر که در کوتل خیرخانه بشمال کابل کشف شده (موزه کابل)
Statues en marbre découvertes à COTALÉ-KHAIR KHANAH, à quelques kilomètres
au nord de Kaboul (Musée de Kaboul).

چنانکه بیشتر گفتم که این سه زبان یعنی سنسکرت ، و فارسی کتیبه های داریوش و گاته های زردشت بقدری با هم قریب و متشابه است که لهجه های مختلفه يك زبان واحد معلوم میشود ، بناءً عليه این زبان مشترك بحر کر باختری یعنی گهواره معروف پرورش آریه ها منسوب است و بعد ازین باید آنرا زبات باختری نامید چنانچه این زبان در زمانه های ماقبل هم به باختری شهرت داشته و بمرو زمان بطوریکه در عوام امم مرسوم است در نتیجه تاثیر اقلیم و ماحول از جهت سهولت تخفیف و تسهیل در تلفظ واقع میکنند لهذا لفظ (باختری) را یاختی و یسانها (پختو) (پشتو) (پشه ای) تلفظ کرده اند - و آن لغاتی که بین آریه های مسکونه خود باختر و آریانه متداول بود چون زبان ملی و بومی نزد باشندگان شناخته میشد از ان جهت اسم معروفی جز آریائی که هنوز ماهیت اصلی آن معلوم نیست نداشت - ولی اقوام مهاجر آریه که از مرکز وطن دور افتاده و در مملکت فارس موجوده زندگی میکردند نزد بیگانگان زبان شان با اسم فارسی مثل قومیت شان بفارسی شهرت پیدا کرده و بعد از تسلط و غلبه هخامنشی های (فارس) این اسم « فارسی » بافغانستان هم انعکاس کرده و این شعبه زبان باختری وطن مخصوصاً در قسمت های غربی و شمال مغربی بفارسی شهرت یافت .

بالاخره زبانهای سکری (سیستانی افغانستان) ، سغدی ، ارمنی ، پهلوی ، و فارسی ، ارمری ، و پشتو و زبانهای غلجه از ان مشتق شده و در علاقه های متفرق طرف محاوره واقع گردید .
ازین بالاتر رفته می بینیم که لاتینی ، یونانی و ایرانی قدیم و سنسکرت با هم شباهت و مماثلت تمه دارند .
در اینجا مناسب آمد که راجع به ارتباط و نزدیکی لغات زبانهای مختلف آریه یکمده لغات را مختصراً بطور عمده مثال بقارئین عرض و ارائه بدهیم :

عدد

سنسکرت	پشتو	فارسی	هندی	تخاری	نورستانی	انگلیسی	آلمانی	فرانسوی	یونانی	لاتینی
ایکه	یره	يك	اك	شوم	ایو	ون	آینس	ان	ایس	اونوس
دوه	دوه	دو	دو	-	دیو	تو	سواى	دو	دوو	دوا
ترایه	دری	سه	تری	تری	تره	تری	دری	تروه	تریس	تریس
کتواره	ساور	چهار	چار	ستویر	اشتوا	فور	فیر	کتر	تساریس	کواتور
پانچه	پزه	پنج	پنج	یس	پوچ	فائیو	فنف	سنگ	پنی	کوانک
شات	شپک	شش	چه	سکس	شو	سکس	زکس	سیس	سکس	سیکس
سپتا	اوه	هفت	ست	شکت	سد سوت	سیون	زیین	ست	سپتا	سپتم
اشتو	اته	هشت	آتهه	اوکت	وشت	ایت	اخت	ویت	اوکتو	اوکتو
ناوه	نه	نه	نو	نو	نو	نائین	نوئین	نف	ایویا	نووم
داسه	لس	ده	دس	سک	دوته	تین	تسین	دیس	دیکه	دیسیم
ستام	سل	صد	سو	کتی	-	هندرد	هندرت	سان	سیکاتون	سنتم

فعل حال بودن

سنسکرت	پشتو	فارسی	هندی	انگلیسی	فرانسوی
آسمی	یم	ام ، هستم ، استم	هون ، آن	ایم	ژو سوی
آسی	ی	ای ، هستی ، استی	این ، هی	آرت	تو ای
آستی	دی	است ، هست	ای ، هی	از	ایل ای

بعض اسما

پشتو	فارسی	نورستانی	هندی	انگلیسی	آلمانی	فرانسوی
ورور	برادر	برا	بهائی - بهرا	بردر	برودر	فرید
لور	دختر	جوك	بهین - دهی	داتر	تختر	فی
مور	مادر	نو	مان	مدر	متر	
ستوری	ستاره	شنا	تاره	ستار	شترین	ایتول
غواغوی (هاده) (ز)	گاو	گا	گان - گای (ماده)	کاو	کوه	بف - تغو (ز) (ز)
آس	اسب	وشوب	-	هارس	پیرو	شروول
آگی	-	-	ایگ	-	-	-

تلفظ فی قریباً در کل زبانهای آریائی یکی است : مثلاً

انگلیسی	پشتو	فارسی	هندی	رومی	جرمنی	فرانسوی	نورستانی
نو	ته	فی	نهین	نیت	نائین	نون	فی

از ارائه دادن توافق لغات فوق اگر خوانندگان محترم را بدرستی قانع نساخته باشیم؛ چون این موضوع محتاج به اطلاعات وسیعتری بوده و بیشتر درین مختصر ازین موضوع بحث مفصلی ایراد نمود پس اهل ذوق میتوانند بکتاب السنه و علم الاصوات مراجعه فرمایند و درین مختصر صرف مقصد ما از نشان دادن نمونه از ارتباط باهمی السنه آریائی است که در و همرفته لغات این طوائف اگر در صد یا زده هم قرابت صوت و نزدیکی حروف داشته باشند ولی با لغات سامی و تورانی هیچ قرابت ندارند - مثل طاغ - قارداش در (ترکی) جبل - اخ در (عربی) - آته در ترکی ام در عربی مادر در فارسی و قس علی هذا

برخی از محققین آسیای وسطی یعنی علاقه جات بین و نواح دریای جیجون و گهواره آریه ها سیجون را مسکن و ماوای ابتدائی آریه ها قرار داده بودند، غالباً معلومات آنها بعد از تاسیس رایل ایشیا تک سوسایتی لندن (مجلس شاهی ایشیائی) (Royal Asiatic Society) و ایشیا تک سوسایتی بنگال، برویدهای هندی و آویستای باختری منحصر بوده ولی دیده می شود که مردم آریه نژاد در قطعات بعیده و وسیع تری متفرق و پراکنده میباشند و درین قطعات تا اندازه که حفریات شده و اشیائیکه مثل ظروف گلی و اسلحه سنگی و غیره از آن حفریات بدست آمده شبیه یکدیگر میباشند لهذا علمای تاریخ مجبوراً در تعیین و تخصیص مسکن ابتدائی مردم آریه متردد و مندبذ گردیدند و چون برای تعیین محل حقیقی آنها بجز کتب وید و آویسته دیگر سندی بدست نیست لهذا از روی قیاس و تخمین محققین درین موضوع بدو دسته منقسم شده اند که ما آنها را بعنوان حزب شرق و حزب غربی مینامیم، حزب شرق: دلایلی ذکر کرده و آسیای وسطی را مامن ابتدائی آریه ها قرار میدهند.

حزب غربی: یوروپ بعضی نقاط غربی مشرق را مسکن ابتدائی آریه ها قیاس میکنند، لیکن در یوروپ یک موضع را مبدای آریه ها قرار داده نتوانسته اند یعنی روس جنوبی، آرمینیا، اناطولی، وادی دریای دنیوب، لیتوانه و یاسکندی نیویارا گهواره آریه ها خیال میکنند در حالیکه در شرق آسیای وسطی را بالاتفاق منبع آریه ها قرار داده اند،

مورخین و محققین یکی از جمله دلایل برای تعیین مهد اولی آریه ها مساعدت مواقع جغرافیائی و خوبی آب و هوا و کثرت اشجار و نباتات ممالک را طرف توجه قرار داده اند، باوجود آن مجبوراند که نامهای اشجار و حیوانات اهلی و وحشی را که درویدها ذکر شده در نظر گرفته بحث کنند که اینگونه حیوانات

واشجار در کدام خطه یافت میشوند - چنانچه پی گائیلز (*) پروفیسر دارالعلوم کیمبرج تنها جلگه هنگری و وادی دینیوب را مسکن ابتدائی آریه ها قیاس میکند - ولی گوردن چایلد در کتاب مؤلفه خود « دی ایرنیز » یعنی آریه ها جلگه مواضع مذکور فوق را مسکن اولی آریه ها فرض کرده بحث عالمانه نموده جلگه نظریات را رد میکند مگر رجحان او زیادتر طرف نظریه آسیای وسطی میباشد - بهر حال اگر چه بین علای این فن اختلاف نظر است اما اکثر دانشمندان عقیده دارند که مامن ابتدائی آریه ها اراضی واقع بین آمودریا و دریای سیحون و باختر (بلخ) بوده است - برای اثبات این عقیده دلایل و توضیحات آتی را باید در نظر گرفت :

در مقدمه همین بحث گفتیم که باکتریانه (میمنه و مزار) و سغد (بخارا و سمرقند) در زمان قدیم مثل عراق عرب و مصر نسبت به امروز آباد تر و شاداب تر بود و کیفیت سطحی این خطه ایجاب مینماید که جمع ضروریات و لوازمات انسانی مثل علوفه ، شکار حیوانات وحشی ، زراعت ، تربیه حیوانات اهلی را تهیه و آماده سازد و شکی نیست که انسان هم فطرتاً اینگونه نقاط را بیشتر برای سکونت و امرار حیات خود می پسندد علاوه بر خلاف جمع نقاطیکه بطور فرض و تخمینی برای سکونت اولیه آریه ها فکر میشود درین سرزمین که مورد بحث ما است اسهای صحیح آریائی را میتوان یافت مثلاً هرات یا آریانه ، بلخ و یا باکتریه ، بخارا و یا سغدیان ، قندهار و یا اراکوشیه و امثالها - کذا از زبان قدیم آریایه ها استنباط میشود که آنها مردمان جلگه نشین بوده فقط دو یا سه موسم را میدانستند و اینطور مواسم تنها در اقلیم بری (* * *) وجود دارد .

از کتیبه های وادی طارم و هم بطوریکه مورخین چینی تقریباً از صد سال قبل المیلاد از مردمانی در شرق ترکستان بحث میکنند نتایج بدست میآید که باید آن مردمان همین طوایف آریائی متوطنین سغد و شرق ترکستان بوده باشند یعنی میگویند مردمانی را در سرزمین مذکور ملاقات کردیم که چشمهای نیلگون داشتند - پس معلوم میشود که آریه ها قبل از میلادالی دریای طارم رسیده بودند و نیز سکندر مقدونی وقتیکه به بخارا حمله آور شده بود با مردمانی مصادف گشت که آنها بزبان آریه تکلم میکردند (۳۲۹ ق م) و سکندر و رفقایش از چادر نشینان مغلی آنجا اثری ندیده بودند -

ولی امروز درین قطعات یعنی سغد و شرق ترکستان که کمتر زبان و شکل و صورت آریه دیده میشود سبب آن اینست که تقریباً از (۸۰۰) سال قبل المیلاد و یا چیزی بیشتر از آن مردم زرد پوست از مشرق قفقز آمده و باین مردم آریه تژاد مخلوط شده رفتند حتی عدّه کمی تژاد آریائی در کوه های صعب المرور برآمده سکونت اختیار کردند چنانچه دادیک ها (* * *) (تاجیک ها) و متکلمین (* * *) زبانهای غلجه یادگار و باز ماندگان همین آریه های کوه نشین میباشد ،

* P. Giles بعنوان « آریه ها » [برای آریه ها لفظ ویروها را تراشیده] « در کیمبرج هستری آف اندیا » مقاله نوشته که آریه ها از دینیوب خروج کرده از راه آرمینیه و یا آبنای باسفورس در ایشیا رسیدند .

** اقلیم بری آب و هوای غیر معتدل و دور از بحر را گویند - چون بحر نزدیک نمیشد لهذا آب و هوای اینگونه خطه در زمستان بسیار سرد و در تابستان بسیار گرم میشود .
*** هیرو دوتس مورخ یونانی داد یک نامیده است .

**** زبانهای غلجه که با اسم زبانهای پامیر معروف است در واخان و حقه مشرق بدخشان افغانستان گفته می شود ، جلگه زبانهای این شعبه باستانی یکی آن بشال هندوکوه گفته میشود - زبانهای مذکور عبارت است از شعنی ، سرکولی ، یغونی [که در علاقه روسیه گفته میشود] - و چهار دیگر یعنی واخی ، اشکاشمی ، سنگلیچی و منجانی (در حدود افغانستان گفته میشوند) - جلگه این زبانها با یکدیگر قریب و مشابه بوده و وضاحتاً از فروعات شرقی فارسی شناخته میشوند - و هم از روی بعضی لغات با زبان پشتو مشابهت دارند - کذا زبان واخی در واخان ، اشکاشمی در گذرگاه پائین دریای پنج ، سنگلیچی در وادی بلاتی و روح [که بطرف چترال میرود] و منجانی در وادی بلاتی آب جرم گفته میشود - انسایکو پیدیای اسلام

هیرودوتس (*) سبت ها و یا اسکائی ها را مغل میخواند ، گوردن چایلد باین قول مورخ مذکور موافقت میکند و تقریباً این عقیده مسلم تر هم بنظر میرسد - اگرچه بعضی محققین اسکایها (*) و یا سبت ها را فراد آریائی گفته اند ولی چون مهاجرت سبت ها از شرق زمین ابتدائی بوده و آنها بتعداد قلیل آمده بودند چنانچه این اسکائیهای زرد پوست نظر به خلط و تحلیل شدن با جمعیت های غفیر آریه ها آخر آ وضعیت و اخلاق آریه ها را پیدا کرده و با تفاق آنها یعنی آریه های اقارب خود بطرف مغرب حرکت کرده به دولت های آثوری و بابلی تاخت و تاز نمودند و شاهان آثوری دخترهای خود را با مرای اسکائی تزویج نمودند و بخت نصر کبیر (*) (یا بنوخذ) شاه بابل دختر کائی آکسار یز پادشاه بزرگ مادیهارا در جباله نکاح خود در آورد - و یک حصه همین مردم یعنی اسکائی ها در افغانستان ما هم داخل شده بودند - ولی بعد از اسکائیها زرد پوستان مثل یوئیچی ها و هونها ، قوم و اخفاد چنگیز خان به تعداد زیادی خروج کرده بغالب ممالک شرقی استیلا نمودند و آریه های ساکنین این دیار مقابل این سیلابهای مغلبت خیلی خسته شده نه تنها حاکمیت خاکهای خود را باختند بلکه صفوت خون آنها نیز در تاثیر آمیزش و هجوم مغولها قدری منغوش و مختلط گردیده و مخصوصاً آریه های آنطرف رود آمواز وادی طارم الی قفقاز و ماسکو بیشتر دچار این مرض نسلی یعنی اختلاط خون فراد اصفر گردیدند - و این احوال در غالب ممالک مشرقی و مسکن آریه های متوطن شرق دست داد چنانچه وقتاً ما از آنطرف جبال هندوکش بخصص شال و بلکنت ما و برای آمو سفر کنیم می بینیم بعضی اقوام بیشتر شباهتی بمغول دارند مثل ترکستان مشرقی و روسیه - کذا همزارهجات داخلی وطن خود ما بیشتر به مغلها شباهت دارد و این مطلب میرهن میدارد که در هر قومی از اقوام آریائی که بیشتر آمیزش و اختلاط مغلها شده آنها بهمان اندازه از خون مغل زیادتر متأثر گردیده اند - واقعاً این امر تاثیرات مهمه در غالب اقوام آریائی نموده است حتی بعضی اقوام آریائی ساکنین غرب مثل روسی ها و غیره نیز ازین مسئله تخلیص گریبان نتوانسته اند - و این مسئله آمیزش و تحولات خون خیلی در اقوام موثر واقع شده است چنانچه اهالی فنلند و هنگری که اصلاً از فراد مغل هستند ولی بواسطه اختلاط با اقوام کثیره آریائی فراد امر و ز چهره و سیبای آریائی ها را قبول کرده اند - کذا طبقات ممتازة تورکان قسطنطنیه بواسطه آمیزش با یونانی ها و دیگر اقوام آریائی آنجا امروز تغییر سیبای اجدادی نموده و شبیه اروپائیها شده اند ، کذا عمرهای عهد فتوحات اسلام در چین که امروز دارای خط و خال و سیبای چینی ها شده اند - و اینست حال اکثر فرادهای مختصری که در بین توده های بزرگ فراد مقابل داخل شده و طبعاً بواسطه غلبه طرف مقابل قبول سیبای عادات آنها را می نمایند ، پس اسکائیهای زرد پوست هم بقعده ما همین حالت را بین آریائی ها حاصل نموده اند -

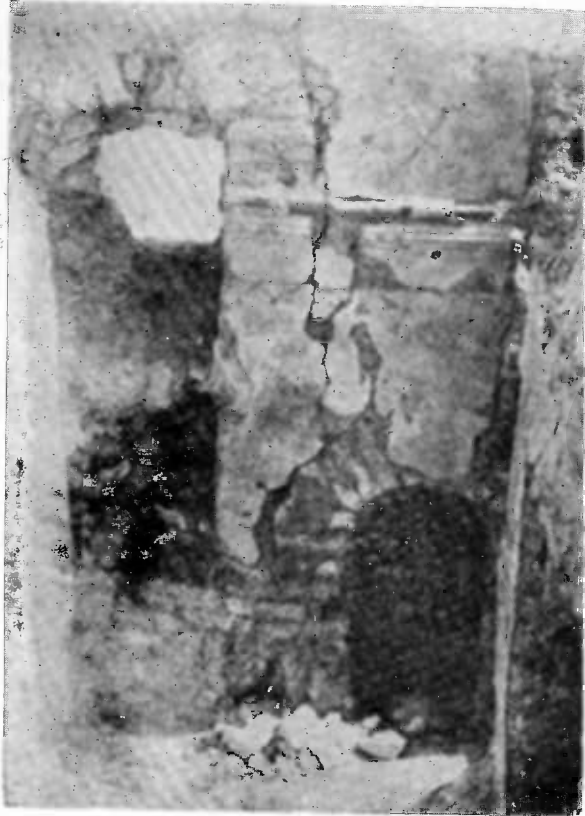
باید دانست که تا سال (۲۰۰۰) ق ، م از ظهور آریه ها بسرحدات عراق عرب آرمینیا و غیره جاهائیکه سومیریها و عیلامیها و ساسیها سلطنت هائی تاسیس کرده بودند اثری معلوم نمیشود ، کاسی ها در حدود (۱۷۶۰) ق ، م در بابل بحکمرانی رسیده بودند بعد ازین تاریخ ظهور و هجوم حمله آوران آریه ها از طرف مشرق و شمال مشرق دران سرزمینها مشاهده میشود - این فشار و هجوم آریه ها اقوام کاسی را که در مشرق کوه زاگروس سکونت داشتند بطرف مغرب براند حتی در سال سنه ۱۴۰۰ ق م خاندانهای حکمران آریه در فرات علیا به تشکیل حکومتی پرداختند - لهذا ازین قصه میتوانیم استدلال نمائیم که برخلاف نظریات بعض مورخین آریه ها از سمت مشرق بطرف غرب رفته اند نه از غرب بشرق ،

مردمان قدیم آریه در جنگلها زندگانی میکردند ، قلبیات شان گاو گادیهیها بود ، ثروت مهم شان عبارت از مواشی و مالداری خصوصاً گاو بود و هنوز اسب را اهلی نساخته بودند - وقتیکه هونها با آریه ها اختلاط و آمیزش نمودند اسب را اهلی کرده و آریه ها از آنها طریق اهلی کردن اسب و صورت استعمال آنرا فیمیدند

* - مورخ قدیم یونانی ۴۸۴ - ۴۲۵ قبل المیلاد * - ایرانیها اسکائیها و هیرودوتس آنها را عموماً سبتها نامیده
 ** - پادشاه کلدانی بابل ۶۰۴ - ۵۶۱ قبل المیلاد - ۴ - گوردن چایلد .



مجسمه های صنعت گریکو بودیک که در تپه مرغان کشف شده (موزه کابل)
Statues d'Art Greco - Bouddhique découvertes à TAPPA-É - MARANDJAN, Kaboul (Musée de Kaboul).



منظره استوهای عصر گریکو بودیک که در تپه مرغان کشف شده.

Vues des Stupas Greco-Bouddhiques découverts à TAPPA-É-MARANDJAN (Kaboul).

و آنرا تیز رفتار نامیده در عرابه های خود می‌بستند و در ممالک غرب نیز آنرا رواج دادند (*)
 تدوین (ویدها) در حدود (۱۴۰۰ - ۱۹۰۰ ق م) (*) و (آویسته) در حدود ۵۸۳ ق م
 بمنصه وجود آمد کذا ذکر نام مشترک آریه دلیل بر آنست که باختر و نواح آن مسکن اولی آریه‌ها بوده -

حرکت آریه‌ها از بلخ
 بطوریکه گفتیم آریه‌ها در آسیای مرکزی تجمع داشته و سپس بواسطه
 کثرت نفوس وارد بلخ گردیدند و این نقطه را مسکن خود قرار داده
 به زراعت و مالداری مشغول گردیدند ولی آخر این سرزمین هم برای شان تنگی کرده و آنها مجبور به نقل
 مکان و پراگندگی شدند. بعد ازین پراگندگی آریه‌ها اساساً بدو شعبه مهم منقسم و موسوم میشوند، یکی شعبه هندی و دیگری
 شعبه ایرانی. گرچه از روی صحت تخمین ایام یکجا بودن و جدا شدن این دو شعبه را معلوم کرد ولی رو به پراکنده چیزیکه
 از کتب مذهبی این دو قوم بدست می‌آید بر اثر اذیل تخمین میشود: زمان تدوین سرودهای (ویدها) را سال ۱۴۰۰ ق م
 تخمین و این وقتی است که آریه‌ها بطرف جنوب مشرق روان شده بکنار دریای اندس رسیده بودند و (ژند)
 درخود باختر در حدود قرن ششم قبل المیلاد بمعرض وجود آمد که ایرانی‌ها آنرا مقتدا بهای خود قرار دادند
 اگر درین ادوار آریه‌ها در یکجا میزیستند لازم می‌آمد که کتابهای مذکور خصوصاً کتاب اولی به زبان
 مشترک میبود، پس برای تخمین زمانه وحدت هندوها و ایرانی‌ها یک هزار سال و یا چیزی بالاتری را تخمین
 می‌شود چنانچه محققین هم زمانه وحدت آنها را تا به (۲۸۰۰) ق م تخمین نموده اند و یک مورخ دیگر
 (دوهارگن) de Morgan ۲۵۰۰ ق م را قرار میدهد - پس از روی این تخمین میتوانیم بگوئیم که
 هندوها و ایرانی‌ها از مرکز ابتدائی خود یعنی باختر (بلخ) در زمانه های (۲۵۰۰ - ۲۸۰۰ ق م) از هم
 جدا شده و بطرف مشرق و جنوب مشرق و بسوی مغرب حرکت کرده اند - و تخمین میکنند که تَرَاد آریائی
 در حدود (۸۰۰۰) سال قبل از میلاد یک زبان مشترک تکلم می‌کردند -

آویسته سبب مهاجرت آریه‌ها را چنین بیان میکند: آریه‌ها ملک خوش هوائی داشته دارای آب‌های
 فراوان و زمین‌های حاصلخیزی بودند - ولی دفعتاً ارواح بد بآنها استیلا نموده زمین را بیخ بست و خراب
 ساخت ملک گنجایش نفوس متر ایدیه را نداشته به هجرت شروع کردند - « کذا آویسته وطن اصلی آریه‌ها را
 (آرین واج) یعنی جای آریه‌ها مینامد و میگوید که « آخر ازین سرزمین بهشتی بواسطه برودت
 به مهاجرت مجبور شدند و آنها به سغد و مورو (نام کلاسیک این دو مقام سوغدیان و مرگیان و نام امروزی آنها
 بخارا و مرو میباشد) مسافرت کردند، ولی قبایل دشمن و ملخ آنها را از سند هم کشید و بالاخره آنها
 به بخدی (مملکت پیرقهای بلند) یعنی بلخ امروزی اقامت گردیدند - سپس جمعی بطرف نیشاب (که بعضی
 آن را مقصد از نیشاپور حالیه میدانند و بعضی به علاقه جنوبی عشق آباد تطبیق میدهند) - رفتند بالاخره آنها
 هرویو یعنی هرات امروزی و وایکرت (کابل امروزی) را منازل خود قرار دادند - بعد از آن
 مهاجرین وارد این منازل بدو قسمت تقسیم شدند: ۱ - ارهوه یقی (اراکوشیه یافتدهار)، هیتو منت
 (یعنی وادی هلند) هته هندو (پنجاب) جانب مشرق یعنی در افغانستان امروزی و ۲ - اروه (طوس)
 و هرکان (گرگان)، رگ (ری)، ورن (گیلان) جانب مغرب یعنی در خاکهای ایران فعلی - »

پس از تفصیلاتی که در باب چگونگی حیات و مهاجرت آریه‌ها آویسته میدهد صریحاً معلوم میشود که
 آریه‌ها بواسطه کدام حادثه طبیعی از آسیای وسطی در بخارا و مورو از آنجا بهات دیگر حوادث در بلخ
 موجوده اقامت گزین شده آخراً بواسطه کثرت اجتماع و عدم کفایت آذوقه و ضروریات عامه ما سه قسمت

* تاریخ مختصر عالم مصنفه ا.ج. - جی ولز امریکائی H. G. Wells * تدوین ویدها در سنه ۱۴۰۹ ق م مرجع
 زردشت در سال ۶۶۰ ق م پیدا شده و در سال ۵۸۳ وفات کرد - اگرچه بعضی مورخین تولد او را سال ۱۰۰۰ تعیین کرده اند مگر
 [۶۶۰ - ۵۸۲ ق م] مرجع است - و قتیکه توران‌ها از ماورای جیحون به بلخ حمله آوردند زردشت کشته شد .

شده اند که قسمتی در علاقه های متذکره ایران رفته و قسمتی در شهر های معروفه و معموره افغانستان مثل بلخ، هرات، کابل، پشت رود، قندهار، اطراف حاصلخیز رود خانه هلمند، اوریشا و یا بلوچستان، قطن و بدخشان، بولورستان (نورستان چترال، کنز، باجور، دیر و سوات غیره، گندهارا، جلال آباد و پشاور الی را و لپندی) پاکتیا (سمت جنوبی) اقامت گزین شده و قسمت سوم از کوه های شرقی و جنوبی افغانستان آنطرف تجاوز کرده در جلگه های سرسبز و معمور پنجاب و سند و کشمیر و غیره رفته بو میان آن دیار را مغلوب نموده به زندگانی پرداخته اند - چنانچه از سرودهای اولیه ویدها اسمای بعض جایهای افغانستان معلوم میشود مثلاً کوبها (کابل) کرومو (کرم) گوتهی (گومل) سوواستو - و مسکن سوات را به کلمه « خانه های خوب و قیس » یاد کرده - و از روی سرودهای متاخر معلوم میشود که آریه ها در آن زمان الی گنگا رسیده بودند -

این قوم قوی، تنومند، سلحشور و اسپ سوار بوده بر تمامی افغانستان استیلا نموده و در قبیله های متعددی منقسم شدند، نام کلاسیک علاقه شمال مغربی اندس و افغانستان آریه ورته (اقامت گاه آریه یعنی مردم اعلی و شریف) و نام دیگر این مملکت که در ادبیات و کتیبه ها تا بنیان است (اترا پاته) یعنی راه شالی میباشد - ممکن است آریه نام کدام قبیله باشد اما بعد مفهوم آن شریف و عالی نسب گرفته شد.

و الحاصل آریه ها هر قدریکه از جهات شمال بیشتر به افغانستان داخل شده و بجمیعت شان می افز و د از لحاظ ضیق خاک بهمان درجه نفوس زاید بطرف جنوب مشرق حرکت کرده میرفتند و نفوس متناسبی درین مملکت بطور داعی اقامت گزین گردیدند - این مهاجرتها عموماً تدریجی و بطور تپله و ی بوده با اموال و مواشی و عایله صورت میگرفت.

طوریکه در ویدها اسمای بعضی مقامات افغانی و هندی گرفته شده همچنان راجع به بعضی قبایل هم ذکری شده است چنانچه مشهورترین و مهمترین جنگ تاریخی از منة ویدی جنگ بزرگ ده پادشاه است که در کنار دریای راوی پنجاب بوقوع پیوست و ده قبیله بسر کردگی رؤسا و یا پادشاهان خود در آن شرکت ورزیدند علت این محاربه غالباً کوششی بود برای تفوق و کسب برتری به هم دیگر - اسمای قبایل ده گانه مذکور قرار ذیل است.

- | | |
|---|--|
| ۱ - الینه ها (*) | غالباً اهالی شمال مشرق نورستان بودند |
| ۲ - پکته ها | که مراد از پختون ها و یا پشتونهای امروزی میباشد |
| ۳ - بهالاس ها | که شاید ساکنین دره بولان چین قندهار باشند |
| ۴ - شیوا ها | باشند گان دریای اندس - ولی فعلاً هم اسم موضع معروفی در قرب جلال آباد به « شیوه و شگی » معروف است |
| ۵ - ویشان ها | |
| ۶ - آنو ها | ساکنین کنار دریای پروشتی (راوی امروزه) |
| ۷ - دروهیوسها | با آنو ها قرابت داشتند |
| ۸ - ۹ - تروشاها - ویدوها دو قبیله متحده | |
| ۱۰ - پوروها | که در کنار مشرق دریای سرسوتی سکونت داشتند |

در (ویدها) (۱۴۰۰ ق م) ذکر قبایل و علاقه های فوق شده مگر در قدیمترین ادبیات آریه راجع به مسکن ابتدائی آنها تذکری دیده نمیشود، ازین رو میتوانم استنباط نمائیم که مهاجرتهای مذکور بسیار

(*) از کیمبرج هسری اف انڈیا

در زمان «رگ وید» مردم آریه درینج قبیله بزرگ تقسیم بودند و هر قبیله شعب متعددی داشت گرچه از زراعت واقف بودند مگر ثروت مهم آنها رمله ها و گله ها شمرده میشد خصوصاً گاو چنانچه از لفظ گاوشتی (یعنی محاربه برای گاو) اهمیت آن کشف میشود. در آن آوان آریه ها زندگانی قبیله وی داشتند و استعمال آهن را نمی شناختند، البته بعد از زمان رگ وید استعمال آهن را آموختند و تهذیب و تمدن خود را ترقی دادند. خلاصه مردم بواسطه این حرکت از مرکز باختر در آریانه (هرات)، غور، اراکوشیه (قندهار و هلمند) بلوچستان، تخارستان (قطغن و بدخشان تا به دریای طارم)، بلورستان (نورستان و چترال و سوات و غیره) پاکتیا (علاقه جات پشتونهای امروزی) تا پنجاب و کشمیر و غیره پراکنده و تقسیم گردیده سکونت پذیرفتند. راجع به دین این مردم تاحال اسناد صحیحی بدست نیست مگر از روی «رگ وید» (قدیمترین چهاروید) میتوان حدس زد که قبل از زمان رگ وید آنها نیز بمثل سایرین عناصر برست بودند یعنی از عناصر صرمضرو محراب خوف نموده به آنها نذرو نیاز میدادند تا از شر آنها ایمن و مصئون باشند و نیز به عناصر مفید مثل آفتاب و ماهتاب و غیره صمیمیت قلبی داشته آنها را می پرستیدند.

آریه های آن روزی را بطوریکه رگ وید می ستاید، اکثر مردمان بلند قامت و متناسب اندام، دارای چهره های خوشنما، موهای انبوه، بینی های باریک و کشیده و متناسب بوده، چنانچه خطوط و جبهه آنها درین ایام به تمام مناسبت بجز بعضی اقوام مخلوط افغانستان باقی بالعموم ساکنین سمت جنوب و سمت مشرقی و کل افغانان سرحد آزاد و کشمیر و پنجاب و راجپوتانه مطابق آریه های دیگر ممالک دیده میشود.

پشتون ها یا پختون ها

چنانکه در سطور گذشته گفته آمد که اهالی افغانستان عموماً از نژاد آریه و در زمانه های قدیم قبایل مختلف چندی از مردمان این نژاد در خاک های موجوده آمده و سکونت پذیر شده و آخراً اجتماعی بهم رسانیده اند؛ لہذا اهالی پشتون زبان افغانستان که اسم قبیله شان معروف بدرانی و غلجائی و غیره است و این طوایف بین دیگر برادران آریائی خود یعنی باقی متوطنین این خاک بشجاعت و وطن پرستی و صحت و تنومندی ممتاز ترند نیز از جمله همان قبایل آریائیهای قدیم این خاک بوده و باختلاف ضرورت و احتیاج هر قبیله نقطه را برای سکونت و معاشرت خود پذیرفته اند.

در مقدمه کتابیکه راجع باین موضوع مؤلف در دست دارد اشاره نموده است که بشر بعد از طی ادوار سنگی و فلزی با اجتماعات مهمه و تشکیل سلطنت ها پرداخته و آهسته آهسته بتهدیب و تمدن قدم گذاشته و ترقی کرده رفته اند. و سپس بواسطه بهبودی و وسایل حمل و نقل و ضروریات تجارتی اختلاط باهمی بین خود ها پیدا کردند، اقوام چادر نشین و شهر نشین ها برای غلبه و تفوق جستن نسبت بیکدیگر اختلاف نظر پیدا کرده بمقاتلات و محارباتی آغاز نمودند و از پیش آمد این حادثات بالضرور اختلاطی در نژاد و انسال آنها واقع گردید، پس از روی این قاعده که امروز در تمام بشریت جاری و نسل خالص را بمشکل در دنیای امروزه میتوان پیدا نمود نمیتوانیم ادعا کنیم که رویهم رفته عموم ملت افغانستان امروزی ما م از همان نسل خالص قدیمه آریه بوده و تا امروز مستقلاً خون شان بهمان ماهیت اصلی دوام کرده باشد.

بطوریکه انسال دیگر دنیا بواسطه محاربات و مهاجرات اقوام بیگانه غالباً اختلاطی بهم رسانیده در افغانستان ما نیز چند مرتبه هجوم مغولها و فتوحات اقوام زرد پوست که بر علاوه خاک ما در بسی ممالک دیگر حتی در مغرب بخاک فرانسه امتزاج خون نموده است، لہذا گفته می شود که اهالی این خطه نیز ازین گونه امتزاج جزئی خون برکنار نمانده اند.

مخصوصاً هجوم مغلهای چنگیزی تاثیر مدهشی در خون اهالی مرکزی این کشور یعنی هزاره جات

موجوده واقع نموده که امروز می بینیم یکمده برادران تاریخی ما هزاره ها در چهره با افغانها بیشتر تفاوتی دارند در صورتیکه هزاره ها جز سهم مختصری از خون منول دیگر نه اصلاً مغل هستند و نه از مهاجرین مغل .

هم چنان ممکن است بعد ظهور اسلام درینجاک مقدار مختصری از خون عرب در اهالی این خطه امتزاج یافته باشد ولی بهیچ وجه نمی شود که ما امروز یک قوم یا یک نسل را درین کشور از نسل مستقیم عرب یا ساسی بشناسیم .

اگر سلطنت بنی امیه چندی دیگری هم دوام کرده ، و بعد از انحای خلافت آنها شش صد هزار عرب مقیم ایران ، خراسان و یک قسمت افغانستان بقتل نبرسیدند ممکن بود که اختلاط عربها نسبتاً زیادتر میبود ، یونانیان نیز قبل از اسلام در سالهای ۳۲۷ - ۳۲۹ ق ، م داخل افغانستان گشته و آنها بالتدریج با بومیان آریه تزااد افغانستان مخلوط گردیدند .

ولی ما سوای اختلاط فوق تزااد زرد بوستان قبل و بعد از اسلام و امتزاج عرب های ساسی تزااد بعد از اسلام قوم دیگری با بومیان افغانستان مخلوط نشده است ، زیرا که حدود سلطنت های ساسی آشوری و کلدانی (چنانکه در مقدمه کتاب خود مؤلف است که در سال ۵۳۸ ق . م از دست کوروش خاتمه یافته بود) در عین عروج و کمال خود رسیده و در مشرق تا به کوه های زاگروس رسیده بود ، از جهت اینکه در مشرق چادر نشینان قوی آریائی واقع بودند و آشوری ها و کلدانی ها در مغرب همیشه بادولت قوی مصر می جنگیدند بناءً علیه آنها طرف مشرق متوجه شده نمیتوانستند ، و نفی یهودیها که اولاً در عهد سارگون دوم در سال ۷۲۱ ق ، م و ثانیاً در عصر بخت نصر کبیر پادشاه کلدان در ۵۸۶ ق ، م بوقوع پیوسته علی الترتیب در علاقه میدیا و در شهر بابل صورت گرفته بود یهودیهای خارج البلد میدیا در ملل همجواری کاملاً منحل گردیده و یهودیهای بابل بعد از دونسل در عهد کوروش کبیر موسس سلطنت هخامنشی و ایس بوطن خود یعنی فاسطین عودت نموده و مساکن و معابد خراب شده خود را آباد کردند و بعضی از قبائل یهودیها به مدسر و مدینه منوره پناه گزین شدند .

۱ - پشتون : باید دانست که استعمال و شیوع لفظ پنهان بدو در **پشتون و افغان** هندوستان شروع شده و غالباً هندوها لفظ پشتهانه و یا پختخانه (جمع پشتون) قرار قاعده زبان پشتو و یا پختو) را محرف نموده پنهان می خوانند - و چون خود افغانها و غیر هندهای دیگر تلفظ حرف (ته) را ادا کرده نمیتوانستند پنهان تلفظ هندی را پنهان خواندند ، شکی نیست که هندوها لفظ پشتهانه و پختخانه (جمع پشتون و یا پختون) را محرف نموده به تلفظ و لهجه خود موزون ساخته و در مملکت خود رواج دادند - مثلاً در زبان فارسی ت ، د ، نیست بنا بران متکلمین فارسی هر جائیکه حروف مذکور بیاید به ت ، د ، معروف فارسی تلفظ خواهند کرد - یعنی موتر را موتر ، ررول (یعنی آوردن) را راول و دیر (یعنی بسیار) را دیر خواهند خواند ، انگلیسها ت را تلفظ کرده نمیتوانند پس طبعاً تورا تو تلفظ میکنند ، بعض اشخاص بالعموم ف را پ میخوانند و یک هندی ف را بعوض (پ) په تلفظ خواهد کرد و قس علی هذا .

این کلمه پنهان بدو در تحریرات قرن شانزدهم بنظر میرسد و (نعمت الله) یک اشتقاق فرضی و اخراج موهومی این کلمه را باین قصه موضوعی خود قرار میدهد که حضرت رسول کریم صلی الله علیه و سلم قیس را بنام پنهان یاد فرموده و او را عبدالرشید نامیدند ، مورخ مذکور معنی این لفظ را حصه تحتانی جهاز فرض میکند لیکن تصریح نمی نماید که این اسم در کدام زبان است و ما یقین داریم که لفظ مذکور بهیچ قاعده سماعی و قیاسی عربی نیست - چنانکه در فوق ذکر شده پنهان فی الحقیقت تحریف (پختخانه) میباشد .

کلمه یکتها را اولین دفعه در سرود های « رگ وید » مشاهده میکنیم گویا در حدود ۱۹۰۰ و یا ۱۴۰۰ ق، م قبیله از آریائیها در کوهسار باجور، مهند، افریدی، سمت جنوبی الی قندهار سکونت داشته در محاربه ده پادشاه (**) شمولیت جستند - چون هیرو دوتس (***) تلفظ ته را ادا کرده نمیتوانست لهذا این قبیله شجاع آریائی را یکتین ها و یا پاکتین ها و یا سر زمین پاکتی یکی میخوانند .

بعضی (***) از محققین الفاظ فارسی پشت ، پشته (یعنی کوه بچه و غیره) و لفظ های یکتها و پاکتیای هیرو دوتس را تطبیق میدهند و این تطبیق غالباً معقول تر است ، (دارمیستتر) Darmesteter تلفظ پاکتیارا قریب باصطلاح ابتدائی (که یقیناً به تلفظ یکتها نزدیکتر است) شمرده و خیال میکند که پاکتیای هیرو دوتس مترادف کدام لفظ مثل پارش تائی ها Parshtthyes خواهد بود ، و درین موقع باید در نظر داشت که شکل (ش) در زبان امروزی نسبت به شکل (خ) قدیمتر است ، بنابراین میتوان قرار قاعده شکل مثل پاکتیها (که صرف از منابع یونانی میدانیم) به تلفظ امروزی پشت و یا پخت تبدیل شده باشد .

حروف مخلوط rs و rs' که در آویستا و سنسکرت استعمال شده در زبانهای موجوده فارسی و پشتو اکثراً به (ش) تبدیل میشود ، بنابراین لفظ فارسی (پشت) و لفظهای پشتو و پشتی معادل لفظ آویستانی (پرشتی) لفظ مساوی سنسکرت پرشتها Prshthal میباشد، همچنان لفظ پشتو کشل مساوی لفظ آویستانی کیریز Kerès و پشتو پشتیدل که در فارسی برسیدن است مساوی لفظ آویستانی پیریس Perès و غیره میباشد ، پس لفظ پرشتائی را میتوانیم به پشت ، پخت اظهار و تبدیل نماییم و بعلاوه یک روایت وطنی نیز این اسم را از پشته یعنی کوه بچه مشتق میداند ، بناءً علیه احتمال می رود این اصطلاح درباره مردمان استعمال شده باشد که در کوه و جبال سکونت و گشت و گذار داشتند از تشریح فوق واضح گردید که لفظ دوم آریائی برای ساکتین کوه و جبال افغانستان قرار تلفظ هندی « یکتھائی » میباشد و هیرو دوتس قرار تلفظ خود آن را پاکتیها و یا پاکتینها میخواند - متکلمین زبان پشتو بمرور زمان آن را پختا و یا پشته خوانند که تا به امروز مروج و معمول است و هندیها آنرا به تلفظ و لهجه خود موزون ساخته پتهان میخوانند -

۲ - افغان : انسائیکلوپیدیای اسلام می نگارد که « استعمال و رواج این لفظ بسیار قدیم است یعنی مؤرخین قرن پنجم الی دم هجری (معادل یازدهم الی پانزدهم میلادی)

کلمه مزبور را استعمال کرده اند ولی مبدأ تسلی بخش برای لفظ مذکور تا حال معلوم نشده - نام « افغان » اولین دفعه در تاریخ « العینی » بنظر میرسد ، اما اشخاص معاصر همین عهد یعنی البیرونی و الادریسی در شرح احوال کابل و قندهار (آخر قرن یازدهم و آغاز قرن دوازدهم میلادی) ذکری از آنها نکرده اند - العینی بیان میکند که (سبکتگین افغانها را در فوج خود داخل نمود و محمود بوقت حمله تخارستان فوجی داشت که عبارت بود از هندیها خلیج ها ، (یعنی غلجایها) افغانها و غزنویها - تاریخ بیهقی که زمان چندی متأخر است واقعه مذکور را تصدیق مینماید و حمله مزبور به سال ۴۱۱ هجری (۱۰۲۵ - ۱۰۲۱ میلادی) بوقوع پیوست - البیرونی صرف یک مرتبه ذکری از افغانها نموده است (یعنی در کوه های مغربی هندوستان چندی قبایل افغانی تا به وادی سند سکونت دارند) بعد ازین ادوار اصطلاح افغان ، را وقتاً فوقتاً تا به ترفیع و فوز افغانها به پادشاهی هندوستان وغور رسیدن شان میشنویم - بالاخره میرویس و بعد احمد شاه ابدالی تام افغانیان جنگجو و دلاور را در دنیا روشن و بلند ساختند »

[*] فصل آریه ها ملاحظه شود .

(**) بعضی هندیها سرحدات شهر کامپا تیروس Compathyrose و در مملکت پاکتی یکی بشمال هندیهای دیگر سکونت دارند؛ طریق رهایش آنها تقریباً با پاکتیرها مشابهت دارد اینها جنگجویترین طایفه هندیها میشدند لباس آنها در وقت حمله خشیار پادشاه Xerxes پوستین بود و آنها کانیهای بزرگ و پیش قبض های وطنی داشتند .

سکالی لا Skylax را دارای کیپر مقرر نمود که گذرگاه دریای اندس را کشف نماید، لهذا شخص مذکور از زمین پاکتی یکی ها روان شده سفایس خود را از طول دریای هندس گذشتانده به بحر رسید - صفحه ۲۶۰ و ۲۰۸ جلد اول صفحه ۱۵۷ و ۱۶۱ جلد دوم تاریخ هیرو دوتس متر ۶۳ جی ، سی مکتلی انگلیس نیز در حدود قرن ششم و پنجم قبل المیلاد علاقه مشرق هندو کوه را هندوستان میگفتند (***) انسائیکلوپیدیای اسلام .

قرار نظریهٔ انسائیکلوپد پای اسلام، نام « افغان » پیش از عهد سبکنگین در کتابی برده نشده ولی آنچه محقق است که چون این کلمه « افغان » برای ساکنین جبال و کوهسار افغانستان معمول و مروج بود لهذا این اصطلاح در قید تحریر آمده بناءً علیہ کہ کلمهٔ « افغان » بسیار قدیمی است چنانچه شمس‌الدین سامی بی مصنف قاموس الاعلام مینویسد « که قوم افغان قومی است نهایت قدیمی و به لسان پشتو تکلم میکنند که از زمرة السنهٔ آریه منسوب است و بالسانهای فارسی و سانسکرت بسیار مناسبت و مشابهت دارد - اسم افغان از طرف ایرانیها برای ایشان خطاب کرده شده و حکم اسم عمومی را گرفته است و یک اسم محدث و جدیدی نیست و ابوالمورخین هیرودوتس در چنیکه از اهالی هندوکوه بحث کرده است قلاً از سکائی لاکس Skylax اسم افغان را با جزئی تحریفی ذکر میکند » - نظریهٔ قاموس الاعلام بصحت قریب تر بنظر میرسد .

قوم پشتون در کوها و جبال افغانستان سکونت داشته و با آزادی و استقلال وطن خود یک شنف و محبت فوق العاده دارند و گاهی مغلوب نشده اند بنا بران ایرانیها این مردم کوهسار و آزاد را بنام « افغان » موسوم کرده اند چنانچه سکائی لاکس مامور دارای کبیر نیز این مردم را افغان و بکتی ایکی ها گفته است . مزید بران (*) در سنسکرت آسواغان و یا آسواگان بمعنی مملکت سواران و در لغت برهمی اب گائین بمعنی قومیکه موسیقی نداشته باشد مذکور آمده ، در زبان ارمنی اوغان و یا اغوان بمعنی ساکنین کوهستان استعمال میشود و اگوان لفظ یونانی نیز همین معنی را در بر میگیرد و بنا بران لفظ افغان کمی تحریف نموده به هر معنی که استعمال کنیم به قوم پشتون و یا افغان صادق می آید .

چنانکه بیشتر گفته شد که مردم آریه اسپ سوار بوده اسپ را تیز رفتار نامیده بودند ، و اولین استعمال اسپ در نواح جیحون و باخترا از طرف اینها شروع شده و بعد برور زمان و قتیکه قبیلهٔ آریائی بکتها و یا پشتوت در نواح جلال آباد الی قندهار رسیدند اسپ مهمترین وسیلهٔ حمل و نقل و سواری آنها بوده چنانچه فردوسی در شاه نامه شہسواری افغانها را تمجید مینماید .

بالآخره پشتون در اصل نام قبیلهٔ شجاع و جنگجوی آریائی افغانستان و کلمهٔ « افغان » یک اصطلاح

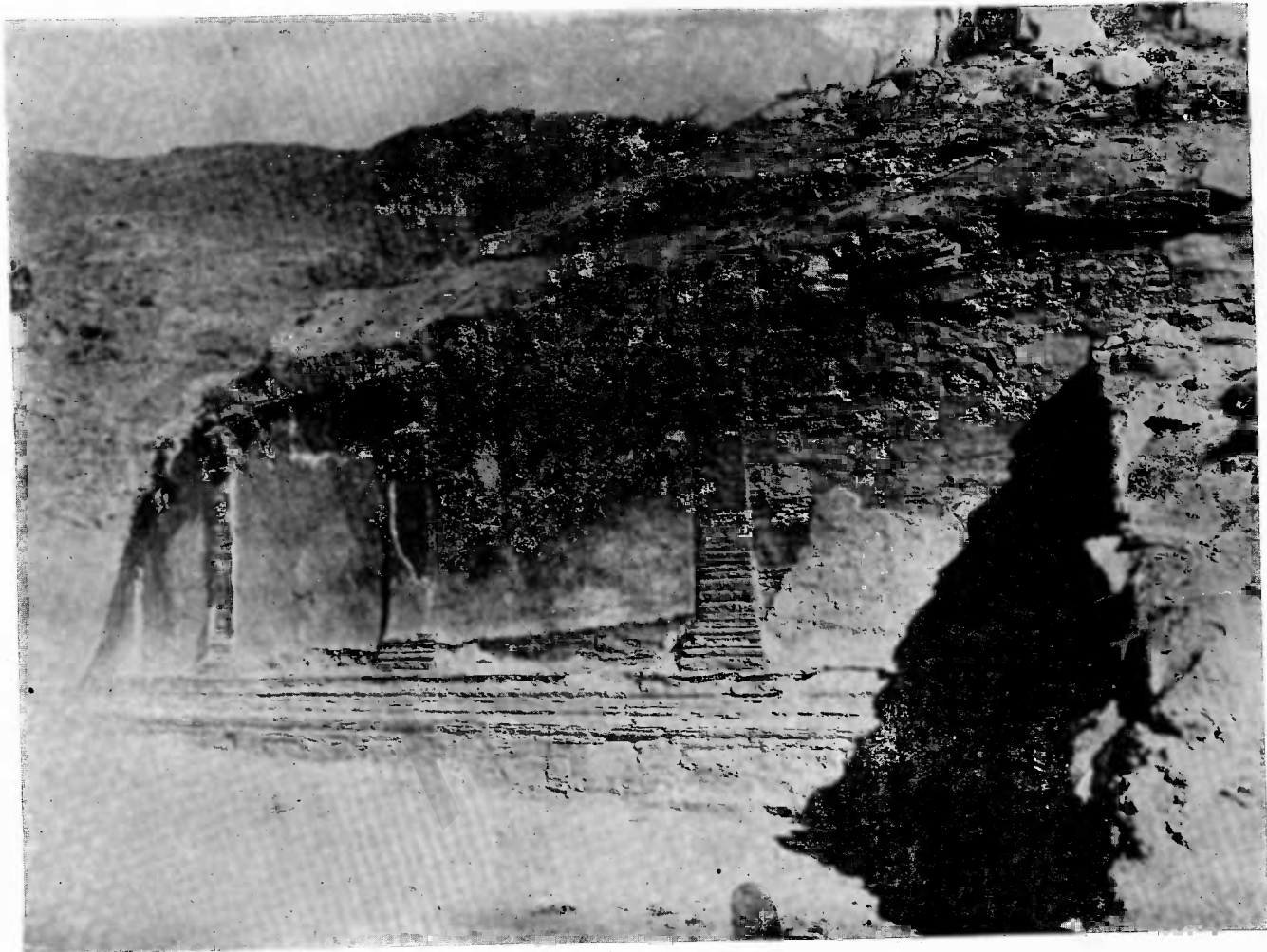
ادبی میباشد .

رویهٔ رفته طایفهٔ که در افغانستان امرار حیات می نمایند منشعب از یک شاخهٔ اقوام آریائی قدیم افغانستان و من حیث مجموع تمام طبقاتی که در افغانستان امروزی اقامت داشته و موسوم و مشهور بقبایل و قومیت های مختلفی میباشد عموماً با جزئی آمیزش خون های بیگانه از یک نژاد واحد و برادران تاریخی همدیگر خود میباشند . (انتها)



نونه رسامی قربانعلی خان صنف رشدی مدرسه صنایع نغیسه کابل
(نقل نقاشی یکی از طاقهای عصر بودائی بامیان)

Reproduction d'un des Ornaments des Grottes de BAMYAN par un des élèves des Classes Secondaires de l'Ecole des Beaux Arts de Kaboul.

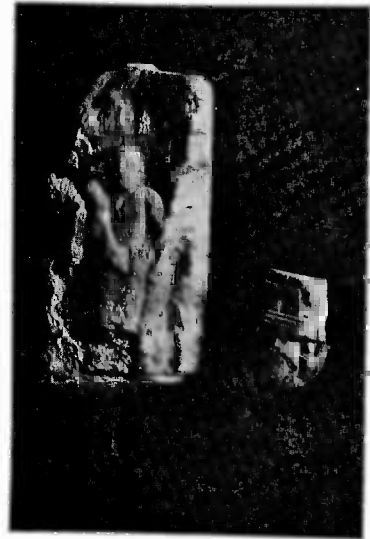
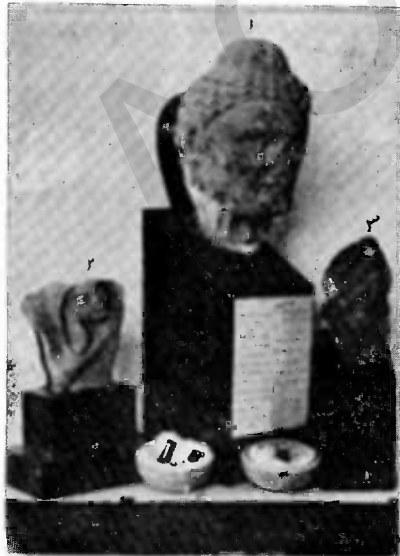


منظره يك ستوپه گريكو بوديك كه در نجراب كشف شده

Vue d'un Stupa Greco-Bouddhique découvert à NÉDJRAO (Au nord de Kaboul).



مجسمه سنگی که از تگاب بدست آمده
Statue en pierre trouvée à TAGAO (Au nord de Kaboul).



عنايق عصر گر يكو بوديك كه در نجراب كشف شده است
Antiquités Greco-Bodhiques trouvées à NEDJRAO (Au nord de Kaboul).

نگارش جناب غلام جیلانی خان
جلالی عضو انجمن ادبی کابل



جغرافیای طبیعی افغانستان

افغانستان و ساختمان قدرتی آن :

آقای غلام جیلانی خان «جلالی»

منظرهٔ مجمل افغانستان مملکتی است در مرکز آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و تریادی قدیم آن با نام باختر، خراسان، و غیره شامل ممالک افغانستان حالیه، بخارا، سمرقند، خوارزم، خراسان فعلی، کرمان، کل سیستان، بلوچستان، سندھ، پنجاب، کشمیر است ولی در زمان حاضر مملکت در شرق ایران و شمال مغرب هند که از حیث موقعیت جغرافیائی بعد از تبت از بلندترین ممالک مشرق زمین بوده در بر اعظم آسیا جا دارد، جبال فلک سیای این کشور تاریخی قسمت اعظم خاک این مملکت را در بر گرفته در غرب آن ایران و بجزهٔ شمالی انقباض آسیای وسطی، از سمت جنوب هملاسل جبال بلوچستان اتکاء نموده در قسمت شرقی خود یک سر قشیری غیر تدریجی را بطرف وادی هندس (سندھ) نشان میدهد.

از روی طبقات الارضی در حصص شمال شرقی آن که فعلاً همان انقباض سالف الذکر (یعنی انقباض آسیای وسطی) وقوع دارد گوشهٔ بحر عظیمی بوده و بحیرهٔ خضرا بامیدان شمالی هند الحاق میداد در حال حاضر قسمت شمال مملکت مذکور کوهستانات مهم و عظیم الجثهٔ کائین است که از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر بلندی دارد، این جبال اکثر آ از شرق بجانب غرب صف کشیده علاقیات ماورای خود یعنی (باکتریای قدیم) را از کابل قندهار، هرات که (قندهار، آریانا، اراکوشیای) قدیم باشد منقصل میسازد و بسمت انتهای جنوب این کشور دیگر کوههایی که تا ۲۰۰۰ متر قدیمی کشد موجود است، این دو سلسله جبال بوسیلهٔ دشتهای کم زراعت و سبزی که ارتفاع وسطی آن به ۶۰۰ متر میرسد از هم سوا شده تماماً منطقه از کوهستانات بی هم و تقاطع پست و بلند مربوط است، سلسلهٔ اسامی جبال شمال بسمت شرقی در جائیکه از حدود چین منقصل میشود بداخل پامیرات قد علم نموده به هندوکش موسوم میشود، این برجستگی عظیم و عجیب ترین نمونهٔ قدرت میداین هموار باکتریای را بسمت شمال و اراضی کابل، جلال آباد، قندهار، سطح بلند غلزاری را بطرف جنوب خود گذاشته تمام اودیةٔ راست و چپ خود را بوسیلهٔ فلات و درهجات و جداول تفره نام خود شبکه کاری و آبیاری مینماید، کوه بابا، کوه سفید غربی، کوه سیاه که اخیراً ذکر در حدود هرات معروف بیوک است در قسمت وسطی و غربی یا هندوکش همراهی نموده دوش بدوش تا مغرب افغانستان روانست سرزمینیکه بطرف جنوب این سلسله یعنی بین هندوکش و کوه بابا بشمال و وادی هلمند بطرف غرب و جنوب موجودیت دارد (بودای غور) موسوم و از خود دیگر جبال پست و بلندی دارد که بعضاً شرقاً و غرباً و برخی شمالاً و جنوباً ممتد است، این سلسلهٔ جبال وادی غور یا حصهٔ جنوب سلاسل قسمت شمالی افغانستان، از شدت سرما و برف باری باستانی چراگهای معروف از جنگلات مهم برهنه و در هزارهجات مرکزی یک مثلث غیر موزونی را تشکیل میدهد که راس الزاویه آن کوههای جنوب قندهار و هردو ضلع راست و چپ آن را تا جبال کابل و هرات ممتد باید دانست، قاعده اش جبال شمالی، اوسط ارتفاع این کوه ها تا ۳۰۰۰ متر بودیم قتل

بلند آن بیش از ۴۰۰۰ متر نیست، شعیکه از همین جبال در او دبه قندهار پیش رفته دریای هلند، ترنگ ارغنداب ارغستان را از م سوا میگرداند نیز بطرف جنوب مشرق تا حدود بلوچ میدود.

دره جات واقعه مقن جبال هزاره بیشتر سنگزار و اراضی موجوده نسبت بامور زراعتی برای مال داری خوبتر مساعد است، درین محاذ بدون حصص شمالی (ماورای هندوکش) سطوح هموار بندرت دیده میشود. اما در قسمت جنوب غربی باز هم جبال فوق الذکر وادیهای ولایت هرات، قندهار را از مفاصل طبیعی خود با نسان نشان میدهد چنانچه در گوشه از همین میادین یک همواری با وسعتی موسوم بدشت بکوا وجود دارد که سطح آن بیشتر از (۱۵۰) کیلومتر مربع بوده ساختمان طبقات الارضی آن با سنگ محلول و دریای هلند را از عرض خود عبور میدهد.

ماورای دریای هلند بستان انتهایی جنوب آن ریگستان معروف افغانی کاین است و از باعث وجود شن زار وسیع باران کمتر می بارد جبالکه بجنوب هندوکش مشرق ممتد است پراودیه دریای کابل، کرم، گومل، مشرف بوده به جانب شرق جنوب کابل و سمت جنوبی و مشرقی را در بر میگردد (هیئت و اولیوف) غالب طبقات ساختمانی این سرزمین را بشمولیت غزنی، قندهار سبزوار، ریگ آمیز و سنکستانی نام برده است (۳۰). سلسله کوه سلیمان که تحت سلیمان (ع) با ارتفاع ۶۰ متر بر قله ازان وقوع دارد از غرب جنوب کوهات و بشین شروع شده تا نهر صوات میرسد، این سلسله به سه حصه مقسوم است که قسمت اول از غرب جنوبی مشرق شمالی ممتد است و حصه دوم خود کوه سلیمان میباشد، قسمت سوم این سلسله جبال تیر است که دره معروف خیبر نیز درین حصه و گوشه از سلاسل کوه - آتی الذکر (سین غر) وقوع دارد، کوه سلیمان با موقعیت فوق الذکر بقتاً ز بلندی بوادی سند سر نشیب شده در حصه مشرق خود را بشکل قلات انتها میدهد.

درین وادی کابل و کرم (سین غر) سد می کشد که از حیث ارتفاع بعد از هندوکش و کوه بابا درجه اول را در افغانستان مالک است.

سطح بلند پامیرات که بنام بام دنیا شهرت دارد در ناحیه شمال مشرق افغانستان افتاده اوسط ارتفاع آن از ۴۶۶۰ تا ۵۰۰۰ متر میرسد. این سرزمین عجیب و غریب از بلندترین مقامات جغرافیایی افغانستان بوده سر نشینی خاک این مملکت ازین موضع بجانب شمال غربی و جنوب غربی آغاز میشود.

بحیث عموم باید نوشت که بدون اراضی منقضه مقامات سیستان، سطح آمو، جلال آباد که از (۳۳۰ تا ۶۳۰) متر بلندی دارد، بیشتر سطوح این مملکت بقدر (۱۳۰۰ متر) از سطح آب برجسته است که در قسمت آب و هوا خوبتر تشریح خواهد شد.

آبها: آبهای افغانستان قدره به سه قسمت مهم و سه سمت مختلف (شمال - شرق جنوب - غرب جنوب درجریات است از آنجمله آبهای هندوکش غالباً بدو حصه معین یعنی بستان شمال و شرق جنوب تجاری متعدد طبیعی سرازیر گردیده دره جات و وادیهای فراخی را سیراب و سر سبز میکند، آبهایکه

(*) هیئت و اولیوف روسی طبقات زمین [کابل] قندهار، غزنی، سطح بلند غزالی را با سنگ آمیخته تصور نموده و اراضی « قلات » فراه سز وار، چخانسور، جنوبی را ریگ زار و سنگچه نوشته است « این هیئت تنها زمین جلگه هرات و ولایات شمالی افغانستان را از حیث استعداد زراعتی تعریف میکند » لهذا برای رفع اشتباه کسانیکه این مقامات را سیاحت نموده اند چیزی باید نوشت: بدون زمینهای دامنه جبال کابل کوهستان غزنی، حصص ریگستان قندهار، برخی قسمتهای جنوبی افغانستان دیگر اراضی این موطن از نقطه نظر استعداد کشتندگی حاصل خیز ترین زمینهای زراعتی افغانستان است زیرا در حال حاضر که هنوز طرز زراعت اکثراً با صوم، معمولی است. صادرات زراعتی لوگر و جلگه کابل، کوهدامن، متن غزنی، شلگر، قندهار، هرتکی « سوری » شاجوی قلات، متن فراه، چخانسور خوست از صرفیات داخله زائد و تابازارهای هندوغیره حمل و نقل میشود - این معلومات ما را «وسیو» ریموند فون « فرانسوی که بافغانستان سیاحت نموده نیز در جغرافیای خود موسوم به « هندوکش و کابلستان » خوبتر تأیید میکند.

بجانب شمال اینکوه منشعب میشود بنامهای دریای آمو، دریای ککوچه، دریای قندوز، دریای خان آباد، دریای خلم دریای بلخ، دریای مرغاب و غیره موسوم بوده بعد از آبیاری دره‌ها واودیة وسیع ولایات شمالی افغانستان بعضاً صرف و جذب زراعت و ریگستانها و برخی هم باوکسوس قدیم رود بار (آمو) وصل میگردد، ساختمان اراضی که این آبشارهای قدرتی هندوکش ازان عبور مینماید بدون استعمال قوای مصنوعی از قبیل اقسام کودها استعداد درجه اول زراعتی را داراست.

حقیقتاً زمینهای این مناطق بهترین نمونه قطعات زراعتی و نباتی افغانستان بوده قوای نامیه قدرتاً باندازه در زمین مربوط است که در زیر برف نباتات را می‌رویانند.

آبهایکه بسمت شرقی جنوب این کوه جاریست همچنان طوریکه در فوق ذکر شد قبل از توصل بمجری نهائی خود (دریای کابل) از قبیل دریای غوربند، دریای جبل السراج، دریای پنجشیر، دریای نجراب دریای تکاب، لهورگرد، الشنگ، الکنار، دریای کنر، سپس از آبیاری و شادابی دره‌ها واودیة حاصل خیز سواحل، مجاری ابتدائی خود را تبدیل داده بدون دریای لهورگرد تماماً از جناح چپ رود کابل میریزد که بعد ازان بیک سرنشیبی تدریجی باخفای شرقی سرازیر گردیده در نهایت بنام - لندی سین قسمت عمده اباسین را تشکیل میدهد - و از جناح راست بآن وصل میشود.

آبهایکه از جبال مذکور سرچشمه گرفته از قبیل هلمند، خاش رود هریرود، بالا مرغاب فرارود، دریای هاروت بالاخر دریای غزنی و غیره، از کوه بابا و کوه پیمان و کوه‌های سیاه و سفید برخاسته باخم و بیخ حیرت آوری بطرف غرب جنوب در جریان است.

این رودها نیز قبل از اینکه در انخفاض سیستان و ریگستان ترکمان منتهی شود وادی غور را عبور نموده بعد از تشامل معا و نین بسیار مانند ارغنداب، ترنگ، جلدک، دریای لورا و غیره وادیهای وسیع کرشک، فراه، قندهار، سطح بلند غزائی، جلگه هرات، غزنی را سرسبز ساخته در هامون سیستان و ریگستان ترکمان ناپدید میشود.

علاوه برین یکقسمت آبهای دیگر نیز وجود دارد از قبیل دریای گومل، دریای شمل دریای کرم و غیره که از منابع کوه سلیمان و کوه خدی جدران، سین غر، منبع شده و دریای گومل و کرم سرحدات کوه سلیمان را شکافته بسندی ریزد. و دریای شمل بعد از طی دره جات جنوبی و شرقی کوهستان جدران از حدود المره شروع باآبیاری نموده وادی جنوبی و مرکزی خوست الی متون و گوشة شمالی گربزر را سرسبز میسازد، ولی این دریا از سرحد نمیگذرد و بکشمندی صرف میگردد.

در قسمت طبیعی جغرافیا دریافت کیفیت آب و هوا خیلی اهمیت دارد زیرا این جنس آب و هوا طاقتور لازم و ملزوم حیات بشر و حیوان و نبات بوده از هویت آن ساختمان های تبادی و زراعتی مناطق و غیره هم بدرستی اندازه کرده میشود لهذا درین مورد نظر با اهمیت موضوع قبل از آنکه چگونگی آب و هوارا محل بمحل در حصص آینده شرح کنیم اجمالاً هم ذکر می‌باید کرد.

افغانستان چون در منطقه معتدله شمالی مابین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۵ دقیقه عرض البلد شمالی واقعست از بحر تقریباً ۵۵۰ کیلومتر برکنار بوده آب و هوای آن بری است یعنی عموماً تابستان گرم و زمستان سرد میباشد، در فلات غزائی، کتواز، مقر، غزنی علاقه هزاره در موسم دی برف زیادی بارد چنانچه در مناطق اول الذکر بعضاً از یک متر تا دو متر و در هزاره جات از دو تا دو نیم متر ضخامت برف اندازه شده علاوه بنا بر اکثر با برف باری بادهای پرشور - معروف بیاد (دورک) نیز توام است، از شدت سرما آبهای سیال بر سطح خود تا اندازه یخ - می‌بندد که بعضی اوقات اشتره‌های بار بالای آن میگردد خلاصه اراضی که از سطح بحر (۲۴۰۰ متر تا ۲۵۴۵ متر بلندی دارد زمستان آن تادیری طول میکشد، درین حصه مرتفع بدخشانها و هزارجات شامل است.

زمینپایه از سطح بحر اندازه (۱۴۰۰ تا ۱۳۰۰) متر و از ۱۷۶۲ تا ۲۲۰۰ متر مرتفع است آب و هوای آن معتدل و خوشگوار می باشد اگر چه در ماه حمل درین جاها گاه گاهی برف می بارد ولی دوام نمی کند، دره های کابل، چهاربکار، پنجشیر، نجراب، علاقه جات غزنی، گردیز، زرمت، رود احمد زائی دره میلن، زائو، درین قسمت شرکت دارد.

اراضی که از سطح آب بقدر ۶۰۰ متر بلند است مانند حصص قطنن، مزار، مینه آب و هوای متفاوت دارند، یعنی تابستان گرم و زمستان سرد متلونی دارد. این اراضی باینکه از کوه های مهم فارغ است اما برخلاف مامول برف گیر و درجه حرارت در زمستان بعضاً تحت صفر می رود. کم ارتفاع ترین مواضع جلال آباد است که بنا بر اوسط ۶۰۰ متر بلندی دارد.

این سرزمین دارای آب و هوای تابستان گرم و زمستان نسبتاً نرم را داراست. برفباری درین منطقه شاذ اتفاق می افتد. بصورت عموم آب و هوای افغانستان نظر بارتفاعات، دو منطقه عمده دارد که حصه معتدل و برخی از روی (شب سرد و از طرف روز گرم یا تابستان گرم و زمستان سرد و خشک می باشد). این وضعیت متضاد در آب و هوا، با کوه های برهنه، دشتهای پشته ها یعنی (مواضعیکه دارای گیاهای منجمده می باشد) مقابل است.

آب و هوای مناطق کوهستان. از ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر ارتفاع تماماً معین است، مناطق اول: کوهستانی کابل ۱۷۶۲ متر جلگه غزنی ۲۲۰۰ متر بامیان ۲۵۴۵ متر در مرکز و یک حصه شمال شرق بدخشان در همین قسمت شامل است.

این مناطق غالباً در تابستان گرم و درجه حرارت از ۴۰ درجه تجاوز می کند اما در زمستان بعضاً با اندازه سرد میگردد که با وجود کثرت برفباری درجه حرارت از ۲۰ درجه سانتیگراد پایین تر می رود. موسم برفباری بسیار اینجاها جدی و دلو، و موسم باران حوت و حمل است مجموع اختلافات جوی بندرت در سالی از ۵۰۰ میلیمتر تجاوز می کند که از آنجمله ۳۵۰ آن از جدی تا حمل تعلق دارد. بلندتر از ارتفاعات فوق الذکر (۲۵۰۰ متر) زمستان ها بیشتر سرد و دوزندگی ضد چادر نشینی را مشکل می سازد اما با این غلات تا ارتفاع ۳۰۰۰ متر پخته میشود.

بادهای که بر آب و هوا حاکمیت دارد در زمستان از شمال و در تابستان از جنوب بفر می وزد. آب و هوای نقاط مقابل کوهستانی از (۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر) برای نشوونمای نباتات و اجتماعات بشری فوق العاده مناسب است.

آب و هوای مناطق پست که ارتفاع آن تا هزار متر باشد قراذیل است. در شمال باکتریای قدیم (۳۰۰ تا ۴۰۰ متر) بجنوب فلات مرتفع خشک، بشرق جلال آباد ۶۰۰ متر بفر هرات (۸۰۰ متر) جلگه بادغز (۶۰۰ متر) تماماً آب و هوای گرم و خشک و تر دارد درین مناطق بیش از سه ماه زیاده از ۴۵ درجه حرارت موجود می باشد ولی با اینهم در زمستان آب و هوای آن بسیار شدید نیست، بعضی بارانها می بارد، اما آب آن در یک باران از ۶ میلیمتر تجاوز نمی کند، از روی جنر افبای طبیعی همه این مناطق دشت گفته میشود. بادهای گرم دائماً ریک را باطراف (واح) های سرسبزیکه دران درختان انار، خرما، نیشکر پرورده می شود پراکنده می کند. بهر حال آب و هوای علاقه جات غرب و شرق جنوب افغانستان بطور عموم نسبت بآب و هوای ولایات شمالی افغانستان خوشگوارتر و صحت بخش تر است امراض بسیار کم دیده می شود زیرا طبعاً این آب و هوای خشک بغرض دفع جراسیم و امراض مهلك مفیدتر بوده اهالی این سامان تماماً قوی طاقتور، دلیر میباشند.

اقسام میوه ها از قبیل انواع انگور، توت، سیب، ناک، آلو، شفتالو، خربوزه، و غیره در همین حصص نیز خوبتر پرورده میشود.

افغانستان در مابین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۵ دقیقه عرض البلد منطقه وقوع و رقبه: شمالی و ۶۰ درجه و ۵۰ دقیقه و ۷۴ درجه و ۵۰ دقیقه - طول البلد شرقی نصف النهار (گرینویچ) واقع است طول آن از شرق تا غرب (۱۰۰۰ کیلومتر) و عرضش شمالاً و جنوباً (۸۸۰ کیلومتر) رقبه مساوی است بر ۷۰۰ هزار کیلومتر مربع که از خاک فرانسه ۱۵۰ هزار کیلومتر زیاد است.

افغانستان کنونی با داشتن برجستگیها و فرورفتگیها تقریباً بشکل مثلث مقناوت الاضلاع حدود و شکل وقوع: واقع است که راس الزاویه آن بشرق و همدو ضلع راست و چپش شمالاً سرحد ترکستان شوروی (بخارا خیوا) و جنوباً هند انگلیسی و بلوچستان برقاعده افقی سرحد کشور ایران تنگه میکند اما ضلع سرحد شوروی کوتاه و از هندوستان و بلوچ قدری دراز تر است.

سرحد کنونی مملکت افغانستان بعد از جنگهای متعددی با خارجیها از سال ۱۸۸۴ مسیحی تا ۱۹۰۵ معین گردیده و شکل ذیل را اختیار نموده است:

از غرب شمال افغانستان خط سرحدی از ذوالفقار بجناب شرق متوازی جبال هندوکش امتداد یافته ۶۱ و نیم کیلومتر تقریباً بجناب شمال علاقه جمشیدی هرات رود کشک را در چهل دختران (آخرین ایستگاه ترین روسیه) عبور میکند و بعداً با طرف شمال مشرق سیر کرده رود مرغاب را در حد مرو چاق افغانی تقاطع میکند، و کوه های چل را با بلوچستان های علیی ترکمانها گذشته برودبار آمون توصل مینماید (سرحدات مذکوره توسط منارها و تقسیمات طبیعی آنها و اراضی مشخص میشود) از نقطه اتصال خط سرحدی بارودبار آمون (خم آب) تا گوشه شرق عذیر و یکتوریا (دریا میر) رود بار آمون فاصل طبیعی خاک روس و افغانستان است، از کول و یکتوریا خط سرحد، یا میر را تقسیمتاً با افغانستان گذاشته مابقی را جزو حدود روس مینماید (مطابق فیصله هیئتهای حدبخشی ۱۸۹۵) بعدها خط سرحد از سلاسل - صعب المرور جبال گذشته بکوه های برفدار دائمی چین (سرکول) منتهی میگردد.

و از ذوالفقار تا سرکول طول خط سرحدی افغانستان تقریباً ۱۳۲۰ کیلومتر است از سرکول خط سرحد افغانی بجناب غرب دور کرده و در یک خط متوازی جبال هندوکش میگذرد عرض افغانستان درین حصه باریک بیشتر از ۱۷ و نیم تا ۲۶ کیلومتر نبوده و قسمی ازین زمین باریک و بلند رو بجناب شرقی شمال (موسوم بواخان) تا پامیر متمدن میشود که در آنجا فاصل حدود انگلیسی و روس بوده و خاک افغانستان را: در شرق شمال بسرحد چین میرساند، ارتفاع این خطه عجب و مهیب دایم البرف از (۶ هزار متر تا ۸ هزار متر است) ازینجا خط سرحد بهمرای سلسله کوه های بلند چترال بطرف نورستان میرود. و در نزدیک کوتل دورا (بارتفاع ۴۸۰۰ متر) ولایت چترال را از رود بار دلخه جدا میکند.

سرحد افغانی و چترال ازین حصه تادره ارنوای عبارت از یک کوه برف دار بوده و در جنوب چترال متصل دره مذکور خط سرحد بارود چترال مقاربت مینماید و وادیهای چترال و باسکول افغانی بام ملاق میشوند - بعد ازین خط سرحدی از پهلوی شهر قدیم پشت گذشته در وادی کنری می درآید. و از آنجا در یک خط معوج بجنوب امتداد یافته علاقه مهند را عبور می کند، و در حد بلوچی رود کابل را قطع نموده مستقیماً بجناب جنوب سیر و تا تورخم میرسد از سرکول تا تورخم و از تورخم تا کوه ملک سیاه در منتهای جنوب غربی افغانستان با سرحد افغانی و لایاتی تماس میکند که در جمله سرحدات میباشد.

از تورخم خط سرحدی بطرف سین غر (سفید کوه) که سرکوب علاقه آزاد تیر است رفته و از آنجا وادی گرم (مرکز طوائف توری پشته) را دور نموده از کوتل بیوار (سرحد جاجی) میگذرد بعد از آن برفقار خود دوام نموده از (کتو) سرحد شمال (توچی) گوشه غربی وزیرستان را تماس میکنند و بمقام (دوماندی) رود گومل را تقاطع نموده در جنوب رود گومل بخطوط منکسر با سرحد بلوچستان تماس میکنند، ازینجا خط سرحد بطرف جنوب غربی

روان شده و باز بجنوب شوراوک و نوشکی میدود و متصل نوشکی ریگستان جنوب هلمند را عبور نموده تقریباً در یک خط مستقیم از بین ریگستان سیستان بجناب غرب تا سرحد فارس ممتد میشود و در کوه ملک سیاه و جنوب سیستان با سرحد فارس تلاقی میکند، از اینجا تا ذوالفقار خط سرحدی افغان و فارس در یک خط تقریباً مستقیم امتداد پیدا میکند (این همان خط سرحدی است که در سال ۱۹۰۴ - ۵ معین شده) .

جغرافیای تاریخی افغانستان : افغانستان نظر بمعلومات صحیح در هر دوره از قرون و اعصار ماضی دارای جغرافیای متمایزی بوده قدرت این مملکت بلند کوهستانی را دارای استحکامات طبیعی و محل حوادث تاریخی و جغرافیای خلق نموده مولفات هر ودوت (Herodote) سترابون (Strabon) دستارک (Disearque) مسافرت اسکندر اکبر نگارشات (ارستین Eratasthene) هیپارک (Hiparque) منجم معروف یونانی سیاحت نامه (هوانگ تسات) زوار چینی و دیگر سیاحین صدر اسلام شاهد این مدعا است .

در قرون اخیر که اروپائیان نیز بنوبه خود اهمیت جغرافیای این کشور تاریخی را فهمیدند وضعیت تاریخی و جغرافیای افغانستان بار دیگر از طرف هیئتهای اروپائی مورد بازدید و تحقیقات طبقات الارضی متخصصین مذکور واقع گردیده اینها نیز هر کدام بنوبه خود از قبیل مهمت ها، الفتسها، شارتنزها، داکتریلو، فریر موسیو گودار، مادام گودار، موسیو هاکن، جون مارشل، هیت و اویلوف، یارتولد، موسیو ریوند فورن و غیره راجع بمعلومات جغرافیای افغانستان شرح مبسوطی داده اند که مادرین مورد بسبب طوالت از تمام همان معلومات صرف نظر نموده تشکیلات حجری افغانستان را مختصراً متذکر میشوم :

تشکیلات حجری افغانستان :

جاها یکه از جانب علمای طبقات الارضی در افغانستان دیده شده و نسبت بآن تحقیقات علمی بعمل آورده شده ذیلاً تحریر میشود :

هندوکش و سلاسل اطراف آن کابلستان (کوه دامن، چهاردهی، جلگه کابل) تشکیلات عهد اول (*) .

در حصص بامیان در میان احجار آهکی طبقاتی دیده میشود که اکثریة آن بعمد اول و احجار کار یونیفر سفلی و متوسط منسوب است و بوسیله مطالعه حیوانات و نباتات حجری، این قسمت بوجود تجاوز تعاقبی سنگهای (اورالی) در افغانستان شناخته میشود و از مشاهده این احجار با خود فیصله میتوان کرد که تقسیمات (اتراکولتیک) در دو دسته سوا میشود :

اول : اورا لویر می شن (احجار اورالی کوه روسیه)

دوم : کار یونیفر سفلی و متوسط .

از مطالعه حیوانات و نباتات حصص اورا لویر می شن وجود مشترک نیوسو (سوما ترینا) آترا - قوشواز برینا، کرانیکو لیفورا - را باید فهمید اما به تقسیمات ثانوی (بر می شن) هندوکش اجازه نمیدهد یعنی فهمیده نمیشود . بالاخر وجود احجار دورالیونین و اتراکولتیک در پنجشیر شناخته میشود .

«*» علمای طبقات الارضی تصور میبایند که قشر اولیة زمین صورت اصلی خود را نتوانسته حفظ کند از طرفی دریاها و اقیانوسها و جریانات در سواحل و مجاری خود تغییراتی داده اراضی نوی باسم اراضی رسوبی تشکیل داد و از طرف دیگر عوامل مرکزی از قسم آتشفشانها، زلزله ها و غیره بطریق دیگری شکل سطح زمین را تبدیل نمود چنانچه در نتیجه عوامل مذکور، سطح زمین دایما در حال تغییر شکل بوده و میباشد نهایت الامر تاریخ تغییرات محسوس بچهار دوره اول و دوم، سوم و چهارم قسمت شده که هر کدام بقیمة علمای طبقات الارضی بدوره های هزاران هزار سال بوجود آمده است
بر علاوه به عقیده آنها یک دوره دیگری هم با دار فوق الذکر مقدم میباشد که آترا در فرانسه عهد از و نیک Acouique یا فاقد نباتات می نامند .

در دره سرخ آب طبقات احجار عهد دوم وجود است و کذا بمقام دو آب میخ زرین عهد دوم همچنان رابطه این احجار همراه طبقات مرسوبی و آتش فشانی کشف گردیده و از روی احجار آهکی پیرا دانسته میشود که در عهد ایتین بحران آتش فشانی این علاقه خاموش گردیده است .
در قسمت مرسوبات عهد سوم افغانستان از روی استخوانهای (فوسیلی) خیلی فقرات عهد سوم دو علاقه ذیل واضحاً از احجار غیر منطبق کشف شده که آنها عبارت از اجتماع احجار پلیزانتین دره غور بند و دیگر احجار آهکی دور تئوزین سفلی و نومولتیک دره کهرمد میباشد .
یعنی بواسطه همین عدم انطباق (احجار منطبق که بدرستی رویهم قرار نگرفته باشد) تشکیلات دوره تئوزین افغانستان را معلوم میتوان نمود .

بحدود کابل در سیاستک بقایای احجار آهکی جبهه زار نمای قبل از عهد یخچالها عهد چهارم : معلوم میشود (*)

۱- دامنه جنوبی هندوکش تا بامیان و پنجشیر احجار عهد اول
۲- حصص بادغیس هرات و جنوب هرات و اطراف قندهار و جنوب مزار و شال هندوکش تا بدخشان و از طرف غرب تا شمال فیروز کوه یعنی انتهای تیر بند ترکستان عهد دوم .
۳ در جنوب قندهار، ریگستان ، سیستان تا حدود سرحد، عهد سوم و چهارم .

کوهها و موقعیت جغرافیائی آن

۱: کوه هندوکش : سلسله جبال همایه هند که از سطح پامیر داخل افغانستان میگردد بهندوکش موسوم و نامبر دره بامیان ممتد است، هندوکش مابین ۳۴ و ۳۷ درجه عرض البلد شمالی و ۶۸ تا ۷۵ درجه طول البلد مشرق واقع است .

این کوه بسمت شمال شرق یا مشرق افغانستان در انتهای پامیر با کوه همایه اتصال می یابد در آغاز خود از یک طرف تا اندازه خط فاصل هند شمالی و افغانستان میباشد و از جانب دیگر بدخشان را از میدان جنوب سوا می سازد ارتفاع این سلسله کوهستانی زاید از ۶۶۵۰ متر است و قلّه معروف آن موسوم به تیراج میر (Tiragmir) که بجانب شرق دره نکسان Nuksan و شمال غرب چترال کابین است از سطح آب ۸۳۰۰ متر بلند می باشد ، بعض حصص این سلسله کوهی دایماً در زیر برف مستور بوده از گیاه و علف محروم است ، در برخی جاهای این کوه برف کوچ های موسمی نیز بوقوع می آید چنانچه در اوائل بهار بعض معابر قابل مرور هندوکش از خطرات برف کوچ خالی نیست ، دره کوشان یکی از دره های این کوه زاید از (۵۰۰۰ متر) ارتفاع دارد ، هندوکش اکثر مخزن برفهای دائمی بوده دریا های مهم افغانستان بجانب شرق و غرب و شمال و جنوب از آن منشعب میگردد ، این کوه مانند تالاب های قدرتی تمام سال متدرجاً بدریاهای متعلقه آب میدهد ، برخی از دریاهای این سلسله در ایام زمستان و کذا بعض معابر آن از کثرت برف باری و غیره عوارض جوی قابل عبور و مرور نیست ، دره های عمده این سلسله جبال مابین قندوز و بدخشان و بلخ بطرف شمال عبارت است . از دره های واخان ، شغنان انجین ، منجان ، جرم ، درایم کشم ، ارسج ، فرخار ، دره اشکمش ، نهرین ، خوست ، فرنک ، سمندان اندراب ، خنجان ، دو آب ، سرخاب ، و غیره از طرف جنوب دره بیچ دره نور ، دره کم ، دره ، پشال ، باندول ، اشبی ، اسکین ، پنجد ره نجراب ، دره هزاره ، یازارک ، یاران ده شتل ، سالنگ ، النک ، اشاوه ، شکاری ، کچاق ، چهارده ، بامیان ، سیغان ، کهرمد .

(*) تمام این لغاتیکه در عهد های چهار گانه فوق طبقات حجری مذکور شد اسامی احجار و طبقات زمینی میباشد که در فارسی معنی صحیح ندارد بلکه در علم طبقات تقریباً بهم زبانها یکسان بوده قسم اصطلاحات علمی است که ترجمه نمیشود رجوع شود معام طبقات زمین .

معابر معروف هندوکش .

انجمن ، خاواک ، پاران ده ، شتل ، سالنگ ، کوشان چهاردره ، اق رباط ، ویلو ، دندان شکن .
از دره پنچشیر به چهارراه میتوان هندوکش را عبور نمود ؛ باین طریق :

پاران ده پیل حصار ، خاواک ، بسندان - انجمن ، بکران و منجان . تا جایکه دیده شده بهترین این چهار
معبراه پاران ده است اما مسافت آن خیلی بعید بوده اهمیت آن نسبت بخاواک که در وسط معابر پاران ده
و انجمن واقع است از حیث عبور و مرور کمتر است .

طول هندوکش از سر حد پامیر تا دره بامیان (۶۰۰) کیلومتر است .

این منطقه بزرگ مرتفع که در خاک و طن غریز ما کوتل خاواک (۳۶۰۰ متر) کوتل بازارک بیش از
(۵۰۰۰ متر) ، کوتل نکسان ۵۰۵۰ متر ، کوتل کاتچین . (۶۹۰۰) متر کوتل سر اشتراک (۵۷۶۰) متر

بلندی دارد در حصص شرق شمالی هند باخته جسم همایه آمیخته با همان قد و اندام غریب ترین نمونه صنع قدره
سلسله ازاد خود را در تخیلات حیرت آوری بجانب شمال غربی عرض وجود میدهد اما وقتاً که فاصله مهمی
را می بیند بس زمین پامیر استقامت مذکور خود را بطرف جنوب غربی تغییر داده این تمایل دومینش هندوکش
حقیقی و از نقطه نظر طبیعی دارای آب و هوای سرد و اکثر قلل آن در قسمت مهم سال زیر برف مستورا است چشمه
ها ، نهرها ، آبشارهای جوشانی بهر دو سمت راست و چپش سر از بر شده باعث شادابی چندین دره ها و صحرا
های وسیع مملکت میگردد .

طبقات مختلفه این کوه در نقاط متعددی که در قسمت ثروتهای طبیعی ذکر خواهد شد مرکب و دارای هر نوع
معادن بیش بها و فلزات قیمت دار است از قبیل لاجورد ، طلا ، نقره ، ابرک ، کبریت ، آهن ، ذغال ، نمک
و غیره . نباتات : در فلات منخفضه آن با نوعیکه در بوتانیک (علم گیاهشناسی) مذکور است گز شده بران حیوانات
اهلی و وحشی از قسم خفک ، روباه ، پلنگ ، اهو ، نخچیر ، گوزن ، غشگا و ، اسپ اعلی ، گوسفند باقسام کدک
ترکی ، قرقلی ، غلزائی هزاره گی ، سیابندی ، گوسفند بوشکل نورستانی در دامنه ها و دره جات آن بکثرت
زندگی میکند .

این کوه بشمولیت فلات منشعبه آن اقسام طیور و حشرات را داراست ، ساکنین دور و پیشش نظر به
تحقیقات علم اتنوگرافی ، تنومند و قوی حتی افغانان جسور و غیور امروزه نمونه از تربیت شده گان این آب
و هوای پدید شمرده میگویند همایه پدر کوههاست اما هندوکش نیز چندین فرزندان کوه یاره دیگر را در افغانستان
یعنوان کوه بابا ، جبال سیاه و سفید از خود منشعب ساخته در خط مستقیم از شمال بطرف غرب روان است هندوکش
در افغانستان بدو حصه شرق و غربی متمایز میشود از آنجمله در قسمت غربی خود بطور عمومی شکل یک بادام را
داراست - که نوک های آن بنقاط ذیل منتهی میشود :

بغرب تا انتهای بامیان و کوتلهای آق رباط .

بشرق بکوتل خاواک و سلسه بلند جنوبی .

طول هندوکش غربی ۲۳۰ کیلومتر است عرض آن بشمال و شمال غربی کابل ۱۰۰ کیلومتر ، در قسمت بامیان
۴۰ کیلومتر در کوتل خاواک ۲۵ کیلومتر اندازه شده .

قلل بلند : اوسط بلندی قله این کوه (۴۵۰۰) متر است .

از شرق بغرب به قرار ذیلست : والیان ۵۰۷۰ متر ، خاواک ۴۸۰۰ متر شپتل ، ۴۸۷۰ متر
قلل مهم آن : و غیره ، ساختن این کوتلهای تماماً از سنگ گرانیت است .

کوتل ها : بعضی کوتلهای که از ان عبور کردن ممکن است از شرق بغرب وقوع دارد : — وتل خاواک

(۳۶۰۰) متر، کوتل سالنگ (۴۳۰۰) متر، کوتل آق رباط (۳۶۰۰) متر، کوتل کوشان (۴۳۰۰) متر) کوتل چهاردر (۴۲۳۶ متر) کوتل ییلو (۳۶۰۰ متر) کوتل دندان شکن (۲۷۰۰ متر) بعضی کوتلهای هند و کش غربی مانند سالنگ فقط در موسم تابستان قابل عبور و مرور است یعنی (از سرطان تا عقرب) هند و کش غربی که بکلی وحشی و بعضی جاهای آن از نباتات مهم عاری است دیوار مضبوطی را تشکیل میدهد که مزار و بدخشا ترا (بشمال) از هزاجات و کابلستان و نورستان (بجنوب) سوای سازد. کره کوهستانی هند و کش غربی با پنجاه ذیل که هر کدام مشتمل بر چند دره دره ها: خورده خورد میباشد بکلی محاط است:

بشمال شرق دره اندراب، بشمال غرب دره سرخ آب بجنوب شرق دره پنجشیر و سالنگ

بجنوب غرب دره غوربند.

هند و کش شرقی که از بلندترین سلسله ها و قله آزاد ترکیب می یابد غالباً عرض آن از (۱۰۰) کیلومتر متجاوز است دره جات شمال شرقی و جنوب شرقی آن حسب ذیل مقابله باید نمود:

بشمال شرق دره خوست و فرنگ بجنوب شرق دره سفیدشیر، بشمال شرق دره ارسج و فرخار، بجنوب دره کلان پنجشیر، بشمال شرق دره باندول، بجنوب دره کشم و درایم، جرم، کران منجان، بشمال، شرق دره شغنان بجنوب شرق دره نور، بشمال شرق، دره واخان بجنوب دره بیچ اسار.

علاوه اکثر حصص هند و کش شرقی را عجله طوریکه شاید و باید شرح داده نمیتوانیم ولی تا جائیکه بعضی شعب آن دیده شده ذیلاً از آنها نام برده میشود:

یک شعبه کوه سلسله هند و کش از جانب جنوب شرقی کوتل انجن رخ بجنوب منشعب گردیده دره هزاره ر از دره جات نورستان سوای سازد ولی این شعبه در راس دره غوث نجراب دو شعبه می شود، شعبه بطرف جنوب غرب دور نموده کوتل شب میانه آن مابین ابتدای دره هزاره و دره فراج بشمال و دره کلان و دره فرخ شاه نجراب را بجنوب تشکیل میدهد، از اینجا گذشته حصه بس دره سنجن استقامت خود را بطرف غرب گرفته تا سرکهنه ده گلپهار بدریای پنجشیر منتهی میشود و قسمتی جبال جنوب شرقی بلوت زار بلاغین، در نامه و کیاوه را سلسله بسته بوادی سولانگ و پشته احمد بیگ سر نشیب میگردد، کوتل شب میانه بار تفاع (۴۰۰۰ متر) تقریباً که موقعیت وسطی این شعبه را تشکیل میدهد در انتهای بلندی خود همواری دارد و بسر آن تالابی موجود است که عرض و طول آن ۴۰۰ متر در ۶۰۰ متر تخمین میشود، آب این تالاب عمیق ظاهر آسریزه نمیکند اما بطرف دره غسک جانب جنوب و بطرف دره کلان بسمت شمال در ریخ و کمر کوه بقدر ۶-۶ آسیاوار آب از آن سرچشمه گرفته به تیزی تمام بطرف دریای نجراب و پنجشیر سر ازیر میگردد. شعبه جنوب شرقی این کوه از سمت چپ دره غوث عبور نموده دره پته دره پیچه غان دره اشین و اسکین تکاب را از درجات نورستان و پراش غان سوای میگرداند این شعبه باختلاط شعب دیگر وقتاً که بجانب شرق جنوب استقامت میگیرد هم دو نورستان را که در قدیم به سیاه پوش و سفید پوش موسوم بود تاوادی جنوب شرقی احاطه نموده کوتلهای صعب المرور را در بین نورستان و بدخشان تشکیل میدهد از آن جمله کوتل (بارون) بقرار معلومات صحیح ۴ هزار متر بلند است، حصه دیگر این شعب از حدود انتهای اسکین درم درم، را عبور نموده در ارض راه شیطان کمان لغمان ختم میشود. اکثر این شعبات کوهستانی بلوت، چلغوزه، ارچه، خنجک و غیره درخان و نباتات کوهی بکثرت دارد. بلکه در بعضی حصص صفحه کوه از جنگل بکلی مستور است.

مقابله مقامات راست و چپ هند و کش شرقی و غربی را از حیث ارتفاع ذیلاً مطالعه مینمائیم.

ازوادی چترال: بروغیل، اشتراک، اکرام، سنگان (۴۰۰۰ متر)

» خرتاز، دورا (۵۸۰۰ متر)

» پنجشیر انجن: خواواک، تال، زاریا، تیمک، امراز، شوا، بازارک، شیتال (۵۳۰۰ متر)

» جبل السراج: باجکا، سرالانگ (۴۰۰۰ متر)

از وادی غوربند: کولیان، کوشان، گواز یار، چهاردره، کالاج، فرنجل، شبر، (۵۰۰۰ متر)، ارتفاع دارد.

منظره زمستانی خاواک

معبّر خاواک که نقطه فاصل هندوکش غربی و شرقی و یکی از معابر تاریخی و اقتصادی هندوکش است دره دور و دراز پنجشیر را بادره سندان اندراب اتصال میدهد این معبر از حیث موقعیت جغرافیائی و عبور و مرور دائمی نهایت مهم است.

خاواک با اینکه لیل و نهار در دنیای حوادث سپری نموده و نظر بمعلومات تاریخی نام آوران بزرگ و فاتحان مقتدر دنیای ماضی را از خود عبور داده باز هم بحسب خرابیت محل خطرناک و غبار آلود است.

عابرین بعد از طی تقریباً ۱۴۰ کیلومتر مسافه از کابل ازات می گذرند مقیاس الهوا (هواسنج) درین جا به نسبت وادی کوه دامن باندازه (۱۳) اینچ پائین می رود در برج دلو اواسط زمستان اکثر وضعیت طبیعی این معبر باینطور ملاحظه میشود: در اول روز فضا صاف و خاموش میباشد ساعت ۶ و ۷ دقیقه صبح آفتاب از افق انجمن طلوع میکند هر چند ضیاء مهر میخواید اطراف فضا و شعب هندوکش را منور نماید اما بفتناً وزش هوا که از سمت مقابل باهتزاز می آید شروع میشود درین حال طبعاً هوای مقابل یکجمله آبی که از رود بار حصص شمالی دزدیده بحکم خاصیت محل بصورت غبار تکثیف یافته صفحه خورشید را غبار آلود میسازد ولی تا جائیکه کثافت ابر باندازه نهائی خود نرسیده باشد اشعه مهر از پرده سفید غبار بخطوط شکسته بر صفحات از برف مستور خاواک می تابد، قدری بیشتر تیزی هوا بر شدت و پرده ابر بغلظت خود افزوده از طلوع به سه ساعت انسان تا وسط خاواک میرسد در فرق کوتل و سعت نظر کمتر و قافیه فضا تنگتر شده می رود کائنات جوی در خروش و حرارت ازین منطقه دفعه نایدید میگردد بلکه از صفر ۲۱ درجه پائین می رود.

در عوام مشهور است:

در اثنا عبور از خاواک چیزی باخود باید داشت و باید خورد و واقعاً درینجا تاثیر تند محیط دماغ را چنان متأثر میگرداند که انسان خود را بی حس تصور میکند لهذا برای اداره قوای فعاله وجود و مقابله حوادث و عوارض جوی چه چیز لازم است؟ همانا محرکیکه اتومات بدن را بکار انداخته دست پا، الاشه سرد نشود و دوران عاطل نگردد.

درینجا عجیب و غریب يك منظره در نظر انسان تجسم میکند: فضا سفید، غبار سفید و سعت نظر محدود خط مشی راه روم سفید است، در وسط خاواک آبادی، وحوش، طیور، نیست و بنظر نمی آید زمانیکه مسافر از خاواک فرود می آید شب در سندان میباید درینجا بکنار راست دره کمی از آبادی دورتر چشمه آب گرمی وجود دارد که بقدر نیم تانه دران دست گرفته نمیشود و تخم مرغ را بطرف پنج دقیقه نیم بند می سازد. قدری پایاتر در مجری آب این چشمه اهالی بومی تالاب سنگی ساخته اند که دران تا اندازه (۳۰) نفر يك دفعه حمام کرده میتوانند.

چون آب چشمه از منبع تا سطح تالاب قدری فاصله دارد بناء بسبب تاثیر برودت هوا از حرارت فاحش خود می شکند و معتدل میشود، این چشمه از سر خاواک در کنار راست دره سندان بفاصله تقریباً ۱۸ کیلومتر واقع است تصور میشود که در محل مذکور معدن کبریت یا آتش فشانی وجود دارد، زیرا در حالیکه بزمستان درجه حرارت بعضاً از ۲۰ درجه بیشتر تحت صفر پائین می رود اینطور چشمه داغ وجود داشته باشد.

باشد درینصورت عمروق زمین تقریباً ۱۰۰ درجه حرارت بکار دارد تا آب آن باین حرارت از سنگلاخ بیرون شود.

ازینجا بطرف اندراب از راه دره سنکستانی دشت شیریده صلاح باید منزل نمود که تارباط مذکور ۴۵ کیلومتر سریایانی کوتل خاواک است.
وازین به بعد دامنه کوتل مرغ و تنگی نهرین و وادی قطنن شروع میشود.

دریاهای هندوکش

رودهای عمده دایمی که از هندوکش می آید از سیلابهای موقتی استعانت نموده بجاری رودها: انتهای خود رود بارامو و دریای کابل میریزد، در ذیل جغرافیه حصه بامیانرا بطور مختصر مطالعه میکنیم.

دریای غوربند که هندوکش را بجنوب غرب احاطه میکند منبعش بشرق از کوتل شیر دره غوربند: است بقدر (۳۲۰۰ متر)

دریای غوربند از غرب بشمال مشرق مسافت ۸۰ کیلومتر ما بین هند و کش و حواشی کوه یغمان را طی میکند بعد بواسطه (گذرگاه) دره کوشان داخل جلگه کوه دامن میشود درینجا بطرف جنوب شرق میباید نموده در زیر قلعه بلند چهاریکار بجد (عبدالله برج) بدریای پنجشیر می ریزد.

معاونین دریای غوربند از هندوکش سرچشمه میشود و تنها پنج یا شش آن دایمی است که مهم ترین آنها همان است که از جانب سالنگ آمده و از جناح راست قلعه جبل السراج می گذرد.

از ساحل راست، دریای غوربند چند معاون خورد خورد را از حواشی کوه یغمان با خود میگیرد دریای غوربند قریه های ذیل را آبیاری مینماید:

نوی، فرنجل، قلعه دو آب، چهارده غوربند (۱۹۷۰ متر) سیاگرد، میر علم، برج گلجان، کره تاز حصه بامیان بفرج کوتل شیر (۳۲۰۰ متر) بواسطه بعضی کوتلها، انتهای غربی هندوکش معلوم ب: می شود که آهسته آهسته پست شده می رود درین حصه هندوکش بیش از ۴۰ کیلومتر عرض ندارد و عبور از آن بواسطه سه کوتل بی هم ممکن است.

پیلو، آق رباط (۳۶۰۰ متر) دندان شکن (۲۷۰۰ متر)

بجنوب دریای شیر از شرق بفرج جریات دارد و با دریای بامیان که از سمت غرب می آید ملاق میشود. آئیکه از اجتماع این دو دریا بوجود می آید رخ بشمال طرف سرخ آب می رود.

ج: دره سرخ آب: از فلووات مرتفع شمال جدا می سازد.

این دره در ابتدا تنگ است. اما وقتا که از کهرد، باجگاه، دو آب میخ زرین می گذرد قدری فراخ گردیده در نزدیکی برقک (۱۱۵۰ متر) با تلاق تشکیل میدهد. و بمقام دوشی (۸۱۵ متر) بامعاون، دریای اندراب یکجا گردیده از مناطق دوشی عبور مینماید.

بساحل راست دریای سرخ آب. معاون بزرگ آن که موسوم بدریای (سیغان است) و بواسطه الحاق دریای بامیان بزرگتر می شود داخل میگردد.

د: دره انداب: دره اندراب به دریای اندراب هندوکش را از ولایت بدخشان جدا می سازد. این دریا از ارتفاع (۳۶۰۰ متر) کوتل خاواک منبع گرفته دره بلند آن تامقام سمندان یک گذرگاه سیلاب تنگی است این دریا کم کم عریض شده در حالیکه از شرق بفرج جریان دارد قریه های ده صلاح اندراب سنگ بران، بنو دشت امرد، باجگاه، خنجان و گازان را سیراب می نماید در حد بنو آب آرزو و بنورا که از سرحد هندوکش بشمال سرازیر

میشود با خود گرفته در دوشی (۸۱۵ متر) این دریا با دریای سرخ آب یکجا می شود، و بنام دریای غوری از بیلخمری که یاد کار عالم گیر اورنگ زیب است گذشته از وسط بغلان و دره جلوگیر و علی آباد بعنوان دریای قندوز قسمت شرقی چهاردره را عبور نموده با دریای خان آباد یکجا بسمت شمال در جناح راست قلعه زال از ساحل چپ داخل امو میگردد.

از کوتل خاواک وانجمن شروع گردیده جنوباً تا گلپهار کوه دامن امتداد دارد و
 ه: دره پنجشیر: هندوکش غربی را از جبال کوهستان و نورستان علیحده میگرداند.

دریای پنجشیر به همه جادرتنگی سنگستانی عبور نموده در حدود دو آب، آب دره هزاره، دریا بزارک آب پاران ده و در حد دره آب شب میانه و در زیر انوه آب دره فراج و در حد بل گلپهار آب دریای شینل بآن داخل می شود، دریای پنجشیر در خود دره مذکور بدون چند قریه ذیل بدیگر جا آبیاری نمیکند. سفید چال، دو آب، بزارک (۱۹۶۵ متر) انارباغ، گلباغ، این دریا وقتا که بحد گلباغ میرسد مجری خود را که بجنوب عزب مایل است دفعته بطرف جنوب تبدیل دانه از دالان سنگ بیابان در مابین یک تنگی خیلی عمیق به گلپهار می برآید در اینجا در تحت پل نیل آب دریای شینل به جانب راست از سمت وسط بازار گلپهار بآب وصل میگردد و در حد و د شیر خان خیل نهر رزاق بحوضه دریا حفر شده مابعد از ان این دریا کوه دامن را از ریزه کوهستان جدا ساخته قدری پایان تر در حدود ده باباعلی و محمود عراقی با دریای غور بند یک جاشده رخ بجنوب شرق از شوخی بنام دریای جاله می گذرد و در تحت تپه احمد بیک بحد تنگی سر بولی آب دریای پنجدره نجراب را که از شب میانه و خواجه غاریچه غان منبع می شود بآن می ریزد و در دولت زائی خارج دره های تکاب دریای تکاب را با خود گرفته در جلگه سروی از جناح چپ بدریای کابل می افتد.

رود علیشنگ و النکار نیز از شعب جنوب شرق هندوکش منع گرفته اول الذکر متوازی و: دره علیشنگ دریای تکاب بطرف جنوب جریان دارد و غرب نورستان را آبیاری مینماید اخیرالاسم که بطرف جنوب دهات سرسبزی را ترکنا داشته از بین کوه ها عبور میکند متعاقباً با دریای علیشنگ یکجا شده از طرف چپ بدریای کابل می ریزد.

از بشته خونی قلعه بلور داغ یا بنداب یا میر برآمده بنام قاشقار شهرت دارد و بمسافه ز: دریای کندر: ۱۰ نیم کیلومتر در جنوب جلال آباد متصل مقام کامه در شمر خیل بارودکا بل ملحق میگردد، ازین جهت این دریا بعضاً رود کامه نیز نامیده شده و بجانب شمال این را دریای کاشغر و بیلام مینامند. این دریا در طول مجری خود وادی سرحد آزاد - چترال - باجور - کندر - کامه را سیراب ساخته موجب شادابی این علاقه جات میگردد، و ۴۷۵ کیلومتر درازی دارد.

آب و هوای هندوکش :-

آب و هوای هندوکش عموماً مانند دیگر نقاط کوهستانی افغانستان است، یعنی زمستان آن خیلی شدید است مخصوصاً در سر نشیبی شمالی که باد های منجمد ترکستان شدیداً بآن می وزد.

تابستان تا ارتفاع (۳۰۰۰ متر) خوب است چنانچه در چنین ارتفاعات بماه اسد حرارت در سایه تا اندازه (۴۰) درجه دیده شده ولی در بین هوای شب و روز تفاوت زیاد موجود است چنانچه در کوتلهای آق رباط و بیلو (۳۶۰۰ متر) بتاريخ ۲ و ۳ سنبله سنه ۱۳۰۴ حرارت بعد از ظهر ۲۸ درجه و بهشت بجه صبح ۶ درجه مشاهده شده است.

در ماه عقرب تا (حوت و حمل) مرکز کوهستانی مذکور بکلی در زیر برف میباشد بعد از ان بآب بارانها و حرارت های فوری بهار برف ها بآب شدن آغاز میکنند ولی با این قلل بلند دایماً در زیر برف پوشیده است.

کوه بابا :

کوه بابا مابین هندوکش و فیروز کوه واقع و بطرف غرب تا مسافت (۲۰۰ کیلومتر) امتداد دارد . اوسط ارتفاع این کوه از (۴۰۰۰ - ۵۱۴۰ متر) میرسد ، معروف ترین قلّه کوه بابا موسوم به (شاه فولادی) تقریباً (۵۶۰۰ متر) بلندی دارد این کوه را از سلسله هندوکش دره بامیان جدا می سازد . عموماً ارتفاع این کوه نسبت به بلندی هندوکش خیلی کم است کوه بابا بطرف غرب با کوه های سفید و سیاه که متوازیاً اول الذکر در شمال و ثانی در جنوب هری رود امتداد پیدا میکند ملحق میگردد . دریای بلخ از سمت شمال این کوه سرچشمه می شود . برخی شاخه های این کوه رخ بجزوب غرب منشعب گردیده بشمولیت شعب کوه پنهان نافتند هار پیش میرود بعضی قله این شاخه ها از (۸۰۰-۱۰۰۰ متر) از سطح آب بلند است .

کوه سفید :

سفید کوه کوهیست متوازی بند ترکستان این کوه کمتر بجزوب مایل بوده شامل سلاسل جنوبی میگردد ، سفید کوه از مقام جهل برج شروع شده تا گوشه شمال غربی هرات بارود هریرود شرقاً و غرباً متوازی افتاده طول این کوه از (۳۵۲ کیلومتر) زیاد است رود مرغاب (مرکس) و برخی معاونین هری رود از دامنه های این کوه منبع می شود . حصه غربی این کوه را سرابند (Saraband) مینامند این کوه در جغرافیای افغانستان بنام سفید کوه ذکر است ، حال اینکه بنام فیروز کوه هم یاد شده بلند ترین قلّه این کوه (۳۱۶۰ متر) است .

کوه سیاه :

از گوشه غربی کوه بابا شروع شده تا جنوب غرب هرات امتداد دارد منابع دریای خاش رود و خورد رود در همین کوه واقع است ، طول این کوه تا ۶۲۸ کیلومتر و اوسط بلندی آن از ۲۰۰۰ متر تا ۲۳۰۰ متر اندازه شده .

تیر بند ترکستان از کوه بابا بجناب شمال واقع و تا بالا مرغاب امتداد دارد .

طول این کوه (۲۰۰ کیلومتر) مرتفع ترین قلعه آن موسوم بجنکک (۳۸۹۵ متر) بلند است ، قلّه معروف این کوه که نزدیک سرحد ایران واقع است (بقره جنگل مشهور و ۲۹۸۵ متر) ارتفاع دارد .

دریاهای که از جبال فوق سرچشمه میشوند :-

۱ خاشرود : از نشیب سمت جنوب کوه سیاه برآمده بطرف جنوب جریان دارد آب این دریا غالباً بآبیاری صرف میگردد ، خاش رود آب بسیار قلیلی را نامرداب مراد میرساند ، اسم این دریا از نام یک دهان علاقه ماخوذ است در تابستان عبور از آن سهل میباشد ولی در حین طغیان دریا خیلی تکالیف پیش میکند حتی اکثر چنین اتفاق می افتد که کاروانهای تجارتی بسا حل آن تا چند روز به اتراق مجبور میگردد . عرض این دریا در فراه ۱۰۸ متر و عمقش بالغ بر یک متر است

ب هری رود : منابع این دریا متعدد و معاونین بسیار دارد از آن جمله دودریا که موجودیت هری رود از آن هاصورت میگردد موسوم بجنگل آب و تنگل آب است ، اول الذکر از گوشه شرق کوه سفید متصل مقام جهل برج منبع گرفته بخط مستقیم جریان دارد . دوم آن از دره چلاب می برآید ، این دودریا تا فاصله ۱۷۶ کیلومتر با هم متوازی جانب غرب برفتار خود دوام ورزیده بمقام دولت یار بام الحاق مینماید ، از اینجا به بعد این دریا هریرود خوانده میشود ، مسافت طول جریان این دریا از شرق بغرب (۸۵۰ کیلومتر) بالغ است ، جلگه هرات را با ارتفاع (۹۲۰ متر) آبیاری نموده از جنوب

شهر هرات بفاصله ۵ کیلو ۲۸۰ متر عبور میکند ، شوسه هرات و قندهار نیز درین نقطه بالای دریای مذکور میگذرد پلی را که بران ساخته اند ۲۶ طاق دارد ، درین حصه ۱۵ جوی ازان جدا شده ، بقدر چند کیلو متر پایان تر از هرات مجری خود را بست شمال غرب تبدیل داده جنگل های دشوار گذاری را عبور مینماید که خانه حیوانات وحشی است ، هری رود بعد از طی (۱۲۳ کیلومتر) فاصله بطرف غرب هرات بکاشان توصل نموده بعد ازان رخ بشمال مینماید ، متعاقباً بمقام ذوالفقار خاک افغان را گذاشته بسرحد روس داخل و در (واح) (تجن) یاریکستان ترکمان جذب میشود .

اراضی که از هری رود سیراب میگردد خیلی حاصل خیز و شاداب است ، درختان باثمر از قبیل توت ، ناک ، انگور به انواع بسیار ، آلویالو ، گلاب دشتی فراوان دارد . بیشتر حصه آبیای این دریا نظر بمساعدت اراضی جانب جنوب است . عرض این دریا از (۳۳) تا (۴۳) متر میباشد در هنگام ذوب برفها از جهت آب خیزی عبور و مرور ازان مشکل است در شمال هرات در مقام سیاه یک کشتی کلانی دران حرکت میکند لاکن در زمان کم آبی عمق آن تا ۴ فوت میرسد ازین رو کاربیزها و انهار بسیاری را ازان کشیده اند و تمام اراضی گرد و نواح آن مانند بهشتی بنظر می آید .

هریرود نه تنها باعث شادابی جلگه هرات است بلکه در قسمت شمال زمین های سرخس و تجن نیز ازان استفاده میکند - طول با اهمیت این دریا (۸۵۰ کیلومتر است) .

ج : رود مرغاب این دریا که معاون مهم آن دریای کاشان است از نقطه اتصال کوه سفید و تیربند ترکستان سرچشمه می شود و بطرف غرب در وادی با وسعتی جریان دارد . رود بالا مرغاب بعد از تشامل معاونین چند بقرب قلعه افغانی موسوم بیلا مرغاب و قراول خانه رخ بجان شمال غرب میگردد و درینجا رود قیصار نیز بآن می ریزد بعد ازان از مرو چاق که بکنار راست دریای کاشان است گذشته قدری پایاتر بارود کاشان ملحق میگردد .

علاقه پنجه و آق تپه را که بکنار چپ آن واقع است عبور نموده از آق تپه رود کشک را با خود میگیرد بعد ازان رخ بشمال برفتار خود دوام نموده از مقام یولاتو پایاتر بمر و میرسد متعاقباً بعد از طی تقریباً (۹۹۰) کیلومتر در ریگستان قراقم ناپدید میشود سرزمینی را که هریرود و مرغاب درین گرفته بیاد غیر موسوم است .

د : دریای بلخ از جانب غرب کوه بابا برآمده اولاً بطرف غرب و بعد ازان بشمال جریان دارد ، بند بربر وادی قراخ و حاصل خیز بلخ بسبب کثرت آبها و اشجار دارای آب و هوای نسبتاً خوب است ، شهر تاریخی بلخ از برکت همین انهار مرکز جمعیت بسیاری بوده حالاً نیز قطعات مذکور مثبت اشجار و انهار زیاد است ، آب بلخ بدریای آمو رسیده بلکه در آخر بشبه متعدد تقسیم گردیده در زمین جذب می شود

ه : دریای سنگلاخ از تیربند ترکستان برخاسته از سر بل و میمنه گذشته شبرغان و اندخوی را سیرب میکند از اخیراً در صحرای ناپدید میگردد آب این دریا خوش مزه نیست .

کوه یغمان : متوازی گفته می شود ، شاخی ازین کوه دره های سرخ و پارسا و شیخ علی را از حصص شمالی بسود هزاره جدا ساخته بطرف شرق درین هزاره پارسا و جلگه کوه دامن فاصل قدرتی واقع میگردد . این شعبه از دره استاف گذشته بجانب غرب گل دره و شکر دره برفتار خود دوام میکند ازین موضع یک شعبه این کوه بجانب شرق جدا شده کوتل خیرخانه را بشمال شهر کابل تشکیل میدهد و از آنجا گذشته بایستی و بلندی مختلفی کوه ده سبز نسیال صافی که جلگه مروبی را از کوه دامن سوای سازد بوجود می آورد . ولی قسمت نخستین از سرحد شکر دره سلسله خود را بطرف شمال میل میدهد بعد ازان درحد حوض خاص یغمان

رجوع بجزایر کوه نموده نخل بلند و پربرقی را در بین شرق بهسود و جانب غرب پغمان تشکیل میدهد سلسله این کوه و تیکه از یکتوت میگذرد ارغنده را بطرف جنوب شرق گذاشته دوباره استقامت خود را بغرب میگیرد در حدود کوتل سرچشمه یک بیخ دیگر بجانب جنوب خورده دوباره بطرف غرب رجوع مینماید ، کوتل تحت کوه لندر نیز از مربوطات اینحصه است ، کوه پغمان درین حصه کهنه خمار و جلریز را از سرنشینی قاش و فزند از منابع (هلند) جدا کرده در اطراف (صدرده) دو حصه می شود ، قسمتی بطرف شرق و جنوب درانی و بادام را عبور نموده بجزایر دریای خوات منتهی میگردد و قسمتی بجانب یک سمت و دیگر دراد را در بر گرفته تا سرآب غزنی می رود کردن مسجد یکی از کوتلهای مهم این کوه است که در بین سرآب و میدان بطرف غرب وردک بقدر (۴۲۰۰) متر بلند است هوای تندیکه از بلندی این کوتل برمی خیزد بسمت جنوب شرق وزیده باعث سرمای شدید غزنی و غاب قسمت سطح مرتفع غزالی میگذرد ، ترکم تحت تاثیر همین شمال سردی دارد در علاقه جنوب غربی غزنی کوه شاید شاکي و قلعه قرباغ را تشکیل داده دامنه گل کوه را تقاطع میکند ، در حصه جاعوری جبال متفرقه انجا و دایه را تشکیل داده بهدازان از جنوب ارزگان گذشته بشمال و غرب قندهار تا بالا مرغاب امتداد دارد دره جاتیکه بغرب و شمال و شرق و جنوب کوه پغمان افتاده حسب آقی است :-

بغرب و شمال : سرخ ، یار سا ، دره جات بهسود ، سوخته ، وادی سرسبز ناهور ، مالستان ، دایه فولاد ، ارزگان ، غاب ، دی کنده ، ایماقستان .

شرق و جنوب : استالف ، گل دره ، شکر دره ، پغمان ، جلگه میدان ، جلریز ، یک سمت ، دی پیرداد ، خوات ، توری ، قیاق ، گل بوری ، تورکان ، ککرک ، شاکي ، فرسنگ ، قرباغ ، زردالو ، تکی ، رسته مکر ، سنگ ماشه ، دی چوپان ، خاک افغان ، وادی ، ارغنداب ، گزاب - از حصه کوه پغمان قسمتی که ارزگان و گزاب را با هم اتصال میدهد موسوم است (به سیرو) قله این کوه بقدر (۴۳۰۰) متر تقریباً بلندی دارد و دایما در زیر برف مستور است برفهای دامنه ها و پشته های آن که در ماه جوزا و سرطان متدرجاً ذوب میشود ایلاق معروف مردمان کوچی مالدار قندهاری است دامنه های آن از حیث چراگاه مال با وجود سردی مفرط خود اهمیت مخصوصی دارد - (سیرو) بر تمام جبال قسمت جنوب هزاره جات حاکمیت دارد از قبال بلند این کوه جبال حصه هزاره جات (وادی غور) مانند خطوط مستقیم و شکسته بنظری آید - تنها قریب را کوه بابا میتواند از دیده پوشاند .

بسمت جنوب شرقی این کوه وادی مستطیل (دوزی) واقع است ، این دشت نظر بوسمت خود لم یزرع و زمینهای آن یاسنگ ریزه و آهک آمیخته سطح سفیدی را تشکیل میدهد مردمان مهاجر کاکری و ناقل و خواجهک بفاصله های دور در در آن آبادند - در تابستان سکونت گاه ایلاق کوچی های مال دار قندهاری است .

دریاها :

دریاهای مهم دایمی که بسمت شرق و جنوب یا جانب غرب کوه پغمان و شعب آن در جریان است و از حصه این کوه سرچشمه می شود ذیلاً مطالعه مینمائیم :

اول : دریاهای که بشرق و جنوب کوه پغمان در جریان است :

دریای کابل یکانه دریای افغانستان است که به بحری ریزد این دریا در قدیم بنام کوفیس معروف و از دره اونی مربوط کوه پغمان از بلندی (۲۷۵۰ متر) که غرباً بفاصله

یکصد کیلو متر از شهر کابل واقع است سرچشمه می شود ، جریان وسطی این دریا در جلگه کابل آغاز میگردد . دریای کابل جلگه میدان را آبیاری نموده در حدیل میدان (سرک قندهار) بحری جنوب شرق خود را بسمت شمال شرق اندکی تنیر داده به تکی لندر که سمت جنوب کوه قرغ واقع است داخل میشود ، بهدازان تنگی مذکور را عبور نموده بتنگی سیدان و گل باغ بجلگه معروف چهاردهی توصل مینماید .

درین حصه جره‌های متعددی ازان جدا گردیده سرزمین چهاردهی را که از آباد و سرسبزترین حصص کابل است شاداب میگردد ، حوضه دریا از وسط این علاقه عبور نموده از گوشه جنوب غربی شهر در مابین دو کوه استحکام دار شیر دروازه و آسمانی گذشته داخل شهر میگردد . و آنرا بدو حصه متمایز سوا می‌کند ، دریای کابل از بین تپه مرغان و تپه بی مهر و از شهر خارج گردیده جلگه شرق آنرا آبیاری و بقاصله چند کیلومتر از کابل رود لوگرد از سمت راست بآن وصل میشود . چندی بیشتر بسمت جنوب ده سبز بوسیله دهنه تنگی غار و وارد جلگه سروبی می‌شود و معاون مهم آن دریای پنجشیر که از شامل چند دریا تشکیل میشود و در قسمت دریاهای جنوب هندوکش معرفی شده از جناح چپ در موضع که آن را دو آب میگویند بآن می‌ریزد ، دریای کابل بعد از برداشتن آب دریای پنجشیر و علیشنگ با خود تنگی (دارکائی) جلگه لغمان ، تنگی های درونته را عبور نموده بجلگه جلال آباد (۶۲۱ متر) داخل میشود . جریان سرنشینی دریای کابل از جلال آباد آغاز شده بموضع اجتماع بادریای سند انجام می‌شود .

دریای کنر که جغرافیای آن قبلاً در قسمت هندوکش تحریر شد در جنوب شرق شهر جلال آباد بمقام کامه بدریای کابل می‌ریزد . دریای کابل در جلال آباد بقرب تنگی های لعلپوره (۴۳۰ متر) دشتی را عبور می‌نماید که سواحل آن از گل و گل‌به هامستور است ، تنگیهای لعلپوره رود کابل را سرحد هندو افغان رهبری نموده بجانب شرق از باسول ود که داخل علاقه آزاد افغانه می‌مهد میگردد .

این دریا وقتا که داخل وادی پشاور میشود از ساحل راست (رود باره) و از جانب چپ رود سوان بآن یکجا شده در جلگه پشاور پیچها و دورها خورده اخیراً از نوشهر میگردد و بار تاق (۲۷۱) متر برود بار تاق (سند) می‌ریزد .

حلول دریای کابل تا سنده (۴۶۰ کیلومتر) و در مجری بالای خود کم آب است ، بلکه در تابستان تماماً بجلگه کابل و چهاردهی صرف آبیاری میشود اما در حدود مجری وسطی و آخری خود از شامل معاونهای بسیار آب پیدا می‌کند . در موسم ذوب برفهای کوهستانات کابل و هندوکش (حوت ، حمل ، نور) آب دریای کابل سیلابی می‌باشد . ولی این وضعیت طغیان دریای کابل دوام ندارد و بزودی قطع میشود .

این دریا اگر چه در جلگه جلال آباد حایز وسعت و عمق کافی می‌باشد اما بسبب تندی آب و جریان آن در علاقه کوهستانی قابل جهاز رانی نیست ، عبور و مرور از ازان بوسیله مشک و کشتیهای شرعی خورد ممکن است علاوه در حدود درونته بالای آن یک پل پخته باصول عصری ساخته شده که خط شوسه لغمان و جلال آباد بالای پل مذکور میگذرد .

دریای لوگرد از دامنه (گردن مسجد) و دیزر داد و بلندی جانب جنوب دره خوات وردک منبع می‌شود ، بعد ازان رخ بشال سواحل خود را درخوات

آبیاری نموده از بمبائی وردک بطرف مشرق سرازیر میگردد . وقتا که از تنگی مابین فلات پست شیخ آباد بجلگه شیخ آبادی می‌براید ، حصه ازان صرف آبیاری و قسمت همیش بتنگی وردک جریان می‌یابد در حدود دو آب تنگی بارود کوچک سیدآباد که از دره شزی می‌آید یکجا گردیده تنگی را سیراب و به لهوگرد داخل میشود در طول جلگه لهوگرد از سمت شرقی دفعتاً رخ بشال می‌کند در اینجا زمینهای زرخیز را شاداب ساخته از تنگی و افغان بشرق محمدآغه از دهنه (کوت خیل) بجلگه چهار آسیا می‌گذرد ، بعد ازان از بین حصار کابل علاقه جات شیوه کی را آب داده بجلگه بین بتخاک و کابل از پل بگرامی بشال بدریای کابل وصل میشود طول این دریا تا محل تقاطع دریای کابل زیاده از (۱۰۸) کیلومتر اندازه نمیگردد .

دریای غزنی از سرچشمه سرآب بظرف شرق سرازیر گردیده از تنگی بیدمشک بحوضه بند (سلطان محمود دریای غزنی : زابل) که حالا موسوم به بند سراج است میگذرد ، بعد ازان جلگه نوری را آب باری نمود موصل

جلگه غزنی میشود دریای غزنی این سرزمین را سیراب ساخته بجانب غرب دروازه کنک شهر باشوسه قندهار متوازی

بسمت جنوب رخ بجانب آب ایستاده مقر مانده از عرض شلگر میگردد و در موضع گپو با دریای سرده که از منابع رود احمدزائی از جلگه زرمت عبور میکند و تا اینجا میرسد مخلوط گردیده بجانب شرق مقر بآب ایستاده می ریزد.

دریای غزنی سه معاون خورد خورد م دارد که موسوم بدریای کل بوری تالاب حسینی، دریای قره باغ است ولی معاونهای آن مانند خودش در تابستان صرف آبیاری میگردد.

دریای غزنی با شامل دریای سرده علاقه طولانی کته و از را از علاقه جات اندری و مقر جدا ساخته کول مقر را تشکیل میدهد.

دریای ترنگ از دامنه شرقی کوه نمکی و از وادی وسط مقر برخوایسته بطرف غرب جانب چپ شوسه قندهار در علاقه گیلان و آغوجان میگردد بعد از آن بکنند معروف (پش) که حد فاصل ولایت کابل و قندهار است نیز علاقه جات مسکونه دو شاخ بزرگ غلزائی = (ابراهیم و توران) را از م جدا میکند، میرسد، ترنگ درینجا آب دره رسنه را با خود گرفته در علاقه توخی بشاه جوی قلات سرنشیب می شود، طول این جلگه یعنی دشت وسیع توخی را آبیاری نموده در حد شهر قلات بین (خال) مرکز حاکم نشین و قلعه نظامی قلات رخ بجنوب میکند، ترنگ در حالیکه باین منطقه سواحل جنگلدار کم عرض (چوب گز) را تشکیل میدهد بمحاذ علاقه جلدک دریای جلدک از جناح راست بان میریزد بعد از آن سواحل کم عرض خود را در بین قلات و قندهار آبیاری نموده در وادی مهند بقدر (۱۰ کیلومتر) از مجری ارغنداب بآبیاری صرف میشود.

این دریا بقدر (۳۵۲ کیلومتر) در سطح مرتفع غلزائی بیش می رود و با دریای ارغنداب متوازی است این دو دریا یعنی ارغنداب از سمت شمال غربی و ترنگ از جانب جنوب غربی بیشتر حصه سطح بلند مذکور را احاطه میکند اگرچه آب ترنگ نسبت ب ارغنداب کمتر است اما نسبت بطول و عرض خود درشادابی لراضی تماماً خود را می باز د.

دوم دریاها ئیکه بسمت غرب کوه پغمان جریان دارد:

دریای هلند از سنگلاخ قریب سرچشمه دریای کابل از نشیب غربی کوه پغان برخوایسته منابع آن به قاش و قونداز - موسوم است.

این دریا بزرگترین دریای است در بین رودبار دجه و آتک سابق بنام (آبی مندر) یاد می شده هلند از شمال شرق بجنوب غرب کوهستانات هزارم را عبور نموده درگرشک (۸۳۵ متر) داخل دشتهای وسیع جنوبی می شود.

طول این دریا تا کول سیستان به (۱۰۰۰ کیلومتر) بالغ است ولی چون شامل ۶۲ درجه عرض البلد شمالی است اولاً بجانب شمال جریان دارد و در مسافه نهائی خود ۱۲۳ تا ۱۳۶ و نیم کیلومتر بسمت جنوب بر میگردد و نشیب میشود از منابع این دریا تا فاصله ۷۸ کیلومتر یعنی اولی مقام گردن دیوار معلومات کافی داده نمی توانیم - درین حدود استقامت جریان هلند بجانب حصه شمالی سطح بلند ارت Urt که بارتفاع (۳۵۰۰ متر) واقع است بوده عرضش (۱۲ متر) عمقش از سی ساتی کمتر است ولی رفتار آن بسبب سطح نامووار کوهستانی نهایت سریع و تند است معاون اول خود را که از دره حاجی خاک می خیزد موسوم بآب سیاه از همین نقطه با خود می گیرد بعد از آن از یک وادی عمیق بجانب جنوب تا مقام غوج قول که از کوه بابا فاصله ۶۱ و نیم کیلومتر دور افتاده می گذرد - درینجا سواحل هلند را تماماً نباتات متنوعه و کلهای ملون پوشانده بی م برات ساخته اند - بعد از آن دو معلون دیگر از سمت راست و چپ موسوم بآب دلاوریان

می‌ریزد، از مصب این معاوتها تا دیوال قول باندازه ۴۴ کیلو متر مسافه ، هلمند بطرف شمال غرب جاریست ولی تا فاصله چند کیلومتر که ازین موضع به پیش می‌رود سمت جریان آن پوره بغرب استقامت گرفته تا مقام چک مک چک بقدر ۱۳۶ و نیم کیلومتر دیگر می‌دود درین موضع پل دیگر بالای آن ساخته شده که غریباً بطرف هرات می‌گذرد. متعاقباً از جانب شمال چند معاون دیگر باخود گرفته بقدر (۲۱۱ کیلومتر) تا موضع ساخیر بست جنوب غربی جاری میگردد. این نقطه محل اتصال سه پراه از قبیل راه بامیان ، راه میدان ، راه گرشک ، است از مقام ساخیر تا گرشک که ۲۴۶ کیلو متر مسافه درین است سمت حرکت هلمند غالباً بجنوب است ولی بقدر ۴۴ کیلو متر نازلتر از ساخیر رود تیزتر بآن ملحق میشود — و بگردما به که ۸۸ کیلومتر از موضع اتصال دریای تیزین پایان تراست ، دریای خوردرود بآن میریزد و بقدر ۵۲ و نیم کیلومتر از گرشک بالاتر رود ارغنداب کلاترین معاون هلمند بآن مزج میگردد در قرب گرشک عرض هلمند (۱۰۶۴ متر) میباشد ساحل راست آن ریگستانی و کنارچیش کوهستانی است لکن بعضی اوقات که آب هلمند کمتر میشود عرض آن به (۳۲۰ متر) نیز تنزل میکند ، باین سبب در بعضی اوقات عبور و مرور از هلمند دشوارتر است و گاهی آسان اما بقدر (۵ و نیم کیلو متر) نازلتر ازین موضع درجائیکه هلمند گذر میدهد بیش از (یکمتر) عمق ندارد و عرض شاخهای آن نیز از (۷۵ تا ۱۶۰ متر) اندازه شده ، بحدود قلعه (بست) یعنی (۷۹ کیلو متر) از مقام گرشک پایان تر هلمند بدو قسمت سوا شده یک جزیره را درین تشکیل و از چهار طرف احاطه مینماید .

از موضع مذکور تا بنادر کلان باندازه (۱۲۳ کیلو متر) دیگر باز بطرف جنوب روان است و سپس تا ۲۲۹ کیلومتر رخ بطرف غرب بوده بمقام پل الک ۱۷۶ کیلو متر پایان تر عرض هلمند (۶۲۵ و نیم) متر و عمق آن ۴ متر می‌باشد هلمند از حدود مذکور بهین عمق و عرض تا مقام ترا کوبیش رفته بعد از آن بسبب وجود کوه‌های ریک وسعت آن کمتر می‌شود متعاقباً سمت رفتار خود را بجانب شمال غرب تبدیل داده تا فاصله ۷۹ کیلومتر دیگر در سمت حرکت آن فرق مشاهده نمیکرد اما وقتیکه هلمند بسبب آمیزش رود دور بزرگ میگردد و به مصب خود نزدیک می‌شود . سه قسمت سوا گردیده بنام رود سیستان ، رود پورین رود نادعلی بشکل دال یونانی (۷) در آن خراخفاض سیستان یک باتلاق موسوم - بهامون هلمند (۵۱۰ متر) می‌ریزد .

سواحل راست و چپ هلمند که در محل خود گفته خواهند شد تا ارتفاع (۶۳۰) متر خیلی نرسب و مزروع است که این شادابی از بعضی در گرشک نالندی محمد امین امتداد دارد اما بعد از آن عرض چاکه مزروع هلمند عموماً در سواحل آن از ۲ تا ۳ نیم کیلومتر است .

رود هلمند از دریاهای است که دائماً بجری خود جریان دارد و در هیچ وقت سال خشک نمی‌شود ، (*) دریای هلمند چون هر سرزمین کوهستانی مرا زیر میشود و جریان آن تند است بناً برای جهات زراعتی مساعد نیست .

این دریا از حدود شش پیر دامنه گل کوه و دژه لومان سرچشمه گرفته در بای اراغنداب = بجانب جنوب سطح مرتفع هزاره جات بطرف غرب جریان دارد هر چند سنگ مانع هر گز حکومت جاغوری را بساحل راست خود عبور نموده بالای آن پل سوشه ارزگان می‌گذرد بعد از آن مستقیماً بطرف پل جنکلی در ما بین دره کم عرضی رفتار خود دوام میکند در اطراف دره مذکور انکور کوهی یافت میشود اما وقتیکه از پل جنکلی می‌گذرد مجری خود را بجانب جنوب غربی تبدیل میدهد سپس درین علاقه دیم، جه بان، بیشتر رفته داخل دره ارغنداب میشود ، این دره که در قسمت فوقانی کم عرض است

« اداره جریان دریا :

و قنایه رفتار هلمند کمتر باشد مقدار جریان آن در یک ثانیه عبارت است از ۲۰۰۰ مکعب فوت

»	»	»	»	»	»
»	»	»	»	»	»
»	»	»	»	»	»
»	»	»	»	»	»

وضعیت معمولی « « « « « «
تیز « « « « « «
۶۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ « « « « « «
۷۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ « « « « « «

اما بطرف یا یان آهسته آهسته وسعت میگیرد، دریای ارغنداب از همین حصه باب یا ری خود شروع نموده مولد حیوانات و انواع باغات و موهها میگردد، این دریا اگر چه در حصص بالائی نیز باعث شادابی و سرسبزی اراضی واقع گردیده اما سواحل مجری جنوبی آن نهایت حاصل خیز است، بیشتر حصص پر اشجار و اثمار سواحل این دریا بسمت غرب یا باولی و قسمت محله جات قند هار است، این دریا بحدی مورد استفاده واقع گردیده که در تابستان عموماً صرف آبیاری میگردد، ارغنداب بسبب سرنشینی مجری و تسندی رفتارش در مواضع عمق آن از یک تا یک متر و ۱۶ سانتی بیشتر نیست باز هم اکثر آگذر نمیدهد آبش قدری شوری دارد طول این دریا زیاده از ۴۱۳ نیم کیلومتر اندازه شده و فاصله ۷۹ کیلومتر بگرشک نارسیده برود بارهلمندی می ریزد.

سفید کوه :

سفید کوه (یا سپین غر) طول این کوه را موسیو (ریموند) (۱۵۰ کیلومتر) نوشته است حال آنکه طول بعضی شعب آن از ۲۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر زاید است این کوه به شرق افغانستان تقریباً به مسافت ۳۱ و نیم کیلومتر از غرب شهر پشاور آغاز گردیده بسمت جنوب، وادی جلال آباد را از وادی کرم منقطع می سازد، شاخهای این کوه بسیار و در وادیهای جنوب شرقی دره کابل وقوع دارد قله بلند سپین غر از (۴۵۰۰ متر) تجاوز مینماید از انجمله سیکارام (۴۷۳۲ متر) مرتفع است چون قله این کوه همیشه از برف مستور است افغانها آنرا، سپین غر مینامند - یعنی کوه سفید، سپین غر از حیث ارتفاع بعد از هندوکش و کوه بابا در جبال افغانستان حایز نومه اول است، این کوه بجانب جنوب کوههای سلیمان را در سرحد کرم تقاطع نموده آهسته آهسته ارتفاعش بطرف غرب کمتر شده می رود، شاخ مهمش که قدری بطرف غرب بیش می خزد دوباره بطرف جنوب استقامت می گیرد - این حصه منابع دریای کرم را از وادی لهوگرد سوا میکند اما وقتاً که از مقام (ازره) می گذرد کوتل معروف خوشی و جاجی موسوم بستر گردن را تشکیل میدهد، که بلندی آن (۴۰۰۰ متر) اندازه شده متعاقباً از خوشی بسمت جنوب برفتار خود دوام نموده از آب چکان بکوتل تیره گردیز عبور مینماید درینجا بعد از آن که جبال خروار و زنه خان غزنی را از خود منشعب می گرداند - شعبه از آن بطرف غرب، چرخ برکی راجان، سجا و ند را احاطه میکنند که بعد بسمت شرقی تکیه، هفت آسیاب، لوره، شش گاو، گذشته بنهنه شیر روضه سلطان محمود زابی دو حصه میشود قسمتی از بند زنه خان موسوم بکاوایان به بچک، تاسن، رامک، تادولت خان زرمت و بند سرده و کیچه مرچل علاقه تاجیکه و اندری غزنی را از جانب شمال و شرق احاطه میکند - سمت شرقی این شعبه را کوه سکو میگویند که اخیراً بشکل فلات پست می گردد، و حصه دیگرش هم به پشته بهلول و نهر بقیقی انجام می شود.

بعضی شاخهای سپین غر از کابل بفاصله چند میل واقعست که جبال پست و بلند مابین کابل و لهوگرد و خریان و میدان و تنگی وردک باین سلسله منسوب شناخته میشود. قسمت عمده سپین غر جنگلات قدرتی بسیار دارد که در محالش ذکر خواهد شد. دره هائیکه بشمال و جنوب این کوه واقع گردیده ازینقرار است :

بسمت شمال : دره خیبر نازیان شنوار، اچین، ده بالا، پچیر و گام، وزیری خویگانی، کچه، ماماخیل، مرکی خیل، نکر خیل توواشیان، حصارک غلزائی، تیزین و سروبی، بتخاک، شیوکی، چهار آسیاب، موسنی، سرخاب، التور، چرخ، تنگی وردک، شنز، ناوه گی، جلگه غزنی، شلگر، آب بند، دله، و از خواه

بسمت جنوب : تیرا، کرم، جاجی، رقیان، حسن خیل، میچل غو، رود احمد زائی، زرمت، طوطاخیل، میدان خوله دره میلن، شمل، نکه، گبان، مست توی، بیرکوتی.

آب و هوای سپین غر تاجیکه بتناطق ولایت کابل داخل میشود مانند آب و هوای هندوکش است، در حصص کابل نظر بانخفاض تدریجی کوه بحث عموم معتدل است.

دریای کرم از حصص جنوبی سپین غر منبع گرفته وادی کرم را شاداب ساخته منبت اشجار متنوعه و مرغزارهایی سرسبز میگردد این دریا مستقیماً در علاقه

کرم بسواحل خود آب داده بعد از طی ۳۵۲ کیلومتر مسافه بقرب مقام عیسی خیل بدریای سندی ریزد .
 دریای چمکنی از کوتل شترگردن و فلات (از ره) برخواسته طول تنگی رقیات
 دریای چمکنی : را بسمت شرق عبور میکنند در حدود رقیان آب جویاریکه از سمت شمال می آید
 با خود گرفته در زیر قشله جاجی بآب گل غندی یک جا رخ بطرف جنوب میماند .
 وقتا که بدره احمد خیل می برآید آب جویار میر ز که دران می ریزد بعد از ان دوباره بسمت شرق
 میل نموده بعلاقه چمکنی داخل می شود . این دریا درعلاقه چمکنی اراضی بسیاری را آبیاری نموده به تنگی
 چیری از خاک افغانی خارج وبعد از ان بکرم می ریزد ، دریای چمکنی در تابستان کاملاً چه بدره جات
 جاجی و احمد خیل و چه در جلگه چمکنی صرف آبیاری میشود به احمد خیل و چمکنی علاوه بر شادابی زراعت
 موجب سرسبزی باغها و اشجار مشمره انگور و چهار مغز و غیره نیز میگردد - طول این دریا در خاک افغانی
 بیش از ۳۵ کیلو متر نیست .

سطح بلند پامیر :

پامیر سطح مرتفع و در عالم بعد از تبت از نقطه نظر بلندی حایز نومه اول است این سرزمین در
 جغرافیا پیام دنیا شهرت دارد ، سطح بلند پامیر نقطه اتصال کوه قراقرم ، همایه ، هندوکش . کیون لئ ،
 تیون شان میباشد ، قسمت اعظم آب رود بار (آمو) که از کول و کتوریای گذرد از یمن برفهای همین
 سطح مرتفع است ، بلندترین قله ماؤنت کوف مین (Maunt Kaufmain) بجانب شمال ۵۰۰۰ متر بلندی
 دارد بصورت مجموع بلندی این سطح مرتفع از ۳۰۰-۵۰۰۰ متر اندازه شده ، سرزمین و اخان مربوط
 باین سطح بلند و دارای حیوانات عجیب الخلقه از قسم غرگاوا ، روبای دراز شکن ، گرگهای بور که موهای
 بلند دارد میباشد ، عموم گوسفندهایکه در واخات تربیه میشود در جسم خود از دیگر گوسفندها خورد
 و یکلاتر و کم دمبه بوده موسوم باصطلاح بومبها به گدک است .

دریای آمویا (اوکزوس) قدیم سرحد شمال مشرق افغانستان را تا فاصله ۸۰۰ کیلومتر در
 دریای آمو : بر گرفته از سطح مرتفع پامیر بشمال غرب در جریان است منابع این دریا در پامیر از
 بلندی ۴۰۰۰ متر شروع میگردد دریای آمودر آغاز از شمال شرق بجنوب غرب نظر بسر نشینی غیر
 تدریجی سطح بلند بنام بیج یا آب پنجه که علت آن بیان خواهد شد خیلی پرشور و بشدت رفتار دارد ، در حدود
 شمال شرق بدخشان بانهای دشتایش آمو نسبتاً چرخ مهمی زده تقریباً یک مثلث متفاوت الاضلاع را تشکیل
 میدهد و در جبال سلسل دروازچنان تنگی های عمیق و چتری را عبور میکند که گذشتن بجناب (خواهان)
 علاقه دروازو دره کلان درواز در بغلهای دیوار مانند و دشوار گذار کوهستانی اتفاق افتاده رفت و
 آمد مردم بوی درین حدود بوسیله زینه های سنگی و چوبی و میخ کوب ها است که درقات سنگهای صخره
 کوفته شده اینگونه معابر را (سولان) می نامند - در موسم بهار که زمان ذوب برفهای جبال هند و کش
 است رفتار این دریا بسیار شدید ولی باز هم موزون گفته می شود - درین حصص درواز دریای آمو خصوصاً
 سلسله معادن لعل بدخشان را از هم سوا میکند که حصه بطرف خاک روسی و قسمتی را بافغانستان می بخشد .
 آمویکی از معروفترین و مشهورترین دریاهای تاریخی آسیا است که پس از طی (۱۴۰۰ کیلومتر) بدریاچه
 ارال میریزد اراضی که از جویارهای این دریاچه در افغانستان و چه در خارج آن آبیاری میشود
 (۸۰۴ تا ۳۰۸) مربع کیلومتر رقبه دارد ، آمو بعد از آنکه خاک افغانستان را وداع میکند یک چرخ کلانی
 زده یک زاویه بزرگی را تشکیل میدهد که بعد از ان رخ بشمال غرب میکند و تا فاصله (۳۵۲ کیلومتر)
 در خاک بخارا و سپس از ان بطول ۱۷۶ کیلومتر سرحد فاصل صوبه سردریا و ایالت خیوا بوده از طول
 مجری وادی قراقم به ارال می ریزد .
 امو در خاک افغانستان با هندوکش متوازی و در بین این دو فاصل یعنی (هندوکش و امو) سرزمینی کاین است

موسوم به بدخشان و قطنن و با کتریای قدیم که از شمال شرق بطرف غرب امتداد دارد بجنوب با کتریای اراضی غیر مسکون و از شن و ریگ پوشیده است درین حصص قریه ها کمیاب و آب و هوا شدید است .

رود های معروف و متعددی که از جانب غربی جنوب امو سر چشمه گرفته و سمت آن جریان دارد موسوم به بلخاب و سفید آب و آب قیصار است ولی « بدشت بلخ قدیم » و دو دریای دیگر آن در حدود اندخوی موجودیت خود را می یازند دریای خلم از شمال بامیان از دو آب شاپسند بر خواسته متوازی سرک مزار روان است ولی بعوض اینکه با مو بریزد در حدود تاشقرغان و غیره بآبیاری صرف میشود ، دو دریای مهم دیگر که اخیراً مجاری خود را بطرف دریای امو تبدیل میدهند موسوم به بریزود و دریای مرغاب میباشد و قبلاً ذکر شده اما اینها نیز مانند سه دریای مافوق الذکر بدریای امو رسیده نتوانسته هر بود در سر زمین مرو و بریکستان ترکمان و دریای مرغاب دروادی قراقم جذب میگردد

معاونین شمال و جنوب شرق آمو؛ از شمال و جنوب شرق معاون بزرگ امو رود پامیر و پنجه است که اخیر الذکر ذاتاً به آمو موسوم است زیرا پنجه از پنج دریای (پنجه ، پامیر ، اقسو ، شیخ ، غند) تشکیل می شود که هر کدام از همین پنج دریا نیز بنام شهرت اقوام مسکونه سواحل زاویه از دو دو نام دارد ، گروهی برین است که این لفظ از دو قریه (پنجه و قریه بارینجا) که بسواحل پنجه واقع گردیده اند مشتق شده بهر حال درین مورد مقصد از تشریح وضعیت جغرافیائی پنجه است ، پنجه در حدود قلعه دامار نهر اقسورا با خود می بردارد ، اقسو و پامیر اگر چه از جهیل و کتوریا که آنرا وود در سال ۱۸۳۸ کشف نمود و از جهیل چک ساکتی می گذرد اما آنرا منابع او گفته نمیتوانیم .

دریای پامیر در سطح بلند پامیر جریان دارد و بمقام لنگر کشت با دریای آمو ملحق میگردد جهیل چک ساکتی با ارتفاع (۹۰) متر از جهیل و کتور یا در پامیر کاین است و جهیل و کتور یا از سطح مجری پامیر با ارتفاع ۴۴۰ متر وقوع دارد دریای پنجه از دره واخ جیری بر آید و از شامل همان پنج دریایکه مذکور شد صورت می گیرد گویا دریای آمو تا مقام کمتر بنام پنجه یاد می شود و بعد از آن موسوم بامو است .

رفتار ابتدائی پنجه خیلی سریع است چنانچه از منبع تا سرحد بعرض (۷۵ کیلومتر) (۱۲۴۷ متر) در سطح مجری پنجه تفاوت پستی بهم میرسد ، وقتا که بگنبد بوزئی متصل وادی و اخان میرسد سرعت حرکت پنجه کمتر می شود اما بعد از عبور سواحل زیبایک و اشکاشم باردیگر به تندى خود آغاز نموده باشکل مهبی در جریان است .

مجری دریای پامیر از جهیل و کتوریا یا مزار تپ در نقاط متصل وادی و اخان یعنی در موضع مصب دریای خرگوش بفاصله ۴۰ کیلومتر ۲۸۵ متر پست میشود و از مزار مذکور تا لنگر کشت که با آب پنجه می ریزد در عرض ۶۰ کیلومتر (۸۳۱ متر) می فراید .

تیزی پنجه تا مقام سیموت بهمان شدتیکه ذکر شد باقی می ماند ولی درین حد از تندى خود باز مانده اشیای سنگین و وزنی که از بالا با خود می آورد در اینجا بکنار های خود پرتاب می کند ، پنجه درین حد بسواحل خود چنان تپه های را تشکیل میدهد که از تراکم - ریک و سنگهای خورد و بزرگ مانند یک صحرای مخروب غیر قابل گذاره بنظری آید آثار سبزه و گیاه در هیچ قسمت این حدود دیده نمی شود - حتی در موسم تابستان که آب دریا کمتر میشود ریگهای مذکور با تروزش بادهای تند بهر طرف روان میگردد .

زمانیکه بوادی فراخ و وسیع میرسد در مقام زنک دریای پنجه بچند قسمت جدای می شود ، این دریا با وجود خوردی خود دلدل بسیار دارد و آب آن از یک قسم گل سیاه مزوج است که در زمان طغیان اراضی همجواری را از همین گل سیاه مالا مال ساخته باعث رونق زراعت آن حدود میگردد ، دریای پامیر نیز در بعض جاها همچو تقسیمات قدرتی را نشان میدهد ولی حصص آن نه دلدل دارد و نه گل سیاه! و سواحل پنجه در بین لنگر کشت

ویتوک سرسبزی و شادابی خوبی دارد و هر دو جناح آن از علف و درختان بید، چنار سفید، درختهای خاردار و دیگر جنگلات معمور است اما بعد از بتوک این وضعیت پنجه بکلی تغییر قیافه نموده و در مقام سموت و شتار کنارهای آن سراسر خشک و آثار ریگستانی دارد و گل سیاهی که با خود داشت در اینجا ختم می شود.

کوههای لنگرکشت و زنگ که در آغاز از هم منفصل بودند و مجری آموزان میگدشت در غرب کاله دوباره با هم نزدیک شده تا حدی که بصد مشکل پنجه ازان عبور میکند، سپس ازان دریای پنجه بار دیگر بر وسعت خود افزوده سطح آن بچند کیلومتر میرسد در اینجا پنجه - بشاخهای متعددی تقسیم گردیده مجموع الجزایر کوچکی را تشکیل میدهد که از بوته های خاردار مملو است. این دریا بعد از ده شتار تمام شاخهای خود را با هم یکجا ساخته وسعت زیادی را حایز میگردد اما از مقام ورسی تا، نت رفته رفته دوباره عرض آن کم شده می رود در اینجا رفتار پنجه آقدر تند و تیز است که از اصطکاک کوه ها و سنگلاخهای همجوار آوازاها و گرمسای مهبی بوجود آورده فضای وادی را پرخروش و پر شور میسازد. فاصله پنج و یک ثلث کیلومتر از سی خانه بعد از آنکه آبشارهای چند را تشکیل میدهد. بار دیگر از مقام نت تا سچان در ایالت اشکاشم بر عرض خود افزوده کنارهای آن سرسبز و علف زار است، و وحوش و طیور از هر قسم اصصاً مرغ دشتی بسیار دارد، چند کیلومتری یا تر از سچان بار دیگر سطح پنجه تنگ میگردد زیرا از هر دو طرف جبال بلند پیش آمده و پنجه را در بر میگیرد بسرحدازان و اشکاشم بمقام در بند چند آبشار مهم دیگری را نیز تشکیل میدهد که دارای گردابهای متعدد است بعد ازان بمقام چراك رود ارغنداب بآن وصل می شود، اکثر معاونین که در بین لنگرکشت و نامه کوت بآن می ریزد - بدون از بعضی آنها تمام این معاونهای پنجه سیلابی و آب آن - منحصر بآب برف است، این معاونهای موقتی فقط در زمان ذوب برفهای شمال بدخشان و سطح جنوب بجزری پنجه آب میرساند - ازان جمله مهمترین معاون پنجه در حدود روشن جنوب بدخشان رود اقسواست که تمام سال جریان دارد و در هیچ وقت سال خشک نمیشود - در مقام سرن بولاک رود شیخ دریا و بعد ازان دریای سو جان بآن می ریزد پنجه از حدود شمالی شهر بزرگ سرزمین ینگه قلعه میرسد و تقریباً بدو شاخ مهم قسمت میشود که حصه بوضعیت آرام در مجری طبیعی خود جریان دارد و قسمت کمتش بطرف ینگه قلعه و دشت قلعه بیشتر می آید و پایان تر ازان دوباره با هم یکجا میشود جزیره معروف در قدر انیز در همین حصه تشکیل میدهد که سکو تنگگاه زمستانی افغانه مالدار قندهاری است - درین حصص پنجه بسواحل خود جنگلهای غلوثی می رویند و وحوش و طیور بکثرت وجود دارد و سرزمین در قد نهایت حاصل خیز ولی طوریکه شاید از جمعیت نفوس خالی است. از اینجا قدری پایانت تر دریای کوچکی که از هند و کش و بقتل منبع گرفته از طول بدخشان، کشم و درایم، خواجه غار گذشته بدخشان را از قطعن سو امیکند با تیزی تمامی سرازیر میگردد و بدشت قلعه بدریای پنجه یعنی اموی ریزد - این معاون دریای امر تا جائیکه دیده شده خیل مهم و در زمان طغیان عبور و مرور از آن بوسیله مشک و جاله است، سه پل معروف ولی بطرز قدیم نیز بالای این دریا بسته اند، از قبیل پل خشتی فیض آباد، پل مشهد، پل شیمه، علاوة هر دو راهیکه از قطنن به بدخشان می رود، بالای همین دریا میکردد.

دریای آمو بعد ازان که داخل علاقه آرهنک یا حضرت امام میگردد وادی سمت جنوب خود را آبیاری نموده مولد نباتات و باغات سرسبز میگردد. نازل تر ازان بجانب شمال غرب شهر حضرت امام یک شعبه آمو باز در خاک افغانی پیش آمده یک کولی را بقدر ده کیلومتر مربع تشکیل میدهد و سپس بزائوه منفرد دوباره با مو وصل میگردد - پایانت تر ازین وادیکه مجری آمو در آن واقع شده بسیار تنگ و بکنارهای خود آب نمیدهد اما وقتا که از کلوخ تبه و قلعه زال معاون مهم خود دریای قندوز و خان آباد را با خود می گیرد و در حدود خلم (تاشقرغان) داخل میشود بسواحل آن سرسبز و شاداب بوده دارای آب و هوای گرم است که برای

زراعت نهایت مفید ثابت میشود در بنجاناتاک ، انگور دشتی ، نار مرخ ، سیب ، ناک ، توت ، اقسام سبزیجات بکثرت کاشته میشود در موضعی که در بای آمو ایالت کولاب بخارا را از اضلاع قطن سو میکنند از سلاسل کوه ها نجات یانه چند معاون دیگر : از قبیل دریای کافرنهان سرخان مدرین ، از سمت شمال بآن می ریزد .
 امو بمقام تیک نیک (ایالت خیوا) بقدر (۴۰۰۰ مربع میل) اراضی را آبیاری میکنند و در آخر کار آبش گل مخلوط گردیده در مصب خود بشکل دلتای در بحیره ارال ابد آرام میگردد .
کوه سلیمان :

کوه سلیمان عبارت از یک سلسله جبالست که در اهمیت خود از سلسله جبال هندوکش کمتر دیده نمیشود و در منظره مجمل هم ذکر شده ، سلسله های این کوه از غرب جنوب کوات ویشین آغاز گردیده شمالاً و جنوباً تا نهر صوات میرسد کوه سلیمان و دامنه های مهیب آن مقر و مامن ، افغانه سلحشور و غیره است این کوه بحساب اینکه جبال تیرام در آن محسوب شود مرکب از سه سلسله مترادف است ، حصه اول که متحد مشرق آریانه را تشکیل میدهد و از غرب جنوب بشرق شمال امتداد دارد موسوم بسلیمان مغربی میباشد ، تحت سلیمان (ع) بار تقاع ۹۴۰ متر بران وقوع دارد قله دیگرش موسوم به (کسرغر) ۳۷۶۰ متر از سطح آب بلند است . قسمت دوم این کوه عبارة است از قسمت عمده خود کوه سلیمان که گوشه شمالی آن به سفید کوه (سینغر) توصل میکند اکثر جبال حصص جنوبی و وزیرستان و مسعودستان قسمت شمالی اینکوه را تشکیل میدهد شعب داخلی این کوه که از گوشه شمال پیوار تا انتهای علاقه وزیر و مسعودی امتداد دارد . منبت جنگلات سرسبز و انبوهی است که اقسام اشجار کوهی از قسم ، نشتر ، بلوت ، ارچه ، سرو ، صنوبر ، کاج ، خنجرک ، بادام تلخ شجر الحیاة ، اقسام گلهای کوهی ، نباتات مفیده را در آن است . طول این جنگلات تنها در خاک افغانستان تخمیناً ۱۰۰ کیلومتر و عرض آن بطور اوسط از ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر زاید است سر نشینی کوه سلیمان از سرحد افغانی بجانب دریای اتک بصورت قلات خاتمه می یابد در زمستان اگر چه اکثر حصص آن برف گیر است اما در هیچ نقطه برفهای آن تا موسم یاریدن دیگر برف باقی نمانده -
 حصه سوم : این کوه عبات از کوه های تیراست که بجانب غربی حصص شمال هند قد علم نموده و سکونت گاه افغانه آزاد افریدی است

در یا هاییکه از کوه سلیمان منبع میشود :

دریای کومل : دریای کومل از کوه سلیمان برخاسته بطرف جنوب شرق جریان دارد طول این دریا ۳۵۲ کیلومتر و بادریای کرم مساوی است لاکن با تشامل معانیهای رقیه و سعتت براسیراب مینماید ، دریای کومل بعد از آنکه تپه های سرحد را عبور مینماید معاون مهمش دریای زوب بهما تقدیر طول و عرض از گند و جبه برآمده بآن وصل میشود ، این دریا از دیره جات گذشته بعضاً بدریای سندی پیوندد و گاهی در عرض راه خشک میگردد .

دریای لورا : دریای لورا از حدود قلعه های گند و جبه مربوط شعب کوه سلیمان منبع گردیده و بسمت شرق در جریان است این دریا نظر به تمام دریاهای افغانستان بیشتر به سمت جنوب واقع بوده اگر چه بارود هلمند متصل روان است اما آبش به هلمند نمیرسد

این دریا از وادی پشین میگردد ، اما چون سطح آن از اراضی متصله پایان تر وقوع دارد بنام برای آبیاری مفید تر ثابت نشده طول این دریا : ۳۵۲ کیلومتر و عرضش هم کافی است در زمان سیلابها و ذوب برف عبور ازان دشوار تر است . دریای لورا در طول البلد (۶۵ - ۶۶) بعلاقه شور اوک باعث سرسبزی اراضی آنجا واقع گردیده اخیراً در کول سیستان می ریزد .

دریای هاروت : این دریا از جبال جنوب غرب هرات برآمده بجانب جنوب غرب روان است ، ازان دریا چوهای متعددی را منشعب ساخته باعث سیرانی سواحل و اطراف سبزوار

و انار دره میگردد دریای مکه کور بدهنه خود دلتای را تشکیل داده که به ۱۵ شعبه قسمت میشود، اراضی واقع دلتای مذکور حاصل خیز و اشجار متنوعه خصوصاً، بید، گرد، چنار بسیار دارد، این دریا بعد از طی ۴۳۱ کیلو متر در بند آب سیستان می ریزد.

کوه قره باتور:

کوه قره باتور بقره قندوز از قلات قلعه زال آغاز گردیده کوه تل دشت آبدان میر علم موسوم به ایرگنگ را که عبر شوسه بین خان آباد و مزار است در حصه شمالی اینکوه واقع است قره باتور بسمت غرب چهار دره قندوز دفعتاً قد را فرشته بجنوب تمتد میشود اوسط بلندی این کوه از (۲۵۰۰ - ۲۷۰۰ متر) اندازه می شود این کوه وقتا که بسر بند علی آباد میرسد بطول دریای قندوز و تنگی گردابی چرخ زده بکوه تل بقلان دو حصه میشود حصه از آن بطرف شرق شوراب و هزار قاق دور نموده تانهرین و اشکمش پیش می رود و در سمت شمال نهرین بار دیگر بجانب جنوب پل « علم گیر » پیش رفته از سمت شرق بچمال دوشی متصل میگردد بعد از آن بطرف جنوب غرب شروع با متداد کرده طول دریای اندراب و سرخاب آنرا از کوه کیان و نیک بی سوا میکند، حصه دوم این کوه از کوه تل گردابی رخ بشمال گذاشته دشت آبدان میر علم و سرحد تا شقرغان را تماس میکنند بعدها بطرف جنوب غربی دور زده رفته رفته به تنگی رباطک آبیگ ختم میشود - گویا کوه تل تنگی رباطک قره باتور را از کوه دهنه غوری که یکی از شعبات هندوکش است جدا می سازد. این کوه با شامل کوه های کله گی و نیک بی درختهای پسته زیاد دارد که اهالی چهار اطراف پسته و بزغنج آنرا برای تجارت حاضر مینمایند.

دوم عنبرکوه:

کوه عنبر کوه بجانب شمال شرقی خان آباد در ما بین تالقان و حضرت امام واقع است و ادبهای فراخ دشت ارچی و خواجه غار و جگه خان آباد و تالقان و دریای بنگی از چهار طرف اینکوه را احاطه کرده درخت پسته بکثرت دارد و ایلاق مردم اوزبیکه است یا لای اینکوه هموار و در اطراف و حصص آن گله های بز کوهی بسیار چرا میکند - عنبرکوه نیز (از ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر) بلند است در بغل های آن الهی می کارند، حاصل خیز و معتد نباتات است علاوه تا باستانهای جبال مذکور بعضی کوه های دیگر نیز از قبیل کوه بنگی اشکمش، کوه ممی دره صوف و غیره در حصص شمالی افغانستان وجود دارد که از حیث موقعیت مستقل بوده با هندوکش رابطه مستقیمی ندارد و البته نظر به داشتن ثروتهای طبیعی از قسم اشجار و معادن نیز اهمیت خوبی دارد.

کوه سرده:

کوه سرده یک سلسله کوهی است که بشرق جنوب غزنی از بند سرده شروع گردیده با ارتفاع ۳۰۰۰-۳۵۰۰ متر بطرف جنوب امتداد دارد، این کوه در ما بین شلگر و کنواز قد را فرشته بشرق آب استاده غزنی بطرف و از خوام دور خورده بسلسله کوه سلیمان منتهی میشود حصه وسطی این کوه بقسم فلات تشکیل یافته قله آب بند مقر از شعب آنست برجسته گیهای کوه سرده از درختهای مهم عاری در دامنه های آن ترخ بکثرت می روید که همزم زمستان اهالی گرد و نواح میباشد.

وادی (دله) مفرکه سکوتکاه تابستانی قبائل ناصری و غیره است در دامنه انتهایی این کوه واقع گردیده است. از طرف دیگر اگر همواری بند سرده فاصل گفته نشود این کوه نیز از شعب - سین غرب حساب می رود.

گل کوه:

گل کوه یکی از جبال یا اهمیت غزنی و بطرف غرب جنوب غزنی واقع است، این کوه بدشت هموار و بلند ناهور که ایلاق مردم مال دار غزنی میباشد مشرف بوده یکزایه و قایمه سلسله کوه پغمان را تقاطع میکند، قله گل کوه

جغرافیای طبیعی افغانستان

پارو تپه ۴۵۰۰ متر دایما از برف پوشیده است آب فی قلعہ و دریای خورد ترک قرباغ از دامنه آن سرچشمه میشود بند آب نور در دامنه این کوه کاین است گل کوه طوز یک نامش معرفی میکند با وجود آب و هوای سرد و شدید منبت گل و انواع نباتات است یک نوع بوته در آن میروید که به کیبیا بوته شهرت دارد اهالی انجا عقیده دارند که این بوته خاصیت گوناگونی دارد در موسم بهار بکثرت اتفاق می افتد که دامنه های کوه را گلپهای سرخ و ابلق چهار بر گه ملون گردانیده شکل زمین را لاله گون می سازد، در شعب گل کوه برف و صحنه گلزار چندان بعدی بهم داشته تپه ها شمال غربی آن اوج گرفته بکوه مالستان پیوست میشود، که بعد از آن اولاً بجانب شمال و ثانیاً در حدود بهسود بطرف غرب برگشته تا دایزنگی به شامل جبال دیگر ممتد میگردد ابلقهای این کوه بقیمت خرید فروش میشود از قبیل پیل تندی وغیره :

مختصری از جبال هزاره :

هزاره جات مرکز کوهستان وسیع است که جغرافیای طبیعی آنرا درین سلسله نمیتوانیم پوره عرض کنیم زیرا نظر به تسلسل جبال پی م و وقوع قتل و سلاسل متشابه انسان نمیتواند بیک نظر وضعیت آنرا کماهی رسم کند - درین مورد اینقدر باید گفت که حصص شرقی و جنوبی این ایالت کوهستانی را سلسله کوه پیمان در بر گرفته و حصص شمالی و غربی آنرا جبال هندوکش و کوه بابا و کوه های سیاه و سفید احاطه میکند در مابین این دو سلسله محلات بهسود یکا و لنگ، غاب، ایماقستان، دیزنگی، دیکندی، مالستان، جاغوری، دی چویان، اجرستان، ارزگان، گراب افانده که چهار قسمت خیر اند کر آن را غالباً حالا اقوام مهاجر و ناقل افغانه تشکیل میدهند محلات مذکور هر کدام از خود جغرافیای متمایزی دارد که نه تنها از حیث آب و هوا با هم متفاوتند بلکه از نقطه نظر طبقات و کوائف و وقوع نیز فرق نیایی نشان میدهد، مثلاً بهسود گرم آب های طبیعی و علامات آتش فشانی دارد و بیجبال بلندی محاط است. ناهور که بعرض ۳۰ کیلومتر و طول ۶۰ کیلومتر بسمت جنوب شرق بهسود وقوع دارد تماماً جبه زار و از شرق جبال سر آب غزنی شمال بهسود جنوب گل کوه بفریب کوه مالستان احاطه اش مینماید این حصه یک سطح بلند بس همواری میماند که هرگز آثار سنگ و کوه در تمام عرض و طول نسبتاً وسیع آن دیده نمیشود، در وسط آن تالاب کلانیکه دارای انواع مرغهای آبی است نیز وجود دارد مالستان بز اوپای حاده از جبال بلند محفوظ است که این کوه ها بجانب غرب و جنوب (مرادینه) بصورت نلات پستی می شود بر است و چپ متن علاقه مذکور سرچشمه مالستان خوردک زایمه وغیره واقع است که زمین زراعتی کمتر دارد بشرق و غرب جنوب، دایه و فولاد سر زمین حاصل خیز و منبت غلات و بقول، است، دی چویان جاغوری از کوه های نسبتاً پست احاطه شده بدون خاک افغان که کم آب است و علاقه دیگر یک زمین کم و آب وافر دارد، غاب، اشکار آباد، خوردک تخته و باقی حصص دایزنگی دیکندی بعضاً دارای زمینهای مزروعی و برخی سنگزار و کوهستانی است، عموماً این علاقه برای تربیه حیوانات اهلی مساعد و چن زار های در سبز و شادابی دارد جبال این حصه عاف مقوی (کمای) بکثرت می رویاند، یکا و لنگ بامیان در سلسله جبال شمالی واقع است، در اینجا اراضی قابل زراعت کمتر دیده میشود و تربیه حیوانات بیشتر.

کوتل های معروف هزاره :

سراب، لومان، مالستان، کوتل خون، جوقول، شاه طوس، وغیره است. جبال مشهور، سیرو، کوه مالستان، لعل، کرمان، جبال دایزنگی شاه طوس است که از موخر الذکر کاه کاهی او از های عجیب و مهیبی شنیده میشود. قتل هزاره جات غالباً بیش از ۴۳۰۰ متر بلندی ندارد آب و هوا سطح بلند هزاره جات بدون حصص غربی و جنوبی بیحس عموم سرد است لکن هوای مالستان و حصص بامیان خنک تر و از دایزنگی نظر باین دو علاقه هم شدید تر است.

کوه های پاروپامیز :

(Paropamisases) غربی ترین جبال افغانستان کوه های پاروپامیز است که مابین فیروز کوه و زاویه که بواسطه سرحد روس و ایران بشمال مغرب افغانستان تشکیل شده و آن دارد ارتفاع قله بلند این سلسله جبال از ۲۵۰۰ متر متجاوز نیست.

کوه‌های جنوبی چاکائی:

این سلسله سرحد افغانستان و بلوچستان را در طول ۱۵۰ کیلومتر تشکیل میدهد و عرض اوسط آن نهایت الامر بالغ بر ۷۰ کیلومتر است. قله معروف او که بر ملک تیزنان حاکمیت دارد ۲۳۰۰ متر بلندی دارد.

میرجاوه:

چیزی بیشتر بطرف غرب جبال میرجاوه سرمد که حصه ازان در خاک ایران واقعست، این کوه در ارتفاع جبال چاکائی مساوی است علاوه کوه حاجی گک کوه خوردیست در مابین، کوه پیمان و کوه بابا که بسلسله هندوکش شاملست. کارا کوه، بشال کوه بابا کوه کوچکیست، کوه والا کوه خوردیست بجنوب مشرق هزاره جات متصل کوه سفید غربی گذشته بران در حصص مختلفه افغانستان جبال خورد خورد دیگر نیز وقوع دارد.

جنگلات طبیعی افغانستان

جنگلات طبیعی تقریباً در اکثر حصص کوهستانی افغانستان وجود دارد تنها نقاطیکه از جنگلات وسیع و مهم عاریست کوه‌های جانب غربی افغانستان است. کوه‌های سمت مشرق و هندوکش شرق و جبال سمت جنوبی وغالب قسمتهای جبال بدخشان و قطن و کنارامو وغیره بطوری جنگلات مهم و انبوهی را تشکیل میدهد که در بعض حصص صفحات و بطنهای جبال و پشتها از اتصال جنگلات و اشجار خود رو تماماً پوشیده شده و این جنگلات اساساً بدو حصه مهم سوا میشود ثمر دار و غیر ثمر دار مثلاً کوه قره باتر، کوه‌های نهرین، دوشی کیله گی، غوری، تاله برفک، نیک پی عنبر کوه خان آباد، دره اشکمش، کوه مئی، تالقات در قطن و جبال کشم، درایم، چا آب حصص جرم وغیره در بدخشان علاوه بر دیگر اشجار کوهی پسته فراوان دارد که از حاصلات پسته و بزغنج آن اهالی استفاده خوبی مینمایند.

کذا جنگل پسته مهمی در حصه شمال مغرب خاک و وطن به علاقه طعمه نوهرات موجوده است که در اهمیت و وسعت خود نظیر جنگل پسته ولایت خان آباد میباشد.

جبال پنجشیر، نجراب، تگاب، نورستان، کنرها، سین غر، جبال جاجی چمکنی، منگل، مچلغو، طوطا خیل، جدران، ارگون، تنی، درگی، زمبر، لندر، کر بز وغیره نیز دارای هر نوع درختها است که جلفوزه، املوک، جوز، بادام، انکور، سیب وغیره از قسم ثمر دار، نشتر، ارچه بلوط، سرو، کاج وغیره از نوع بی ثمر در آنجاها بکثرت وجود دارند اشجار این حصص البته اشجار غیر مشر و چوبهای عمارتی غالیست دارند ولی چون اندازه و مقدار جنگلات و وطن عزیز ما تا حال باصول فنی پیمایش نشده ازان روراجع بکمیت تمام جنگلات مذکور عجالتاً معلومات کافی داده نمیتوانیم تنها از انجمله جنگلات هات مواضیکه تحت اندازه مهندسی آمده ذیلاً ازان ذکر می‌نمایم:

تمام جنگلاتیکه قابل استفاده است و بدامنه هندوکش از (۲۰۰۰—۲۳۰۰) متر ارتفاع واقع شده در مقابل آن جنگلات سمت جنوبی از ۶۰۰ تا ۲۳۰۰ متر وجود دارد، جنگلات قاط پست سمت مشرق نظر بارتفاع جنگلات سمت جنوبی باندازه ۳۰۰ متر پایان تر است جنگلات جنوبی اشجار برگ دار که در تحت آن جنگل خار دار وجود دارد عبارت است از درخت بلوط سنگی، چهار مغز، انار، سیب خود رو، وائیدن (قسم بید کوهی) بادام، انگور جنگلی، توت کوهی، اهورن: (نوعی از چوب است مابین چهار مغز و بلوط) نشتر، زردالو، سرو، شنی بال، جلفوزه، چنار، عناب، انجیر وغیره.

اکثر جنگلاتیکه در نورستان و کنر موجود می شود درختهای آقی است:

ارچه ۵۵ فی صد — نشتر ۲۰ فی صد — گز همالیه ۲۰ فی صد — کرپ همالیه ۲۰ فی صد — جلفوزه ۵ فی صد
تمام اقسام اشجار مذکور در جبال نورستان و کنر از یکساله تا ۴۰ ساله وجود دارد قطر آنها مختلف و از ۲ تا ۴ متر قدارد و وسعت جنگلاتیکه تحت پیمایش آمده و ما آنرا (۱۰) فی صد تمام جنگلات افغانستان تخمین میکنیم اینست:

جغرافیای طبیعی افغانستان

علاقه کتر	۱۸۰۰۰ هکتار	==	۱۸۰ مربع کیلومتر
جنوب بارگندی	۱۲۰۰۰	»	۱۲۰
شمال بارگندی	۱۱۰۰۰	»	۱۱۰
گرسالك	۳۹۰۰۰	»	۳۹۰
پارون	۴۹۰۰۰	»	۴۹۰
کامدیش	۱۸۰۰۰	»	۱۸۰
علاقه باشگل	۱۴۰۰۰	»	۱۴۰
هشم بری کوت	۱۰۰۰۰	»	۱۰۰
اسهار	۲۳۰۰۰	»	۲۳۰
مجموع	۱۹۴۰۰۰	»	۱۹۴۰

مطور اوسط از قرار نقشه و اندازه، جنگلات این نقاط در قی هکتار از ۴۰۰ تا ۸۷۰ مکعب متر چوب را دارا است که باین حساب مقداری چوبهای علاقه جات مذکور قرار ارقام ذیل حاصل دارد:

علاقه کتر	۱۰۳۶۸۰۰۰ مکعب فوت	-	۲۸۸۰۰۰۰ مکعب متر
جنوب بارگندی	۶۹۱۲۰۰۰۰	»	۱۹۲۰۰۰۰
شمال بارگندی	۷۹۲۰۰۰۰۰	»	۲۲۰۰۰۰۰
گرم سالک	۲۸۰۸۰۰۰۰۰	»	۷۸۰۰۰۰۰
پارون	۲۸۲۲۴۰۰۰۰	»	۷۸۴۰۰۰۰
کامدیش	۷۷۷۶۰۰۰۰	»	۲۱۶۰۰۰۰
باشگل	۶۰۴۸۰۰۰۰	»	۱۶۸۰۰۰۰
بری کوت	۵۷۶۰۰۶۰۰	»	۱۶۰۰۰۰۰
اسهار	۱۳۲۴۸۰۰۰۰	»	۳۶۸۰۰۰۰
مجموع	۱۰۱۴۳۳۶۰۰۰	»	۳۱۷۶۰۰۰۰

جنگلات سمت جنوبی بشرح اشجاریکه فوقاً ذکر شد از کوه حاجی تا حدود مرغه و برمل و سرحد وزیرستان بطول ۱۰۰ کیلومتر و عرض اوسط ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر اشجار نر درار و چوب مهم عمارتی دارد که از انجمله تنها منطقه حاجی بقرار اندازه صحیح بقدر ۰۰۰ و ۳۱۲ و ۱۸ مکعب متر یا ۰۰۰ ۶۷۰ ۶۴۷ مکعب فوت دارای چوب میباشد که متباقی حصص سمت جنوبی و دیگر جنگلات افغانستان تا کنون تحت مساحت و اندازه نه آمده درینجا تنها ازان ها فقط نام برده شد.

علاوه بر جنگلات مذکور نیستانها و چوب کز و بید خود رود در قندوز و کنار دریای اموو جزیره در قند و کاره لند، ترنگ، دریای اندراب بفاصله های معین در هر هر موضع وجود دارد که طبعاً اهمیت آن به نسبت جنگلات حصص کوهی کمتر و محل بود و باش حیوانات وحشی از قسم شیر، گراز و غیره و طیور، دشتی و جنگلی میباشد ازین نوع جنگلات عجلاناً اهالی برای سرخت و کپه بافی و غیره استفاده مینمایند.

بندها و تالابهای طبیعی افغانستان

بندها و تالابهای طبیعی در هر حصه افغانستان وجود دارد که بعضاً مخزن آبهای دریاها و برخی متردایی آنها واقع گردیده مثلاً تالابهای هندوکش که موضوع بموضع دیده می شود محل نبعان دریاها و آبهای کم و بیش قرار گرفته هر گاه سرچشمه يك دریا از رودهای مربوط هندوکش را انسان تعقیب میکند اخیراً یکی از همین تالابهای طبیعی منتهی میگردد اما چون مبنی بحث ما بر اختصار است درین مورد اگرچه ناقص هم باشد ما از بند آبهای قسم دوم آن در ذیل نام می بریم :

آب ایستاده غزنی : این تالاب چنانچه ذکر شد مقر آبهای دریای غزنی و دریای زرمت و آب های غزنی و بار تفاع ۲۳۰۰ متر بجنوب شرق مقر وقوع دارد محیط این تالاب زیاده از ۷۰ کیلو متر و عمق آن ۴ متر است ، در وسط خود يك جزیره خوردی تشکیل میدهد که محل لانهای طیور آبی میباشد آب این تالاب شور و از اضی اطراف آن شوره زار و غیر مزروع است در موسم زمستان که آب آن یخ بسته میکند اهالی اطراف بالای یخ گذشته از خشک و وسطی و برخی مواضع تنگ آب آن اقسام مهرغها را شکار می نمایند .

تالاب نور : تالاب نور بمفاصله ۶۰ کیلومتر از غزنی در غرب قره باغ و بجنوب نی قلعه بدامنه گل کوه واقع است ، در موسم بهار تالاب مذکور موضع شکار پرندگان بوده بدور آن سبزه های زیاد می روید محیط این تالاب بیش از ۱۰ کیلومتر و عمق آن ۳ متر اندازه می شود .

هامون زره : هامون زره در جنوب مغرب افغانستان و به شمال غرب چغانسور کائن است سطح آن تقریباً به ۱۷۶ کیلومتر میرسد و در موسم سیلابی دریاها باندازه تو وسیع می یابد که با هامون سوران یکی می شود .

هامون سواران : هامون سواران بشرق جنوب هامون زره وقوع دارد آبهای خاش رود ، فرارود و دریای هاروت در آن می ریزد سطح و محیط هامون سواران بعد از قطع سیلابهای موسمی تقریباً به ثلث هامون زره می رسد .

بنداب سیستان : بنداب سیستان در موسم قطع سیلابها بطول ۱۰۵ کیلومتر و عرض ۴۹ کیلومتر تقریباً مقر آبهای دریای هلمند است ، دو بنداب اول الذکر نیز گاه گاهی بسبب تجمع آبهای سیلابهای موسمی توسعه یافته به این بنداب شامل میگردد در قدیم بنداب مذکور بر تمام سیستان حاوی بوده حال فقط بیشتر حصه آب آنرا دریای هلمند تهیه مینماید عمق آن با اینکه دریای هلمند در قسمت شمال این بنداب گل و ریک فراهم میکند از میدانهای اطراف بقدر ۱۳۰ متر است .

تالاب ناهور : این تالاب بقسمت شمالی دشت هوار ناهور بمفاصله ۴۵ کیلومتر تقریباً در غرب تالاب ناهور متفاوت چنانچه بقرب کنارها یکمتر و در وسط و قسمت شمال خود به ۳ متر میرسد .

این تالاب را چمن سر سبز ناهور از هر طرف در بر گرفته و در اطراف آن سبزه تايکتر قدی کشد آب این تالاب سیاه رنگ یعنی با اوش مخلوط است ، در موسم بهار تالاب ناهور محل شناوری اقسام مرغهای آبی از قبیل ، قو ، قاز ، کلنگه ، مرغابی و دیگر جانوران میباشد بطوریکه از تالاب متر (آب استاده) و تالاب نور پرواز می کنند درین تالاب می نشیند حتی در کنار آن نظر به هواری دشت از دور اقسام مرغهای بنظر می آید .

کول شیوه : کول شیوه تقریباً ۸۸ کیلومتر بجانب شمال زیباک و ۳۵ کیلومتر طرف جنوب درواز میدهد واقع است طول این تالاب تقریباً ۲۱ کیلومتر و عرض آن از ۱۴ تا ۲۷ کیلومتر اندازه می شود عمق این تالاب از یک تا ۳ متر متفاوت بوده رنگ آن نیلگون رخوش مزه است ، آب آن از تمام جویهای پیمناهای سرسبز و خرم احاطه شده در اطراف آن علف نایکتر بلندی شود دور دور این تالاب ایلاقهای تابستانی مردمان مال دار قندهاری و قطنی بوده ، این تالاب بشمولیت وادی سرسبز آن چون در جوار سطح بلند پامیر واقع است شدیداً سرد و بیش از سه و نیم ماه قابل سقامت مردم مال دار ایلاق نیست تالاب شیوه دارای اقسام مرغهای آبی بوده بهترین شکارگاه تابستانی ولایت بدخشان شمردمی شود .

تالاب قندوز: تالاب قندوز قبل از تعیرخان یادخیل وسیع و از جنگلهای انبوهی احاطه شده اطراف آن تماماً قرارگاه دریای خان آباد و عرض آن از ۷ تا ۷ کیلومتر از چوغه اغاز و غرباً تا شور تیه زیر قندوز امتداد داشت در زمان حاضر بسبب کثرت نفوس در قطع جنگلات و خشکانیدن آب این برکه و سایل لازمه استعمال شده فعلاً اگر چه طول آن به ۲۰ و عرضش از ۲ تا ۳ کیلومتر می رسد اما زارعین وطنی از عرض آن جویهای متعددی بطرف حوضه دریای خان آباد که در جناح شمال آن جریان دارد کشیده اند بنابراین در مواضع متعدد عرض آن را از هم منفصل ساخته عبور و مرور از آن ممکن است ولی با وجود آن در اکثر جاها عمق آن از ۳ متر زاید است .

تالاب بغلان : این تالاب بفاصله ۹۰ کیلومتر در غرب جنوب قندوز واقع و محیط آن از ۸ کیلومتر زاید است عمق آب این کول از ۲ تا ۳ متر و تماماً محل شناوری مرغهای آبی میباشد آب آن زرد رنگ و خوش مزه و دور دور آن نیزار و چمن است .

تالاب اشکمش : تالاب اشکمش بفاصله ۶۰ کیلومتر در جنوب خان آباد مرکز نایب الحکومگی قطن شرقاً و غرباً طولانی و وقوع دارد عمق آب آن از یک تا ۳ متر و محیط آن بر ۱۵ کیلومتر بالغ میباشد ، این تاب نیز مانند دیگر تالابهای افغانستان اقسام مرغهای آبی دارد و در اطراف آن چمن های سرسبز بعمل می آید که در طول سال گله های اسب و دیگر مواشی در آن می چرد .

تالاب غوری : این تالاب از بغلان بفاصله ۳۰ کیلومتر غرباً بساحل چپ دریای غوری از جنوب بشمال ممتد است عرض آن از یکم تا ۲ کیلومتر و طول آن تقریباً به ۷ کیلومتر می رسد در قسمت شمال این کول جنگل غلوی وجود دارد که محل اقسام طیور آبی و دشتی و گراز های وحشی می باشد عمق آب این تالاب در حصص وسطی تا سه متر میرسد در کنارهای آن به اسب گشته ممکن است - تالاب غوری بهترین شکارگاه ولایت قطن بوده در هر موسم سال باین موضع میله های شکار مرغ منقده می گردد و طرز شکار اینطور معمول است که از یکطرف جنگل را آتش می زنند بنابراین حیوانات و مرغهای دشتی گله گله از جنگل خارج گردیده سواران و صیادان در چمنهای اطراف و شالی پایه ها راه گریز آنها را بسته بوسیله نیزه و تفکک حیوانات و طیور مذکور را شکاری کنند .

کول پامیر : کول پامیر در دهنه و تنگنای پامیر خورد یا پامیر شور واقع است مجری آب دریای پامیر از جناح شمال آن می گذرد ، این کول تقریباً بشکل مستطیل افتاده عرض آن تقریباً ۹ کیلومتر و طول آن به ۱۸ کیلومتر بالغ است ، ولی چون این تالاب در انتهای بلندی سطح مرتفع پامیر واقع می باشد آب آن در غالب قسمت سال منجمد می باشد و در اطراف آن بسبب

شدت سرما نباتات نمی روید -

تالاب غور بقاصه تقریباً ۶ کیلومتر در شرق مجری ابتدائی دریای خاش رود وقوع دارد.
تالاب غور: عرض این تالاب ۵ کیلومتر و طول آن ۷ کیلومتر محیط آن بر ۲۴ کیلومتر بالغ است.

اطراف این تالاب چمن سرسبز و آب آن محل شناوری مرغهای آبی است.

این تالاب بقاصه ۱۲ میل بطرف جنوب شهر هرات واقع و طول آن ۱۴ کیلومتر
کول جنگ هرات = عرض اعظم آن از ۳ و نیم الی ۴ کیلومتر و اکثر عمق آن بچهار متر میرسد.

در اطراف خود سبزه ها و قیزارها تشکیل داده اقسام مرغان آبی دارد.

گذشته بر تالاب های فوق الذکر بطوریکه مذکور شد در هر حصه افغانستان تالابهای خورد خورد دیگر
هم وجود دارد که محیط بعضی از آنها بطور اوسط الی ۱۰ کیلومتر میرسد از آن جمله باتلاقهای تالقان، بند آبهای
دوشی کبک گن، اشکار آباد و باتلاقهای ریاط غوریان هرات، شهرک، جوین هرات دیزنگی باتلاقهای
وزیر آباد، یگراسی، سیاستک، عقب بالا حصار کابل، حوض خاص پغمان، باتلاق چهار آسیانیز قابل ذکر است.

بند های طبیعی در افغانستان زیاد اند که مر و قترین آنها بند امیر هزاره جات است و
چندین رودخانه داخلی مانند هجده نهر باخ از آب های ذخیره این بند جریان می یابد.

آبشارها

آبشارهای طبیعی نظر موجود مناطق کوهستانی و پستی ها و بلندی های متناسب و غیر تدریجی در افغانستان
زیاد است که از جمله آبشارهای طبیعی معروف آن آبشار تنگ غارو و آبشارهای پنجشیر و آبشار انتهای جوغه
و مابین خان آباد و قطنین و آبشار خواجه غار بیچه غان و آبشارهای اندراب و آبشار دره غوث نجراب که از
تالاب شب میانه سرچشمه می شود و آبشار فرزه کوه دامن و آبشارهای نقاط متعدد هزاره جات و نورستان یفتل
و بدخشان می باشد





نمونه از قشون ملی افغان در قرن نوزدهم
Type de Guerrier Afghan du 19^{em} Siécle

معادن افغانستان



آقای محمد احسان خان

بقلم آقای محمد احسانخان معدن شناس

ظاهر است که برقیات يك مملكت و تأمين ثروت ملي آن وابسته با اقتصاديات و گرفتن منافع از امور زراعتی و فلاحی و بكار انداختن ثروت های كافی همان مملكت بوده. بهمين لحاظ اكثر از ممالك دنيا باين مسئله اهميت زياد داده و بالاخره در سايه كوشش و زحمات اجتماعي بدرجه اعتلا و ترقیات محير العقول نایل شدند.

حکومت متنوع و مقدس ما نیز در همچو مسايل توجه مخصوص فرموده و در ضمن پروگرام وسيعيکه در تمام شعبات في و بكار انداختن ثوابت اقتصادی وطن عزيز ما در نظر گرفته است، راجع به معاینه في معادن مكشوفه سابقه و انكشاف معدنیات تازه و استحصال شان بذریعه ماشین های جدیده بذل مجاهدت میورزد.

با ترهين توجه و تشويق حکومت، ارباب حساس اين كار در تجسس امور كشفیه معادن برآمده يك عده معتنايه معدنیات را از مواضع مختلف كشف و حسن خدمت ملي خودها را ثابت ساخته و روز بروز حسبات وطن پرورانه شان بر عده معادن مكشوفه میافزاید.

در نتیجه تحقیقات و كشفیات به تجربه رسیده که وطن عزیز ما از حیث داشتن ثروتهای طبیعی و منابع کافی حایز درجه بلندی میباشد و از مواد کافی و فزونی کتر چیزی خواهد بود که در خاک وطن مقدس مایافت نشود.

معدنیاتیکه در اثر اتفاقات كشف با در این سانها اصولا از طرف وزارت تجارت مكشوف گردیده و نمونه های هر يك به مدیریت عمومی معادن رسیده است چلتا (۵۷۱) معدن میباشد که در نتیجه علم آوری و تحلیل و تجزیه متخصصین في (۲۹۹) معدن آن کارآمد و قابل استفاده میباشد و باقی آن در نتیجه معاینه و عملیات في عقیم و غیر مفید ثابت شده است.

اینجانب فهرست معادن مكشوفه مفیده و مشهور افغانستان را با تشریحات لازمه آنها بطریب در ذیل متذکر میشوم.

شماره عمومی معادن از بتقرار است :

نقره ۲ معدن	آهن ۷۲	مس ۱۰۳	سرب ۱۶	جست، قلی، سرمه	ذغال سنگ ۳۳	گرافیت ۱۱
مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید
۰ ۲	۴۶ ۲۶	۶۳ ۴۰	۱۰ ۶	۱۰ ۰	۲۴ ۹	۸ ۳

نفت ۱	پیتومن ۴	گوگرد ۲۲	ا برك ۲۵	سنگ ریشه ۲۱	سنگ شاه مقصود ۵	سنگ مرمر ۱۹
مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید	مفید غیر مفید
۰ ۱	۳ ۱	۱۶ ۶	۱۲ ۱۳	۱۰ ۶	۴ ۱	۹ ۱۰

رخام ۳	چونه ۱۵	کچ ۶	تمک ۱۱	نیل طوطیا ۲	زاک ۷	نوشادر ۳
مفید	مفید	مفید	مفید	مفید	مفید	مفید
غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید
۰	۱۰	۶	۸	۲	۱	۰

ترکیبات اوبی نیوم	نیکل ۲	منگا نیز ۲	یاقوت و امیتست ۱۰	یشم ۱	لاجورد ۱	کوارتز و زنگها معدنی
مفید	مفید	مفید	مفید	مفید	مفید	مفید
غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید	غیر مفید
۱	۱	۲	۴	۱	۱	۱۳۴

نقره : (Silver)

نقره از فلزات ذیقیمت بوده و از قدیم الایام شناخته شده و در دوره های تاریخی برای ضرب سکه بکار میرفته است ، و روز بروز قیمت آن نسبت به طلا تنزل میکند .

در حالت طبیعی طور خالص بصورت گرد یا قطعات خیلی بزرگ که گاهی صدها کیلوگرام وزن دارد یافت میشود ترکیبات کافی نقره عبارت است از کیلوراید های نقره و مهم تر از همه سلفایید ها (Sulphides) نقره که ندرتاً خالص و غالباً به نسبت های مختلفه با گوگرد ، سرمه ، آرسنک (سم الفار) آهن ، مس و غیره مخلوط میباشد ، بعضی از ترکیبات معدنی سرب و مس نیز بمقدار کمی نقره دارند .

یکی از ترکیبات معدنی مهم نقره آر جنتیت (Argentite) میباشد بفرمول (Ag₂ S) که دارای رنگ سربی سیاه مایل و تا (۸۷) فیصد نقره در آن شامل است .

معادن نقره :

یک معدن مهم نقره در سطح مرتفع شیوه علاقه بد خشان میباشد ، در ازمنه قدیمه نقره را از سر وادی پنجشیر استخراج میگردد ، ترکیبات معدنی نقره دار در موضع غور بند بسیار پیدا میشود ، در بعضی حصه های هند و کش و خصوصاً در علاقه هناره جات معادن مهم نقره وجود دارد

آهن : (Iron)

آهن از نقطه نظر اهمیت در تمدن امروزی بشر درجه اول را حائز است ، و انسانها آنرا در ده قرن قبل از میلاد حضرت مسیح ع میشناخته اند ، کشف و استعمال آن در صنعت علت اصلی ترقی بشر گردیده و نیز دوره آهن شامل حیات تاریخی بشر بوده و تا امروز دوام حاصل کرده است .

آهن در طبیعت بمقدار زیاد موجود است ولی بطور خالص یافت نمیشود ، معمولاً آهن با اجزای خارجی ترکیب شده احجاری میسازد که آنرا سنگ معدنی می نامند و از همین سنگها آهن استخراج کرده میشود ، مهمترین دسته ، ترکیبات معدنی آهن اوکسایدها (Oxides) و کاربنات های آهن (Carbonates) میباشد از نقرارست ،

۱ — آهن اوکساید مقناطیسی یا باصطلاح علم معدن شناسی مگنتیت (Magnetite) بفرمول (Fe₃ O₄) که مقدار آهن آن از کلیه ترکیبات طبیعی بیشتر و (۷۲) درصد میباشد .

۲ — آهن اوکساید بفرمول (Fe₂ O₃) که بزبان علم معدن شناسی آهن گلنس (Iron glance) و همیتیت (Hamatite) نامیده میشود و به الوان مختلف سرخ ، زرد ، قهوه و غیره موجود است .

۳ — آهن کاربنات یا سدرت (Siderite) بفرمول (FeCO₃) که از بهترین ترکیبات معدنی آهن است .

معادن آهن :

- ۱- معادن آهن قسم مگنیتیت (یعنی آهن مقناطیس) بسمت غربی دامنه کوه پغان در بالائی حصه کوه سہیل که یکی از بهترین معادن آهن افغانستان و ۷۲ فیصد آهن خالص دارد.
- ۲- معادن آهن (قسم ریدآیرن اور) در کوه غار موضع جبل السراج که از فابریک برق تقریباً ۲ دلو متر فاصله دارد و مقدار آهن در آن از ۵۰ تا ۷۰ فیصد است.
- ۳- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه خاک لمبه موضع ده سبز که دارای (۷۲) فیصد آهن میباشد علاوه تا آیرن پیریت نیز در کوه خاک لمبه طرف مشرق حوض خاص وجود دارد.
- ۴- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوتل خاواک پنجشیر معدن مفیدی دارد.
- ۵- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در قول منار چکری بطرف جنوب قلعه آخند زاده محمد عثمان خان که (۷۲) درصد آهن دارد.
- ۶- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه قلعه خواجہ صاحب، علاقه کمری که دارای اهمیت زیاد میباشد
- ۷- معادن آهن، در کوه شاخ برتنی که معدن مفیدی دارد.
- ۸- معادن آهن (قسم آیرن سلفاید) در کوه یخدره که نمونه آن مفید و کار آمد است.
- ۹- معادن آهن، در موضع لولنج غوربند و دارای اهمیت است.
- ۱۰- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در ارغنده علیا جانب غرب کافر قلعه که نمونه آن مفید ثابت شده است.
- ۱۱- معادن آهن، در یخدره بطرف جنوب یک حوض و هم بدره میاداد میباشد که نمونه های آن در نتیجه علم آوری مفید ثابت شده
- ۱۲- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه خورد کابل بطرف شمال قلعه شهنواز که نمونه مفیدی دارد و نیز معدن آن در سر کوه نهر بفاصله ۶ کیلومتر جانب مشرق منار چکری یافت شده است.
- ۱۳- معادن آهن (قسم همیتت) در موضع رخه پنجشیر و معدن مفیدی دارد.
- ۱۴- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در موضع کوه دشتک موسهی لهوگر که دارای (۷۰ فیصد) آهن میباشد.
- ۱۵- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه قچین باف کوت عشرو، علاقه میدان.
- ۱۶- معدن آهن (قسم آیرن پیریت) در کوه شاه بالای آستانه موضع پنجشیر و آهن (قسم ریدآیرن اور) بدهن دره پنجشیر بمقدار وافر بنظر می آید.
- ۱۷- معادن آهن، در کوه اله بله موضع غازه کوه دامن و از ۳۰ تا ۴۰ فیصد آهن دارد.
- ۱۸- معادن آهن، در کوه پارانده موضع بازارک پنجشیر که مرکب با مس و تقریباً تا ۸ فیصد مس دارد.
- ۱۹- معادن آهن، در کرم جدران بجانب غرب علاقه وزگی و نمونه آن فایده آور است.
- ۲۰- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه شاقول شیرداغ و دارای فلز مس و نمونه آن خیلی مفید ثابت شده است.
- ۲۱- معادن آهن، در سرخ کوتل بطرف شمال قریه ده سرخ هرات و (۷۰) فیصد آهن دارد.
- ۲۲- معادن آهن (قسم آهن مقناطیس و همیتت) در میان سیاه تپه و فراخلوم، علاقه بهسود، معدن عمده دارد که دارای (۵۰) فیصد آهن میباشد.

- ۲۳ — معدن آهن (قسم آهن متناطیس) در کوه سنگ زرد علاقه شنوار سمت مشرق و تا (۷۰) فیصد آهن دارد.
- ۲۴ — معدن آهن، در کوه شاه مسعود بطرف جنوب لاش مرغان ولایت قندهار که معدن مفیدی دارد.
- ۲۵ — معدن آهن، در شیله کوه بچه کرخ ولایت هرات که فلز سرب نیز در آن شامل است.
- ۲۶ — معدن آهن، در سیاه کوه سمت مشرق ورگ آن از حدود کشکک تا پل درونته امتداد دارد.
- ۲۷ — معدن آهن، در موضع علاقه داری گلستان و کوهستان مربوط حکومت اعلیٰ فرآه.
- ۲۸ — معدن آهن، بقاصه ۵ کیلومتر بجانب شمال مشرق بهارک (علاقه بدخشان) واقع است.
- علاوَتاً موضع چهارده معصوم، وتنگی لندر، و کوه ده مزنگ کابل، و کوه سالاب لغمان، و بامیان، و ارزگان و کالو، و دره صوف (مزار شریف)، و ده دادی و مقر و موضع خاک ریز قندهار، و مواضع قطن، و غیره علاقه های افغانستان نیز دارای معادن مهم آهن میباشد.

مس : (Copper)

صنعت استخراج مس در غالب نقاط عالم در ترقی است، مواد کافی مس در طبیعت فراوانند و بهترین آنها عبارت است از کاپر اوکساید یا کوبریت Cuprite بفرمول Cu_2O و کوپلین Covellite بفرمول CuS و ملاحت و آزورت ملاحت: $(CuOH)_2CO_3$ ولی ترکیب معدنی مهم مس عبارت است از کاپر گلس Copper glance بفرمول Cu_2S که گاهی تقریباً خالص و تا (۸۰) درصد مس دارد و دیگر از ترکیبات مهمه این فلز پیریت های مس دار میباشد از قبیل کاپر پیریت (Copper pyrites) بیگاک کاپر (Peacock copper) و بورنت (Bornite) و غیره که ترکیبی هستند از کاپر سلفاید و آیرت سلفاید و اکثریه فلزات دیگر نیز به نسبت های کم از قبیل جست، نقره، آرسنک و غیره در آنها یافت می شود، کاپر پیرت بفرمول $(CuFeS_2)$ نسبت بدیگر ترکیبات کافی مس بمقدار زیاد یافت میشود بهمین جهت برای استخراج مس دارای اهمیت زیاد میباشد.

معادن مس :

- معادن مس در افغانستان بکثرت یافت میشود، مواضع آن ازینقرار است :
- ۱ — معدن مس در کوه چرغانی کهنه خمار میدان معدن مهم و ذخیره بزرگ مس موجود است که یک معدن قدیمه و دارای اهمیت معدنی بوده تقریباً همه اقسام ترکیبات کافی مس در آن یافت میشود.
 - ۲ — معدن مس، در کوتل خاواک پنجشیر، معدن عمده دارد.
 - ۳ — معدن مس (قسم کاپر پیرت) در فرنجل غور بند معدن مهم دارد که نقره نیز از آن حاصل میشود.
 - ۴ — معدن مس (قسم کاپر پیرت و غیره) در کوه کمری و کوه سیاه بینی و کوه سرخ منار شیوه کی و کوه یخدره و کوه منار چکری و قول مشنگی (زیر منار چکری) و کوه یخک و زیر کوه حسین خیل علاقه خورد کابل پیدایش دارد که نمونه های هر یک در موزیم خانه معدنی برای نمایش گذاشته شده است.
 - ۵ — معدن مس (قسم کاپر پیرت) در موسهی لوگر سر کوه گلدره که تقریباً (۱۵) فیصد مس دارد.
 - ۶ — معدن مس (قسم کاپر پیرت) در موضع جیر علی پنجشیر و هم در موضع تا و اخ پنجشیر یافت شده است.
 - ۷ — معدن مس (قسم کاپر پیرت) در موضع چهار آسیا و قسم (کاپراور) در موضع چهل ستون و کوه خیر آباد وجود دارد.
 - ۸ — معدن مس (قسم کاپر پیرت و ملاحت) در کوه واصل آباد موجود و دارای اجزای آهن نیز میباشد، در کوه قرغ و تنگی لندر نیز معادن مس یافت شده است.

- ۹ — معدن مس (قسم کاپراوکساید) در کوه گل دره کوه‌ها من یافت میشود .
- ۱۰ — معدن مس (قسم کاپراوکساید) در کوتل قلیچ علاقه کهمرد و هم نمونه مس (قسم کاپریپرت) از موضع بامیان بدست آمده است .
- ۱۱ — معدن مس ، در موضع علاقه داری ارغنداب توخی ولایت قندهار .
- علاوتاً معادن مهم مس در علاقه های مختلف افغانستان مخصوصاً بدره صوف و موضع سفید آب ارزگان و قندهار و مقر و کوهستان جنوبی هرات و نهرین و جلال آباد بکثرت وجود دارد .

سرب : (Lead)

سرب در طبیعت بصورت پلموم سلفناید یا گلنت (Galenite) بفرمول PbS و پلموم ککرات یا - سیروزت (Cerussite) بفرمول $PbCO_3$ و غیره یافت می شود .

معادن سرب :

سرب در افغانستان معادن مهم دارد . یک معدن مهم و بزرگ سرب در فرنجل غوربند میباشد که یک معدن قدیمه و چندین مرتبه بکار افتیده است و از ۵۰ تا ۶۰ فیصد سرب دارد . ذخیره بزرگ سرب در مرگ بهسود ورگ های آت بسطح زمین ظاهر است تا ۷۵ فیصد سرب دارد علاوه در کوه میان شان ارزگان و موضع مومین قول شیرداغ و کوه غندک و کوه چهل آبجورک علاقه کهمرد و نهرین و جرم و علاقه جات قطن و دره صوف و موضع قلعه بی بی گوهر (خاک ریز قندهار) و در موضع سیاه دره بیک و لنگ و علاقه میدان و نواحی هرات و موضع ننگ کران و نزدیک اسکادر (علاقه بدخشان) معادن مهم سرب موجود است ، نمونه فلز سرب بسیار اعلی که در نتیجه تحلیل اجزای تیره دران شامل است از موضع زیارتگاه حضرت سد شاه ناصر (علاقه بدخشان) دستیاب شده .

جست ، قلعی ، سرمه : (Zinc, Tin, Antimony)

ترکیبات معدنی جست عبارت است از سفا لیرت (Sphalerite) بفرمول $Zn S$ و کالامین (Calamine) بفرمول $Zn CO_3$ و زنتک (Zincite) بفرمول ZnO و زنتک سلیکات و غیره .

معادن جست :

ترکیبات معدنی جست در فرنجل غوربند ، و موضع بلخاب و هزاره جات ، و بامیان ، یافت میشود ، علاوتاً خاک جست از علاقه ژوب استخراج و در صیقل گیری بکار میرود . ترکیب معدنی قلعی قسم کیسترت (Cassiterite) در مرتع ترین نقاط کوه ها بین صوفیان و شیرگران علاقه بدخشان یافت شده است .

معادن سرمه :

سرمه نزدیک ارغنداب بشمال مغرب کلات غلزان ، و در تپه های وردک بشمال غزنی ، و در وادی غوربند ، و علاقه بیک و لنگ ، و در علاقه جات آفریدی ، و غیره علاقه های مختلف افغانستان یافت میشود ، معدن مهم آن در چهل تن نزدیک زیباک وجود دارد .

ذغال سنگ: (Coal)

ذغال سنگ مهم‌ترین ثروت ممالک معدنی است بعد از اواسط قرن نوزدهم اهمیت پیدا نموده و در اواخر این قرن ریشه و اساس اصلی صنعت گردید.

در طبیعت بمقدار خیلی زیاد یافت میشود و تقریباً از ۷۵ تا ۸۰ درصد کاربون دارد، تحقیقات مهمه معرفت الارضی نشان میدهد که ذغال سنگ و ذغال های طبیعی دیگر در نتیجه فساد و تجزیه نباتی تولید شده بدین طریق که در اعصار قدیمه نباتات مذکور در تحت اثر سیلاب ها یا در نتیجه تغییر قشر زمین زیر طبقات خاک وریگ و غیره مستور شده و پس از مدت زیاد ماده آلیه نباتی تجزیه شده کاربون آزاد مانده است.

از مهمترین دلایلیکه فرض مذکوره ثابت میسازد وجود آثار نباتی و برگ ها در روی بسیاری از قطعات ذغال است.

ذغال سنگ بر سه قسم است:

(۱) انتراسیت (۲) لینت (۳) تورب.

۱ — انتراسیت (Anthracite) دارای رنگ خیلی سیاه است و ذغالست که ۹۵ درصد کاربون دارد باشعله کم و حرارت زیاد میسوزد بهمین جهت در ماشینهای لکوموتیو استعمال می شود.

۲ — لینت (Lignite) ذغالست متراکم که از ۵۵ تا ۷۵ درصد کاربون دارد و نسج آن مانند الیاف و شبیه به ذغال چوب است، حرارت آن چندان زیاد نیست و در موقع احتراق بادود سیاه غلیظ و متفن زیاد میسوزد، رنگ آن سیاه مائل بقهوه و آثار نباتی در اغلب نمونه های لینت مشاهده میشود، قسمتی از این ذغال موجود است که سخت و سیاه رنگ میباشد.

۳ — تورب (Tourbe) از ۵۰ تا ۶۰ فیصد کاربون دارد، رنگ آن سیاه دوده و در موقع سوختن بوی امونیاکی متفن از آن متصاعد میشود، تورب از تجزیه بعضی خزها و نباتات دیگر در تحت اثر تراکم و محفوظ ماندن از هوا محجر شده چنانچه در سطح معادن تورب خزها و شکل نباتی دیده میشود.

معادن ذغال سنگ:

در علاقه های مختلف افغانستان ذغال سنگ بمقدار وافر یافت میشود، چند معدن مشهور آن ازینقرار است:

۱ — معدن ذغال سنگ - در موضع کوتل خاکی علاقه برونک که دارای معدن بزرگ و رگ های متعدد میباشد جنس ذغال آن نهایت اعلی و برای استخراج ذغال اهمیت زیاد دارد، رگهای این معدن از موضع نلک و شورستان نیز دیده میشود.

۲ — معدن ذغال سنگ - در موضع ایش پشته که معدن مهم و ذخیره بزرگ ذغال در آنجا بوده ذغال آن بسیار اعلی و تقریباً تا (۷۰۰۰) کیلوری قوه حرارت دارد، برای استخراج ذغال نهایت مفید است و در وقت ضرورت مقدار ذغال کارآمد مرکز از این معدن تهیه و ذریعه موترهای لاری بمرکز حمل و نقل داده میشود.

۳ — معدن ذغال سنگ - در موضع فرح گرد غوربند که رگ های متعدد داشته و آثار همین رگها تا حدود گاوپران (علاقه سرخ و یارسا) دید میشود، از مدت دو نیم سال است که بکار افتیده و فعلاً ذغال آن برای مصارف سوخت رولهای بند قرغه و داشهای خشت پزی و محروقات زمستانه بخاری های دوایر خدمت میکند.

- ۴ - معدن ذغال سنگ - در موضع نهرین (علاقه قطغن) که جنس ذغال آن بسیار اعلی و قوه حرارت آن تخمیناً (۷۰۰۰) کیلوری است و درجنسیت باذغال هند هیچ تفاوت ندارد.
- ۵ - معدن ذغال سنگ - در کوه تیره متصل قریه یخری جدران معدن آن موجود و هم درکوه بزکوف نزدیک اسپین تخت و کوه تیره شاهی کوت ذغال (زمانه سوم) Tertiar یافت شده است که تقریباً (۴۰۰۰) کیلوری قوه حرارت دارد.
- ۶ - معدن ذغال سنگ - درکوه گرمک علاقه چهل دختران دره صوف یافت شده که تخمیناً (۵۰۰۰) کیلوری قوه حرارت دارد.
- ۷ - معدن ذغال سنگ - درموضع گرهه یدری علاقه کشندم مابین خط فاصل دره صوف و بلخاب معدن بزرگ و مفیدی دارد.
- ۸ - معدن ذغال سنگ - درموضع انزری شهیدان حدود لاغر جوی دره کوت، معدن بااهمیت دارد.
- ۹ - معدن ذغال سنگ - در موضع سنجور علاقه کرخ هرات که جنس ذغال آن بسیار اعلی و تقریباً (۷۵۰۰) کیلوری قوه حرارت دارد.
- ۱۰ - معدن ذغال سنگ - درموضع قریه کندلان و حدود چقماق ملاخیل (ار زگان) معدن بزرگ دارد که دارای ماده گرافیت هم میباشد.
- ۱۱ - معدن ذغال - در موضع کرمان جنگلک علاقه دایزنگی که جنس ذغال آن مثل ذغال معدن فرح گرد غور بند است.
- علاوئامعدن ذغال درمواضع ذیل مخصوصاً در حدود بالاگاکره (علاقه ده بالای شنوار) وکهی شنوار، واز نمله علاقه جلال آباد، واز نوجوی علاقه شیوه، و تاشقرغان، و خوست، و میمنه، و غوری و موضع قلعه ییکه هزاره جات، و در واز (علاقه بدخشان) و ذغال قسم باقیمانده نباتات در (موضع کارنده سرای خواجه، و قریه دانشمند و تیزین، و تنگی ترکی، و غزگی علاقه خورد کابل، و غیره علاقه جات افغانستان وجود دارد که در برخی جاها مکمل و در بعضی مواضع خام است.

گرافیت: (Graphite)

مقدمین گرافیت را سهواً سرب می دانستند بعد معلوم باشد که یک جنس کاربون (Carbon) است که در خشنده گی شبیه سرب میباشد.

این جنس کاربون بشکل الیاف در احجار قدیمه مانند سنگ خارا و گینس یافت می شود، دارای رنگ فولادی و در خشنده گی فلزی بوده و برای ساخت پنسل و خمیر کتالی ها و غیره چیزهای مفید مورد استعمال مهم دارد، جو هر باروت را نیز از گرافیت بدست می آورند.

معادن گرافیت:

گرافیت در افغانستان بمقدار زیاد پیدایش دارد، مخصوصاً در استانف، چهاربیکار، کوه جو انورد قصاب (قرغ) شاه کابل خورد (علاقه میدان)، کوه سرخی غازه (علاقه کوهدامن) کوه قرغ، جدران، بهسود، ارزگان، نهرین، شنوار، و غیره علاقه های وطن عزیز ما معادن عمده آن کشف شده است.

نفت (تیل خاک) و بیتومن : (Mineral Oil, Bitumen)

نفت را افسانه‌ها از قدیم الایام شناخته ولی تا نیمه دوم قرن نوزدهم نتوانسته بودند که از آن طوریکه باید استفاده کنند.

نفت روغن معدنی قابل احتراق است که بحالت طبیعی در بعضی حفرات طبیعی تحت الارضی وجود دارد و غالباً در مجاورت چین خوردگیهای قدیمی زمین مشاهده میشود.

نفت طبیعی را که از اراضی نفت خیز یا چشمه های نفت استخراج میکنند مایعی است غلیظ که وزن مخصوص آن بین ۰.۷۸ و ۰.۹۲ می باشد و بصورت طبیعی هرگز استعمال نمیشود، بلکه بوسیله عمل تقطیر تدریجی مواد مختلفه از آن استخراج می کنند ..

روغن پترول : (نفت سیاه) عبارت از نفتی است مخلوط باقیرو جسمیت مایع و قابل اشتعال که بطور چشمه از زمین و یا از مابین بعضی شیت ها (Chistes) که موسوم به سنگ بیتومن (Bitumen) است خارج میگردد . بیتومن: از احجار یست خاکی یا خاکستری رنگ که بسهولت ورقه ورقه شده و دارای مواد قیری میباشد که از آن نفت و قیر استخراج میشود، این سنگ در مجاورت اثرشعله سوخته بوی قیر از آن استشام میگردد، و بوسیله عمل تقطیر (Distillation) از ۲۰ تا ۲۵ فیصد تیل از آن بدست می آید .

معادن نفت و بیتومن :

چشمه های نفت در تیریل هرات کشف شده ، که نمونه آن در موزیم خانه معدنی وزارت تجارت موجود است ، وضعیت اراضی سمت جنوبی و مقرر نیز برای پیدایش نفت مستعد دیده می شود وجود آن در موضع لچکان سرای خواجه ، نیز امکان دارد .

بیتومن : که شیت های روغن پترول دار است ، معدن عمده آن در سر پل مزار شریف یافت شده است که بوسیله عملیات عرق کشی از ۱۰۰۰ کیلوگرام بیتومن ۲۰۰ کیلوگرام اسفات آیل (Asphalte-Oil) گرفته می شود که چیز قیمت داری بوده برای استخراج تیل نفت و تیل موتر بکار میرود . علاوه بر معادن بیتومن در تاشقرغان ، و قطن ، و علاقه مشرق ، نیز موجود است .

گوگرد (Sulphur)

انسانها گوگرد را از قدیم شناخته اند ، در حالت طبیعی بمقدار زیاد بصورت خالص و ترکیب یافت میشود . چنانچه در مجاورت اکثر کوه های آتش فشان (Volkan) بطور آزاد و هم مخلوط با خاک وجود دارد ، علاوه بر ترکیبات گوگرد در اغلب نقاط دنیا یافت شده و مهمترین آنها عبارت اند از سلفاید های فلزی (Sulphides of Metal) از قبیل بیریت و غیره و هم سولفاتها (Sulphates) از قبیل کلسیوم سلفات یعنی سنگ گچ و غیره . گوگرد در آبهای معدنی نیز محلول است .

معادن گوگرد :

معادن گوگرد در افغانستان فراوان است ، در چین زائی علاقه نرخ میدان ، و غور بند ، و سیغان ، و بهسود ، و تاله و برنگ و دره صوف ، و کوه سالاب و کوه گندگل (علاقه لغمان) ، و کوه پشته کوه سیاه (علاقه تخدره) ، و نهرین و در سنگلیج بدخشان ، و کوه زیارت میرسید مراد (علاقه بلخاب) ، و کوه بوکن (علاقه شیرین تکاب مینه) .

وقته‌ها معادن عمده‌گوگرد یافت شده است، در هرات تکه‌های خورد آنرا از زمین میکنند، ذخیره‌های بزرگ آن در سیستان و هرات مباحث می‌باشد.

معادن سم القار: (یعنی مرکب سنکیا و گوگرد) در قنات سفید خاک علاقه‌خاک ریز قندهار، و باقی مواضع ولایت قندهار، بمقدار زیاد یافت شده است که برای استخراج سنکیا مفید و در صنعت کیمیاوی و غیره بکار می‌رود.

ابرک: (Mica)

چون ابرک در صنایع شمولیت فوق‌العاده داشته اهمیت و منافع تجاری را حایز می‌باشد لازم است که تشریحات زیادتری در این باب داده شود، زیرا بعضی از هموطنان که به خاصیت مهم و قیمت تجاری آن علم ندارند تخته‌های بزرگ آنرا از معدن استخراج نموده میده میکنند و با گل مخلوط کرده برای جلایش دیوارهای خانه‌ها مصرف مینمایند.

ابرک دارای اقسام متعدد بوده و بطور کلی یکی از صفات متمایزه آن این است که بورقه‌های نازک جدا شده و هر ورق قابلیت انحنا دارد، ابرک برنگها و صفات مختلفه یافت می‌شود که همه آنها از هم متفاوت بوده هر یک از اقسام آن نسبت به بزرگتی تخته و رنگ و نقاست خود مورد استفاده قرار داده می‌شود.

یکی از اقسام آن مسکوویت (Muscovite) یا ابرک پتاش نامیده میشود فرمول $KH_2 AL_3 Si_3 O_{12}$ یک جنساً بی‌رنگ ولی مایل بزردی است و بواسطه اختلاط با مواد خارجی گاهی برنگ سبز و سرخ نیز یافت می‌شود همه اقسام ابرک از ترکیبات سیلیکات (Silicate) بوده مخصوصاً عنصر پتاس و آلومی نیوم و بالعموم کلسیم و منگنیشیوم در آن شامل می‌باشد و اگر عنصر سودیوم جانشین پتاس گردد آن را پاراگونت (Paragonite) یا ابرک ناترون میگویند که برنگهای مختلف، سفید و صدفی و سبز و بعضی اوقات خیره رنگ یافت شده است.

قسم دیگر ابرک را لپیدولت (Lepedolith) یا ابرک لیتون میگویند که از ۵۰ تا ۸۰ فیصد سیلیسیوم دای اوکساید ($Si O_2$) در آن شامل است و مانند مسکوویت بصورت ورقه‌ها بوده عموماً برنگ‌های سفید و صدفی و گلابی و ندرتاً برنگ سبز و خاکستری دستیاب می‌شود.

بایوتت: (BIOTITE) یا ابرک آهن و منگیز یا قسمی است از ابرک مانند مسکوویت بصورت تخته‌ها بوده و برنگ سیاه و نضواری و تیره و گاهی برنگ سبز و نضواری روشن یافت می‌شود، این ابرک ذاتاً شفاف و بعضی اوقات از باعث وجود آهن غیر شفاف است و تحت تاثیرات طبیعی یعنی در اثر باران و برف و رطوبت بزودی خراب می‌شود، و عموماً بطور مخلوط در سنگ‌های آتشفشانی قدیمه انقیل گرانیت (Granite) و سیه‌نت (Syenite) و دیوریت (Diorite) و غیره وجود دارد.

در مسکوویت ترکیبات آهن خیلی کم است و غیر موصل حرارت و برقی باشد از این جهت در عالم تخنیک اهمیت زیاد داشته و میتوان گفت که در آینده یکی از مواد مهمه صنایع عالی را تشکیل خواهد داد. ابرک در ساختن جهازات جنگی و تجاری و تیلگراف بی سیم بکار می‌رود، و در صنایع دیگر نیز مقام مهمی دارد مخصوصاً در آلات برقی از قبیل چای جوش و دیگدان و بخاری‌های برقی و غیره استعمال میشود و اگر احیاناً ابرک وجود نداشت صنایع مذکوره اگمال نمی‌یافت، علاوه بر صنعت گراموفون و در عملیات تجزیه خانه‌ها (Laboratory) مورد استعمال مهم دارد.

چون از ابرک در صنایع استفاده‌های زیاد میشود بهین جهت ممالک متدنه بخریداری ابرک احتیاج داشته میخواهند از مملکتی که معادن ابرک در آن بکثرت وجود داشته باشد آنرا خریداری نموده و باین وسیله صنعت و تجارت خود را ترقی دهند.

تخته های بزرگ ابرک نسبت به پارچه های خورد آن به قیمت زیادتر فروخته می شود و قیمت آن مربوط به صفائی و درخشندگی و شفافیت و رنگ آن می باشد یعنی هر اقدر بی رنگ و شفاف و درخشند و بدون جنز باشد قیمت آن زیادتر است، ابرک های سیاه رنگ بقیمت اوسط و ابرک لکه دار بقیمت کمتر بفروش می رسد، اگر چه نرخ امروزه آن پوره معلوم نیست ولی چندسال قبل يك كيلو گرام آن از ۲ شلنگ تا ۳ یوند فروخته شده است. واحد قیاس وزن ابرک یوند انگریزی است و به معیار وزن یوند بفروش می رسد.

ابرک در کاناډا و سیلون و هندوستان و افریقا و برازیل به پیانه وسیع تجارت خارجی دارد و معادن فعلی آن که در دنیا موجود است غیر کافی دیده می شود.

خوشبختانه مملکت عزیز ما (افغانستان) از حیث داشتن معادن ابرک مقام بلندی دارد.

معادن ابرک افغانستان غالباً قسم مسکوویت و در بین رگ سنگهای کوارتز و یارگ سنگهای یکمت (Pegmatite) بصورت توده ها و انبارها وجود دارد و غالباً مقدار ابرک در یک تن سنگ تقریباً از ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرام است.

معادن مشهور ابرک افغانستان که در نقاط مختلف کشف گردیده از اینقرار است:

۱ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در موضع دره پلوس علاقه تنگ نواب جبار خان سرخ رود (جلال آباد) معدن خوب و با اهمیت دارد که تخته های بزرگ ابرک از آن استخراج می شود.

۲ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در موضع تبنه دره شصت پنجشیر و در کوه نروچ موضع مذکور معدن عمده دارد.

۳ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در موضع قره گلین دره بته نجراب.

۴ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در کوه نسر بی علاقه جگدلک.

۵ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در موضع عمر خیل میدان معدن وسیع دارد.

۶ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در موضع اسکینی دره پیچه غان نجراب.

۷ — معدن ابرک (قسم مسکوویت) در موضع جاغین تکانه سفلی.

۸ — معدن ابرک (قسم بایریت) در کوه بابا سنگوی ولی نجراب.

علاوتمعادن ابرک در دیگر نقاط افغانستان مخصوصاً در کوتل خیر خانه، و تنگی هارون خیل، و برج گلجان غور بند، و موضع تنگی وزیر، و کاشته و اسلام دره لغمان، و کوه مرکی خیل خویکان، و نهرین، و ارزگان، و موضع خاک ریز و لاش مرغان قندهار، و کوه های سمت مشرق، و شمالی، و هزاره جات، یافت شده است.

سنگ ریشه : (Asbestos)

سنگ ریشه یا ابریشم معدنی، سنگی است که از زمان قدیم شناخته شده و در صنعت یافت و صنایع دیگر مورد احتیاج اکثر ممالک دنیا واقع گردیده است، همین جهت اهمیت صنعتی و منافع تجاری دارد.

این سنگ مثل یبله ابریشم از تارهای نازک تشکیل شده و جمیع خواص ابریشمی را از تاب خوری و نازکی و ناشکنی داراست و یکی از صفات متمایزه آن این است که در آتش تیسوزد، رنگش سفید و خاکستری و نیانی و سبز است آنرا بزبان علم معادن (اسبستاس) میگویند، مورد استعمال زیاد دارد، در ممالک متدنه از سنگ ریشه برای عملة اطفائیه بالا پوش و دریشی و دستکش و کلاه و غیره میسازند که در وقت حریت میان آتش رفته اموال و اطفال را بیرون می آورند، دستمالهاییکه از آن ساخته می شود بوقت چرک شدن در آتش انداخته می شود تا چرک کش سوخته و خودش پاک و صاف گردد و هم از آن

کاغذ میسازند و سندات مهمه را با سیاهی مخصوص که نمیسوزد در آن می نویسند که از سوختن محفوظ باشد علاوه بر ساختن کوره های گداز و پیوند کردن نل های بخار و صاف کردن بوره و عملیات کیمیا خانه ها و بسا چیزهای دیگر بکار می رود.

معادن سنگ ریشه :

سنگ ریشه در افغانستان فراوان است ، معادن آن در المره جدران ، و کوه باکوان علاقه توخی قلات و بطرف شرق کوه هاشم خیل علاقه خوگیانی ، و در کوه غوج قول علاقه شیرداغ جاغوری ، و علاقه های شنوار ، و کوه ازرجاجی ، و علاقه اسمار ، و نورستان ، و در کوه دهله موضع پل کلان قندهار ، و غزنی و نهرین . و درواز ، و موضع بخدره ، و بالاخر زیر کاسه برج (کوه شیر دروازه کابل) ، و غیره مواضع مختلف افغانستان یافت شده است .

سنگ شاه مقصود و معادن آن : (Serpentine)

سنگ شاه مقصود رنگ های مختلف زرد ، فسفی ، سبز ، کهربائی و تیره رنگ یافت می شود ، ازان دانه تسبیح و ظروف و سنگهای سرمیزی و بایه چپرکت و سنگهای آرایش درست میکنند . معدن عمده آن در کوه شاه مسعود قندهار و معدن شاه مقصود سیاه در قریه مغل خیل سمت جنوبی ، و شاه مقصود زرد در موضع تنگ غار و و غوربند ، و شاه مقصود سبز در موضع ارزگان یافت شده ، بدیگر حصه های افغانستان نیز وجود دارد .

سنگ مرمر ، آهک ، گچ ، سنگ صابون و معادن آنها :

سنگ مرمر - از احجار آهکی است که غالباً سفید و گاهی بواسطه مخلوطات دیگر ملون بنظری آید چون قیمت مرمر زیاد است نادراً در استخوان بندی ابنه بکار برده میشود بلکه بیشتر آترادر تزئین عمارات استعمال میکنند ، غالباً تمام حجم سنگ مرمر یارگهانیکه ازان عبور میکنند رنگین هستند و این مسئله بر قیمت آن میافزاید ، ولی مرمرهای دیگر نیز بواسطه متناظر چه سفیدی بر قیمت اند بهین جهت مرمرهای سفید و ا مجسمه سازان خیل طالب اند .

مرمر سفید آهکی - در ساختمان ظروف و در صنعت مجسمه سازی بکار می رود .

معادن عمده سنگ مرمر - در علاقه میدان - و هزاره بغل ، موضع ده پیک ، و کوه تنگی نجراب ، و کوه بسراق موضع کوتل سفید خاک ، و کوه قرغ ، و کوه خوگیانی ، و مرمر سبزی دار در زیر کاسه برج موضع خواجه بغرا ، و مرمر بلوردار که چتکه های یاقوت دارد در جگدک ، و سنگ رخام در موضع قلعه الپارینه ، و هزاره جات ، و قندهار وجود دارد .

سنگ آهک (چونه) - این دسته احجار در طبیعت بمقدار وافر وجود دارد و غالباً در احجار مذکور صدفهای کوچک دیده میشود موسوم به (سریت) که بشکل مار پیچ است و این صدفها علامت مجیزه این نوع حجر آهکی است ، این سنگها در تحت اثر حرارت زیاد تجزیه شده تولید آهک خالص یا کلسیوم اوکساید مینماید که در بنائی استعمال میشود .

معادن چونه در سردره مباداد ، و دامنه کوه ده سبز پشت حوض خاص ، و کوه روح علاقه لهوگرد

و کوه قرغ بطرف غرب دارالقون ، و در نزدیکی قرغه ، و در حدود بند خورد کابل ، و در موضع عیسی خیل
علاقه غازه کوهداستان و علاقه شنوار ، و هزاره جات ، و غیره علاقه های افغانستان بمقدار وافر
یافت شده است .

سنگ گچ : « GYPSUM » که بزبان کیمیاوی کلسیم سولفات آبدار نامیده میشود ، در حال طبیعی فراوان
و بصورت مریزه شکل و شفاف پیدا میشود که در ۱۲۰ درجه حرارت آب آن خارج شده و در این حال
در بنائی استعمال شده میتواند و چون با آب ترکیب شود فوراً می بندد همین جهت برای قالب گیری فوق
الماده مفید است که ازان قالب برای ساختن مجسمه ها و غیره تیار کرده میشود .

معادن گچ - در سمت غربی چهارآسیاب ، و بشمال مشرق قریه ملنگان ، و موضع شهر آراء کابل ، و
تنگک و زیر علاقه تله ، و حدود تهر سراج جلال آباد ، و علاقه جات هزاره و غیره جا های افغانستان
پیدا شده است .

سنگ صابون که آنرا بزبان علمی تلیک یاستیت (Talk, or Steatite) میگویند رنگ سفید
زردی مایل و خاکستری دارد ، و چون بانگشتان مالیده شود ازان لشمی احساس میگردد ، در ساخت
ظروف و روغن دادن ماشینها و غیره بکار میرود .
معادن آن در کوه تنگی نجراب ، و کوه سالنگ ، و موضع گياوه نجراب ، و کوه شاخ برتی ، و غزنی ،
هزاره جات ، و جلال آباد و غیره علاقه جات افغانستان دستیاب شده است .

کوارتز ، امیتست ، یشم ، فیلت سپاد :

کوارتز « QUARTZ » که آنرا بقارمی بلور شیشه یا یخک می نامند از سیلیس متبلوره تشکیل شده
که از طبیعت فراوان و بشکل منشورهای شش سطحی که بدو هرم شش سطح ختم شده است بنظر می آید ، کوارتز
بیرنگ و شفاف را هایلین (Hyalin) نامند که قیمت تجاری نداشته و بعضی اشخاص ناواقف در نتیجه عدم
معلومات نمونه های آنرا الماس تصور میکنند .

و اگر کوارتز بواسطه منکنازد ای اوکساید بنفش رنگ شده باشد موسوم به امیتست (Amethyst)
و از احجار کرته (جواهرات) است که حایز قیمت و اهمیت تجاری بوده و علاوه بر شفافیت عموماً برنگ
های مختلف ، بنفش و نیلگون و ارغوانی روشن یافت میشود .

در ممالک یورپ از سنگ امی تست (یا قوت کبود یا یا قوت رمانی) بر حسب درجات و اهمیت آن غالباً
تکین های انگشت و گردن بند های نفیس و گوشواره های ذقیمت و غیره میسازند ، علاوه سامان تجلی قیمتدار
دیگری نیز ازان ساخته می شود .

یشم « AGATE » از قسم کوارتز بی شکل و از احجار قیمتی است که دارای الوان و خطوط مختلف
و غالباً بشکل قوس قزح بوده ازان ظروف و اسباب سنگی قشنگی میسازند .

فیلت سپاد « FELDSPATH » از احجار آتش فشانی است و از تجربه آن گرد سفیدی باقی می ماند
مجاورت از کاؤلین (Kaolin) یا خاک چینی که برای ساخت ظروف چینی بکار میرود .

معادن کوارتز - در کوه آغا علی شمس ، و کوه یخدره ، و لولنج غوربند ، و جلریز ، و غزنی ، و کوه المره
جدران ، و کوه قوچ قول شیرداغ ، و ارزگان ، و کوه شاه مسعود قندهار ، و علاقه کرخ هرات ، و دره نازیان
شنوار ، و بدخشان ، و باقی علاقه های افغانستان یافت شده است ، کوارتز دودی رنگ به دره یارون
نورستان وجود دارد .

معادن مهم امیتست : (یاقوت کبود) بفاصله ۶۶ کیلومتر شمال شهر قندهار در سنه ۱۳۱۱ کشف و یک مقدار زیاد نمونه آن را به مرکز آوردند که در فابریکه سنگ تراشی اسباب زینتی قشنگ ساخته و بقیمت‌های گزافی فروخته شد .

امیتست در موضع ارزگان نیز می‌باشد .

معادن یشم : در موضع شیر دوش در کوه شور آبک یکه اولنگک، وجود دارد که اهالی آنجا اسباب سنگی قشنگی از قبیل دانه های تسبیح و غیره ازان می‌سازند ، در موضع سرخ آباد بهسود نیز ممکن است یافت بشود .

معادن فیلت سپاد : در علاقه خوگیانی پیدا شده است و معادن فلت سیار مخلوط با پتاسیوم و زاج سفید و بلور سیاه در موضع کوه بچه غازه وجود دارد .

نمک ، نیل طوطیا ، زاک ، نوشادر و غیره :

نمک که آن باصطلاح کیمیاوی سدیم کلوراید (Na Cl) نامیده می‌شود بدو قسم بدست می‌آید معدنی و دریائی :

نمک در حال خلوص بیرنگ و شفاف بوده و بلورهای آن مکعب و منشوری می‌باشد ، ولی نمک معدنی از باعث اختلاط با مواد خارجی برنگ سفید و سرخ و زرد و آبی دستیاب می‌شود ، معدن آن در جرارهای خاک رس محتوی است ، زیرا که بدون این حالت در تحت تاثیر نفوذ آب حل می‌شود .

در وطن عزیز ما بصورت معدنی در علاقه جات شالی و باقی حصه های افغانستان بمقدار وافر استخراج می‌شود که بمصارف روزانه ما خدمت می‌کند معادن آن بطور ترتیب از اینقرار است :-

۱ - معدن نمک - در موضع نمک آب علاقه تالقان موجود است که دارای معدن بزرگ و نمک خوب بوده و برای استخراج نمک اهمیت خاص دارد .

۲ - معدن نمک - در موضع چال علاقه اشکمش که نمک آن نسبتاً مخلوط با مواد خارجی و غالباً برنگ سرخ استخراج می‌گردد .

۳ - معدن نمک - در موضع کلفگان در علاقه تالقان [هر دو معدن مذکور برای استخراج نمک شهرت

۴ - معدن نمک - در موضع قزلق علاقه رستاق] زیاد دارد .

۵ - معدن نمک - در موضع اندخوی علاقه میمنه ، معدن وسیع و مهمی دارد که از چشمه های نمکی بدست آورده می‌شود .

علاوه معدن نمک در موضع نهرین ، و قسم شیشه نمک در موضع قندهار ، یافت شده ممکن است در موضع شاه توت تنگی سیدان ، و کوه زریح علاقه یکه اولنگک و موضع شور تپه مزار شریف و نورستان و غیره علاقه ها نیز معدن نمک یافت بشود .

چشمه های نمک دار در موضع دره نمک آب علاقه شنواری غوربند موجود است که فعلاً در تحت کار و استفاده واقع بوده عملیات نمک را بدریه عملیات تبخیر (Evaporation) ازان استخراج می‌نمایند .

نیل طوطیا : که یکی از املاح کیمیاوی و موسوم به کامپرسولفات (Cu S O4) می‌باشد ، معدن مهم آن در موضع غار شفا بجنوب زیارت میرسید مراد علیه الرحمه (علاقه بلخاب) و کوه جوانمرد قصاب (علاقه میدان) موجود است .

زاک: که در رنگ ریزی برای استحکام و ثابت ساختن رنگ ها و غیره بکار می رود ، یک معدن عمده آن در موضع آهنگران بامیان وجود دارد که فعلاً فابریکه بوت دوزی و چرمگری و رنگ ریزی و غیره یک بیانه زیاد ازان کار میگیرند .

علاوة معدن زاک در موضع لولنج غوربند، و موضع غار شفا کوه زیارت میر سید مراد ، و دره زولج یکه اولنگ ، و میمنه و موضع پنجشیر ، و دیگر علاقه های افغانستان پیدا شده است .

نو شادر : نیز یکی از املاح معدنی و در موضع غوربند ، و میمنه ، و سرحد سیستان و مضافات آن یافت می شود :

شوره : در غالب نقاط افغانستان مخصوصاً در جنوب مغرب ، بمقدار زیاد پیدایش دارد و در آب کارنیرها سرایت می کند .

بمک مگنیشیا : از غوربند دستیاب می شود ، دیگر املاح کیمیاوی و مواد معدنی را میتوان از اکثر نقاط افغانستان بدست آورد .

رنگهای معدنی :

رنگ های معدنی در همه علاقه جات افغانستان فراوان است .

۱ - رنگ سرخ معدنی : از کوه قرغ ، و کوه سرخی غازه ، و علاقه خورد کابل ، و پنجشیر

و موضع سرخی غوربند ، و کوه گوهر گین فیروز بهار ، و علاقه جات منزار شریف ، و غزنی ، و بالاخر معدن عمده و قسم بهترین آن از بامیان بمقدار وافر دستیاب می شود .

۲ - رنگ زرد معدنی - در موضع غوربند ، و کوه قول سرخی غازه ، و کوه قرغ ، و غزنی ، و کوه گوهر گین فیروز بهار ، و بدهن کاریز خواجه طواف ، و بالاخر معدن عمده آن در بامیان ، موجود است .

۳ - رنگ نصواری در کوه سرخی غازه علاقه کوه دامن ، و رنگ سفید در موضع کلنگ رلهوگر ، و رنگ سیاه در کوه قرغ قریب دارالفنون و دیگر اقسام رنگای متنوعه معدنی در موضع مختلف افغانستان یافت شده است .

معادن مختلفه :

۱ - ترکیبات الومی نیوم (ALUMINIUM) در موضع تنگی و اغوجان لهوگر ، و چهار آسیاب، یافت شده است .

۲ - نمونه نکل (NICKEL) از موضع جدران ، دستیاب شده و آهن نکل دار ممکن است در کوه سرخی غازه یافت بشود .

۳ - منگانهز (MANGANESE) یعنی رنگ کاسه که در صنعت کیمیاوی و شیشه سازی و صنعت گل کاری شیشه و غیره استعمال میشود معدن آن در موضع غازه کوه دامن ، یافت شده و نمونه فلز آهن منگانهز نیز دار از زیره یک لاغوکوه چهارده معصوم بدست آمده است .

۴ - باریوم سولفات بفرمول (Ba S O4) در موضع فرنجل غوربند پیداشده و برای رنگ سازی و تند سازی و غیره بکار می رود .

۵ - سنگ بلو در موضع لولنج غوربند ، و بعضی نقاط دیگر افغانستان یافت شده است .

۶ - سنگ سلیت از هزاره جات و علاقه جات مشرق و باقی نقاط افغانستان بدست می آید

۷ - سنگ آساید بسیاری علاقه جات افغانستان یافت میشود مخصوصاً در چهل ستون و لهوگر ، و آغا سرای و کوه گوهر گین فیروز بهار ، و غیره جاها .



نمونه از لباس و طرز معاشرت فامیلی قرن نوزدهم افغانستان
Costumé et Scène de la vie Familiale des Afghans du 19^e siècle.

احجار کريمة : Precious - stones

بدخشان از حيث پيدایش جواهر قيمت بها درجه اول دارد، در علاقه جات مشرق و کابل و قندهار نیز معادن جواهر یافت میشود.

معادن لاجورد: موضع (درغاران) علاقه بدخشان يك معدن قدیمه است که برای استخراج لاجورد اهمیت خاص را دارا بوده و فایده های زیادی ازان گرفته شده است، سابقاً کار این معدن بوسیله دست اجرا می شد بهمین جهت در نتیجه حفريات بی اصول و عدم مهارت کاریگران رگهای اصلی معدن را گذاشته در نقاط غیر مفید کار حفريات را پیش برده اند، بعد ها رگهای تازه دیگری کشف گردید. در سابق لعل نیز از بدخشان استخراج میگردد، بهمین جهت لعل بدخشان شهره آفاق است.

معادن یاقوت جگدلك: نیز شهرت زیاد دارد و در سابق يك پیمانۀ وسیع یاقوت ازان استخراج میکردند تقریباً در بیست موضع این معدن کار انداخته شده و کاریگران آن در نتیجه حفريات غیر فنی رگ های فایده آور را که در عمق معدن است گذاشته اند، بعضی آثار یاقوت در بین رگ های مرمر سفید از حدکان بزی دره که ابتدای شروع رگ است تا کانت خلوت که انتهای رگ میباشد نمایان است.

رگ اصلی در اعماق معدن وجود دارد علاوه بر یاقوت در کوه شاه کابل خورد (علاقه میدان) و کوه های چپر، و موضع ایچه لارم نورستان، و کوه مرکی خیل خوگیانی، و مقر، و کوه غازه کوه دامن، یافت می شود ریک های یاقوتی که در صیقل گیری استعمال می گردد از موضع باد پش، و حدود مرگه (گیاوه نجراب) و غالب نقاط افغانستان دستیاب میشود.

یرل: (BERYL)، یا ترشیش در کوه مرگی خیل خوگیانی و موضع نورستان یافت شده است.

زمرد: (EMERALD) به وایگل دره بیچ ممکن وجود داشته باشد، تورملین (Tourmaline) از موضع قلعه گل نورستان دستیاب می شود.

معادن سنگ سلجانی: در موضع در علی یکا اولنگ موجود است.

امینست: (یاقوت رمانی) از موضع قندهار و ارزگان بدست می آید.

مواد معدنی و جواهرات قیمتهار دیگری نیز در گرد و نواح مملکت بکثرت وجود دارد که یوماً فیوماً برای کشف آن اقدامات بعمل می آید و در جمله معادن وطن نمره می افزاید. (*)



مختصر حالات جغرافیائی



آقای سید عبدالاحد خان

و طبقات الارضی حدود سلسله هندوکش

بقلم آقای سید عبدالاحد خان
دیپلوم انجینیر

خوشنودم که حکومت اعلی حضرت هایونی، بما و امثال ما موقع داده تا معلوماتی که در امور مختلفه کسب نموده ام برای اطلاع هوطنان عزیز در منصفه اشاعه گذاریم. و باز هم لازم است مکرر حکومت متبوعه را ستود که برای نشر افکار ما که وسیله منحصر به تعمیم معرفت و دانش بین هوطنان است تسهیلاتی فراهم نموده که بنده و سایر افراد این خاک را برای افاده و استفاده تشویق مینماید. لهذا این است که در اثر تشویقات و فراهمی وسایل مذکوره خودم بقدر توان خود میخواهم شرحی راجح به حالات جغرافیائی و طبقات الارضی افغانستان بنویسم تا شاید مورد استفاده هوطنان عزیز واقع شود.

سلسله کوه هندوکش

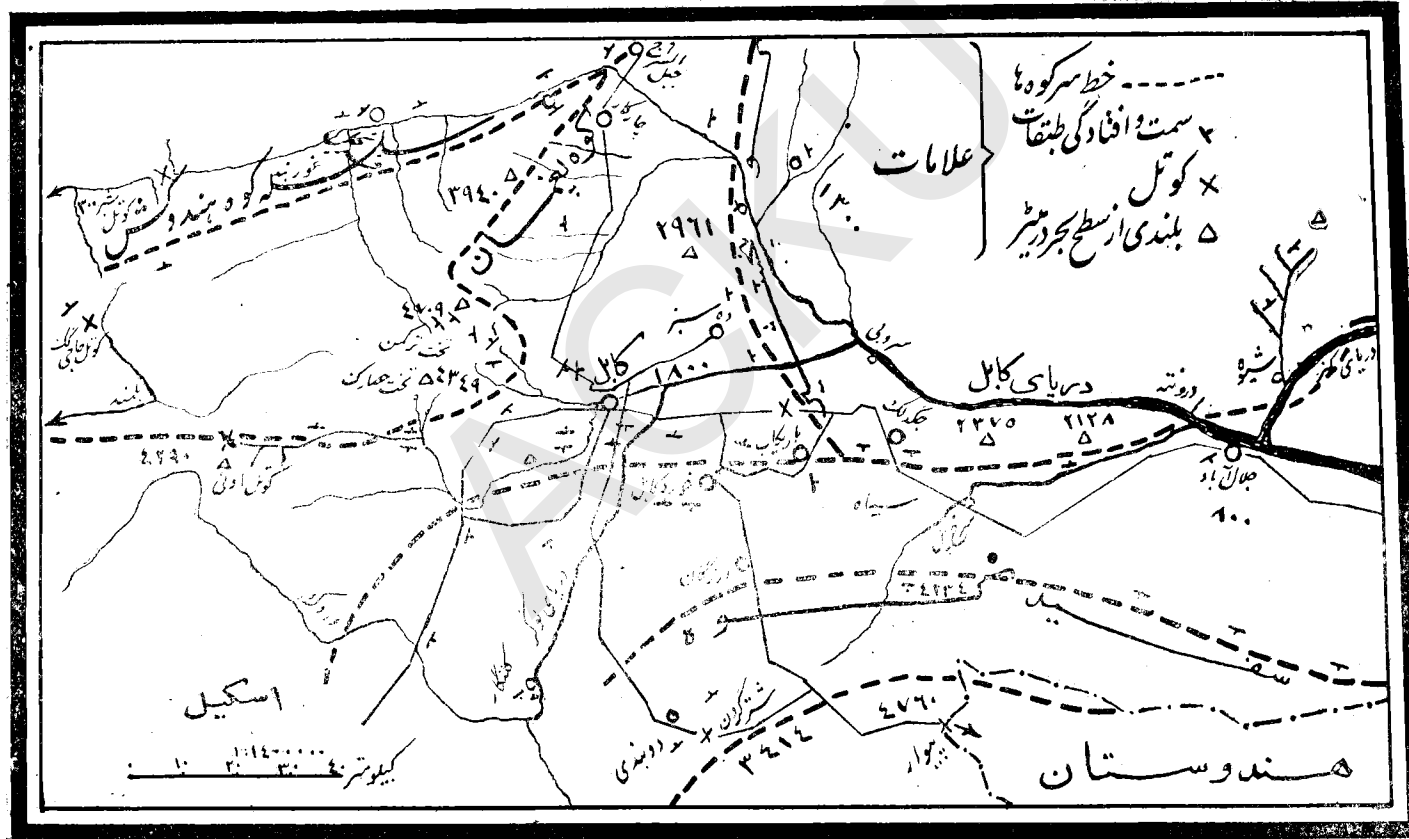
مهمترین و بزرگترین شاخ هندوکش از حد پامیر شروع شده به سلسله های غلو در فلات افغانستان و ایران انجام مینماید. بطرف شمال حصه این کوه بعضی میدان ها و کوه های کوچک تقریباً متوازی سلسله کوه مذکور واقع بوده و لیکن بطرف جنوب هندوکش کوه های مختلف بسیار قدیم که اکثر از یک دیگر بسیار دور و بالعوم به هندوکش عموداً واقع بوده یک سلسله بزرگ را برای خود تشکیل داده، در بعضی جاها باز متوازی با سلسله بزرگ هندوکش شده دور و متواتراً بحدود سیستان علامات خود را نشان میدهند چنانچه از کارته ذیل خط امتداد و علامات سلسله های فوق بخوبی واضح میگردد.

باساس نقشه های تکتونیک (Tektonic) (طرز ساخت) که از کارته مذکور معلوم می شود، شکستگی ها و سمت های سلسله شاخهای هندوکش خصوصاً در حدود کابل چندان مشکل و پوشیده نه بوده واضح است که در اینجا از حالات طبقات الارضی و جغرافیائی کوه های ذیل که در افغانستان واقع اند ذکر می شود.

۱ - سلسله کوه پفان، ۲ - سلسله کوه پنجشیر، ۳ - کوه های کابل با سلسله سیاه کوه و سلسله کوه کتر ۴ - سین غر با سلسله آن.

نقشه طبقات الارضی کجوه افغانستان

Carte Geologique d'une partie
de l'Afghanistan.



(متعلق صفحه ۷۶)

سلسلہ کوہ پغمان

پنجشیر و وادی غوربند مابین شمال مشرق - جنوب مغربی سمت هندوکش واقع بوده و بطرف جنوب آن که بعضی کوہ بچھا واقع اند یک سرحد ضخیم را تشکیل میدهد در پنجشیر سلیت متامورفیک (Metamorphic Slate) و گرافیت (Graphite) (پنسل) و رگک هماتیت (یکقسم ترکیب معدنی آهن است Hämatite) عموداً بر خلاف کوہهای بلند هندوکش واقع بوده و از حدود جبل السراج و وادی غوربند شروع شده بطرف دره کالوو کوتل حاجی گک امتداد یافته که در آنجا یعنی به کوتل حاجی گک همین رگکها ترکیب معدنی آهن جبل السراج همراه سنگ چونه دیون (Devonlimestone) (⊗) و فاسل های (بعضی جانور های سنگ شده) شیر یفر (Spirifer) و رینشونلا (Rhynchonella) که شاهد زمانه دیون (Devon) میباشد جمع شده است. در وادی غوربند میان پل منک و برج گلجان در طری طبقه افتاده و رگک آهن مذکور یک سلسله گرافیت (Graphite) ظهور یافته و بسیار دور در فرنجیل در طری طبقه بالائی آهن مذکور چونه کاربون (Karbonaceous Limestone) (کاربون نام یکی از زمانه طبقات الارضی است) ظاهر از رگهای سر پنتین (Serpentine سنگ شاه مقصود) بریده شده است. در اینجا تمامی طرز طبقات هندوکش که بسمت شمال مشرق - جنوب مغربی امتداد یافته است از سبب شورش های زیاد زمین شکسته و خراب شده چنانچه مرسوبات ترتسیر (Tertiar) (ترتسیر یا عهد سوم نام یکی از زمانه های طبقات الارضی است) که بالای این شکستگی های وادی غوربند واقع است شاهد این شکستگی ها و شورش های قدیم است.

در حدود چاریکار معلوم می شود که رگک طبقه افتاده سلسله دیون (Devon Series) آهسته آهسته بطرف جنوب دور خورده کوہهای پغمان را تشکیل میدهد که طول آن تقریباً ۶۰ کیلومتر و یک بلندی سلسله قله های ۴۰۰۰ متر مرتفع از سطح بحر ساخته شده است.

معلوماتیکه «گریس بچ» (Griessbach) و «هائیدن» (Hayden) متخصصین فن طبقات الارضی که در خصوص سنگهای گرانیت مخلوط باهورن بلندی (Hornblendegranite) و طبقات حصه شمالی این کوہ داده اند کافی نه بوده تا حال حالات طبقات الارضی علاقه پغمان مستور مانده بود. اما بعد ها آنچه در بنیاب تحقیقات بعمل آمده این است که بکنار مشرق کوہ مذکور بطرف کابل رگک های بزرگ گنایز (Gneis) و بیگماتیت (Pegmatite) و سنگ سلیت گرانات ارکدار (Granatic Mica Slate) (رقم سنگ خشت چهل ستون) بطرف مشرق شمال مشرق امتداد یافته و در حصه بالائی این کوہ با مواد سنگ گرانیت (Granite) و سلیت کوارتسیت (Quartz Slate) و میگنتیت (Magnetite) (یکقسم مواد ترکیبی آهن است) پیوسته شده رگهای بزرگی را تشکیل میدهند.

میگنتیت (Magnetite) پغمان یکی از بهترین آهن های دنیا شمرده می شود که از قرار تجزیه تقریباً ۷۲ فیصد در آن آهن موجود است. چون اجزای گوگرد و آرسنک (سم الفار) و فاسفور که یکی از اجزای اسفل برای تحصیل آهن خام است نیز در میگنتیت (Magnetite) مذکور وجود ندارد، زیرا که وجود گوگرد و آرسنک و فاسفور آهن را زود شکن میسازد، و مهندسین ریخته گری همیشه کوشش دارند که این هر سه اجزاء را اگر در یک مواد ترکیب معدنی آهن موجود باشد حتی المقدور با اصول کیمیاوی فنی جدا نمایند، بر طبق اصول فن ریخته گری برای حصول یک تن آهن خام مقدار یک تن کوکس (یعنی ذغال خالص که بعد از عرق کشی ذغال سنگ حاصل می شود) لازم است.

* دیون نام یکی از زمانه های طبقات الارضی است، برای کسب معلومات بیشتر درین باره مجدول علیحده که دوره های طبقات الارضی به حروف لاتین و فارسی در آن نگاشته شده رجوع نمایند.

بخش بالائی کوه یغان بسمت شمال مشرقی رگ های عمودی کوارتسیت Quarzite و سنگهای سلیت خاکی Clayey Slate نیز کشف شده بود که از آنها به بلندی ۳۰۰۰ متر (از سطح بحر) قبل از آنکه به تحت ترکمن برسد خط سیر خود را تبدیل نموده بسمت شمال، شمال مشرق امتداد یافته است. به بلندی ۴۰۰۰ متر (از سطح بحر) سنگ سلیت ابرک دار (Mica Slate) که در ملائمی خاصیت ابریشم را دارد بیک زاویه ۳۰ درجه افتاده و بسمت شمال مغربی دور خورده حتی به بلندی ۴۷۰۰ متر (از سطح بحر) که بلندترین قله های کوه یغان است نیز خط سیر خود را تبدیل نه نموده اند. بهمین ارتفاع ۴۷۰۰ متر طبقات بزرگ سنگ گرانیت (Granite) ظهور نموده در جایها و حصه های مختلف رنگ سرخ گنز دار ظاهر شده سنگهای گرانیت (Granite) درین موقع بسرعت پوده شده به شکل ریگ در آمده اند و آب برف و باران و هوای تندرینگ های مذکور را دور نموده و بعد از مرور چندین صد سال بعضی میدانها و کاسه گی ها و حوض ها تشکیل داده است. چنانچه به وجود آمدن حوض خاص یغان نیز از اثرات فوق است، که شاید اضافه ازین موضوع قابل تشریح نباشد و هر کس بداند مثلاً حوض خاص و امثال آن در تحت چه عوامل بوجود آمده .

بدانته این کوه بطرف علاقه میدان رگ های عمودی چونه و ترکیب معدنی مس (Copperore) و سلیت امفی بول (Amphibol Slate) و ابرک (Mica) ظاهر شده است و رگهای گرانیت (Granite) در هر موضع حایل و رگهای مذکور را در مواضع مختلفه قطع نموده است .

عمر سلسله کوه یغان از قراریکه رگ طبقه افتاده همیتیت (Hämatische) غوربند معاینه شد باید که کوه یغان در زمانه دیون Devon تولید شده باشد و این هم امکان دارد که عمر کوه مذکور از زمانه دیون اول Unter Devon باشد لیکن بهر صورت سلسله کوه یغان نسبت به کوه های کابل جواتر است .

۲ - سلسله کوه پنجشیر :

کوه های پنجشیر از حیث طبقات الارضی شاید بسیار دلچسپ نبوده در حدود پنجشیر علیا از کوه هند و کش جدا شده و بعد از آن بحصه سفلی پنجشیر بسمت جنوب شمالی یعنی عموداً بکوه هند و کش واقع بوده الی کابل امتداد یافته است .

ماهیت این کوه ها این است که طبقه های کوه های حصه مشرق چار بکار از حیث تکنونیک (Tectonic) فن ساختمان معلوم شده که بزایه ۴۵ درجه بطرف مشرق افتاده و سنگ گنز در مخلوط با چونه و فاسل (Fossil) (حیوان و یا نباتات سنگ شده) نامعلوم را دارا بوده بعد از آن به علاقه نجراب بیک سلسله سنگهای سلیت ابرک دار (Mica Slate) و گنایز پگماتیتی (Pegmatitischer Gneis) تبدیل می شود. یک قدری دورتر بحصه جنوبی بعلاقه ده سبز چونه و میرگل (Mergel) (یک قسم گل است) که در آن میگنتت (Magnetite) نیز موجود است یافت شده است. چون درین سنگها فاسل میکوسیراس (Mecoceras Sp.) کشف شده لهذا باید این کوه ها در زمانه تریاس (Trias) تولید شده باشد. مابین ده سبز و دریای کابل باز یک طرز طبقات گرسالین (Kristallin) و چونه بنظر می خورد که بطرف حصه بالائی دریای کابل امتداد یافته است درین علاقه یعنی در چونه خورد کابل و لوگر علاوه از فاسل (شیریر و پرودکتس (Spiriefer & Productus) که آقایان گریس بخ و هائیدن یافته بودند بنده نیز فاسل های (اونی سیرس و میکوسیراس و پرویدومونوتس (Ophiceres Sp. & Mecoceras Sp. & Pseudomonotis) کشف نموده ام که شاهد زمانه فوق تریاس استند. بحصه پایان تنگی دریای کابل در حدود سروبی نیز یک ذخیره چونه یافت شده است و در آن از باعث و جود فاسل (میکالیدون و دسیر و کاردیوم (Megaledon &))

(Discerocardium) گفته می‌توانیم که علاقه مذکور بزمانه تریاس Trias تکوین شده است .
 بعضی رگها و طبقات چونه فوق الذکر که دراته بند نیز مشاهده شده آنها از زمانه تریاس (Trias)
 گفته می‌شوند .

۳ - کوه‌های کابل و سیاه کوه و کوه‌های کتر:

کوه‌های کابل
 به شاخه‌های دو کوه مذکور در فوق یعنی کوه پیغان و پنجشیر
 اتصال یافته است . این کوه‌ها از سبب اروزین (Erosioon سائیدن) در یای کابل ولوگر فواصل
 مختلفه تشکیل داده است که کوه‌های قروغ و کوه آسمائی و کوه شیر دروازه از
 مقطعات یا تشکیلات مذکوره است . درین کوه‌ها اکثر سنگهای میتمورف (Metamorph) که در سنگ
 مذکور سنگ گنایز (Gneis) مخلوط بارگهای کوارتس (Quartz - بلور معدنی) و امفی بولیت (Amphibolite)
 و سلیت ابرک دار (Mica Slate) زیاد تر حصه گرفته اند . و در بسیاری نقاط دیده شده است که
 در میان سنگ سلیت ابرک دار مواد چونه قلمدار و عدسیه های بلور معدنی جا گرفته اند .

در وادی کابل صرف چند طبقه بخوبی شناخته میشوند که یکی بسمت مشرق و شمال مشرق و دوم آن بسمت مغرب، جنوب
 مغربی امتداد یافته است . تقریباً ۷ کیلومتر بطرف جنوب کابل یک سلسله سنگهای گنایز (Gneis) ظهور
 یافته که در منطقه گرانات گلمر شیفر (Granat Mica Slate ؛ سنگ خشتی چهل ستون) با سنگ
 دیورت (Diorit) و سنگ میلافیبر (Melaphyr) یک جا میشوند . این سنگهای سلسله گرانات گلمر شیفر به فاصله
 ۵۰ کیلومتر امتداد یافته است یعنی رگ مذکور از کوه قورغ شرع شده و بعد از کوه چهل ستون گذشته تا
 حصه زیرین وادی لوگر امتداد یافته است .

در کوه‌های قورغ ولوگر یک طبقه ویارک ضخیم چونه قلمدار با گرافیت (Graphite) بسمت مشرق
 مغربی امتداد یافته و با منصفه سنگ گرانات گلمر شیفر وصل شده است .

از رگها و خطوط سنگهای آتشفشانی (Erptive Stones) معلوم میشود که سنگهای مذکور
 نقل مکان نموده اند، زیرا سنگ گنایز زمانه قدیم از سنگهای کوه قورغ که از حیث مقابله جوانتر اسندند
 انحصار شده است . چنانچه در وادی لوگر در حصه کمری ظاهر شدن مواد ترکیبی معدن مس و آهن اثبات
 انتقال سنگهای مذکوره را مینماید . اکثر کوه‌های نزدیک کابل بمعاینه رسیده و معلوم می‌شود که از حصه
 مغربی کوه قورغ بسمت جنوب مغربی بطرف علاقه وردک دور خورده و از طرف دیگر (یعنی حصه مشرقی)
 از حدود حصه زیرین وادی لوگر و از حصه مشرق کوتل لته بند گذشته و بعد از آن بسمت شمال مشرق
 بطرف سیاه کوه و نورستان امتداد یافته به کوه هندوکش وصل شده است . چونه تریاس (Trias) کابل
 اثبات میدارد که سنگهای این علاقه بسیار قدیم بوده چنانچه سنگهای که نزدیک شهر کابل وجود دارند
 بدون شبهه در زمانه آرشی کم (Archäikum) و سنگهای مذکور باستانی سنگهای که نقل مکان نموده
 اند در زمانه پالئوسوئیکم (Paläozoikum) تولید شده اند و سنگ گرافیت کوه قورغ در زمانه قدیم
 دیون (Devon) بوجود آمده است .

همین کوهیکه از خورد کابل شروع شده و بعد از حدود جگدک عبور نموده به پل دروته
سیاه کوه امتداد می‌یابد سیاه کوه نامیده میشود این سلسله کوه از مواد مختلفه یعنی گنایز (Gneis)
 و سنگ سلیت مخلوط باهورن بلندی (Hornblende schiefer) و فیلیت (Ppyllite) و چونه قلمدار
 ساخته شده است . از جمله مواد مذکور در فوق مفیدترین آنها چونه قلمدار است که دارای یاقوت

و شینیل (یکقسم جواهر زمرد نما است) و گرانات (Granat) (یکقسم جواهر یاقوت نما است و رقم سوخته آن در کابل مشهور به ریگ یاقوت است) بوده و رگ چونه مذکور تقریباً عمودی افتاده بطرف وادی سرخ رود (مشرق) امتداد می یابد بلند ترین قله های این کوه به ۲۱۲۸ متر (از سطح بحر) میرسد. محدود تنگ رگ ها و طبقه های این کوه بشکل افقی تبدیل شده و در جاهای مختلفه از مواد سنگ چونه و سنگ سلیت ترکیب یافته است. تکوین این علاقه از زمانه کاربون (Carbon) خیال میشود، زیرا که چونه کرینوئید (Krinoidenlime Ston) شاهد زمانه کاربون (Carbon) است. به عقب سیاه کوه بموضع تنگ سنگهای گرانیتی (Granite) که دیده میشوند نقل مکان نموده اند، زیرا که گرانیت مذکور سلسله چونه پالیو سوئیکم (Paläozoikum) را از چونه قلمدار قدیم تر جدا نموده است. در تنگی درته دریای کابل سنگهای گنایز (Gneis) را به دو حصه تقسیم نموده که در آنها ترکیب معدنی مس بمقدار قلیل یافت شده و بیک زاویه ۵۰ درجه بطرف شمال مغربی افتاده است.

جنوب جلال آباد از میان منطقه الو و یون (Aluviun) (جواترین زمانه طبقات الارضی است) چند کوه های تپه ناه که از سنگهای گرانیت (Granite) و گنایز (Gneis) و چونه قلمدار ساخته شده اند بیک زاویه ۵۰ درجه بطرف جنوب مغربی افتاده که فرع غربی آن به سیاه کوه وصل شده است. از معلومات فوق ظاهر میشود که جمیع طبقات سلسله سیاه کوه از حدود کابل شروع شده تا سلسله کوه های کتر امتداد یافته و از آنجا بعد به سلسله کوه هندوکش وصل میشود و حصه مغربی این کوه بدون شک و شبه باوادی لوگر تعلقات زیاد دارد.

کوه های کتر
کوه های کتر که هائیکه بجوار جلال آباد بذریعه دریای کتر تشکیل شده است اکثر از مواد معدنی سنگ سلیت (Slate) و گنایز (Gneis) و سنگ چونه ترکیب یافته. بحصه شمالی شیوه که بلند ترین قله های کوه کتر گفته میشود ارتفاع آن به ۴۰۰۰ متر (از سطح بحر) رسیده، با طبقات عمودی بسمت شمال مشرق امتداد یافته از مواد مختلفه سنگهای گنایز (Gneis) و فیلت (Ppyllite) و بیگماتیت ابرک دار (Mica pegmatite) و سبیت امفی بول (Amphibol Slate) ساخته شده است.

بحصه بالای دریای کتر در بعضی جاها سنگهای آن علاقه سنگهای کوه کابل و سیاه کوه از حیث که نقل مکان نموده اند بیک مناسبت خاص دارد.

سپین غر

سفید کوه از حدود را و الپندی به دوشاخ بزرگ و متوازی شروع شده شرقاً غرباً بسمت افغانستان امتداد یافته و بلند ترین قله خود را به سیکارام که ارتفاع آن به ۴۹۶۰ متر (از سطح بحر) میرسد تشکیل داده است. تا محدود شنوار معلوم شده که سفید کوه از مواد مختلفه سنگهای گرانات (Granat) و گنایز (Gneis) و بیگماتیت (Pegmatite) و سلیت امفی بول (Amphibol Slate) و فیلیت (Phyllite) و کوارتسیت (Quarzite) و چونه و سنگهای ارگس (Erguss) (بوقت سرد شدن زمین اولین موادی که بصورت جامد ته نشین شده است سنگهای ارگس نامیده میشوند) ترکیب یافته است.

طرز طبقات سفید کوه چنانچه در فوق ذکر شد شرقاً غرباً امتداد یافته ولیکن در حدود خورد کابل و حضر آهسته بطرف لوگر خط سیر خود را تبدیل نموده است.

بحصه مغربی قله سیکارام کورال (Korall) زمانه تریاس (Trias) یافت شده اند و نیز بیک سلسله چونه بسمت جنوب مغربی دور خورده که بایک سلسله زمانه میسو سوئیکم (Mesozoikum) شترگردن وصل میشود، کارته های توپوگرافی قدیم نیز حد سیکارام را بحیث یک گره و میمرک نشان میدهند که از آنجا بسمت های مختلف شاخهای سفید کوه خصوصاً به سرحد افغانستان و هندوستان انگلیسی امتداد پیدا میکند طریق ساخت مذکور را واضح میسازد

بحد دو بندی معدنیات ترکیب معدنی مس و سمرپنتین (سنگ شاه مقصود) و سنگ میلانیر (Melaphyr) ظاهر شده و عموداً بسمت مغرب شمال مغربی افتاده و بعضی رگهای باریک زغال نیز در آن یافت شده است. کوههای خروار عموماً از سنگهای میتامورف (Metamorphe) و حصه شمالی شهر غزنی از سنگهای گنایز (Gneis) و گرانیت (Granite) و نیابت (Phyllite) ساخته شده اند.

در منطقه تپه سارهای غزنی سلسله کوه هندوکش با ختتام رسیده و بطرف جنوب شهر مذکور یک فضای فراخ و مرتفع «آب استاده» و دریای ترنگ با کوه بچهای خورد بنظر میخورد درین علاقہ فراخ و مرتفع زمانه قدیم مسوسوئیکم (Mesosoikum) و کرسٹالین (Kristallin) بنظر نخورده بلکه یک زمانه جوانتر دیگر مشاهده شده که بسیار بسهولت تفریق حصه شمالی از حصه جنوبی میشود.

بطرف مغربی مقر سنگهای یافت شده اند که در آن بعضی طبقات ذغال سنگ که مخلوط با گل است بسمت شمال مشرق امتداد یافته است. در علاقہ مقر علاوه از ذغال سنگ و گرانیت (Granite) که در کانتکت (Kontakt) آن مواد معدنی میگنتت (Megnetete) و همایتیت (Hämatite) و مس پیدا میشود. و درین علاقہ احتمال وجود طلا نیز میبود، در سطح هموار و مرتفع آب استاده بعضی طبقات هوا رو افقی چونه و سنگهای ارگس (Erguss) جوان که بطرف شمال افتاده اند بنظر خورده و در منطقه تپه سارهای یک پروفیل (Prophile) رنگ آمیز گنیز دار سرخ و زرد و همچنان سلیت تون (Ton Slate) بنفش و سبز و سیاه و خاکستری رنگ توجه را جلب نموده بسمت مغربی یعنی بطرف ترنگ و دریای ارغنداب و کوه های هزاره امتداد یافته است. در میات سلیت تون خاکستری رنگ اکثر رگهای کوارتس (Quartz) پیدا شده که در آنها سلفید آهن و مس یافت میشود.

در حصه قندهار همین منطقه و یا گروپ رنگ آمیز فوق با کرایدی کلمک (چونه تاباشیری کرایدی و یا چاک یکی از زمانه های قرن وسطی طبقات الارضی است Kreidekalk) پیوست شده است و همین چونه مذکور از مشرق قلات که در آن سنگ سمرپنتین (سنگ شاه مقصود) و سنگ ریشه، و در ارغنداب که آن در سنگ بازالت (Basalt) یک قسم سنگ سیاه رنگ سخت است که در ممالک خارج برای فرش سربک ها استعمال میکنند) یافت میشود شروع شده نزدیک قندهار در منطقه کانتکت چونه مذکور رگ های طلا با خود دارد. جمع طرز طبقات ما بین غزنی و قندهار که سمت مشرق مغربی و یا مغرب جنوب مغربی امتداد یافته است. حصه ارغنداب بطرف ریگستان سیستان د و ر خورده و در آنجا آخرین نقطه منطقه چونه مذکور ختم میشود.



دوره های عمده طبقات الارضی

برای مزید استفاده خوانندگان مقاله «مختصر حالات جغرافیائی و طبقات الارضی هندوکش»

Principales Formations Géologiques

V.	Quaternaire.		(۲) دور رابع (۱) « تالت	(۵) ادوار جدید
IV.	Cénozoïque ou Tertiaire.	Éliogène. Éocène.	(۳) طبقات تباشیری علیا سفلی (۲) « جوراسی علیا وسطی سفلی (۱) « تریاسی علیا وسطی سفلی	(۴) دور ثانی
III.	Mésozoïque ou Secondaire.	Crétacé. Jurassique.	(۵) « پرسیانی علیا سفلی (۴) « کاربونی (فحم) علیا سفلی (۳) « دیونیانی علیا وسطی سفلی (۲) « سیلوریانی علیا سفلی (۱) « کمبریانی علیا وسطی سفلی	(۳) دور اول
II.	Paléozoïque. ou Primaire.	Permien. Carboniférien. Dévonien. Silurien. Cambrien.		(۲) دور ماقبل کمبریانی یا قدیم
I.	Archéozoïque.			(۱) دور قدیم

باید دانست که دوره های طبقات الارض یعنی تشکیلات زمین بقسمیکه در فوق مشاهده میشود، از یائین بیالامیباشد.





جناب عالیقدر جلالتمآب والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم
والا حضرت ممدوح نظر بسوابق وخدمات برگزیده در اعصار سابق نسبت بحاك ياك وطن، در آغاز
حکومت معظم نادرشاهی از حضور شهریارغازی شهید بصدارة جلیله افغانستان تعیین و در تمام آن
دوره درخشان مصدر خدمات برجسته و کارنامه‌های قابل قدری گردیده در پیشرفت امور و ترقیات آن
دوره تجربه، کفایت، و حسن خدمات خود را بمنصه شهود گذاردند.

در عهد منور زمام داری تاجدار جوان اعلی حضرت (محمد ظاهر شاه) مجدداً ذات والا حضرت شان
بریاست و تشکیل کابینه دولت مامور شده و اینک از بدو تجدید تصدی امور صدارت عظمی الی حال مثل
زمان پرافتخار نادرشاهی بانهایت جدیت و مساعی مصروف فراهم آوردن وسائل ترقی و بهبود مملکت بوده،
حسن انتظامیکه بحمدالله تعالی در تمام شعب اداری و مجاری امور مملکت دیده می شود نتیجه زحمات خستگی
ناپذیر و لیاقت ذاتی این مرد بزرگوار و خیر اندیش حقیقی وطن میا شد.

تشکیلات ہملکتی

صدارت عظمیٰ

- صدر اعظم : جناب عالیقدر جلالتمآب والا حضرت سردار محمد ہاشم خان۔
- مشاور اول : ع، ص. ذوالفقار خان
- » دوم : » سید احمد خان.
- رئیس ضبط احوالات : » محمد شاہ خان.
- مدیر شعبہ اول : » خلیل اللہ خان.
- » دوم : » عبداللہ خان.
- » سوم : » محمد حسن خان.
- » اوراق : » محمد اسمعیل خان.
- » عریض : » ص میر عبداللہ خان.
- سرکاتب قلم مخصوص : » محمد نعیم خان.
- » محاسبہ : » خواجہ ذکر اللہ خان.



ع، ص سید احمد خان مشاور دوم



ع، ص محمد شاہ خان رئیس ضبط احوالات



ع، ص ذوالفقار خان مشاور اول



ع ، محمد حسين خان مدير شعبه سوم



ع ، عبدالله خان مدير شعبه دوم



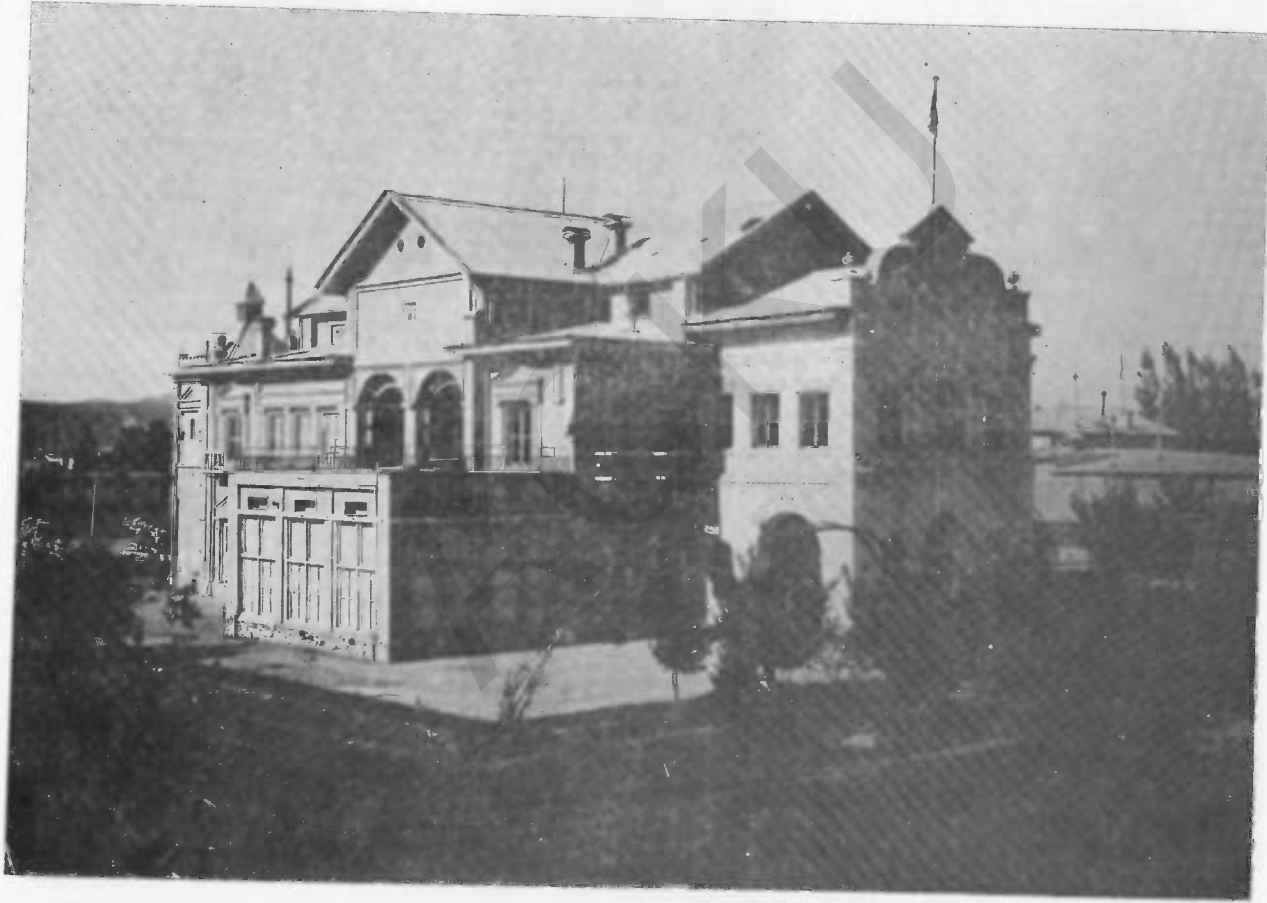
ع ، خليل الله خان مدير شعبه اول



ص، عبداللله خان مدير شعبه عراقس



ع ، محمد اسحق خان مدير اوراق



قصر صدارت عظمی
Palais de la Présidence du Conseil.



عالیقدر جلالآب المر اعلی نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار
 و وزیر حربیه که همواره در راه حفظ سعادت و امنیت عمومی و وطن جانبازیهای مردانه و مجهودات و وطن
 پرورانه ابراز فرموده مخصوصاً در عهد یر افتخار نادر شاهی در هر گوشه و نواح وطن که آثار بقایای شورش
 خانان سوز گذشته مانده حوادث ناخوب رخ میداد همه بحسن تدبیر و نیروی بازوی این فرزند دلاور
 افغانستان منطقی و خاموش گردیده است .
 آخراً از قیمتدار ترین خدمات این مرد دلاور حق شناس مساعی و مجهوداتی بود که در آغاز سلطنت شهریار
 جوان ما اعلیحضرت (محمدظاهر شاه) خلد الله ملکه در راه حفظ امنیت عمومی مملکت و تأمین راحت
 و سعادت مملکت خود فرموده اند .
 امروز ترقیات و شوکت اردوی افغانستان و بهبود امور حربی مملکت مرهون خدمات و حسن کفایت
 و لیاقت ذات والا حضرت ممدوح بوده و وجود محترم شان خیلی برای وطن مفید و قیمتدار میباشد .

وزارت حربیه

- وزیر حربیه : ع 'ج' ۱، انشان والا حضرت سپه سالار غازی سر دارشاه محمود خان
یاوروزیر حربیه : ح 'غلام سعید خان غند مشر ثانی .
مدیر تحریرات : ش 'محمد قاسم خان کند کشر .
مدیر قلم مخصوص : « محمد یوسف خان کند کشر .

دائرة استخبارات

- مدیر : ش 'محمد عمر خان کند کشر .
آمر شعبه الف :
» ب : ش 'محمد ایاز خان کند کشر .
» ج : « عبد الله خان کند کشر .

دائرة ارکان حربیه عمومی

- رئیس ارکان : ع 'ش' محمد عمر خان فرقه مشر ثانی .
معاون رئیس : ح 'مصطفی خان غند مشر اول .

دائرة عمومی حرکات

- مدیر : ح 'سراج الدین خان غند مشر ثانی .
آمر شعبه ۲ : ش 'محمد امین خان کند کشر .



ع، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حربیه

» ۳ :

دائرہٴ تعلیم و تربیہٴ عمومیہ

مدیر عمومی : ح، سید محمد اکبر خان غندمشر ثانی.

آمر شعبہٴ پیادہ و سوار: ش، آقا محمد خان کند کمشر.

» ہوا بازی :

» ترجمہ :

مدیر خریدہ : ش، میر عبدالسلام خان کند کمشر.

ریاست اردو

رئیس اردو : ع، س، ع، احمد علیخان فرقہ مشر اول.

مدیر عمومی مأمورین : ح، عبدالخالق خان غندمشر ثانی.

مدیر اخذ عسکر : ح، حبیب اللہ خان غندمشر اول.

مدیریت صحیحہ و بیطار یہ

مدیر : ش، عبد الباقیخان کند کمشر.

سر طبیب : ع، عزت مند، انظار الاسلام قریشی.

سر بیطار :



ع، ش، سردار عالی احمد علی خان رئیس اردو

مدیر انشآت : ح، میر اعظم شاہ خان غندمشر ثانی.

مدیریت عمومی تعلقہ

مدیر عمومی : ح، محمد یعقوبخان غندمشر اول.

مدیر میخانیکی : ش، زکریا خان کند کمشر.

مدیر حیوانات : ش، محمد حسن خان کند کمشر.

ریاست حربیه

وکیل رئیس : ع، ش سیدحسین خان فرقه مشر ثانی.

آمر شعبه هیئت معاینه: ح، محمد اکرم خان غنم مشر ثانی.
و تدقیق

« اسلحه » ش، سر بلند خان کند کشر

« جباخانه » ح، میر محمد سعید خان غنم مشر ثانی.

« آلات و ادوات: » ح، محمد اسلم خان غنم مشر ثانی.



ع، ش سیدحسین خان وکیل رئیس حربیه

فیه

اسلحه دار : ح، عبدالرشید خان غنم مشر ثانی.

جبا دار : ح، محمد عثمان خان غنم مشر اول.

ریاست لوازم

رئیس : ع، ش شیر احمد خان نائب سالار.

معاون : ح، حسین علی خان غنم مشر ثانی.

مدیر محاسبه : ش، خواجه عبدالقیوم خان کند کشر

مدیر لوازم : « حیب الله خان کند کشر »



ع، ع، ش شیر احمد خان نائب سالار رئیس لوازم

ریاست قبایل

رئیس : ح، سید محمد حسین خان غنم مشر ثانی

معاون : ح، شیر باز خان غنم مشر ثانی.

ریاست محاکمات



ع، ش محمد عمر خان رئیس انجمن اصلاح و ترقی

- | | |
|--------------------------------|-------------------------|
| ح، سید علی خان غند مشر اول | رئیس |
| ش، گل علی خان کند کشر | معاون |
| ع، ش محمد عمر خان فرقه مشر اول | رئیس انجمن اصلاح و ترقی |
| ش، عبد الشکور خان کند کشر | مدیر عمومی اوراق |
| ش، ظہور الدین خان کند کشر | مدیر کلوظ |

شفا خانہ عسکری

- | | |
|-------------------------------------|---------|
| عزیمند دا کتر سید عبد الغنی شاہ خان | سر طبیب |
| » » نور محمد خان | سر جراح |
| » » سید محمد صالح خان ہاشمی | معاون |
| » » میر عبد الحق خان | » |

قوماندانی طیارہ



ح، محمد احسان خان قوماندان طیارہ

- | | |
|---------------------------------|------------|
| ح، محمد احسان خان غند مشر اول | قوماندان |
| ش، غلام بہاؤ الدین خان کند کشر | مدیر لوازم |
| ح، غلام دستگیر خان غند مشر ثانی | مدیر دستہ |

قوماندانی مکتب حریبه



ع، ش سردارعلیشاه خان فرقه مشر اول.

- قوماندان : ع، ش سردارعلیشاه خان فرقه مشر اول.
- معاون :
- مدیر داخله : ح، عبدالله خان غند مشر ثانی .
- معلم صنف پیاده : « لطیف احمد خان غند مشر ثانی .
- » » توپچی :
- » » استحکام :
- » » توپچی : ش، علی احمد خان کند کشر .
- سر معلم استحکام : عزت مند، مکی احمدیگ افندی .
- » » توپچی : « ظفر حسن خان
- معلم اسپورت :
- » » لسان روسی : عزت مند موسیو عبدالرحمن .
- » » جو جیدس : « تاکاکی .
- مدیر مکتب رشديه : ش، احمد سیر خان کند کشر .
- نگران مکتب احضاریه : ع، ش محمد ابراهیم خان فرقه مشر .
- مدیر تعلیمگاه پیاده : ح، محمد عمر خان غند مشر ثانی .
- مدیر » سوار : « سلطان احمد خان غند مشر ثانی
- مدیر » توپچی : « عبدالغفور خان غند مشر ثانی .
- مدیر » خوردضابطان : « سید صالح محمد خان غند مشر اول .

ریاست فابریکے های حربی



ع، ع، ش سید عبداللہ خان رئیس فابریکات حربی

رئیس : ع، ع، ش سید عبداللہ خان

معاون :

مدیر تحریراۃ و اوراق: ش محمد کاظم خان

» بر آورد و محاسبہ: » محمد جعفر خان

» خریداری : » محمد ہاشم خان

فابریکۃ آلات حربی

منتظم : ح، نور محمد خان غنڈ مشر اول

مدیر محاسبہ : ش، ابوترابخان کندکشر

فابریکۃ نساجی

منتظم : ح، میر صاحبخان غنڈ مشر اول

مدیر محاسبہ : ش، یعقوب علیخان کندکشر

فابریکۃ بوت دوزی

منتظم : ش، میر عبد الرحیم خان کندکشر

مدیر محاسبہ : » محمد ظاہر خان کندکشر



قوماندان های عسکری مرکز

فرقه شاهی

قوماندان : ع ش سردار اسدالله خان فرقه مشر اول.

معاون قوماندان : « عبدالغنی خان فرقه مشر ثانی.

ع ش سردار اسدالله خان قوماندان فرقه شاهی

قول اردوی مرکزی



قوماندان قول اردو : ع 'ع' ش 'س' محمد غوث خان
نائب سالار.

فرقه اول : ع ش غلام محمد خان فرقه مشر ثانی .

دوم : « عبدالغنی خان فرقه مشر اول .

سوم : « نور محمد خان فرقه مشر اول . ع ، ع ، ش ، س ، محمد غوث خان قوماندان قول اردو

تویچی : « عبدالقیوم خان فرقه مشر اول .



ع ش عبد القیوم خان قوماندان فرقه تویچی

قوماندانهای عسکری اطراف

- قوماندان عسکری غزنی : ع ، ش خان زمان خان فرقه مشر ثانی .
- » قندهار : » » عبدالاحد خان فرقه مشر ثانی .
- » » فراد و چخانسور : ع ، ع ، ش محمد انور خان نائب سالار .
- » هرات : ع ، ش محمد شعیب خان فرقه مشر ثانی .
- » مزار و میمنه : » » عبدالغفور خان فرقه مشر ثانی .
- وکیل قوماندان عسکری قطغن : ح ، محمد تلم خان غند مشر اول .
و بدخشان
- قوماندان عسکری مشرقی : ع ، ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر ثانی .
- » قول اردوی جنوبی : » » س ، ع محمد افضل خان فرقه مشر اول .
- » فرقة اول قول اردوی جنوبی : » » بیر محمد خان فرقه مشر ثانی .
- » » دوم : » » عبدالرؤف خان فرقه مشر ثانی .





ع، ش عبدالغني خان قوماندان فرقة دوم مرکز



ع، ش غلام محمد خان قوماندان فرقة اول مرکز



ع، ش خان زمان خان قوماندان عسكري غزني



ع، ش نورمحمد خان قوماندان فرقة سوم مرکز



ع، ش محمد شيب خان قوماندان عسكري هرات



ع، ش عبدالاحد خان قوماندان عسكري قندهار

قوماندا نهایی نظامی



ع. ش. عبد الله خان فرقه مشر تعلیمگاه
خورد ما بطان قول اردو



ع. ش. پیر محمد خان فرقه مشر عسکری
فرقه اول قول اردوی سمت جنوبی

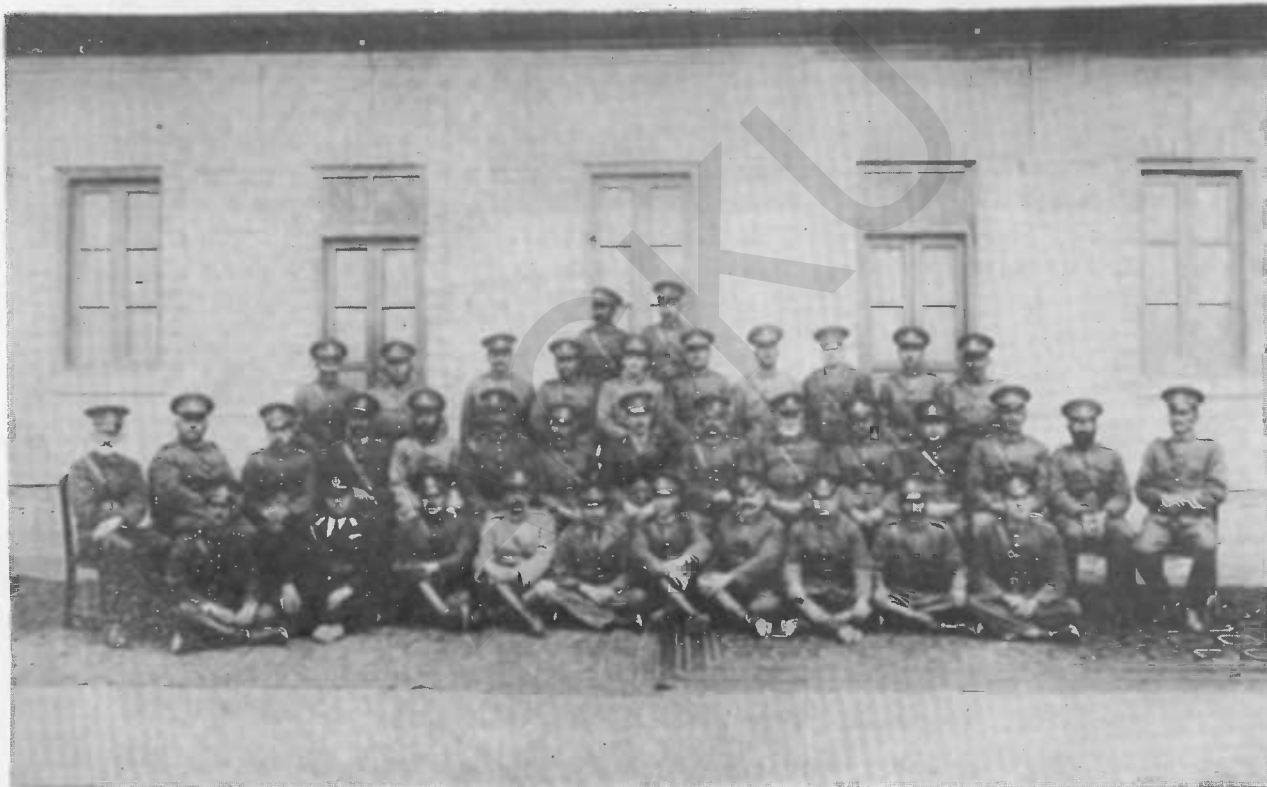


ع. ش. عبدالغفور خان قوماندان عسکری
مزار و میمنه



ع. محمد علم خان وکیل قوماندان عسکری قلعون و بدخشان

Les Commandants Militaires.



صاحب منصبان محترم وزارت حربیہ الی درجہ فرقه مشرٹانی وغند مشرکہ ذات والاحضرت وزیر صاحب حربیہ نیز درو وسط صف تشریف دارند
Les Officiers du Ministère de la Guerre, en dessus du Colonel (Assis aux centre S. A. R.
le Ministre de la Guerre).

صف اول نشستہ

- ۱ — سرکی خان فرقه مشر احمد زائی
- ۲ — سعادت خان فرقه مشر احمد زائی
- ۳ — اصیل خان فرقه مشر منگلی
- ۴ — سردار علی شاہ خان فرقه مشر قوماندان مکتب حریہ
- ۵ — سر بلند خان نائب سالار جاجی
- ۶ — غلام نبی خان نائب سالار ناصری
- ۷ — محمد غوث خان (سردار اعلیٰ) نائب سالار قوماندان
قول اردوی مرکزی بارکرائی
- ۸ — والا حضرت وزیر صاحب حریہ
- ۹ — محمد نعیم خان نائب سالار بدخشی
- ۱۰ — زلمی خان نائب سالار منگلی
- ۱۱ — زر خان نائب سالار وزیر
- ۱۲ — مہر دل خان نائب سالار بارکرائی
- ۱۳ — سردار اسد اللہ خان فرقه مشر قوماندان فرقه شاہی
- ۱۴ — عبد القیوم خان فرقه مشر توپچی ابراہیم خیل
- ۱۵ — عبد اللہ خان فرقه مشر وردکی

صف ۲ نشستہ

- ۱ — مصطفیٰ خان غنڈ مشر معاون ریاست ارکان حریہ عمومیہ
- ۲ — امین اللہ خان لوا مشر ہراتی
- ۳ — محمد ہاشم خان فرقه مشر
- ۴ — محمد عمر خان فرقه مشر ناصری
- ۵ — احمد علی خان (سردار عالی) فرقه مشر رئیس اردو لوڈین
- ۶ — سید عبد اللہ خان شاجی نائب سالار رئیس
فابریکات حربی
- ۷ — غلام محمد خان فرقه مشر تگابی
- ۸ — فضل احمد خان فرقه مشر فوٹو گرافی
- ۹ — محمد احسان خان غنڈ مشر قوماندان طیارہ
- ۱۰ — محمد قاسم خان غنڈ مشر رئیس ارکان فرقه شاہی

صف اول ایستادہ

- ۱ — اعظم گل خان فرقه مشر طوطا خیل
- ۲ — اصیل خان فرقه مشر وزیر
- ۳ — سید حسن خان فرقه مشر کنری
- ۴ — محمد شاہ خان فرقه مشر ترہ خیلی
- ۵ — محمد ہاشم خان فرقه مشر لوگری
- ۶ — عبد الفتی خان فرقه مشر قلعه بیگی کردیزی
- ۷ — عبد اللہ خان فرقه مشر طوطا خیل
- ۸ — امیر خان فرقه مشر مسعودی
- ۹ — غلام نبی خان فرقه مشر ہزارہ درہ صوفی
- ۱۰ — عبد الفتی خان فرقه مشر احمد زائی

صف ۲ ایستادہ

- ۱ — نور احمد خان فرقه مشر ہراتی
- ۲ — داؤد شاہ خان فرقه مشر ترہ خیلی



ح ، عبدالرشید خان غند مشر میگزین



ع ، ش علی دوست خان فرقه مشر



ش ، محمد يوسف خان مدير مخصوص



ش ، محمد قاسم خان مدير تجربات



ح ، غلام سعيد خان باورع ، ج ، زيب
صاحب حربيه



ش ، عبدالله خان آمر شعبه ج مدیریت
استخبارات



ش ، محمد اياز خان آمر شعبه ب مدیریت
استخبارات



ش ، محمد عمر خان مدير استخبارات



ش ، محمد امين خان آمر شعبه ۲ تشکيلات
دايره عمومي حرکات



ح ، سراج الدینخان مدير عمومي حرکات
رياست ارکان حربيه عموميه



ح ، مصطفى خان معاون رياست ارکان
حربيه عموميه



ش ، میر عبدالسلام خان مدیر خریطه



ش ، آقا محمد خان آمر شعبه پیاده و سواری



ح ، سید محمد اکبر خان مدیر عمومی تعلیم و تربیه



ش ، عبدالباقی خان مدیر صحیفه



ش ، حبیب الله خان مدیر اخذ و اعطای اسلحه



ح ، عبدالخالق خان مدیر مامورین



ش ، زکریاء خان مدیر شعبه میزبانی مدیریت عمومی نقاشیه



س ، محمد یعقوب خان مدیر عمومی نقلیه



ح ، میر اعظم شاه خان مدیر تعمیرات



ش. سرہند خان آمر شعبہ اسلحہ
ریاست حربی



ح. محمد اکرم خان آمر شعبہ معاینہ
وتدقیق ریاست حربی



ش. محمد حسن خان مدیر شعبہ حیوانات
مدیریت عمومی نقلیہ



ح. محمد عثمان خان غند مشر جیباخانہ



ح. محمد اسلم خان آمر شعبہ
آلات وادوات فنیہ



ح. میر محمد سعید خان آمر شعبہ
جیباخانہ ریاست حربی



ش. حبیب اللہ خان مدیر لوازم
ریاست لوازم



ش. خواجہ عبدالقیوم خان مدیر
محاسبہ ریاست لوازم



ح. حسین علیخان معاون
ریاست لوازم



ش ، گل علیخان معاون ریاست محاکات



ح ، سید علیخان رئیس محاکات



ح ، سید محمد حسین خان رئیس قبائل



ح ، غلام دستگیر خان مدیر دستہ
قوماندانی طیارہ



ش ، ظہور الدین خان مدیر کلوب



ش ، عبدالشکور خان مدیر عمومی اوراق



ح ، عبدالغفور خان مدیر تعلیمگاہ توجیحی



ح ، سلطان احمد خان مدیر تعلیمگاہ سواری



ح ، محمد عمر خان مدیر تعلیمگاہ پیادہ

وزارت خارجیه

وزیر امور خارجیه: ع، ج فیض محمد خان

معین اول: ع، ص غلام یحیی خان

دوم: » محمد عثمان خان



الف - مدیریت عمومی سیاسی

۱ مدیر عمومی سیاسی: ع، سید عبداللہ خان

۲ مدیر شعبہ شرق: ص، محمد شفیع خان

ع، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجیه

۳ مدیر شعبہ غرب: ص، عبدالحکیم خان کفیل مدیر

۴ » مطبوعات: » عبدالرؤف خان



ب - مدیریت عمومی تشریفات

۱ مدیر عمومی تشریفات: ع، عبدالصمد خان

۲ » شعبہ معاهدات: ص محمد حیدر خان

۳ » لوازم: »

ع، ص غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجیه

ج - مدیریت عمومی اداری

۱ مدیر عمومی اداری: ع محمد یونس خان



۲ مدیر مامورین: ص محمد کریم خان .

۳ «شعبہ ویزہ» تبعہ: «میر محمد صدیق خان کفیل مدیر .
و تابعیت و قونسلگری

۴ مدیر شعبہ محاسبہ: «حفیظ اللہ خان .

د۔ مدیر عمومی اوراق: ع عبدالغفار خان .

ع ، ص محمد عثمان خان معین دوم وزارت خارجہ

ه۔ مدیر شعبہ شفرہ: ص محمد ابراہیم خان .

و۔ دفتر دار خصوصی: «نور محمد خان .
وزیر خارجہ





ص، عبدالحکیم خان کفیل مدیر بشعبہ عرب



ص، محمد شفیع خان مدیر شعبہ شرق



ع، سید عبداللہ خان مدیر عومی سیاسی



ص، محمد حیدر خان مدیر معاہدات



ع، عبدالصمد خان مدیر عومی تشریفات



ص، عبدالرؤف خان مدیر مطبوعات



ص، میر محمد صدیق خان کفیل مدیریت ویژه



ص، محمد کریم خان مدیر مامورین



ع، محمد یونس خان مدیر عمومی اداری



ص، محمد ابراهیم خان مدیر شرف



ع، عبدالغفار خان مدیر عمومی اوراق



ص، حفیظ اللہ خان مدیر محاسبہ



عالیقدر جلالتمآب المر اعلی نشان والا حضرت سردار شاه ولیخان غازی فاتح کابل وزیر
مختار اعلی حضرت در پاریس که والا حضرت ایشان بعلاوه دیگر خدمات ذیقیمت و شاندار قشونی و کشوری
و جهاد استقلال؛ در موقعیکه مملکت آخرین مراحل بدبختی خودش را می پیمود با مر یگانه فرزند حق شناس
و محصل افتخارات و وطن اعلی حضرت محمد نادر شاه غازی شهید خلد آشیان قائد قوای ملی و بفتح کابل
موفق گردیدند و ذات گرامی شاترا عموم طبقات ملک افغانستان به نظر یک قائد بزرگ و خیر خواه حقیقی
خویش دیده ایثار مردانه و خدمات قابل قدر حضرت معظم له را که در راه حفظ شئونات و وطن و ملت
خویش ابراز داده اند همیشه قدر و احترام مینمایند.

از آغاز اعزام شدن ذات والا حضرت ممدوح بسمت وزارت مختاری اعلی حضرت تا امروز در امور
سیاسیه و وطن با نهایت فعالیت و صمیمیت مصروف بوده و درین مسلك نیز مورد بسی افادات مهمه بکشور
و مملکت خود شیده اند.



سفرا و نمایندگان افغانستان

در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره

سفیر کبیر : ع، ج سلطان احمد خان.

کاتب : ص، فیض محمد خان.

» : « عبدالوهاب خان :

ع، ج سلطان احمد خان سفیر کبیر افغانی در انقره.



سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران

سفیر کبیر : ع، ج سردار شیر احمد خان.

سرکاتب : ص، محمد اکرم خان.

کاتب : « فضل احمد خان.

ع، ج سردار شیر احمد خان سفیر کبیر افغانی در طهران.



سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو

سفیر کبیر : ع، ج عبدالحسین خان.

سرکاتب : ص، عبد الحمید خان.

کاتب : « سید محمد عثمانخان.

» : « محمد یونس خان.

ترجمان : « حبیب الله خان.

» : « غلام حسین خان.

ع، ج عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانی در مسکو.

وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس

- وزیر مختار : ع، ح، ا، انسان والا حضرت سردار شاه ولیخان .
مستشار : ع، ص، س، ع، اسلام بیگ خان .
کاتب : ص، سلطان عزیز خان .
: * محمد شعیب خان .



وزارت مختاری اعلیحضرت در لندن

- وزیر مختار : ع، ح، علی محمد خان .
سرکاتب : ص، جمعه خان .
کاتب : * محمد سرور خان .

ع، ح، علی محمد خان وزیر مختار افغانی در لندن

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما

- وزیر مختار : ع، ح، محمد قاسم خان .
سرکاتب : ص، احمد علیخان .



ع، ح، محمد قاسم خان وزیر مختار افغانی در روما

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین

سرکاتب : ص، محمد اسمعیل خان



وزارت مختاری اعلیحضرت در جاپان

وزیر مختار : ع، ج حبیب الله خان

سرکاتب : ص، عبد الرؤف خان

ع، ج حبیب الله خان وزیر مختار افغانی
در جاپان

وزارت مختاری اعلیحضرت در مصر

وزیر مختار : ع، ج محمد صادق خان مجددی

کاتب : ص، عبد الرحمن خان



جنرال قونسلگری اعلیحضرت در هند

جنرال قونسل : ع، ص صلاح الدین خان

ع، ج محمد صادق خان مجددی وزیر مختار
افغانی در مصر

سرکاتب : ص، محمد ابراهیم خان

کاتب : صالح محمد خان

» : محمد اسمعیل خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در تاشکند

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان .
سرکاتب : ص ، علی محمد خان .

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در مشهد

جنرال قونسل : ع ، ص محمد صدیق خان .
سرکاتب : ص ، محمد اختر خان .
کاتب : « محمد عمر خان » .
» : « محمد شریف خان » .
وکیل الدعوی : « رضاخان هروی » .

قونسلگری اعلیٰ حضرت در بمبئی

قونسل : ع ، سید عبدالحمید خان .
سرکاتب : ص ، محمد آصف خان .
کاتب : « محمد یعقوب خان » .

قونسلگری اعلیٰ حضرت در کراچی

قونسل : ع ، یار محمد خان .

سرکاتب : ص، محمد امین خان .

کاتب : «، محمد احمد خان .

قونسلگری اعلیٰ حضرت در سیستان

قونسل : ع، گل محمد خان .

سرکاتب : ص، تاج محمد خان .

قونسلگری اعلیٰ حضرت در مرو

قونسل : ص، عبدالودود خان .

سرکاتب :

ماموریت ویژه افغانی در پشاور

مامور : ص، عبدالغفور خان .

سرکاتب : «، دوست محمد خان .

کاتب : «، محمد عظیم خان .

ماموریت ویژه افغانی در کویت

مامور : ص، محمد رحیم خان .

کاتب : «، الله داد خان .



ع، ج سردار محمد نعیم خان سابق وزیر مختار افغانستان در روما



ع ، ص محمد صدیق خان جنرال قونسل
افغانستان در مشهد



ع ، ص بازمحمدخان جنرال قونسل افغانستان
در تاشکند



ع ، ص صلاح الدین خان سلجوقی
جنرال قونسل افغانستان در دهلی



ص ، عبدالرسول خان وکیل التجرار
افغانی در پشاور



ع ، عبدالودود خان قونسل افغانی
در مرو

محصلين افغانى كه در سال ۱۳۱۲ از مدارس خارجه شهادتنامه حاصل و به وطن
مراجعت نموده اند



جناب عبدالنبى خان متخصص ضرابخانه
تعليم يافته المان



جناب عبدالقفورخان انجنير تعميرات
تعليم يافته المان



جناب انورعليخان ديپلوم انجنير و دكتور
انجنير كيميا تعليم يافته المان



غ ، محمدعليخان توليمشر تعليم
يافته تركيه



جناب عبداللهخان متخصص دندان
تعليم يافته المان



جنابمير محمد يوسف خان متخصص زراعت
تعليم يافته فرانسه

Étudiants Afghans nouvellement diplômés des Écoles de l'Étranger.



ص ، عبدالودود خان مدير مامورين



ع ، عبدالرحيم خان مدير عمومي احصايه



ع ، عبدالحكيم خان مدير عمومي پوليس



ص ، محمد حسن خان مامور تجاربات



ص ، غلام نقشبند خان مامور اوراق



ص ، بدرالدين خان مدير محاسبه

مدیران دوائر ریاست تنظیمیہ ولایات شمالی



ص، غلام حسن خان مدیر دائرہ دوم



ص، نور احمد خان مدیر دائرہ اول



ص، عبدالله خان مدیر دائرہ پنجم



ص، عبدالقیم خان مدیر دائرہ چهارم

وزارت داخلہ

وزیر داخلہ : ع، ج، ا، انشان محمد گل خان.

معین اول : ع، ص عبدالرشید خان.

» سوم : » نیک محمد خان.



ع، ج، ا، انشان محمد گل خان وزیر داخلہ



ع، ص عبدالرشید خان معین اول وزارت داخلہ

مدیر عمومی پولیس : ع، عبدالحکیم خان.

» » احصائیہ نفوس : » عبدالرحیم خان.

» مامورین : ص، عبدالودود خان.

» محاسبہ : » بدرالدین خان.

» مامور اوراق : » غلام نقشبند خان.

» مامور تحریرات : » محمد حسن خان.



ع، ص نیک محمد خان معین سوم وزارت داخلہ



وزارت عدلیہ



وزیر عدلیہ : ع، ج فضل احمد خان .

رئیس تہمیز : ج، ف عبدالرب خان .

کفیل رئیس جمعیت العلماء : « ملا بزرگ صاحب .

ع، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیہ

رئیس اصلاحیہ : ع، ص امین اللہ خان .

مدیر تحریرات : ص، عبد السلام خان .

مدیر مامورین : « محمد میر خان .

مامور محاسبہ : « محمد ناصر خان .





ع ، ص امين الله خان رئيس اصلاحيه



ج ، ف عبدالرب خان رئيس تميز



ص ، محمد ناصر خان مامور محاسبه



ص ، محمد مير خان مدير مامورين



ص ، عبدالسلام خان مدير تحريرات



ع ، سيد محمد رسول خان معاون دوم



ع ، سید الحمید خان رئیس مطالبہ



ع ، سيد محمد ايشان خان معاون اول



س، عبدالغفور خان «برشنا» و سہم انجمن



س، سيد محمد داؤد خان خطاط



س، توری الخدی مدیر فرینکو گرافی



س ، محمد سرور خان خزانہ دار



س، میر حسام الدین خان مدیر محاسبہ

وزارت مالیه

حوکیل وزارت مالیه : ع ، ج ، میرزا محمد خان

ریاست محاسبات



معین اول ، رئیس : ع ، ص ، محمد حسین خان

مدیر عمومی : ع ، محمد اسلام خان
معاشات و مصارف کل

مدیر واردات : ص ، غلام حسن خان

» خزائن : » عبدالحق خان

» تحصیل بقایا : » محمد حسن خان

ریاست اداری

ع ، ص ، محمد حسین خان معین اول وزارت مالیه

معین دوم ، رئیس : ع ، ص ، غلام مجتبی خان

مدیر بودجه عمومی : ع ، محمد انور خان

» مامورین : ص ، محمد افضل خان

» معاش و مصرف : » محمد هاشم خان
مرکزی

» تحریرات : » محمد رضا خان

» اوراق : » محمد حسین خان

» مامور تصفیة ولایات : » عبدالرحیم خان

» » مرکزی : » محمد عثمان خان

ع ، ص ، غلام مجتبی خان معین دوم وزارت مالیه

مشاور مالی : عزتمند ، موسیو منچولی

ترجمان : ص ، محمد عثمان خان

ریاست ضراب خانه

رئیس	: ع، ص، غلام قادر خان .
معاون	: ص، غلام رسول خان
مدیر محاسبه	: « محمد سرور خان .
ماذون	: « عبدالنبي خان .
مامور تحلیل	: « عبد الوهاب خان .
»	: « نور الحق خان .

ریاست عمومی مطابع

رئیس	: ع، ص، عبد الحمید خان .
معاون اول	: ع، سید محمد ایشان خان .
» دوم	: « سید محمد رسول خان .
مدیر زنکوگرافی	: ص، محمد نوری خان .
خطاط و رسام	: « سید محمد داؤد خان .
رسام	: « عبدالغفور خان .
متخصص	: عزتمند اتوموزر .
مدیر محاسبه	: ص میر حسام الدین خان .



ص ، عبدالحق خان مدير خزائن



ص ، فلام حسن خان مدير واردات



ع ، محمد اسلم خان مدير معاشات ومصارفات



ص ، محمد افضل خان مدير ماهورين



ع ، محمد انور خان مدير مهورى بودجه



ص ، محمد حسن خان مدير حصيلى بقايا



ص، محمد سرور خان مدير محاسبه ضرابخانه



ع، ص غلام قادر خان رئيس ضرابخانه



ع، غلام رسول خان معاون ضرابخانه



ص، محمد حسين خان مدير اوراق



ص، محمد رضا خان مدير تجويات



ص، محمد هاشم خان مدير مصرف مركزي

وزارت معارف

- وزیر معارف : ع، ج سردار احمد علیخان
 معین : ع، ص عبد الجبار خان
 معاون ریاست : « » ، ہاشم خان شایق
 تعلیم و تربیہ
 عضو تعلیم و تربیہ : عزت مند ، امین عالی بیگ
 « » « »
 « » « » : ص ، شیخ محمد رضا خان
 « » ، عزیز الرحمن خان : مدیر تفتیش و مامورین



ع، ج سردار احمد علیخان وزیر معارف

مفتش : ص ، عبد الغفار خان

« » : « » ، محمد آصف خان

مدیر تحریرات : « » ، محمد قاسم خان

« » تنظیمات : « » ، عبد اللہ خان

مامور محاسبہ : « » ، محمد یونس خان

مامور اوراق : « » ، عبد اللہ خان

« » ، محمد یعقوب خان : سکریٹر و معلم سکوت



ع ، ص عبد الجبار خان معین وزارت معارف

شعبات مربوطہ مرکز

رئیس فاکولتہ طبی : عزت مند ، حسن رشاد بیگ

رئیس دارالعلوم عربیہ : ع ، ص ، قاری عبدالرسول خان

- وکیل مدیریت مکتب حبیبیہ : ص، محمد نبی خان .
- مدیر مکتب استقلال : عزتمند موسیو بوانی .
- » » نجات : عزتمند، دا کتر ایون .
- » » صنایع : ص، غلام محمد خان .
- » » دارالعلمین : »، سید محمد فاروق خان .
- وکیل مدیریت مکتب غازی : »، عبدالغفار خان .
- » » زراعت : »، محمد زمان خان .
- مدیر موزہ : »، غلام محی الدین خان .
- سر معلم مکتب اول شهر : »، قربان علیخان .
- » » دوم شهر : »، محمد کبیر خان .
- » » بی بی ماہرو : »، غلام حسن خان .
- » » شیوکی : »، آقا محمد خان .
- » » مکاتب چہار دہی : »، عبدالغفور خان .





ص، عزیز الرحمن خان مدیر تفتیش
و مامورین



ص، شیخ محمد رضا خان عضو ریاست
تعلیم و تربیہ



ع، ص ہاشم خان شایق معاون ریاست
تعلیم و تربیہ



ص، عبدالله خان مدیر تنظیمات



ص، محمد قاسم خان مدیر تحریرات



ص، محمد آصف خان مفتش



ص محمد یعقوب خان سکرتر انجمن کشافین



ص، عبدالله خان مامور اوراق



ص، محمد یونس خان مامور محاسبہ



ص ، پروفیسر غلام محمد خان مدیر
مکتب صنائع نफीه



ص ، محمد بی خان وکیل مدیریت
مکتب حبیبیہ



ع ، ص قاری عبدالرسول خان رئیس
دارالعلوم عربیہ



ص ، محمد زمان خان وکیل مدیریت
مکتب زراعت



ص ، عبدالغفار خان مفتش وکیل
مدیریت مکتب غازی



ص ، سید محمد فاروق خان مدیر
مکتب دارالمعلمین



ص ، غلام محی الدین خان مدیر موزہ



ص، محمدزمان خان مدير مجلة اقتصاد



ع، محمدكريم خان مدير عمومي تجارت



ع، عبدالقيوم خان مدير عمومي گمرکات



ص، مير محمد ضياء الدين خان مدير تحريريات



ص، محمد عنایت الله خان مدير محاسبه



ص، سيد محمد سرور خان مدير مامورين



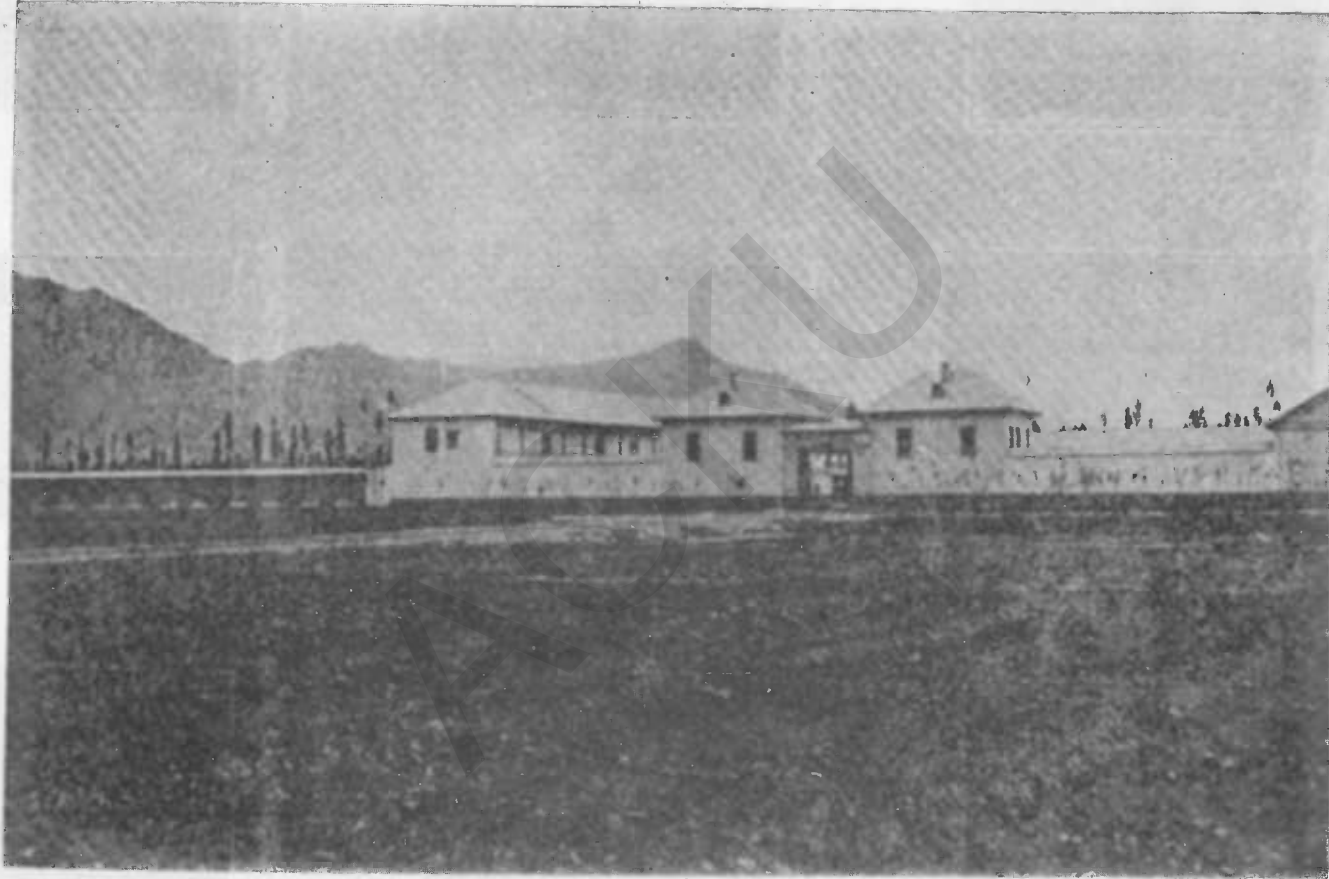
ص، محمود خان مدير حمل و نقل



ع، ص غلام حيدر خان رئيس فيصلة
منازعات تجارتي



ص، عبدالودود خان مدير اوراق



عمارت جدید تریه حیوانات واقع ده پوری (کابل)
Nouveaux Établissements d'Élevage à Kaboul.

وزارت تجارت

- وزیر تجارت : ع، ج میرزا محمد خان .
 معین اول : ع، ص محمد حسین خان .
 » دوم : » غلام غوث خان .
 مدیر عمومی گمرکات : ع، عبدالقیوم خان .
 » » تجارت : ع، سردار محمد کریم خان .
 » » ترجمانی : ص، عبدالمجید خان .



ع، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت



ع، ص محمد حسین خان معین اول وزارت تجارت



ع، ص غلام غوث خان معین دوم وزارت تجارت

- مدیر مجله اقتصاد : ص محمد زمانخان ترکی
 » زراعت :
 » ماہورین : ص، سید محمد سرور خان .
 » محاسبہ : » محمد عنایت اللہ خان .
 » تحریرات : » میر محمد ضیاء الدین خان .
 » اوراق : » عبدالودود خان .
 سرکاتب ادارہ : » عبدالحسین خان .
 محاسبہ شرکتها
 رئیس فیصلہ : ع، ص غلام حیدر خان .
 منازعات تجاریہ
 مدیر حمل و نقل : ص، محمود خان .

وزارت فوائد عامه

- وزیر : ع، ج، الله نواز خان
معین : ع، ص نصر الله خان



ع، ج، الله نواز خان وزیر فوائد عامه

مدیریت عمومی فابریکات

- مدیر عمومی : ع، سردار غلام محمد خان
مدیر فابریکة :
گوگرد سازی
منتظم و متخصص : ص، مقبول الحق خان
گوگرد سازی



ع، ص نصر الله خان معین وزارت فوائد عامه:

- مامور فابریکة نجاری :
متخصص رنگمالی : عزت مند کتتر المانی .
» دکمه سازی : » سرماینزت المانی .
مامور فابریکة نساجی : ص عبد الغفور خان .
مامور نختابی جیل السراج : » امیر محمد خان .
متخصص » » : عزت مند مستر مانیکة المانی .

مدیریت عمومی معابر

- مدیر عمومی : ع، سعد الدین خان .
مهندس : عزت مند، مستر تسیمة آلمانی .
اورسیر : » جعفر علیخان .

مدیریت عمومی تعمیرات

- مدیر : ع ، عبدالغیاث خان .
مامور محاسبہ : ص ، محمد موسی خان .
متخصص : « عبدالغفور خان .

مدیریت محاسبہ

- مدیر محاسبہ : ص ، عبدالکریم خان .
مامور محاسبہ : « عبدالاحد خان .

مدیریت جشن

- مدیر : ص ، غلام محی الدینخان .
معاون : « نور احمد خان .

مدیریت مہندسی

- مدیر : ص ، نظر محمد خان .
مهندس : « اورنگ زیب خان .

مدیریت برق

- مدیر : ص ، عبدالعلیخان .
انجنیر سب استیشن : « غلام محمد خان .
« برق قنڈھار : « امیر الدینخان .
مدیر مامورین : « عبدالحسین خان .

- مدیر تحریرات : ص ، محمد علیخان .
» اوراق : » حبیب اللہ خان .
مامور خزانہ : » قیام الدین خان .
معاون مامور خزانہ : » سید امیر خان .
ترجمان لسان انگلیسی : » محمد افضل خان .

ماموریت پشمینہ باقی قندھار

- مامور : ص ، نظام الدین خان ،
متخصص : عزتمند مستر کمپیر الہانی .
مامور نجاری دارالفنون : ص ، نور احمد خان .

مدیریت تعمیر سړک مشرقی

- مدیر : ص ، شیخ عبداللہ خان .
مامور محاسبہ : » عبدالحنان خان .
کندکشر انشاءات : ش ، محمد افضل خان .



ع ، عبدالغنيك خان مدير عمومي تعميرات



ع ، سعدالدين خان مدير عمومي معابر



ع ، غلام محمد خان مدير عمومي قابو يکات



ص ، نظر محمد خان مدير مهندسي



ص ، نور احمد خان معاون مديريت جشن



ص ، عبدالکریم خان مدير محاسبه



ص ، اميرالدين خان ديپلوم انجنييرالکتریک قندهار



ص ، غلام محمد خان ديپلوم انجنييرالکتریک



ص ، عبدالعلي خان مدير برق



ص، محمد نعيم خان ديپلوم انجنيئرالكتريك



ص، محمد عمر خان مدير محاسبه شركت تنويرات



ع، عبدالله خان رئيس شركت تنويرات



ص، حبيب الله خان مدير اوراق



ص، محمد علي خان مدير تحريرات



ص، عبد الحسين خان مدير مامورين



ص، شيخ عبدالله خان مدير معابر سرك مشرقى

ریاست صحیہ

رئیس صحیہ : ج ، محمد اکبر خان .

شعبہ اداری

مدیر مجموعہ صحیہ : ص ، عبدالرشید خان .

مامور محاسبہ : » محمد محسن خان .

سرکاتب تحریر : » محمد عمر خان .

» اوراق : » سید عبدالرؤف خان .



ج ، محمد اکبر خان رئیس صحیہ

ص محمد ابراہیم خان :

سرکاتب مامورین

» عبدالرشید خان :

ترجمان المانی

» عبدالرشید خان :

» انگریسی

» محمد ناصر خان :

» ترکی

مدیریت شفا خانہ ملکی

ص ، عبدالغفار خان :

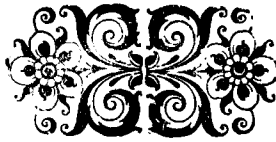
مدیر

» غلام سرور خان :

مندظم مکتب طبی

شعبہ فنی

مشاور	:	عزتمند جناب ڈاکٹر رفقی کامل بیگ
سرطیب	:	» فؤاد بیگ
ڈاکٹر	:	» ربیع حکمت بیگ
»	:	» ولی الدین فرحان
»	:	» رشید الدین خان
»	:	» عبدالعزیز خان
»	:	» کرم الہی خان
»	:	» میر عنید اللہ خان
»	:	» حمید اللہ خان
»	:	» محمد موسیٰ خان
»	:	» سید گل خان
»	:	» عنایت اللہ خان





ص، سيد عبدالرؤف خان سرکاتب
اوراق



ص، محمد حسن خان مامور مسيه



ص، عبدالرشيد خان لطيف مدير جلة
محيه



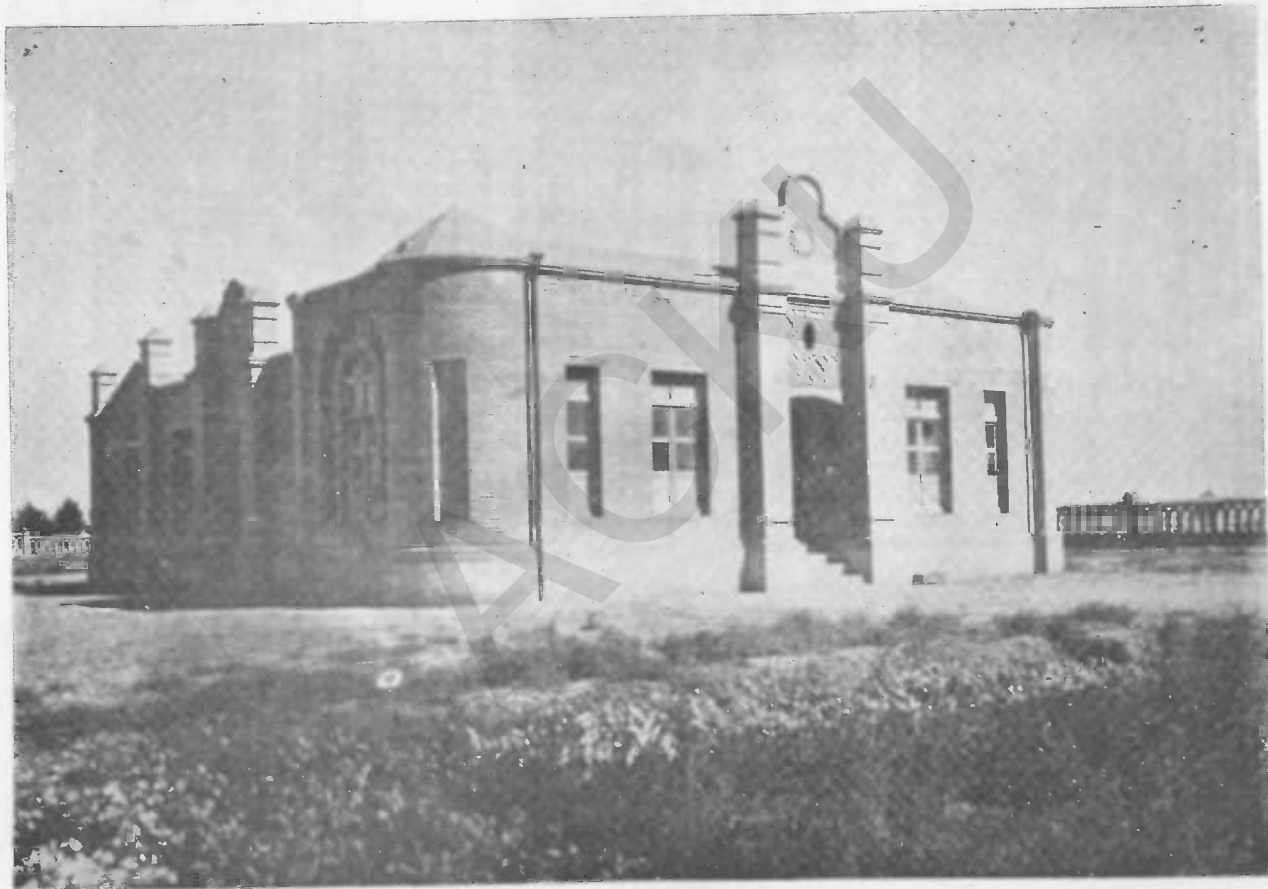
ص، غلام سرور خان منتظم مكتب طاي



ص عبدالغفار خان مدير شفاخانه ملكي



ص، محمد ابراهيم خان سرکاتب مامورين



شفاخانه واکي هرات
Hôpital Civil de HÉRAT.

عزتمندرفقی کامل بیگ مشاور فنی ریاست صحیه و باقی داکتران شفاخانه های ملکی کابل



عزتمند دکتور ربیع حکمت بیگ



جناب، دکتور رفقی کامل مشاور



عزتمند، دکتور فؤاد بیگ



عزتمند، داکتر رشیدالدین خان



عزتمند، جلال فایق بیگ داکتر دندان



عزتمند دکتور ولی الدین خان فرحان



عزتمند داکتر عبدالله خان

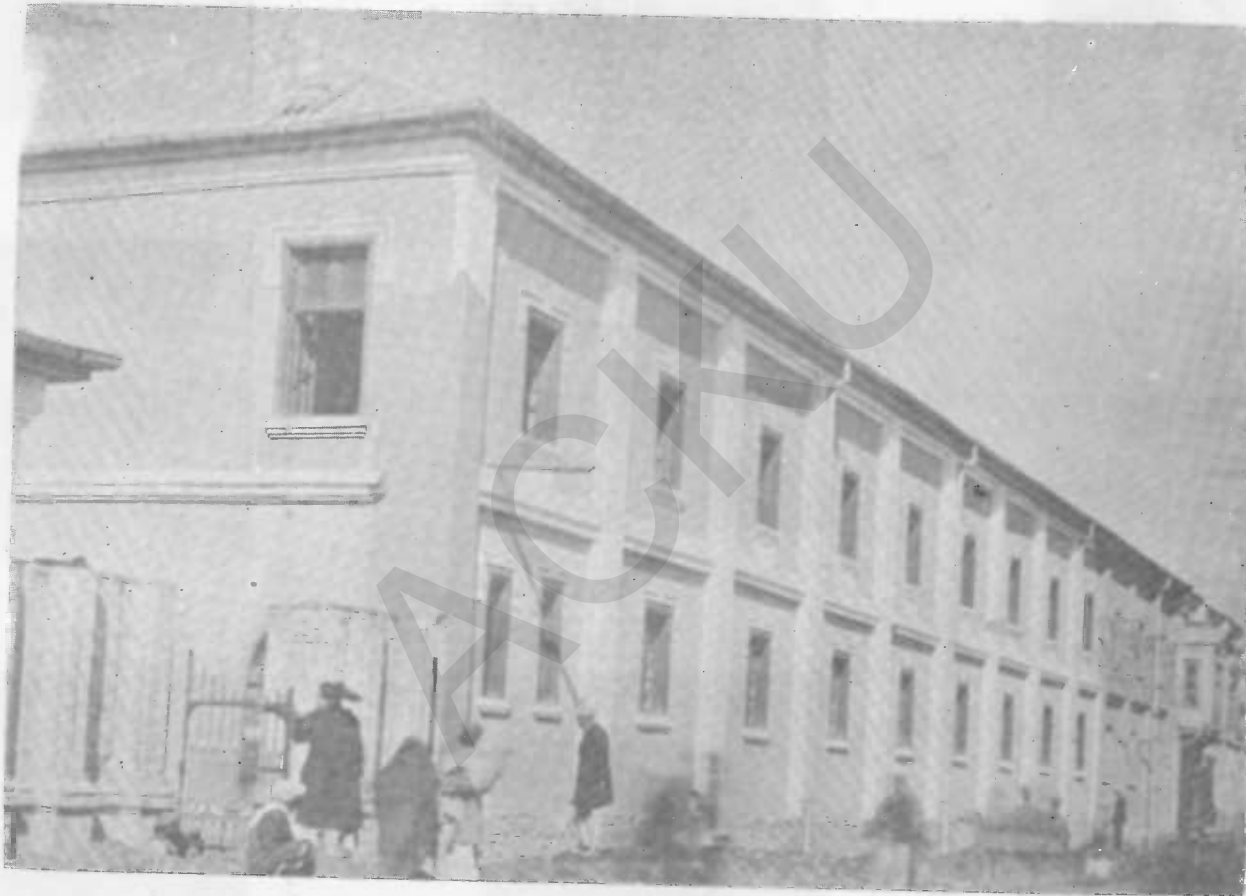


عزتمند داکتر کرم آلهی



عزتمند داکتر عبدالعزیز خان

Les Docteurs des Hopitaux Civils de Kaboul.



منظره خارجی عمارت جدید وزارت معارف
Nouveau Bâtiment du Ministère de l'Instruction Publique.



ص، عبدالمجيد خان سرکاتب دست



ص، محمد سعيد خان مامور محاسبات
خارجہ



ص، غلام احمد خان مامور محاسبہ



ص، غلام غوث خان وکیل شعبہ
مامورین و تحریرات



ص، عبدالخالق خان سرکاتب شعبہ
ارتباط خارجی



ص، عبدالفتاح خان سرکاتب شعبہ
تلگراف و تیلیفون

۹۴

10/10
1944



ص ، عبد المجيد خان متخصص تيلفون



ص ، محمد حسين خان انجينير راديو
الكهربك



ص ، يامينده محمد خان سر كاتب اوراق



ص ، محمد امان خان منظم تلگراف
سهمدار



ص ، غلام جيلاني خان مامور
حمل ونقل

ریاست پوسٹ، تلگراف و تیلیفون



ج، رحیم اللہ خان رئیس پوسٹ، و تلگراف و تیلیفون

رئیس : ج، رحیم اللہ خان

مامور محاسبہ : س، غلام احمد خان

محاسبات خارجہ : محمد سعید خان

سرکاتب شعبہ پوسٹ : عبد المجید خان

سرکاتب شعبہ تلگراف و تیلیفون : س عبد الفتاح خان

ارتباط خارجی : عبد الخالق خان

مامورین و تحریرات : غلام غوث خان

اوراق : پایندہ محمد خان

متخصص : محمد حسین خان

ترجمان : غلام فاروق خان



تشکيلات و لايات و حکومتی های اعلى

و حکومتی های کلان

ولايت کابل

والى : و، ج محمد عمر خان .

مستوفى : ع، ص سيد حبيب خان .

قاضى مرافعه : ف، مولوى صالح محمد خان .

قوماندان کوتوالى : ح، طره باز خان .

رئيس خزانه عمومى : ع، ص نظر محمد خان .

مدیر گمرک :

قاضى ابتدائيه : ف، ملا احمد خان .



و، ج محمد عمر خان والى ولايت کابل

مدیر بحریات : ص، عبدالوحد خان .

وکیل مدیر پست و تلیفون و تلگراف : « غلام صفدر خان .

مامور معا بر : « جلال الدین خان .



ع، ص سيد حبيب خان مستوفى ولايت کابل



ح، طره باز خان قوماندان کوتوالى کابل



ص، عبدالواحد خان مدير تجريرات ولايت كابل



ص، عطاءالله خان وكيل مديريت گمرک کابل



ع، ص نظر محمد خان رئيس خزانه



ص، خير محمد خان مدير شعبه پاسپورت و تجريرات قوماندانيت كوتوالی



ص، محمد اسماعيل خان مدير محاسبه خزانه



ص، غلام صفيدر خان وكيل مديريت تجريرات

Handwritten marks and numbers on the right side of the page, including a large '6' and some illegible characters.



ص، میرغلام فاروق خان مدیر
خارجہ



ص، خواجہ مہتاب الدین خان
مدیر گمرک



ح، محمد اکبر خان قوماندان کوتوالی



ص، میر محمد ولی خان مدیر
شفا خانہ



ص، احمد شاہ خان مدیر عباہرات



ص، حبیب الرحمن خان مدیر تحریرات



ص، صالح محمد خان مدیر معارف



ص، سیف اللہ خان مدیر خزانہ

ولایت قندھار



وکیل نائب الحکومہ: و، ج، س، ا غلام فاروق خان.

مستوفی: ع، ص عبدالله خان.

وکیل قاضی مرافعہ: ف، ملاجمعه خان.

قوماندان کوتوالی: ح، محمد اکبر خان.

مدیر گمرک: ص، مہتاب الدینخان. ج، س، ا غلام فاروق خان وکیل نائب الحکومہ ولایت قندھار

قاضی ابتدائیہ: ف، اختر محمد خان.

مدیر خارجہ: ص، میر غلام فاروق خان.

تحریرات: ص، حبیب الرحمن خان.

مخابرات: » احمد شاہ خان.

شفاخانہ: » میر محمد ولیخان.

خزانہ: » سیف اللہ خان.

معارف: » صالح محمد خان.

رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ: ع، ص سید محمد اکرم خان.

مامور زراعت: ص، عزیز اللہ خان.

معارف: » محمد عمر خان.

برق: » فضل احمد خان.

فابریکۂ نساجی: » نظام الدینخان.

ولایت هرات

- نائب الحکومه : و، ج عبدالرحیم خان نائب سالار -
 مستوفی : ع، ص عبدالوهاب خان .
 قاضی مرافعه : ق، ملاحمد علی خان .
 قوماندان کوتوالی : ح، حاجی محمد عظیم خان
 مدیر گمرک : ص، غلام حیدر خان .
 قاضی ابتدائیہ : ف، ملاحمد الباقی خان -



و، ج عبدالرحیم خان نائب الحکومه

- مدیر خارجه : ص عبدالعزیز خان .
 مدیر تحریرات : « امیر محمد خان .
 « مخبرات : « پاینده محمد خان .
 « شفاخانه ملکی : « عبدالرحمن خان .
 مامور زراعت : « عبدالرؤف خان .
 « خزانہ : « عبدالوہاب خان .
 « معارف : « سعد الدین خان .
 منتظم تلگراف : « عبدالاحد خان .
 رئیس فیصلہ منازعات تجارتی : ع، ص غلام نبی خان .
 نگران معابر : « نوروز علی خان



ص غلام حيدر خان مدير گمرک



ح حاجي محمد عظيم خان قوماندان کوٹوالی



ع ، ص عبدالوهاب خان مستوفی



ص ، پابنده محمد خان مدير عذایرات



ص امیر محمد خان مدير تحریرات



ص ، عبدالعزیز خان مدير خارجه



ص ، غلام بی خان رئیس فیصله منازعات تجارتی



ص ، عبدالرؤف خان مامور زراعت



ص ، محمد قاسم خان وکیل
مدیریت گمرکات



ح ، عبدالرحیم خان وکیل قوماندان
کوتوالی



ع ، ص عزیزالله خان مستوفی



ص ، محمد امان خان مدیر اخبارات



ص ، عبدالفقور خان وکیل مدیریت
تحریرات



ص ، سید محمد مومن خان مدیر
خارجہ



ص ، محمدزمان خان مدیر مدافصہ ملخ



ص ، رحمت الله خان وکیل
مدیریت زراعت

ولایت مزار شریف

- وکیل نائب الحکومہ : و، ج عبدالجمیل خان .
 مستوفی : ع، ص عزیز اللہ خان .
 قاضی صرافعہ : ف، ملا میر محمود خان .
 وکیل قوماندان کوٹوالی : ح، عبدالرحیم خان .
 « مدیر یت گمرک : ص، محمد قاسم خان .
 قاضی ابتدائیہ : ف، ملا رجب خان .



و، ج عبد الجمیل خان وکیل نائب الحکومہ

- مدیر خارجه : ص، سید مؤمن خان .
 مدیر تحریرات : « عبدالغفور خان .
 « اخبارات : « محمد امانخان .
 وکیل مدیر شفا خانہ : « محمد رحیم خان .
 مدیر دفع ملخ : « محمد زمانخان .
 مامور خزانہ : « میر سکندر شاہ خان .
 « معارف : « عبدالسلام خان .
 منتظم تلگراف : « غلام سرور خان .
 رئیس فیصلہ منازعات تجارتی : ع، ص محمد شاہ خان .
 مامور موزیم : « حاجی سلیم خان .

ولایت قطن و بدخشان

- وکیل نائب الحکومہ : و، ج شیر محمد خان .
 مستوفی : ع، ص محمد سرور خان
 قاضی مرافعہ : ف، ملا احمد خان .
 قوماندان کوتوالی : ح، فقیر شاہ خان .
 مدیر گمرک : ص، محمد انور خان .
 قاضی ابتدائیہ : ف، گل دست خان .



و، ج شیر محمد خان وکیل نائب الحکومہ

وکیل مامور خارجہ : ص، میر امان اللہ خان .

مدیر تحریرات : » شاہ عبد اللہ خان .

» مخبرات : » میر زانیہ محمد خان .

» مدافعہ ملخ : » خلیل الرحمن خان .

» مامور طبیہ : » سلطان محمد خان .

» زراعت : » سخیداد خان .

» خزانہ : » عبد الرشید خان .

» معارف : » فدائی احمد خان .

رئیس فیصلہ منازعات تجارتی : ع، ص میان فضل احمد خان .



ص ، محمد انور خان مدير كمرک



ح ، فقير شاه خان قوماندان کوتوالی



ع ، محمد علي سرور خان مستوفي



ص ، سخيداد خان مامور زراعت



ص ، خليل الرحمن خان مدير مدافعة ملخ



ص ، شاه عبد الله خان مدير تحريرات



ح ، سيد محمد امير خان قوماندان کوتوالی



ف . ملا فیض محمد خان قاضی ہرافہ



ص ، شیر احمد خان سررشتہ دار اعلیٰ



ص ، فضل محمد خان مامور تحریرات



ص ، محمد اسماعیل خان مدیر خارجه



ص ، عبدالکریم خان مامور گمرک



ص ، عبدالاحد خان مامور معارف



ص ، محمد اصغر خان مدیر حصہ اول نہر سراج



ص ، محمد یوسف خان وکیل مدیریت شفاخانہ

حکومت اعلیٰ مشرقی

حاکم اعلیٰ و قوماندان : ع ، ش سردار محمد داؤد خان
عسکری



ع ، ش سردار محمد داؤد خان حاکم اعلیٰ
و قوماندان عسکری مشرق

سررشته دار : ص ، شیر احمد خان

قاضی مرافعه : ف ، ملا فیض محمد خان

قوماندان کوتوالی : ح ، سید محمد امیر خان

مامور گمرک : ص ، عبدالکریم خان

قاضی ابتدائیہ : ف ، ملا محمد اسحق خان

مدیر خارجہ : ص ، محمد اسماعیل خان

مامور تحریرات : » فضل محمد خان

مدیر شفا خانہ : » ضیاء الحق خان

» نهر سراج : » محمد اصغر خان

مامور زراعت : » پایندہ محمد خان

مامور خزانہ : » محمد جانخان

مامور معارف : » عبدالاحمد خان

منتظم پستہ ، تیلیفون و تلگراف : » محمد علم خان

سرکاتب استخبارات : » عبدالشکور خان

مامور معابر : » عبدالوکیل خان

حکومت اعلاى سمت جنوبى

حاکم اعلى وقوماندان : ع، ش، س، ع محمد افضل خان -
عسكرى

سرشته دارم : ص. عصمت الله خان

قاضى مرافعه : ف. ملا عبد الجليل خان -

قوماندان كو توالى : ش، مدد خان .

قاضى ابتدائيه : ف. سيد كاظم خان .



ع، ش، س، ع محمد افضل خان حاکم اعلى

مدیر خارجه : ص، محمد امين خان .

» معارف

» طبيه

» معابر

مامور تحريات

» رگمرك

» زراعت

» خزانه

منتظم تيلگراف

مامور پسته : ص، غلام على خان .



ش ، مدد خان قوماندان کوتوالی
سمت جنوی



ف ، ملا عبد الجلیل خان قاضی ، صرافہ
سمت جنوی



ص ، عصمت اللہ خان سر رشتہ دار
اعلائی جنوی



صل ، نیاز محمد خان مدیر شفاخانہ گردیز



ص ، محمد امین خان مدیر خارجه سمت جنوی



ف ، ملا سید کاظم خان قاضی ابتدائیہ گردیز



ص ، عبد المجید خان مامور گمر گٹھم کزی
گردیز



ص ، غلام حیدر خان مامور تحریرات
حکومتی اعلائی جنوی



تعمیر جدید بالا حصار گردیز که در سال ۱۳۱۲ تکمیل یافت

Nouvelle Construction de BALA-HISSAR de GARDEZ (Forteresse Militaire dans la Province du Sud).

حکومت اعلاى میمنه

وکیل حاکم اعلى : ع، ع، ص عبدالرزاق خان .

سرشته دار : ص، محمد اسلم خان .

قاضى مرافعه : ف، ملا محمد يوسف خان .

وکیل قوماندان : ش، محمد سرور خان .

کوٹوالی

مدیر گمرک : ص، فخر الدین خان .



ع، ع، ص عبدالرزاق خان وکیل حاکم اعلاى میمنه

قاضى ابتدائیه : ف، ملا عبدالرؤف خان .

مدیر خارجه : ص، عبدالشکور خان .

مامور تحریرات : »، محمد کریم خان .

» طبیہ : »، محمد جانخان .

کفیل مامور زراعت : »، آقارحیم خان .

مامور خزانه : »، عبدالحمید خان .

وکیل مامور معارف : »، عبدالستار خان .



حکومت اعلیٰ فراه و چخانسور

وکیل حاکم اعلیٰ : ع، ع، ش محمد انور خان نائب سالار.
و قوماندان عسکری



سرشته دار : ص، نور محمد خان .

قاضی مرافعه : ف، عبد اللطیف خان .

قوماندان کو توالی : ش، غلام حیدر خان .

مامور گمرک : ص، محمد حسن خان .

ع، ع، ش محمد انور خان وکیل حاکم اعلیٰ
و قوماندان عسکری فراه و چخانسور

قاضی ابتدائیہ : ف، حاجی ملا احمد خان .

مدیر تعمیرات : ص، میر بہاؤ الدین خان .

مامور تحریرات : ص، غلام محمد خان .

» مخبرات : » محمد نبی خان .

» طبیبہ : » محمد ابراہیم خان .

» زراعت : » سید محمد شفیع خان .

» خزانہ : » محمد امین خان .

» معارف : » گلبدن خان .

» منتظم تلگراف : » عبد الاحد خان .

حکومت کلان شمالی

حاکم کلان	:	ع ، ع خواجہ محمد خان .
مدیر مالیہ	:	ص ، عبدالرؤف خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ملا عبدالجلیل خان .
قوماندان کوتوالی	:	ش ، شیر احمد خان کندکشر .
مامور گمرک	:	ص ، علی محمد خان .

حکومت کلان غزنی

حاکم کلان	:	ع ، ع آدم خان .
مدیر مالیہ	:	ص ، محمد ناصر خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا صاحبجان خان .
قوماندان کوتوالی	:	غ ، عین الدین خان تولیمشر .
مامور گمرک	:	ص ، محمد عمر خان .

حکومت کلان دایزنگی

حاکم کلان	:	ع ، ع محمد اکبر خان .
مدیر مالیہ	:	ص ، محمد سعید خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا جلال الدین خان .
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد نبی خان تولیمشر .
مامور گمرک	:	ص ، محمد علیخان .

حکومت کلان لوگر

حاکم کلان	:	ع، ع، حاجی ملک خان .
مدیر مالیہ	:	ص، محمد رفیق خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف، ملا صالح محمد خان .
وکیل قوماندان کوتوالی	:	ب، محمد حسن خان بلو کشمر
مامور گمرک	:	ص، نور الحق خان .

حکومت کلان گرشک

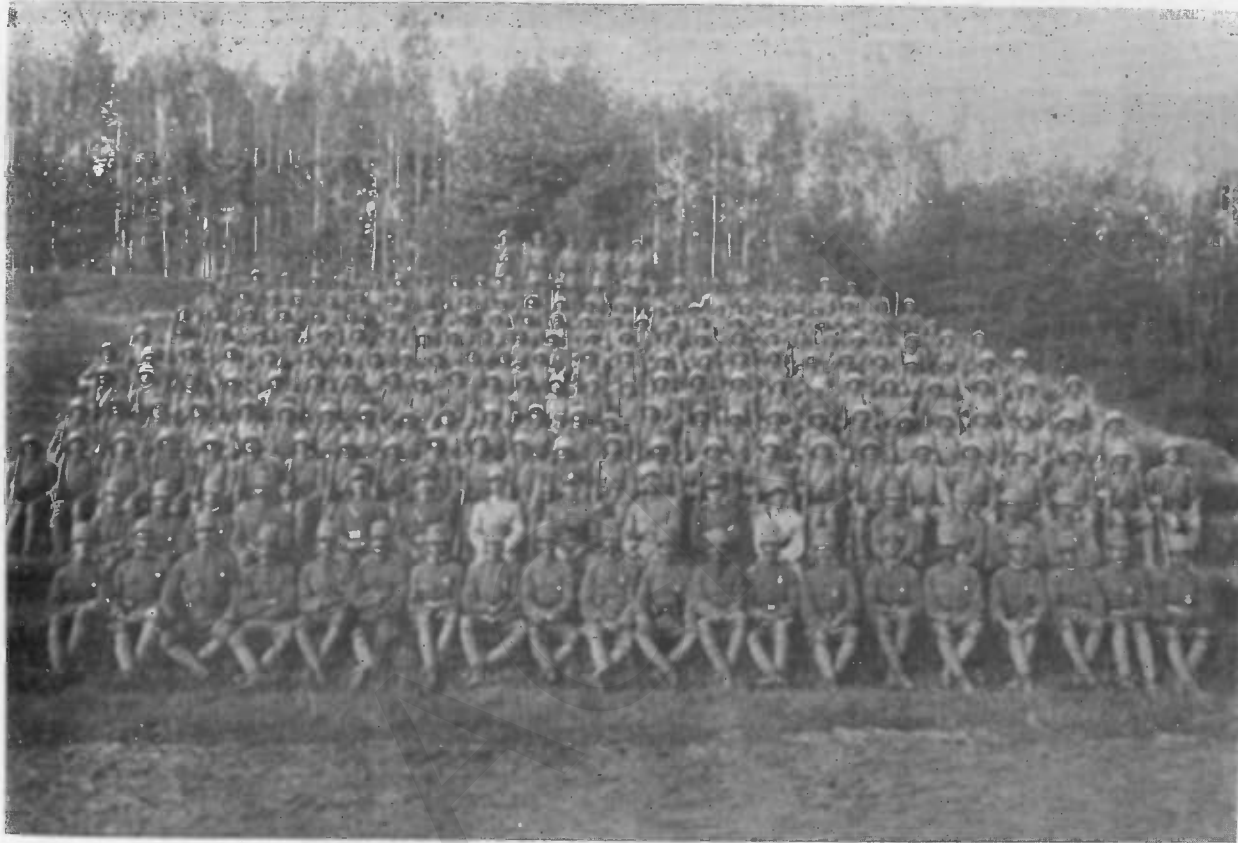
حاکم کلان	:	ع، ع دوست محمد خان .
مدیر مالیہ	:	ص، میا جان خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف، ملا نور الحق خان .
قوماندان کوتوالی	:	غ، عبدالاحد خان
مامور گمرک	:

حکومت کلان قلات

حاکم کلان	:	ع، ع محمد رفیق خان .
مدیر مالیہ	:	ص، محمد یعقوب خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف، ملا سید خان .
قوماندان کوتوالی	:
مامور گمرک	:	ص، سید احمد خان



گروپ منصبدارهای سمت جنوبی
Groupe des OFFICIERS de la Province du SUD.



دوره دوم تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردوی مرکز
Les Élèves du 2^e Cours de Perfectionnement Militaire des Sous Officiers
du Corps d'Armée de Kaboul.



ص، میر محمد صدیق خان کفیل مدیریت ویژه



ص، محمد کریم خان مدیر مامورین



ع، محمد یونس خان مدیر عمومی اداری



ص، محمد ابراهیم خان مدیر دفتر



ع، عبدالفرخان مدیر عمومی اوراق



ص، حفیظ الله خان مدیر محاسبه



ص، عبدالحکیم خان کفیل مدیریت شعبه غرب



ص، محمد شفیق خان مدیریت شعبه شرق



ع، سید عبداللہ خان مدیر عمومی سیاسی



ص، محمد حیدر خان مدیر معاشیات



ع، عبدالصمد خان مدیر عمومی کثریفات



ص، عبدالروف خان مدیر مطبوعات



ع ، محمد اکبر خان حاکم کلان دایرندگی



ع ، آدم خان حاکم کلان غزنی



ع ، خواجه محمد خان حاکم کلان شمالی



ع ، سید آقا خان حاکم کلان شبرغان



ع ، دوست محمد خان حاکم کلان گرشک



ع ، حاجی ملک خان حاکم کلان لو گرد



ع ، محمد هاشم خان حاکم کلان اسماعیل



ع ، محمد عزیز خان حاکم کلان بدخشان



ص ، غلام سرور خان منتظم تلگراف
بی سیم هزار شریف



ص ، عبدالاحد خان منتظم تلگراف
ہرات



ص ، عبدالله خان منتظم تلگراف
سیمدار قندھار



ص ، عبدالوکیل خان مامور معاہدہ مشرق



ص ، محمد عام خان مدیر اخبارات مشرق

حکومت کلان ارزگان

- وکیل حاکم کلان : ع، ع شاه بزرگ خان .
 مدیر مالیہ : ص، نظام الدین خان .
 قاضی ابتدائیہ : ف، ملا عبد الحلیم خان .
 قوماندان کوتوالی : غ، عیدی احمد خان تولیمشر .
 مامور گمرک : ص، شرف الدین خان .

حکومت کلان شہر خان

- وکیل حاکم کلان : ع، ع سید آقا خان .
 مدیر مالیہ :
 قاضی ابتدائیہ : ف، ملا محمد امین خان .
 قوماندان کوتوالی : غ، محمد اکرم خان تولیمشر .
 مامور گمرک :
 مامور گمرک :

حکومت کلان بدخشان

- حاکم کلان : ع، ع محمد عزیز خان .
 مدیر مالیہ : ص، عبد المجید خان .
 قاضی ابتدائیہ : ف، ملا محمد غوث خان .
 قوماندان کوتوالی : غ، محمد رفیق خان تولیمشر .
 مامور گمرک : م، فخر الدین خان .

حکومت کلان اسمار و کنرہا

- حاکم کلان : ع، ع محمد ہاشم خان .
 مدیر مالیہ : ص، بابہ جانخان .
 قاضی ابتدائیہ : ف، ملا عبد الغفور خان .
 قوماندان کوتوالی : غ، شیر محمد خان تولیمشر .
 مامور گمرک :
 مامور گمرک :

دوره دوم شورای ملی افغانستان

شورای ملی افغانستان که از برجسته ترین خدمات و کارنامه های درخشنده عهد پر افتخار نادر شاهي است دوره اول آن با تالیخ سود مندی باختتام رسیده و نماینده های آن دوره صادقانه ابراز تکالیف ماموریت نموده مرخص گردیدند .

اینک دوره دومین آن که مجدداً انتخابات نماینده گان بامر شهریار جوانبخت افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله تعالی ملکه صورت گرفته و وکلای ملی بمرکز حاضر شده بودند . روز پنجشنبه ۳۱ جوزا بصالون بزرگ دارالشورای ملی کابل در صورتیکه مامورین دوایر ، اعضای مجلس محترم اعیان ، جمعیت العما و دیگر معززین ملی حضور بهم رسانیده بودند ، ذات ملوکانه در ساعت (۱۰) قبل از ظهر تشریف آورده و بنطق ذیل مجلس را افتتاح فرمودند :

سواد نطق ملوکانه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند متعال دوره دوم تقنینیه شورای ملی را افتتاح مینمائیم و از روحانیت پاک صاحب اولاک مستدعی هستیم که شورای ملی بطوریکه آرزوی ما و تمام بهیخوارهان مملکت است در اوضاع اجتماعی افغانستان ترقی محسوسی را مؤسس گشته دولت و ملت از آن مستفید شوند شورای ملی از اساسات ضروری نظام اجتماعی و موافق باو امر شرع مطهر اسلام است اعلیحضرت شهید سعید که عشق مفرطی بسعادت ابنای این خاک داشتند برای اینکه ترقیات مملکت را با جریان اجتماعی وفق داده اساس متینی را در جهان بینی افغانستان یادگار بگذارند شورای ملی را تشکیل و تأسیس فرمودند .

چنانچه دیدیم دوره اول تقنینیه شورای ملی نتایج خاطر خواهی بخشید .

نهایت خوشوقتم که در دوره حکمرانی خود بروفق آمال و نظریات و طنخروا هانه آتشاه مبرور شورای ملی را در مملکت عزیز خود تثبیت و برقرار کرده اینک پس از حضور وکلای ملت در مرکز بکمال میل و مسرت دوره دوم تقنینیه شورای ملی را افتتاح مینمائیم امید واثق داریم که وکلای این دوره وظایف خود را بکمال درستی و وطنخواهی و بی آلاشی انجام داده دوره وکالت شان منتج اثرات نیک و خشکوارگی گردد .

در اینجا لازم میدانیم بوکلای محترم اظهار نمائیم که مقصد اساسی از تشکیل شورای ملی تأمین اساس وحدت و اتفاق ملی است ، مادامیکه جمعیت ها و افراد يك ملت بهمه معنی و صورت با هم متفق و از نقطه نظر واحدی بمنافع ملیه خود متوجه نشوند جریان پیشرفت و آسایش در آن مختل و معطل میماند و آن ملت قامت شہامت را راست نتوانسته و از همه ملل عقب افتاده قادر بحل مشکلات شباروزی که از وفور احتیاجات بشری تولید می شود نخواهند شد شورای ملی اساس حاکمیت ملیه است و مقصود از تشکیل شورای ملی آن است که حاکمیت ملیه را بواسطه اصول و قوانین متین بردوام داشته ملت و حکومت را برای پیشرفت و تعالی بيك نقطه نظر متحد و متفق سازد بعضی اشخاص از بیعلمی تصور می کنند ملت دیگر و حکومت چیزی دیگر است حالانکه حکومت و ملت از هم جدا نیستند حکومت از ملت و برای حل مشکلات و پیشرفت آمال ملت است یاد شاه و کابینه و شورای ملی متفقاً برای پیشرفت مقاصد ملت و ترقی و تعالی مملکت کاری کنند و مشکلات شباروز مملکت را حل و فصل می نمایند . شورای ملی نقشه های صحیحی برای پیشرفت و ترقی و امور مدنی و عمرانی مملکت طرح و بغرض ترقی زراعت ، تجارت ، معارف ، امور عمرانی مملکت و رفع احتیاجات ملت و مملکت اساسات نافع و سود مندی وضع می نماید .

ما بجنای قادر توانا خلیل شکر گذاریم که از بدو تأسیس شورای ملی تا کنون وکلای محترم شورای ملی افغانستان خدمات برگزیده انجام داده و برای سعادت حقیقی ملت و مملکت بدرجه اعلی سعی و کوشش نموده اند

و شکر لله ملک و ملت نتایج خوب مساعی کابینه دولت شورای ملی را دیده می بینند. حکومت حاضره ما عیناً باساس راه و روش حکومت اعلیحضرت شهید سعید تشکیل یافته و منظور یگانگی ما اعتلای دین و استحکام شریعت نبوی بوده و هست از خداوند جل شانہ می خواهم: اخلاق حمیده اسلام در ملت نجیب افغانستان همیشه برقرار و استوار ماند.

جای بسیار شکر است که به همان اساس متینی که اعلیحضرت شهید سعید رحمه الله علیه در امور اداری و اجتماعی مملکت وضع فرموده اند مملکت دارای قشون منظم بوده امور تجارت، زراعت، معارف، عمران، صحیات و تمام اموریکه مربوط بوظائف دولت است بر وفق آرزو و مرام انجام گرفته و در همه شعب مدنی پیشرفت نمایانی حاصل گشته.

جناب والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم با کابینه محترم شان و مامورین کشوری و لشکری خدمات و تکالیف خود را بکمال صداقت و پاک نفسی انجام داده و میدهند و الحمد لله در صورتی که مملکت امنیت تامه موجود و سائل عمرانی زیادی بوجود آمده است.

شرکت های اقتصادی و صنعتی و احداث طرق و شوسه ها، حفر انهار، بند ها، تعمیر پل ها، اصلاحات بلدی که قسمت عمده امور مدنی مملکت را تشکیل میدهد دائماً در پیشرفت بوده و هست و می توان امیدوار شد که افغانستان عزیز در زودترین موقعی مراحل ترقی خود را پی برده و خود را از تمام احتیاجات عصری مستغنی گرداند. همچنین سیاست امور خارجی مملکت بر همان اساس زمام داری پدر بزرگوارم اعلیحضرت شهید سعید با همه دولت های دوست و معاهد دوستانه دوام دارد.

در خاتمه از خدای قدر نیاز می کنم که به ملت و مملکت عزیز ما مواقع درخشان تری نصیب فرماید و به من و شما و سایر رجال مملکت توفیق خدمت گذاری را کرامت و ارزانی دارد.

پس از نطق ذات ملوکانه ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی بوکالت عموم و کلانطق آن را بحضور شاهانه عرض و قرائت نموده

سواد نطق رئیس شورای ملی

اعلیحضرت شهباز محبوب ما! بمناسبت افتتاح دوره دوم مجلس شورای ملی بحضور پادشاه عزیز و قائم اعظم خود تبریکات صمیمانه را عرض و تقدیم نموده عاقبت و سلامتی ذات همایونی و سعادت ملت و مملکت افغانستان را از خدای حی توانا آرزو و استدعای نمائیم!

اعلیحضرت! ما ماموریت داریم احساسات بی آلاش و احترامات قلبیه و تعهد فدویت و وفاداری عامه ملت را بحضور مبارک عرض و اطمینان بدهیم که ملت افغانستان در سایه تداوم نیکوی اعلیحضرت غازی شهید رحمه الله علیه و بعد ها دوره مسعود زمام داری شما از هر جهت مامون و آرام بوده دقایق مسعودانه و آسوده بسر می برند اگر چه جراحات مفارقت و فقدان اعلیحضرت شهید سعید از قلوب ملت التیام ناشدنی است ولی خدای پاک را هزاران شکر و سپاس می گوئیم که با این ضیاع بزرگ جبران ناپذیر افغانستان بی سرپرست نمانده و بدخواهان وطن عزیز ما که خیال تباهی ما را در سر داشتند بمقاصد شوم خود کامیاب نشده و وجود مقدس همچو شما را بداره مملکت و تأمین آمال و تمنیات ملت تأیید و زمام اداره کشور بکف کفایت شما تفویض شده و بسایه دانش و لیاقت خداداد اعلیحضرت همایونی و مساعی جمیله اعمام بزرگوار تان و وسایل خوشبختی ملت موجود و فراهم است. نصایح حکیمانه و فرمایشهای سودمندی را که درین موقع ایراد فرموده اید امیدواریم: بر طبق آن خدمات صمیمانه خود را طوری انجام دهیم تارضائیت کامله خداوند تعالی جل شانہ و خورسندی اعلیحضرت همایونی را حاصل داشته بیشتر مصدر اعتماد و اطمینان ملت واقع شویم ضمناً بحضور مبارک یقین و اطمینان می دهیم که با اعلیحضرت شما همیشه وفادار بوده و اعلیحضرت شما را در تمام اعمال جلیل تان تأیید و پیروی خواهیم نمود. در خاتمه بروح آن شهید راه سعادت وطن که بانی و مؤسس شورای ملی در افغانستان شده و درین مورد مثل سایر موارد احسان بزرگی بقوم و ملت فرموده اند تحیات فرستاده از خداوند تعالی سلامتی و کامیابی اعلیحضرت شما و نهضت و ترقی مملکت افغانستان را آرزو و نیاز می نمائیم.

په د ازان ج، ع، ج والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم صاحب نطق آتيرا بحضور ملوکانه وعموم وکلای ملی ایراد نمودند:

سواد نطق والا حضرت صدراعظم صاحب

اعلیحضرت! نسبت بآن حصه فرمایش همایونی که درین نطق غرای خویش راجع بخدمات هیئت حکومت خویش اظهار فرمودید من از طرف خود و کابینه وزراء بحضورتان عرض می کنم: چون افغانستان عزیز یک خطه اسلامی و مدفن آباء واجداد و نیاکان ما و محل امیدواری تمام عالم اسلام است. بر ما خدام خود حقوق زیادی دارد لهذا خدماتی را که من و کابینه وزراء در راه فراهم آوری اسباب سعادت و ارتقای افغانستان حسب نظر یات اعلیحضرت شما که عیناً بر طبق خط مشی اعلیحضرت شهید نورالله مرقدہ می باشد انجام داده می دهیم بیش از ایفای یک وظیفه ایمانی و وجدانی که فرض ذت هر فرد افغانی است نبیاشد.

اعلیحضرت! من و کابینه وزراء و عموم مامورین ملکی و نظامی و بالاخره تمام ملت دیانت طویت افغانستان که وطن عزیز خود را فوق العاده دوست داریم و از دل و جان برای سعادت و اعتلای ملت و مملکت خود بذل مقدرت می ورزیم امروز بکمال عجز و نیاز بدرگاه خالق بی نیاز شکرگذاریم که از لطف و کرم خود مانند شما یک شاه جوان جوان بخت جامع الاوصاف متوکل علی الله خلف رشید آتشاه شهید را که عمر گرانمایه خود را در راه حصول مفاخر تاریخی و حفظ شرف و شئون ملی افغانستان تثار کرده اند بر اریکه سلطنت خود مشاهده می کنیم و تماماً آرزو داریم تا جان و مال و اولاد خود ها را در امتثال او امر همچو شما یک پادشاه دیانت اکتناهی تثار کنیم که تمام فضایل دینی و اخلاقی و محسنات جهانی را از پدر نام دارتان اکتساب کرده اید.

در خاتمه ترفیع درجات اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید را خواستاریم که نگران حسن اوضاع افغانستانند و یقیناً امروز روح پاک شان ازین افتتاح دومین دوره دارالشورای ملی که از جمله مؤسسات قیمتدار شان است خیلی شادمان می باشد و مزید موفقیت و کامیابی اعلیحضرت شما را که تحت ظل تان امروز وطن عزیز ما از هر حیث و هر جهت مأمون و مصئون و قرین افتخار است از درگاه رب العزت مسئلت نموده می گوئیم که خداوند شما را بلندتر از پدر نامورتان در قلوب عامه ملت افغانستان و عالم اسلام محبوب و هر دل عزیز بسازد و بما توفیق را رفیق گرداند تا حسب میل و اراده شما خدمت ملک و ملت خود را انجام دهیم و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد.

ریاست عالی مجلس شورای ملی

هیئت رئیسه:

- | | |
|--------------------|----------------|
| ع، ج عبدالاحد خان. | رئیس شورای ملی |
| | معین |
| ص، عبداللطیف خان. | منشی |
| « عبدالباق خان. | معاون منشی |
| « عطا محمد خان. | سرکاتب مجلس |
| « فیض محمد خان. | محاسبه |
| « عبدالودود خان. | اوراق |



ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی

تشکيلات دواړ مل

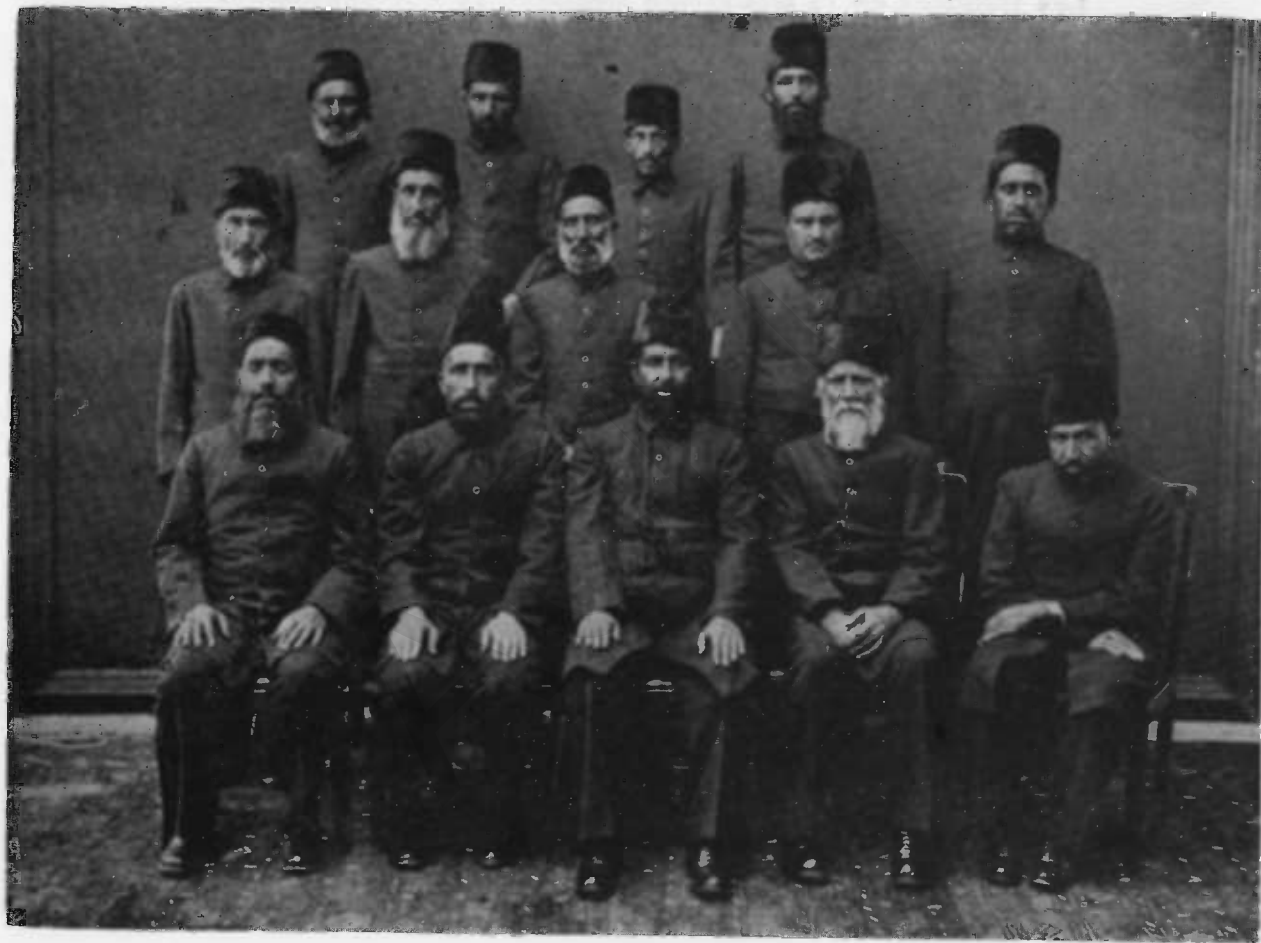
		و کلاء :
مربوط ولايت کابل	ع ، ج عبد الاحد خان .	و کيل شهر کابل
»	ص غلام محي الدين خان .	»
»	» سيد محمد خان .	» شش کروهی
»	» عبد الظاهر خان .	» پغمان
»	» سيد عباس خان .	» لوگر
»	» عبد القیوم خان .	» وردک
»	» مولوی عبد القدوس خان .	» میدان
»	» احمد جان خان .	» سیغان و کهمرد
»	» سلطان علیخان .	» بامیان
»	» عبد الستار خان .	» چاریکار
»	» سيد اکبر خان .	» تگاب
»	» احمد علی خان .	» نجراب
»	» عبد القدوس خان .	» ریزه کوهستان
»	» ولی محمد خان .	» پنجشیر
»	» عبد العلی خان .	» سرخ و پارسا
»	» فقیر محمد خان .	» غور بند
»	» سرفراز خان .	» جبل السراج
»	» سيد احمد خان .	» کوهدا من
»	» شهاب الدين خان .	» غزنی
»	» حاجی عبد القیوم خان .	» مقر
»	» نادر علی خان .	» جاغوری
»	» محمد فقیر خان .	» کتواز
»	» سيد غلام رضاء خان .	» دایزنگی و دایکندي
»	» میر محمد علی خان .	» بهسود
»	» میر حبیب الله خان .	» یکاو لنگ
»	» محمود خان .	» سروبی

سر بوط ولایت کابل	ص عبدالرحیم خان .	: وکیل کوچی دامانی کتواز
» ولایت قندهار	» عبدالقیوم خان .	: » شهر قندهار
» »	» گل بدین خان .	: » حکومت دند
» »	» محمد فضل خان .	: » قلات
» »	» شیر علیخان .	: » کدنی
» »	» غلام دستگیر خان .	: » دهر اهود
» »	» فیض الله خان .	: » تیرین
» »	» حاجی گل محمد خان .	: » دهله
» »	» عبدالعزیز خان .	: » جلدک
» »	» عبدالصمد خان .	: » ارغستان
» »	» محمد موسی خان .	: » حکومت گرشک
» »	» عبدالرزاق خان .	: » پشت رود
» »	» محمد شاه خان .	: » ارزگان
» »	» میر افضل خان .	: » اجرستان
» »	» دوست محمد خان .	: » کوچی پشت رود
» ولایت هرات	» محمد شریف خان .	: » شهر هرات
» »	» ملا فضل حق خان .	: » بلوکات و علاقه داریهای مرکز:
» »	» میر محمد محسن خان .	: » غور
» »	» محمد سرور خان .	: » سبزوار
» »	» محمد عزیز خان .	: » غوریان
» »	» محمد یعقوب خان .	: » کشک و گلران
» »	» سلطان محمد خان .	: » قلعه نو
» »	» ملا عبدالباقی خان .	: » بالامرغاب
» »	» حاجی سید محمد عمر خان .	: » اوبه
» »	» دوست محمد خان .	: » تولک
» »	» ملا رحمت الله خان .	: » شهرک
» »	» عبدالعزیز خان .	: » چغچران

وکلاى دوره دوم شورای ملی افغانستان
Les Députés de la Deuxième Législature d'Afghanistan.



وکلاى ولايت کابل
Les Députés de la Province de KABOUL.



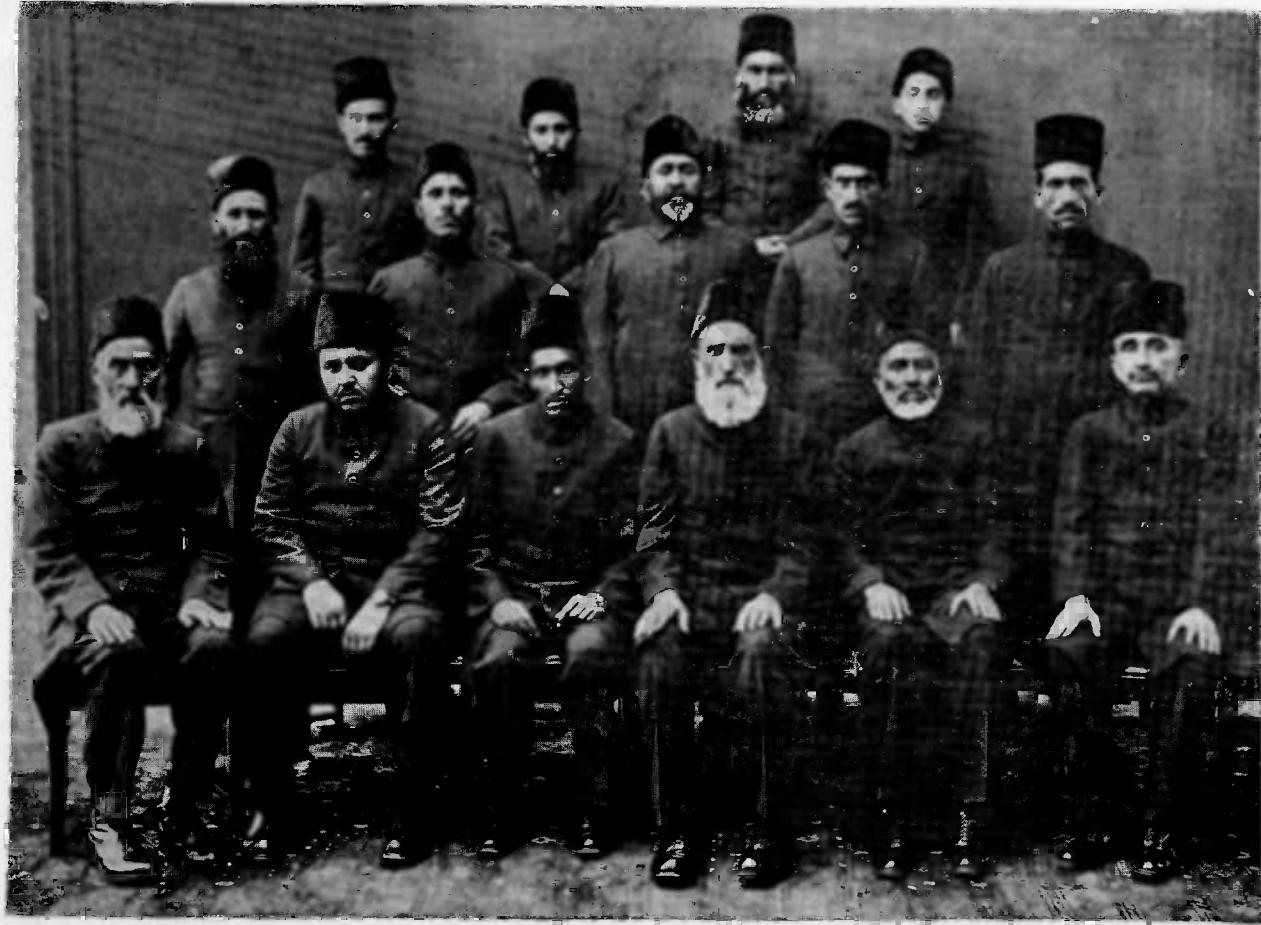
وکلاى ولايت قندهار
Les Députés de la Province de KANDAHAR.



وکلاى ولایت هرات
Les Députés de la Province de HÉRAT.



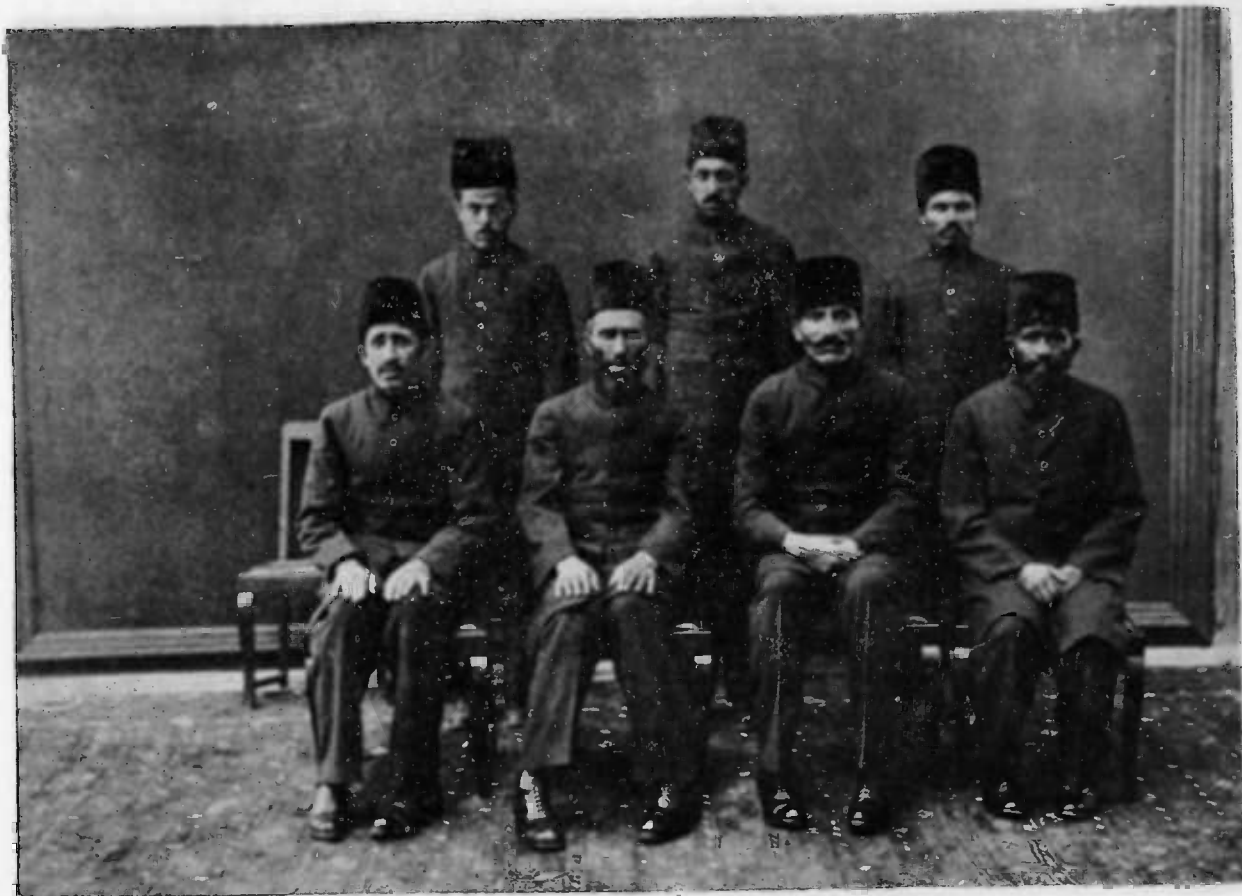
وکلاى ولايت مزار شريف
Les Députés de la Province de MAZAR-I-CHÉRIF.



وکلاى حکومت اعلاى سمت مشرق
Les Députés de la Province l'EST.



وکلاى ولايت قطنن و بدخشان
Les Députés de la Province de KATAGHAN-BADAKHCHAN.



وکلای حکومتی اعلاى سمت جنوبی
Les Députés de la Province du SUD.



وکلای حکومتی اعلیٰ سمت جنوبی
Les Députés de la Province du SUD.

تشکیلات دوائر ملی

مربوط ولایت مزار شریف	ص عبدالکریم خان .	:	وکیل شهر مزار شریف
»	» رجب علیخان .	:	» علاقہ داریہای مربوطہ مرکز (حکومت نهر شاہی)
»	» ملا نورالدین خان .	:	» سنگ چارک
»	» حاجی محمد ناصر خان .	:	» تاشقرغان
»	» میرزا کلان خان .	:	» آبیگ
»	» قاری محمد عظیم خان .	:	» سرپل
»	» محمد شریف خان .	:	» آقچہ
»	» شیر زمان خان .	:	» بلخ
»	» ملانورالله خان .	:	» دولت آباد
»	» طورہ بیگ خان .	:	» درہ صوف
»	» میر محمد اسلم خان .	:	» شبرغان
ولایت قطن و بدخشان	» غلام حیدر خان .	:	» شهر خان آباد
»	» عبدالقیور خان .	:	» قندوز
»	» سید محمد خان .	:	» نهرین
»	» ملا صاحب نور خان .	:	» حضرت امام
»	» ملا بابہ خان .	:	» اندراب
»	» نائب خوشوقت خان .	:	» غوری
»	» ملا محمد اکرم خان .	:	» تالقان
»	» محمد ذاکر خان .	:	» مرکز بدخشان
»	» برهان الدینخان .	:	» رستاق
»	» ملا واگی خان .	:	» درواز
»	» ملا حسین خان .	:	» کتم
»	» غلام نبی خان .	:	» جرم
»	» میرفضل احمد خان .	:	» چال و اشکمش
»	» بابہ جان خان .	:	» ینگى قلعه
حکومت اعلاى مشرق	» محمد انور خان .	:	» شهر جلال آباد
»	» سید محمد صادق خان .	:	» سرخ رود

« سالنامه کابل »

« حکومتی اعلاى مشرقى .	ص عبد الله خان .	: « وکیل مهمندره
» »	» محمد ظفر خان .	: « شنوار
» »	» میان عبدالغفور خان .	: « کامه
» »	» حاجی عبدالقادر خان .	: « لغمان
» »	» مشك عالم خان .	: « نورستان
» »	» شیر علی خان .	: « کجه خوگیانی
» »	» ملا محمد امیر خان .	: « حصارک غلجائی
» »	» ملا مجاهدین خان .	: « حکومت کلان کنترها
» »	» محمد امین خان .	: « برکنر (دره سین)
» »	» محمد حسن خان .	: « دره پیچ
» »	» میا جانخان .	: « رودات
» »	» سید جانخان .	: « کنتر خاص و کوزکنر
» »	» محمد هاشم خان .	: « کوچی ننگنهاری
» حکومتی اعلاى جنوبى .	» شهناز خان .	: « گردیز
» »	» محمد نعیم خان .	: « زرمات
» »	» سید حبیب شاه خان .	: « ارگون
» »	» صاحب جانخان .	: « خوست
» »	» میرزا محمد خان .	: « »
» »	» نیک محمد خان .	: « جدران
» »	» یدک خان .	: « منگل
» حکومتی اعلاى میمنه .	» ابوالقاسم خان .	: « مرکز و علاقہ داربہایرون سونه :
» »	» سید ابولخیر خان .	: « تکاب شیرین
» »	» ملا چهاریار قل خان .	: « اندخوی
» »	» ملا عبدالرحمن خان .	: « قیصار
» »	» عبدالرحمن خان .	: « درزاب و گریوان
» حکومتی اعلاى فرام .	» سلطان محمد خان .	: « مرکز فرام
» »	» غلام سرور خان .	: « بکواه و خاشرود
» »	» یار محمد خان .	: « چخانصور

ریاست مجلس عالی اعیان

- رئیس : ع، ح میر عطاء محمد خان .
 معاون اول : ع، ص حاجی محمد اکبر خان .
 « ثانی » : « عبدالرحیم خان .
 رئیس تمیز : ف، ملا عبدالله خان .
 اعضای مجلس : ص، سردار گل محمد خان .
 « » : « حافظ عبدالغفار خان .
 « » : « حاجی خیر محمد خان .



ع، ح میر عطاء محمد خان رئیس مجلس عالی اعیان



ع، ص حاجی محمد اکبر خان معاون اول مجلس اعیان

- اعضای مجلس : ص، حاجی عطاء محمد خان .
 « » : « عبدالحکیم خان .
 « » : « سردار محمد سرور خان .
 « » : « معاذ اللہ خان .
 « » : « شرف الدین خان .
 « » : « جان محمد خان .
 « » : « سید یاقوت شاہ خان .
 « » : « ملک رحمدل خان .
 « » : « ایشان امام الدین خان .
 « » : « شاہ محمود خان .



حضراتیکه جدید بعضویت مجلس اعیان عزتقرر حاصل نموده اند :
از راست به چپ : ۱ - محمد حسن خان مهمند ۲ - خداداد خان ۳ - جلال الدین خان وردک ۴ - سردار محمد سرور خان
۵ - سید احمد خان ۶ - نظر محمد خان زرمتی .
Les Nouveaux Membres du Sénat.



ص ، سيد محمد خان منشي رياست مجلس اعيان



ع ، ص محمد يوسف خان رئيس دائرة نسلگیری و تربیة حیوانات



ص ، عبداللطيف خان منشي رياست شورای ملی



ص ، میر علی احمد خان مدیر هتل کابل



ص ، محمد موسی خان مدیر محاسبیة ریاست تربیة حیوانات



ع ، عبدالغفار خان سرحد دار دکه



ص ، غلام رضا خان مدیر محاسبیة قوماندانی کوتوالی کابل



ش ، سيد کمال خان مدير محبس ده زرينک



غ ، عبدالغفور خان وکیل سر ما مور پولیس کابل

تشکیلات دوائر ملی

ص محمد حسن خان .	:	اعضای مجلس
» خدا داد خان .	:	» »
» نظر محمد خان .	:	» »
» ملك محمد اصغر خان .	:	» »
» جلال الدین خان .	:	» »
» دیوان حکم چند .	:	» »
» سید محمد خان .	:	منشی »
» محمود خان .	:	سرکاتب تحریرات مجلس
» محمد انور خان .	:	» انجمن تحقیقہ
» سید محبوب خان .	:	» تدوین اصول
» نظام الدین خان .	:	» محکمہ تمیز
» محمد یوسف خان .	:	» محاسبہ
» محمد اکبر خان .	:	» اوراق



ریاست بلدیة کابل

و، ج گل احمد خان .	رئیس
ص، سید جلال الدین خان .	معاون رئیس
« کمال الدین خان .	ترجمان
« عبدالله خان .	مدیر تحریرات
« محمد ابراهیم خان .	« تحاسبه



و، ج گل احمد خان رئیس بلدیة

ص، محمد عثمانخان .	:	مامور خزانة
« تاج محمد خان .	:	« تحصیلی
« بابہ جانخان .	:	مامور ممبر موتر و کادی
« عبدالحمنان خان .	:	نگران
عزتمند مسر ژہ ساهلو .	:	مهندس
ص، تاج الدین خان .	:	»
« محمد حسین خان .	:	پیمایشی
« غلام غوث خان .	:	»



ص ، عبدالله خان مدير بحريات



ع ، سيد جلال الدين خان معاون



ص ، محمد عثمان خان مامور خزانه



ص ، محمد ابراهيم خان مدير محاسبه

دوسای بلدیہ



ع، میر عبدالسلام خان رئیس بلدیہ خان آباد



ع، غلام یحیی خان رئیس بلدیہ مہرات



ع، غلام حیدر خان رئیس بلدیہ گردیز



ع، سلطان احمد خان رئیس بلدیہ جلال آباد

Les Chefs des Municipalité

تشکیلات دوا برملی

نقشه کش	:	ص، عبدالمجید خان .
»	:	» رمضان علی خان .
مفتی کار ممیزی	:	» ملا فتح محمد خان .
معمار باشی مهندسی	:	» محمد نعیم خان .
» ممیزی	:	» حبشو خان .
نجار باشی	:	» محمد زمان خان .
مامور تفتیش و سنجش	:	» محمد نعیم خان .
» اوراق	:	» عبد الواحد خان .

رؤسای بلدیة مراکز ولایات و حکومتی های اعلی و کلان

قندهار	:	ع، سید محمد اکرم خان .
هرات	:	» غلام یحیی خان .
مزار شریف	:	» عبد الجبار خان .
خان آباد	:	» میر عبد السلام خان .
جلال آباد	:	» سید محب علی شاه خان .
گردیز	:	» غلام حیدر خان .
میمنه	:	» صالح محمد خان .
فراه	:	» محمد حسین خان .
غزنی	:
چهار بکار	:

تشکيلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزير دربار : ع، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان.

معين : ع، ص محمد حيدر خان.

مدير تنظيمات : ص عبدالرحيم خان.

« خاسبه » : « محمد عليخان .

« نقليه » : « مير اکبر خان .



ع، ج سردار احمد شاه خان وزير دربار

خزانه دار : ص، سراج الدينخان .

ناظر کارخانه طبابخي : « حاجي نظر محمد خان .

وکیل فراش باشي : « عبدالرشيد خان .

موتردان باشي : « خواجه محمد خان .



ع، ص محمد حيدر خان معين دربار



ص میر اکبر خان مدیر تعلیم



ص محمد علیخان مدیر محاسبہ



ص عبدالرحیم خان مدیر تہذیب و نظیبات



ص خواجہ محمدخان موثران باشی عمومی



ص عبد الرشید خان وکیل فرا شباشی



ص سراج الدین خان مدیر خزانہ



ع ، سراج الدين خان مدير شعبه سوم



ع ، عبدالاحد خان مدير شعبه دوم



ع ، حافظ نور محمد خان مدير شعبه اول



جذاب فاضل آقاى سيد مبشر خان طرازی
مترجم زبان عربى و توركى



ع ، ص خواجه جانگل خان رئيس دائره
خصوصى حضور



ع ، غلام قادر خان وكيل مدير شعبه
چهارم



ص ، محمد حسن خان مترجم زبان انگليسى



ص ، محمد حيدر خان مترجم زبان فرانسوى



ص ، عبدالرشيد خان مترجم زبان انگليسى

دارالتحریر شاہی

سرمنشی حضور ملوکانہ : ع، ج محمد نوروز خان.

مدیر شعبہ اول : ع، حافظ نور محمد خان.

» » دوم : » عبدالاحمد خان.

» » سوم : » سراج الدینخان.

کفیل » چہارم : » غلام قادر خان.



ع، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور ملوکانہ
ورئیس محترم ایجن ادری

مترجم عربی و ترکی : ع، سید مبشر خان طرازی.

» انگلیسی و اردو : » عبدالرشید خان.

» » : » محمد یعقوبخان.

» فرانسه : » محمد حیدر خان.



سریاوریٹ حربی حضور ہمایون

سریاوریٹ حربی حضور : ع، ش سید محمد شریف خان فرقد مشر اول

معاون سریاوریٹ : « محمد لطیف خان » « نانی .

یوریٹ حربی حضور : « فیض محمد خان » « نانی .

« ح » محمد صفر خان غند مشر اول .

« شیر محمد خان غند مشر اول



ع، ش سید محمد شریف خان سریاوریٹ حربی حضور

یوریٹ حربی حضور : ح، عبدالغنی خان غند مشر نانی .

ش، عبدالله خان کند کشمر .

« محمد حسین خان » .

غ، عبدالله خان تولی مشر .

« محمد افضل خان » .

« غلام محمد خان » .

ص، پایندہ محمد خان . سرکاتب تحریرات



مصاحبين حضور ذات ملوكانه



ع ، ص محمد سرور خان



ع ، ص حاجي محمد نواب خان



ع ، ص سلطان احمد خان



ع ، ص صالح محمد خان

یاور های حربی حضور ذات شاهانه



ح ، محمد صفر خان غنڈ مشر اول
یاور حربی حضور



ع ، ش فیض محمد خان فرقه مشر یاور حربی حضور



ع ، ش محمد لطیف خان فرقه مشر
معاون یاور حربی حضور



ح ، عبدالله خان غنڈ مشر یاور حربی حضور



ح ، عبدالغنی خان غنڈ مشر یاور حربی حضور



ح ، شہر محمد خان غنڈ مشر یاور حربی حضور

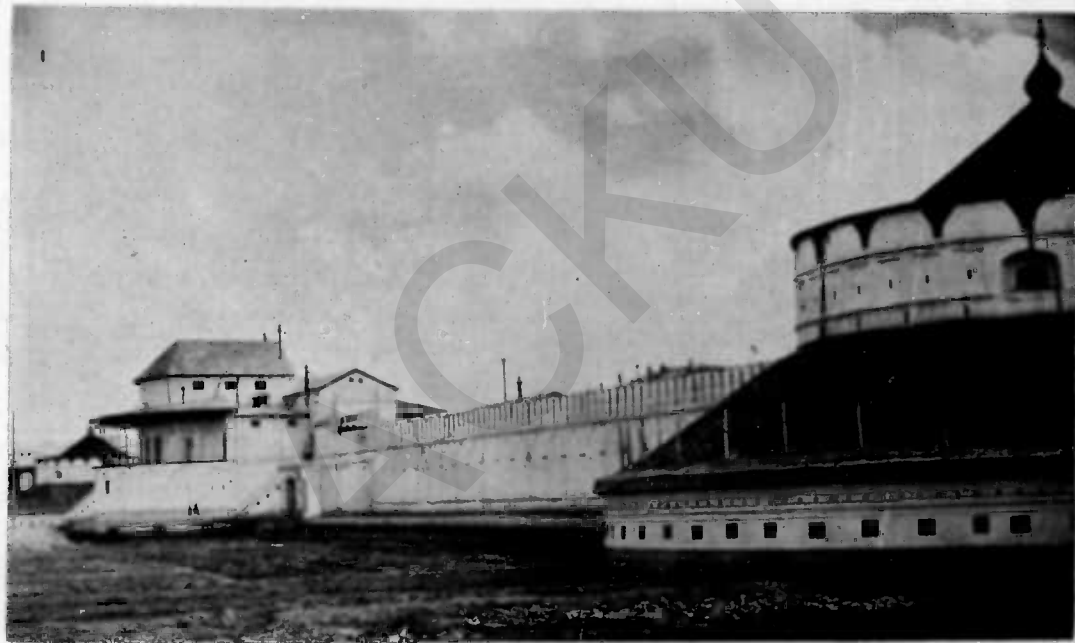


ش ، محمد حسین خان کندکشر یاور
حربی حضور

Les Aides de Camps de Sa Majesté.



يك منظره فصر دلکشا
Une Vue du Palais de DÉLKOUCHA (Palais Royal à Kaboul)



دورنمای برج شاهی و یک قسمت از ارگ شاهی
Une Partie du Forteresse de l'ARG (Citadelle Royale à Kaboul).

دائرة قلعه بیگیت ارگ شاہی

قلعه بیگی : ع ، ش عبدالغنی خان فرقه مشر .

سرکاتب محاسبه : ص ، غلام علی خان .

کاتب تحریرات : » محمد عمر خان .

گدامدار : » خرم دل خان .

مامور توقیفخانه : » سراج الدینخان .



ع ، ش عبدالغنی خان قلعه بیگی ارگ



اجراآت دوائر مملکتی

امور حربیه

دراثر توجهات دولت و مجهودات خستگی ناپذیر والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سیه سالار و وزیر حربیه؛ امور حربیه افغانستان روز مره ترقی و پیشرفت مینماید.

این ترقیات امور عسکری افغانستان منحصر بخود مرکز نبوده بلکه در تمام نقاط مملکت مشاهده میشود چه نظر بتوجه و مساعدت وزارت جلیله حربیه، قوماندانها و صاحبانصباں محترم عسکری ولایات و اطراف مجهودات و مساعی درین باره بکار برده عیناً پیرو افکار و نظریات قائد محترم خود مینباشند.

اردوی امروزه افغانستان با خوب ترین اسلحه و تجهیزات حربیه عصری مجهز بوده مالک تعلیم و تربیه صحیح و دارای روح اطاعت و سلحشوری بوده تحت دسیلین (انضباط) میباشد.

قشله های قشونی در مرکز کاملاً تعمیر شده و در ولایات بلافاصله تعمیر می پذیرد تعمیر این قشله ها عموماً از نقطه نظر صحیه بوده برای اقامت عسکرها از هر جهتی خوش آیند است.

از تعلیم گاهای عسکری کابل و مکتب حربیه وقتاً فوقتاً ضابطان و صاحبانصباں کامیاب خارج می شود چنانچه از تفری صاحبانصباں موصوف تا حال عده زیادی در صنوف مختلفه اردوهای مرکز و ولایات داخل شده اند.

در سال ۱۳۱۲ تعلیم گاهای پیاده، توپچی، سوار، دوره های دوم خود را اكمال کرده و بدوره سوم آغاز نمودند، صاحب منصبانیکه درین سنه کامیاب برآمدند هر کدام مورد الطاف و انعام حکومت متبوع واقع گردیدند.

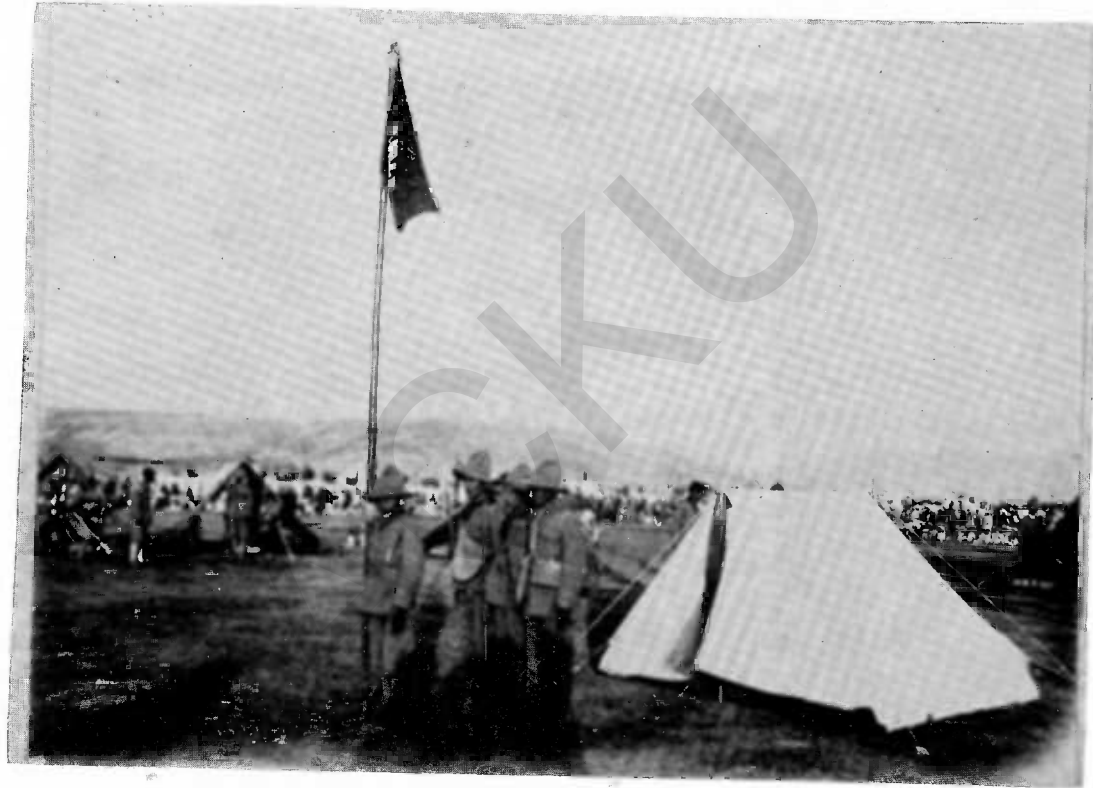
کذا تعلیمگاه خورد ضابطان فرقه شاهی و قول اردوی کابل درین سال بکمال موفقیت بوده، خورد ضابطان کامیاب آن مورد نوازش و مکافات دولت واقع شده و در قطعات عسکری شامل گردیدند.

مدیران این تعلیم گاهها مورد تقدیر و درازای خدمات لایق خود نشان خدمت گرفتند.

درین سنه به مکتب حربیه کابل و اصول تعلیم و تربیه طلاب آن از قسم ورزش و عملیات و اقسام سیورتهها توجه زیادی مبذول شده و بکده از طلاب مکتب حربیه که دوره تحصیلات خود را با کمال رسانیده بعد از اخذ شهادت نامه علی الاصول بقطعات موظف گردیده اند.



نمایش سکاوت در جشن استقلال ۱۳۱۲ که از طرف والا حضرت وزیر صاحب حریره ملاحظه می شود
Manoeuvre des Boy-Scots pendant les Fêtes de l'Indépendance (Kaboul-1312).



نمایش سکوت در جشن استقلال ۱۳۱۲ بعد از ادای سلامی بیرق ملی
Mandevre des Boy-Scots Pendant les Pêtes de l'Indépendance KABOUL 1312

اجراآت دوائر مملکتی

نظر به خدمات و حسن وفا داری که عموم عساکر افغانستان نسبت به دولت و مملکت خود ظاهر ساختند در ۲۹ عقرب ۱۳۱۲ به معاش عموم افراد و خورد ضابطان تزئید و بر علاوه به تمام افراد و خورد ضابطان و عموم صاحب منصبان يك يك نشان صداقت اعطا شده .

برای اینکه عموم افراد عسکر در حال صحت و سلامت بدن باقی مانده بامراض مبتلا نشوند از دوائر صحیه قشونی (انجکسیون) امراض مختلفه شده اند .

اجمال اجراآت و کارروائیهای امور حربیه مملکتی در سال ۱۳۱۲ قرار آتی است :

۱ : ترتیب پروژه های اردو و تطبیقات آن نتایج خیلی صحیح داده است . هیچیک مسئله سوریات و حرکات عسکر به نبوده که نتیجه موفقانه نداده باشد .

۲ : تقسیمات وضع الجیش :

قبلاً تقسیمات عسکر به بدون از نقطه نظر وضع الجیش و اکثریاً بدون يك مقصد بوده بصورت پراکنده که قطعه بهرجا وضع شده بحال خود مانده بود . اخیراً این تقسیمات بصورت اساسیه گردیده طوریکه وضع الجیش يك قطعه نظر بااحتیاجات عمومیه وضع الجیش تقاضا میکرد احضار کرده شده است که فی الحال وضع الجیش اکثر قطعات اردو بصورت اساسیه ترتیب و اجرا شده و متبانی آن نیز در تحت غور و تدقیق میباشد .

۳ : تقرر دودسته کمیساریت یکی بحدود شمالی افغانستان و یکی در حدود غربی مملکت لزوم دیده شد که اکنون کمیساری های مذکور به نقاط لازمه توظیف گردیده ، علاوه ، از اینکه بانظام و تسهیلات امور مرحدیه مکلفند ، حل و فصل بعضی معاملاتیکه در سرحدات دول همسایه و افغانستان ظهور کنند نیز توسط کمیساری های مذکور کرده می شود .

۴ : یکی از تهاهات جات هرات (دهنه ذوالفقار) که موقعیت مناسبی برای سرحدداری داشت لزوم تقرر یکنفر سرحد دار دیده شده و عنقریب یکنفر سرحددار از مرکز مقرر و اعزام خواهد شد . تا برای اشخاصیکه از (هرات بمالک همجوار عبور و یا از آنجاها به هرات ورود میکنند) پاسپورت و غیره شان را ملاحظه نموده درینخصوصات ، تسهیلات پیش کند .

۵ : به نسبت رفع بعضی تکالیف اشخاصیکه از بندر (بروغیل) بدخشان بخارج و یا داخل افغانستان مرور و عبور میکردند لزوم يك سرحدداری در منطقه مذکوره که (قبلاً عبارت از يك تهاهات بود) نیز دیده شده و اکنون یکنفر سرحددار برای اجرای امور سرحدداری مذکور مؤظف شده است .

۶ : لایحه وظایف سرحدداری ؛ تدوین و ترتیب گردیده و جهت غور و تدقیق به مجلس عالی شورافرستاده شده است که بعد از تدقیق و منظوری و صحه مقامات عالیه ، امور سرحدداری نظر به لایحه مذکوره در محل اجرا گذاشته میشود .

۷ : راجع به اموال گریزی که (از طرف عساکر موظفه سرحدات دستیاب میشود يك لایحه موقتی الی زمانیکه لایحه اساسیه آن از طبع برآمده توزیع شود تعیین و ترتیب گردیده به قوماندانان قطعات حدود ، فرستاده شد که نظریات آن اجراآت نمایند .

۸ : به نسبت تقسیمات و تعیین قطعات و لواایح حرکات و غیره امور عسکر به خریطه طیوغرافی احتیاجات زیاد دیده میشد ، برای اجرای این مقصد ، يك مدیریت خریطه ، در دوائر ریاست ارکان حربیه عمومیه جدیداً تشکیل گردیده است .

- ۹ : برای اینکه افراد اردو بصورت عصری دارای تعلیم و تربیه شوند مکتب خورد ضابطان تاسیس و از تمام ولایات افغانستان يك تعداد مكفی نفری لایق اخذ گردیده است ، و از طرف معلمین با كفايت تحت تعلیم صحیح و اساسی گرفته شده اند . طلاب این مکتب بعد از فراغ تعلیم و تربیه معینه عسکر به خارج گردیده به حیث خورد ضابط به قطعات عسکر به موظف میگردند .
- ۱۰ : برای اینکه طلاب يك معلومات عمومی استحصالی نموده مستعد برای شمول مکتب حریه شده بتوانند لازم دیده شد تا مکتب احضاری تاسیس گردد ؛ در مکتب مذکور از اولاد های معزین افغانستان شولیت و ورزشیه تعلیمات دروس اینها هم بعد از تعقیق و مداقه زیادی در تحت يك پروگرام مننظم ترتیب گردیده است و تلامیذ مربوطه این مکتب هم بعد از تکمیل دروس معینه پروگرام به مکتب حریه و شعبات مختلفه داخل میگردند .
- ۱۱ : در فرقه ها و قول اردو ها يك عده از اشخاص برگزیده افراد سائر انتخاب و تحت پروگرام جدا گانه که از طرف این دائره ترتیب و تصدیق شده است تحت تعلیم و تربیه عصری تری آمده و نتایج خوبی گرفته شده .
- ۱۲ : چون موزیک در روح عساکر تاثیرات زیادی داشته و از جمله عوامل تشجیع عسکرى بشمار میرود ، لهذا يك تعلیمگاه جدید تاسیس گردیده است و پروگرام این تعلیمگاه هم بروفق کورس های موزیقی دول مترقیه ترتیب و در تحت تعلیم معلم عصری موزیک مصروف تکمیل دروس تعایبات مرجوعه خود هستند .
- ۱۳ : چون اردو بداشتن انجیران طوپهای جدید احتیاج شدیدی دارد لهذا يك کورس انجیری در شرف افتتاح است و طلاب آن هم تکلیف کرده شده است تا ازین رهگذر ، اردو دارای انجیران لایقی گردد .
- ۱۴ : در عموم پروگرام های اردو مداقه و سنجش بعمل آمده بعد از اصلاحات زیادی بهر صنف عسکرى جدا جدا توزیع و در معرض تطبیق گذاشته شده است .
- ۱۵ : در جمله بست صاحبمنصانیکه جهت اخذ تعلیم و تربیه به تعلیمگاه های صنوف مختلفه شامل میگردند امسال افزود کرده شده است .
- ۱۶ : تالیف و ترجمه تعلیمنامه ها و کتاب های مفید و نوت های تدریسی مکاتب و تعلیمگاه های عسکرى قسماً طبع و قسماً تحت طبع و بعضاً تحت غور و مداقه میباشد .
- ۱۷ : تزئید صحایف مجموعه اردو و تکثیر مندرجات و موضوعات مفیده بر علاوه مقالات مسلکی از قبیل روحیات عسکرى و اختراعات موضوعات تاریخی و غیره .
- ۱۸ : تبدیل فورم البسه صاحبمنصبان و کتاب منسوبین قطعات اردو بطور مناسب ساخته شده تا ساختن البسه عسکرى مختلف نبوده به يك رنگ و يك نسق باشد . ضمناً تعمیم و ترویج قیاش های وطنی و ترتیب اصولنامه البسه تهیه کرده شده .
- ۱۹ : تالیف و ترتیب اصولنامه ها و لوائح و تعلیمنامه ها : ۱ - جلد اول تعلیم نامه پیاده . ۲ - جلد ۲ تعلیمنامه پیاده . ۳ - جلد اول تعیه پیاده . ۴ - جلد پنجم تعیه هوا بازی . ۵ - تعلیم نامه سواری . ۶ - وضع اسامی پرزه های تخذیکی طیاره . ۷ - وضع اسامی پرزه های ماشیندار گولت . ۸ - تالیف کتاب های تعیه اسامی صنف توپچی . ۹ - اصولنامه مبارزه برچه . ۱۰ - اصولنامه خدمات داخلیه . ۱۱ - اصولنامه خدمات داخلیه مکتب حریه . ۱۲ - غور و تعدیل وظائف قرار گاه قول اردو و دوایر وزارت حریه . ۱۳ - اصولنامه وظایف عسکرى سرحددارى . ۱۴ - اصولنامه مراسم

اجراآت دوائر مملکتی

جنازة عسکری و تجهيز و تکفین ، اسقاط و خیرات نفری عسکری (طبع و توزیع گردیده است). ۱۵- اصولنامه مکافات و نشانها . ۱۶- اصولنامه تقاعد . ۱۷- لایحه خریداری و استعمال ماشیندارهای سیستم جدید . ۱۸- لایحه برای جمیع طیارات افغانی نظربطیران ووظائف شان که اساسی طورگذاشته (و لایحه مصوبه آن بقوماندانی طیاره فرستاده شده) . ۱۹- تعیین درجات کتب عسکری که اولتر کدام و پس ازان کدام کتابها از زبانهای خارجه نظرباحتیاج و ضرورت اردوها ترجمه گردیده بقطعات توزیع شود . ۲۰- لایحه در خصوص صورت تراجم و تعیین حق الزحمه مترجمین نظر به لسانهای مختلفه اجنبی . ۲۱- پیشنهاد تشکیلات ژاندرمه . ۲۲- لایحه درباب اینکه برای اردوهای محتشم افغانی کدام نوع اصول تعلیم و تربیه اتخاذ شود . ۲۳- لایحه در خصوص وسائط تطبیق تعلیم و تربیه . ۲۴- لایحه مکاتب خورد ضابطان و لواحق آن . ۲۵- لایحه پذیرائی . ۲۶- لایحه در باب رخصتی و غیر حاضری مستخدمین مکتب حریه . ۲۷- لایحه خدمات تعلیمگاهها . ۲۸- تعیین هیئت مصححین جهت تصحیح تراجم لسانهای اجنبی .

۲۰: فابریکات حربی البسه عموم افراد عسکری را تهیه، و بر علاوه تسرهای سفید ساخت و وطن را که در فابریکه های نساجی وطنی برای البسه عسکری ساخته شده رنگ آمیزی نموده و نظر به سالهای گذشته قماش بهتر و بقیمت مناسب برای وزارت حریه تمام شده .

۲۱: تاسیس يك خیاط خانه عمومی در وزارت حریه که درهرسال البسه عموم قشون مملکت را ساخته میتواند .

۲۲: خریداری و تدارک موترها برای حمل و نقل قشونی اطراف .

۲۳: تنظیم عموم شفاخانه های عسکری در مرکز و ولایات .

۲۴: تعمیرات عسکری:

۱- تعمیر مکتب حریه در بالاحصار کابل بصورت عصری که طبقه اول آن در شرف اختتام است و تسطیح و نهال شانی باغ آن تکمیل شده .

۲- تعمیر عمارت عصری جهت اداره فرقه شاهی .

۳- اكمال و توسیع عمارت کلوب عسکری در متصل میدان طیاره .

۴- تعمیر عمارت عصری جهت نشیمن طلاب مکتب احضاریه حریه در موضع باغ شهر آرا معه تمام لوازم آن از قبیل مطبخ ، تحویل خانه ، و بهره دارخانه و غیره .

۵- تعمیر دیوار احاطه باغ مکتب احضاریه .

۶- تعمیر عمارت در موضع باغ چرمگر جهت نشیمن معلم تعلیمگاه بیاده .

۷- تعمیر چهارونی برای نفری حاضر باشا معه عمارت عصری برای نشیمن نفری افسران .

۸- تعمیر يك بارک جدید برای افراد در فابریکه حربی .

۹- تعمیر منزل دوم سر دروازه تعلیمگاه بیاده و توپچی .

۱۰- تعمیر بهره دارخانه ها و تحویل خانه های مکمل جدید در تعلیمگاه توپچی .

۱۱- تعمیر بهره دارخانه ها و اسطبل در تعلیمگاه بیاده .

۱۲- تعمیر موتر خانه مکمل برای موترهای نقلیه در موضع شیرپور .

۱۳- تعمیر اسطبل و گدامگاه جهت حیوانات فرقه شاهی در شیرپور .

۱۴- تعمیر اسطبل جدید جهت حیوانات قول اردوی مرکزی .

- ۱۵- تعمیر گدام و پیره دارخانه ها معه حوض آب برای حیوانات نقلیه در تعلیم گاه سواری .
 - ۱۶- تعمیر جباخانه در بالا حصار غزنی .
 - ۱۷- تعمیر بارکهای دومنزه و یک منزله برای افراد نظامی در غزنی .
 - ۱۸- تعمیر چهاونی منظم و گدام جهت آذوقه در فراه .
 - ۱۹- تعمیر شفاخانه بطور عصری در فراه .
 - ۲۰- تعمیر جیخانه در فراه .
 - ۲۱- تعمیر تپانه جات متعدد سرحدات در فراه .
 - ۲۲- تعمیر تپانه جدید در ماروچاق هرات .
 - ۲۳- تعمیر قشله عسکری در میمنه .
 - ۲۴- تعمیر یک چهاونی جدید در جلال آباد که با کمال رسیده و عسکرها در آن رهایش میکنند .
 - ۲۵- تعمیر چهاونی کمی خیر که یک قسمت آن تعمیر شده مابقی آن در تحت تعمیر است .
 - ۲۶- چهاونی کامه که کار تعمیر آن جاری و در سال آتی اکمال خواهد گردید .
 - ۲۷- تعمیر بوسته جدید عسکری واقع چغسرای که کار آن جاری و قریب اختتام است .
 - ۲۸- تپانه جات سرحدی .
- الف : تپانه اول ، دوم ، سوم سرکافی تعمیر و اکمال گردیده .
- ب : تپانه های تورخم ، پاینده خاک ، هفت چاه ، کنگر غندی تعمیر و اکمال شده .
- ۲۹- تعمیر چهاونی جدید اسمار شروع و کار آن جاری است .
 - ۳۰- تعمیر چهاونی جدید در وزیری ، قرارگاه فرقه و باغ عمومی ساخته شده و چهاونی عسکری آن تحت تعمیر است .
 - ۳۱- تعمیر عمارت سرحد داری دکه .
 - ۳۲- تعمیر یک قشله عسکری در بالا حصار گردیز که گنجایش یک فرقه را دارد .
 - ۳۳- تعمیر یک قرارگاه جهت نشیمن قوماندانی فرقه در بالا حصار گردیز .
 - ۳۴- تعمیر یک مسجد بزرگ در خارج بالا حصار .
 - ۳۵- تعمیر قشله عسکری (برای یک فرقه) در خوست ، تحت تعمیر .
 - ۳۶- تعمیر چهاونی عسکری در المراء جدران .
 - ۳۷- تعمیر چهاونی عسکری (برای یک کندک) در تپه باد آسیای گردیز .
 - ۳۸- تعمیر چهاونی عسکری (برای یک کندک) در تپه ریگی گردیز .
 - ۳۹- تعمیر دو تپانه به کوتل تیره .

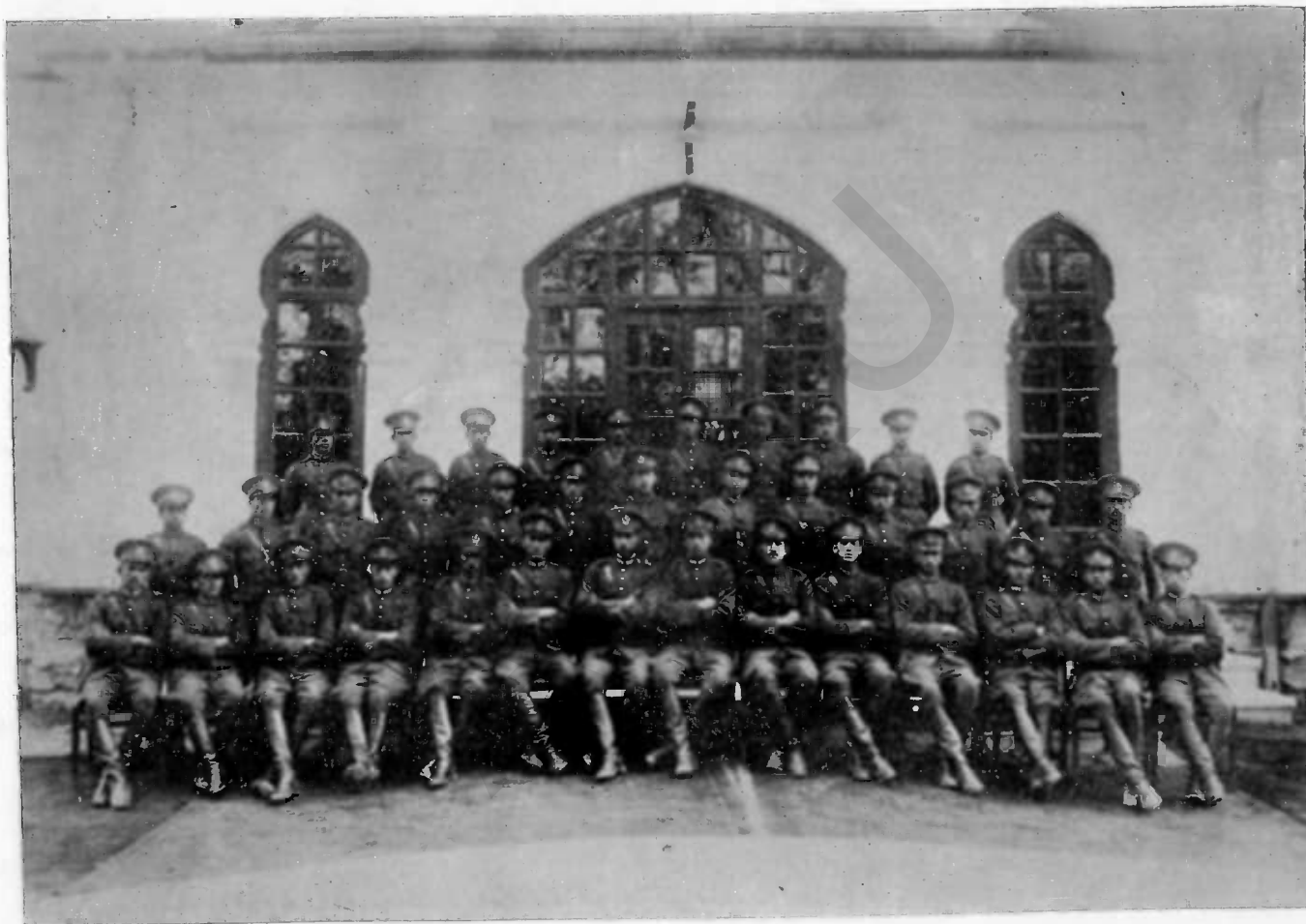




معاینه انداخت تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردو بحضور والاحضرت وزیر صاحب حربیه که بعضی از دیگر وزرای محترم هم حضور دارند
A. R. le Ministre de la Guerre et de nombreux Personnages Civils et Militaires assistent à l'Examen
de tire du Cours de Perfectionnement Militaire du Corps d'Armée de Kaboul.



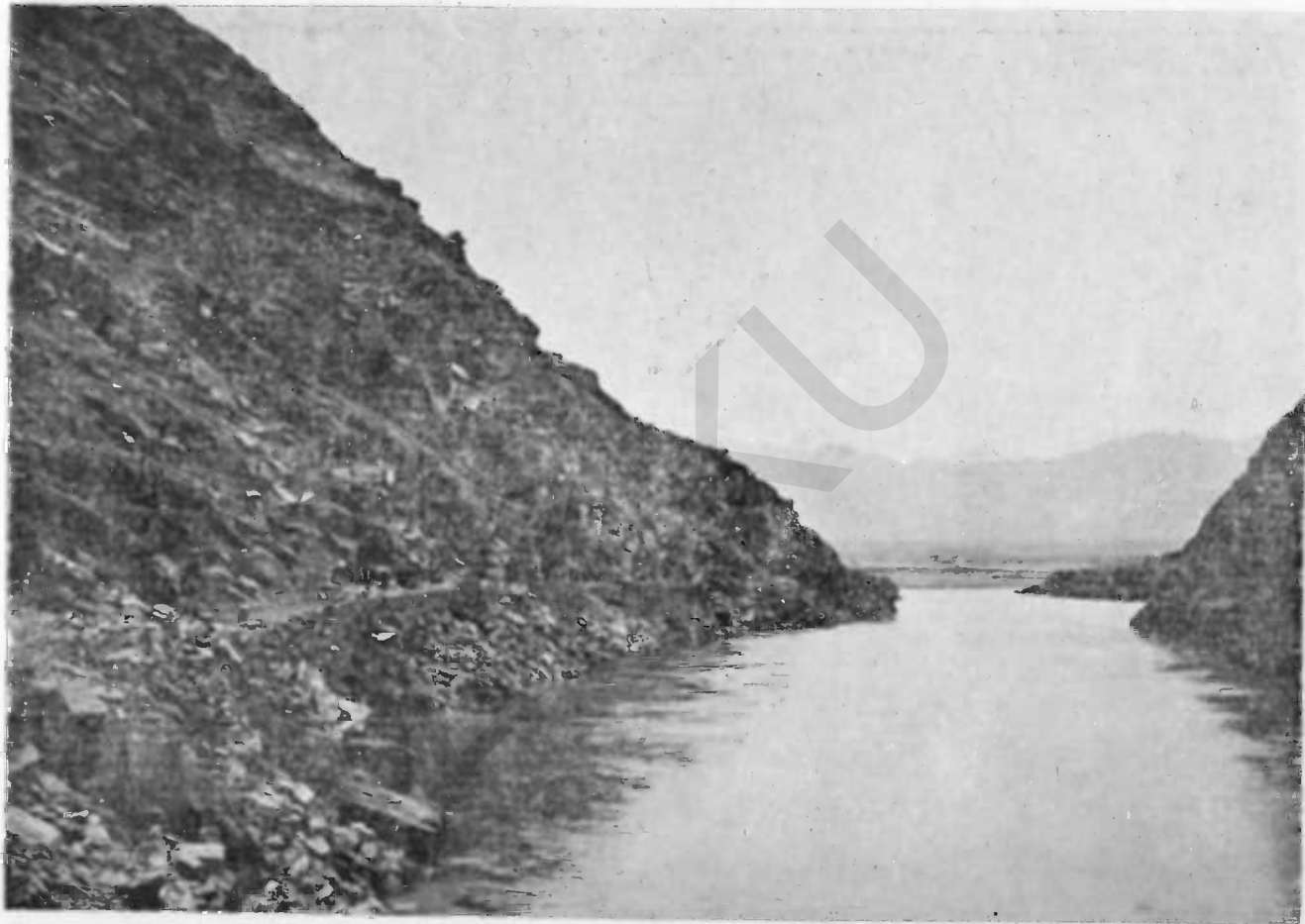
بک قطعہ پیادہ فرقه شاہی
Un Groupe de l'Infanterie de l'Armée Royale



يك قسمت از طلاب مکتب حریه که در سال ۱۳۱۲ کامیاب برآمده و شهادتنامه حاصل کرده اند
Les Officiers nouvellement promus de l'École Supérieure de Gueure.



ع، ش سردار علیشاه خان قوماندان مکتب حرپه با معلمین و یک قسمت از طلاب مکتب موصوف
Général ALI CHAH KHAN Commandant de l'École Supérieure de Gueure avec les Professeurs et
une partie des Élèves de cette École.



سرك سمت مشرق - كه كار آن درين سنه جاري و فعلاً بحد كوه قريب درونته رسيده است
Une Vue des Travaux de la Nouvelle Route KABOUL-INDES (Prés du Mont de DAROUNTA
au bord du Fleuve Kaboul).

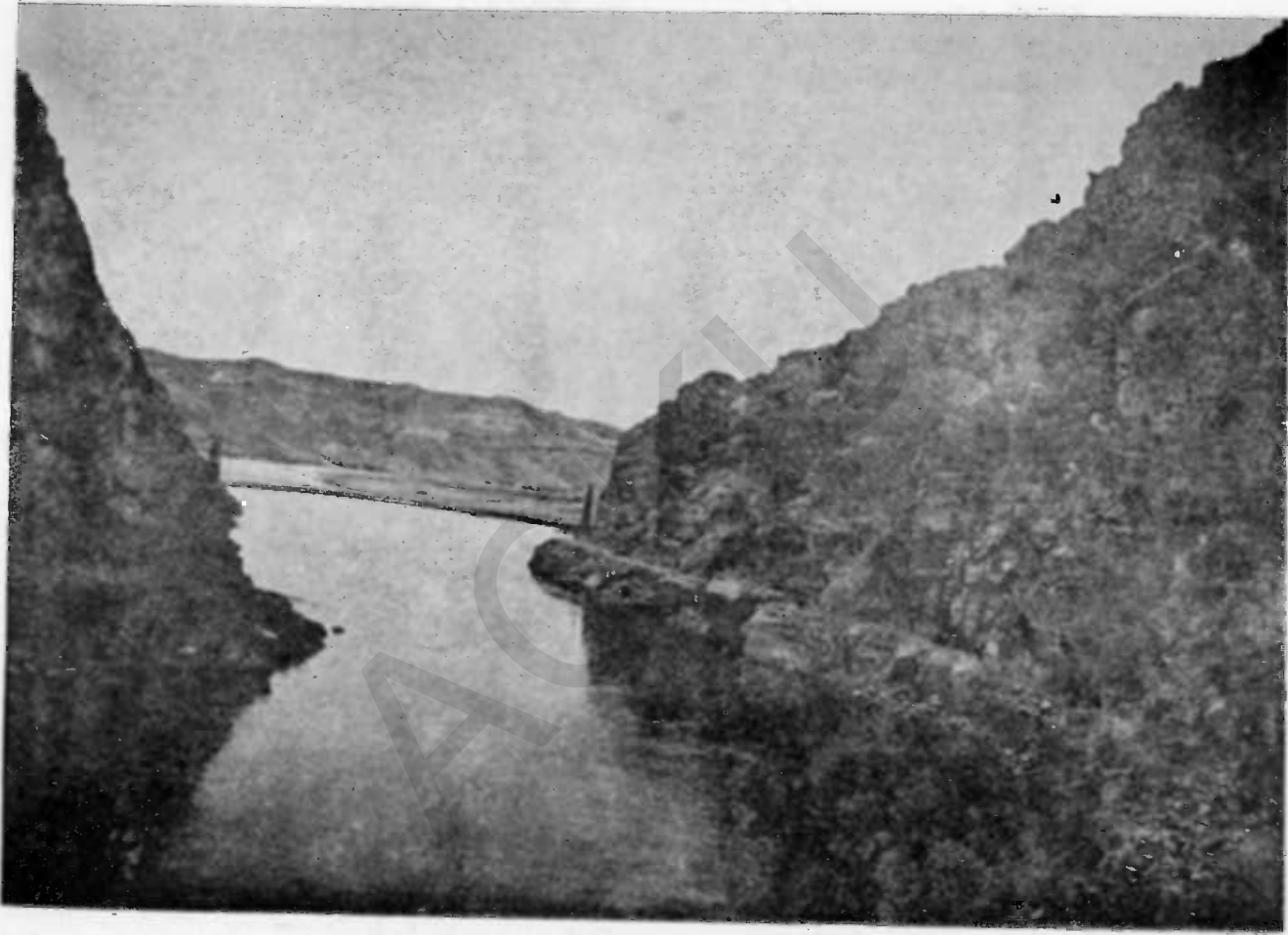


از تنظیمات سال ۱۳۱۲ قشون مشرق بکفده از صنف پیاده جلال آباد
Un Groupe de l'Infanterie de l'Armée de DJELALABAD (Prov. de l'Est).

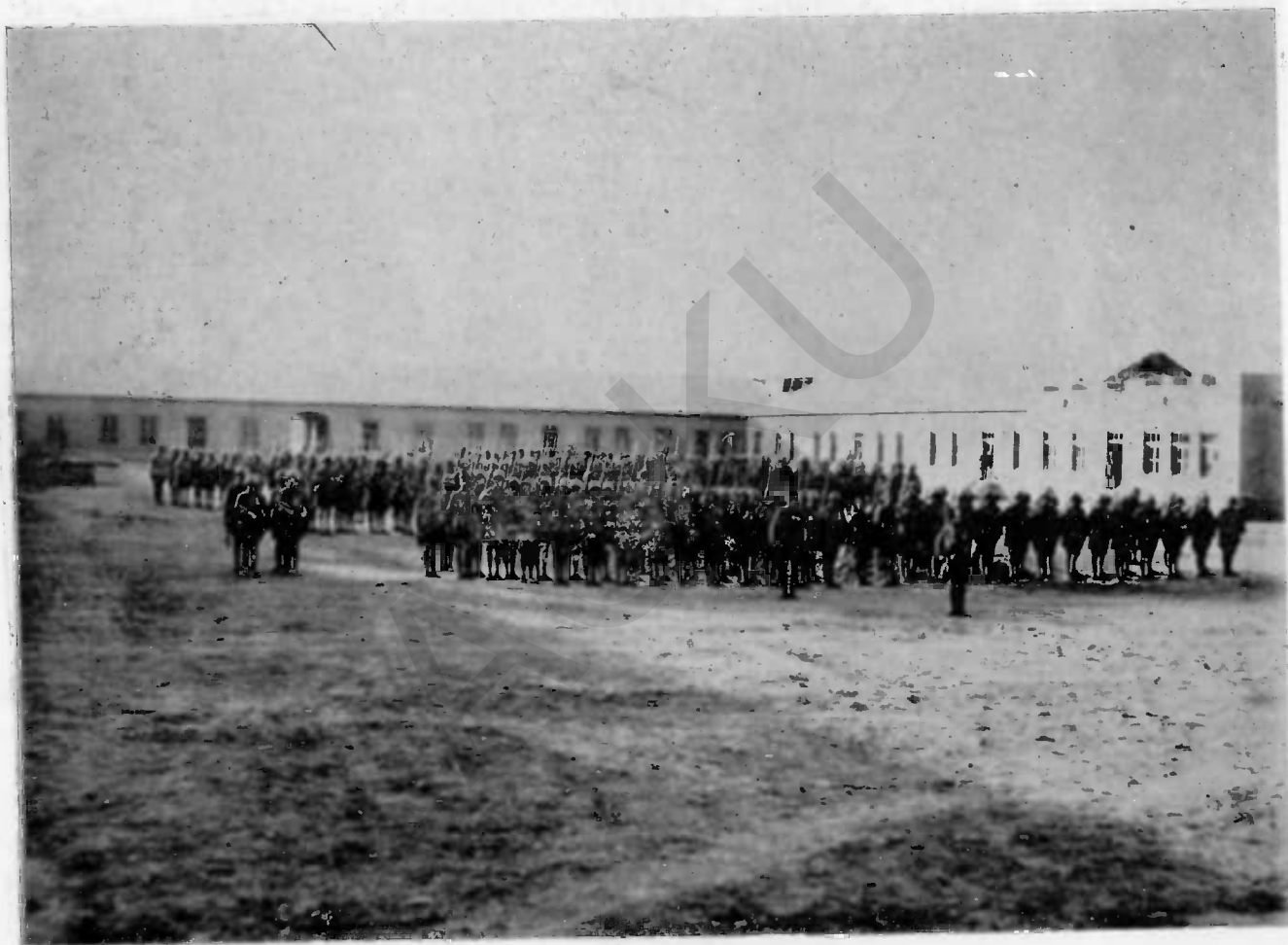
از عمرانات سال ۱۳۱۲ مشرقی



یکی از اطاق های دایره فرقه مشر عسکری در علاقه وزیر - جلال آباد
Un des Bâtiments, Construits en 1312, pour les Offic ers de la Province de l'Est
à VAZIRI (Djelahabad).



سړك درونته - كه كارآن درين سته جاري و فعلاً بحد كوه قريب درونته رسیده است
Une Vue des Travaux de la Nouvelle Route KABOUL-PESHAWAR (Près du Mont de DAROUNTA
au bord du Fleuve Kaboul).



يك قطمه از مساکر گردیز در نشلهٔ عسکری

Un Groupe des Soldats de la Division de GARDEZ devant leurs campements (Prov. du Sud).



بالا حصار کم دیز

که کار تعمیر آن در ۱۳۱۲ با تمام رسیده

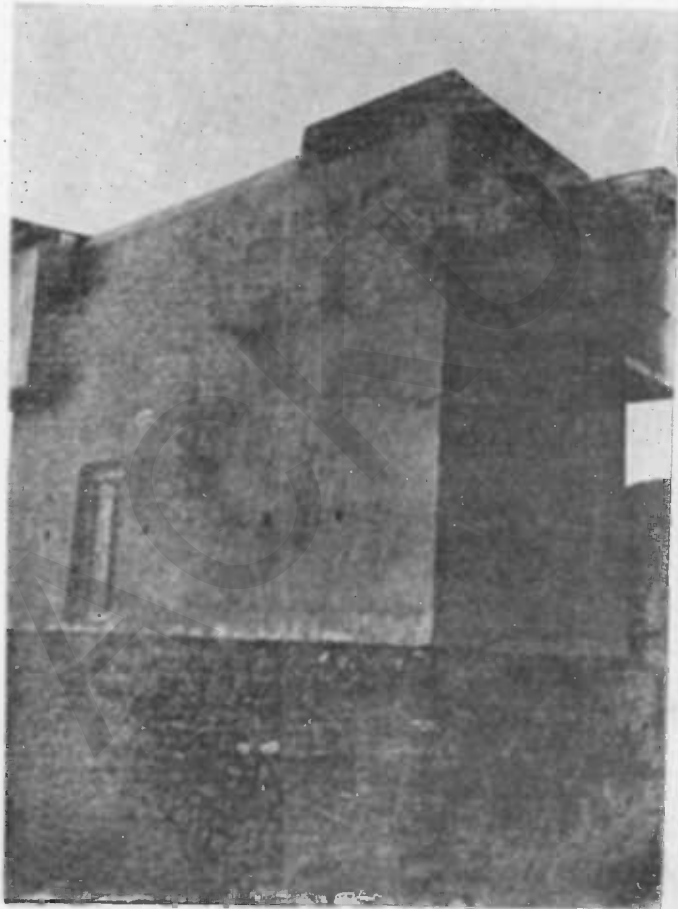
Nouvelle construction de BALA HISSAR de GARDEZ (Forteresse Militaire dans la Province du Sud).

از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ مشرقی



شاهه جدید محافظین راه جلال آباد و دکه
Modèle des Postes Militaires, nouvellement construis
à la Frontière INDO-AFGHANE

از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ شمسی



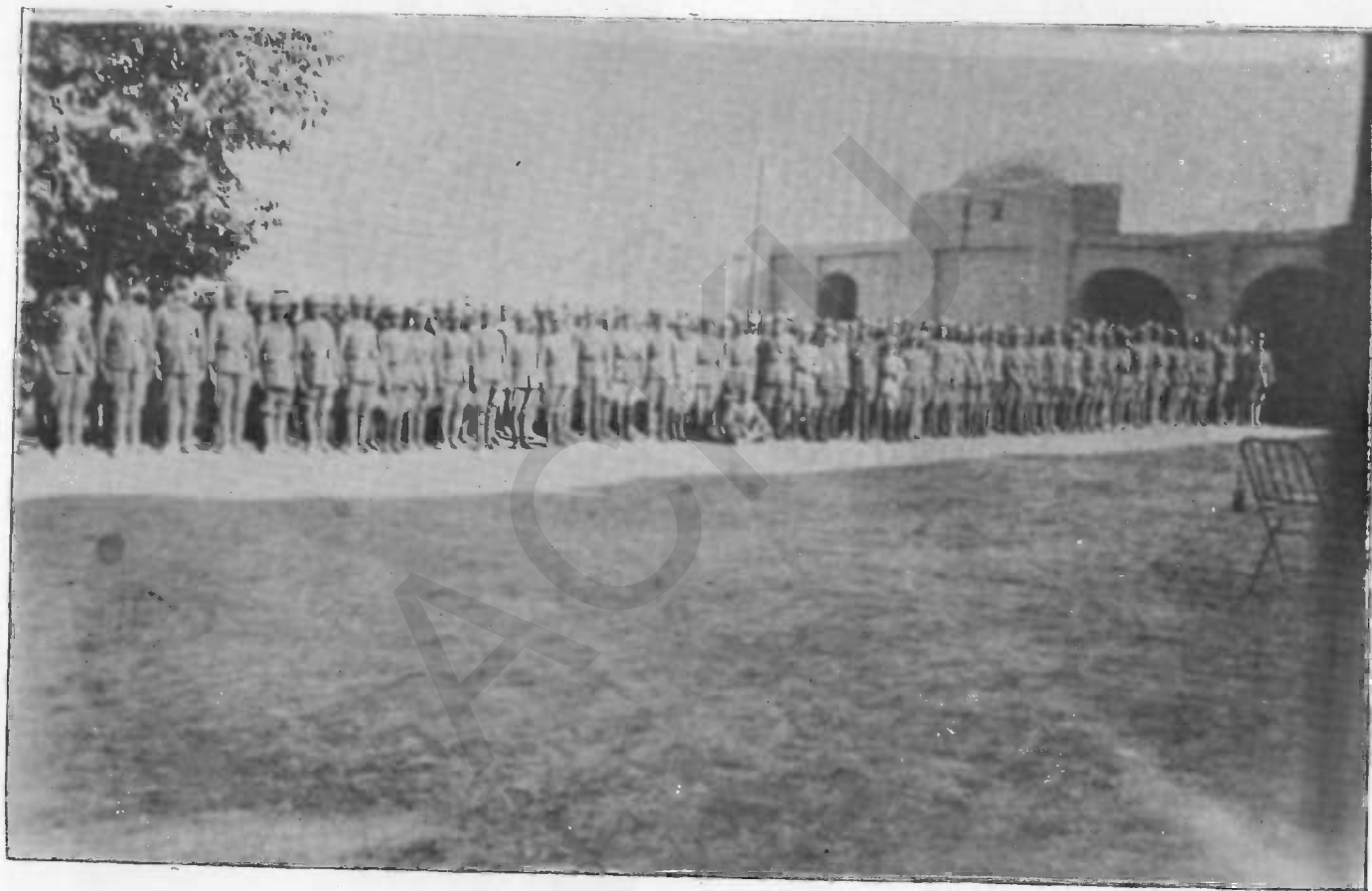
تھا نئے جدید محاذیہ رام جلال آباد و د کہ
Modèle des Postes Militaires nouvellement construits
à la frontière INDO- AFGHANE



میدان ارگ قندهار که منازمه‌ها و دیوارهای چهارچمن آن جدید تعمیر شده
La Place de l'ARG et le nouveau jardin public à Kandahar

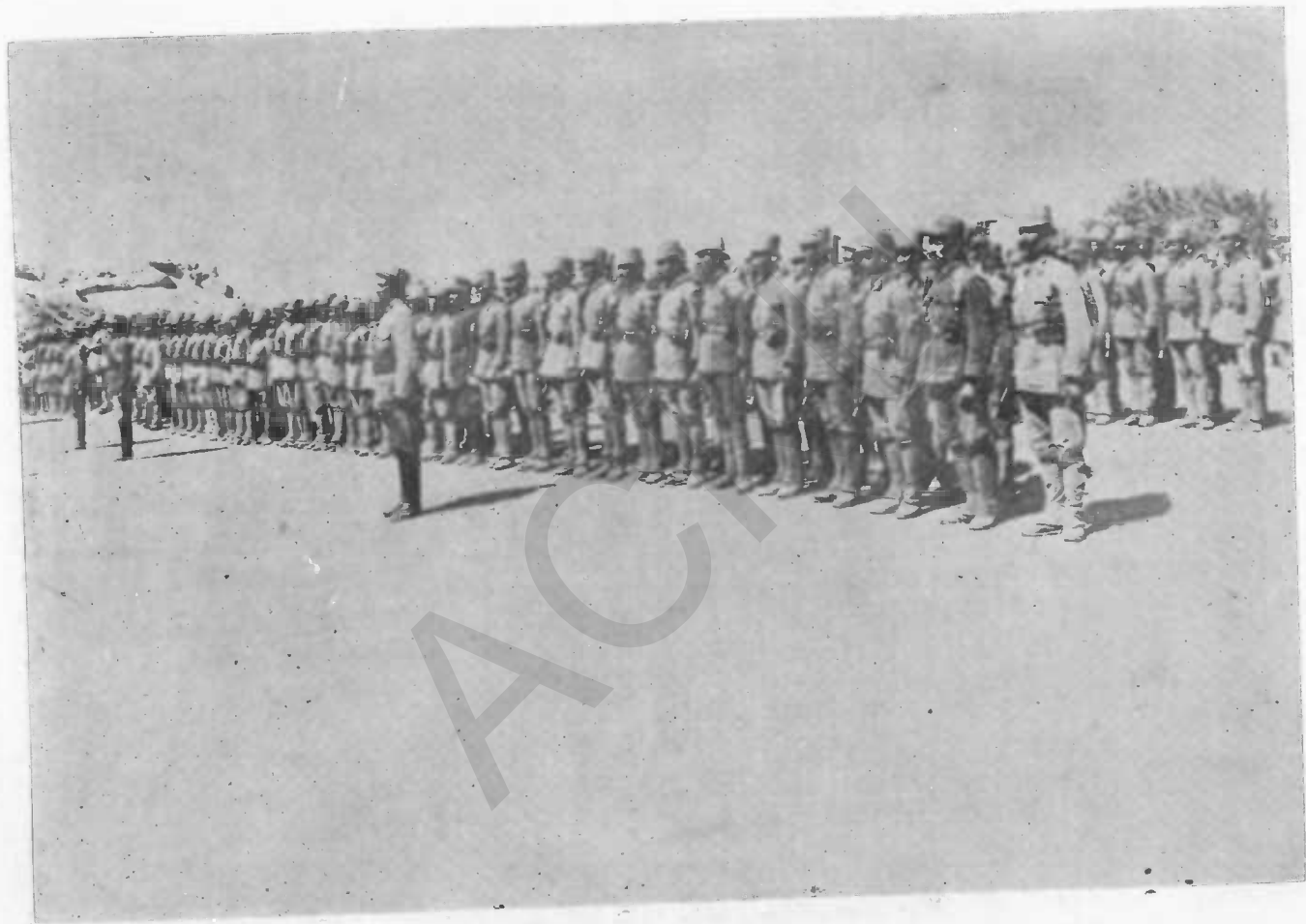


صاحب منصبان فرقهٔ عسکری فراه
Les Officiers du de la Division de FARRAH.



مداومین تعلیگاه عسکری فراه

Les élèves du Cours de Perfectionnement Militaire de Farah.

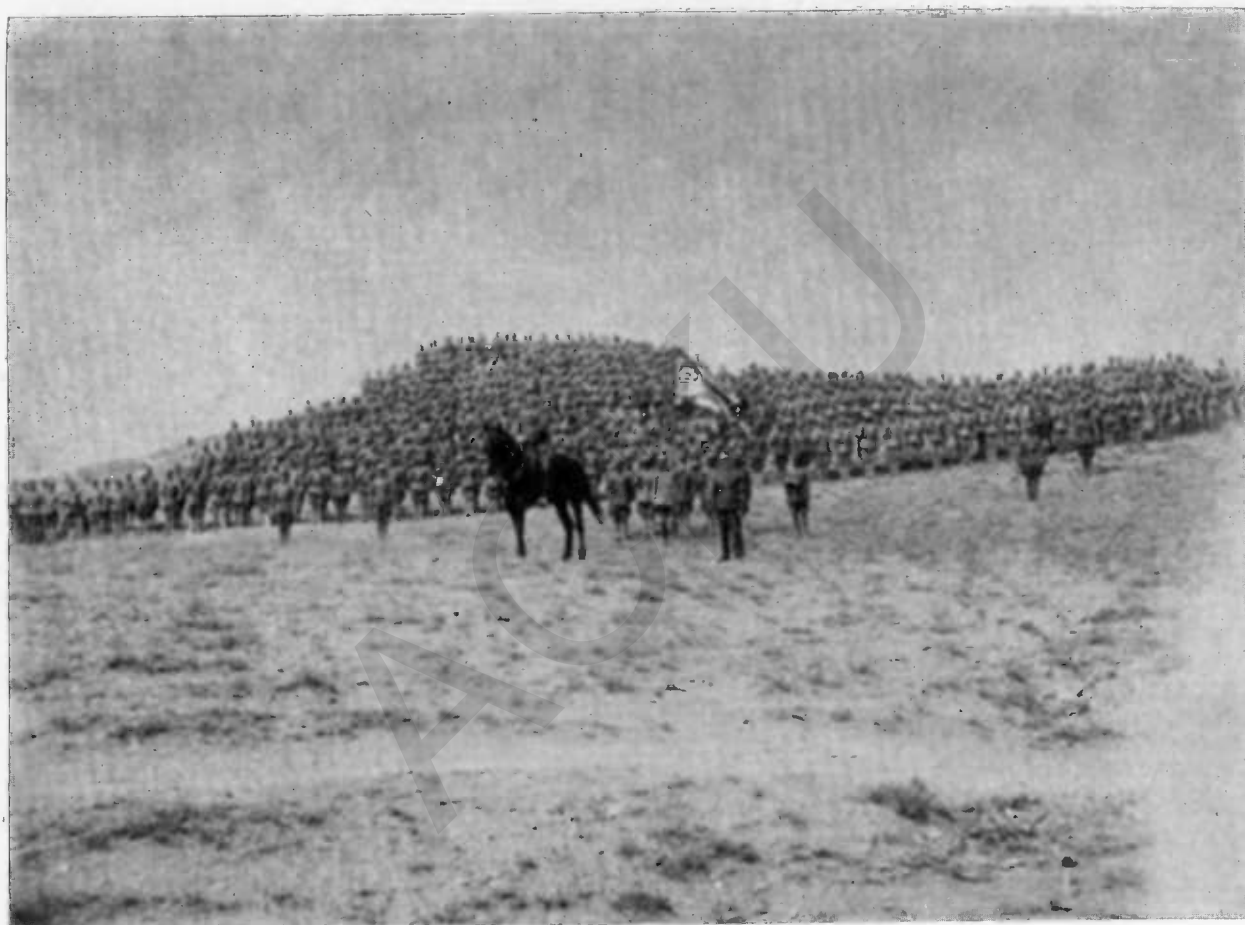


يك قطعه از عسکر پیاده هرات

Un Groupe de l'Infanterie de la Division de Hérat.



دوره اول تعلیم گاه خورد ضابطان قول اردوی مرکز
Les Élèves du Premier Cours de Perfectionnement Militaire des Sous Officiers
du Corps d'Armée de Kaboul



يك قطمه از عساکر ارگون

Un groupe des Soldats de la Province du Sud (Orgoun).

امور خارجیہ

امور خارجیہ مطابق خط مشی اعلیٰ حضرت فقید شہید بہ بہترین صورتی جریان داشته و مناسبات صحیحہ سیاسیہ با دول متحابہ قائم و برقرار است .

یکمدمہ از جملہ اجراءات امور خارجیہ در ذیل ذکر می شود :

۱ : برقراری روابط سیامی با جاپان و تقرر عالیقدر جلالتمآب حبیب اللہ خان بیحیث وزیر مختار در دربار توکیو .

۲ : امضای قرارداد تعریف تجاوز از طرف ع ، ج علی محمد خان وزیر مختار اعلیٰ حضرت در لندن ، با حکومت شوروی ، استونیہ ، لتونی ، ایران ، پولند ، رومانیہ و ترکیہ .

۳ : ارسال نمایندہ بکنفرانس اقتصادی در لندن .

۴ : مقرر نمودن نمایندہ جدید افغانستان در کنفرانس خلع سلاح .

۵ : تعیین قونسل در جدہ .

۶ : تغییر و تبدیل بعضی از سفرا و نمایندگان افغانی در خارج .

۷ : تعاطی معاہدہ مودت بین دولتین علیتین افغانستان و حکومت سعودیہ . (حجاز)

۸ : ابتیاع یک عمارت قشنگ و مناسب برای حجاج افغانی در مکہ معظمہ توسط ع ، ج ، والا حضرت سردار احمد شاہ خان وزیر دربار شاہی افغانستان و وقف نمودن آن بصورت مجانی برای اقامہ حجاج افغانی .

۹ : امضای قرارداد تعیین خط سرحدی حدود غیر معینہ بین دولتین افغانستان و ایران بتاريخ ۱۷ حوت سنہ ۱۳۱۲ در وزارت خارجہ کابل بتوسط اختیارداران مملکتین علیتین کہ از طرف حکومت افغانستان ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجیہ ، و از طرف حکومت ایران ع ، ج محمد تقی خان اسفند یاری سفیر کبیر دولت شاہنشاهی ایران در کابل برای عقد آن تعیین شدہ بودند .



امور داخلی

امور داخلی علاوه بر انتظام و رونق یافتن دیگر کارهای داخلی و اداری در شعبه یولیس خیلی ترقی نموده و در تعلیم و تربیه افراد آن سعی بلغنی بکار برده شده است، درین سال بتوسط یولیس سارقین دستگیر و اموال مسروقه پیدا و بصاحبان آن مسترد شده، امنیت عمومی در تمام ولایات قائم و برقرار است و درین سنه یکمده سوار ژاندارمه و یکمده یولیس بایسکل سوار جدیداً در قوای امنیه کابل تشکیل و نفری کجود قطعات تکمیل شده و نسبت به تهیه و تدارک اسلحه و تجهیزات و لوازمات یولیس و کوتوالی اقدامات لازمه اتخاذ گردیده است، علاوه بران بوسیله وزارت داخلی در حکومتی ها و علاقه داری ها عنداللزوم تغییر و تبدیلی بعمل آمده و دریاب حکومتی ها و علاقه داریهای جدیدالتاسیس برای رفاه اهالی غور و دقت بکار برده شده، چون احصائیه نفوس قبلاً ترتیب نگردیده بود در سال حاضر مدیریت عمومی نفوس در وزارت داخله جدیداً منظور و به ترتیب احصائیه نفوس بصورت صحیح شروع نموده است و یک حصه زیاد احصائیه مکمل و بصورت نفوسی اخذ عسکر اجرا گردیده، ع، ج، ا، ۱۰۱ نشان محمد گل خان وزیر داخله رئیس تنظیمی ولایات شمالی در سال ۱۳۱۲ با اختیارات مفصلی به ولایات شمالی اعزام گردید، ع، ش، محمد افضل خان فرقه مشر قوماندان قول اردو و حاکم اعلائی سمت جنوبی و ع، ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر قوماندان عسکری و حاکم اعلائی سمت مشرق مقرر شدند.

در بعضی مناطق حکومتی ها و علاقه داری های افغانستان عمارات جدید برای نشین حکام و علاقه داران و همچنین در مرحدات افغانستان تهانه های جدیدی ساخته شده.

کذا از ولایات و حکومتات یک عده یولیس برای اخذ تعلیم در کابل احضار و در تحت تعلیم و تربیه گرفته شده اند، که بعد اخذ تعلیم بمحل ما موریت خود مراجعت نمایند. علاوه تا دیگر اقداماتی که در امور داخلی شده مختصر آن قرار آتیست:

۱: توسیع تشکیل قوماندانی کوتوالی مرکز کابل.

۲: وضع لوائح تحقیقات ابتدائیه مجرمین.

۳: محاسب که سابقاً بصورت عصری نبوده فعلاً در ولایت کابل و بعضی دیگر ولایات بصورت منظم و عصری اصلاح گردیده است، در مرکز کابل یک محبس عمومی بصورت عصری با تمام ملحقات آن تعمیر و باکمال رسیده.

۴: نسبت به تعیین و تفریق درجات پاسپورت و سایر اجراءات مسائل متعلقه آن اقدامات درستی اتخاذ شده است.

۵: حکومتات و علاقه داریها بیکه جدید تاسیس یا تغییر و تبدیل یافته:

۱ - محیطش کوهی کابل که سابقاً ذریعه چهار علاقه داری مستقیماً از طرف ولایت کابل اداره می شد، حصه

چهاردهی بحکومت درجه ۲، و علاقه داری چهار آ سیاب مربوط آن، و حصه اول بتخاک بحکومت درجه ۳

بگرامی، و حصه ۲ بتخاک بحکومت درجه ۳ ده سبز تبدیل و تشکیل گردیده.

۲ - حکومت کلان لهوگرد که سابقاً بحکومت مذکور بحیثیت درجه اول بود لهذا عنداللزوم بحکومت کلان

تشکیل یافته و حکومتات درجه دوم میدان و وردک از مربوطات آن قرار داده شده.

۳ - علاقه داری کلنگار بحکومت درجه ۲ تحویل یافته علاقه داریهای ازرا و محمد آغه مربوط آن

قرار گرفت.

اجراءات دوائر مملکتی

- ۴ - در خوشی لہوگریک علاقہ داری جدید تشکیل و مربوط حکومت کلان آن جا قرار داده شد .
- ۵ - علاقہ داری قرہ باغ بہ اسم حصہ ۲ اندر تبدیل شدہ .
- ۶ - توجید ادارہ حکومتی های آقچہ ، و شبرغان ، سریل ولایت مزارشریف چون لازم بود بنا بران از اینها یک حکومت کلان تشکیل گردیدہ مرکز آن شہر شبرغان انتخاب شدہ ، قرقین و خمباب کہ سابقاً یک علاقہ داری و مربوط حکومتی آقچہ بود و تقریباً ۴۰ میل از آقچہ دور و بکنار دریای جیحون واقع است از حیث وسعت و کثرت نفوس و دیگر خصوصیات لزوماً از حکومتی آقچہ مجزا و بحکومت درجہ ۲ تبدیل و مستقیماً بحکومت کلان شبرغان مربوط و مرکز حکومتی در قرقین مقرر گردیدہ ؛ و در خمباب یک علاقہ داری تشکیل و مربوط حکومتی قرقین گردیدہ است . کذا در آقچہ نیز سہ علاقہ داری یکی در خانقاہ ، یکی در منگہ جک ، یکی در سردیان تجویز و تشکیل شدہ .
- ۷ - علاقہ داری نہر شاهی بنا بر کثرت نفوس و وسعت محیط بہ حکومتی درجہ اول تبدیل و در دہدادی علاقہ داری جدیدی مقرر و مربوط حکومتی مذکور گردیدہ ، کذا علاقہ داری چہار کند نیز کہ سابقاً مستقیماً از طرف نائب الحکومگی ادارہ میشد ہمین مناسبت بہ حکومت مذکور مربوط گردید .
- ۸ - کشندہ و بویقرہ کہ از مرکز خیلی دور بود و ہر کدام ازین دو علاقہ از طرف یک نفر علاقہ دار ادارہ میشد و مستقیماً مربوط نائب الحکومگی بودند از حیث بعد مسافہ و کثرت نفوس و وسعت محیط و سایر ملاحظات ، کشندہ بحکومتی درجہ ۳ تبدیل و علاقہ داری بویقرہ بر آن مربوط گردید .
- ۹ - حکومتی درجہ ۲ بلخ لزوماً بحکومت درجہ اول تبدیل و حدود آن با حکومتی های دولت آباد و نہر شاهی سر از نو تعیین و تمدید گردیدہ است .
- ۱۰ - در کلدار کہ بساحل نہر جیحون واقع است لزوماً از حیث بعد مسافہ و کثرت نفوس و وسعت محیط آن در آنجا یک علاقہ داری جدید تشکیل گردیدہ و مربوط حکومت تاشقرغان شدہ .
- ۱۱ - حکومتی درجہ سوم قندوز و ولایت قظن و بدخشان بحکومت درجہ دوم تبدیل و قلغہ زال مربوط حکومت مذکور ، یک علاقہ داری تشکیل و بآن مربوط گردیدہ است .
- ۱۲ - تشکیل حکومت درجہ سوم ، برای سہ ماہ در طول سال بمنطقہ دشت ایش و شیبہ مربوط حکومت کلان بدخشان از حیث اینکہ محل مذکور در وقت بہار جای اجتماع طوائف مالدار است .
- ۱۳ - یک علاقہ داری نظر بموقعیت آن بمربوطہ حکومت خوگیانی سمت مشرق بہ اسم ماما خیل تشکیل گردیدہ .
- ۱۴ - علاقہ داری موزائی بہ حصہ اول ، علاقہ داری سرکی بحصہ دوم و علاقہ داری متاخان سمت جنوبی بہ حصہ سوم زرمتم مسمی گردید .
- ۱۵ - علاقہ داری شرن با اسم یوسف خیل و علاقہ داری برلک با اسم سلطان خیل تبدیل شدہ .
- ۱۶ - علاقہ داری شیرین تکاب میمنہ نیز بنا بر وسعت اراضی و کثرت نفوس و غیرہ ملاحظات لزوماً بحکومتی درجہ دوم تبدیل و در دولت آباد علاقہ مذکور یک علاقہ داری تجویز و بآن مربوط گردیدہ است .
- ۱۷ - علاقہ داری بیرون سوئہ میمنہ بحکومت درجہ اول (پشتون کوت) تبدیل و علاقہ داربہای المار و کوهستان بآن مربوط گردیدہ است .
- ۱۸ - علاقہ داری فیصار بحکومت درجہ سوم تبدیل گردیدہ .

- ۱۹- در اند خوی سه علاقه داری یکی در قرم قول، یکی در قورغان، یکی در خان چهار باغ تجویز و تشکیل شده.
- ۲۰- در ولایت مزار و حکومتی اعلاى مینه دیگر تعدیلات هم کرده شده و اجرای آن نظریات و تشکیلات بسال ۱۳۱۳ زیر نظر گرفته شده و در بودجه سنه مذکور تکلیف گردیده است.
- ۶: تعمیر منازل برای بعضی حکومتی ها و علاقه داریهایی که سابقا محل اداره درستی نداشتند:
- ۱- تعمیر حکومت کلان شمالی اکمال یافته.
 - ۲- « حکومت کلان لوگر اکمال یافته.
 - ۳- « حکومت وردک اکمال یافته.
 - ۴- در نقطه پنج آب جهت اداره و نشیمن مامورین منسوبه حکومتی کلان دایزنگی عمارت موزونی تعمیر یافته و یکرسته بازار جدیدی در مرکز حکومتی کلان دایزنگی ساخته شده.
 - ۵- برای نشیمن و محل اداره حکومتی محال بهسود در حد را قول عمارت تعمیر و تکمیل گردیده است.
 - ۶- برای نشیمن مامورین حکومتی دایکندی در موضع خدر عمارت تعمیر و تکمیل گردیده است.
 - ۷- برای حکومت یکاولنگ تعمیر محل اداره حکومتی شروع گردیده که در هنده السنه مکمل خواهد شد.
 - ۸- تعمیر منزل دوم حکومتی کلان فلات.
 - ۹- « منزل دوم قوماندانی کوتوالی حکومتی کلان فلات.
 - ۱۰- « محبس حکومتی کلان فلات،
 - ۱۱- « عمارت جدید عصری برای حکومتی مرغاب هرات اکمال یافته.
 - ۱۲- « عمارت ها و مقامات برای نشیمن دوائر رسمی و حکومتات مربوطه ولایت قطغن و بدخشان.
- الف- تعمیر حکومتی رستاق اکمال شده است.
- ب- « حکومتی کشم اکمال یافته.
- ج- « حکومتی جرم اکمال شده است.
- ۱۳- تعمیر حکومت محلی سرخ رود اکمال یافته.
- ۱۴- « حکومتی کلان کنرها جاری والی اخیر سال با ختام میرسد.
- ۱۵- « حکومت محلی شنوار اکمال گردیده.
- ۱۶- « علاقه داری علی شنگک تحت تعمیر.
- ۱۷- « علاقه داری علی نگار تحت تعمیر.
- ۱۸- « یک عمارت جهت نشیمن حکومتی لغمان و اداره خزانه و کوتوالی آنجا و ترمیم سرای حکومتی لغمان بانضمام جای سابقه حکومتی و اطاقهای متعلقه و همچنین ترمیم مساجد، و تعمیر جاهای موزون برای اداره تیلیفون و بسته و دکا کین برای رفاهیت اهل کسبه.
- ۱۹- تعمیر عمارت مکمل جهت حکومتی اعلاى فراه و چخانسور.
- ۲۰- « عمارت برای قوماندانی کوتوالی و محبس و توقیف خانه در فراه.

اجراآت دوائر مملکتی

- ۲۱- تعمیر عمارت عصری جهت مامورین حکومتی بکواه .
 - ۲۲- « عمارت موزون درمنطقه گلستان برای اداره علاقه داری گلستان و کوهستان .
 - ۲۳- « علاقه داری لاش و جوین و تمديد يك رسته بازار جدید در انجا .
- ۷: تعمیرات عمومیہ .
- ۱- تعمیر مسجد خرقه نبوی (ص) واقع شهر فیض آباد بدخشان که بمرو زمان خراب شده بود .
 - ۲- « و ترمیم بعضی مقامات تاریخی در ولایت قندهار: ۱ تعمیر منار یادگار جهاد میوند و مقابر شهدا ، ۲ مقبره مدافع مشهور وطن جناب میر ویس بابا ، ۳ ترمیم مقبره اعلیحضرت احمدشاه بابا .
 - ۳- تعمیرات مختلفه در ولایت قندهار: ۱ عمارت متصل پل ارغستان ، ۲ عمارت بزرگ کوهگران ، ۳ ترمیم سلاخانه و دیگر مواضع در داخل ارگ قندهار ، ۴ تعمیر تپانه های داخل شهر قندهار .
 - ۴- تعمیر يك عمارت عصری برای هتل در ارگ قندهار .
 - ۵- « دکانهای عصری در سمت جنوبی میدان ارگ قندهار .
 - ۶- میدان ارگ قندهار که سابقاً يك میدان عادی بوده ، درین اواخر میدان مذکور را يك باغ عصری ساخته و در احاطه آن دیوار تعمیر شده و برای اهالی تفریحگاه موزونی گشته است .
 - ۷- تعمیر دکانهای جدید و عصری به دو طرفه دروازه بازار کابل قندهار .
 - ۸- دکانهای موزون و جدید به سمت شمالی دروازه هرات قندهار .
 - ۹- « يك عمارت در باغ سرده قندهار .
 - ۱۰- اصلاحات بلدی در شهر قدیم و جدید هرات .
 - ۱۱- تعمیر و تاسیس هتل جدید در هرات .
 - ۱۲- احداث باغ در مرغاب هرات .
 - ۱۳- ساختن دکانها در کشک هرات .
 - ۱۴- احداث باغ عمومی در شهر خان آباد در يك موضعی که دارای موقعیت خوب و برای آن (۲۴۴۴۴) متر مربع زمین اختصاص داده شده ؛ و توريد یکدسته سامان موزیک .
 - ۱۵- تهیه دو عدد کشتی جهت حمل و نقل موترها و غیره اشیای مال التجاره به دریای قندوز، در ولایت قطغن .
 - ۱۶- تعمیر و ترمیم و تجدید عمارات و نهال شانی باغات دولتی در سمت مشرق که در آن سمت نسبت بواقعه انقلاب بکلی خراب و برهم شده بود .
 - ۱۷- تکمیل سامان و لوازم دولتی و ادارات و عمارات سمت مشرق که در اثر انقلاب بتاراج رسیده بود .
 - ۱۸- کار تپانه های راه جلال آباد و دکه شروع و ازان جمله تپانه های اول، دوم و سوم چوره گلی و تپانه باریکاب باختتام رسیده .
 - ۱۹- اصلاحات امور بلدی شهر مینته .
 - ۲۰- تاسیس شهر جدید و تمديد بازارها و عمارات انفرادی در مرکز حکومتی اعلیٰ فرام .
 - ۲۱- تعمیر يك باب هتل جهت رفاهیت مترددین بطور عصری در فرام .
 - ۲۲- « يك عمارت عصری برای کلوپ که دارای باغ و میدانها برای اقسام ورزش ساخته شده .
 - ۲۳- « هتل در محل دل آرام فرام جهت رفاهیت مترددین .
 - ۲۴- « يك رسته بازار جدید در فرام ،

۸ : نایب الحکومه ها و حکام اعلی و سایر حکام در تمديد و ترميم جاده ها ، شوسه ها و پل ها مساعی زیادی نموده اند . که تفصیل آن جداگانه تذکار گردیده .

اجراآت ریاست تنظیمی ولایات شمالی

- ۱ : در میمنه برای رهائش عساكر چهاونی جدید تجویز و قسمت ابتدائی آن ساخته شده و کار باقیمانده آن جاری است .
- ۲ : تشکیل قطعه پولیس در شهر مزار شریف و غیره انتظامات .
- ۳ : برای اسکان کوچی ها اقدامات لازمه بعمل آمده و تقریباً برای (۲۶۹) خانه کوچی اراضی تدارک شده و در آنجا آباد گردیده .
- ۴ : در آبیك و تاشقرغان برای مسافرین جای تدارك و در مزار و آقچه هتل ساخته شده و سامان آن تهیه گردیده و در میمنه نیز يك هتل تعمیر گردیده .
- ۵ : تاسیس بلدیة ها و تعمیر شهر ها .

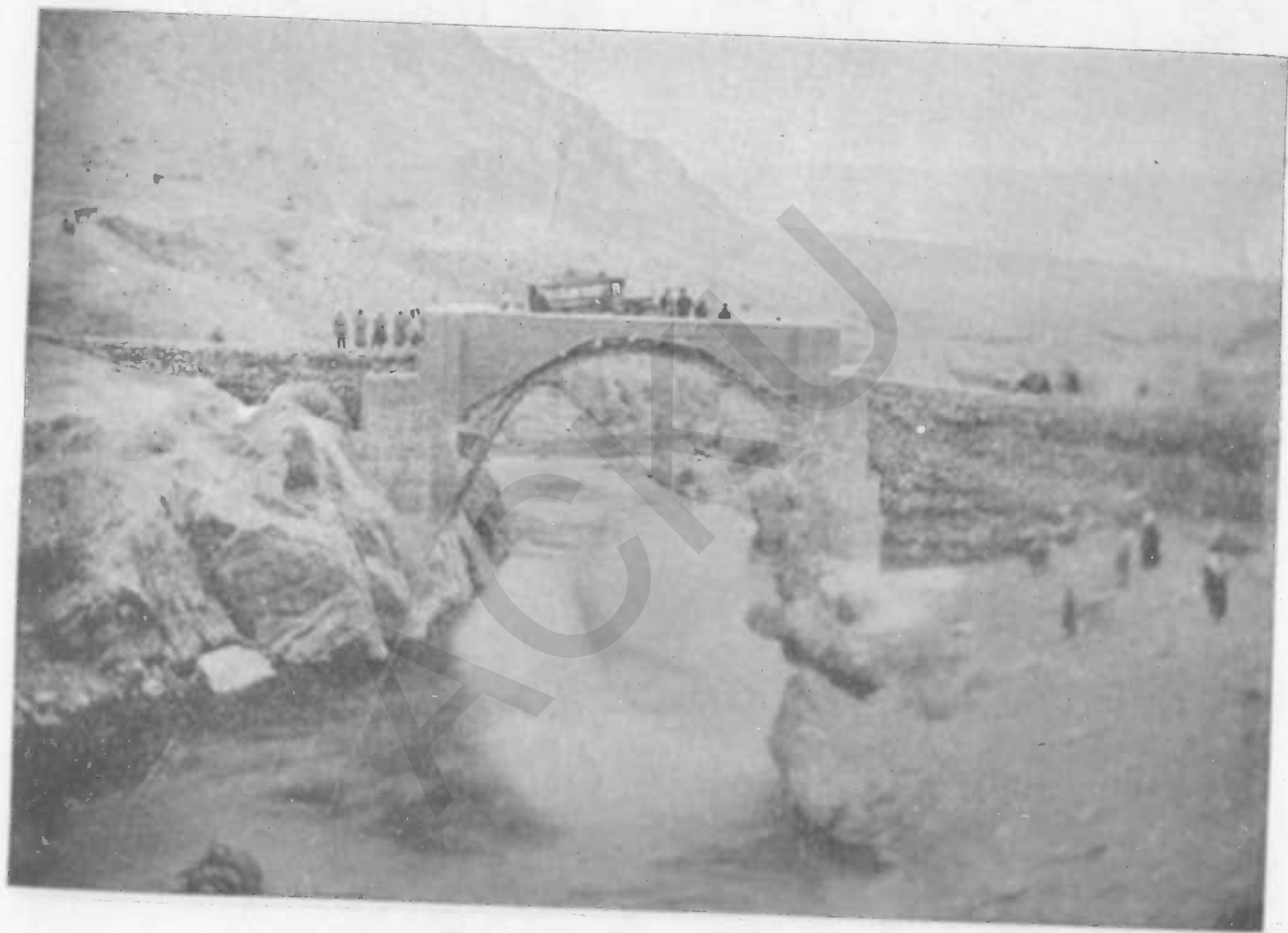
الف : آبیك که یکدره سبز و خرم بوده و هوای خوب دارد در نقاط عرض راه کابل منزلگاه و موضع قیمتداری است ، و در آنجا يك بازار خورد و متصل آن چند خانه هم موجود است ریاست تنظیمی لازم دانسته تا به آبادی موضع مذکور وسعت داده شود و در آنجا قصبه مناسبی بصورت عصری ساخته شود . لهذا مقدمتر از شروع بکار ، تشکیل يك ماموریت بلدیة را لازم دیده و تشکیل نموده .

ب : بلخ که شهر مهم و بزرگ تاریخی وطن و محل رهائش اولیه و مهد پرورش ملت ما بلکه غالب نژاد آریین ها بوده عظمت و افتخارات تاریخی آن در ادوار قبل الاسلام و بعد الاسلام یعنی اعصار (۶) و (۷) هجری در تاریخ های مختلفه دنیا مسطور و معروف است و پس از اینکه در عهد چنگیز این شهر و بنای تاریخی وطن خراب و احراق گردید ، دوباره عمران پذیرفته و تاحال بهمان وضع ویرانی و خرابی افتاده بود ، چون از حیث اهمیت تاریخی و جغرافیائی بلخ مستلزم عطف توجه بود بنا بر این ریاست تنظیمی لازم دانست تا این شهر تاریخی را سر از نو به يك نقشه عصری آباد کند چنانچه نقشه عمومی آن و دیگر عمارات از طرف دائره مهندسی باصول درست ساخته شده و کار بنا و تعمیر آن شروع گردیده است ، و به این مناسبت لزوماً در بلخ جدید بلدیة و دائره تعمیرات تشکیل شده است تا برای سال ۱۳۱۳ تدارکات نماید .

ج : در آنچه سابقاً قصبه کوچی آباد بود ولی در اثر انقلاب خراب و خاکدان شده است گرچه درین اواخر بازار آن ترقی و وسعت پیدا کرده ولی در داخل شهر از صدالی صدو پنجاه خانه پیش خانه واری نبوده اکثر دکا نداران و کسبه در دهات جوار آن سکونت داشتند ، ریاست تنظیمی آبادی آن را موافق بيك نقشه عصری زیر نظر گرفته مطابق به نقشه که از طرف ریاست تنظیمی ترتیب داده شده به آبادی آن اقدام نموده است ، چنانچه در سال جاری قسمتی از سرکهای شهر و بازار آن



پل گل باغ تعمیر سال ۱۳۱۲
Le Nouveau pont de Gol-Bagh (KABOUL)

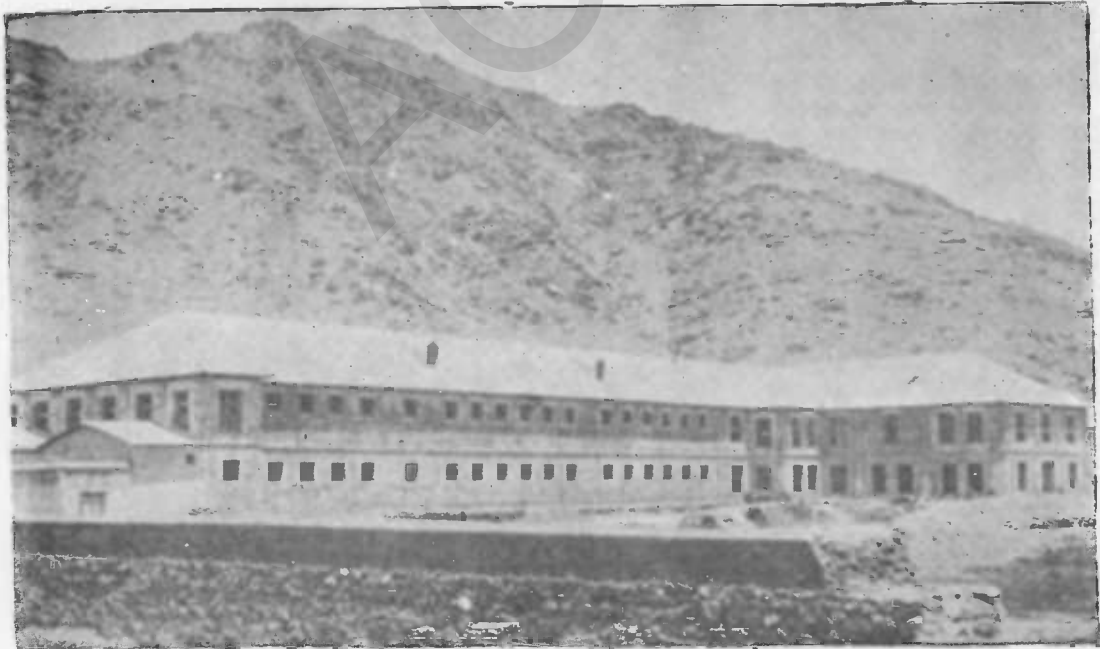


از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ ولایت خان آباد
پل جدیدیکه در فرخار ساخته شده و موسوم به پل ملا قربان میباشد
Le Nouveau Pont de Mola-korban è Khanabad.

Nouveau bâtiment de la Poste Centrale à Kaboul



تعمیر جدید عمارت پوسته خانه مرکزی کابل



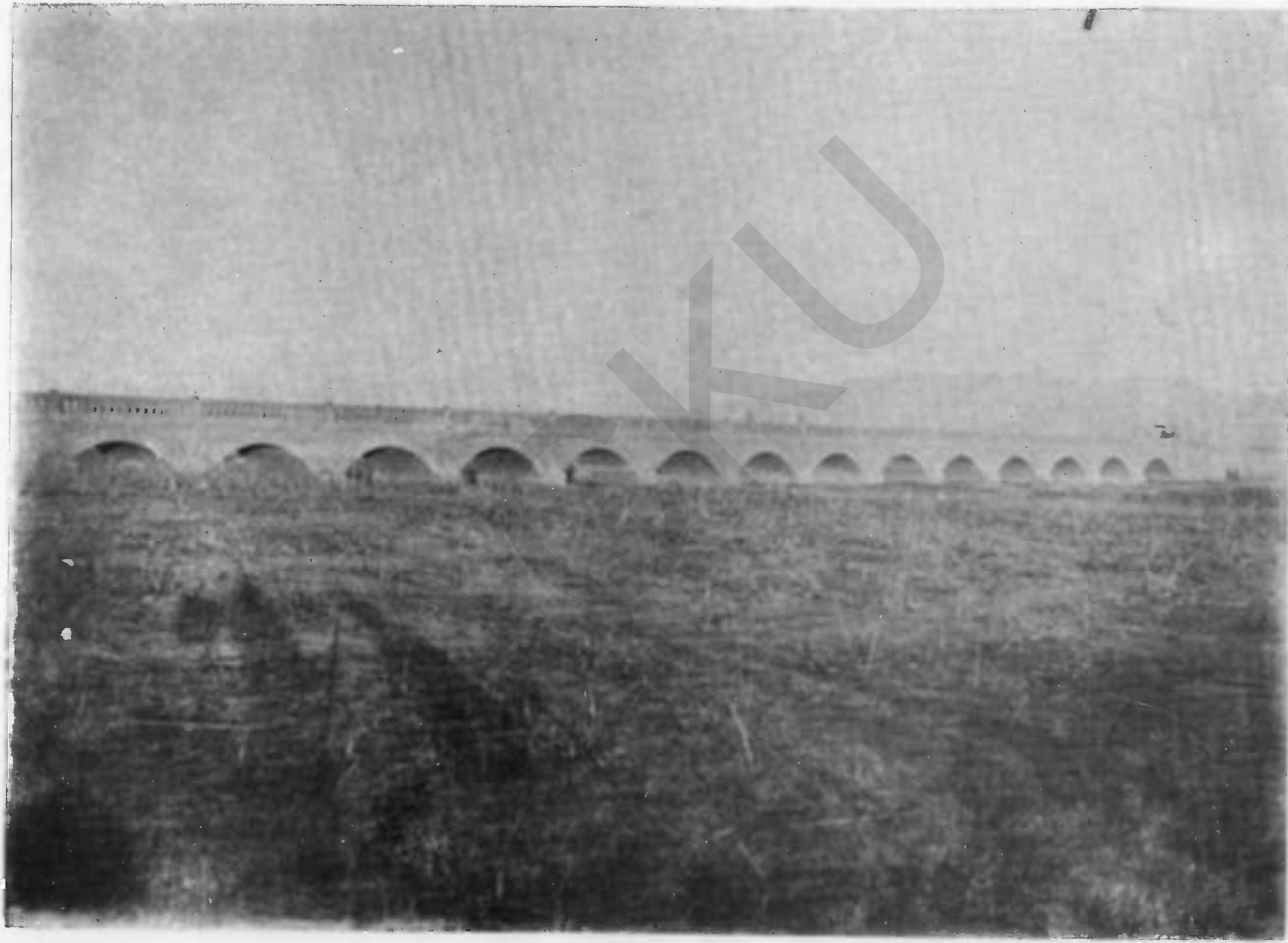
محبس ده مزننگ

که تعمیر آن در سال ۱۳۱۲ تکمیل شده و تماماً مطابق قواعد عصریه میباشد.

Nouvelle Prison à Kaboul, organisée suivant les méthodes modernes.



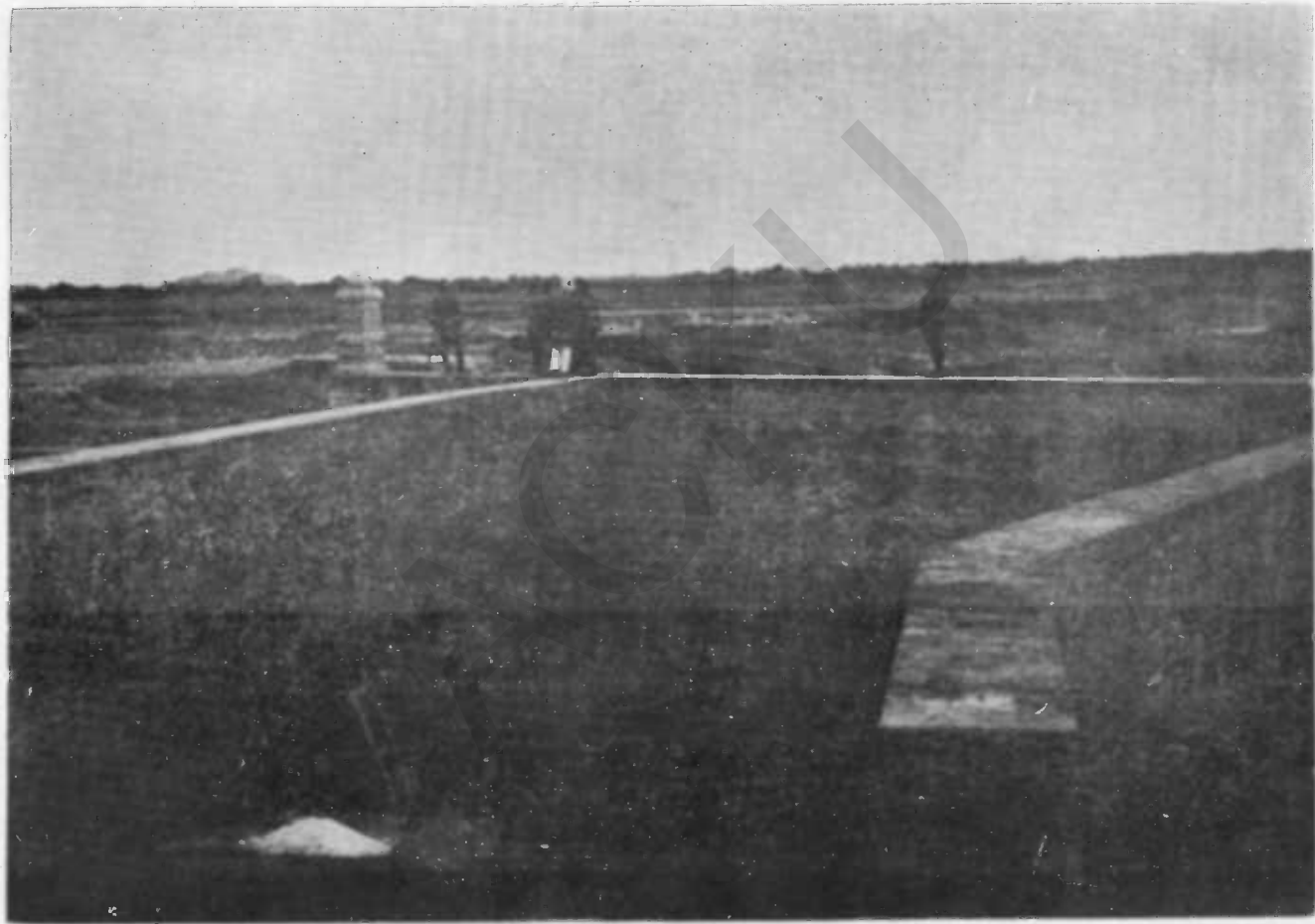
عمارت ریاست نسل گیری و تربیه حیوانات واقع علی آباد (کابل)
Nouveaux Établissements de Zootechnie et de Sélection à Kaboul.



پل سر اچہ علیخان
Un des Nouveaux Ponts sur la Route KABOUL- INDES (Le pont de SÉRATCHAI- ALI KHAN).



از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۳ مشرقی پل شیله نایق جلال آباد
Le Nouveau Pont de CHÉLÉ-I-NAKI, sur la Route KABOUL-PECHAWAR (Prov. de l'Est.)



کاسه بند نهر سراج جلال آباد که درین سنه کار مذکور با تمام رسیده و آب دریا به نهر مذکور جاری گردیده .
Barrage de NAHRÉ- SÉRADJ, dont les travaux se sont achevés depuis peu (Prov. de l' Est.)

از تعمیرات سال ۱۳۱۲ مشرفی

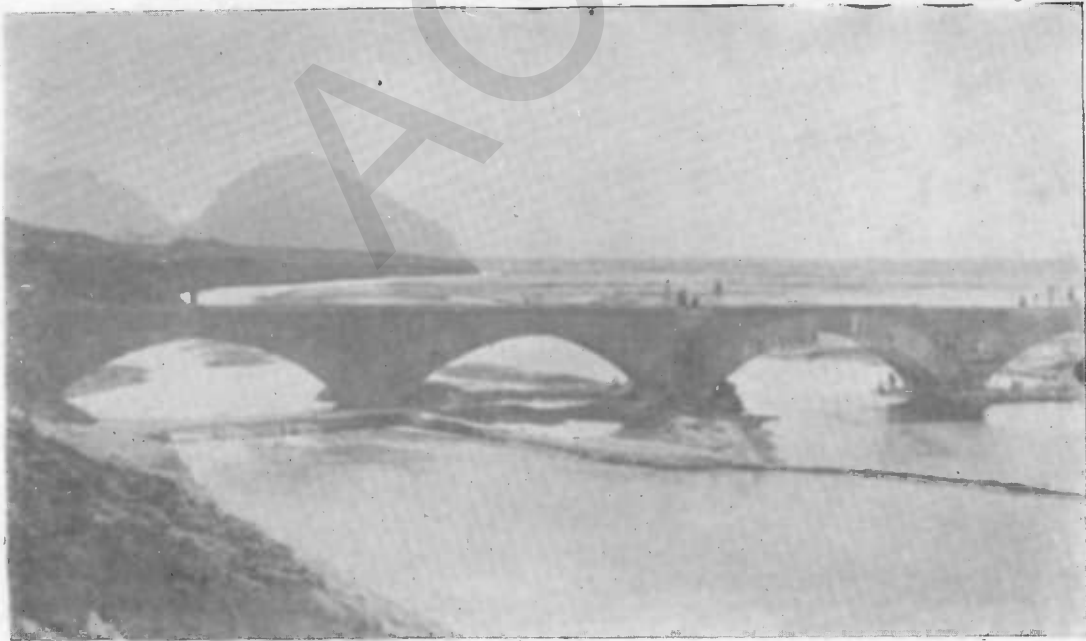


پل سراچه علیخان در جلال آباد
Nouveau Pont de SÉRATCHAI ALI KHAN à DJELALABAD (Sur la Route Kaboul- Peshawar).



عمارت باغ سرده (قندهار) که جدیداً از طرف بلدیہ تعمیر شده

Nouveau petit Villa dans le jardin de SARDEH à Kandahar.



عمارت پل کلان ارغنداب قندهار که جدیداً تعمیر شده و در شرف تکمیل است

Le Nouveau Pont d'ARGHANDAB sur la Route Kandahar-Hérat.



عمارت جدید مطبعه عمومی در کابل
Nouveaux Bâtiment de l'Imprimerie Générale à Kaboul



تعمیر هتل جدید در قندهار که در شرف تکمیل است



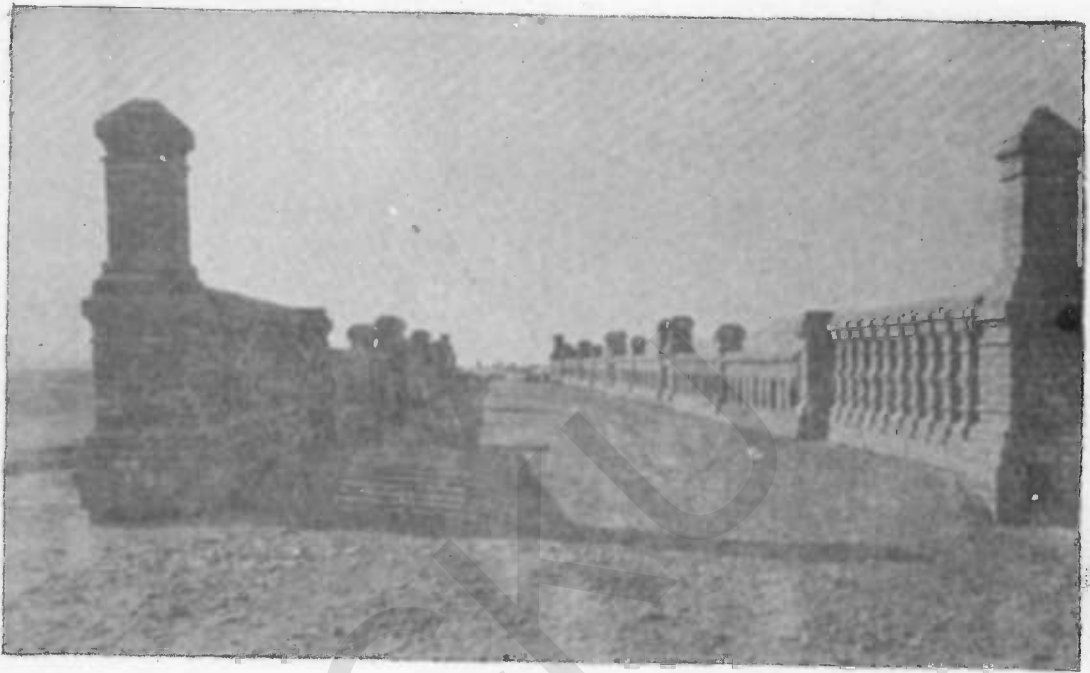
Type des nouveaux postes de Police à Kandahar.



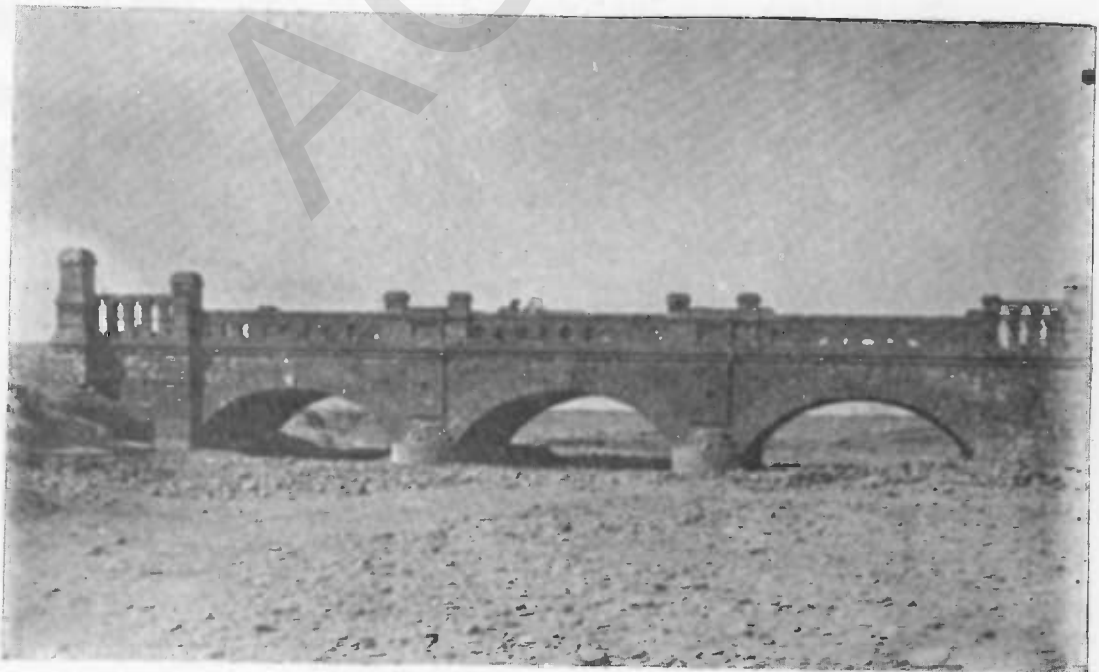
تعمیر جدید تهاغه پولیس در قندهار

Nouveau poste douanier entre Kandahar-Tchaman

Nouveau Grand Pont d'ARGHASSAN à Kandahar (sur la Route Kandahar-Tchamam).



پل کلان که در ارغسان قندهار جدید تعمیر شده



پل خورد که در ارغسان قندهار جدید تعمیر شده

Nouveau Petit pont d'ARGHASSAN à Kandahar (sur la Route Kandahar-Tchamam).

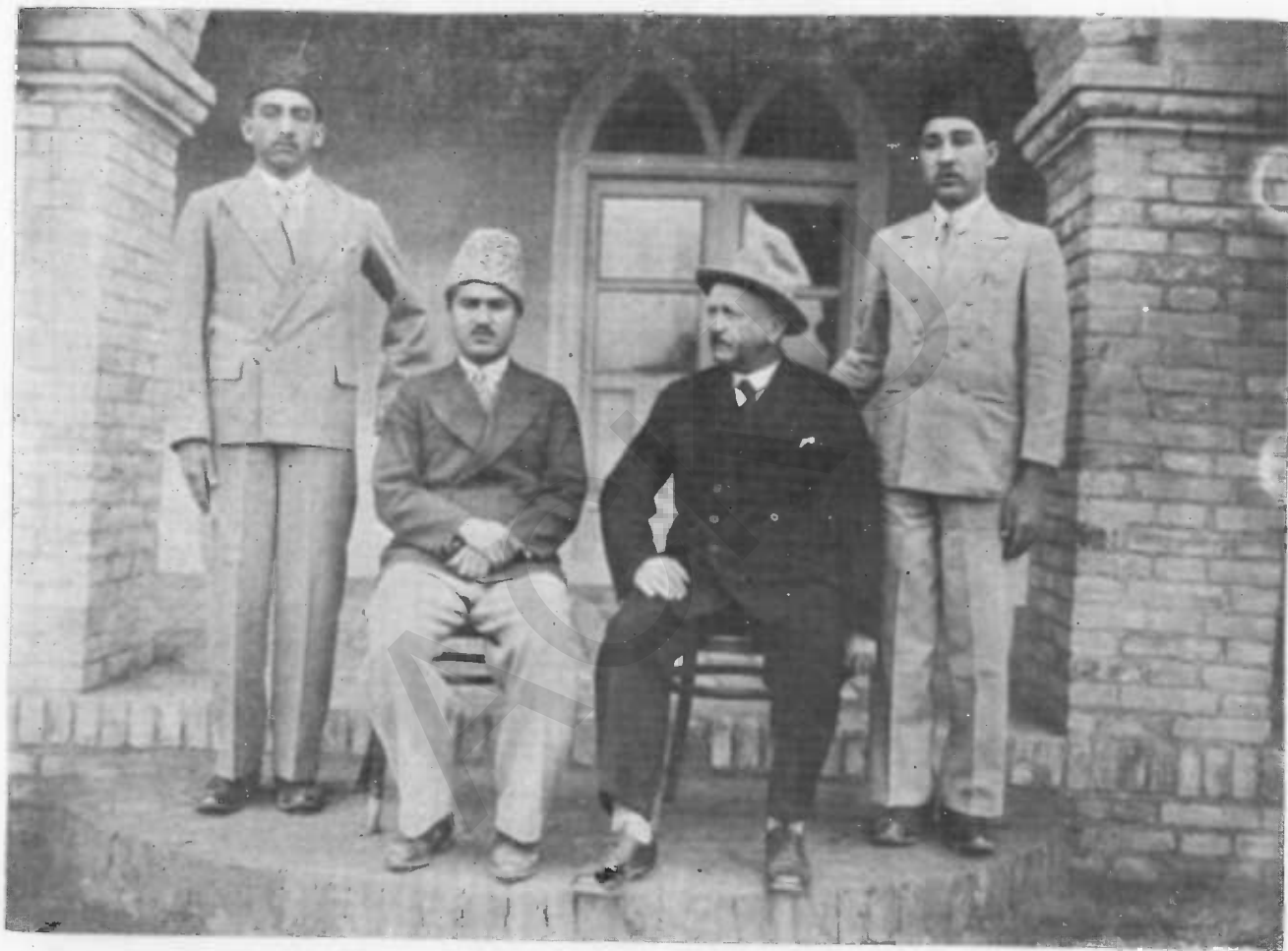


پل جدیدیکه در حدود چشت تعمیر شده
Pont en fer nouvellement construit à TCHECHT (Hérat) •
(Vue d'ensemble)



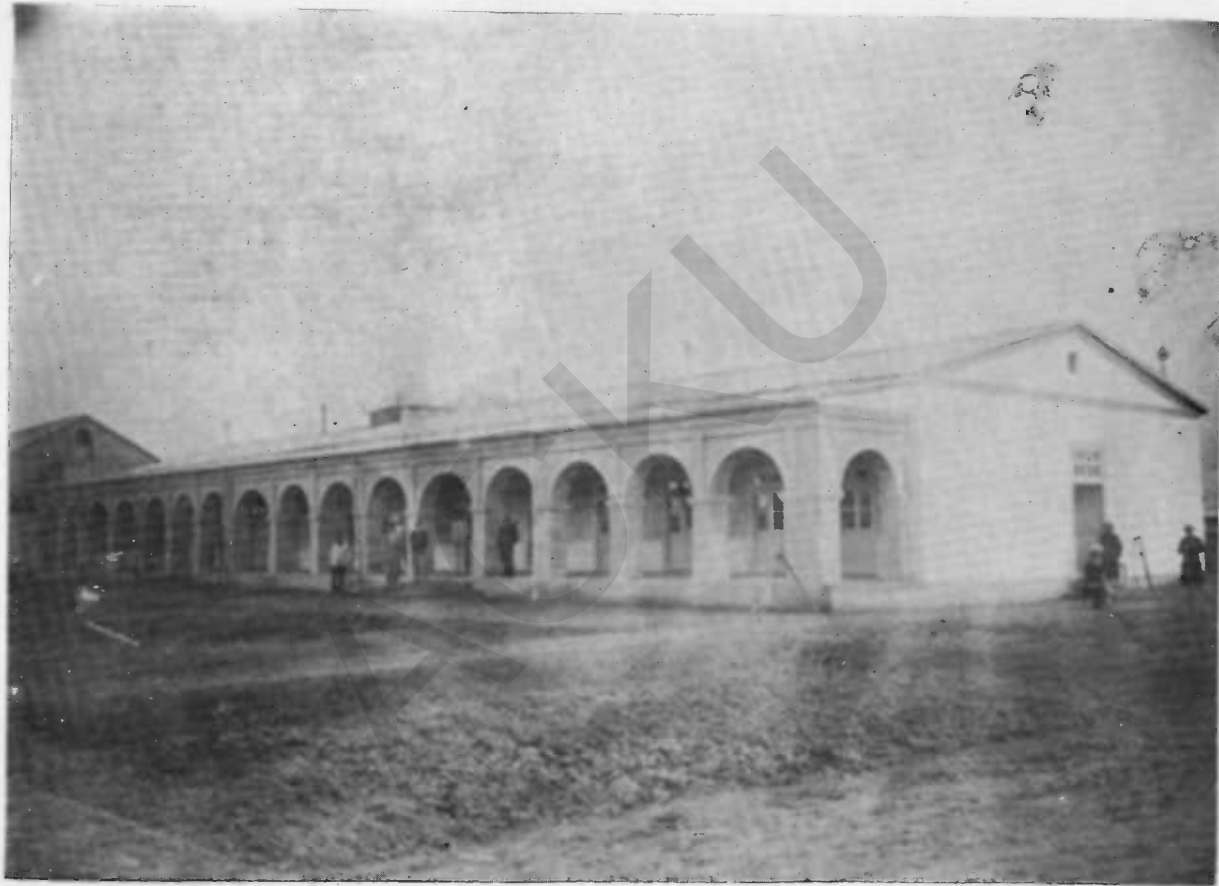
این پل در حدود چشت بروی رود هریرود از آهن تعمیر یافته و تعمیر آن
در عقرب ۱۳۱۲ با تمام رسیده است .

• Pont en fer nouvellement construit à TCHECHT (Hérat).
(Vue de près)



دائرة مهندسی ریاست تنظیمه مزار و میمنه
از طرف چپ به راست : (۱) فتح محمد خان نقشه کش ، (۲) محمد حسین خان مهندس افغانی تعلیم یافته چرمنی ، (۳) هر کش مهندس
آو سترایائی سر مهندس دائرة مهندسی ، (۴) ولی محمد خان نقشه کش .

Les Membres du Bureau d'Architècture des Provinces du Nord.



هوتل جدید در مزار شریف

Hotél en constructions à Mazar-I-Chérif.

اجراآت دوائر مملکتی

ساخته شده است ، که عکس شهر مذکور قبل از آبادی و عکس يك بازار جدید آن نیز برداشته شده .

د : شبرغان هم مثل آنچه است که آبادی آن زیر نظر گرفته شده و برای تدارکات و اجراآت لازمه در آنجا نیز يك ماموریت بلدیہ تشکیل شده است .

ه : در شهر تاشقرغان نیز در هذہ السنہ بلدیہ تشکیل شده و به اینصورت امور بلدی آنجا تحت مراقبت و انتظام و انضباط آورده شده .

و : در سرپل مثل تاشقرغان بلدیہ تشکیل و امور بلدی آنجا تحت اداره درست گرفته شده .

ز : بلدیہ که در اندخوی از طرف حکومتی اعلای مینہ تجویز گردیده بود ، از طرف ریاست تنظیمیه منظور گردیده است .

۶ : در اثر ممانعت بازارهای سیار و تشویق آبادی در حکومتی های قرقین و دوات آباد و کشنده ، شورتیه بازارها و دکان های جدید ساخته شده و کذا در اثر تشکیل علاقه داری در قلعه زال در آنجا نیز بازار ساخته شده .

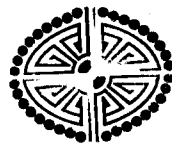
۷ : روضه حضرت سید ناعلی کرم الله وجهه ترمیم گردیده و جاده های جدید و وسیع باطراف آن کشیده شده و این موضع متبرک مرکز شهر قرار داده شده ، سه جاده وسیع بطرف شرق ، شمال ، جنوب کشیده کار ، جاده غربی آن جاری و عنقریب تمام می شود .

۸ : در شهر مزار شریف به تاسیس يك موزیم خانه اقدام کرده شده و آثار قیمتمدار تاریخی در آن جمع گردیده است .

۹ : يك مکتب قالین باقی تاسیس گردیده شاگردان در آن به آموختن صنعت قالین باقی بطرزیکه در ولایت مزارمعمول است مصروف اند .

۱۰ : برای انتظام و ترقی امور تجارت هم اقدامات لازمه کرده شده و از آنجمله بتاسیس شرکتها کوشش شده و تا حال ۳ شرکت در مزار ، ۲ در آنچه ، ۴ در اندخوی ، و یک در مینہ تاسیس گردیده است .

۱۱ : در خصوص امنیت ولایات شمالیه هم اقدامات لازمه بعمل آمده است و در آن جمله اتم بيگ شریر مشهور که یگانه محل امنیت آن ولایت شناخته می شد به اثر اقدامات ریاست تنظیمیه در ولایت مزار درقریه کاریز بارقتای خود از طرف مامورین و قراولان حکومت مقتول گردیده اند .



امور عدلیه

در امور عدلیه بتامی و تعقیب افکار شریعت پرورانه حکومت عادله انتظام صحیحی پیدا شده و در ترویج و تعمیم مقررات شرع شریف مساعی بکار گرفته قضاة و مفتیان و مامورین بآک نفس انتخاب و مقرر گردیده و مگر در چنانچه از آغاز دوره فرخنده نادرشاهی تا حال مامورین عدلیه مطابق خیالات شریعت پرورانه آن پادشاه شهید بصیر و دانا و شهریار دینداد حاضر در قمار نموده و بانهایت صداقت و امانت ایفای وظیفه مینمایند.

علاوتاً وزارت عدلیه در باب تدقیق و غوررسی عرائض اهالی هدایات لازمه بحاکم شرعی صادر و بوارسی عرائض عارضین و غوررسی و تدقیق فقرات حقوقیه و جزائیه و غیره مشغول بوده اصولنامه و لوائحی که ربطی بامور وزارت عدلیه داشته بترتیب و تنظیم آن پرداخته است.

اینک تعداد فیصلهجات صادره را و اصولنامه هائیرا که در وزارت موصوف توجه نموده شده مختصراً در ذیل ذکر مینمائیم :

- ۱ : اصولنامه نکاح ، عروسی ، ختنه سوری .
 - ۲ : اصولنامه تعزیه داری .
 - ۳ : تعداد فیصلهجات صادره ریاست اصلاحیه
 - ۴ : تعداد فیصلهجات صادره تمام محاکم شرعی
 - ۵ : تعداد وثائق شرعی صادره محاکم مرافعه و ابتدائیه
- ۱۴۰ فقره
» ۵۶۱۹
» ۷۳۰۸۴



امور مالیه

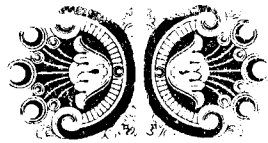
درین سته بوسیله وزارت مالیه بودجه مملکتی به پیمانه وسیع و اصول صحیح و منتظمی تدوین و عقامات مربوطه برای غور و تدقیق سپرده شد که هیچگونه مشکلاتی از رهگذر بودجه واقع نگردیده است.

باوجودیکه هیچک مالیهاتی که بملت تحمیل آن تکلیف شاقه بوده باشد جدید مقرر و وضع نشده اما از باعث بکار انداختن بعضی منابع جدید و توسعه و تکثیر امور واردات از قبیل آبادی و عمران اراضی زراعتی و غیره ۹ فیصد در عموم عایدات امساله نسبت بسال گذشته اضافه گردیده است.

محاسبات ماضیه و حالیه چه در مرکز و چه در ولایات، بحسن صورت تصفیه و هکذا برای تحصیل باقیات سنوات ماضیه چون در سابق اساسنامه مکفی وجود نداشت لایحه مناسبی وضع و تدوین شده است تا یاقیدهان اذیتی نرسد باساس لایحه مذکور اشخاص نادار اصولاً معاف و بباقی اشخاص مراعاتاً تحدید قسط شده و ازین رو یکمقدار پول زیاد بخزاین دولت تحویل و هم اشخاص باقی ده از تکالیف فارغ گردیده اند.

مالیات باقسط مقرر و مواعد معینه بصورت مرغوب که نه باهالی و نه بحکومت تکلیفی عاید گردیده جمع و تحویل داده شده؛ کذا برای بدست آوردن ثروت و بکار انداختن منابع عایدات مساعی لازمه بعمل آمده که درین راه امور مالی مملکت قدم های وسیع می بردارد تا ثروت وطن ترقی یافته و دولت بتواند باجرائی پلان های بزرگی که از جمله آرزو های ترقیخواهان اوست اقدام ورزد. علاوه از تشکیلات موجوده وزارت مالیه یک مشاور مالی از خارج نیز استخدام گردیده است.

برای توسعه و ترقی امور مطبع عمومی از قبیل حروف، کاغذ، رنگ و غیره لوازم و اسباب ماشین و آلات طباعتی بتوسط ریاست مطابع و برای توسعه و پیشرفت امور ضرابخانه تماماً لوازم و ادوات کیمیاوی و سامان لازمه که عوامل مهم آنست تهیه شده و نسبت بگذشته از توسعه تشکیلات و غیره اجراءات وسعت لازمه بعمل آمده است.



امور معارف

امور معارف در اثر توجهات معارف پرورانه اعلیحضرت همایونی نظریه توسعه مکاتب و تعمیم و تربیه اطفال چه در ولایات و چه در مرکز رونق و انتظام خوبی یافته و تمام نواقصیکه در اصول تعلیم مکاتب بود رفع شده است، صورت امتحانات مدارس با اصول خیلی صحیح بعمل آمده و طلاب بوجه احسن توانستند در نتیجه امتحانات کامیاب شوند، درین سال یکمده کافی طلاب از مکاتب عمومی و دارالعلوم عمریه و دارالحفاظ فارغ التحصیل و یک عده از طلبه که از مکاتب عالی فارغ التحصیل گردیده بقا کولته طی شامل شده اند. کذا عده از فارغ التحصیلات معارف بمقصد کسب تخصص بدارالفنونهای امریکا و اروپا اعزام گردیده اند.

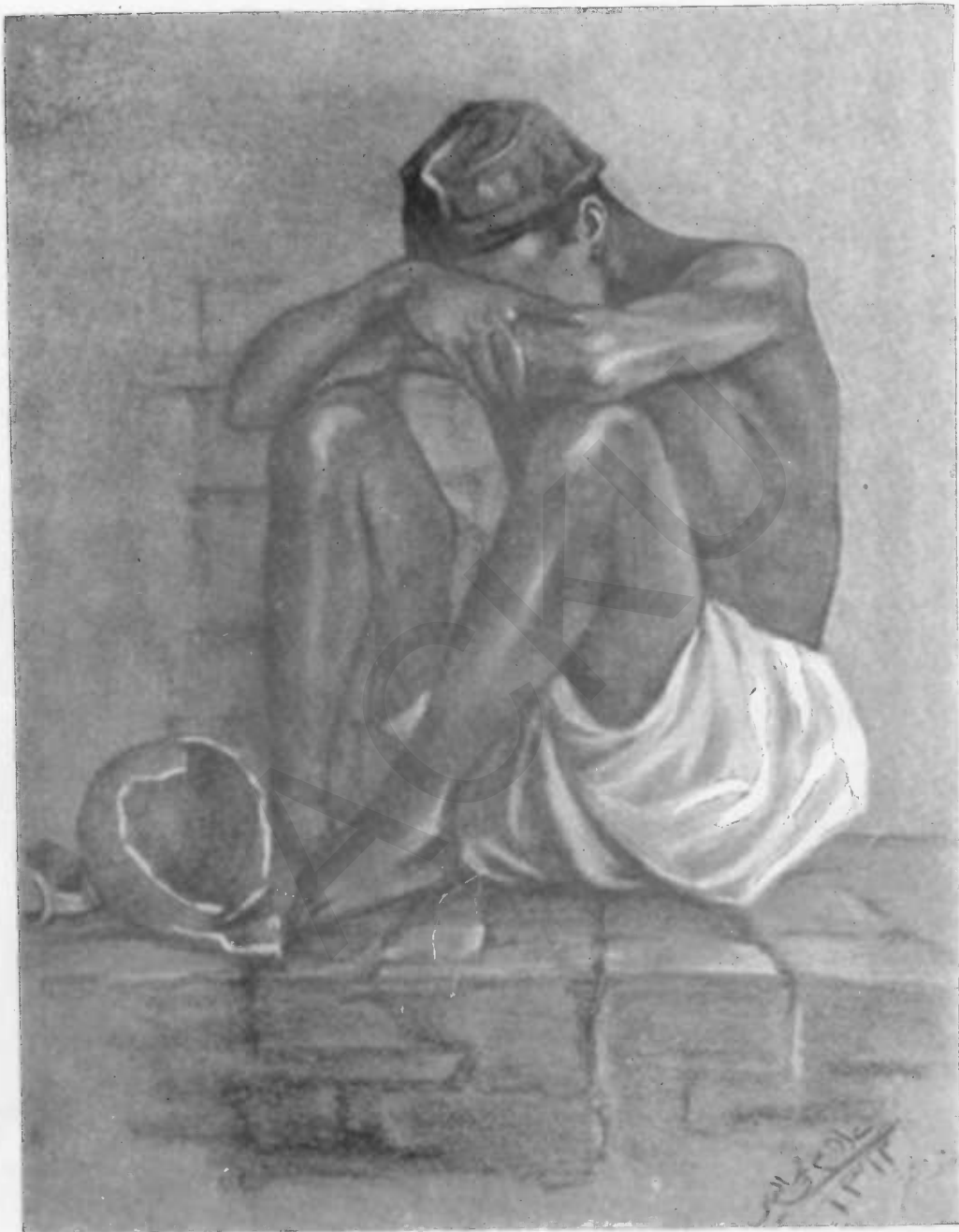
بودجه معارف نسبت به سال گذشته ترنید یافته، سامان و لوازم تکمیل و انواع سیورت در مدارس عملی و مقامات مخصوص برای اینکار تخصیص داده شده، مکاتب متعدد خانگی در اطراف مملکت و مکاتب ابتدائی در مرکز تاسیس و یکمده اطفال مملکت تازه داخل این مکاتب جدید گردیده اند، برای اینکه تمام وسائل تعلیمیه در وزارت معارف موجود باشد کتب کلاسی و تعلیمی زیاد تالیف و تهیه شده است. در سنه گذشته فاکولته طی درخود مرکز تشکیل و تاسیس شده و عده از کامیابان دیگر مکاتب در آن بدوره دوم قدم نهاده از مکتب طی که سه سال قبل تاسیس شده بود عده کامیاب آمده و در شفاخانههای مرکز مصروف عملیات میباشند.

علاوتاً وزارت جلیله معارف در جمع آوری آثار عتیقه سعی بلغی نموده که فعلاً موزه کابل ترقی شایانی کرده است، درتیه مرنجان و نجراب و قلعه هزارهای چنداول حفریات اجرا گردیده و نتیجه خوبی بدست آمده است، کذا از حفریات «میدان» مربوطه ولایت کابل یکمقدار مسکوک طلائی شاهان غور و غیره بدست آمده. برینوجه در قسمت مسکوکات موزه کابل خیلی چیزهای نفیس علاوه شده.

رخصتی موسمی طلاب مدارس درین سنه از لحاظ برفباری و شدت سرمای کابل از موسم تموز بزمستان تبدیل داده شده و برای اینکه در ساعات تعلیم شان نقصی وارد نشود برای طلاب مدارس عالییه نان چاشت نیز از بودجه معارف تعیین گردیده است، در وزارت معارف عمارت بزرگی برای دوائر وزارت تعمیر محل نشیمن سابق دوائر وزارت برای کلوب معارف تخصیص داده شده، برای مکتب صنائع نفیسه عمارت موزونی تعمیر و قریب الاختتام است، در عمارت مکتب استقلال و حیویه توسعه داده شده و برای مستخدمین وزارت معارف اپارتمان تعمیر و کار آن با تمام رسیده. در حکومتی اعلائی فراه درین سنه مساعی زیادی نسبت بترقیات امور عرفانی بعمل آمده مخصوصاً تعمیر یک منزل عالی که دارای باغ و همه گونه لوازم است بنشاده و برای مکتب آنجا تخصیص داده شده است.

وزیر جدید معارف که شخصاً از اولاد های فارغ التحصیل خود مکاتب افغانستان و درجات عالییه تعلیمات را در مرکز و ممالک خارجه در یافت نموده اند با کمال جدیت و فعالیت مشغول گذاشتن اساس صحیح و معقول و مطابق احتیاجات و روحیات ملت در معارف بوده و امید است در مدت قلیلی وزارت معارف بتواند آرزوهای حکومت معارف پرور خود را که نسبت به ترقی و تعالی این وطن دارند، برآورده سازد.





نمونہ رسامی یکی از طلبہ مدرسہ صنائع نقیسه کابل
Spécimen du dessin d'un des élèves de l'Ecole des Beaux Art de Kaboul

امور تجارت و زراعت

امور تجارت، زراعت، درین سال پیشرفت شایانی نموده شرکت‌های تازه تاسیس شده دوائر اقتصادی منظم و تزئید و تکثیر در محصولات گمر کی بعمل آمده، توسعه و حفظ جنگلات و احداث جنگلات جدید در تمام ولایات و حکومت‌های اعلی‌المراتب و رونق خوبی یافته است، حتی تخم‌های اشجاریکه در افغانستان نبوده و در خارج موجود و قابل پرورش بآب و هوای افغانستان است از خارج جلب و در نظر گرفته شده که جبال بی اشجار سرسبز و مشجر شود.

کذا از سال‌های متمادی چندین رقم اشیائیکه هیچ مفید احوال اهالی نبوده و از جمله چیزهای تجلی بی فائده بشار می‌آید به افغانستان وارد میگردد و یکمقدار زیاد پول افغانستان بآن واسطه به ممالک خارجه صادر میشود و نیز بعضی سامان در خود وطن تهیه و ساخته میشود که نسبت باجناس خارج بر اتب بهتر و نظیف تر است و رود آنچنان چیزهای تجلی و اینگونه اجناس باافغانستان ممنوع قرار داده شده که بملت فائده خوبی ازین اقدام عاید میگردد.

همچنین در تمام شعبات تجارتی اجراآت مفید و معقولی بعمل آمده که هر کدام آن اهمیت و مقام مخصوصی را در تجارت و اقتصادیات مملکت ممالک میباشند. ذیلاً یکمده اجراآت و کارهائیکه در امور تجارت و زراعت شده اجمالاً بصورت مختصر ذکر میشود:

- ۱: در اطراف و نواحی کابل جنگلات توسعه داده شده و یکمقدار نهال زیاد در جنگل کته پلوان غرس شده است.
- ۲: یک حصه زمین کافی در بینی حصار برای قوریه هر قسم نهال اشجار و بته تخصیص یافته است، کذا در جنگل با بر شاه چنارهای رقم نیله باصول فن زراعت تربیه شده که استفاده خوبی از آن بعمل خواهد آمد.
- ۳: یکپزار جریب زمین برای اشجار عمر عمر و ریمه و سفیدار تعیین شده که در هر جریب چهار لک قلمه نهال غرس شود.
- ۴: بموجب هدایات دولت تمام ولایات و حکومت‌های اعلی‌المراتب به تکثیر جنگلات اقدام نموده و رایور نهال شانی را بوزارت مربوطه خود داده اند.
- ۵: قبلاً نگهبانی جنگلات پسته بصورت اساسی و درست نمی‌شد بولایات هدایات صادر شده است که عوض درختهای پسته که خشک شده باشند نهال جدید بنشانند و اهالی را نگذارند که بقطع آن اقدام نمایند در ولایات بموجب هدایت عمل و در سال حاضر امور جنگلات پسته منتظم گردیده.
- ۶: در باب شیرخشت نیز مانند پسته اقدامات بعمل آمده و از چهاریکه شیرخشت نیز مبلغی حاصل و عاید دولت شده است.
- ۷: برای اینکه در ایورهای فنی بوده میخانیک نیز باشند بقرض رفاه اهالی و تجار مکتبی بنام مکتب در ایوری و میخانیک تاسیس شده که متعلمین این مکتب‌کنون مشغول تعلیم نظری و عملی میباشند و معلمین قابل برای آن انتخاب شده.
- ۸: اسباب و وسائل کارآمد دوائر مالیه، فوائد عامه، داخله و پوسته و تلگراف، مطبوعه عمومی بدریعه وزارت تجارت از خارج تهیه و آماده شده است.

- ۹ : شرکت (پشتون) قندهار از مؤسسات خیلی نافع سال مذکور است چه تجار آنجا اخیراً ضرر تجارت انفرادی را دانسته و بموجب رهنمایی دولت بتاسیس آن شرکت اقدام و از خساره هائیکه به تجارت میوه قندهار واقع میشد فعلاً جلوگیری می نمایند، و صادرات میوه خشک و تازه مخصوصاً از ولایت قندهار در خارج توسعه یافته است .
- ۱۰ : از جمله شرکت های جدید التاسیس یکی شرکت امید کابل است که البسه عساکر مملکت را از منسوجات وطنی تهیه میکند چنانچه در سال مذکور علاوه بتدارک البسه عسکری یکمقدار کافی از اقسام کشمیره ها برای فروش عمومی هم حاضر کرده توانست .
- ۱۱ : دیگر از شرکت های مهمه شرکت بطرول کابل از حیث انتظام واردات نفتی خیلی مفید میباشد .
- ۱۲ : اصولنامه گمرکی سابقاً دارای موادی بود که قسماً در پیشرفت امور تجارت مواعی می نمود لهذا درین سال بانهایت دقت و حسن توجه تعدیلات کاملی در آن بعمل آمده .
- ۱۳ : همچنان چهار یکم کسشم که از عایدات ترانزیتی، دولت استفاده می نمود درین سنه کاملاً برای تجار واگذار گردید و نیز محصول صرفیات داخلی بتقصید مرفه الحالی اهالی و تجار کاملاً معفو گردید .
- ۱۴ : یک شعبه نسلگیری (بر علاوه دائره نسلگیری علی آباد) درقریه خواجه ملای کابل تاسیس شده که دران حیوانات تربیه می شود .
- ۱۵ : بعلاوه بندهائیکه از آغاز سال دوم جلوس اعلیحضرت شهید در نقاط لازمه مملکت تعمیر گردیده درین سنه بند مچلغو در سمت جنوبی تحت تعمیر است که این بند خیلی مفید بحال زراعت آنحصه مملکت واقع میشود .
- ۱۶ : تفصیل تزائد عایدات گمرکی وزراعتی امور تجارت و زراعت مملکتی و تعمیراتیکه درخود مرکز درین سنه بعمل آمده قرار آیدست .
- الف تزاید عایدات :
- ۱ : شعبه گمرکات : واردات و صادرات سال ۱۳۱۱ نسبت به سال ۱۳۱۰ در واردات ۳۰ فیصد و در صادرات ۱۰ فیصد زیاد شده است .
- ۲ : عایدات گمرکی سنه ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱۱ ده فیصد زیاد شده است .
- ۳ : شعبه محاسبه : عایدات عمومی وزارت تجارت سالنامه ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱۱ بیست فی صد اضافه شده است .
- ب تعمیرات :
- ۱ : تعمیر گمرک قلعه محمود خان : این عمارت بصورت اسامی بوده و برای گمرک نهایت موزون است زیرا تمام لوازم اداره گمرکی در آن موجود و از هر حیث مکمل است .
- ۲ : تعمیر دکانهای چمن حضوری : رسته دکانهای مذکور بصورت عصری بوده و برای مفاد عمومی ساخته شده است .
- ۳ : تعمیر دوا خانه عمومی : دواخانه مذکور برای حفظ اسامی ادویه جات و تقرر بعضی معالجه خانه ها از قبیل دندان سازی و غیره ساخته شده و از هر جهت مکمل و عصری است .
- ۴ : تعمیر سراي عبدالرحمن خان : در سراي مذکور گاراج های منظم با اطاقهای متعدد ساخته شده و مدیریت حمل و نقل و بعضی شرکت ها و دوائر دیگر نیز دران اقامت دارند .

اجراآت دوائر مملکتی

- ۵: تعمیر ایپارتمان: عمارت مذکور برای رهائش مستخدمین خارجی متعلقه وزارت تجارت تخصیص داده شده.
 - ۶: تعمیر فابریکه سنگ تراشی.
 - ۷: تعمیر ماشین خانه چهاراره.
 - ۸: تعمیر عمارت رنگریزی.
 - ۹: تعمیر عمارت مکتب زراعت و پیله خانه، عمارت مذکور بصورت عصری بوده و برای مکتب زراعت و پیله کشی نهایت موزون است.
 - ۱۰: تعمیر عمارت تربیه حیوانات.
 - ۱۱: ترمیمات باغ با بر شاه: باغ با بر شاه که سابقاً یک باغ عالی و در اثر مرور زمان و عدم پرداخت نهایت بر هم و خراب شده بود از طرف حکومت متبوعه بآن توجه شده ترمیمات زیادی در عمارات و مقبره با بر شاه و دیگر خاندان ببری که در آنجا مدفون اند و مسجد سنگی و باغچه های آن نموده و علاوه حوض های موزون جدید در حصص لازمه آن ساخته و در احاطه آن دیوار بزرگی آباد کرده و باغ مذکور را به نسبت سابق دو چند بهتر و موزون تر ساخته است.
 - ۱۲: تعمیرات داخلی وزارتها: تعمیر منزل دوم وزارت تجارت و تخصیص آن برای کلوپ و بعضی دوائر دیگر و همچنین تعمیر منزل دوم وزارت مالیه و ترمیم داخلی وزارت خانه ها از قبیل رنگالی و غیره.
 - ۱۳: تعمیر گمرک ارغنده: عمارت مذکور برای اداره گمرکی ارغنده تعمیر و از مدتی است که ماموریت گمرکی در آن اقامت دارند.
 - ۱۴: ترمیم بند خورد کابل.
 - ۱۵: ترمیم دکانهای متعدد مربوط وزارت تجارت.
 - ۱۶: فروش املاک: از طرف دولت مقرر شده تا یک اندازه املاک مزروعی بفروش رسانیده شود تا کسانی که بی بضاعت هستند مالک املاک گردیده و مرفه الحال زندگانی نمایند و یکمقدار زمین مزروعی و باغی جهت آسایش مهاجرین داده شده که صورت آن قرار ذیل است:
 - ۱: بفروش رسانیده شده: املاک باغی ۱۴۱۰۸ اصله. املاک مزروعی ۸۰۶۴ جریب.
 - ۲: برای مهاجرین داده شده. باغی ۱۴۲ اصله. مزروعی ۳۲۰ جریب.
 - ۱۷: مدافعه ملخ: ملخ که یکی از حشرات موذیه و اضرار آن همه معلوم بوده و هیچ مملکتی نیست که دچار مضرات فلاحی این پرنده موذی نشده باشد.
- این پروانه مضر در بعضی حصص شمالی افغانستان از سالهای درازی موجود بوده و به کشت و زراعت ضرر میرسانید و اهالی تا اندازه مقدور مدافعه آن می برداختند اما ایام انقلاب فرصت خوبی باین پروانه مضر بخشیده و مردم کمتر متوجه دفع آن شده توانستند و باین واسطه در حصص شمالی مخصوصاً ولایت مزار شریف و قطن و بدخشان بیشتر مشغول گذاشتن تخم و قایم نمودن میچک خود گردیده و توانستند تا یک اندازه بتزارع نقصانات وارد نمایند، حکومت که برای رفع و اصلاح تمامی نقصانات ملی متوجه است این مسئله را نیز مورد دقت و توجه قرار داده و چاره اساسی برای دفع آن سنجدیه متخصصین ماهر دفع ملخ استخدام و هیئت های مدافعه ملخ که مرکب از مدیریت ها و ماموریت ها است بایک بودجه وسیعی منظور نموده است.
- این هیئت ها اقدامات اساسی راجع بدفاع نموده و حصه زیاد آن را معدوم ساخته است. اگرچه ملخ بکلی تباہ نشده و اثرات آن کم کم در بعضی مزارع یافت میشود ولی چون برای دفاع آن به نهایت جدیت و فعالیت مشغول اجراآت اند امید است که به بسبار زودی زراعت آن سرزمین از اضرار آن خلاصی یافته و اهالی از

مضراتش مصئون گردند. اینک مختصر اجراءات هیئت های مدافع ملخ در مزار شریف و قطن را با صورت تشکیلات آن و مواضعی که مورد حمله ملخ واقع شده در ذیل تصریح میداریم :

۱ : هیئت مربوطه ولایت مزار شریف :

هیئت مربوطه مزار شریف باشتراك یکدسته شش نفری از متخصصین شروع به عملیات و مواضع زای ملخ را کشف نموده در اوائل برج حمل سال ۱۳۱۲ بوسائل نشر ادویه و غیره امور فنی اقدام به مبارزه نمودند درین اقدام اهالی مزار شریف هم از عملیات وطنی دست نکشیده بوسائل مختلفه وطنی از قبیل کشیدن تخم ملخ و حریق آن در موقع پرواز ، حفر جرها ، و افکندن ملخ در بین آن ، و از طرف شبها به اتلاف آن از معاونت با هیئت متخصصین فر و گذاری نموده حتی المقدور در مقابل این آفت تشریک مساعی و استقامت بخرج داده و نگذاشتند که ضرر آن مدهش و قطعی شود .

۲ : هیئت مربوطه ولایت قطن و بدخشان .

هیئت مربوطه ولایت قطن و بدخشان به کمک اهالی در کشیدن زای مذکوره تا حد امکان کوشیده و هم حکومت برای اینچنین اشخاص (آنهائی که تخم ملخ را جمع آوری میکردند) جوایز و انعامات مقرر داشته بود تا اهالی بصورت رضاء و اختیار خود بجمع آوری تخم این آفت تباه کن اقدام کنند و در نتیجه همین عملیات هر روزه چندین خروار تخم ملخ در مناطق مختلفه جمع آوری گردیده و عمال آن انعام خود را دریافت می نمودند که مقداری جمع شده تخم ماخ از طرف هیئت مقرر سوختانده می شد باین ترتیب امور مربوطه به کشفیات سپری شد ، اما بعضی مناطق باز هم در قطن موجود بود که لازم می نمود تحت تحقیقات و نظرفنی قرارداد داده شود تا مجدداً ظهور حشره مذکور مورث زیان و خسران نگردد لهذا مناطق مشبوهه از آغاز سال جاری طرف توجه قرار داده شد و عملیات ممکنه در آن باره اجرا گردید . اسامی مواضع و اراضی که مورد حمله ملخ قرار گرفته و عملیات در آن اجرا شده بر حسب ذیل است :

الف : ولایت مزار شریف : ۱ : آقچه . ۲ : دولت آباد . ۳ : تاشقرغان . ۴ : شبرغان .
 ۵ : بلخ . ۶ : مرکز مزار شریف و توابع آن . ۷ : خرم و سارباغ ، روئی و دوآب . ۸ : دره صوف .
 ۹ : سنگ چهارک . (۱۱۸۸۳۰ جریب عملیات شده) .

ب : ولایت قطن و بدخشان . ۱ : خان آباد . ۲ : تالقان . ۳ : حضرت امام صاحب . ۴ : قندوز .
 ۵ : غوری . ۶ : بغلان . ۷ : اشکمش . ۸ : اندراب . ۹ : خنجان . ۱۰ : تاله و برفک .
 ۱۱ : نهرین . ۱۲ : کشم . ۱۳ : رستاق . ۱۴ : یئکی قلعه . (۹۲۸۲۰ جریب زمین عملیات شده) .
 ج : ولایت کابل : ۱ : بامیان با تمام توابع آن . ۲ : سیغان و کهرد . (۹۹۳ جریب زمین عملیات شده) .

صورت تشکیل هیئت مدافعه ملخ

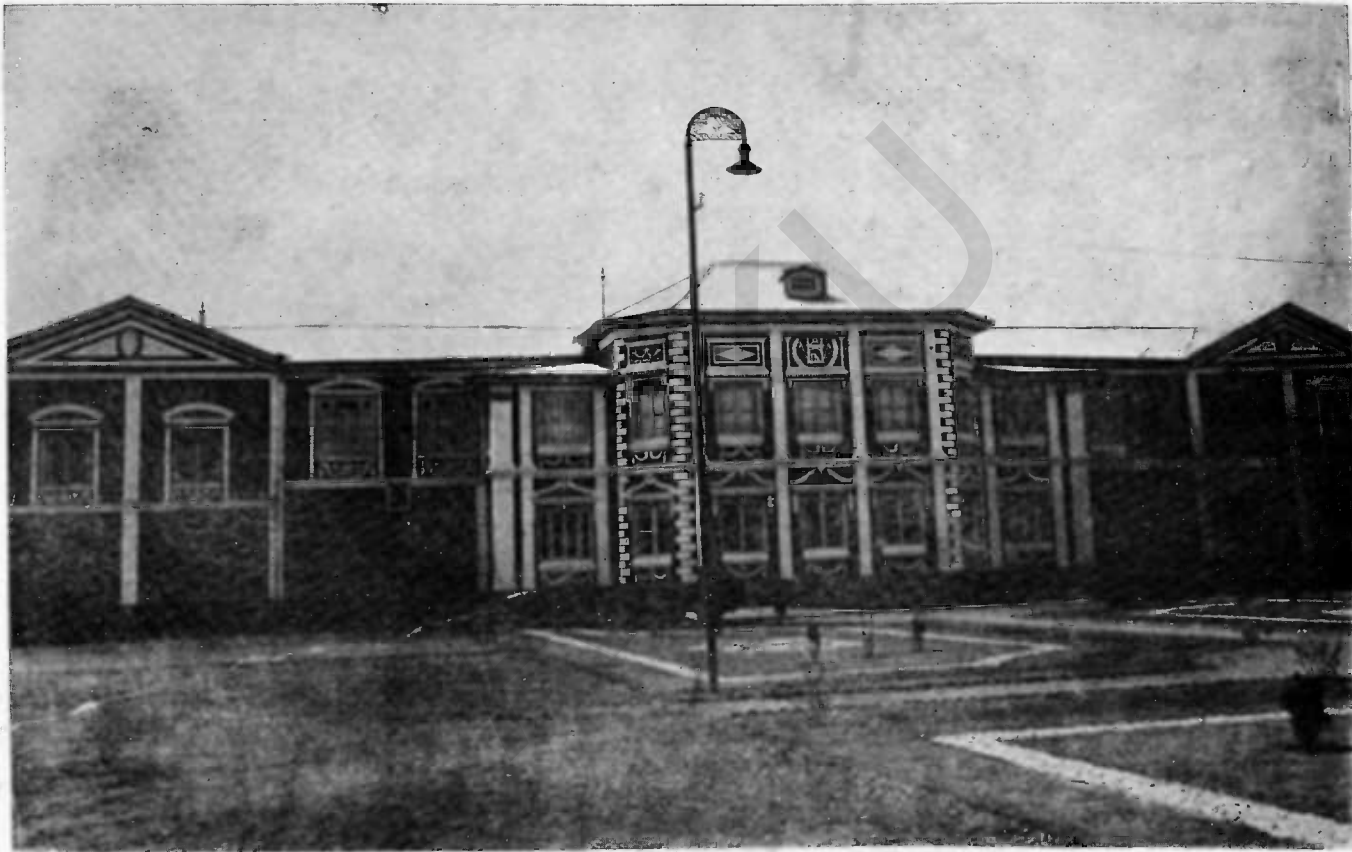
- ۱ : شعبه مرکزی در وزارت تجارت .
 - ۲ : مدیریت در مزار شریف با سه ماموریت .
 - ۳ : مدیریت در ولایت قطن و بدخشان با چهار ماموریت .
 - ۴ : ماموریت های ملی که مقامات آت آن ذیلاً توضیح میشود .
- الف : بامیان . ب : سیغان و کهرد . ج : تاله و برفک . د : غوری . ه : بغلان . و : خرم و سارباغ ،
 و روئی و دوآب . ز : دره صوف . ح : سنگ چهارک .

متخصصین

رئیس و مدیر تخنیک . متخصص مبارزه . حشره شناس . دیده بان پرواز .



قسمتی از متزلع، ج ۱، انشان والا حضرت سبه سالارغازی وزیر صاحب حریره



قسمتی از منزل ع، ج، ۱۰۱ نشان والا حضرت سیه سالارغازی وزیر صاحب حریه



مسجد سنگی بابوشاه (کابل) که در عصر اعلیحضرت شهید سعید ترمذی یافته
La Mosquée en-marbre de BABOUR CHAH à Kadoul, restaurée sous le règne
de S. M. NADIR CHAH.



عمارت دواخانه و حفظ ادویه کیمیاوی طی که در عصر نادرشاهی تعمیر و در همین اوقات نزدیک تکمیل شده است .
Nouvel Entrepôt des Matières Chimiques et Médicinales à Kaboul.



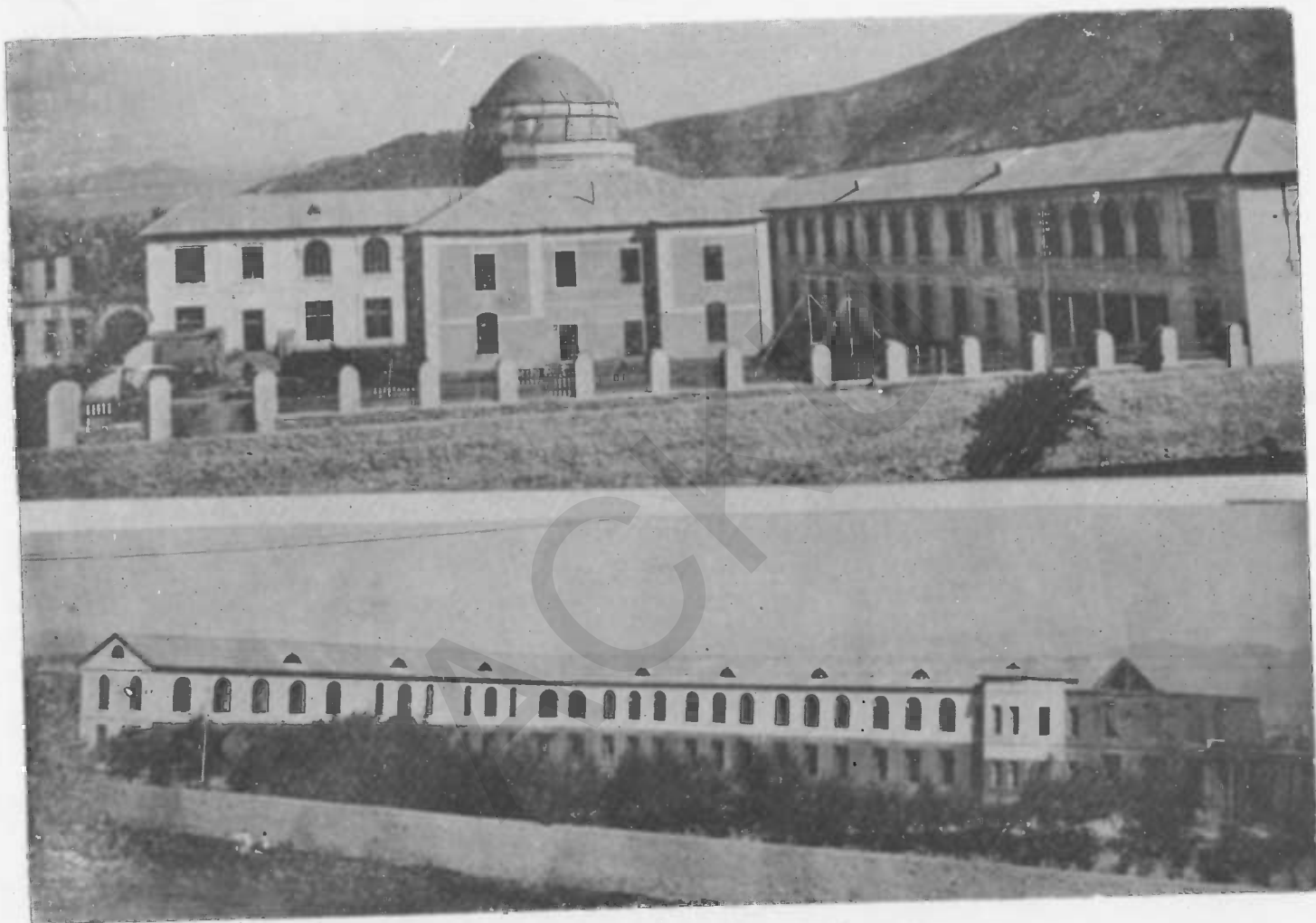
جاده بازار شاهي
Une Vue de BAZAR-I-CHAHI (Kaboul).

از تعمیرات سال ۱۳۱۲ ولایت کابل



فابریکه نجاری مرکز

Nouvelles Fabriques de Meuble et de Menuiserie Générale à Kaboul.



عمارت جدید مکتب صنائع نقیسه در کابل
Nouveaux Bâtimens de l'École des Beaux Arts à Kaboul.



از عمرانات جدید: گمرک مرکزی کابل، واقع قلعه محمود خان
Nouveau Bâtiment de la Douane Centrale à Kaboul.

امور فوائد عامه

از چندی بود که حکومت متبوعه ما در اثر نيات نيك و نظريات پسندیده که نسبت به ترقیات مملکت خود داشته و همیشه مشغول فراهم آوری اسباب ارتقا و آرامی و رفاهیت ملت عزیز خویش میباشد و برای اداره امور رفاه عامه که بوزارت و دوائر مختلفه امور آن اجرا می شد، وجود و تاسیس يك وزارت را که در آن بالنسبه فوائد عامه اجراآت و اقدامات شود در نظر داشت چنانچه بماه جوزای سال ۱۳۱۲ موفق به تاسیس آن گردید، اگرچه این وزارت هنوز جوان و مرحله اولین خود را می بیناید ولی با وجود آنهم متوجه منابع مفید گردیده است.

هیئت اداری این وزارت از اشخاص لایق و اهلیت دار انتخاب گردیده بدو چون این وزارت عمارت مناسبی نداشت لهذا در حصه شرق شهر يك عمارت بصورت عصری برای آن تعمیر شده و همه گونه لوازم و اسباب اداری آن تکمیل گردید.

اکنون این وزارت از بدو تاسیس و تشکیل خود با مور نافعہ پرداخته در کشیدن جاده ها و تعمیر مقامات لازمه و غیره اقدامات می نماید.

امید است در آتیة قریبی این وزارت خیلی ترقی کرده مصدرا استفاده عموم واقع شود. سامان کار آمد خود را این وزارت از قبیل تراکتورهای برف پاکی و لوازم سرك سازی و اسباب تعمیر و غیره بلافاصله از خارجه و داخله اکمال می نماید.

از جمله اجراآتیکه بوسیله وزارت فوائد عامه درین سته عملی شده مطالب آتی است :

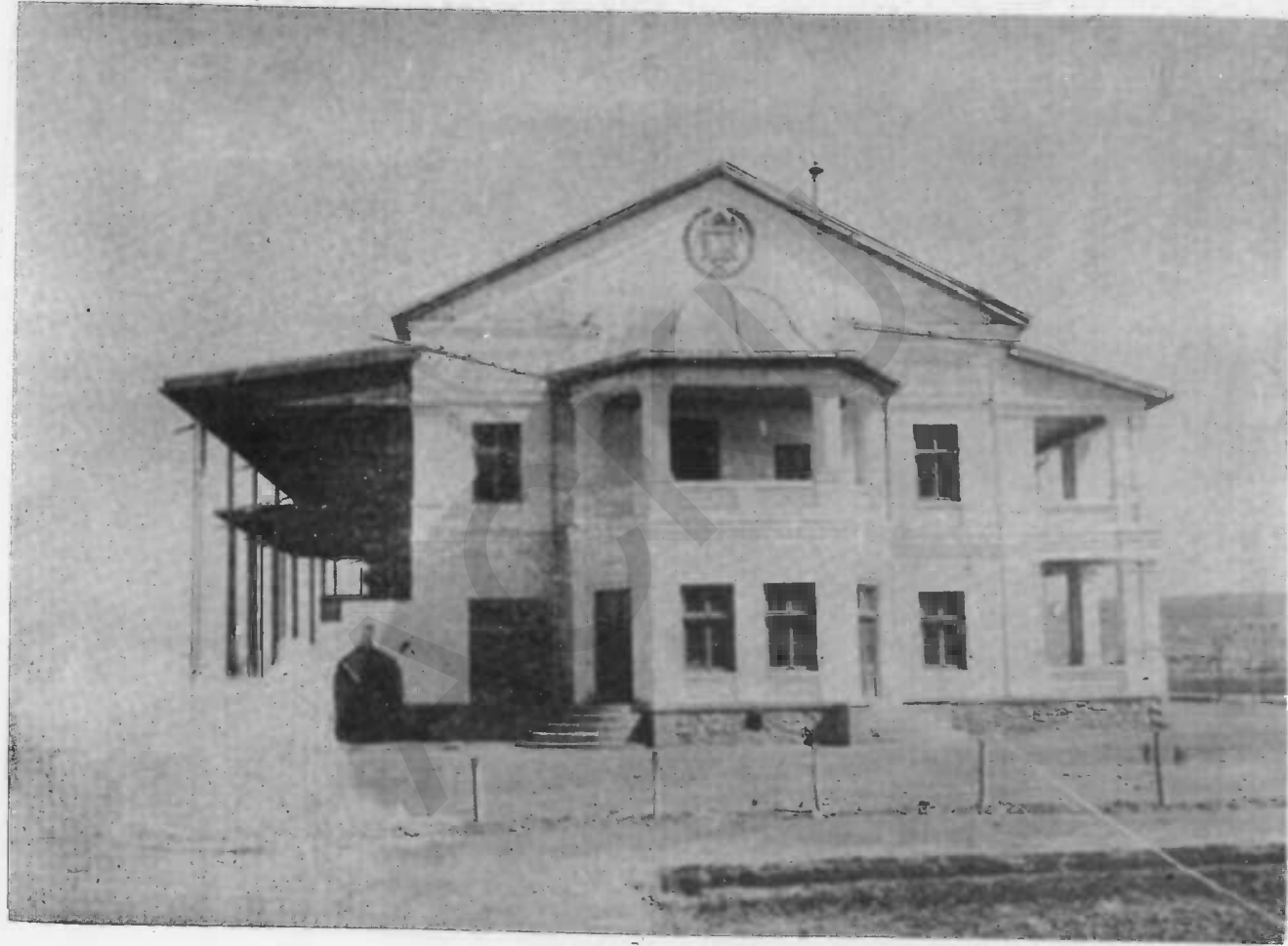
- ۱ : تعمیر و ترمیم پل های اطراف و بعض حصص مرکز کابل .
- ۲ : احداث و ترمیم شوسه های مرکز و نواحی کابل و مربوطات آن .
- ۳ : مزار متبرک حضرت تیم انصار رضی الله عنه بصورت خیلی منظم تعمیر و بنا شده است چه این روضه مبارکه از سالیان درازی بود که از طرف حکومت سابقه تعمیر نشده بود لهذا ضرورت تعمیر آن را شهرداری دین دار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه مغفور احساس فرموده و امر با عمار آن صادر کردند، اینک کار تعمیر روضه مبارکه موصوف با تمام رسیده است .
- ۴ : تعمیر مینار یادگار خدمت و شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم .
- ۵ : تنظیم و ترتیب جشن های استقلال و نجات و تکمیل سامان و لوازم آن .
- ۶ : فابریکه گوگرد سازی : حاصلات ساخت گوگرد فابریکه مذکور نسبت بحاصل سنوات گذشته در سال ۱۳۱۱ خیلی زیاد بوده و از سبب حریق فابریکه مذکور به اکثریه ماشینها نقصانات تولید گردیده و در اواخر سال ۱۳۱۲ اصلاحات برزه ها و غیره آن شروع گردیده و چند پایه ماشین اصلاح گردیده امید است که بطور اساسی تماماً نواقص فابریکه مذکور رفع و حاصلات گوگرد روز افزون گردد .

۷ : فابریکه نجاری مرکز : این فابریکه بهبود و ترقی نموده هر نوع مو بل از قبیل میزهای کار و میزهای چای خوری و میوه خوری و چوکی های باز و دار و بی باز و کوچک و سبت ها و الماری و غیره بومیه بتعداد

- لازمه تکمیل میناید و ازینرو تماماً حوائج دوائر تکمیل گردیده و علاوه بر این فرمایش شائقین حاضر بوده و از هر نوع موبل فرمایشی را بصورت مرغوب تکمیل مینماید .
- ۸ : فابریکه سنگتراشی : این بریکه نیز ترقی یافته از اقسام سنگهای معدنی مملکت مازروف و سامان نفیسه از قبیل میوه دانی و خاکستر دانی سگریت و سنگ های سمر میزی و بایه های چراغ برق و غیره بصورت بسیار قشنگی درین فایکه ساخته می شود . علاوه بر کار سنگی تعمیرات دوائر رسمی از قبیل بیزاره و سنگ فرش داخل اطاق و زینه و غیره تماماً ذریعه فابریکه مذکور اجرا می شود ، و هم در فابریکه مذکور یک شعبه حکاکای دائر است که نگین های لاکت و انگشتر و غیره زیورات و دکمه را از سنگ ای تست و لاجورد و غیره سنگهای معدنی میسازد .
- ۹ : فابریکه رنگ مالی : فابریکه مذکور تحت نگرانی متخصص الیانی دائر است که تفری کاریگرها تماماً تعلیم یافته و بکارهای مالش کاری که طرز جدید رنگیالی است خیلی ماهر گردیده اند هر نوع موبل و چوب کاریهای اطاق و غیره را بقرار اصول صحیح رنگ مالی می نمایند و کارشان خیلی جالب توجه و قشنگ می باشد .
- ۱۰ : فابریکه دکمه سازی : بزیر اثر یک نفر متخصص الیانی دائر و تفری کاریگران آن تعلیم یافته و ماهر گردیده اند . هر رقم دکمه های اعلائی بالا پوشی مردانه و زنانه ، و پیرهنی و دریشی و از هر رقم شاخی و استخوانی و مصالحه ئی ساخته میشود قیمت آن خیلی مساعد است .
- ۱۱ : کارخانه بیت باقی و چوکی دوزی : این کارخانه ترقیات خوبی نموده سیت های اعلائی هر رقم بیت باقی و برکاری میشود و یومیه بتعداد لازمه فرمایشات تکمیل میگردد .
- ۱۲ : فابریکه نساجی : فابریکه مذکور بهبود حاصل کرده حوائج البسه های بهاری عسکری را رفع نموده و ضمناً اقسام کشمیره های نخئی نفیس و گامسکوت های نخئی درین فابریکه بافته می شود که قیمت آنها خیلی مساعد است .
- ۱۳ : فابریکه بنیان و جراب باقی : بنیان های پشمی و نخئی و سندی نفیس هر رقم مردانه و زنانه و جراب های پشمی و نخئی خیلی اعلائی در آن بافته می شود قیمت اشیای مذکور خیلی مساعد است .
- ۱۴ : فابریکه نجاری دارالفنون : فابریکه مذکور تکمیل گردیده ، دروازه و کلکین های هر رقم تعمیرات حکومتی را با اصول عصری خیلی به سرعت تکمیل مینماید فهرست تعمیراتی که دروازه و کلکین های آن بانصب آنجامه به اصول درست در سال ۱۳۱۲ ذریعه این فابریکه تکمیل گردیده بقرار ذیل است .
- اول - تعمیر شرکت تنویرات ۲ - تعمیر وزارت تجارت ۳ - تربیه حیوانات واقع ده بوری
 ۴ - تعمیر گاراژ های ترمیم موترها ۵ - تعمیر گاراژ های وزارت تجارت و معارف ۶ - تعمیر اطاق چای خوری وزارت تجارت ۷ - دکانهای اندرابی ۸ - دوائر صدارت عظمی
 ۹ - دکانهای چمن حضوری ۱۰ - تعمیر باغچه ارک شاهی ۱۱ - فابریکه نختابی جبل السراج .
- ۱۵ : فابریکه نختابی جبل السراج : فابریکه مذکور در شرف تاسیس است . تعمیر آن قریب به اتمام رسیده و یک تعداد لازمه ماشین ها بسته گردیده .
- ۱۶ : فابریکه پشمینه باقی در قندهار : فابریکه مذکور در وسط سال ۱۳۱۲ تاسیس یافته و اکثریه ماشین های مذکور بسته گردیده .
- ۱۷ : فابریکه های که تعمیر و جریان آن را وزارت فواید عامه نصیم نموده .
- ۱ : فابریکه سنگ لاجورد : تماماً ماشین های لازمه سنگ لاجورد وارد گردیده ، عنقریب ماشینها نصب و شروع بکار مینماید .
- ۲ : فابریکه کاغذ سازی : چون فابریک عمده و دارای ماشینهای متعدد میباشد نصب آن در نظر است .
- ۳ : فابریکه قند سازی : از جرمنی خریداری شده که قریباً بمرکز وارد و بکار انداخته خواهد شد .



روی کار تعمیر وزارت فوائد عامه طرف جنوبی
Nouveaux Bâtimens du Ministère des Traveaux Publics



منظره سمت غربی عمارت جدید وزارت فوائد عامه
Nouveau Bâtiment du Ministère des Travaux Publics (Vue de côté),

امور طبیه

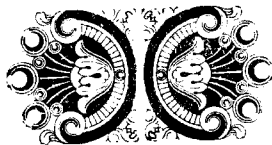
بامور طبیه درین سال ترقی شایانی داده شده شفاخانه ها چه در ولایات و چه در مرکز توسعه یافته داکترهای ماهر و لائق بمقصد معالجه و تداوی افراد مریض اشغال کرده شده چنانچه راپور تعداد نفری که در شفاخانه ها معالجه و صحت یاب شده اند دائماً در مجله صبحیه و دیگر جرائد وطن نشر گردیده است. حکومت متبوعه ماهه وقت نگران اوضاع صحتی ملت عزیز خود بوده و آرزو دارد که تمام ذرائع و وسائل معالجه در وطن عزیز ترویج داشته باشد، در اثر اوامر و هدایاتیکه برطاست صبحیه داده شده است بتأمین آن در همه نقاط مملکت معاینه خانه ها و دواخانه های متعدد دائر و بدرائع گوناگون به تداوی و معالجه اهالی پرداخته شده است چنانچه در اکثر قریه جات نزدیک شهر معاینه خانه ها برای آن چنان اشخاص مریضیکه تا شهر رسیده نمیتوانند تاسیس یافته است که دکتورها در آن جاها مریضان را معاینه نموده علاج صحیح مینمایند.

برای اینکه ادویه تازه همیشه بمركز برسد در ریاست مستقله صبحیه ترتیبات خوب اتخاذ شده است. مکتب طبی که از ابتدای ۱۳۱۰ آغاز و تاسیس شده تا حال عده محصلین آن دوره تعلیم علمی را طی نموده و کنون به تجزیات عملی در تحت نظر دو کتوران صحیح مصرف تحصیل میناشند.

موسسه فن قابله گی روی کار است و یک عده محصلات شامل و مشغول تحصیل اند که نتیجه کامیابی او شان به مساعیات لازم تحت نظر است، و نیز در باب مکتب کپیوندی و دو کتوری و پرستاری توجه مخصوص بکار می رود.

رفقی سنا توریم که یکی از موسسات مهمه شهریار ملت پرور شهید است بتاريخ برج اسد ۱۳۱۲ بدست حق پرست اعلیحضرتش افتتاح شده مریض ها در آن داخل گردیده و فعلاً امور مذکور خیلی به انتظام جریان داشته مریضها بدرستی پرستاری و پدیدرانی میشوند.

علاوه به امور متذکره که حکومت متبوعه و والا حضرت صدراعظم صاحب مقصد تأمین صحت عمومی در نظر داشته و بمنصه عمل رسانیده، یک باب شفاخانه جدید در علی آباد و یک باب شفاخانه دیگر در حصه جات دارالفنون به اسم شفاخانه سنا توریم انانیه تاسیس شده.



امور پست ، تلیفون ، تلگراف

امور پست و تلیفون و تلگراف درین سال از هر جهة ترقیات فوق العاده نموده چه برای تسریع وصول پسته تجاویز نافه اتخاذ ویسته نسبت به سابق زود تر بمراجع خود مواصلت مینماید ، پسته خانه های دیگر در مواضع و مقامات لازمه باز و به تشکیلات خود افزوده است . عمارات ناموزون و کوچک پسته خانه های سابقه به عمارات عصری قشنگ تبدیل یافته است و نیز در شعبه تلگراف توجه لازمه مبذول شده و بتاسیس تلگرافخانه های جدید پرداخته آمده و امور تلگرافی رونق خوبی یافته است . و همچنین سلسله تمدیلین تلیفون به یک پیماة وسیع بمقامات لازمه مملکت جاری گردیده و علاوئاً حصه زیاد تلیفونهای مرکز کابل به سنترال پتری تبدیل ولین های آن در زیر زمین تمدید و بعد ازین در نظر است که تمام لین های تلیفون به سیستم اتوماتیک و بطور عصری تبدیل یابد .

در سال حاضر حصول پسته هوائی نیز تعیین گردیده که جداول آن از مطالعه فارغین محترم سالنامه می گذرد .

از مهم ترین ترقیات امور مخایراتی امتداد لین تلیفونست که از مرکز به قندهار و از آنجا بحکومتی اعلای فرام و از فرام بهرات و از آنجا به مینه و از مینه بمزار شریف و سپس بولایت قطن و بدخشان مواصلت نموده و از مرکز هر ولایت و محال شعبه از آن به سرحدات و حکومتی های مربوطه آن کشیده شده ، بالاخره از مرکز مزار لین مذکور از طریق دره شکاری دوباره بکابل اتصال مینماید که باین حساب تمام ولایات و حکومت اعلی و کلان و حکومتی های درجه اول و بعضی علاقه داری ها بواسطه تلیفون بخود مرکز کابل مستقیماً ارتباط مخایراتی را مالک شده است .

در نظر گرفته شده که بین کابل و مزار ، بین کابل و قندهار حمل پسته بدریمه موترهای پوستی دولتی بعمل آید ، و این موترهای دولتی برای مسافرین نیز تسهیلاتی فراهم مینماید . موترها بروز های معین حرکت کرده و برای حمل و نقل مسافرین کمک بزرگی می رساند .

امور پوسته اصولنامه معین که مدار و مقیاس عمومی پوست شناخته شود نداشت دستور العمل پوستی از طرف ریاست پست و تلگراف و تلیفون ترتیب و پس از تصویب مقامات لازمه در معرض اجرا گذاشته شده .

هکذا نرخ محصولات تلگرافی داخله قبل ازین انتظام صحیح نداشت اکنون قواعد مفضل برای آن وضع گردیده است .

برای اجرای محاسبات معاملات بین المللی و تصفیة محاسبات پستی و تلگرافی خارجی دایرة محاسبات (چک آفس) و دایرة مامورین جدید ، مطابق دیگر وزارتات در ریاست پست و تلگراف و تلیفون تشکیل گردیده است .

دستگاه تلگرام بی سیم کابل و هرات که از کار افتیده و کهنه گردیده بود بعوض آن دو دستگاه دیگر بسیار جدید و عصری خریداری شده و برای ولایات دیگر نیز در نظر گرفته شده که دستگاه های جدیدی خریداری و در آنجاها نصب گردد .



يك منظره بازار جديد اندراب (كابل)
Une Vue du Nouveau Quai d'INDARABI (Kaboul).



قسمت الحاقیه عمارت وزارت خارجه که در سال ۱۳۱۲ تعمیر و تکمیل شده
Annexe du palais du Ministère des Affaires Étrangères à Kaboul.



جاده بازار شاهی محاذ پل باغ عمومی کابل

وتانک جدید بطرول

Une Vue de BAZARI CHAHI et le nouveau Relai d'Essence (Kaboul).



حمام جدید بلایه

Nouveaux Etablissements des Bains à Kaboul.

۹: تعمیر جاده اندرابی و پخته کاری آن و ساختمان دکان های جاده مذکور که تماماً به اصول فنی و عصری بنا و اکمال گردیده .

امور بلدی ولایات و اطراف

بطوریکه درین سنه در امور بلدی خود مرکز اصلاحات مهی شده امور بلدی ولایات و اطراف نیز داخل مراحل خوبیتری گردیده و اصلاحات در امور شهری نموده است .

تعمیر جاده های داخل شهرها و تعمیر رسته های د کابین و کشیدن آبروها و ترمیم مقامات تاریخی و مساجد و مقابر متبرکه و احداث بعضی باغ های عمومی و تعمیر پل های متعلق خود شهر و توأاحی شهر و غیره امور راجعه با رزاق و اقدامات در خصوص تنظیفات شهری از جمله کارهای سال ۱۳۱۲ بلدیہ های ولایات و اطراف شمرده می شود .



مطبوعات وطن

مطبوعات فعلی وطن عبارت از جرائد و مجلات آتی است :

- ۱ : جریده اتحاد مشرقی مؤسسه سال ۱۲۹۸ شمسی در تحت اداره جناب شمس الدین خان قلعتکی.
 - ۲ : جریده اتفاق اسلام هرات مؤسسه سال ۱۲۹۹ شمسی در تحت اداره جناب میر محمد عثمانخان.
 - ۳ : جریده بیدار مزار شریف مؤسسه سال ۱۳۰۰ شمسی در تحت اداره جناب عبدالصمدخان جاهد.
 - ۴ : جریده اتحاد خان آباد مؤسسه سال ۱۳۰۰ شمسی در تحت اداره جناب شاه عبداللہ خان بدخشی.
 - ۵ : جریده طلوع افغان قندهار مؤسسه سال ۱۳۰۰ شمسی در تحت اداره جناب عبدالحی خان حبیبی.
 - ۶ : جریده انیس کابل مؤسسه سال ۱۳۰۶ شمسی در تحت اداره جناب محمد امین خان خوگیانی.
 - ۷ : جریده اصلاح کابل مؤسسه سال ۱۳۰۸ در تحت اداره جناب برهان الدین خان کشککی.
 - ۸ : مجله اردوی افغان مؤسسه سال ۱۳۰۰ شمسی در تحت اداره جناب سید محمد اکبر خان.
 - ۹ : مجله آئینه عرفان کابل مؤسسه سال ۱۳۰۳ شمسی در تحت اداره جناب هاشم خان شایق.
 - ۱۰ : مجله صحیہ کابل مؤسسه سال ۱۳۰۶ شمسی در تحت اداره جناب عبدالرشید خان لطیفی.
 - ۱۱ : مجله حی علی الفلاح کابل مؤسسه سال ۱۳۰۹ شمسی در تحت اداره جناب میرزا میر غلام خان.
 - ۱۲ : مجله اقتصاد کابل مؤسسه سال ۱۳۱۰ شمسی در تحت اداره جناب محمد زمان خان تره کی.
 - ۱۳ : مجله ادبی هرات مؤسسه سال ۱۳۱۱ شمسی تحت نظر انجمن ادبی هرات.
 - ۱۴ : مجله پشتوی قندهار مؤسسه سال ۱۳۱۱ شمسی در تحت نظر انجمن ادبی قندهار.
 - ۱۵ : مجله بلدیہ هرات مؤسسه سال ۱۳۱۱ شمسی در تحت اداره جناب عبداللہ خان احراری.
- این جرائد شریفه و مجلات نفیسه از آغاز ادوار انتشار هر کدام به مساعی و مجاهدات خسته گی ناپذیر مدیران و کارکنان لائق و فاضل خود تا امروز مصدر خیل خدمات باقیمت و سودمندی برای وطن خود شده و افادات خوبی باهالی کشور نموده اند.
- سالنامه کابل مراحل جدید عموم این مطبوعات و وطن را به کارکنان محترم شان تبریک گفته از خدای متعال بقای آنها را خواستار و توفیقات مزیده کارکنان محترم شان را طالب است.



جناب مير غلام خان، مدير مجله شريفه
سى على الفلاح



جناب محمد امين خان خوگياني مدير
جريدة شريفه انيس



جناب برهان الدين خان كشكي مدير
روز نامه شريفه اصلاح



جناب عبدالحى خان حبيبي مدير جريدة
شريفه طلوع افغان



جناب محمد عثمان خان رئيس انجمن
ادبي قندهار



جناب عبد الصمد خان مدير جريدة
شريفه بيدار هزار شريف



جناب مير عبد العلي خان مدير انجمن
ادبي هرات



جناب مير محمد عثمان خان مدير جريدة
شريفه اتفوق اسلام



جناب شمس الدين خان المصطفى مدير
جريدة شريفه اتحاد مشرق



جناب ميرزا سيد محمد خان مدير جريدة
شريفه اتحاد خان آباد

امور مطابع

اگر چه در وطن عزیز ما از مدتی مطابع موجود و امور طباعتی در جریان بود ولی در ادوار سابق بقدریکه لازم بود عطف نظری در موضوع این امر مهم نشده، گاهی بصورت جزء جزء تحت اداره دوائر و زمانی در فابریک بزرگ ماشینخانه ملحق گردیده يك اساس مستقلی بخود نداشت.

گویا موافق بقتضیات عصر در انشاء و توسعه این عنصر مهم تعالی مطبوعات مملکت که یگانه وسیله نشر علوم و معارف، و تعمیم و تکمیل آن از ضروریات مملکتی بشمار میرود هیچگونه مجاهدتی بعمل نیامده و مطبعه محدودی که از حیث سامان و لوازم طباعتی بکلی ناقص و هنوز مراحل ابتدائی خود را پوره نه پیوده بود، موجود و حوائج طباعتی مملکت را بخوبی رفع کرده نمی توانست.

تا آنکه یگانه راد مرد بصیر، شهریار معارف پرور اینخاک پاک اعلیحضرت شهید سعید، پس از آنکه وطن را به نیروی همت و مردانگی خویش از ورطه هلاک نجات بخشیدند، نسبت به عشق و علاقه مندی فطری که بمطبوعات وطن عزیز داشتند توجه عمیقی در قسمت مطابع مملکت میدول فرموده، دائره علیحدّه بنام (ریاست عمومی مطابع و صکوکات) تشکیل و ضمناً چون محل مناسبی هم برای مرکز مطبعه موجود نبود امر بتعمیر یک عمارت بزرگ عصری (که از هر حیث گنجایش آلات و ادوات فنی مطبعوی را داشته باشد) صادر فرمودند.

بعد از آنکه تعمیر اساسی این بنا با تمام رسید، چون مطبعه فاقد همه گونه وسائل و آلات طباعتی بود، شهریار علم دوست فقید اولاً توريد یکدستگاه ماشینهای اتوماتیک (آف زیت) را که از تازه ترین سیستم های عصری و دارای ماشینهای متعدد، دستگا های عکاسی و دیگر آلات جدید است باصرف مبالغ هنگفتی منظوری اعطاء فرمودند. ماشین ها و دستگاه مذکور متصل وارد و ذریعه متخصصین ماهر رکز و بکار انداخته شده یکمده از نفری کارگران مطبعه هم برای آموختن زینکوگراف و طبع رنگه بزیر دست متخصصین مذکور داده شد که نفری مذکور هم بعدت کمی باخذ شهادتنامه نائل گردیدند.

سپس که کارگرهای وطنی موفق به اجرای زینکوگرافی و طبع رنگه گردیده و امور مطبوعات و جرائد و مجلات و کارهای دوائر دولتی را مستعد بطبع شدند اعلیحضرت شریعت پرور رحمة الله تعالی علیه که آرزوی یگانه از سالیان درازی نسبت بطبع قرآن عظیم الشان بدل میروانیدند این اراده شریفه را بصحنه عمل آورده امر فرمودند تا بزودی هر چه تمامتر آلات و وسایل کارآمد طبع قرآن مجید را بهر مبلغی که انجام شود تدارک نموده و قرآن مقدس را بطبع برسانند.

همان بود که ریاست عمومی مطابع در سال ۱۳۱۲ بتأمینی خیالات شریعت خواهانه اعلیحضرت شهید سعید در صدد آن برآمده حروف عربی، کاغذ، قلم و دیگر اسباب و مالزمه طبع قرآن حمید را به بهترین صورتی از استانبول و دیگر نقاط جلب نموده در اوائل سرطان سال مذکور (۱۳۱۲) بطبع قرآن کریم آغاز نمود که اکنون طبع قرآن عظیم در مطبعه کابل جاری و باین صحت و زیبایی سابقه در وطن عزیز ندارد.

در پایان سال گذشته باسناد همان نظریات ترقیخواهانه ذات شهریار فقید سعید ریاست مطبعه از حضور ج.ع.ج والا حضرت صدراعظم صاحب منظوری توريد چند دستگاه دیگر ماشین های اتوماتیک را که از تازه ترین سیستم های عصری است و تسهیلات زیادی بامور مطابع میرساند حاصل نموده، خصوصاً

دستگاه حروف ریزی که مقدمتر از همه طرف احتیاج مطبعه بوده و همه ساله توريد حروف از خارج مبالغ مهمه را ايجاب ميکرد .

برای دستگاه های مذکور که قريباً مرکز رسیده و بکار انداخته می شود جای مناسبی در مطبعه تعمیر و تکمیل شده .

ماشینهای که جدید خواسته شده ازین قرار است :

اولی : یکدستگاه بزرگ اتوماتیک (تفترک) که این دستگاه برای طبع آثار مهمه از قبیل چکها ، بانکنوٹها ، نوت و تاق، فوتوها و میناتورهای رنگین و یکرنگ و امثال آن و عبارت از ۱۰ الی ۱۲ پایه ماشین (اتوماتیک) است .

دوم : دستگاه حروف ریزی (اتوماتیک) که آنهم دارای چندین پایه ماشین بوده روزانه (۶۶) بوند و زنی حروف از حروف ۱۶ بنت بذریعہ آن ساخته می شود .

سوم : - دستگاه بزرگ دیگر اتوماتیکی (اشتر و توفی) که این دستگاه از حروفیکه برای طبع آماده شده میباشد قالب گرفته فوراً حروف را دوباره میدهد تا بدیگر احتیاج صرف شود . طبع این دستگاه نیز خیلی نفیس و ماشین های متعددی دارد .

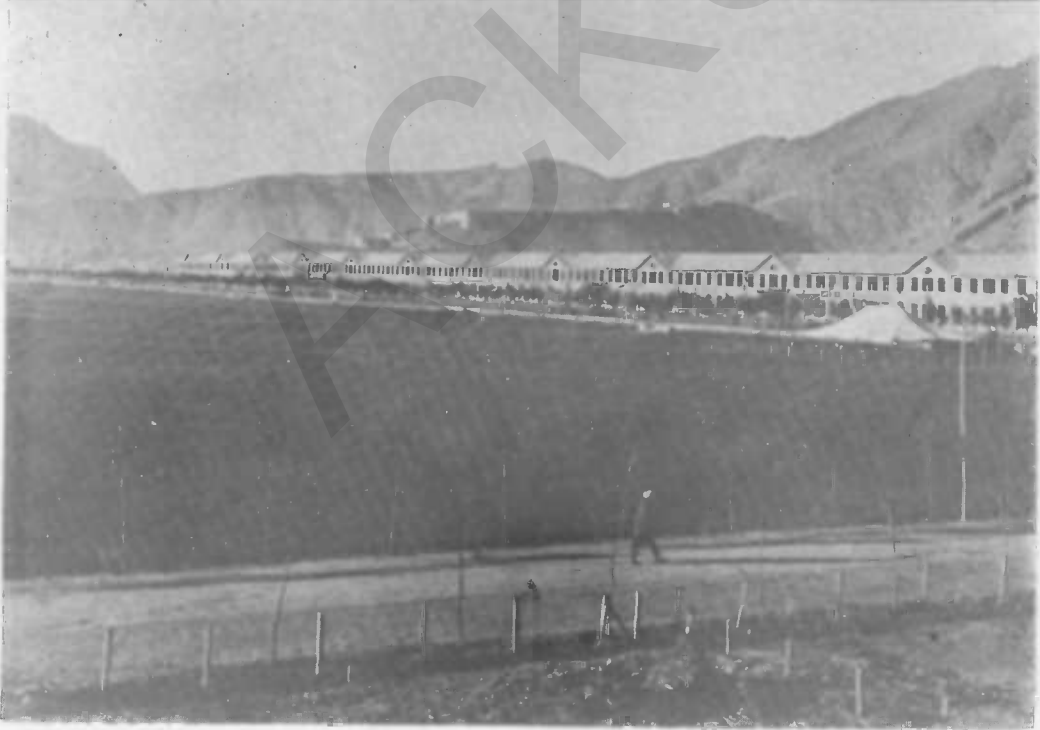
چهارم : - ماشین اتوماتیک برای صحافی که کتاب را وقایه میکند و فورمه هائی را که از طبع خارج شده باشد جمع کرده سیم دوزی میکند .

پنجم : - ماشین کاغذ قاتی اتوماتیک که فورمه های طبع شده را قات و ترتیب میکند .

یکمده از اجرا آت امور طباعتی را که در سال ۱۳۱۲ ریاست مطابع نموده ذیلاً باطلاع قارئین محترم میرسانیم :

صفحه	۲۴۰۰	۱ : حروف چینی روزنامه شریفه اصلاح ؛
»	۱۵۳۱۲	۲ : « قرآن مجید، کتب، مجلات، اوراق و صحائف متفرقه؛
»	۳۰۰۰	۳ : خطاطی کتب و دفاتر حسابه و غیره
جلد	۱۸۵۵۴۰	۴ : صحافی، دوخت ، وقایه و شبکه
»	۱۸۵۵۴۰	۵ : ترتیب و کاغذ قاتی
صفحه	۱۸۰۰	۶ : کلبشه های ساده و رنگین و مهرها و عناوین و غیره
قطعه	۵۰۰۰۰	۷ : پاکتهای گیره دار و بدون گیره به سایزهای متنوعه
صفحه	۴۵۴۸۶۰۰۰	۸ : طبع سکوک ، کتب ، اوراق، دفاتر و غیره





د کاینه‌ای جدید چمن حضور ی کابل
Nouveau Quartier de TCHAMAN-I-HOUZOURI à Kaboul.



ع ، خير محمد خان مدير عمومي محاسبه



ع ، ص عبدالمجيد خان رئيس شركة اسماهي



ع ، دوست محمد خان ايماق معاون



ع ، ص غلام حيدر خان رئيس شركة بطرول



ع ، سيد كريم خان نماينده شركة در قندهار



ع ، محمد عمر خان مدير عمومي شركة در هند



ص ، حبيب الله خان نماينده شعبه شمري شركة اسماهي

شرکت اسهای ملی افغان

یکی از مؤسسات نافعۀ ملی که برای حفظ و انتظام امور اقتصادیات ملی و رونق مالی مملکتی تاسیس شده شرکت اسهای کابل است .

در تاریخ سه سال قبل از لحاظ فتوریکه بامور مالی مملکت واقع شده و پول افغانی و تجارت افغانی نواقص مهمی را دچار گردیده بود، شهریار دانا اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید لزوم تاسیس این شرکت را احساس فرموده و به تشکیل و تاسیس آن بتمام صدارت عظمی اراده سنیہ را امر رسمی اصدار فرمودند . پس از آن مقام صدارت عظمی و سلیۀ وزارت تجارت بتدوین سرمایہ و تشکیل اعضا و وضع پروگرام و اساس نامۀ شرکت و تعمیر بنای شرکت متوجه گردیده در سال ۱۳۰۹ شرکت موصوف اصولاً آغاز بکار نموده بود اینک درین سنہ شرکت اسهای توسیع و انتظام از ائد الوصفی ارحاصل نموده است که مادرین مختصر جایی از آن بحث می نمائیم :

شرکت اسهای اولاً بتاریخ ۴ دلو ۱۳۰۹ با سرمایہ ۵ میلیون افغانی تاسیس یافته منجمت آن چهار و نیم میلیون را حکومت و ۵ لک متبایق را بعضی از تاجران سپیم گردیده و ابتداء اجرای معمولات آن در تحت ادارۀ وزارت جلیت تجارت منحصر بوده الی ابتدای سنہ ۱۳۱۱ از سرمایہ حقیقی آن یک میلیون جمع و فروش و باقی اسهام آن ملتوی و معطل مانده شعب اجرائیۀ آن بدو حصہ که مرکز آن در کابل و یک شعبۀ آن در پشاور تمرکز داشت منقسم و در ماه سنبلہ ۱۳۱۰ از آنجا که توجهات حسنه و ارادات سنیہ اعلیحضرت شهید سعید سرآپا در راه ترقی و تعالی امور مادی و معنوی این مملکت مبدول بود پس از غور و تدقیقات منفقانہ صورت تشکیل اداری و عملیات شرکت مذکور بملاحظہ اینکه سرمایہ آن وسیع و مانندی استوت تجارتی دنیا اعتباراتی را حائز و در راه اقتصادیات مملکت خدمتی نموده بتواند بتصویب مجلس عالی و زرا از تاریخ ۲۸ سنبلہ ۱۳۱۱ باسم شرکت اسهای ملی افغان مامور و موسوم و عدۀ از تاجران مملکت باخذ سہمہ ہا درین شرکت شامل شده ادارۀ شرکت موصوفہ مستقلاً در دست تجار داخله و اگذار و سرمایہ ابتدائی آن ۳۵ میلیون تعیین کرده شد کہ از آنجملہ ۱۰ میلیون سہم آن در آخر سال ۱۳۱۱ فروش و منجمت سنی فی صد آنرا حکومت متبوع مان سپیم گردیده متبایق اسهام آن برای سه سال آیندہ موکول و شرکت اسهای ملی افغان از ۹ ثور ۱۳۱۲ باساس تشکیلات جدیدہ باجرائی امور موظفۀ خود اقدام کرده در تصدیر اشیای پیداوار افغانستان بخارج و توريد اشیای ما یحتاج افغانستان کہ در ذیل انحصار اوست بشرخ مناسب و درست اول از خارج صرف مساعی ابراز داده جداول واردات و صادرات نقدی و جنسی ، و روابط بانکی خارجه و صورت تشکیلات اداری و بودجہ معاش و مصرف شرکت موصوفہ را بمطالعہ هموطنان محترم خود گذاشته علاوہ بعضی امتازاتی را کہ حکومت متبوع مان برای توسعه عملیات شرکت اسهای ملی افغان اعطا فرموده است متدیلاً تند کار میدہد :

۱ : امتیاز خرید و فروش مسکوک داخله و خارجه و صرافی ، تهیه سکہ خارجه و نقرہ و طلائی کارآمد حکومت ، خریداری ما یحتاج و ما یلز مہ جنسی دوائر حکومت کہ تعلق میگیرد بواردات از خارج ، فروش مواد معدنی و تجارتی افغانستان در خارج حقوق تبادلہ خزانہ داخله باساس مصوبہ جلسہ تاریخی ۲۸ سنبلہ ۱۳۱۱ مجلس عالی و زرا در ذیل ۱۵ مواد .

۲ : امتیاز انحصار واردات قند و شکر از خارج بافغانستان بتصویب مجلس عالی شورا و مجلس عالی و زرا و صحنہ سنیہ یاد شاهی از تاریخ اول سنبلہ ۱۳۱۲ الی مدت ۷ سال در ذیل ۱۶ مواد .

- ۳ : امتیاز انحصار واردات موتر وسامان کارآمد موتر از خارج بافغانستان بتصویب مجلس عالی وزرا و منظوری حضور مبارک شاهانه .
- ۴ : امتیاز سهم ۳۰۰۰۰۰ جلد پوست قهره قلی باساس تقسیمات ردیف (ب) ماده اول لایحه انحصار تجارت پوست قره قلی و تصویب مقامات صلاحیت دار .
- ۵ : اشتراک سهم ۱۰۰۰۰،۰۰۰ - افغانی از جمله سهام شرکت انحصار بطرول .
- عمارت شرکت سهامی نیز در تحت تعمیر است که منزل اول آن در سال ۱۳۱۳ بسر میرسد، این عمارت یکی از عمارات معظم و عالی پایتخت خواهد بود مصارف اولیه آن تا اندازه یک ملیون افغانی در نظر گرفته شده .

تشکیل هیئت شرکت سهامی

هیئت مدیره شرکت سهامی :

رئیس افتخاری ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت :

ع ، عبدالمجید خان .

« ، دوست محمد خان ایماق .

« ، غلام حیدر خان مختارزاده .

« ، محمد عمر خان .

« ، سید کریم خان .

« ، عبد الخالق خان .

مامورین مرکزی

رئیس شرکت : ع ، ص عبدالمجید خان .

معاون عمومی : ع ، دوست محمد خان .

مدیر عمومی محاسبه : « میرزا خیر محمد خان .

کفیل مدیر اجراییه : ص ، محمد امین خان .

نماینده شعبه شهری : « حبیب الله خان .

سرکاتب تحریرات و اوراق : « غلام علیخان .

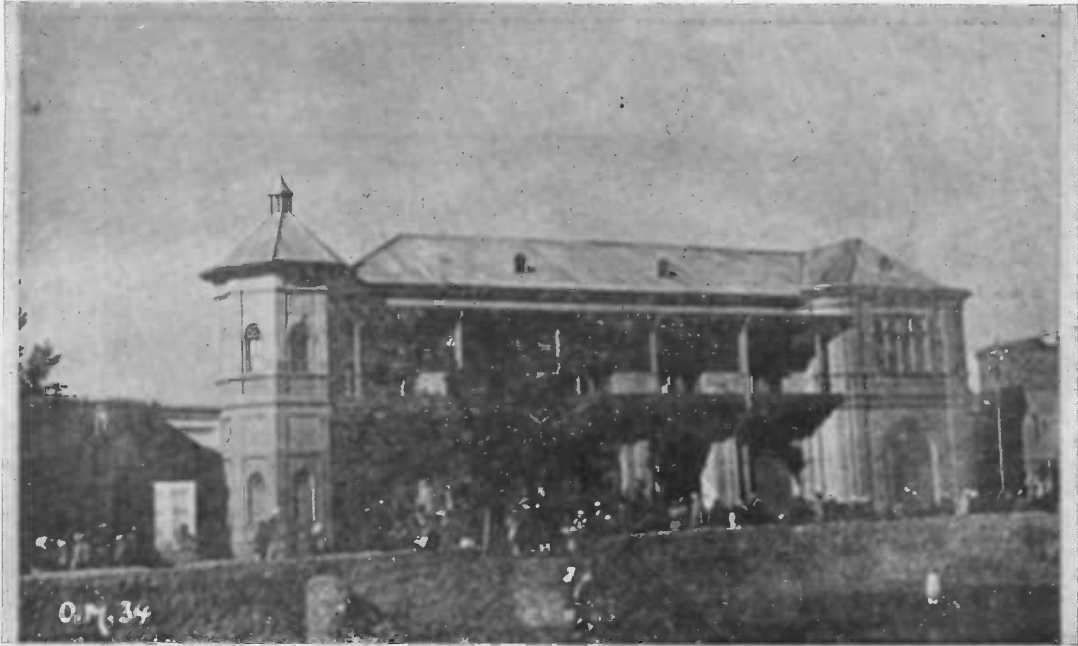
« شعبه انحصار موتر :

« حمل و نقل :

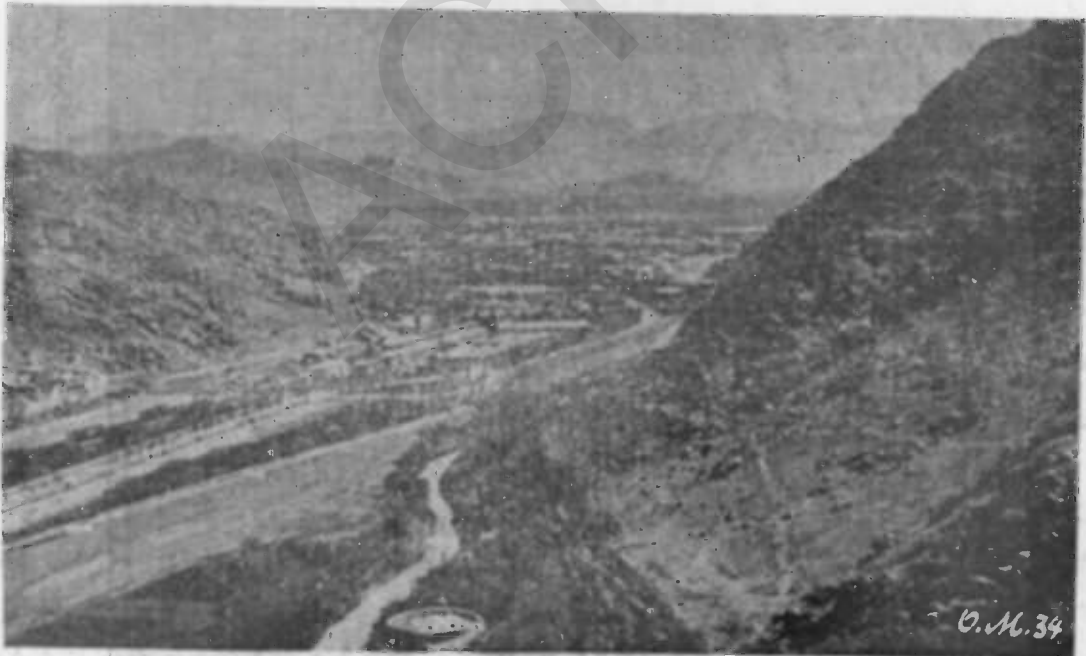


گروپ عمومی هیئت مدیره شرکت اسهای

Conseil Général des Fonctionnaires de la Banque Nationale Afghane.



شرکت اسهای
CHÉRKATÉ ASHAMI (Banque Nationale Afghane)



منظر پل هارتن و هتل گذرگا
بر لب دریای کابل از طرف کوه آسمایی عکس گرفته شده
Une partie de la ville de Kaboul (Vue prise aux environs du pont de Harton
et l'Hotèl de Gouzarga)

شرکت اسهامی

نمایندگان شرکت در داخله افغانستان :

ص ، محمد عثمانخان .	۱ : نماینده غزنی
ع ، سید کریم خان .	۲ : » قندهار
» رحمن خان .	۳ : » فراه
» عبدالخالق خان .	۴ : » هرات
ص ، حاجی محمد ابراهیم خان .	۵ : » میمنه
» میرزا شاه محمد خان .	۶ : » اندخوی
ع ، سید محسن خان .	۷ : » مزار شریف
ص ، میرزا محمد شفیع خان .	۸ : » قلعه جدید
.....	۹ : » کلات
ص ، عبدالرؤف خان .	۱۰ : » دکه
» عطا محمد خان .	۱۱ : » مشرق

نمایندگان شرکت در خارج :

ع ، محمد عمر خان .	۱ : نماینده و مدیر عمومی هند
ص ، میرزا خان محمد خان .	۲ : » پشاور
» محمد یعقوبخان .	۳ : کفیل نماینده گي کراچی .
» میرزا عبد الرؤف خان .	۴ : » » چمن
» عبدالقادر خان .	۵ : » » لندن
» عبدالرؤف خان .	۶ : نماینده برلن

وارد و صادره عمومی شرکت اسهامی الی اخیر برج حوت ۱۳۱۲ :

۴۱ پول - ۸۱۲۴۰۵۵۰ افغانی

۷۴ » - ۲۶۳۸۳۲۷۱ »

وارد

صادر

خریداری اموال جهة حکومت الی اخیر

۱۴ » - ۱۱۵۸۴۹۶۳ »

برج حوت ۱۳۱۲ :

۸۲ » - ۲۷۹۶۹ »

بودجه عمومی شرکت اسهامی در سنه ۱۳۱۱ :

۳۷۰۸۵۹ - ۷۳۱۶۰۷۳۱۶ یونند

» » » » » ۱۳۱۲ :

صورت محابرات مکتوبی دوائر مرکزی کابل شرکت اسهام الی اخیر حوت ۱۳۱۲

نومره مکاتیب دوايز مرکزی شرکت اسهام : (۱۳۸۵۰)

فروش صادراتی مملکت توسط شرکت اسهام : ۲۶۲۴۰۹۴ افغانی .

ارتباط شرکت با بانکهای خارجه :

۱ : ایمیریل بانک هند .

۲ : کنتوارنت سیونال دسکونت دی پاریس شعبه بمبائی .

۳ : » » » » » پاریس

۴ : دوویچ بانک دس کتوگرزل شافت برلین » برلین

۵ : ویست منستر بانک لمیتد لندن

۶ : » » » » پاریس

خریداری قند و شکر شرکت اسهامی : خرید ۸۷۳۶۲۵ افغانی ، فروش ۵۰ پول - ۶۲۷۶۲۶ افغانی .

شرکت تنویرات

این شرکت روز بروز ترقی کرده رفع احتیاج عمومی مینماید. نواقص لین ها و ماشین و آلات رفع گردیده هیچگونه سبکته گی در تنویرات منازل و غیره واقع نمیگردد، محاسبات این شرکت با اصول بهترین ترتیب و تنظیم یافته شرکاء کمال رضایت از مامورین اداری داشته، هر وقت می توانند، بدقت محاسبات رجوع نموده و معلومات حاصل دارند.

جاده های عمومی و بعضی جاده های داخلی شهر تنویر یافته و تسهیلات خوبی برای عابریین پیش کرده است.

بعضی اجراءات شرکت تنویرات در ذیل ذکر می شود:

- ۱ : در حصه نوآباد، دامنه کوه آسائی لین جدید تمدید گردیده.
 - ۲ : در حصه بالا قلعه، حدود عاشقان و عارفان لین جدید برده شده.
 - ۳ : در شهر آرا لین جدید امتداد یافته.
 - ۴ : در دکانه های جدید چمن حضوری جدید لین برده شده.
 - ۵ : عمارت شرکت خیلی مقبول و عصری تعمیر و مکمل گردیده.
 - ۶ : در ده افغانان برج جدید تعمیر گردیده.
 - ۷ : از پول عایدات شرکت، شرکت یک مقدار منافع را بشرکاء تقسیم نموده است.
- برای رفاه اهالی از طرف دولت کمک و معاونت معتسائی بعمل میآید یعنی از فابریکه الکتریک دولتی قوه مکفی به قیمت خیلی نازل باین شرکت داده میشود.



دائرة زراعت و نسلگیری

و تربیه حیوانات

یکی از موسسات مفیدیکه مملکت ما قبلاً فاقد آن بود و در عهد حکومت اعلیحضرت نادرشاه شهید دارای آن گردیده دائرة زراعت و نسلگیری و تربیه حیوانات است .

این دایره در دو سال قبل از طرف شهریار شهید اراده شده و در قریه علی آباد عمارات و جاهای لازمه تربیه حیوانات و طیور بالای املاک شخصی شهریار مدوح تعمیر یافته و اقسام حیوانات و طیور قابل نسلگیری و حیوانات و نهال از ممالک خارجه جلب و بوسیله متخصین ماهر شروع بکار شده است .

اکنون این موسسه دارای بهبودی و رونق درستی شده و بودجه مناسب و موزونی دارد یکمقدار طیور و حیوانات مفید درین موسسه تا حالا تربیه و نسلگیری شده و در امور زراعت تجر به های نافع بعمل آورده است . قرار پروگرامیکه این دایره دارد پس از موفقیت کامله در مرکز شعبات آن در دیگر نقاط مملکت هم تاسیس خواهد شد .

دائرة نسلگیری و زراعت علاوه از ان اقدامات که راجع به تربیه و پرورش حیوانات مختلفه وقتاً فوقتاً بعمل آورده و دامنه عملیات آن تدریجاً در تحت توجهات حکومت وسیعتر شده است جدیداً به تاسیس یک شفاخانه برای معالجه امراض مختلفه حیوانات نیز پرداخته و داکنتر لایق و ادویه لازمه و سامان مکفی برای شفاخانه مذکور تهیه دیده است . حیوانات به هر گونه امراضیکه مبتلا شوند به شفاخانه مذکور معالجه میشود ، این شفاخانه به حیوانات اهلی خیل مفید واقع شده است .



اصولنامه ها و لوائحی که در سال ۱۳۱۲ تصویب شده

- ۱ : « اصولنامه وظایف مدیریت های تحریرات .
- ۲ : « « « « مامورین .
- ۳ : « « « « اوراق .
- ۴ : « « استعفای مامورین ملکی و عسکری .
- ۵ : « « بلدیہ .
- ۶ : « « تشکیلات اساسی .
- ۷ : « « ویزه و اقامت اتباع خارجه در افغانستان .
- ۸ : « « توقیف خانه و حبس خانه ها .
- ۹ : « « مراسم تعزیه داری .
- ۱۰ : « « نکاح، عروسی و ختنه سوری .
- ۱۱ : « « فروش اموال تجویلیخانه های دولتی .
- ۱۲ : « « لایحه ورود و نمایش مال التجاره خارجه در افغانستان .
- ۱۳ : « « انحصار قند و شکر .
- ۱۴ : « « تیل پطرو و غیره تیل های کارآمد مو تر .
- ۱۵ : « « شرکت یشتون قندهار در موضوع فروش میوه تر و خشک قندهار در خارج .
- ۱۶ : « « اخراجات پوست و استعمال پول مستحصله فروش آن .
- ۱۷ : « « ماده واحده راجع به اخذ محصول تفنگ های شکاری .
- ۱۸ : « « ضمیمه اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین
- ۱۹ : « « اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین راجع بر رخصتی مستخدمین و عمله فابریکات و دواير و افراد عسکری و پولیس .
- ۲۰ : ضمیمه تعدیل اصل ۱۵ اصول اساسی .
- ۲۱ : ۶ فقره تصاویر متعلق به امور خارجه (تفصیلات آن در اجراءات امور خارجه تذکار یافته).
- ۲۲ : راجع به تحقیق نشانه های حکومت سابقه .
- ۲۳ : « « به تعیین هیئت تدقیق بودجه سال ۱۳۱۳ ملکات از جمله اعضای مجلس شورا .
- ۲۴ : « « به الغای محصول صرفیات داخله، فرق فیات، چهاریکه کشتم، سبز مندئی و بارانه که در ریاست های بلدیہ اخذ می شد .

اعطاي نشان

- ذواتيکه از حضور اعلیحضرت شهيد و اعلیحضرت همايونی محمد ظاهر شاه نائل به نشان گردیده اند :
- سردار اعلی : ع ، ج دوکتر هربرت شوربل وزیر مختار دولت آلمان در کابل .
- » » : « » ون چن روکلانتی وزیر مختار دولت بهیة ایتالیا در کابل .
- » » : « » موسیو البرت بودار وزیر مختار دولت بهیة فرانسه در کابل .
- » » ؛ ع ، ص اسلام بیگ مستشار وزارت مختاری افغانی در یاریس در اثر حسن صداقت و خدمت او .
- » » : ع ، ش سردار علی شاه خان فرقه مشراول قوماندان مکتب حریه « » « » و خدمت او .
- استوار درجه اول : پروفیسر ژوزف هاکن مدیر موزلیه معلم مکتب لورور رئیس حفريات فرانسه در افغانستان .
- » » » : ص حاجی محمد سعید خان سابق مدیر گمرک هرات در اثر حسن خدمت و صداقت او .
- » » » : محمد عتیق خان طالب العلم افغانی در برلین .
- » » دوم : مستر تاکاکی جایای معلم جو جید سو مستخدم وزارت حریه .
- نشان صداقت : عموم صاحبمنصبان و افراد عسکری که به مملکت خود ابراز صداقت کرده اند .
- نشان خدمت : ع ، ج عبدالاحد خان رئیس و ع ، ص عبد الحق خان معین و ص عبداللطیف خان منشی و یکصد و دو ازده نفر و کلای دوره اول شورای ملی .
- » » : ح محمد قاسمخان غندمشر رئیس ارکان حریه فرقه شاهی که در تعلیم و تربیه تقری تعلیمگاه خورد ضابطان فرقه شاهی زحمت کشیده .
- » » : ع ش عبدالله خان فرقه مشر که در تعلیم و تربیه تقری تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردوی مرکزی ابراز همت نموده .
- » » : یکنفر پرکش و پنج نفر افراد اسپورشاهی که در آوان انقلاب خدمت کرده اند .
- » » : عموم صاحبمنصبان و افراد عسکری که در قضیه تجاوز اشراار وزیر یری خاک خارجه خدمت کرده اند .



افتتاح رفقی سناتوریم

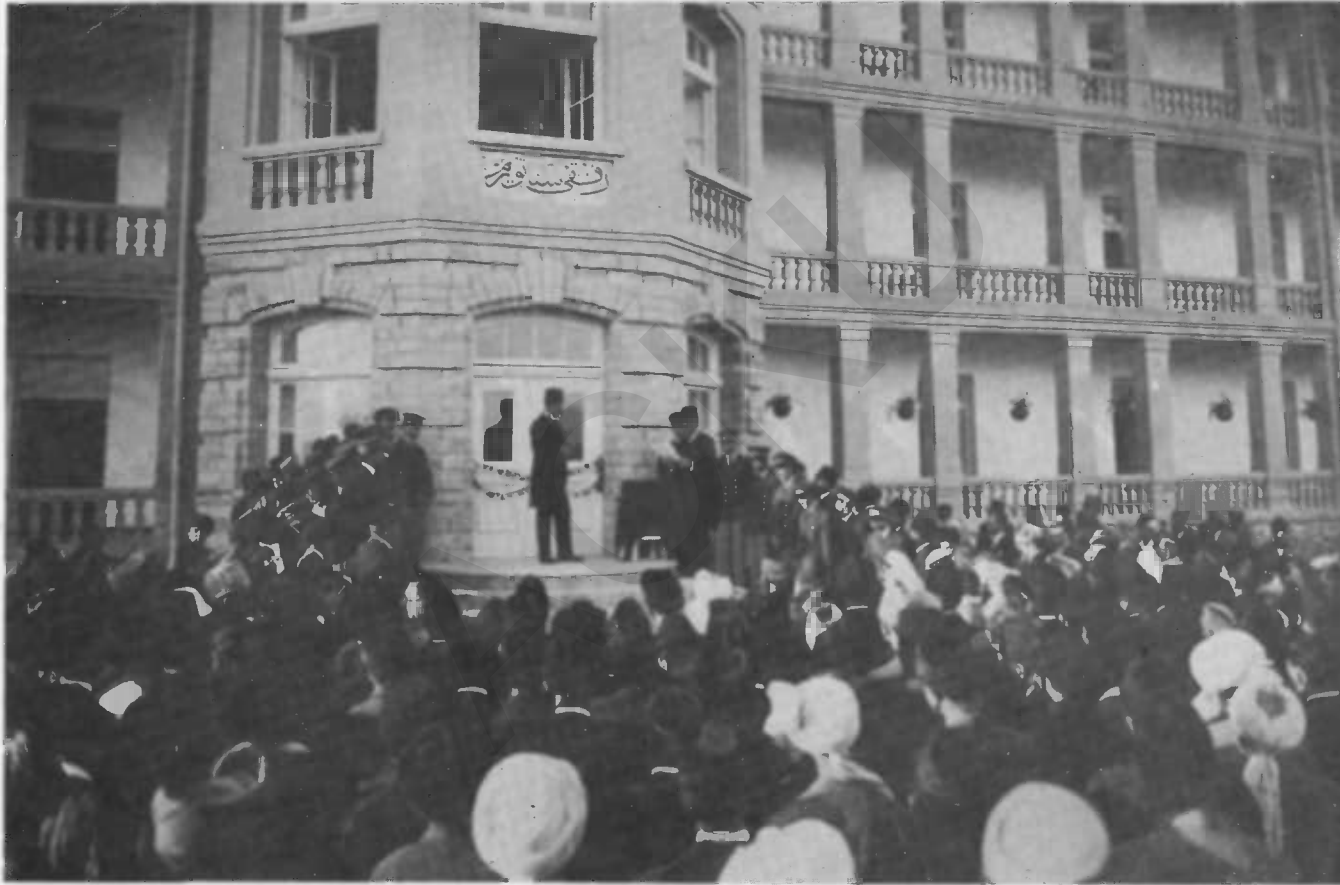
در دورهٔ اعلیحضرت نادر شاه شهید، افغانستان روبه ترقی نهاد و نهضت مخصوصی در تمام رشته‌های وطن نمایان گردید قشون تنظیم، امنیت در وطن تأمین، معارف تعمیم یافت. مؤسسات عام المنفعه افتتاح و تاسیس شد. که ازان جمله یکی رفقی سناتوریم بوده و قبل از زمان افتتاح مختصر ذکری ازان در سالنامهٔ گذشته کرده بودیم اکنون در سال ۱۳۱۲ بتاریخ چهارشنبه (۱۴) سنبله رفقی سناتوریم بحضور رجال بزرگ دولتی، اعزّه، معارف، داخلی و نمایندگان محترم خارجی بدست حق پرست اعلیحضرت شاه شهید افتتاح یافت که درین جا از لحاظ اهمیت بنا و موضع آن معلومات مختصری ذکر میگردد.

رفقی سناتوریم در دامنهٔ ساسله جبال (کافرکوه) که غرب کابل را احاطه کرده و از طرف دیگر این دامنه بوادی سرسبز و شاداب چهاردهی منتهی میشود واقع و مساحهٔ سطحیه که برای آن تخصیص داده شده بالغ بر (۹۷،۵۰۴ متر و ۲۹ سانی) مربع میشود ازان جمله ۲۷۴ متر و ۶۹ سانی مربع برای عمارت سناتوریم و (۹۴۲۷۹ متر و ۶۰ سانی) مربع جهت باغ که این بنا در وسط تعبیه گردیده تعیین یافته است.

این سناتوریم بر یک سطح مائل واقع و از نقطهٔ نظر ژئولوژی کوهی که در عقب آن وقوعیت دارد از اراضی ولکانیک و سنگ‌های آن از گرانیک متشکل است. سلسلهٔ کوه‌های عقب سناتوریم از شرق جنوبی بشمال غربی ممتد و متوجه و در دامنهٔ طرف غربی جبال مذکور بمرور زمان بعضی برآمدگیها و فرورفته گیها احداث شده که سناتوریم علی‌آباد در وسط یکی از فرورفته گیهای مذکور وقوع یافته و این ترتیب در اهمیت صحی آن مدخلیت تامی دارد.

زمین سناتوریم از طبقات تریگ دار تشکیل یافته و طبقهٔ غیر قابل نفوذ این اراضی از سطح زمین به عمق زیادی واقع بناءً علیه از نقطهٔ نظر مایل بودن زمین و خاصیت طبقهٔ ریگزار اراضی تماماً خشک و عاری از رطوبت بوده آب هائی را که به زمین جذب می‌شود به زودی دفع می‌نماید و این خصوصیات در سناتوریم خیلی حائز اهمیت است.

اعلیحضرت شہریار شہید بروز افتتاح رفقی سناتوریم



در موقع افتتاح رفقی سناتوریم لایحه از طرف رفقی بیک عرض و قرائت می شود
S. M. la Roi Martyr, le jour d'Inauguration de RIFKI SANATORIUM, (Vue prise au moment où le Dr.
RIFKI BEY lit son discours).



مناره ساعت وزارت حربيه که در سال ۱۳۱۲ تعمیر و بنا یافته بود
Un coin nouvellement construit du Ministère de la Guerre

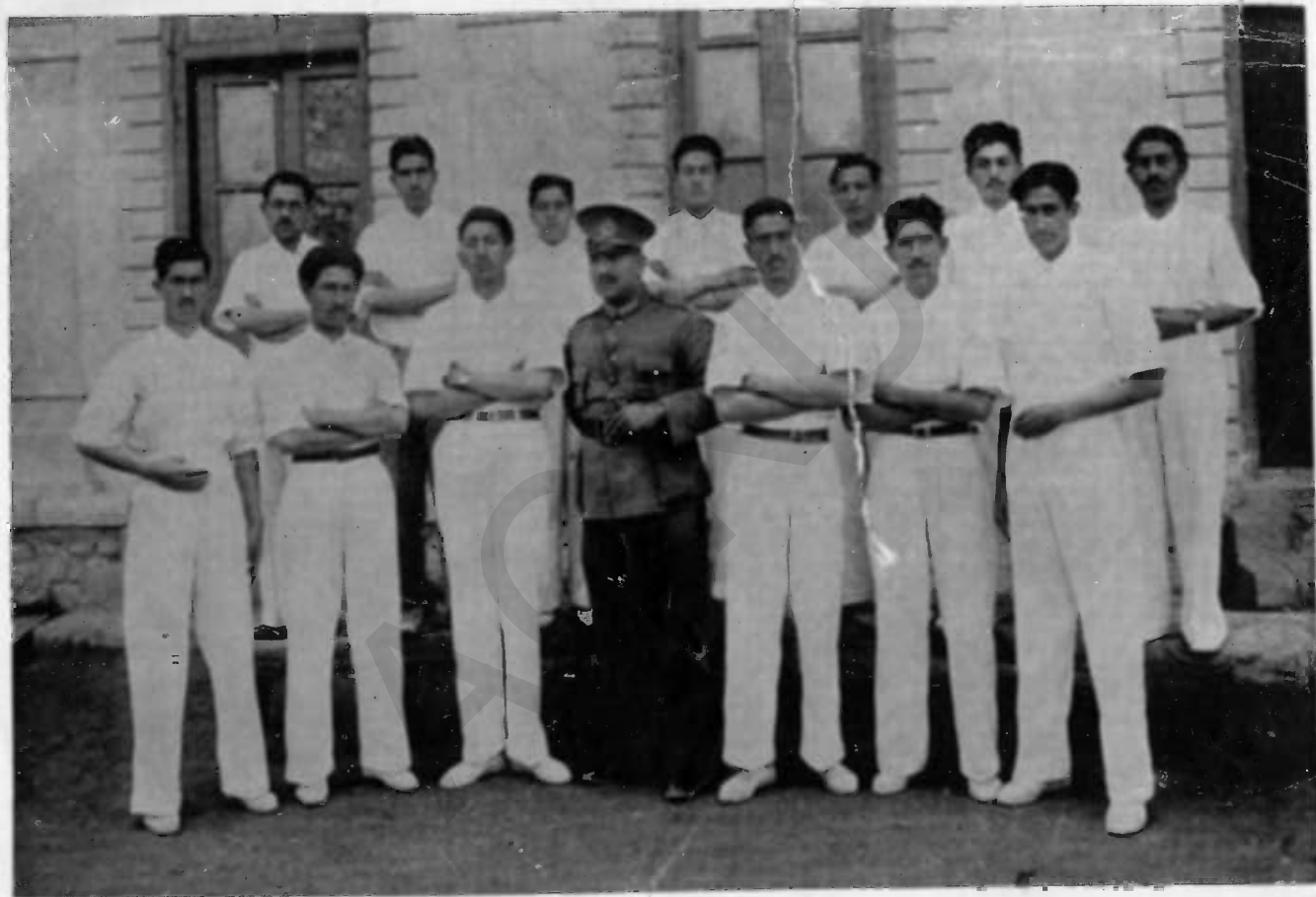
یکی از اوصاف دیگر این سناتوریم وقوعیت آن در مدخل فرورفته گی کوه است و کوهها بیکه عقب انرا احاطه کرده اند سناتوریم راتما ما از باد شمالی محفوظ داشته است. محفوظ بودن سناتوریم از باد شمالی که از زروهای سلسله، هندو کش بوزیدن آغاز کرده و تا حد و دیکه می رسد هوای سرد منتشر و موجب تحولات هواییه میگردد یک امر معتنا بها میباشد وقوعیت سناتوریم علی آباد در فرورفته گی کوه آنرا از خطر تحولات آتیه هواییه مصئون کرده است. سناتوریم بطوری انشا و تعبیه شده که در بین آن و کوه یک فاصله وجود دارد و درین فاصله انواع اشجار و گلهای غرس و کاشته شده. مقصد اساسی و صحی در غرس این اشجار تخفیف حرارت منتشره سنگهای کوه است که به سبب تابش آفتاب کسب میکنند. فاصله در بین بنای سناتوریم و کوه و غرس اشجار در آن، از یکطرف برای تخفیف حرارت سنگها در روز و وسیله خوبی بوده و از جانب دیگر طبقات هواییه آن مانع رسیدن حرارت به بنای سناتوریم میشود حرارت که از طرف شب از سنگها نشر میشود آنهم برای گرم نگهداشتن هوای سناتوریم و عدم ظهور تحولات هواییه خدمت میکند و هوای شب و روز سناتوریم را بحالت اعتدال محافظه مینماید که این موضوع از نقطه نظر صحی اهمیت زیادی را حائز است. و گذشته ازین فاصله بین بنای سناتوریم و کوه و غرس اشجار در آن حرارت را که سنگها در موسم تابستان انتشار مینمایند نیز ازالیه و برطرف مینماید. خصوصیت دیگری که موجب مزیت سناتوریم شده این است که جهت آن بطرف جنوب متوجه است و ازین لحاظ از بدو طلوع الی وقت غروب معروض به تابش آفتاب و اثرات اشعه شمسیه مینماید. سناتوریم در وادی سرسبز و زمرد فام چهاردهی منظره دلربا و فرحت افزائی را حائز است و این وقوعیت کیف و معانی آن را دو بالا کرده مزیت مخصوصی بآن بخشیده است وادی سرسبز چهارهی هوایی را که به سناتوریم میرسد کاملاً تصفیه کرده از هر نوع گردوغبار پاک و باطراوت مخصوصی می رساند تقرب آن به شهر کابل هم از نقطه نظر تامین هر گونه ما محتاج و مایلزم سناتوریم شایسته تذکر و صفت است که در صف دیگر محاسن آن قرار یافته.

سناتوریم در وسط باغ بزرگی که مملو از هر نوع اشجار، بته ها، گلهای پارکها و بکمال اهتمام تنظیم شده قرار یافته، ترتیب این باغ به کیف و طراوت هوای آن خیلی افزوده

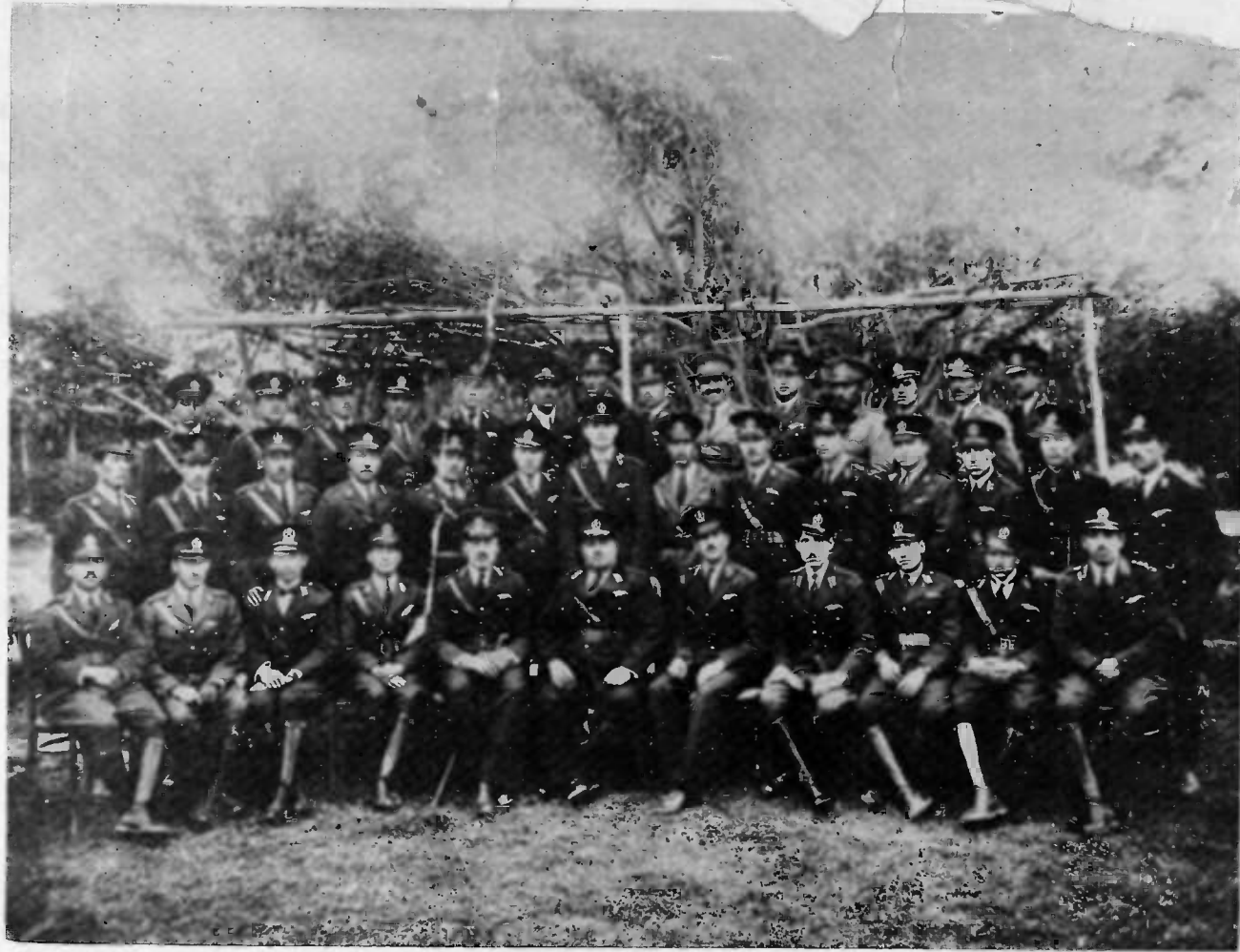
است. در سناتوریم و باغ آن از دو منبع آب آورده شده که برای نوشیدن و استعمال آب یاری بصر ف میرسد ۱: آب چشمه باعتبار صفائی، خاصیت کیمیویه با کتور لوژ و به این آب از تمام آب های موجوده شهر کابل و نواحی آن جمع است. و این آب بواسطه ماشین (ها یکی بذریعه آب و دیگری بواسطه الکترونیک بکار انداخته شده) در حوض های که بدامنه کوه و بیک نقطه مرتفع تعبیه میشود و آبهای ذخیره شده بعد از رسیدن بمشین فلتر بغرض نوشیدن و استعمال بمقامات لازمه توزیع میگردد.

۲: این هم بدو واسطه (ماشین الکترونیک و آبی) ایصال میگردد و در حوض جداگانه که بدامنه کوه برای آن ساخته شده واصل و بمصرف میرسد و بیک قسمت آن بحوض هائیکه جهت اطفای حریق و غیره بقسم احتیاطی در هر چهار گوشه سناتوریم ترتیب گردیده ذخیره میشود. تمام اقسام شفاخانه به سستم جدید تعمیر گردیده و ترتیبات تسخین مرکزی و الکترونیک را احاطه مییابد. تسخین مرکزی مخصوص ایام زمستان و شدت سرما بوده بمحد اصغر (۲۵) سانتی گراد حرارت انتشار میکنند و تمام خدمات داخلی سناتوریم از قبیل توزیع اطعمه و دعوت خدمتگاران و غیره بذریعه تاسیس الکترونیک انجام می یابد. بنای سناتوریم بیک بنای مرکزی و در عقب آن بفاصله محدودی دیسپانسر، اپارتمان نرس (محل نشیمن پسرپرستار) آشپزخانه و دو بی خانیه و تحویل خانه او توخانه، بیت الخدمه ها و دو اثر مربوطه واقع گردیده است.





تیم والی بال وزارت حربیه
Groupe de Wali-ball du Ministère de la Gueure



ح ، محمد احسان خان قوماندان هوا بازی با بیلوتها و میخانیک های مربوط قوماندانی مزبور
Colonel MOHD EHSAN KHAN Commandant de l'Aviation avec les Pilotes et les
Mécánicos du Département de l'Aéronautique.

نمونه خطاطی قدیم افغانستان
(کادر کلکسیون جناب فاری صاحب عضو انجمن ادبی موجود است)



Spécimen d'Ancienne Calligraphie d'Afghanistan.



نمونه ایست از خط نستعلیق فاضله محترمه خانم سرخوم سردار عبدالقدوس خان اعجازالدوله افغانستان (متوفی در سال ۱۳۰۶ هـ)
که این مجذرة فاضله الهائی با هرگونه اوصاف و کلمات قابل وصف تا هنوز در کابل اصرار حیات مینمایند
Spécimen d'Écriture d'Une Femme Contemporaine de Kaboul.



جناب مرحوم سردار عبدالقدوس خان اعتماد الدوله سابق که از خدام صادق و فعال وطن بوده
در سال ۱۳۰۶ در کابل وفات کردند

افتتاح جاده دره شکاری

بطوریکه افغانستان همیشه مورد پرورش و اصلاحات وطن پرورانه شهریار قبه اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی و خاندان نجیب شان واقع شده و در ادوار خدمتگذاری این فرزندان نجیب خود مصدر خیلی خوشبختی ها گردیده است عمران جاده دره شکاری نیز از همین قبیل کار نامه های درخشنده و اقدامات بزرگ این فرزندان نامی افغانستان بشمار می رود .

جاده ها که بمنزله عروق در بدن يك مملکتی بوده ، امور امنیت و اقتصادیات ، روابط حسنه اجتماعی ، اتحاد ملی همه وابسته بان است متاسفانه در سالیان متمادی وطن ما از داشتن اینگونه جاده های مهمه محروم مانده بود ، مخصوصاً دو ولایت سمنه و چندین حکومتی های صفحات شمالی وطن بکلی از مرکز و حصص جنوبی خاک ماجدا و در حال دوری مانده از فوایدیکه مذکور آمد بی بهره بودند اینک خوشبختانه می بینیم که در عصر تاجدار شهید بتوجه و مساعدت صدر اعظم دانای وطن و الاحضرت سردار محمد ها شخان سرک دره شکاری که نسبت بوضع کوهستانی این حصه و پهناوری و سختی جبال هندوکش که هر کس مشکلات آنرا میداند سرک مذکور اعمار بند برفته و حصه شمالی و مرکزی حصه جنوبی (بلکه تماماً قطعات خاک وطن) را بهم دیگر وصل می نماید .

اهمیت سرک شکاری از نقطه نظر تجارت :

راهیکه قبلاً از کابل بسوی ولایات شمالی ویا از آنجا بکابل پیموده می شد از کابل تا آغه رباط سرک واز آنجا مسافرن مجبور بودند کوتل های صعب العبور آغه رباط ، دندان شکن ، چمبرک ها ، قره کوتل را عبور نمایند . مخصوصاً مال التجاره در ایام تابستان ذریعه حیوانات در ۲۵ روز و در زمستان اگر برف کم میبود باز حثت تحمل فرسائی در مدت یکماه وارد منزل مقصود میکردید ، و اگر حیوانات بآرندگی تواتر داشته و انقلابی در اوضاع جوی رونمای شد عبور از این کوتل ها خارج از حد امکانات بوده و مال التجاره بواسطه بندش راه مدت ها معطل و ضربهای شدیدی به تجارت مملکت وارد می نمود ، اماراه شکاری که از دره شکاری عبور کرده با وسایل نفیسه عصری مثل موتر های لاری بزرگ راه ۳۰ روزه را (علاوه از رفع خساراتیکه از این باعث بقافله ها و ارباب سرمایه وارد می شد) بسه روز قطع مینماید مسلم است که اینگونه تسهیلات ترقیات شایانی را در امور اقتصادی مملکت واقع می نماید .

تسهیلات در روابط عمومی مملکت :

ولایات (مزار ، قطن) که ذریعه جاده شکاری بکابل وصل میشود و غیر از اهمیت تجارتی از نقطه نظر امور زراعتی و فلاحی آن هم قابل استفاده میباشد ، مثلاً بعضی سال ها که سرما شدت می نمود و راه عبور و مرور مسدود می شد ، بجز طبقات متمول که تحمل بجران های سنگین ارزاقی را می توانند ، طبقات کم بضاعت که قوه استطاعت آن ها ضعیف است تقریباً از حیث تنگی ارزاق دچار عسرت می شدند و در همین سال ها که اهالی مرکز به اینگونه بجران ها دست و گریبان بودند اهالی مزار و قطن از وسعت ارزاق محیط خود ها همیشه از انبار های غله و کله های گوسفند مستغنی بوده ضمناً از نبودن خریدار شکایت می کردند ، زیرا وسیله عمده تجارت آنها مواد حیوانی و غله بوده و بواسطه صعوبت و مشکلات راه کابل نمی توانستند از این تجارت چیزی استفاده کنند کذا در موسم سرما برای بکار بردن از محرومات همیشه

اهالی شهر کابل ذغال جلغوزه بلوط حتی ارچه را از اشخاصی اکتبا می کنند که آنها جنگلهای کوهی طبیعی نواحی قریه کابل را بدون رعایت کدام اصول فنی قطع نموده به بازار عرضه میدارند .

سرك دره شکاری می تواند مواد غذائی مزار و قطان و ذغال سنگ علاقه جات تاله و برفك را بکابل نقل داده و تدریجاً این نوافص و مشکلات تجاری داخله را رفع نماید . هم چنان در سالهایکه خدا نخواستہ آفات ارضی یا ستائی بزراعات ولایات شمالی صدمه برساند اهالی آنجا میتوانند از ارزاق و غله ولایت کابل استفاده نمایند .

اهمیت اجتماعی :

یکی از عوامل بزرگی که در ایجاد اتحاد در تجانس اخلاق و عادات طبقات مختلفه يك مملکت موثر است ، همانا اختلاط و امتزاجی است که بین افراد بوسیله تجارت و دادوستد و آمیزش و رفت و آمد تولید میشود ، پس در محیط هائیکه عوائق طبیعی از قبیل جبال رفیع و دره های پرخم و بیچ و غیره وجود دارد طبعاً در اختلاط اقوام بهمدیگر موافعی تولید میکند ، که از همه اولتر برداشتن موانع و عوائق مذکورہ یکی از اہم ترین اصلاحات اجتماعی شمرده میشود . گویا تصطیح سرك دره شکاری و رفع زحمت و تکالیف که در راههای سابق بمسافرین دست میداد این نقیصه را هم از بین برداشت ، و اکنون در مدت سه روز بدون احساس زحمت افراد کابل می تواند بولایات شمالی رفته با برادران متوطن مزار و قطان خود و از آنجا بکابل آمده از اخلاق و عادات و طرز معیشت و آداب معاشرت همدیگر استفاده نمایند .

این است از فوائد اقتصادی اجتماعی جاده شکاری که فوقاً بدان اشاره شد . اصول اقدامات و ترتیب ساختمان این شوسه را هم در سطور آتی به نظری قارئین میرسانیم :

اعلیحضرت محمد نادر شاه شہید و جناب عالیقدر جلالتمآب صدر اعظم صاحب بتمدد ارتباط ولایات مملکت و تنظیم امور اقتصادی وطن در سال ۱۳۰۹ احداث سرك مذکور را اراده فرموده و پروژه ساختمان آن بوسیله وزارت تجارت مرتب شده بتاريخ ۱۰ حمل ۱۳۱۰ آغاز بکار و هیئت منتخبه کار بموضع مذکور اعزام گردیده و مطابق پلان سرك آغاز بکار شده لاینقطع کار جاری بود و بتاريخ ۱۰ اسد ۱۳۱۰ عالیقدر جلالتمآب میرزا محمد خان وزیر تجارت برای اخذ اطلاعات دقیقه و اعطای دساتیر جدید و واریسی بجزئیات امور بایک هیئت از حضور والا حضرت صدر اعظم صاحب از سرك اعزام دره شکاری شدند و عملہ کاری گر و ترتیب جریان کار را قرار آتی تعیین فرمودند :

کارگران از اهالی قریه آنجا :	برای	۹۷۶۵	متر مسافه	۵۰۰	نفر فعله هر روزه
»	»	۸۳۷۱	»	»	»
»	»	۹۷۶۵	»	»	»
»	»	۲۰۹۹	»	»	۲۰۰
»	»	۱۸۰۰۰	»	»	۳۰۰
	»	۴۸۰۰۰	»	»	۲۰۰۰

غیر از قهری فوق برای امور مشکله مثال سرنک برانی و غیره به تعداد ۲۹۰۸ نفر تقریباً عملاً انشآت نیز هر ساله در امور سرك مشغول کار بوده اند ذر قراردادی که اهالی مذکور راجع بختم کار راه سازی باحکومت کرده بود چنین قید شده بود که مسئول قلت و کثرت عملہ خود شان بوده ولی حکومت لوازم کار را از طرف خود آماده می نماید . حکومت نیز این ترتیب را تصویب نموده به ادخال فعله اطراف و جوانب عملیات راه سازی را سریع تر نمود .

افتتاح جاده دره شکاری

ما چیزیکه درحین اجرای کارقدری تکالیف و اردمی کرد آذوقه رسانی وما بحتاج نفری عمله کار بود ، درحالیکه نواحی قریبه دره شکاری غیرمسکون بوده و لوازم مذکور از نقاط بیدجمل می شد ، ولی بانهم حکومت متبوعه بجدیت تمام کافه حوایج عمله را از قبیل خوراک و یوشاک ، محروقات و غیره بخوب ترین شکلی تامین نمود که عمله و تمام مامورین تسطیح راه دره شکاری از هر جهت مطمئن و آسوده بودند . و بالاخره بعد از مرور سه سال یعنی از اسد ۱۳۱۲ کارسرك شکاری از دهنه شکاری نادهنه غوری اختتام یافت ، اولین ابلاغیه که راجع بختم کارسرك شکاری در مطبوعات دیده شد بتاريخ ۱۸ اسد ۱۳۱۲ بود که مجله اقتصاد باتکامل اطلاع متخذة خود فوق العاده نشر نمود .

(اهالی وطن از تصمیم حکومت راجع بساختن شوسه شکاری بسوق و منتظر نتیجه بودند . اینک باکمال مسرت مزده میدهیم که شوسه مذکور بتاريخ ۲۱ اسد تسطیح و انجام پذیرفته بتاريخ ۱۹ اسد اولین موتر از سرخک بینی به مزار شریف حرکت نمود و یک موتر از مزار شریف که حاوی خربوزه غوری بود بتاريخ ۲۱ اسد از دره کاروان عبور نموده ، بتاريخ ۲۲ اسد وارد کابل شد) گویا موتر حامل خربوزه اولین موتری بود که محصولات ولایات شمالی مملکت را به عبور از سرکیکه در دوران حکومت نادرشاهی تسطیح شده و یکی از یادگارهای بزرگ عهد مصلح نادرشاهی بحساب می رود بکابل حمل نمود . متعاقب آن بتاريخ ۷ عقرب جناب عالیقدر جلالتآب والا حضرت صدراعظم صاحب اراده فرمودند تا سرك دره شکاری رابطور رسمی شخصاً افتتاح نمایند ، لهذا ، ع ، ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی وع ، ج فیض محمدخان وزیر امور خارجه وع ، ج میرزا محمدخان وزیر تجارت وسایر رجالیکه شرف معیت والا حضرت ممدوح را حائز بودند ساعت ۶ صبح روز مذکور از مرکز عازم دره شکاری شدند ؛ عندالورود با شریکه از نظر خوانندگان میگردد راه را افتتاح فرمودند .

سواد نطق والا حضرت صدراعظم صاحب

بروز افتتاح سرك دره شکاری

حضار محترم ! خدای متعال را شکر گذارم که امروز در سایه شهریار وطن پرور افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی امور مملکت عزیز بلافاصله تنظیم شده ومدارج بلند ترقی را می بیناید .

درین دوره درخشنده نظر بحسن نیات وعشق وعلاقه مخصوصیکه ذات شاهانه برای پیشرفت امور وسعادت ملك وملت خود دارند خوش بختانه می بینیم که کارهای سودمند ومطالب خیلی نافع که تماماً مقرون بصرفه وصلاح مملکت است از حضور ملوکانه امر واراده وبوسیله هیئت دولت ایجاد وتاسیس میشود .

بنده خیلی خورسندی وافتخار داشته وایزد متعال را مجدداً حمدوسپاس میگویم که در عصرچنین پادشاه تریخوایه داناشرف خدمت گذاری افغانستان وطن عزیز خود را دارا بوده ومورد نوازش پادشاه محبوب نسبت بابقای اینگونه خدمات نافع ملی بنده وهیئت کابینه من واقع می شود !

اخراج موقعیتها ومأموریتها البته دریک کشور برای افراد خیلی حظ وافتخارات دارد ، ولی اگر مامورین وعهده داران امور در حدود وظیفه وفرائض خدمت گذاری خود بی اعتنا بوده و قلباً علاقه نداشته باشند البته مسئولیت آنها بنزد خدا وجامعه ملی خیلی سنگین است ، پس من از سایر مامورین محترم افغانستان تشکر میکنم که آنها در راه ایفای وظیفه وحسن تطبیق اوامر وارادات اعلیحضرت همایونی در هیئت واجزای کابینه این خادم وطن مجاهدانه کوشیده ووسائل خورسندی خاطر ما را همیشه فراهم نموده اند .

یکی از نمونه‌های قابل قدر نتایج خدمتگذاری خدام افغانستان مخصوصاً وزیر صاحب تجارت، تعمیر این جاده دره شکاری است که جناب شان از آغاز کار و صدور امر ملوکانه مطابق هدايات و نظريات ما متوالياً باخبري از کار و تهیه وسائل و عملد کاریگر وغيره امور متعلق براه سازی را نموده و اینک موافق آرزوی ما جاده شکاری تعمیر شده است. برای تسطیح این طرق مهم درین موضع که بکوه‌های بلند محاط است تهیه نفر کاریگریک امر مهم و باز تهیه مواد خورا که برای یک جمعیت کثیر و رساندن اسباب و آلات راه سازی از آن مهم تر بود صرف مساعی و کوشش وزیر صاحب تجارت قابل تقدیر و تحسین است که به مدت کم و بصورتیکه آرزوی حکومت بوده کار این جاده بزرگ با ختتام رسید، همچنان از تمام مأمورین که وظایف مفوضه خود را بدرستی انجام داده و از تمام افراد کاریگر و از جمیع خوانین و کلان شوندگان و اهالی اطراف که با اقوام خود درین خدمت اشتراک نموده اند اظهار خورسندی و رضایت نموده اوشان را سعادت مند میدانم که درین خدمت بزرگ مملکت خود اشتراک نموده هر یک بقدر سهم خود حصه گرفتند.

گرچه درین شوسه صرف زحمت مأمورین و پول حکومت شده و اهالی صادق اینجندود مساعی و مجهوداتیکه فراموش نشدنی است ابراز نموده اند ولی باید دانست که در نتیجه وطن عزیز ما دارای یک طریق مهم حیاتی شده و این شوسه تمام قطعات مهمه خاک مملکت را بهمیدیگر وصل مینماید؛ چه در سالیان درازی بواسطه این سلسله کوه‌های عریض و طولیل هندو کش و لایات شمالی و حصه‌های جنوبی و مرکز جدا و از مواد اقتصادی منافع اجتماعی و اتحاد معنوی و روابط ملی اهالی این دو حصه نسبت بهمیدیگر خود محروم و بیگانه مانده بودند. بخاطر دارم سالهای را که در کابل قحطی غله و مایلم خورا که واقع شده و اهالی خیلی دچار عسرت گردیده بودند ولی عیناً در همان سالها در ولایات شمالی انبارهای غله بواسطه کثرت مقدار و قلت خریدار خراب و برهم شده خسارات هنگفتی را برای اهالی ایجاد میکرد و همچنان در سالهاییکه آفات در مزروعات ولایات شمالی واقع میگردد اهالی آن نمیتوانستند از غله و آذوقه ولایت کابل استفاده نمایند.

کذا بواسطه نبودن طریق سهل مسافرت اهالی این دو خطه نمیتوانستند بدون کدام امر مهم ضروری زحمت مسافرت یکماهه این راه صعب و مشکل را متحمل شوند، لهذا یکی از عادات و مراسم طرز زندگی و وحدت اخلاق خودها بیگانه بوده اهالی ولایات شمالی اهالی کابل را و اهالی کابل اهالی آنولایات را با وجود وحدت مذهبی و نژادی غریب و بیگانه می‌پنداشتند.

پس خیلی امر و زجای خورسندیست که در عهد همایون اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی این طریق مهم ساخته شده و اهالی این دو خطه میتوانند در هر دو سه روزی با وسایل نقلیات عصری و بکمال سهولت و آسانی باهمدیگر خود در رفت آمد داشته از مواد تجارنی خاک‌های همدیگر خود استفاده نمایند.

در نتیجه امید وارم این طریق مهم که ما سرک دره شکاری اش مینامیم فی الحقیقت در آینده قریبی برای تأمین روابط اخوتانه و ترقی اقتصادیات اهالی مملکت ما طریق سعادت بشمار خواهد آمد.

در خاتمه سعادت و ترقیات روز افزون وطن عزیز و حصول سعادت ملت افغانستان را از خدای متعال استدعا نموده بنام خدای پاک و بافتخار اعلیحضرت محمد نادر شاه بزرگ این شوسه را افتتاح مینمائیم.

سیس ع، ح میرزا محمد خان وزیر تجارت نطق آتی را بحضرت مبارک والا حضرت صدر اعظم جواباً عرض و قرائت نمود.

سواد نطق ع، ج وزیر صاحب تجارت

والا حضرت معظماً افتخار دارم که امروز در محضر این حضرات که به افتخار شریف آوری ذات والای شما برای افتتاح شوسه شکاری درین موضع حضور بهم رسانیده اند بگویم :

این پروژه بزرگ را که تاکنون در افغانستان سابقه ندارد و درخور پروگرام های دول بزرگ امروزه دنیاست مطابق اوامر و ارشادات ذات ملوکانه و والا حضرت صدر اعظم صاحب بدستاری رؤس و فعله اقوام اطراف و جوانب این موضع ما صاحب منصبان و عمه انشآت و سایر مامورین دولت حسب مطلوب بسر رسانیده ایم . بلی در وقتیکه اجرای کار جاده شکاری روی دست گرفته شد از منابع مخصوصی که شاید فقدان فضائل روحانی غالب تر از اغراض ایشان بود پیهم این جمله که « چنین کار بزرگ که حکومت قبل را حتی بردن نام آن بوحشت می انداخت نه امکان بسر رسیدن دارد و نه افغانستان به این قبیل امور سابقه دارد » استماع میگردد ، ولی ما طوریکه در کار های خارقه نمای مرد جلیلی مانند اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی و والا حضرت شما اطلاع داشتیم و سوابق زحمت کثی و خدمت گذاری بی آلاش تان بما واضح بود . انکأ به تائید خداوندی و اطاعت او امر شما نموده بدون اینکه این پروپاگندهای مفرضانه که فضائل معنوی را متزلزل می ساخت در ما ادنی تأثیری تولید کند شروع بکار نموده تا حدیکه اقتدار شخصی اجازه میداد اوامر و هدایای را که بما اعطا میفرمودید بموضع عمل گذاشتیم تا اینکه لله الحمد تعالی به الطاف خداوندی و قوه تدبیر و حکمت عملی حکومت مصلح موفق گردیده بطلان عقاید مفرضین را امروز اثبات میکند .

کار ساختمان سړک از اوایل آغاز تاکنون بطور طبیعی جریان داشته ، تمام سهم داران اجرت پیشه و مامورین و مهندسین در تطبیق نظریات و آمال حکومت مطبوعه که در مواقع مقتضیه کتباً از وزارت تجارت بایشان تبلیغ میشد و با در مواقع ورود خودم در اینجا به ایشان ایراد میگردد کما حقه سعی کردند و عملی نمودند و همان بود که بعد از معاودت هر بار از سړک شکاری اوضاع ساختمان را با تمام کوائف همیشه بحضور عرض کرده ام .

طوریکه اجمالاً والا حضرت فرمودند این جاده یکطرف صفحه دیگری در تاریخ اصلاحات دوره مصلح نادر شاهی بازی کند و از طرف دیگر امید است مصدر خدمت مهمی در امور اقتصادی و معنوی ملت افغانستان گردد .

چون والا حضرت در ضمن فرمایشات خود الطافاً از خدمات ناچیزانه بنده اظهار رضایت فرمودند ، لهذا عرض میکنم من بشخصی مصدر خدمت بلندتری طوریکه آرزو داشتم نشده ام و چیزی که توانستم و حقیقه باعث افتخار من است تنها تطبیق آمال اعلیحضرت غازی و والا حضرت شما است که عهده مربوطه خود را بزعم خودم بصدقت انجام دادم ، در خاتمه افتتاح این شوسه را به اعلیحضرت غازی و والا حضرت و سایر ملت افغانستان تبریک گفته از خدای مهربان التماس دارم که حکومت متبوعه ما را زیاد ازین در تحت هدایات شهربار فہیم و کار آگاه آن بموفقیات بزرگتری نائل گردانند .

بالجمله طوریکه تذکار رفت شوسه شکاری که یکی از مفیدترین و مهم ترین کارهای که تاکنون در تاریخ افغانستان عملی شده افتتاح و محل استفاده عامه قرار یافت .

جاده شکاری مزایای زیادی دارد که ما تنها بذکر مختصر آن قناعت نمودیم امید است کافه ملت نجیب افغانستان قدر و قیمت همهچیز امور را که در دوران حکومت فعلی عملی میشود دانسته و قیمت خدمات این حکومت شریف خود را بیش از پیش بدانند .

افتتاح نهر سراج مشرقی

نهر سراج سمت مشرقی همان نهریست که در سال ۱۲۹۰ شمسی حفر آنرا اعلیحضرت امیر حبیب الله خان اراده کرده بود. شروع خط سیر این نهر از برابر پل در و تته اتخاذ شده و تا یک حدی بکنار سرک لغمان متمد و باستقامت قلعه بختان از دریای سرخ رود عبور و بر شیله نافی و قلعه شاه مرد خان و دشت شاه مردان و کاربزمیر، گذر کرده و تقریباً چهارده هزار جریب زمین لامزروع و خاراء سمت مشرقی را مشروب و قابل زرع می نماید.

در زمان اعلیحضرت سراج الملته والدین کار حفاری نهر مذکور جاری ولی بواسطه شهادت اعلیحضرت موصوف از سنه ۱۲۹۷ تا سنه ۱۳۰۲ شمسی کار آن کاملاً بحال تعویق و عدم پرداخت مانده بود. در سنه ۱۳۰۳ عصر امانیه دوباره بکار نهر مذکور اقدام و یک مبلغ کافی برای آن در بودجه منظوری داده شد، اما متأسفانه با وجود مصرف زیاد باز هم کارهای باقی مانده آن به تکمیل نرسیده و بحال خراب ماند.

در سنه ۱۳۱۱ عصر شهریار وطن پرور ترقی خواه اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید که تمام منابع و قسمتهای مهمه اقتصادی و عمرانی وطن تحت توجه شاهانه شان قرار یافته و به تعمیر بندها و حفرا نهار امر و اراده خویش را صادر فرمودند، آبادی و تکمیل نهر سراج را نیز حکم فرموده و پول مکفی جهت انجام کار مذکور در بودجه وزارت تجارت و زراعت منظوری دادند و از همان سنه با مراقبت مخصوص ع، ش جناب سردار محمد داؤد خان فرقه مشر قوماندان عسکری و حاکم اعلاى سمت مشرقی کار نهر سراج جاری شده بود اینک بتاریخ روز دوشنبه دهم ثور ۱۳۱۳ شمسی کار نهر مذکور تماماً به تکمیل رسیده و رسماً از طرف قوماندان موصوف در حضور جم غفیری از مشاهیر و اهالی آنجا افتتاح و نطق های متعددی در بین تعاطی شد و بالاخره بکمال موفقیت آب رودخانه در نهر مذکور جاری گردید حقیقتاً اقداماتی که در اکمال حفر و آبادی این نهر از طرف شهریار شهید گردیده و اختتام آن در عهد درخشنده اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نجیب می شود خیلی قابل امیدواری و خورسندی است چه وجود این نهر میتواند عمرانات و مزروعات جلال آباد را دو چند ساخته و یک باب تازه در ترقیات زراعت و فلاح و وطن عزیز ایجاد نماید. ضمناً سالنامه کابل از مساعی و مجهوداتی که قوماندان صاحب موصوف درین مسئله ابراز فرموده اند تشکرات صمیمانه نموده به جناب شان عرض تبریک می نماید.

انجمن کشفان

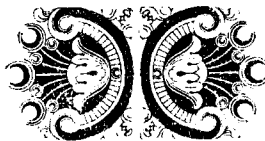
در تربیه کشفان درین سنه سعی مخصوص بعمل آمده، وبعوض ع، ج علی محمد خان قوماندان کشفان ع، ج سردار احمد علی خان وزیر معارف تعیین و در نفری شیر بیچه ها دوازده نفر افزود گردیده است.

در جشن استقلال طلاب اسکوت در رسم گذشت اشتراك ورزیده و بحضور ج، ع، ج والا حضرت صدر اعظم صاحب در حالیکه عموم وزرا و کور دیپلو ماتیک تشریف داشتند نمایش خوبی نشان دادند.

طلاب اسکوت در سال ۱۳۱۲ بمعه بلوک مشران و معلمین خود ها برای کمپ تعلیمی به دوده مست یغمان، بیکتوت، چهار منار، دار الفنون، رفته و از طرف اعلیحضرت فقید شهید عرفان پرور، کمپ های ایشان ملاحظه و از طعامیکه طبخ نموده بودند تناول فرموده و طلاب مذکور را مورد نوازش و تلطیف مخصوص خویش قرار دادند.

اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه در آتموقع که سرپرست طلاب اسکوت بودند نیز کمپ های اسکوت را ملاحظه فرموده و ایشانرا نسبت بجدیت و انتظام آنها تمجید و نایل به تحسین فرمودند.

اداره کشفی نسبت بواجبیکه با انجمن کشفان عالم دارد در سال ۱۳۱۲ با انجمن کشفان ۴۸ ممالک دنیا مکاتبه نموده است.



تمدید سرکهای جدید

چون حکومت متبوعه ما مشغول فراهم آوری تمام وسائل راحت و آرامی و رفاهیت ملت و ترقی و تعالی مملکت بوده و آرزو دارد وطن عزیز از هر جنبه ترقی و پیشرفت نماید، به واریسی همه امور مخصوصاً به تنظیم و تسطیح خطوط مواصلت به اطراف و نواحی مملکت نهایت توجه و مساعدت نموده تمام سرکهای سابقه که قابل ترمیمات لازمه بوده ترمیم و علاوه تاجاده های نافع متعددی در تمام نقاط لازمه تمدید و تسطیح کرده است که اینک از تذکار سرکهاییکه ترمیم گردیده از حیث طوالت مضمون صرف نظر نموده و تنها سرکهای را که تازه تمدید گردیده ذیلاً بمطالعه هموطنان عزیز میرسانیم :

متر	کیلومتر	
۵۰۰	۱	تمدید سرک از حد چهار راهی عقب فرقه شاهی الی قشله عسکری شیرپور
		۲ : « « « سرک دروازه لاوری به بالا حصار و از بالا حصار بطرف شهدای
۵۰۰	۱	صالحین الی زیارت جیبر و تمیم انصار رضی الله تعالی عنهم
		۳ : تمدید سرک از حد مینار یادگار شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم
۸۰۰	۲	تاسرک قلعه هاشم خان
		۴ : تمدید سرک جدید رفقی سناتوریم و اتصال آن به سرک دار الفنون و پخته کاری آن
۸۱۵	۴	۵ : « « « از ریش خور الی چهار آسیاب و اتصال آن به سرک لوگر
۱۹۸	۱۲	۶ : « « « پل قندهاری محمد اغه تاسرک لوگر
		۷ : « « « یاد خاب روغنی از طریق ده دوشنبه و بخش آباد و اتصال آن
۱۴۸	۹	به سرک گر دیز
۱۹۸	۱۳	۸ : تمدید سرک از پل علم الی قریه خوشی لوگر
		۹ : « « « یورک الی قریه داد و خیل و زرغون شهر و اتصال آن بسرک
۲۴۸٫۵	۱۵	سرخ آب لوگر
۳۹۶	۲۶	۱۰ : تمدید سرک از کلنگار الی کوتل دیوانگی
۵۹۴	۳۶	۱۱ : « « « سرک قندهار تا کنواز
۳۳۶	۸۲	۱۲ : « « « مرکر کنواز براه محمود خیل الی موش خیل و خود خیل
۴۴۵	۲۷	۱۳ : « « « از قریه سرکی خیل جانمرد به سمت کنواز الی بدی
۳۴۶	۱۱	۱۴ : « « « حد قلعه نظر خان تا حد شهیدان حصه اول اندر
۸۹۰	۶۷	۱۵ : « « « مقر بعلاقه داری ناوه و اتصال آن به کنواز
۶۴۳	۳۹	۱۶ : « « « بهسود به سمت جاغوری الی کوتل لومان.
۴۴۵	۲۷	۱۷ : « « « کوتل لومان الی سنک ماشه
۵۹۴	۳۶	۱۸ : « « « کوتل لومان تا سرک قیسار به حد قره باغ غزنی .
۲۴۸	۲۳۳	۱۹ : « « « بامیان به دایزنگی و اتصال آن به دولت یار مر بوط ولایت هرات

تمدید سرکهای جدید

متر	کیلو متر	ولایت قندهار:
۸	—	۱ : تمدید سرک از تخته پل الی مانده
۶۰	— ۹۹۰	۲ : » » ارزگان از پل ارغنداب الی حکومتی دهله
۹۱	— ۴۸۵	۳ : » » از حکومتی کلان قلات تا حکومتی هوتکی
۳۳	— ۵۴۴	۴ : » » از قلات الی شنکی
۱۵	— ۲۴۸	۵ : » » از شنکی تا حوت قول جاغوری
۶۷	— ۸۹۰	۶ : » » از مر کر پشت رود تا ناوه
۶۰	— ۹۹۰	۷ : » » از حکومتی کلان پشت رود تا حکومتی گرم سیر
		۸ : » » از حکومتی کلان پشت رود الی موسی قلعه زمین داوور

ولایت هرات:

۴۵۷	— ۷۹۵	۱ : تمدید سرک از او به الی علاقه داری دولت یار و اتصال آن به دایزنگی
		۲ : » » بین گلران و هرات

ولایت مزار شریف:

		۱ : تمدید سرکهای عریض و مستقیم در شهر مزار شریف.
		۲ : » » سرک از شهر مزار شریف به دهدادی.
		۳ : » » سرکهای جدید در آقچه.
		۴ : » » سرک در علاقه داری شور تپه.

ولایت قطغن و بدخشان:

متر	کیلو متر	
۱۵۴	— ۵۶۰	۱ : تمدید سرک از سرک دره شکاری از راه غوری به خان آباد
		۲ : » » از خان آباد به تالقان و از آنجا به علاقه داری خواجه غار و از آنجا به حکومتی حضرت امام صاحب :
		۳ : تمدید سرک از خان آباد به گرداب
۵۱	— ۵۲۰	۴ : » » از خان آباد به قندوز و از آنجا الی باش آبدان
۷۰	— ۸۴۰	۵ : » » از خان آباد تا حکومتی اشکمش
۸۰	— ۵۰۰	۶ : » » از خان آباد تا مر کر نهرین
۳۸	— ۶۴۰	۷ : » » از خان آباد الی فرخار
۹۱	— ۴۸۵	۸ : تمدید سرک از فیض آباد الی ارگو و درائیم و تشگان و حکومتی کشم تا کلفکان
۵۴	— ۹۹۱	۹ : » » از فیض آباد تا حکومتی جرم
۷۳	— ۱۸۸	۱۰ : » » از فیض آباد الی علاقه داری شهر بزرگ
۲۴	— ۳۹۶	۱۱ : » » از کنبد کشم براه پل بیگم بطرف رستاق
۳۰	— ۴۹۵	۱۲ : » » از روستاق تا علاقه داری چاه آب
۳۶	— ۵۹۴	۱۳ : » » از رستاق تا پل شیمه
۵۴	— ۹۹۱	۱۴ : » » از رستاق تا ینگه قلعه

حکومتی اعلاى مشرقى :

متر	کيلومتر	
۱۷ — ۰		الف : بندريهٔ مديريت تعمير سرك مشرقى :
۶ — ۰		۱ = تمديد سرك جديد مشرقى از بتخاك الى سموچ هاى ملا عمر
۴ — ۵۰۰		۲ = » » جديد مشرقى از طرف ميان سروبى و كنه سنگ
		۳ = » » از كمكى خيبر تاد كه
		ب : بندريهٔ مأموريت معابر حكومتى اعلاى مشرقى :
۶۰۹ — ۷۸۲		۱ = تمديد سرك از لغمان به سمت اسمار تا چغه سراى
۱۷ — ۵۶۷		۲ = » » بهر دو طرف شهر جلال آباد از دورائى درووته و كابل الى يل سراچه عليخان
		۳ = سرنك برانى در تنگى درووته و ديوار لب دريائى كابل .

حکومتى اعلاى جنوبى :

۷۳ — ۱۸۸		۱ = تمديد سرك از گرديز تا غزنى
۲۹ — ۶۴۳		۲ = » » از گرديز تا ميرزكه
		۳ = » » از سرو روضه بطرف ارگون
۱۸ — ۲۹۸		۴ = » » از ارگون الى اورجانه زيروك
۱۸ — ۲۹۸		۵ = » » از ارگون الى سروى
۱۰ — ۲۴۸		۶ = » » از سرو روضه الى شرن كتواز
		۷ = » » از لك ديوار زرم ت بطرف كتواز
		۸ = » » از حدود دم غندى منگل الى كوتل سروقى
۲۷ — ۴۴۵		۹ = » » از مركز خوست الى صبرى
۴۵ — ۷۴۲		۱۰ = » » از مركز خوست تا سيد خيل جدران
۳۳ — ۵۴۴		۱۱ = » » از حد سرحد كرم براه لکن و هارون خيل و طور ابوى سرحد
۲۷ — ۴۴۵		۱۲ = » » از مركز خوست الى تنى خوست
۳۳ — ۵۴۴		۱۳ = » » از مركز خوست تا جاجى ميدان

حکومتى اعلاى فراه و چخانسور :

		۱ = تمديد سرك بين اناردره و فراه
		۲ = » » از مركز چخانسور به علاقه دارى نهر شاهى و نادعل و از آنجا به علاقه دارى چهار برك و از مركز بكوا به سمت علاقه دارى گستان و كوهستان .
		۳ = تمديد سرك از مركز حكومتى اعلى به علاقه دارى بالا بلوك .
		۴ = » » در علاقه دارى هاى لاش جوين و چاى گوته و چاى برك و چشمهٔ توكل .



تعمیر پلها

ولایت کابل :

- ۱ : تعمیر پل دریای چمچه مست که سرک رفقى سناتوریم و دارالفنون را اتصال میدهد .
- ۲ : تعمیر پل گلباغ .
- ۳ : تعمیر پل در سرک پل چرخى .
- ۴ : ترمیم پل متصل بندغازی .
- ۵ : ترمیم پل چمچه مست و کنارهای آن .
- ۶ : تعمیر پل تنگی وردك که کار آن جار بست .
- ۷ : تعمیر پل رنگای غور بند

ولایت قندهار :

- ۱ : تعمیر هجده پل به سرک ارزگان که بطرف حکومت دهله تمدید شده .
- ۲ : تعمیر پل ارغنداب .
- ۳ : « » ارغسان (اراکوسیا) .
- ۴ : تعمیر پل دیگر در ارغسان .
- ۵ : تعمیر پل شاه جوی .
- ۶ : « چهل دوپل در شیله های معا بر ارغسان .
- ۷ : « دوپل در حکومتی پشت رود .
- ۸ : دوپل بین مقر و قلات در حد شاه جوی .
- ۹ : معبر شیله دب و معبر جدید ترنگ .

ولایت هرات :

- ۱ : تعمیر پل در موضع شیرخاش هرات .
- ۲ : ترمیم پل مالان .
- ۳ : تعمیر پل در خواجه چشت .

ولایت قطفن و بدخشان :

- ۱ : تعمیر پل دریای بنگی .
- ۲ : تعمیر پل در فرخار .
- ۳ : تعمیر پل در قندز .

مدیریت تعمیر سړك مشرقی :

الف : در حصه ولایت کابل .

۱ : تعمیر شش پل ودومعبر از بنخاک الی سمج های ملاعمر .

۲ : تعمیر سه پل در حصه رود چناری (کار آن جاری است) .

ب : در حصه حکومتی اعلاى سمت مشرق .

۱ : تعمیر پل صرخ آب (کار آن جاری است) .

۲ : تعمیر پل نظر آباد .

۳ : تعمیر پل کجوب .

۴ : تعمیر پل شيله نایق .

۵ : « سه پل در جلال آباد .

۶ : « سه پل در سراجیه علیخان جلال آباد .

۷ : « پل در حدود دشت چوره گلی .

۸ : « ده پل در دکه .



از تعمیرات سال ۱۳۱۲ مشرقی



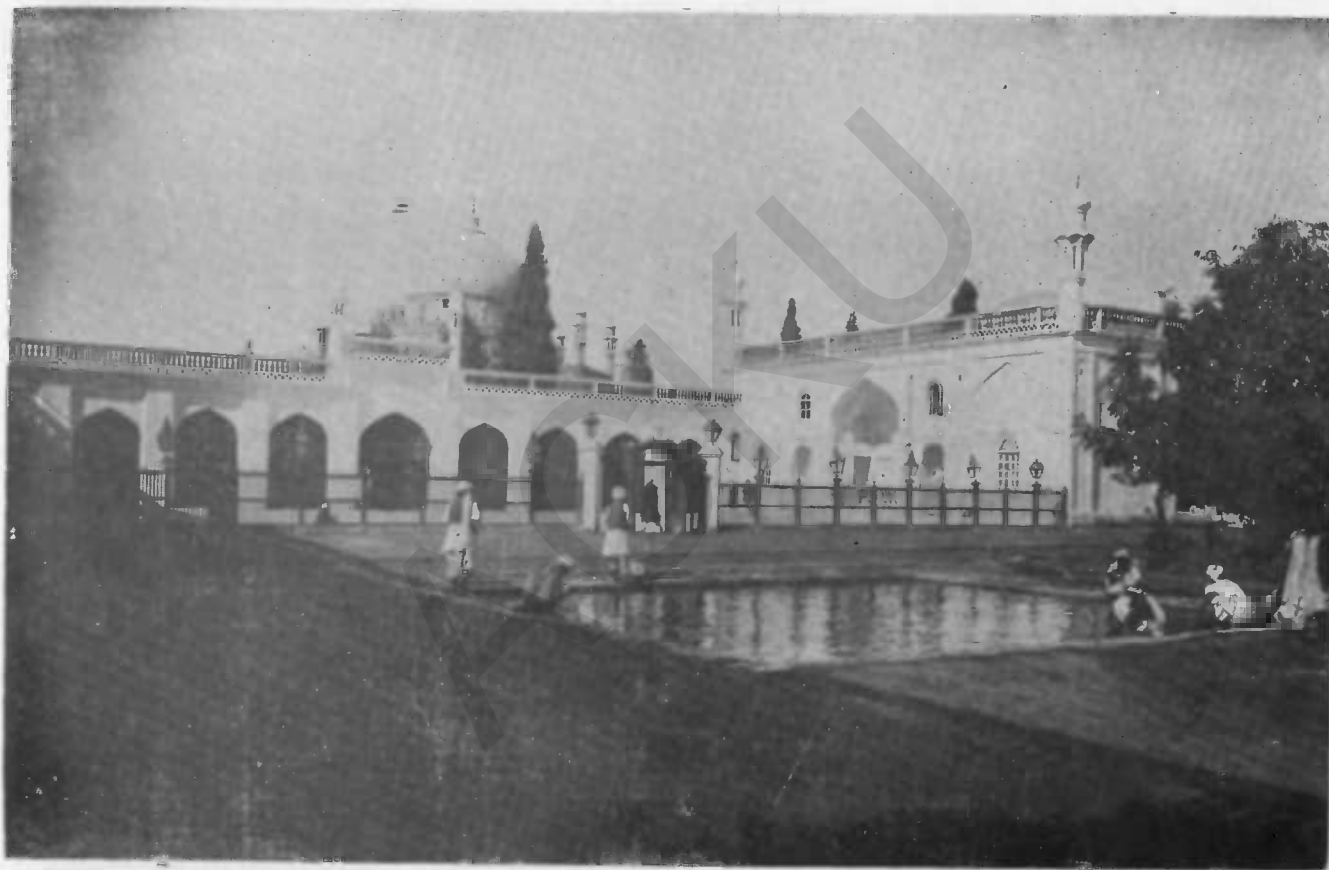
پل چوره گلی سمت مشرق
Le Pont de TCHORA-GALI sur la Route Kaboul-Indes.



پل واقع نظر آباد که داخل خط سربک جدید مشرق است
Un des nouveaux Ponts sur la nouvelle Route KABOUL-INDES. (Nazar Abad
Prov. de l'Est).



پل دریای بنگی (خان آباد) که ترمیم یافته
Le pont de la rivière de Bangui restauré en 1312 (Khanabad).



مسجد و جایگاه مبارک خرقه مطهر حضرت نبوی (صلم) در قندهار

Bâtiment et Mosquée de KHÉRQA-I-CHÉRIF (Menteau du Prophète) à Kandahar



منار یادگار شهداء میوند که در دوره نادر شاهی نسبت
بقدر شناسی از فدائیان وطن واحبای نام ایشان در سال ۱۳۱۲ بنا و تعمیر یافته
Monument Commémoratif des Martyrs de la Guerre de MAY-OUAND
construit sous le Règne de S. M. NADIR CHAH (Kandahar).

غور

قلب مملکت با افتخار تاریخی ما، یا مرکز صدور او امر جهان مطاع شاهان نامدار غوری سرزمین رفیعۀ غورات امروزه بود. این سرزمین عزیز در قرن پنجم و ششم اسلام با ملحقات شرقی و شمالی اش که مقصد از تولک، فرمی، شهرک، چنچران، چوند، هزاره جات حالیه باشد بنام غرجستان معروف بوده با عمرانات و ترقیات مخصوصی در قلب مملکت افغانستان جاداشت.

در عهد غزنویان که غزنه پایتخت بود، غور جستان بصورت یک ایالتی اداره می شد، ولی در عهد شهنشاه بزرگ سلطان غیاث الدین غوری فیروز کوه که مسقط الراس این خانواده و در عهد پدر و عم بزرگوارش اعمار و ترقی پذیرفته بود رسماً پایتخت سلطنت قرار گرفته غزنی صورت ایالت نشینی را اختیار کرد.

تمدن غرجستان مخصوصاً در عهد غوریان به اوج ترقی رسیده مهد بسی فضلا و نام آوران این خاک بشمار رفته و با ترقیات بلخ همسری می نمود. خرابه زار امروزه: تیوره، شهرک، فیروز کوه و غیره نقاط عظمت گذشته این سرزمین را بخوبی نمایندگی مینماید و جمعیت این خاک در آن عهد نلک جمعیت تمام مملکت را از حیث خوبی آب و هوا و ترقیات مدنی تشکیل میداد، ولی متأسفانه در قنۀ مغل بعد از خرابی و احراق بلخ اهالی این خطۀ نامی با مغل وحشی فوق العاده مبارزه و مقاومت کرده آن گروه خون ریز تمام نفوس را قتل عام و همه عمرانات آن را بلافاصله خراب و احراق نمودند. غورات از آن زمانه اسف آوری حال بهمان وضع ویرانی مانده اخیراً قلعه تیوره جدید، پرچین، پسابند که فعلاً به اسم غور معروف است تا سال ۱۳۱۲ به عنوان یک حکومت درجه اول از طرف ولایت هرات اداره می شد و دیگر ملحقات قدیمه آن از قبیل: تولک، شهرک، چنچران بحکومتی های مختلفی تقسیم و از وی مجزاشده مستقیماً از مرکز هرات اداره میگردیدند. ولی درین عصر فرخنده که شهرهای تاریخی وطن مورد توجه قرار گرفته خوشبختانه غور درین سنه بحکومت کلان تبدیل یافت که صورت تشکیل جدید غورات و تشکیل حکومت کلان بادغیس که نیز بحکومت کلان تبدیل یافته قرار آتی است.

الف: حکومت کلان غورات:

۱: مرکز نفس غور - ۲: علاقه داری پسابند - ۳: علاقه داری پرچین - ۴: حکومت تولک - ۵: علاقه داری فرمی - ۶: حکومت شهرک - ۷: علاقه داری فراه رود - ۸: حکومت چنچران.

ب: حکومت کلان بادغیسات.

۱: مرکز حکومتی قلعه مرغاب - ۲: علاقه داری چوند - ۳: حکومت قلعه نو - ۴: علاقه داری قادس - ۵: حکومت کشک - ۶: علاقه داری گلران.

بطوریکه این خطۀ مهم تاریخی جلب توجه حکومت ترقی خواهم خود را نموده و در تشکیلات اداری ترقی کرده است امیدواریم در سایه این حکومت غم خوار بزدی غورات تاریخی احراز موقعیت عالی مدنی خود را نیز بتواند.

نظریات علمای روسیه شوروی

نسبت به صنایع تاریخی افغانستان

از قلم پروفیسور دینکه عضو انجمن
علمی شرق شناسی کل روسیه

صنایع افغانستان هنوز آنقدر کم در تحت تدقیق و مطالعه آمده که برای جوینده، مملکت پراسرار و مخفی را جلوه میدهد. اثرهای مخصوصی در باب صنایع نفیسه تاریخی در افغانستان اشاعه نیافته است و فقط نظریه مختصر نگارشات سیاحین و آهم که بصورت عمومی رقمطرازی نموده اند اگر دقت شود خیلی پر معنی و در محتویات خود شعب مختلفه را داراست.

تمثالهای صنایع افغانستان بچندین عوامل مدنی ذممدخلی است. اولی به عالم مدنیت بودا و دومی در محیط صنایع اسلام. علاوه بر آن مکشوف گردیده که آثار باختری های قدیم که بامدنیت ایران قدیم ارتباط دارد موجود است. در باب آثار معماری مدنیت های متنوعه هر دوره از تصنیف قابل تقدیر اکادمیک بار تولد (اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳) معلومات گرفته میتوانیم و همچنین بعضی معلومات متممه در (مجله شرق جدید) که در سنه ۱۹۱۷ بطبع رسیده و در خصوص نتایج علمی هیئت اعزامیه (ایکسپدسیون) که از طرف الهانها در اوال جنگ عالمگیر وارد افغانستان شده بودند و توضیحات بسیطی میدهد دیده میشود. چون مقصود اساسی ایکسپدسیون مذکور ایفای وظایف حربی و سیاسی بود بناءً علیه در مسائل علمی رول ضمنی بازی کردند و نسبت به صنایع تاریخی و آثار عتیقه بعضی مشاهدات بعمل آورده و عکسهای برداشتند.

از آثار صنایع بودا در افغانستان بت های عظیم الجثه و سموچهای که دارای تزیینات بر جسته و منقش و مصوری باشد در میان موجود است. (درین باب دو کتور

ولپچسیلاو) در نطق خود که بحضور مجلس کمیسیون افغانی در انجمن علمی شرق شناسی کل روسیه در سنه ۱۹۲۲ ایراد نموده است متذکر می شود ملاحظه کنید و در خصوص عمارت نوبهار که از عمرانات ادوار قبل از اسلام و در بلخ وجود دارد بار تولد توضیح میکند (صحیفه ۹ - ۱۰) که این عمارت در عصر دهم در حالت ویرانه دیده شده است. جغرافیادان ایرانی آنرا عمارت پادشاهان قدیم ایران مینامد ولی بحقیقت قریب تر عقیده بار تولد است مبنی به توضیح جغرافیا دانان عرب که میگویند. نوبهار معبد آن دینی است که شهنشاهان چینی و شاهان کابل معتقد آن بودند، یعنی بودایان شرح ساختمان معبد مذکور را در قرن نهم ابن الفقیه میدهد و از او پیشتر در قرن هفتم از طرف زائر بو دایی سوآن تسان نیز تشریح گردیده که در معبد مزبور چندین مقدسات بودائی مدفون و بطرف شمالی زمینه پله ها راه داشت و در وقتیکه سوآن تسان حضور داشت تا صد عدد صومعه بودائی در بلخ موجود بود چقدر حفریات این موضع بر ثمر خواهد بود و چقدر چیز های جدیدی در فن صنائع قدیمه ما را خواهد آموخت! حفریات این موضع قراریکه مجله فرانسوی در سنه ۱۹۲۲ اطلاع میدهد از طرف موسیوفوشه در بلخ آغاز گردیده است و در آنجا اکتشافات جدیده را انتظار میکشد و برای مطالعات صنائع یونان، بودا، مساعدت خوبی خواهد نمود که خط مشی اساسی مقاصد علمی خود را تعقیب کند.

سلطنت یونان و باختریان که عظمت و جلال آن نصیب قرن دوم قبل المیلاد است میبایستی آثار عتیقه آن در ناحیه هندوکش و همچنین اراخوسی (ناحیه علیای دریای هامند با پایتخت قندهار) مانده باشد. در این مواضع ممکن است که آثار صنائع حقیقی باخترها ظاهر شده و هم در تمثالهای قدیمه صنائع چین تاثیر آن امکان مکشوفیت دارد.

قرن دوم قبل از میلاد در این خصوص هیرت نیز تصدیق ولی شاون تکذیب میکند.

در قسمت غربی باختریان قدیم از خرابه های شهر باختری قدیم نیمملک (اسم سابق آن یوکرآتیه یا) سیاحین ذکر میکند هکذا احتمال دارد آثار آرتا کوانه قدیم در موضع بالا حصار هرات چنانچه توماشک (۱) حدس میزند پیدا شود. ندرمایر (رئیس و فدمانی) بسمت شرق

(۱) بار تولد «اجال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳ صحیفه ۴ - ۲۵»

جنوب بلخ قدیم از ابنیه خیلی قدیم که بکلی ویران گردیده اند متذکر میشود و این آثار قدیم که عبارت از مینارهای بزرگی است و از خشت پخته آباد شده بود به عصر روز آسترا (زردشت) تعلق دارد و از باخترها بحیث قدیمترین مرکز تمدن آریانی که بما معلوم است حکایت میکند . حصارهای گلی که تا بیست متر عرض دارد در شمال آن آباد شده باید تعلق باین عصر داشته باشد . این حصار یا دیوار بزرگ در غرب تا قی که مردم بومی آنجا شهر قدیمی آنرا می خوانند ختم میشود .

شکل ساختمان حصار مذکور منکسر و بطول ۸۰۰ متر و عرض ۶۰۰ متر میباشد . و عموم ساختمان ابنیه عبارت از ارتفاع (۱۰ متر) است که در روی میدان چمن زار آباد و با دیوارهای مرتفع از گل و خندقهای عمیق محصور میباشد . در قسمت انتهائی سمت جنوبی آن بالا حصارش واقع است .

در عرض راه تاشقرغان و ایبک ابنیه قدیمی موجود و غالباً از دوره زور آسترا خواهد بود . فاصله چند ساعت راه در دشت بطرف شمال شرقی تاشقرغان قصبه واقع است که بلاشک از اهل باختریان میباشد .

مادامیکه بصنائع اسلامی افغانستان غور شود ما همچنین می بینم که خیلی کم اکتشافات بعمل آمده است . صنائع اسلام در حدود افغانستان اهمیت زیادی که دارد برای فهمیدن صنائع قرون وسطی آریانی میباشد که قسماً در شعبه مدینت افغانستان موجوده کاملاً آنرا تمثیل میکند . و آن بر کهم در مقاله خویش راجع به معماری اسلام در ایران نیز نسبت به نشریات زاره (یادگارهای معماری ایران) خاطر نشان میکند که برای توسعه صنعت معماری ایرانی در اکثر شعب آن تا هنوز تحقیقاتی بعمل نیامده است ، و مشارالیه مینویسد که یادگارهای عربستان ، فارس کرمان ، خراسان و غیره نظر بیاد داشتهای مسافرین و اطلاعات عمومیه برای ما بر اسرار معلوم می شود .

اما ضمناً در افغانستان باید بعضی مسائل تاریخ این صنائع معماری صورت حل و فصل را بخود حاصل کند . بعقیده (وان بر کهم) لازم است که دوره ترقی نقاشی های مدارس درهرات جستجو بشود ولی در آنجا آثار تاریخی بسرعت مخروب میگردد و راهنهای صحیح و تالیفاتی در این خصوص موجود نیست . خانیقوف که مدت پنج ماه درهرات توقف نمود درباب

آثار تاریخی آن هیچگونه معلوماتی نمیدهد. در تصنیف سالوین که در سنه ۱۹۰۷ در زیر عنوان (یادگارهای صنائع مستظرفه اسلام) اشاعه یافته در قسمت اولین آن فقط در باب مینارهای غزنی افغانستان ذکر میکند که آهم قبلاً از طرف فرگیوسون (تاریخ صنعت و معماری هند و شرق، بزبان انگلیسی) نشر شده است. در باب آثار معماری اسلام در افغانستان که چقدر و بچه حالت در حال حاضر میباشد مثلاً بار تولد و ندر ما بر در تصنیفات فوق الذکر خویش معلومات میدهند و چنانچه ایت هم در باب سه دانه طاق بزرگ نزدیک دروازه غربی بلخ شرح میدهد که بقرار گرفته ساکنین آنجا از آثار مسجد جامع، چهارسوق، مسجد سبز است و نیز خرابه های مدرسه ایت که سبحان قلی خان زمامدار نصف دوم قرن ۱۷ عیسوی آن بلاد عمران نموده است. هکذا خرابه های دیگر است که از طرف چنگیز خان مخروب گردیده، و احتمال دارد که تخریب آن به دوره تعلق داشته باشد که چنگیز خان شهر بلخ را خراب نمود. در مزار شریف مقبره خلیفه علی (کرم الله وجهه) که در سنه ۱۴۸۱ عیسوی سلطان حسین تیموری آباد کرده بود، موجود است. نظر بمشاهدات هیئت اعزامیه المان که فقط داخل مقبره شکل قدیمی آنرا نشان میدهد اما از طرف خارج مقبره بواسطه الحاقات بی مذاق تماماً تبدیل یافته است و همچنین خرابه های قرون ۱۳ - ۱۴ عمارت اسلام گمان میرود که موجود باشد.

حال نظری بطرف هرات می اندازیم. در آنجا فخرالدین کردبالا حصار در سنه (۱۲۵۸-۱۳۰۷ عیسوی) آباد کرده است که حال هم وجود دارد. بار تولد فقط در باب عالیتین ابنیه داخل شهر که عبارت از مسجد جامع باشد و در سنه ۱۲۰۱ عیسوی از طرف غیاث الدین سلطان کرد عمران و در قرون ۱۳-۱۴ باز ترمیم گردیده متذکر میشود. نظریه مشاهدات هیئت اعزامیه المانی گویا مسجد مذکور در ازمنه مختلفه ترمیم و تعمیر گردیده و در حال حاضر هم در اثر توجه امیر بصورت مرغوبی صیانت میشود و در اعصار خیلی مابعد از آن (نسبت بزمان انشاء آن) دیوارهای حیاط جامع مذکور باخشت های منقش مزین و بروی آن بطرز عمارات خراسان از کاشی کار شده است و بطرف شمالی مسجد حجره کوچکی بشکل مربع ساخته شده که دروازه درآمدن آن خیلی منقش و رخ آن بطرف شرق است. عمارت مذکور بشکل و نقش خود، مسجد سرخ خراسان را یاد میدهد در

اطراف شهر هرات مصلاهی خیلی قشنگ واقع است. مصلاهی هرات از سه عمارت مدرسده مرکب بود و مادام کدایت دیده بود دو طاق با چهار مینار آن که ابنیه گنبد ماندی را تشکیل میداد با مقبره های بعض اهل تیمور و معبد بزرگی که دو مین مسجد جامع هرات محسوب میشد باقیمانده بود بقرار گفته اسفزاری این عمارت در او اسط قرن پانزدهم عمران شده بود.

بار تولد خاطر شان میکنند که نظر بمعلومات هولدیچ (همسایه هند سنه ۱۹۰۱ صحیفه ۱۴۲-۱۴۳) این عمارات در حال حاضر وجود ندارند، زیرا امیر افغانستان عبدالرحمن خان در سنه ۱۸۸۵ عیسوی در اثر اصرار مهندسین انگلیسی که در آن زمان محاصره هرات را از طرف روسها انتظاری می بردند امر به تخریب آن داد.

تخریب آن معلوم است که کامل بوقوع نیوست، زیرا هیئت اعزایه المانی معلومات میدهد که در مصلی حاضر ۹ دانه مینار باقی مانده که از آنجمله چهار مینار در ابتدا تعلق بیک عمارت داشته و همچنین در ابنیه کوچک گنبدی، عکس انیه مخروبه تا جائیکه مامعلومات داریم وجود دارد این مثال روشن و ثابت می سازد چقدر لازم است که برای تحقیقات و عکس برداشتن آثار تاریخی افغانستان و بطبع و نشر آن عجله باید کرد. در قرب هرات زیارتگاه شیخ عبدالله انصاری (رح) در قرن پانزدهم عمران گردیده موجود است. احاطه وسیع آن شصت متر در چهل متر است که در آن لوح سنگهای کوچک قبرها خیلی زیاد میباشد دیوارهای حیاط قسمی کاشی کاریست. بطرف جنوب شهر پیل واقع است (مقصد مؤلف از پیل مشهور مالان است که بالای دریای هیرمند آباد گردیده) در عصر شاه عباس غالباً عمران گردیده است.

از غزنی قدیم که در قرن دهم پایتخت سلطنت وسیعی بود یکی از مراکز علم و هنر بشمار میرفت خرابه هائی (در ۲۵ کیلومتری غزنی موجوده) تا حال باقی مانده است شهر غزنی را در قرن ۱۲ - ۱۴ چندین مراتبه خراب کردند بقرار گفته سالوین غزنی در او اسط قرن ۱۲ در مرحله اولین قتل عام خراب شد در وقتیکه علاوالدین حسین به اثثنای مقبره سلطان محمود و دو مینار (که یکی آنرا بعداً فرگیسون ترمیم کرد) جمع آثار تاریخی را منهدم نمود. محمود مسجد خیلی قشنگ از سنگ مرمر و گرانیت آباد کرد که

شرح حصار هرات و بالاحصار آن با فوتوها در کتاب هراتی (افغانستان سنه ۱۹۰۵ صحیفه ۱۵۷-۱۵۸-۱۶۱)

در شاهنامه از آن تعریف و توصیف شده است. اگر در غزنی حفريات شود خیلی عجيب خواهد بود که از طرز ساختمان عمراوات آثار جوان معماری اسلام در افغانستان واضح شود. در قندهار آثار معماری اسلام به اعصار خیلی قریب تعلق دارد. بعضی یادگارهای عجيب در کابل هم واقع است. از آنجمله بیشتر قابل توجه مقبره تیمور (آخر قرن ۱۷) که عبارت از عمارت گنبدی به شکل هشت زاویه ایست که از خشت پخته ساخته شده. دوم مسجد عیدگاه است که بطرز هندی آباد گردیده بالای سلسله کوه های غرنی استحکامات عصر نادرشاه (۱۷۴۷) موجود است این تفصیلات مختصر از یادگارهای اعصار مختلفه صنائع معماری اسلام در افغانستان که گمان میرود هنوز جامع نیست نشان میدهد که قطعاً از حیث تاریخ صنائع مستظرفه مطالعات و تدقیقات بعمل نیامده لازم است که سنجش معماری یادگارهای تاریخی بعمل بیاید و فوتوهای اعلی از هر یک یادگار با توضیحات لازمه آن برداشته شود بعد از آن هم از حیث طرز معماری و هم از نقطه نظر نقاشی مطالعات و تدقیقات بعمل آید و با معلومات متوصله ماقبل تطبیقات بشود و خصائص طبعی معماری اسلامی افغانستان و اهمیت آن در تکامل صنعت معماری ایران و همچنین واضح شود که معماری سمت جنوبی و جنوب شرقی افغانستان با صنائع اسلامی هند تا چه پایه ارتباط دارد.

سائر شعب صنائع اسلام در افغانستان و همچنین تقریباً در تحت مطالعه و مذاقه نیامده است بیشتر از همه آغاز صنعت نقاشی و مصوری خورده (میناتور) «افغانستانی» (اگر باین معنی امکان داشته باشد که اظهار عقیده بشود) واضح گردیده است که در آن شاخی از میناتور ایرانی که اول از هرات (که مکتب میناتور هرات نامیده میشود) اقتباس شده است. در عصر تیموری ها هرات یکی از عمده ترین مراکز مدنیت نقاشی آن عصر محسوب می شد در زمان شاه رخ (۱۴۰۵-۱۴۴۷) بهمت و کوشش شهزاده بایسون گور (۱۴۳۳) که حامی و مدار علم و معرفت بود انجمن علمی (اکادمی) صنعت کتب تاسیس گردید (۱) که برای ترقی میناتور (نقاشی و مصوری کوچک) بطرر ملی آن خیلی اهمیت داشت. این انجمن علمی برای ترقی خطاطی، نقاشی و مجسمه سازی به اساس دستورات جدید نیز استفاده میشد و آخرین دوره درخشان خود را در عصر سلطان حسین بایقاره (۱۴۶۹-۱۵۰۴)

(۱) کتاب کیونیل میناتور مشرق اسلامی. منطبه برلین سنه ۱۹۲۲. صفحه ۲۵-۲۶.

گذشته‌اند و در سنه ۱۵۰۷ هنگامیکه هرات دسوخوش یغما گردید انجمن علمی هم بحیات خویش خاتمه داد، در کارهای مکتب هرات اگرچه تغییرات زیادی بطرز ایرانیت بعمل آمده بود اما باز هم نفوذ صنعت چین مشاهده میشود و در اینکته مناسبات مستقیمه باچین در آنوقت موجود بود تصاویر دست حیات الدین قلیله که در سنه ۱۴۱۹ به بیکن درجمله اعضای سفارتی که بانجا اعزام شده بود رفته و فقط پس از سه سال اقامت مراجعت نمود و کیونیل (در صفحه ۲۶) تصور میکند که آیا او در تابلوی طرز چین جمعیت (خسرو، شیرین موسیقی چیان) را که در روی قماش ابریشمی شاخه با پرنده گک که بلاشک بقلم رسام چینی کشیده شده است رسم کرده؟ در تابلوی مذکور بزبان فارسی عبارت ذیل نوشته شده « در هرات از طرف یک نفر چینی رسم شده » درین نوشتهای قلمی که در هرات نوشته شده کتاب « مواجنامه » قلمی خیلی عالی ۱۴۳۶ را مخصوصاً متذکر میشویم که در کتبخانه ملی پاریس موجود است.

بهزاد رسام هم بمکتب هرات تعلق داشت بهزاد یکی از رسامان نادری است که مورخین ایران در خصوص او توضیحات جزئی میدهند که ما بهتر نسبت به او از ایشان معلومات داریم بهزاد در حدود سنه ۱۴۴۰ تولد و از صفارت در هرات بدر بار سلطان حسین میرزا آغاز بخدمت نمود مورخین استاد او پیر سید احمد تبریزی را می فرماید و حامی مخصوص بهزاد میر علی شیر نوائی شاعر و وزیر بود از سنه ۱۴۶۸ الی ۱۵۰۶ بهزاد بریاست انجمن علمی هرات مؤظف شده و پس از آن در تبریز زندگانی و خدمت میکرد و تا سنه ۱۵۱۴ حیات داشت. با ذکر این اجمال ما می بینیم که بهزاد قسمت زیاد عمر خود را در هرات صرف کرد و در آنجا بین افکار عالی شهر مجلل و منور آن دوره استعداد طبیعی او بمنصه ظهور برآمده و کامل شد. حقیقه هرات چنین شهری مترقی بود چنانچه در ضمن تعریف و توصیفیکه بابر میرزا، از هرات مینماید نسبت به باغ های خیلی قشنگ و بناهای منقش از گچ و چونه که در زیر درختان و اشجار قوی هیکل آباد بود حکایه میکند و مارتین در کتاب بزرگ خود راجع به نقاشی (۱) استعداد و قابلیت رسام مذکور را در نقش مناظر طبیعی و مصوری ذی روح که او مشغول آن بود تشریحات قابل تقدیری میدهد. ضمیمه کتاب « سفر نامه » که در سنه ۱۴۶۷ از قلم او برآمده است صورت کامل تصنیفات رسام مذکور را در جمیع یادگارهای تاریخی که از

خاتمه اش بمنصه ظهور پیوست و تحقیقات آخرین بمانشان میدهد تشخیص و تعیین کرد، اگر کار مکتب هرات و مخصوصاً از بهزاد در خود هرات و همچنین در سائر شهرهای افغانستان جستجو شود خیلی مفید ثابت خواهد شد و باین ذریعه ممکن خواهد شد که کتب قلمی از منہ ما بعد هم پیدا بشود، زیرا حیات ادبی و نقاشی هرات اگر چه ضعیف شد ولی تا اواخر قرن شانزدهم قطع نگر دید و در اینخصوص تشریحاً تیکه میلر و در باب رسم ها دادیم با شیای نفیسه میناتور یک در کتب خانه اسلامی مرکزی قازان موجود است (حمزه امیر خسرو دهلوی سنه ۱۵۸۴) که در هرات بزبور قلم آراسته شده است (۱) شهادت میدهد . نسبت به صنعت نقاشی کوچک (میناتور) صنعت خامک و زر دوزی افغانستان اسلامی کمتر تحت مطالعه آمده است . آثار قلیلی که معلوم شده است خیلی دلچسپ است . چنانکه ظاهر است بدوخت قماشها تیکه مخصوصاً در دوره مغلیها که با زر و سیم و رسما رنگارنگ دوخته میشد شهرت مخصوصی را حائز بود (۲) منبت کاری حصص غربی افغانستان در روی برنج خیلی معروف است . و دیگر معروف هرات ساخت ۱۱۶۲ ، آنرا خوب تمثیل میکند که در باب آن و اسیلوفکی (معلومات راجعه بعلم عتیقه روسیه در صفحه ۳۳ دیگ برنجی هرات سنه ۱۹۱۰ هجری) معلومات میدهد . از اسلحه منقش طرز مخصوص خنجر های دودمه افغانی است که با اسلحه هند اسلامی مشابهت دارد . در کتلاک نمایشگاه صنائع اسلامی مونسین سنه ۵۵۹ یک سلسله عکسهای اسلحه منقش و مزین اعصار ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ عیسوی ساخت هرات چاپ شده است (کتلاک و نومه ۲۴۳ ، ۲۳۷ ، ۲۳۹) ندر ما بر متذکر میشود که در کاروانسراها و خانهای قدیمه افغانستان خاتمکارهای خیلی قشنگ در چوب و ارسی های خیلی عالی چوبی دیده میشود . درین هیچ شبهه نیست که صنائع افغانستان چه در ادوار قبل از اسلام و چه بعد از آغاز آن (حتی فقط نظر به بعضی آثار تاریخی خیلی قلیلیکه تحت مطالعه آمده) بذات خود مستقلاً و اختلاطیکه با سائر مدنیت ها نموده خیلی عجیب است در باب آن لازم است که مطالعات و تدقیقات وسیع و تعمق کرده شود . برای اجرای این مقصود اول به اول باید هیئت های علمی مهمی در افغانستان عملیات بکند بعد از آن بصورت مرتب معلومات و اکتشافات مستحصه تاریخی و ادبی تحت مطالعات دقیقه آورده شود .

(۱) مجله موزیم ویستنگ قازان در سنه ۱۹۲۱ ، نومه ۱ - ۲ میلر در باب یک کتاب قلمی ایرانی و پرفیسور دینکه تدکار است صنائع مشرق . (۲) بارتولد صحیفه ۳۵ .

کور دیپلوماتیک مقیم در بار کابل

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه :

سفیر کبیر	:	ع، ج لیوند ستارک .
مستشار	:	جناب ریکس .
آتشه نظامی	:	« الکسندر بیند یکتو .
سرکاتب دوم	:	آقای مارتونی .

سفارت کبرای دولت شاهی ایران :

سفیر کبیر	:	ع، ج میرزا محمد تقی خان اسفندیاری .
مستشار	:	جناب عبدالحسین خان صدیق اسفندیاری .
آتشه	:	آقای احمد قدیمی .
دکتور	:	« دکتور سیف .

سفارت کبرای دولت جمهوری ترکیه :

سفیر کبیر	:	ع، ج ممدوح شوکت بیگ .
مستشار	:	جناب وهی لیب بیگ .
سرکاتب	:	« سعدالله فرید بیگ .
دکتور	:	آقای دکتور فواد بیگ .

سفرائی که در سال ۱۳۱۲ به دربار کابل وارد شده اند



ع، ج دكتور كورت تسميكي وزير مختار آلمان



ع، ج ممدوح شوكت بيگك سفير كبير تركيه



عاليقدر جلالآب « گوم فرانسكو مريانو » وزير مختار فقيد دولت هيئه ايطاليا مقيم كابل كه جناب معزى اليه در سنه جاريه تازه برسم ايالچى گرى دولت متبوع خود وارد كابل شده و هنوز اعتياد نامه خود را بحضور ملوكانه تقديم نداشته بود كه متاسفانه بروز دو شنبه ۲۱ ثور ساعت ده ونيم شب دفتماً بمرض سخته پدروود حيات نمود .
ميت معزى اليه از طرف رجال دولت ما و هيئت سكور ديپلوماتيك نهايت محترمانه در تپه شير پور مشايحت و دفن گرديد .
ساننامه كابل بنوبه خود اظهار تاسف از وفات وزير مختار موصوف نموده بياز ماندگان شان عرض تسليت مينمايد .

Ambassadeur et Ministres nouvellement arrivés à Kaboul.

وزارت مختاری دولت برطانیه :

- وزیر مختار : ع، ج سر ریچار دمیکانیکي .
مستشار : جناب کپتن راین .
آتش نظامی : « لیوتننت کالونل آر، ام، لوکارت .
دکتور : آقای میجر اج، ایلیوت .
سکرتر : « کپتن، ای، دبلیو فیجر .
« مشرقی » : « خان بهادر سکندر خان .

وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :

- وزیر مختار : ع، ج البر بودار .
سرکاتب : جناب شارل گیر .

وزارت مختاری دولت جمهوری المان :

- وزیر مختار : ع، ج دکتور کورت تسمیکي .
آتش : آقای اولهر .

وزارت مختاری دولت شاهی ایتالیا :

- وزیر مختار : ع، ج کوم فرانسکو مریانو .
پیش نماز : آقای پادر گاسپانی .
ترجمان : « پنا کیو .





وقایع مهمه جهان

در سال ۱۳۱۲

م. آقای احمد علی خان

بقلم آقای احمد علی خان

طبیعی است که در دوره یکسال در زمینه های مختلف حیاتی ساکنین جهان واقعات متعددی کسب و وجود میکند که هر کدام بجای خود حایز اهمیت مخصوصه میباشد اما بدیهی است که تعداد و معیار اهمیت وقایع حادثه هر سال فرقی دارد و بهمین اساس در سال ۱۳۱۲ نسبت به سال گذشته بسا واقعات مهمی بوجود آمده است که تأثیرات مهمی در اوضاع حیاتی عالم وارد نموده است.

فضای یورپ در پایان سال ۱۳۱۲ کفای السابق تاریخ و اقتصاد و سیاسی در آن چرخ میزند. اقدامات سیاسیون مغرب بهبود وضعیت مالی و استقرار اعتبار و امنیت، ناکام برآمده است. کنفرانس معروف خلع سلاح در شدت بحران دست و پا میزند. کنفرانس اقتصادیات جهان در اثر سیاست داخلی امریکا ناکام قطعی برآمد. جاپان از مجمع اتفاق ملل خارج میشود. المان انجمن اقوام و کنفرانس خلع سلاح هر دو را وداع میگوید. ایطالیا بقرض تجدید نظر در معاهدات بمنظور سقوط مجمع اتفاق ملل نقشه معاهده چهار گانه را اخیراً تغییر هویت مجمع ملل را پیشنهاد میکند - هتلریزم المان را سراسر فرا گرفته به اطیش و هنگری و سائر ممالک دانیوب سرایت میکند. هتلر، یهودی ها را از المان تبعید میکند و در اثر مراجعت آنها بفلطین تصادمات خونینی بین اعراب و یهودی ها بعمل می آید. المان در راه الحاق اطیش بخاک خود اقدامات میکند. موسیو هر یو صدر اعظم سابق فرانسه و وزیر فضائی آن مملکت به روسیه مسافرت میکند و در نتیجه قرابتی در رویه سیاست آن دو مملکت بعمل می آید در شبهه جزیره بالقان

یکطرف ائتلاف صغیر منتهای فعالیت در عالم سیاست بخرچ میدهد و طرف دیگر سائر ممالک بالقان خصومت های دیرینه را فراموش نموده در راه اتحاد بالقان صرف مساعی میکنند در شرق نزدیک، عراق ملک فیصل پاشاه وزعیم ملی خود را از دست میدهد و به اساس نقشه بان عربیزم منازعاتی بین ابن سعود و امام یحیی بوقوع می پیوندد. افغانستان شهریار محبوب و بزرگترین قائد تاریخی خویش را فاقد میشود. در ترکستان چین مملکت جدید اسلامی تشکیل میگردد. در اثر شناختن امریکاروسیه را صحنه سیاست شرق اقصی صورت دیگر میگیرد رقابت جاپان و امریکا در موضوع حاکمیت محیط کبیر و انبساط قوای بحری بمنتهای شدت میرسد در امریکای جنوبی منازعاتی که از دو سال بانیطرف در اثر اختلافات سرحدی بین جمهوریت های آن قطعه بوقوع پیوسته است جریان دارد خلاصه سال ۱۳۱۲ مملو از یکسلسله وقایع بارزی است که ماقرار آتی به شرح مهمترین آن میپردازیم:

کنفرانس خلع سلاح:

در سالنامه سال گذشته تحت عنوان کنفرانس خلع سلاح معلوماتی درج نموده بودیم؛ چون امور کنفرانس اختتام نیافته و بواسطه بعضی پیش آمدها و نظریات دول تاکنون نتیجه مثبت ظاهری نشده گذارشات مابعد کنفرانس خلع سلاح را از بدو سال ۱۳۱۲ تا اخیر سال منبوردیلاً در برابر انظار قارئین گرام میگذاریم:

قبل از حلول سال ۱۳۱۲ در کمیسیون عمومی و کمیسیون سیاسی کنفرانس مذاکرات در اطراف پلان فرانسه جاری بود، چون فرانسه ها همیشه قراردادهای امنیت را بر خلع سلاح ترجیح میدهند، درین پلان شان هم پروژه تعهدات امنیت زیاد بود. به همه صورت پیشنهادها تحت مذاکره کمیسیون سیاسی قرار گرفت و کمیسیون منبور بعد از مذاکرات زیاد و ترمیمات و تعدیلاتیکه از طرف دول دیگر پیشنهاد شد، مواد پروژه معاهدات ذیل برای تدقیق و ترتیب به کمیته مخصوص که رئیس آن موسیو (پولتیس) نماینده یونان و نائب رئیس کمیسیون عمومی و سیاسی بوده سربرده شد؛ تا بعد از غورو تدقیق و ایس بکمیسیون عمومی تقدیم دارند:

۱ - عدم توسل بقوت در مخالفت های بین المللی: (پیشنهادی فرانسه و انگلیس) که انگلیس های خواستند صورت معاهده آن مخصوص ممالک اروپا بوده خاصه عمومیت را به تمام ممالک دنیا نداشته باشند چون این معاهده با اساس معاهده تحریم جنگ (میثاق پاریس یاهیتان بریان کیلوگ) که خاصه عمومیت را بر تمام دنیا داراست ترتیب شده بود، از همان اول پیشنهاد از طرف دولت علیه ایران، افغانستان و ترکیه تحت تنقید واقع شده خاصه عمومیت را بر تمام دنیا خواستکار شدند.

چنانچه وقتیکه مسائل مذکور دوباره در اثنای مذاکرات با اثر پروژه معاهده تحدید و تقلیل سلاح که از طرف مکدو نالد رئیس الوزرای انگلستان تقدیم شده، جاری بوده وبعد از تدقیق کمیته مذکور تحت مذاکره آمده، نظر بامرار حکومت افغانی، ایران و ترکیه اکثر هیئت های دول در اثنای تقریر خود صورت عمومیت داشتن (عدم توسل بقوه را در مخالفت های بین المللی) تأیید نمودند، چنانچه هیئت اتارونی و اتحاد جاهیر شوروی هم در آن شامل بودند، و همان روز اکثر روزنامه های اروپا به کامیابی دول ثلاثه شرق (افغانستان، ایران و ترکیه) تقریظی نوشتند.

۲ — تعریف تعرض پیشنهاد هیئت اتحاد جاهیر شوروی : تعریف تعرض را هم بعضی از ممالک اورپائی مخصوص اروپا خواستگار بودند ، مگر این مسئله هم نظر باصرار هیئت ثلاثه مشرق و اتحاد جاهیر شوروی و اکثر دول دیگر در مذاکرات آتیّه پروژّه معاهده تقدیمی انگلستان صورت عمومیت را اختیار کرد . اگر چه فیصله درین باره بداخل کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح داده نشد مگر در نتیجه همین مذاکرات قرارداد تعریف تعرض در اثنای کنفرانس اقتصادی در لندن بتاريخ ۳ ماه جولائی در بین ممالک ذیل بامضاء رسید :

اول : بین اتحاد جاهیر اشتراکی شوروی و افغانستان ، استونیا ، لتونی ، ایران ، پولیند ، رومانی و ترکیه .

دوم بین ترکیه و دول اتحاد صغیر اروپائی : (رومانی ، یوگوسلاویا و چکوسلواکیا)

قرارداد تعریف تجاوز را پولیند به ۱۵ ستامبر امضا کرد .

تصویب قرارداد تعریف تجاوز از طرف لاتویا بتاريخ ۱۴ نومبر .

تسلیم دادن تصویب نامه قرارداد تعریف تجاوز از طرف افغانستان بحکومت شوروی - ۲۰ اکتوبر امضای قرارداد تعریف تجاوز بین اتحاد جاهیر شورائیّه و لتوانیا - ۵ جولائی .

حکومت فنلاند قرارداد تعریف تعرض را تصویب نموده بتاريخ ۳۱ جنوری ۱۹۳۴ بحکومت شوروی تسلیم داد .

۳ : تشخیص متعرض : پیشنهاد هیئت بلژیک که در مذاکرات آتیّه در اثنای مباحثات در اطراف پروژّه تقدیمی انگلستان نظر به تصویب کومیته مخصوص صورت اختیاری را اختیار نمود که هر یک از دول درین معاهده داخل شود یا نه شود اختیار دارد . فیصله قطعی درین باب از طرف کمیسیون اجرا شد .

۴ : تعاون با همی (پیشنهاد فرانسه) : صورت معاهده تعاون با همی بعد از اجرای فصل تعرض و تشخیص آن مخصوص ممالک بر اعظم اروپا پیشنهاد شده بود ، که حکومت انگلستان خارج ازان است ، درین مسئله چون بعضی ممالک اروپائی طرفدار شده نمیتوانست ، اگر چه فیصله دران خصوص بعمل نیامد مگر اکثر هیئت های دول از صورت اختیاری بودن آن در کومیته مخصوص آن بحث راندند . بتاريخ ۱۹ مارچ ۱۹۳۳ مطابق ۲۵ حوت ۱۳۱۱ در وقتیکه باساس پروژّه فرانسه نا موافقتهای زیاد حاصل شده بود و قریب بود کنفرانس در اثر بعضی مخالفت های دول بزرگ اروپائی انحلال یابد ، رئیس الوزرای حکومت انگلیس پروژّه معاهده مشهور خود را که تمام دنیا بروز نامه های خود ازان بحث راندند ، بکمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح تقدیم نمود .

این پروژّه نسبت به پروژّه های دیگر مکمل او باساس اکثریت بعضی موافقت های عمومی ترتیب یافته است ؛ باین سبب از طرف جمیع نمایندگان دول که در کنفرانس خلع سلاح اشتراک داشتند بحسن صورت تلقی شد ، و اولاً اساس مذاکرات آینده و بعد از مذاکرات مفصل اساس معاهده آینده تقبیل و تحدید سلاح قرار گرفت . پروژّه معاهده تقدیمی انگلستان دارای قسمت ها و فصول متعددی باشد ، تمام قسمت ها و فصول آن ماده بماده تحت مذاکره کمیسیون عمومی کنفرانس قرار گرفت ، در قسمت اول آن که عبارت از مواد تعهدات امنیت بود اگر چه فیصله قطعی از کمیسیون عمومی داده نشد ، باز هم صورت تعهدات بتسم پروژّه که در فوق تحت بحث پلان فرانسه تحریر شده قرار گرفت .

در قسمت دوم که عبارت از خلع سلاح است مباحثات زیادی بروی کار آمد ، در مسئله تعداد عسکر تحت السلاح و دوره خدمت عسکری و لغویت عسکر دائمی . برای ممالک بر اعظم اروپا (انگلستان خارج) مخالفت های زیادی بین هیئت المان که خواهان حق مساوی در تسلیحات است و هیئت فرانسه بروی کار آمد ، اگر چه بشرایط مخصوصه بعضی موافقت های جزوی حاصل شد ، مگر فیصله درین خصوص بعمل نیامد .

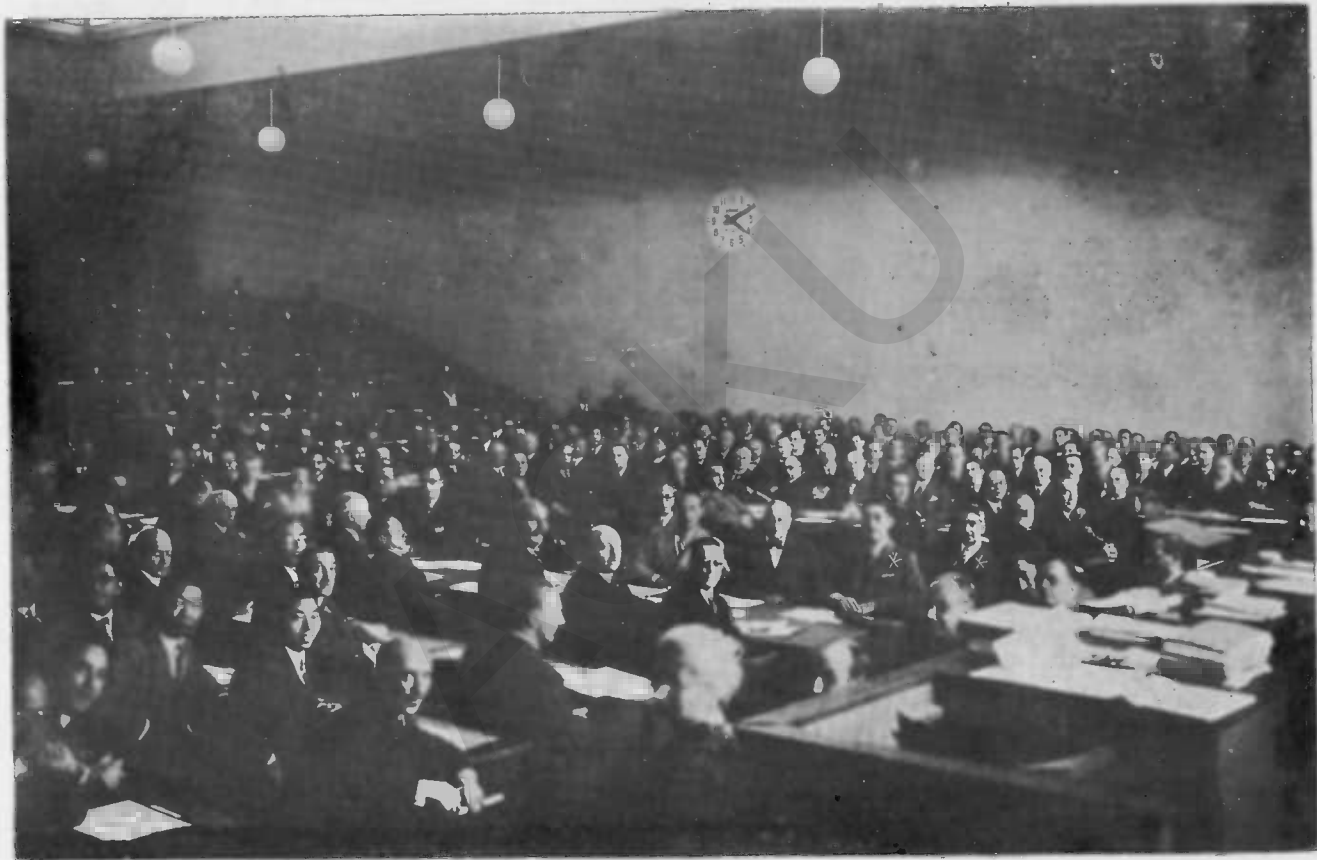
در اثنایکه مذاکرات تعداد قوای عسکری در کمیسیون عمومی زیر بحث بود ، بکومیته مخصوص (افکنو) درباره قوای عسکری و تشکیلیکه باساس عسکری مثلاً پولیس ژاندارمه و غیره موجود باشد ، از تمام دول تحت مذاکره



وقایع مهمه جهان

هیئت کانفرانس تقلیل اسلحه درجینوا که نماینده های افغانی م دران شاملیت دارند.
(۱) ع، ج عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانستان مقیم مسکو. (۲) ع، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حریتیه غنومیه.

سالنامه « کابل »



از جلسات اخیر کنفرانس معروف تقلیل اسلحه درجینوا ، که نمایندگان افغانی نیز در آن شمولیت دارند؛ در وسط که نشانی شده به طرف راست : ع ؛ ج ؛ علی محمد خان وزیر مختار افغانی در لندن (رئیس نمایندگی افغانستان) بهلوی شان ع ، ش محمد عمرخان رئیس ارکان حریبه عمومیّه نماینده حریب افغان در کنفرانس مذکور

وقائع مهمه جهان

قرار گرفت که کدام قسم این قوه‌ها که دارای کدام خواص باشد بحساب تعداد قوای عسکری گرفته شود. تشکیلات پولیس مملکت ما که از طرف نمایندگی افغانی بکومینه مذکور داده شده بود به حضور نماینده افغانی تدقیق و انصافاً خارج از تشکیل عسکری و حربی شناخته شد.

در فصل تحدید آلات حرب هم اگرچه فیصله قطعی آن بقرائت دوم پروژہ محول مانده است باز هم تا یک اندازه که موافقت‌ها حاصل شده عبارت از مواد ذیل است:

۱ — قطر توپ‌های سیار سنگین در آئینه از ۱۱۵ ملی متر تجاوز ننمایند و تا زمانیکه توپ‌های (۱۱۵) میلیتره جای تمام توپ‌های سنگین دیگر را بگیرد، استعمال توپ‌های سیار (۱۱۵) میلیتره هم مجاز خواهد بود و بالاتر از اندازه مذکور تماماً لغو قرار داده شود.

۲ — در مسئله تانک‌های موجوده اکثریت طرفدار لغویت تمام تانک‌های باشد و یک جنبه طرفدار آن است که تانک‌ها بلندتر از وزن ۱۶ تن لغو گردد، و هر مملکت از یک تعداد معین زیاد نداشته باشد.

۳ — در مسئله قوای هوایی دو جنبه موجود است اول جنبه که لغویت طیاره رانی عسکری را تماماً خواهند اما بشرطیکه طیاره رانی ملکی زیر اثر بین المللی اجرا یابد و دیگر جنبه که برای هر مملکت یک تعداد طیاره معین را منظور می‌کند اما بمباردمان هوایی را موقوف داشته طیاره رانی ملکی را بین المللی می‌خواهد.

هیئت افغانی هم در مواد فوق ترمیمات لازمه را نظریه پروژہ تقدیمی انگلستان مانند سایر دول پیشنهاد نموده طرفدار باکثرت بوده است و در مسئله بمباردمان هوایی که پروژہ مذکور بمباردمان را در مناطق دور دست مملکت برای احتیاجات پولیس اجازه میداد، هیئت افغانی برای مفاد بشریت لغویت بمباردمان هوایی را بصورت قطعی کاملاً بدون استثنا پیشنهاد کرده و تقویت اکثر هیئت‌های دول راجائز گردیده است.

قسمت‌های دیگر پروژہ‌ها هم که عبارت از قسمت‌های کنترل و غیره میباشد ماده بنامه تحت مطالعه قرار گرفت. بر هر قسمت و ماده ترمیمات تمام دول افزوده شده فقط فیصله قطعی درباره هیچکدام از مواد بعمل نیامده مقرر گردید تا در مطالعه آینده دوباره بهر ماده مذاکره شده فیصله و رای قطعی درباره آن داده شود.

قرائت اول پروژہ معاهده تحدید و تقلیل سلاح وقتی با ختم رسید که تعطیل تابستانی کنفرانس شروع گردید با اثر توصیه مستر هندرسن رئیس کنفرانس چنان قرار داده شد که هیئت‌های مالک ذی دخل در مسائلیکه موافقت بین آنها موجود نیست در تماس بوده ذریعه مذاکرات خصوصیه راه جلی را جستجو نمایند، تا در قرائت دوم پروژہ مخالفتی موجود نبوده، امور کنفرانس که تمام عالم بشریت انتظار نتیجه آن را دارند، بسرعت کامیاب گردد چنانچه به اثر آن و بقرار خواهش کنفرانس، هندرسن بیای تحت‌های ممالک بزرگ اروپا مسافرت کرده و با رؤسای دول مذاکره و مفاهمه نموده و اجتماعات خصوصیه هیئت‌های بعضی ممالک اروپایی و امریکائی در پاریس و گاهی در جینوا تشکیل یافت، در نتیجه قبل از آنکه کنفرانس بکار آغاز کند پروژہ کنترل و مدت امتحان که فرانسه و انگلستان و بعد از آن امریکا و ایتالیا بران موافقت حاصل کردند ظهور نموده و دوروز پیش از اجتماع کمیسیون عمومی خلع سلاح از طرف (سرجان ساین) وزیر خارجه برطانیا به پیروی دفتر کنفرانس قرائت و تقدیم شد. و همان روز حکومت المان که همیشه خواهان تساوای حقوق در تسلیحات است و پروژہ مذکور را منافی حق و خواهشات خود میدانست. انفکاک هیئت خود را از کنفرانس خلع سلاح و جمعیت اقوام ذریعه تلگرام بر رئیس کنفرانس و منشی عمومی مجاس اقوام اعلان کرد، ازان روز به بعد یعنی بعد از انفکاک المان از کنفرانس خلع سلاح که مهم‌ترین اعضای آن بشمار میرفت کنفرانس و تمام امور آن به بحران دچار شده تا حال که چندین ماه از آن میگذرد، اجتماع دیگر هیئت‌های دول برای مقصد خلع سلاح در جینوا صورت نگرفت اگرچه در اثنای تعطیل کنفرانس مذاکرات سیاسی بطریق دیپلوماتیک در میان دول ذی‌علاقه برای واپس داخل شدن المان به کنفرانس خلع سلاح جریان دارد مگر نتیجه مثبتی تا حال بظهور نه پوسته است.

نهضت ترکستان چین - اعلان مملکت مستقل اسلامی

یکی از وقایع مهمی که در اوائل بهار سال ۱۳۱۲ در وسط قاره آسیا کسب وجود نمود مسئله نهضت ترکستان چین و اقدامات ۱۳ میلیون نفوس اسلامی برای استحصالی آزادی و تشکیل حکومت مستقل ملی است. تذکر گذارشات این نهضت اگر چه از نقطه نظر واقعات بین المللی هم خالی از اهمیت نیست ولی ما به لحاظ همجواری و همکیشی بر ارباب بلند تری بدان اهمیت داده و آنرا در جمله بزرگترین واقعات سال ۱۳۱۲ عالم اسلام و مشرق حساب میکنیم

ترکستان چینی منطقه ایست عموماً دشتی که از سه طرف شمال و غرب و جنوب محصور به رشته کوهستانی « تیان شان » و « التائی » و « پامیر » و « قراقرم » و از طرف شرق جانب صحرائی اعظم گوئی باز است.



خواجگانز ماجیم رئیس جمهور ترکستان چینی

این منطقه همانطور که در مرکز حایز جلگها و دشتهای وسیعی میباشد در قسمت کوهستانی که اصلاً سرحدات طبیعی غیر قابل عبوری برای آن مملکت تشکیل داده است حایز دره های هولناک و صعب

العبوری است که رودخانه های خروشان « میر آقسو » - « کاشغر » - « یارکند » از آنها عبور نموده رودخانه معروف « قارم » را تشکیل و به دریاچه های لب نور میریزد.

وسعت خاک این مملکت تقریباً ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. ساکنین آن اکثراً ترک - قرغیز - تنگ ها و ازبکها و غیره و عده ایشان تقریباً به ۱۳ میلیون بالغ میگردد و مذهب عموم ایشان دینات مقدس اسلام است زبان اهالی عموماً ترکی و تنگانی ها که در شهرهای شمال بود و باش دارند و عده شایسته بچند هزار میرسد چینیائی تکلم میکنند. رویهم رفته ساکنین این منطقه درالبسه و صورت ساختمان منازل با ساکنین مناطق پامیر و نورستان افغانستان شباهت تام دارند. مرکز این مملکت تا این اواخر (اورمچی) و بلاد معروف آن (آق سو) (امی) (کاشغر) (ختن) (یارکند) و غیره است.

منطقه بین تیان شان - التائی - پامیر، که از نیم قرن باینطرف معمولاً باسم ترکستان چین یا ترکستان شرقی یاد می شود در ازمنه قبل الاسلام یعنی زمانیکه در صحنه آسیا دو مملکت بزرگ ترکی یکی باسم ترکان شرقی (مرکب از چین و منگولیای امروزه) و دیگری بعنوان ترکان غربی تشکیل شده بود جزء قلمرو ترکان غربی بود. بعد از شیوع اسلام و بعد از خروج چنگیز و تهاجمات مغول اقتدار دول مجاور ضعیف گردیده مدتی مغول ها در آن تاخت و تاز نمودند سپس حکومت ملی به دفعات تاسیس و ریاست آن از قومی به قومی تحویل یافت چنانچه آخرین سلطنت ملی آن سلطنت یعقوب خان است که از ترکستان روس آمده بکمک زعمای ملی حکومت مستقلی در کاشغر تاسیس نمود.

از نیم قرن باینطرف مهاجرین چینیائی از صحراهای بی آب و علف چین به مناطق نسبتاً شاداب این ممالک سرکشیده چون شان قوی گردید حکومت چین از ضعف و تقاهت زغمای ملی استفاده نموده آن علاق را بتصرف خویش درآورد و اهالی را به زیر سخت ترین پنجه فشار و استبداد حکمرانان خویش گرفت - اقوام این سرزمین چون اصلاً جنگجو و حریت پسندی باشند به دفعات بر علیه چینیائی ها قیام نموده اند چنانچه مهمترین جنبش های ایشان واقعه « اوشطوخان » و جنبش (غوجالار) و همراهان او می باشد.

علی‌قوام ترکستان چین را طوریکه جراید مینگارند آبی و فوری نیست بلکه از نیم‌قرن باینطرف يك سلسله جورها، ستم‌ها، تجاوزات و مظالم مختلف الشكل حکمرانان چینی موجب رنجش فوق‌العاده اهالی را فراهم آورده اخیراً رواج بدعت‌ها و مظالم دیگری موجب انفلاق مواد متراکمه گردید.

جراید ترکی علت قیام ترکستانی‌ها را اکثریت مهاجرت چینی‌ها به ترکستان دانسته می‌نویسند بعد از سقوط خاقانهای که چین اصلی را به منچوریا و مغلستان و ترکستان وصل نمودند سیل مهاجرت چینی‌ها به اراضی سبز و زرخیز منچوری، مغلستان و ترکستان شروع شد و چون حکمرانان این مناطق همه چینی‌ها بودند به تدریج اراضی حاصل‌خیز را از دست ترک‌ها گرفته و به هموطنان خویش تفویض نمودند و بیچاره ترک‌ها را به اراضی بایر و سنگلاخ رانندند ولی موجبات عمده قیام ترکستانی‌ها اصلاً سوء اداره و مظالم بی‌پایان چینی‌ها است که به اداره مملکت خود موفق شده نمیتوانند آنچه رسیده به سرپرستی خاک‌دیگران. حکمرانان چینی درین منطقه حکومت مطلقه مستبدانه را جاری نموده از هر رهگذر بر اهالی جبر و ستم و از هیچگونه تجاوزات بحقوق مسلمه‌ها خودداری نه نموده‌اند. این حکمرانان خود مختار عسکری که مقر ایشان (ارومچی) بود آبی بفرکار اداره و رفاه اهالی ننموده. بحیل مختلف اموال اهالی را ضبط و ذخیره پولی برای خویش تهیه میکردند. علاوه بر اینکه اراضی صاحبان املاک را برای هموطنان خویش میگرفتند درین اواخر چنین اعلان نموده بودند که هیچ زمین داری را سناً نمیتواند از اراضی خویش استفاده کند بلکه تمام اراضی متعلق بحکومت است و عایدات آن تماماً بحکومت تعلق میگردد ساکنان بومی در اجراز و اشغال مقامات اداری و رسمی حقی ندارند و حکمرانان برای جلب ثروت تجارت و فروش مقامات اداری را شروع نموده هر رتبه را بمقدار پولی میفروختند و ابتدا بفرکار احت اهالی و آبادی ممالک نبودند همین بود که ترکستان عوض اینکه پیشرفت و ترقی کند



لیدر حکومت جدید ایلی سنیانگ (ترکستان چینی)، نشسته شخص چهارم تیمور شاه شخص پنجم زینجو سرکرده گلان بزرگ میباشند

عزاتب عقب رفته تعلیم و تعلم یکقلم نابود . صنعت بکلی سقوط ، مراکز علمی نابود و طلاب و منورین آن بجز به وحشت آنها مقتول گردید . خلاصه پس از اینکه حکومت چین به تورکستان دست یافت پنجال خویش را به حلقوم اهالی مظلوم فرو برده اساس سلطنت و امنیت، و ظلم و استبداد را قرارداد چنانچه مورخین در طی ۶۰ سال زانداز ۵۰ قتل عام را معترف هستند .

اینچه که درین اواخر بیشتر اهالی را به غلیان آورد دو مسئله عمده بود یکی اینکه چنانچه چنانچه بر مظالم اداری اهانت به دین را شروع نموده مسلمانان را به دین بودائی دعوت می نمودند و دیگر اینکه حکمران چینی به زور میخواست با دختر یکی از نجیبای شهر ختن ازدواج کند . این دو مسئله تجاوز به دین و به ناموس اثرات سؤ شدیدی بدو آرد شهر ختن و بالاخره در سراسر مملکت تولید نمود تا اینکه تمام شهرهای ترکستان شرقی کومل کا شغری - آق سو یکی بعد دیگری بر علیه حکومت چین قیام نموده زعمای ملی از قبیل جنیب بیگ لیدر قوم قرغز و خواجه نیاز محمد لیدر ترک و غیره اقوام و بستگان خویش را به اقدامات ضد حکومت تشویق نمودند . در نتیجه تمام عمارات حکومتی را آتش زده حکمرانان شهرها بعضی مقتول و بعضی فرار نمود و چون قوای عسکری چین درین وقت مصروف محاربات شرقی اقصی بود با اینطرف رسیده نتوانسته و بالاخره قوا و سلطه چینی کاملاً مضحل گردید بتاريخ ۱۲ ثور انقلابیون به شهر قدیم کاشغر شبخون برده بعد از محاربه شدیدی که در آن عده زیادی چینی ها مقتول و دارائی آنها تاراج گردید شهر را متصرف شدند . تنها شهر جدید کاشغر در مقابل تعرض مسلمین کمی مقاومت نشان داد زیرا حکومت چین دسته فوجی برای کمک قوای خویش فرستاده بود . اما این دسته فوج عاجز آمده و بتاريخ ۲۷ ثور انقلابیون شهر جدید کاشغر را نیز متصرف شدند . بعد ازین چینی ها بکلی در سراسر مملکت نفوذ و قوای خویش را از دست داده انقلابیون به تمام ترکستان شرقی دست حاکمیت یافتند . ترکستانی ها در نظر دارند حکومت جمهوری مستقل اسلامی تاسیس و تشکیل نمایند . و همت خاک این حکومت جدید التاسیس اسلامی تقریباً یک میلیون و شش صد هزار کیلومتر مربع . جمعیت آن تقریباً ۱۳ میلیون و مرکز آن شهر (آقسو) خواهد بود .

از اطلاعات اخیر معلوم میشود که در بین اقوام داخلی مملکت جدید ترکستان چینی نفاق واقع خواهد بود با هم دیگر در زد و خورد میباشند و افق سیاست آنجا تاریک و تاحال روشن نشده است .

نهضت آزادی خواهی در تبت :

بر طول سال ۱۳۱۲ نهضت آزادی خواهی در تبت هم پیدا شده و نفوذ حکومت چین تقریباً از تمام صفحه جنوب غربی آن مملکت قطع گردید و آلایی لاما پشیوایی مذهبی تبت در ماه دلو بر فات کرده تعیین جانشین او از میان اطفال (بقرار رسم مذهبی) بعمل می آید . تا کنون هرج مرجع و بی انتظامی در تبت حکمفرماست .



آلایی لاما رئیس روحانی تبت که در سال گذشته فوت شد



سقوط اعتبار مجمع اتفاق ملل - برآمدن جاپان و المان :

طبیعی است که بعد از اختتام جنگ های بزرگ عالم بشریت قهراً بطرف ایدآل صلح و امنیت شتافته همیشه در صدد تشکیل و ضعیف جدیدی بوده است که بتواند اسباب امنیت و سعادت بشر را تأمین کند. صفحات تاریخ بخاطر دارد که بارها ساکنین جهان بعد از تلفات سنگین خو سنگار امنیت شده، و موضوع صلح و صلاحیت دنیا را در هر موقع سیاسیون و عتبا از قبیل (سن اگوستن) (دانت) پاپ گره گوار ۵ و ۷ هر کدام به نحوی تجویز و پیشنهاد نموده و « ژورژ بودی براو » پادشاه بو هم چنین تصور میکرد که اختلافات و محاربات بین المللی در اثر انعقاد کنفرانس سیاسی مذهبی تصفیه خواهد شد. بعد از جنگ های ۳۰ ساله و جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های انقلابی اشخاص متنفذ، مخصوصاً طبقه روحانیون از در مصالحت پیش آمده میخواستند شیرازه عالم بشریت را جمع و امنیت با دوامی را در آن استقرار بخشند.

همین طور بعد از اینکه جهان در طی ۴ سال جنگ عمومی چه در میادین جنگ و چه در شهرها مدحش ترین تلفات را متحمل شد، غرش لا ینقطع ۴ ساله طوپ هر کس و هر ملتی را به داد و فریاد آورده از هر زبانی آوازه صلح و صلاح و استقرار امنیت عمومی و تشکیل مؤسسه هایی که بتواند امنیت آتیه جهان را ضمانت کند استماع میشد و طوریکه یکی از فلاسفه اروپا میگوید « برای صلح عمومی جنگ عمومی لازم است » حقیقتاً جنگ عمومی مستلزم آن شد که مسئله امنیت عمومی عالم بیش از پیش مورد بحث قرار گیرد در میان افکاری که سیاسیون بعد از جنگ درین موضوع اظهار نموده اند مهمترین آن نظریه : « گلاستون » است که میگوید در روابط ملل حقوق باید قائم مقام فو دگر دد.

بلاخره موسیو (ولسن) رئیس جمهور امریکا این افکار و نظریات پریش را مجتمع نموده بتاريخ ۲۷ می ۱۹۱۶ اساس تشکیل مجمع اتفاق ملل را پیشنهاد نمود و پارلمان فرانسه هم تاریخ ۵ ژون همان سال اساس تشکیل انجمن اقوام را تصویب کرد. بتاريخ ۱۱ اوزیل ۱۹۱۹ مرا مانامه مجمع اتفاق ملل که عبارت از ۲۶ ماده میباشد و قسمت اولی معاهده صلح و رسای را تشکیل میدهد تنظیم و تصویب و بتاريخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ مرعی الاجرا گردید.

عده عمومی دول عضو جامعه ملل (۵۶) است که از آنجمله ۲۹ دول آن عضو اصلی و باقی اعضائی اند که بعد از تصویب مرا مانامه رکنیت مجمع اتفاق ملل را حاصل نموده اند.

بعد از تشکیل مجمع اتفاق ملل چند مملکت بتواریخ مختلف از عضویت آن خارج شده اند از آنجمله است :
جمهوریت کوستاریکا در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴، اسپانیادراماه می ۱۹۲۸، برازیل در سپتامبر ۱۹۲۸.

حالا که از علت بیان آمدن مجمع اتفاق ملل و صورت تشکیل آن دانسته شدیم بایستی متذکر شویم که اگر چه صورت تاسیس انجمن اقوام را مسترولسن رئیس جمهور عصر جنگ عمومی امریکا پیشنهاد نموده و در اثر اجتهاد دول فاتح میان آمد ولی ناگفته نماند که در میان دول فاتح هم فرانسه و انگلیس به آن علاقه تمام دارند و مخصوصاً فرانسه آنرا بهترین وسیله پیشبرد مرام سیاسی خویش میدانند. چون در مجمع اتفاق ملل دست انگلیس و فرانسه بیشتر نفوذ دارد و اکثر مواد مرا مانامه آن بمنافع سیاسی این دو مملکت وضع شده است و در جلسات آن همیشه ریاست بدست سیاسیون و نمایندگان این دو مملکت میباشد به منظوری که عبارت از عدالت بین المللی و تأمین صلح جهان و تصفیه مناقشات ملل بصورت منصفانه باشد اجراءات کرده توانست و این عدم کفایت مجمع ملل درین دو سال اخیر در موقع محاربات شرق اقصی و جنگ های ممالک امریکای جنوبی عملاً مشاهده رسیده ثابت شد که آواز مجمع ملل را در هیچ مورد حتی کوچکترین مملکتی هم نمیشنود.

سقوط اعتبار مجمع اتفاق ملل - برآمدن جاپان و المان :

طبعی است که بعد از اختتام جنگ های بزرگ عالم بشریت قهراً بطرف ایدآل صلح و امنیت شتافته همیشه در صدد تشکیل و ضمیمه جدیدی بوده است که بتواند اسباب امنیت و سعادت بشر را تأمین کند. صفحات تاریخ بخاطر دارد که بارها ساکنین جهان بعد از تلفات سنگین خود سنگار امنیت شده، و موضوع صلح و صلاحیت دنیا را در هر موقع سیاسیون و علما از قبیل (سن اگوستن) (دانت) پاپ گره گوار و ۷ هر کدام به نحوی تجویز و پیشنهاد نموده و « ژورژ پودی براو » پادشاه بوم چنین تصور میکرد که اختلافات و محاربات بین المللی در اثر انعقاد کنفرانس سیاسی مذهبی تصفیه خواهد شد. بعد از جنگ های ۳۰ ساله و جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های انقلابی اشخاص متنوع، مخصوصاً طبقه روحانیون از در مصالحت پیش آمده میخواستند شیرازه عالم بشریت را جمع و امنیت بادوامی را در آن استقرار بخشند.

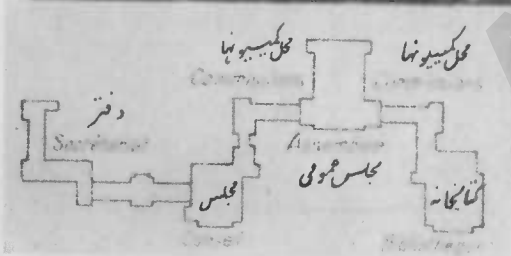
همین طور بعد از اینکه جهان در طی ۴ سال جنگ عمومی چه در میادین جنگ و چه در شهرها مدحش ترین تلفات را متحمل شد، غرش لاینقطع ۴ ساله طوپ هر کس و هر ملتی را به داد و فریاد آورده از هر زبانی آوازه صلح و صلاح و استقرار امنیت عمومی و تشکیل مؤسسه هایی که بتواند امنیت آتیه جهان را ضمانت کند استماع میشد و طوریکه یکی از فلاسفه اروپا میگوید « برای صلح عمومی جنگ عمومی لازم است » حقیقتاً جنگ عمومی مستلزم آن شد که مسئله امنیت عمومی عالم بیش از پیش مورد بحث قرار گیرد در میان افکاری که سیاسیون بعد از جنگ درین موضوع اظهار نموده اند مهمترین آن نظریه « گلاستون » است که میگوید در روابط ملل حقوق باید قائم مقام قوه گردد.

بالاخره موسیو (ولسن) رئیس جمهور امریکا این افکار و نظریات پریش را مجتمع نموده بتاريخ ۲۷ می ۱۹۱۶ اساس تشکیل مجمع اتفاق ملل را پیشنهاد نمود و پارلمان فرانسه هم بتاريخ ۵ ژون همان سال اساس تشکیل انجمن اقوام را تصویب کرد. بتاريخ ۱۱ اوزیل ۱۹۱۹ مراسمنامه مجمع اتفاق ملل که عبارت از ۲۶ ماده میباشد و قسمت اولی معاهده صلح و رسای را تشکیل میدهد تنظیم و تصویب و بتاريخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ مرعی الاجرا گردید.

عده عمومی دول عضو جامعه ملل (۵۶) است که از آنجمله ۲۹ دول آن عضو اصلی و باقی اعضائی اند که بعد از تصویب مراسمنامه رکنیت مجمع اتفاق ملل را حاصل نموده اند.

بعد از تشکیل مجمع اتفاق ملل چند مملکت بتواریخ مختلف از عضویت آن خارج شده اند از آنجمله است :
جمهوریت کوستاریکا در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴، اسپانیادرامه می ۱۹۲۸، برازیل در سپتامبر ۱۹۲۸.

حالا که از علت بیان آمدن مجمع اتفاق ملل و صورت تشکیل آن دانسته شدیم بایستی متذکر شویم که اگر چه صورت تاسیس انجمن اقوام را مسترولسن رئیس جمهور عصر جنگ عمومی امریکا پیشنهاد نموده و در اثر اجتهاد دول فاتح میان آمد ولی ناگفته نماند که در میان دول فاتح هم فرانسه و انگلیس به آن علاقه تمام دارند و مخصوصاً فرانسه آنرا بهترین وسیله پیشبرد مراسم سیاسی خویش میدانند. چون در مجمع اتفاق ملل دست انگلیس و فرانسه بیشتر نفوذ دارد و اکثر مواد مراسمنامه آن بمنافع سیاسی این دو مملکت وضع شده است و در جلسات آن همیشه ریاست بدست سیاسیون و نمایندگان این دو مملکت میباشد به منظوری که عبارت از عدالت بین المللی و تأمین صلح جهان و تصفیه مناقشات ملل بصورت منصفانه باشد اجراآت کرده توانست و این عدم کفایت مجمع ملل درین دو سال اخیر در موقع محاربات شرق اقصی و جنگ های ممالک امریکای جنوبی عملاً مشاهده رسیده ثابت شد که آواز مجمع ملل را در هیچ مورد حتی کوچکترین مملکتی هم نمیشنود.



عمارت جدید مجمع ملی که از پول اعانه متبولین بزرگ و دول مخصوص جمع به شرکت بهترین مهندسیین عالم درجینوا ساخته شده



از جلسات مجمع علل کردان نمایندگان انجمن شرکت دارد و آرمون مشی مسومی عمارت جدید را افتتاح میکند

ایران :

منازعه شرکت نفت ایران و انگلستان که باثر العالی امتیاز و ارضی تولید شده بود بشورای انجمن اقوام در جنوا بین مملکتین معاهده موقتی امضا شده و سپس بتاريخ ۱۰ نور در طهران بین حکومت ایران و شرکت نفت انگلستان معاهده جدید امضا شد و قرار این معاهده نزاع فقط به منفعت طرفین خاتمه یافت .

درین سال بعضی اشخاص از قبیل تیمورتاش وزیر دربار و اسعد وزیر جنگ بجرم مفسدت و خیانت از طرف حکومت ایران گرفتار و محاکمه شدند ایران در سال ۱۳۱۲ اقدامات مؤثری در بهبود اوضاع اقتصادی خود مبذول داشته و تمدید خطوط آهن را طرف توجه مخصوص قرارداد اختلافی که باثر جزیره باسعید و بین مملکتین ایران و انگلستان تولید شده بود به منفعت ایران خاتمه یافت .



عظیم شاه ایران که اخیراً به سیاحت نرفته

قره خان قائم مقام کمیسار ملی امور خارجه اتحاد شوروی در وسط سال به طهران مسافرت رسمی نموده با اولیای امور دولت ایران ملاقات کرد .

درین مسافرت قره خان و بعد از آن بعضی مسائل اقتصادی از قبیل اصول فیصله حسابات صادرات برنج از ایران و واردات قند از شوروی مابین مملکتین فیصله یافته است و مسائل دیگری مانند موضوع حق ترانزیت از خاک شوروی و غیره هنوز تحت مذاکره میباشد .

اعلیحضرت رضا شاه پادشاه ایران چندین دفعه درین سال بهشمال و جنوب مملکت ایران مسافرت کردند .

بنو جهات اعلیحضرت پادشاه ایران درین سال دولت ایران مراحل مهمه اقتصادی را طی کرد در تورد و بکار انداختن فابریکهای نساجی و قند سازی و سمت سازی و غیره توجه کاملی مبذول گردید .

روی هم رفته مملکت دوست و هم جوار ما ایران درین سال به طی مراحل عمده ترقی و تعالی نائل گردید .



کابینه جدید ایران

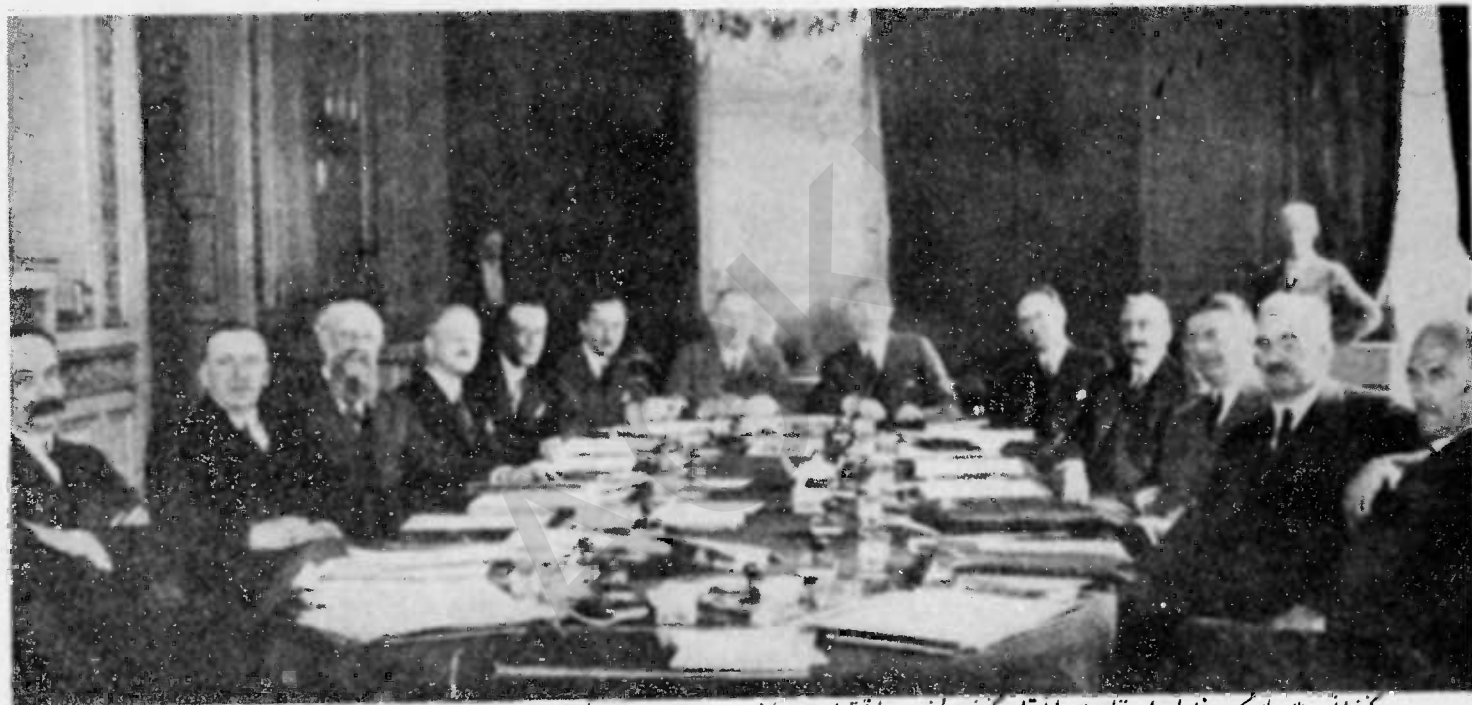
کنفرانس اقتصادی جهان:

برای رفع و چاره سنجی بحران اقتصادی که اکناف دنیا را فرا گرفته بود بسال گذشته انعقاد يك کنفرانس اقتصادی در نظر گرفته شده بود چنانچه در اثر آن شصت و شش ممالک دنیا به شمولیت در کنفرانس مزبور دعوت و افغانستان هم مدعو بوده و شامل شده بود. قبل از انعقاد کنفرانس کمیسیونیکه برای تهیه زمینه کنفرانس معین شده بود مسایل قابل بحث در کنفرانس را تعیین و علاوه تاً پیشنهاد کرده بود که ممالک دنیا الی نتیجه کنفرانس یعنی در اوقات جریات محافل کنفرانس يك متارکه گمرکی را اختیار کنند، یعنی در اوقات جریان کنفرانس هیچ يك مملکت از منع ادخالات و یا از اذات محصولات اقداماتی ننماید، ممالک دنیا در بد و کنفرانس با بعضی عبارات شرطیه به متارکه و صوفه موافقت نمودند، ولی طوریکه کنوت از جراید معلوم میشود، چون کنفرانس اقتصادی به نتیجه نرسیده رسماً ملتوی شده، لهدا ممالک دنیا نوتهای تعقیبیه بد قتر کنفرانس فرستاده و از مسئله متارکه گمرکی صرف نظر نموده اند، بهر صورت کنفرانس اقتصادی بتاريخ ۲۲ جوزای ۱۳۱۲ در عمارت تازه ساخت (موزیم) در لندن منعقد و بنا بر اهمیت فوق العاده که داشت خود شاه انگلستان آنرا افتتاح و نطق افتتاحیه را با لسنه انگلیسی و فرانسه ایراد نمود، بعدها مذاکرات کنفرانس بصورت جلسه عمومی جاری و نماینده گان ممالک افکار حکومت خودها را در ضمن نطق خود بیان نمودند چنانچه هیئت افغانستان هم پیشنهادات خود را بوقوعش بکنفرانس مزبور تقدیم نموده است، بعد اختتام حمله عمومی و نطق های نمایندگان کنفرانس مذکور به دو کمیسیون اقتصادی منقسم گردید یکی کمیسیون که دران مسائل تجارقی و گمرکات و انحصارات و غیره بحث می شد و دیگری کمیسیون مسکوکاتی که دران مسائل بانکهای مرکزی و اساس سکه و نرخ معین مسکوکات دنیا و غیره تحت مذاقه گرفته شده بود، چون عموماً اساس تجارت و اقتصادیات و جریان بانک ها تعیین اساس سکه و نرخ معین مسکوکات است، لهدا کمیسیون مسکوکاتی به معین نمودن اساس سکه که آیا طلا باشد یا قره و استقرار نرخ مسکوکات صرف مقدرت نمود و هم مسئله اساس ذخیره بانک های دنیا که فیصد چند کفایت میکند تحت بحث گرفته شد طوریکه معلوم است عموماً اساس ذخیره بانک الی انعقاد کنفرانس اقتصادی فیصد ۳۲ معین بود، ولی هنگام جریان کنفرانس در کمیسیون مسکوکاتی پیشنهاد شد که اساس ذخیره ۲۵ فیصد کفایت خواهد کرد در مسئله اتخاذ اساس سکه چون همه ممالک بريك نهج نبوده، ممالکیکه ذخیره طلا بسیار دارند از قبیل فرانسه روسیس بتعین اساس سکه بر طلا مقرر بودند و بعضی ممالک دارای قره از قبیل چین و مکزیک و غیره بتاسیس اساس سکه بر قره اصرار داشتند، همچنان نسبت به استقرار نرخ مسکوکات چون عموماً تنزل پول يك مملکت برای واکیسورت یعنی اخراجات آن مفید ثابت می شود، لهدا بعضی ممالک از باعث عدم توازن تجارت شان نمی خواستند قوانین نرخ مسکوکات مستقر شود، بدیهیست چون مسایل مسکوکاتی اساس همه اقدامات کنفرانس مذکور بود در صورتیکه به مسایل مسکوکاتی و تعیین قیمت اشیا موقیبتی حاصل شده توانست، کنفرانس روی بسقوط نهاد چنانچه جلسات عمومی و کمیسیون های کنفرانس موصوف بتاريخ ۱۵ اسد ۱۳۱۲ معطل گردیده صرف دفتر کنفرانس و دارالکتاب آن برای مساعد ساختن زمینه به کار مداومت دارند و نمایندگان دنیا بمالک خودها عودت نموده اند.





شاه انگلستان کنفرانس اقتصادی جهان را در لندن افتتاح میکند (جوزا - ۱۳۱۲)



کنفرانس ملل طلا که در خلال اوقات انعقاد کنفرانس اقتصادی لندن در پاریس منعقد شد (جوزا - ۱۳۱۲ شمسی)

« سالنامه » کابل

قرارداد چهارگانه

مفکوره عقد قرارداد دول کبیره اروپائی مبنی بر تمرکز دادن رویه سیاست متقابله خویش نسبت به مسایل بین المللی یکی از افکار قدیمه ایست که بعد از ۱۹۱۳ حینکه دول از محاربات بالقان خلاص میشدند در کنفرانس ها استماع می شد .



برفون اسل سفیر کمیسر المان

بعد از جنگ عمومی سیاسیون غالباً باین امر اشاره نموده میخواستند بین دول معظمه عضو دائمی مجمع اتفاق ملل قرارداد وائتلافی بعمل آید اما بمناسبت عدم موافقت دول صغیره این نظریه متروک گردید .

در ماه ژوئیه ۱۹۳۱ برای اولین دفعه فکریه متراکمه دو ساله سیاسی بین المان و فرانسه بروز نمود - حین مسافرت « بزونیگ » ودا کتر کورتیوس در پاریس فرمول های زیادی برای عملی ساختن این نظریه سنجدیده شد اما هیچ کدام نتیجه نداد - سپس حین مسافرت « موسیو لاوال » و « برین » صدر اعظم و وزیر امور خارجه فرانسه به برلین و بعد از آن در کنفرانس لوزان بین « فن یاین » و « موسیو هریو » دوباره این مسائل مورد بحث قرار گرفته صدر اعظم المان اشتراک مساعی و فکریه اتحاد دول کبیره اروپائی را پیشنهاد نمود . اگر چه درین وقت بمناسبت اینکه به امتیاز مجمع اتفاق ملل رخنه وارد نشود پیشنهاد او مسکوت عنه گذاشته شد معذالک تا اندازه در داخل نظریات او قرارداد « مشوره مشترکه » بین انگلستان و فرانسه بتاريخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۲ عقد گردید .



سرونا لدر گرام سفیر کمیسر برطانیه

آنکه حقیقه طرفدار و رویکار آورنده « قرارداد دول چهارگانه » است موسیولینی میباشد ، مشارالیه اولین دفعه بمقام « تورن » در نطق ۲۳ اکتوبر ۱۹۳۲ لزوم اشتراک مساعی دول بزرگ اروپائی را پیشنهاد و بتاريخ ۱۸ مارس سال حاضر عملاً پروژه درین زمینه ترتیب و صدر اعظم و وزیر امور خارجه بریطانیا را برای مطالعه آن بر وما دعوت نمود .

موسیولینی در خلال این پروژه میخواست برخلاف ماده ۱۹ قرارداد مجمع اتفاق ملل راهی برای تجدید نظر معاهدات بکشد ، همین نکته فرانسه و لهستان ، ممالک ائتلاف صغیر را وادار نموده که در آن تعدلاتی بعمل آرند .

همین طور صدر اعظم بریطانیا اگرچه اصلاً و اساساً با موسیولینی موافقت نظر داشت لهما برای اینکه کنفرانس خلع سلاح را از مشکلات بیرون و دول صغیره را از هیجان بدر کند قرارداد چهارگانه را بیشتر به اساس اتحاد کولک و عدم صرف قوه نزدیک ساخت . بالاخره فرانسه برای تامین مقام و امتیاز مجمع اتفاق ملل این نکته را اضافه نمود که چون قرارداد بین چهار مملکت عضو دائمی انجمن اقوام انعقاد میشود بایست در حوضه آن مؤسسه و به احترام شئون و مواد قرارداد آن بعمل آید .



موسیروز دول سیرلبسیر فرانسه

خلاصه در مدت ۴ ماه که از ۱۸ مارس یعنی تاریخ ترتیب پروژه اولیه موسیولینی تا ۸ ژون تاریخ امضای آن میگذرد تبدیلات زیادی در نظریات موسیولینی بعمل آمده و مت آخرین پروژه که با روحیات مجمع اتفاق ملل مطابق و بتاریخ ۱۸ ژون در قصر « وینز » بین موسیولینی و سفیرای کبار انگلستان، فرانسه و المان به امضا رسیده است قرار آتی است : ماده اول : متعاهدین راجع به تمام مسائل مربوطه خود شان اتحاد عمل را مراعات نموده متعهد میشوند در حوضه مجمع اتفاق ملل در تعویل و به سیاستی اجتهاد ورزند که بین تمام دول صلح راضیات و محافظه نماید .



سیرور موسیولینی رئیس الوزرای ایتالیا

ماده دوم : آنچه که مربوط به قرارداد مجمع اتفاق ملل و مخصوصاً مادهای ۱۶، ۱۰، ۱۹، (۱۰) باشد متعاهدین مصمم میشوند که در اطراف آن بین خود سنجش و رسیدگی نمایند و تصمیم قطعی در اطراف آن وظیفه خود مجمع اتفاق ملل است .

ماده سوم : متعاهدین تماماً متعهد میشوند که برای تامین کامیابی کنفرانس خلع سلاح منتهای کوشش بخرج دهند و اگر بعد از ختم کنفرانس خصوصاً مسئله درین زمینه بین خود آنها عرض وجود کند بمطالعه آن پرداخته قرار انتصاب این قرارداد حل آنرا از مجرای صلاحیت فیصله نمایند .

ماده چهارم : - متعاهدین راجع به تمام مسائل اقتصادی که پهلوی مفاد مشترک که برای اروپا داشته باشد و مخصوصاً برای استقرار وضعیت اقتصادی در دایره هدایات مجمع اتفاق ملل بین خود تبادل نظر خواهند نمود .

ناگفته نماند که احترام قرارداد مجمع اتفاق ملل ، معاهده « لوکارنو » معاهده تحریم جنگ « بریان کولک » و معاهده عدم صرف قوه که پروژه آن به ۱۱ دسامبر ۱۹۳۲ در ژنو ترتیب و نمایندگان کنفرانس خلع سلاح بتاریخ ۲ مارس ۱۹۳۳ آنرا پذیرفته اند جزو اعظم قرارداد دول چهارگانه و تمهید متن آنرا تشکیل میدهد .

(۵) این سه ماده برای احترام استقلال ملل و عدم تجدید نظر معاهدات وضع شده .

قرارداد چهارگانه بعد از همه تعديلاتی که در مدت ۴ ماه در آن بعمل آمده است مستقلاً چیز جداگانه و جدیدی نیست و چون منظور مرتبترین اولیه آن یعنی تجدید نظر معاهدات و اقداماتی که منجر به سقوط امتیاز انجمن اقوام میشد از آن کاست گردید در قطار سایر معاهدات صلح به اسم و رسم دیگر و به تغییر جزئی معاهده دیگری علاوه گردید که بین حصار آهنین معاهده صلح و رسای، قرارداد مجمع اتفاق ملل و سایر معاهدات لوکارنو، کولگ که بعد از جنگ در راه تامین صلح عقد شده اند محصور میباشند.

وضعیت آیرلیند :

دی ویرا و مطالبات او از حکومت انگلستان :

معمولاً کلمه آیرلیند به جزیره اطلاق میشود که بطرف غرب جزیره انگلستان واقع و از جانب شمال - شرق و جنوب مشرق محدود به کنال شمال و کنال سن ژورژ و باقی اطراف آنرا اوقیانوس اطلس محصور نموده است .

آیرلیند ابتدا منقسم به ۵ ولایت و رئیس حرب، آنها را اداره می نمود و از قرن ۵ تا ۹ کانون بزرگ علمی و مذهبی تمام اروپای غربی بشمار میرفت . انگلستان در قرن ۱۲ از نفاق و مخالفت های رؤسای بومی استفاده نموده در خاک جزیره آیرلیند تجاوزات نمود و هائری دوم پادشاه آن مملکت در ۱۱۷۲ شخصاً در آنجا مسافرت نموده آیرلیند را مطیع و مستعمره انگلستان ساخت و در قرن ۱۷ « کرامل » دیکتاتور انگلستان آنرا « دویمین » انگلیس قرارداد . چون آیرلندی ها اصلاً از نژاد « سلتی » و مذهب آنها بطور عمومی کاتولیک می باشد طبعاً بعزت اختلاف نژاد و مذهب یکسلسله مخالفت ها حتی مجادله در طی قرون بعد بین آیرلیند و انگلستان بوقوع پیوسته است . چون خاک آیرلند استعداد زراعتی ندارد عده زیاد ساکنین آن به امریکا مهاجرت نموده اند و بدین اساس از ۱۸۵۰ تا امروز ساکنین آن تقریباً از ۹ میلیون به چهار و نیم میلیون رسیده یعنی نصف شده است .

در ۱۸۴۸ آیرلندی ها به اشاره میلیون های مهاجرین خویش به امریکا پروژه آزادی داخلی (هوم رول Home Rule) ها به پارلمان انگلستان پیش نموده و بعد از جر و بحث طولانی و تعدیلات حزب ملی موسوم به (سن - فنر Suine Feines) در اثر کمک های مالی مهاجرین خویش مقیم اتازونی انقلاب نموده تمینات خود را حاصل نمودند . حینیکه انگلستان مصروف جنگ عمومی شد آیرلندی ها از پاره قیوداتی که (هوم رول) بر آنها تحمیل نموده بود کناره جویی نموده بنای شورش را گذاشتند و بروز دوشنبه عید پاک ۱۹۱۶ تصادفات خونینی در (دوبلن) مرکز مملکت برپا و آتش مخالفت دیرینه بین انگلستان و آیرلندی را تازه گردانید ، در ۲۴ دسامبر ۱۹۱۷ «لاید جارچ» کنفرانسی در دوبلن دایر نموده و پروژه آزادی و سبعتری برای آیرلند ترتیب نمود، بتاريخ ۲۱ ژانویه ۱۹۱۹ پارلمان با کثرت تمام استقلال آیرلیندرا اعلان نموده و نمایندگان مملکت عوض اینکه به لندن بروند در دوبلن مجتمع شدند . حکومت جدید فوراً باب مخالفت های جدی را با انگلستان کشوده تا اینکه در نتیجه بعد از دو سال بتاريخ ۶ دسامبر ۱۹۲۱ متار که بعمل آمده حکومت انگلستان رسماً آزادی آیرلند را شناخت اما در عوض سیاسیون انگلیس از اختلاف مذهبی ساکنین جزیره استفاده نموده صورت وحدت ایرلند را شکستند قسمی که ولایت (ایولستر Ulster) را که بجانب شمال جزیره واقع و پنج یکخاک آیرلند را تشکیل میدهد و مذهب آنها پروتستان میباشد کما فی السابق دویمین انگلستان باقی گذاشته تنها به آیرلند جنوبی کاتولیک مذهب آزادی دادند .

برای اینکه وضعیت امروزه ایرلند و موضوع اقدامات دی ویرا بخوبی فهمیده شود باید به این مسئله دقت نمود که آنها آزادی که انگلستان در ۱۹۲۱ برای آیرلند جنوب قائل شده است چطور و بچه اساس است و وسعت آن تا کجا است . بدیهی است که این آزادی ، آزادی و استقلال مطلقه نیست و قیوداتی که ۱۸ ماده معاهده آزادی ۱۹۲۱ به آیرلند تحمیل نموده است قرار ذیل است :



گروهی از نمایندگان پارلمان آیرلند در سال ۱۹۲۱

دی ولیرا در نظر دارد که آخرین رشته رابطه بین آیرلند و انگلستان را گسیخته حکومت جمهوری آزادی روی کار آرد و مواد عمده پروگرامی که از دو سال با بنظر ف تعقب میکند و اساس مطالبات او را از حکومت انگلستان تشکیل میدهد یکی الغاء پرداخت سه ملیون پوندی است که سالانه انگلستان بعنوان مالیات اراضی دریافت میدارد. اساس وضع این مالیات این است که حکومت انگلستان از سال ۱۸۷۰ الی ۱۹۰۹ برای دهاقین آیرلند مبالغی برای خریداری اراضی از صاحبان املاک پرداخته بود. حکومت انگلستان این مبالغ را قروض شخصی تصور میکند و آنرا به وضع و دریافت سه ملیون پوند مالیات سالانه میخواهد جبران نماید اما دی ولیرا مبالغی را که انگلستان پرداخته جزو قروض عمومی حساب میکند و چون بعد از اینکه آیرلند از بعضی مطالبات خویش در آیرلند شمالی دست کشید با انگلستان چنین قرار گذاشته شده بود که تمام قروض عمومی بین مملکتین لغو شود، دی ولیرا از روز بکه ریاست حکومت را عهده دار شده است به الغاء پرداخت مالیات مذکور میگوید.

مسئله دومی که دی ولیرا الغاء آنرا از حکومت بریطانیا مطالبه میکند ماده چهارم معاهده ۱۹۲۱ است که قرار آن اعضای پارلمان آیرلند بایست نسبت به شاه انگلستان سوگند وفاداری بخورند. کوششاتی که از طرف دی ولیرا رئیس اجرائیه حکومت آزاد آیرلند برای الغاء این دو مسئله بعمل آمده است تا حال نتایج مثبتی نداده و قرار معلوم حکومت انگلستان از تغییر دادن معاهده فوق الذکر جدا احتراز میکند. دی ولیرا از همان اوائل ایام حکومت خویش استقرار جمهوری آزادی آیرلند تعمیم سائر مواد پروگرام خویش را در نظر دارد اما وضعیت داخلی بشرحیکه ذکر میکنیم او را مصروف و منتظر موقع مساعد نموده است.

علاوه بر حزب جمهوری خواهان و حزب اعتدالیون «گوسگراو» که بعد از اقتدار یافتن حزب اول الذکر پس باشد اخیراً جراید وجود حزب فاشیستی «پیراهن نیلیها» را به سرکردگی ژنرال (Oduffy) در آیرلند ناظر نشان میکنند. در حقیقت وجود این احزاب چیزی تازه نیست بلکه دوسه سال قبل هم وجود داشت و دی ولیرا بکمال بصارت این موضوع را از اول فهمیده و طوریکه متذکر شدیم چون اکثریت پارلمانی را بکمک احزاب کوچک کارگر و غیره حاصل نموده بود یعنی بزبان دیگر حکومت و حزب او بصورت اطمینان بخش حایر اقتدار نبود به اصلاح وضعیت داخلی پرداخته در اوائل سال جاری پارلمان را منحل و تجدید انتخابات را شروع نمود و در نتیجه قبل از اینکه سائر احزاب صورت رسمی پیدا کنند در مقابل تمام احزاب دیگر اکثریت مطلقه ۱۵۲ کرسی را در مقابل ۷۹ حاصل نمود و بدین منوال تا امروز توانست از تهاجمات و مظاهرات احزاب جلوگیری نموده آزادانه به تعمیم پروگرام آزادی خویش بپردازد.

انگلستان مطالبات آزادی خواهانه آیرلند را به قیودات گمرکی پاسخ داده و ازین راه به اقتصادیات آیرلند صدمات سختی وارد میکند و تا حال برای تغییر دادن قیودات معاهده ۱۹۲۱ صورت مسالمت نشان نداده است.

ممکن آیرلند به الغاء سوگند وفاداری و پرداخت مالیات و تشکیل حکومت جمهوری آزادی در آیرلند جنوبی موفق شود اما الحاق آیرلند شمالی ببرتستان به آیرلند جنوبی امکان پذیر نیست. اینها یکسلسله سوالاتی است که آینده جواب قطعی آنها را خواهد داد.

بغاوت آشوریهای عراق:

در ماه سرطان و اسد ۱۳۱۲ در ولایت موصل بین بغاوت کنندگان آشوری و اعراب عراق تصادمات خونینی بوقوع پیوسته است. آشوریهای بین النهرین علیاً اصلاً احماد مسیحیونی اند که در اوائل



تئون عراق پس از سردی آشوریها فاشنامه به بغداد مراجعت میکنند - در بالا طرف راست حیف آشوریها

قرن ۵ مسیحی در بیژانس اقامت داشتند تا امروز در مناطق کوهستانی شمالی موصل امر ارجیات مینمایند. عده آشوریها ۷۰۰۰۰ و در تمام ادوار تاریخی تركها و اعراب بمناسبت مخالفت مذهبی آنها را زجر و توییح نموده اند. پس از اینکه عراق در ۱۹۳۲ مستقل می شود آشوریها برای ادای عرضحال خود بحکومت بنوغا در آمده مظاهرات را شروع نمودند. رئیس ایشان « مارشیمون » یکشخص جوان عالمی است که تحصیلات خویش را در انگلستان نموده و در میان اقوام خویش مقام بزرگ روحانی را اشغال نموده است و قتیکه مشارالیه برای افتتاح مذاکرات بحکومت عراق به بغداد می آید بحکومت او را بجزم تخلف از انقیاد سرکر محبوس میکند و در نتیجه اغتشاش خون انگیزی بین آشوریها و اعراب واقع می شود. صورت حادثه را عراقیها چنین تفسیر می کنند که یک عده انقلابیون (۱۵۰۰ نفر) که در شامات پناه گزین بودند با اسلحه وارد عراق شده اند و آشوریها ادعا دارند که تقریباً ۷۰۰ نفر شان در نتیجه حملات کردها بقتل رسیده است. خلاصه آنچه که حقیقت دارد این است که بعد از حبس « مارشیمون » تصادم مذهبی بین آشوریها و اقوام عراق بعمل آمده و در نتیجه رئیس انقلابیون تبعید و به جزیره قبرص پناه گزین شده است.

سلسله منازعات امریکای جنوبی :



ارکان ریاست فخر العاده قوه اجرائیه کیوبا (در وسط سمن پارتین رئیس جمهور موقت)

امریکای جنوبی از دو سال
یا بنظر طرف صحیفه یکسلسله
منازعاتی است که فضای
آن قطعه را تیره نموده
و اکثر آن با وجود مداخلت
مجمع اتفاق ملل تا امروز
فیصله نشده است. امریکای
جنوبی تقریباً مرکب از ۲۰
جمهوریت کوچک و بزرگی
است که از حیات آنها
چندان زیاد نمیگذرد و
درین اوایل در اثر
منازعات سرحدی و ظهور

احزاب مخالف حکومت های محلی و پروپاگند های مضره یکی بادیگر دست و گریبان شده و بهم در آویخته اند،
ما گذارشات این صحنه را به منتهای اختصار چنین شرح میدهم :

قبل از همه جمهوریت « بولیوی » و « پاراگویی » داخل منازعه شده اند و علت مناقشه ایشان این
است که بولیوی بواسطه وجود همسایه خویش شیلی دست به اوقیانوس کبیر نداد و برای اینکه دستی به اوقیانوس
اطلس پیدا کند علاقه « شاکو Chaco » را مطالبه میکند . پاراگویی در حین دو معاهده متعاقب
۱۸۷۴ و ۱۸۸۲ به آن علاقه حاکمیت داشت آنرا خاک لایتجزای خویش میدانند . بعد از وقوع محاربات
مجمع اتفاق ملل و کمیته ممالک مجاور در اثر پیشنهاد و تقسیم منطقه متنازع فیه طرفین را بصورت موقت
آشتی داده اند .

هنوز محاربه این دو مملکت جریان داشت که دو جمهوریت دیگر « کولومی » و « پیرو » داخل نبرد
گردیدند . علت تنازع این دو مملکت نتیجه حملاتی است که بتاريخ ۳۱ اگست ۱۹۳۲ در علاقه سرحدی
(لیتسیا Leticia) بوقوع پیوسته است . حکومتین فوق الذکر هر کدام تعرض دسته قشون طرف مقابل را
در علاقه فوق الذکر خاطر نشان نمود . مسئولیت را بگردن یکدیگر می اندازند ، مجمع
اتفاق ملل حکومت کولومی را ذیحق دانسته تخلیه ناحیه مذکور را به مملکت مخالف امر داده است .

« کیوبا » در دوره سال ۱۳۱۲ دچار انقلاب داخلی مدهشی گردید که آتش آن از طرف حزب
مخالف حکومت افروخته شده بود در نتیجه حزب مخالف فایق آمده و رئیس جمهور (ماشادو Machado)
ذریعه طیاره به جزیره « ماها با » فرار نمود . وزیر حربیه و وزیر خارجه و چند نفر صاحب مناصب دیگر
که طرف دار رئیس جمهور موصوف بودند همه فرار اختیار نمودند منازعات دو حزب و آتش انقلاب مدت



یک دسته از توپخانه تفیس پاراگلی که بمقابل بولیویا بجنگ رود

مدیدی در بندر « بهاوان » و سایر نقاط مملکت اشتعال داشت . اتازونی برای حایه تبعه خویش چند سفینه جنگی را به بندر « هاوان » فرستاد . رئیس جمهور جدید موسیو (Cespeds) هنوز کاملاً از ایداء حزب رژیم قدیم مطمئن نشده و طرف سوئی قصد بی نتیجه واقع شده بود .

خلاصه ، طوریکه متذکر شدیم در طی سال ۱۳۱۲ فضای امریکای جنوبی سراسر تاریک و در هر مملکتی به علل مختلف محاربات سرحدی ، انقلابات داخلی ، منازعات احزاب ، اضطراب سیاسی کسب وجود نموده است . در ماه می در (پیرو) در اثر سوئی قصد رئیس جمهور بقتل میرسد . در (برازیل) و (اپوراگی) احزاب سیاسی اغتشاشات برپا میکنند ارزان تین ، محصور میشود . در « شیلی » رئیس جمهور « الکساندری » از کنگوره اقتدار مطلقه مطالبه میکند در (کیوبا) و (اکواتور) آتش انقلاب داخلی مشتعل میشود و اثرات آن در (مکزیک) سرایت میکند . بعضی از این منازعات هنوز خاموش نشده و برخی پس از تسکین موقتی مجدداً وخامت پیدا نموده قسمی که هنوز فضای امریکای جنوبی تیره و تار است .



وفات اعلیحضرت ملك فيصل شاه عراق :



قارئین محترم از وقوع حادثه ناگوار وفات اعلیحضرت ملك فيصل و منتخب شدن پسرش امیرغازی بشاهی عراق مطلع اند چون فقید مزبور یکی از زعمای ملی کارآگاه عرب و اولین پادشاه عراق مستقل و یکی از قاندين بزرگ نهضت عربيه بشمار ميرود و در اثر خدماتیکه در دوره زمامداری خود بملت عراق نموده در شرق مقام بزرگی را احراز نموده است بشرح مختصر سوانح حیات او پرداخته اخیراً بصورت ایجاز ذکرى از پسرش شاه حاضره عراق مینمائیم :

اعلیحضرت ملك فيصل سومین پسر شریف حسین شریف حجاز بنابر بخت ۱۸۸۵ در طایف متولد شده و ایام صبا و ترانه تا سن ۷ سالگی در دامان تربیه والدین و در قبیله بنی عبیده بسر برده است . هر ۱۸۹۳ چنینیکه شریف حسین به استامبول مسافرت می نمود فیصل نیز با او همراه شده و تا ۱۹۰۸ در آنجا به تحصیلات خصوصی مشغول بود و در ۱۹۰۵ با دختر عموی خویش ازدواج نمود .

اعلیحضرت امیر فیصل شاه فقید عراق

چون پدرش بسمت شریف مکه انتخاب گردید با وی به مکه مراجعت نموده و یکسال بعد از طرف اهالی جدیده بصفت نماینده به پارلمان ترکیه اعزام گردید .

چنینیکه قضایای جنگ عمومی در میادین اروپا دوام داشت و اعراب موقع نهضت را غنیمت شمردند و مخالفت و منازعه را با ترک ها گرفته بودند شریف مکه فیصل را به قیادت قوای مناطق شمال برگزید در نتیجه بعد از چند مقابله با قوای ترک موفقیت حاصل نموده در ۳۰ دسامبر ۱۹۱۱ فاتحانه داخل دمشق شد و با تجلیلات استقبال گردید .



اعلیحضرت امیرغازی شاه جدید عراق

پس از استقرار صلح در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸ از طرف پدر خویش شریف مکه به کنفرانس صلح پاریس اعزام شده و از طرف فرانسوی ها در پاریس به احترام زیاد استقبال شد . یکسال بعد در اوایل ۱۹۱۹ پس به سوریا مراجعت نمود سپس بقصد سیاحت اروپا عازم لندن شد و تا ۸ ماه مارس ۱۹۲۰ در آنجا اقامت داشت چنین مراجعت معظم له از طرف کنگره سوریه به پادشاهی شام انتخاب گردید . چون درین وقت رقابت انگلیس و فرانسه و آمال استعمار جوانه آن دو مملکت در شرق قریب بختهای شدت رسیده بود و انگلیس با اعراب وعده هائی نموده بود که بمقاد فرانسه موافقت نمیکرد اقدامات ملك فيصل منافی

نظریات فرانسه بود از طرف حکومت فرانسه ژنرال گورو، یادداشتی مشتمل بر چند ماده به ملک فیصل فرستاد. اگر چه شاه سوریا با بعضی مطالبات حکومت فرانسه صورت موافقت هم نشان داد اما ژنرال موصوف بتاريخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۲۰ بصرف قوه داخل سوریا شده دمشق را فتح و اعلیحضرت فیصل را مجبور بمسافرت لندن نمود و بدین منوال حکومت جدید التاسیس سوریا به قیادت امیر فیصل منقرض گردید.

چون حین اقامت امیر فیصل در لندن وضعیت داخلی عراق که از طرف انجمن اقوام تحت قیمومیت انگلیس قرار داده شده بود مغشوش بود انگلیس ها برای رفع اغتشاشات و هنگامه داخلی امارت عراق را بوی تفویض نمودند؛ ملک فیصل این تکلیف را به دو شرط قبول نمود یکی انگلستان حکومت عراق را برسمیت نینماید و ثانیاً در موقع تقاضی بوی استقلال عطا کند. انگلستان باین دو پیشنهاد موافقت نموده و فیصل بعراق عزیمت نمود و در بغداد شورای ملی عراق بتاريخ ۲۳ اوت ۱۹۲۱ تاج عراق را بوی تفویض نمود.

اوائل سلطنت ملک فیصل در عراق مصادف به مشکلات گردیده از یکطرف و هابها که حجاز را منصرف و اعلیحضرت علی برادر بزرگ فیصل را خلع نموده بودند شرق اردن (امیر آن عبدالله برادر دیگر ملک فیصل میباشد) و عراق را تهدید می نمودند و از طرف دیگر مسائل مرحدی عراق و ترک و اصرار مملکت اخیر الذکر بانفصال موصل موجبات نگرانی حکومت عراق را تولید نموده بود.

در اکتوبر ۱۹۲۲ حکومت مشروطه در عراق قائم گردید و بر طبق معاهده در ۱۹۳۰ انگلستان استقلال آراشناخت دوسال بعد در ماه اکتوبر ۱۹۳۲ عراق عضو مجمع اتفاق ملل شناخته شده و بدین منوال یکی از آمال دیرینه ملیون عراق عملی گردید.

در ۱۵ ژون ۱۹۳۳ ملک فیصل بصورت رسمی مسافرتی بانگلستان نموده از طرف شاه انگلستان شخصاً در لندن با احترام زیاد استقبال شد و از آنجا پس از چندی بغرض علاج خویش عازم برن پایتخت سویس گردید. چندی نگذشته بود که تصادم آئوریاها با عراق شعله ور گردید و امیر فیصل بتاريخ ۲ اگست ذریعه طیاره برای واری امور بغداد مراجعت نمود چون شورش مذکور فرو نشست بتاريخ ۱۵ دسامبر مجدداً ذریعه طیاره برای ادامهء معالجه خویش به برن عازم گردید. اعلیحضرت فیصل چند روز در پایتخت سویس اقامت نموده و بتاريخ ۷ سپتامبر (۱۵ سنبله) دفعه در اثر سکته قلب وفات نمود. بعضی ها ادعا دارند که معظم له را زهر داده اند و برخی برآنند که خود کشتی نموده است اما در اثر تفحصات دکتوری تمام این حدسیات بی اساس ثابت شده است و صورت اصلی واقعه این است که اعلیحضرت فیصل از مدتی بمرض ضعف قلب دچار بود و بهمین علت برای معالجه خویش در سویس عزیمت نموده بود و درین حال بی احتیاطی بزرگی نموده بقسم گردش فراز کوهی بالا شده بود چون قلبش طبعاً ضعیف و مریض بود مقاومت نتوانسته چند ساعت بعد معظم له دفعتهاً وفات نمود.

جسد اعلیحضرت فیصل را تا مقام (Brindisi برندیسی) با احترامات شایانی بطریق زمین آورده سپس (Despatch رسیچ) سفینه بریطانوی جسد قعبد عرب را تا قالیقه براه بحر آورد از آنجا ذریعه طیاره بتاريخ ۱۵ سپتامبر وارد بغداد گردید. بعد از آدای نماز و تعمیل مراسم مذهبی و ملی به احترامات شایانی دفن گردید.

وفات اعلیحضرت ملک فیصل برای ملت عراق و هوا خواهان نهضت عرب و عالم شرق فقدان بزرگی است. در اثر وفات معظم له شورای ملی عراق بتاريخ ۱۱ سپتامبر جلسه فوق العاده تشکیل نموده مطابق قانون اساسی ۱۹۲۴ پسرش امیر غازی ولیعهد عراق را به پادشاهی برگزیدند. امیر غازی در مکه معظمه متولد شده و او ان صباوت را در دامان جد خویش شریف حسین بسر برده است در ۱۹۲۲ با پدر خویش به عراق آمده و قرار قانون اساسی ۱۹۲۴ که سلطنت را در خانواده ملک فیصل ارثی قرار میدهد ولیعهد برگزیده شده است تعلیمات ابتدائی را بصورت خصوصی نزد معلم انگلیسی در خود مملکت فرا گرفته و باقی دوره تحصیلات خویش را در مکاتب لندن گذرانیده است معظم له حین مسافرت اخیر بدر خویش به اروپا و سویس به مسافرت های داخلی و امور مملکت داری صرف مساعی نموده است. قرار کفایتی که بخرج میدهد امید است عراق مستقل به قیادت او به تمام امال ترقی خواهه خود کامیاب آید.

امریکا رسماً حکومت شوروی را می‌شناسد :

بعد از اینکه در اثر انقلاب ۱۹۱۷ امپراتوری (تزاری) لغو و حکومت جماهیر اشتراکیه شوروی کسب وجود نمود تا مدتی دول معظمه اروپائی بعلت تغییر رژیم حکومت روسیه از شناختن رسمی حکومت جماهیر اشتراکیه شوروی ابا و رزیدند .



فرانس روزولت رئیس جمهور آتازونی

در کنفرانس « کن » Canne که تمهید کنفرانس ژنو ۱۹۲۲ میباشد ممالک متحدین اعلان نمودند : که اگر حکومت جماهیر شوروی می‌خواهد از طرف دول معظمه شناخته شود باید فقرات آتی را مراعات کند : « حمايه اموال شخصی ، تادیبه قروض ، اجرای کنتراتها ، الغای برویا گند مخرب ، عقید معاهدات عدم تعرض با همسایگان » .

نظریات حکومت آتازونی درین وقت نسبت بروسیه با نظریات دول اروپائی فرق نداشت و نوبه که به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ (مستراولچ) رئیس جمهور آنوقت امریکا بحکومت روسیه فرستاده است چنین است : « حکومت امریکا ابدأ مایل نیست که باروسیه قطع روابط کند اما این را نیز میگوید که با مملکتی که وظایف بین المللی را احترام نکند داخل مناسبات شده نمیتواند اگر روسیه تمهید تادیبه قروض مملکت و رفع خسارات هموطنان ما بشود بشناختن او حاضریم » .

حکومت روسیه درین وقت تمام پیشنهادات امریکا را قبول نموده خواستگار شد تا برای حل قروض و سایر مسائل لایتنفک علیها کنفرانسی تشکیل دهند اما حکومت امریکا ازین امر استتکاف ورزیده و مسئله شناختن رسمی روسیه ذریعه امریکا تا امروز باقی ماند .

روی هر طرفه موجبات قرابت روسیه و امریکا از ۲ سال با بنظر طرف عرض اندام نموده و آنچه که امریکا را وادار به شناختن روسیه نموده است دوعلت عمده است که تمام موجبات کوچک را در بر میگیرد : یکی چاره جوئی آلام بحران اقتصادی و فکریه بهبودی اوضاع مالی امریکا و دیگر انبساط اقتدار و حاکمیت ژاپون در شرق اقصی و محیط کبیر که بمنافع دو مملکت بزرگ عالم روسیه و امریکا تصادم میکند .

طوریکه در تمهید مقاله متذکر شدیم دول معظمه اروپائی ابتدا تا چند سالی از شناختن رسمی روسیه ابا ورزیدند (انگلستان و فرانسه او را در ۱۹۲۴ شناختند) اما چون قطع روابط با یک مملکت بزرگی چون روسیه که دامنه خاکش در آسیا و اروپا امتداد دارد امکان نداشت و روسیه هم تا اندازه به مطالبات ایشان صورت موافقت نشان داد یکی بعد دیگری او را شناختند . پس از تشکیل رژیم « هتلریزم » و مخالفتی که با کمونست ها نشان داد روابط روسیه با همسایگان چه بلکه با بعضی ممالک مثل لهستان و رومانی (بمناسبت مسئله لاینجل با رابی) که امکان بهبودی نداشت بیش از پیش به اساس مناسبات دوستانه محکم گردیده و یکسلسله معاهدات عدم تعرض نه فقط با همسایگان مستقیم خویش بلکه با فرانسه و اکثر ممالک بالقان عقد نمود . اخیراً بعد از مسافرت موسیو « هرینو » صدراعظم سابق فرانسه و موسیو « کوت » وزیر فضائی آن مملکت تغییرات عمیقی در رویه مناسبات سیاسی روسیه و فرانسه بعمل آمد خلاصه روسیه بیش از پیش در قطار دول معظمه اخذ مقام نموده و اعتبارات بین المللی را احراز نمود و تنها چیزیکه برای تکمیل اعتبار و مقام

دنیای اوباق مانده بود شناختن امریکا بود و بس - اگر چه ممالک متحده امریکا بصورت غیر مستقیم داد و ستد تجارتی با روسیه داشت اما تا امروز جزء حریفان او بشمار میرفت

بعد اینکه سال گذشته « مستر هور » رئیس جمهور حزب جمهوری طلبان برطرف و مستر روزولت حزب دموکرات رئیس جمهور انتخاب گردید. امریکا از نقطه نظر وضعیت مالی خیلی ناتوان و امریکایی ها نسبت به فلاح اقتصادی خویش چشم امید به « روز ولت » داشتند اما متأسفانه در طی سال جاری ملاحظه رسید که برعکس اوضاع مالی و اقتصادی امریکا بدتر شده است و کنفرانس اقتصادی « واشینگتن » و بالاخره کنفرانس اقتصادی جهان در لندن هیچکدام به علاج آلام اقتصادی امریکا موفق نشد همین بود که با وجودیکه مسئله قروض ممالک متحده و رفع خسارات شخصی امریکا را روس ها مسکوت عنه گذاشته بودند دفعه مستر روزولت تلگرافی به عنوان کابینن بتاريخ ۱۰ اکتوبر کشیده و رسماً حکومت جاهیز اشتریکیه شوروی را شناخت .



لیونوف سرپرستی امور خارجه اتحاد شوروی

عامل دیگری که قرار شد کرامت در قزاق روسیه و امریکا دخالت دارد پیشرفت های نظامی و اقتصادی ژاپون در شرق اقصی و تقویت حاکمیت آن مملکت در محیط کبیر است .

اشغال « منچوریا » و « وچیهول » و تشکیل حکومت جدید منچوکو بصورت صریح منظور اساسی محرک واقعاتی را که از دوسال باینطرف بعد از مناقشه مقدن بوقوع پیوسته است تشریح میدهد و به اثبات میرساند که قوای در شرق اقصی بوجود آمده و این قوا میان بی بضاعتی قوای چین ، قسامت استحکامات عسکری روسیه ، دوری امریکا به توسعه و انبساط خویش سرگرم است .

مناسبات روسیه و جاپان درین اواخر در شرق اقصی صورت دیگری بخود گرفته بعد از تشکیل مملکت منچوکو جاپان برای انهدام نقطه نفوذ روس در شرق اقصی بزبان ارباب امورا این مملکت مسئله فروش راه آهن شرق چین را روی کار آورده و مبلغ ۵۰ میلیون ین خریدار شده است لذا جاپان واضحا در صدد است تا نسبت نفوذ روسیه را بهر قیمتی که تمام شود از شرق اقصی و محیط کبیر کوتاه نماید .

امریکا اگر چه ۶۰۰۰۰ مبل بحری از چین دور افتاده و بظواهر مفاد و دل بستگی او باین مملکت بزرگ معلوم نمیشود اما در حقیقت نسبت به روسیه امریکا بیشتر به مفاد تجارتی خویش در چین و مجمع الجزائر شرق اهند وقع میدهد و بالاخره برای حفاظت مستملکات خویش جزائر فیلیپین دلچسپی زیادی به حاکمیت محیط کبیر دارد .

روسیه و امریکا هر دو به اساس مفاد تجارتی و به منظور پاره مسائل دیگر شدیداً آرزو مند اند که چین هر طوری باشد حیات خارجی داشته باشد . اگر چه روسیه ابتدا پیشرفت های نظامی جاپان را در چین بنظر بی طرفی نگاه میکرد اما اخیراً چون اقدامات کمونیزم در چین ناکام برآمد و راه آهن شرق چین بمعرض فروش افتاد تغییر نظریه داده است . اتازونی برای فروش مال التجاره خود چین را بهترین بازار دنیا تصور میکند و بهیچ صورت فروگذار شده نمیتواند که ۴۰۰ میلیون مشتری از دستش برود . اتازونی از جهت اقدامات عسکری جاپان آینده تجارت خویش را در شرق اقصی در خطر می بیند و رقابت در از دیاد قوای بحری بین جاپان

وقایع مهمه جهان

و امریکا بکمال فعالیت رسیده و اتنازونی بهیچ صورت چه از نقطه نظر حفظ مستملکات و چه از نقطه نظر تامین بازار تجارتی حاکمیت دیگران را محیط کبیر متحمل شده نمیتواند جالا از مفاد چند سطر فوق پوضاحت معلوم میشود که زمینه برای مقارنت روسیه و امریکا به تدریج مساعد گردیده و روسیه که از سالها منتظر بود تا از طرف امریکا رسماً شناخته شود بمرام خویش نائل گردید.

چون مستر و زولت در تلگرامیکه بعنوان « کالینین » فرستاده بود خواستگارشده بود تا نماینده برای مذاکرات به امریکا اعزام نمایند حکومت روسیه موسیو لیوتوف کیمیسر دولت در وزارت خارجه را برای این امر به امریکا فرستاد در نتیجه بتاريخ ۱۷ نوامبر (۱۵ عقرب) حکومت امریکا رسماً حکومت شوروی را شناخته و روابط سیاسی عادی به ارسال سفرا به مملکت یکی دیگر بین ایشان قائم گردید.

اصلاً شناختن امریکا روسیه را چندان اهمیت بزرگی نداشت اما آنچه که اهمیت این واقعه را دو بالا نمود این است که حرکت امریکا در موقع بازیکی بعمل آمد که مناسبات روسیه و جاپان تیره شده بود.

ارباب سیاست مسکو معتقد اند که استقرار روابط دیپلماتی با واشینگتن وضعیت ایشان را در شرق اقصی بهتر خواهد ساخت زیرا روسیه امکان تهاجم ژاپون را در سائیریا فراموش نمیکند. بعضی مولفین در روسیه ادعا دارند که چین بزرگترین فروش گاه مال التجاره امریکا است و نمیتواند این بازار را رایگان به جاپانی ها بگذارد و بهمین اساس در آتیه قریب امریکا و ژاپون در محیط کبیر دست و گریبان خواهند شد و آنوقت دوستی روسیه چیز قیمتی داری خواهد بود.

خلاصه روسها ازین امر نهایت اظهار مسرت می کنند و آنرا بزرگترین فتح دیپلماتی خویش تصور می نمایند.

فعالیت سیاسی ممالک بالقان :

شبه جزیره بالقان که از قرن ۱۴ الی قرن ۱۹ جز امپراطوری ترک بود بعد از جنگ روس و ترک



امضای قرارداد بالقان در نزد شاه گان از چپ بر راست پریچ ، ژول کلو کیمیسر روسی و وزیرای خارجه روسیه ، رومانیه ، یونانی ، ترکیه

صورت دیگری بخود گرفت ، و اقوام مختلف یونانی ، سرب ، سلاو ، بلغاری ، ترکی ، البانی ، هر کدام در اثر جان بازی های منورین و ملیون خود در قرن ۱۹ استقلال خویش را حاصل نموده رفتند چنانچه در ۱۸۲۹ یونان مستقل و سرب و رومانی صاحب استقلال داخلی شد ، در ۱۸۵۹ رومانی استقلال کامله را حاصل نمود . در ۱۸۷۸ سرب و مونته

نگرو حایز استقلال و بلغاری صاحب استقلال داخلی گردید بالاخره در ۱۸۸۵ رومان به بلغاری ملحق شده و دست سلطه ترک ازین ممالک بکلی کوتاه گردید . در ۱۹۱۲ ممالک مسیحی بالقان به استثنای

رومانی بر علیه ترک ها متحد شدند سپس چون بلغاریا تفوق مطلقه را دعوی میکرد بر علیه او قیام نموده بعد از شکست او در ۱۹۱۳ اراضی آن مملکت را اتحادی بین خود تقسیم نمودند. درین وقت چون آتش جنگ عمومی شعله ور شد ممالک البقان به دودسته تقسیم گردید. ترکیه و بلغار طر فدار المات و سرب و یونان و رومانی به طرفه داری متحدین قیام نمودند چون در نتیجه سه مملکت اخیر الذکر فاتح برآمد بازار ارضی وسیعی را بین خود تقسیم نمودند.

بهین اساس بعد از جنگ عمومی تا این اواخر وضعیت ممالک البقان بنا بر خاصیت های دیرینه خلی تیره و تار و اعاده روح مسالمت و اتحاد در آن شبهه جزیره از مشکلات بود. اما درین اواخر و علی الخصوص در سال ۱۳۱۲ فضا روشن شده رفته فرمان روایان و رجال سیاسی هر مملکتی از در مسالمت و صلح پیش آمدند. چنانچه ملاقات ها



نزدیکی ایتالیا و مجارستان: ملاقات سنج معاون وزارت خارجه ایتالیا با کمبوس رئیس الوزرای بلغاریا (در صوفیه)

و مسافرت های رسمی شاهان. عتد معاهدات مودت و عدم تعرض، ملاقات های رجال سیاسی، تشکیل کنفرانس ها بر ای رفع مشکلات هر کدام قدم های بزرگی است که در راه وحدت آمال و اتحاد البقان برداشته شده می رود

ملاقات های رسمی :

- (۱) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول شاه یوگوسلاوی و اعلیحضرت شارل دوم رومانی بتاريخ ۲۳ ژانویه در « سنیا یا »
- (۲) مسافرت شاه و ملکه یوگوسلاوی در ترکیه بتاريخ ۳ سپتامبر.
- (۳) ملاقات اعلیحضرت شارل دوم رومانی و اعلیحضرت بوریس بتاريخ ۳۰ اکتوبر.
- (۴) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول یوگوسلاوی و اعلیحضرت بوریس.
- (۵) مسافرت رسمی شاه و ملکه بلغاریا در رومانی (دسامبر).
- (۶) مسافرت رسمی شاه و ملکه بلغاریا در یوگوسلاوی (ماه اکتوبر).



تمول وثروت خود به آلمانی ها صورت تکبر و نخوت نشان میدادند و غنای ایشان پرو پاگند و انتشارات مضره بر علیه حکومت آلمان می نمودند هتلر که از طفلی با آنها مخالفت داشت از ترس اینکه مبادا انقلابی در مملکت تولید شود علانیه به مخالفت یهودیها برآمد و چونکه به اقتدار رسید عزم نمود تا عناصر آلمانی تار را از بین بردارد. اگر چه این اقدام او تا اندازه شدید است اما در اطراف حسن و قبح آن آراء مختلف است.



یک منظره از اردو نووردنهای اعراب و یهود در بیت المقدس

اما از نقطه نظر وطن دوستی، علی الخصوص در صورتی که حقیقه یهودی ها اقتدار فوق العاده دو شئونات اداری و سیاسی مملکت یافته و ذریعه سرمایه آلمان را تسخیر نموده باشند و پرو پاگند های بر علیه آن مملکت نموده باشند مقبول است. خلاصه بعد از اینکه هتلر و حزب او مقتدر میشوند قسمت یهودی ها را چه از پارلمان چه از بانک ها و چه از ادارات دولتی و تمام مؤسسات به انواع مظاهرات کوتاه نموده آنها را از آلمان تبعید نمودند.

درین وقت اگر چه فرانسه صورت استقبال کارانه به یهودی ها نشان داده کمیته برای جلب مهاجرین آنها و اعزام ایشان به شام تشکیل میدهد اما یهودی ها به فلسطین سرزمینیکه سه هزار سال قبل اجداد آنها در آن اقامت داشت مراجعت میکنند و از اینجا سلسله مساعدات ایشان با اعراب شروع میشود.

یهود کهن ترین خانواده بشری از هزارات سال باینطرف سرگردان بقاط مختلف عالم دور زده از خود وطن و کانون ملی ندارند. مهاجرت یهود به فلسطین امر تازه نیست تاریخ چنین مهاجرت شایسته بکرات نشان میدهد. در ۸۵۸ ق م سیروس شاه ایران چون مناطق شام و فلسطین را فتح میکند فرمان صادر و به یهودیان اجازه میدهد تا به فلسطین مراجعت نموده به آبادی معابد خویش مشغول شوند. این واقعه کهن تاریخی که در ۸۵۸ ق م ذریعه فرمان داریوش بوجود پیوسته فردای جنگ عمومی در ۱۹۱۸ در اثر اعلان (بالفور) انگلیس دوباره عیناً تکرار می شود و به تمام یهودیان عالم اطلاع داده می شود که برای آنها کانون ملی در فلسطین زیر نفوذ مجمع ملل و تحت الحما یگی انگلیس تشکیل شده است. و با وجودیکه از ترس احتمال بحران و از لحاظ اینکه اراضی اعراب از دست شان فرود تعداد مهاجرین را محدود نموده بودند

وقائع مهمه جهان

بازم (۲۵۰۰۰۰) نفر در فلسطین منقسم گردید . در شهر بیت المقدس که تقریباً ۱۰۰۰۰۰ جمعیت دارد (۵۵۰۰۰۰) یهود و در بندر قایقه که حایز (۶۰۰۰۰) جمعیت می باشد ۳۵۰۰۰۰ یهود جاگزین گردید . خلاصه بعد از جنگ عمومی و بعد از اینکه فلسطین تحت الحمايه انگلستان قرار گرفت در اثر دعوت یهود بهما اقلیت های آنها در فلسطین تقویت گرفته و تعداد آنها در تمام شهرها و نقاط مملکت بمزانب بلند گردید .

مسئله اعراب :

طوریکه متذکر شدیم بعد از تشتت و پراگندگی که از هزاران سال در یهود تولید گردیده مدتی است که ایشان رجوع بفلسطین نموده اند و مفتی بزرگ فلسطین سید محمد امین هتلر را دشمن اعراب تصور نموده میگوید در اثر مظالم او یهود به فلسطین مراجعت کرده و از کثرت آنها ترس آن میبرد که مملکت یهودی بمیان آمده اعراب آسیا از اعراب افریقه جدا گردند . ازین هم بیم دارند که مبادا مثل شام شمالی و جنوبی فلسطین هم بدو حصه منقسم نشود . یهودی ها فیصله مجمع اتفاق ملل و دعوت انگلیس و فرانسه را حجت آورده مراجعت اقوام خویش را به فلسطین و خریداری اراضی را از اعراب حایز تصور میکنند . بدین جهات از روزیکه یهودی ها از امانات به فلسطین مراجعت نموده اند تصادمات خونینی بین ایشان و اعراب بوقوع پیوسته است که مختصر آنرا ذیلاً متذکر می شویم :

اعراب از تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ که بطور رسمی حمایت یهودیان در فلسطین اعلان شده صورت مخالفت نشان داده اند در ۱۹۲۱ حینیکه فلسطین تحت الحمايه انگلیس شناخته شد منازعه خون آلودی بین یهودیان و اعراب در حیفا بوقوع پیوست چهار سال قبل واقعه بهمین شدت در بیت المقدس و تمام مملکت رخ داد . از آنوقت بعد اقلیت اولاده اسرائیل تقویت گرفت چنانچه در احصائیه ۱۸ نوامبر ۱۹۳۱ در میان ساکنین فلسطین که مجموعه آن بیشتر از یک میلیون می باشد (۷۶۰۰۰۰ مسلمان) (۱۷۵۰۰۰ یهود) و (۹۰۰۰۰ غیر این دو فرقه می باشد) .

افکار مسلمین را پیشنهاداتی که اخیراً در « پراگ » مورد بحث قرار داده شده بود بشور آورد زیرا قرار پلان داکتر « ارتراپن » تمام یهودیهای فراری آلمان بایست به فلسطین متمکن شوند . ابتدا چنین امید می رفت که از ۵۰ هزار تا یک لک نفر یهود را در امریکا و تقریباً همین قدر دیگر را بسائر ممالک جا خواهند داد ولی اکثر اینها بفلسطین مراجعت نمودند بدین اساس بتاريخ ۴ عقرب و چند روز بعد در حیفا ، قایفا ، ناپلوز به بیت المقدس مظاهرات و تصادمات مدهش بین مسلمین و یهود بعمل آمد . طوریکه اخیراً از مجرای جرائد مشاهده می رسد حکومت شوروی حاضر شده است که ملجائی به یهودیان فراری آلمان داده در منتها الیه شرق سایبریا متصل به منچوریا جمهوریت یهودی با اسم « بی رونی جان » تشکیل نماید قرار اظهارات موسیو « سمی دوویچ » نایب رئیس اجرائیه شوروی مساحت مسطحه این مملکت اگر تشکیل شود ۴ میلیون هکتار یعنی تقریباً سه برابر فلسطین حاضره خواهد بود و از تاریخی باین مملکت استقلال داخلی داده خواهد شد که عده یهودیان مهاجر به (۳۰۰۰۰) برسد .





اعلیٰ حضرت جابر حمید الدین امام بکلی شاہ مین



اعلیٰ حضرت ابن سعود شاہ عربیہ سعودیہ
(نجد و حجاز)



سیف الاسلام ولیعهد و فرماندہ مشون مین



ابن سعود
شاہزادہ و مرشد اعراب عربیہ سعودیہ

شبه جزیره عرب :

کشمکش بین ابن سعود و امام یحیی :

شبه جزیره عرب که مدت مدیدی جزو امپراتوری ترک بود در اثر قضایای جنگ عمومی پارچه پارچه شده و در آن یکده ممالک آزاد نیمه مستقل و تحت الحمايه خارجي تشکیل شده است. دو مملکت قسمت شمالی که به بحر مدی ترانه متصل است عبارت است از شام و فلسطین که هنوز تحت الحمايه فرانسه و انگلیس میباشند.

در سال ۱۹۲۳ از قسمت شرقی خاک فلسطین ۸۶ هزار کیلومتر مربع مجزی و مملکت شرقی اردن امروزی را تشکیل داده است که امیر عبدالله تحت اثر انگلیس در آن سلطنت میکند. بین این مملکت و خاک ایران، عراق امروزی متین ترین حکومت عربی است که در ۱۹۳۲ استقلال خویش را حاصل و بعضویت انجمن اقوام پذیرفته شده است. در قسمت مرکزی جزیره که حجاز و نجد را در بر می گیرد امروز مملکت واحدی وجود دارد که من حیث وسعت خاک و وسیعترین مملکت جزیره العرب را تشکیل میدهد این مملکت در اثر یک سلسله جنگ های حجاز و نجد که بالاخره بمقاد شاه نجد خاتمه گرفته است بیان آمده و امروز عبد العزیز ابن سعود آن را اداره می نماید.

در انتها الیه جنوب غربی جزیره العرب کنار بحر احمر بین مرکب از حاشیه ساحلی است که یک میلیون جمعیت دارد و آنرا امام یحیی خانواده زیدی اداره می نماید. این مملکت بعد از ۱۹۱۳ استقلال خویش را از ترکها حاصل نموده است در حاشیه جنوبی و جنوب شرقی جزیره عدن، حضر موت، عمان نقاطی است که تحت نگرانی انگلستان میباشند.

چون اصلاً در نقشه تاسیس و تشکیل این ممالک، متفرق است نفوذ ممالک معظمه مدخلیت تام داشت و هر کدام آن اصلاً در اثر غلبه مرام سیاسی یک مملکتی بوجود آمده است و اصلاً ساکنین جزیره هم اغلباً قبایل متفرق بادیه نشین میباشند در اثر مخالفت های قومی و یا تصادم نفوذ غیر از روز تشکیل آنها منازعات و اختلافات مرحدی بسیار بین عراق، و نجد، نجد و یمن، یمن و حجاز بوجود پیوسته است.

کشمکش اخیر ماه (جدی) ابن سعود ملک حجاز و نجد و امام یحیی و ابالی یمن از همین مناقشه های مرحدی است و نقاط متنازع فیه بین آنها قرار آتی است :

(۱) نجران؛ در شرق یمن واقع و ساکنین آن اسماعیلی یعنی نسبتی با طریقه شیعه دارند و چون امام یحیی همکیش آنها می باشد حق حکمرانی نجران را ادعا می کند اما اهالی برغم اینکه قسماً سنی و حنبلی هستند میلان زیاد باین سعود دارند. علاقه نجران از عرصه چند سال تحت الحمايه ابن سعود است چنانچه امام یحیی نیز این تحت الحمايه را قبول نموده است ولی در عین حال مذاکرات را در موضوع فیصله قطعی منطقه مذکور با ابن سعود شروع نموده و قبل از اینکه مذاکرات به نتیجه واصل شود قوای یمنی باشغال آن مبادرت داده است.

(۲) عسیر : علاقه عسیر بجانب شمال یمن واقع و از ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ مربوط ولایت یمن بود. در ۱۹۱۴ تحت نفوذ بریطانیا آمده و قرار معاهده مکه ۲۱ اکتوبر ۱۹۲۶ تحت حمايه حکومت نجد و حجاز قرار گرفت. حال امام یحیی آن علاقه را خاک یمن ادعا نموده عشایر را بر علیه حکومت سعودی می انگیزاند از ترغیب اهالی برای تحلف از حکومت سعودی خود داری نمی کند.

(۳) مسئله ادریس : ادریس در ۱۹۱۱ بتشویق ایطالوی ها بر علیه عثمانی ها قیام نموده و در خاتمه محاربه مشهور «جیزان» اعلان استقلال نمود. این مملکت جدید التاسیس در سواحل بحر خزر

از « حدیده » الی « برکه » امتداد داشت. چون ادریس ملاحظه نمود که مملکت کوچک او در میان دول نسبتاً بزرگ حجاز، نجد و یمن اصرار حیات نمی تواند بعد از وفات خویش در ۱۹۲۳ پسرش علی را ولیعهد و عبدالعزیز یاد شاه نجد را وصی خود اختیار نمود. چون بندرهای ساحلی این مملکت منافذ طبیعی یمن را تشکیل میدهد امام یحیی بدان چشم دوخته و این وصایت را بنظر تنفر نگریست. حین محاربات نجد و حجاز امام یحیی مقام حدیده و شهرهای مهم ساحلی را اشغال نمود. بعد از ختم محاربه شاه نجد که در عین زمان مالک حجاز م شد بنا بحقوق وصایت باقی خاک ادریس را اشغال نموده حسن برادر ادریس را در آنجا امیر تعیین نمود. در ۱۹۳۲ حسن عصیان ورزیده و به امام یحیی پنا برد بناءً علیه طرفین بمذاکره پرداخته پیشنهاد نمود که اراضی مقبوضه طرفین تمام تخلیه شده و مملکت ادریس که فی السابق استقلال داده شود ولی امام یحیی در اثر این عذر که طعامه از سواحل طبیعی یمن است پیشنهاد او را رد نمود.

این بود مبدأ اصلی اختلافات که طبعاً جزئیات دیگری نیز دور آنها جمع و عواقب کشته کش طرفین را تیره نمود. قرار یکه جرائد اخیراً می نویسند موافقت نظر تا حدی بین طرفین پیدا شده و امید است از وقوع محاربه بین این دو مملکت اسلامی جلوگیری شود.

صورت نزاع مزبور که بقرار تشریحات فوق بشکل مذاکره و مفاهمه در بین حکومتین جاری بود در ۱۳ ثور ۱۳۱۳ به مجادله حقیقی عساکر طرفین منجر شد در نتیجه پس از زد و خورد مختصراً فواج سعودی بخاک یمن پیشرفت کرده سیاه یمن را شکست دادند و بزودی مقام (حدیده) را متصرف شدند (ثور) و پیش قدمی و تعرض خود را بجانب صنعا « مرکز یمن » ادامه دادند چنانچه در عین زمان خبر قتل وفوت شاه یمن نیز در جرائد نشر شده و بلافاصله مذاکرات صلح در بین حکومتین جاری گشت و بالاخره بتاريخ ۲۴ ثور متارکه اعلان گردید اکنون بر مذاکرات صلحیه جریان دارد.

اتحاد جماهیر اجتماعی روسیه :

در ۱۳۱۲ اتحاد جماهیر شوروی در سیاست بین المللی سهم بزرگی گرفت مطبوعات روسیه با نشر نطق های لیدران سیاسی کامیابی های جدید جماهیر شوروی را گوشزد کردند معاهدات عدم تعرض با ممالک مختلفه و مجاور سویت از فنلند تا افغانستان (باستثنای بعضی ممالک) از کامیابی های بزرگ روسیه بحساب میرود قرارداد تعریف تجاوز نیز بین روسیه و بعضی ممالک (و از آنجمله افغانستان) عقد گردید بین روسیه، فرانسه، چکسلواکیه و بعضی ممالک دیگر تصدیق معاهده میادله شد درین سال اتانزونی و هسپانیه روسیه سویت را برسمیت شناختند روابط دوستانه بین سویت و تورکیه مستحکم و مناسبات آن با ایران رنگ اصلاح گرفت، اوضاع جاپان و تغییرات شرق اقصی باعث اضطراب لیدرهای سیاسی سویت گردید. قشون سرخ در سرحدات شرق اقصی تقویت یافت مسکو عواقب وخیم تصادم جاپان و سویت و نتیجه تغییرات منچوریا و آمال جاپان را در توسیع دائره امپراطوریت آن در آسیا مورد غور و مطالعه عمیق قرار داده در ماه ثور حکومت سویت در مورد فروش حقوق خط آهن شرق چین رضایت داد مگر مذاکرات توکیو راجع بموضوع فروش خط آهن به نتیجه خوبی رسید اوضاع داخلی روسیه تا اندازه





ملاقات موسولینی و لیتوینوف در روما

۴ صلاح یافت بهار سال به
خشکی گذشت . در سال
۱۳۱۳ بعضی اشخاص بجرم
تخریب پلان های سویت
محاكمه و ۳۵ نفر رومی
باهتمام شرکت درین امر
اعدام شدند . مهندسين
انگلیسی و رومی که
مستخدمین شرکت « میترو
پولیتن و بکرز » بودند
بلازام تخریب پلان محاکمه
شدند جریان این محاکمه
مولد هیجان در خارج

گردید . در قسمت علوم و معارف از همه مهتر پرواز بالونچی های سویت است که با ارتفاع ۱۲ میل پرواز
کرده ریکارد پروفیسر بیکارد را فسخ کردند درین سال پس از آنکه اتازونی روسیه شوروی را برسمیت
شناخت باب روابط اقتصادی و سیاسی بین مملکتین مستقیماً مفتوح گردید در اواخر سال پالیسی روسیه
در مقابل جاپان عوض شده و زعمای امور روسیه در طی نطق های شدیداللهجی که در مواقع مختلفه ایراد
نمودند آمادگی قوای روسیه را راجع بمقابله پیش آمدهای خارجی گوشزد کردند از طرف دیگر پس
از نزدیکی و قیام روابط سیاسی بین روسیه و اوضاع ظاهرآ در جاپان رو بخوشی گذاشته و سفیر جدید جاپان
در اتازونی در موقع ورود به خاک آن مملکت در محضر نمایندگان مطبوعات صریحاً اظهار نمود که جاپان
بهیچ وجه با اتازونی و با روسیه شوروی نبرد نخواهد کرد چه جنگ با اتازونی و یا روسیه مستلزم حرب با چندین
مملکت دیگر بوده معذالك اگر جاپان با چنین پیش آمدهای مبادرت بحرب کند مثل این است که بدست
خویش خود کشتی نموده و حالانکه جاپان هرگز باستقبال چنین اوضاع حاضر نخواهد بود .

باتمام این اوضاع افق سیاست در شرق اقصی در طول سال گرد و غبار آلود بوده و همیشه افکار
سیاسیون را بخود مشغول داشته است . در قسمت ساختمانهای مهم صنعتی و اکتشافات علمی درین سال نیز
موفقیت های بزرگی نصیب دولت شوروی شده خاتمہ باقتی کانال بین بحرا در یاتیک و بحر سفید که ۲۲۷
کیلومتر عرض و طول دارد و در سال ۱۹۳۱ شروع شده بود ، و صعود کامیابانه بالون شوروی به ارتفاع
۱۹ هزار متر ، از مهمترین آن میباشد .



هندوستان :

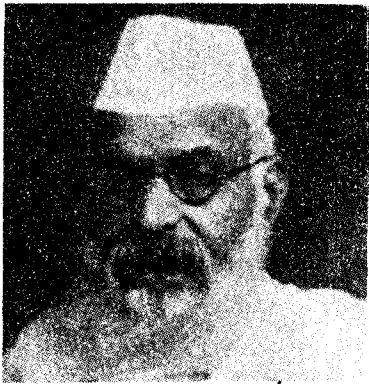
قرطاس ایض که حاوی تصویبات انگلستان راجع به تشکیلات اساسی جدید هند بود نشر شد کمیته متحده منتخبه که ارکان آن از هر دو اطاق پارلمان انگلیس انتخاب شده بودند ، بر مندرجات قرطاس ایض بحث کردند از مندوبین هند و سپس از نمایندگان برمایاد داشت ها و مشاورتها آوردند ، درین اثنا اوضاع سیاسی هند رو باصلاح آورد خلاف ورزی قوانین ضعیف شد عده



لارډو لنډن وایسرای هندوستان

محبوسین تحریک
خلاف ورزی
قوانین تقلیل یافت
تعلیم مسترگاندهی
درخلاف قوانین
بطور انفرادی
پیش رفت بناریخ

۱۱ ثور گاندهی در مجلس یونه به غرض رفع تضییق از طبقه ناملموس اعلام داشت که (۲۱) روز روزه می گیرد بواسطه هیجان بیروان ، گاندهی بعد از یک هفته از سرور این واقعه گاندهی از محبس رها شد . مستر گاندهی بعد از رهایی دوباره تصمیم خلاف ورزی قوانین را در پیش گرفت مگر دوباره بزودی حبس شد ، چوت تسهیلات کامله در مجلس برای اصلاح احوال طبقه ناملموس یافت بنا برین بر علیه رویه حکومت



پتیل اولین رئیس ہندی مجلس ہنڈہ ہندوستان
کرمال گذشتہ در او پانوت شد

پروتست نموده دوباره روزه گرفت بتاريخ ۳۲ اسد بنا بر علل صحیحی از محبس تخلص یافته در او اخر سال برای مطالعہ اوضاع ولایت متحده آگرہ و اوڈہ و مدراس برآمد و ضمناً برای رفع خرافات ناملموسیت تبلیغ می نمود . درین سال بعضی اختلافات در حزب کانگرس واقع شد چنانچه دیمو کراتیک سوراج پارٹی مولود همین اختلاف بود اختلال ودهشت انگیزی بنگال توجه اولیای دولت را معطوف داشت مستر برک مجسٹریٹ ایالتی درمد ناپور مقتول گردید .

گورنرا یالت اعلام داشت که ناموقعیکه دهشت انگیزی خاتمہ نیابد رویه تشدد آمیز حکومت عوض نخواهد شد درین سال مجلس قوانین مسوده قانون تاسیس « فیدرل ریزربانک » را منظور کرد حکومت هند از ارزان فروشی جاپان در بازارهای هند بستوه آمد و یاد داشتی در انعای معاہدہ



شاہ فیال مبارک احمد شیش جنگ کزنازہ بہ مبارک
سفرای انگلستان موفق شد



سالنامه « کابل »

یک منظره از خرابی های زلزله در پیش ولایت بهارمند (کارخانه تنباکوی منگی که کاملاً تباہ شده است)

سوریا و فلسطین :

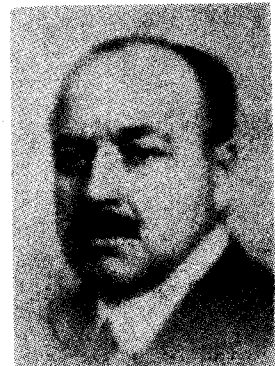


ميجور جنرال آرزو شاپ کيميسر اعلاى انگليس فلسطين

در سوریا و لبنان فرانسوی در طول سال امنیت بود ،
پارلمان سوریا چون بر علیه معاهده فرانسه و سوریا شدیداً
تخلفت کرد بنا برات اجلاس بطور غیر معین ملتوی گردید ،
در فلسطین بسبب ورود یهودیها اوضاع اعراب دگرگون گردید
مسلمانان بر علیه مهاجرت یهود در فلسطین پروتست نموده مبادرت بمظاهرة
کردند ارباب حکومت مانع آن گردیدند چون مسلمانان قبلاً اعلان
تظاهر کرده بودند از تکلیف حکومت انکار کرده در ۴ عقرب
بیست هزار نفر اجتماع نموده شروع بمظاهرة کردند ، قوای
دولتی ممانعت کرده بالاخره کار بزد و خورد کشید قریب
دو صد نفر مسلمان مجروح و شانزده نفر شهید شدند ، این
واقعه در تمام شهرهای فلسطین اثر کرد و در همه جا مسلمین شروع

بمظاهرة کردند . عده از زعمای مسلمین دست گیر شدند
چون مسلمین فلسطین خلع سلاح شدند ، بنا برات تضییق یهود
و رویه جانب داری حکومت راحت و طمانیت آنها را
دست خوش اضطرار و پریشانی ساخته است .

بر حسب شماره جدید اهالی فلسطین يك مليون است که هشت
صد و پنجاه هزار آن مسلمان صاحب خانه و کسب و ملک اند و اهل
آنجا حساب می شوند مهاجرت و مدعیات یهود در آنجا بکلی
خلاف عدالت و انصاف است بندرگاه جدید « حيفا » در فلسطین
در سان ۱۳۱۲ افتتاح گردید .

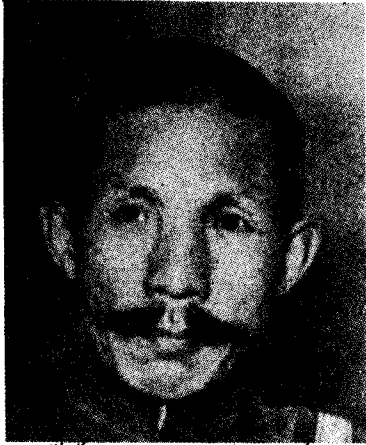


گنرال دو مارتنل کيميسر اعلاى فرانسه در سوریا



جاپان :

مملکت جاپان درین سال فعالیت سیاسی مهمی را سر دست



جنرال اراکی وزیر حرب سابق جاپان و عامل بزرگ فتح پنجاب

گرفته و هم دچار
مصائب اقتصادی
و سیاسی زیادی
بود ، یارتی
افراطی به سر
کرده گی جنرال
اراکی وزیر
حرب زمینه
جنگ را با
روسیه و امریکا
آماده می ساخت



سایتو رئیس الوزرای جاپان

و موفقیت فتوحات جیهوول و غیره نقاط چین ، انکار جوانان جاپانی را خیلی شدت بخشیده بود
ولی در اخیر سال به اثر استقرار روابط دیپلوماسی بین
روسیه و آنازونی و نیز از باعث مشکلات مالی ، یارتی جنرال
اراکی اقتدار خود را حفظ نتوانسته تا آمده استعفاداد و سیاست
صلح جو یانه تر در جاپان روی کار آمد .



جنرال نایتو وزیر حربیة جدید جاپان

اعلان امپراطوری نایب السلطنه مانچوکو :

پرنس یوئی امپراطور مخلوع چین و نایب السلطنه دولت
مانچوکو در ماه دلویا تشریفات زیاد در حضور رجال ملی و جاپانی
و منگولیائی اعلان امپراطوری نمود و باب جدیدی را در امور
سیاسی شرق اقصی باز کرد .



وقایع مهمه جهان

چین :



نانگزی پوئی امپراتور سابق چین نایب السلطنه مملکت
مانچو کو کور او اواخر سال ۱۳۱۲- امپراتور مانچو کو اعلان شد

در ۱۳۱۲ سلسله محاربات چین و جاپان در حد و علاقه واقعه
بین دیوار اعظم و ولایت جیهول ادامه یافت و با لایحه جاپان
این علاقه (جیهول) را به مانچوکو شامل ساخت و اوقات حرب
درین علاقه واقعا در خور مطالعه است . چین اضافه از (۳۰۰)
هزار قشون مسلح را در علاقه جیهول تمرکز داده بود حکومت
جاپان در ۲۳ فروری اعلام داشت که این افواج را از علاقه
جیهول اخراج نماید ، چون مطالبه جاپان از طرف دولت
نانکین رد گردید قشون متحده جاپان و مانچوکو حمله آورگر دیده
و به سهولت افواج چین را مضمحل و جیهول را متصرف شدند

در ماه عقرب چند نفر از مخالفین حکومت نانکین در فولکین
اعلان مطلق العنانی نموده و مملکت چین را بخانه جنگی جدیدی تهدید
کردند ولی بزودی سرکوبی شدند حصص مهم ولایت زچوان
بدست کموانست ها افتاد در سنکیانگ « ترکستان چین » مسلمانان
نهیضت کرده حکام چین را طرد و حکومت مستقلی تشکیل دادند
حکومت چین در اروپا و امریکا مساعی زیادی برای
حصول امداد بعمل آورد ولی تا کنون به نتیجه درستی
نرسیده ، روی هم رفته ، وضعیت عمومی چین دچار اختناق
شدیدی می باشد .



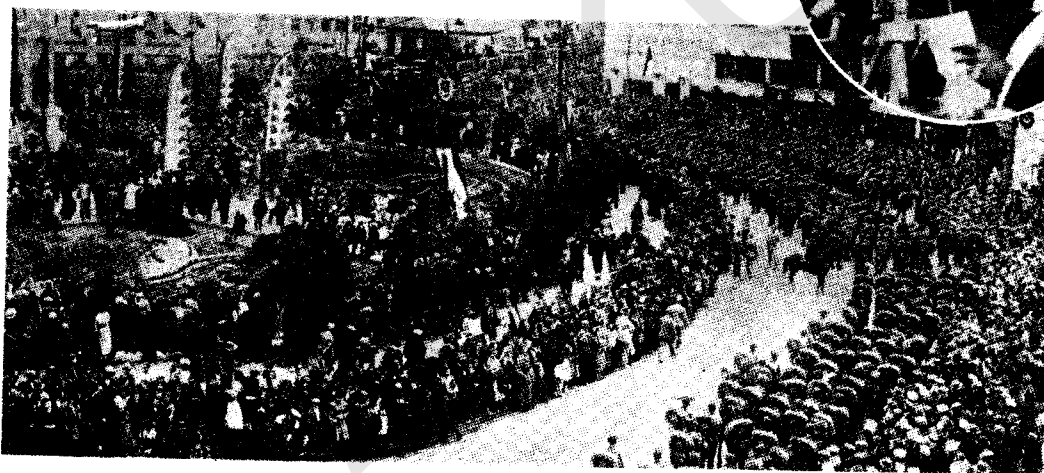
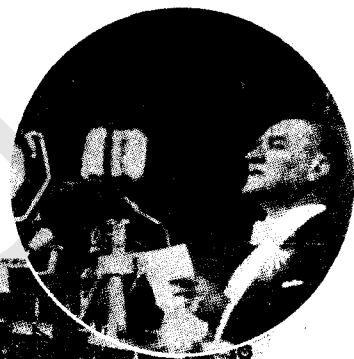
چیانگ کای شک جنرال معروف چین



جمهوریت ترکیه :

در ۶ عقرب سالگه دهمین سال جمهوریت ترکیه بانهایت اجلال وگرم جو شی در ترکیه پذیرائی گردید و عده از اعظم رجال نظامی و سیاسی ممالک خارجه درین جشن شمولیت ورزیده بودند ترکیه موفقیت مهم سیاسی را درین سال حاصل کرد و مناسبات دول بالقان که با اثر تار بیخ باستانی ترکیه به آندولات خوب نبود در بر تو افکار غازی مصطفی کمال اصلاح شد در ۲۲ سنبله حکومت ترکیه و یونان بر معاهده عدم تجاوز بر سرحدات امضا و حفظ مندرجات معاهده را تضامن کردند .

یک منظره از جشن سال هم جمهوریت ترکیه و نطق افتتاجیه غازی مصطفی کمال
(رسم گذشت مسکری گرد بنای یادگار فتح)



عقد این معاهده در بلغاریه بطور عجیبی انعکاس کرده اولیای امور آن دولت تصور کردند که این معاهده بلغاریه را از طریق به بحیره انجینین باز میدارد در همین سال معاهدات دو ستانه و عدم تعرض بین ترکیه و مملکتین رومانیه و یوگوسلاویه صورت گرفت مسافرت های آقای توفیق رشیدی بیک وزیر امور خارجه ترکیه بروسیه و ایران و سایر ممالک اثرات خوشکواری در تحکیم مناسبات ممالک همجواری ترکیه افکنند مسئله حدود بین ایران و ترکیه حل و فصل گردید، اوضاع اقتصادی ترکیه حال بهبودی بخود گرفته صا در ات خشکبار آن در امریکا و اروپا و بزیادت گذشت فابریک های مختلفه و متعددی در مملکت تاسیس شد کثرت عرضه اجناس و گوگرد ترکیه در شامات قابل تعریف است در ۱۱ قوس عمارت عدالت معروف اسلامبول آتش گرفت .



انگلستان



آشنایی این سیاستمدار انگلیس موقع مسافرتیکه برای مذاکره
ایمپورت تخم کبوتر در باغچه های اروپایی نموده است
(شخص اول از طرف راست - در وسط باژن فن نورات
وزیر خارجه آلمان)

در سال ۱۳۱۲ وضع تجارتی انگلستان صورت اطمینان
بخشی بخود گرفته علائم و آثاری در بهبود و ترقی تجارت مشهود
گردید ، با عقد معاهدات تجارتی بممالک مختلفه زمینه توسعه معاملات تجارتی
انتظار میرود و وسیع گردد در سال (۱۳۱۲) رقابت و مسابقت تجارتی
جایان با انگلستان اثر ناموافق انداخته موجب اضطراب و نگرانی
شد معینا وضع تجارت داخلی انگلستان اطمینان بخش و صنایع
آهن ، فولاد ، آلات برق منسوجات و پشم خیلی ترقی یافت بیکاران
انگلستان قدری کم شد و منازعات اجرت کمتر گردید .

بسال (۱۳۱۲) در انگلستان خشک سالی بیش آمد
بعضی مقامات آتش گرفت ، دو طیاره انگلیسی برای اولین
سربته قلعه ایورست را عبور کرد .



بلندترین قله ایورست بمالیه ۸۸۸۲ متر ارتفاع دارد و در بهار سال گذشته بواسطه طیاره های انگلیسی چو چوکس برداری شده است

فرانسه :

در ۱۳۱۲ برای فرانسه سال خوشی نبود درین سال کابینه های متعددی تشکیل و سقوط نمود و بواسطه آن بحران های سیاسی و مالی بود . حکومت فرانسه در ۱۳ سرطان بر علیه قبایل اعراب بر بری در جنوب کوه اطلس (در شمال افریقا) عسکر کشیده بحرب شروع کردند در نتیجه قبایل طاعت فرانسه را قبول کردند .

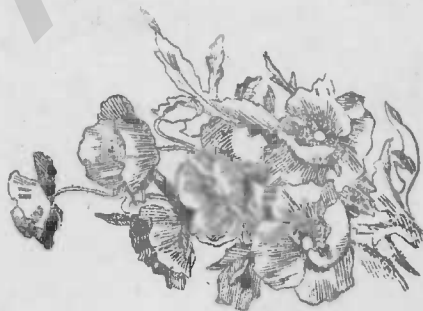
در ایام کرسمس حادثه ناگواری در فرانسه واقع شد چه قطار آهن « لاکنی » (۱۵ میل دور تر از پاریس) بایک قطار دیگر تصادم نموده (۲۰۰) نفر هلاک و عده زیاد مجروح شدند .

در اوائل سال ۱۹۳۴ بسبب اختلافات حربی کابینه های متعدد و متواتر سقوط نموده ، وضعیت کسب و خامت کرد چنانچه در زرد و خورد های پاریس ۱۸ نفر مقتول و متجاوز از

۲۲۰۰ نفر مجروح گردیدند کشف غبن بزرگی در بلدیة شهر بایون که عامل آن ستاوسکی روسی الاصل و مبلغ عبارت از ۲۰۰ میلیون فرانک بود وضعیت را سخت تر ساخته پس از انتحار مشارالیه موسیو دو مرگ رئیس جمهور سابق را به تشکیل کابینه دعوت نموده و نامبرده کابینه را از تمام پارتهای (به استثنای کمونیستها) در ماده لو تشکیل داد اما اوضاع داخلی تاکنون اصلاح نشده است .



کاستون دومرگ رئیس جمهور سابق و صدراعظم سابق فرانسه





از مناظر حرب استقلال
والاحضرت سردار شاه محمود خان غازی در استحكام يك توبه ها و پيشه تانيرات انداخته را مشاهده می فر مايند



صورت حمل و نقل توپهای هویتزر در یکی از محاذهای غربی سمت جنوبی به موقع جهاد استقلال در سنه ۱۲۹۸ و الاحضرت
سردار شاه ولیخان که در آن وقت فرماندهان و جنرال وزیرستان بودند

اتازونی:

در ۱۳۱۲ تیرگی و بحران مالی و اقتصادی در همه اکناف اتازونی مشهود بود انظار تمام مردم بطرف مسترروزولت که تازه از طرف ملت بریاست انتخاب شده بود متوجه گردید اوضاع بانک داری ناگهان وخیم شده دهشت غریبی مراکز اقتصادی را فراگرفت .
اتازونی در تجدید اصلاحات داخلی و اعاده فلاح و بهبود اوضاع تجاری و احوال زارعین از تجارب بزرگ کارگرفت در (۱۳۱۲) مسترروزولت با روسیه سویت معاهده منعقد داشته اتحاد جماهیر شوروی را برسمیت اعتراف نمود، تغییر پالیسی خارجیه اتازونی و اعتراف رسمیت شوروی و قیام روابط دیپلوماسی با آن مملکت صفحه جدیدی بروی سیاست عالم کشید رقابت اتازونی با جاپان و کنفرانس بحری سنگها پور، روی همرفته مطالبی است که در صحنه سیاست عالم افکار سیاسیون و زمامداران را بخود مشغول داشته است .
در اتازونی روزولت در قسمت حصول قروض خارجی اتازونی که بالای ممالک اروپائی است کوشش نمود با وجود آمدن مکد و نالدی رئیس الوزرای انگلیس و موسیو هر یو نماینده فرانسه هیچ فیصله را بدست آورده نتوانست .

بلجیم:



اعلیحضرت لئو پولد سوم شاه جدید بلجیم

در ۲۹ دلو شاه
بلجیم که بقله کوه
(روچر دو مارش)
صعود میکرد از
کوه سقوط کرده
هلاک شد و لیو پولد
دیوک آف برلین
پسر شاه متوفی
به پادشاهی
بلجیم برداشته
شد .



اعلیحضرت البرت اول شاه فقید بلجیم



ملاقات دیپلوماتها

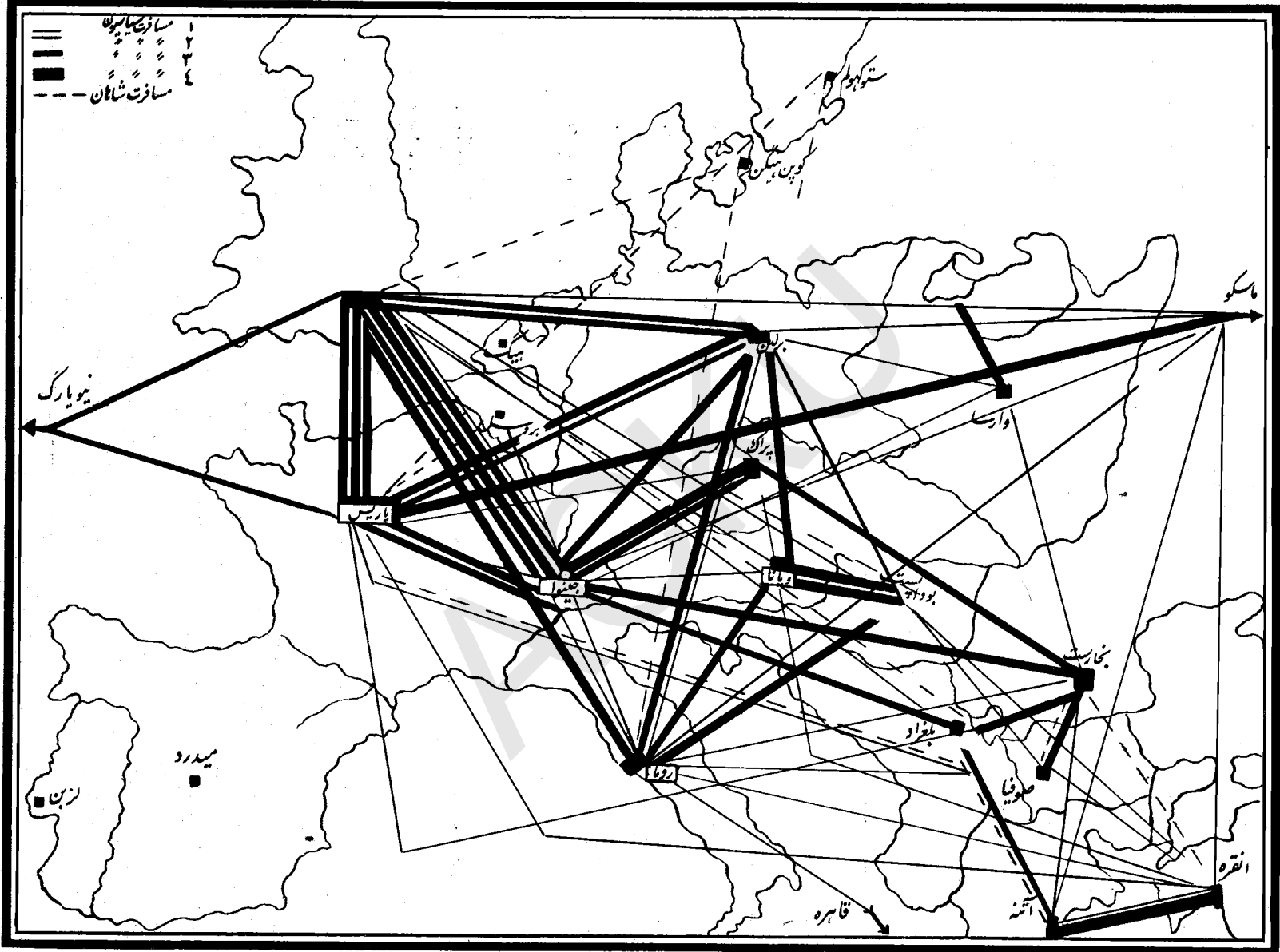
در سال ۱۳۱۲ رجاں سیاسی دول . در ممالک و مراکز حکومت ذی علاقه باندازه سیاحت و ملاقات اجرا نموده اند که خارج تصور است ، در نقشه طول سیاحت و آنمملکت که بیشتر صحنه دیپلوماسی را اختیار کرده بخوبی ارائه گردیده است ، سیاحت و ملاقات دیپلوماتهای اروپا بیشتر در پاریس ، لندن ، جنوا ، و دیگر چند مرکز اروپا بعمل آمده است . نظریا حصائیه ملاقاتهای متذکره قرار ذیل است .

ملاقات بین پادشاهان	:	۱۸	دفعه
» » صدر اعظم ها	:	۳۷	»
» » وزرای خارجه	:	۹۱	»
» » وزرای مالیه	:	۱۷	»
» » دیگر رجال مهم	:	۴۴	»
جمله ملاقاتها	:	۲۰۷	»

در اثنای تمام ملاقاتهاییکه در فوق تشریح یافته باندازه ۱۰۰ ر ۲۳۳ کیلومتر قطع مسافه شده .

خطوطیکه در نقشه بصورت نقطه نشان داده شده خط حرکت پادشاهان میباشد .





خطوط مسافرت سیاحتی قاره اروپا در سال ۱۳۱۲

سیاحینی که در سال ۱۳۱۲

بافغانستان آمده اند

نمره اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱	موسیو چهرما کین	۱۳ حوت ۱۳۱۱	۱۳ حمل ۱۳۱۲
۲	« ایفولود هانی	۲۳ حوت ۱۳۱۱	۲۲ حمل ۱۳۱۲
۳	عزتمند امین عالی بیگ	۱۳ حمل	تأحال خارج نگردیده
۴	مستر کیمپر	» ۲۵	۳۰ ثور
۵	« ارنست بور شرس	» ۳۰	۱۹ ثور
۶	« مستبر	» ۱۲ ثور	» ۱۷
۷	« والتر مانیکه	» ۲۳	» ۳۰
۸	موسیو الوارزی	» ۲۶	
۹	مستر ستیا دیو شوری	۱۵ جوزا	۲۹ جوزا
۱۰	« جی میک	» ۱۸	» ۲۶
۱۱	« ایس دی شنکر و نکاتا	» ۲۰	» ۲۹
۱۲	« شنکیچی نومورا	۱۱ سرطان	۲۹ سرطان
۱۳	سردار برتاب سنگه	» ۱۲	» ۲۳
۱۴	موسیو ایف گریژر	» ۱۹	» ۲۰
۱۵	« دمینکو چرائی	» ۳۱	۱۹ اسد
۱۶	مستر بی ایم قترس و یک نقر خانم و دو نفر ملازم تبعه هندی	۱۸ اسد	» ۱۲
۱۷	عزتمند ولی الدین فرحان	» ۷	
۱۸	مستر شنکیچی ابی	» ۲۴	» ۳۲
۱۹	« جان والمزلی	» ۲۶	۳۱ اسد
۲۰	« عبدالله جان	» ۲۶	۳ سنبله
۲۱	« فضل الرحمن	» »	»
۲۲	« سردار محمد	» ۳۲	» ۸
۲۳	« بیزلی	» ۳ سنبله	» ۱۶
۲۴	« اورینز و یک نفر ملازم	» ۳	» ۱۶
۲۵	مستر پی - ایچ - بنر	۷ حمل ۱۳۱۲	۱۰ حمل ۱۳۱۲
۲۶	مستر جان پی اسپرول	» ۷	» ۱۰
۲۷	عزتمند محمد ادیب عبدالعزیز	» ۱۲	» ۲۴
۲۸	خانصاحب حاجی صورت خان و یکنفر باز محمدخان ملازم مبعوث او برطانیه	» ۲۱	» ۲۸

سالنامہ « کابل »

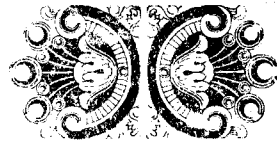
نمبر	اسم	تابعیت	ورود	خروج
۲۹	مستر ٹیف سوزو عیدی مستخدم حربی	جاپان	۱۸	۲۴
۳۰	مستر رابرٹ فلتن	امریکا	۲۵	۲۸
۳۱	موسیو البرٹ ہاڑی	فرانسہ	۳۱	۶ ثور
۳۲	سردار کاهن سنگھ جمعہ ملازم	برطانیہ	۵ ثور	۱۶
۳۳	عزتمند یونس بحری	عراق	۲۶	
۳۴	مستر جنتان کینٹ	امریکا	۲۶	۳۱ جوزا
۳۵	عزتمند محمد تقی الدین الہلالی	مراکش	۳۱ جوزا	۳ سرطان
۳۶	موسیو و نسان نامک چلنکر	ترک	۳۱	۵
۳۷	مستر ہرمن سترمر و خانم اوویک نفر ملازم	جرمنی	۲۱ سرطان	
۳۸	موسیو سد لاجک رود لف	چکوسلوواکیہ	۲۲	
۳۹	جناب سردار عبدالرؤف خان و یک نفر ملازم	برطانیہ	۱۴ اسد	۱۸ اسد
۴۰	عزتمند دکتور مصطفیٰ علی بیگ	ترک	۱۳	۲۲ سنبلہ
۴۱	محمود ندیم	ترک	۱۳	۲۲
۴۲	مستر جیفری چرات	برطانیہ	۱۲	۱۹ اسد
۴۳	مستر البرٹ کینا	»	»	»
۴۴	مستر توہاس گائس توکر	»	»	»
۴۵	مستر حشمت اللہ خان	»	۱۵ اسد	۳۰ اسد
۴۶	کنیش داس ہندو	»	۱۶	۳۱
۴۷	پرتمہی چند ہندو	»	»	»
۴۸	بشیر احمد ہاشمی	»	۱۹	۲۵
۴۹	لال چند	»	»	»
۵۰	بہندرانات جمعہ یک نفر ملازم	»	۱۹	۲۹
۵۱	جناب مولوی فیروز الدین خان و عبد الواحد خان پسر شان و دونفر ملازم	»	۲۰	اول سنبلہ
۵۲	مستر محمد حنیف	برطانیہ		
۵۳	مستر سپورام	»	۲۱ اسد	۲۸ اسد
۵۴	مستر ہری چند	»	»	»
۵۵	آقای کھطان علی دوست خان	کوئٹہ بلوچستان	۲۱	
۵۶	آقای سید محمد شاہ خان و دونفر ملازم	»	»	»
۵۷	مستر رام چند تیکا کر	برطانیہ	۲۲	۳۰ اسد
۵۸	مستر رام پرکاش	»	۲۴	۲۹
۵۹	آقای سید مصطفیٰ طباطبائی	ایران	۲۴	۶ سنبلہ
۶۰	کرنیل امیر احمد خان	برطانیہ	۱۸ اسد	۷ سنبلہ
۶۱	مستر خورشید جی ایم جی	»	»	۲۹ اسد
۶۲	دو ساہباہی حرمت جی	»	»	۲۹
۶۳	بی ماسٹر ہارڈیش	»	۱۹ اسد	۳۰
۶۴	ایچ سوراب جی مارکر	»	۲۱	۲۹

سیاحین

نمبرہ اسم	ذاعت	دخول	خروج
۶۵ سردار راجاسر گور بخش سنگہ با ۲۹ نفر معیت	»	۲۳»	۷ سنبلہ
۶۶ » پالکروزی	جرمنی	۴»	»
۶۷ » میخائیل کیس	»	۱۶»	۱۸ میزان
۶۸ » کی کوما تسو و ملازم مذکور	جاپانی	۱۵»	» ۱۱
۶۹ موسیو چرائی	ایطالیا	۱۵»	» ۱۱
۷۰ » فرسہ بمعہ خانم او	فرانسہ	۱۹ سنبلہ	» ۴
۷۱ » یرستہ	برطانیہ	۲۰»	»
۷۲ مستر پکا ولی	ایطالیہ	۲۳»	»
۷۳ » بریک آف	المانی	۲۰ میزان	» ۲۶
۷۴ » گلبرٹ دوسل	امریکائی	۲۹»	»
۷۵ مسترفان بساوتس	المانی	۱۴ سنبلہ	۱۱ میزان
۷۶ والر تیسٹ کینس	امریکائی	۲۱»	» ۴
۷۷ مستر عمر حیات ملک	برطانیہ	۲۸»	»
۷۸ مستر ضیاء الدین	»	۲۸»	» ۴
۷۹ مستر عبدالحق و یک نفر ملازم	»	»	»
۸۰ مستر رستم ہندی	برطانیہ	»	»
۸۱ » شاشراف	»	۴ میزان	۱۴ میزان
۸۲ » کیخسرو	»	»	»
۸۳ » ہرنز این کیور	»	۵»	» ۱۱
۸۴ موسیو اریدہر نائید	ہنگری	۱۸»	۴ عقرب
۸۵ جناب علی محی الدین الحسینی	فلسطین	۲۲»	»
۸۶ » محمد امین الحسین	»	»	»
۸۷ جناب دا کتر سر محمد اقبال	»	»	»
۸۸ مستر ہادی حسن	»	»	»
۸۹ » غلام رسول	»	»	»
۹۰ جناب سرراس مسعود حمید	»	»	»
۹۱ مستر عبدالحمید ترجمان قونسلگری دہلی	»	»	»
۹۲ جناب سید سلیمان ندوی	»	»	»
۹۳ موسیو میشل دو مازویج	یولیند	۵ قوس	۹ قوس
۹۴ موسیو مکس ماسوت	فرانسہ	۱۰»	۳ جدی
۹۵ آقای غلام حسن خان	ترکستان شرق	۳ جدی	۶ حوت
۹۶ قربان اللہ خان و دو نفر ملازم	»	»	»
۹۷ مستر تہرس و خانم او	امریکا	۲۸ دلو	»
۹۸ جارج ٹیکرت و ملازم او	»	»	»
۹۹ مستر مہاجر شمو نا کا	جاپان	۱۳ حوت	»
۱۰۰ » کومسترنک	جرمنی	۱۹»	۲۲ حوت

سالنامہ « کابل »

خروج	ورود	تابعیت	اسم	نمبر
	» ۳۰	ایران	امین آف یہودی	۱۰۱
۲۵ عقرب	۱۲ عقرب	ترک	عزیمند خالد رجب بیگ و خانم او	۱۰۲
		»	» ۱۰۳ احمد رمزلی و خانم او	
		»	» ۱۰۴ داکٹر رفعت	
	۱۲ قوس	جاپان	۱۰۵ مستر یوشی جی اومی ہا را	
	» ۲۲	فرانسہ	» ۱۰۶ کیزوتنا کا	
	۱۷ جدی	المانی	۱۰۷ موسیو اتو نووکس	
	» ۲۵	جاپانی	» ۱۰۸ ایس موریس و خانم او	
۱۱ دلو	» ۲۵	جاپانی	» ۱۰۹ ٹینا کا	
» ۲۸	» ۲۵	جاپانی	» ۱۱۰ یاما نوچی	
» ۲۹	۲۱ دلو	برطانیہ	» ۱۱۱ یاما ماتو	
	» ۲۹	جاپانی	» ۱۱۲ وادیا ایف	
	۲۵ حوت	ترکستان شرقی	» ۱۱۳ کی کاگا و اجمعه ملازم	
	» ۲۷	ہند	» ۱۱۴ آقای عبدالقادر خان	
			» ۱۱۵ مستر عبدالعزیز	



مستخدمين خارجي در افغانستان



عزتمند امين عالي بيگ عضو دائره
تعليم و تربيه وزارت معارف



عزتمند، خالد جيب بيگ متخصص موزيك



عزتمند، ظفر حسن بيگ سر معلم
توپچی مکتب حریه



عزتمند، دا کتريون مدير عالي مکتب نجات



عزتمند، موسیو بواني مدير مکتب عالی استقلال



عزتمند، حسن رشاد بيگ رئيس فاکولته طبي



عزتمند، موسیو کورتا معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند، موسیو گاریک معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند، موسیو فریسی معلم مکتب عالی استقلال

Les Employés Étrangers en Afghanistan.



عزتمند، هر فدریس معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، موسیوهنرمعالم مکتب عالی استیقلال



عزتمند، موسیو بودوان معلم مکتب عالی استیقلال



عزتمند، داکتر پروکل معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر کراوتر معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر نویبستر معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر گلونیک معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر بورگهارد معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر کراکرفون شوارتسن فلد معلم مکتب عالی نجات

Les Employés Étrangers en Afghanistan.

سرمایه های بزرگی در برابر بحران عالمگیر



آقای سید قاسم خان «رشتیا»

قلم جناب سید قاسم خان «رشتیا»
عضو انجمن ادبی



ح. م. د. خان «رشتیا»

از بحران اقتصادی، که درین چند سال اخیر به همه عالم طاری شده، و قتیکه سخن گفته میشود، وضعیت اختناق معاملات، افلاس بانکها و زیاد شدن بیکاران، مد نظر انسان مجسم میگردد. اما مسئله دیگری که اختلاف کوچکی با قضیه فوق دارد، بیشتر اذهاب کنجکا و را مشغول ساخته میتواند: سرمایه های معروف در میان این تشنجات دنیای مریض بیچه حال در آمده است؟ آنانکه متمولترین اشخاص عالم بشمار می رفتند بمقابل طوفان عمومی چه قسم مقاومت ورزیده می توانند؟ آیا ملیون های شان در هوای منقلب تبخیر شده یا اینکه کم و بیش به حفظ آن موفق آمده اند؟

تفتیش این مسئله آنقدریکه گمان میشود آسان نیست. زیرا ممتازان خوش بخت همان طوریکه در موقع نفع آرام و نزاکت شعار بودند، در وقت نقص و خساره مندی نیز خود را بسهولت از دست نمیدهند. بنابراین هنوز هم مطمئن ترین منابعیکه در دست است احصائیه های مالیات میباشد. اما اظهارات مامورین بطور اجباری اصل حقیقت را منعکس ننماید، در اکثر ممالک دفتر مالیات نسبت به اصل سرمایه به عوائد سالانه آن بیشتر



قلم جناب سید قاسم خان «رشتیا»

توجه میکند. معیناً ملاحظه این احصائیه های رسمی يك اندازه مفید را ارائه کرده می تواند.

مليون چيست ؟

زبان عادی برای تعیین يك شخص بسیار متمول كلمه (مليون) و برای کسی که تمول افسانوی داشته باشد كلمه (میلیاردر) را استعمال مینماید. باید دانست که این دو كلمه بذات خود چیز بزرگی را خاطر نشان نمینمایند زیرا يك اندازه یابیمانه معینی را نمایندگی نمی کنند.

آیا فرانسوی را که يك مليون فرانك یعنی سالانه پنجاه هزار فرانك عاید دارد، مليون میتوان گفت؟ به این حساب چقدر مليون هائی وجود خواهد داشت بدون آنکه خود شان موقعیت خود را بدانند.



توکامس متمول امریکائی

مليون آلمان که همراه يك مليون مارک خود ۶ برابر مليون فرانسوی متمول است، اهمیتش بیشتر ولی بمقابل مليون امریکائی بايك مليون دالر و مخصوصاً

در برابر مليون انگلیسی که يك مليون پوند دارد، چیزی نیست.

بعضی اشخاص دیگر، لقب مليون را به کسانی میدهند که عوائد سالانه شان بيك مليون برسد. بحساب فرانك و مارک لقب مزبور اعجاب ندارد. به حساب دالر مليون هائیک حلقه کوچک ممتاز تجاوز نمینماید و خاصتاً به پوند، اگر حساب شود ۵ فیصد مدنظر گرفته شود سرمایه مليون باید ۲۰ مليون پوند یا ۱۷۰۰۰ مليون فرانك باشد. بهر حال تعریف اهمیت ندارد بلکه اعداد را ملاحظه باید کرد.

احصائیه ها چه میگویند ؟

از روی عقیده عمومی، امریکا خاک کلاسیک مليونرهاست و در حقیقت در آنجاست که انسان با بعضی از قارون های معتبر و روشناس مقابل می شود، اما شاید متمول انگلیسی محکم تر و زیاد تر باشد، زیرا در ۱۹۲۴ در انگلستان ۶۰۱ نفر چنان اشخاصی

حساب شده بود که سالانه ۵۰۰۰۰۰ پوند عائد داشته گمان می شد سرمایه هر کدام به يك مليون پوند برسد.



ببین، مارکن، همون معروف آنازونی

بحران اقتصادی این تعداد را تقلیل داده، اما هنوز هم در سال ۱۹۳۲ میلادی ۵۴۰ میلیون وجود داشت. تعداد اشخاصیکه سالانه ۱۰۰،۰۰۰ پوند عایدات یعنی دو میلیون پوند سرمایه دارند نیز از ۱۴۴ به ۱۷۵ نفر ترقی کرده ازین معلوم می شود که متمول انگلیسی بواسطه واقعات عمومی چندان فشار ندیده است. برخلاف میلیون های امریکائی بشدت متأثر شه اند.

در ۱۹۲۹ که سال ریکارد رفاهیت شناخته شده، در آنازونی ۴۳،۰۰۰ نفر میلیونر

دالر که عائد سالانه شان ۵۰،۰۰۰ دالر است وجود



راکفیلر امریکائی و (پسرش) که متمول ترین افراد عالم شناخته میشوند

داشت. اما در ۱۹۳۲ عده اشخاص مزبور از ۱۹،۰۰۰ تجاوز نمی نمود. این بخت برگشتگی در میان « سوپر میلیونرها » یعنی آنهاییکه عواید سالانه شان بالاتر از یک میلیون دالر است محسوس تر میباشد زیرا سوپر میلیونر های آنازونی بسال ۱۹۲۹ میلادی ۵۱۳ حساب شده ولی در سال بعد فقط ۱۴۹ نفر باقی مانده بود. در ۱۹۳۱ به شهر نیویارک که قریب نصف « مولتی میلیونر های » (۱) امریکائی در آن سکنی دارد تنها مولتی میلیونر ۹۰ ساله موسوم به « جان - د - راکفیلر » باقی مانده بود که عایداتش از یک میلیون تجاوز

می کرد (بطور صحیح ۱،۱۰۰،۰۰۰ دالر) : پسر مشار الیه « جان - د - ج - راکفیلر » که در ۱۹۲۴ یعنی قبل از نصفه اخیر دوره رفاهیت به حساب ۶،۲۷۸،۰۰۰ دالر عایدات، مالیات می پرداخت در ۱۹۳۱ بدفتر مالیات بیش از نیم میلیون عاید، قلمداد ننمود. باید دانست که قانون مالیاتی آنازونی در مورد سرمایه های بسیار بزرگ آزادی

(۱) کسانی که چندین میلیون سرمایه دارند.

مخصوصی دارد به اینقسم که هر کس در معاملات خود بیش از اندازه عواید سالانه خود متحمل نقص گردید، از تادیبه مالیات معاف میشود. همین جهت است که مقتدرترین صرافان عالم «جان پیرین مورگن» در سنوات ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲، توانست که یک پول مالیات پردازد و اسمش در فهرست ملیونرها داخل نباشد. این داخل نبودن اسم او در فهرست، افلاش را نشان نمی دهد.



ایوار گروگر، سوبه‌دار شاه گورگندی قبل خلع انکار

در آلمان نیز سرمایه های بزرگ خیلی تقلیل یافته است، زیرا متمولین آنجا بیشتر از بحران اقتصادی، در اثر انفلاسیون (۱) اخیر خیلی صدمه خورده بودند. چنانچه در ۱۹۱۳ به تعداد اشخاصیکه بیش از یک میلیون مارک سرمایه داشتند به ۱۵،۵۰۰ نفر می رسید اما ده سال بعد عده آنها فقط ۴،۰۰۰ نفر حساب می شد. سرمایه های بالاتر از ۱۰ میلیون مارک را قبل از جنگ عمومی ۲۲۹ حساب کرده بودند، ولی پس از جنگ عمومی تنها ۳۳ از آن باقی مانده بود. بسال ۱۹۲۶ هنوز هم ۴۹ نفری وجود داشت که عایدات سالانه خود را بیش از یک میلیون مارک ادعا می نمودند. لاکن در حال حاضر این طبقه تقریباً بکلی از احصائیه ها مفقود گردیده است. آخرین احصائیه مالی آلمان که بابت سال ۱۹۲۸ انتشار یافته عده ملیونرهای مارک را ۲۹۹۴ نفر ظاهر می سازد که از آنجممله فقط ۱۸۰ آن بیش از ۵ میلیون سرمایه دارند. یقین است که از آن تاریخ به بعد تقلیل مهمی در عده مزبور رخ داده خواهد بود.

بعضی قربانی های معروف

وقتی از خساراتیکه بر «مولتی ملیونرها» وارد شده سخن بمان می آید، لازم است مابین کسانیکه سرمایه شان کاملاً غرق شده و اشخاصیکه فقط از یک کم قیمت شدن عمومی متأثر شده اند، تشخیصی بعمل آید. با وجود این، قربانی های «افلاس های بزرگ» درین سال های اخیر خیلی کم است. مهمترین قربانی های افلاس، «ایوار گروگر» شاه گورگر



سایمون پان، سوبه دار شاه گورگندی بعد خلع

(۱) رواج فوق العاده نوت که پول را بکلی از قیمت می اندازد و در سال های بعد از جنگ در آلمان بسم خطرناکی واقع شده و اقتصادیات آن مملکت را بکلی بر باد ساخت.

است که عایدات سالانه اش در ۱۹۲۸ به ۲ میلیون کورون (سکه سویدن) میرسید و ۴ سال بعد موقع انحار خود ۹۳ میلیون دالر قرض شخصی و ۷۵ میلیون دالر قروض متفرقه را باقی گذاشت.



بنی شمول معروف فرانسه

نظیر این واقعه، حال بر بادی برادران «انسول» امریکائی (از اهل شیکاگو) است که تجارتخانه عمده شان در سال ۱۹۳۳ ورشکست و معادل ۲۵ میلیون دالر خساره را متحمل گردید، علاوه برین در جمله افلاس های بزرگ بعد از جنگ ورشکست مؤسسات «سوسوکی» شرق اقضا را نیز حساب میتوان کرد که در سال ۱۹۲۷ قروض آنها به ۲۰۰ میلیون دالر مبالغ شده بحالت واژگونی درآمد، تمول «الفرد لوونستن» صنعت گر معروف بلجیم نیز در زمان «گرمی بازار» بزرگ ابریشم مصنوعی تقریباً مساوی به اندازه فوق الذکر بود و هر کس بیاد دارد که نامبرده چگونه در وقت احساس ورشکست از طیاره خود را به بحر شمال انداخت.

خسارات صنعتی اتازونی

اگر چه سرمایه های بزرگ خصوصی در حالت استواری و متانت معرض خطر بورسه واقع نمیشوند، واضح است تبدلات بورسه بالای آن ها شدید آنفوذ نموده می تواند زیرا که در معاملات عموماً بکاغذ نوت تبدیل میگردند. پس وقتیکه نوت تنزل مینماید یک قسمت تنزل موثر در سرمایه های مزبور وارد میشود که بی اهمیت تلقی کردن آن غیر ممکن است. کوچک ترین دارندگان اوراق (اسهام) در هر لحظه می تواند همراه بانک مفاهمه نموده مبلغ صحیح سرمایه خود را درک کنند اما سهم داران بزرگ این کار را اجراء کرده نمی توانند چه در موقع تنزل سنجش حسابات برای آنها خسارات مهمی را نتیجه میدهد. معیناً سهم داران عمده در معاملات مجبورند سرمایه خود را با فرضیات سهمی بورسه حساب کنند. لهذا باید در موقع بحران خسارتی را که بر صنعت گران بزرگ وارد شده با مدنظر گرفتن همین نکات اندازه نمود.

بزرگ ترین سرمایه های معلومیکه امروز باقی مانده، مثل سابق در دست خاندان راکفیلر میباشند، حتی قدرت راکفیلرها درین اوقات اخیر ترقی مزید یافته است به این معنی که

الیدریج، داماد، جان-د-راکفیلر پیر - مدیر عمده (چیزبنگ) گردیده است که رقابت آن جماعت مورگن را خیلی خساره مند ساخته است. راکفیلر که در منابع تیل خاک با «هنری وپترونگ» صنعت گر معروف انگلیس و هولندی رقابت دارد، همیشه موسسات خود را با نهایت حزم و احتیاط اداره کرده است. از طرف دیگر اسهام راکفیلر درین اوقات اخیر در بورسه نسبت بدیگر اسهام صنعت امریکائی موقعیت ممتازی دارد. بهر حال اسهام جماعت (ستیند ردآیل) که قسمت عمده سرمایه راکفیلر را تشکیل میدهد با اندازه یک پنجم تنزل یافته است، در زمان سعادت و پیش رفت اقتصادیات که سال ۱۹۲۹ میباشد سرمایه خاندان راکفیلر به استثنای ۵۵۷ ملیون دالر که جهت امور عملی و خیریه وقف شده به یک میلیارد دالر تخمین می شود ولی در پست ترین نقطه بحران یعنی در اوایل سال ۱۹۳۲ تمول آن خاندان از (۲۰۰) الی ۲۵۰ ملیون دالر تجاویز نمی نمود. اما از آن وقت به بعد قراریکه مظنه بورسه نشان میدهد، گویا ثروت مزبور دوباره مضاعف شده است.



هاری فورد صاحب کارخانجات معروف موتورسازی آمریکا



میلز تمول فورد زیرفرهنگ سابق آمریکا

دومین تمول آنازونی
« هنری فورد »
و پسرش « ایدزل
فورد » میباشد که

سرمایه شان بسال ۱۹۲۸ یک میلیارد و دو صد ملیون دالر اندازه شده بود، فورد همیشه افتخار خویش را درین دیده است که از مسابقه بانک برکنار و اسهامش از عملیات وال ستريت (بازار صرافی نیویارک) دور باشد. بهمین سبب از روی سنجش های بورسه سرمایه او تخمین شده نمی تواند اما محدود شدن حاصلات کار خانجات موتور سازی فورد و تنزل دیگر تجار تخانه های بزرگ اتوموبیل، انسان را ب فکر می اندازد که فورد نیز از

بحران اقتصادی صدمه زیادی را متحمل شده و اکنون سرمایه اش در حقیقت پیش از يك دهم زمان سابق ممیبا شد.

حالت سومین متول امریکائی یعنی برادران «میلن» را نیز بهمین منوال قیاس می توان نمود. «اندریو-و-میلن» سفیر و وزیر سابق خزانه آمریکا، و برادرش «ریچرڈ-ب-میلن» که تازه فوت کرده است- موسسین صنعت المونیوم آمریکا و مهمترین شرکای (المونیوم کمپنی آف آمریکا) بشمار می روند.

علاوه برین برادران مذکور در صنعت برقی (وستنگ هوز) و صنایع تیل خاک (گلف آیل) در بانکها و کمپنی های بحریهائی و غیره منافع مهمی را دارا هستند. در ۱۹۲۹ ثروت ایشان ۲۰۰ میلیون دالر حساب شده بود. از آن پس سهام (المونیوم کمپنی) ۲۵ فیصد تنزل نمود و به ۲۵ فیصد قیمت اصلی خود رسیده بود.

امادین اوقات دوبار استحکام پیدا کرده است. حاضر آ ثروت برادران میلن باید در حدود ۱۰۰ میلیون دالر باشد.

متمولین معروف صنایع معدنی امریکای جنوبی نیز بچنین قسمت های بدی گرفتار آمده اند: از آنجمله معتبرترین آنها «شاه مس» موسوم به «گیو جنهیم» و «شاه قلعی» «پاستینو» (بولیویائی) میباشند. ولی خسارت بلند تریکه وارد شده در «صنایع جوان» است. صنایع جوان عبارت اند از ابریشم مصنوعی، گراموفون، رادیو، هواپازی و غیره در وقت رفاهیت و سعادت اقتصادی بعضی اسماء کسب شهرت نموده بود مثل «داویدسارنوف» مؤسس «رادیو کارپوریشن».

این اشخاص دوباره بزمین خورده، اکنون در جمله مولتی میلیونر های امریکائی محسوب نمی شوند.

در آلمان و اروپای مرکزی

خساراتیکه در ثروت های عمده آلمان وارد آمده اگر با اندازه امریکا نباشد در وخامت از آن کمتر هم نخواهد بود. در سالهای اخیر قبل از بحران، متمولترین اشخاص آلمان شخص تازه واردی موسوم به «فریدریش فلیک» صنعت گر معدنیات بود که ابتداء در سلیشیای

علیا جا گرفته و بعد در مؤسسه بزرگتر صنایع سنگین ریوهر (ویرینیکت ستاهلورک) موقعیت ممتازی احراز نمود. ثروت مشار الیه وقتی که باوج کمال خود رسیده بود (۵۰۰) میلیون مارک تخمین می شد. از آن وقت به بعد تنزل کرده اما فلیک با تدبیر ماهرانه نفوذ خود را بالای يك مؤسسه دیگر آلمان غربی موسوم به (ارینیش بر و نکوهل) توسعه داده به این وسیله توانست که سرمایه خود را مجدداً استواری به بخشد. برخلاف فلیک که بزرگت شخصی خود کسب تمول نموده بود، «فریتز تهپسن» معادن ذغال و ذوب کاری را که ۲۰۰ میلیون قیمت می شد از خانه واده خود به ارث برده، اما قیمت مزبور از آن وقت به بعد خیلی تنزل نموده است. در جمله سرمایه داران بزرگ آنکه کمتر صدمه دیده «اوتو وولف» میباشد که قبل از بحران با (۱۰۰) میلیون مارک خود درجه سوم را در بین متمولین مملکت احراز کرده بود. حالانکه «گروپ» معروف که پیش از جنگ عمومی در بین تمامی سرمایه داران آلمانی درجه اول را داشت، از باعث انحلال فابریکهای اسلحه سازی خود، اسمش از قطار متمولین بسیار بزرگ محو گردید.



اوتو وولف متول آلمانی

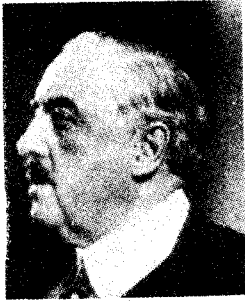
در اروپای مرکزی مملکتی که در آن متمول ترین صنعت گران وجود دارد آلمان نه بلکه چکوسلواکیه است: این شخص (تیشیک) «شاه ذغال» است که رگهای وسیع ذغال سنگ را مالک میباشد. شاخ خاندان تیشیک که در شهر پراگ (پایتخت) جای دارد، و منافع بانکی بزرگی را دارا بوده ثروت شان بدو میلیون کورون چکوسلواکیه می رسد، از بحران جز صدمه خفیفی را متحمل نشده است.



تهپسن سرمایه دار آلمانی

در انگلستان و فرانسه

علاوه برین در جمله سرمایه دارهائیکه بمقابل بحران خوب مقاومت نموده اند، چند نفر فرانسوی و انگلیسی را نیز تذکار مینمایند. برخلاف امریکا و آلمان، انگلستان و فرانسه تنها ممالکی هستند که دران ها سرمایه های شخصی در صنایع مخصوصه تودیع شده است. در انگلستان «ایرل آف ویک» (از خاندان آجوفروش های گینس)



از پدرش دو میلیون پوند سترلینگ ارث برده. در فرانسه « ژیله » صنعتگر ابریشم کاری و « هنسی » رئیس فابریکهای کونیاك همراه تاجر گندم فروش « اوی لومی در فیوز » در قطار مولتی ملیونرها، درجه اول را حائز شد.

تا همین چندسال پیش در خارج گمان میکردند که فرانسوا کوتی مالک کارخانه جات عطر سازی، متمول ترین صنعت گران فرانسه

میشد. اما در حقیقت سرمایه های مشارالیه بواسطه بجران خیلی تقلیل یافته و نیز تلفات پولیکه از درك های مختلفه مخصوصاً بسبب دعوی تباه کننده يك طلاق برایش رخ داد، به اعتبار ثروت نامبرده صدمه شدیدی وارد نموده است. در بین صنایع آهن کاری خاندان « وندل » شهرتی بسزا دارد ولی « شیندر » اسلحه ساز علاقه کرونیرو که اسمش به تمام عالم معروف است اکنون در قطار میلیونرها بزرگ تعلق نمی گیرد.



ثروت های محفوظ

اما بغیر از ثروت های صنعتی، يك نوع سرمایه های دیگری هم وجود دارد که بواسطه نوعیت خود از عوارض و حادثات محفوظ تر معلوم می شوند.

این ثروتها را می توان « محفوظ » یا « راکد » تسمیه نمود. زیرا اسهام عوائد مشخص واقساط معین و اجاره های مطمئن داشته، بصورت املاک غیر منقوله و غیره نمایش می یابد. در مواقع انقلابات اقتصادی و پولی بهترین وسیله حفظ سرمایه این است که مالکین دارائی خود را بقسم طلا یا نوت های بانکی که به اعتبار طلا باشد، بیاندوزند.

وبسا سرمایه داران بهمین وسیله متشبث گردیده اند. به دلائل زیادی که نام بردن آنها اسباب طولانی شدن مقال می شود، این طریقه اندوختن پول، در مورد سرمایه های بسیار بزرگ، لا اقل در ممالک اروپائی استعمال شده نمی تواند. ولی در مشرق زمین مخصوصاً

در هندوستان که مهم‌ترین سرمایه‌ها بواسطه طلا و سنگهای قیمتی تشکیل شده، طریقه مزبور به بسیار خوبی عملی می‌شود. در حقیقت این گنج‌ها نیز بکلی از تبدلات اقتصادی خلاص نیستند؛ چه قیمت‌های درست‌ترین و قشنگ‌ترین برلیان‌ها تغییرات بازار پنبه هندی را تعقیب میکند و افعلاً بهترین خریداران الماس‌ها و دیگر اجزای قیمتی، زمین‌داران، بزرگ‌های هند می‌باشند و قتیکه حاصل پنبه کسر می‌کنند. هندوستان از فهرست بازار جواهرات گران‌بها مفقود می‌گردد و بنا بر آن قیمت آنها کم می‌شود و بمجردیکه وضعیت پنبه اصلاح می‌یابد - چنانکه درین چند ماه اخیر مشاهده شده - متمولین هندی سرآز نو الماس و جواهر خریداری کرده‌ترخ آنها دوباره بلند می‌گردد.

نوابهای هند

ازحالا ایقان حاصل شده که سرمایه‌های هندی نسبت به سرمایه‌های غربی بجران را خوبتر تحمل کرده است با وجود این‌آبا سرمایه‌های مزبور که اکثر اوقات به اعداد عجیب و غریبی نمایش داده می‌شود چه اهمیت دارند؟ تعیین اندازه صحیح آنها مشکل است زیرا که وسائل تقییش وجود ندارد. بزرگ‌ترین سرمایه‌های هندوستان را عموماً به نظام حیدرآباد نسبت میدهند که از قرار معلوم خزیننه او به تنهایی بیش از ۱۰۰ میلیون پوند سترلنگ ارزش دارد و از جواهرات



آغاخان نواب هندی پیشوا -
فرشته آغاخان

مرکب است. عوائد سالانه نظام که مخصوصاً از درک مالیات‌های ارضی و امور فلاحی خودش تشکیل می‌یابد قبل از بجران به چهار میلیون سترلنگ بالغ می‌گردد. « گای کوار » راجه بروده که در تمول نسبت به اول الذکر درجه پست‌تری دارد ۳۰ میلیون پوند را مالک خواهد بود. اما آغاخان که در مجمع غربی شهرتش بیش است در عالم سرمایه‌داری فعالیت زیادی دارد و همین وضعیت او را از تبدلات بین‌المللی زیاد تر متأثر می‌سازد.

اگر مالکین بزرگ طلا و الماس، هندیها می‌باشند با مقابل معادن طلا و الماس که بهترین

سرمایه های بزرگ



سال جون بول انگلیس معروف ترین سرمایه داران
آفریقای جنوبی

آنها در آفریقای جنوبی واقع است به خاندان های
انگلیسی متمول تعلق دارد در آن جمله برادران
« جونل » برادرزاده « بارا توی » معروف « شاه
الماس » بدرجه اول حساب می شود که اقلأ ۱۵ میلیون
سترلینگ را مالک اند.

ملاکین بزرگ در اروپا

در اروپا سرمایه های بزرگ « محفوظ » که
از عملیات مالی معاملات مسعود اقتصادی یا منافع
جنگ بوجود می آید، در املاک غیر منقوله و متصرفات
ارضی ضمانت متقابل می یابد. یکی از بهترین نمونه
های آن بواسطه شعبه فرانسوی « روتشیلد » تهیه
شده که برخلاف روتشیلد لندن و ویانا دارائی خود
را بصورت محافظه کاری کامل



سربازیل زاهاروف متمول مشهور یونانی

اداره می کنند. همچنین
« سربازیل زاهاروف » یونانی
که سهم دار عمده کارخانه

اسلحه سازی انگلیس موسوم به « ویکرس » و شرینک بزرگ کازینوی
مونت کارلو بشمار می رفت، امروز هم عوائد خوبی دارد و با وجود
صدماتی که برایش رسیده هنوز هم از جمله ثروتمندترین مردمان
اروپای قدیم محسوب میشود.



دیوک آف ویست منیستر
سرمایه دار بزرگ انگلستان

در انگلستان محسوس ترین ضربتی که به تمول لاردهای زمین دار
وارد آمده، از باعث بلند شدن مالیاتها بود معیناً « دیوک آف
ویست منیستر » اخیراً از روی مالیات های عایداتی، سرمایه خود

را ۴۰ میلیون پوند اعلان نموده است. در چکوسلواکیه و دول بالتیک (استونیه ، لیتوانیه ، لیتونیه و فنلاند) زمین داران بزرگ تقریباً بکلی از بین رفته ولی در هانگری ، و پولیند ملاکین وضعیت خود را محکم کرده اند . اراضی خاندان مجارستانی « ایترهنری » بمثل املاک سنیوری (خانی) « کونت پوتوکی » لهستانی یا شهزادگان « راوزیویل » و در سلیشیای علیا (المان) اراضی « پرنس پلیس » در وسعت بمثل ولایات حقیقی میداشند ، بجران فلاحی اروپای مرکزی و جنوبی آنها را متأثر ساخته اما اندازه خسارات ایشان نسبت به ثروت‌های بزرگ صنعتی کمتر است .



ثروت‌های شاهي

به همین نظریه لازم است ثروت‌های خصوصی شاهان یا شاهان سابق را نیز ذکر بکنیم سرمایه های مزبور به مناسبت وسعت دول مربوطه آنها نیست . مثلاً اگر یاد شاه ایتالیا یقیناً متمول ترین سلاطین باشد دارائی خصوصی شهزاده (لیچتستین) با وجود کوچکی ولایتش از جمله ثروت‌های مهم بشمار می رود . « ویلیم » دوم قیصر سابق المان در موقع ازدست دادن تاج و تخت ، خوشبختانه میلیون های متعددی را از تمول خود حفظ کرد . تا یکروز پیشتر از جنگ عمومی دارائی سلطنتی پروشیا به تنهایی ۷۵۳ میلیون مارک تخمین می شد . به اثر دعوی چندین ساله این مسئله که دارائی دولتی مزبور بکدام کس تعلق میگیرد ، و اصطلاح « املاک سلطنتی » چه قسم تعبیر شده می تواند ، ویلیم دوم به این کس میانی موفق آمد که یک حصه کلی اراضی مزبور به عنوان مصالحه و قرارداد تجارتي برایش حفظ بشود . قیمت این املاک جنساً واجب الاداء بوده به ۱۵ میلیون مارک بالغ میگردد . ثروت خصوصی او در سالهای اخیر سلطنتش از ۲۰۰ میلیون مارک تجاوز میکرد . قسمت عمده دارائی مشارالیه به مشکل داخل معامله میشود به قسمیکه عوائد به اصل سرمایه هیچ نسبت ندارد . معیناً قیصر سابق بر حسب ظاهر متمول ترین آلمانها بشمار می رود .

معاملات تجارتي و صرافي

دوره‌های پر آشوب - مثل همین اوقاتیکه حاضر اطمینان می‌کنیم - از يك جنبه دیگر برای معاملات خیلی مساعد می‌باشد. این دوره هائ و ته‌های فوری را بوجود می‌آورد که اکثراً بهمان زردی که تعمیر یافته بنیان شان ویران می‌شود. تاریخ عصر جدید مثال‌های زیادی را از این «ترقیها» و «انحطاطها» در بر دارد. ده سال قبل وقتی «شاه انفلاسیون (۱)» الهانی موسوم به «هیوگوستینز» وفات کرد سرمایه متر و که او بر ۲۰۰ میلیون مارک طلا که در آن زمان مبلغ فوق العاده بشمار می‌رفت بالغ شده بود. يك سال بعد سرگشته گی اسفناکی بر ورثه او طاری گردید زیرا پسرانش به اصول انفلاسیون که پدرشان بسیار دوست داشت، وفادار باقی مانده بودند. همین قسم يك پیش آمدی برای انفلاسیون نیست‌های (طرفداران انفلاسیون) اطریش «کاستیگونی بوزل» نیز رخ داده. معامله دار برلینی موسوم به «جاکوب میکائیل» نسبت به اشخاص اول الذکر بیشتر مقاومت نمود اما در ۱۹۳۲ شرکت او سقوط کرده، خودش هم که شخصاً بیش از صد میلیون مارک را دارا بود، مجزب‌قايی ثروت خود را نجات داده نتوانست.

به کرات اتفاق افتاده که معامله داران تجارتي، وقایع خطرناک اختناق اقتصادی خود را در حضور محاکم عدلیه به ختم رسانیده اند. مثلاً ارسال و مرسول تقابلی در انگلستان، عملیات صرافي «اوستریک» در فرانسه و اقدامات پرخطر «گیوالینو» در ایتالیا، همه بشکل اقتضاح آمیزی در محاکم قضائی عرضه شده است. و نیز منافع خطریکه بکلی قانونی و صحیح بوده محکوم برعدم و زوال گردیده، از آنجمله ورشکستگی بانک «دار مستید تراوند ناسیونال بانک» که ثروت خصوصی مدیر خود، «جاکوب گولدسمیت» را که پس از جنگ متمول‌ترین صراف آلمان بشمار میرفت، فرو برد؛ در اطریش مدیران بانک‌های «زیگرت» و «ایهر نفسیت» نیز به مثل «جاکوب گولدسمیت» دچار فلاکت گردیدند، و ارکان شعبه «روتشیلد» و یانانیز باوجود قرض پنج میلیون پوند که از طرف اقارب لندنی شان برای آنها داده شد، نجات یافته نتوانستند. اما از همه سنگینتر خساراتی است که بر اثر ورشکستی «وال ستریت» در خزان ۱۹۲۹ و جنبش نزل ما بعد آن، بر معامله داران امریکائی وارد آمد.

(۱) انفلاسیون: رواج فوق العاده نوت که بمقابل آن اعتبار اطلاق یافته موجود نباشد.

« طرفداران تنزل » و « طرفداران ترقی »

لازم است تذکر داد که در امریکا، در سالهای بحران هر قسم معامله تنزل دهنده را یک عمل نهایت مخالف اخلاق می دانند و اشخاصیکه به اینطر زاجرا آت می کنند حسودانه عملیات خود را پنهان نگه دارند. بعضی دعاوی پرو لوله و تفتیشات پارلمانی کم و بیش ظاهر کرده است که صرافان و صنعت گران بسیار معروف، بواسطه معاملات تنزیل دهنده، جهت جریان دادن تجدید سرمایه خود ها کوشش دارند، یکی از امثال بسیار برجسته این طریقه اقدامات « وارنر پرودرز » ارباب صنائع سینما می باشد که همراه یکنیم ملیون دالر برخلاف اسهام شرکت خود عملیات نموده اند.

این وضعیت نه تنها در نیویارک بلکه در اغلب نقاط مهمه اروپا جریان و ترقی دارد. مخصوصاً شهر امستردام (هولیند) یک مرکز بزرگ معاملات بورسه ئی (مربوط به ترقی و تنزل پول) بین المللی شده است. در جمله اشخاصیکه درین طریقه بهتر موفقیت حاصل نموده اند دو نفر ذیل شهرت زیاد دارند: یکی « رودیوس گونینگس » صراف امستردام که ابتدا در صنائع سنگین « رینانو ویستفالی ین » المان کار میکرد، و دیگر « فرتیز منهیمر » صراف، که او هم از اهل المان بوده در وقت مناسب توانسته بود موقعیت بلند خود را از سر بگیرد و اکنون از متمول ترین تجار اروپائی بشمار می رود. یقین است جنبش سریع ترقی پول وال ستیت « بازار صرافی نیویارک » از تابستان ۱۹۳۲ به بعد و مخصوصاً از اوایل سال ۱۹۳۳ به اینطرف در تشکیل سرمایه های بزرگ جدید کمک زیاد رسانیده خواهد بود. سقوط دالر و تجدید فعالیت بورسه قیمت ها، که نتیجه آن بود، موقع مساعدی برای گرفتن منافع بورسه ئی تهیه کرده است و نیز یک معامله باهوشمندی زیاد در مورد نقره و معادن آن اجرا شده است به این امید که فلز مزبور در آینده نزدیکی در اعتبار پول باطلا بطور رقابت کار خواهد داد.

از همه این معاملات که در آن ها ملیونهاى خطیر دالر بصرف رسیده چه نتیجه میتوان گرفت؟ این مسئله ناهنوز پیش بینی شده نمی تواند اما تمامی تجارب گذشته به انسان میفهماند که از جمله کلیه اشخاصیکه بواسطه معاملات بورسه ئی اتفاقاً دفعتماً متمول شده اند فقط عده مختصری توانسته اند که آن تمول را برای خود حفظ نمایند.

تاریخ های دانستنی

تدوین جناب فاضل قاری عبدالله

قبل از طوفان :

- (۱) ترتیب ایام هفته و تعیین روز هفتم برای استراحت بامر الهی .
- (۲) صنعت خیاطی و پوشیدن لباس .
- (۳) زراعت : نخستین شخصیکه بدان قیام ورزیده قایل است پسر آدم علیه السلام .
- (۴) رعایه مواشی و نخستین شخصیکه بر رعایه مواشی پرداخت (هاییل) پسر آدم است .
- (۵) قربانی کردن (براه خدا) نخست هاییل و قایل قربانی کرده اند .
- (۶) قتل عمد : نخست مرتکب این عمل شنيع قایل مذکور است .
- (۷) بنای شهرها : حنوك پسر قایل نخستین شخصی است که شهر ساخته .
- (۸) چادر نشینی : نخست شخصی در چادر نشینی (یا بال) است از اولاده حنوك .
- (۹) عود و مزمار برای یوبال برادر یا بال مذکور ایجاد یافته .
- (۱۰) ایجاد آلات مس و آهن برای تو بال قایل نام بوده از اولاده حنوك .
- (۱۱) نجاری و کشتی سازی : نخستین کشتی نوح علیه السلام است که برای نجات از طوفان ساخت .

حدوث طوفان در : (۲۳۴۸) ق م

- | | |
|----------|---|
| » » ۲۳۴۱ | افشردن و نیند ساختن انگور . |
| » » ۲۳۰۴ | ایجاد گاو آهن و داس . |
| » » ۲۲۳۴ | ایجاد خشت پخته برای برج بابل . |
| | غرس زیتون و غیره و ایجاد آرد و درهمین اوقات در بین آتش پرستان و سائرین . |
| » » ۲۲۰۴ | ستاره پرستی ظهور نمود . |
| » » ۲۱۵۴ | صنعت نان پختن و پشم ریشتن و بافتن . |
| » » ۲۱۵۴ | ظهور ییلوس معلم فلکی مشار الیه دقیق ترین قسمتی را در علم فلك برای کلدانیها تألیف نمود . |
| » » ۲۱۰۴ | خیاطی و نقش و نگار رخت و رنگ سرخ . |
| » » ۲۰۵۹ | مبداء ظهور بت پرستی در گروه صابی . |
| » » ۲۰۲۴ | گنج کاوی معادن . |
| » » ۲۰۱۹ | صناعت مس |

- گداز اشیای معادنی . ۲۰۰۴ ق م
- رنگدادن اشیای معادنی . » » ۱۹۵۴
- دعوت حضرت ابراهیم خلیل صلوات الله علی نبینا وعلیه السلام در سرزمین کنعان . » » ۱۹۲۱
- ایجاد شمشیر و حر به . » » ۱۹۰۴
- شاید بزرگترین هرم در جزیره مصر همدین سالها بوده در عهد ملک رشوفو .
- برادرش نوشفواز شاهان سلسله چهارم و برخی بنای اهرام مصر را (۱۱۹۴) قبل از میلاد پنداشته اند .
- ایجاد تیر و کمان -- ۱۸۸۴ ق م
- ایجاد فلاخن و سپر -- » » ۱۸۵۴
- آغاز سواری اسب -- » » ۱۸۲۴
- ساختن آئینه های معادنی -- » » ۱۸۰۴
- صنعت حجاری -- » » ۱۷۷۴
- مسئله فرعون را که عبارتست از ستون دراز مربع سرتیز در عهد توتیس سوم از فراعنه مصر از جایش با سکندریه نقل دادند . و بر وایت بعضی مسئله های مصر را در سنه ۱۲۳۴ ق م تعمیر کرده اند
- ظهور فن خواندن و نوشتن -- ۱۷۲۲ ق م
- آغاز بازار بین المللی -- » » ۱۷۰۴
- سیر کشتی در اثر ستاره -- » » ۱۶۵۴
- ترتیب مصریها سال شمسی را به (۳۶۵) روز -- » » ۱۶۰۴
- وجود دارچینی -- » » ۱۵۸۴
- رگ زدن یا خون کشیدن از عروق -- » » ۱۵۶۴
- رفتن صنعت چینی در اروپا -- » » ۱۵۱۸
- استعمال دوا ی قی آور -- » » ۱۵۰۴
- استعمال ضاها در مصریها -- » » ۱۴۹۴
- حمام مروجی که تا حال شایع است -- » » ۱۴۷۴
- ساختن مصریها بحیره میریس را -- » » ۱۴۲۴
- گویند رسم خریطه ها در مصر هم درین قرن بوده در عهد بیروتیس سومین پادشاه از سلسله نژدهم بعضی اختراع رسم خریطه را در (۵۶۴) ق م می گویند .
- کشف معدن آهن و قتیکه کوه ایدا واقع در جزیره گریت یا کنده در مجمع الجزایر بحر سفید آتش فشانی نمود .
- و درین زمان مصریها رنگهای مختلفه و نقش را در تصویر بکار بردند . ۱۴۰۰ ق م
- استعمال حصار وزره . -- » » ۱۳۸۴
- وجوداره و برمه . -- » » ۱۳۷۹
- ایجاد رنده و پرکار . -- » » ۱۳۰۴
- اختراع (مزوله) آله یا مقیاس سایه زوال . -- » » ۱۲۸۴
- اختراع دولاب خذف و در تاریخ فلاسفه اختراع آن را بانخرسیس فیلسوف اسقوثی نسبت کرده اند . -- » » ۱۲۵۴

- ۱۱۸۴ ق م - صناعت استخوان فیل -
- » » ۱۰۰۴ - ترتیب لشکر منظم در مصر بها -
- » » ۹۰۰ - ظهور هومر شاعر یونانی -
- » » ۸۸۴ - ترتیب قوانین لیکور که در اسپارت از بلاد یونان -
- » » ۸۰۴ - وجود مقناطیس -
- » » ۷۷۶ - آغاز تاریخ اولمپیا در یونانها -
- » » ۷۵۴ - دخول کتابت در بلاد یونان -
- » » ۷۴۷ - آغاز تاریخ گلدانی -
- » » ۷۳۸ - مشق جنگ در سفاثن -
- » » ۷۲۴ - عمل لنگر برای کشتی -
- » » ۷۱۴ - استعمال ریاضیات -
- » » ۶۶۰ - آغاز استعمال کتابت بحروف ابجد در مصر و ترك كتابت قدیم هیر و غلیبی در عصر آسلماتکوس مرسلسله دولت بیست و ششم -
- » » ۶۵۴ - دوره نمودن فنیقیها بحرا در گرداگرد افریقا و برخی در (۶۳۶) گفته -
- » » ۶۴۰ - ارسطو تالیس اولین فیلسوف یونان و او نخست شخصی است که بدرس علوم طبیعی اشتغال ورزیده و خاصیت کهربائی را بواسطه حنكاك كشف نموده -
- » » ۶۲۴ - تقویم خسوف ماه -
- » » ۶۰۸ - بودا رئیس آئین بودائی نیز درین سده تولد یافت .
اختراع شطرنج و نرد -
- » » ۵۶۴ - مولد فیثا غورث فیلسوف یونانی موجد قسمت فلاسفه ایتالوی و او را نخستین معلم طبیعی شمرده اند کتابی بنام (موافقتهای طبیعی) تالیف نمود و دران آرای نیکوئی را در سماع و تناقل یعنی قوه متنوعه جذب و رنگهای ضوء را بیان کرده -
- » » ۵۵۴ - آغاز تسلط و حکمرانی بواسطه کوروش شاه آریائی و درینوقت منفخ (آله دمگری) در بلاد یونان استعمال یافته -
- » » ۵۴۹ - موکنفزه فیلسوف واضع شرایع ادبیه چین که او را کون فوتش یا کون فوشونیز کویند -
- » » ۵۲۴ - غرس نهال تانک و زیتون در جنوب فرانسه -
- » » ۴۹۴ - ایجاد پنسل -
- » » ۴۸۷ - ظهور زردشت از بلخ مردهسته آتش پرستان -
- » » ۴۸۰ - ظهور هر توس یا هر دوت نخستین مورخ در بلاد یونان -
- » » ۴۶۴ - آغاز استعمال بلور آتشی که اشعه آفتاب را در یک نقطه فراهم آورده در جسم مقابل به بعد مخصوص آتش میزند -
- مولد بقراط. طب را نخست بقراط تدوین نمود پیش از و این علم در بین بنی قلیموس راز پوشیده و میراث بوده که خلف از سلف میگرفت و در اصل از واضعین اصول طب مانند شیرون کتوری و اسکولاب که هر دو در دسته معبودان باطل یونان جادازند گرفته بودند - ازینجهت بقراط را در طب مخترع میدانند

سالنامه « کابل »

زیرا این فیلسوف اصول طب را نظریه احوال بپاران و تجربه اساس نهاد و شفاخانه اختراع نمود -

۴۶۰ - ق - م

مولد دیموقریطس فیلسوف یونانی از فرقه الیاتیکی وی از جوهر فرد سخن رانده و پیش از
واکسینو فانس معلم او این شاگرد فرقه الیاتیکی و امبید و قلس شاگرد فیثاغورس نیز از جوهر
فرد سخن زده و زیادتی در علم طبیعی نموده اند. خاصه دیموقریطس که از قوانین سقوط اجسام
در هوا خلط و بحث رانده و از هوا، ضوء و آتش صحبت کرده -

» » ۴۵۸

» » ۴۵۰

شیوع شناخت پنبه بواسطه اخبار هرودت از وجود پنبه در بلاد هند -
اکتشاف دوره ماه درهر (۱۹) سال این قاعده به قاعده قمر ما تون آتنوی (آتنه مرکز یونان) مشهور است -

» » ۴۳۲

مولد افلاطون فیلسوف یونانی مؤسس کادمی قدیم مشارالیه در پیشرفت حقیقی علوم خدمتی بسزا نمود.
طریق هندسی را اختراع و علوم را بآن توضیح داد. تیمه شاگرد او گفته که کهر بایست ماده ایست
لطیف یا نسمه یا شی است روحی که از کهر با بر آمده بعض اجسام را جذب می کند -

» » ۴۲۸

» » ۴۴۲

عمل کشتیهای پنج مجدافی یا پنج دیر که -
مولد منیسوس مشارالیه دارای تصنیفات است در فلسفه عقلی در نزد چینیا -

» » ۴۰۰

کشف قلمی را نیز درین قرن می گویند

مولد ارسطالیس فیلسوف یونانی مؤسس جمعیت مشائین از فرقه اشراقین، ارسطالیس در اکثر مسائل
فلسفی، فلکی و طبیعی توغل ورزیده، ثقل هوا را معین ساخت. قسمت نظری را در تولد اصوات حاصل
و بواسطه موج هوا ایجاد کرد. عناصر را آب، هوا، خاک، آتش قسمت و منحصر ساخت و علم
حیوانات از آغاز نمود -

» » ۳۸۴

در عهد او ارخیناس نام شخصی آله بکره (آله رفع و وضع افعال) و برمه را اختراع نمود
و از اینجهت او را مؤسس اول در علم میخانیک میدانند.

» » ۳۵۴

استعمال عرابه های مسلح در فرانس -

» » ۳۳۴

استعمال دو لایب آرت -

قیام دولت بطلیموسی لاغوسی در مصر و تاسیس مدرسه که اولین پادشاه این سلسله علما را از اطراف
بلاد در آن جمع نموده و از بهر آنها راتبه مقرر فرموده نخست کتابخانه بنام مادر و بعد کتابخانه دیگر
بنام دختر تاسیس کرد در کتابخانه اول تا چهل هزار جلد کتاب فراهم آورد این پادشاه در فلکیات
مهارت داشت از اینجهت حرکت ماه را ظاهر ساخت و کتابی در جغرافیا تالیف نمود در حدود سنه

» » ۲۸۰

اکتزیوس نام شخصی درین مدرسه تلمبه یا آله تیر اندازی را بواسطه قوه نرمی هوای متکاثف
ایجاد کرد و هیرون نام شخصی دیگری آله جرثقیل را ایجاد نمود و در تمدد هوا بسبب حرارت
سخن راند. آله مشهور بنافوره هیرون نیز از ایجادات او است نافوره هیرون آله فشار هوا است.
و نیز درین مدرسه هیر و فیلوس و فیلوس طیب آغاز بتشریح بدن انسان نمودند تورات شریف
در عهد بطلیموس فیلا دلف که در (۲۸۳) ق م بشاهی رسید درین مدرسه ترجمه شد.

مایننتو کاهن مصری تاریخ مصر را بزبان یونانی با مر همین پادشاه نوشت. مأخذ این تاریخ
دفاتر رسمی و اوراق و آثار و رسوم قدیمه موجوده مصر بود -

» » ۳۲۳

قیام تمثال مشهور در جزیره رودس و آن را کاربزا و شاروس نام شخصی که شاگرد بوسیپ مشهور

- است بدو از ده سال ساخت و پس از چند قرن بواسطه زلزله افتاد و بعضی مس آنرا از یهود خریده
 بر (۹۰۰) شتر حمل و نقل دادند -
- ۲۸۸ ق م
 » » ۲۸۲ - بنای مناره فاروس در اسکندریه در عهد تسلط بطلمیوس فیلاذلف که در سابق ذکر یافت -
- » » ۲۵۰ - علم ترکیب آلات -
- » » ۲۳۴ - استعمال تلبنه های بزرگ برای اطفای آتش -
- » » ۲۱۴ - استعمال مقیاس ساعتها -
- » » ۱۷۴ - ایجاد تنور های عام برای نان پختن -
- » » ۱۶۶ - آغاز تسلط رومانیها بر بلاد یونان و این تسلط واسطه دخول تمدن در بلاد روما شد -
- » » ۱۵۸ - بردن ساعت های آبی را بروما -
- » » ۷۴ - رسم و تصویر بقاع زمین -
- » » ۵۴ - دخول صابون در بلاد فرانس -
- » » ۵۰ - اصلاح و تعدیل یولیوس قیصر رومانی حساب سال شمسی را به (۳۶۵) روز (۶) ساعت -
- » » ۴۴ - کشف نوشادر -
- » » ۱۴ - ترکیب تریاق -
- ۴ ب م
 » » ۵ - میلاد مسیح (ع) و بواسطه آن صورت دنیا بشکل تازه تغییر پذیرفت -
- آغاز تاریخ میلادی که تا کنون مستعمل است و درین قرن شاگردان مسیح (ع) کتبی
 را که اساس دین مسیحی می بندارند و بعقیده شان عبارت است از اناجل چهارگانه و کتاب اعمال رسل
 نورساله های بولس و یعقوب و پطرس و یوحنا و یهودا را نوشته اند. در اخیر این قرن یوحنا
 در جزیره بطمس منق شد و در آنجا سفر روایا را نوشت .
- » » ۱۵۰ - ظهور جالینوس طبیب و اتساع دائره طب -
- » » ۲۵۰ - غرس نهال ناک در بلاد آلمان -
- » » ۳۰۰ - ایجاد آسیاب در بلاد استریا و شاید اختراع قطب نما در چین هم درین اوقات بوده -
- » » ۳۱۸ - اولین محامع دینی که در عالم نصرانیت مسکون گشته -
- » » ۳۸۵ - استعمال زین اسپ - و درین سنوات قوانین تاودوسوس دوم قیصر قسطنطنیه بنا بر بعض و جوه
 در نزد روم اورتدکس همیشه اعتباری داشته وضع یافته .
- اتونیوس اصول رهبانیت را در بین نصارا در مصر وضع نمود و ازین جهت
 مشارا لیه را پدر راهبها می گویند -
- » » ۴۰۰ - وضع ناقوس در کنیسه ها و نخست شخصی که در کنیسه ناقوس گذاشت باولینوس بود اسقف
 تولاز شهرهای ایتالیا -
- » » ۴۵۰ - دخول کرم ابریشم در اروپا و آنرا در نفر راهب از بلاد چین در عصاهای خود پنهان کرده
 آورده اند - و برخی آوردن کرم ابریشم را در سنه ۵۲۲ پنداشته .

سالنامه « کابل »

- درین قرن فن نوشتن و خواندن در بلاذ روس داخل گشته .
- ایجاد آسیای مراکب در روما . در بعضی از کتب اختراع آسیای آبی را به بلیساویوس نام شخصی رومانی نسبت نموده یعنی مشار الیه اختراع کرده
- ۵۵۵ ب م
- » » ۵۲۹ تاسیس مکاتب یومی برای تعلیم -
- آغاز استعمال تاریخ میلادی و نخستین شخصی که آغاز باستعمال آن کرد دیونیسوس اسقونی بود
- » » ۷۵۳ بعدها مردم از وی پیروی کردند و تا آن وقت نصاری تاریخ رومانی را استعمال میکردند که آغاز آن ۷۵۳
- تنقیح نظام و قوانین ملکی بامر یوستینا نوس قیصر قسطنطنیه و اخیر این قوانین اساس امور مدینت در اروپا گردید -
- » » ۵۳۴
- استعمال آئینه برای دریاچه و روزن -
- » » ۵۵۰
- چاپ حروفی در چین -
- » » ۵۹۳
- وجود قلم -
- » » ۶۰۰
- ابتدای تاریخ هجری و تمدن عرب و قیما مسلمانان باموردین جمع قرآن کریم و لا در عهد خلیفه اول رضی الله عنه بوده آغاز جمع حدیث در عهد خلیفه دوم رضی الله عنه بوده برای استناد احکام -
- » » ۶۲۲
- استخراج شکر بوره از نیشکر -
- » » ۶۲۵
- آغاز تدوین قوانین که جرمنیا فاتح ایتالیا در کتب جمع نمودند -
- » » ۶۴۳
- وضع پوسته در قلمرو اسلامی در عهد معاویه رضی الله اولین خلیفه از بنی امیه -
- » » ۶۶۱
- آتش که یونانیها در مدافع لشکر اسلام از محاصره قسطنطنیه استعمال میکردند و کالینیکوس نام سوری مخترع آن بوده در وسط آبی افر وخت . و گوینداهالی چین بسیار بیشتر آنرا استعمال میکردند
- » » ۶۷۳
- بنای شفاخانه ها در اسلام در عهد و لیدابن عبدالملک مشار الیه در همین سال بر کرسی خلافت جلوس کرده
- » » ۷۰۵
- ساخت کاغذ از پنبه . کاغذ در چین اختراع یافته
- » » ۷۱۴
- ساخت سجاده شاید در اروپا باشد
- » » ۷۴۰
- ترجمه منطق و بعضی کتب در هیئت و مناظرات بزبان عرب و وضع فقه حنفی و مالکی در عهد ابو جعفر منصور
- دومین خلیفه عباسی بوده
- » » ۷۵۴
- صنعت ملمع کاری از نقره مصنوعی
- » » ۷۶۰
- توجه عرب بعلوم قدیمه و اشتغال آنها بتهدیب لغت و ترتیب قواعد عربیت . در ینوقت ابو عبیده لغت را تدوین نموده خلیل عروض ، هراو مازنی صرف و قطرب مثلث را در لغت وضع نمودند و اینها همه در عهد هارون رشید پنجم خلیفه عباسی بوده که در همین سنه بخلافت رسیده
- » » ۷۸۶
- تموی فلاح و شیار کشت در المان
- » » ۸۰۰

ساعت را در فرانس هم درین سنه برده اند زیرا هارون رشید برای کرلوس پادشاه فرانس ساعتی فرستاد که بی نهایت اعلی و خوب بود و این ساعت دو اوزه صورت بشکل سواره و ظرفی از مس باعده از کره ها تمیبه داشت کره ها از بی هم در ظرف مذکور افتاده صدا از آنها بر می خاست هر صورت دری داشت که چون آواز کره ها تمام می شد او بسته می گشت رجال فرانس از مشاهده آن متحیر

گشته پنداشتند که جادو خواهد بود یا جن آنرا بحرکت می‌آرد، هرگاه شاه فرانسه با آنها موافقت می نمود ساعت را خراب میکردند تا علت حرکتش را در یابند.

درین قرن بیدای معلم، رئیس دیرو پرموت بانکلتره ظهور کرد و محترم لقب یافت، مشارالیه اسباب جزر و مد را بعدس و تخمین دریافت نمود. بعدها معلم اسحاق نیوتون اسباب جزر و مد را بدلیل ثابت ساخت.

وضع فقه امام شافعی رح

۸۱۳ ب، م

در همین سنه مامون الرشید بخلافت رسید. به ترجمه کتب فلسفی و علمی پرداخت مؤلفین از تالیفات فیثاغورس و افلاطون و ارسطالیس و بقراط و جالینوس و اقلیدس و بطلمیوس و غیره ذخیره بزبان عربی فراهم آوردند.

جای تردید نیست که این خلیفه به بسیاری از علوم میل و رغبت داشته خاصه در فلکیات، رصد خانه برای نظر در احوال نجوم و حساب سیر آنها بنا کرد. میل دائرة فلك البروج را بر دائرة استوائی تحریر نموده از روی امتحان ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه برآمد.

ابو عبدالله محمد و هر دو برادرانش یعنی احمد و حسن را که هر سه پسران موسای ابن شاکر خوارزمی اند برای معرفت مساحت قطر کره زمین برگاشت و موافق بقول قدما (۸۰۰۰) میل برآمد.

ابو عبدالله را مخترع جبر و مقابله نیز میگویند و بعضی دیوفانتوس یونانی را (در قرن پنجم یا ششم میلادی) واضع این فن میدانند. شاید ابو عبدالله اولین شخصی است در اسلام که سراغ ازین فن یافته بهر تقدیر عرب در علوم فلسفی و طبیعی و فلکی و طبیی بمنتهای عروج رسید بلکه علم جیولوژی را در قرن ده و مابعد عرب، وضع کرد و از عرب اروپا گرفت تا بحال امروز رسید.

وضع فقه امام حنبل رح

۸۵۰ » »

درین سنه عبدالله ابن معتر عباسی علم بدیع را وضع نمود.

درین سنوات عرب نهال ترنج را از هند بعمان و بعدها بایبصره و عراق برده اند و ستره را از اروپا بمشرق آورده. ستره بنا بقول بعضی از چین به پرتقال نقل یافته ولی چون عرب آنرا از پرتقال باز بمشرق آوردند نام پرتقال بران گذاشتند.

۹۱۰ » »

استیلای عبدالرحمن اخرملق بن ناصر بر بلاد اندلس - مشارالیه قرطبه را کرسی خلافت ساخت و آنرا مانند بغداد مرکز علوم نمود کارخانه های بزرگ در قلمرو خود تاسیس کرد تا علوم و معارف در مسلمانهای آن حدود انتشار کامل یافته از بحر آن چنان برخوردارند که دیگران را نصیب نشد زیرا فن

زراعت را بمنتهای درجه رسانده زراعت خرما، خرنوب، ینبه توت و نیشکر را رواج دادند (بعضی گویند نیشکر را نصارای فرنک از طرابلس شام بجزیره سیسیلیا برده اندازان بیعد در ممالک جنوبی

اسپین را رواج یافت) درین اوقات مردم بومی آن بلاد بصنعت بالا کردن آب بواسطه ارت نیز پی بردند ۹۱۲ » »

صنعت کاغذ سازی از ینبه در (قرن یازدهم) شائع گشت و از آنجا با اروپا نقل شد اهالی اندلس بتجارت و بحریه بانی و غیره دست یافتند. ترجمه ابن رشد کتاب ارسطالیس را سبب ترقی مدارس

اندلس در جبر و مقابله و حساب گردید بحدیکه عرب مردم اصلی اسپین را در نهال شانی تیر اندازی و مضمون بندی اشعار قابل ساختند خلاصه ذخیره اندوزی اسبانویها از موائد علوم در مدت اقامت عرب در آن سرزمین یکنه سبب نشر معارف در زمین تاریک اروپا گردید - هنوز دو هزار جلد کتب عربی از

عهد خلفا در کتابخانه اسپین میگویند موجود است ۹۱۲ » »

ابدال خط کوفی بخط بغدادی - مخترع آن ابن مقله وزیر مقتدر بالله عباسی است - ظهور

۹۳۰ » »

امام ابوالحسن اشعری امام اهل سنت و جماعت نیز درین سالها بوده.

۹۶۹ » »

کشف معدن نفت و ترمینتینا

سالنامه « کابل »

- ۹۸۰ تولد شیخ الرئیس ابوعلی سینای بلخی -
اولین ساعت رقاصک دار - مخترع آن پاپ سییتسر س دوم است و در هنگامی که راهب بود، مشار الیه
- ۹۹۰ رقوم هندسه را نیز بارویا برده -
- ۹۹۶ تسلط حاکم بامر الله در مصر و ظهور دیانت درزیه -
- ۱۰۰۴ بنای دار الحکمت در مصر که حاکم بامر الله تعمیر نمود و در عهد سلطان صلاح الدین ایوبی ویران گشت -
- ۱۰۱۶ آغاز وضع قوانین و ظهور تمدن و عمران در روس -
- ۱۰۷۰ وضع قوانین سواره ها -
- ۱۰۸۰ ایجاد آسیاهای بادی -
- پیشرفت احوال جمعیت سیامی در اروپا بسبب اطلاع آن ها در ایطالی بکنای از کتابهای قانون بوستینانوس -
- ۱۱۳۷ آغاز انتباه اروپا و میل آنها بعلوم و فنون و ظهور اصلاح در دواوین امر او تاسیس مکتب در فرانسه از آغاز جلوس لوی هفتم - درین اوقات نیشکر را فرنگیها از طرابلس شام بایطالی برده اند -
- ۱۱۴۰ تاسیس اکادمی (مجلس علمی) در فیرینا مرکز بلاد توسکانا از ایطالی مؤسس آن بولد دالدوک اعظم است . -
- ۱۱۴۶ مولد امام رازی از مشاهیر فلاسفه اسلام -
- ۱۱۵۰ نقل رسم رقم هندسی بعربی -
- ۱۱۹۸ ایجاد شیشه های عدسی برای دوربینها -
- ۱۲۲۰ نمک سود کردن گوشت و ماهی -
- ۱۲۵۰ نل برای آب کشی -
- ۱۲۵۲ تاسیس شفاخانه کورها در پاریس -
- ۱۲۵۵ اشتراک وکلای رعایا در مشوره های عمومی در ممالک انگلیس بعدها سائر دول از او تقلید نموده اند -
- ۱۲۶۵ ایجاد دوربین های دراز - و درین سنه از چربو شمع ساخته نامش شمع کا فوری گذاشتند .
- ۱۲۹۰ عمل ساعت های دقیقه دار در اروپا -
- ۱۲۹۹ بردن آسیای بادی را بارویا -
- ۱۳۰۰ ساختن آئینه های بلوری در بلاد بند قیه از ممالک ایطالیا -
- ۱۳۱۵ آغاز الغای مقاتله های دینی و امتحانهای که برای محض دعاوی در اروپا مقرر بود -
- ۱۳۲۸ تاسیس مکتب برای انواع بازیها در شهر طولوزه و ازان فائده بسیاری بارویا رسید -
- ۱۳۵۸ اختراع باروت در اروپا مخترع آن شوارنس نام راهبی بود از نمسه بعضی گویند باروت در سنه ۱۳۵۸ استعمال یافته - اگرچه در چین چندین قرن پیشتر باروت معروف بود -
- ۱۳۳۵ استعمال اسلحه ناریه در فرانس اما انگلیس بیش از او استعمال میکرد چه تا این وقت رجال فرانسه استعمال اسلحه که از مسافه دور آدم را بکشد ننگ و نخل شجاعت میدانستند -
- ۱۳۴۵ عمل کاغذ از تکه پاره ها -
- ۱۳۴۶

تاریخهای دانستی

- ۱۳۵۰ - ب م ایجاد توپ و گله در اروپا - و در چین از سنه ۶۱۷ ق م استعمال می شده -
- ۱۳۸۰ » » ساخته شده - گویند اینیریکوس - شاه پرتگال در ساخت آنها مداخله داشته -
- ۱۳۹۲ » » اختراع ورق کنجفه در فرانس بجهت تفریح پاشاه که دیوانه گشته بود - بعضی گویند که در سنه ۱۲۸۵ کنجفه از آسیا بارو پارتیفته و در سنه ۱۲۹۹ در ایتالیا شیوع یافته -
- ۱۴۰۰ » » کارخانه تریاق و عقاقیر طی در شهر لیسبا -
- ۱۴۰۴ » » عمل کلاه انگریزی (برانیت) در فرانس مخترع آن شخصی بوده از سویسه -
- ۱۴۱۰ » » تصویر با رنگهای روغنی
- ۱۴۱۶ » » خرف سازی شبیه بچینی در اروپا -
- ۱۴۳۰ » » شفاخانه طاعون در بند قبه -
- ۱۴۳۲ » » استعمال پوسته در اروپا -
- اختراع صنعت طبع - کونمبرک اختراع آن نمود و نخست انجیل را بزبان لاتینی طبع کرد و چند نسخه آنرا برای فروش همراه شریک خود بیاریس برد و یک جلد را بقیمت (۲۰) لیره فروختند و پیش از آن بصد لیره فروش شده بود . چون همه نسخه ها را در صفحه و سطر یک رنگ یافتند بر علاوه که یگان سطر با رنگ قرمز هم نوشته شده بود مردم پنداشتند که بقوه سحر و جادو نوشته شده و سطر های قرمز هم بخون شیاطین نگارش یافته - هرگاه مشارالیها حقیقت حال را نمیگفتند و هیئت شورای پاریس آنها را رها نمیگردد نزدیک بود گیر بیایند -
- ۱۴۳۶ » » آغاز کمیدها در بلاد ایتالیا -
- ۱۴۴۱ » » اساس مکتب واتیکان در روما و این از اولین مکاتب معتبره ایتالیاست -
- ۱۴۴۷ » » کندن صورت بر قالب که عبارتست از نقش برمس و چوب از اختراعات تومازوفینیچیر زرگر است
- ۱۴۵۲ » » مشارالیه از بلاد فلورنسا بوده - بعضی ظهور این اختراع را (در سنه ۱۴۶۰) گفته -
- مهاجر بقیه اهل معارف با کتب خود ها از قسطنطنیه بارو پارتیاسبب استیلای دولت ترک بر قسطنطنیه و بواسطه آنها علم فلکیات و علم طبیعی از او هام باطل تقدوسره گردید - مجمع علمی در شهر بیزان تجدید یافت . بولس توسکانلی (میل) یعنی آله تعیین این دو انقلاب را بلند ساخت این میل بزرگترین آله فلکی دنیاست -
- درین سنه لورنزودو ، ساعتی بدیع برای پاپ ساخت که علاوه بر تعیین اوقات حرکات آفتاب و سیاره ها و کسوف و بروج و سائر تقابلات فلکی را نشان میداد .
- اختراع هیدوگرافی که عبارتست از فن تخطیط بحور ، بحیره ها ، نهرها و سائر آنها طوریکه رسم و شکل کنار بجزها و خلیجها ، نهرها جزیره ها ، راسها ، قناتها ، بوغازها ، مجراها و غیره را نشان میدهد مخترع آن هنری نام شخصی از ملاحها بوده -
- ۱۴۶۳ » » ایجاد کارخانه بافت پارچه ابریشمی در لیون از علاقه فرانس -
- ۱۴۶۶ » » اکتشاف کهربائیت و واسطه آن بحث طیب انگلیسی گردید که کلیر نام داشت و از شهر گول چستر بود -
- ۱۴۸۶ » » اکتشاف راس امید و آرابار تالمود یاس کشف نمود
- ۱۴۹۲ » » اکتشاف امریکا و آنرا کریستوف کولبس جینوائی کشف کرد -

سالنامه « کابل »

- درین اوقات سررشته یوسته وقانون درممالک روس اجرا یافته
- ۱۴۹۸ ب م - اکتشاف راه هند شرقی از جهت راس امید -
- » » ۱۵۱۵ - تاسیس مکتب ملکی و دارالعلوم و مطبعه در فرانس
- » » ۱۵۲۰ - ساخت چقیق تفنگچه -
- » » ۱۵۳۴ - رواج فن طبع در بلاد روس -
- » » ۱۵۴۵ - ساخت سوزن دوخت در انگلتره -
- » » ۱۵۶۰ - استعمال تنباکو و عمل سگار -
- » » ۱۵۶۳ - ساخت کاردرم و ج و بیشتر از سنک یا صدف کاردمی ساختند -
- » » ۱۵۷۰ - ایجاد تفنگ چند تیره یا دو میله -
- » » ۱۵۷۶ - اکتشاف سنگ مقناطیس ارضی و آنرا روبرت نورمان نام شخصی کشف نمود -
- » » ۱۵۷۹ - ایجاد آله تقسیم میز آنها -
- » » ۱۵۸۱ - اکتشاف علاقه سایبریا
- اصلاح حساب سته شمسی به (۳۶۵) روز و (۵) ساعت و (۴۹) ناینه و آن را پاپ گریگوریوس
- » » ۱۵۸۳ - سبزه م اصلاح نمود فرق حساب سته شمسی در بین اروپا و ایشیا ازین رهگذر پیدا شده -
- » » ۱۵۸۸ - آغاز طبع جرائد و نشر آن در بلاد انگلیس و بعضی در (۱۶۳۰) میدانند -
- ایجاد چرخه تاریخی هندی و این اولین کارخانه بافت پنبه در انگلتره بوده بعدها در قرن هفدهم در
- » » ۱۵۹۰ - فرانسه نیز رواج یافت - درین اوقات آینه در اروپا اصلاح گردیده و ورق قلمی در پشت آن زدند -
- ساخت تاسکوب و آن دور بینی است که برای دیدن اجسام بسیار دور وضع شده - مخترع
- » » ۱۵۹۳ - آنت کریگوری المانی یا یوحنا لیبسهپی بوده -
- درین اوقات گلیلی ایتالیوی دوران کره ارض را بیان نمود و پیش ازین کبریك نام شخصی از بلاد
- پروشیا در سنه ۱۴۷۳ از دوران زمین بحث کرده بود بلکه فیثاغور و یکی از شاگردان او دو هزار
- » » سال پیش همین سخن می گفتند درین اوقات گلیلی مذکور بندولی را اختراع نمود و مویکینس معلم آنرا
- از بهر وقت مقیاس مقرر کرد و ساعتی ساخت دارای رفتار منظم تا ساعت بانگ مدت باین خوبی رسید .
- نیز گلیلی مذکور درین اوقات بوزن ثقل هوا قائل گردید و شاگردش در سنه ۱۶۳۰ باثبات
- » » رساند که این ثقل معادل است با ثقل ستونی از آب بارتفاع (۳۲) قدم و ستونی از قلمی بارتفاع ()
- (۲۸) قیراط و میزات البرودتی اختراع نمود که مدتی آنرا ابنوبه تر ویشیلی می گفتند
- و اخیراً پاسکال فرانسوی در سنه ۱۶۴۳ آنرا تکمیل نمود و همدرین قرن مؤلفات ادبی یوحنا
- » » در بلاد ایتالی ظهور کرد و او نخستین شخصی است که بیطلان اثرات علم نجوم قائل گشت
- و در نتیجه از اعتبار منجمین کاست و تا آنوقت بدر بار شاهان اروپا قدر و منزلتی داشتند .
- » » ۱۶۱۰ - اکتشاف توابع مشتری -
- » » ۱۶۱۷ - اختراع ماشین ضرب سکه -
- ایجاد مگر سکوب (دوربین بزرگ نما) و آنرا زخیر ماجانسن هولاندی یادریل نام
- » » ۱۶۲۴ - شخصی ایجاد نمود -
- » » ۱۶۲۸ - معرفت حرکت دوران خون و آنرا ولیم ها روی فیلسوف انگلیسی دریافت -

تاریخهای دانستی

- ایجاد ترمامیتر بصورت موجوده (مقیاس الحرارة) و آنرا دریل هولاندی که سابق از و ذکر شد
ایجاد نمود —
- ۱۶۳۸ ب م
ولادت اسحاق نیوتن فیلسوف انگلیس مشارالیه معلوماتی از خود بروز داده و در جمیع
اعمال متعلقه به علوم طبیعی و فلکیه تأملی بخرج رسانده. یکروز سیبی از درخت بر زمین افتاد از آن بقوه
جاذبه (یعنی بقانون ضابط انتظام تمام عالم) پی برد قوه دافعه را که ضد اوست برای حصول
تبادل نیز استنباط کرد. اگر چه بکارت نیم قرن پیش ازین از مسائل دقیق سخن رانده بود. اما
این فیلسوف بایانی روشن تر شرح داد و علما دنباله او را درین باب گرفتند —
- ۱۶۴۲ » »
زراعت برنج در امریکا —
- ۱۶۴۷ » »
اولین آله کهر بایث را ادسون و کریکه هولاندی که او را اوتو دیکریک نیز گویند ساخته و بواسطه
آن دوفای فرانسوی عالم طبیعی آنرا بر دو نوع قسمت کرد یکی زجاجی و دیگری روتنجی - و چون
الکتریک در بعضی اجسام بسیار و در بعضی اندک می باشد نوع اول را مثبت و دوم را منفی نامیدند .
درین اوقات کرد نیال ریشیلو وزیر لوی سیزدهم شاه فرانس در پاریس از برای ارباب علم
انجمنی تاسیس کرد و رصدی بنا نمود که تا کنون معروف است و نیز باغی از برای نباتات ساخت .
ریمیر دتارکی از سرعت رفتار ضوء درین اوقات بحث راند .
- ۱۶۵۰ » »
ماریو پ فرانسی می درین سنه فرق سرعت سقوط اجسام را کشف نمود که یعنی بر حسب مقاومه
هوا و حجم جسم میباشد —
- ۱۶۵۳ » »
ایجاد آله مفرغه الهوا و آنرا اوتو دیکریک مذکور در (مکدبرک) از بلاد پروشیا ایجاد کرد
و آنرا تمبه هوا نیز گویند —
- ۱۶۵۵ » »
علوم طبیعه نیز درین وقت پیشرفت نمود هیئت دانشمندان فیرنسیسا معلم سماع و خواص ضوء و حرارت
و غیره مشغول شدند —
- ۱۶۷۴ » »
عمل شیشه که حدوث باران ازان معلوم می شود —
- ۱۶۷۴ » »
اکتشاف اکسین و مکتشف آن داکتر بریستلی انگلیسی است —
- ۱۶۷۵ » »
و درین اوقات شارل نام معلمی میکا سکوپ را اختراع نمود و از برای نظاره و حصول صور
اجسام که دارای امتداد اندک باشد بکار می رود —
- ۱۶۷۵ » »
اختراع شیشه جاذب ضوء —
- ۱۶۸۲ » »
آغاز ترقی ملت روس بواسطه ترویج علوم و فنون و صنایع مهم در ممالک آنها از هنگام جلوس
پترکیر درین اوقات حرکات ستاره های دمدار کشف شده —
- ۱۶۸۷ » »
ایجاد شیشه های آتشی —
- ۱۶۹۰ » »
عمل پوش مراکب —
- » »
درین اوقات ساوری انگلیسی مقناطیس صنعتی را اختراع نمود آله های بخار نیز ایجاد
یافت و نخست داکتر باین فرانسوی آغاز بعمل آن نمود. آله مفرغه الهوا نیز بیشتر تکمیل گشت
چنانکه بعد هادر ترکیب و اصلاح آن فقط تغییر اندکی پیش آمده .
- » »
درین سنه کلوانی معلم کهر بایث حیوانی را کشف نمود و بنام او منسوب گشت چنانکه آنرا
(کلوانیه) میگویند مشارالیه از بولونیای ایتالیا ست کهر بایث حیوانی بلوس حاصل می شود. بعدها فولته معلم
آنرا توضیح و ستون کهر بائی را وضع نمود و کر: یکس ها نکس بعمل حوضهای کهر بائی آن را بکار برد .
- ۱۷۱۳ » »
آبله کوئی چیچک به چیچک —

- اختراع نوت تقدی در فرانسه — ۱۷۱۵ ب م
- دوربین — ۱۷۲۳ »
- اختراع ماکوی پیران بافت و مخترع آن (کی) نام انگلیسی است ۱۷۳۸ »
- وضع شیشه های اکر دیتک (عدسیه بی رنگ) بر میکروسکوب و موجود آن سلیک معلم بوده ۱۷۴۰ »
- درین اوقات لیبر کهن معلم برلینی مکر سکوب شمسی را اختراع نمود و نامش مکر سکوب شمسی ماند زیرا استناره جسمی که رؤیتش مراد است درین مکر سکوب بواسطه ضیای ذاتی آفتاب می شود نه بواسطه ضیای ظلی درین سنه کارخانه های ریخته گری آهن در انگلتره بوجود آمد »
- اختراع شیشه لید و مخترع آن موشینبر دک و کونیوس اند این شیشه درقریه لید اختراع و بنام آن منسوب گردید — ۱۷۴۷ »
- تقسیم کردن متخصصین جغرافیا؛ زمین را بارانسی اولیه و ثانیه و ثالثیه و غیره — ۱۷۵۰ »
- اختراع آله بر قگیر و مخترعش فرانکلن امریکائی است — ۱۷۵۳ یا ۱۷۵۲ »
- اختراع ماشین خیاطی در بلاد انگلیس — ۱۷۵۵ »
- تاسیس مکتب کوروک و گنگک در پاریس - بعدها در سایر ممالک اروپا ترویج یافت ۱۷۶۰ »
- درین مکتب کوروک را خواندن و نوشتن و ریاضی یاد میدهند — ۱۸۶۴ »
- اختراع ماشین رشتن و مخترع آنها رگر بوزنام انگلیسی است ۱۷۶۵ »
- اختراع انجن بخاری روات انگلیسی مخترع آن بوده ۱۷۶۵ »
- اکتشاف آیدروژن و آنرا کایدلس داکتر انگلیسی کشف نمود. بعدها ماگیر معلم ترکیب آب را از اکسیژن و آیدروژن در یافت و ازین دو عنصر آب بوجود آورد. ۱۷۶۶ »
- ازان بعد بوزیه فرانسوی دانشمند معروف ظهور کرد و در تحلیل و ترکیب ثانوی آب معارف صحیحی بیادگار گذاشت و آن معارف سبب تولد کیمیا ی غازیه گردید — ۱۷۶۹ »
- آغاز کشته بندی بنه در بلاد امریک - ۱۷۷۰ »
- بنای شفاخانه ایتم در مسکو — ۱۷۷۲ »
- معرفت نایتروژن مکتشف آن داکتر روسفورد است — ۱۷۷۶ »
- ظهور فن تنویم مسمر نام داکتر المانی بکشف آن پرداخت - و همدرین سنه بشنل نام امریکائی تاریخ نوی تحت البحری را اختراع نمود ۱۷۷۶ »
- اکتشاف اورانوس و آنرا هرشل انگلیسی کشف نمود. بعدها دیگر سیارات جدید هم کشف کردید هرشل در تلسکوب نیز اصلاحاتی نموده — ۱۷۸۱ »
- اختراع بالون — ۱۷۸۳ »
- اختراع ماشین بخار برای نساجی کارت رایت نام انگلیس آنرا اختراع نمود ۱۷۸۵ »
- ایجاد ماشین میخساز می وجودش برکنیز امریکائی است و درین سنه فوج امریکائی کشتی بخاری ایجاد کرد. و فولتن نام شخصی دیگر از امریکا در ۱۷۹۳ کشتی بخاری دیگری بمیدان کشید. ۱۷۸۷ »
- ایجاد مطبع میکانیکی که خود بخود طبع میکند و موجود آن نیکولسون انگلیسی است - ۱۷۹۰ و همدرین سنه مردوک انگلیسی گاز را برای تنوبرات استعمال کرد. ایجاد ماشین بنه که بنه را از بنه دانه جدا ۱۷۹۰ »

تاریخهای دانستی

- میکنند موجد آن ویتنی امریکایی است
- ۱۷۹۳ ب ۱۷۹۳
- اختراع بطاریه برق (بتری برق) که درگداز و تلگراف کهربائی استعمال می شود، مخترع آن
ولتای اطلالوی است در ۱۸۹۴ و برخی گویند اختراعش را در
- ۱۸۰۰ *
- ۱۷۹۷ *
- اختراع ماشین شانه کردن پشم و پنبه ویت مور امریکایی موجد است —
- اختراع مطبوعه سنگی لوئیس سنفلدر بر اعی الیانی آنرا اختراع کرده و درین قرن سو سو رکه
در علم کائنات جو اولین شخصی ست آلات مقیاس رطوبت را اختراع و در خصوص شبنم، باران و برف
اظهار افکار صحیحی نموده و در سنه (۱۸۰۰ ب م) مرد —
- ۱۷۹۹ *
- ۱۸۰۰ *
- آبله کوبی چیچک از گاو مخترع آن و ارد گنز نام انگلیسی است —
- ایجاد ماشین میکا نیکی بافت که بدون معاونت دست خود بخود بافت قماش می کند مخترع آن
جا کر نام فرانسوی است —
- ۱۸۰۱ *
- درین سنه بیاضی نام شخصی سیاره دیگری را کشف نمود و نام آنرا (سریس) گذاشت . درین
قرن کربون نام شخص دیگری که مشغول تجارب مقناطیسی بود و اظهار نمود که معادن
دیگری هم قابل آنست که مقناطیس شود و وجود عنصر متحد و خفی حرارت را معین ساخت که
استال نام شخصی یکقرن پیش ازان بحث کرده و آنرا عنصر زبانه نام نهاد . بعدها مشیل نام
شخص سومی تشعشع آنرا بر خط مستقیم و انعکاسش از سطح آئینه معدنی و انحصارش در یک نقطه
و قتیکه آئینه مقرر باشد . ثبوت کرد . درین قرن ناپلیون بوناپارت مجموع قوانین کوشی را
وضع و اغلب دول اروپا آنرا دستور العمل ساختند خصوصاً در امور تجاری اکتشاف سیاره سوم
(پلاس) که اولبرس نام شخصی کشف آن نمود و دو سال بعد عالم فلکی دیگری که هارونک نام داشت
سیاره چهارمی را کشف کرد و نامش دسته گذاشت ازان بیعد عده ستارگان مکتشفه از (۱۲۰)
- تجاوز نمود و در قدیم یکی از آنها هم معروف نبوده —
- ۱۸۰۲ *
- ساخت حوضهای کهربائی و چنانکه در سابق ذکر یافت کرویکس ها نکس بساختن آن پرداخته —
- ۱۸۰۴ *
- ظهور نخستین جهاز بجزی که از نیویارک تا فیلادلفیا در بلاد امریکا سفر کرد —
- ۱۸۰۷ *
- استعمال شکنجه های بخاری —
- ۱۸۱۴ *
- اختراع سینتوگراف (مخفف نویسی) را مری نام هولاندی نموده . درین سنه چراغ گاز در لندن
پیدا شد —
- ۱۸۱۶ *
- و نیز در همین سنه ۱۸۱۶ لای نیک فرانسوی ستاتلسکوب آله معاینه امراض را اختراع نمود .
اختراع ایلکترو دینامیک که فرعی است از علم طبیعی و حوادث صادره از تفاعل کهربائی و مقناطیسی
از آن معلوم می شود . مخترع آن ارستیدت معلم طبیعی است که از قصبه کربنهاکن بوده از بلاد اسوج —
- ۱۸۲۰ *
- ظهور کهربائیت بواسطه حرارت و آنرا سینیک معلم کشف نمود —
- ۱۸۲۱ *
- خواندن شمولیون فرانسوی خط هیر و غلیفی را که خط قدیم مصر است —
- ۱۸۲۲ *
- فهرست اجسامی که از جو سقوط یافته از قبیل سنگ و آهن و غبار و غیره . اریو فرانسوی متخصص
طبیعی ترتیب این فهرست را از سنه (۱۴۷۸) قبل المیلاد تا (۱۸۲۴) بعد المیلاد گرفت و عده آن
را زیاده بر (۲۵۰) شمر دولی در صحت آن بعضی انکار نموده بدلیل آنکه در ظرف (۳۰)
سال بعد از (۱۸۲۴) بیش از (۵۰) نوبت سقوط روی داده —
- ۱۸۲۴ *
- اختراع مقناطیس برق و هنری نام امریکائی آنرا اختراع نموده —
- ۱۸۲۸ *

- اختراع راه آهن و آنرا جارج و روبرت ستیفانسون انکلتزه اختراع نمود و اولین سفر آن از لیورپول تا مانچستر بوده —
- ۱۸۲۹ ب م
- اختراع ماشین خیاطی و مخترعش تمونای فرانسوی است . و درین سنه فلتر (آله تقطیر مائعات) را سمن انگلیسی اختراع نمود . —
- » » ۱۸۳۰
- اختراع گوگرد فاسفور متداول امروزه را شاریای فرانسوی اختراع نموده —
- » » ۱۸۳۱
- و هدرین سنه سوواژ نام فرانسوی اختراع پروانه را در جهاز بحری نمود . وی نینگ نام شخص سوی از امریکا ماشین کبل پیرائی را برای کوریه نمودن گیاه ایجاد کرد .
- اختراع ماشین درو و مخترع آن شنلی هسی نام امریکائی است —
- » » ۱۸۳۳
- اختراع تفنگچه چرخدار کولت امریکائی مخترع آن است —
- » » ۱۸۳۵
- اختراع ماشین از مور امریکائی است و درین سنه تلگراف سیمدار برقی را (ویت ستون) انگلیسی اختراع نمود .
- » » ۱۸۳۶
- و پیش از ان مورس نام امریکائی در ۱۸۳۲ تلگراف سیمدار برقی را باصول دیگری اختراع نموده بود .
- اختراع سینتر بوسیکوب (دووربین دو چشمه) برای تفرج و مخترع آن واتستون انگلیسی است —
- » » ۱۸۳۸
- اختراع ساعتی برقی و آنرا ستاینهل نام شخصی از مونیخ مرکز باویریا اختراع نمود و بعد از یکسال واتسون اصلاحش کرد . و درین سنه (رابر) پخته را کودیر نام امریکائی —
- » »
- و فن عکاسی را کورنیس فرانسوی اختراع نمود —
- » » ۱۸۳۹
- و هدرین اوقات یوسف بیهفورینایس فرانسوی فوتوگراف را اختراع نمود و از سنه ۱۸۱۳ ابتدا کرده بعدها با اشتراک دیوگر پارسی در سنه ۱۸۳۹ انجام نمود و درین سنه فوکس سالبوت انگلیسی صورت آشی را بر ورق اختراع کرد و در سنه ۱۸۴۵ مشهور شد و نیز انتظامات شیریه و اصلاحات ملکی و عسکری و تاسیس مدارس رشدی در ممالک ترک وضع گردید .
- عمل آله ذنب برای واپورها و آنرا اریکسون مهندس اسوجی در هنگام اقامت در ممالک متحده امریکا اختراع نمود و پیش از او دوکی نام فرانسوی (سنه ۱۷۲۷) فکری درین باب کرده بود —
- » » ۱۸۴۴
- تلگراف بری درین سنه امتداد یافته .
- اختراع سمنت - جانسن انگلیسی مخترع آنست —
- » » ۱۸۴۵
- و درین سنه تایر را بری برای عراده تاملین امریکائی اختراع نموده .
- اختراع ترابین و مخترع آن فرانسس امریکائی است —
- » » ۱۸۴۹
- امتداد تلگراف بحری —
- » » ۱۸۵۰
- (لو موکو تیف برقی) را وائل امریکائی اختراع نمود —
- » » ۱۸۵۱
- اختراع کاگروس کوب آله که توازن جهازهای طیاره و غیره را نگه میدارد . مخترع آن فوکانت فرانسوی است . —
- » » ۱۸۵۲
- اختراع دوپلکس تلگرافی که در یک آن ازدو طرف بخابره میکند مخترع آن کتی آسترالیائی است —
- » » ۱۸۵۳
- ترکیب فولاد از چودن و آنرا بسمر انگلیسی ترکیب نمود . هدرین سنه رنگهای مصنوعی

تاریخ های دانستی

- اختراع گوید — ۱۸۵۶ ب م
- اکتشاف پترول — ۱۸۵۸ » »
- اختراع داینامو مخترع آن ماجی نونی ایتالوی است — ۱۸۶۰ » »
- اختراع توپ ماشیندار مخترع آن کیت لینگ امریکائی است. و درین سنه کوره برق اختراع گردید. و نیز تصویر متحرک را که نوعی از سینما است سلس امریکائی اختراع نمود — ۱۸۶۱ » »
- اختراع ماشین تایپ و مخترع آن سول لیز امریکائی است. و درین سنه داینامیت را نوبل نام سویدی اختراع نمود — ۱۸۶۷ » »
- آغاز سفر در خلیجی که دولت ترك حفر نمود و باهتام دولیس فرانسوی انجام یافت. این خلیج بحر ایض رابا بحر احمر اتصال داده و بواسطه آن آسیا از افریقا جدا گردیده ۱۸۶۹ » »
- اختراع سلولائیید. مخترع آن هایت امریکائی است ۱۸۷۰ » »
- ایجاد تلگراف خود نویس و موجود آن تامسن انگلیسی است. و درین سنه ادیسن دانشمند امریکائی تلگراف (گوردرو پلکس) را که بایک سیم دریک وقت چهار نفر باهم مخا بره میکنند. ایجاد نمود ۱۸۷۴ » »
- ایجاد تلیفون (بیل) امریکائی موجود آنست ۱۸۷۶ » »
- ایجاد فونوگراف و موجود آن ادیسن امریکائی است. و درین سنه بیوند کردن فلز را بواسطه برق تاسن امریکائی بروی کار آورد. و انجن اختراق داخلی را انوی المانی اختراع کرد ۱۸۷۷ » »
- گروپ برق اختراع ادیسن مذکور است. ۱۸۷۸ اختراع قوس برق مخترع آن برتس امریکائی است و درین سنه موتور پترول را شیلان امریکائی اختراع کرد ۱۸۷۹ » »
- ماشین قیباغ را دولوال سویدی اختراع نموده ۱۸۸۰ » »
- ایجاد ابریشم مصنوعی (سند) مخترع آن شوان انگلیسی است ۱۸۸۳ » »
- ایجاد ترمان بخاری. مخترع آن مارشز انگلیسی است و درین سنه دباغت جرم را شولیز امریکائی اختراع نمود ۱۸۸۴ » »
- اختراع باروت بی دود. مخترع دی ایل فرانسوی است ۱۸۸۶ » »
- اختراع ماشین حروف چینی و مخترع آن لینس تن امریکائی است ۱۸۸۷ » »
- اختراع ماشین حساب. مخترع بروز امریکائی. و درین سنه فلم عکس را گدوایست و ن نام امریکائی ایجاد کرد ۱۸۸۸ » »
- ایجاد سینما و موجود آن ادیسن امریکائی است ۱۸۹۳ » »
- ایجاد تلگراف بی سیم. موجود آن بریس انگلیسی است. و یکسال بعد مارکونی نام ایطالوی نیز با ایجاد آن باصول دیگر موفق شد. و نیز در سنه ۱۸۹۵ اکسریز (اشعه رونتجن) رونتکن المانی کشف نمود ۱۸۹۵ » »
- نموداختراع انجن دیزل، مخترع آن دیزل المانی است ۱۹۰۰ » »
- اختراع رادیو. مخترع ستبل فیل امریکائی است. و درین سنه کورت المانی در نقل عکس بواسطه تلگراف سیمدار موفق گردید ۱۹۰۲ » »
- ایجاد طیاره. برادران ریت امریکائی اختراع آن نموده اند ۱۹۰۳ » »
- اختراع چراغ (گروپ) رادیو و مخترع آن دی فارست امریکائی است ۱۹۰۷ » »
- اخذ نایتروجن از هوا ۱۹۱۳ » »
- ایجاد طیاره هلیوکاپ تر. موجود آن بری تن انگلیسی است ۱۹۱۶ » »
- اختراع طیاره آتوگیر و (خودگرد) مخترع سیروای امریکائی است ۱۹۲۰ » »
- اختراع تیلن ویزبون. مخترع آن بی ارد امریکائی است ۱۹۲۶ » »

مبدأ ظهور کاغذ

اگر در اواسط قرن پانزدهم حینیکه (گیوتامبرگ) Gutemberg المانی (تیپوگرافی) یعنی سیستم چھاپ حروف متحرک را ایجاد کرده بود غیر از کاغذ های خانبالغ یوسقی، کاغذ های پارچه وجود نداشت تا حروف متحرک روی صفحات آنها گردش کنند، گاهی چھاپخانه و امور مربوطه آن انبساط و توسعه حاصل کرده نمیتوانست ایجاد حروف متحرک چھاپ موارد استعمال پیدا کرده رواج و عمومیت کلی بخود گرفت. پس چون رول کاغذ در مدنیت مغرب خواص عمدہ پیدا کرد لازم دیدیم اوراق تاریخ عمومی مدنیت را ورق گردانی نموده تجسس کنیم در چه عصری کاغذ وارد اروپا شده، چطور استعمال آن در اکناف یورپ رواج یافته و اولین موارد استعمال آن چه ها بوده.

اسم کاغذ که بزبان فرانسه (پاپیه) Papier میباشد از کلمه لاتینی (پاپی روس) Papyrus استخراج شده، لیکن اصلاً به موادی اطلاق می شد که غیر از مغز نبات (پاپی روس) که مصریان از آن کاغذ درست میکردند مواد دیگری بود. اصول ساختمان آن عبارت ازین بود که ابتدا از مواد مذکور ورقه ها درست کرده افقاً روی هم میگذاشتند، بعد يك يك سطوح مذکور را مرطوب کرده بالنگرفشار داده همواری نمودند و بالاخره در آفتاب خشک میکردند. در قرون وسطی بعضی اوقات همین اسم (پاپی روس) را به (پاپیه) یعنی کاغذ های پارچه اطلاق میکردند، بعضی مولفین در آثار خود (پاپی رو) (Papiro) و (پاپی را) (Papira) نیز ذکر کرده اند. حتی در يك جائی (شار تابومی سینا) (Charta Bombicina) که آنرا نه (کاغذ ابریشم) بلکه کاغذ که از شهر بامبیکس (Bambyse) قریب الپ آمده باشد میتوان ترجمه کرد و هم اسم برده شده و (شارا کوتی نیا) (Charta Cuttunéa) که کاغذ پارچه ای میتوان نامید هم وجود داشت. کاغذ آخیر الذکر که در اغلب مضامین ازان اسم برده شده غیر مواد (پاپی روس) که عبارت از الیاف نباتات بوده و بعد از مدتی خم و شکست پیدا میکرد یکنوع خمیره بود که آنرا بطریق ذیل تهیه میکردند: ابتدا پارچه های

تکه تکه کهنه را جمع کرده در آب تر میکردند بعد توسط چکش های چوبی یادندانه های چکش نمای چرخشی که بشکل پرّه آسیاب بود و اصلاً آنرا آسیاب هم می نامیدند و بکمک آب حرکت میکرد پارچه های بوسیده را لت مینمودند. در نتیجه تحلیل اجزای پارچه خمیره بدست می آمد که کاغذ های پارچه معموله قرون وسطی را از آن درست میکردند. پارچه های که در ساختمان این نوع کاغذها بکار رفته اند اصلاً خوب معلوم نیست و حالاً تمیز داده نمی شود که کدام کاغذ پارچه و کدام پنبئی میباشد، لیکن از روی تجزیه میکرو اسکوپیک یکی از او راق قدیمه اینقدر معلوم میشود که از پارچه کتان و شاهدانه ساخته شده اند.

در میان اقوام قبل از همه چینائی ها بکار افتاده اند تا این نوع کاغذ را درست کنند و از روی روایاتی که عموماً طرف قبول افتاده معلوم می شود اول کسی که اصول فوق را اختراع کرده است (تسای لون) (Tsai-Loun) چینائی بوده که در قرن اول بعد از مسیح به ایجاد آن نائل شده است موجد مذکور از ساکنین (لی یانگ) (Lei-Yang) ایالت « هونگ - چه او » (Hung Tchéou) ولایت هونان (Hounan) بشمال « کانتن » (Cantan) بوده است. - این کاغذ مدت چند قرن از چین خارج نشده بود تا اینکه در جنگ شاهزاده گان ساسانی بر چین غلبه یافته کاغذ را برای اولین دفعه در ۷۵۱ مسیحی به ایران آوردند بعد یک فایده مهم کاغذ سازی در سمرقند تأسیس گردید و این صنعت جدید بقرار شهادت « طالبی » نویسنده قرن یازده شهرت خوبی پیدا کرده بود. بعد از سمرقند کاغذ به سرعت تمام در تمام عالم اسلام انتشار یافت زیرا بقرار اظهارات رشیدالدین در ۷۹۴ یعنی تقریباً نیم قرن بعد بازار کاغذ فروشی در بغداد تشکیل شده بود چنانچه بعضی نمونه های این کاغذها که عبارت از نوشتجات قلمی عربی و یک ورق حل مسائل ریاضی است (فعلاً در موزیم ملی پاریس موجود است) که در سنه ۹۷۰ بعد از مسیح در شیراز نوشته شده است. در بریتش موزیم انگلستان نیز هم عصر این قبیل اسناد تاریخی وجود دارد.

در طی قرن نهم و دهم با وجود دیکه (یابی روس) یعنی قرار تعبیر عبداللطیف عربی داکتر بغداد که در کتاب مسافرت تخریری قرن ۱۲ خویش آنرا (کاغذ گیاه مصری) ترجمه کرده است در مصر موجود بود اعراب دمشق کاغذ پارچه ای را وارد قاهره و اسکندریه نمودند. کاغذ (پارچه های کهنه) که بر طبق اصول چینائی ها ساخته می شد توسط اعراب در « تری پولی » (Tripoli) و شام و بعد در اسپانیا و جاتی و (Jativa) منتشر گردید.

طرز ساختمان کاغذوارد (کوردو) (۱) (Cordou) مرکز خلافت اسلام در اسپانیا گردیده از آنجا به اوروپای مسیحی منشعب گشت یهودیان اسپانیا برای اولین دفعه در قرن ۱۲ اسباب کاغذ سازی مغرب زمین را ایجاد کردند کشیش آنوقت (کلنی) (Cluny) که موسوم به «پیغ موغیس» (Pierre Maurice) بود و معمولاً او را «پیغ» متبرک میگفتند (۱۱۵۷ - ۱۰۹۴) در طی زیارتی از اسپانیا بعضی حصص مضامین معاهده (Talmud) (تلمود) را بر اوراق پارچه ثبت یافت زیرا در کتب موسوم به (معاهدات برعلیه یهودیان) مرقوم است که مواد اوراق (تلمود) * پارچه های کهنه و یا کدام شی پست تر دیگری * میباشد. لکن کشیش مذکور عقیده خود را نسبت به مواد مذکور تغییر داده بود و آنها را پسانها معلوم شد که از نقطه نظر پروپاگند های مذهبی بوده است.

بعد از اخراج مورها (اعراب) از اسپانیا شاهان «اراگون» (۲) (Aragon) اسباب کاغذ سازی یهودیان را وسیله خوبی برای جلب عایدات در مملکت خویش یافته بعضی فرامینی که مخصوصاً در آن قطار فرمان ۸ فوریه ۱۲۷۳ جیم اول (Jaime. I) را میتوان حساب کرد نسبت بمالیات بندی آسیاب های آنها صادر کردند. چنانچه در اسناد قدیمه تاج «اراگون» در «برسلون» دقیقاً نوعیت این مالیاتهای شاهی مذکور است.

این فابریک های کاغذ سازی یهودیان در «اکراتی و» Xatua یا (ژاتی و) (۳) قریب «والانس» در قرن ۱۲ شهرت بسزاداشته و از طرف مسافرین با تمجید و ستایش زیاد یاد میشود چنانچه ادریسی در کتاب تعریفات اسپانیا اشاره بآنها نموده است بعد هادراثر زجر و تصدیعی که به یهودیان میرسانیدند فابریکهای فوق به شهرهای دیگر نیز انتقال یافت چنانچه یهودیان ابتدا بطرف شمال اسپانیا مهاجرت نموده ابتدا صنعت خود را در شهر «ژغن» Jérone و از آنجا بخاک فرانسه انتقال داده در شهر ناربن Nerbune (۴) و «پرپینان» Perpignan (۵) و Montpellier (من پولیه) (۶) برقرار نمودند. در اواخر قرن ۱۳ آسیابهای کاغذ سازی در بن قسمت ها و حتی قسمت های شمالی و در (شامپانی) نیز تاسیس

(۱) شهری است در اسپانیا که مرکز خلافت خاندان بنی امیه بود و در آن آثار عمرانات و مساجد بزرگ اسلام معمور بوده.

(۲) حصه شمال شرق اسپانیا میباشد که سه ولایت تقسیم شده بود و پایتخت آن (دسارگس) بوده است و مدت مابین در قرون وسطی مملکت مستقلی بود. (۳) شهری است در ایالت (والانس) اسپانیا. (۴ - ۵ - ۶) شهرهای جنوبی فرانسه که قریب سرحدات اسپانیا واقع اند.

گردید. بعد از اینکه یهودیان دسته های زیاد کاغذ را به فرانسه و آلمان و ایتالیا وارد کردند اسبابهای دیگری در (تروایز) Teoyes (۱) و «نورامبرگ» Nuremberg (۲) و مخصوصاً در «فابریانو» Fabiano (۳) که در آنجا به بعضی مراتب اکمال هم نائل گشت تاسیس گردید. طوریکه کاغذ خانباغ پوستی در قرن ۸ مقام پاپی روس را گرفته بود کاغذ پارچه نتوانست به آن سرعت جا نشین کاغذ پوستی گردد زیرا کاغذ اخیرالذکر ویایین نوع اوراق چرمی که از ابرگامنا Pergamena نیز میگفتند و در شهر «پرگام» بپوست بز و گوسفند که بمالش سنگ صیقل میکردند ساخته شده بود بواسطه دوام و صفت کلفتی خود مورد دقت عموم شده بود.

امپراطور آلمان فریدریک دوم (Frederic II) پادشاه سیسیل (۱۲۵۰ - ۱۱۸۴) استعمال کاغذ پارچه را بجهت عدم دوامش قدغن نمود لکن آلفونس پادشاه بصیر «کاستیل» (۱۲۸۴ - ۱۲۵۴) در استعمال هر دو نوع کاغذ احکامی صادر کرد که کاغذ پوستی مخصوص امور مهمه کاغذهای پارچه ای برای سائر چیزها استعمال شود با وجودیکه کاغذ پارچه ای ضدیت های سلاطین را نسبت به تعمیم خود متحسب شد معذالیک در اثر صفاتی که در وجود او مضمحل است سداید و آورده را بر طرف کرده جا نشین کاغذ پوستی گردید - در میان قدیم ترین اسناد اروپائی که روی صفحات کاغذ پارچه نوشته شده میتوان نوشتجات قلمی لاتین را که از دیر «سیلوس» اسپانیا قریب «بورگس» بدست آمده متذکر شد. یکی از آن اسناد عبارت از کتاب Glassairelatiu میباشد که زیاد از دو صد صفحه دارد بعضی صفحات آن در اوراق پوستی پیچیده شده اند در اثر تجزیه واضح نمودند که کاغذ کتاب مذکور از الیاف کتان خیلی تحلیل شده ساخته شده و اوراق آن با صمغ سرش گردیده است در هر دو طرف صفحات آن بازبان «وزیگوتی» Wisigothique تحریر شده و از روی آن می شود تاریخش را به قرن ۱۲ موکول ساخت.

غیر از کتاب مذکور اسناد دیگری نیز از یاد کارهای آن عصر موجود است چنانچه در میان اسناد قدیمه «باسلون» معاهده الفونس شاه بصیر «کاستیل» روی کاغذ پارچه ای موسوم به

(۱) شهر شمال شرقی فرانسه.

(۲) شهر آلمان (۳) شهر ایتالیا.

شار تا کمیونی Chartacamm unis موجود است و علاوه بر آن در کتابخانه « اسکوریال » ترجمه کتاب ارسطو از زبان لاتینی نیز وجود دارد.

درین عصر هنوز هم کاغذ نسبتاً قیمت بلندی داشت تا اینکه مود عمومی البسه نخی لباسهای پشمی را ازین برده برای صنعت کاغذ سازی زمینه ترقی را وسیع ساخت بلی پارچه های کهنه البسه جات برای ساختمان کاغذ کمکی زیادی کرد و در نتیجه قیمت کاغذ پارچه ای نسبت بکاغذ پوستی تنزل نمود.

در آن فرصتی که راهبین صفحات کاغذ پوستی را ناخن زده تراش میکردند و کاپی نوشته جات قلمی نویسندگان قدیم را شسته برای احتیاج خود صفحات سفید آماده میکردند اگر کاغذ پارچه ای بنوبه خود ظهور نمیکرد و صفحات سفیدش را برای مضامین محتاجان و شائعات مختلفه تقدیم نمیکرد شاهکارهای ادبی قدما همه ازین میرفت. پس رول کاغذ چه از نقطه نظر تاریخ تجارتنی و تخنیکی و چه از روی انبساط مدنیت فوق العاده قابل ملاحظه است.



اختراعات

گلوله سوراخ کننده زره پوش

سرا برتها وفلید صاحب موسسه اسلحه سازی در شهر شفیلد (انگلستان) را جمع به اختراع مری فوق العاده عجیبی که موثرهای زره پوش را سوراخ می کند توضیحاتی داده چنین گفت :

یک مری که قطر آن ۳۷ و نیم سانتی بود به یک تخته فولادی که مخصوصاً بغرض حفاظت تانک تقبل و جهازات زره پوش جنگی ساخته شده بود و در ستبری ۳۷ و نیم سانتی بود فیر شدگلوله مذکور بدون اینکه بشکند صفحه فولادی را سوراخ و تکه را ازان جدا ساخت که وزن آن ۳۲۰ کیلوگرام بود .

سرعت سیر آن بقدری بود که پس از عبور از صفحه فولادی ۹۰ میل دور تر افتاد و باندازه کم آسیب بگلوله رسیده بود که ممکن بود مجدداً آن را استعمال نمود .

اختراع آله عکاسی جدید

یکی از طیاره های امریکا در این اواخر توانست که از ارتفاع (۲۱) هزار قدم ذریعه دستگاه عکاسی شهر هائی را که در امتداد ۲۵۰ میل باشد از هر طرف عکس بردارد چنانچه سن فرانسیسکو ، و مونت شان را که مسافت بین آنها (۲۵۰) میل است عکس برداری نموده قوه این دستگاه عکاسی اشعه نوری است که ماوراء مرخ است و آن دقیق ترین دستگاه عکاسی است که علم توانسته اخیراً آن را اختراع نماید و از وی اینگونه کارهای حیرت آور را استفاده کند .

برای مبارزه با یخهای شمالی

چیشریکف مهندس شوروی اختراعی کرده که برای تسلط طرق بحری شمالی اهمیت زیادی دارد . اختراع مزبور عبارت از دست گاهی است که با سرعت زیادی آب می پراند لوله آب که با سرعت ۶۰ الی ۹۰ متر در ثانیه سیر میکند هر آنچه که بر سر راه باشد حتی جسم های سنگی را هم خورد میکند استعمال این دستگاه در کشتی های یخ شکن تسهیلات زیادی برای پیشرفت کار یخ شکن ها فراهم می آورد .

مخلوط فلز جدید

یکی از علمای شیمیای مخلوط جدیدی تهیه نموده که از فلزات مخصوصه است و صد یک آن مس میباشد این مخلوط دارای خاصیت مخصوصی است که ابدأ زنگ نمی زند ، و مانند آینه صاف و صیقلی میگردد ، و ممکن است آن را بواسطه حرارت کمی نرم نموده و موقعیکه سرد شد مانند فولاد محکم میگردد .

رادیوی تحت البحری

دو مهندس فرانسوی دستگاه بی سیمی اختراع نموده اند که بواسطه آن ممکن است با تحت البحری ها در اعماق دریا مکالمه کنند این اختراع تحت تجربیات زیادی درآمده و موفقیت کامل از آن دیده شده و بنابراین ممکن است بین تحت البحری ها که در دریا مشغول شنا هستند با سایر کشتی های روی دریا و غیره م صحبت گردد.

جاروب میکانیکی

در خیابانهای پاریس جاروبهای میکانیکی موسوم به عراد های دستی با چهار چرخه اطفال که بدست می برند بکار انداخته اند که در بین دستگاه چرخشی اسطوانه ایست که بقوت تمام از طرف خود گردیده و خیابانها را به کمال خوبی نظیف مینماید.

آدم مصنوعی

تنها احتیاج، محرك ایجاد نیست بلکه يك قوه ابداع و ابتکار در انسان موجود است که او را به ایجاد انگشت های از فولاد موفق نموده است که پارچه لطیفی را چنان محکم بیافند که انگشت بشر قادر به چوبه عملی نباشد و همین قوه ابداع است که اکنون جای گزین تمام اعضای و عضله فعاله بشری گردیده و به استعانت و قوه الکتریکی تمام کارهای که انسان انجام میدهد، بهتر و دقیق تر انجام دهد این آدم مصنوعی با شکل مختلفه ساخته شده بعضی از آنها صورت شخص باهیکل کامل مییاشد که بنام (روبو) نامیده شده و بجای (مترسک) که مادر مزارع و فالیز های خود نصب میکنیم آنها او را در باغها و مزارع و تاکستانها و نارنجستانهای خود برای ترساندن وحوش و غیره نصب مینمایند و بسیاری از کارهای انسان را « رو بو » یا « مترسک » میکانیکی (همین طور باید آنرا نامید) انجام میدهد. در فلورید شخصی است که دارای چشمهای الکتریکی میباشد و انواع فوا که فرضاً سنگتره رسیده را از نارس، و زرد آن را از سبز چنان بخوبی تشخیص داده و موقع خود دانه دانه بدقت می چنبد که اشخاص دیگر با چشمهای عادی قادر به انجام آن عمل نیستند، در بعضی از کارخانه های بزرگ شخصی است که همیشه در آتشفشان ذغال سنگ کارخانه چشم دوخته که همیشه میزان فروزش آتش را بیک حال نگاه دارد، این آدم مصنوعی هیچ وقت ازین کار خسته نشده آتش را بیک میزان معین مراقبت کرده نگاه میدارد و از رنگ لهب فروزان آتش قوه وضعف آنرا تشخیص داده بطوریکه متخصص ترین آتش اندازان، قادر به انجام آن نیستند:

آدم مصنوعی دیگری بشکل دختر ساخته شده (۲۴) ساعت بدون انقطاع با ماشین تحریر کار میکند و احتیاجی بخوردن غذا و استراحت ندارد یکی از کمیانی های تلگراف امریکا این دختر مصنوعی را به ریاست و نظارت (۱۱۰) نفر مستخدمه در کمیانی مزبور گماشته که مراقبت نمایند تا احدی از آنها در انجام وظائف خود تامل نورزند و این وظیفه را بهتر از رئیس اداره انجام میدهد. از همین قسم آدمهای مصنوعی یا انسان میکانیکی برای پاسبان هم ساخته اند که تمام شب بیدار و همینکه احساس مینماید دزدی نزدیک شده زنگ اخبار را بصدا در می آورد یکنوع دیگر آن است که مامور اطفای حریق و آب پاشی است که غالباً در سقف تجارتخانه های بزرگ منصوب و همیشه در حس بکند در یک گوشه حریق حادث گردیده فوراً آن آدم مصنوعی بهان نقطه مخصوصی که حریق حادث شده شروع به آب پاشی میکند و همین آدم میکانیکی از باز شدن دهان لوله آب اماکنی را که حریق بآنها سرایت

نکرده است جلوگیری نموده و هم او مامور تلمبه ها بوده موقهیکه آب کم است آنها را باز و وقتیکه زیاد است می بندد و در ترکیب و ایجاد این اشخاص میکائیلی طریق تفنن نیز ینموده اند تا جائیکه شخص از شرح و تفصیل آن دچار شگفت و اعجاب میشود، مثلاً جواب تلفون را داده و آنچه به او میگویند به ارباب خود یا تلفون اطلاع میدهد، مهمترین امتیازی که انسان آبی یا آدم مصنوعی (میکائیلی) موثر در زندگی و حیات اجتماعی دارد تحمل او در کار کردن است که چه بدون خستگی اتصالاً قادر است کار کند مثلاً یک نفر کارگر در آتش خانه کارخانه نمی تواند دائماً چشم به آتش دوخته مراقبت نماید زیرا بالاخر حرارت او را اذیت میکند ولی انسان میکائیلی بر عکس، این عمل را علی الدوام انجام میدهد علاوه از آن کارگر من بور هر گاه چشمش در اثر این کار خراب شد صاحب کارخانه مجبور است او را متقاعد و مستوری برای اوتئین کند ولی در استخدام انسان میکائیلی این فکر آتی وجود نخواهد داشت در یکی از کارخانه های نیوجرسی امریکا اعلان الکتریکی بزرگی با مخارج هنگفتی ایجاد گردید موسسه من بور همیشه از مستخدمی که مامور روشن و خاموش کردن اعلان من بور بود شکایت داشت زیرا بدقت بموقع خود شامی های الکتریک را فشار نداده اکنون باین کار گماشتی یک آدم میکائیلی چنان بدقت این عمل انجام می شود که هیچ انسان دقیقی قادر بانجام آن نیست و این دقت عمل او هم بواسطه این است که بمحض افتادن سایه بچشم او متاثر گردیده عمل خود را مرتب انجام میدهد، همچنانکه در موسسات بانکی نیز این عمل انجام شده زیرا بمحض اینکه دزد وارد موسسه گردید وسایه او چشم انسان میکائیلی را در آنجا متاثر کرد فوراً زنگ اخبار بصدا در می آید.

ماشین حساب و باطل نمودن تکت پسته

لاردملچت در حالیکه نمایش اشیای مجرب تجارت در وائیت سنی لندن افتتاح نمود در خطبه افتتاحیه خود متعلق سوال خوش بینان اوضاع تجارت آتی را که میگویند عالم امروزه در امور تجارت مجرب تر شده می رود تصریحات داده اظهار نمود؛ کسانیکه طرفدار عقیده مذکور میباشند یقیناً درین نمایش اشیای متعددی را مؤید عقیده خود خواهند یافت چه بعضی لوازم در نمایش جدید از آن قبیل اشیای فراهم گردیده کاریکه قبلاً در چند روز انجام می شد حالا ذریعه آن در یک ساعت ختم شده می تواند بر علاوه آن آنها خواهند دید که بعضی اشیای نایاب نمایش آن کارها را بدون غلطی با نهایت آسانی تکمیل کرده میتواند که تا این وقت محتاج دقت دماغهای عالی عالم انسان بوده، مامورین پسته که شب و روز نقری زیادی را برای باطل ساختن تکت ها و مهر و لاک کردن لفافه ها استخدام و درانت کار آنهاک میورزند، خواهند دید که دماغ انسانی برای آنها چنان آله جدیدی را اختراع نموده که در هر ساعت تقریباً (۱۲ الی ۱۰) هزار تکت را بمعاونت یک نفر باطل ساخته میتواند، این ماشین جدید خیلی قابل تقدیر است چه پول زیادی را استفاده خواهد نمود، چندی قبل دو عدد این ماشین بطور تجربه بکار انداخته شده بود میلیون ها پاکت و مراسلات را در ظرف ۱۵ روز کشیده و تکت آنها را باطل نموده است یک ماشین جدید محاسبه نیز در نمایش مذکور نشان داده شده که بدون غلطی اعداد را شمار مینماید، درین اواخر یک ماشین جدیدی اختراع گردیده که از نایب معمولی بزرگتر نبوده برای محاسبات دکا نداردها خیلی مفید ثابت شده، نمایش مذکور قفل جدیدی را برای دفاتر تهیه نموده که بدون معاونت انسان ظاهر خواهد کرد که بعد از ختم شدن وقت دفتر کدام شخص نزد او آمده بود و تا چقدر وقت آنجا ماند، تایپ

جدیدی نیز اختراع گردیده که بدون معاونت انسان می تواند سواد سه هزار مکتوب را در ظرف یکساعت بردارد علینذا چنان ماشین جدیدی بدست آمده که در هر ساعت ۲۵ هزار ادرس را بر مکانیب و یا کتبا تحریر مینماید.

عکس خود را خود برداشتن

مستر ولیم نار بری، طریقه را ایجاد نموده که مطابق آن هر کس میتواند عکس خود را خودش بردارد. این ایجاد آنقدر سود مند ثابت شده که یکنفر کار را که در لواحق مسکن موجد کار میکرد و موجد اشتباه داشت که مرغهایش را دزدی می کند گرفتار ساخته توانسته است.

بنام علیه ایجاد مذکور برای دزد های عصر حاضره نیز خطر بزرگی را تولید مینماید چه می تواند عکس آنها را بدون آنکه خبر شوند بردارد قرار ضرب المثل معروف « ضرورت ما در ایجاد است » مستر ولیم نار بری با وجود اشتباه به هیچ طریقه سرب کار را در حین دزدیش گرفته نمی توانست بنام علیه تا چندی بعد از دقت زیادی به این فکر رسید که طریقه را ایجاد نماید که مطابق آن هر گاه دزدی برای دزدی کردن مرغ های او در مرغانچه بیاید بدون آنکه بداند عکسش برداشته شود چنانچه کیمرای خصوصی را در مرغانچه به این طریق گذاشت که هر کس در مرغانچه داخل شود شتر آن باز گردد بعد از آن آله دیگری را ایجاد نمود که هر وقت سارق روی خود را از دروازه متقابل کیمرا آشکار بسازد کلیک (تک زدن برای گرفتن عکس) را خود بخود به انداختن ممکن ساخته بتواند چنانچه به این ترتیب سرب کار وقتیکه وارد مرغانچه گردید عکسش برداشته شد موجد، عکس را گرفته در محکمه محلی دعوی دایر کرد و عکس را بطور شاهد پیش کرد که در آن مرغ در دست مجرم بود بوقت محکمه قاضی استفسار کرد که عکس مجرم را کدام شخص برداشته است مدعی جواب داد که خود مجرم چنانچه تمام احضار آیین جواب متعیر شدند.

توپ جدید طیاره

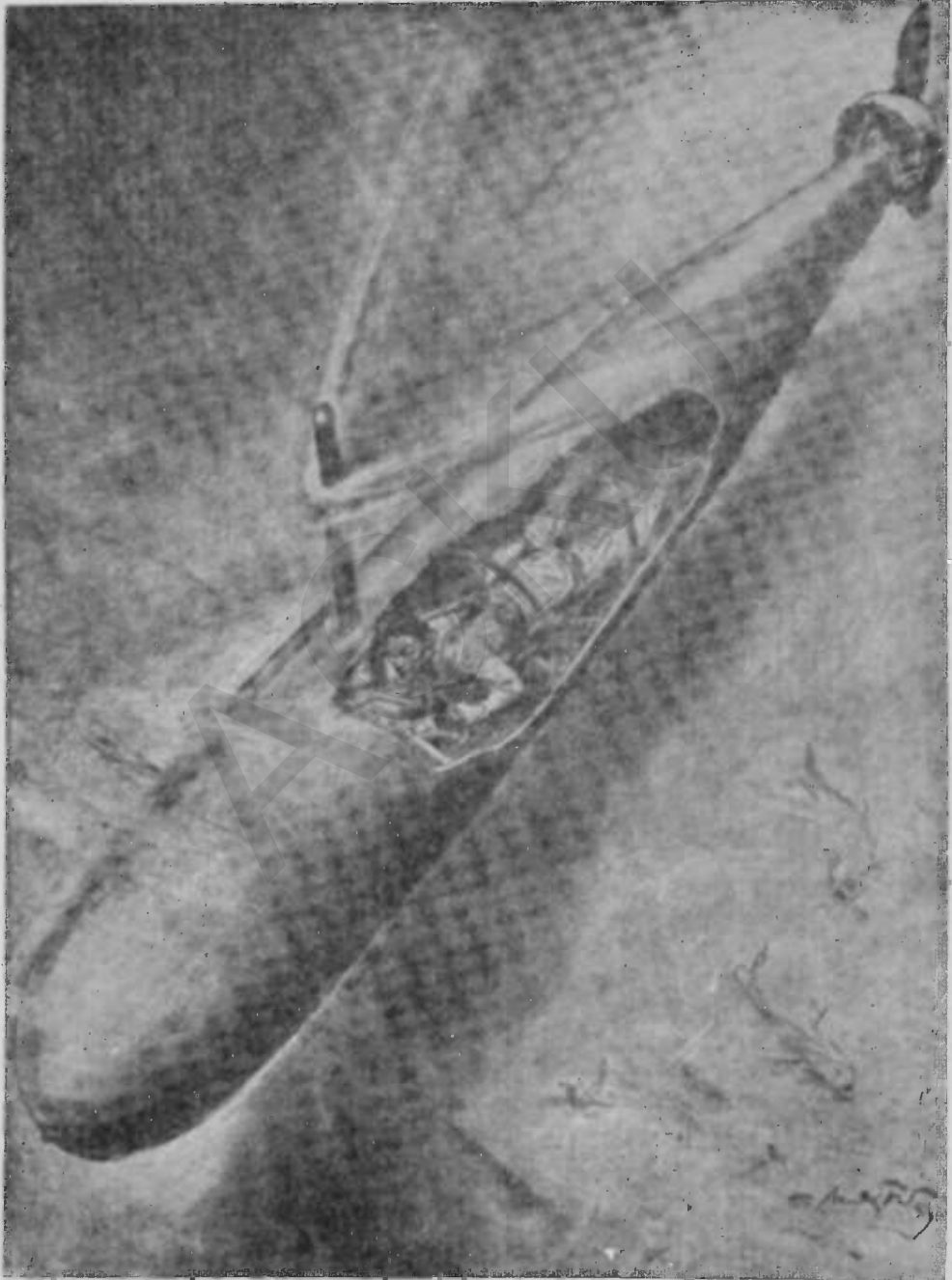
پاریس ه عقرب :- قرار اطلاع یکی از جرائد هفته وار پاریس در کارخانه موران سولنر یک رقم توپ جدیدی جهت گذاشتن در طیاره ها ساخته شده که تجربه های ابتدائی آن بعمل آمده نتیجه قناعت بخشی داده است وزارت فضائی فرانسه قبلاً نیز ساختن بگونه توپ جدید ترا برای طیاره ها به پارلمان فرانسه اطلاع داده بود.

رابر ترکیبی

مؤسسه کیمیاوی لینن گراد راپور موفقیت خود را در باره حصول رابر ترکیبی از انسی میلیون به حکومت سویت تقدیم نموده است، شعبه تحقیقات امور کیمیاوی لینن گراد نمونه های متعدده این رابر ترکیبی مؤسسه کیمیاوی لینن گراد را تحت امتحان دقیق خود گذاشته به اثبات رسانید که رابر مؤسسه مذکوره از مواد مختلفه خام ترکیب یافته در بسا امور از رابر اصلی اعلی تر است، شعبه تحقیقات امور کیمیاوی ادعای نماید که مصرف حصول رابر ترکیبی کمتر از رابر اصلی بدست می آید در مستقبل قریبی مؤسسه مذکوره را این اقدام، قابل این امر خواهد ساخت که ذخائر عظیم الشان را بر ترکیبی را حاصل دارد.

تارییدوی زنده

از خبریکه مانازده از توکیو گرفته ایم فابریکات دولتی جاپان بساختن تارییدوی قیام نموده اند که از تارییدوهای



تارییدوی زنده

عمومی دنیا فرق کلی دارد. و تاریدوی مذکور از نقرار است که شخص در بین آن جای گرفته می تواند ذریعۀ سکان بهر طرف میل نماید، درین صورت در صد صد اصابت به جهاز دشمن ممکن است، یعنی چون زمام اداره و حرکت تارید و بدست شخص در ایور آن است می تواند با اراده و خط حرکت معین خود جهاز دشمن را تعقیب کند.

اگرچه شخصیکه در بین تارید و جای دارد حیات خود در افدا منباید مگر مرگ او البته به ناپود کردن چندین نفر دیگر از طرف دشمن و جهاز دشمن مبادله میگردد که به این وسیله خدمت بزرگی بمملکت خود کرده خواهد بود.

در اوائل همین سال وزارت حربیه جاپان برای همچه کاری داوطلب خدمت اعلا ت نمود و چهار صد نفر را خوش برضادعوت کرد تا چته تجربه حیات، خود را فدای این خدمت نمایند ولی بالقابل دعوت دولت یعنی به عوض چهار صد نفر پنج هزار نفر فخری خود شان را بوزارت حربی معرفی نمودند.

توپ جدید

روح سلحشوری انتشار زیادی در جاپان مخصوصاً پس از قو حاکمیکه در شرق اقصی نصیب عساکر جاپان گردید. پیدا کرده است انظار جاپانی ها متوجه شتون نظامی خود گردیده و اصلاح آن مورد کمال توجه قرار گرفته است از طرف دولت جاپان اداره تشکلات خاصی برای مطالعه انواع و اقسامه غاز ها و تهیه آن تاسیس گردیده است که متخصصین عالی رتبه شمسی در آن عضویت دارند اخیراً یکی از صنعتگران بزرگ جاپان اختراع جدیدی نموده و تقدیم وزیر جنگ جاپان کرده و اختراع مزبور مورد شگفتی و اعجاب محافل سیاسی و فنی واقع گردیده است این اختراع عبارت از توپ کوچکی است که از حیث وزن (۴۵) کیلوگرام سنگینی آن است و در هر دقیقه ۶۰۰۰ گلوله بدون اینکه صدائی از آن شنیده شود فیرمی کند و چیز که در اختراع مزبور مهم است آنکه با نطق کاری کند و هیچگونه صدائی ندارد و بدیهی است که استعمال آن در حمله های شبانه مفید و برای پیش قراولی سیاه منتهی درجه مورد استفاده است.

پودر جدید در روشنی انداز

برلین یکی از انجنیرهای المان به اختراع چینیک سفوف نیلی رنگی کامیاب شده که اگر یکمقدار از آن در یک آله مخصوص سوختانده شود ظلمت شب را به روشنی که عیناً مانند روز باشد مبدل می سازد انجنیر مذکور عقیده دارد که ازین پودر میتوان در محارباتی که بهنگام شب واقع شود کار گرفت.

صندوق آهنی جدید

یکی از مهندسین امریکا صندوق آهنی جدیدی را اختراع نموده که وقتی دزد بخواد آنرا باز کند یا بشکند یا از موضعش نقل بدهد غازی از آن بیرون می آید که چشم را کور کرده و حالت شبیه به بیهوشی برای دزد دست میدهد جدیداً چند نفر دزد در صدد برآمده خواسته اند یکی از بانکهای شکا کودست بزنند بمحض اینکه مشغول باز کردن یکی از صندوق شده غاز مزبور باعث کور شدن چشمهای ایشان گردیده و پولیس رسیده آنها را دستگیر نموده است.

وسیله گرم کردن اطاق

شرکت (وستنهاوس) که بزرگترین کمپانی برقی دنیا است اخیراً طریقه خاصی را برای گرم نمودن منازل و اطاقها بدون دستکام مخصوص اختراع نموده و این طریقه سری از اسرار صنعت و اختراع است آنچه تصویری رود عمل گرم نمودن را بوسیله روغن مخصوص که بدیوارهای اطاق میآلند و مولد حرارت است انجام میدهد و تقابل و تزئید حرارت حسب اراده شخص است.

گلوله آدم افکن

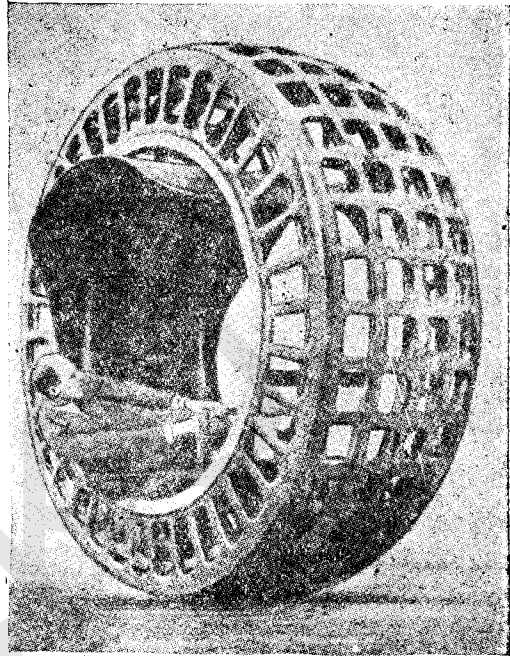
روزنامه (سندی و فیری) از برلین اطلاع گرفته که یکنفر انجنیر المانی موسوم به (اوتوفیشر) چنان یک گلوله جدیدی را اختراع کرده است که بر او ۱۰۰ متر باشد آن انسان از یک نقطه به نقطه دوری برتاب شده و سلامت در آنجا میرسد. این گلوله یا (فوزه) آدم افکن ۶ متر بلندی دارد و در امتحان اول که در جزیره اوگن صورت گرفت (بروتوفیشر) برادر انجنیر مزبور بوسیله آن ۲۰ کیلومتر دورا فکنده شده. صحیح و سلامت بر زمین فرود آمده. نامبرده در موقع پائین آمدن گلوله پاراشوتی را که در آن تعبیه شده باز نمود و به این قسم بدون صدمه بر زمین نشست. مدت طیران گلوله (۱۰) دقیقه و ۲۶ ثانیه دوام کرده بود هر دو برادر مزبور بواسطه این اختراع شان که در صورت تکمیل یکر و زهترین وسیله برای رسیدن انسانها به سیارات خواهد شد از طرف (انجمن اختراعات) المان جوایز بزرگ و نشانهای معتبر حاصل نمودند.

چشم برقی برای کورها

متخصصین علم معالجه انگلستان چنان چشم برقی را برای کورها ایجاد نموده اند که اکثریه از شفاخانه های معالجه چشم آنرا در طرز معالجه خود شامل کرده تا حال یک تعداد زیاد کورها را بینا ساخته اند، یکی از متخصصین علم معالجه چندی قبل بیان نمود که کامیابی چشم برقی ۷۲ فیصد میباشد چنانچه بسیاری از کورها را باین وسیله صحت یاب ساخته است، از سالهای درازی متخصصین معالجه چشم در پی معنومات طرز علاجی بودند که مطابق آن وقتیکه شبکیه (ریتینا) چشم منفصل گردد دوباره بحال اولیه اش آورده شود، شبکیه چشم مانند فلم کیمرا میباشد چنانچه ممکن است در بعضی کوائف از چشم بیفتد، معالجه چشم برای اعاده اوضاع سابق شبکیه چشم دائماً مریض را بر روی می خسانند و تا هفته های زیاد بهمین طریق نگاه میداشتنند تا شبکیه بحالت اولیه خود آمده بتواند، بعضی جراحان پشت چشم را نیز بطریق گوناگون داغ میکردند تا شبکیه آن را دوباره بحالت اصل بیاورند. جراحان عصر جدید طریق معالجه قدیمی را گذاشته برق را در معالجه خود شامل کرده اند؛ درین طرز علاج جریان زبردست برقی استعمال میگردد چنانچه قطب (الیکترود) خصوصی را استعمال نموده نهیج پیدا می کنند که باعث اعاده شبکیه میگردد در نتیجه شبکیه دوباره بحالت اول عودت می یابد اگرچه این طرز علاج تا حال از عهده امتحانات خیلی وسیع برآمده نتوانسته ولی باین هم تا اندازه که استعمال شده کامیاب ثابت گردید.

موتريك چرخه

در انگلستان بنام « دی ناسفر » موتريك چرخه اختراع کرده اند که يك الى ۲ نفر در آن نشسته و سفر کرده می توانند ، را کین مزبور در وسط خود موتريك که به شکل يك هرابه بیرونی موتريك و خیلی بزرگ است جایگیرند . ماشین موتريك بانشین گاه اشخاص در وسط عرادۀ جادارد و هر دو در گردش عرادۀ بزرگ يك حال باقی بوده و روی گوت های کوچکی بالای عرادۀ بزرگ می لغزد ، هرگاه جای نشین و ماشین بالا برده شود بذریعۀ وزن آنها مرکز ثقل تغییر می یابد و در اثر همین تغییر موتريك که بقرار فوق از يك عرادۀ مرکب است متحرك میگردد .



ماشین این موتريك فقط دو نیم اسپ قوت دارد . در زمان تجربۀ ، این موتريك با يك ماشین کوچک سرعت خوبی نشان داده تا ۴۸ کیلو متر فی ساعت قطع کرده توانست . اداره این اتوموبیل به اساس بایسکل است که بذریعۀ وزن جسد را کب اداره میگردد به این قسم که اگر راننده بطرف راست میل کند موتريك بطرف چپ دور مینماید و برخلاف .

اکنون عدۀ زیادی از علما مشغول مطالعه میباشند ، برای اداره آن لنگر های مخصوص به مثل لنگر های مخصوص شبیه به لنگر طیاره و غیره تعبیه می نمایند . اگر چه قراریکه در تصویر آن دیده می شود این موتريك از شبکۀ فلزی تشکیل یافته و مد نظر را کب را شبکۀ مزبور باید بگیرد ولی باید دانست که از روی اصول فیزیک چون جالی نما به سرعت حرکت کند نظر را نمی گیرد و شفاف میشود .

آلۀ معلوم کردن ساختمان قشر زمین

دو نفر عالم فرانسوی موسوم به هولویک و لوژی پس از تجربۀ های زیاد چنان آلۀ را اختراع کرده اند که بواسطۀ آن می توان ساختمان قشر زمین را بدون تحقیقات مخصوصه معلوم نمود ، این آلۀ عبارت است از يك بار و متر (میزان فشار هوا) و يك ذره بین و چند اسباب مخصوص دیگر ، اختراع این آلۀ در عالم طبیعات اهمیت فوق العادۀ دارد زیرا تاکنون معلوم است که ساختمان اراضی بسیار اشکال داشت .

غاز جدید

موسیو برته و موسیو دوریه منتظمین مؤسسۀ ادویۀ فرانسه بعد از تجارب طولیه اعلان کرده اند که آنها چنان غاز مهلکی را دریافت نموده اند که هیچ ماسکۀ موجوده در راه دفاع آن مزاحم شده نمی تواند و علاوه می نماید که طرز ساخت غاز مذکور آن قدر سهل است که تمام ضروریات دفاع ملی فرانسه در ظرف ۸ روز تهیه شده می تواند آنها از اظهار اسرار غاز بحدی خودداری دارند که حتی بحکومت فرانسه هم ترکیب و اجرای آن را تا آن وقت اظهار نمی کنند که دشمن بر حدود فرانسه حمله نماید .

مقیاس جاذبه

مخترعی از امریکا آله دقیقی برای قیاس جاذبه قمر اختراع کرده که دقت آن در نهایت ظهور است چه در بین جاذبه واقع بر سطح زمین و بر ارتفاع چند قدم بخوبی فرق مینماید. میگویند این آله برای بحث از معادن زیر زمین بکار می آید زیرا اثر معادن برین آله آشکار است که تاثیر میکند.

مقناطیس الکتریکی

برای بلند کردن گلوله های تورپیدو از بین بحر

در انگلستان مقناطیس الکتریکی برای کشیدن گلوله های تورپیدو از بین بحر ترتیب شده و این آله جدید بقوای بحری آن دولت اضافه گردیده است، بمسئله درین اواخر در مشقهای حربی بحری م آنرا استعمال میکنند، این آله يك مقناطیس الکتریکی است و ۱۵۰۰ کیلوگرام وزن دارد، معلومات صحیح درین باره پوره نشر نیافته مگر اینقدر معلوم شده که این آله برای کشیدن پارچه های فلزی و گلوله تورپیدو از قعر بحر و از چنان عمق ها کامیاب گردیده است که تا بحال اشخاصیکه در قعر دریا با ادوات سیر مینمایند به آن کامیاب نگردیده اند.

طیاره که در آب غرق نمیکردد

شرکت طیاره سازی معروف انگلستان موسوم به (آرمسترانگ - سیدلی) بساختن طیاراتی شروع نموده که بوسیله آلات مخصوصه قطعاً در آب غرق نمیشود، موتور این طیاره به هوا سرد میباشد و ذریعه عراده در خشکه و بواسطه سلیرهای مخصوص در آب نشسته میتواند، بدنه و بالهای آن دارای چنان بالونهای است که بوقت ضرورت بوسیله بمب هائیکه در خود طیاره نصب است با هوای زیر فشار آمده، پر میگردد و اینقسم طیاره در روی آب مانده غرق نمیشود، طیاره جدید مذکور مخصوص کشتافی و بمباردمان است.

اتوژیر جدید

شرکت اتوژیر سازی انگلیسی موسوم به (سیر و کمپنی) ساختمان پنج عدد اتوژیر سفری را از طرف وزارت حریه برطانیه فرمایش گرفته است. (اتوژیر، طیاره را میگویند که از يك نقطه عموداً بلند می شود) این طیارات در جنس بزرگ ترین این رقم طیارات خواهد بود که تا کنون در انگلستان ساخته شده. ماشین این طیارها (۵۰۰) اسب قوت دارد. سرعت انتهائی ۲۵۶ کیلومتر و سرعت وسطی ۲۰۰ کیلومتر در ساعت است، سرعت آن در وقت نشستن فقط ۳۲ کیلومتر در ساعت میباشد. برای پرواز این نوع اتوژیر میدانیکه ۶۵ متر طول داشته باشد کفایت میکند.

ماشینکه سیخ های آهنی را کج کرده مثلث و مدور میسازد

جوانی از اهل مصر موسوم به احمد عثمان اسماعیل که فعلاً مامور دستگاه «جبل الزیتون» میباشد اخیراً باختراع يك ماشین که سیخ های آهنی را کج کرده حلقه مثلث و مدور بسازد موفق گردیده است استماع این اختراع جم غضیر مهندسین را بشک انداخته مخترع را احضار نموده با او مذاکره و مباحثه کرده اند ولی مخترع با دلایل واضحه آنها را قانع نمود بفر مهندسین مزبور این اختراع در استعمال خطوط آهن قابل اهمیت است.

اختراع ماشین رخت شوئی

آکادمی سائنس بلدیہ مسکو به اختراع چنان يك ماشین برقی رخت شوئی موفق گردیده كه بذریعہ آن ہم صابون كم بصرف میرسد و هم لباس را بارہ نمیکند آکادمی مذکور صد عدد ماشین های مذکور را به اهالی مسکو تقدیم نموده تا از آن استفاده و تجربه بنمایند .

راکت جدید

(یوگنسی نام) مهندس که مخترع راکت جدید از مخاطرات جهاز های بحریه بوده و ادعای نماید که این راکت بذریعہ ملاحان آن جهازیکه در شرف غرق شدن باشد فیر گردیده و به اینوسیله جهازات دیگر را از موضع خود اطلاع میدهد در زمان نایش معلوم شد که ، مقصد کلی این راکت حفاظت جان راکبین آن جهازیست که دچار مخاطره گردیده باشد در آن وقت این راکت چنان روشنی را بوقت فیر خود تولید میکند که از فاصله ۲۰ میل بنظر می رسد این راکت که در آب انداخته شود نیز خود بخود روشن گردیده خیز بلندی مینماید ، راکت مذکور در آخرین خط سیر خود نیز چنان روشنی تولید می کند که باراشوت به آن وابسته است قرار معلوم این روشنی آخرین از (۱۰۰ الی ۱۲۰) ثانیه دیده میشود . در نمایشی که یکی از این راکت ها انداخته شد بعد از ۹۸ ثانیه منفلق گردیده و را ساء در فضا بلند شد ولی بسببی که سحاب فضای آسمان را احاطه نموده بود اثر روشنی آن بسیار زیاد محسوس نگردیده محققین اندازه مینمایند که سایر نخرانی های موسمی بر کار روانی راکت اثر بدی انداخته نمی تواند .

کبریت جدید

یکی از امریکائی ها کبریت جدیدی اختراع کرده که تمام نمیشود به این معنی که یک چوب آنرا ممکن است هزاران دفعه بدون اینکه تمام شود روشن کرد ، این چوب کبریت یکچوب فلزی است که با مواد کیمیائی به عمل آمده عیناً به شکل چوب کبریت است و بعد از استعمال آن خاموش می کنند و در قطعی میگذازند تا هر چند دفعه دیگر که میخواهند مورد استعمال قرار میگیرد .

ترازوی جدید

درین اواخر جدیداً ترازو ساخته شده ، بعلاہ آنکه وزن صحیح پارسل ها را نشان میدهد پول محصول آنرا نیز ظاهری سازد اندازه میگردد که این شکل وقت اولیای امور پسته را در اجراءات اداره پارسل تقریباً منصفه می سازد این ترازوی جدیدیکه بذریعہ برق عملیات مینماید قطع نظر از يك الة خوردی که وزن صحیح را نشان میدهد دارای يك « لوکل لیور » و « ۸ زون لیور » میباشد و قتیکه پارسل بر اسکیل مانده می شود وزن صحیح آن بدست می آید بعد به « زون لیور » فشار داده می شود فی الفور پول تکت پسته آنرا ظاهر می سازد و به این طریق استفاده از وقت ممکن گردیده است چه هر دو امور متعلقه پارسل را بیکوقت واضح میگردداند .

ماشین تفریق کردن تخم

در امریکه ماشینی ساخته اند که تخم گنده را از تخم ثابت تفریق میکند ، و این ماشین بدون معاونت انسان ذریعہ برق کار میکند .

آلة عکاسی جدید

در انگلستان کمره عکاسی ایجاد نموده اند که بصورت کاریکاتور عکس می بردارد .

عینک جدید

دکتر (لیور و لدهاین) طبیب مریض خانه کابل در آلمان عینک جدیدی اختراع کرده است که بجای آنکه بر روی چشم بگذارند مستقیماً داخل چشم قرار داده میشود یعنی داخل پل کان چشم و روی حدقه و بیضه دندان مصنوعی برای دهان میباشد.

این عینک ها بقدری خوب صیقل و صاف شده که پس از آنکه روی حدقه چشم داخل پلکان قرار گرفت چشم را خسته نکرده و موجب تهیج غشای داخلی چشم نمیشود و شخصی که آنرا استعمال میکند در وهله اول اندکی ناراحت است ولی طوی نمیکشد که عینک در جای خود مستقر و تکلیفی ازان احساس نمیشود.

چوب مصنوعی

در مکتب آیوه امریکه از تتل جواری و پوست جو چوبی ساخته اند که خیلی محکم است حتی میخ هم بسختی در آن داخل شده می تواند ، خوبی این چوب اینست که بهر شکل و بهر اندازه که مطلوب باشد ریخته میشود.

آله فام سیما

در جرمنی آلاتی تازه ای ساخته شده که فام سیما را درده ثابته شسته و خشک و مکمل مینماید ، حالانکه قبل از وجود این آله اینکار ساعت ها وقت بکار داشت .

بعوض گروب فلزی

کیمیایی مشهور مارکوفی گروب الکتریک شیشه را دیو ، گروب ساخته است که از فلز است .

انتقال تصاویر

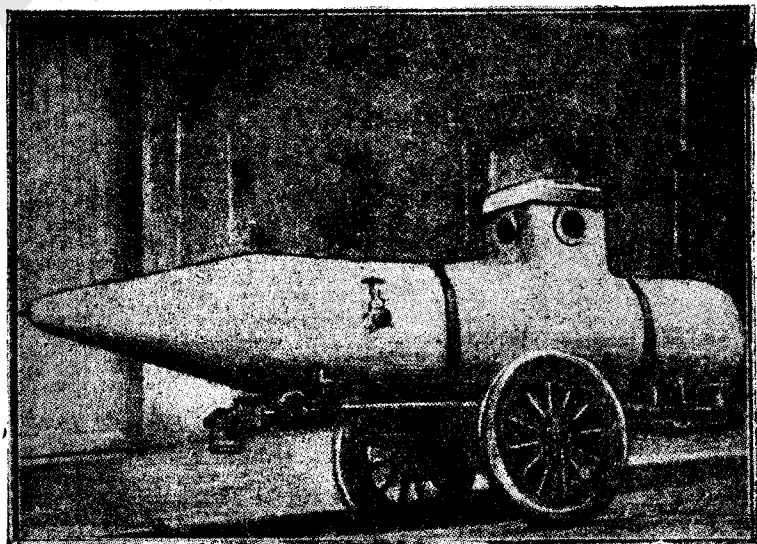
آله ای که بوسیله داکتر ولادیمیر کروزکن اختراع شده و آنرا (ایکونسکوب) یعنی تصویر بین مینامند تأثیرات مهمی در بر طرف کردن مشکلات تلویزیون محشیده است امروز با تره های تلویزیون دوش بدوش را دیو زینت بخش سالون های مجلل گردیده و در اعداد آثار تحمل باشکوه به شمار می آید و امروز کار علم و اختراع بجائی رسیده در عوض آن که صورت را از فواصل بعیده به تقاطعی نقل کنند عکس منظره مجلس را با تمام آرایش زینتی که دارد از محلی دیگر نقل می کنند و شما می توانید همان گونه که در منزل خود با کمال راحت آر میبده اید منظره و قایمی که در هزار مایلی شما بوقوع می یونند تماشا کنید. آنچه را که علماء در آرزوی آن بودند قبلاً به تحقیق حاصل کرده یعنی تصاویر را از نقاط بعید میتوان درست با امواج صوت بجای دیگر انتقال داد و از جنبه علمی قضیه دارای هیچ گونه اشکالی نیست فقط مطابق قول داکتر روزیکن باید بعد از این راجع مشکلات اقتصادی و تجاری آن بحث کرد یعنی سعی نمود تا این اختراع مفید درد سترس عموم قرار بگیرد چون بوسیله آله که داکتر منبور اختراع کرده دیگر هیچگونه اشکال عملی در زمینه تلویزیون موجود نمیشد . بطوری این اسباب جدید کار را آسان کرده تنها یک نگاه بآن می تواند شما را به اهمیت آن واقف گرداند و قتیکه به اندازه کافی بوز این آله سیر میکنند درست مثل یک دستگاه عکاسی میتواند تصاویر را از نقاط دور دست به نقطه منظور انتقال بدهد به علاوه بواسطه حساسیت زیادی که آله منبور نسبت بنور دارد تلویزیون تنها عکس اطاق عمل را منتقل نمی کند بلکه عکس قسمت خارجی را هم در هوا نشان میدهد بالآخره آله منبور را میتوان به منزله چشم تلویزیون دانست بی اینکه دارای جنبه میکائلی آن باشد چون این اسباب دارای ماشین ها و چرخ های گوناگون و نیز صفحات گردنده . نیست و عملاً هیچگونه مانعی در راه وصول به مقصود را ایجاد نمیکند و مثل یک چشم مصنوعی عمل مهم انتقال را بانجام می رساند . ولی با همه مزایایی که برای این آله ذکر کردیم باید بدانیم فضیلت تقدم برای کسی است که تلویزیون را اختراع کرده زیرا آن اختراع مهم بوسیله داکتر روزیکن را برای پیدا کردن این آله هدایت نموده است و اگر

بخواهیم ارزش این آلّه را بفهمیم بایستی تلویزیون را از نظر اهمیت دور نداریم. یکی از مسائل مهم در تلویزیون اینست که تصویر را در صفحه ناقل بگذارند تا به فوریت به آن مسافت بعدی که در نظر دارند برسد اختراعاتی که اخیراً در قسمت عکس الکتریکی و متنوعات آن به عمل آمده و دستگاههای که بروی زمینه آن ساخته اند این عمل را آسان گردانیده است این دستگاههای مخصوص دارای چنان قدرتی است که می تواند نور را بزودی به امواج الکتریکی تبدیل کند تا آنکه بتوان آن امواج را بوسیله سیم یا رادیو به نقطه معهود انتقال داد و وقتی این دستگاهها را مواد استفاده قرار میدهم هر قسمت از تصویر به نسبت روشنی و تاریکی هوا با امواج قوی یا ضعیف الکتریکی تبدیل میاید و بفوریت این امواج به نقطه که باید آنرا دریافت کند میرسد و آنجا بواسطه وجود اسباب انتقال امواج الکتریکی به امواج نوری مبدل میشود و تصویر کاملاً در آنجا مری و مشهود میگردد ساده ترین طریقی برای آنکه چنین عملی را به زودی انجام دهیم اینست که صفحه که محل برای عکس الکتریکی بتواند واقع شود برداریم و آن را وسیله برای انتقال تصاویر قرار بدیم و بفوریت این عمل انجام خواهد گرفت با همین وسیله دو نفر فرانسوی چندین سال قبل یعنی به سال ۱۹۰۶ موفق شدند عکس نقشه های ساده را بمعاونت ۶۴ صفحه عکس الکتریکی انتقال بدهند. برای آنکه بخواهیم عکس روشن و شفافی بگیریم بایستی شخصاً نقاط تاریک و روشنی ۷۰۰۰۰ نقاط مختلف تصویر اصلی را عکس بگیریم ولی طبعاً اینقدر امواج را نمی توان بفوریت انتقال داد چون اقلأ در حدود ۱۴۰۰۰۰ سیم لازم دارد که فیما بین فرستنده و دریافت دارنده موجود باشد و ازین جهت که ناگزیریم تصویر را کوچک کنیم و آنرا هم به قطعات کوچک تقسیم نمائیم تا عمل انتقال آسان گردد به این ترتیب با داشتن یک سیم و یا یک دستگاه رادیو به مقصود خواهیم رسید فعلاً تمام تجارب کنونی مربوط به تلویزیون بروی این اصل متبنی شده است چون با هر وسیله که بکار برند صفحاهای صغیر گرداننده یا عدد سیهای سوراخ دار باشد در هر صورت قسمت مختلف مجلس که باید عکس آن انتقال داده شود باید بواسطه اختلاف نقاط تاریک و روشن امواج الکتریکی تولید شود و این امواج مجدداً در هوا برود و تبدیل با امواج نور گردد در نقطه که امواج را دریافت میدارند همان امواج روشنائی نقاط را تحت مراقبت قرار خواهد داد و بهین وسیله سرعت هر چه تمام تر عمل انتقال انجام می پذیرد.

حفاظت جهازات تحت البحری

ژولین انجیر فرانسوی در تحت البحری ها چنان آلّه اختراع کرده که در مواقع شکستن و غرق شدن جهازات مزبور بکک آن فی الفور خود بخود روی آب آمده راکبین ذریعه زورق و غیره خود را نجات داده میتوانند و نیز توسط بی سیم از مرکز مربوطه استمداد مینمایند.

این آلّه که در تجارب کامیاب شده است برای استعمال تحت البحری ها مخصوصاً در وقت جنگ خلی مفید ثابت میشود.



پراشوت بزرگ

در امریکا پراشوت (چتری نجات) بزرگی اختراع گردیده است که ۲۴ متر قطر دارد و این پراشوت برای مقصد فرود آوردن محل نشیمن کامل مسافرن که در طیاره نمی باشد بکار می رود. و در امتحان این پراشوت، با وزن (۱۲۰۰) کیلوگرام سرب از خانه طیاره بزمین انداخته شده و سالم و به آهستگی بزمین فرود آمده است. برای کشیدن پراشوت بزرگ يك پراشوت كوچك اتوماتيك وصل گردیده است این پراشوت كوچك به آهستگی و بذریعۀ ماشین بواسطۀ امر پیلوت باز میگردد و نشیمنگای پیلوت و مسافرن را مڪمل از حای بلند نموده در حالیکه طیاره خود بخود بزمین می افتد، به آهستگی، سلامت پائین میآورد.



این پراشوت برای دووازده نفر مسافر جای دارد، و از ابریشم ساخته شده. دکه و چنگک های آن بیش پیلوت وصل می باشد و این چنگک ها خانه مسافرن را از دیگر اعضای طیاره رها میسازد. این پراشوت بزرگ در مدت سه ثانیه با وزن ۱۲۰۰ کیلوگرام باز میگردد و بسرعت ۵۰۳ متر فی ثانیه بزمین فرود می آید، بواسطۀ این اختراع قیمت دار احتمال خطر پیلوت و مسافرن تقریباً بکلی قطع می شود. و شاید در اندک زمان در طیارات سفری عموماً خانه های نشیمن مسافرن از دیگر اعضای طیاره جدا ساخته شود. این پراشوت نه تنها برای نجات مسافرن استعمال خواهد شد بلکه در زمان حرب خیلی وظائق عمده را با اجرا خواهد کرد.

سپاهی مصنوعی

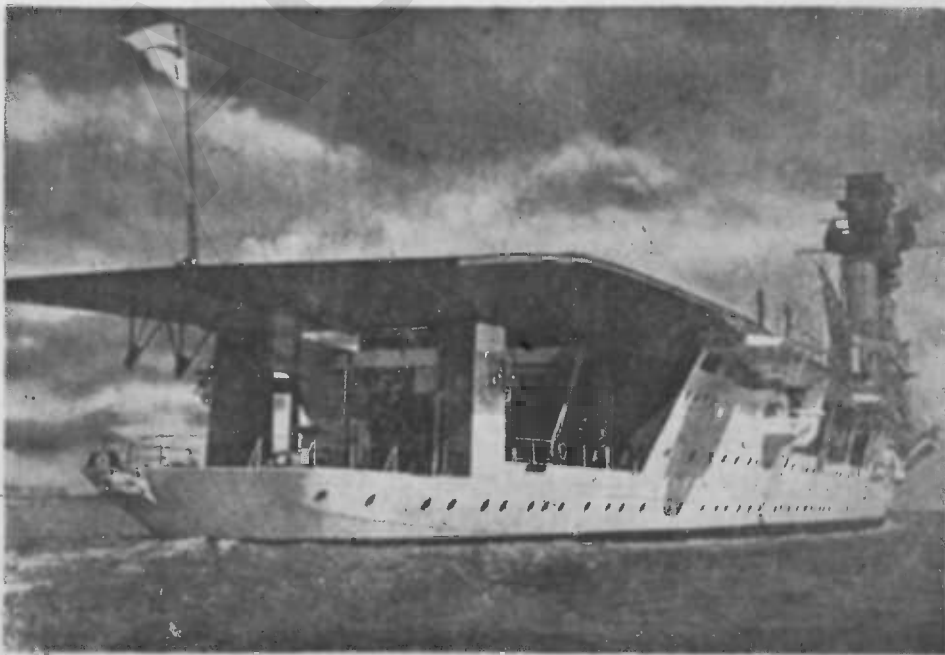
در شهر نیویارک در یکی از نمایشها آدم مصنوعی با (سپاهی مصنوعی) نمایش داده شد: این آدم مصنوعی در جنگ آینده تغییرات زیاد را تولید خواهد کرد، این آدم مصنوعی خیلی بزرگ و از فولاد ساخته شده و در پیش روی آن موتوری که چهل اسب قوت دارد نصب بوده و اداره آدم مصنوعی بنوعیه رادیومی شود این آدم بزرگ مصنوعی راه رفته و تفنگ فیر کرده می تواند، حتی میتواند بم های دستی و شمشیر را استعمال کند.



مقناطیس جدید

یکی از مهندسين کبر با نوعی از آهن را با اختراع تهیه نمود که می تواند مواد معدنی را تماماً جذب نماید و دیگر فائده اش اینست که بعضی از مواد معدنی را از خاک جدا میکند و ممکن است مخترع بتواند آن را

تکمیل نموده و قوه معادن طلا و نقره برای جدا نمودن خاک از فلز مذکور استعمال نماید.



بزرگترین کشتی طیاره بردار عالم که تازه در انگلستان ساخته شده و هم میس نام دارد و بام آن میدان طیاره وسیعی میباشد

جائزه نوبل

الفريد برن هارد نوبل Alfred Bernhard Nobel کيميا دان و مهندس معروف سویدن بتاريخ ۲۱ اکتوبر سنه ۱۸۳۳ در شهر ستاکهالم متولد گردید اولاً در سویدن و بعد در سينت پترس برگ روسيه تحصيلات عالی خویش را به پایان رسانیده و بوطن خویش عودت نمود در ترکیب و تحلیل کیمیاوی مواد انفلاقیه تنبغات عمیقی نموده در سنه ۱۸۶۲ دینامت و در سنه ۱۸۷۶ سریش سرنگ برانی و در سنه ۱۸۸۹ باروت بی دود را اختراع نمود از جهت شیوع و تعمیم اختراعات خود مالک پول سر شاری گردید تا آنکه در ۱۰ دسمبر سنه ۱۸۹۶ در سان ریمو وفات نمود و قرار وصیت او و تصویب حکومت سویدن قسمت بزرگی از دارائی او برای جوائز نوبل وقف گردید تا برای کسانیکه در شعب طبیعیات، کیمیا، طب، ادبیات، امنیت، اختراع مفید و اثری عام المنفعه بی مانندی از خود بیادگار گذارند بطور صلّه و جائزه داده شود چنانچه در وصیت نامه خویش می نویسد: عوائد و منافع من بقرار آتی قسمت شود:

یک حصه برای شخصیکه مهمترین اختراع و اکتشافی در عالم طبیعیات کرده باشد، یک حصه برای کسیکه خوبترین کشف و اصلاحی در علم کیمیا نموده باشد حصه سوم برای شخصیکه در علم وظائف الاعضا یا طب معلومات جدیدی را کسب کرده باشد، حصه دیگر برای شخصی داده شود که برجسته ترین اثری مشتمل بر نظریه عالی و بلند در حوزه ادبیات از خود بیادگار بگذارد و حصه دیگر بر شخصی داده شود که در راه تأیید اخوت ملل و العا یا تخفیف عساکر و تاسیس و ازدیاد مجامع امنیه خوبترین خدمتی کرده باشد، جوائز طبیعیات و کیمیا را اکادمی فنون سویدن واقع ستاکهالم و جائزه طب را مؤسسه طبیه کارولین ستاکهالم و جائزه ادبیات را اکادمی ستاکهالم و جائزه صلح و آرامش راهیئت پنج نفری منتخبه شورای ملی سویدن مشخص و اجرا خواهند نمود: من خواهش خودم را تا کیراً اظهار می نمایم که در تشخیص و استحقاق جائزه، قومیت را هیچ گونه رعایه ننمایند. جائزه مذکور نخستین بار در دهم دسمبر سنه ۱۹۰۱ که سال پنجم وفات نوبل بود اجرا گردید.

شورای ملی سویدن را جمع با عطای جوایز قوا عدی مقرر کرده و از قوا عد مذکور مواد ذیل است : اگر در عرض سال شخصی مستحق جائزه پیدا نشد وجه جائزه تا سال دیگر امانت گذاشته شود و چون درین سال هم مستحق پیدا نشد در انوقت پول جائزه در بنای مؤسسه خیریه بیاد گارنوبل بمصرف برسد هر گاه در یکسال دونفر مستحق يك جائزه گردند. پول جائزه در بین هر دو بصورت مساوی تقسیم شود و از سنه ۱۹۰۴ علاوه بر افراد مجالس را نیز مستحق جائزه فرار داده اند .

اسامی اشخاصیکه در ظرف ۲۵ سال گذشته جوایز نوبل را حاصل کرده اند قرار آتی است :

طبیعات

سنه	اسم گیرندهٔ جائزه	اسم مملکت
۱۹۰۹	۱ - مارکونی	ایتالیا
	۲ - براون	جرمنی
۱۹۱۰	وان دروالس	هالیند
۱۹۱۱	واین	جرمنی
۱۹۱۲	گوستاف دالین	سویدن
۱۹۱۳	کامر لینغ اونیس	هالیند
۱۹۱۴	فون لایو	جرمنی
۱۹۱۵	۱ - و'ه، بریگ	بریطانیا
	۲ - و'ل، بریگ	»
۱۹۱۶	داده نشد	
۱۹۱۷	بارک لا	برطانیا
۱۹۱۸	پلانک	جرمنی
۱۹۱۹	ستارک	»
۱۹۲۰	گیولیوم	سویت زرلیند
۱۹۲۱	آین ستاین	جرمنی (یهود)
۱۹۲۲	نایلز بوهر	دنمارک

جائزۀ نوبل

طبیعات

اسم مملکت	اسم گیرندهٔ جایزه	سنه
امریکا	R.A. Millikan.	۱۹۲۳ ملیکن
سویدن	K. M. G. Siegbahn.	۱۹۲۴ سیگ باهن
جرمنی	Jas. Franck.	۱۹۲۵ (۱) فرانک
»	Gust. Hertz.	(۲) هرتز
فرانس	Jean Perrin.	۱۹۲۶ پیرن
امریکا	Arth. Compton.	۱۹۲۷ (۱) کامپتن
برطانیا	C. T. R. Wilson.	(۲) ولسن
»	O. W. Richardson.	۱۹۲۸ رچروسن
فرانس	Duc L. V. de Broglie.	۱۰۲۹ دوک دو بروگی
هند	C. V. Raman.	۱۹۳۰ رامن
		۱۹۳۱ داده نشد
جرمنی	W. Heisenberg.	۱۹۳۲ هایسن برگ
برطانیا	P. A. M. Dirac.	۱۹۳۳ (۱) ویراک
جرمنی	Erwin Schroedinger.	(۲) ارون شیرو دنگر
کیمیا		
جرمنی	W. Ostwald.	۱۹۰۹ اوست والد
»	O. Wallach.	۱۹۱۰ والاش
فرانس	Marie Curie.	۱۹۱۱ مادام کوری (خانم)
»	V. Grignard.	۱۹۱۲ (۱) گریگ نارد
»	P. Sabatier.	(۲) ساباتیئا
سویت زرلیند	A. Werner.	۱۹۱۳ ورنر
امریکا	T. W. Richards.	۱۹۱۴ رچردز
جرمنی	R. Willstatter.	۱۹۱۵ ولستارتر
		۱۹۱۶ داده نشد
		« « ۱۹۱۷

سالنامه « کابل »

کیمیا

اسم مملکت	اسم گیرنده جایزه	سنه
جرمنی	Prof. E. Haber.	۱۹۱۸ هابر
»	Walther Nernst.	۱۹۱۹ داده نشد
برطانیه	Fred. K. Soddy.	۱۹۲۰ نرنست
»	F. W. Aston.	۱۹۲۱ سادی
آستریا	Fritz Pregl.	۱۹۲۲ ایستن
جرمنی	Richard Zsigmondy.	۱۹۲۳ پریگل
سویدن	T. Svedberg.	۱۹۲۴ داده نشد
جرمنی	Heinrich Wieland.	۱۹۲۵ زیگ موندی
»	Adolf Windaus.	۱۹۲۶ سوید برگ
برطانیه	A. Harden.	۱۹۳۷ وای لاند
سویدن	H. von Euler Chelpin.	۱۹۲۸ ونداس
جرمنی	Hans Fischer.	۱۹۲۹ (۱) هاردن
»	Carl Bosch.	(۲) فون ایولرچلپین
»	Friedr. Bergius.	۱۹۳۰ فیشر
امریکا	Irving Langmuir.	۱۹۳۱ (۱) باش
		(۲) برجیس
		۱۹۳۲ لانگ میور
		۱۹۳۳ داده نشد

طب

سویت زرلیند	T. H. Kocher.	۱۹۰۹ کوشر
جرمنی	A. Kossel.	۹۹۱۰ کوسل
سویدن	A. Gullstrand.	۱۹۱۱ گلستران
امریکا	A. Carrel.	۱۹۱۲ کارل
فرانس	C. Richet.	۱۹۱۳ ریشی

جایزه نوبل

طب

اسم مملکت	اسم گیرنده جایزه	سنه
آستریا	R. Barany.	بارانی ۱۹۱۴
		۱۹۱۵ داده نشده
		» » ۱۹۱۶
		» » ۱۹۱۷
		» » ۱۹۱۸
بلجیم	Jules Bordet.	بوردی ۱۹۱۹
دنمارک	A. Krogh.	کروغ ۱۹۲۰
		۱۹۲۱ داده نشد
برطانیه	A. V. Hill.	هل (۱) ۱۹۲۲
جرمنی	O. Meyerhof.	(۲) میرهوف
کانادا	E. G. Banting.	(۱) منتک ۱۹۲۳
»	Dr. J. J. R. Meleod.	(۲) میک لیود
هالیند	W. Einthoven.	آین توون ۱۹۲۴
		۱۹۲۵ ددا نشد
دنمارک	Johan Fibiger.	فیئیگر ۱۹۲۶
آستریا	Wagner Jauregg.	جارگ ۱۹۲۷
فرانس	Dr. C. H. Nicolle.	نیکول ۱۹۲۸
برطانیه	F. G. Hopkins.	(۱) هایپکنس ۱۹۲۹
هالیند	C. Eijkmann.	(۲) آیک مان
امریکا	Dr. Karl Landsteiner.	لاند ستاینر ۱۹۳۰
جرمنی	Otto Warburg.	واربرگ ۱۹۳۱
برطانیه	Charles S. Sherrington.	(۱) شرنگ تن ۱۹۳۲
»	E. D. Adrian.	(۲) آدریان
»	Thos. H. Morgan.	مورگن ۱۹۳۳

ادبیات

اسم مملکت	اسم گیرنده جائزه	سنه
سویدن	Selma Lagerlof.	۱۹۰۹ لاگرلوف
جرمنی	P. Heyse.	۱۹۱۰ هایز
بلجیم	M. Maeterlinck.	۱۹۱۱ مایترلنک
جرمنی	G. Hauptmann.	۱۹۱۲ هایتمان
هند	Rabindranath Tagore.	۱۹۱۳ رابند رانات تیگور
		۱۹۱۴ داده نشد
فرانس	Romain Roland.	۱۹۱۵ رو مین رولاند
سویدن	Verner von Heidenstam.	۱۹۱۶ فون هایدن ستام
دنمارک	K. Gjellerup.	۱۹۱۷ (۱) گجلی رب
»	H. Pontoppidan.	(۲) یون توپیدان
		۱۹۱۸ داده نشده
سویت زرلیند	Carl Spitteler.	۱۹۱۹ کارل سپتلر
ناروی	Knut Hamsun.	۱۹۲۰ هام سون
فرانس	Anatole France.	۱۹۲۱ اناتول فرانس
هسپانیا	J. Benavente.	۱۹۲۲ بی ناوینتی
آیرلیند	W. B. Yeats.	۱۹۲۳ ییتس
یولیند	Wladislau Reymont.	۱۹۲۴ رییمانت
برطانیه	G. Bernard Shaw.	۱۹۲۵ برنارد شا
	Signora G. Deledda.	۱۹۲۶ دیلیدا (خانم)
فرانس	Henri Bergson.	۱۹۲۷ برگسن
ناروی	Mrs. S. Undset.	۱۹۲۸ اوندست (خانم)
جرمنی	Thomas Mann.	۱۹۲۹ مان
امریکه	Sinclair Lewis.	۱۹۳۰ لیوس

جایزه نوبل

ادبیات

سنه	اسم گیرنده جایزه	اسم مملکت
۱۹۳۱	کارل فلد	سویدن
۱۹۳۲	کالز وردی	برطانیه
۱۹۳۳	بونین	روسیه
امنیت		
۱۹۰۹	(۱) بیرنات	بلجیم
	(۲) بارون دو استورنیلی	فرانس
۱۹۱۰	دایره بین المللی امن	سویت زرلیند
۱۹۱۱	(۱) آسر	هالیند
	(۲) فراید	آستریا
۱۹۱۲	ایلی هورت	امریکا
۱۹۱۳	لافونتن	بلجیم
۱۹۱۴	داده نشده	
۱۹۱۵	» »	
۱۹۱۶	» »	
۱۹۱۷	صلیب احمر جمعیت بین المللی جینوا	سویت زرلیند
۱۹۱۸	داده نشده	
۱۹۱۹	ودرو ولسن	امریکا
۱۹۲۰	بورگوائیس	فرانس
۱۹۲۱	(۱) برانیتنگ	سویدن
	(۲) لانگ	ناروی
۱۹۲۲	نالنسن	»
۱۹۲۳	داده نشد	
۱۹۲۴	» »	
۱۹۲۵	(۱) داس	امریکا

امنیت

اسم مملکت	اسم گیرندهٔ جایزه	سنه
برطانیه	A. Chamberlain.	۱۹۲۵ (۲) چمبرلین
فرانس	Astride Briand.	۱۹۲۶ (۱) بریان
جرمنی	G. Stressmann.	(۲) ستریسمان
»	Ludwig Quidde.	۱۹۲۷ (۱) کوید
فرانس	Ferd. Boisson.	(۲) بوی سان
		۱۹۲۸ داده نشده
امریکا	F. B. Kellogg.	۱۹۲۹ کیلاگ
سویدن	N. Suderblum.	۱۹۳۰ سودر بلوم
امریکا	Dr. N. M. Butter.	۱۹۳۱ (۱) بتلر
»	Mrs. John Adams.	(۲) اید من (خانم)
		۱۹۳۲ داده نشده
		» ۱۹۳۳



نگارش آقای محمد صدیق خان
برای دیومیکس قوای هوای کابل

راديو تیلی میخانیک



آقای محمد صدیق خان

چون اختراعات برالعقول هر روز در دنیا با عرصه وجود میگردد و علما درین راه برای عالم بشریت زحمات فوق العاده را متحمل شده و مخصوصاً ملل خویش را مستفید می گردانند .

راديو تیلی میخانیک نیز یکی از آله های دلچسپ فن تخنیک است که علمای برای تکمیل آن سعی می ورزند تا بدرجه انتهای آن را تکمیل نموده و فوایدی را که در نظر دارند از آن اخذ نمایند .

لهذا کتابیکه راجع باین آله تحریر شده بنده آن را ترجمه نموده و امید وادم در دوره ترفی پرور اعلیحضرت جوان بخت موفق بطبع آن شده و خدمتی برای تربید معلومات ارباب تخنیک و فن عمده باشم .

حاضرآ از معلومت تخنیکی این آله صرف نظر نموده و مختصر معلوماتی را در اطرف آن بمطالعه هموطنان عزیزم می گذارم .

راديو تیلی میخانیک :

یکی از دلچسپ ترین و مقبول ترین آله های میخانیکی دنیا آله راديو تیلی میخانیک است که نسبت بآن در ذیل تشریحات داده می شود :

راديو تیلی میخانیک عبارت از آن آله میخانیکی است که بذریعه آن می توان در مسافه ها طیاره ها را بدون بیلوت و مؤثرها را بدون دریور و کشتی های بحری و تحت البحری را بدون ملاح و توپها و گلوله های (مینی) (تمبر) را بدون وسیله اداره نموده شهرها و کارخانه ها را بدون تمدید این تنویر کرد . این اختراع (راديو تیلی میخانیک) یکی از شعبات راديو تلگراف و تلفون بوده و اساس آن به سه ماشین منحصر است :

- ۱ : ماشین مرسله که در استاسیون نصب می باشد و اوامر لازمه بذریعه آن فرستاده میشود .
- ۲ : ماشین آخذ امواج الکتریکی که در کشتی یا طیاره و یا موتر و یا غیره نصب است اوامر فرستاده شده را اخذ می دارد .
- ۳ : ماشین مخصوص که امواج الکتریکی اذیت کننده و دیگر ماشین ها را دفع میدارد ، همراه ماشین آخذنه نصب می باشد .

چون امواج الکتریکی بذریعه مرسله فرستاده میشود با وجودیکه تمام قوه اش در راه صرف شده و یکحصه کم آن در آخذنه اخذ میگردد ولی آنهم برای حرکت دادن حراره تلفون کفایت میکند اگر این مشکلات حل گردد و قوه که از ماشین مرسله فرستاده میشود کامل به آخذنه سر برسد درینصورت تمام مشکلات راديو تیلی میخانیک و غیره حل خواهد شد لهذا برای حل این مسئله متخصص امریکائی فلیپاس توماس انجینیر « ویستونگ الکتریک کیمانی » کوشش کرده است و تا یکدرجه کامیاب هم شده است .

خدمات و فوائد رادیو تیلی میخانیک بدرجه عالی است که نمی توان درین ورق باره ها تشریحات آنرا گنجانید علی الخصوص خدمات عسکری آن دارای اهمیت فوق العاده بوده در جنگهای آینده خیلی کارهای نمایانی از استعمال آن بعمل خواهد آمد. اما تا حال بدرجه انتهای بیائیه تکامل نرسیده و محسوس میگردد که مشکلات و موانع برای تکمیل آن در پیش است معینا میتوان گفت که ماهرین و مخترعین این فن عنقریب به تکمیل آن موفق و کامیاب گردیده و ممکن است در حیات عالم بشریت خدمات مهمی را انجام داده و در اکثر شعبات حیاتی انسان تطبیق داده شود، هوید است که اگر تیلی میخانیک بیایه تکامل برسد بدون گفتگو در امور فزینی مسائل حربی، بحری، بری و هوایی تغییرات کامل پیدا خواهد شد.

معلومات تاریخی

اولاً در سنه ۱۸۹۳ میلادی در انگلستان متخصص معروف از قبیل (ایر نیست) (چارلس دیوانس) یک آلّه تیلی میخانیک را ساخت که این آلّه می توانست بسهولت در طیاره استعمال گردد ولی چون طیاره بصورت موجوده در آنوقت وجود نداشت پس ممکن بود آلّه مذکور را برای متحرک ساختن (مقارنمه) توپ و هر نوع آلّه میخانیکی بکار برند.

چندی بعد پروفسر آلمان (هیر گزال) یک آلّه مشابه بآلّه فوق الذکر ساخت که نسبت به آن با نتیجه تر بود چنانچه بتوسط این آلّه رادیو، بالون مخصوص فشار هوا اداره شده می توانست.

در عین اجرای این عمل ادیسون مشهور نیز همین قسم تجربیه را تحت تدقیق قرار داده و بذریعۀ امواج برق رادیو مودل طیاره (یعنی طیاره کوچک) را متحرک و اداره نمود.

از شروع سنه ۱۹۰۳ انجنیر اسپانیولی توالس کیوزید عملیات مزبور را تحت تدقیق قرار داده در سنه ۱۹۰۶ کامیاب گردید که بذریعۀ امواج رادیو یک کشتی بی ملاح کوچک را اداره نماید. بعد ازین موفقیت و عملیات شاندار و با اهمیت دنباله تجارب این شعبه بیشتر در موقع آغاز ترقیات قوای هوایی گرفته شده تطبیقات جدید شروع گردید و تیلی میخانیک را جهت اداره طیاره بکار انداختند.

از سنه ۱۹۰۸ به بعد درین شعبه عملیات و تجارب زیاد بکار برده شد ولی یکی ازین عملیات و تجارب یک نتیجه مثبت واصل نگردید زیرا در آن زمان رادیو و طیاره متحد ترقی موجوده نرسیده بود.

در سنه ۱۹۰۹ پروفسر آلمانی (وی هرت) جدیانه داخل عملیات گردیده و اظهار نمود که بذریعۀ هیچ آلّه تیلی میخانیک طیاره را در مسافه ها اداره نمی توان کرد تا یک آلّه میخانیکی در بین طیاره نصب نشود تا که موازنه آن بذریعۀ این آلّه اداره گردد زیرا هوید است که طیاره در زمان پرواز بوضعیت مخالفت هوا مقابله کرده و از موازنه خارج می شود و اگر بیلوت بذریعۀ جلو و غیره طیاره را اداره نکند البته مانند سنگ از هوا بر زمین خواهد افتاد پس درینصورت لازم است قبل از نصب کردن آلّه تیلی میخانیک در طیاره یک آلّه دیگر وضع و نصب گردد، تا بذریعۀ آن همات اثرات که طیاره را بی موازنه میسازد دفع کند، و این آلّه باید کار شخص زنده را در طیاره انجام دهد.

همچنان از ابتدای سنه مذکور در امریکا راجع باختراع طیاره اتوماتیک سعی بلغی بکار برده شده و (مارک آن تون) انجنیر معروف، طیاره کوچکی را در هوا متحرک ساخته و اداره کرد و موفق شد که طیاره مذکور را چند دفعه بالای بحر پرواز بدهد و از همان جا بیکه در هوا بلند شده بود در همان جافروذ آورد و بنشانند.

بعد در سنه ۱۹۱۰ (هاموند) متخصص اين فن در اطراف آله راديو تېلي ميخانيك تجارتي بعمل آورده و پس از آن در سنه ۱۹۱۲ روبرت نام داخل عمليات گرديد .
حکومت امريکا به تکميل و کاميابي راديو تېلي ميخانيك خيلي دلچسبي نشان داده و آنرا براي خدمات عسکري خيلي با اهميت ميدانستند و براي متخصصين اين فن خيلي معاونت ها نموده است .

يگانه مملکتی که از آلات ميخانيکی تا يك اندازه نتيجه حاصل نمود آلمان است زیرا در اول محاربه بين المللی بصورت بسيار مخفيانه (زمس) انجنير آلمانی برای تکميل تار پيدوی هوائی ، (فوگر) برای تکميل طياره اتوماتيك کار ميکردند اگرچه نتایجی که آنها از اين عمليات بدست آورده بودند ناقص بوده و نمی توانستند که بصورت ماهرانه آن را در ساحت عمليات درآرند با وجود آنهم از زحمات اين دو متخصص تا يك درجه نتيجه گرفتند چنانچه بتاريخ ۲ مارچ ۱۹۱۷ در جوش محاربه بين المللی در بندر نيويورت و حصص آن که عساکر متحدین ضد آلمان موضع گرفته بودند ملاحظه گرديد که يك کشتی حربي آلمان بسمت شان سر راست می آيد و بديره اين کشتی حربي انفلاق فوق العاده توليد گرديده (احاطه ۱۲) متری را از هم پاشيد و بعد از آن معلوم گرديد که هيچ کسی در کشتی مذکور موجود نبوده و حرکت و عمليات انفلاق در آن کشتی خود بخود انجام ميگرفت . اين مسئله يك تاثير فوق العاده در بين متحدین ضد آلمان بخشيده و آنها را عراسيمه ساخت زیرا برای آنها خيلي عجب بود که کشتی بدون انسان چالان و اداره شده و خود بخود باستقامت صحيح رفتار نموده و مواد انفلاق خود را در ساحل بجائیکه برای متحدین زياد خساره وارد ميکرد پرتاب نموده توانسته است . بعد از چندی اين مسئله را حل و دانستند که کشتی مذکور بديره راديو اداره گرديده الحاصل و طياره که در بالای آن به هوا بود وسيله اداره آن بود . در بنوقت آلانها وقت را غنيمت شمردند و اولين دفعه از همه بيشترياديو را برای اداره کشتی ها و غير در مسافه ها استعمال کرده و موقع اولين را اخذ کردند .

آلمان ها در ۲ ستمبر ۱۹۱۷ کشتی دوم را که بديره راديو اداره می شد باز در بندر نيويورت برای پرتاب نمودن مواد انفلاق ارسال نمودند و ولی از طرف فرانسوی ها تحريب شد .

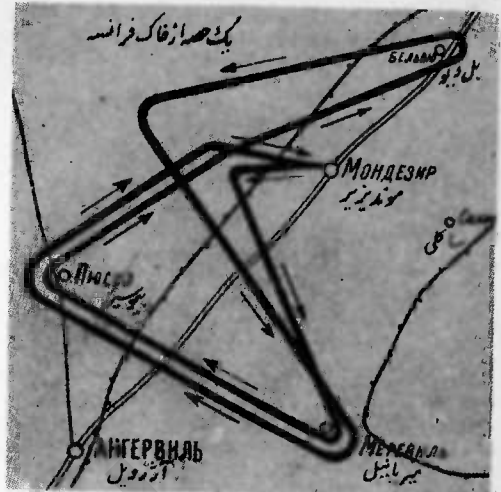
از اين تاريخ بعد فن تېلي ميخانيك در بين عموم متحدین ضد الیات برای خدمات عسکري موجب جلب توجه گرديده و سعی کردند تا نتيجه قطعی حاصل نمايند برای اجرای اين پلان در شروع سال ۱۹۱۸ وزارت حربيه فرانسه در تحت اداره کیتان (بوشير) يك کمیسیون متخصصين را تشکيل داد تا اين مسئله را حل نماید .

در اخر سنه ۱۹۱۸ اين کمیسیون نتيجه شانداري حاصل نمود چنانچه در ۱۴ ستمبر در ميدان طياره شيشی شکل نمبر ۱ پرواز آزادانه بطياره که دارای سکان ميخانيکی بود بديره راديو اداره و اجرا شد و اين طياره مدت پنجاه و يك دقيقه بسمت های مختلف بقدر صد كيلو متر مسافه را قطع کرد ، پرواز دوم در هجده ماه مذکور بعد

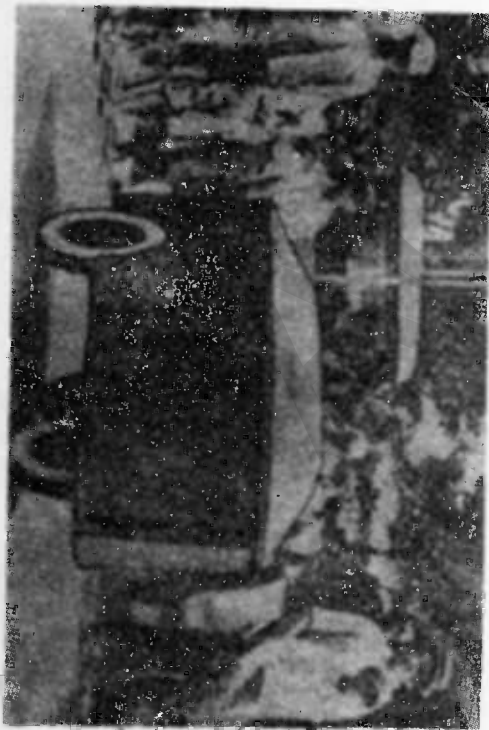


اولين طياره در آسوی گریو اسطوار را در اداره نشود است

از کمی اصلاحات سکان و حصه های متحرك موازنه طیاره صورت گرفت شکل نمبر ۲ این تجربه در حکومت اتازونی تاثیر فوق العاده نموده و وزارت حربیه حکومت مذکور يك سلسله اقدامات نمود و بایك اندازه نتیجه از پرواز طیاره های که بذریعه رادیو اداره میشد حاصل و بدست آورد خلاصه پس ازین تاریخ این فن جدید قدم در مرحله ترقی گذاشت و از سنه ۱۹۲۱ نظریه زحمات انجنیر های ماهر از قبیل پر شپروت و شوژ و غیره این فن به نتیجه اصلی رسیده و طیاره بی یلوت بذریعه رادیو نه تنها از زمین بلکه از هوا بتوسط طیاره دیگری که در هوا پرواز میکرد اداره می یافت . در اثر این نتایج برجسته که از تجارب متعدده بدست آمد ترقیات این فن در دیگر اقوام نیز اثر کرده و هر يك از ملل در حل و دریافت آن به سعی شروع نمودند اداره گلوله های مینی (گلوله های متحرك که از يك



نقشه قطع مسافت ذریعه طیاره بی یلوت (۱۴ اکتبر ۱۹۱۹)



او این تصویر را در ایستگاه آمریکا ذریعه رادیو اداره شده است

و میخواستند که اولتر از همه در مسائل بحری برای کشتی بر دیگر کشتی انداخته میشود) بذریعه طیاره در هوا از رادیو تیلی میخانیک کار گرفته و گلوله را از ساحل بذریعه رادیو تلگراف استعمال نمایند در عین زمان موفقیت به این مسئله برای عالم عسکری خیلی با اهمیت بوده و مجبور بود که نتیجه قطعی حاصل نمایند . نتیجه که بعد از تجربات و کوشش های یادی که در راه تکمیل رادیو تیلی میخانیک از طرف ماهرین دول نموده شد نتیجه که بدست آمد این بود که در امریکا کشتی زره پوش (ایوا) بذریعه امواج برقی در مسافت های بعیده در حالیکه در کشتی مذکور یک نفر هم موجود نبود بطور دل خواه اداره کرده شد . بعد ازین شوژگان صاحب منصب اتازونی يك اصول جدیدی وضع کرد اصول مذکور این بود که موتور ها را بذریعه رادیو تلگراف در مسافت های بعیده اداره میکرد . نامبرده در اکثر تجارب خود مشهور گردید ، آله او مانند سایر آلات رادیوسیم هوایی نداشت بلکه تنها یک نظرفی بود که از هوای فشار داده شده بر بود اساس آله مذکور بر سه آله آخذه ، قوت دهنده ، و رفع کننده مینی بود و این سه آله تمام خواہشات او را انجام داده و هر امر لازم را بذریعه ریلی (۱) نقل میداد ، علاوه برین مشارالیه آله مذکور را در

۱- ریلی الة مخصوصی است که در تخنیک غایره استعمال میشود .

راديو تیلی میخانیک

موتری که دارای هارن وزنگ بود نصب کرده و بدون درایور چالان و اداره می نمود و حتی هارن وزنگ را استعمال میکرد این اتو مویل خیلی بسهولت حرکت میکرد، ایستاده می شد و در مسافت يك كيلومتر نتیجه شایانی داده بود.

بالاخره امریکائیان راجع به راديو تیلی میخانیک تجارب عدیده نموده و فرانسوی ها نیز عملیات زیادی کرده و بلکه يك عدد متخصصین را در تحت اداره ژنرال فریه مقرر نموده تا درین راه تحقیقات نمایند و این هیئت تا یکدرجه به عملیات خویش موفق گردیده و توانستند که طیاره و کشتی ها را از مسافت ها اندازه نمایند.

اهمیت خدمات راديو تیلی میخانیک در قشون

در قرن گذشته تخنیک حربی به آهستگی ترقی نمود دول محارب نظر به اساس اسلحه حربی یکی بر دیگری غالبیت نداشت زیرا تمام دول دارای یکنوع اسلحه بوده تنها در تنظیمات و ترتیبات و سوقیات متفاوت بودند

و کامیابی آنها منوط به تنظیمات آنها بود اما در قرن موجوده وضعیت قشونی تخنیک خیلی با عجله تغییر یافته و سرعت ترقی نموده است در جنگهای آینده علوم تخنیک رول مهمی را بازی خواهد کرد و آلات موفقیت دول یکی بر دیگر اسباب اعدام بشر، تانک، طیاره گازهای زهر دار خواهد بود و اگر آله را دیو تیلی میخانیک مکمل گردیده و نواقص آن رفع شود در انجام خدمات و وظائف عسکری تأثیرات فوق العاده خواهد بخشید و طرز محاربه را یکی تغییر خواهد داد.

استعمال، و منقلب کردن بم ها در جهات حرب بدریعه راديو تیلی میخانیک اجرا خواهد شد و در مواقع محاربه که جهات غبار آلود و بردود میباشد و نمی توانند توپچی ها گلوله را به هدف برسانند راديو تیلی میخانیک می تواند سهولت گلوله های توپها را اداره کرده و به هدف برسانند. علاوه بر آن راديو تیلی میخانیک در حرب بگاز ها هم معاونت کرده می تواند و می توان بدریعه راديو، بالونهای گاز را در محاذ دشمن منقلب ساخت بمبر ۶ - و نتیجه درستی حاصل نمود راديو تیلی میخانیک در محاربه تانکها و موترهای زره پوش ها نیز مقام مخصوصی دارد و آله های متحرک فیر کننده بدون درایور خیلی بسهولت می تواند در منطقه دشمن ولو موانع زیاد داشته باشد اجراات خوبی بدارد و این نوع اجراات ذریعه تیلی میخانیک از طرف متخصصین عسکری امریکائی تجربه و استعمال گردیده.

خدماتیکه از تیلی میخانیک در قوای هوایی شعبات عسکری گرفته میشود با اهمیت و بزرگ قیمت است تیلی میخانیک و هوا بازی در کره ارض وسیله حاکمیت بشر میباشد هوا بازی و راديو تیلی میخانیک را نمی توان بادیگر اختراعات مقایسه نمود زیرا این فن بود که بشر را به اینقدر موفقیت رسانیده توانست طیاره اتوماتیکی بوجود آورده و بدون بیلولت بدریعه را دیو آن را اداره نماید

این ترقی هوا بازی مارا و ادار می سازد تا ذکر کنیم در آینده راديو تیلی میخانیک چه نوع کارهای



راديو تیلی میخانیک در قشون امریکائی

فوق العاده را انجام خواهد داد یکی از انجنیر های نامدار فرانسه م پرشیرون در سنه ۱۹۲۳ طیاره اوتوماتیک آینده را که خیلی عجیب بود (حاضر ساخته و استعمال کرده است) رسم نموده و گفته بود که این طیاره از عجایبی نیست که خیالی و سرسری تصور گردیده و بر عملی شدن آن تعجب وانکار شود بلکه برای عملی گردیدن آن اسناد و دلائل قناعت بخشی موجود است و نیز انجنیر مذکور یک طریقه دیگر را پیشنهاد کرده و عقیده داشت که در آینده قریب می توان از زمین ریل های هوایی را بذریعه رادیو تیلی میخانیک اداره کرد، و این ریل ها حامل پسته و سامان تجارت بوده و مسافری در ارتفاعات ۱۲ تا ۱۳ کیلومتر که در آنجا هوا از سطح زمین ۴ تا ۵ دفعه خفیف تر است پرواز خواهند کرد و به اینصورت سرعت رفتار را می توان فی ساعت از (۴۰۰ تا ۵۰۰) کیلومتر ترق داد .

هر گاه باین گونه طیاره ها و ریل ها به این اندازه ارتفاعات مسافری پرواز داده شود در آن حال حتمی و لازمی است که اطاقهای نشیمن مسافری مملو از هوای ثقیل و بدرجه کفایت ساکنین آن باشد تا تکلیف مسافری رفع شود و هکذا بواسطه آله های که در طیاره نصب خواهد شد می توان طیاره را بدون نشست در هوا گردش داده و بیش از حد معین پرواز داد .

علاوه از آن درین طیارات جادادن مواد سوزنده مثل چوب و غیره هم زیاد بکار نبوده و بلکه مسافری را می توان در مسافه های دور از یک طیاره بدیگر طیاره حمل و نقل داد و این نوع تجارت کنون اجرا و عملی شده و یک نتیجه درخشانی از آن حاصل گردیده است .

درین اواخر یکی از ژنرال های انگلیس موسوم به فولی روم بیش نهاد نموده است که باید در موتور های زره پوش قوماندانان قلم تیلی میخانیک وجود داشته باشد تا ذریعه طیاره کشفیاتیکه بعمل می آید و امریکه داده می شود ذریعه این قلم تحریر و نقشه منطقه حرب را رسم نماید . کذا در مناطق حرب زمانیکه او امر تحریری برای مالدونان لازم باشد بوسیله قلم مذکور می توان هدایات را بسهولت اعلان نمود . ممکن است این نظریه نیز پایه اکمال را طی نماید ، و شاید ازین قبیل اختراعات حربی که تعلق به رادیو تیلی میخانیک دارد بسی تکمیل یافته و از انظار بواسطه اهمیت و حربی بودن آن مخفی مانده باشد .



ممالك عالم

ملاحظات	مرکز	مساحت مربع کیلومتر نفوس	طرز حکومت	قطعه بر	حکومت
	کابل	۱۲۰۰۰۰۰۰	شاهی	آسیا	افغانستان
الف :					
اکثر اهالی مسلمان	باکو	۲۰۵۷۵۴۰۰	جمهوریت شورائیه	»	آذربایجان
	بلوم فون تین	۶۲۸۱۸۲۷	امپراطوری برطانیه	افریقه	آرنج فریستیت
یکی از ولایات هند است	شیلانک	۸۶۲۲۲۰۵۱	»	آسیا	آسام
	کین بیره	۶۶۲۳۳۷۰۷	»	اوقیانوسیه	آستریا
یکی از حصص استرالیا	بورت دارون	۴۶۵۴	»	»	آستریای شمالی
»	ایدلید	۵۸۰۸۴۹	»	»	جنوبی
»	برت	۴۳۸۱۱۳	»	»	غربی
	ویانه	۶۷۳۳۲۶۲۵	جمهوریت	اروپا	آستریا
یکی از حصص هند	آگره	۳۵۶۱۳۷۸۴	امپراطوری برطانیه	آسیا	آگره
»	اله آباد	۴۸۴۰۸۷۶۳	»	»	آگره و اوده
یکی از اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی	دیساو	۳۵۱۴۷۱	جمهوریت	اروپا	آن هالت
	دبلن	۲۹۷۲۸۰۲	دولت آزاد داخل	»	آیرلند
	بلغاست	۱۴۱۷۴۱۷	امپراطوری برطانیه	»	(آیرش فری ستیت)
	رایک یو ویک	۱۰۸۶۴۶	شاهی برطانیه	»	آیرلند شمالی
	بنگرویل	۱۸۶۶۳۱۶	شاهی مربوط به دنمارک	»	آیسلاند (جزیره)
ربع اهالی مسلمان است	بنگرویل	۱۸۶۶۳۱۶	مستملکه فرانسه	افریقه	آیوری کوست
»	عیدیس ابابا	۱۲۰۰۰۰۰۰	شاهنشاهی	»	ابی سینیا (حبشه)
»	پریتوریه	۸۰۷۲۸۰۰	امپراطوری برطانیه	»	اتحاد افریقای جنوبی
	ماسکو	۱۶۲۱۴۳۱۰۰	جمهوری شورائی	اروپا آسیا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه
	»	۱۱۱۰۹۳۸۷۰	»	»	»
مسلمان	ابوعریش	۷۵۰۰۰۰	تحت حیاة عرب سعودی	آسیا	انیر

سالنامه « کابل »

ملکات	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
اجیر میرواره	آسیا	امیراطوری برطانیه	۷۰۲۱	۵۶۰۲۹۲	اجیر	از ولایات هند برطانوی
ارجن تائن	امریکه جنوبی	جمهوریت	۲۸۰۲۴۳۶	۱۱۸۴۶۶۵۰	بونیس آیرس	
برمنستان	آسیا	جمهوریت شورائیه	۲۹۶۶۰	۱۰۱۳۸۰۰	ایروان	
لزی تریا	افریقہ	ایطالیا	۱۱۹۰۰۰	۶۲۱۷۷۶	آسمارا	اهالی آن مسلمان می باشند
استونیا	اروپا	جمهوری	۴۵۲۲۲	۱۱۱۷۵۳۸	تالین (ریوال)	
افریقہ جنوبی غربی	افریقہ	تحت التداب برطانیه	۸۳۵۹۵۴	۲۵۸۹۰۵	وندهویک	
افریقہ غربی فرانسوی	»	مستملکه فرانس	۴۶۵۹۷۰۷	۱۴۵۷۵۹۷۳	داکار	ربع اهالی مسلمان است
« استوائی »	»	مستملکه فرانس	۲۳۵۵۸۷۰	۳۱۹۲۲۸۲	برازاویل	
البانیا	اروپا	شاهی	۲۷۵۳۸	۱۰۰۳۰۶۸	دورازو	یگانه سلطنت اسلامی در اروپا است
البرتا	امریکه شمالی	امیراطوریت برطانیه	۶۶۱۱۶۱	۷۳۱۶۰۵	ایدمانتون	در کانادا واقع است
الجزایر	افریقہ	مستملکات فرانسه	۲۱۹۶۲۹۱	۶۵۵۳۴۵۱	الجزائر	اسم عربی آن مغرب الوسط میباشد
امارات ابوسابی آسیا	»	مشایخ تحت حمایت برطانیه	۱۵۶۰۰	۸۰۰۰۰	ابوسابی	مسلمان
انام	»	امیراطوری تحت الحمايه فرانسه	۱۴۷۶۰۰	۵۱۲۳۰۰۰	هانوی	واقع هند چینی
ان تی گوا	جزائر غربی	امیراطوری برطانیه	»	»	»	رجوع شود بجزایر لیورد
اندورا	اروپا	جمهوریت	۴۵۲	۵۲۳۱	اندورا	تحت حمایت مشترک فرانسه و اسپانیه
انگلستان	»	شاهی	۱۳۱۷۶۱	۳۷۳۵۴۹۱۷	لندن	
انگولا (افریقہ غربی پرتگالی)	افریقہ	مستعمرة پرتگال	۱۳۵۵۷۷۵	۴۱۸۱۷۳۰	لوآن دا	
اوبانگی شاری	»	مستملکه فرانس	۴۹۳۰۰۰	۱۰۹۰۰۸۴	بانگوئی	نصف اهالی آنجا مسلمان میباشند
اوده	آسیا	امیراطوری برطانیه	۶۲۵۶۵	۱۲۶۹۴۹۷۹	لکهنؤ	
اوردکی (جزایر)	اروپا	امیراطوری برطانیه	۹۷۵	۲۴۰۱۰۹	کوک وال	
ازبکستان	آسیا	اتحاد جماهیر شورائیه	۱۷۶۱۰۰	۴۷۵۳۸۰۰	تاشکند	
اوکراین	»	جمهوری شورائیه	۴۵۲۲۰۰	۳۱۶۰۸۲۰۰۴	خارکوف	در اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه شامل است

ممالک عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مركز	ملاحظات
اولدن برگ	اروپا	اتحاد جرمنی	۶۴۲۴	۵۴۵۷۴۹	اولدن برگ	
اوتریو - ایتھی دویا	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۱۰۶۸۵۴۴	۳۴۳۱۶۸۳	توروتو	رجوع شدیه ای سینیا
ایران	آسیا	شهنشاهی	۱۶۴۳۵۵۸	۱۰۰۰۰۰۰	طهران	اکثر اهالی آن مسلمانست
ایطالیا	اروپا	شاهی	۳۱۰۱۴۰	۴۱۸۰۶۰۰۰	روما	
ایطالیا	«افریقا»	»	۲۴۲۱۶۷۰	۴۳۰۰۰۰۵۲۱	»	
بامستکاتش						
ایکو ادور	امریکه جنوبی	جمهوری	۴۵۱۱۸۰	۲۵۰۰۰۰۰	کوئی تو	
اب :						
باربا دوس (جزیره)	غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه	۴۳۰	۱۷۳۶۷۴	بریج تاون	
باسوتولیند	افریقه	»	۳۰۳۴۳	۶۵۰۰۰۰	ماسیرو	
باشقر	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۱۵۱۸۲۰	۲۹۷۵۴۰۰	اوفه	
برار	آسیا	امپراطوری برطانیه	۴۶۰۱۵	۳۴۴۳۷۶۵	امراوتی	یکی از ولایات حیدر آباد دکن که تحت اداره انگلیس است
برازیل	امریکای جنوبی	جمهوری	۸۵۱۱۸۸۹	۴۱۰۷۹۰۰۰	رایو دی جنیرو	
برالقطر	آسیا	شیخ تحت الحمايه برطانیه	۲۲۱۰۰	۲۶۰۰۰	البیداء	مسلمان
برطانیه	اروپا	امپراطوری	۳۸۳۴۲۴۵۰	۴۹۲۰۸۱۰۰۰	لندن	امپراطوری برطانیه
برما	آسیا	امپراطوری برطانیه	۶۰۵۲۷۷	۱۴۶۶۵۶۱۸	رنگون	از ملحقات هند
برموداس (جزیره)	امریکه شمالی	»	۴۹	۲۷۷۸۹	هیملتن	
بروده	آسیا	مهارا جائی تحت الحمايه برطانیه	۲۱۰۴۸	۲۴۳۳۰۰۷	بروده درهند	
برونزویک	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	۳۶۷۲	۵۰۱۶۷۵	برونزویک	
برونی	آسیا	سلطان تحت الحمايه برطانیه	۶۵۰۰	۳۰۱۶۲	برونی	در جزایر شرق الهند مسلمان
برین	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	۲۵۷	۳۳۸۸۴۶	برین	یکی از ایالات جرمنی
بلجیم	»	شاهی	۳۰۴۴۴	۸۱۲۹۸۲۴	برسلز	
بلغاریا	»	»	۱۰۳۱۴۶	۶۰۶۷۰۰۰	صوفیا	
بلوچستان	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۴۰۴۴۵	۴۶۳۵۰۸	کوئته	یکی از ولایات هند برطانوی - مسلمان

سائنات نامہ « کابل »

مملکت	قطعه بزرگ	طرز حکومت	مساحہ مربع کلومیٹر	نفس	مرکز	ملاحظات
بلوچستان (قلات) آسیا	خانی تحت الحماہ برطانیہ	۲۰۸۲۵۳	۴۰۵۱۰۹	قلات	مسلمان	
بمبئی و سندھ	امیر اطوری برطانیہ	۳۲۰۱۶۵	۲۲۲۰۹۱۶۸	بمبئی	از ولایات ہند	
بنگال	»	۱۹۹۰۱۵	۵۰۱۲۲۵۵۰	کلکتہ	یکی از ولایات ہند	
بوریات و منگول	اتحاد جاہیر اشتراکیہ شورائیہ	۳۷۶۳۷۷	۵۷۴۴۰۱	درخنی اودسک		
بورنیو شمالی برطانیہ	امیر اطوری برطانیہ	۸۰۰۵۶۱	۲۷۰۲۲۳	سنداکان	از جزایر شرق الہند	
بورنیو ہالندی	مستملکہ ہالند	۵۵۰۰۰۰	۲۱۹۴۵۳۳	نیجر ماسین	» مسلمان »	
بوسینیا و ہرک۔ اروپا (ہرزیگووینا)	شاہی یوگوسلاویہ	۵۱۲۵۸	۱۸۸۹۹۲۹	ساراجیو	از ولایات یوگو سلاویہ	
بولیویا امریکای جنوبی	جمہوری	۱۳۳۲۸۰۸	۲۹۷۴۰۰۰	لاپاز		
بوسنیا اروپا	جمہوری چکوسلواکیہ	۵۲۱۲۵	۶۶۷۰۵۸۲	براگ		
بوسنیا	اتحاد جاہیر جرمنی	۷۵۰۹۹۶	۷۳۷۹۵۹۴	میونخ		
بھار آسیا	امیر اطوری برطانیہ	۲۱۵۰۳۷۸	۳۷۵۹۰۳۵۶	پتہ	از ولایات ہند	
بھوتان	» مہاراجہ تحت الحماہ برطانیہ	۴۶۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	یوناک	بہ شمال ہند واقع دارد	
بنچوانالیند	تحت حمایہ برطانیہ	۷۱۲۰۰۰	۱۵۴۹۸۳	سیرووی		
بیدن اروپا	اتحاد جاہیر جرمنی	۱۵۰۰۷۰	۲۳۱۲۴۶۲	کارلس روہ		
پ :						
پاپوا (جزائر) اوقیانوسیا	امیر اطوری برطانیہ	۲۳۴۷۷۰	۲۷۶۱۲۵	پورت مورسبی		
پاراگوئی امریکہ جنوبی	جمہوری	۲۸۸۰۱۹	۱۰۶۵۰۰۰	ایسنشن	گرانچا کوکے بین بولیویا و پاراگوئی متنازع فیہ است مساحہ آن ۳۶۶۶۶۲ مربع کلومیٹر	
پاناما امریکہ وسطی	جمہوری	۷۴۵۲۲	۴۶۷۴۵۹	پاناما		
پرتگال اروپا	»	۹۸۱۱۹	۳۴۵	لژین		
» با مستملکات « آسیا افریقہ	»	۲۱۹۲۹۰۰	۱۴۷۹۰۰۰	لژین		
پرنسپی و سنت افریقہ تو ماس	مستملکہ پرتگال	۹۴۴	۶۳۸۴۹	ساوی توی	جزائر	
پروشیا اروپا	اتحاد جرمنی	۲۹۲۶۹۵	۳۸۱۷۵۹۸۹	برلین		
پنجاب آسیا	امیر اطوری برطانیہ	۲۵۸۵۹۱	۲۳۵۸۰۸۵۱	لاہور	یکی از ولایات ہند	
پولینڈ اروپا	جمہوری	۳۸۸۳۹۰	۳۲۱۳۲۹۳۶	وارسا		
پیرو امریکہ جنوبی	»	۱۳۷۸۳۶۰	۶۲۳۷۰۰۰	لیما		

ملاحظات	مرکز	نفوس	مساحت مربع کیلومتر	طرز حکومت	قطعه بر	مملکت
						ت :
	قازان	۲۷۰۵۰۰۰	۶۷۰۶۰	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائی	اروپا	تاتارستان
	ستالینگراد (دوشنبه)	۱۱۸۷۵۰۰	۱۴۵۸۶۷	» » » »	آسیا	تاجکستان
	دارالسلام	۵۰۶۴۸۱۹	۹۴۱۵۵۲	امپراطوری برطانیه	افریقه	تانگانیکا
	خیم بلدار	۶۳۰۰۰	۱۶۵۰۰۰	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائی	آسیا	تانو تووا
	پایته	۳۹۹۲۰	۴۰۰۰	مستملکه فرانسه	افریقه	تاهیتی و غیره اوقیانوسیه (جزایر)
	لاهاسه	۳۰۰۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰۰	تحت حمایت چین	آسیا	تبت
	بریتوریه	۲۰۸۷۶۳۶	۲۸۶۰۵۳	امپراطوری برطانیه	افریقه	ترانسوال
	اورومچی	۲۷۰۰۰۰۰	۱۴۲۵۰۰۰	اعلان استقلال نموده	آسیا	ترکستان چینی
	عشق آباد	۱۱۵۶۳۰۰	۴۴۳۶۴۹	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائی	»	ترکستان
	انقره (انگوره)	۱۳۶۶۰۲۷۵	۷۶۲۷۳۶	جمهوری	اروپا	ترکیه
	پوت اسپین	۴۱۳۷۸۳	۵۱۱۷	امپراطوری برطانیه	امریکه	ترنیداد و توباگو
	هوبارت	۲۲۷۴۷۳	۶۷۸۹۴	» »	اوقیانوسیه	تسمانیا
	دلی	۱۱۴۶۶۶۰	۱۸۹۸۹	مستملکه برنگال	آسیا	تمور (مجمع الجزائر)
	هو	۲۹۳۷۱۷	۳۳۷۷۲	تحت انتداب برطانیه	افریقه	توگولند برطانوی
	لوم	۷۵۰۰۶۵	۵۶۱۶۹	» » فرانسه	»	» فرانسوی
	تونس	۳۴۱۰۶۹۲	۱۲۵۱۳۰	بیگ تحت حمایت فرانسه	»	تونس
	هانوئی	۸۰۹۷۴۲۹	۱۱۵۷۰۰	تحت حمایت فرانسه	آسیا	تونکن
	نوکوآلوفافا	۲۹۴۳۹	۱۰۰۱	تحت حمایت برطانیه	اوقیانوسیه	تونگا (جزایر)
	ویمار	۱۶۰۹۳۰۰	۱۱۷۶۶	جزء اتحاد جمهوری جرمنی	اروپا	تورنگیا
						ج :
	توکیو	۶۴۴۵۰۰۰۰	۳۸۲۰۷۱	امپراطوری	آسیا	جاپان
	»	۹۱۷۹۲۶۳۹	۶۸۱۴۹۰	»	»	» با مستعمرات
	جبل الطارق	۲۱۳۷۲	۵	امپراطوری برطانیه	اروپا	جبل الطارق
	سویدا	۶۰۰۰۰	۶۰۰۰	تحت انتداب فرانسه	آسیا	جبل دروز
	برلین	۶۵۳۰۰۰۰۰	۲۹۵۵۶۶	جمهوری اتحادی	اروپا	جرمنی
	تفلیس	۲۹۲۴۶۰۰	۷۰۰۹۴	» شورائی	»	جورجیا (گرجستان)
	جمهوری بهرو یک ریاست ملایا	۲۸۲۲۳۴	۲۲۱۴۸	سلطان تحت ۱۳ برطانیه	آسیا	جوهور

سالنامه « کابل »

ملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ج :						
چکوسلواکیا	اروپا	جمهوری	۱۴۰۳۹۴	۱۴۷۲۶۱۰۸	پراگ	
جلی	امریکای جنوبی	»	۷۴۱۷۶۷	۴۲۸۷۶۶۵	سنت یاکو	
جوزن	آسیا	امپراطوری جاپان	۲۲۰۰۰۰	۲۰۳۶۲۹۵۸	سیول	به کوریان نیز معروفست.
جوراشا	»	اتحاد جاهیر اشتراکیه شورائی	۱۷۹۲۰	۹۰۹۱۰۰	جوق سرای	
چین	»	جمهوری	۱۲۴۵۲۶۰۰	۴۷۴۷۸۷۳۸۳	نانکین	
چین خاص	»	»	۵۸۳۹۵۰۰	۴۴۴۷۸۳۸۶	نانکین	فعلاً از امپراطوری چین همینقدر باقیانده.
چینل آی لیندز (جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	۲۲۲	۹۳۰۶۱	سنت هیلیر	در رود بارانگلسستان واقع است
ح :						
حجاز	آسیا	شاهی	۴۴۳۰۰	۹۰۰۰۰۰	مکه معظمه	یک جزء دولت عربیه سعودیه است
حضرموت	»	سلاطین عرب	۱۵۱۰۵۰۰	۱۲۰۰۰۰	ماکلا	
حیدرآباد	»	نظام تحت حایه برطانیه	۲۱۴۱۷۹	۱۴۳۹۵۹۹۳	حیدرآباد دکن	بزرگترین ریاستهای هند است
د :						
دغستان	اروپا	جمهوری شورائی	۵۷۳۲۰	۹۰۱۰۵۰۰	نخج قلعه	اکنون در تقسیمات اروپا آمده اکثر اهالی آن مسلمانست
دافار	افریقه	مستملکه فرانس	۱۵۷	۵۳۹۸۲	دافار	
دانزیک	اروپا	شهر مستقل	۱۹۵۱	۴۰۷۵۱۷	دانزیک	
دالماشیا	»	یوگوسلاویا	۱۲۷۴۵	۶۲۱۴۲۹	راگوسا	از ایالات یوگوسلاویا
دتارک	»	شاهی	۴۲۹۳۴	۳۵۵۰۶۵۱	کوبن هاگن	
دومینیکا	امریکا	جمهوری	۴۸۷۱۱	۱۲۰۰۰۰۰	سانتودومینگو	از جزایر غرب الهند
دهلی	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۵۳۶	۶۳۶۲۴۶	دهلی	از ولایات هند برطانوی
دهوی	افریقا	مستعمره فرانسه	۱۲۲۱۰۰	۱۱۲۰۰۰۰	پورتونووو	ربع اهالی آن مسلمان میباشدند
ر :						
راجیواته	آسیا تحت حایه امپراطوری برطانیه		۳۳۴۶۶۴۸	۱۳۳۰۸۷۸۱		مجموعه ریاستهای هندی

ممالك عالم

ملکت	قطعه بر طرز حکومت	مساحه مربع كيلومتر	نفس	مرکز	ملاحظات
راس تری توری قطب جنوبی مستملکه برطانیه		۲۰۰۰۰۰			
روآنده اوروندی افریقه	تحت انتداب بلجیم	۵۴۸۰۰	۳۴۵۰۹۳۷	اوسوم بورا	
رودیشیای جنوبی افریقه	امپراطوری برطانیه	۳۸۹۳۷۴	۱۰۹۰۱۲	سالس بری	
رودیشیای شمالی افریقه	امپراطوری برطانیه	۷۴۵۷۶۰	۱۳۸۵۳۹۶	لونگستن	
روس سفید اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۱۲۵۹۵۰	۵۰۲۹۰۳۰۰	منسک	
رومانیه اروپا	شاهی	۲۹۴۹۶۷	۱۸۰۲۳۳۷	بخارست	
ریاستهای متحده ملایا آسیا	رؤسای محلی تحت حمایه برطانیه	۷۱۶۰۸	۷۱۳۰۹۶	اکوالامپور اهالی آن مسلمان میباشند	
ریاستهای ملایا آسیا	تحت حمایه برطانیه	۵۸۱۸۴	۱۰۵۲۸۱۰۰	مندوب برطانوی در جوهور سکونت دارد اهالی آن مسلمان میباشند	
ری یونیون (جزیره)	افریقه	۲۰۱۲	۱۹۷۹۳۳	سن پیر	
زنجبار (زنجبار) افریقه	سلطان تحت حمایه برطانیه	۲۶۴۲	۲۳۵۴۲۸	زنجبار	
سار	اروپا				
سار اوک	آسیا	۱۰۸۸۸	۸۰۵۷۲۴	سار بروک	در سنه ۱۹۳۵ از اهالی رای گرفته خواهد شد که بحال موجوده راضی هستند یا بتابعیت آلمان یا فرانسه.
ساردینیا (جزیره) اروپا	شاهی ایتالیه	۲۴۰۹۰	۹۷۳۱۲۵	کولچاری	
ساسکاتچوان امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۶۵۱۸۷۶	۹۲۱۷۸۵	رجینا	یکی از ولایات کانادا
سالویدور امریکه وسطی	جمهوری	۳۴۱۲۶	۱۴۵۹۵۷۸	سان سالویدور	
ساموآی غربی (جزیره)	اوقیانوسیه تحت انتداب برطانیه	۲۹۳۴	۴۶۱۵۰	آپیا	
سان مارینو اروپا	جمهوری	۶۱	۱۳۹۴۸	سان مارینو	
سای رانیکا افریقه	مستعمره ایتالیه	۷۳۸۰۰۰	۱۶۴۶۰۷	بنغازی	اهالی آن مسلمان است
سپتر برجن (جزائر)	اروپا	۶۳۰۹۵	۱۵۶۳	لانگ هیرباین	
ستریت ستامنتس آسیا	امپراطوری برطانیه	۳۹۶۵	۱۴۶۹۸۴	سنگاپور اکثر	» » »
سغالین جنوبی آسیا (کارافوتو)	مستملکه جاپان	۳۶۰۹۰	۲۹۵۱۹۶	تویوها را	
سسی (صقلیه) اروپا	شاهی ایتالیه	۲۵۷۳۸	۴۲۶۸۱۱۶	پلرمو	

سالنامه « کابل »

ملاحظات	مرکز	نفوس	مساحت مربع کیلومتر	طرز حکومت	قطعه بر	مملکت
	ایدن برا	۴۸۴۲۵۵۴ ر	۷۷۱۷۱	شاهی برطانیه	اروپا	سکاتلند
یکی از ریاستهای هند است	تم لونک	۸۱۷۲۲	۶۰۴۷	مهاراجه تحت حمایه برطانیه	آسیا	سکم
	در سدن	۷۹۹۶۱۳۸ ر	۱۴۹۸۶	اتحاد جرمنی	اروپا	سکسنی
	بر اتسلاوه	۳۰۰۰۸۷۰ ر	۷۰۹۷۵	چکسلواکیه	»	سلواکیه
	زاگرب	۱۵۵۰۴۶۴ ر	۱۶۲۰۸	یوگسلاویه	»	سلونیا
از جزایر شرق الهند	بنکولن	۸۲۳۸۵۷۰ ر	۴۲۳۰۳۵	مستملکه هولیند	آسیا	سائرا
مجلس و محل فوت نایولون	جیمز تاون	۳۹۴۷ ر	۱۲۲	امیرا طوری برطانیه	افریقه	سنت هیلینا (جزیره)
در مملکت انقلاب است	ارومچی	۲۵۰۰۰۰۰ ر	۱۴۲۷۰۰۰ ر		آسیا	سن گیانک (ترکستان چینی)
	مبابانی	۱۱۷۸۷۷	۱۷۳۵۹	امیرا طوری برطانیه	افریقه	سوازی لیند
	برن	۴۰۶۶۴۰۰ ر	۴۱۲۹۵	جمهوری اتحادی	اروپا	سوتز لیند
تمام اهالی آن مسلمان است	کائس	۲۸۵۵۶۵۸ ر	۱۴۵۳۷۷۵ ر	مستملکه فرانسه	افریقه	سودان فرانسوی
» »	خرطوم	۵۶۰۵۸۴۸ ر	۲۶۰۹۸۰۰ ر	مستملکه مشترکه مصر و برطانیه	افریقه	سودن مصری برطانوی
» »	موگادیشو	۱۰۱۰۸۱۵ ر	۵۰۰۰۰۰	مستملکه ایتالیه	افریقه	سومال ایتالی
» »	بربره	۳۴۴۷۰۰ ر	۱۷۶۰۰۰	امیرا طوری برطانیه	افریقه	» برطانوی
عموم سکنه آن مسلمان است	جیوتی	۸۷۷۷۸ ر	۲۳۰۰۰	مستملکه فرانسه	»	» فرانسوی
نام دیگر آن گیانای هولندی است	پاراماریبو	۱۵۵۸۸۸	۱۲۹۱۰۰	» هولیند	امریکه جنوبی	سورینام
اکثر اهالی مسلمان است	دمشق	۱۶۲۰۰۰۰ ر	۱۲۷۰۰۰	تحت انتداب فرانس	آسیا	سوریه
	ستا کپالم	۶۱۹۰۳۶۴ ر	۴۴۸۹۸۰	شاهی	اروپا	سویدن
» »	بنگکاک يك خمس	۱۲۳۵۵۰۰۰ ر	۵۱۸۱۶۲	شاهی	آسیا	سیام
» »	فری تاؤن نصف	۱۶۷۲۰۵۷ ر	۷۲۳۲۴	امیرا طوری برطانیه	افریقه	سیرالیون
جزیره است به جنوب هند	کولومبو	۳۰۶۸۷۱ ر	۶۵۶۰۸	امیرا طوری برطانیه	آسیا	سیلون (سرانديب) لنکا
اکثر اهالی مسلمان است	مکاسر	۴۲۲۶۵۸۶ ر	۱۲۰۰۰۰	هولیند	آسیا	سی لی بیز (جزایر)
نصف اهالی مسلمان است	سن لوئی	۱۵۸۴۲۷۳ ر	۲۰۱۳۷۵	مستملکه فرانسه	افریقه	سینی گال
	فورت لامی	۱۰۵۳۰۰۶ ر	۱۲۴۸۰۰۰ ر	مستعمرة فرانسه	افریقه	شاد

ش :

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
شرق اردن	آسیا	امارت تحت انتداب برطانیہ	۱۶۲۲۰	۲۶۰,۰۰۰	امان	اکثر اہالی آن مسلمانست
شرق الہند	آسیا	امارات تحت حایہ ہولند برطانیہ فرانسه جاپان امریکہ	۱۳۴,۹۰۰	۶۰۷,۳۱۰,۰۲۵		از جزا ایشیا شرق الہند تقریباً کل اہالی آن مسلمان است
شبرگ لیب	اروپا	اتحاد جرمنی	۲۴۰	۴۶,۶۶۰	بوکی بورگ	یکی از ایالات جرمنی
شیتلیند (جزا اتر)	»	شاهی برطانیہ	۱۴۲۶	۲۵,۵۲۰	لرویگ	
شیخ سعید	آسیا	تحت حایہ برطانیہ	۱۶	۱,۰۰۰	ساحل عرب	
ص :						
صحرا ی غربی ہسپانوی	افریقہ	مستملکہ ہسپانیا	۲۸۵,۲۰۰	۳۲,۰۰۰	ویلاکسیروس	
صربیا	اروپا	شاهی یوگوسلاویا	۴۸,۳۵۰	۲۹,۹۱۱,۷۰۱	بلگراد	
صوبہ نمرحد	آسیا	امپراطوری برطانیہ	۳۴۷,۵۴	۲۴,۴۲۵,۰۷۶	پشاور	یکی از ولایات ہند
صوبہ متوسط	»	»	۲۱۲,۶۵۴	۱۲,۰۲۸,۸۶۳	ناگپور	از ولایات ہند
ط :						
طرابلس غرب	افریقہ	مستعمرة ایتالیہ	۸۷۵,۳۷۲	۵۷۲,۷۰۰	طرابلس	تمام اہالی مسلمان ہی باشد
طنجہ	»	شہر بین المللی	۳۷۳	۷۰,۰۰۰	طنجہ (تنجیر)	اہالی آنجا مسلمان میباشد
ع :						
عدن	آسیا	امپراطوری برطانیہ	۱۹۴,۰۰۰	۵۵,۰۰۰	عدن	اہالی آن مسلمان میباشدند
عراق	»	شاهی	۳۷۰,۹۷۷	۲۸,۴۹۳,۳۰۰	بغداد	اکثر اہالی مسلمان میباشد
عرب سعودیہ	آسیا	شاهی	۲۶۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	مکہ معظمہ	»
عمان	»	تحت اثر برطانیہ	۱۵۱,۶۷۵	۵۰۰,۰۰۰	مسقط	گوادردر ساحل بلوچستان از مستملکات عمان و اہالی آن مسلمان است
ف :						
فاک لیند	امریکا، جنوبی	امپراطوری برطانیہ	۳,۰۰۰,۰۰۰	۳,۱۰۱	سینٹلی	
فرانس	اروپا	جمہوری	۵۵۱,۰۰۰	۴۱,۸۳۴,۹۲۳	پاریس	
فرانس بامستملکات آن	تمام قطعات عالم	»	۱۲۳,۳۵۷,۸۲۰	۱۰۴,۴۷۶,۸۰۰	»	
فلسطین	آسیا	تحت انتداب برطانیہ	۲۶,۳۰۰	۳۵۰,۱۵۴		بیشتر از دولت اہالی آن مسلمانست
فنلیند	اروپا	جمہوری	۳۸۸,۲۱۷	۳,۶۶۷,۰۶۷	ہلسنگی ہلسنگفورس	

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
فورموسا (تایوان) آسیا	مستلکه جاپان	۳۵۹۷۴	۴۵۹۴۱۶۱	تای هوگو جزیر		
فیرو (جزایر) اروپا	« دتارک »	۱۴۰۰	۲۱۳۵۲	تارنزمان		
ق :						
قبرس آسیا	امپراطوری برطانیه	۹۲۸۲	۳۴۷۹۵۹	نکوسیا	از جزایر مدیترانه	
قرغزستان	« اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائییه »	۱۹۶۷۴۰	۱۰۵۹۹۰۰	فرونسی		
قره قلیاق	« » « »	۱۱۹۵۷۱	۳۴۶۰۰۰	نو کوس		
قراستان	« اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائییه »	۲۸۱۴۶۰۰	۷۲۶۰۵۰۰	المتا	دو نیک آن مسلمان است	
ک :						
کانادا امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	۹۵۵۶۸۱۷	۱۰۳۷۶۷۸۶	اتاوا	دومینیون	
کانگوی بلجیمی	مستعمرة بلجیم	۲۳۸۵۱۰۰	۹۵۸۴۹۳۶	لی بولدویل		
« فرانسوی »	« فرانسه »	۲۴۰۰۰۰	۶۹۸۷۵۳	برازاویل		
کریت (قرطش) اروپا	یونان	۸۲۸۶	۳۸۶۲۴۷	کاندیا	جزیره	
کریما (قریم) «	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائییه	۲۵۸۸۸۱	۷۹۳۷۰۰	سم فروبول	نصف اهالی مسلمان است	
کشیر آسیا	مپاراجه تحت الحمايه برطانیه	۲۱۸۲۱۹	۳۶۹۹۰۶۵	سری نگر	درهند	
کبودیا آسیا	شاهنشاهی تحت الحمايه فرانسه	۱۸۱۰۰۰	۲۸۰۶۰۰۰	فونم پن	هند چین	
کوان تونگ «	تحت اجاره جاپان	۳۴۶۲	۹۵۵۷۴۱	دایرن	از ملک چین	
کوان چووان «	تحت اجاره فرانسه	۸۵۰	۲۵۰۰۰۰	فوت بیارت		
کوجن چینا آسیا (چین کوچک)	شاهی تحت الحمايه فرانسه	۶۸۶۵۰	۴۴۶۷۳۵۲	سیگون	از هند چین است	
کورا کائرو امریکه	هولند	۱۱۳۰	۷۶۲۹۹	ولیم ستاد	از جزایر غرب الهند	
کورسیکا (جزیره) اروپا	فرانس	۸۷۳۰	۲۸۹۸۹۰	اجاک سیو		
کورسیا سلاوو وینا	یوگو سلاویا	۴۳۸۷۴	۲۷۳۹۵۹۳	زاگریب (اگرام)	از ولایات یوگو سلاویا	
کورک آسیا	امپراطوری برطانیه	۴۰۹۷	۱۶۳۰۸۹	سرکاره	از ولایات هند برطانوی	
کوریا (چوزن) «	امپراطوری جاپان	۲۲۰۷۴۱	۲۱۰۵۸۳۰۵	سیویل (کائیجو)	جزء جاپان خاص قرار داده شده	

ممالك عالم

ملاحظات	مرکز	نفوس	مساحتہ مربع کیلومتر	طرز حکومت	قطعہ بر	مملکت
	سان جوزی	۵۲۹۶۹۰	۵۸۰۰۰	جمہوری	امریکای	کوستاریکا
					مرکزی	
	ویکتوریا	۶۹۴۲۶۳	۹۲۱۶۲۶	برطانیہ	امریکہ شمالی	کولمبیای برطانوی
از ولایات کانادا	بوگوتا	۸۲۲۳۰۰۰	۱۱۵۰۲۲۰	جمہوری	جنوبی	»
در ساحل شرقی جزیرہ العرب	کویت	۵۱۰۰۰	۵۰۰۰	شیخ تحت حمایتہ	آسیا	کویت
یکی از ولایات آسٹریلیا	برسبین	۹۶۵۹۳۴	۱۷۳۶۵۲۴	امپراطوری برطانیہ	آسٹریلیا	کوینزلینڈ
سابقاً از مستعمرات جرمنی بود	بوئی یا	۷۷۴۵۸۵	۸۸۲۹۷	تحت حمایتہ	افریقہ	کیمرون برطانوی
سابقاً از مستعمرات جرمنی بود	یوانده	۱۹۰۰۰۰۰	۴۱۸۲۱۵	تحت انتداب فرانسه	افریقا	کیمرون (فرانسوی)
قسمتی مستعمرہ و قسمتی تحت حمایتہ برطانیہ است	نیروی	۳۰۴۹۹۱۱	۵۸۲۳۷۴	امپراطوری برطانیہ	»	کینیا
از جزائر غرب الہند	یادانا	۳۷۶۸۱۹۲	۱۱۴۵۲۴	جمہوری	امریکا	کیوبا
یکی از ولایات کیانہ	کیوبک	۲۸۷۴۲۵۵	۱۵۳۹۵۲۲	امپراطوری برطانیہ	امریکای شمالی	کیوبک
	لیبروین	۳۸۸۸۹۹	۲۷۴۸۷۰	مستملکہ فرانسه	افریقہ	گابون
سہ پروند بہ ساحل ہند واقع است	نیوگوا	۵۷۰۴۲۶	۳۱۷۵۶۰۰	مستملکہ پرتگال	امریکہ شمالی	گرینینڈ (جزیرہ)
	گواتیمالا	۲۰۰۴۹۰۰	۱۰۹۷۲۴	جمہوری	آسیا	گواتیمالا
	باستر	۲۶۷۴۰۷	۱۷۸۰	مستعمرہ فرانسه	امریکہ وسطی	گوادلوپ (جزائر)
از جزائر غرب الہند	آکرا	۳۱۶۳۵۶۸	۲۰۳۶۰۰	امپراطوری برطانیہ	افریقہ	گولڈ کوسٹ
	جارج ٹاؤن	۳۱۲۴۹۸	۲۳۱۷۴۴	امپراطوری برطانیہ	امریکای جنوبی	گیانای برطانوی
	کائن	۳۲۵۹۶	۸۸۲۴۰	مستملکہ فرانسه	»	» فرانسوی
پاراماریبو		۱۵۵۸۸۸	سوری نام	مستملکہ ہالینڈ	امریکہ جنوبی	» ہالینڈی

سالنامه « کابل »

ملکات	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
گیمبیا	افریقه	امیراطوری برطانیه	۱۰۷۰۶	۱۹۹۰۵۲۰	باتهرست	
گیبون سی (جزیره)	اروپا	مستملکه برطانیه	۶۵	۳۹۴۰۶	سان پیر	
گینی برنگالی	افریقه	» برنگال	۳۶۱۲۵	۳۶۴۹۲۹	بولامه	
» فرانسوی	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۵۰۰۸۷۵	۲۲۳۴۶۹۲	کوناکری	ربع اهالی مسلمان است
» هسپانوی	»	» هسپانیه	۲۶۶۶۵۹	۲۰۰۰۰۰۰	سانتا ایزابل	
لاتویا	اروپا	جمهوری	۶۵۷۹۰	۱۹۹۰۰۰۴۵	ریگا	
لاؤس	آسیا	شاهی تحت حمایت فرانسه	۲۳۱۴۰۰	۹۹۴۰۰۰	اوئنت شان	
لای بیری	افریقه	جمهوری	۹۵۰۴۰۰	۱۰۵۰۰۰۰۰	موتروویه	
لبرادور (جزیره)	امریکه شمالی	امیراطوری برطانیه	۳۰۶۸۰۰	۴۰۰	یبتل هاربر	
لبنان	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۱۰۰۵۰۰	۸۰۵۰۰۰۰	بیروت	
لپ	اروپا	اتحاد جمهوری جرمنی	۱۲۱۵	۱۶۳۰۵۷۷	دت مولد	
لتاکیه	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۶۰۵۰۰	۲۸۳۰۰۰	لتاکیه	
لتوانیا	اروپا	جمهوری	۵۳۲۴۲	۲۳۴۰۰۳۸	کاوناس (کونو)	
لکسمبرگ	»	سرداری اعظم	۲۰۵۸۵	۳۰۰۷۴۸	لکسمبرگ	
لیختن ستاین	اروپا	سرداری	۱۵۷	۱۰۲۱۳	وادوز	
لیورد (جزائر)	امریکه	امیراطوری برطانیه	۱۸۶۲	۱۲۶۰۴۰۰	اتینگوا	از جزائر غرب الهند
مارتنیک	امریکه شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴۶۹۵	فوردو فرانس	از جزائر غرب الهند
ماری تاین	افریقه	»	۸۳۴۸۵۰	۳۲۳۴۹۸	سن لوئی	
ماریشس (جزائر)	»	» برطانیه	۱۸۶۵	۴۰۵۵۴۹	پورت	»
مالتا (جزائر)	اروپا	مستعمره	۳۱۶	۲۴۴۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو (جزائر)	آسیا	سلطان تحت حمایت برطانیه	۲۹۸	۷۰۴۱۳	مالی کنگ	
مانچوکو	»	امیراطوریت تحت حمایت جاپان	۱۹۳۷۰۰	۳۴۰۸۴۹۸۰	هسیت	
مانیتوبا	امریکه شمالی	امیراطوری برطانیه	۶۵۲۲۱۸	۷۰۰۱۳۹	ونی پگ	یکی از ولایات کانادا
ماورای قفقاز	آسیا	جمهوری شورایی	۱۸۵۷۱۷	۶۰۱۶۸۰۰	تفلس	
مدراس	»	مستملکه برطانیه	۳۶۸۴۳۸	۴۶۷۴۸۶۴۴	مدراس	یکی از ولایات هند
مدغاسکر	افریقه	» فرانسه	۶۲۷۳۲۷	۳۷۰۱۷۷۰	تانا ناریو	جزیره نصف اهالی مسلمان است
مدر (جزائر)	»	» برنگال	۷۳۹	۲۱۰۲۲۶	فون چال	
مراکش فرانسوی	»	امیراطوری تحت حمایت فرانسه	۴۲۰۰۰۰	۲۷۱۰۶۳۰	رباط	

ممالک عالم

مملکت	قطعه بر طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
مراکش ہسپانوی	افریقہ شریف تحت حمایت ہسپانیہ	۲۸۰۰۰	۷۷۴۰۰۰	طیطان	
مصر	» شاهی	۹۹۴۳۰۰	۱۴۱۶۸۷۵۶	قاہرہ	
مکاؤ	آسیا مستملکہ پرتگال	۱۰	۱۵۷۸۰۵	ماکاؤ	بندرگاہ چینی
مکسیکو	امریکہ شمالی جمہوری	۱۹۶۶۹۱۵۴	۱۶۷۵۲۴۶۲۹	مکسیکو	
ملکنبرگ ستیراتیر	اروپا از اتحاد جمہوری جرمنی	۲۹۳۰	۱۱۲۰۵۲	ستیراتیزجدید	
» ٹورین	» » » »	۱۳۱۲۷	۶۷۴۴۰۱	ٹورین	
ملاکا (جزائر) آسیا	مستملکہ ہالینڈ	۷۵۵۴۷۵	۴۲۷۲۱۱	ترنیت	
منگولیا	» جمہوری ملی مغلی	۱۰۵۲۵۷۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	ارگا (اولان)	
(مغولستان)	تحت مراقبت چین			بوتورشو تو	
موراویا	اروپا یکی از ولایات چکوسلواکیہ	۲۲۳۱۱	۲۶۶۲۸۸۴	برنو	
موریتانیا	افریقہ مستملکہ فرانس	۸۹۰۰۰۰	۲۸۹۱۸۴	موراگو	
موزنبیق افریقہ	» مستعمرہ پرتگال	۷۷۱۱۳۳	۳۹۹۵۸۳۱	لورن کومارکس	
شرقی پرتگالی					
موناکو	اروپا سرداری	یک و نیم	۲۴۹۲۷	موناکو	
میسور	آسیا مہاراجہ تحت حمایتہ برطانیہ	۷۶۳۳۷	۶۵۵۷۸۷۱	میسور	
میکولان	امریکہ شمالی مستملکہ فرانس	۲۱۵	۴۹	سن پیر	
میل	اروپا جزء لیبوانیا	۲۴۱۷	۱۴۶۹۱۴	میل	
مین (مان)	» شاهی برطانیہ	۵۷۲	۶۰۲۳۸	دگلز	
(جزیرہ)					
ناٹال	افریقہ امیراطوری برطانیہ	۹۱۳۸۲	۱۴۲۹۳۹۸	بیتھمارتس برگ	یکی از ولایات اتحاد افریقہ جنوبی
ناروی	اروپا شاهی	۲۲۲۶۷۱	۲۸۱۷۱۹۴	اوسلو	سابقاً اوسلو
تاجیر	افریقہ مستملکہ فرانسه	۱۱۷۹۵۰۰	۱۵۴۲۷۱۴	زندر	گریسیچا نامی گفتند اکثر اہالی مسلمان است
تاجیریا	» امیراطوری برطانیہ	۹۶۵۱۸۷	۱۹۹۲۸۱۷۱	لاگواس	
نجد	آسیا شاهی	۱۰۷۲۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	ریاض	جزء دولت عربیہ سعودیہ
نجران	آسیا داعی تحت حمایتہ عرب سعودیہ	۳۵۹۰۰	۷۵۰۰۰۰	ابوعریش	
نکاراگوا	امریکہ جمہوری	۱۱۸۴۵۳	۷۵۰۰۰۰	ماناگوا	
	وسطی				
نووا اسکوشیا	امریکہ شمالی امیراطوری برطانیہ	۵۵۴۹۶	۵۱۲۸۴۶	ہلی فکس	
نیاسالینڈ	افریقہ تحت حمایتہ برطانیہ	۱۰۳۴۸۲	۱۶۰۳۴۵۴	زومبا	

سالنامه « کابل »

ملاحظات	مرکز	نقوس	مساحت مربع کیلومتر	طرز حکومت	قطعه بر	مملکت
	کشمندو	۵۶۳۹۰۹۲	۱۴۰۰۰۰	شاهی	آسیا	نیال
	امستردام	۸۰۶۱۰۵۷۱	بها لند مراجعه شود	»	اروپا	تیدرلاتنز (هالند)
یکی از ولایات کانادا	فریدریکتن	۴۰۸۲۱۹	۷۲۹۴۷۸	برطانیه	»	تیوروتروک امریکه شمالی امپراطوری برطانیه
	ولینگتن	۱۰۵۴۱۲۷۶	۲۶۹۳۹۶	»	»	تیوزیلند اوقیانوسیه (جزایر)
یکی از ولایات آستریا	سدنی	۲۶۰۰۰۴۲۸	۸۰۱۳۹۶	»	»	توسا و تھویلز
	سینت جان	۲۸۱۶۳۴	۱۱۰۶۷۷	برطانیه	»	تیوفونلیند امریکه شمالی مستعمره برطانیه
جزیره	نومیا	۶۲۹۱۹	۱۸۴۹۹	فرانس	»	نیوکلیدونیا اوقیانوسیه مستبلکه فرانس
	راباپول	۳۹۶۹۰۸	۲۴۰۸۶۰	برطانیه	»	نیوئی برطانی
	ویلا	۵۱۰۰۰	۱۳۲۲۴	فرانس	»	تیوهیریدیز جزائر تحت الحمايه فرانس برطانیه
	واتیکان	۷۱۱	»	شاهی روحانی	»	واتیکان اروپا
	ستوگرت	۲۰۵۷۹۴۵۳	۱۹۵۰۰۸	جمهوری اتحاد جرمنی	»	والفس (خلیج) افریقه
یکی از حصص آستریا	ملبورن	۱۸۱۸۰۸۰	۲۷۲۶۱۰	برطانیه	»	ورتم برک وکتوریه اوقیانوس
یکی از ولایات اتحاد افریقه جنوبی است	کیپ تاؤن	۲۷۸۲۷۱۹	۷۱۷۳۱۳	»	»	ولایت راس امیدا فریقا
	کاراکاس	۳۲۱۶۰۰۰	۹۱۲۰۵۰	جمهوری	»	ونیزویلا امریکه جنوبی
	انجلز	۶۲۲۶۵۵	۲۷۲۴۶۶	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	»	وولگا اروپا اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه
یکی از حصص پروشیا	ایسن	۴۸۲۶۸۸۵	۲۰۲۴۱	جمهوری اتحاد جرمنی	»	ویستالیا
یکی از حصص یونانیند کنگدم	کاردف	۲۰۹۳۰۱۴	۱۹۳۴۳	سرداری	»	ویلز
اکثر این مملکت از سطح بحر پست است	امستردام	۸۰۶۱۰۵۷۱	۳۴۲۰۰	شاهی	»	هالیتد اروپا (تیدرلاتنز)
	»	۶۹۰۲۲۶۰۰	۲۰۶۴۶۰	»	»	«بامستملکات اروپا آسیا امریکه»
	تیکو سیکال یا	۸۵۹۷۶۱	۱۵۴۳۰۸	جمهوری	»	هاندوراس امریکه وسطی
	بیلانیز	۵۱۳۴۷	۲۱۵۳۵	امپراطوری برطانیه	»	هاندوراس امپراطوری برطانیه

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع كيلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
هانكا نك آسيا	امپراطوری برطانیه	۱۲۰۱۲ ر	۸۴۹۷۵۱	ویکتوریه	در ساحل چین	
هانگری اروپا (مجارستان)	شاهی	۹۳۰۷۲	۸۶۸۸۳۴۹ ر	بوداپست		
هائیتی امریکه	جمهوری	۲۷۴۴۴	۲۵۵۰۰۰۰	پورتو پرنس	حکومت بدست حبشیان است	
هس اروپا	اتحاد جمهوری	۷۶۹۲	۱۳۴۷۲۹۵ ر	دارم ستات		
هسپانیه	جمهوری	۵۰۳۰۷۵	۲۳۸۱۷۱۷۹ ر	مادرید		
همبرک	شهر آزاد داخل اتحاد جمهوری	۴۱۵	۱۱۵۲۴۸۹ ر	همبرک		
هند آسيا	امپراطوری برطانیه	۴۶۷۵۶۱۶ ر	۳۵۲۹۸۶۸۸۰	دهلی	خمس اهالی مسلمان است	
» برطانوی	مستملکه برطانیه	۲۸۳۳۵۱۰	۲۷۰۵۶۱۳۵۳	دهلی		
» برنگالی	» برنگال	۳۸۰۷	۵۷۹۹۶۹	نیوگوا		
» چینی	تحت حیاة فرانسه	۷۴۱۲۵۰	۲۱۵۹۹۵۸۲	سیگون		
فرانسوی	تحت حیاة برطانیه	۱۸۴۲۱۰۶ ر	۸۰۸۳۸۵۲۷		بچندین ریاست های علیجده منقسم است	
» ریاستی	مستملکه فرانسه	۵۱۳	۲۹۰۴۶۰	باندریچری		
» فرانسوی	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲۹۰۰۰۰۰	۳۱۲۵۰۰	یاگوتسک		
» ریاستی	امام	۶۲۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	صنعا		
یونان	جمهوری	۱۸۶۹۲۶	۱۹۴۱۳۹۸ ر	ماتیی ویدیو		
یوروگوی امریکه جنوبی	»	۳۸۵۰۸	۳۸۶۵۹۶	میریدا	یکی از حصص مکسیکو	
یوکاتان امریکه شمالی	»	»	»	»		
یوکون	امپراطوری برطانیه	۵۳۶۳۰۵	۳۸۴۷۹۰	داسن		
»	تحت حیاة برطانیه	۲۴۳۹۷۳	۳۵۵۳۵۳۴	انتیبی		
یوگندا افریقه	شاهی	۲۴۸۶۶۵	۱۳۹۳۰۹۱۸	بلغراد		
یوکوسلاویه اروپا	جمهوری	۱۳۰۱۹۹	۶۴۸۰۰۰۰	ایتنهتر (آتنه)		
یونان	شاهی	۲۴۱۸۰۰	۴۴۷۹۰۴۸۵	لندن		
»	»	»	»	»		
یونانید کنگدم	»	»	»	»		



جزائر

ملاحظات	مرکز	نفس	مساحت مربع کیلومتر	قطعه بروبحر طرز حکومت	مملکت
قرب ساحل افریقہ شمالی	یوتناویل گارا	۲۵۳۰۹۶	۲۵۶۵	بحر اتلانتیک مستملکات پرتگال	آزور
	کان پیرا	۶۳۷۶۸۹۶	۷۶۳۵۹۶۸	امپراطوری برطانیہ	آسٹریلیا
	جورج ٹائون	۲۲۰	۸۸	مستملکہ برطانیہ	اسینشن
	سنت این	۲۷۰۰	۸	» »	الدرنی
سینت جوہن رجوع شود بہ جزائر لیورد				جزائر غرب امپراطوری برطانیہ الهند امریکہ	ان ق گوا
مربوط ہند برطانوی	پورت بلیئر	۲۹۹۶۳	۸۱۴۰	» » »	اندمان و نیکوبار آسیا
	کر کوال	۲۴۰۱۰۹	۹۷۵	امپراطوری برطانیہ	اورکنی
	برج ٹائون	۱۷۳۶۷۴	۴۳۰	امپراطوری برطانیہ	باربہ دوس
	پاما	۳۷۵۱۰۱	۵۰۱۴	مستملکہ ہسپانیہ	بالبارک
در بحر عمان	ماناما	۱۲۰۰۰۰	۵۵۲	شیخ تحت انتداب برطانیہ	بحرین
	لندن	۴۴۷۹۰۰۴۸۵	۲۲۸۲۷۵	شاہی	برطانیہ
	ہیملٹن	۲۷۷۸۹	۴۹	امپراطوری برطانیہ	برموداس
	رابال	۲۸۸۰۰۰	۴۰۴۰۶	امپراطوری برطانیہ	بسمارک
از جزائر شرق الہند	سندا کان	۲۷۰۲۲۳	۸۰۰۵۶۱	امپراطوری برطانیہ	بورنیو برطانوی آسیا (بورنیوی شمالی)
	ناسو	۶۲۰۰۰	۱۱۹۴۰۶	» » »	بہاما الهند امریکہ
	پورت مورسبن	۲۷۶۱۵۲	۲۳۴۷۷۰	امپراطوری برطانیہ	یاپوا
مربوط بہ عدن	پیرم	۱۷۰۰	۱۳	مستملکہ برطانیہ	پیرم
	ساؤ تومی	۶۳۸۴۹	۹۴۴	مستملکہ پرتگال	پرنسیپس و سنت توماس
	شارلت ٹاؤن	۸۸۰۳۸	۵۶۰۶	امپراطوریت برطانیہ	پرنس ادورد
	اون برک	۲۰۹	۱۳۵	مستملکہ برطانیہ	ترستان داکنہا بحر اتلانٹیک

ممالك عالم

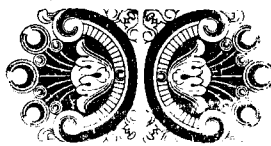
ملاحظات	مرکز	تفوس	مساحه مربع كيلومتر	قطعه بروج طرز حكومت	مملكت
	گرا اندترك	۴۸۸۸۶	۴۲۹	امريكه شمالی مستملكه برطانيه	ترك
اوجيا نوسياى فرانسوى	پايته	۳۹۹۲۰	۴۰۰۰	فرانسہ	تاهیتی
	پورت آسین	۴۱۲۷۸۳	۵۱۱۷	امپراطوری برطانيه	ترينيداد و توباگو امريكه
	هوبارت	۲۲۷۴۷۳	۶۷۸۹۴	» » »	اوقيانوسيه
قسمت مستملكه یرنگال و قسمت مستملكه هولیند.	دلی	۱۸۴۶۶.۶۰	۱۸۹۸۹	مستملكه یرنگال	آسیا
	نوكو آ لوفاجزا فرانسولی هم میگوید.	۲۹۴۳۹	۱۰۱۱	تحت حمایه برطانيه	تونگا
	توكيو	۶۴۴۵۰۰۰۰	۳۸۲۰۷۱	امپراطوری	جاپان
	سنت هیلیرز	۵۰۴۵۵	۱۱۷	مستملكه برطانيه	جرمی
	لنگستن	۱۷۲۷۰۰۱	۲۳۷۵۰	امپراطوری برطانيه	چیمکا
	سنت هیلیرز در رودبار انگلستان واقع است	۹۳۰۶۱	۲۲۲	» » »	چینل آی لیندز اروپا
	سان تودومینگو از جزایر غرب الهند	۱۲۰۰۰۰۰	۴۸۷۱۱	جمهوری	دومه نیکا
	سن بیر	۱۹۷۹۳۳	۲۵۱۲	مستملكه فرانسہ	ری یونین
	زنجبار	۲۳۵۴۲۸	۲۶۶۴۲	سلطان تحت حمایه برطانيه	زنجبار
	گا گلباری	۹۷۳۱۲۵	۲۴۰۹۰	شاهی ایتالیا	ساردینیا
مرکز معین ندارد		۹۴۰۶۶	۳۷۸۵۸	طوایف الملوك تحت حمایه برطانيه	سالومون
	آبیا	۴۶۱۵۰	۲۹۳۴	تحت انتداب برطانيه	ساموآ غربی
	سان بیر	۴۰۳۰	۱۴۱	مستملكه فرانسہ	سان بیر
				اتحاد جاهیر	سایر بای جدید آسیا
				اشتراییه شورانیه	
	مربوط بجزیره چیمکا	۵۹۸۷	۲۷۳	مستملكه برطانيه	سای مان
	لانگک هیرباتن	۱۵۶۳	۶۳۰۹۵	ناروی	سیتز برجن اروپا
	توریهارو	۲۹۵۱۹۶	۳۶۰۹۰	مستملكه جاپان	سخالین جنوبی آسیا (کارافوتو)
	پلمو	۴۲۶۸۱۱۶	۲۵۷۳۸	شاهی ایتالیا	سلسلی
	تاماریدا	۱۲۰۰۰	۳۵۷۶	مستملكه سلطان قش تحت حمایه برطانيه	سقو طره
	بنکولن	۸۲۳۸۵۷۰	۴۲۳۰۳۵	مستملكه هالیند	سماترا
	جیمز تائون محبس و محل فوت نا یولیون	۳۹۴۷	۱۲۲	امپراطوری برطانيه	سنت هیلینا
	پایته	۳۹۹۲۰	۳۹۴۰	مستملكه فرانسہ	سوسائیتی
	وکتوریا	۲۸۲۱۷	۴۰۴	برطانيه	سیشیلز
	جزیره ایست جنوب هند	۳۰۶۸۷۱	۶۵۶۰۸	امپراطوری برطانيه	سیلون
					(مراندیب) لنکا

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بروبحر طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	تقوس	مراکز	ملاحظات	
می لی ییز	آسیا	مستملکه هولیند	۱۲۰۰۰۰	۴۲۲۶۵۸۶ر	مکاسر	از جزائر شرق الهند
شینلیند	ارویا	شاهی برطانیه	۱۴۲۶	۲۵۰۵۲۰	لرویك	
غرب ببحرالکاهل	بحرالکاهل	تحت حمايه برطانیه	۳۰۸۰۵	۱۵۳۲۳۱	اوشن آیلند	
قاک لیند	امریکه جنوبی	امپراطوری برطانیه	۳۰۰۰۰۰۰	۳۱۰۱	ستینلی	
فراز جوزف	ارویا	مستملکه اتحاد جماهیر	۲۱۰۰۰	۲۰		در منطقه منجمده شمالی واقع بوده غیر آباد است
فور موسا (تائی وان)	آسیا	» جاپان	۳۵۹۷۴	۵۹۴۱۶۱ر	تای هوکو	
فیرو	ارویا	» دنمارک	۱۴۰۰	۳۱۳۵۲	تارنرمان	
فیجی	اوقیانوسیه	امپراطوریت برطانیه	۱۸۳۴۴	۱۸۵۰۷۳	سوا	
قبرس	آسیا	» » »	۹۲۸۲	۳۴۷۹۵۹	نکوسیا	از جزائر مدیترانه
قطب جنوبی		امپراطوریت برطانیه				در منطقه جنوبی واقع بوده غیر مسکون است
کریت	ارویا	یونان	۸۲۸۶	۳۴۵۱۴۹	کاندیا	جزیره
کرلیا	آسیا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شوراییه	۱۴۶۹۱۵	۲۹۰۸۰۰	تیروزا و ودسک	
گورا کائو	امریکه	هولیند	۱۱۳۰	۷۶۲۹۹	ولیم ستاد	از جزائر غرب الهند
کورسیکا	ارویا	فرانس	۸۷۳۰	۲۸۹۸۹۰	اجاک سیو	
کوکوس	آسیا	مستملکه برطانیه	۲ و نیم	۱۱۴۲	کیلنگک	در جزائر شرق الهند
کیب ورد	افریقه	پرتگال	۳۸۴۵	۱۵۳۷۳۸	پیرایا	
کوریا موریا	آسیا	مستملکه برطانیه	۷۵	۱۰۰	کوریا موریا	
کومور	افریقه	» فرانسه	۲۱۶۷	۱۲۶۲۰۸	روزی	در بحر هند
کینیری	بحر ااتلانتیک	هسپانیا	۷۲۷۳	۵۶۴۸۷۳	سان تا کروز	
					دوقی تیرف	
کیوبا	امریکه	جمهوری	۱۱۴۵۲۴	۳۷۶۷۱۹۲	یادانا	از جزائر غرب الهند
لابوآن	آسیا	مستملکه برطانیه	۷۳	۷۵۰۶	وکتوریه	جزائر شرق الهند
لکادیو	»	»	۱۹۲۷	۱۶۰۴۶	محل	مربوطه مدراس
لیورد	امریکه	امپراطوری برطانیه	۱۸۶۲	۱۲۶۴۰۰	انتیگوا	از جزائر غرب الهند
مارتی نیک	امریکه شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴۶۹۵	فوردو فرانس	» » »
ماریشس	افریقه	» برطانیه	۱۸۶۵	۴۰۵۵۴۹	پورت لوئی	
مالتا	ارویا	مستعمرة برطانیه	۳۱۶	۲۴۴۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو	آسیا	امپراطوری تحت حمايه برطانیه	۲۹۸	۷۰۴۱۳	مالی	

ممالک عالم

ملاحظات	مرکز	نفوس	مساحتہ مربع کلومتر	طرز حکومت	قطعه بر	مملکت
جزیرہ نصف اہالی آن مسلمان است	تانا نارو	۳۷۰۱۷۷۰	۶۲۷۳۲۷	مستملکہ فرانسه	افریقہ	مدفا سکر
	فون چال	۲۱۰۲۲۶	۷۳۹	» پرتگال	»	مدیرا
	ترنیت	۴۲۷۲۱۱	۷۵۵۴۷۵	» ہولینڈ	آسیا	ملاکا
	سن پیر	۴۹	۲۱۵	» فرانسه	امریکہ شمالی	میکولان
	دگلس	۶۰۲۳۸	۵۷۲	شاہی برطانیہ	اروپا	مین مان
	کورول	۶۹۶۲۶	۲۱۴۹	تحت انتداب جاپان		نان گوچو
		۳۳۱۶	۲۱	تحت انتداب برطانیہ	اوقیانوسیا	ناورو
		۱۰۰	۹۳۰۰۰۰	مستملکہ شورائی	اروپا	نوازیبلا
	کنگستن	۹۹۲	۳۶			نورفورک
	ہلی-فکس	۵۱۲۸۴۶	۵۵۴۹۶	امپراطوری برطانیہ	امریکہ شمالی	نووا اسکوشیا
از ولایات ہند	پورت پلیر	۲۹۴۶۳	۸۰۱۴۰	»	آسیا	نیکوبار واندمان
		۴	۶۰۰	مستملکہ شوروی	اروپا	نیکولائی ٹانی
	ویلنگٹن	۱۵۴۱۲۷۶	۲۶۹۳۹۶	امپراطوری برطانیہ	اوقیانوسیا	نیوزیلینڈ
	سند جان	۲۸۱۲۶۴	۱۱۰۶۷۷	مستعمرة برطانیہ	امریکہ شمالی	نیوفونڈلینڈ
	نومیا	۶۲۹۱۹	۱۸۴۹۹	مستملکہ فرانسه	اوقیانوسیا	نیولکینڈونیا
	راباپول	۳۹۶۹۵۸	۲۴۰۸۶۰	تحت انتداب برطانیہ	»	نیوگی برطانیہ
	ویلا	۵۱۰۰	۱۳۲۲۴	تحت الحماہ فرانسه و برطانیہ	اوقیانوسیا	نیوہیریڈی
		۶۰	۴۶۹۰	مستملکہ شورائی	آسیا	ورانگل
	سنت جارجر	۱۸۸۴۳۹	۱۳۳۵	امپراطوری برطانیہ	امریکہ	وندورد
در ساحل چین	ویکتوریہ	۸۴۹۷۵۱	۱۰۱۲	امپراطوری برطانیہ	آسیا	ہانگ کانگ
حکومت بدست جیشیان است	پورتورنس	۲۵۵۰۰۰۰	۲۷۴۴۴	جمہوری	امریکہ	ہاہیتی



ولایات ممالک جماہیر متحدہ امریکہ

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نقوس	مرکز	ملاحظات
آرکانساس	امریکہ	جمہوری	۱۳۸۱۳۲	۱۸۵۴۸۲	لٹل راک	یکی از جماہیر متحدہ امریکہ
آریزونا	»	»	۲۹۵۱۳۴	۴۳۵۷۳	فونکس	» » » »
آیوڈا	»	»	۱۴۵۴۱۵	۲۹۳۹	دی موینز	» » » »
اداہو	»	»	۲۱۷۲۶۱	۴۴۵۰۳۲	بویز	» » » »
الاباما	»	»	۱۰۵۱۴۵	۲۶۴۶۲۴۸	مونت گومری	» » » »
الاسکا	»	»	۱۶۱۸۷۱۴	۵۹۲۷۸	جونو	از ایالات
الی نوٹس	»	»	۱۴۶۷۵۶	۷۶۳۰۶۵۴	اسپرنگ فیلڈ	یکی از
انڈیانا	»	»	۹۴۰۵۳	۳۲۳۸۵۰۳	انڈیانا پولس	» » » »
اوتہ	»	»	۲۲۰۱۱۵	۵۰۷۸۴۷	سالٹ لیک سٹی	» » » »
ادری گون	»	»	۲۵۰۴۴۰	۹۵۲۷۸۶	سیلم	» » » »
اوکلاہوما	»	»	۱۸۱۴۴۰	۲۳۹۶۰۴۰	اوکلاہوما	» » » »
اوہایو	»	»	۱۰۶۲۸۹	۶۶۴۶۶۹۷	کولمبس	» » » »
پنسل و انیا	»	»	۱۱۶۸۷۲	۹۶۳۱۳۵۰	ہیرس برگ	» » » »
پورتوریکو	»	»	۸۸۹۶	۱۵۴۳۹۱۳	سان یوان	مستملکہ
ٹک ساس	»	»	۶۸۸۶۴۳	۵۸۲۴۷۱۵	آسٹن	یکی از
تنی سی	»	»	۱۳۴۶۶۹	۲۶۱۶۵۵۶	نیش ول	» » » »
جزایر بیرنگ	»	»	۳۷۸۴۰	۱۱۶	اونالاسکا	مستملکہ
جورجیا	»	»	۱۵۳۴۹۰	۲۹۰۸۵۰۶	اتلانتا	یکی از
دیلاویر	»	»	۶۱۳۸	۲۳۸۳۸۰	دوور	» » » »
رود آیلند	»	»	۳۲۳۲	۶۷۸۴۹۷	پراویننس	» » » »
ساموآ	اوقیانوسیا	»	۱۹۷	۱۰۲۵۴	پاگو پاگو	مستملکہ
ساؤت دا کوتا امریکہ (دا کوتا شمالی)	»	»	۲۰۱۰۱۵	۶۹۲۸۴۹	بسمارک	یکی از
ساؤت کارولینا (کارولینای جنوبی)	»	»	۸۰۲۵۸	۱۷۳۸۷۶۵	کولمبیا	» » » »
فلوریدا	»	»	۱۵۱۹۳۹	۱۴۶۸۲۱۱	تامپلاہاسی	» » » »
فیلیپین (جزایر) آسیا	»	»	۲۹۶۲۸۵	۱۲۲۰۴۱۰۰	مانیلا	مستملکہ
کالیفورنیا امریکہ	»	»	۴۰۹۹۷۳	۵۶۷۷۲۵۱	سکرامنتو	یکی از
کانال پاناما	»	»	۱۴۲۲	۳۰۷۴۵	پالبوا	مستملکہ
کانساس	»	»	۲۱۲۷۸۰	۱۸۸۰۹۹۹	تویپکا	یکی از
کانیک تیکت	»	»	۱۲۸۵۹	۱۶۰۶۹۰۳	ہارت فورد	» » » »
کتیک	»	»	۱۰۸۸۳۳	۲۶۱۴۵۸۹	فرا نکفورت	» » » »
کولمبیا	»	»	۱۸۱	۴۸۶۸۶۹	واشنگٹن	مستقیماً تحت ادارہ رئیس جمہور امریکہ میباشد .

ممالک عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
کولوریدو	»	»	۲۶۹۲۱۴	۱۰۳۵۷۹۱	دن ور	یکی از جواهر متحدہ امریکہ
گوآم (جزیره) اوقیانوسیا	»	»	۵۳۴	۲۰۸۵۵	آگانا	مستملکہ » »
لیوزیانا	»	امریکہ	۱۲۵۶۲۵	۲۱۰۱۵۹۳	بیت	یکی از » »
ماساچوستس	»	»	۲۱۴۰۸	۴۲۴۹۶۱۴	بوسٹن	» » » »
مسوری	»	»	۱۷۹۷۹۰	۳۶۲۹۳۶۲	جیفرسن	» » » »
مشی گن	»	»	۱۵۰۱۶۲	۴۸۴۲۳۲۵	لنسنک	» » » »
مونتانا	»	»	۳۸۰۷۰۶	۵۳۷۶۰۶	ہلینا	» » » »
میری لینڈ	»	»	۳۱۹۲۶	۱۶۳۱۵۲۶	انابولس	» » » »
میسیسیپی	»	»	۱۲۱۳۷۵	۲۰۰۹۸۲۱	جیکسن	» » » »
مین	»	»	۸۵۰۷۰	۷۹۷۴۲۳	آگستا	» » » »
مینیسوتا	»	»	۲۱۹۳۱۷	۲۵۶۳۹۵۳	سنت پال	» » » »
نارت دا کوتا	»	»	۱۸۳۴۶۰	۶۸۰۸۴۵	پیر	» » » »
(دا کوتای شمالی)	»	»	۱۳۵۷۸۷	۳۱۷۰۲۷۶	رلی	» » » »
نارت کارولینا	»	»	۲۰۰۷۶۹	۱۳۷۷۹۶۳	لنکن	» » » »
(کارولینای شمالی)	»	»	۲۸۶۶۷۵	۹۱۰۰۵۸	کارسن سٹی	» » » »
نبراسکہ	»	»	۲۱۲۹۹	۴۰۴۱۳۶۴	ترن تن	» » » »
نیواڈا	»	»	۳۱۷۶۰۹	۴۲۳۳۱۷	ساتتافی	» » » »
نیو جرسی	»	»	۲۴۱۹۲	۴۶۵۲۹۳	کانکالڈ	» » » »
نیو مکسیکو	»	»	۱۲۷۴۳۳	۱۱۲۵۸۸۰۶۶	ایل بی	» » » »
نیو همپ شائر	»	»	۱۷۹۰۳۲	۱۵۶۳۳۹۶	اولمپیا	» » » »
نیویارک	»	»	۲۵۳۵۸۷	۲۲۵۵۶۵	چی ان	» » » »
واشنگٹن	»	»	۳۴۴	۲۲۰۱۲	سند تامس	مستملکہ »
وای منک	»	»	۱۱۰۳۹۹	۲۴۲۱۸۵۱	چاند	یکی از »
ورجن (جزائر)	»	»	۲۴۷۷۰	۳۵۹۶۱۱	مونت پیلیا	» » » »
ورجینیا	»	»	۱۴۵۲۰۵	۲۹۳۹۰۰۶	میدیسن	» » » »
ورمانٹ	»	»	۶۲۵۹۸	۱۷۲۹۲۰۵	چارلسٹن	» » » »
وس کانسن	»	»	۱۶۵۹۳	۳۸۰۵۰۷	ہونولو	» » » »
ویسٹ ورجینیا	»	»				
(ورجینیا غربی)	»	»				
ہوائی (جزائر)	»	»				



نفوس شهر های بزرگ عالم

اسم شهر	ملکت	نفوس
لندن	برطانیه	۷۷۴۲۲۱۲
نیویارک	جماہیر متحدہ امریکہ	۶۹۳۰۴۴۶
توکیو	جاپان	۵۳۱۱۰۰۰
برلین	جرمنی	۴۲۸۸۳۱۴
پاریس	فرانس	۳۷۷۳۰۰۰
شیکاگو	امریکہ	۳۳۷۶۴۳۸
ماسکو	اتحاد جماہیر اشتراکیہ شورائیہ	۲۷۸۱۳۰۰
اوساکا	جاپان	۲۴۵۳۵۷۳
لینن گراد	اتحاد جماہیر اشتراکیہ شورائیہ	۲۲۲۸۳۰۰
بونیس آیرس	ارجنٹائن	۲۲۱۴۷۰۰
فیلادلفیا	امریکہ	۱۹۵۰۹۶۱
ویانا	آسٹریا	۱۸۶۸۳۲۸
دی ٹرایٹ	جماہیر متحدہ امریکہ	۱۵۶۸۶۶۲
شنگھائی	چین	۱۵۳۹۰۰۰
ہانکاو	»	۱۵۰۰۰۰۰
کلکتہ	ہند	۱۴۸۵۰۵۸۲
بیکن	چین	۱۲۹۷۷۱۹
سدنی	آسٹریلیا	۱۲۶۲۴۴۰
لاس انجلس	امریکہ	۱۲۳۸۰۴۸
وارشاو (وارسا)	پولینڈ	۱۱۷۸۲۱۱

نفوس شهر های بزرگ عالم

نفوس	مملکت	اسم شهر
۱۰۱۶۱۳۸۳	هند	بمبئی (بمبئی)
۱۰۱۵۷۸۷۳	برازیل	رایودی جنیرو
۱۰۰۸۸۴۱۷	اسکاتلند	گلاسکو
۱۰۰۷۹۰۹۲	جرمنی	همبرگ
۱۰۰۷۵۶۹۰	چین	هانگانگ
۱۰۰۶۴۵۶۷	مصر	قاهره
۱۰۰۲۸۳۰۰	آسترلیا	ملبورن
۱۰۰۰۸۰۸۳	ایطالیا	روما
۱۰۰۰۶۱۴۰	مجارستان (هنگری)	بوداپست
۱۰۰۰۲۴۱۳	برطانیه	برمنگهم
۱۰۰۰۰۰۰۰	چین	هانچاو
۱۰۰۰۰۰۰۰	ترکیه	استانبول



بندر گاهای بزرگ بحری عالم

ظرفیت جہازات واردہ	مملکت	اسم بندرگاہ
۲۶۶۴۷۰۰۰ تن	امریکہ	نیویارک
۲۰۱۴۳۰۰۰ »	برطانیہ	لندن
۱۸۲۵۳۰۰۰ »	جرمنی	ہمبرگ
۱۶۹۱۵۰۰۰ »	بلجیم	انت ورپ
۱۴۹۳۸۰۰۰ »	ہالند (نیدرلاندز)	راآردام
۱۳۵۸۳۰۰۰ »	فرانسہ	مارسیلز
۱۳۰۳۵۰۰۰ »	برطانیہ	لیورپول
۱۱۹۸۷۰۰۰ »	جاپان	کونی
۹۶۷۶۰۰۰ »	ایطالیا	جینوا
۹۲۰۷۰۰۰ »	برطانیہ	سوتھمن
۷۳۹۹۰۰۰ »	جرمنی	برین



کتابخانه های بزرگ دنیا

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
کانگریس (شورای ملی) امریکا واشنگتن	امریکا	۴٬۶۳۳٬۴۷۸	کتابخانه کانگریس (شورای ملی) امریکا که در واشنگتن واقع است از حیث شکوه و عظمت عمارت بزرگترین کتابخانه عالم است و تنها زمینی که داخل عمارت مذکور است ۷ ونیم جریب بوده و مبلغ ۷۰ میلیون افغانی در آبادی این بنا بمصرف رسیده است.
		۱٬۱۰۰٬۴۲۸	نقشه
		۵۲۴٬۳۲۱	تصاویر
		۱۵۳٬۴۸۹	کتب چینی
		۱۴٬۳۵۳	» جاپانی
		۷٬۷۰۷٬۲۹۶	مجموعه کل
	فرانس	۴٬۰۰۰٬۰۰۰	کتب مطبوعه
		۲۰۰٬۰۰۰	کتب چینی
		۱۲۵٬۰۰۰	کتب قلمی
		۲۰۵٬۰۰۰	مسکوکات و نشانها
		۳٬۰۰۰٬۰۰۰	تصاویر
		۷٬۳۵۰٬۹۰۰	مجموعه کل
	روسیه	۴٬۸۳۲٬۹۴۸	کتب
		۳۳۱٬۱۰۰	رسائل
		۵٬۱۶۴٬۰۴۸	مجموعه
	امریکا	۴٬۸۶۱٬۰۵۷	کتب
	یونیورسیتی نیویارک		
	یونیورسیتی ماساچوستس	۴٬۸۳۲٬۶۸۱	کتب

تفصیلات	تعداد کتب	مملکت	اسم کتابخانه
	کتب ۳'۹۰۰'۰۰۰	روسیه	کتابخانه لینن
کتابخانه عمومی نیویارک که تنها مصارف عمارت آن بمبلغ ۹۰ میلیون افغانی رسیده است، علاوه بر کتابخانه مرکزی ۶۰ کتابخانه دیگر به نقاط مختلفه نیویارک داشته و از انجمله یک کتابخانه آن وقف نابینایان میباشد که آنها به لمس دست کتب را مطالعه مینمایند.	کتب ۳'۶۰۱'۴۲۹	امریکا	کتابخانه عمومی
	کتب مطبوعه ۳'۲۰۰'۰۰۰	انگلستان	برتش موزیم لندن
	» قلمی ۵۳'۶۵۰		
	اسناد خطی ۱۵۰'۰۰۰		
	مواہیر ۱۸'۰۰۰		
	پاپیروس ۲'۸۵۰		
	کتب مطبوعه شرقی ۱۲۰'۰۰۰		
	» قلمی شرقی ۱۶'۴۰۰		
	مجموعه کل ۳'۴۹۵'۹۰۰		
	کتب مطبوعه ۲'۲۸۷'۸۲۱	جرمنی	کتابخانه دولتی پروشیا
	» قلمی ۵۹'۱۴۷		برلن
	مراسلات خطی ۴۱۶'۴۱۵		

کتابخانه های بزرگ عالم

تفصیلات	تعداد کتب	اسم کتابخانه مملکت
	۳۷۱'۸۲۱	نقشه جات
	۲۱۰'۰۰۰	تصاویر
	۳۳۴۵'۲۰۴	مجموعه
	۳۳۰'۰۰۰	کتب یونیورسٹی الیناویس جہا ہیر متحدہ امریکا
	۲۸۱'۸۲۴	کتب یونیورسٹی پنسل و انیا
	۲۷۲'۰۳۴	» اوہایو
	۲۳۲'۱۴۷	» کانیکٹیکٹ
	۲۳۰'۴۰۴	» کالیفورنیا
	۱۲۵۰'۰۰۰	» کتابخانہ ملی ویانا آسٹریا
	۱۰۰'۰۰۰	رسائل
	۳۵'۰۰۰	کتب قلمی
	۹'۰۰۰	کتب مطبوعہ قدیم
	۶۰'۰۰۰	مراسلات خطی
	۱۱۰'۰۰۰	نقشه
	۲۰۰'۰۰۰	تصاویر
	۹۶'۰۰۰	پاپیروس
	۱۷۰'۶۰۰	مجموعه
	۱۶۷۰'۰۰۰	کتب مطبوعہ کتابخانہ دولتی بویریا جرمنی مونیخ
	۵۰'۰۰۰	کتب خطی
	۱۷۲۰'۰۰۰	مجموعه
	۱۲۵۰'۰۰۰	کتب مطبوعہ یونیورسٹی کیمبرج انگلستان
	۱۰'۰۰۰	کتب قلمی

تفصیلات	تعداد کتب	مملکت	اسم کتابخانه
	۱۷۵۰۰۰	نقشه	
	۱۴۳۵۰۰۰	مجموعه	
	۱۳۰۰۰۰۰	کتب مطبوعه	یونیورسٹی سٹراسبورگ جرمنی
	۱۰۰۰۰۰۰	سائراشیا	
	۱۴۰۰۰۰۰	مجموعه	
	۲۱۰۵۲۰	کتب مطبوعه	کتابخانه ملی میدرید ہسپانیا
	۲۴۱۲	» « قدیم	
	۳۰۱۷۲	» « قلمی	
	۲۰۴۷۰	اسناد خطی	
	۳۰۰۰۰	تصاویر قلمی	
	۱۰۱۲۰۰	تصاویر مطبوعه	
	۱۳۹۴۷۷۴	مجموعه	
	۱۳۴۴۷۹۵	کتب	یونیورسٹی میسوری جہاں متحدہ امریکا
	۱۲۵۰۰۰۰	کتب مطبوعه	یونیورسٹی آکسفورڈ انگلستان
	۴۰۰۰۰۰	کتب قلمی	
	۱۲۹۰۰۰۰	مجموعه	
	۲۷۶۷۰۹	کتب	» میشیگن جہاں متحدہ امریکا
	۸۰۰۰۰۰	کتب مطبوعه	» امسٹردام ہالینڈ
	۴۰۰۰۰۰	رسائل	
	۶۰۰۰۰۰	کتب و مکاتیب قلمی	
	۲۰۰	مطبوعات قدیم	
	۱۲۶۰۲۰۰	مجموعه	
	۱۲۲۰۷۸۶	کتب	» تکساس جہاں متحدہ امریکا

کتابخانه های بزرگ عالم

تفصیلات	تعداد کتب	مملکت	اسم کتابخانه
	۱۰۷۰۰۰۰	فرانسه	کتابخانه حربی پاریس
	۱۱۷۰۰		» قلمی
	۱۲۰۰۰۰		تصاویر مطبوعه
	۲۰۰۰۰		کتب مطبوعه قدیم
	۱۲۰۴۲۰۰		مجموعه
	۱۲۰۲۱۸۸	جاهیر متحده امریکا	یونیورسیتی و نکالنسن
	۸۰۰۰۰۰	بلجیم	کتابخانه شاهی
	۳۱۲۰۰		» قلمی
	۳۴۶۰۰		نقشه
	۲۶۷۷۰۰		تصاویر مطبوعه
	۵۴۰۰۰		مسکوکات و نشانها
	۱۱۸۷۵۰۰		مجموعه
	۱۱۷۰۰۴۸	جاهیر متحده امریکا	یونیورسیتی مینسوته
	۷۷۷۳۲۲	جرمنی	کتابخانه مملکتی
	۲۷۳۶۴۳		رسائل
	۲۸۶۲		کتب قلمی
	۴۶۶۹		» مطبوعه قدیم
	۱۰۶۵۸۲۶		مجموعه
	۱۰۵۸۲۵۷	جاهیر متحده امریکا	یونیورسیتی آیووا
	۱۰۵۰۰۰۰		» وینا
	۹۰۰۰۰۰	استریا	» میونخ
		جرمنی	»

تفصیلات	تعداد کتب	مملکت	اسم کتابخانه
	۳۵۰۰	کتب خطی	
	۴۵۰۰	تصاویر قلمی	
	۹۰۷۵۰۰	مجموعه	
	۸۵۰۰۰۰	کتب مطبوعه	کتابخانه شاهي کوبن هاگن دتمارک
	۳۰۰۰۰	« قلمی »	
	۴۰۰۰	« مطبوعه قدیم »	
	۸۸۴۰۰۰	مجموعه	
	۸۱۵۰۰۰	کتب مطبوعه	کتابخانه ملی اسکاتلیند اسکاتلیند
	۳۲۰۰	« قلمی »	
	۸۱۸۲۰۰	مجموعه	



احصائیه قوه برق آبشار های دنیا

قوه آبشار ها	مملکت	
بکار انداخته شده (قوه اسپ)	بکار انداخته نشده (قوه اسپ)	
آسیا :		
۲۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	افغانستان
۰	۲۰۰۰۰۰	ایران
۵۰۰	۵۰۰۰۰۰	ترکیه
۳۵۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰	جپان
۱۶۵۰	۲۰۰۰۰۰۰	چین
۲۵۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	عرب
۱۶۰۰۰	غیر معلوم	سیام
۹۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	کوريا (چوسن)
۹۱۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰	ممالک آسیائی اتحاد جماهیر شورائیہ اشتراکیه
۳۰۰۰۰۰	۲۷۰۰۰۰۰۰	هند
۰	۴۰۰۰۰۰۰	هند چین فرانسوی
مجموع		
۴۰۲۶۱۵۰	۷۰۷۰۰۰۰۰	

افریقا :

	۰	الی سینیا (حبشه)
۷۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰	اتحاد افریقہ جنوبی
۰	۱۵۰۰۰۰	افریقہ جنوب غربی برطانوی
۳۲۰۰	۴۷۰۰۰۰۰	افریقہ شرقی »
۰	۳۷۰۰۰۰۰	افریقہ شرقی پروتگیز
۰	۱۲۰۰۰۰۰	افریقہ وسطی برطانوی
۱۳۰	۲۰۰۰۰۰	الجزایر
۴۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	انگولا
۰	ناقابل اعتنا	ای ریپریا
۰	۲۰۰۰۰۰	بی چوا نالند
۸۰۰	۲۷۰۰۰۰۰	تانگانیا کا

سالنامه « کابل »

قوه آبخارها		مملکت
بکار انداخته نشده (قوه اسپ)	بکار انداخته شده (قوه اسپ)	
۳۰۰۰۰	۰	تونس
۱۴۵۰۰۰	۰	دهومی و آوری کوست (ساحل عاج)
ناقابل اعتنا	۰	رایودو اورو
۲۵۰۰۰۰	۲۵۰۰	رودیشیا
۱۰۰۰۰۰	۰	سودان فرانسوی
ناقابل اعتنا	۰	سومال ایتالیوی
»	۰	سومال برطانوی
۱۷۰۰۰۰	۰	سیرالیون
۲۵۰۰۰۰	۰	سینگال
ناقابل اعتنا	۰	طرابلس
۵۰۰۰۰	۰	طنجه
۹۰۰۰۰۰	۱۵۲۵۰	کانگوی بلژیکی
۳۵۰۰۰۰	۰	کانگوی فرانسوی
۱۳۰۰۰۰	۰	کیمرون
ناقابل اعتنا	۰	گیبیا
»	۰	گنی برتگال
۲۰۰۰۰۰	۰	گنی فرانسوی
۱۴۵۰۰۰	۰	گولده کوست (ساحل طلا)
۴۰۰۰۰۰	۰	لابیریا
۵۰۰۰۰۰	۱۰۰	مداغاسکر (جزیره)
۲۵۰۰۰۰	۰	مراکش
۶۰۰۰۰۰	۰	مصر
۹۰۰۰۰۰	۰	نایجیریای برطانوی
۱۸۹۵۵۰۰۰	۳۲۹۸۰	مجموع

امریکه جنوبی :

۵۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰	ارجنتین
۱۰۰۰۰۰	۶۴۰۰	ایکوادور
۱۵۱۰۰۰۰	۶۴۰۰۰	برازیل
۲۵۰۰۰۰	۱۳۵۰۰	بولیویا
۲۰۰۰۰۰	۲۰۰	پاراگوئی
۴۵۰۰۰۰	۵۵۰۰۰	پیرو
۲۵۰۰۰۰	۱۱۴۰۰۰	چلی

احصائیه قوه برق آبخارهای دنیا

قوه آبخارها		مملکت
بکارانداخته شده (قوه اسپ)	بکارانداخته نشده (قوه اسپ)	
۲۳۵۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	کولمبیا
.	۲۵۰۰۰۰۰	کیا نای برطانیوی
.	۵۰۰۰۰۰	کیا نای فرانسوی
.	۸۰۰۰۰۰	کیا نای هالندی
۱۳۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	ونزوئلا
.	۳۰۰۰۰۰	یوروگویی
مجموع ۹۰۲۱۰۰	۴۳۷۰۰۰۰۰	

امریکه شمالی:

۳۶۱۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	الاسکا
۲۰۰۵۰۰	۵۰۰۰۰۰۰	پاناما
۳۳۲۵۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	جزایر غرب الیپند
۱۵۱۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	سالوادور
۶۱۲۵۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰۰	کانادا
۳۱۴۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	کوستاریکا
۲۳۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰۰	گواتی مالا
۴۹۴۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰	مکسیکو
۱۴۸۸۵۰۰۰	۳۸۰۰۰۰۰۰	ممالک متحده امریکه
۴۰۰	۸۰۰۰۰۰۰	نکاراگوا
۱۶۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	تیوفونند لیند
۲۴۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	هاندوراس
مجموع ۲۱۸۲۵۰۴۰۰	۶۸۰۵۵۰۰۰۰	

اوقیانوسیه:

۲۰۰۰	۶۰۰۰۰۰	آسترآلیا
.	۷۵۰۰۰۰۰۰	یورنیو و نیوگینی
۷۵۰۰۰	۷۰۰۰۰۰۰	تساییه
۶۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰	جاوا
۵۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	جزایر سیلی بیژ
۳۲۲۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	جزایر هوآئی
۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	سماترا

سالنامه « کابل »

قوه آبخارها		ملکت
بکارانداخته نشده (قوه اسپ)	بکارانداخته شده (قوه اسپ)	
۲۵۰۰۰۰۰	۲۱۵۰۰	فیلیپین توزیلند
۲۵۰۰۰۰۰	۱۵۷۰۰۰	
<u>۱۶۷۰۰۰۰۰</u>	<u>۳۶۸۲۰۰</u>	مجموع

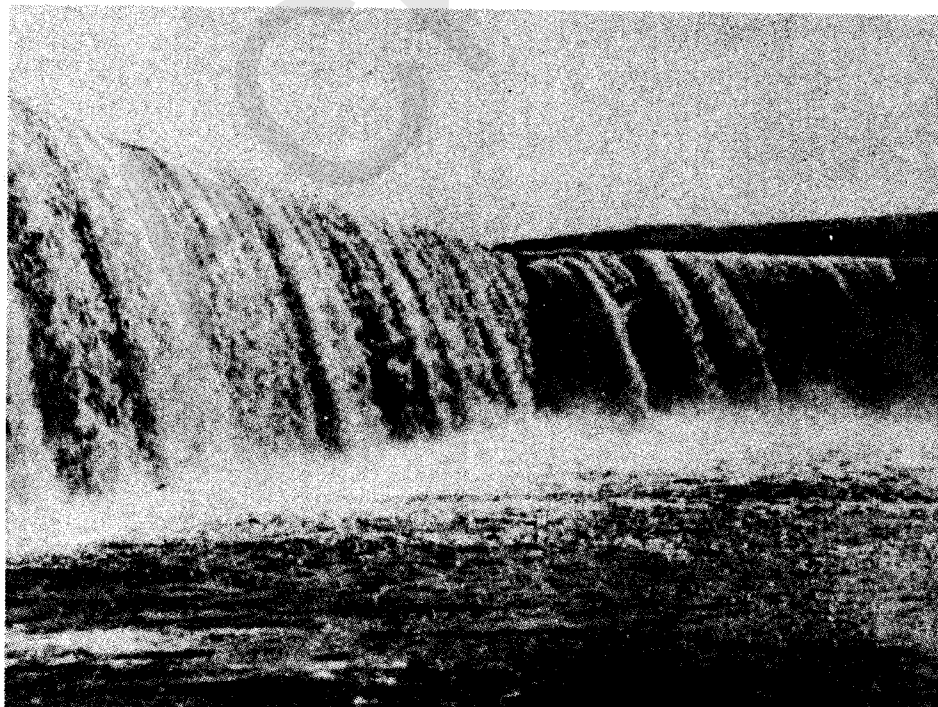
اروپا :

۱۶۶۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	آستریا
۵۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	آیسلاند
۸۹۴۲۵۰۰۰	۳۵۵۰۰۰	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه حصه اروپائی
۱۲۵۰۰۰	۱۸۸۰۰	استونیا
۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰	البانیا
۳۸۰۰۰۰۰	۴۸۴۰۰۰۰	ایطالیا
۸۵۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰	برطانیا
نا قابل اعتنا	۷۰۰۰	بلجیم
۱۲۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	بلغاریا
۳۰۰۰۰۰	۴۸۰۰۰۰	پرتگال
۱۶۴۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	پولیند
نا قابل اعتنا		ترکیه اروپائی
۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	جرمنی
۱۰۰۰۰۰۰	۱۵۵۰۰۰۰	چیکوسلاواکیا
۲۰۰۰۰	۱۱۰۰۰	دیمارک
۱۶۰۰۰۰۰	۱۰۹۰۰۰	رومانیا
۲۵۰۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰۰	سوئزرلیند
۵۰۰۰۰۰۰	۱۶۷۵۰۰۰۰	سوئد
۵۴۰۰۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰۰۰	فرانس
۱۸۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	فنلاند
۱۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰	لاتویا و لتونی
۱۷۵۰۰۰	۳۰۰۰	مجارستان
۹۵۰۰۰۰۰	۱۹۰۰۰۰۰	ناروی
۱۷۰۰۰	۷۲۵	نیدرلاندز
۴۳۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	هسپانیا
۳۰۰۰۰۰۰	۲۱۲۰۰۰	یوگوسلاویا
۲۵۰۰۰۰	۸۰۰۰	یونان
<u>۵۵۱۲۲۰۰۰</u>	<u>۱۸۴۴۲۵۲۵</u>	مجموع

احصائیه قوه برق آبشارهای عالم

خلص احصائیه

قوه آبشارها		قطعه بر
بکار انداخته شده (قوه اسپ) بکار انداخته نشده (قوه اسپ)		
۷۰۷۰۰۰۰۰۰	۴۰۲۶۱۵۰	آسیا
۱۸۹۰۵۰۰۰۰۰	۳۲۹۸۰	آفریقا
۴۳۷۰۰۰۰۰۰	۹۰۲۱۰۰	امریکای جنوبی
۶۸۰۵۰۰۰۰۰	۲۱۸۲۵۴۰۰	شالی »
۵۵۱۲۲۰۰۰۰	۱۸۴۴۲۰۲۵	اوروپا
۱۶۷۰۰۰۰۰۰	۳۶۸۲۰۰	اوقیانوسیا
۴۴۴۳۲۲۰۰۰۰	۴۵۰۵۹۷۳۵۵	مجموع کل



یکی از آبشارهای بزرگ مملکت استونیا که کارخانه برق شهر ریول را بکار می اندازد.



تاریخچه مختصر آسیا

برعلاوه دیگر مضامین درین سالنامه خواستیم مختصری از تاریخچه ممالک جهان بحث کنیم ولی برای اینکه قسمت زیادی را در اوراق سالنامه اشغال نکنند تنها قسمت ممالک آسیا فی الجمله درج گردید. امید داریم در سالنامه های مابعد مرتباً تاریخچه مختصر دیگر قطعات عالم را در برابر انظار قارئین محترم سالنامه کابل بگذاریم.

آسیای وسطی

در مقاله اول تاریخی زیر عنوان «تراد افغانیان» گفته شد که آسیای وسطی ترکستان حالیه، میدان جیحون و سیحون و بلخ الی وادی طارم مهد آریه های قدیم بود و هشت هزار سال قبل از میلاد جمله آریه ها در آن یکجا بود و باش داشتند. در حدود ۲۵۰۰ ق. م آریه های هندی و ایرانی از گهواره خود یعنی باختر جدا شده به هند و ستان و ایران رفته سلطنت های جداگانه را بنا کردند. علاوه آریه ها اسپ را اهلی ساخته در نواح هند و کوم در عرابه های جنگی استعمال نمودند و اسپ سواری را در عراق و غرب رواج دادند دین زردشتی نیز از همین سرزمین بروز نموده است.

آریه هایی که به ایران رفتند بدو سلطنت مادها و بعد هخامنشی ها را تأسیس نمودند. در عهد هخامنشی ها ترکستان زمین الی سیحون تحت سلطنت آنها بود. (۵۳۹ - ۳۲۳ ق. م).

در سنه ۳۲۷ ق. م سکندر مقدونی در افغانستان داخل شده بخارا و نواح آنرا اشغال نمود اما در کستان شرقی چادرنشینان آریائی آزاد بودند. بعد از مرگ سکندر حصه شرق سلطنت او را سیلوکس نکاتور گرفت و در عهد سیلوکسی ها بلخ تحت قیادت دیودوتس آزاد گشته و دیودوتس بخارا و نواح آنرا نیز اشغال نمود.

غرب و شرق منگولیا را اشغال نموده یوئیچی ها را از آنجا راندند. هونها (هیونگنو): (۱۷۷ - ۱۶۵ ق. م) - یک حصه یوئیچی ها بطرف جنوب و حصه دیگر آن ساکاها را در کستان شرق شکست داده بطرف تیان شیان راندند. پس در آغاز قرن میلادی منل های آریه ها امتزاج و اختلاط شروع نمودند. درین زمان چندین

شهرهای مستقل در ترکستان بوده از انجمله ختن مهمترین آنها بشمار میرفت. بعد از آن يك قسمت آریه‌ها در واکخان و تواج آن آمده آباد شدند. در اثنای سال ۱۲۰ و ۱۰۱ ق. م چینی‌ها سلطه خود را تا کاشغر توسیع دادند. دین بودائی‌ها در قرن دوم قبل‌المیلاد در دیار ترکستان رسید.

درین اوقات یوئیچی‌های علاقه بلخ و مزار افغانستان تدریجاً اقتدار و غلبه حاصل نموده و بالاخره تحت سلطنت کاشکای کبیر در قرن دوم میلادی شاه چین را شکست داده کاشغر ختن و یارکند و غیره را گرفتند بخارا نیز در تحت سلطنت او بوده.

در تهذیب و تمدن این دیار تاثیر زیادی از چینی‌ها باقی بود. تمدن باختری یونانی نیز نفوذ داشت از آغاز قرن سوم الی هفتم میلادی بودائیت اوج و کمال را نایل شده از انجمله تنها درختن ۱۰۰۰ خاقاه و ۵۰۰۰ راهب زیست مینمودند، و ادبیات هندی رواج داشت.

از شمال دیوار چین حرکت نموده در ۴۲۰ میلادی هیفتالیتهای (ایفتالیتهای یا هونهای سفید): در ساحت جیحون و سیحون رسیده تا به ۱۳۰ سال سوهان جان ایران بودند، حتی ترکها در صحنه ترکستان نمودار شده در ۵۰۷ میلادی بامداد نوشیروان قوه ایفتالیتهای را محو کردند ایفتالیتهای در اهالی نواحی منحل شدند. بدوران غلبه مرکز آنها بامیان و بلخ بود.

در قرن هفتم میلادی شاه تبت سرونگ - تبتستان بامداد ترکان غربی بر قسمت غربی وادی استیلا یافت ترکان از ۶۵۰ الی ۷۰۰ میلادی در تمام ترکستان غلبه داشته اولاً متحد بوده و باز در دو حصه تقسیم شدند. از ۵۰۰ الی ۶۵۰ آزاد و مستقل بودند و خلاف ایران همراه دولت روم اتحاد نموده بودند - چینی‌ها آهسته آهسته فیمابین آنها منازعات انداخته زنگاریا، تاشقند، فرغانه، بخارا، خلم و غیره را اشغال نمودند.

بعد از آن اسلام ظهور نموده و در عهد خلافت ولید اول (بنی امیه) قتیبه سلطنت عربها: بن مسلم (در ۷۰۰ - ۷۱۴ میلادی) فتوحات حیرت انگیز را نموده، بیسکند بخارا، سمرقند، خوارزم، فرغانه، تاشقند، الی کاشغر را تصرف نمود کاشغر در آن آوان سرحد سلطنت بزرگ چین بود اسلام درین ادوار متدرجاً در ترکستان نفوذ و تاثیر بزرگی نمود - خصوصاً در عهد عمر بن عبدالعزیز عده زیاد از اهالی خراسان و ترکستان داخل اسلام شدند.

ستوك بغراخان يك حاکم آن کاشغر و ختن در اواخر قرن دهم بدین اسلام مشرف گشت مرو و نواح آن و خراسان مرکز اشخاص اهل تشیع بوده که بالاخره بطرفداری بنی هاشم خلافت بنی امیه را برانداختند اما در حقیقت این تحریکی بود بر علیه عرب‌ها که اقتدار و سلطه آنها را بر اندازند - درین زمان نصر ابن سیار از طرف مروان دوم حاکم مرو بود بعد از تاسیس خلافت بنی عباسه اشخاصی برخواستند که طرفداری بنی فاطمه را شعار خود گرفتند. در عهد مهدی عباسی در سنه ۶۱۱ هجری بغاوت ابن مقنع نقابدار در ترکستان صورت مخوف و خطرناکی را گرفته بود حتی ابن مقنع در قلعه سنام محصور شده خود را بزهر قاتل هلاک ساخت.

بدوران خلافت بنی عباسیه خاندان طاهر در مرو و سلطنت ظاهری را تاسیس کردند طاهر بها: ناکه یعقوب لیث صفاری آنرا در سنه ۸۷۳ میلادی برانداخت بعد نصر اول از اولاد سامان سلاله سامانی را تاسیس نموده بخارا را پای تخت خود قرارداد. این خاندان سامانی بخارا، در ۹۹۹ میلادی خاتمه یافت و غزنویها در ترکستان و خراسان تسلط و اقتدار پیدا کردند.

در دوره سلطنت سامانی در سرحد شمالی آن قبیله اوئی غوری یک سلطنت ترکی را بنا نهاده و از کاشغر تا بحیره ازال تسلط یافت - اولین شاه آنها بوقو خان بود که شهر بلاساغون را نزدیک کاشغر تعمیر نمود - و

بیرا خان که به دین اسلام مشرف شده بود از همین سلاله میباید - ایلک خان کاشغری بخارا را تصرف نموده - میخواست بلخ را نیز متصرف گردد مگر سلطان محمود غزنوی آن را شکست فاحش داد - ایلک خان در ترکستان و محمود غزنوی در افغانستان و هند در نشر و تبلیغ اسلام سعی بلیغ نمودند .

سلطنت کاشغر در حدود ۱۰۵۰ بسال دیگر اوئی غور منتقل شد که موسس آن یعنی ابراهیم را الپ ارسلان سلجوق در جنگ بکشت .

این خانواده های اوئی غور را با نام قره خانی یا قره خطائی موسوم میکنیم در حدود ۱۱۲۳ قره خانیها : میلادی قره خطائی ها خروج نموده کاشغر، یارقند، ختن و ترکستان را فتح کردند - نام موسس قره خطائی هائی لی، لیو، ناشی بود و نام خود را گورگات نهاد و در همین سنوات سلطنت سنجر سلجوق در مرو پایتخت خود را فراداده و از خوارزم الی آکسس سلطنت می کرد و قره خطائی ها به ایامی حاکم خوارزم بطرف مملکت سلطان سنجر حمله آورده و سلطان (۱۰۰۰ ر ۱۰۰۰) عسکر را گرفته و آکسس را عبور کرده در وادی دیرغم با آنها نبرد آزمای شده هزیمت خورد -

بعد از وفات سلطنت سنجر سلجوق در سنه ۱۱۵۷ میلادی سلطنت سلاجقه در ترکستان محو گردیده و خراسان به خوارزم شاه ایل ارسلان تعلق گرفت - قره خطائی ها در سنه ۱۱۷۱ میلادی به حدود خوارزم حمله آورده بالای خوارزمی ها فتح حاصل کرده از سلطنت خوارزم باج سالیانه ستانیده و ایس بوطن خود عودت نمودند - علاؤالدین محمد پسر تکیش بر تخت نشسته باج دادت را موقوف نموده به زمین قره خطائی ها حمله آورد مگر شکست فاحش خورد اما در سال دوم دو باره حمله برده تا قاراب را فتح کرده عودت نمود - در اثنای که محاربات مابین خوارزم شاهی ها و گورگات ها جاری بود از شرق یک بلای عظیم به صورت چنگیز خان بوجود آمد .

باید ملاحظه نمود که درین دوره اسلام بخارا، سمرقند و شهرهای دیگر ترکستان مراکز بزرگ علوم دینی و مدنی اسلام بود -

درین مختصر نمیتوان تاریخ چنگیز خان را مفصلاً بیان نمود اما درین مورد همین قدر گفته - سلاله چنگیز خان : میتوانیم که چنگیز خان از قوم مغل باشند شال صحرای گوبی در سنه ۱۱۶۲ میلادی پیدا شده و پس از رسیدن بسن رشد به همراه شهنشاه چین تسین نام اتحاد نموده قبیله باغی بوئیر نورها را به شجاعت و شهامت شکست داد ، چندی بعد خان قیریت ها یعنی طغرل را شکست داد و آن قبیله را مطیع خود ساخت ، در ۱۲۰۶ میلادی مجلس امرای قوم را منعقد نموده لقب چنگیز خان یعنی « پادشاه بسیار قوی » را اختیار نمود نام حقیقی او تموچین بود .

تائی یانک خان پادشاه قبیله مسیحی نجان ها خلاف چنگیز خان لشکر کشی کرده و شکست خورده بقتل رسید و پسرش گچلوک فرار نمود و بدر بار گورخان قره خطائی در سنه ۱۲۰۸ میلادی رسیده مورد نوازش شاه مذکور شد ، چنانچه گورخان دختر خود را باو داد - مگر گچلوک لشکر قوم خود را فراهم آورده بامداد محمد شاه خوارزم و عثمان شهزاده سمرقند خلاف خسر خود تعرض نموده بلاساغون را اشغال نموده قره خطائی را مقهور ساخت چون خودش عیسائی نسطوری بود مسلمانهای آن دیار را بیدریغ کشت ، چندی بعد با تر تبلیغ زوجه خود دختر گورخان بودائیت را اختیار نمود - بعد از سقوط قره خطائی ها سلطنت محمد شاه تا مرکز ترکستان وسعت یافت و سمرقند پای تخت او قرار داده شد ، و گچلوک خان بر کاشغر، ختن و یارکند حکمران بود .

در اثنای این سنوات چنگیز خان در فتح چین مشغول بوده اما فتح مکمل آن بدست اولاده او بوقوع پیوست - بهر حال چنگیز خان (۲۰۰۰) عسکر به محاربه گچلوک خان سوق داد ، گچلوک خان تعرض فوج مذکور را شنیده فرار نمود لیکن فوج چنگیز او را دستگیر نموده بکشت ، و علاقه ترکستان شرق

تحت تسلط چنگیزخان درآمد پس از آن اولاً در بین چنگیزخان و سلطان محمد شاه خوارزم تعلقات دوستانه بوده مگر آخرالذکر بعضی تاجران رعیتی چنگیزخان را کشته باعث تحریک چنگیزخان و تخریب ترکستان، خراسان ایران، و غیره گردید چه همینکه سلطان محمد خوارزم شاه مرتکب قتل تجار من کوری شود چنگیزخان بغرض انتقام فوراً لشکر کشی نموده بخارا، سمرقند، تاشکند و شهر خوارزم را اشغال نموده خوارزم را از صفحه دنیا محو نمود، و سلطان محمد شاه هم نزدیک استرآباد بمرد و پسر شجاع ودلاورا یعنی جلال الدین فوج خوارزم شاهی را جمع نموده در ابتدا بعضی فتوحات خوبی برخلاف چنگیزخان نموده اما بالاخره از باعث بی اتفای اسرای خود مغلوب و در سنه ۱۲۳۱ میلادی از دست یگنفر کرد بقتل رسید.

چنگیزخان من حیث فتوحات و وسعت سلطنت بزرگترین فاتح و شهنشاہ دنیا بشمار می آید اما قتل عام و انسان کشی های او یک لکه بد نمای است که بردامن فتوحات مغولهای چنگیزی باقی ماند چنگیز در سن ۶۴ سالگی مرد و سلطنت او از بحیره زردالی پولیند امتداد داشت

بعد از وفاتش سلطنت وسیع او فیابین پسرانش تقسیم شده و جیجیون بایک قسمت کاشغر، بدخشان، بلخ و غزنین تحت تسلط پسر دوم او چغتائی درآمد. و خاندان چغتائی تا ۱۴۶۰ سال (یعنی تا ۱۲۷۰ میلادی) طول کشید حتی تیمور این دودمان چغتائی را برانداخت پایتخت چغتائی آلالبغ نزدیک کله امروزی دروادی ایلی بوده - این شاه برعت خود رحمدل و منصف بود - بدوران سلطنت این دودمان علمای دین اسلام نفوذ و اقتدار فوق العاده را پیدا کرده در دینیات خدمات قابل قدر نمودند - در سنه ۱۳۲۱ خانی چغتائی بدو حصه تقسیم شده یکی خانهای ماوراء النهر و دیگر از چته یعنی از مغلستان که دزحدود آن زنگاریا و قسمت بزرگه ترکستان شرقی و غربی داخل بود.

آخرین خان چغتائی کازان خان نهایت ظالم و بی رحم بوده چنانچه رؤسای آن دیار تحت قیادت امیر قرغان آنرا شکست داده کشتند و در عوض بایان قلی را پادشاه خود قبول کردند بعد از قتل قرغان در قندز پسرش عبدالله صدراعظم پادشاه چغتائی گشته پایه تخت را به سمرقند نقل داد چون عبدالله مذکور بایان قلی را قتل نموده بود لهذا بایان سلدوز و حاجی برلاس انتقاماً بر او خروج نموده عبدالله را شکست دادند.

در اثنای این هرج و مرج تعلق تیمور خان رئیس جته بامداد دیگر رؤسا از کاشغر بر آمده به سمرقند حمله آورد، حاجی برلاس گریخت و مملکت در دست تیمور خان افتاد.

تیمور لنگ که درین وقت ۲۷ ساله بوده ملازم حاجی دودمان تیموری: برلاس بود، نزد تعلق تیمور خان آمده در اثر صداقت و مذاکره مؤثر خود سمرقند را پس گرفت و رؤسای کاشغر فیابین خود مجادله نموده پس به کاشغر رفتند.

در سال آینده سه ۱۳۶۱ میلادی (۷۶۲ هجری قمری) خان جته مغل باز به سمرقند حمله آورده پسر خود الیاس خواجه اوغلان را حکمران سمرقند مقرر نمود تیمور لنگ اولاً مشیرا بوده بالاخره از سمرقند گریخت و بعد از زحمت و مشقت های زیاد لشکر مکفی را فراهم آورده سمرقند را از الیاس خواجه اوغلان تصرف نمود در او اخر سنه ۱۳۷۰ میلادی بر کل علاقه های چغتائی های مغرب تصرف نموده و بنیاد خاندان تیموری را نهاد.

تیمور بعد از چنگیزخان دومین فاتح بزرگ دنیا میباشد، ایران و قفقاز و روس جنوبی، دمشق، افغانستان و هندوستان را فتح کرد سلطان بایزید اول را شکست داده اسیر نمود، پایه تخت او سمرقند بود و قتیکه بغرض فتح چین لشکر کشی نمود در راه وفات کرد.

بعد از وفاتش پیر محمد نواسه او در سمرقند پادشاه شد، اما خلیل سلطان پسر تیمور از قندهار لشکر کشی کرده سمرقند را بگرفت و پیر محمد را ولیعهد خود مقرر نمود شاه رخ پسر دیگر تیمور حکمران هرات دعوی وراثت نمود اما قوت مقابله را ندیده به هرات، سیستان، خراسان و مازندران و غیره قناعت کرد.

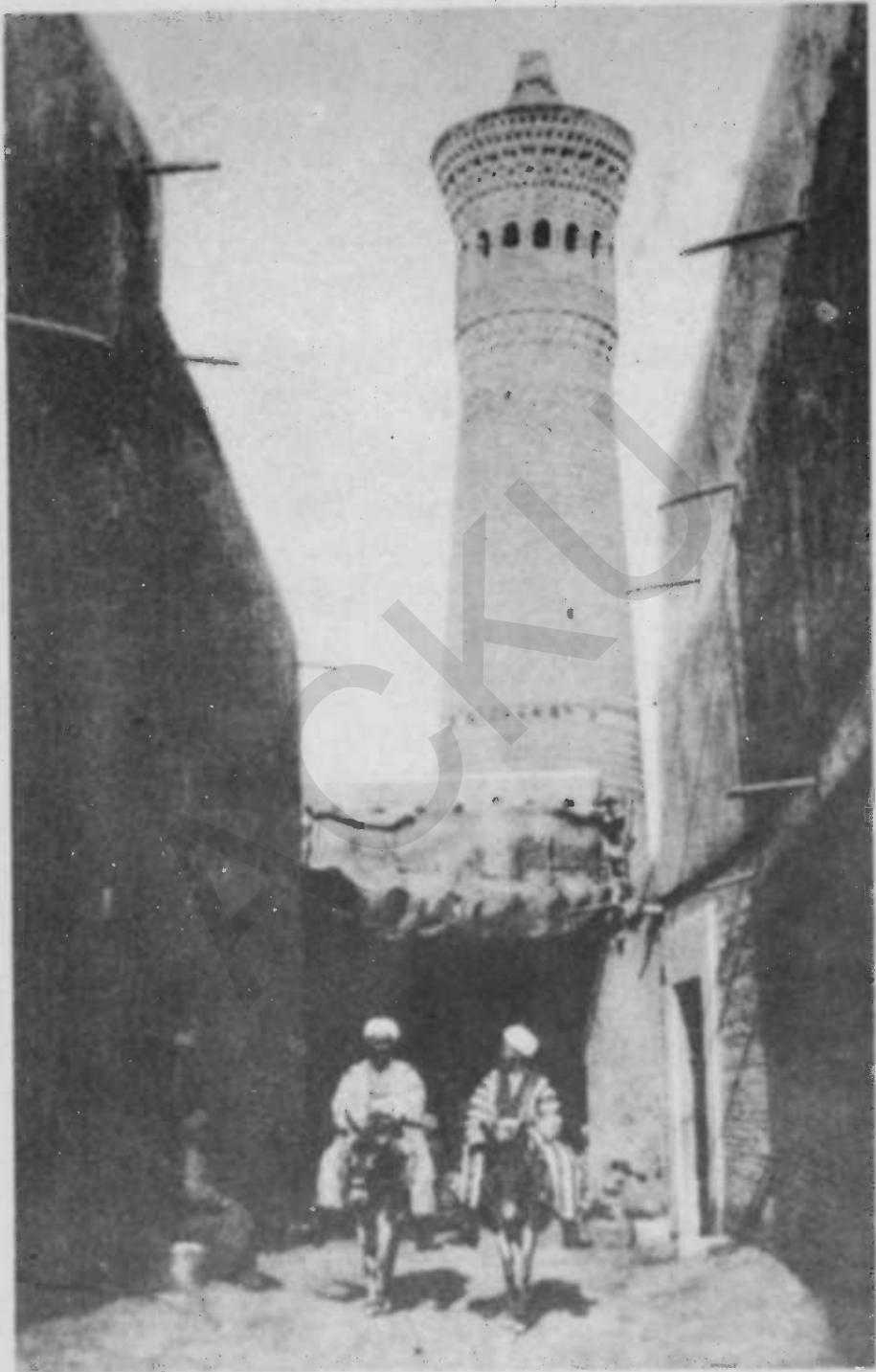
سلطان خلیل اگر چه خصایل پسندیده داشت مگر خیلی مطیع زوجه خود شاد ملک بود، بنابراین امرای او خلاف او بغاوت نموده زیر قیادت خدایداد او را اسیر و سمرقند را اشغال کردند شاه رخ ازین واقع خبر شده فوراً لشکر کشی نموده سمرقند را اشغال نموده پسر خود الغ بیگ را به سمرقند حکمران مقرر نمود الغ بیگ یک پادشاه فاضل و عالم، هیئت دان و ریاضی دان بود، بعد از وفات پدر خود شهنشاه سمرقند گردید — دوره سلطنت سی هشت ساله او را میتوانیم دوره طلائی ترکستان بگوئیم، در سمرقند علما و فضلا و ماهرین سائینس بدور الغ بیگ جمع شده بودند.

عبد اللطیف پسرش که او را از دست علاء الدین در هرات از مرگ نجات داده بود الغ بیگ را کشته به سمرقند پادشاه شد، اما دیری نگذشت که ابوسعید بن میرانشاه پسر سوم تیمور تخت سمرقند را گرفته کل مدعیان تاج و تخت را مغلوب نموده صاحب ماوراءالنهر، ایران شمالی و افغانستان گردید. مگر در سنه ۱۴۶۷ در معاملات آذربایجان مداخلت بیجا نموده شکست فاحش خورده از دست شهزاده یادگار میرزا بقتل رسید.

بعد از آن مابین اخلاف تیموری خانه جنگی ها واقع شده بالاخره محمدخان شیانی از نسل جوجی پسر اول چنگیز خان سمرقند را اشغال نمود و شهنشاه بابر بعد از محاربات زیاد در ترکستان، از راه افغانستان گذشته در هندوستان امپراطوری بزرگ مغلیه را تاسیس نمود، پس سلاله تیموری بعد از سلطنت و خانه جنگی ها تا ۱۴۰ سال سلطنت کرده از ترکستان زمین محو شدند میتوانیم بگوئیم که عهدشاهان تیموری بامنورترین و بهترین ادوار مسلمانان اندلس همسری میکنند، ادبیات اسلام بدرجه کمال رسید، تصانیف اکثراً در عربی و بعضی در فارسی بوجود آمد، اما میر علی شیر نوائی وزیر شهر هرات به ادبیات چغتائی از همه بیشتر خدمت نمود.

بعد از مرگ چنگیز خان دشت قیچاق که عبارت است از نواح غدیر ارال، شیبانی ها: و شمال بحیره خزر و هر دو کنار دریای والکا به تقسیم جوجی بزرگترین پسر چنگیز خان رسید، شیانی پسر پنجمین جوجی بوده نام از بکها را در قرن پنجم معروف ساخت، اما مؤسس حقیقی اقتدار از بکها ابوالخیر از نسل شیانی در ۱۴۱۳ میلادی پیدا شده بود، ابوالخیر خوارزم و یک قسمت ترکستان را فتح نمود بعد از مرگ او پسرش محمد شیانی ملقب به شاه بیگ سمرقند و ماوراءالنهر را اشغال نموده تاسیس و دودمان شیانی را نهاد.

خان شیانی در سنه ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۹۰۶ هجری ماوراءالنهر را فتح کرد اما ظهیرالدین بابر پادشاه نمودار شده سمرقند، سغد، میان قول، قرشی و غیره را اشغال نمود و تنها بخارا را بدست از بکها ماند لیکن در سال دوم شیانی خان باز حمله آورده بابر را هزیمت داده و بابر بطرف کابل گریخت و شیانی خان فتوحات خود را توسیع داده رفت حتی در سنه ۱۵۱۰ شاه اسمعیل صفوی کل ایران را فتح نموده به خراسان تعرض نموده شیانی خان را نزدیک مرو شکست داده بکشت و تمام ماوراءالنهر از اقتدار از بکها برآمد. بابر از قتل شیانی خان و قوف یافته از کابل حرکت کرده به ماوراءالنهر داخل شده فوج از بکها را که زیر قیادت همزه سلطان بودند شکست فاحش داد. سنه ۱۵۱۱ در همین اثنا فوج ایرانی ها بیکه شاه اسمعیل فرستاده بود به کمک بابر رسیده و بابر به سمرقند داخل شده کل ماوراءالنهر را اشغال کرد، لیکن باوجود معاونت فوج ایرانی بابر باز شکست خورد و بطرف کابل رخ نمود. و سلاله شیانی تا ۹۹ سال در ماوراءالنهر سلطنت کردند.



مناره جامع امیر و بجا را

اخلاف جوجی خان بعد از مرگ تیمور در والکای سفلی سلطنت خود را قائم کردند .
 دودمان استراخان : در او اخر قرن شانزدهم میلادی یار محمدخان از شهزاده گان روس شکست خورده به ماورا-
 النهریناه آورد، شاه عبدالله که بزرگ ترین شاهان شیبانی میباشد خواهر خود را به پسرش جانی
 خان ازدواج نمود . بعد از کشته شدن عبدالؤمن آخرین پادشاه شیبانی امرای ترکستان تاج و تخت را به جانی
 خان تقدیم نمودند اما او چون بسیار پیر بود به پسر خود دین محمد تفویض نمود و دین محمد در جنگ با ایرانیها
 کشته شد و باقی خان برادرش زمام سلطنت در دست گرفت ، درین عهد شاه عباس صفوی حمله آورده مگر در
 نواح بلخ شکست فاحش خورده به مشکل جان خود را سلامت برده توانست . چندی بعد امام قلی خان زمام
 سلطنت بدست گرفته به عدل و انصاف و دیانت حکومت کرده و آسیای وسطی را در دوام مقنور و متمول و با امن شد
 بعد از خلع اختیاری و رفتن او بطرف مدینه منوره مابین خاندان استراخان خانه جنگی ها واقع شده و خانهای
 خیوا هم درین محاربات شرکت ورزیدند .

در عهد سلطنت سبحان قلی خان سفرای اورنگ زیب شهنشای هندوستان و احمد دوم سلطان ترکی بدر بار
 اورسیده روابط دوستانه را قائم کردند (۱۶۷۰) میلادی مطابق ۱۱۱۲ هجری .

در سنه ۱۷۳۶ میلادی نادر شاه افشارخروج نموده پسر خود رضا قلی خان را بغرض فتح بلخ
 دوره نادر شاه : و اندخوی و غیره فرستاد لیکن رحیم بی قوماندان عسکری بخارا و ایلبرس حکمران شیردل
 خیوا با هم متحد شده رضا قلی خان را شکست فاحش دادند . مگر نادر شاه بعد از فتح
 و تاراج و قتل عام دهلی فیابین امرای بخارا تخم نفاق و شقاق کاشته بخارا و بعد خیوا را اشغال نمود .

محمد رحیم بی وزیر بخارا از کشته شدن نادر شاه در سنه ۱۷۴۷ میلادی و قوف یافته
 منگت ها : و ابوالفیض شاه آخری سلاله استراخانی را کشته بخارا را غضب نموده قبیله منگت
 از بکها را بر سر اقتدار آورد . بعد از وفاتش معصوم عمزاد محمد رحیم بخارا را اشغال
 نمود و چندی بعد با بهرام علی خان مؤسس خاندان قاجاری آویخته او را در مرو کشته مرور انصرف نموده بر کل خراسان
 اقتدار حاصل کرد ، این پادشاه بسیار ظالم و بیرحم بود . پسرش حیدر ظفری با کاکاهای خود جنگ و جدال
 نموده در سنه ۱۸۲۶ بمرد .

بعد از وفات حیدر بیچه سومین او امیر نصرالله بعد از خانه جنگی مختصر در بخارا داخل شد . در عهد او
 شهر سبز فتح شد و خان قوقند بواسطه عهد نامه کهنه با دام خوجند را تفویض و امیر بخارا را سلطان خود
 تسلیم نمود . لیکن چندی بعد خان قوقند با برادر خود اتفاق نموده علاقه را پس گرفت و امیر بخارا بار دیگر بطرف
 قوقند لشکر کشی نموده و به هوس توسیع سلطنت پرداخت .

درین آوان عسکر روسی تحت قیادت جرنیل پیرووسکی در نواح ترکستان رسیده بودند می بایست که
 امیر بخارا کل اهالی ترکستان را جمع و مستعد نموده خلاف دشمن مشترك حرکت کند مگر نامبرده با خیوا آویخت
 دولت برطانیه پیشرفت روسی ها را دیده بدر بار امیر نصرالله سفیرها فرستاد لیکن امیر نصرالله آنها را بقتل رسانید
 و سفیر روسی بی نیل مرام از دربار بخارا برگشت .

بعد از مرگ او سید مظفرالدین بر تخت نشست ، سید مظفرالدین وقتیکه در سنه ۱۸۶۵ در فتح قوقند
 مصروف بود ، جرنیل روسی چیرنیف نام تاشقند را اشغال کرد و مظفرالدین خلاف او اعلان جهاد نموده
 بالاخره از دولت مسلح تر و منظم تر روسی مغلوب گردید .

بعد ازین روزمره نفوذ دولت مشارالیه در تورکستانات پیشرفت کرده و شهرها با استثنای حکومت نیم مستقل
 خیوا و بخارا و بعضی خان نشین ها یکی بعد دیگری بدست دولت روسیه تزاری مفتوح گردید تا اینکه در سال
 ۱۹۱۷ انقلاب کبیر روسیه شروع شده بخارا و خیوا نیز فاقد استقلال داخلی خود گردیده در سال ۱۹۲۳
 تشکیلات علاقه جات مذکور بنام تورکمنستان ، تاجکستان ، ازبکستان ، مجدداً ترتیب یافته و عموماً از طرف
 کمیته جماهر شوروی ماسکو اداره می شود .

ایران

ایران مملکت مستغنی است که مساحت آن ۱۶۶۴۳۵۵۸ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۰۰۰۰۰۰ نفر میباشد در زمانه های بسیار قدیم، آریه ها از حوالی پامیریانواحی شمال افغانستان منتشر شدند بعضی از آنها دره رود سند را مسکن خود قرار دادند و برخی دیگر در منطقه آریائی خود افغانستان و ایران موجوده اقامت گزیدند. و همین اقوام اخیر الذکر را ایرانی های نامند. مهم ترین قبائل ایرانی (مدها) و (فارس ها) و (باختریانها) میباشد در سنه ۵۵۹ قبل از میلاد امیر اطوری مدیا بواسطه کوروش منقلب و اقتدار بدست فارسها افتاد. کوروش بعد از حصول اتحاد کلدانها و مصرها حاکمیت اضطراب آور شاه لیدیا را در (۵۵۴) قبل از میلاد مضمحل و آسیای صغیر را فتح کرد. بعد بطرف کلدانها متوجه شده، بابل را در (۵۳۸) قبل از میلاد) متصرف شد و به این قسم حاکم مطلق تمام آسیای غربی گردید. و در زمان داریوش اول (۵۳۱ - ۴۸۵) قبل از میلاد) امیر اطوری ایران به اوج کمال خود رسید زیرا از یکطرف اداره حکومت نظم و نسقی پیدا کرد و از طرف دیگر سرحدات آن وسعت زیادی یافته علاوه بر مصر (که در زمان کانیز ضمیمه آن گردید) پنجاب، حوضه سند و یک قسمت سبیا را شامل بود. اما حرص بی اندازه شاهان ایران بمقابل جسارت یونانیها که رهنمای آن ژنی معروف حربی اسکندر مقدونی بود امیر اطوری ایران را در زمان داریوش منقلب ساخت. پس از مرگ اسکندر (۳۲۳) سال ایران بزرگ اقتدار دومان سیلوکسی افتاد و بعد از آن بدست بارت هارفت (۲۴۶) قبل از میلاد.

در سنه ۲۲۶ (عهد مسیح) (ارناکرزگزس) پسر ساسان بمقابل بارتها قیام نموده در ایران سلسله ساسانی را که تا سنه ۶۳۵ موقع استیلای عرب دوام داشت. تاسیس کرد، حاکمیت این سلسله اخیر الذکر که تا (۱۲۲۰) پایدار بود بر اثر مخالفت هائی که در عربستان بوجود آمد رسمی گردید، به این قسم حکام آزادی یافته شهزاده گان ترک و ایرانی و سرداران خراسانی دولت های علیجده تشکیل دادند به قسمیکه بر قابت خلفاء سلسله های متعدد از قبیل ظهریه و صفاریه و آل بویه و سامانیان بلخ و بلاخره غزنویه غزنه کابل که یک مدت طولانی بر تمام ایران حکومت نمودند، روی کار آمد. سلسله های مزبور بواسطه سلاجقه منقرض شد و بعد در (۱۱۴۹) خوارزمی هاجان شین سلاجقه گردیدند. در قرن (۱۳) دولت ایران بمقابل عساکر چنگیزخان مقاومت نتوانسته به تصرف مغل هادر آمد و مغلها تا (۱۴۰۵) در آنجا بر سر اقتدار باقی بودند. دو سال بعد ترکمانها خاندان گوسفند سیاه (قره قیوتلو) (۱۴۰۷) و (۱۴۶۸) را که بعد ها بواسطه خاندان ترکی دیگری موسوم به گوسفند سفید (آن قیوتلو) (۱۴۶۸ - ۱۴۹۷) منقرض شد تشکیل دادند و در عهد سلسله موخر الذکر بود که جنگ های مذهبی بین ایرانیها و ترکمنیها بوقوع پیوست.

اغتشاشات داخلی در زمان حکومت خاندان صفویه از اهل سادات اربیل (۱۴۹۹ - ۱۷۳۲) دوام یافته بالاخره یک نفر شخصیت میرز و دلیر موسوم به نادر شاه افشار سلطنت صفویها را خاتمه داده لشکر کشی های زیادی بهند، افغانستان نموده دولت مقتدری بپا کرد ولی پس از او، در (۱۷۷۹) خاندان قاجار ترک بر سر اقتدار آمده در قرن (۱۹) اراضی وسیعی را به روسیه سپرد و آخرین شاه قاجار (احمد شاه) پس از انقلابات طولانی در سال (۱۹۲۵) بطور قطعی خلع شده بتاريخ ۱۴ دسمبر (۱۹۲۵) اعلیحضرت (رضاشاه پهلوی) سه سال را سابق وزیر الوزرا از اولاد خود ایرانی به سلطنت انتخاب شد، قانون اساسی به اصول مشروطیت سلطنتی که بتاريخ ۳۰ دسمبر (۱۹۳۰) وضع و آخرین دفعه در ۱۲ دسمبر ۱۹۲۵ تعدیل یافته است.

رضاشاه پهلوی بتاريخ ۱۶ مارس ۱۸۷۸ بمقام رشت تولد و به ۱۷ دسمبر ۱۹۲۵ خاندان شاهی: به شاهی انتخاب شده است:



طهران : قصر بهارستان (شورای ملی)

اولاد :

اسم	لقب	تاریخ تولد	موضع تولد
۱ محمد رضا پهلوی	شاهپور ولیعهد	۲۶ اکتوبر ۱۹۱۹	طهران
۲ علی رضا *	شاهپور	اول مارس ۱۹۲۲	»
۳ غلام رضا پهلوی	»	۱۳ اپریل ۱۹۲۳	طهران
۴ عبدالرضا	»	۱۹ اگست ۱۹۲۴	»
۵ احمد رضا	»	۱۷ ستمبر ۱۹۲۵	»
۶ محمد رضا	»	۳ اکتوبر ۱۹۲۶	»
۷ حمید رضا	»	۴ جولائی ۱۹۳۲	»
۸ شمس الملوك شاه دخت		۱۸ اکتوبر ۱۹۱۷	»
۹ اشرف الملوك	»	۱۶ اکتوبر ۱۹۱۹	»
۱۰ فاطمه خانم	»	۳۰ اکتوبر ۱۹۲۸	»

برما

برما جزو امپراطوری برطانیہ است، مساحت آن عبارت از ۲۷۷ ہزار ۶۰ مربع کیلومتر و نفوس ۱۸۶۶۵۶۶۶

تقریباً گان می رود کہ بومیان قدیمی برما نژاد سیاه پوست بوده کہ بقایای آنها در جزایر اندامان کہ در زمانہ قدیم یکی از قطعات برما بوده تا حال میباشند . باشندگان امروزی برما اخلاف قبایل فعلی هستند کہ وقتاً



یک منظره از شهر ماندلی (برما)

خوفاً از چین غربی و تبت مهاجرت کرده بکنارهای ایرادوی و شالوین حرکت کرده به اراکان توطن گزیده اند، تهائی ها یا شاهانها در ایالت های شان و سیام رسیده در برما استیلا نمودند دین برهمنی به برما اثر کرده و جانشین دین قدیم گردید بعدها دین بودائی شیوع و نفوذ پیدا کرده دین برهمنی را برانداخت مذهب برمائیا تا حال همان بودائیت میباشد.

قبل از غلبه پادشاه (اناور هتا) ذکر جمله روسای قدیم افسانه بشمار می آید اما تاریخ از اناور هتا ذکر میکند و مشارالیه در سنه ۱۰۵۴ میلادی دودمان پاکات را تاسیس نمود، نامبرده وده نفر جانشین او اولین حکمرانان حقیقی تمام مملکت برما می باشند از جمله آنها بعضی شاهان دردین خود بسیار محکم و راسخ بودند (اندا) بهترین معابد بودائی را شاه کیان ز تا تعمیر نموده بود - چون شاه آخرین این خاندان سفرای قبولی خان را کشته بود لهذا عسکر قبولی خان انتقاماً حمله آورده این دودمان را برانداخت در سنه ۱۲۸۷ سلطه شان بر سر اقتدار آمده لیکن درین دوره ۳۵۰ ساله طوایف الملوک در برما حکمفرما بوده روسای خورد خورد برای حصول برتری با هم قتل و قتال داشتند بالاخره در سنه ۱۵۳۱ خاندان تونگواستیلا نموده سلطنت برمائی را مجدداً منظم ساختند تا بین شو بهتی (۶۵۳۱ - ۱۵۸۶) بامداد جرنیل مشهور خود هر و م مرتبان اراکان و یگورا اشغال نموده پای تخت قدیم سیام یعنی ایود هما را نیز فتح کرد لیکن فتوحات او و لیسرش و سایل برما را خراب نمود بالاخره سبائی ها به برما حمله آوردند و اراکانی ها هجوم آورده یگورا در دادند در اثنا این خرابی ها نواسه شاه مذکور اناوک تیلون غلبه نموده سلطنت را دوباره زنده ساخته یگورا پایه تخت خود مقرر نمود اخلاف لئاوک تیلون آ و را را مرکز حکومت قرار دادند لیکن سلطنت آنها بسیار ضعیف بوده و شاهان چین از ینک و مانچو برمای علیا حملات آوردند و این خاندان در سنه ۱۷۴۰ خاتمه یافت شو بهوی انگلیا به عسکر شاه ی تونگو را هزیمت داده در عرصه هشت سال کل مملکت برما را تحت تسلط و حکمرانی خود آورده سلطنت او از سنه ۱۷۵۲ الی ۱۷۶۰ میلادی دوام نمود.

پرتگالی‌ها اولین قوم اروپائی است که به خاک برما فرود آمده تجارتخانه را بپا کرده و بازرگان برمائی ازدواج نمودند ارمی‌ها و اولاد پرتگالی‌ها در فوج برمائی ملازمت میکردند انگلیس‌ها و دچها نیز در برما تجارتخانه‌های جزوی قایم کردند مگر انگلیس‌ها در سنه ۱۷۰۹ در سیرام یک فابریکه را بنا نمود و تلنگ‌ها آنرا در سنه ۱۷۴۳ در داده بر زمین هموار کردند و انگلیس‌ها در نیکرلین فابریکه دیگری را تعمیر نمودند حتی در سنه ۱۷۵۹ شاه النگیاه حمله آورده کل نفری قلعه را بقتل رسانید و قتیکه دوپلی (حاکم فرانسوی در هند جنوبی) دو جهاز برای محافظت سیرام روانه نمود النگیاه حمله منصبداران فرانسوی را بکشت.

پسر دوم النگیاه (۱۷۶۳ - ۱۷۷۶) به منی یور حمله برده هزارها نفر را به اسارت برد و به سیام حمله برده پای تخت ایودها را اشتغال نمود فوراً بعد از این واقعه چینی‌ها به برما هجوم آوردند و برمائی‌ها بعد از چهار سال چینی‌ها را اخراج نمودند.

بودا و پایه (۱۷۸۲ - ۱۸۱۹) پسر النگیاه تخت را گرفته اما راه پوره را پای تخت خود قرار داد و اراکان را در سلطنت خود ملحق نموده (۲۰۰۰۰) اراکانی را به اسارت به آوا پای تخت خود برد سلطنت بودا پایه از جمله سلطنت برمائی سابقه وسیع تر بوده بعد از مرگ او پسرش یک پیداؤ (۱۵۱۹ - ۱۸۳۷) بر تخت نشست چون بالای اراکانی‌ها ظلم و وحشت زیاد از طرف حکومت اجراء میشد آنها به تعداد زیاد به جیتا کانتک (آسام) پناه آوردند و حکومت برما به آسام و منی یور بار دیگر حمله آورد و سنه ۱۸۲۴ فوج بری مرحد مشرق هند را عبور کرده حکومت انگلیسی مندون شاه برما را شکست داد از روی معاهده ینداو علاقه آراکان، تانیرم، آسام و منی یور را بانگلیسها تسلیم و ده ملیون روبیه را باقسط بطور تاوان جنگ ادا نمود و نیز یک سفیر انگلیسی بدر بار آوا مقرر شد، در سنه ۱۸۵۲ جنگ دوم برما بوقوع پیوسته و انگلیسها علاقه بیگو را در حدود مملکت خود الحاق کردند و معاهده دوم منعقد شد، مندون شاه برما، بروما، پاریس، و لندن هیئت‌ها روان کرده با اطلی و فرانس معاهدات نمود، شاه مذکور در سنه ۱۸۷۶ بمرد.

آخرین شاه برما تهیبا بود او بر شرکت انگلیس (۲۳۰۰۰۰) روبیه بازام اینکه آنها باغیان برما را تحریک و تحریص می‌نماید عاید نمود باین سبب انگلیس‌ها خلاف او اعلان جنگ داده و شاه برما را شکست و برما را در حدود سلطنت برطانیه در سنه ۱۸۸۵ داخل نمود، شاه برما بهمراهی عیال و اطفال خود به هندوستان تبعید و پادشاهیت برما محو و نابود گردید.

برما که اصلاً جزء جزیره نمای هند چینی است تا حال یک ایالت هندوستان شمرده میشود اما کنون این تجویز در نظر است که از هند مجزا گشته طرز حکومت آن بصورت یک مستملکه جداگانه برطانیوی تبدیل گردد.

برونی

برونی مملکتی است بر ساحل شمالی بورنیو که با قیامده سلطنت عظیم الشان تاریخی برونی میباشد، مساحت کنون آن ۶۵۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۱۶۲ ر ۳۰ نفر است، و از سنه ۱۸۸۸ م این مملکت در تحت حمایت برطانیا قرار یافته.

چنانچه در تاریخ بورنیو مذکور گردیده بانی سلطنت اسلامی درین سرزمین سلطان (محمد) نام است که در اواسط قرن ۱۵ مشرف بدین حنیف اسلام گردیده بود، قبل از آن برونی اسماً تحت حمایت جاوا بود، و سالیانه یک مرتبان عرق سیاری بطور علامت تحت الحمایگی به جاوا ارسال می‌شد.

جهازات ماگلان جهان نورد که در سال ۱۵۲۱ م بدهانه دریای برونی لنگر انداز گردیده و این شهر را

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

ملاحظه نموده اند در باب شان و شوکت دربار سلطان بویقه و عظمت عمارات شهر اطلاعات زاید الوصفی درج کرده اند .
سلطان بویقه مرد شجاع و جنگجوی بود که بر تمام سواحل برونو ، جاوا و ملاکا هجومات فاتحانه نموده .
برای وسعت حکمرانی خود سعی و همت ورزیده است . سلطان مشارالیه در بین اهالی مملکت محبوبیت خاصی یافته .
تاحال اهالی بمرقدش احترام نموده و از روح مشارالیه استعانت میجویند .

در قرون ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ م در اثر جنگهای متوالی نیکه پارتگالی ها ، هسپانویها ، انگلیسها و بت
پرستانیکه در حصه مرکزی سکونت داشتند بوقوع بیوست ، قوای برونی روبه تحلیل رفته و بالاخره در وسط قرن
۱۹ حصص بزرگ این مملکت مجری و مملکت ، را جای سارا واک و شرکت برطانوی برونوی شمالی تعلق گرفت .
در سال ۱۸۸۸ م باقیمانده این مملکت بکلی تحت الحمایه برطانیا قرار داده شد ، در سنه ۱۹۰۶ سلطان محمد
جمال العالم اختیارات اداری مملکت را بامور انگلیسی تسلیم نمود .

مرکز حکومت برونی شهر دارالسلام ، و سلطان کنونی احمد تاج الدین اخوذالخیر والدین است .

بلوچستان

بلوچستان حاضر آدرای ۱۴۰۴۴۵ کیلومتر مساحت و ۴۶۳۵۰۸ نفر نفوس است این مملکت از مر بوطات
خاک های جغرافیائی قدیم افغانستان و برور دهور دست خوش استیلاها و حوادث مختلفه گردیده اجمالاً
راجع بان قرار آتی می نگاریم :

اولین سند تاریخی در خصوص بلوچستان تاریخ هرودوتس یونانی است بقرار روایت او این ارانی
باسم قبیله میکینها Mykians شهرت داشت و در قرن ۶ ق م دارا شاه فارس بان مسلط گشت اسم مکدان
ایالت ساحلی بلوچستان شاید از اسم همین قبیله ماخوذ باشد آورده اند که سیروس ایرانی در حین سفر خود
از بین این ملک نقصانات شدید را متحمل گردیده و عده کثیر عسکرش تلف شده اما تا ورود اسکندر در هند
حالات داخلی این مملکت کمتر معلوم بوده اسکندر بوقت مراجعت خود از هند عسکر خود را در سه حصه
تقسیم نمود دسته در سر کردگی خودش از راه بلوچستان و مکدان بطرف ایران حرکت کرد دسته دیگر
در تحت فرمان نآرکس Nearchus متصل ساحل بطرف بابل در کشتی ها سفر نموده دسته سوم که مشتمل
بر بعضی مریضها و یک دسته فیل بوده در زیر اثر کری تیرس Craterus از راه کویته و بلوچستان شمالی داخل
ایران گردید . بدینگونه هر سه دسته فوق حالات صحیح این مملکت را تحریر نمودند که الحال از قدیم ترین
ماخذ تاریخی این مملکت شمرده می شود در دوره ساسانیها بلوچستان بالعموم جز و مستملکات ایران بود
و در عهد خلافت حضرت عمر فاروق رض عسکر اسلام به سر کردگی عبدالله ایالت مکدان را فتح نمود اما
عربها ازین مقام تا چند سال دیگر پیش نرفتند ، حضرت عثمان رض برای کشف معلومات داخلی هند شخصی
را از همین راه به هند فرستاد ، در خلافت حضرت معاویه رض تخمیناً در سنه ۶۶۴ مسلمانان تادیر حداث سنده
پیش قدمی نمودند .

محمد بن قاسم در سنه ۷۰۷ برای تسخیر سنده از جانب حجاج بن یوسف فرستاده شد محمد بن قاسم
اولاً شهر ارمایل را بدست آورد از آنجا بر دیبل حمله برد از آن وقت تا قرن (۱۰) بلوچستان جزو
امپراطوری عرب بوده بعد از صنف داخلی خلفای عباسی بلوچستان نیز مثل سایر ممالک دیگر
از دست شان بیرون برآمد . از سنو ۴۵۰ تا ۶۰۰ هجری سلاطین غزنوی و غوریان افغانستان
دوباره باسترداد بلوچستان قیام کرده و در تحت اداره شاهان وطنی خود بسر میبرد ، در سالهای
۱۰۹۵ - الی - ۱۶۳۸ بلوچستان از متفرقات امپراطوری مغول هند به شمار میرفت بلوچی ها که نسل آریه اند

قسمتی در عهد مهاجرت عمومی آریه ها از شمالی افغانستان درین خاک آمده آباد گردیدند و قسمتی هم در قرن ۱۱ از ایران بواسطه سلاجه اخراج گردیده درین ناحیه متوطن شدند، آنها بزودی مکدان غربی را فتح نموده و بلندی های قلات را منصرف شده نتوانستند و یک عده شان از بلوچستان عبور کرده در وادی سند و آباد گردیدند.

براهوی ها Brahuis که از تراد در یویدت اند در قلات قلات زنده گمی میکنند در قرن ۱۷ در سرکردگی کمبار Kambar یکی از سرداران قبیله مذکور مقتدر گشته را جای هندو را بر طرف و حکومت اسلامی را در اینجا تاسیس کردند بعد از او عبدالله بر سر اقتدار آمد و مشارالیه وادی زرخیز کچ گنداوار Kaehgandavar را فتح نمود در همین وقت بود که نادر شاه افشار بر قندهار تسلط یافت و عبدالله نیز باو بیعت فرستاد گمی بعد عبدالله در جنگ نوابان سند و بواسطه ناصر خان مقتول گشت که یکی از شاهان بزرگ بلوچستان به شمار می رود بعد از قتل نادر شاه افشار احمد شاه ابدالی شهنشاه بزرگ افغانستان دوباره بلوچستان را استرداد نموده بخاک وطن ملحق و ناصر خان حاکم سابقه آنجا را به حکومت بلوچستان کمافی السابق برقرار نمود ولی ناصر خان در ۱۷۵۸ شورش برپا نمود، بلوچها بعد از زد و خورد مختصر مغلوب گردیده میثاق نامه به پای تخت تقدیم و وعده داد که اعلیحضرت احمد شاه و اولاد شانرا همیشه در محاربات با عساکر خود کمک نماید و هیچ گاه از مرکز مملکت و احکام شاه افغان سرکشی نداشته باشد، در سنه ۱۷۹۵ ناصر خان در گذشت در ابتدای قرن ۱۸ سیاح معروف انگلیسی پوتنر Potinger نام در بلوچستان سیاحت نمود و از آن به بعد انگلیس ها در معاملات داخلی بلوچستان توجه خصوصی معطوف نمودند در جنگ اول افغان و انگلیس دسته قشون انگلیس بر قلات حمله آور گردیده و محراب خان با (۴۰۰ نفر) در آن جنگ کشته شد ناصر خان پسرش را انگلیس بجای او تعیین کرده و در سنه (۱۸۴۱) بلوچستان را تخلیه نمودند در سنه ۱۸۵۴ جنرال جیکب gacab انگلیس موفق بامضای معاهده باخان قلات گردید و بلوچستان در تحت حمایت انگلیس درآمد.

ناصر خان در سنه ۱۸۵۶ فوتید و در عهد امارت خداداد خان جانشینش شورشهای متعددی بظهور پیوست در سنه ۱۸۷۵ انگلیس کبطان سندی من Sandeman را برای اطفای آتش بغاوت فرستاد ازین تاریخ به بعد نفوذ انگلیس در اینجا پیشرفت و ترقی انتهائی نمود و در سنه ۱۸۷۹ کونیه و اضلاع متصل آن بتصرف انگلیس درآمد.

بورنیو

بورنیو یکی از جزائر مجمع الجزائر شرق الهند است که بجنوب شرق آسیا مابین بحیره چین و بحیره جاوا و آبنای مکاسر واقع گردیده، مساحت آن فریباً ۷۲۵۰۰۰ کیلو متر مربع و نفوس آن ۳۰۰۰۰۰۰ می باشد این جزیره کوهستانی دارای معادن مهم قیمت دار و جنگلات وسیع است.

اهالی این جزیره از تراد های چینی و ملایائی و نیگریتو (سیاهان پست قد) و اختلاط این اقوام با یکدیگر و عرق سفید میباشد، اهالی ساحل نشین بورنیو اکثراً مسلمان و اهالی که در مرکز زنده گان دارند بت و روح پرست اند در حصه جنوب شرقی بورنیو آثار قدیمه معابد براهمنی موجود است، ازین آثار چنان مکشوف میگردد که در قرن ۶ مسیحی تمدن هندی درین مملکت نفوذ یافته است، اما چگونگی آن از نظر تاریخ پوشیده مانده و چیزی بنظر نمی آید.

کتب تواریخ چینائی بیان میکند که در قرن هفتم مسیحی یکی از شاهان قطعات شمال شرقی بورنیو تحایف و هدایا بامپراطور (فغفور) چین فرستاد و در قرن ۱۵ مسیحی در یک حصه جزیره مذکور چینی ها توطن



یکی از مناظر سراواک «بورنیو»

گزیدند از آن زمان تا حال مهاجرت چینی‌ها در بورنیو دوام داشته کنون باندازه ۲۵۰۰۰ نفر ترا د چینی در آنجا سکونت اختیار نموده اند .

در تاریخ جاوا مذکور است که شمال جزیره بورنیو را انگکا و جیا امپراطور ماجاپاهت (جاوا) فتح نموده بود و در کتاب سلسله شاهان برونی که در کتاب خانه شاهی برونی ضبط است چنین معلوم می شود که در قرن ۱۵ الگ برتا تا نام حکمران بورنیوی شمالی که تحت حمایت امپراطوران ماجاپاهت بود بجزیره نمای مایا بغرض سیاحت رفته مشرف بدین اسلام گردید و از سلطان جوهور اسم محمد و لقب سلطان و نقاره نوابی یافت ، سپس از جوهور به مملکت خود عودت نموده و خود مختار شد ، بعد زان به مدد الشریف سلطان برکت که اصلاً از طائف حجار بود و با خاندان شاه مذکور وصلت نموده بود دیانت اسلام را دران سرزمین تبلیغ نمود و در مابین دو جزیره کایا و رنگ و جومین سد سنگی بنا نمود که تا حال باقیانده و سلسله همین سلطان محمد است که تا کنون در برونی سلطنت و حکمرانی دارند .

در اواخر قرن پانزده مسلمانان جاوا و جزائر گرد و نواح که بغرب و جنوب بورنیو واقع اند نیز در آن جارفته تاسیس سلطنت نموده اند .

واسطه اطلاع یافتن پورت از وجود این جزیره این شد که در سنه ۱۵۱۱ البوک رک پرتگالی سه جهازه مولا کافرستاد ، را کین این جهازات اتفاقاً به بندرامبو یانه رسیدند بعد از ان با سلاطین بورنیوی ، پرتگالی ها باب مرادوات تجارتی را کشودند و در سنه ۱۵۷۳ م هسپانویها نیز سعی ورزیدند که مفاد تجارتی در بورنیو حاصل نمایند اما نا کام گردیدند در سنه ۱۵۸۰ م هسپانویها به جنگ آغاز نمودند و سلسله این محاربات از سنه ۱۵۷۳ تا سنه ۱۶۴۵ م دوام یافت اگر چه سلطان برونی نگذاشتند هسپانویها در مملکت شان تسلط یابند اما بواسطه دوام این جنگ از قوای شان کاسته گردید .

قبل ازین در سنه ۱۶۰۴ هالندیها و در سنه ۱۶۰۹ انگلیسها بساحل بورنیو رسیدند و تجارتخانه هایکه بصورت قلعه جنگی و دارای اسلحه ناریه بود در آنجا بنا نهادند در سنه ۱۷۳۳ سلطان بنتم (جاوا) حقوق تجارتی و مقبوضات خود را که در بورنیو داشت به هالندیها بخشید و در همان زمان سلطان سولو که ادعای سلطنت حصص شمالی جزیره را داشت حقوق خود را بانگلیسها گذاشت و آنها بر بعضی حصص مملکت قاض گردیدند اما رؤسای محلی در سنه ۱۷۷۴ قلعه برطانوی را مسبار نمودند و در سنه ۱۸۰۹ هالندیها را مجبور کردند که تمام قلعه جات خود را تخلیه نمایند بعد از ان اروپاییها را در بحر نیز تعاقب نموده و جهازات تجارتی آنها را تباہ می نمودند .

در سنه ۱۸۱۱ چون جاوا موقتاً به برطانیه تعلق گرفته بود سلطان بنجر ماسین از برطانیه معاونت خواسته و تحت الحایه گی او را قبول نمود و در سنه ۱۸۱۶ چون جاوا دوباره فرار معاهده ، از طرف انگلیس ها بهالندیها واگذار گردید بنجر ماسین نیز تعلق بهالندی گرفت و ایشان نصف مملکت را برای خود گرفتند و نصف دیگر برای سلطان باقیانند .

بعد از ان بمرور ایام آهسته آهسته هالندی ها تمام حصص جنوبی بورنیو را متصرف شدند بالاخره در سنه ۱۸۹۱ حصه تحت اثر برطانوی و حصه تحت اثر هالندی تعیین یافت و در آن باب معاهده بین دولتین عقد و امضا گردید .

در حصص شمالی اگر چه اثر برطانوی در اواخر قرن ۱۸ بکلی زائل گردیده بود اما در سنه ۱۸۳۹ شخص انگلیسی جیس بروک نام بایک جهاز مسلح به سارا واک رفت و مقابل مرکز حکومت (کوجنگ) لنگر انداخته و در حالیکه اهالی بر علیه سلطان طغیان نموده بودند از جهاز بالای شان گلوله باری آغاز نمود

این مسئله به نفع سلطان تمام و اهالی به سلطان اطاعت ورزیده از طرفیان ایستادند، چون سلطان برونی بعد ها دریافت که مردان انگلیسی شخص رسمی نیست نسبت به ممنونیت که از او داشت بحاکمی خطه وسیع ساراواک او را برگاشت. در سنه ۱۸۴۵ قوه بحری برطانوی قوه بحری اهالی بورنیورا در جنگ خلیج (مرادو) محو نمود و دو سال بعد ازین واقعه لنگرگاه جزیره (لابوان) را از سلطان برونی گرفت در سنه ۱۸۷۲ در سانداکان یکی از شرکتهای انگلیسی تجارتخانه باز نمود و در سنه ۱۸۷۸ سلطان (سولو) تمام ادعائیرا که نسبت به حقوق خود به شمال بورنیو داشت باین شرکت تجاری انگلیس فروخت و در سنه ۱۸۸۲ شرکت مذکور با اجازه حکومت برطانیه با وجود اعتراضات حکومت هالند و هسپانیا و مخالفتهای شدید اهالی حصه مذکور را متصرف شدند. این شرکت به همین حصه اکتفا نکرده سال بسال حصص کرد و نواح را نیز بیول یا بزور متصرف گردیده. بروست خود افزود و جنگهای خونینی نیز برای انجام این مقصود درین مدت جاری بود بالاخره بعد از وفات محمد صالح قائد ملی در سنه ۱۹۰۰ قوه اهالی مضمحل گردیده و بعد از چند سال بکلی سقوط اختیار کرد.

از طرف دیگر در سنه ۱۸۸۸ سرچارلس جانس از طرف سلطان برونی بعد از وفات عمویش جانشین و را جای ساراواک گردیده بود و حکومت خود را تحت الحمایه برطانیه اعلان کرد و در همان سال برطانیه سلطنت برونی را در تحت حمایه خویش درآورد.

بورنیوی شمالی (برطانوی)

بورنیوی شمالی مملکتی است مستعمره برطانوی که در شمال جزیره بورنیو واقع و تحت اداره شرکت برطانوی است، مساحت آن عبارت از ۸۰۰۵۶۱ کیلومتر مربع و نفوس آن ۲۲۳۰۲۷۰ نفر است که جمله مسلمان می باشند عایدات سالیانه این مملکت به ۴۰۰۰۰۰۰ یوند بالغ می گردد. تاریخ این مملکت با تاریخ مملکت بورنیو توأم و در آنجا ذکر شده است مرکز آن سانداکان است.

بورنیوی (هالندی)

بورنیوی هالندی مملکتی است در جنوب و غرب بورنیو که مساحت آن عبارت از ۵۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۲۳۳۰۴۱۹ نفر است مرکز آن بنجرماسین است، راجع بتاریخ این مملکت بتاریخ بورنیو رجوع شود.

بهوتان

بهوتان مملکت مستقلی است که مابین تبت و هند و صفحات شمالی همایه واقع میباشد.

مساحت آن مساوی ۴۶۰۰۰ کیلومتر مربع بوده و اهالی آن عبارت از ۲۵۰۰۰۰ نفوس است که تبتی الاصل و به (بهوتیا) موسوم اند.

تاریخ قدیم این مملکت در برده های تاریک از نظرهای پنهان مانده. در اواخر قرن نهم افواج تبتی به مملکت بهوتان هجوم آورده شاهان محلی هندی و اهالی هندی الاصل را از آنجا خارج و مملکت را متصرف گردیدند.

تشکیل سابقه بهوتان چنین بود: مملکت بهوتان علاوه بر جایداد روحانیون به ۹ ولایت منقسم بوده

وهر ولایت را يك رئیس اداره می نمود حکومت مرکزی مشترکاً از طرف یکنفر شاه روحانی (دهرم راجا) و یکنفر شاه اداری (دیپ راجا) بواسطه مجلس وزرای دایمی خاندانی که وزارت ارشاً بایشان تعلق میگرفت انتظام و اداره می شد.

بھوتانیان يك حصه آسام را اشغال و در سنه ۱۷۷۲ بکوچ بهار هجوم و راجای آنجا را محبوساً با خود بردند، اهالی کوچ بهار از انگلیس ها طلب امداد نموده و به معاونت انگلیس ها را جای خود را از چنگال بھوتانیان نجات و رهایی بخشیدند.

بعد از آن در سنه ۱۷۷۴ م به میانجی گری ناشی لامه تبت نزاع انگلیس و بھوتان فیصله و معاهده بعمل آمد در سنه ۱۷۷۴ و سنه ۱۷۸۳ سفرای انگلیس باین مملکت بغرض تشویق تجارت اعزام شد اما هیچ نتیجه حاصل نگردید.

در سنه ۱۸۲۶ انگلستان آسام را متصرف و هم سرحد بھوتان گردیدند، در سنه ۱۸۴۱ علاقه دوار که از مستلکه بھوتان بود بحکومت برطانوی آسام ضم شده و بعوض آن سالانه یکهزار کلدان قرار شد به حکومت بھوتان تادیه شود.

بواسطه اینکه واقعات سرحدی تکراری می شد و اختطاف واقع می گردید از طرف برطانیه سفیری به حکومت بھوتان در سنه ۱۸۶۳ جهت تصفیه امور اعزام گردید، بھوتانیان نماینده انگلیس را جس و بزور بالایش راجع باراضی متنازع فیه معاهده را به مفاد خود امضا نمودند چون سفیر مشار الیه خود را نجات بخشیده عودت نمود و ایسرای عدم موافقت و قبولیت معاهده مذکور را رسماً اعلان نمود و در سنه ۱۸۶۵ م به بھوتان تجاوز نمودند در ابتدا اهالی بھوتان قلعه دیوان گری را فتح نمودند اما بالاخره هزیمت یافته تمام علاقه (دوار) را از دست دادند. و در مقابل راضی شدند یکمقدار پول بعوض آن بگیرند.

در سنه ۱۸۸۵ رئیس ولایت تونگ سا، بررؤسای ولایت دیگر غالب آمده و چون (دهرم رجا) فوت شد (دیپ راجا) بعوضش دهرم راجا گردیده از امور ملکی دست کشید. در سنه ۱۹۰۷ رئیس تونگ سا، به اتفاق آرای رؤسای روحانی و اداری و وزرا و اهالی مهاراجای بھوتان انتخاب شد.

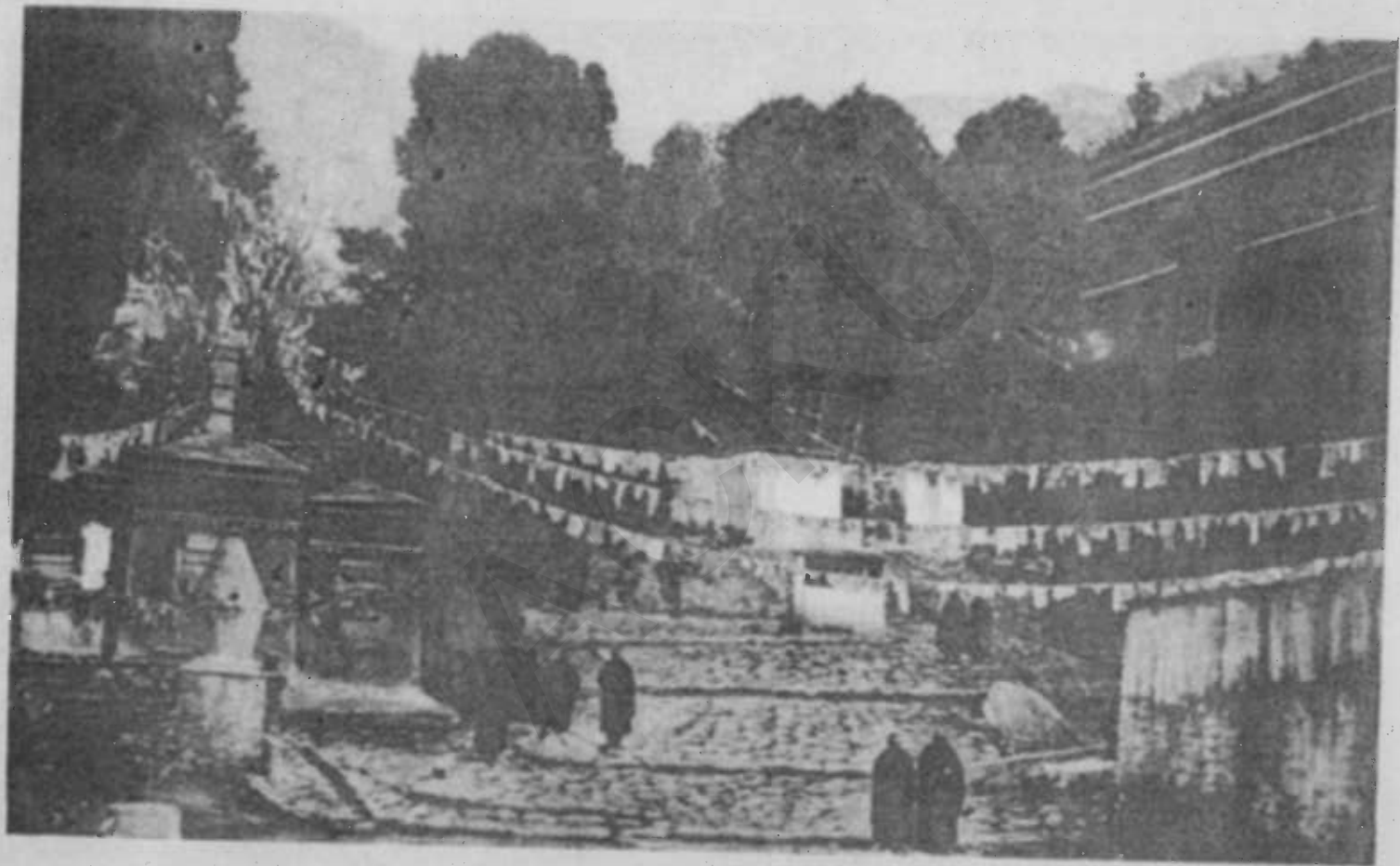
در سنه ۱۹۱۰ بھوتانیان مرادوات خارجه خود را بانگلیسها سپردند و در عوض یکصد هزار کلدان سالیانه حکومت برطانیه به بھوتان میپردازد.

در همین سال حکومت چین اعلان قیمومیت خود را ببھوتان نمود اما مقبول و مستند نیفتاده از طرف انگلیس ها رد شد.

مهاراجائیکه در سنه ۱۹۰۷ انتخاب شده بود (اوگ پین وانگ چوک) در سنه ۱۹۲۷ فوت و عوض او پسرش مهاراجا (جک می وانگ چوک) برقرار شده است.

تبت

تبت از مستعمرات چینی است، مساحت آن عبارت از ۱۵۰۰۰۰۰ مربع کیلومتر و اهالی آن ۲۰۰۰۰۰ نفوس میباشد باید دانست که تاریخ تبت بسیار قدیم است اگرچه قسمت بزرگ آن محض افسانه میباشد مؤرخین چینی در قرن یازدهم (ق، م) ذکر چادر نشینان ایالت (کوکونور) را میکنند (نور - در زمان فعلی غدیر را میگویند) و تحریرات تاریخی تبتی از قرن پنجم و دوم (ق، م) الی سال (۹۱۴) میلادی يك فهرست شاهان نشان داده شده.



پاک منظره شہر لاسیا

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

میگویند که در عهد شاه (لها - توتوری - نیان تسین) تعلیمات اولین بودا از راه نیپال به تبت رسیده - شاه چهارم این سلاله (نام - ری - سونگ - تسین) بود که در سنه ۶۳۰ میلادی بمرد - در عهد این پادشاه تبتی ها حساب و علم طب را از چین یاد گرفتند و درین ادوار آنها امنیت و آرامی زیاده را صاحب شدند - پسر با شکوه او یعنی (سونگ تسین - گام - بو) در سن سیزده سالگی به تخت نشسته تا سالهای دراز سلطنت کرد در عهد او بودائیت شیوع زیاد یافت و این پادشاه الف بارا در تبت رواج داد که اساس آن بر اجمد هندی که در کشمیر مستعمل بود میباشد و الحاصل این پادشاه فتوحات خود را در شمال تا قبایل گیانگ در مغرب تا لداخ و در جنوب تا خلیج بنگال توسیع داد - اما در سنه ۷۰۳ میلادی برهن ها خلاف اجاب بر انگیزته آزاد شدند .

پسرش بعد از وفات پدر خود تا غدیر کوکو فتوحات خود را رسانیده و در سنه ۶۶۳ بر چین هجوم برد اما چینی ها خلاف او پیشرفت فاتحانه نموده تا به لباسه رسیدند . (تسوک - تسین) نواسه (مانگ - سونگ - مانگ تسین) در اشاعت بودائی کوشید و دختر خات چین را در حایه نکاح خود آورد - از بطن او (قی سونگ وی تسین) تولد شد و این پادشاهی از بزرگترین و با شکوه ترین شاهان تبت میباشد که فتوحات تبت را زیاد و در تبلیغ و اشاعه بودائیت مساعی بلیغه را بکار برد - پسرش جانشین او گشته در مملکت خود قانون مساوات را نافذ نمود .

در عهد (زال - یا - چین) احکام بودائیت مکمل و بصحت تحریر شده و در عهد او بهر ای چین محاربه شدیدی واقع گردیده در سنه ۸۲۱ میلادی بین شان مصالحت گردید تا به (زال یا چین) سلسله شاهانرا (شاهان متدین) می نامیدند زیرا که در راه بودائیت خدمات شاننداری نمودند .

آخرین شاه مذکور را برادرش لنگدرمه نام گشت و الی سه سال سلطنت کرد بعد از قتل او سلطنت تبت مابین دو پسرش تقسیم گشت و بودائیت رو به زوال گذاشت اما در سنه ۱۰۱۳ میلادی بعضی مبلغین بودائی از هند وارد شده بودائیت را دوباره زنده نمودند .

در قرنهای دوازدهم و سیزدهم قوه پیشوایان دینی بودائی بسیار ترقی کرد حتی قبلا ی خان یک اسقف بودائی را نزد خود طلبیده (وقتیکه بر شرق تبت قبضه کرده بود) بعد از دوازده سال او را اختیارات شاهی داده به تبت روان کرد - ازین زمانه یعنی ۱۲۷۰ الی ۱۳۴۰ میلادی ۲۱ اسقف یکی بعد دیگری حکمران تبت بودند - بعد از زوال حکومت اسقف (پاک مودو) خروج نموده سلاله را تاسیس کرد که دوازده نفر تا ۱۶۳۵ حکمرانی نمودند .

در قرن چهاردهم ، پانزدهم ، شانزدهم در دین بودا انقلاب روی داده ، راهب های کلاه زرد بروی کار آمدند (بیشتر راهب های کلاه سرخ بودند) مابین این دو فرقه مذهبی یعنی راهب های کلاه سرخ و زرد مناقشه و مناظره ها به وقوع پیوست ، اسقف کلاه زرد موسوم به (سور نام - گیا - تسو) مذهب خود را تا به منگولیا تبلیغ نموده و یک رئیس منگولیا او را به (دلانی لاما) ملقب ساخت - پس لقب دلانی لاما با اینطور بوجود آمده و تا باسروز مروج است .

دلانی لامای پنجم بدر بار شهنشاه چین به یکن رفته بطوریک پادشاه مستقل پذیرائی کرده شد به از مرکه این دلانی لامای پنجم کبیر (بالعموم این دلانی لاما به همین لقب موسوم میباشد) مابین تبتی ها اتفاق و شقاق رونما گردیده و چین بنا بر نفوذ لامادر مانچوریا و منگولیا و تبت در مملکت تبت تسلط پیدا کرد - و در اوائل قرن هجدهم حکومت چین یک نماینده خود را ملقب به (امبان) در لاساقایم نمود .

بعد از آن دو (امبان) تعیین شد یکی برای امور خارجه و دیگری برای شعبه حرب این امبانهادر انتظامات تبت

مداخلت نموده و در سنه ۱۷۵۰ حکمران تبتی را کشتند تبتی‌ها به انتقام بر خواسته کل چینی‌های مقیم تبت را بقتل رسانیدند شهنشاه چین (چیان لنگ) عساکر فرستاده سلطه چین را مکرراً قایل و قوه امپانها را مستحکم نمود.

در سنه ۱۷۸۸ گورکه‌ها (که در نیپال عروج و تفوق حاصل کرده بودند) به تبت حمله برده یک حصه آنرا فتح نمودند. مگر چینی‌ها ازین واقعه خبر شده فوراً لشکری را ترتیب داده در سنه ۱۷۹۲ گورکه‌ها را شکست کامل داده و تابه پای تخت نیپال یعنی کهنمند و رسیده صلح را منعقد کردند و چون خیال کردند که درین تعرض غالباً دست انگلیس است لهذا تبت را برای اجانب کاملاً مسدود و ممنوع قرار دادند، در سنه ۱۸۴۱ (۵۰۰۰) گورکه‌ها حملۀ دیگری نموده کامیاب شدند از تبت ده هزار رویه سالانه و حق تجارت آزاد را حاصل کرده سفیر خود را به لپاسه مقرر نمودند.

از قرن سیزدهم اروپائیها وقتاً فوقتاً به تبت ارفته معلومات مفیده را حاصل کرده اند حکومت انگلیسیه هندوستان از سنه ۱۸۷۲ کوششها نمود که بهر ای حکومت مرکزی تبت روابط قائم کند مگر تبتی‌ها همیشه از نفوذ و رسوخ انگلیس ترسیده از قیام روابط استنکاف نمودند. اما در سنه ۱۹۰۳ حکومت انگلیس از پیشرفت روسیه بیدار شده یک هیئت را به همراه کندک مسلح بطرف تبت روان کردند و تبتی‌ها از راه جنگ پیش آمدند و انگلیس تبتی‌ها را شکست داد زیرا که تبتی‌ها غیر منظم و اسلحه خوبی نداشتند دلایلی لاما از لپاسه بطرف منگولیا گریخت در سنه ۱۹۰۶ انگلیس به همراه چین شرایط صلح را چنین طی نمود که علاقه تبت به هیچ دولت اجنبی تعلق نخواهد داشت و تبت (۱۶۶۰۰۰) یونند بطور تاوان جنگ خواهد داد.

در سنه ۱۹۰۷ انگلیس و روس معاهده نموده سلطه چین را در تبت تسلیم کردند و ما بین خود عهد بستند که در معاملات و انتظامات داخلی تبت مداخلت نخواهند کرد.

چین از حمله سنه ۱۹۰۴ انگلیس خوف نموده برای پیش بندی حمله دیگری یک عسکر تهیه کرده و فوج چین در سنه ۱۹۱۰ به لپاسه رسید - لاما و اتباع او بطرف هندوستان گریختند و چینی‌ها در تبت قوه و سلطه خود را استحکام دادند. در سنه ۱۹۱۱ انقلاب چین پیا شد و تبتی‌ها عسکر چینی را از تبت رانده قسمت بزرگ مملکت را مجدداً گرفتند دلایلی لاما و اتباع او واپس به (لاسا) عودت نمودند - در سنه ۱۹۱۷ چینی‌ها باز حمله کردند مگر شکست خوردند سپس تبتی‌ها همراهی انگلیس دوست و با چین دشمن گردیدند.

در سنه ۱۹۱۴ محاربه عمومی پیا شده و تبتی‌ها بکهنزار تقریباً بطور کک به برطانیه دادند در سنه ۱۹۲۰ نمائنده انگلیس در شهر ممنوع لپاسه زیرا که تبتی‌ها و لاماها ادخال خارجهارا در حدود تبت ممنوع قرار داده بودند لهذا شهر لپاسه خصوصاً بنام شهر ممنوع م موسوم میشود) بطور سفیر رفت و در سنه ۱۹۲۲ قرار درخواست حکومت تبت شهر ممنوع لپاسه بواسطه تلگراف باهندستان الحاق یافت تبتی‌ها خیلی خوش مزاج، شجاع، دلاور بوده و بسیار شوق موسیقی، رقص و سرود دارند.

ترکیه

ترکیه در حال حاضر دارای ۲۷۵۰۰۰۰ نفر و مساحت آن عبارت است از ۷۳۶۲۷۰۰۰ متر مربع کیلومتر. قرن سیزدهم زمان انقلابات بزرگی بوده است، امپراطوریت روم روه تنزل نهاده و سلطنت بروس شروع به ترقی نمود، ترویج علوم و تاسیس مکاتب دایره خیالات و معلومات اروپائی را وسعت بخشید. در انگلستان وحدت ملی از اختلاف نارمن‌ها و ساکسون‌ها به تکمیل رسید. چارتر کبیر امضایافت و اولین پارلمان ملی تشکیل شد (۱۲۱۵ در زمان جون John) در شرق جنگ‌های صلیبی بنقصان مسیحیون خاتمه پذیرفت. در اقصای شرق چنگیز باعساکر وحشی خود چین و آسیای وسطی را غارت کرده اولاده او در عرصه پنجاه سال بزرگترین سلطنتی را تشکیل داد که از بحیره چین تا بولند شرقاً و غرباً و از دشت قیچاق تا خلیج فارس شمالاً و جنوباً



سالنامه « کابل »

شهر جدید انقره در میان خرابه های قدیم

وسعت داشت در همین وقت ترکان عثمانی نیز به تحریکات خود مشغول گشته بالاخره موفق به تاسیس حکومتی گشتند که تا امروز دامنه آن امتداد دارد. اما اینهم مسایل تاریخی است که باید دانست این ترکان غیور از کجا و چگونه موفق بناسیس این سلطنت و فتوحات بزرگ گردیدند.

در میدانهای سنگ آریا و گوییا بعضی اقوام خانه بدوش از ایام قدیم زندگانی میکردند و اکثر به دسته جات خورد خورد تقسیم و بجانب جنوب و غرب حمله آور میگردیدند. مشهورترین این قبایل ایغور بوده که بنام یوچی سلطنت باختر از شاهان یونانی افغانستان را غارت نموده امیر اطوری بزرگی را که مرکز آن شهر بلخ امر و تزه بود در آسیای وسطی تشکیل دادند.

عده از این قبایل در کنار رود ولگا، اورال و کسپین متوطن گردیدند. در قرن ششم این ترکان اقتدار زیادی یافتند و چون سلطنت عرب رو بتنزل نهاد خلفای عباسی با آنها محتاج گردیده از دوی بزرگی از آنها تشکیل دادند. ازین بعد ترکان بتواتر بر علیه خلفاء شوریده حکومت های مستقلی را در بعضی از نقاط ایشیا مانند نیشاپور و فارس و غیره تاسیس نمودند و بالاخره حکومت اسلامی را در اناطولیة قتل دادند.

حکومت های سلاجقه ایران و خراسان بواسطه خوارزم شاهیان منقرض گشت و به این شاهان از بعضی قبائل ترکی بحیره خزر کمک میرسید همین قبائل را مؤرخین اروپاء جد ترکان حالیه میدانند و قتیکه حملات چنگیزی روی کار آمد ترکان نیز مجبوراً بجانب غرب حرکت نمودند و در آسیای صغیر و مصر حکومت های مستقلی را تشکیل دادند. اجداد عثمانی ها نیز با گله گوسفند خود بجانب آسیای صغیر آمده با اجازه سلاطین سلجوقی روم در اناطول متوطن گردیدند بعد ها سلطان سلاجقه روم (علاءالدین) بر آنها بدکان شد و این دسته ترکان در ۱۲۲۷ عیسوی بسر کرده گی سلیمان شاه از اناطول خارج گردیدند در بنوقت عده شان بیش از چهار هزار نبود و در عبور از رود فرات سردار شان غرق شد. ترکان این حادثه را بد شکونی گرفته عده که هنوز از رود نگذشته بودند بسر کرده گی لظفر لیسر سردار آمدند و بجانب اناطول باز گشتند و در آنجا از علاءالدین اقطاعی درخواست کردند چون عده شان کاسته بود علاءالدین آنها را در قرا جاداغ متصل انقره امر و تزه زمین بخشید و چون حکومت سلاجقه را همواره کمک می نمودند سلطان در حق شان بیش از پیش مراعات می نمود. الطغرل در ۱۲۸۸ بمهر ۹۰ سالگی درگذشت و پسرش عثمان اول جانشین او مقرر گشت با وجود بکه سلطان در بنوقت دچار مشکلات بوده و ایالات او یکی بعد دیگری از مرکز مجزا و اعلان استقلال می نمودند درین همه مشکلات عثمان با کمال جوانمردی به ولینعم خود کمک می نمود و چند بار عسکر یونانی ها را شکست داد. در ۱۳۰۰ علاءالدین درگذشت و امیر اطوری سلاجقه تجزیه یافت، عثمان نیز از موقع استفاده کرده اعلاات استقلال نمود ازین جهت مؤرخین عثمانی او را پادشاه نخستین خود می شمارند. پسرش اور خان غازی که یکی از فاتحین بزرگ عثمانی است تا برو سه فتح نمود و از ۱۳۲۶ تا ۱۳۵۴ حکومت کرده است.

در آخر قرن چهاردهم با یزید یلدرم داخل اروپا شده کمی بعد قسطنطنیه را محاصره نمود در ۱۳۹۵ مسیحیون اتحاد بزرگی بر علیه او تشکیل داده عسکر متحده از رود دنیوب عبور نموده بمقام تکوپولس (بلغار امر و تزه) با عثمانیها مقابله کردند اما تاب حمله یلدرم را نیاورده شکست فاحش خوردند و یکی از برادران شاه فرانسه نیز بقتل رسید و قتیکه عسکر غیور ترک مشغول فتوحات بودند بلای ناگهانی بر ایالت شرقی آن نازل گردید یعنی در همین موقع تیمور کورگانی مانند برق از سمرقند برخاسته در ظرف اندکی از بغداد تا ماسکو فتح نمود و در ۱۴۰۱ اجارجه را بدست آورده داخل ترکیه گردید و شهر سیواس Siwas را تسخیر و غارت نمود و از آنجا به جانب شام و بغداد و بعداً بطرف شمال حرکت کرد و در انگوره بالشکر ترکان در آویخت. عثمانی ها بسبب خیانت بعضی از مامورین شکست خوردند و با یزید با سرداران بزرگ اسپر گشته و بعد از هشت ماه اسارت در گذشته و دولت عثمانی را بحالت ابر و پریشانی گذاشت.

در ۱۴۱۳ محمد اول سلطنت رسیده شورشهای داخلی را تا اندازه فرو نشانده و خرابیهای تیمور را اصلاح کرد و سفیری بدربار وینس فرستاد و بار اول دسته جهازات عثمانی را مرتب نمود.

در قرن شانزدهم محمد ثانی که در تاریخ بمحمد فاتح مشهور است شورشهای داخلی را رفع و عسکر را ترتیب نمود و در مدت پنجاه و سه روز قسطنطنیه را فتح و بان داخل گردید ۱۴۵۳ و بعد از کمی بجانب شمال رفته حصه جنوبی مرویه را فتح نمود و در ۱۴۵۶ ایالات بوسنه هرزی کونیا، والایا، البانیه، ومانتی نگر و ضمیمه دولت عثمانی گردید. اهالی وینس نیز بعضی مقامات ساحلی را بحق عثمانی ها گذاشتند، کمی بعد ۱۴۷۸ کریسیا نیز فتح گردید. در قرن شانزدهم اقتدار ترکها (در عهد سلیمان باشکوه) بانهای ترقی رسید بلکنراد و جزیره رودس فتح گردید عسکر عثمانیها از رود دنیوب گذشته بمقام مها کس لوی دوم سلطان هنگری را شکست داده شهر بوداپست را بدست آوردند ۱۵۲۸ و چون از آنجا برگشتند فردیناند برادر شارلکن (چارلس پنجم) داخل جرمنی شده اما درینوقت تعرض ایرانیا (در زمان شاه طهماسب) در آذربایجان یگوش سلطان رسیده و او را مجبور ساخت که ترک فتوحات گفته بجانب شرق آید. درینوقت تبریز را فتح نموده و تمام ارمینیا را بدست آورد.

خیرالدین پاشا امیر البحر ترکی درینوقت کشتی های وینس را تپاه نمود، الجزائر و بسیاری جاههای افریقه شمالی را بدست آورد، در ۱۵۴۸ ارض روم، جارجیا فتح گردید و ایران معاهده صلح را امضاء نمود ۱۵۵۵، حدود سلطنت عثمانی درینوقت از بغداد تا مراکش شرقاً و غرباً و از سرحدات جرمنی تا خلیج فارس و عربستان شمالاً و جنوباً و سمت یافت و بجزا سود کاملاً بجز عثمانی گشت.

در قرن هفدهم که دسته از شاهانی بحکومت رسیده بنای عیاشی گذاشتند در امور مملکت و عسکر ترکها روز بروز ضعف راه یافته مملکت در خطر افتاد و نیچرپها شورشهای متواتر کردند مسیحیون از خانه جنگی ها استفاده کلی نمودند معاهده مشهور سلواتروک Silwatrok سیلاب فتوحات عثمانی را در اروپا خاتمه داد.

در قرن هجدهم شاه سویدن (چارلس ۱۲) بمقام پولتاوا Pultawa از بطر کبیر شکست خورده به شاه عثمانی پناه آورد و روسیه او را در اراضی ترکیه تعاقب نمود. عساکر اسلامی متصل رود پرت یطر کبیر را با عسکرش محاصره نمودند و قریب بود که همه تسلیم شوند اما سر عسکر ترکیه (بالتجی محمد یاد شا) خیانت نموده در خواست ملکه کاترین را قبول و معاهده صلح را با شرایط بسیار برآمضاء نمود ۲۱ جولائی ۱۷۱۱، کمی بعد استریا حمله آورده بلگیری را تصرف گردیدند و روسها بار دیگر بر ممالک عثمانی تعرض نمودند و در ۱۷۲۷ ترکها بمقابل شاه اشرف افغان شکست خورده سلطنت او را در ایران بر سبت، شناختند، معاهده اتحاد بین دولتین عقد و سفرای طرفین مقرر شدند در قرن نهم مسایل شرقیه بروی کار آمد و همینکه در ۱۸۱۴ کانفرانس وی یا نامنقده شد و دول اروپائی از نابلیون نجات یافتند دولت عثمانی محل متنازع دولت های اروپائی گشت، استریا از هیئت کانفرانس بقای دولت عثمانی و شمول او را به موافقت اروپائی خواهش داشت اما روسیه اباه نموده عثمانی را از دایره حقوق بین الملل خارج گذاشته میخواست که آن را در بین خود تجزیه نماید و سیاسیون اروپائی هر حادثه را بدقت ملاحظه می نمودند و مقصد هر دولت (بدون روسیه) این بود که هر ملتی که در املاک سلطنت عثمانی چشم بدوزد فوراً از وجلو گیری نموده بحد خودش باز دارند ازینجهت در ۱۸۱۵ مشغله شباروز سیاسیون اروپا مسئله شرق بود و مراد از مسئله شرق سلطنت عثمانی بود که باقی ماند؛ یا تجزیه گردد؛ و اگر تجزیه گردد چگونه؟ و اگر بر حال ماند از ملل کوچک مسیحی که تابع سلطان هستند چگونه طرفداری و حمایت کنند. ظهور مسئله شرق بار اول از ۱۸۲۵ - ۱۸۲۹ آغاز شد در وقتیکه یونانی ها بغاوت کرده ممالک مسیحی را بممداد خود دعوت نمودند تیرنش وزیر استریاسمی نمود که دول اروپائی گوش بآوازه آنها ندهند اگر چه قتل عام ساگاز و بدارا و یختی روحانیون بزرگ مسیحی در قسطنطنیه به تیرنش موثر نیفتاد ولی ملل اروپائی را افسرده خاطر ساخته جماعه جماعه

برای اعانه و مدد هم کیشان خود بجانب یونان رفتند و پول زیادی به یونان فرستادند نیکولس زار روسیه، پاشه انگلستان اتفاق کرد تا از سلطان استقلال یونانی را طلب نماید این بخاره سه سال طول کشید ولی اثری نه بخشید. سلطان از محمد علی پاشا و والی مصر معاونت خواست و مشارالیه یک دسته جهازات ترکی مصری را بمعاونت فرستاد انگلستان، روسیه و فرانسه متحداً جهازات خود را بآب های یونان فرستاده جهازات مصری را تباه نمودند و کمی بعد روسیه از دنیوب عبور نموده بجانب قسطنطنیه پیشقدمی نمود سلطان مجبوراً معاهده ۱۸۲۹ ادریانوپل را امضاء و استقلال یونانی ها را اعتراف کرد و حرکت جهازات را در دنیوب و در دانیال آزادی داد علاوه تا خساره جنگ را نیز قبول نموده و کمی بعد فرانسه الجزیره را گرفت.

مسئله دوم شرق: از حمله محمد علی والی مصر بر سوریه و تسخیر آن بوقوع آمد زیرا شکست عثمانی باعث بغاوت و شورش اناطول گشته سلطان مجبوراً از زار روسی امداد خواست زار فوراً قشون خود را بقسطنطنیه فرستاد این مداخلت روسیه باعث پریشانی انگلیس و فرانسه گشته سلطان را مصلحت دادند که سوریه را به محمد علی واگذارد. سوم مسئله شرق: از ۱۸۳۹ شروع و در ۱۸۶۱ خاتمه پذیرفت.

افواج ترکیه در تحت سرکردگی خسرو پاشا از دریای دجله بر میکشت درین راه با عساکر شامی محمد علی برخوردند. محمد علی بیدار بود لشکر ترک را عقب نشانده و ازین کامیابی چنان جسور گشت که فتح اناطول در دماغش جاء گرفت و اعلان نمود که بشخص سلطان سوء قصدی ندارد محض می خواهد مامورینکه در وظیفه خود گونااهی کرده اند بسزای رسانند انگلیس و در روسیه این عزم بزرگ او را خلاف سیاست خود دیدند زیرا انگلیس میترسید اگر محمد علی قوی گردد سهولت راه هند را مسدود خواهد نمود و همچنین روسیه خیال داشت ترکها را اصلاح و تقویت نموده مقابل خود یک سد بزرگی تشکیل دهد ازین رو هر دو محمد علی پادشاه را مجبور نمودند که سوریه را تخلیه نمایند و محمد علی مجبور گردیده که مطالبات این دو دولت قوی را به پذیرد. بعد ازین انگلیس مناسب دانست که ترکها را از تحت حمایه روسیه نجات دهد و معاهده بنام آنها در ۱۸۴۱ بادل بزرگ اروپا امضاء نمود تا هیچ کدام جهازات جنگی خود را در آبناهای دانیال و باسفورس شناور ن سازد در نزد سلطان عهده برار شد که ممالکش را از تجزیه مصئون دارد باین واسطه سلطنت عثمانی در زمره حقوق دول اروپا داخل شد.

چهارمین مسئله شرق از ۱۸۵۲ شروع و در ۱۸۵۶ خاتمه پذیرفت. روسیه از جاه طلبی خود دست نکشیده دولت عثمانی را آدم مریض نامیده میخواست از آن تجزیه نماید چنانچه در ۱۸۴۴ که زار بطرف انگلستان سفر کرد فکر خود را در مسئله شرق چنین اظهار نمود (در خصوص دولت عثمانی بین من و وزیران من دو فکر موجود است یکی دولت عثمانی را بحالت نزاع و دیگری مرده میدانم اما بهر حال هیچ چیز مانع مرگ فوری نمیگردد) و در ۱۸۵۲ زار روسیه بسفیر انگلیس نوشت: وقت آنست که این جسد مرده (دفن شود) و عزم نمود که قسطنطنیه را متصرف گردد این مسئله باعث ظهور چارمین مسئله شرق گردید انگلیس خواست که روسیه را ازین عزم باز دارد ازین جهت بادل اروپائی مشوره نمود و امپراطور استریا بتائید انگلستان محض پروتست بر روسیه داد اما ناپلیون سوم فرانسه و مملکت ساردینا و انگلیس هر سه متحد گشته جهازات و عساکر خود را بمعاونت عثمانیها فرستاده خواستند که بحریه روسیه را در بحرا سود تپناه کنند. برای تصفیه این جنگ کاترانس یاریس در ۱۸۵۶ انعقاد یافت و در آن تضمین گذاشتند که در بحر سیاه، ورود دنیوب جهازات جنگی روسیه شناوری نکنند و سلطان در عوض حقوق مساوات به نصارا داده جزیه آنان را بخشید.

پنجمین مسئله شرق بواسطه مداخلت روسی بظهور آمد، روسیه نصارای سلاوی، سرویه و ماتی تکرور را طرفداری نموده ترکها شورشیان را شکست داده عده زیادی از آنها را کشت، در چنین وقت نازک سلطان عبدالحمید بسطنت رسید و اصول مشروطه در مملکت جاری و مجلس پارلمان آن بطرز اروپا تشکیل یافت ولی اروپائیان خصوصاً روسیه قانون اساسی را اعتبار نداده در خواست کردند که ممالکی را

که در آن قتل عام شده استقلال اداره داده شود دولت عثمانی این مطالبات ناجائز را رد نمود بنا برین دُول اروپائی و وزرای . خود را از پایتخت عثمانی کشیدند زار خود داری کرده در ۱۸۷۸ با قشون سیلاب مانند خود بر ممالک عثمانی حمله آورگردید عساکر ترکیه بمقام یلونا (بلغار) بسر کردگی عثمان پاشا فداکاری و استقامت زیادی کردند، اما بعد از خونریزی و محاربات بسیاری قشون دشمن به ادریا نوبل رسیده معاهده دلخواهی را که با سم سانس ستینفو مشهور است امضاء نمودند دولت عثمانی استقلال رومانی، سرویا، و مانتی نگرورا برسمیت شناخت، بلغاریه و حکومت رومیلی تشکیل یافت اما دُول اروپائی این قرارداد را بیشتر بمقاد روسیه دیده زار را مجبور نمودند که در مجلس برلین شمولیت ورزد . کاترانس برلین نیز استقلال رومانی و سرویا و مانتی نگرورا قبول نمودند ولی از وسعت اراضی که بمانتی نگر و داده بودند کاسته شد، همچنین از علاقه های آسیائی که روسیه برای خود گرفته بود کاستند و باتون را شهر آزاد گذاشته بلغار را استقلال داخلی دادند، آستریا و یونان نیز اراضی وسیعی را مالک گشتند و انگلستان جزیره قبرس را بدست آورد مختصر به سلطان عثمانی از مقبوضات اروپائی محض البانیه، سالونیکا، بلاد مقدونیه و اطراف پایتخت - باقیاند .

سلطان چون ازین جنگها فراغت یافت مستشارهای مالی و عسکری را از جرمنی برای اصلاحات داخلی جلب نمود اما در ۱۸۸۱ شورشهای داخلی بار دیگر مانع ترقی گشت انگلیس ها نیز از موقع استفاده نموده بجانب مصر تعرض کردند و بالاخره فرانسه را فریب داده مصر را تنها بدست آوردند . درینوقت نفوذ جرمنی در ترکیه بیش از پیش ترقی کرد چنانچه اجازه امتیازات راه آهن به کمپنی های جرمنی داده شد .

قرن بیست

جنگ عمومی و ترکیها:

جنگ عمومی در ۲۸ جون بواسطه قتل ارج دیوک فرانسس فردینان آغاز شد و در ۲۹ نوامبر ۱۹۱۴ عثمانی نیز بطرفنداری اطیش و المان داخل جنگ گردید و محاربات تا آسیای غربی و حدود ایران وسعت یافت . اتحاد یون در ۱۹۱۵ در باز نمودن - آبنای در دانیال و با سفورس برای کمک و سامان به روسیه در تری بولی و سواحل در دانیال قشون فرستادند اما بمقابل ترکیها عاجز آمده به تخلیه آن مجبور گردیدند . در پنجم اکتوبر ۱۹۱۵ بلغارستان نیز بکمک جرمنی و آستریا داخل جنگ گردید . میکن سن سردار بزرگ روس بکمک بلغاری ها سرویه را بکلی فتح نموده راه برلین و اسلامبول را باز نمود سپس از آنجا بطرف رومانیه رفته کاملاً تسخیر کرد . انگلیس و فرانسه بجلوگیری آنها در سالونیکه پیاده شدند . روس ها در آسیا قسمت ارمنستان ترکی و قلعه ارض روم را تسخیر نمودند ولی در جنوب آن عثمانی ها جنرال مشهور انگلیس تاونشن Taunshend را بمقام کوت العماره بمعیت ۱۳ هزار نفر مجبور به تسلیم ساختند ۱۹۱۶ . در سال ۱۹۱۷ انگلیس بفتح بغداد و بیت المقدس موفق گردید و در نتیجه بین النهرین و فلسطین را عثمانی ها تخلیه کردند . در ۲۹ ستمبر ۱۹۱۸ بلغاریها تقاضای صلح جداگانه نمودند عثمانی ها بواسطه که شام از دست رفته بود همین طریق را اختیار کردند و بالاخره در جرمنی نیز انقلاب برپا گردیده در ۸ نوامبر ۱۹۱۸ حکومت جمهوری اعلان گردید و ویلهم دوم بمعیت ولیعهد به هالیند پناه برد و در ۱۱ نوامبر المان متارکه جنگ را قبول نمود اتحاد یون بعد ازین با پنج دولت معاهده علیحده بستند و عثمانی ها تمام مقبوضات سابقه خود را از دست داده شام را، فرانسه، فلسطین و میسی بوتیا و عربستان را انگلیس در تحت حمایت خود گرفت تریس و سمرنا را یونان تصرف نمود اسلامبول شهر آزاد قرار یافت ولی غیرت و شجاعت عثمانی ها این معاهده پیشرفانه را قبول ننموده برای استقلال خود دست و پا زدند و انگوره را مرکز تحریکات خود قرار داده شروع بکار نمودند و در ظرف اندکی به سرداری مصطفی کمال غازی یونانیها را در هر جا شکست داده از سمرنا و آسیای صغیر و تریس و اسلامبول بیرون رانده و تریس و اسلامبول را بار دیگر

ضمیمه مملکت خود نموده استقلال عثمانی ها را که در خطر عظیم افتاده بود تحفظ نمود. مصطفی کمال بعد از بدست آوردن این مقامات و قیام امنیت داخلی اعلان جمهوری کرد و خودش رئیس جمهور منتخب شد و درین مدت که دولت ترکیه را چنان ترقی داده که مؤرخین اروپائی که چندی پیشتر آن را مرد مریض یا جسد مرده می نامیدند الحال مجبورند که در توصیف آن مقالات بدهند، و بزرگی و فعالیت مصطفی کمال را اعتراف نمایند.

جاپان

جاپان مثل برطانیه کبیر مملکت بحری است و مشتمل بجزائر متعدداست که رقبه آن ۳۸۲۰۰۷۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۶۴۴۵۰۰۰۰ نفر است - جاپانی ها مملکت خود را نیپون Nippon یعنی مطلع شمس می نامند، اهالی آن که بالغ بر (۶۴) میلیون است کاملاً از نژاد زرد میباشند.

قبل از قرن نهم میلادی واقعات جاپان مبنی بر روایات و افسانه ها بوده است که ما آنرا وقایع تاریخی گفته نمی توانیم - قدیم ترین امپراطور جاپان از روی فهرست روایات کوچکی - جیمو Jimu نام دارد که تخمیناً (۶۶۰) ق ، م زندگانی کرده است و اکثر مؤرخین برین اتفاق دارند که جمیع امپراطورات جاپان تا امروز از نسل همین شخص بوده اند و خانه و اده موجوده امپراطوری از مدت تقریباً دوونیم هزار سال بر سر اقتدار است.

در اوائل، جاپانی ها نیز مثل چینی ها از مردمان خارجه متفر بودند اما در نیمه قرن (۱۶) قوز ممالک خارجه درین مملکت شروع به ترقی نمود - در سال (۱۵۴۳) یک سیاح پرتگالی موسوم به پنتو Pinto باراول در خاک جاپان قدم گذاشت اهالی جاپان به او سلوک نیک کردند - چنانچه چندی بعد عده زیادی از مبلغین مسیحون داخل جاپان شدند و یکی ازین نووار دان فرانسس کزویور Francis Xavier نام داشت که از فرقه جیزویت Jesuits بوده - این شخص به مدت کم در مقصد خود کامیابی زیادی حاصل کرد و عده کثیر جاپانی ها دین مسیح را قبول نمودند ولی دیری نگذشت که سوء رفتار این مبلغین جاپانی ها را از خود متفر ساخت و رفته رفته این نفرت شان بدرجه رسید که در (۱۸۳۰) جاپانی ها اعلان نمودند که اگر شخص اجنبی داخل جاپان شود فوراً باید بقتل برسد، و نیز هیچ يك از اهالی جاپان از خاک وطن خود قدم بیرون نگذارند. اما این سیاست بی غرضی انتهای ایشان را باراول ضربتی شدیدی از جانب اضلاع متحده امریکه رسید. حکومت امریکه در (۱۸۵۳) یکدسته جہازات را بسر کردگی کمودور پیری بجایان فرستاد تا در باب تجارت و حفاظت ملاحان امریکائی که در سواحل جاپان مشغول صید ماهی میباشند با حکومت جاپان مذاکره نماید - کمود وریبری بجایان رسیده نزد شوگن وزیر اعظم جاپان عرضداشت خود را پیش نمود شوگن معاهده تجارتی را با و امضاء نمود - اهالی جاپان این را خلاف سیاست خود تصور کرده بر علیه شوگن اقدامات نمود، در نتیجه اقتدار شوگن را ضربتی شدیدی رسید و برعکس آن امپراطور مقتدر گشت، اما در نتیجه شورش های داخلی یکی از تبعه انگلیسی رجردسن نام Richard Son به قتل رسید، حکومت انگلیس فوراً جہازات خود را فرستاده کاگو شیمارا بمبارد نمودند، جاپانی ها درین جنگ خود را عاجز یافتند و از قوه دول اجانب واقف گردیده سیاست خود را فوراً تغیر دادند، و درین کوشش اقتسادند که بهر طریقیکه ممکن باشد خود را مثل دشمن آراسته نمایند - در سال (۱۸۶۷) امپراطور متسوهیتو Mutsuhito بسر اقتدار آمد درین وقت عمرش بیش از (۱۵) سال نبود، در عهد این امپراطور که تا (۱۹۱۲) طول کشید جاپان از هر حیث ترقیات نمود، در بدو سلطنت شوگن نیز بر طرف گردید و تمام اختیارات بشخص امپراطور تعلق گرفت پای تخت نیز از مقام کیوتو بشهر بودو نقل داده شد و نام آن را توکیو گذاشتند (۱۱۶۸) .

سالنامه « کابل »



يك منظره از شهر كيوتو

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

خلع شوگون و اقتدار میکادو دوره جدیدی را در جاپان نمایان ساخت که مؤرخین جاپانی آنرا دوره میجی یعنی روشن نامیده اند - ترقی جاپان از همین سال شروع می شود .

اداره مملکت را به مودل اروپائی تشکیل دادند ، و مملکت برای قبول مدنیت صحیح و ترقیات عصری مفتوح گردید و چون جاپانیها ذکی و زحمت کش و استعداد خوبی دارند بزودی علوم و فنون و تمدن غربی را در ملك خود مروج ساختند مخصوصاً عسکر و بحریه خود را بقسمی تشکیل دادند که با مهمترین دول اروپا و امریکا همسری کرده بتوانند در نتیجه همین ترقیات بوده که در سال (۱۸۹۴) مملکت چین را بآن بزرگی و عظمت آن مغلوب نمود ، و بموجب معاهده شیمونسکی Shimonski که در ۱۷ ابریل (۱۸۹۵) امضا یافت پورت آرتور جزیره نمائی لیتونک و جزیره فارموسا بجمعه جزائر پیکادورا بجاپانیها سپردند و نیز مملکت چین (۲۰۰) میلیون تیل را که معادل (۱۷۵) میلیون پوند میشود تاوان جنگ بجاپانیها دادند .

کمی بعد یعنی در سال (۱۹۰۴) جنگ بین روس و جاپان در گرفت اما بعد از محاربات زیادی روسها به امضای معاهده پورتس ماوث مجبور گردیدند این جنگ که نامدت (۲۰) ماه طول کشید کاملاً بفاواید جاپانیها بود و روسی ها در بحر و بر شکست های متواتری را متحمل گشتند در (۱۹۱۴) در جنگ عمومی جاپانیها بر علیه جرمنی اعلان حرب داده جمیع مقبوضات آنرا که در چین و بحر الکاھل و در شمال خط استوا بوده فتح نمودند .

مملکت جاپان کم وسعت و دارای نفوس زیاد است و مانند دول معظم دیگر دارای جاپان امروزه : مستعمره نمیشد ، از این حیث چشم را بمقبوضات چین دوخته است چنانچه اولاً کوریا را بدست آورده ، و بعد از آن متوجه منچوریا گردیدند تا بالاخره آنرا نیز فتح نموده ضمیمه مملکت خود گردانیدند .

واقعات مانچوکو و استقلال آن مملکت درین سالهای موجوده همه بنیروی جاپان و نمونه از عظمت و ترقیات کشور مذکور محسوب می شود .

صنعت و حرفت امروزه جاپان بدرجه ترقی کرده که در رقابت تجارتي از اکثر دول معظم دنیا پیش رفته و اکثر بازارهای تجارتي را بدست آورده اند .

حکمران موجوده جاپان هیروهیتو Hirohito است که به ۲۵ دسمبر ۱۹۲۶ بسطنت رسیده .

جاوا

جزیره جاوا که یکی از مجمع الجزایر شرق الهند است به جنوب مشرق آسیا واقع است . اهالی هند و چین و عرب از زمانه های قدیم باین دیار رفت و آمد داشته از طرق و شوارع تجارتي آن کاملاً باخبر بودند اما اهالی اروپا تا قبل از مسافرت مارکوپولو (در قرن ۱۳ مسیحی) از وجود این جزیره بکلی بی اطلاع بوده اند .

باشندگان این جزیره از نژاد ملایا و دین آنها دین حنیف اسلام و مذهب شان حنی و شافعی است .

در قرن اول عیسوی ساکنین دیار هند باین جزیره و ارد شده رفته رفته دین خود را در آنجا رواج دادند و بعد تا مدت یک هزار سال تاریخ این جزیره مبهم و تاریک مانده ولی از آثار محزوبه و معابد و عمارات آن وقت معلوم می شود که کیش بودائی و سلطنت سهند را که مرکز آن در سماترا بود ، درین سرزمین قائم بوده است از تواریخ اسلامی مکشوف میشود که در قرن ۱۲ عیسوی کیش ساکنین آنجا شیوائی بوده و چهار سلطنت مستقل جداگانه که حکمران يك از هندوان محلی بود در آنجا

وجود داشته است. تجار اسلامی نیز درین جزیره رفت و آمد تبلیغ داشته و اشاعه دین اسلام را می نمودند. در سنه ۱۳۷۸ این چهار سلطنت جداگانه تحت سلطنت یک پادشاه با هم متحد و یک جاشده امپراطوری ماچا پاهد را تشکیل دادند. و تا مدت صد سال این امپراطوری با منتهای شکوه و جلال خود دوام نمود. بعد ازین مسلمانان جاوا قوت یافته امپراطوری ماچا پاهد را بر طرف و طوائف الملوک را دوباره بر وی کار آوردند، در سنه ۱۵۷۸ حاکم ماتارام تمام جزیره را در قبضه خود آورده و یک امپراطوری اسلامی را تشکیل دادند.

در سنه ۱۵۹۵ تجار هالندی به جاوارفته و بالاخره در سنه ۱۶۱۰ اجازه تعمیر یک تجارت خانه مستحکم را در اینجا گرفته و تجارتخانه مذکور را در قلعه بتاویا بنا نهادند و رفته رفته هالندیها در اینجا نفوذ پیدا کردند، تا اینکه در سنه ۱۶۷۷ سلطنت کوچک (چاکرتا) را متصرف شدند و بعد از آن آهسته آهسته حصص مختلف جزیره جاوا را قبض نمودند - بالاخره چون در سنه ۱۷۵۵ دولت ما نارام بدو حصه سورا کرتا و جوکجا کرتا متقسم گردید شاهان هر دو حصه سیادت هالندیها را تسلیم نمودند.

در سنه ۱۸۰۸ سلطنت بنم مستقل گردیده و تمام جزیره تحت حکومت هالند درآمد در عهد ناپو لیون اعظم جاوا از قبضه هالند برآمده بدست فرانسه آمد بعد از آن حکومت برطانوی هند بر جاوا حمله آور گردیده و در سنه ۱۸۱۱ آنرا متصرف شدند، بعد از مرور پنج سال این جزیره در تحت اثر شرایط صلح دوباره به هالندیها عودت کرد ولی در سنه ۱۸۲۵ اهالی جاوا تحت قیادت « دیسانگا را » برای حصول استقلال در طرف پنج سال جدو جهد بلغی نمودند ولی کامیاب نگردیده بلکه ده سال تمام به مصیبت و فلاکت سیری نمودند چنانچه هالندیها از پنج میلیون نفوس آن دیار بیشتر از ده میلیارد افغانی بزور وستم اخذ نمودند در نتیجه اهالی جاوا چندین مرتبه بر علیه حکومت مستعمراتی هالند اعتصاب نموده تادرسنه ۱۸۵۴ قوانین جدید تصویب شد که از روی آن، صلح و آرامش مملکت قائم گشته و اهالی هم در امور حکومت تأیک حدی دخالت یافتند - بعد از آن قانون اساسی چندین مرتبه در سنه ۱۸۷۲، ۱۹۰۳، ۱۹۱۶، ۱۹۱۸، ۱۹۲۲ و بالاخره در سنه ۱۹۲۵ اصلاح و تعدیل یافت.

جبل دروز

جبل دروز جمهوری است در وسط سوریا که بعد از جنگ عمومی از سلطنت عثمانی مجزی و از طرف مجلس اقوام تحت انتداب فرانسه داده شد.

مساحت آن عبارت از ۶۰۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۶۰۰۰ نفر است که اکثر آن فرقه دروزی می باشند.

تاریخ قدیم جبل دروز ضمناً در تاریخ سوریا ذکر گردیده است، دروزیها پیروان حمزه ابن علی ابن احمد وزیر حاکمی با امر الله فاطمی که خلیفه ششمین این سلاله بود می باشند و عقیده دارند که حاکم با امر الله مظهر الهی و از نظر مردم پنهان گردیده است و قریب قیامت دوباره ظهور مینماید. چونکه داعی آنها اسمعیل الدرزی بود بنا بر آن قوم بنام دروزی و مملکت بنام جبل دروز نامزد گردیده است این قوم خود را از نژاد ترکمن و کرد میدانند.

در کتب عربیه مذکور است که در قرن ۱۲ مرکز دروز خلوت الیاض بود و تحت قیادت امرای خود حیات بسری آوردند، در ابتدای قرن ۱۴ ملک الاشرف که از مالیک مصر بود دروز را فتح نموده است

چون سلطان سلیم عثمانی در سنه ۱۵۱۶ م به سوریا هجوم آورد امرای دروزی با او متفق گردیده بر علیه ممالک داخل جنگ گردیدند و بعد از فتح مصر سلطان سلیم سلطنت دروزرا تحت اداره خویش در آورد و امیر معان را به مکافات معاونت او به امیری دروز برگماشت ، اولاده امیر معان خطه حکمرانی خود را وسعت بخشیده اکثر نقاط سوریای جنوبی را تصرف نمودند .

در سنه ۱۶۱۴ بر علیه سلطنت عثمانی علم بغاوت بر افراشتند ولی باشای دمشق ایشانرا هزیمت داد و امیر دروز به ایتالیا پناه گزین گردیده بعد از مرور پنج سال به مملکت خود عودت نمود و تا سنه ۱۶۳۳ بطور حکمران مستقل دوباره سلطنت نمود بالاخره بمقابلۀ عساکر عثمانی شکست خورده و بدست ایشان اسیر و اعدام گردید .

بعد ازین واقعه خانه جنگیها در آنجا دوام پیدا کرده مملکت صورت طوائف الملوک اختیار نمود در اخیر امرای خانواده شهاب حیثیت ریاست کل را مالک گردیدند و تا سنه ۱۸۶۴ دایماً بر علیه حکومت عثمانی بغاوت از طرف دروزیها دوام داشته و در مقابل عساکر عثمانی شکست نصیب ایشان می گردید در سنه مذکور لبنان تا اندازه با استقلال داخلی موفق گردید اما در حدود سویده شورشها خاتمه پذیر نشده صورت داعی بخود اختیار نمود و قبیله اطرش قوت پیدا کرد .

در ایام حرب عمومی تا اواخر سنه ۱۹۱۸ با حکومت عثمانی از در مخالفت پیش نیامدند بعد از آن بامیر فیصل بن شریف حسین متفق گردیدند و چون سلطنت شریفی دمشق را فرانسویها در سنه ۱۹۲۰ بر انداختند با فرانسویها داخل مذاکره گردیده در سنه ۱۹۲۱ حکومت جداگانه جبل دروزرا تحت انتداب حکومت فرانسه تشکیل داده و سلیم یا شا العطرش را بر ریاست انتخاب و مقرر نمودند .

در سنه ۱۹۲۵ فرانسویها از موافقه که در سنه ۱۹۲۱ با دروز نموده بودند ابا آورد و دروزیها به مخالفت قیام نموده با مسلمین اهل سنت اتفاق و دسته های قشونی فرانسوی را شکست دادند اما در سنه ۱۹۲۷ در مقابل فرانسه شکست یافتند .

در سنه ۱۹۳۰ فرانسویها تشکیلات جدیدی در دروز نموده و از طرف فرانسه حاکم در آنجا تعیین نمودند . مرکز دروز السویدا نام دارد .

جزائر شرق الهند

جزائر شرق الهند که بزرگترین مجمع الجزائر عالم است بجنوب مشرق آسیا و شمال مغرب استرالیا و بین بحر الکاهل و بمرهند بدو طرف خط استوا واقع گردیده است تعداد جزائر کوچک و بزرگ اینجا بر هزار بالغ میگردد .

جزیره نیوگنی ، بورنیو ، سماترا ، جاوا و مجمع الجزائر ملاکا ، مجمع الجزائر فلپائن و جزائر تیمور و غیره از جزائر بزرگ جزائر شرق الهند بشمار می آیند .

جزیره نیوگنی جزء اوقیانوسیه به شمار می رود بنا بران تاریخ آن در تاریخ اوقیانوسیا ذکر خواهد شد فلپائن که تحت الحمايه امریکاست و بورنیو ، سماترا ، جاوا تاریخ هر یک جداگانه نگاشته آمد - به لحاظ آنکه تاریخ این جزائر بعد از رسیدن اروپائیها با هم ارتباط دارد در اینجا نیز ضمناً ذکر می گردد .

از مطالعات طبقات الارضی معلوم میگردد که درازمنه قدیم جزائر مذکور از یکطرف به قطعه آسیا از جانب دیگر به قطعه استرالیا وصل است .

قدیم ترین اہالی بومی از تراسیا ہان پست قد (نیگریٹو) بودند بعد ازان اقوام عرق سفید و متعاقب
ان منگولیاہیا در آنجا متوطن شدہ و ازین اختلاط نسل ملائی بعمل آمد . در ازمئہ تاریخی ہندی و چینی
و عرب نیز درین سر زمین وارد شدہ و با اہالی بومی از دواج و تا حدی آمیختہ گردیدہ اند و اکثر اہالی
جزائر شرق الہند مسلمان میباشند .

زبان ملائی عموماً باوجودیکہ ہر حصہ جداگانہ زبان دارند فہیدہ می شود و رسم الخط آنها عربی
است از اروپائیہا اول پرتگالیہا در سنہ ۱۵۰۹ وارد این جزائر گردیدند در سنہ ۱۵۱۱ البوکک قائم
پرتگالی شہر ملاکا را کہ در جزیرہ نمای ملایا واقع است تصرف نمودہ بود جہازات خود را بجزائر ملاکا
فرستادہ این جہازات در راه بجزائر جاوا و مدورا و سوم باوا وغیرہ تصادف نمودند ، سہ سال بعد جہازات
دیگر پرتگالی بجزیرہ ترینت رسیدہ و آنرا مرکز تجارتی و حربی این جزائر قرار داد .

در سنہ ۱۵۱۹ ہسپانوی ہا تحت ریاست فرد پینانڈ میکلن جہازات خود را برای اکتشافات جدید
و استملاک بہ راہ جنوب امریکہ اعزام نمود و آنها در سنہ ۱۵۲۰ بہ فلپائن و بورنیو و بالاخرہ بحولا کار
رسیدند یکی ازین جہازات از راہ جنوب افریقہ بہ ہسپانیہ عودت نمود و این گردش گردش اول دور دنیا
محسوب می شود .

در سنہ ۱۵۲۵ و سنہ ۱۵۲۸ ہسپانوی ہا برای تیزی خود در جزائر مذکور قوت و کمک فرستادند ولی
در سنہ ۱۵۲۹ در معاوضہ (۲۵۰۰۰۰) طلا ہسپانوی ہا دائرہ نفوس خود را در شرق جزائر مولاکا
محدود ساختہ و بغیر از جزائر فلپائن باقی جزائر شرق الہند را برای پرتگالی ہا واگذار گردیدند ، چون در آن
زمان سلاطین اسلامی جوہور و جاوا و آچین و بین تانگ و برونی قوی بودند پرتگالیہا بجز تجارت نتوانستند
موفق باستیلای آنجا ہا گردند بلکہ محاصرت این سلاطین قوہ پرتگالیہا را مضحل نمود .

در سنہ ۱۵۷۹ و بعد ازان تجار برطانوی باین جزائر برای جلب منافع تجارت مرچ سیاہ ، دارچینی ، ہیل ،
میٹک (چارمصالح) وارد شدند در سنہ ۱۵۹۶ جہازات مسلح تجار ہالندی برای رفع انحصار تجارت
پرتگالیہا راجع بہ چارمصالح ارادہ نمودہ و وارد این دیار شدند مدتی نگذشتہ بود کہ پرتگالیہا شکست یافتہ
نقوذ خود را یواش یواش از دست دادند و در سنہ ۱۶۰۲ شرکت شرق الہند ہالندی تاسیس یافت و در
ہمان سال ہالیندی ہا با سلطان آچین روابط دوستانہ برقرار نمودند و در سنہ ۱۶۰۶ با سلطان جوہور
عقد اتحاد بستہ و در سنہ ۱۶۰۸ پرتگالیہا را بہ ۱۲ سال متارکہ مجبور گردانیدند ، در سنہ ۱۶۰۹ از طرف
ہالند اولین والی درین دیار تعیین یافت ، در سنہ ۱۶۱۱ شہر جاکا ترا واقع جاوا را مرکز خود قرار دادند
در سنہ ۱۶۱۹ نام آنرا بہ (بتاویا) تبدیل گردانیدند چنانچہ تا حال بتاویا مرکز است و در ہمین سنہ انگلیسہا
معاهدہ نمودند کہ ہر دو شرکت با ہم متفق بودہ و برای اخراج پرتگالیہا کار نمایند ، برای این مقصود
ہالندی ہا بارہا داخل مجادلہ با پرتگالیہا گردیدہ و جہازات حلیف دران مواقع بکمک ایشان نرسید .

در سنہ ۱۶۳۷ کہ معاد معاهدہ مذکور باختتام رسید ہالندی ہا بقوہ خود متکی شدہ شدت تمام با
پرتگالیہا درآویختند و نادر ایشان را کہ در ہندوسیلون و ملایاداشتند تصرف کردہ و بہ نقوذ آنها
خاتمہ دادند .

در سنہ ۱۶۷۲ بین ہالند و انگلیس جنگ بوقوع پیوست اما در سنہ ۱۶۷۴ معاهدہ بین دولتین امضاء
یافت و انگلیسہا از جزائر شرق الہند صرف نظر نمودند .

در سنہ ۱۶۷۴ تا سنہ ۱۷۴۹ اقتدار ہالندیہا در جزائر شرق الہند بدرجہ منتہائی بود و با اہالی بومی
شدت رفتار نمودہ و ایشان را را مانند عبد استعمال می نمودند ، اہالی ازین رویہ بستوہ آمدہ بار ہا برای

نجات خود قیام نمودند اما چون قوای بری و بحری هالندیها قوی بود ایشان موفق شده نتوانستند و از پیش بیش مظالم بالای شان اجرا کرده مردها را قتل می نمودند و زنان را برای تمتع گرفته مایملک ایشانرا نیز ضبط می کردند .

شرکت هالندی از منافع غیر صحیح که بذرائع تشدد حاصل میکرد به سهم داران شرکت پول زیاد میدادند بعد از سنه ۱۷۴۹ هالندی ها در جزائر شرق الهند از باعث سوء اداره و تشدد بیجا و نقص تجارقی و تقلبات مامورین رو به انحطاط گذاشت ، و افواج بقدر کفایت نتوانستند نگهدارند و بنادریکه اموال تجارقی از آنجا ها صادر می گردید نیز به سبب عدم محافظین قاچاقیان بکثرت اموال را می گذشتا نند و باین واسطه در انحصار تجارقی ضرر کبی متوجه شرکت گردید ، از دیگر طرف دزدان بحری و بری نیز جسارت یافته محل امنیت گردیدند . در آخر شرکت مجبور گردیده رجوع بحکومت نمود و حکومت هالند در سال ۱۷۹۸ شرکت را برطرف کرد و در سنه ۱۸۰۳ حکومت هالند اصلاحات جزائر شرق الهند را تجویز نمودند ، اما بواسطه جنگ ناپولیون و مفتوح شدن بدست او جزائر شرق الهند به فرانسه تعلق گرفته و از طرف دولت مشارالیه مامور فرانسوی در آنجا اغرام و اصلاحات را بروی کار آورد .

در سنه ۱۸۱۰ انگلیسها که با فرانس مشغول زد و خورد بودند جهازات جنگی خود را از هند بجزایر شرق الهند فرستاده جاوا و بعضی جزائر دیگر را متصرف شدند در سنه ۱۸۱۴ بموجب معاهده (ویانا) جزائر مفتوحه دوباره به هالند داده شد هالندیها از سنه ۱۸۳۰ باصلاحات شروع نموده و از دیگر جانب باروئسای جزائر یکی بعد دیگر داخل جنگ شده حصص باقیاننده را نیز بتصرف خود در آوردند .

در سنه ۱۸۷۳ هالندیها جنگ می ساله را با چین شروع نمودند و در نتیجه سماغارا را تصرف شده بعد در سنه ۱۸۷۴ لبوک را نیز گرفتند . در سنه ۱۹۰۸ با پرتگال جزیره تیمور را تقسیم نمودند .

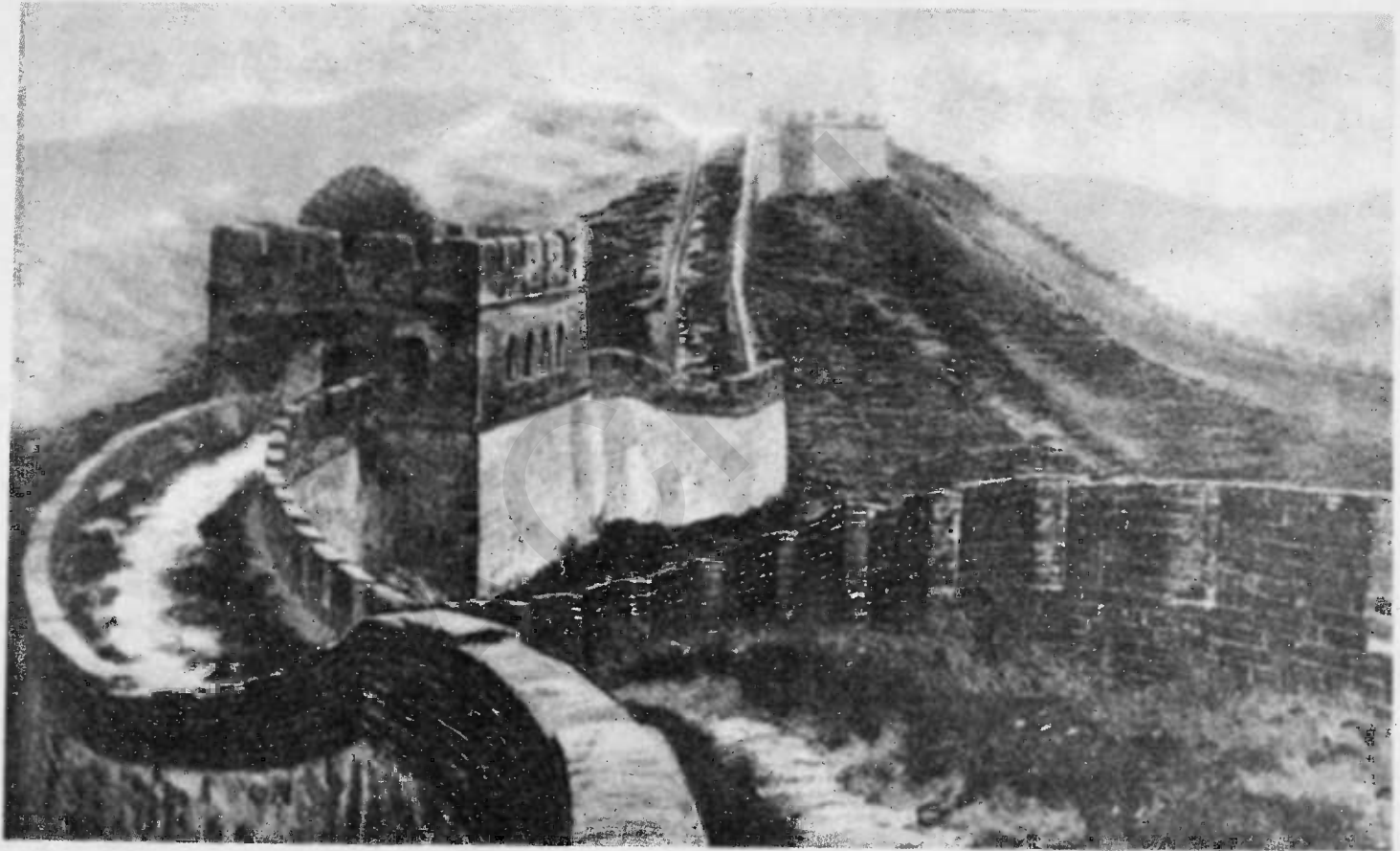
اکنون از جمله جزائر شرق الهند جزائر فلپائن با امریکه و حصه مشرق جزیره تیمور به پرتگال و حصه شمالی بورنیو به برطانیه و باقی تمام جزائر به هالند تعلق دارد .

چین

مملکت چین که یکی از بزرگترین ممالک عالم میباشد در قسمت شرق ایشیا واقع شده ساحه آن باستثنای روس ایشیائی از براعظم اروپا متجاوز است و ساکنین آن قطعه ربع نفوس دنیا را تشکیل میدهد دراز منة قدیم این مملکت رقبه بزرگی را حاوی بود ولی بحرورایام بواسطه اختلافات و کشمکش های داخلی و خارجی بعضی ایالات آن از ان مجرا شد و عظمت آن کاسته گردید ، اقوام و طوائفیکه درین سرزمین آبادند بطور یقین گفته نمیتوانیم که مسکن اصلی آن ها کجا و از کدام نسلند . لیکن نظر به شکل و صورت و تدقیقات علمی که بعمل آمده منسوب به نژاد زرد می شوند . بهر صورت یکی از قدیم ترین ملل دنیا بوده در تهذیب و تمدن جداگانه خود از سایر ممالک عالم مخصوصاً اروپاییها سبقت کاملی جسته بودند .

اختراعات و ایجادات که بیادگار گذاشته اند عبارت از کاغذ و باروت سازی ، پارچه های نخی و ابریشمی نقاشی ، معماری ، حجاری ، قطب نما و غیره میباشد که برقدامت تهذیب آن ها دلالت میکند . اول پادشاه تاریخیکه در مملکت مذکور بوده فوهی است و زمان زندگی او در سنه ۳۴۶۸ قبل المیلاد ضبط نموده اند و بعضی مورخین چینی او را از درجه انسانی بلند تر تصور کرده اند . لکن مورخ مشهور چینی سی ماتسین Seima Tsien هو انگکی را در ۲۶۹۸ ق م امپراطور مشهور تاریخی دانسته و ابتدای تاریخ چین را از او میگیرد ، این شخص حدود

سالنامه « کابل »



دیوار چین در دره ناکاو

مملکت را توسیع بخشید زیرا که قبل از وی حدود مملکت محدود با راضی رود زرد بود و بار اول با اقوام وحشی ها که در شمال حکومت داشتند مبارزه نموده آن را مضحل ساخت .

هوانگ تی را معمار اول مملکت چین نیز میدانند و میگویند بعضی خانهها و شهرها را ساخته معبدی را تعمیر نمود و تقویم چینی را بروی کار آورد و تجارت را ترقی داد و عیال اوسی لنگک پارچه بافی را اختراع نموده بعد کمی تهاجمات مهن ها و انقلابات داخلی تاریخ این مملکت را تیره ساخته و اهالی آنرا بطرف سه روزی و تیره بختی می کشاند چه مهن ها که بطرف شمال این قطعه بزرگ زندگی میکردند یک قوم شجیع و جنگجوی بوده و هر طرف را مورد تاخت و تاز خویش قرار میدادند خصوصاً سکنه جنوبی که مردمان حلیم و برده باری بودند حملات شدید آن ها را همواره متحمل می شدند ولی مجبوراً برای مدافعه از تهاجمات آنها در صدد افتادند که یک سد بزرگی را بمقابل ایشان بنا نمایند لهذا دیوار عظیمی را که دارای دو هزار میل طول است تعمیر نمودند و امروز یکی از عجایب عجایبات هفت گانه عالم بشمار میرود .

اختلاف طوائف و شورشهای داخلی خاندانهای زیادی را در چین بوجود آورد لکن هر کدام بنوبه خود بعد از عرصه منقرض گردیدند و از آن جمله بعضی که شهرتی داشتند بنام مینگاریم :

خاندان هسیا (Hsia) ۲۲۰۰-۱۷۶۶ ق م . خاندان شنک (Shung) خاندان چو (Chau)
 خاندان تسین (Tsin) ۲۴۹-۲۱۰ ق م خاندان هان (Han) خاندان وی (Wei) خاندان سوی (Suy)
 خاندان تانگ (Tang) نسبتاً از بین آنها شهرتی که حاصل نموده همان خاندان هان است
 ۳۲ امپراطور داشتند زیرا که یکی از شاهان آن موسوم به هوئی تی (Huiti) از ۱۹۴ تا ۱۷۹ ق م است
 این شاه علوم و ادبیات را ترقی داد و کتی را که در ایام شورشها از دست رفته بود دوباره جمع نموده
 بعد از مدت مدیدی امنیت را سر تا سر در مملکت قائم کرد . تهاجمات هن ها را رد نموده
 خیال تسخیر هند را در دماغ داشت حتی چند نفر را محض برای کشف راهها فرستاد و تاحدی معلومات
 حاصل نمود ولی بکام خویش نرسیده پدرود حبات گفت بعد از آن ووتی (Wuti) ۱۶۵-۸۶ ق م
 زمام حکومت را بدست گرفته هن ها را که همیشه باعث خرابی مملکت و امنیت حکومت آنها بوده
 ضرب شدیدی رسانید - ترکستان شرقی را فتح کرده با ایران و روم تجارت را شروع نموده اصول تیولیت را
 از بین برداشته مملکت را در سیزده نایب الحکومگی تقسیم کرد پس از مرگ ووتی لیو سیو Wuti Liu Siu
 که یکی از شهزادگان خاندان هان بود امپراطور منتخب گردیده لقب کوانگ ووتی را اختیار کرد این شخص
 را بانی خاندان هان شرقی میدانند . خاندان هان خصوصاً هان شرقی را اول خاندان ملی چین نامیده اند و یکی از
 خاندان های بزرگ و قوی آن قطعه می باشد ملت چین این خاندان را بنظر عزت میدیدند و الحال چینی ها
 خصوصاً چینی های شمالی تا امروزه روز خود را از اولاد این خاندان می شمارند و بران فخر میکنند .

درینوقت چین از هرگونه ترقیات حاصل نموده تجارت آن در تمام مملکت بسط یافت و مردمان مذهب بروی
 کار بودند مناصب آعلی را بقرار لیاقت باشخاص میسر کردند اتحاد کاملی سر تا سر چین را فرا گرفت وحدت
 ملی به تکمیل رسید .

بعد از سقوط خاندان هان (در ۲۲۰ میلادی) در چین نفاق و شقای و خانه جنگی و بدامنی تا ۳۵۰ سال
 دوام نموده چین جنوبی با چین شمالی محاربات داشت حتی خاندان سوئی (۵۸۹ - ۶۱۸ میلادی) کل چین را
 متحد ساخت - در عهد سلطنت دودمان تانگ (۶۱۸ - ۹۰۷ میلادی) سلطنت چین وسعت زیاد را صاحب شده
 ترکستان، کوریا، هند شمال غربی و تبت در حدود آن درآمد - ایرانیها در عهد همین شهنشاهان تانگ خلاف
 مسلمانهای عرب امداد و معاونت خواسته بودند -

از ۹۰۷ - الی ۹۶۰ میلادی پنج خاندان دیگر حکمرانی کردند - و سلاله سونگ از ۹۶۰ الی ۱۲۸۰
 دوام نمود، درین عصر مصوری و معارف چین ترقی زیاد نموده بود .

قدیمترین مذهب چینی ها تا حدیکه تاریخ معلومات میدهد پرستش خدای واحد بود اما بطریق بسیار ساده و از باعث کم عقلی و نادانی خود چیزهای عجیب و غریب را بآن مخلوط می ساختند و رفته رفته این مذهب مبدل به پرستش قوای طبیعیه گردیده علاوه از پرستش آفتاب و مهتاب و ستارگان تماماً هم پرستی لکن بعد از چندی که کون فی سش فیاسوف چینی پیدا شد مذهب او را قبول نمودند و بعد در ۶۵ میلادی مذهب بدها از هند داخل چین شد و الحال یک عده کثیر چینی ها پیرو این مذهب میباشند بر علاوه از مذاهب فوق یک عده قابل ذکر چینی ها مسلمان میباشند در اوایل قرن دوازدهم و ابتدای قرن سیزده میلادی از تراد مغول اشخاص در چین بوجود آمد که شرق و غرب را مترازل ساخته سیلاب فتوحات آنها سر تا سر مشرق زمین را فرا گرفت. و هر یک از آنها در ایام ترك تازی و کشور کشائی خویش مدینت های صد ساله را خراب نموده بلاد قشنگ را طعمه آتش نمودند و اکثر سلاطین و امرارا از یا در انداختند و علاوه آن صدها هزار نفوس بیچاره را مقتول، علوم و فنون بر باد، و ثروت عمومی تاراج گردید. یکی از این اشخاص سردار طائفه مغول چنگیز خان بود که در ابتدای قرن سیزدهم گوشه شمال غربی چین را میدان تاخت و تاز ساخته در عرصه کمی فتوحات وسیعه نمود و شاه چین هر قدر جلو گیری کرد ممکن نشد و قریب بود که خودش ناکام شود فوراً معاهده صلح را امضاء نموده سالانه یک رقم گزاف را بطور خراج قبول کرد نمود. چنگیز خان در یکی از جنگهای خویش بمقام چین خاص (۱۲۱۳) در ایالت شان تنگ (۹۰۰۰۰) نفر را بقتل رسانید شخص دیگر از این خاندان قوبلائی خان است که در ۱۲۵۹ بسلطنت رسیده مملکت مغول را ترقیات زیادی داده وسعت آنرا بدرجه انتهای رسانید چنانچه از بحر منجمد شمالی تا آبهای ملاکا شمالاً جنوباً و باستانی هند و عرب و حصه غربی آسیا تاجدار کل شرق گردید مدت بیست سال با سنگ ها زد و خورد نموده خاندان آنها را که ۳۲۰ سال دوام نموده بود بختامه رسانید و در ۱۲۸۰ قوبلائی خان اعلان امپراطوری نموده لقب شت سورا اختیار کرد و خاندان او موسوم به یوین Yuen گشت این شخص شهر بیکن را بنا کرد پای تخت را آنجا نقل داد این شوکت و عظمت مغول ها تا عرصه تخمیناً پنجاه سال دوام نمود سپس بار دیگر انقلابات داخلی و بی اتفاق ها در مملکت چین بروز نموده خاندان مغول منقرض میگردد، بعد از سقوط سلاله مغلی خاندان مینگ که خالصاً چینی بودند شهنشاهان چین شدند. در عهد این دودمان تا به جاوا و سیلون لشکر کشی شد، نام در حدود سلطنت چینی داخل گردید، جهاز رانان چینی تا به خلیج فارس رسیده بودند. خاندان مینگ از ۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ میلادی دوام نمود.

مانچو ها از شمال مشرق چین حمله آورده بیکن را اشغال کردند در سنه ۱۶۴۴ تا ۱۵۰۰ سال حکمرانان لایق سلطنت کردند اما بعد از آن دوره جهالت و لاعلمی شروع شده حکومت صدمات شدیدی را متحمل میشود.

درین دوره اشخاص مدبر و عالم در چین یافت نمیشد و یا اگر پیدا می شد بمقابل میلیون ها نفوس بی علم کاری کرده نمیتوانستند علاوه بر آن بعضی دسته های مردم از کثرت پریشانی مجبوراً دائمی برای صید روزی باز نموده هزارها نفوس ساده و بیچاره را محض برای دستیاب نمودن لوازمات حیات خویش مبتلای او هم پرستی و اعتقادات سخیفه نموده از جادهای تهذیب و تمدن بجاهد کفالت و نادانی سوق میدادند بر علاوه آن کثرت استعمال افیون کاملاً آنها را ضعیف النفس ساخته و سبب آن مداخلت انگلیسها بوده زیرا که از موقع استفاده نموده یک مقدار زیاد تریاک را برای فروش داخل مملکت آنها می نمودند هر قدر حکومت عاجز چین انکار میکرد تشدد انگلیسها بمقابل زیاد شده میرفت در نتیجه دو جنگ در بین آنها بمسئله تریاک بوقوع پیوست که کاملاً بفتح انگلیسا انجامید محاربه ۱۸۹۴ با جاپان و از دست دادن کوریا و شورش باکسر ۱۹۰۵ - ۱۹۰۱ و حقوق حاصل نمودن اروپائیان در بنادر تجاری دلالت بر ضعف آنها میکند.

بواسطه این غفلت و نادانی حکمداران و تجاوزات اجانب در هر گوشه ملک دسته های خفیه تشکیل گردیده و برای حکومت جمهوری اقدام نمودند زیرا که وطن پرستان ترسیدند که اجانب امروز و فردا چین

را غصب نمود اهالی را محکوم و مغلوب خواهند ساخت اما بد بختانه ازین جد و جهد وطن پرستان برای چین فائده نرسید. در ۱۹۱۲ میلادی سلطنت به جمهوریت تبدیل شد. و اولین رئیس جمهور چین «یو آن شی کائی» منتخب گردید.

در اثنای جنگ عمومی اتحادیون یعنی برطانیه، فرانس، جاپان و غیره چین را مجبور کردند که بر علیه جرمی اعلان حرب نماید. یک حزب برخلاف اعلان حرب و دیگری موافقت نمود در نتیجه مخالفت رای خانه جنگیها پیا شد. بعد از اختتام حرب عمومی در چین وطن پرستان و کمونست ها و اعتدال پسند ها و غیره حزبها بوجود آمده شدیداً چین مبتلای خانه جنگی و بدامنی گردید بالاخره در سنه ۱۹۲۸ وطن پرستان از نانکن خر و ج نموده کل چین را تصرف نمودند. لیکن مقبوضات چین یعنی منگولیا، مانچوریا، ترکستان چینی و تبت عملاً از حدود چین خارج گردید، جاپان در سنه ۱۹۳۳ با چین جنگ و مانچوریا را مجزا نموده در آن «یوئی» (آخرین شهنشاه مانچوری چین) را شهنشاه مانچوریا مقرر نموده اند.

چترال

ریاست چترال به انجام شرق هندوکش به سرحد شرقی فغانستان بین اسما و بدخشان و کشمیر و سوات و باجور واقع بوده مساحت آن ۱۰۰۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۸۰۰۰۰ نفر است که عموماً مسلمانان میباشند، اهالی بومی قدیم آن بنام (خو) یاد می شوند و زبان ایشان (خووار) است، اکثر اهالی موجوده از همان نژاد (خو) میباشند، ولی قوم دیگری (روناس) نام از صنجات شمالی هندوکش در این جا آمده متوطن و حاکم گردیده اند.

دو هزار سال قبل چترال یکی از مراکز مهم دین بودائی بود، چینی ها نیز بر چترال استیلا یافته و تا اواسط قرن ۱۸ مسیحی در آنجا اقتدار داشتند اما حکومت محلی بیره های چترال تعلق داشت. در ابتدای قرن ۱۸ «بابا ایوب» نام که یکی از سلاله تیموری بود از شمال پنجاب وارد این دیار شد بعد از آنکه نسل میرهای اصلی چترال منقطع گردید، «مخترم شاه» که از اولاده «ایوب» بود مملکت را از تسلط و استیلا چینی نجات بخشیده زمام امور را مالک و خود را مهتر اعلان نمود، امروز مهتری چترال بخانواده مشارالیه نسل بعد نسل باقی مانده است.

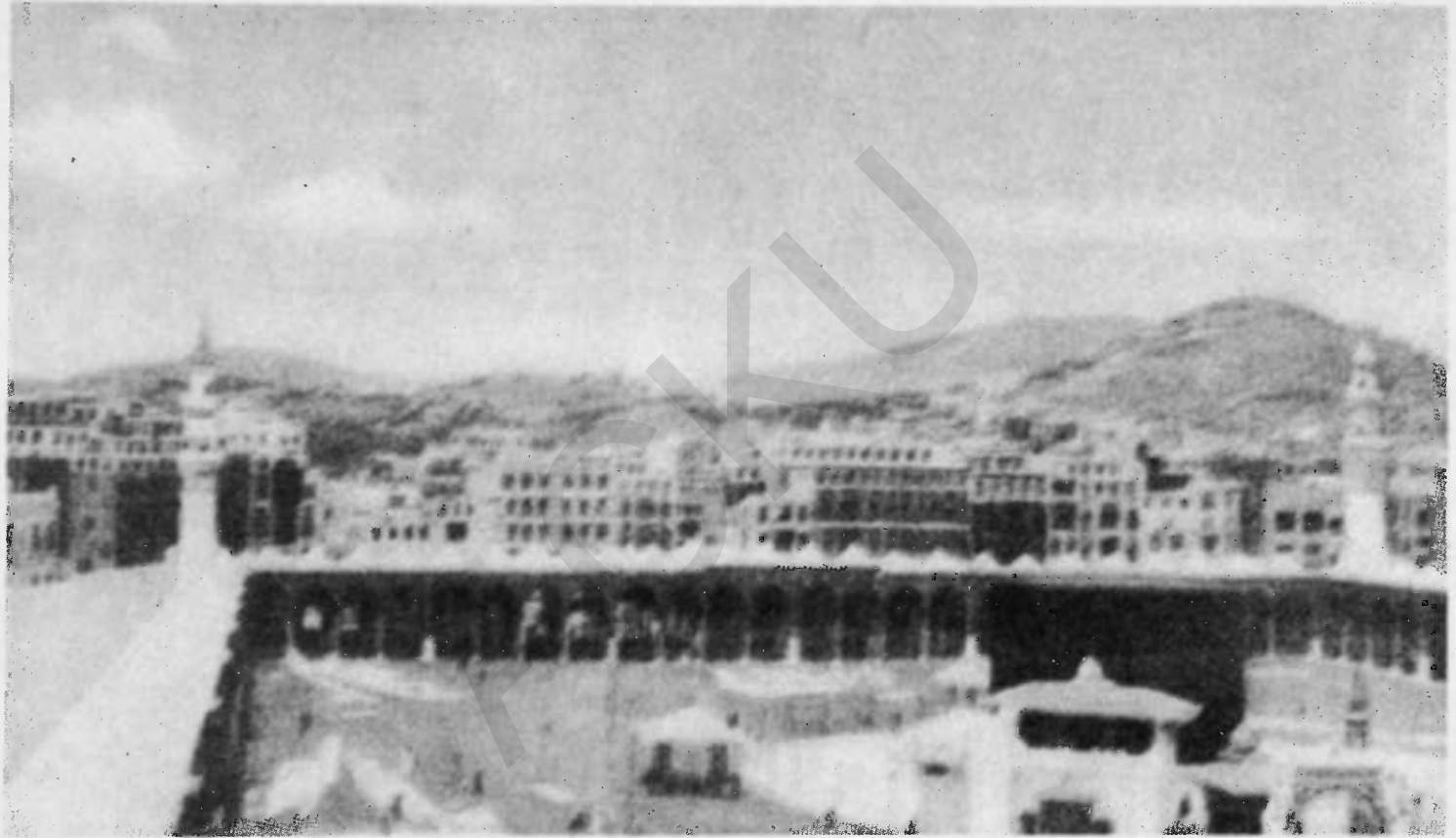
در سنه ۱۸۷۶ مسیحی «مهتر امان الملک» تحت الحما یگی مهاراجای کشمیر را قبول نمود، بعد از وفات او در سنه ۱۸۹۲ م - ۳ سال در خانواده مذکور تفاق دوام داشت «عمر خان» خان چندول ازین تفاق استفاده برده بسیاری حصص چترال را تصاحب نمود. بالاخره «شجاع الملک» بمعاونت افواج انگلیسی در سال ۱۸۹۵ میلادی بر حکومت قابض گردیده تاکنون به مهتری چترال برقرار است. مرکز چترال نیز چترال نام دارد.

حجاز

سرزمین مقدسیست برای اسلام که در شمال آن ماورای اردن، در مشرق آن نجد و در جنوب آن علاقه عسیر و تهامه و در غرب آن بحیره قزم واقع است مساحت آن ۲۶۰۰۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن بالغ بر ۱۰۰۰۰۰۰ نفری باشد. باشندگان حجاز، عرب اما در شهر مکه معظمه و مدینه منوره و جده مسلمانهای خارج از قطعات مختلفه دنیا نیز آمده توطن گردیده اند.

حضرت ابراهیم علیه السلام در سنه ۱۹۲۱ ق، م در شهر «اور» نزدیک (بابل) تبلیغ توحید باری تعالی را

سالنامه « کابل »



بيت الله شريف منظره دور نهایی شهر مکه معظمه و حرم مبارك

آغاز فرموده اند - بعد بحکم خدای تعالی حرم محترم خود یعنی حضرت هاجر علیها السلام وفضل صغیر خود یعنی حضرت اسمعیل علیه السلام را به وادی مکه معظمه آوردند بعده ، حضرت ابراهیم علیه السلام و پس شان بحکم خدای تعالی بنای خانه کعبه را گذاشتند - بعد اولاد اسمعیل زیاد شده قبیله قریش مکه بوجود آمد اولاد اسمعیل علیه السلام را عرب عاربة میگویند .

«قصی» از اولاد حضرت اسمعین علیه السلام شهر مکه معظمه را توسیع داد ، اهالی مکه معظمه بیه تجارت مصروفیت داشتند چنانچه در تابستان بطرف شامات و در زمستان بطرف یمن اموال تجارتی خود را می بردند چون کعبه را حضرت ابراهیم و حضرت اسمعیل علیهما السلام بنا نهاده بودند لهد آنجا برای کل اهالی عرب مقام مقدس و متبرک بود و عربها از هر نقطه عربستان برای طواف می آمدند نزدیک مکه ، معظمه مسایقه بازار عکاظ سال بسال قایم میشد و عربها در آن پهلوانی شمشیر ، زنی ، اسپ دوانی ادبیات و بلاغت را میگذاشتند ابتدا خانه کعبه از الایش بت برستی پاك و منزله بوده و خدای واحد لاشریک در آن برستش میشد بعد ها افکار شرک و بت برستی در کلهها جا گرفته و بیت الله را صنمخانه ساختند چنانکه در حین بعثت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم شماره بتان که در خانه کعبه بود به ۳۶۰ میرسید .

در ایام طفولیت رسول الله صلی الله علیه وسلم (ابرهه) یکی از رؤسای پادشاه حبشه به مکه معظمه حمله آورد تا آنرا مسافرت نماید اما تمام لشکر و فیل های او باراده حضرت باری محوونا بود گردید محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم در سنه ۵۶۹ میلادی یا چهل سال پیش از سنه هجری در مکه معظمه تولد شدند این زمانی بود که عرب در ظلمت و جهالت و رسومات قبیله گرفتار بود پیغمبر ماس مشعل نور هدایت را افروخته نه فقط عرب بلکه تمام دنیا را از نور وحدانیت و اخلاق حسنه منور و روشن ساخت .

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را پیش از اعلان نبوت به لقب « امین » یادی کردند رسول الله صلی الله علیه وسلم امین ، عفیف ، صادق ، راست گو و نهایت شفیق و کریم و صاحب خلق عظیم بوده در عالم بشریت اخلاق صحیح انسانی را تعمیم می دادند . این پیغمبر اقدس و رحمت للعالمین چنان درس وحدانیت خدای تعالی و روح ایثار و قربانی را به اصحاب (رض) خود دمیده بود که آنها تا ۱۳ سال جور و جفای فوق العاده مخالفین را در مکه معظمه برداشت کردند حتی رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را اجازه هجرت از مکه معظمه دادند و در آخر خود خاتم النبیین بهر راه صدیق راسخ خود یعنی حضرت ابوبکر رض بطرف مدینه منوره هجرت فرمودند و در مدینه اول طرح مواخات را فیمابین ابصار و مهاجرین ماندند و انصار (رض) از خلق عظیم نبی آخر الزمان ص متأثر گردیده از هیچ گونه ایثار و لطف به برادران مهاجر خود خود داری نکردند . مشرکین مکه قرار نه نشه و خواستند که نور خداوندی را گل کنند چنانچه به مدینه منوره حمله آوردند لیکن در سنه هجری « در غزوه بدر » هزیمت فوق العاده یافتند در سال دوم در « احد » محاربه به وقوع پیوست اگر چه مسلمانها شکست خوردند لیکن لشکر ابوسفیان از خوف مسلمانها پیشرفت نکرده پس به مکه عودت کرد ند بعد از این غزوات و سر به ها یوقوع پیوست بالاخره در سنه ۸ هجری مکه معظمه فتح شد لیکن مرکز نبوت بدستور سابق مدینه منوره ماند و تقریباً کل عرب مفتوح و داخل دایره اسلام گردید .

بعد از رحلت حضرت (رسول اکرم) صلی الله علیه وسلم در بعضی نقاط عرب ما سوای مدینه منوره و مکه معظمه اغتشاش بواسطه خروج مسیلمه کذاب پیدا شده لیکن استقلال مزاج و ثابت قدمی حضرت ابوبکر صدیق (رض) و محاربات خالد (رض) همه را رنج نمود ، پس در عهد خلافت را شده چهار یار یکبار (رض) مدینه منوره مرکز خلافت اسلامی بود . در عهد عمر فاروق رض شامات را خالد بن ولید (رض) و ایران را سعد بن وقاص (رض) و مصر را (عمر) و بن العاص (رض) فتح کرد .

بعد از شهادت حضرت عثمان (رض) خلافت اسلامی بدو مرکز قرار گرفت که حضرت علی کرم الله وجهه در مدینه منوره با مرکز خلافت می برداختند و حضرت معاویه ده شق را محل اداره خود قرار داده بودند .

بعد از استعفاءی حضرت امام حسن رض سرزمین حجاز مرکزیت خویش را باخته یکی از ایالت قلمرو خلافت بنی امیه گردید، در سنه ۶۸۰ ع حضرت معاویه رض رحلت نمودند و یزید اول متمکن تحت خلافت گردیده بنی حضرت امام حسین رض و اکثر اهالی حجاز از خلافت یزید انکار نموده بمقابل او قیام نمودند، بعد از شهادت حضرت امام حسین رض عبدالله ابن زبیر رض در سنه ۸۶۱ ع ر مکه معظمه اعلان خلافت نمودند دو سال بعد ازین واقعه افواج بنی امیه بر مدینه منوره استیلا نموده شهر مدینه را تماماً مورد یغما و تجاوز افواج خود قرار دادند، بنا بر این مسئله اهالی حجاز از سلطنت بنی امیه به تنگ آمده به خلافت عبدالله ابن زبیر تمایل خود را نشات دادند و حصص جنوبی حجاز و جزیره العرب از خطه خلافت بنی امیه منفک شده ضمیمه قلمرو خلافت عبدالله ابن زبیر که مکه مکرمه مرکز آن بود گردیده ولی در سنه ۶۹۲ ع عبدالله ابن زبیر وفات کرده بنی خطه متصرفه او دوباره بخلافت بنی امیه تعلق گرفت در سنه ۷۵۰ ع سلطنت بنی امیه منقرض شد و امور خلافت به خاندان عباسیه تعلق گرفته مرکز خلافت از دمشق به بغداد انتقال نمود.

در سنه ۱۲۵۸ م دستگاه خلافت بغداد بدست هلاکوخان چیده شده و حجاز در حدود خلافت فاطمی مصر درآمد. ترکان عثمانی در سنه ۱۵۱۷ مصر را فتح کردند و حجاز تحت تسلط خلافت سلطان ترکی قرار گرفت ترکها حکام عربی را بنام شریف حجاز مقرر کردند در آغاز قرن نوزدهم میلادی نجدیها حرمین الشریفین را اشغال نمودند سلطان ترکی والی مصر یعنی محمد علی را برای فرو نشاندن نجدیها مقرر کرد چنانچه در سنه ۱۸۱۷ ابراهیم پاشا قائد مصر آنها را شکست داده پای تخت آنها را گرفت — والی مصر تاسنه ۱۸۴۵ به حجاز حکمرانی می کرد بعد از آن سلطان والی خود را راساً از استنبول فرستاد.

چون عرب طوریکه باید و شاید تحت نفوذ و رسوخ ترکان نبود لهذا در سنه ۱۹۰۰ سلطان عبدالحمیدخان فیصله نمود که تا حجاز خط آهن تمدید شود چنانچه در سنه ۱۹۰۸ خط آهن تا مدینه رسید و عرب ها بدرستی تحت اداره خلافت ترکیه درآمد. در همین سال حسین بن علی امیر مکه مقرر شد.

در ایام جنگ عمومی جهازات انگلیس بر جده گلوله باری نموده و آنرا اشغال کردند و حسین بن علی بر علیه ترکها اقدام نموده مکه معظمه و طائف را از ترکها گرفت اما فخری پاشا تاسنه ۱۹۱۹ مدینه را مدافعه نموده و وقتیکه از استنبول برای او حکم تسلیمی رسید به شریف حسین تسلیم نمود — شریف حسین در سنه ۱۹۱۶ خود را شاه حجاز اعلان کرد و پسرش امیر فیصل در مجلس صلح (ورسای) در سنه ۱۹۱۹ از طرف شریف حسین نماینده گئی می کرد.

در اوائل سنه ۱۹۱۹ روابط شریف حسین با ابن السعود شاه نجد خراب شد و لشکر ابن سعود فوج شریف حسین را در تربه شکست داده خیبر و سیمه را اشغال کردند.

شاه حسین در سنه ۱۹۲۴ خود را خلیفه خواند تا عالم اسلام باو معاونت نماید بنا بر آن عبد العزیز ابن سعود بر علیه حجاز اعلان جنگ داده فوراً طائف را اشغال نمود. شاه حسین خود را از خلافت خلع نموده و خلافت را به پسر خود علی واگذار نمود علی مکه معظمه را تخلیه نموده بطرف جده فرار کرده به جمع آوری فوج کوشش کرد ابن سعود در ماه دسمبر سنه ۱۹۲۴ مکه معظمه را اشغال کرده بطرف جده پیشرفت نموده آنرا محاصره نمود لیکن در فتح آن کامیاب نشد اما فوج مذکور همه بنا در را گرفت و علی جده را تخلیه نمود بدین وسیله کل حجاز تحت تسلط ابن سعود آمد عبد العزیز ابن سعود در ماه جنوری سنه ۱۹۲۶ یاد شاهی خود را اعلان کرد.

بر طایفه در سنه ۱۹۲۵ قطعه عقبه و معان را اشغال نمود که بدوران جنگ عمومی بحجاز شامل شده بود در ماه مئی سنه ۱۹۲۷ فیما بین برطانیه و ابن سعود معاهده با مضا رسیده دولت برطانیه استقلال ابن سعود را تسلیم نمود و مرکز سلطنت ابن سعود ریاض می باشد و حجاز یک ایالت آن است.

حضر موت

علاقه ایست در ساحل جنوبی عرب که بین در مغرب آن و عمان در مشرق و صحرای جنوبی در شمال آن واقع است، مساحت آن ۱۵۱۵۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۲۰۰۰۰ نفر می باشد و درعلاقه حضر موت قبور حضرت هود علیه السلام و حضرت صالح علیه السلام موجود است در حضر موت ما سوای آب باران دیگر آب جاری نیست اما چاهها و چشمه ها بسیار زیاد است.

نام حضر موت بسیار قدیمی است و مورخین یونانی نام آن را بتحریف جزوی ذکر کرده اند از خرابه های وادیه های دو وان و عدیم منکشف می شود که حضر موت دراز منته قدیم تهذیب عالی و ترقی زیادی را صاحب بود. اکثر اهالی اخلاف قحطان می باشند عده زیادی از سادات و بعضی مهاجرین که از شمال آمده اند و بعضی مخلوط النسل (کنیزهای حبشی و عربها) نیز می باشند.

سادات، روسای مذهبی شمرده می شوند و قبایل دیگر که یک جزء آنها چادر نشین و جزء دیگر ده نشین می باشد بدو فرقه تقسیم می شود، یکی را (قایتی) و دیگری را (کشیری) می نامند، قایتی ها را از جنوب مغرب عرب سادات خواسته بودند که آنها را از عادات بادیه نشین ها حفاظت نمایند اما حالا حکمران حقیقی مملکت شده اند و پای تخت آنها بندر (مکله) می باشد، برای رؤسای این قبیله از طرف نظام حیدرآباد دکن لقب سپه سالاری داده شده است که بانها موروثی شده است چرا که یکعده عربها در عسکر نظام داخل می باشند و کثیرها بعد از زیادی بطرف جاوا و سمراترا هجرت کرده اند و آنها هم سلطانی در حضر موت دارند اما حالا حکومت ها لندی بر توطن گزینی آنها در جزائر مذکور قیود نهاده است زیرا که این عربهای درین جزیره ها رفته خلاف حکومت نصاری هالندی سازش ها می کند.

سلطان قایتی بهلب این عواض این عمر دز سنه ۱۹۲۴ وفات کرد. اگر در حضر موت سیاحت مزید و حفاریات شود معلومات خیلی مفید تاریخی بدست خواهد آمد.

حیدرآباد دکن

حیدرآباد دکن بزرگترین و توانگرترین ریاست هند است مساحت آن ۲۱۴۱۷۹ مربع کیلومتر و نفوس آن ۴۹۳۰۰۰۰۰۰ نفر و عواید سالیانه آن (۸۳۰۰۰۰۰۰۰) سکه عثمانی حیدرآبادی باشد. تاریخ این خطه پیش از قرن ۱۸ جزو تاریخ کشور هند بوده است، بانی و موسس ریاست کنونی حیدرآباد میر قمرالدین خان پسر بزرگ غازی الدین خان فیروز جنگ است، فیروز جنگ از سپه سالارهای افواج اورنگ زیب عالمگیر بوده نسبت به شیخ شهاب الدین سهروردی و از اوبه خلیفه اول رض منتهی می شود، میر قمرالدین خان دارای القاب متعددی از قبیل چین قلیج خان فتح جنگ نظام الملک، آصف جاه بوده است، نظام الملک نخستین مرتبه در سنه ۱۷۱۲ از طرف شاه عالم اول صوبه دار یعنی والی دکن مقرر گردید و قتیکه نادر شاه افشار بر هند حمله آورد و سلطنت مرکزی مغولیه را تحت فشار گرفت نواب آصف جاه از وقت استفاده کرده حکومت دکن را عملاً مستقل نموده فرمان روائی این خطه را برای اولاد و احفاد خود بارث گذاشت. چون آصف جاه در سنه ۱۷۴۸ ترک حیات گفت در بین پسران او اختلاف و منازعه برخاست و ضمناً تجار انگلیس، فرانس هم بکمک کردن با منازعین دامن زن نائزه نزاع در بین آنها گردیدند بالاخره پسر سومین مشارالیه ملقب به صلابت جنگ به پشت گرمی امداد فرانسه بر دیگر برادران غالب آمده جانشین پدر گردید ولی در عهد حکومت او علاقه های وسیع قلمرو او را طائفه مهراته تصرف کردند در سنه ۱۷۶۱ برادر کوچک او نظام علی خان بر علیه صلابت جنگ برخاست

و او را از سلطنت خلع نموده خود وارث تخت و تاج پدر گردیده و بمدافعه طائفه مهراته نیز قیام نموده علاقه های از دست رفته خود را از غنیم استرداد نمود در سنه ۱۷۶۸ کپنی ایست اندیای انگلیس علاقه سرکار شمالی را در عوض (۹۰۰.۰۰۰) کلدان سالانه بطور پیشکش و فراهم آوردن عده از عسکر هنگام ضرورت با هم مقابله نموده و درین خصوص فرمانی نیز از نظام علی خان بدست آوردند.

در سنه ۱۷۹۵ هنگام محاربه نظام با طائفه مهراته فوج انگلیس از ایفای خدمت انکار نمودند بنا برین تخلف، نظام بانفری خود شکست یافته و علاقه دولت آباد که سالیانه می و پنج لک کلدان عایدات و مالیه او بود از قلمرو نظام جدا شده به تصرف مردم مهراته در آمد بعد ازین واقعه مقابله نامه قبل را با انگلیسها فسخ نموده و فرانسویها را برای تعلیم و تربیه افواج خود استخدام نمود و بعدها در بین انگلیس و فرانسه نایره جنگ مشتعل شده و بالاخره فرانسویها شکست خورده انگلیسها دوباره نفوذ و رسوخ خود را درین خطه قائم و مستحکم نمودند در سنه ۱۸۰۳ نظام علی خان ترك زندگی نموده و پسر بزرگ او، سکندر جانشین پدر گردید و علاقه برار را که قبلاً مردم مهراته تصرف کرده بودند دوباره بدست آورد در سنه ۱۸۲۴ اخر اچ و مالیه علاقه سرکار شمالی را به انگلیسها گذاشت و در سنه ۱۸۲۹ از دینار حلت نموده و ناصرالدوله پسر بزرگ او نظام دکن مقرر گردیده اداره و انتظام علاقه برار و رای چور را به انگلیسها واگذار نمود بشرطیکه از عایدات سالیانه آن تنخواه سپاه و قشون را تادیه کرده و مابقی را واپس به نظام بسپارد در سنه ۱۸۵۷ ناصرالدوله از دنیا انتقال نموده و افضل الدوله پسر بزرگ او بجای پدر نشست در سنه ۱۸۶۰ غیر از علاقه برار تمام علاقه ها و حصص دیگر را دوباره استرداد نموده از سایر عواید و باقیات ملك صرف نظر نمود در سنه ۱۸۶۹ افضل الدین پدر و زندگی نموده محبوب علی خان پسر خورد سال او وارث پدر گردید و به نیابت او حسب وصیت پدرش سالار جنگ و شمس الامرا تعیین یافت در سنه ۱۸۸۴ دوره نیابت و وکالت او به اختتام رسیده خود محبوب علی خان مستقیماً فرمان روائی می نمود و در سنه ۱۸۹۴ قانون مشروطه را اعلام نمود در سنه ۱۹۰۰ قانون مذکور تعدیل پذیرفت و در سنه ۱۹۰۲ محبوب علیخان علاقه برار را در عوض سالانه (۲۵۰۰۰۰۰۰) کلدان بطور مستمری برای انگلیسها گذاشت و از عده سپاه خود نیز کاسته به دوازده هزار فوج شخصی قانع گردید در سنه ۱۹۱۱ طومار حیات را پیچیده و پسر بزرگ او میر عثمان علی خان جانشین و وارث پدر گردید و پسر بزرگ خود حمایت علی خان اعظم جاه را از طرف خود ولی عهد و وارث تخت تعیین نمود در سنه ۱۹۳۱ در مقام نرس دختر سلطان عبدالعزیز سلطان سابق ترکیه موسوم به (درشهور) را برای پسر بزرگ خود اعظم جاه عقد و تزویج نمود.

ساراواک

مملکتی است تحت حمایت بریطانیای کبیر که در حصه شمال شرقی جزیره بورنیو واقع است مساحت آن مساوی ۱۰۸۸۰۰ کیلومتر مربع بوده اهالی آن عبارت است از ۶۰۰.۰۰۰ نفر که اکثریه آن مسلمان میباشند و محاصیل سالیانه آن ۴۲۴۲۹۰۹ دالر است.

اصلاً مملکت ساراواک بسطان برونیک تعلق داشته در سنه ۱۸۴۲ م جیمس بروک (انگلیسی) به عوض خدمات جنگی خویش با اداره قسمتی از ملک مذکور تعیین یافت در سنه ۱۸۶۱ م جیمس مذکور قسمتی از مملکت سلطنت برونی را بحکومت خود الحاق و ضم نمود در سنه ۱۸۶۳ حکومت برطانیاستقلال آنرا شناخت و در سنه ۱۸۶۸ بروک فوت شده بعوض او برادرزاده اش سرچارلس بروک مقام او را اشغال نمود و در سنه ۱۸۸۸ م حکومت برطانیا حسب درخواست (راجاه) ساراواک را تحت حمایت خود قرارداد. در سنه ۱۹۰۴ م قسمتی از بورنیوی شمالی را بقرار معاهده به مملکت خود ملحق ساخت در سنه ۱۹۱۷ چارلس جانس نیز فوت شده پسرش به مقام او نائل آمد. در جای کنونی سرچارلس وایز بروک و مرکز حکومت شهر کوچنگ است.

سای بیریا

بدو آ در زبان روسی علاقه تاتار خان قوچوم را که برکنار دریای ایرتش (یک معاون دریای اوب) بود و کاسکها آنرا در سنه ۱۵۸۱ میلادی فتح کرده بودند می پیر میگفتند، سپس این اصطلاح به تمام علاقه جات آسیای شمالی که روس متصرف شده بود معمول گردید، نفوس سای بیریا ۸۰۰۰۰۰ تا ۲۳۸۰۰۰۰ و مساحت آن ۴۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد.

قدیم ترین باشندگان این دیار (یلنسی ها) بودند، بعد از آنها (اوگرو سمویدها) مجبور به فرار شده در قرن سوم قبل از میلاد کوههای الطائی و سلسله سیان را عبور کرده به سای بیریا داخل شدند.

اوگرو سمویدها از استعمال مضرع صنعت و زراعت باخبر بوده در صنعت آلات و زیورات، نقره و طلا مهارت بلندی داشتند نیز رقبه وسیع سای بیریا را زیر کاشت آورده بودند، می توانیم که بگوئیم که تمدن آنها نسبت به مهاجرین بعد تر بسیار بلند بود.

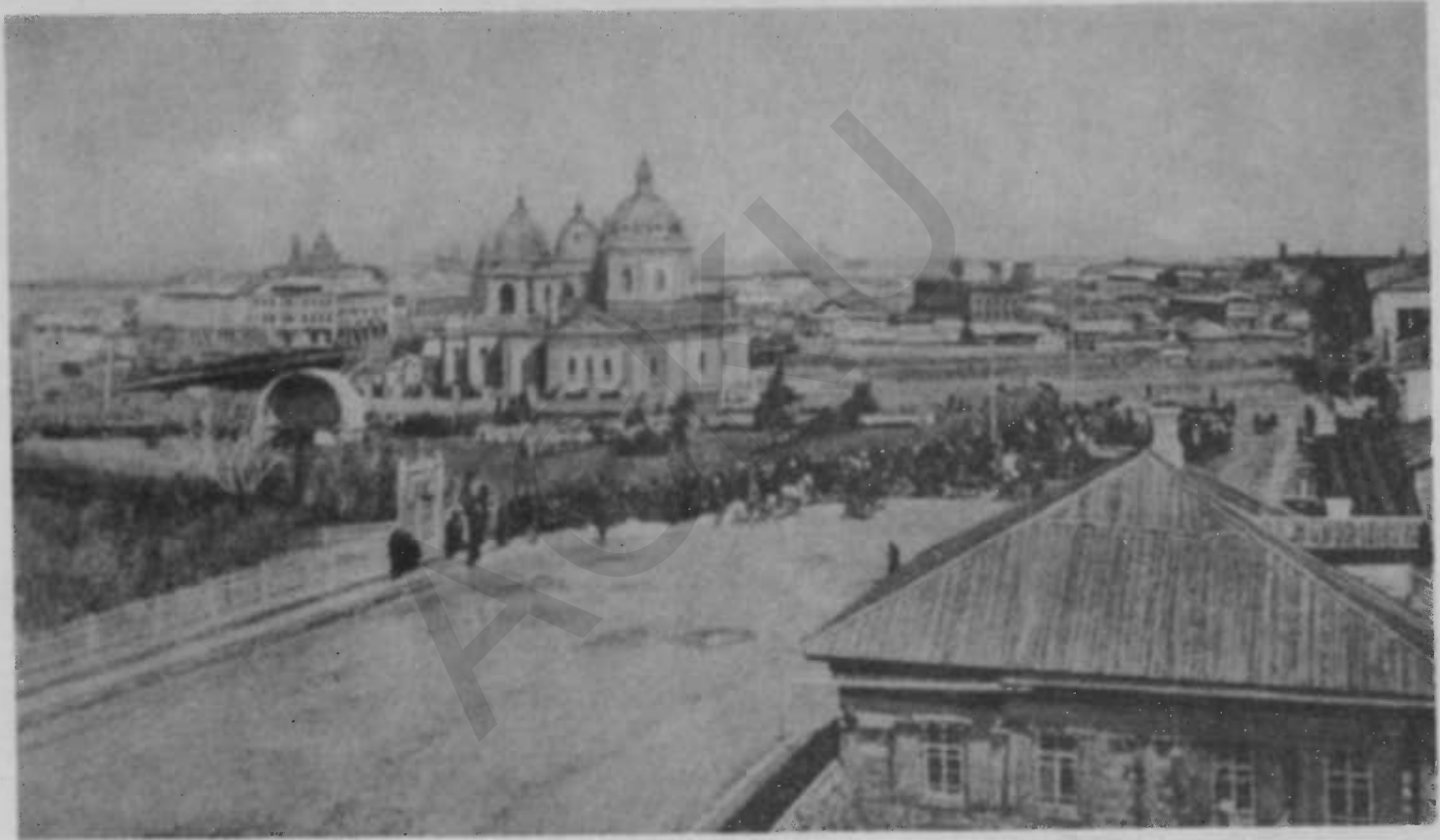
هشت قرن بعد قبیله های ترکی خاکاسها داوئی غورها از اوطان خود رانده شده و باین سرزمین رسیده اوگرو سمویدها را مغلوب نمودند، ترکها از استعمال آهن واقف بودند و صنعت آن را هنوز ترقی داده آنرا محض برای تزئین بت استعمال میکردند سلطنت ترکها تا قرن سیزدهم میلادی دوام نمود حتی مغلهای چنگیز خان را برانداختند.

در اوائل قرن شانزدهم فراریهای تاتاری از ترکستان وارد شده قبایل پراکنده سای بیریا را مغلوب و مفتوح نمودند، زارعین، چرمگرها، سوداگرها و ملاحها از ترکستان درین سرزمین وارد شدند، بعد طوائف الملوک برکنار دریای ایرتش و دریای اوبی برپا شد حتی خان ایدیکار را تحت سلطه خود آورده و با خود متحد نمودند، درین زمان روسی ها در یورال استحکامات و قشله ها را بنا کرده پیشرفت نمودند خان مذکور با آنها نبرد آزما و مغلوب شد و سفرای او در سنه ۱۵۵۵ به ماسکورفته تادیبه باج سالیانه را بدر بار ماسکو قبول نمودند یرمق رئیس قبیله کاسک در سنه ۱۵۸۰ با ۱۶۳۶ نفری خود از یورال گذشته به سای بیریا داخل شده در سال ۱۵۸۱ (الیسکا) پایتخت خان قوچوم را محاصره کرد.

یرمق در سنه ۱۵۸۴ بدریای ایرتش غرق گردید و کاسکها پس بوطن خود عودت نمودند لیکن بعد ازان شکارها و مخاطره جوها هر سال داخل سای بیریا شده رفتند و حکومت ماسکو آنها را معاونت و تحریک می نمود، این نفری بطرف جنوب یعنی ترکستان جزئه نگردید، پیشرفت خود را بطرف مشرق ادامه دادند و در همین اثنا حکومت ماسکو قلعه ها را می ساخت و مزدورها را روان میکرد به تاقشله های عسکری آذوقه و غیره بهم برسانند.

در عرصه ۸۰ سال روسی ها بدریای امور و ساحل بحر الکاهل رسیدند، البته این پیشرفت سریع از باغی بوجود آمد که تاتارها و ترکها متحد نبوده قوه مدافعه نداشتند تونگوسها در (۱۰ - ۱۶۰۷) برای حصول استقلال خود محاربات نمودند بالاخره در سنه ۱۶۲۳ مغلوب گردیدند، روسها در سنه ۱۶۳۷ به کنار دریای لئا رسیده قلعه یا کتسک را در سنه ۱۶۳۷ تعمیر نمودند و دو سال بعد آنها به بحیره اوکاتسک رسیدند - یوریا آنها تا ۱۶۴۳ با روسی ها قتل و قتل را شروع کردند بالاخره در سنه ۱۶۵۰ جرنیل روسی خابروف کنا رهای دریای اوررا در تصرف آورد تا سنه ۱۸۵۷ میلادی کاسهکای روسی و دهقانها در اطراف تمام گذرگاه دریا آباد و متوطن شدند - و حکومت چین در سنه ۱۸۵۷ و بواسطه معاهده سنه ۱۸۶۰ تسلط و استیلای روس را درین دیار تسلیم نمود.

سالنامه د کابل



شهر اوساکا

حکومت تزاری مجرین خود را در سای پیریا تبعید میکرد.

بعد از انقلاب بالشویکها در سای پیریا تحریکات خلاف بالشویکها پیدا شده و آنها را (فوج سفید) نام نهادند و افواج جاپان، فرانس، برطانیه و امریکه با آنها معاونت نمودند قائد فوج سفید جرنیل کولچک بوده تمام سای پیریا را فتح کرد اما بالاخره شکست خورده در سنه ۱۹۲۰ بدست (فوج سرخ) اسیر گردیده اعدام شد.

حال سای پیریا به چندین جمهوریتهای ساویتی منقسم است یعنی بوریات، مغل، جمهوری شرق اقصاء، قرغزستان و غیره.

سوماترا

جزیره بزرگست بجنوب جزیره نمای ملایا مساحت آن ۴۲۳۰۳۵ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۵۷۰۲۳۸ نفر است اهالی آن از نژاد ملایائی و با خون هندی و عرب امتزاج یافته و تقریباً تمام آنها مسلمان و بشجاعت و استقلال خواهی ممتاز و معروف اند.

با وجودیکه اهالی حصص جنوبی سوماترا مسلمانند باز هم در زیر نفوذ و تاثیر مراسم و عادات تاریخی ملی خود واقع گشته، یابند نسب مادری اند یعنی نسب خویش را از طرف ادرامیت داده و ارث، اناث را می شناسند نه ذکور را، به تعبیر دیگر ارث تعلق باناث گرفته اولاد ذکور از ان محروم شناخته میشوند.

در قرن اولی مسیحی اهالی هند به سوماترا رفته و در آنجا توطئه گزیده و سلطنت تاسیس نمودند این سلطنت در قرن ۷ بر تمام جزیره حاوی گردید چنانچه در قرن نهم هورخ مشهور عبدالله بن احمد بن خردادبه ندیم معتمد خلیفه متوفی عباسی (۲۸۰) ه در کتاب المسالك و الممالك و دیگر مصنفین عربی از سلطنت نظم الشان بودائی سوی و جیا که مرکز آن یالم (بانگک) است در کتب خویش ذکر نموده اند.

اگرچه سلطنت مذکور بچند حصه تقسیم شده بود اما ششصد سال بعد از ان نیز با کمال شوکت قائم بود، آثار معابد برهنی و بودائی آن تا این زمان موجود است. در قرن ۱۳ عربها بر آچین استیلا یافته و اکثر اهالی آن به مذهب اسلام مشرف شدند بعد از ان در مرور چند سال شاهان حصص دیگر نیز بدین اسلام در آمده و تقریباً تمام اهالی سوماترا، آئین اسلام را برگزیدند و تا قرن ۱۷ سلطنت های اسلامی آچین، اندر پوره دلی، یادانگ، یالم بانگک، جامبی مینانگک کابای آن کمال شوکت و عظمت را دارا بودند و از ان جمله سلطنت آچین در عهد سلطنت سکندر مودا جزیره نمای ملایا را نیز فتح نموده برتکالیها را براتب شکست و هزیمت داد بعد از ان اروپائیها قدم در آنجا نهادند در سنه ۱۵۰۹ برتگالیها تجارتخانه تاسیس نمودند، در اواخر قرن ۱۶ هالندیها، برتگالیها را رانده خودشان بجای آنها نشستند، در ابتدای قرن ۱۷ (۱۶۰۲) انگلیسها نیز به سوماترا وارد گردیدند.

بعد از ان تا سه صد سال تاریخ این مملکت را یک سلسله جنگهای مهیب و خونریزی که با هالندیها نموده اند اشغال کرده است.

در سنه ۱۶۶۴ م (اندر پوره) در سنه ۱۶۶۶ (یاوانگک) تحت نفوذ هالندیها قراد گرفت سلاطین (یالم بانگک) در سنه ۱۶۵۴ و سنه ۱۸۱۹ م هالندیهای که در آنجا نفوذ و دست پیدا کرده بودند بکلی از مملکت خویش رانند اما بالاخره در سنه ۱۸۵۱ م هالندیها قوای سلاطین را نابود ساخته بر مملکت متصرف شدند و در دلی و جامبی و مینانگک گاباوا از سبب خانه جنگیها استفاده و پیشرفت نمودند ولی رؤسای محلی ممالک مذکور تا آخر قون ۱۹ از عزم استقلال خواهی خویش نکاسته بر علیه هالندیها قیام می نمودند.

در آچین که شاهان آن از نسل عرب بودند تا سنه ۱۹۰۳ هالندیها نتوانستند به تسخیر کلی آن موفق شوند تا آنکه در سنه ۱۸۷۳ با تمام قوای خود برای استیصال آچین هله آورگشته بعد از جنگ مسلسل سی سال به صرف بیشتر از پنجاه ملیون پوند و قتل دوصد و پنجاه هزار نفوس باطفای نائره جدال کامیاب گردیدند و هر چندیکه سواحل آن کاملاً امروز مغلوب گردیده در تصرف هالندیها در آمده باشد باز هم در حصص کوهستانی مرکزی جزیره اهالی آن آزاد و در مجادله دوام داشته برای جلوگیری از پیشرفت هالندیها بواسطه مختلفه تشبث می نمایند .

سوما ترا اکنون بخصص ذیل منقسم است :

سوما ترای غربی ، تایانویلی ، سوما ترای شرقی بنکویلین ، لام پونگ ، پالام پونگ ، جامبی ، آته جه ،

سیام

مملکت مستقل سیام در وسط جزیره نمای هند چینی واقع است ، مساحت آن عبارت از ۵۱۸۱۶۲ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۲۳۵۰۰۰ نفر میباشد . اهالی آن از اقوام شان و لاؤ و سیامی مرکب اند و بطور مجموعی ملت خود را بنام تهائی (احرار) و مملکت را بنام موآننگ تهائی یعنی احرارستان یاد میکنند .

تاریخ قدیم این مملکت از روایات و افسانه هائی مملوست که اکثر آن از درجه اعتبار ساقط است مثلاً ملت خود را از اولاد رفقای بودا میگویند و هزارات خوارق آنها را در کتب خود ذکر نموده اند - اولین تاریخیکه به صحت تعیین میتوان کرد تاسیس شهر لام یون در سنه ۵۷۵ م می باشد بعد از آن تا سنه ۱۲۵۰ که قبائل لاؤ تائی راقبلاتی خان امپراطور چین از ولایات جنوبی چین کاملاً خارج نمود جنگهای داخلی و خارجی جاری بود که در اثر آن تا سنه ۱۲۸۰ تمام هند چینی از دریای میکانگ در شرق تا پیچا بوری ، در غرب تا ساحل بجز و انجام جزیره نمای ملایا بطرف جنوب در تصرف اقوام تهائی درآمد و آنها با هم اختلاط و امتزاج کلی یافتند - زبان سیامی و رسم الخط مخصوص آن در همین ادوار تشکیل یافت - چنانچه در مقام سوختائی که در آن زمان یای نخت راما کام هنگک شاه سیام بود به کتیبه مورخه سنه ۱۲۴۴ در این زمان موجود است و حدود مملکت را نشان میدهد .

چون مملکت وسعت یافت مرکز حکومت از سوختائی به (ناخون سوان) و از آنجا به (کام نیکیت) و باز به (سوارتابومی) منتقل شد و بالاخره در سنه ۱۳۵۰ (فواما تبودی) بعد از فتح شهر (سانو) شهر جدیدی بنام (ایودھیا) در آن مقام بنا نمود و جزوی از ولایت برمای حالیه و کمبودیا را به تصرف خود آورد - حکومت خانواده این شاه تا چهار صد سال دیگر دوام کرد و درین زمان تمام کمبودیا ضمیمه دولت سیام گردید .

در قرنهای یازدهم و شانزدهم مسیحی اهالی برما بر سیام هجوم آوردند و در حدود سنه ۱۵۵۵ یای تخت ایودھیا را فتح نموده سیام را به حکومت خود الحاق نمودند ولی چند سال بعد فراناریت اهالی برما را از ملک خود خارج و سلطنت خانواده خود را دو باره قائم کرد بلکه اکثر حصص مملکت برما را هم متصرف گردید .

بالاخره در سنه ۱۷۶۷ شهر (ایودھیا) بعد از محاصره دو ساله بدست اهالی برما مفتوح و مسخر گردید . بعد از آن جرنیل سیامی (فایا تاخ سین) نام مملکت خود را از فاتحین خارجی نجات داده شهر بنگاگه را پای تخت خود قرار داد - چند سال بعد دیوانه شد و دعوی الوهیت نمود و بعوض او (فایا چکری) بانی خاندان شاهانه حالیه در (۱۸۷۲) بر تخت نشست در عهد شاهان این سلاله بنا بر مسائل سرحدی بارها بافرانس

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

که حصص شرق هند چینی را تحت حمایت خود گرفته بود جنگ شد و بکمر تبه جهازات جنگی فرانسوی به بنگاک رسیدند .

بالاخره در سنه ۱۸۹۶ معاهدات راجع با استقلال سیام و حدود آن سلطنت دولتین برطانیه و فرانسه بام منعقد نمودند ولی بعد از آن بواسطه انقاع کابینتولیسونها چهار ریاست ملایا برای انگلیس و بعضی قطعات غرب به فرانسه واگذار گردید .

(فرا برآجادهی یوک هفتم) پادشاه سلاله (چکری) در سنه ۱۹۲۶ بر تخت نشست و بتاريخ ۲۴ جون ۱۹۳۲ مشروطیت را قبول و اعلان نمود .

این دولت از ابتدا با چین و هند و دول همسایه خود روابط داشت -
مراودات خارجه : در ابتدای قرن (۱۶) اهالی پرتگال با شاهان این مملکت روابط سیاسی و اتحادی پیدا کردند و در اواخر همین قرن جای آنها نیز داخل مراودات شدند در قرن هفده اهالی هالیند و فرانسه و برطانیه نیز باب مراوده را مفتوح نمودند .

در سنه ۱۸۲۶ با برطانیه ، در سنه ۱۸۳۳ با امریکه ، در سنه ۱۸۹۸ با جاپان ، در سنه ۱۸۹۹ با روس در سنه ۱۹۲۰ با جاهر متحده امریکه در ۱۹۲۴ با جاپان در سنه ۱۹۲۶ با دنمارک فرانسه ، هالیند و پرتگال و هسپانیه و سویدن و در سنه ۱۹۲۷ با ناروی و ایتالیه و بلجیم و لکسمبورگ و در سنه ۱۹۲۸ با جرمنی و در سنه ۱۹۳۱ با سوئزرلیند معاهدات نمود .

سیلون

جزیره بزرگست که در منتهای جنوبی هندوستان واقع بوده و از مستملکه برطانیه میباشد مساحت آن ۶۵۶۰۸ مربع میل و نفوس آن تخمیناً ۸۷۱۳۰۶ نفر است اهالی آن کما بیش از هفتاد قوم مخلوط بوده و از انجمله به تعداد ۳۱۰۰۰۰ نفر مسلمان هستند و عده (سین هالی)ها از همه بیشتر است بوداییها به تعداد ۲۷۶۹۸۰۵ و هندوها ۹۸۲۰۷۳ و نصاری ۴۴۳۴۰۰ نفر میباشد .

بودائیت در قرن سوم قبل از میلاد در سیلون داخل شده بود .

در ادبیات برهمنی ها جزیره سیلون (لنکا) بود و یونانیها و رومیها آنرا (تاپروبین) میخواندند و ملاحین و سوداگران مسلمان آنرا سراندیپ گفتند پورتگیزیها آنرا زیلون نامیدند که نام امروز سیلون از همین اسم مشتق است .

بومیان قدیم جزیره سیلون به (وداهیا) موسوم و حال عده و دهیا فقط تخمیناً چهار هزار است .

در کتاب رزمی هندوها موسوم به راماین مذکور است که راون پادشاه لنکا زوجه رام چندر یعنی سیتارا به جبر برده بود ، لهذا رام چندر با فوج خود یل آدم را عبور کرده لنکا را مفتوح و راون را به قتل رسانید .

جزیره سیلون تاریخ قدیمی دارد که نام آن مهاونسه یعنی (شجره نسب بزرگها) میباشد این تاریخ حاکیست که در سنه ۵۰۴ ق م (و جایه) اولین شاه سینهای همراه تابعین آریائی خود از خلیج بنگال سفر کرده به جزیره فرود آمد و پادشاه کل جزیره شد و بایک خاتم بومی از دواج نمود سینهای ها در شمال

سالنامه د کابل



یکی از مناظر سیلون

(دمبوله) که يك ساحه وسیع و هموار است آباد شده و بواسطه بهترین وسله های آبرسانی عالم بشر اراضی آنجا را قابل زراعت و کاشت ساختند - نام قدیمی این خطه بی هیتی و قدیمترین پایتخت شاهان سینهالی (را جارتی) بود، بعد (انورد پوره) را پایتخت خود قرارداد و تا زمانه طولی سلطنت کردند، در سنه ۳۰۷ ق. م (ماهنده) قشیش بودائی بهمهراه يك پسر راجه اشوک به جزیره وارد شده به تبلیغ بودائیت پرداخت و سپس بودائیت در تمام جزیره تدریجاً نشر شد.

وقتا فوقتاً حمله آوران از هند جنوبی به سیلون حمله آورده حصه شمالی و مرکزی آنرا فتح میکردند حتی از قوم تامل شخصی (ایلاله) نام تحت آنورد پوره را تصرف نمود لیکن يك پهلوان سینهالی (دونی گیمونو) نام (۱۹۰ ق. م) آنرا کشته حکومت سینهالی را مجدداً زنده ساخت.

در سنه ۲۷۵ میلادی يك مبلغ مسیحی به جزیره رسیده تبلیغ دین مسیح را آغاز نمود بهرحال تاریخ سیلون در عهد شاهان سینهالی يك تاریخ خانه جنگی ها و زمانه امن و آرامی و حملات پادشاهان و عساکر هند جنوبی است - شاهان بی هیتی یعنی (لنکای شمالی) و رؤسای (روهونه) و (مایارته) « قطعات جنوب لنکا » مابین خود محاربات داشتند بالاخره (پروگرام باهو) در سنه ۱۱۵۳ میلادی تاج بی هیتی را بر سر نهاده روهونه و غیره را فتح کرده در سنه ۱۱۵۵ میلادی پادشاه کل لنکا شده اقتدار و وفار سینهالیها را زنده ساخت، این پادشاه به پیگو (در برما) و هند جنوبی حمله برده بود اگرچه عهد او را (زمانه طلایی لنکا) می نامند لیکن لشکر کشی و عاید نمودن محصول کزاف او با اقتصادیات مملکت صدمه بزرگ رسانیده و اهالی را به خوردن سبزی جات مجبور و قتل حیوانات را خیانت بزرگی قرارداد داده بود.

در سنه ۱۴۰۸ شاه (و جاپه باهوی چهارم) سفر چینی را اهانت نموده بود بنا بران عسکر چینی برای انتقام به سیلون حمله آورده پادشاه را اسیر و به چین بردند و تا سی سال جزیره سیلون با جگندار چین بود (تاریخ چین رجوع شود).

وقتیکه پرتگالیها تحت سرکردگی (فرانسکو دوالمیده) در سنه ۱۵۰۵ به جزیره رسیدند هفت پادشاه مستقلاً سلطنت میکردند و با یکدیگر دشمنی و محاربات داشتند در سنه ۱۵۱۷ پرتگیزیها در کولبو با اجازه پادشاه کوته قلعه را تعمیر نمودند و آنها به تبلیغ دین مسیحی سعی بلیغ میکردند و ماهیگیران سینهالی مسیحیت را اختیار کردند چنانچه درین روزها عده مسیحیون لنکا بالغ به (۴۵۰) هزار و منجمه آنها ۹۵ فیصد رومن کاتولیک میباشند، لیکن وحشت و بربریت پرتگالیها در راه تبلیغ مسیحیت مسلمانها و بودائیهارا به دشمنی و نفرت آماده ساخت، چنانچه وقتیکه (دچها) و انگلیسها باین سرزمین رسیدند آنها را ناجی شمردند.

امیرالبحر هالندی (سپیل برگ) در سنه ۱۶۰۲ به ساحل مشرق سیلون فرود آمد و پادشاه (کاندی) پذیرائی او را نموده استمداد خواست تا پرتگالیهای منفور را اخراج نمایند دچها بعد از تیاری در سنه ۱۶۳۸ فوج کشی کرده جمله قلعه های مشرق را از پرتگیزیها گرفتند در سنه ۱۶۴۴ نیگومبو را اشغال کرده و در سنه ۱۶۵۶ کولبو و در سنه ۱۶۵۸ جفنه را فتح کردند پس باستانای علاقه کاندی جمله مقامات ساحلی بدست دچها افتاد و پادشاه کاندی آزاد ماند - پرتگیزیها تا عرصه ۱۴۰ سال و دچها هم همین قدر مدت در سیلون حکمرانی کردند، پرتگیزیها وحشت و بربریت را بکار برده مملکت را خراب کردند. دچها اگرچه محصول زیاد بالای رعایا مقرر کرده بودند با وجود آن هم حکومت آنها نسبتاً خوبتر بوده و اهالی در هر شعبه ترقی نمودند.

انگلیسها در سنه ۱۷۶۳ از مدراس بدربار پادشاه کاندی سفیر فرستادند اما نتیجه نه بخشید در سنه ۱۷۹۵ يك قطعه عسکر انگلیس به سیلون حمله برده در مدت کمتر از يك سال جزیره را به تصرف خود درآوردند - بدو اداره آن از مرکز مدراس میشد لیکن مردم ازین طریق حکومت ناراض گشته و

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

(دمبوله) که يك ساحه وسیع و هموار است آباد شده و بواسطه بهترین وسیله های آبرسانی عالم بشر اراضی آنجا را قابل زراعت و کاشت ساختند - نام قدیمی این خطه پی هیتی و قدیمترین پایتخت شاهان سینهالی (را جارتی) بود، بعد (انورد پوره) را پایتخت خود قرار داده و تا زمانه طویل سلطنت کردند، در سنه ۳۰۷ ق، م (ماهنده) قشیش بودائی به همراه يك پسر راجه اشوک به جزیره وارد شده به تبلیغ بودائیت پرداخت و سپس بودائیت در تمام جزیره تدریجاً نشر شد.

وفاً وقتاً حمله آوران از هند جنوبی به سیلون حمله آورده حصه شمالی و مرکزی آنرا فتح میکردند حتی از قوم تامل شخصی (ایلاله) نام تحت آنورد پوره را تصرف نمود لیکن يك پهلوان سینهالی (دوفی گیمونو) نام (۱۹۰ ق م) آنرا کشته حکومت سینهالی را مجدداً زنده ساخت.

در سنه ۲۷۵ میلادی يك مبلغ مسیحی به جزیره رسیده تبلیغ دین مسیح را آغاز نمود بهر حال تاریخ سیلون در عهد شاهان سینهالی يك تاریخ خانه جنگی ها و زمانه امن و آرامی و حملات پادشاهان و عساکر هند جنوبی است - شاهان پی هیتی یعنی (لنکای شمالی) و رؤسای (روهونه) و (مایارته) «قطعاً جنوب لنکا» مابین خود محاربات داشتند بالاخره (پروگرام باهو) در سنه ۱۱۵۳ میلادی تاج پی هیتی را بر سر نهاده روهونه و غیره را فتح کرده در سنه ۱۱۵۵ میلادی پادشاه کل لنکا شده اقتدار و قار سینهالیها را زنده ساخت، این پادشاه به پیگو (در برما) و هند جنوبی حمله برده بود اگرچه عهد او را (زمانه طلائی لنکا) می نامند لیکن لشکر کشی و عاید نمودن محصول کزاف او با اقتصادیات مملکت صدمه بزرگ رسانیده و اهالی را به خوردن سبزی جات مجبور و قتل حیوانات را خیانت زرگی قرار داده بود.

در سنه ۱۴۰۸ شاه (واجیه باهوی چهارم) سفیر چینی را اهانت نموده بود بنا بران عسکر چینی برای انتقام به سیلون حمله آورده پادشاه را اسیر و به چین بردند و تا سی سال جزیره سیلون با جگندار چین بود (بتاریخ چین رجوع شود).

وقتیکه پرتگالیها تحت سرکردگی (فرانسکو دوالمیده) در سنه ۱۵۰۵ به جزیره رسیدند هفت پادشاه مستقلاً سلطنت میکردند و با یکدیگر دشمنی و محاربات داشتند در سنه ۱۵۱۷ پرتگیزیها در کولبو با اجازه پادشاه کوه قله را تعمیر نمودند و آنها به تبلیغ دین مسیحی سعی بلیغ میکردند و ماهیگیران سینهالی مسیحیت را اختیار کردند چنانچه درین روزها عده مسیحیون لنکا بالغ به (۴۵۰) هزار و منجمه آنها ۹۵ فیصد رومن کا تولید میباشند، لیکن وحشت و بربریت پرتگالیها در راه تبلیغ مسیحیت مسلمانها و بوداییها را به دشمنی و نفرت آماده ساخت، چنانچه وقتیکه (دچها) و انگلیسها باین سرزمین رسیدند آنها را ناجی شمردند.

امیر البحر هالندی (سییل برگ) در سنه ۱۶۰۲ به ساحل مشرق سیلون فرود آمد و پادشاه (کاندی) پذیرائی او را نموده استمداد خواست تا پرتگالیهای منفور را اخراج نمایند دچها بعد از تیاری در سنه ۱۶۳۸ فوج کشی کرده جمله قلعه های مشرق را از پرتگیزیها گرفتند در سنه ۱۶۴۴ نیکومبو را اشغال کرده و در سنه ۱۶۵۶ کولبو و در سنه ۱۶۵۸ جفنه را فتح کردند پس با استثنای علاقه کاندی جمله مقامات ساحلی بدست دچها افتاد و پادشاه کاندی آزاد ماند - پرتگیزیها تا عرصه ۱۴۰ سال و دچها هم همین قدر مدت در سیلون حکمرانی کردند، پرتگیزیها وحشت و بربریت را بکار برده مملکت را خراب کردند. دچها اگرچه محصول زیاد بالای رعایا مقرر کرده بودند با وجود آن هم حکومت آنها نسبتاً خوبتر بوده و اهالی در هر شبه ترقی نمودند.

انگلیسها در سنه ۱۷۶۳ از مدراس بدر بار پادشاه کاندی سفیر فرستادند اما نتیجه نه بخشید در سنه ۱۷۹۵ يك قطعه عسکر انگلیس به سیلون حمله برده در مدت کمتر از يك سال جزیره را به تصرف خود درآوردند - بدو اداره آن از مرکز مدراس میشد لیکن مردم ازین طریق حکومت ناراض گشته و



بيك بازار شهره بيروت

امپراتوریه مراودات دوستانه داشتند در سنه ۷۳۳ قبل المیلاد تکلدت پائلیس دوم دمشق را فتح کرد و شام فباین دولت آتوریه و سلطنت مصر مملکت متنازع فیه بود.

در همین قرون فینقیها که یک قومی از اقوام شام هستند و دران اوان بهترین ملاحین و تجار بودند اولاً بر ساحل شام و بعد از ان در قبرس سسلی، کورسیکا و افریقه شمالی رفته و در آنجا متوطن گردیدند، کار تاج (در نواح تونس امروزی) مهمترین شهر نوآباد و مستعمره بود که بالاخره با سلطنت روم جنک نموده از تمدنی و بی انصافی روم (در سنه ۱۴۶ ق.م تباه و برباد گردید - هینی بال یکی از بزرگترین قوماندانهای عسکری دنیا از همین قوم بوده - فینقیهای شام در زرگری، حساب، مس گری و صنایع دیگر مهارت فوق العاده داشتند و تخریر را در مغرب آنها رواج داده اند.

بعد از زوال آتوریه مصریها تا چندی شام را اشغال نمودند مگر بخت النصر دوم بابلی سلطنت خود را استحکام داده بار دوم شام را تحت تسلط سلطنت کده در آورد.

بعد از سقوط سلطنت کده از طرف کوروش هخامنشی در سنه ۵۳۸ شام زیر اثر سلطنت ایرانی درآمده سترابی پنجم را تشکیل داد - فینقیها در بحریه ایران سهم بزرگی داشتند.

اسکندر مقدونی بعد از جنک اسوس (۳۳۳ ق.م) در شام داخل شده لیکن شهر ساحلی (تائیر) اجازه دخول در شهر را نداد اسکندر بمحاصره پرداخته بعد از جنک هفت ماهه (تائیر) را فتح کرده هشت هزار نفر اهالی آنجا را قتل و سی هزار نفر را بطور غلام فروختند.

بعد از فتح اسکندر شام فباین سیلوکس (شاه شام و ایران) و پتولی (شاه مصر) متنازع فیه بود حتی بالاخره سیلوکس آنرا گرفت - دودمان سیلوکس بعد از وفات انتیاکس چهارم (۱۶۴ ق.م) روبه زوال نهاد چنانچه شهرهای ساحلی شام آزاد گشتند (و در سنه ۸۳ و سنه ۶۹ ق.م) پادشاه ارمینیه شام را اشغال نمود.

در (۶۴ ق.م) قوماندان عسکر روم یعنی پومی شام را فتح کرد و شام یک ایالت رومی شناخته شد و بعد از تقسیم سلطنت وسیع روم در دو شاهنشاهی (شاهنشاهی مغرب و شاهنشاهی مشرق) شام در سهم شاهنشاهی مشرق روم داخل شد.

ساسانیها در عهد پرویز (یعنی خسرو دوم) (۵۹۰ - ۶۲۸ میلادی) با سلطنت روم جنک نموده و تا به نسطرنطیه رسیده و شام را اشغال و در سنه ۶۱۱ میلادی انطاکیه و در سنه ۶۱۳ میلادی دمشق، در سنه ۶۱۴ فلسطین و در سنه ۶۱۹ مصر را فتح کرد. اما این فتوحات کم دوام بوده و شاهنشاه هرقل در سنه ۶۱۰ میلادی بر تخت نشسته محاربات را خلاف ساسانیهای ایران شروع نموده شامات را پس گرفت - در قرن هفتم میلادی اسلام ظهور نموده و در عهد خلافت حضرت عمر رضی الله تعالی عنه دمشق در سنه ۶۳۵ میلادی بدست مسلمین فتح شد و در جنک فیصله کن و بزرگ یرموک (ماه اگست سنه ۶۳۶ میلادی، فوج هرقل شکست فاحش یافته و شام به تصرف مسلمین آمد).

بعد از خلفای راشدین رض دمشق دار الخلافه امیر معاویه رض قرار داده شد گویا شام مرکز خلافت بنی امیه تا سقوط آنها بود - در اثنای خلافت امیر معاویه در سال ۶۷۰ میلادی پیشرفت مشهور عقبه بن نافع و تاسیس شهر قیروان بوقوع پیوست - و کابل، سجستان، مكدان و قندهار در خلافت اسلامه داخل شد - در زمان خلافت بنی امیه در دمشق غازیان اسلام فتوحات زیاد نمودند بعد از خاتمه و سقوط خلافت بنی امیه در (۷۵۰ میلادی) مرکز خلافت از شام به عراق عرب منتقل و شام یکی از ایالتهای بنی عباسیه بود، خلافت بنی عباسیه از سنه ۷۵۰ الی سنه ۱۲۵۸ میلادی دوام نمود. درین زمان در شامات تبدلات زیاد بظهور

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

رسید - زنگی شاه موصل قریب سنه ۱۱۴۰ میلادی شام شمالی را فتح کرد و فرزند نجیب و دیندار او نورالدین زنگی، شام و غیره را مفتوح و خلاف نصاری و محاربات صلیبی جهد نموده مصر را نیز فتح کرد، نورالدین زنگی در سنه ۱۱۷۴ فوت شد و سلطان صلاح الدین کبیر شام و فلسطین و مصر را قبض کرد.

در سنه ۱۲۶۰ عسکر هلاکو خان بعد از فتح و تخریب بغداد سلطنت الناصر را مغلوب نموده شامات را تباہ کرد اما شاهان مملوک بحری مصر مغلها را شکست داده شامات را در تصرف خود آوردند.

تیمور در سنه ۱۴۰۰ رؤسای شام را نزدیک حاب شکست داده شام را گرفت اما بعد از وفاتش شام بار دیگر در حیطه اقتدار مصرها درآمد.

در سنه ۱۵۱۶ میلادی ترکان عثمانی به فسط شام را از ممالک مصر قبض نمود بلکه خود مصر را هم بگرفتند.

از آن زمان تا سنه ۱۹۱۸ میلادی شام تحت تصرف ترکان بود که جنگ عمومی برپا شده شام زیر اثر اتحادیون فاتح یعنی (فرانسه، و برطانیه و غیره) درآمد بعد از مباحثه و کشمکش زیاد قطعه شام بفرانسه تعلق گرفت یعنی ساحل آن رسماً زیر حمایت فرانسه و داخل شام به امیر فیصل مرحوم (شاه عراق عرب) زیر حمایت فرانسه داده شد، لیکن عربهای وطن پرست این اقدامات را بنظر استحسان ندیده آزادی مکتل خود را خواهش نمودند و در نتیجه فرانس لشکرکشی نموده دمشق را گرفت و امیر فیصل فرار نمود و کل شام رسماً تحت کنترل فرانسه درآمد.

فرانسه در شامات ایالتهای خورد خورد ساخته اتحاد و بیکرنگی ملت را برانگنده نمود و اهالی آن دیار خلاف این رفتار فرانسه احتجاج و مظاهرات نموده میروند حال سیریا و لبنان (درین ناحیه عده نصاری زیاد است) دو ایالت جداگانه و مستقل است اما تحت انتداب فرانسه میباشد.

شرق اردن

شرق اردن مملکت کوچکی است که بشمال آن سوریه، بشرق عراق و نجد، بجنوب حجاز و بغرب آن فلسطین است.

مساحت آن عبارت از ۱۶۲۲۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۲۶۰۰۰۰ نفری باشد که نود فیصد آن مسلم و باقی عرب متنصره و نصف بدوی می باشند.

در قرن اول مسیحی در این مملکت مراکز مهم تمدن یونانی و رومی بودند و آثار بت خانه های آنها تا حال در عمان و جرش و ام القیس موجود است، بعد از جزو دولت بنو غسان گردید در سنه ۶۳۷ قوای اسلامی تحت قیادت ابو عبیده (رض) آنرا فتح نمود از آن تاریخ تا آخر جنگ عمومی تاریخ این دیار جزو تاریخ ولایت شام میباشد در سنه ۱۹۱۸ از دولت عثمانیه مجزا گردیده چند روزه جزو سلطنت شریفیه گردید که تحت اثر فیصل بن حسین در دمشق شناخته می شد.

چون در سنه ۱۹۲۰ قشون فرانسه بر سوریه قابض گردید فیصل را برطرف نمودند بعد از آن این دیار چندی تحت اداره انگلیسها ماند، در اوائل سنه ۱۹۲۱ شریف عبدالله پسر دوم شریف حسین بایک عده قوا بغرض تعرض بر سوریه وارد معات گردید انگلیسها او را امیر مستقل ماورای اردن قرارداد داده ازین اراده باز داشتند ولی چون قبیله عدوان در سنه ۱۹۲۳ از حکومت امیر عبدالله سرکشی نمود در ابتدای سنه ۱۹۲۴ انگلیسها رسماً امیر مذکور را برقرار داشتند ولی اصلاً بقسم مستعمرات خود شان اداره مینمودند

در سنه ۱۹۲۷ با امیر عبدالله چنان معاهده نمودند که در حقیقت اثری از استقلال داخلی باقی نمانده و یک مجلس ملی تشکیل یافت که قرار اصول اساسی حکومت امیر عبدالله را تحت تنقید گرفته می توانست ولی این اساس بمقابل حکومت برطانوی قطعاً بی اثر بود - اهالی ازین معاهده تا حال ناراض می باشند . مرکز حکومت شهر عمان است .

عدن

عدن نام یک بندرگاه و علاقه است که به منتهای جنوب مغربی عرب واقع است ، مساحت آن عبارت از ۰۰۰ ر ۱۹۴ مربع کیلومتر و اهالی ۵۵۱۰۰۰ نفوس میباشد از زمانه های قدیم این بندرگاه ما بین یورپ و آسیا اهمیت تجاری داشت ، یونانیها آنرا می شناختند و رومیها آنرا قریب سنه ۲۴ قبل از میلاد اشغال نموده بودند . البوکرک پرتگیزی در سنه ۱۵۱۳ بران حمله نموده بود اما هنریمت یافته بطرف هندوستان رفت .

ترکان عثمانی در سنه ۱۵۳۸ آنرا بتصرف خود آوردند در قرن مابعد آن بواسطه ضعف حکومت ترکیه سلطان صنعا بر عدن استیلا یافته تا ۱۷۳۵ حکمرانی کرد حتی شیخ الاحج بوغ اطاعت صنعا را انداخته عدن را مستقل نمود و از نسل او سلطانیهای مستقل در آن حکمرانی می کردند .

در سنه ۱۸۳۹ دولت برطانیه آنرا اشغال نموده و تجارت فیما بین یورپ و آسیا باز رونق و فروغ پیدا کرد در سنه ۱۸۵۷ دولت مذکور جزیره پاریم را نیز به عدن الحاق نمود .

در سنوات ۱۹۰۲ ، ۱۹۰۴ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۱۴ فیما بین سلطنت عثمانی و برطانیه بقرار معاهده حد بخشی آن معین کرده شد ، بدوران حرب عمومی عسکر ترکی بر آن حمله آورده (لاحج) (و شیخ عثمان) را اشغال کردند ، لیکن بعد از اختتام جنگ ترکها آنرا واگذار شدند .

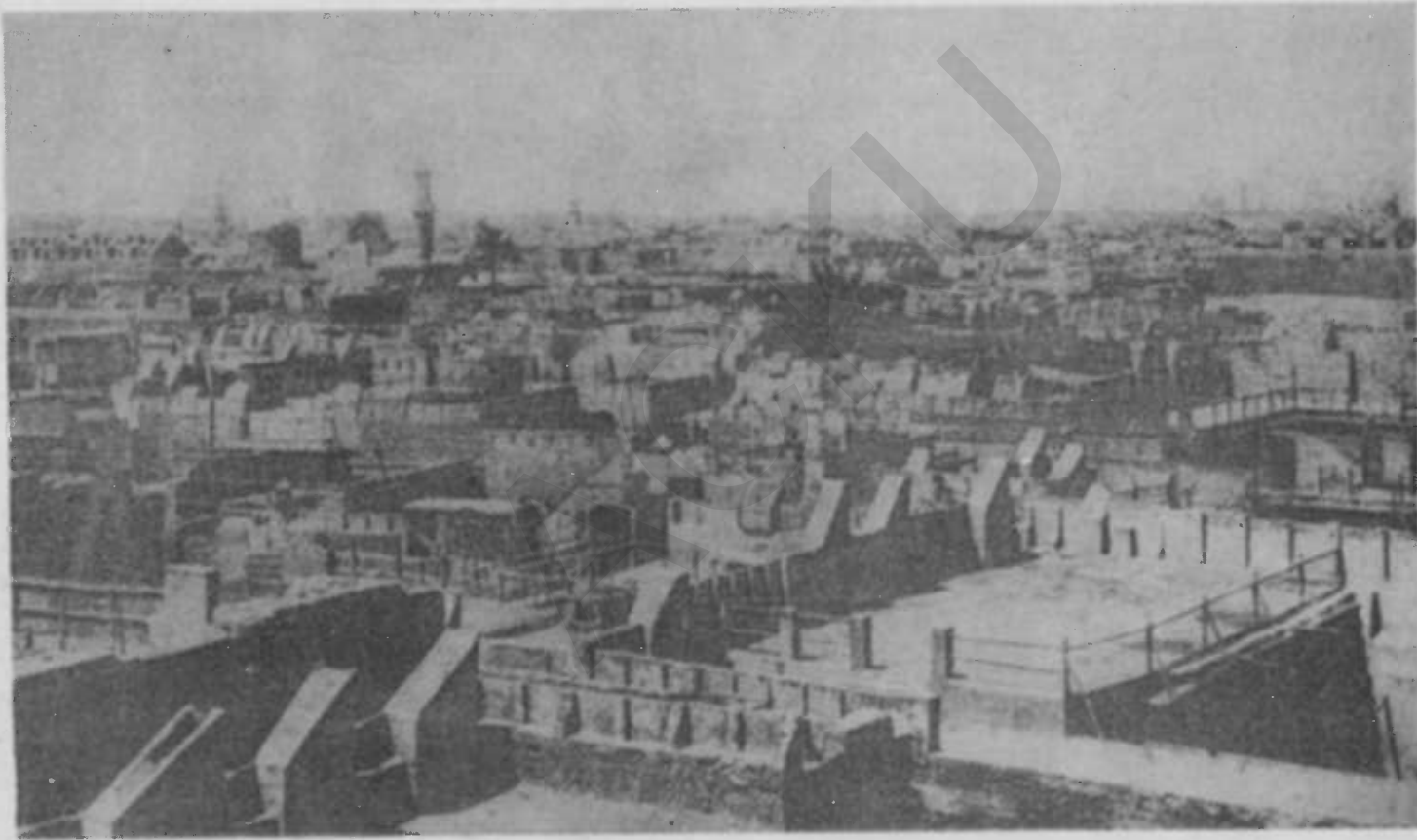
بدو آن عدن تحت اداره و نظم حکومت بمبئی بوده و در حدود حکومت برطانیه شمرده میشد ، بدوران جنگ عمومی تحت اداره های کشنر مصر درآمد ، در سنه ۱۹۲۰ راساً تحت انتظام وزارت خارجه برطانیه داخل گردید در سنه ۱۹۲۱ به دفتر مستملکات تعلق گرفت حالا یک مستملکه برطانوی شناخته شده راساً بحکومت برطانیه مربوط میباشد و با هندوستان هیچ رابطه ندارد البته از سنه ۱۹۲۷ حکومت هند مصارف جنگی و سیاسی عدن را کاملاً برداشته بود و بعد از آن یک ثلث مصارف را پرداخته خواهد رفت .

عراق

مملکت شاهی عراق دارای ۳۷۰ ر ۹۷۷ مربع کیلومتر مساحت و ۲۸۴۹ ر ۳۰۰ نفر نفوس است .

درازمه قبل از تاریخ در جنوب عراق نزدیک اریقو قومی بوده که بعض حیوانات اسروزی را اهلی کرده و زراعت را یاد گرفته بودند و بواسطه داسهای کلی فصل ها را درو میکردند .

از حفاریات منظم معلوم شده که قدیمترین اهالی مملکت عراق در ازمه تاریخی سومریهای باشند و منکشف شده که سومریها در حدود (۴۰۰۰) ق م تهذیب خوبی را نایل شده بوند ، اولین شاه سومیری که حکومت خود را تاجحیره روم وسعت داده بود لوگن رکیزی Logel Rekizi نام پادشاه ایرج بود در (۲۷۷۵ - ۲۷۵۰ ق م) - سومریها یک رقم تحریر داشتند که حالا بخواندن آن موفق شده اند



شهر بغداد

تاریخچه مختصر حالک آسبا

سومیرها صخره‌های خود را می تراشیدند، لباس بشم را در بر می کردند، مزرعه خود را بواسطه جویها آب میدادند، آنها مواشی، گوسفند و بز داشتند اما از اسب واقف نبودند - آنها فیما بین خود محاربات میکردند، تهذیب و تمدن، خط و جهاز رانی و غیره را در عرصه چهار هزار سال ترقی و نمو دادند آثار تجارت و توطین گزینی آنها در هند شمال مغربی از حفریات منکشف شده است احتمال میرود که آنها از راه بحر به هندوستان رسیده باشند.

طرف مغرب این مسکن سومیرها، قبایل چادر نشین سامی بوده تاقرنهای دراز به همراه سومیرها تجارت و محاربات میکردند بالاخره يك قاید بزرگ آنها را متحد ساخته و سومیرها را فتح کرده سلطنت سامی را از خلیج فارس الی بحیره روم توسیع داد (۷۵۰ ق، م) این سامی ها را ما پنام اکدیها یاد و سلطنت سارگون اول را سومیری اکدی موسوم میکنیم - اکدیها تا ۲۰۰ سال به سلطنت دوام کردند - از عهد اکدیها الی قرن چهارم و سوم ق، م سامی ها خط میخی سوماریها را اختیار و زبان سومیری را زبان علمی خود قرار داده بودند.

بعد عیلامی ها از طرف مشرق و عموریه ها از مغرب به سلطنت اکدی هجوم آورده آنرا زیر فشار آوردند، مرکز عیلامی ها شهر شوش بوده آنها نه آریه و نه سامی تزاومی باشند، عموریه ها همقوم حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، بالاخره بعد از محاربات صد ساله عیلامی ها بر کل عراق عرب استیلا و غلبه نمودند و شاه بزرگ آنها جورابی (۲۱۰۰ ق، م) سلطنت اولی بابل را تاسیس نمود.

بعد از صد سال چادر نشینان تازه دیگر موسوم به کاسی ها Casies از مشرق به بابل حملات برده و پادشاه خود را به بابل نشان داده عراده جنگی واسب را ترویج دادند.

هنوز سامی های عرب بالای سومیرها غلبه نکرده بودند که بردجله علیا يك قبیله سامی دیگر یعنی آتوریا شهرها را بنا کردند و مهمترین شهرهای آسور و نینوا بوده - آنها با شراکت هتیت ها بطرف مغرب غارت می بردند - سارگون اول آنها را فتح کرده بود اما چندی بعد مستقل شدند - شاه میتانی پای تخت آنرا یعنی نینوا را تا يك عرصه اشغال نموده بود - آنها خلاف بابل به همراه مصرها سازو باز داشته از آنها مبلغ میگردقتند - ودرین آوان آهسته آهسته فن حرب را ترقی زیاد داده استعمال عراده جنگی و اسب را یاد گرفته اولاً هتیت را مغلوب نمودند و ثانیاً زیر قیادت تکلاث هائی اسیر اول Tiglas Hai بابل را فتح کردند (۱۱۰۰ ق، م) چون در عراق جنوبی سنگ نبود و نیست، بابل را شهر خشتی سامی ها و نینوا را که در کوه ها واقع است شهر سنگی شامی ها مینامیم - پس تاقرنهای دراز فیما بین نینوا و بابل حکومت و سلطه بنوبت رد و بدل می شد.

و چون يك قوم دیگر سامی یعنی آرامی ها که شهر مهم آنها دمشق بوده و شامی های امروزی احفاد آنها می باشند. اقتدار و قوت پیدا کرده بودند لهذا آتوری ها تا چهار قرن طرف مصر و غرب پیشرفت نموده توانستند - بالاخره در سنه ۷۴۵ ق، م تکلاث هائی اسیر سوم بابل را فتح کرده سلطنت جدید آتوری را تاسیس نموده فلسطین و شامات را فتح کرد، بعد از وفاتش سارگون دوم از پسر تکلاث سلطنت را قصب نموده پادشاه شد و یهودیهای فلسطین را در سنه ۷۲۱ ق، م در میدیا اخراج و تبعید نمود، ارواینها همین یهودیها را « قبیله ده گانه گمشده » می نامند - پسر او سینا شتر ب به مصر حمله برد اما عسکر او از و ما کاملاً مستاصل گردید و این واقعه در توریت هم مذکور است - بهر حال نوا سه او یعنی اسوربانی پال مصر سقلی را فتح کرد.

سلطنت آتوری بعد از سارگون دوم (۱۵۰) سال دوام نمود حتی يك قوم سامی دیگر موسوم به کلدانیها یا ماد دو قوم آریائی یعنی میدیا و فارسی ها در سال ۶۰۶ ق، م نینوا را اشغال و بابل را پای تخت

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

خود قرارداد سلطنت دومین بابل را تاسیس نمود اما نینوا در سلطنت میدیا شامل شد. پادشاه آنها کانی آکساریز بود. این سلطنت کلمه تا سنه ۵۳۸ ق. م دوام کرد. بخت نصر دوم (کبیر) در سنه ۵۸۶ ق. م فلسطین را فتح و خراب نموده عده کثیر یهودیها را به بابل آورد.

کوروش کبیر در سنه ۵۳۹ ق. م بابل را از نابودنیداس فتح کرده سلطنت بزرگ هخامنشی را تاسیس نموده بر ساسیها تعرض و استیلا جسته حکومت آریائی را بر پا کرد. در سنه ۵۵۰ ق. م نینوا را فتح کرد، باید دانست که تحریر و طریق حکومت و اسلحه آهنی مرهون اختراع اهالی عراق عرب می باشد.

سلطنت هخامنشی تا ۳۳۱ ق. م دوام کرد، حتی اسکندر مقدونی در ۳۳۱ ق. م نزدیک نینوا افواج ایرانیها را شکست داده بعد ها بابل را اشغال نمود بعد بطرف شوسه که پای تخت عیلامیها و بعد سرکر حکومت هخامنشیها بود پیشرفت آنجا را نموده فتح کرد.

اسکندر در ۳۲۳ ق. م در شوسه بمرد، بعد از مرگش سلطنت وسیع او فباین جرنیلهای او منقسم گردیده عراق به سهم سیلوکس نکاتور رسیده اما سیلوکس شوسه و بابل را گذاشته انطاکیه را پای تخت خود قرار داد و تا ظهور سلطنت روما و سلطنت پارتیهها در تصرف سلاله سیلوکسی ماند، محض یک دفعه شاه مصر بتولی سوم در ۲۴۵ آنرا تا عرصه قلی اشغال نموده بود.

در عهد مهرداد دوم Mehr dad II پادشاه پارتیهها عراق عرب و یا بین النهرین یک ایالت معین پارتیهها بود، بعد از آن رومیها تعرض نموده عراق گاهی ایالت پارتیهها و گاهی ایالت رومیها شمرده میشد گویا عراق عرب بدوران این دو سلطنت صحنه محاربات بود.

بعد از سقوط پارتیهها در ایران ساسانیها خروج نموده بر سلطنت پارتیه متصرف شده عراق عرب را اشغال نمودند و عراق بدستور سابق فباین ساسانیها و رومیها مملکت متنازع فیه بود، افواج رومی و ایرانی بکرات ازین مملکت عبور و مرور میکردند حتی ویلاریان شهنشاه روما از دست شاه پور دوم ساسانی هزیمت خورده ساسانیها فتوحات خود را تا به سیر یا ادامه دادند (۲۶۰ میلادی) بالاخره عمرهای تدمور (پامیر به دریک نخلستان در بین نینوا و شام شهر قدیم بوده که از یک معبر تجاری ترقی کرده تا به شهر بزرگ رسید) از ضعف رومیها استفاده نموده شاه پور اول را شکست داده عراق را گرفتند و تا ده سال بر آن حکمرانی کردند. اوریلیان شهنشاه روما تدموریهارا بر انداخته و عراق عرب را مکرراً تصرف نمود. بهر حال ساسانیها و رومیها از ضعف یکدیگر استفاده نموده بنوبت عراق را اشغال میکردند، بالاخره در اثنا اینکه خسرو دوم و هرقل پادشاه روم با هم نبرد آزما بودند (اولاً ایرانها غالب شده بودند لیکن بعدها هرقل فاتح شده بود) عمرها در عهد مقدس اسلام از جزیره عرب خروج نموده سلطنت هرقل و سلطنت یزدجرد ساسانی را بر انداختند.

عراق عرب در سنه ۶۳۹ میلادی در عهد خلافت حضرت عمر رضی الله عنه بدست سعد بن ابی وقاص (رض) مفتوح گردید و علاقه ساسانی که آریهها غصب نموده بودند بآریهها تعلق گرفت. ساسانیهای عراق عرب بسرعت دین مقدس اسلام را قبول کردند و دین مسیحی و زردشتی رو به زوال نهاد.

بصره و کوفه در عهد خلافت حضرت فاروق اعظم فتح رض و بعد دو قشله عسکری بنا نهاده شد بعد، خلافت بنی امیه از سنه ۶۶۱ میلادی در آنجا شروع گردید. عبدالله بن زبیر (رض) بعد از وفات حضرت معاویه (رض) در مکه معظمه اعلان خلافت نمود، مختار در اول مرحله به همراه ابن زبیر اتحاد نموده بود اما بعد جدا شده بطرف کوفه رفت بامداد فارسیها کوفه را اشغال نموده مستقل شد و ابن زیاد حاکم آن دیار مجبور به فرار

شد. ابن زبیر این وضعیت را مشاهده نموده برادر خود مصعب را حاکم بصره نامیده او را بر علیه مختار اعزام نمود در نتیجه مختار در جنگ کشته شد و عراق در حدود خلافت ابن زبیر شامل گشت.

عبدالملک بن مروان در سنه ۶۹۱ میلادی عراق را فتح کرد و مصعب بن زبیر از دست اهل تشیع بقتل رسید عبدالملک حکومت ایالت عراق را به حجاج بن یوسف تفویض نمود، حجاج بغاوت خارجی ها و ابن اشعث را فرو نشانند، در عهد خلافت بنی امیه عراق مرکز سازش طرفداران بنی هاشم بوده و ایرانی ها سعی داشتند که بوسیله ممکنه اقتدار عمرها را براندازند - بالاخره ابو مسلم خراسانی بطرفداری بنی هاشم خروج نموده نزدیک زاب معاون دریای دجله آخرین خلیفه بنی امیه یعنی مروان دوم را شکست داد (۷۰۰ میلادی) و از بنی هاشم ابوالعباس از اولاد حضرت عباس اولین خلیفه بنی عباسیه در کوفه جلوس نمود.

بعد از خلیفه منصور، ابو مسلم را بچینه به کوفه خواسته بکشت و بغداد را برکنار دجله پای تخت خود مقرر نمود - بعضی اشخاص اولاً طرفداری بنی هاشم را شعار خود ساخته بنی امیه را برانداخته بودند بعد آنها طرفداری بنی فاطمه رض را بهانه تراشیده بر علیه بنی عباسیه شور شها بیا کردند - منصور به فرو نشانند این چنین بغاوت ها موفق شد اما در تمام عهد خلافت بنی عباسیه طرفداران بنی فاطمه سازش ها و شورش ها برپا نموده رفتند - و فیما بین اهل سنت و الجماعت و اهل تشیع سخت اختلافات بود که بالاخره باعث تباهی خلافت گردید.

از خاندان بنی عباسیه ۳۷ خلیفه یکی بعدی دیگری خلافت کردند، اما اقتدار و قوت حقیقی خلفای عباسیه تا زمان ابواسحاق معتمد بالله پسر هارون الرشید بود - درین زمان یعنی تا ۱۲۵۸ میلادی ترکها بیکه معتمد بالله آنها را در فوج خود ملازم گرفته بود برضای خود خلیفه را منتخب یا خلع میکردند یا بقتل میرسانیدند - من حیث علوم و فنون دوره عباسیه متنورترین دوره اسلام است و عراق عرب مرکز علم و فضل بود، اما در اواخر اقتدار بنی عباسیه فقط در عراق محدود به دجله و فرات ماند.

شهرزاده آل بویه در ۹۴۵ در عهد خلافت المستکفی بالله به بغداد داخل شده و خلیفه او را به لقب پادشاه ملقب ساخت - بعد ازین اقتدار حقیقی سلطنت بدست آل بویه بوده و آنها خلیفه را محض يك هیولا ساخته بودند.

سلاجقه در آسیای وسطی بر سر اقتدار آمده ایران و خراسان را فتح کرده زیر قیادت طغرل در عهد خلیفه قائم بامر الله در سنه ۱۰۵۵ داخل بغداد شده دودمان بویه را محو و اقتدار خلیفه را بر حال کردند - و خلیفه قائم بامر الله طغرل را لقب « سلطان المشرق و المغرب » عطا نمود - سلاجقه سلطنت خلیفه را بسیار وسعت دادند چنانچه آسیای صغیر، شام، یمن، مکه و مدینه را در حدود خلافت درآوردند - اما بعد از وفات ملکشاه سلجوق سلطنت آنها رو بزوال نهاد و از اقتدار خلفا بکاست.

خلیفه متسکفی توانست که وقار خلافت را بقوت بازوی خود در عراق زنده سازد، در عهد خلافت اوزنگی شاه موصل اکثر عراق عرب را اشغال نمود و پسرش نورالدین زنگی بر خلاف نصاری در محاربات صلیبی فاتح برآمد - در وقت صلاح الدین کبیر قسمتی از عراق عرب جزو سلطنت مصری ایوبی بود.

در سنه ۱۲۵۸ هلاکوخان بایما و سازش محمد بن علقمی فارسی، بغداد را فتح کرده و نذر آتش نموده تمام اهالی را قتل عام و کتابخانه های بزرگ و قیمتدار بغداد را تباہ کرد، گویا خلافت عباسیه تا ۵۲۴ سال دوام نموده از دست هلاکوخان محو و نابود شد.

بعد ازین ویرانی و تباهی در عراق تا ۸۰ سال بد نظمی و بد امنی بوده و عراق در حدود سلطنت

ایلخانها (سلالة هلاکوخان) شامل بود - بعد از سقوط ایلخانها یکی از رؤسای مغلی حسن جلائری عراق عرب تصرف نموده بغداد را پایتخت خود قرارداد، تیمور کورگانی در ۱۳۹۳ بغداد را اشغال نمود لیکن جلائری حاکم تیموری را شکست داده اخراج نمود - تیمور دوباره در ۱۴۰۱ باز بغداد را گرفته در آن خرابی وارد نمود - بعد از وفات تیمور ترکمانهای قره قیوتلی و آق قیوتلی، علی الترتیب بر عراق مسلط شدند مرکز آق قیوتلی در دیار بکر بوده رئیس آنها اوزون حسین عراق و جزیره را فتح کرد لیکن درین ادوار ترکان عثمانی از طرف غرب و صفویهای ایرانی در شرق بطرف عراق عرب متوجه شدند حتی للاحسین جرنیل شاه اسمعیل صفوی در سنه ۱۵۰۸ بغداد و موصل را اشغال نموده در حدود سلطنت ایرانی شامل نمود.

بعد ازین عراق مثل سابق فیما بین ایران و ترکان مملکتی بود متنازع فیہ حتی سلطان سلیم خلاف صفوی ها اعلان حرب نموده شاه اسمعیل را شکست داده موصل، عبادیه، رقه و ترک اردلان را در سنه ۱۵۲۲ میلادی گرفت - در ۱۵۳۴ سلیمان باشکوه بغداد را اشغال کرد و بصره دوازده سال بعد بقصر ترکها افتاد - اما ترکها از باعث حملات و تعرضات ایرانیها در عراق تنظیمات و ترتیبات لازمه حکومت نتوانستند - ایرانیها بواسطه سازش بغدادیها در سنه ۱۶۳۲ میلادی بغداد را گرفتند مگر ۱۵ سال بعد مراد چهارم بغداد را مکرراً در حدود سلطنت عثمانیه شامل نمود - تا ۱۷۲۴ فیما بین ایران و روم صلح بود حتی نادرفلی خروج نموده با ترکان آویخت لیکن طویال عثمان پاشا محاربه شدیدی با او نموده و جنگ، بی فیصله ماند - همچنان جنگهای ۱۸۲۰ - ۱۸۲۳ بی فیصله بودند.

قبائل عرب هم از ۱۶۳۸ الی وسط قرن نوزدهم وقتاً فوقتاً خلاف ترکها جنگ میکردند و در وقت ضعف ترکان یا شاهای غلام بطور حکام آزاد حکمرانی میکردند لیکن گاهی یوغ اطاعت خلیفه عثمانی را از دوش خود نیانداختند.

بالاخره از سنه ۱۸۳۱ تسلط ترکان عثمانی محکم تر شده و بغاوتهای گردها را فرو نشانند و عربها را به خرید زمینها ترغیب دادند تا آنها به زراعت مصروف بوده دیگر سرکشی و شورش نکنند، مدحت پاشا کارهای اصلاح و تنظیم را شروع کرد (۱۸۶۹-۱۸۷۲) شرکت جهازرانی ترکی در دریاهای عراق تاسیس شد، جرمنیها در سنه ۱۸۹۹ برای تعمیر و تمدید خط آهن در عراق مراعات حاصل کردند و تا به آغاز جنگ عمومی از بغداد الی سامره خط آهن تمدید شده بود.

در اثنای حرب عمومی انگلیسها به علاقه بین النهرین حمله برده بصره را اشغال کرده پیشرفت نمود لیکن در قضاة الماره ترکها تحت قیادت نورالدین پاشا فوج انگلیس را محصور و با وجود مساعی و قربانیهای زیاد از طرف انگلیسها برای استخلاص آن، قشون مذکور را اسیر نمودند، گویا انگلیسها برای استخلاص فرقه مذکور ۲۴ هزار عسکر را قربان نموده بودند اما نتوانستند کاری بکنند - لیکن چندی بعد عربها از باعث تحریکات خارجه خلاف ترکها شده و عسکر انگلیس تحت قیادت جرنیل ماد کل عراق عرب را تا به موصل اشغال نمود.

چون فرانس و انگلیس متحداً به این اعلان که عربها بعد از خاتمه جنگ مستقل و آزاد خواهند شد آنها را خلاف ترکها آماده کرده بودند لهذا عربها بعد از اتمام جنگ و معاهده صلح استقلال خود را خواستند - انگلیسها امیر فیصل را پادشاه عراق عرب ساخته این علاقه بین النهرین را تحت انتداب خود گرفت - عربها برای اخراج انگلیس چندین بار شورشها کردند اما مغلوب شدند مگر نتیجه این شد که برطانیه با امیر فیصل شاه عراق عرب معاهده نموده رضامند گردید که فوج انگلیس از بغداد خواهد برآمد و عراق عرب به مجلس بین الملل داخل خواهد شد.

بدوران غلبه برطانیه راجع بجد بندی عراق در نزدیک موصل به همراه ترکیه (بعد از اینکه مصطفی کمال پاشا یونانیها را هزیمت فاحش داده بود) و طرف جنوب مغرب به همراه ابن سعود چیزی مناقشه و متنازه بود اما معاهده ها انعقاد یافته هر سه دولت مابین خود موافقت نموده اند .

امیر فیصل شاه متوفای عراق در دوران حکومت خود برای تنظیم و ترقی کشور و حصول استقلال کامله آن خیلی مساعی بکار میبرد و برای این مملکت يك پادشاه جدی و صادق شمرده میشد اخیراً در سال ۱۳۱۲ شمسی در سوئزرلند وفات گردیده ملت ، امیر غازی پسر شاه موصوف را بسلطنت انتخاب نمودند .

خاندان شاهی عراق مسلمان (سنی) مذهب و امیر غازی شاه موجوده بتاريخ ۲۱ مارس ۱۹۱۲ تولد یافته بتاريخ ۱۶ سنبله ۱۹۳۲ میلادی پس از وفات پدرش امیر فیصل بعمر ۲۱ سالگی بسلطنت رسید بعد از جلوس با دختر عمش ازدواج نمود .

عرب

جزیره نمای عرب که در قسمت جنوب غربی آسیا وقوع دارد شرقاً به خلیج فارس و بحر عمان جنوباً به بحیره عرب غرباً به بحر قزقم و نهر سوئز شمالاً به شام و عراق محاط گردیده است رقبه آن ۱۳ صد هزار مربع میل و از آن جمله بالغ بر پنجصد هزار مربع میل ریگستان غیر مسکون را تشکیل داده است مشهورترین صحرای آن الربع الخالی یا الدنیا است که رقبه آن از دوسد و پنجاه هزار مربع میل متجاوز و در مرکز عرب قسمت جنوبی آن وقوع دارد در شمال این صحرای بزرگ بکنار خلیج فارس صوبه بحرین افتاده است و در حصه شمال مشرق آن ایالت عمان واقع و مرکز آن شهر مسقط است در جنوب مشرق آن ایالت حضر موت و مبره وقوع دارد به طرف غرب آن صوبه مشهور یمن است که شهر مشهور آن صنعا است از بنادر مهمه آن عدن و حدیده میباشد در مغرب ربع خالی و بطرف شمال یمن صوبه بحرین وقوع دارد .

در آغاز دین مقدس اسلام این ایالات مسکن عرب متنصره ، یهود و اکثریه مشرکین عرب بوده در شمال بحران ایالت عمر است که تا بحر قزقم و سمت دارد در شمال عسیر علاقه محضری با سم عقامه واقع و حصه جنوبی حجاز را تشکیل میدهد در شمال ربع خالی ایالت نجد وقوع دارد که از طرف مغرب با ایالت حجاز و در شرق با صوبه بحرین و در شمال بصحرای شام محاط گردیده گوشه جنوب مشرق نجد را بنامه می نامند شهرهای مشهور حجاز مکه معظمه ، مدینه منوره و بندرگاه جدّه است در شمال مشرق نجد ایالت کوچک با سم خیبر وقوع دارد ، در داخل ربع خالی مابین حضر موت و بنامه الاحقاف علاقه غیر آباد که در سابق مسکن قوم عاد و تشکیل میداده است وقوع دارد . درین ملک و سبع هیچ يك دریائی که قابل ذکر باشد وجود ندارد قریباً بیشتر حصص آنرا اراضی خشک و ریگستان فرا گرفته اراضی متصل بحر تا درجه قابل سکونت است . قلت آب در مرکز آن سکونت انسانرا دشوار بلکه تا حدی ناممکن ساخته است در اکثر حصص آن . کوههای کم ارتفاع که هیچ يك سرسبز نیست وقوع دارد ایالت های یمن و حجاز از حیث زرخیزی درجه اول را احراز کرده است حرارت این دو جای نهایت شدید و باد گرم آن (سموم) برای حیوانات نهایت مضر است ، قسمت مهم کارهای حمل و نقل درین مملکت بواسطه شتر انجام داده می شود ، پیداوار مهم آن خرما است و گذاره بیشتر اهالی بر شیر شتر و خرما می باشد .

این قسمت بوجود دشتهای وسیع و قلت آب در حیات اعراب و حرص و آرز جمله آورین اثر مهمی داشته است چه از يك طرف حریت پسندی جلی ملت و از طرف دیگر وضعیت طبیعی آن برای جمله آورین اشکالات مهمی را پیش میکرده و احیاناً اگر عرب در تحت تصرف یکی از جمله آورین می آمد این صورت دیری دوام

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

نکرده اداره عرب برای آنان اشکالات خاصی را وارد می نمود و همین تنها دلیلی است که عرب مورد تاخت و تاز خارجیها کمتر واقع گشته است .

اقوام قدیم : عربها اولاده سام ابن نوح (ع) میباشند مورخین عرب آنها را درسه دسته تقسیم کرده اند .

۱- عرب بایده ۲- عرب عاربه ۳- عرب مستعربه و بعضی دسته دوم و سوم را مخلوط نموده در عرب بایده و عرب باقیه تقسیم نموده اند . مراد از عرب بایده اقوامی است که از آنها حاضرأ جز نام چیزی باقی نمانده و مراد از عرب باقیه اقوامی است که عرب موجوده را تشکیل داده اند. دسته دیگر از مورخین عربها را در چهار طبقه تقسیم کرده اند :

۱- عرب بایده یا عرب عاربه ۲- عرب مستعربه ۳- عرب تابعه ۴- عرب مستعجه .

عرب بایده شامل قبائل مختلفه چون عاد ، ثمود ، عییل ، عمالقه ، جدس ، الیم ، جریم حضر موت ، حضور ، عبد ضخم ، وغیره بود که تمام آنها اولاد لاذین سام ابن حضرت نوح (ع) بودند .

در زمان سابق این اقوام جزیره نمای عرب را در تحت تصرف داشتند - احوال مفصل این اقوام در تاریخ موجود نیست ولی از آثار و تعمیرات شان که تا امروز در نجد و احقاف و حضر موت و یمن موجود است میتوان تا یک حدی بحالات تاریخی شان پی برد . مشهورترین این قبایل قبیله عاد است که در ارض احقاف سکونت داشتند . عاد ابن عوص ابن ارم ابن سام که این قبیله بنام او شهرت گرفته اولین شاه تاریخی عرب است ، این شاه سه پسر داشت ۱- شداد ۲- شدید ۳- ارم و هر یک بعد از دیگری بر سر اقتدار آمده است ، شداد در صحرای عدن مدینه ارم را بنا نمود ولی امر و زهیچ اثری از آن مشاهده نمیگردد .

حضرت هود (ع) که از قوم عاد بود برای هدایت این قوم مبعوث شد اما این قوم از سبب نشیندن ناصیح و اقوال این پیغمبر اخیرأ تباه و برباد گردید . خدای تعالی برای هدایت قوم ثمود حضرت صالح علیه السلام را مبعوث گردانید .

این طبقه از اولاد قحطان است ، لسان شان در ابداعربی نبوده اما رفته رفته لسان عربی را از عرب بایده آموختند . قبایل قحطانی بدو حصه قسمت می شود : ۱- یمنه ۲- سبأیه در نسب شان علما اختلاف زیاد دارند بزعم بعضی این قوم از نسل قحطان ابن عابر ابن شالخ ابن ارغشذ ابن سام ابن حضرت نوح (ع) بوده فالغ و یفطن که ذکر شان در تورات آمده برادرهای او بودند بعض دیگر درین فکر اند که معرب یقطن قحطان است . حزب دیگر او را یسر یمن ابن قیدار ابن حضرت اسماعیل علیه السلام میگویند و قبائل مشهور شان ازدی و حمیری است - قبائل ازدی شهر سبا را بنا نمودند و ملکه بلقیس که معاصر حضرت سلیمان (ع) بود (اخیرأ خانمش نیز گردید) از همین قبیله بود .

قبایل دیگر این طایفه بهر کنج و کنار عرب منتشر شد (غسان) که بسرحد شام سکونت دارند از یمن قبیله است ، حکومت قحطانی ها در یمن تا قرن ۷ میلادی دوام نمود در ظهور اسلام این قوم اقتدار زیادی داشته و اکثر حصص عرب را استیلا نموده بودند .

مراد از آن بنو عدنان یا اولاده حضرت اسمعیل (ع) می باشند - این قبائل عرب مستعربه : از خارج آمده بودند و بدین سبب آنها را عرب مستعربه یا عرب مخلوط خطاب می نمودند لسان مادری حضرت ابراهیم (ع) عربی نبوده در وقتیکه حضرت ابراهیم (ع) حضرت اسمعیل (ع) و والده محترمه شان (بی بی هاجر) را در شهر مکه معظمه گذاشتند آنها لسان عربی را از قبیله جرهم که یکی

از قبائل قحطانی بوده آموختند و بعد از آن عربی لسان آل اسمعیل گشت . عمر حضرت اسمعیل علیه السلام محض پانزده سال بود که والده شان فوت گردید ، حضرت اسمعیل (ع) اراده نمودند که بطرف شام مسافرت نمایند اما قبیله جرم مانع گردیده و دختری از خانواده عمالقه را باو عقد نمودند چندی بعد حضرت ابراهیم (ع) بدانجا تشریف بردند و حسب الفرمایش شان حضرت اسمعیل (ع) حضرت سیده بنت مفاض ابن عمر که از قبیله جرم بود تزویج نمود بعد ازان بقرار ارشاد الهی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسمعیل (ع) خانه کعبه را تعمیر نمودند سپس حضرت ابراهیم (ع) بطرف شام رفتند و هر سال برای زیارت خانه کعبه تشریف می آوردند یکی از اولاده حضرت اسمعیل (ع) عدنان نام داشت اولاده این شخص از مشهورترین قبایل مستعرب به بشار میرفت از همین جهت است که این قبیله را بنوعدنان یا اسماعیلیه میگویند .

قبایل عدنانی: مشهورترین این قبایل ایاد ، ربیع و مفر بودند در قبیله کنانه - (شعبه قبیله مفر) شخصی بوده که به قهر ابن مالک یا قریش موسوم است .

از اولاده این شخص چند قبیله دیگر بوجود آمده که از آن جمله بنی سهم ، بنی مجزوم ، بنی تیم ، بنی عدی بنی عبدالدار ، بنی زهره و بنی عبدمناف بسیار مشهورند .

عبدمناف چهار پسر داشت ، عبدشمس ، نوفل ، مطلب ، و هاشم حضرت سالار انبیا صلی الله علیه وسلم از اولاده هاشم بودند (حضرت محمد (ص) ابن عبدالله ، ابن عبدالمطلب ابن هاشم ، که پیغمبر اخیر الزمان و پیشوای ما مسلمانان میباشد) پسر عبدشمس امیه بوده که اولاده آن در تاریخ با اسم بنی امیه یاد میشوند .

قبل از رسول اکرم (ص) مملکت عرب از نقطه نظر تاریخی اهمیتی را حائز نبوده در جمله ممالک غیرمتدنه بشار میرفت در بین اقوام این مملکت وحدت ملی یکتلم نیست و نابود بود و خانه جنگیها کشت و خون دخترکشی ، شراب خوری قمار و غیره افعال ناشایسته همیشه عمرها را بوادی عدم و مذلت سوق میداد این وضعیت داخلی عرب موقع را برای همسایگان مساعد ساخته بهر طور و ذریعه که می توانستند يك قبیله را بر علیه دیگر قبیله می جنگانیدند .

در همین موقع خطرناک دوره جدید تاریخ عرب آغاز می شود یعنی حضرت رسول اکرم (ص) شروع به تبلیغ نموده دیری نمیگذرد که عمرها بر خلاف آنچه بودند جامعه متدین و مهندبی را تشکیل دادند معارف عربی زبان زد عام و خاص گردید قوه حربی شان به اندازه رسید که تنها به نجات ملت و مملکت خود اذ دست برد خارجیان اکتفا نکرده امپراطوری شرقی روم و ایران را نیز در حیطه تصرف خود درآوردند ملت مغلوب را در نتیجه این فتوحات دستگیری کرده آنها را از گودال جهالت و بدبختی کشیدند در دوره خلافت راشده که از ۶۳۲ تا ۶۶۱ ع یعنی تقریباً در عرصه ۳۰ سال تمام ایران تا سرحدات افغانستان ، شام ، مصر ، فلسطین و برقد فتح و ضمیمه دولت اسلامی گردید .

در دوره امویان که تقریباً (۹۰) سال طول کشید فتوحات اسلامی در شرق تا سرحدات کاشغر و ملتان و از جانب غرب تا رود لوان یعنی شمال غرب فرانسه وسعت یافت ، بطرف شمال سرحدات اسلامی تا کوههای قفقاز و بحیره اسود امتداد یافته بدینگونه در عرصه تخمیناً یکصد سال عمرها يك امپراطوری بزرگی را تاسیس نمودند . وقتیکه خلافت بنی امیه بروی کار آمد عرب مرکزیت را از دست داده دمشق دارالخلافه قرار یافت . در عهد خلافت عباسیه بغداد دارالخلافه بود و گویا عرب محض يك ایالت ماند .

دوره عباسیان را که از (۷۵۰ الی ۱۲۵۸ ع) طول کشید میتوان دوره ادبیات و علوم و فنون اسلامی نامید (یونیورسیتی ها) و دارالفنون های بزرگه اسلامی در هر گوشه ملک بر پا گردید ولی بعد از صد سال ضعف داخلی در هر جانب آن و در نتیجه از اقتدار خلیفه کاست . به عوض عرب ایرانها اقتدار اداری و ترکها اقتدار نظامی را تحصیل کردند ، حتی مملکت عرب هم اکثر اوقات از اداره خلفای عباسی خارج بوده .

در قرن (۱۶) ترکان عثمانی عربستان را ضمیمه مملکت خویش نمودند چندی بعد یعنی در قرن (۱۷) یعنی ها شورش نموده مستقل گردیدند ولی در (۱۸۷۱) ترکان بار دیگر یمن را تسخیر نمودند .

در آخر قرن (۱۸) نجدی ها اقتدار زیادی در عربستان حاصل نمودند . (اما محمد علی پاشا والی مصر (در ابتدای قرن نوزدهم) بواسطه یسرش اسمعیل قوه آنها را مضعف نمود و تا چندی عربستان در تحت اداره همین شخص بوده اما در (۱۸۴۰) بواسطه واقعات شام محمد علی مجبوراً از عرب دست کشید و بد نیکونه تا (۱۹۱۴) عرب در تحت اداره سلطان ترکیه بود .

در جنگ عمومی انگلیس بر علیه ترکان عثمانی عربها را طرفدار خود ساخت . اولاً با ابن سعود قرارداد دادی را امضا نمودند (دسامبر ۱۹۱۵) پین سرپرستی کا کس Sir Percy Cox نماینده انگلیس و ابن سعود - در جون (۱۹۱۶) شریف حسین ابن علی امیر حجاز نیز بر علیه ترکان عثمانی داخل جنگ گردید و خود را شاه عرب اعلان کرد . این اعلان باعث تولید حسد ابن سعود گشت و در نتیجه آن یک جنگ طولانی در بین هردو در گرفت . انگلیس ابتداءً طرفدار شریف حسین بوده اقدامات شدید بر علیه ابن سعود نمود اما در ماه می ۱۹۱۹ قشون شریف حسین در تحت سرکردگی عبدالله شکست خورد و در (۱۹۲۱) سعودی ها خیبر و بعضی مقامات دیگر را بدست آوردند در (۱۹۲۲) سرحدات و تصرفات شان تا عمان یمن وسعت یافت . بالاخره در ماه اکتوبر ۱۹۲۵ شهر مکه بدست شان افتاد و در دسامبر (۱۹۲۵) ابن سعود داخل شهر مقدس گردیده در سال دیگر جده و مدینه را نیز تسخیر نمود و در ۸ جنوری (۱۹۲۶) ابن سعود اعلان شاهی نمود .

دول اروپائی میخواستند که عرب مابین شیخ های خورده خورده عرب تقسیم بوده همیشه پاشان و پراگنده باشند مگر سلطان عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود تقریباً کل عرب را فتح و شیخهای متعدد را مغلوب کرده عرب را یک وحدت ملی بخشیده است .

از چندی فیما بین ابن سعود و امام یحیی یمن مناقشه بوده حتی هردو پادشاه در اثر تحریکات خارجه به جنگ داخل شده بودند لیکن در اوایل ماه جون سنه ۱۹۳۴ فیما بین آنها صلح منعقد شده است .

عربیة سعودیه

مؤسس مملکت که از اقوام عربی مسلمان تشکیل شده ، سعود اول است که نواده او سعود دوم ابن عبدالعزیز وفات (۱۷۶۵) مذهب محمد ابن عبدالوهاب را که (در ۱۷۲۹ : ۱۷۸۷ زیست می نمود) قبول کرد و به این قسم ذریعه نامبرده امام حامی مذهب وهابی که در اواسط قرن (۱۸) توسط او تاسیس شده بود گردید .

پسر او موسوم به عبدالعزیز دوم ابن سعود و اخلاف او یک امیر اطوری مرکزی عربی را تاسیس نمودند و مکه معظمه را در سنه ۱۸۰۳ و مدینه منوره را در سنه ۱۸۰۶ فتح کردند تا آنکه عبدالله ابن مسعود بواسطه عسکر محمد علی ، والی مصر مغلوب و بتاریخ ۱۷ دسمبر ۱۸۱۸ در استامبول محبوس گردید . حکومت نجد سر از نو بواسطه یسر عبدالله ابن مسعود موسوم به ترکی ابن مسعود و خلف او فیصل ابن مسعود تاسیس یافت .

به اثر اختلافاتیکه فیما بین پسران فیصل یعنی عبدالله سوم و سعود روی داد نجد سر از نو استقلال خود را یافته طعمه امیر ابن الرشید جبل الشمر گردید .

عبدالعزیز سوم در سنه (۱۹۰۱) الریاض را فتح کرده ، حکومت و هابیون را در نجد دوباره برقرار نمود . ولی پنج مقامات ذیل را نیز فتح کرد : - (الغضا) ۱۹۱۳ (عصیر علیا) ۱۹۱۰ (امیری جبل ثمر) ۱۹۲۱ (جه)

۱۹۲۴ (مکه معظمه و مدینه منوره) ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵، عصر ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ - عبد العزیز سوم بتاریخ ۸ جنوری ۱۹۲۶ شاه حجاز گردید و بعد از ماه جنوری سال ۱۹۲۷ شاه نجد و ملحقات آن شناخته شد. و بالاخره بتاریخ ۱۸ ستمبر ۱۹۳۲ لقب سلطان عربیه سعودیه را نیز حاصل نمود.

خاندان شاهی: شاه حاضر عبد العزیز سوم در سنه ۱۸۸۲ تولد و در (۱۹۰۰) به سلطنت رسیده.

اولاد:

۱: ولیعهد: سعود ابن عبد العزیز ابن سعود در سنه ۱۹۰۵ تولد شده حال نائب الحکومه نجد است.

۲: فیصل ابن عبد العزیز ابن سعود در سنه ۱۹۰۷ به شهر مکه معظمه تولد گردیده است حال نائب الحکومه مکه است.

۳: محمد ابن عبد العزیز ابن سعود در ۱۹۰۸ تولد شده.

۴: خالد ابن » » در ۱۹۱۱ »

عمان

عمان در اواخر قرن ۱۰ مسیحی از خلافت عباسیه مجزا گردیده است، و تاریخ زمانه های ما قبل آن جزو تاریخ ممالک عرب و در آن مذکور است.

در قرن یازده حکومت عمان به امامان خارجی که از قبیله بنو عضد بودند تعلق داشت بیچنفر از بن قبیله یکی بعد دیگری به امامت انتخاب گردیده اند، در سنه ۱۱۵۴ بنو نهبان بر بنو عضد غالب آمده طرز حکومت (امامت) را به سلطنت تبدیل نمودند، و ملوک این قبیله مدت دو نیم صد سال حکمرانی نموده، و درین مدت ملوک ایران دودغه به عمان تاخند اما شکست خوردند، ولی شاه جزیره هرگز ازین واقعات استفاده کرده یکجسه ساحلی این مملکت را متصرف گردید. در سنه ۱۴۳۵ در اثر انقلاب، امامت خوارج بنی عضد دوباره برقرار گردید.

در سنه ۱۵۰۸ اهالی پرتگال تحت قیادت المورک جزیره هرگز را گرفته و ساحل شرق عمان را نیز متصرف شدند، در سنه ۱۶۲۴ ناصر ابن مرشد که اصلاً از بنی (یعروب) بود امام انتخاب گردید و مرکز حکومت را از (نزده) به (رستاک) نقل داد، امام مذکور اول طوایف الملوکی داخلی را خاتمه داده بعد از آن به اخراج اهالی پرتگال پرداخت و در سنه ۱۶۵۱ آنها را بکلی از مملکت خود براند، و بواسطه جهازات جنگی راه بحر عمان را بر آنها مسدود ساخت در سنه ۱۶۹۸ جزایر ساحل شرق افریقه را از تصرف آنها کشید. در سنه ۱۷۵۹ احمد ابن سعید سلطنت سلاله غفار را تاسیس نمود. در ابتدای قرن نزده سلطان نجد بر عمان قابض گردید ولی در سنه ۱۸۱۸ سعید که نواسه احمد بن سعید است مملکت خود را مستقل نموده، در افریقه سقوطه و زنجبار، و در آسیا ساحل ایران از هرگز تا گوادر را ضمیمه سلطنت خود نمود، بعد از وفات او در سال ۱۸۵۶ پسر او مجید بن سعید در افریقه سلطان زنجبار و پسر دیگرش سلطان عمان اعلان شدند. در سال ۱۸۶۶ فرانس و برطانیا اگرچه استقلال کامل عمان را تسلیم نمودند. ولی عملاً عمان تحت اثر برطانیا مییاشد.

سلطان سید سعید بن تیمور، بن فیصل که چهاردهمین امام سلاله غفاری است بتاریخ ۱۳ اگست ۱۹۱۰

برنخت جلوس نمود، مسقط مرکز عمان است. و خارج از عرب در بلوچستان بندر گوادر و حوالی آن به امامت عمان تعلق دارد.

فلسطین

فلسطین در ساحل مشرقی بحر روم و بدروازه های عرب و مصر و به منتهای قطعاتی واقع است که از آسیای صغیر امتداد یافته به جنوب منتهی می شود، بطوریکه اقوام یهودی تاریخ فلسطین را می سازد مستند واقعات تاریخی این مملکت شمرده نمی شود، بلکه یهودیها یک جزء در تاریخ آن شامل میباشند.

از آثاریکه معلوم میشود فلسطین هم ادوار سنگی و فلزی را طی نموده است ولی نمی توانیم صحیحاً تعیین کنیم که سالی ها در کدام زمان فلسطین را تصرف نمودند، علی ای حال در آخر قرون سه هزارم سال قبل از میلاد فلسطین با تمدن مصر، بابل، کریت و غیره شرکت دارد.

و تا زمانهای درازی در فلسطین طوایف الملوکی بوده حتی شاهان مصر در سنه ۱۷۰۰ ق، م تعرضات خود را در آنجا شروع میکنند و شاهان فلسطین با حمله آوران خارج با سیاست مخصوصی پیش آمده یعنی گاهی به همراه یکی و گاهی با دیگری اتحاد مینمایند، بالاخره سنی اول (۱۳۲۱ ق م) شاه مصر از خاندان نزدیم به فلسطین حمله آورد، و مملکت مصر راجع به قبض فلسطین با هیئت ها قتل و قتال می نمود، در آخر رامسس دوم (شاه مصر از ۱۲۰۰ - ۱۱۶۹ ق م) چون در فلسطین انقلاب برپا می شود مشارالیه فلسطین و یکقسمت سیر یا را فتح می کند.

درین زمان یکدشمن قوی از طرف جنوب مشرق برای فلسطین نمودار می شود، و فلسطین مابین حمله آوران متخاصم (مصر) و آشوریها، هیئت ها و متانی ها و غیره، سخت زیر فشار گرفتار شده تا قرنهای مورد ظلم و جور آنها می شود.

بعد ازین ما در زمانه یهود داخل می شویم، در زمانیکه هیچ سلطنت خارجی قوی نبود اسرائیل ها بروز نموده فیما بین همجواریان خود تفوق و برتری جستند، باید دانست که ابراهیم علیه السلام جد امجد بنی اسمعیل، و بنی اسرائیل قریب سنه ۱۹۲۱ ق، م در شهر (عراق عرب) نزدیک بابل تبلیغ توحید را شروع نمودند، یعقوب علیه السلام نواسه ابراهیم خلیل (ع) در فلسطین سکونت پذیرفتند، و اسرائیلی ها اولاد یعقوب علیه السلام (که نام دیگر شان حضرت اسرائیل است) در اوایل قرن دوازدهم قبل المیلاد با حضرت موسی (ع)، و قوم شان در فلسطین رسیدند - قریب (۱۰۰۰) سال قبل از میلاد و حضرت سلیمان علیه السلام بالاخره در آنجا بسلطنت رسیدند، و بعد از آن فلسطین در دو حصه منقسم گشت یعنی جودح و اسرائیل، جودح در جنوب، اسرائیل در شمال و این هر دو قتل و قتال داشته بنوبت بالای یکدیگر غلبه حاصل می کردند.

وقتیکه دول همجوار دوباره قوت حاصل کردند آنها در صحنه فلسطین می درآیند، چنانچه شیشک شاه مصر در سنه ۹۳۰ ق، م به فلسطین هجوم آورد، و درین اوان سلطنت آشوری بطرف مغرب تعرضات را شروع کرده رقیب های مصر، آسیای صغیر و فنیقی ها و عمان و غیره گردید.

تحت جیر و بوآم دوم هادرشاه، یهود، قوه اسرائیل ها بعد از تغییر و تبدیل زیاد با قزود و سلطنت اسرائیلی تا به دمشق و سعت پذیرفت. بعد از وفاتش نفاق و شقاق تولید و قوت اسرائیلی مضمحل گردید. اما قسمت دیگر یعنی در جودح یک پادشاهی قوی بوجود آمد. ولی فلسطین مابین دو سلطنت قوی یعنی مصر و آشور واقع شده همیشه زیر فشار بود، چنانچه سارگون دوم از سازشهای بنی اسرائیل به همراه مصر

به تنگ آمده در سنه ۷۲۱ ق، م یهودیها را به میدیا فرار نمود، و وقتیکه سلطنت آثوری خراب و سلطنت بابل برپا گردید بخت نصر دوم از بغاوت یهودها بفرار آمده فلسطین را خراب و عده زیاد یهود را قتل نمود و عده زیاد را به بابل آورد (۵۸۵ ق، م زیرا که جودح مصر را بحال سابق صاحب قوت و اقتدار دیده خلاف بابل بغاوت برپا کرده بود.

بعد، سلطنت هخامنشی تاسیس، و موسس آن کوروش کبیر بابل را در سنه ۵۵۹ ق، م مفتوح و یهودیهای بابل را پس به فلسطین فرستاد.

در دوران سلطنت هخامنشی های فارسی فلسطین بغاوتی نموده بود مگر بزودی فرونشاند شد. در سنه ۳۳۲ ق، م سکندر یونانی از فلسطین گذشته مصر را فتح کرد سکندر با یهودیها هیچ غرضی نگرفت و آنها را بحال خود شانت باقی گذاشت، سکندر ۱۳ جون سنه ۳۲۳ ق، م بمرد و سلطنت او فیما بین جرنلهای او متقسم گردید، یکی از جنرال های هشیار او موسوم به بتولی مصر و فلسطین را گرفت، بتولی با کمک سیلوکس نکاتور جرنیل دیگر سکندر یعنی آنتی گونومی را در مقام (غازه) (۳۱۲) ق، م هزیمت داد.

سیلوکس نکاتور پایشخت خود را در انطاکیه قرار داد.

انتیاکس (سوم) کبیر از سلاله سیلوکس فلسطین را از خاندان بتولی در سنه ۱۹۸ ق، م بستانید، و اهالی شهر غازه خلاف حمله آوران مدافعه شدیدی نموده ولی بالاخره مفتوح گردید.

در عهد خاندان سیلوکس چون یکی از شاهان بر علیه یهود فلسطین مداخلت بیجای دینی نموده بود، یهودها تحت لوای جود از بغاوت نموده عسکر سیلوکسیها را شکست دادند حتی پادشاه سیلوکس آنها را آزادی مذهبی داد.

نزدیک (۷۰) ن، م فلسطین تحت نفوذ روما درآمد. اما چون یهودها قرار نمی نشستند، رومیها آنها را سخت سزا دادند و فرارشان نمودند، بعد از آن در همین مرز زمین حضرت عیسی علیه السلام پیدای می شوند بغاوت آخری یهود در سنه ۱۳۵ بوقوع پیوست و رومیها یهود را بطوری سزای سخت داد که بار دیگر یهود مر خود را بالا کرده نتوانستند و فلسطین زیر اداره حکومت روم دوام نمود.

سلطنت روم در سنه ۳۹۵ میلادی بدو حصه تقسیم شده، فلسطین شهنشاهیت مشرق مربوط شد درین اوان گاه گاهی یهودیها زیر فشار آمده بقتل می رسیدند، باز هم در فلسطین یک امنیت حکمفرما بوده که دفعته در سنه ۶۱۱ میلادی خسرو دوم شاه ایران، فلسطین را از شهنشاهی رومای مشرقی تصرف نموده، فلسطین را خراب کرد.

اما در سنه ۶۲۸ هرقل بار دیگر فلسطین را از شاه ایران بگرفت لیکن اقتدار او دوام نکرد چرا که مسلمانان عرب در صحنه تاریخ فلسطین نمودار شدند. یروشلم در وقت حضرت عمر (رض) مفتوح گردید، و لشکر عمر بن عاص (رض) بطرف مصر از همین مملکت گذشت، در عهد خلفای راشدین ما تحت اسلام بود در سنه ۶۶۱ حضرت معاویه (رض) دارالخلافه را بدمشق نقل داد.

در سنه ۶۸۴ میلادی خلیفه عبدالملک قبه الصخره را در یروشلم تعمیر نمود و این عمارت یکی از مقبول ترین عمارات دنیا می باشد در سنه ۷۵۰ خلافت بنی امیه محو و بنی عباسیه دارالخلافه را ببغداد نزل دادند، قرامطه قریب سنه ۹۲۹ بفلسطین خساره زیاد رسانیدند. در سنه ۹۳۶ میلادی مصر بغاوت نموده آزاد گشت و فیما بین



مسجد قبة الصخرة في بيت المقدس

عباسی‌ها و فاطمی‌ها (خلفای مصر) تا سنه ۱۰۷۲ میلادی مختصت و قتل وقتال دوام نمود. درین سنه ترکمانهای سلجوقی از خراسان خروج نموده بفلستین حمله آورده بروشلیم و دمشق را اشغال نموده بطرف مصر پیشرفت نمودند، اما مصریها آنها را شکست داده شهرهای شام را گرفتند.

باید دانست که یروشلیم پایتخت فلسطین برای مسلمانان. یهود و نصاری مقامی است مقدس و هر سه ملت فیض آنرا حق خود میدانند اما در فلسطین نفوس مسلمان زیاد و آنها در حفاظت آن خون زیاد را ریختانده اند، چون نصاری هم آنرا مولد حضرت (ع) دانسته مقدس می شمارند لهذا از سنه ۱۰۹۶ میلادی جنگهای صلیبی شروع شد نصاری یورپ از مواعیظ جوش آوریدرهای خود خیلی متأثر و مهیج شده دفعه اول (۶۰۰.۰۰۰) نفر از یورپ بغرض گرفتن فلسطین روانه شدند لیکن صرف (۴۰۰۰۰) نفر بر یروشلیم رسیده آنرا از جهتی قبض نموده توستند که مسلمانانرا نفاق و شقاق و خانه جنگی‌ها کم زور ساخته بود. این واقعه در ماه جولائی سنه ۱۰۹۹ بروز نمود. و ظلمهای نصاری در فلسطین در دل مسلمانان و یهود آن دیار نفوذ نموده عداوت شدید نصارا را پیدا کرد. این تصرف تا ۸۸ سال دوام نمود.

جنگ دوم صلیبی را شاهان فرانس و جرمنی در سنه ۱۱۴۷ بیا نموده ظلم و وحشت‌های زیاد را نشان دادند، اما خلاف نورالدین زنگی سلطان شام شمالی کامیاب شده توانستند، بعد از وفات صلاح الدین کبیر ایوبی بطور محافظ و مربی اسلام در صحنه تاریخ جلوه افروزی شود. در زمان نورالدین زنگی مصر را صلاح الدین بعبت شیرکوه قومابندان عسکری سلطان مذکور فتح کرده بود، صلاح الدین کبیر فوراً باخراج فرنگی‌ها از فلسطین پرداخته شاه مسیحی یروشلیم را شکست داده او را مجبور بصلح کرده لیکن نصاری معاهده صلح را شکستاندند، و صلاح الدین ایوبی فوراً لشکر کشی نموده شاه نصاری را شکست دوباره داده در سنه ۱۱۸۷ یروشلیم را گرفت.

جنگ صلیبی سوم در سنه ۱۱۸۹ که (یروشلیم را پس قبض کنند) زیر قیادت فریدرک اول شاه جرمنی و شاه انگلستان رچر د بوقوع پیوست.

نصاری قرار معمول و عادت شان درین جنگ هم بر بریت خود را نشان داده مسلمانان غیر داخل مصاف را به قتل رسانیدند. عسکه را بعد از محاصره سه سال گرفته باوجودیکه مسلمانان عسکه را پناه داده بودند همه را به قتل رسانیدند، صلاح الدین غازی چنان مقاتله شدیدی نمود که لشکر مور و ملخ نصارا خائب و خاسر ماندند.

صلاح الدین کبیر در سنه ۱۱۹۳ وفات نمود و جنگ صلیبی چهارم و پنجم سنه ۱۱۹۸ و سنه ۱۲۰۴ واقع شد در سنه ۱۲۱۲ پنجاه هزار دختر و بچه یورپی زیر تاثیر متخیلین مضر بطرف یوروشلیم روان شدند تا چیزی را بدست بیاورند که آبا و اجداد آنها به تحصیل آن موفق نشده بود این گروه هم کامیاب نشد چنانچه اکثریت آنها پس باوطن خود معاودت کرده توانستند، وغالباً در بحیره روم غرق گردیدند.

چهار جنگ صلیبی دیگر که تا به سنه ۱۲۷۲ بظهور رسید اهمیت خصوصی را دارا نبود، تنها در جنگ ۶ در سنه ۱۲۲۹ از طرف مسلمانان به فریدرک دوم جرمنی اجازه داده شد که در یوروشلیم تاده سال حکومت نماید.

درین آوان مغلای آسیای مرکزی نموداری شوند و آنها در سنه ۱۲۱۸ ایران را فتح کردند شاه دمشق در سنه ۱۲۲۸ از آنها امداد طلبید مگر آنها در سنه ۱۲۴۰ با سلطان مصر متحد گردیده شام شمالی را تاراج کردند بالاخره از شمال شکست خورده یوروشلیم را قبض و اهالی را قتل عام و فلسطین را خراب کردند. مصریها همراه آنها شریک شده نصاری و مسلمانان شام را نزدیک غازه شکست دادند بنا بر

مخاصت مصر بها این مغلها مجبور به عقب نشینی شدند و فلسطین در تسلط سلاطین مملوک مصر درآمد چندی بعد هجوم دیگر مردم وحشی تاتار بوقوع پیوست ، و این مغلهای چنگیزخانی زیر قیادت هلاکوخان بغداد را در سنه ۱۲۵۸ فتح کرده ، آن را کاملاً تباہ نمود ، و در سنه ۱۲۶۰ بدمشق حمله آورده و آنرا اشغال نموده ، شام را تاراج و غارت کرد ، باز بطرف مصر تعرض نمودند مگر پیرس جنرال سلطان مملوک مصر آنها را چنان هزیمت فاحش داد که مغلها فلسطین و شامات را گذاشته فرار نمودند بالاخره سلاطین مملوک در سنه ۱۲۹۱ اثر باقیانده حکومت فرنگی ها را از فلسطین محو و نابود کردند — در سنه ۱۴۰۰ تیمور لنگ به فلسطین حمله برده نصاری فلسطین را مضمحل نمود .

در سنه ۱۵۱۶ فہابین سلطان سلیم و حکمرانان مملوک مصر جنگ شده مملوکها هزیمت خوردند ، و فلسطین در دایره حکمرانی سلاطین عثمانیه ترکی درآمد سلیمان کبیر در سنه ۱۵۳۷ دیوارهای یوروشلیم را مکرراً تعمیر نمود — تا قرن نوزدهم چیزی قابل ملاحظه در آن واقع نشده ، البته شیخ های محلی مزارعین را بسیار ایندایمی رسانند — از ۱۵۹۵ الی ۱۶۳۴ یک شهزاده ادری فخرالدین بمخالفت ترکها سلطنت لبنانی را تاسیس نموده فلسطین شمالی را تا عسکه بگرفت — بعد ازین اروپائی ها بطرف فلسطین متوجه شدند ، و چیزی را که بجنگ گرفته توانستند بطریقی دیگر برداختند چنانچه سوداگران فرانسوی در سنه ۱۷۹۱ فابریکه ها و دقترها را قائم کردند — نیولین در سنه ۱۷۹۵ بعد از فتح مصر به فلسطین رسید تا پروگرام حاکمیت شام و شرق قریب را بواسطه تحریرص فلسطینی ها خلاف ترکها مکمل نماید — در اول مرحله فوج بی قاعده عرب و ترکها را شکست داده و یازده هزار بندی مسلمانان را بقتل رسانید و قتیکه فوج منظم ترکان به عسکه رسیدند نیولین شکست خورده بطرف مصر عودت نمود — بعد از سنه ۱۸۴۰ ترکان عثمانی استیلای خود را بالای فلسطین قوی تر نمودند — در سنه ۱۸۴۷ در بین نصاری و فلسطین خصومت روی داد کلیسای یویائی و رومی کا تولیک مجادله داشتند که جای پیدایش حضرت عیسی (ع) به ستاره نشان کنند و کدام یکی از مذہبین حق نشان کردن را دارد — چنانچه یکی از علل بزرگ جنگ کریمیا (جنگ مابین ترکیه و روس) همین مسئله بود .

در چهل سال آخری قرن نوزدهم فرانسوی ها ، روسی ها ، جرمنی ها ، امریکائی ها و غیره در فلسطین آمده آباد شده بانکها و هیئت های تبلیغیه بنا کرده رفتند — در سنه ۱۸۹۶ یورپ تجویز نموده که یہودیہارا در فلسطین جای بدهند — بالاخره ترکان ازین اقدامات اروپائی خوف نمودند و در سنه ۱۹۰۶ به حد بندی علاقه سیستانی مصر مابین ترکان و برطانیہ مناقشه پدید آمد . قبل از حرب عمومی در فلسطین اروپائی ها بنام بانکداران ، خدام بشر ، مبلغین و سوداگران و مدرسین و غیره درآمد بودند ، و یہودیہام به تعداد زیاد آمده توطن گردیدند — گویا اجانب خیلی زیاد شد ، ترکها و عرب های فلسطین و کل عالم اسلام حس کردند که فلسطین هم مثل مصر تحت تسلط انگلیس ویا کدام دولت اروپائی دیگر خواهد درآمد .

جنگ عمومی در سنه ۱۹۱۴ شروع شد ، و ترکان نیز با جرمنی اتحاد نموده خلاف انگلیس اعلان جنگ دادند ، اما بعد از شکست جرمنی و ترکیه اتحاد یون یعنی انگلیس و فرانسه و غیره ، شام و فلسطین و عراق عرب را بین خود تقسیم کردند ، و فلسطین در سهم انگلیس درآمد .

فلسطین به ۱۱ دسمبر سنه ۱۹۱۷ به انگلیس ها تعلق گرفت ، از آن روز تا این زمان قرار دعوت برطانیہ یہودی ها از هر قطعه مهاجرت نموده به فلسطین میروند .

فیلیپائن

مجمع الجزائر فیلیپائن در جنوب بحیره چین و جنوب مغرب آسیا واقع است و از ۷۰۸۳ جزائر بزرگه و کوچک قطعاً تشکیل و بنام فلیپ شاه هسپانیا موسوم گردیده است ، میگین اولین ملاحیست که بدور کوره ارض مسافرت نموده و درین جزائر رسیده بنام پادشاه خود فلیپ دوم آنها را فیلیپائن نامیده است .

پیش از قرن دهم مسیحی اطلاعات تاریخی را جمع باین جزائر در دست نیست ولی از قرائن چنان معلوم میشود که اهالی هند از راه جاوا به هند چینی و از آنجا وارد این جزائر گردیده اند چنانچه رسم الخط قدیم و عده الفاظ لسان بومی که از زبان سنسکرت ماخوذ است در کتب چینی شاهد این مدعاست و شرحی از مسافرتهای تجار بحری چین در قرن دهم و مابعد آن بدین جزائر ، ذکر یافته و احتمال می رود که روابط تجاری چین مدتی پیش از آن نیز وجود داشته است ، دین مبین اسلام نیز بواسطه تجار جاوا و سوماترا و بورنیو و دیگر جزائر مالایا بجنوب این جزائر رواج و تعمیم یافته ، چنانچه تا کنون با وجود مزاحم شدید حکومت هسپانوی اکثر اهالی جزائر جنوبی فیلیپائن مسلمان می باشند .

بتاریخ ۱۶ مارچ ۱۵۲۱ اولین مرتبه فردیناند میگین هسپانوی بدین جزائر وارد شد و بعد ازین تاریخ اهالی هسپانیه چهار بار دیگر بدین جزائر هجوم آوردند و بالاخره در سنه ۱۵۶۵ درین جزائر یک شهر را بنا نهاده و در سنه ۱۵۷۲ مانیلا را مرکز حکومت خود قرار دادند .

در سنه ۱۵۷۴ چینی ها تحت قیادت لهماونگ بر مانیلا هجوم آورده ولی بمراجعت مجبور شدند خلاصه تا سنه ۱۶۰۰ اهالی هسپانیه تمام جزائر فیلیپائن ماسوای (جزائر جنوبی یعنی : منداناؤ و سولا و پاواوان) را در تحت تصرف خود آوردند .

چون اهالی هسپانیه مسلمانان را در وطن خود بنام مورویاوی نامیدند بنا بران مسلمین فیلیپائن را هم به همین نام موسوم نمودند جنگهای ایشان با مسلمین تا سنه ۱۸۵۰ دوام داشت که در آن سال آخرین قلعه های جولو را تسخیر نمودند ولی آنها بردیانت خود برقرار ماندند ، حکومت داخلی جزائر جنوبی اسلامی تا حال بروسای محلی تعلق دارد و در دیگر جزائر کیش مسیحی رومن کاتولیک ترویج یافت .

در سنه ۱۷۶۲ جهازات جنگی برطانوی بر مانیلا هجوم آورده اهل هسپانیه را شکست دادند ولی یک سال بعد از آن تحت اثر شرایط صلح نامه پاریس دوباره شهر مذکور را به هسپانوی ها تسلیم نمودند .

از سنه ۱۸۷۲ اهالی فیلیپائن برای استقلال خود کوشان بوده اند در ابتدای سنه ۱۸۹۸ در حالیکه در جزائر مذکور اختلال داخلی جاری بود حکومت هسپانیه یک جهاز امریکائی را در بندر مانیلا آتش زد و جاهیز متخذه امریکه بر علیه هسپانیه اعلان حرب نموده در نتیجه قوای هسپانوی را مغلوب و جزائر فیلیپائن را متصرف شد .

درین اواخر حکومت اتازونی معاهده را امضا نمود است که بعد از یازده سال برای فیلیپائن آزادی تامه داده خواهد شد .

قلات (بلوچستان)

خانی قلات بجنوب افغانستان واقع و مساحت آن ۱۴۹۳۶۰ مربع کیلومتر است ، نفوس آن ۲۸۱۲۳۸ نفر و عموماً مسلمان سنی و از اقوام بلوچ و بروهی میباشند .

قبلاً خانی قلات نیم مستقل و تحت حمایت افغانستان بود . تاریخ ما قبل آن در تاریخ بلوچستان ذکر شده .

در سنه ۱۸۷۹ قرار مقررات معاهده گندمک امیر محمد یعقوبخان آنرا به تحت الحما یگی انگلیس گذاشت .
بعد از آن اراضی اقوام مرئی و بوگئی از خانی قلات مجزا گشت ، کویت و بولان ، توشکی و نصیر آباد نیز
بطور آجاره در عوض ۲۸۱۵۰۰ کلدار سالیانه بانگلیس داده شده و مستقیماً از طرف حکومت هند برطانوی
اداره می شود .

بقیه علاقه جات اراضی خانی قلات بر چهار حصه منقسم است : یکحصه تعلق به اهالی بومی داشته که مستقلاً
از آن استفاده نموده هیچگونه مالیاتی به خان نمیدادند . حصه دیگری تعلق به خان دارد اهالی مطابق
مقررات موضوعه مالیاتی بخان میدادند . حصه سوم نوابی خاران که بسرحد ایران واقع و از خانواده
نوشیروانی بوده تحت حمایه خان قلات است . حصه چهارم ریاست (لس یلا) است که سلطان محمود غزنوی
آنرا فتح و عمارات عظیم و قشنگی در آن بنا نموده بود ، رئیس (لس یلا) تحت حمایه خان قلات است . و عایدات
سالیانه لس یلا ۳۵۶۰۰۰ کلدار است و تعلق به رئیس لس یلا دارد ، رئیس مذکور از دودمان عبد مناف
و قریشی است . رئیس (جام) لقب ، و میر غلام محمد اسم دارد .

خان قلات میر محمد اکرم خان از قوم بروهی است و ملقب به نواب بیگلر بیگی می باشد .

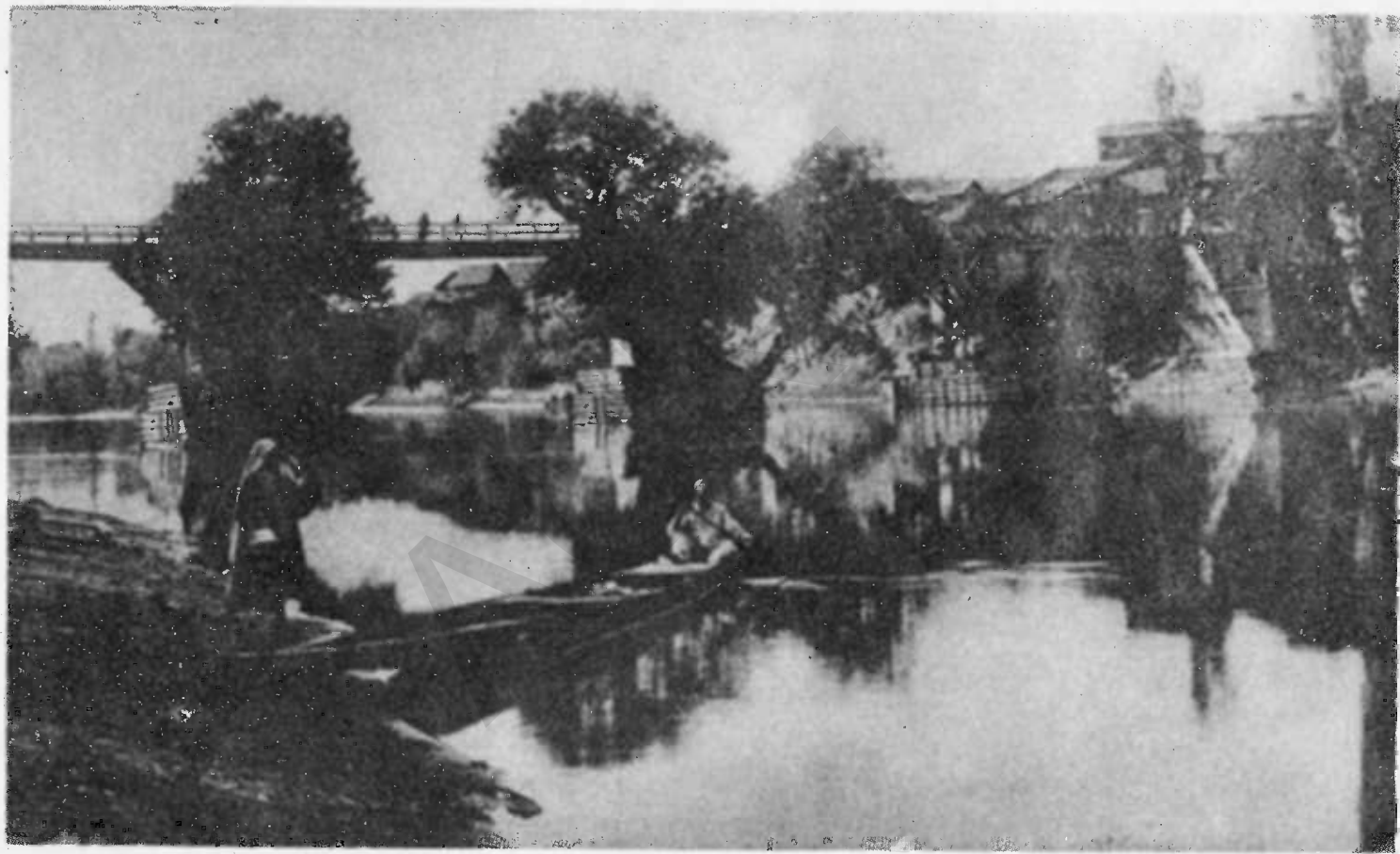
کشمیر

یک ریاست بومی هندوستان و در شمال مغرب هند واقع بوده مساحت آن ۲۱۹ ر ۲۱۸ مربع کیلومتر و نفوس
آن تخمیناً ۳۶۶۹۰۶۵ نفر است که منجمه آنها ۹۶ فیصد مسلمان میباشند .

در زمانه قدیم آریه های افغانستان از بلخ حرکت کرده و بعلاقه کشمیر رسیده بومیان را مغلوب نموده بودند
نام سنسکرتی مملکت کاسمیر بود ، در مهابهارت دو قوم کشمیر یعنی کسمیره و دراوائی را اثر اد کشتی هند شمال
شمار کرده اند در وقت سکندر مقدونی در کشمیر را جای قوی بوده که به سکندر اظهار اطاعت نکرده بود بالاخره
چیزی نحایف به سکندر فرستاد . بعد از رفتن سکندر در هندوستان چند رگیتای موریان تاسیس خاندن موریان را
کشمیر را فتح کردند تخمیناً از ۳۱۶ تا ۱۸۴ ق ، م کشمیر تحت حکمرانی خاندان موریان بوده - راجه اشوک قواسه
چند رگیتادین بودائیت را درین دیار رواج داد اما بعد از وفاتش بودائیت رو به زوال نهاد . برهمنیت بار دیگر تقویت
کوشانشاهان افغانستان (یعنی هوویشکا ، جوشکا و کانشکا) کشمیر را فتح کردند و در عهد کانشکای کبیر بحکم
شاه مذکور پنجصد عالم دین بودائیت در کشمیر مجلسی منعقد کرده راجع بذهب بودائی ۳ کتاب در زبان
سنسکرت تدوین نمودند که بنام « ارا به بزرگتر قاتون » موسوم شد بعد از سقوط کوشانشاهی برهمنیت باز
زنده شده و بدوران قرن پنجم میلادی چندین معابد هندو در کشمیر تعمیر یافت و چندین زائرین چینی در حدود
قرنهای ششم و هفتم از کشمیر گذشتند ، هیون تسانگ دو سال در کشمیر (۶۳۱-۶۳۳) اقامت کرد ، درین زمان در
کشمیر طوائف الملوکی بوده در قرن هشتم راجگان کشمیر به شهنشاه چین باج می پرداختند .

در حدود سنه ۱۰۰۶ میلادی سنگرام راجه کشمیر بود و تا سنه ۱۲۹۴ راجگان هندو در کشمیر سلطنت
می کردند حتی امیر شاه ملقب به شمس الدین تخت را از هندوها غصب نمود در سنه ۱۴۱۲ زین العابدین
یادشاه کشمیر بود .

در اواخر قرن چهاردهم سکندر یادشاه کشمیر بوده به تبلیغ دین اسلام مساعی بلیغه نموده بود تیمور کورگانی
دردهمین یادشاه به هندوستان حمله آورده سکندر باو اطاعت نموده و باج داد .



سالنامه « کابل »

پل چوبی بردریای سمرینگر

از شاهان مغولیه اکبر پادشاه، کشمیر را در سنه ۱۵۸۸ میلادی فتح کرد و علاقه موزون و خوشنای کشمیر تفرجگاه شاهان مغولیه گردید و آنها عمارات و باغات جلیل در کشمیر ساختند.

در عهد عالمگیر ثانی شاه مغلیه هند و ستان پادشاه افغانستان یعنی احمد شاه ابدالی حمله سومین به هند آورده کشمیر را اشغال کرد و کشمیر یک ایالت افغانستان گردید، حتی رنجیت سنگه در سنه ۱۶۱۹ آنرا تصرف نمود در وقت جنگ اول سکها و انگلیسها، از طرف سکها شیخ امام الدین حاکم کشمیر بود و رنجیت سنگه ایالت ججون را به گلاب سنگه را جیوت دوگره تفویض نموده بود و همین گلاب سنگه بعد از شکست سکها در جنگ سبراؤن (۱۸۴۶) میلادی شرایط صلح را فیمابین انگلیسها و سکها منعقد نمود انگلیسها یکنیم ملیون یونید استرلنگ بطور تاوان جنگ خواستند، چون دلپ سنگه راجه پنجاب اینقدر رقم کراف را ادا کرده نمیتوانست، علاقه کشمیر و هزاره را به انگلیسها تسلیم نمود اما گلاب سنگه رقم مذکور را پرداخت و انگلیسها او را حکمران کشمیر شناختند، گلاب سنگه حصص باقی مانده کشمیر را فتح کرده در حدود سلطنت خود الحاق نمود. بعد از مرگ او (۱۸۵۷) میلادی پسرش زیر سنگه جانشین او شد. حکمران دیگر مهاراجه پرتاب سنگه بود، مهاراجه امروزی سرمهری سنگه در سنه ۱۹۲۵ به تخت کشمیر متمکن گردیده است.

کوریا

کوریا عبارت است از یک جزیره نما و ۲۰۰ جزیره های خورد بطرف مشرق مانچوریا - مساحت کل مملکت ۲۲۰۷۴۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۳۰۵۸۳۰۵۸۲۱ نفر میباشد - اکثریت مردم در پیشه زراعت شغل دارند، مرکز حکومت شیول است.

بصحت هنوز معلوم نشده که کوریائی ها بکدام نژاد تعلق دارند اما از روی سیما غالباً از نژاد مغلی زرد پوست می باشد، از تخریرات چینی ها و کوریائی منکشف می شود که اولین پادشا کوریا (دانگون) در حدود ۲۳۳۳ ق، م سلطنت میکرد، پای تخت او (جی ریونگ) نام داشت و در جزائر کانگک و هه معابد تعمیر نمود خاندان این پادشاه تا ۱۰۴۸ دوام و سلطنت کرد.

روایات چینی، و کوریائی مظهر است ک: کی - تزی مصاحب و مشیر آخرین پادشاه سلاله سوم چینی بعیت چندین هزار مهاجرین چینی در سنه ۱۱۲۲ ق، م بکوریا رسیده و کوریائی ها او را پادشاه خود قبول کردند، این پادشاه مصلح معاشرت کوریائی را اصلاح و سرحد کوریا را با امن و فوج منظم در آن مقرر کرد و قانون درست را رواج داد، و کوریا را بنام چاوهسین موسوم نمود، اخلاف این پادشاه تا قرن چهار ق، م سلطنت کردند، و بعد از آن خانه جنکی برپا شده ولی هجومات اجانب آنها را بطرف اتحاد و اتفاق متوجه ساخت. با وجود خانه جنکی ها کوریا در علم و عرفان ترقی کرده، و در قرن چهارم میلادی کوریا مرکز تربیه علمی بوده بودائیت و ادبیات و علم اخلاق چینی را به همراه رسم الخط چینی بطرف جاپان نشست و اشاعت داد. در سنه ۹۱۳ میلادی وانگ مؤسس خانه جنکی ها را رفع کوریا را متحد و در یک حکومت منسلک نموده آنرا بنام کوری موسوم کرد و سونگک دو - را پای تخت قرار داده، بودائیت را دین حکومت تجویز کرد.

در قرن یازدهم قوم تنگوسی علاقه مغربی دریای یامورا منقرض نمودند. در وقت استیلای چنگیز خان، و قبلی خان کوریا م مورد حملات آنها شده خسارات بزرگی را متحمل شده بود فی تیجو و یا لیتان سلاله وانگک را در سنه ۱۳۹۲ برانداخته بر تخت کوریا متمکن گردید. لیتان به اولین شهنشاه مینگ

چین اظهار اطاعت و انقیاد نموده و شهنشاه مذکور به اولقب « شاه » داده جنتری و تاریخ چین را نیز به او فرستاده و ارسال این چیزها در حقیقت علامه ایست که مرسل الیه مطیع و تابع او است ، فی تیجو کوریا را چاو هئین نامیده سیول را پاتخت خود قرار داده ، و دستور العمل اداری را انفاذ داد و آن تا به سنه ۱۸۹۵ با چیزی تعدیلات رواج داشت اصلاحات جدی را اجرا و بودائیت را الفا نمود ، و چنان قرار داد که اشخاص بشرطی مامور حکومت شده می تواند که در ادبیات چین کامیاب شوند ، نیز کافئو شیست را دین دولت قرار داد قربانیهای آدم و زنده بگور کردن آدم پیرا موقوف نمود .

شهنشاهان متاخر کوریا در اداره و انتظام و امنیت مملکت تساهل و رزید . لهذا قراقان بحری جاپان رشك برده . بر سواحل کوریا تاخت می آوردند ، بعد از آن در سنه ۱۵۹۲ هائیدی یوشی (نائب السلطنه بزرگ جاپان) (۳۰۰) هزار عسکر جاپانی را به فتح کوریا مامور ساخت ، چینی ها عسکر بامداد کوریا فرستادند چنانچه تاشش سال متواتر محاربات بزرگ و خونت ریزی بین آنها دوام داشته ، جاپانیها سیول و شهرهای مهم دیگر را اشغال نمودند ، طبعاً این جنگها باعث خسارات کلی کوریا گردید .

چون هائیدی یوشی فوت کرده بود لهذا عسکر جاپانی پس خواسته شد مگر جاپانیها باج گزاف از کوریا ستانیدند ، و شاه کوریا تا سنه ۱۷۹۰ میلادی مطیع و ماتحت جاپان بود ، بعد از آن کوریا جدا افتاده و دول اروپائی در آن تبلیغات عیسویت را شروع کردند ، لیکن کوریا ئیها مبلغین فرانسوی و امریکائی را بقتل رسانیدند چنانچه عسکر اروپائیها در سنوات ۱۸۶۶ الی ۱۸۷۱ میلادی به بعضی حصص کوریا حمله برده خسارات زیاد جانی بکوریائیها رسانیدند ، اما چیزی منفعت دیپلماتیکی را بدست آورده نتوانستند . روسیها در سنه ۱۸۶۰ با جازه چین تا بدریای تومین بعضی علاقجات را بتصرف خود آوردند . چون در کوریا قحط شدید واقع شده بود لهذا عده زیادی از کوریائیها و بعضی مسیحیون کوریا به مملکت روس هجرت نمودند ، حکومت روس با آنها سلوک خوبی را مرعی داشت در سنه ۱۸۷۶ جاپان برضای چین همراه کوریا معاهده نمود که فوسان برای تجارت و توطن نقری جاپانی آزاد باشد ، بهمین منوال ریچون و ودن سان برای جاپان باز شد ، بعد بنا بر نفاذ « قواعد تجارت و سرحد » از طرف چین ممالک غیر مثل امریکه ، جرمنی ، برطانیه ، رملی ، روس معاهدات تجارتی را منعقد نمودند ، در سنه ۱۸۸۴ سیول برای اقامت اجانب باز شد و اجینی ها در ایالت های کوریا سفر کرده می توانستند ، اگرچه تا آن زمان فوقیت و امپراطوری چین تسلیم می شد ولی کوریا خواهش استقلال و آزادی را داشت - در میان ۱۸۹۷ و ۱۸۹۹ تحت فشار دیپلماتیکی یک عده بندرگاهها برای تجارت و اقامت خارجه باز شد .

تی ودن - کول در حدود سنه ۱۸۸۲ - سنه ۱۸۹۴ سازشی نموده تا به پادشاهی کوریا فایز شود در نتیجه سفارت جاپان مورد حمله شد اما سفیر چینی با ممداد عسکر چینی - تی ودن - کول را بطرف تلننت شین تبعید نمود - در سنه ۱۸۹۴ سازش دیگری بر پا شده و پادشاه کوریا از چین امداد فوجی خواست چین قرار معاهده به جاپان اطلاعیه روان کرده (۲۰۰۰) نفر سپاهی بکوریا فرستاد جاپان چندی بعد (۱۲۰۰۰) سپاهی بکوریا وارد کرده بعض اصلاحات را پیشنهاد کرد چین جواب داد که باید کوریا گوائف داخلی را خودش فیصله نماید ، و جاپات باید پیش از مقاوله افواج خود را خارج کند - جاپان این تجویز را رد و حمله کرده ارگ شاهی را اشغال نمود سپس قیامین جاپان و چین محاربه مشتعل شده کوریا میدان حرب طرفین گردید - بالاخره شاه کوریا امپراطوری چین را رد و اطاعت جاپان را قبول نمود - حکومت جاپان اصلاحات مفیده را در هر شعبه حکومت داخل و دائر نموده تا ۱۸ ماه حکومت بصورت درست دوام می نمود که تی ودن - کول بامداد فوج جاپانی به شیول حمله برده ملکه را کشت و پادشاه کوریا بسفارت روسیه پناه جست بعد از آن نفوذ و رسوخ جاپان رو به تنزل نهاد و حمله اصلاحات لغوشد ، و حکومت روسی ترتیب و اداره مایه کوریا را خراب ساخت و پادشاه کوریا لقب شهنشاه را اختیار کرده . تمام شعبات حکومت بی ربط و

متزلزل و در تمام مملکت بدامنی و بدنظمی بیاگشت. و روسی ها به تزئید آن سعی می نمودند. جاپان این وضعیت را دیده، اندیشه نمود که کوریا را روس، و یاپیکی از دول اروپا اشغال میکند پس از راه جنگ در آمده در سنه ۱۹۰۴ روس را شکست داد، و بواسطه معاهده صلح معاملات خارجه کوریا تحت اداره جاپان در آورده شد. در سنه ۱۹۰۷ پادشاه کوریا به ایماي کابینه کوریائی در حق پسر خود خلع نمود.

جاپان در همین سال قرار دادی را به زور عسکر بالای کابینه کوریائی قبولاند، یکی از مواد مذکور این بود که: فوج مقیم کوریا منتشر کرده شود، بنا بران شورشی بیاشده و جاپان آن را بقوه فوجی خود فرو نشاند. شهنشاه و کوریا به ۲۹ اگست ۱۹۱۰ تحت و تاج کوریا را برای جاپان واگذار شد. بعد ازین تاریخ کوریا راساً تحت اداره و تسلط جاپان درآمد، و تا حال یک مستملکه مهمه جاپان میباشد اما روح آزادی و استقلال کوریائی ها گم نشده، چنانچه در سنه ۱۹۱۹ اهالی کوریا قریباً به تعداد (۲۰۰.۰۰۰) نفر بغاوت غیر مسلح نموده اعلان آزادی خود را کردند ولی حکومت جاپان فوراً سر کرده آنها را محبوس نمود، و این بغاوت فرو نشد.

ناگفته نماند که بودائیت از قرن دم الی قرن چهار دم فوقیت داشت اما بعد از ان دین کاتلیوسی رواج یافت و حال هم همین دین، دین عمومی کوریائی ها میباشد، آنها پرستش آبا و اجداد را نیز ملحوظ دارند، علاوه به شیاطین موهومی نذر و نیاز میدهند تا آنها به قهر و غضب نشوند. نصارای یورپ سعی بلیغ در تبلیغ دین مسیحی دارند چنانچه درین ایام ۲۵۰ هیئت مبلغین پروتستانی و ۶۰ هیئت از رومن کاتولیک در کوریا شفاخانه ها و یتیم خانه ها و مکاتب ابتدائی و عالی را تاسیس و انجیل را در زبان کوریائی ترجمه نموده مصروف تبلیغ و اشاعت دین مسیحی میباشد.

مانچوریا

مانچوریا مملکتی است واقع به شمال مشرق چین خاص و دارای ۳۸۲۰۰۰ مربع کیلومتر مساحت و نفوس آن عبارت از نفر است.

خاک مانچوریا در تاریخ چین از زمانه های بسیار قدیم نمایان و حصه مهمی را دارست در ازمنه سابقه ریاستهای متعدد هتولی از خاندان چو، بربك قسمت مانچوریای جنوبی قابض و حکمران بودند و وقتاً فوقتاً خاندانهای قوی تر چینی بر حصص مذکوره دست تعدی دراز میکردند. در قرن دم میلادی ازین قوم خاندانی موسوم به لیاؤ زمام ریاست را در دست گرفت و آنها نه فقط بر قسمت مانچوریا حکومت میکردند بلکه قطعات منگولیا و چهل را نیز در تصرف خود آورده بودند.

در قرن دوازده قوم نوچن ختیانها را برانداخته دودمان کین را بر سر حکومت آورده بودند کین ها که شاخی از قوم نوچن بودند چین شمالی را گرفتند از ان به بعد مغولها استیلا نموده نوچن ها را برانداختند. در قرن شانزدهم میلادی مانچوها (که پادشاه فعلی مملکت از همین خاندان است) تحت قیادت (نورها چو) اقتدار و برتری حاصل کرده بقدری قوی گردیدند که بالاخره در قرن هفدهم میلادی تمام چین را فتح نمودند.

بعد از کشف امریکه دول مغربی بطرف شرق تمایل نمودند و در اکثر حصص مشرق زمین بسرعت پیش میرفتند ولی تهاجات آنها را (کیانگ هسی) پادشاه آنوقت مانچوریا در چین معطل کرد. در قرن نوزدهم (۱۸۵۸) بواسطه سؤ اداره داخلی چین روسیه تزاری بر کل علاقه جات شمالی دریای آمو رقابض گشت و در سنه ۱۸۶۰ علاقه مشرق آسوری را گرفت و مقارن همین اوقات بعضی دیگر



« لانه کابل »

شهر موکدن

دول مغرب سواحل چین دست یافته تجار تخانه ها بنا نمودند ولی هم امتیازات تجارقی و غیره از حکومت چین حاصل می برداشتند در سنه ۱۸۹۰ جاپان جزیره نمای (لیاؤنگک) را قبضه نمود ولی دوباره جزیره مذکور بامداد روسیها به چین مسترد شد متعاقباً خود روسیها بندر آرتور را بیست و پنج ساله اجاره کردند و یکخط آهن از هارین الی مکدن تمدید نمودند در سنه ۱۹۰۰ روسها قشونی در مانچوریا گسیل نمود تا بغاوت (بکسرها) را فرو نشاند و بعد ها با وجود اجتماع ها در کشیدن قشون خود مسامحه ورزیده بلکه در حدود مقبوضه خویش به تعمیر استحکامات نیز پرداخت .

آخراً این پیشرفت روس در مانچوریا و چین حوصله جاپان را بسر آورده به دولت روس اعلان جنگ داد و محاربه مشهور روس و جاپان بعمل آمد و روسها در آن محاربه مغلوب گردیدند و جاپان بواسطه معاهده پورتسمت مقبوضات روسیه را متصرف گردیده و درعلاقه مانچوریا نفوذ زیادی پیدا کرد .

در سنه ۱۷۷۶ شاهان مانچو برای اهالی چین اجازه داده بودند که بعلاقه فنگتین ایالت جنوبی مانچوریا هجرت کرده آباد شوند و در آخر قرن نوزدهم مجبوراً اجازه اقامت علاقه (کی این) را نیز با اهالی چین دادند و عده زیادی از دهاقین چین شمالی در زمین های لامزروع مانچوریا رفته آباد شدند و در اختتام همین قرن قرار احصائیه تعداد نفوس مانچوریا به چهارده میلیون نفر می رسید که فی صد هشتاد آن چینی بودند لهذا از مهاجرین چینی و مانچوریهای قدیم اختلاط مهم نسلی شده صرف نفوس خالص مانچوها در علاقه ایگون حصه شمالی مانچوریا باقی ماند .

در سال ۱۹۳۳ نظر به تشویق جاپانیها که به مرور چند سال به تعداد مهاجرین چینی افزوده بود احصائیه نفوس مانچوریا به ۲۷ میلیون میرسید که از آن جمله نود فیصد چینی بودند و بالغ به (۲۵۰۰۰۰) نفر نفوس جاپانی نیز در آنجا اقامت گزین گردیدند ازین به بعد بواسطه کثرت نفوس خارجی رخنه در استقلال سیاسی مانچوریا پیدا شده وضعیت یک علاقه سرحدی را بین حکومت چین و جاپان پیدا کرد ، دول خارجه مخصوصاً روس و جاپان با نظر حرص بطرف آن ملاحظه میکردند .

در اواخر همین قرن یعنی قرن ۱۹ دولت چین خیلی کمزور شد و خانه جنگیها در آن سرزمین قائم گردید جاپان موقع را غنیمت شمرده بنام حفظ امنیت مانچوریا و خط آهن خود که بقدرهفتصد میل در آنجا دارد یکمقدار قشون زیاد را وارد مانچوریا نمود و به تسلط او خیلی افزوده از معادن و زراعت آنجا کار میگرفت خصوصاً بقرار معاهده پورتسمت جاپان امتیازات زیادی در مانچوریا حاصل کرد .

ملت چین آخراً بواسطه فشارهای دول اجنبی در سال های ۱۹۰۵ و ۱۹۲۷ بر علیه دول خارجه مثل امریکا ، ژاپن ، برطانیه اعتصاب ها کردند و در سال ۱۹۳۱ اعتصاب شدیدی بر علیه جاپان کرده پادشاه موجوده مانچوریا که در آن وقت شاه چین بود وی را خلع نمودند .

بعد از خلع این پادشاه ملت چین می خواستند امتیازات ممالک خارجه را از ساحت چین لغو مخصوصاً نفوذ جاپانرا از مانچوریا قطع کند بالاخره بواسطه خراب شدن یک حصه خط آهن جاپان در مانچوریا الزام جاپانیها بر علیه چینی ها و اعزام یک هیئت تحقیق جاپانی در آنجا و قتل یک نفر صاحب منصب جاپانی بدست چینیها ها آتش حرب بین چین و جاپان مشتعل گردیده در آخر دولت جاپان استقلال مانچوریا را اعلان نموده شاه موجوده که (هان تنگ) نام دارد و در سال ۱۹۰۶ تولد شده و بسن دوسالگی به سلطنت چین رسیده بود و بادختر یک نفر رئیس مانچوریا ازدواج کرده است آنرا دوباره در مانچوریا بسطنت برقرار نمودند .
گویا مانچوریا عجله دولت مستقل و متحد جاپان به شمار می رود .

مکاؤ و تمور

از مقبوضات وسیع سابق پورتگال در شرق اقصی و جزائر شرق الهند مکاؤ و تمور باقی مانده است .
مکاؤ بندریست بساحل چین پیش دهانه دریای کانتن که مساحت آن عبارت از ۱۰ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۱۵۷۸۰۵ نفری باشد .

و تمور پورتگالی که عبارت از نصف شرق جزیره تمورا است در جزائر شرق الهند واقع است ، مساحت آن ۱۸۹۸۹ کیلومتر مربع و دارای ۴۵۱۶۰۴ نفر نفوس است .

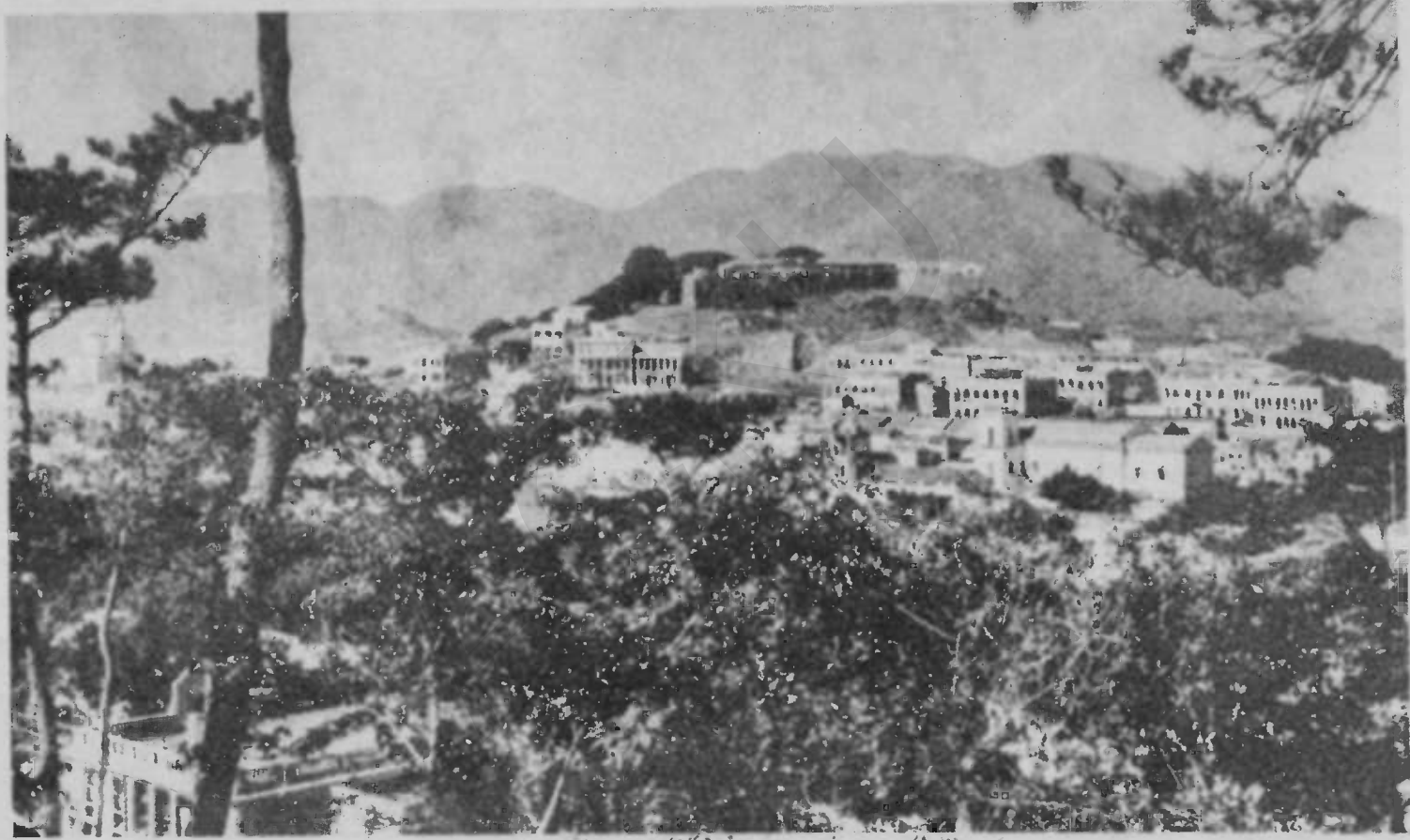
در ابتدای قرن ۱۶ بحر بیابان پرتگالی در قطعات بحر مصروف کشف ، تجارت و فتوحات گردیده در سنه ۱۵۰۱ م دد هند بمقات کوچین و کالی کت تجارخانه ها تاسیس نمودند ، در سنه ۱۵۰۶ پورتگالیها به جزیره سیلون وارد گردیدند ، در سنه ۱۵۱۵ م البوکک در خلیج فارس جزیره هرمز ، در سنه ۱۵۱۷ مقام گوا در ساحل مالابار ، در سنوات ۱۵۱۲ و ۱۵۱۴ بعضی حصص جزائر مولوکارا در شرق الهند بتصرف خویش درآوردند ، در سنه ۱۵۱۷ به چین و در سنه ۱۵۴۷ به جاپان وارد شدند .

بعد ازین تاریخ دامنه تصرفات ایشان توسعه یافته ، بنادر متعددی را بر سواحل ایران و مالابار و سیلون و هند چینی و جزائر شرق الهند متصرف گردیدند .

قدیمترین مستعمرات اروپائیها در شرق اقصی بندرگاه مکاؤ است که پورتگالیها در سنه ۱۵۵۷ از دولت چین آنرا باجاره گرفته و تا سنه ۱۸۴۹ پول اجاره را به حکومت چین تادیه می نمودند ، از سنه مذکور به بعد مکاؤ را جزو مستعمره پورتگال محسوب نموده و از تادیه پول اجاره دست گرفتند . چین این مسئله را باین شرط قبول نمود که مکاؤ را بدون رضای چین پورتگال بدوات دیگری ندهد و در اخذ گمرک تجارت تریاکته با حکومت چین متحد باشد . اما موضوع تحدید سرحد تاکنون فیصله نشده مناقشات باقی است .

مقبوضات پورتگال در جزائر شرق الهند در اثر محاربات با مسلمین و هالندیها و غیره ، یکی بعد دیگری از تصرف پورتگال خارج شد و در سنه ۱۸۵۹ بموجب معاهده نصف جزیره تمور به پورتگال و نصف غربی جزیره بهالندیها تعلق گرفت و مسائل مرحدی در سنه ۱۹۰۸ فیصله شد .

مکاؤ و تمور در سابق از یک مرکز اداره میگردد در سنه ۱۸۹۶ م این دو مقام از هم جدا شده ، مرکز تمور دیلی ، و از مکاؤ خود مکاؤ است .



یک منظره از کوهستان در وسط سمنگان در میان پراگانی

ملایا

جزیره‌های ملایا بانجام جنوب مشرق آسیا واقع و بجزیره‌های هند چینی مربوط است مساحت آن مساوی کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از فراست این مملکت تماماً کوهستانی و دارای جنگلات وسیع کوهی می‌باشد، بومیان قدیم اینجا سیاهان یست قد بوده و دیگر اهالی عبارت از ملائیندا، هندوها، چینها و سیامیها می‌باشند. از باعث موقعیت جغرفیائی جزیره‌های ملایا مال‌التجاره بجزیره چین و جزایر شرق‌الهند با ممالک جنوب و غرب آسیا از ساحل عبوری‌کنند، و نیز مرکز تقسیم (چهار مصالح) که از مال‌التجاره قدیم دنیا است، میباشد بنا بران سواحل و بنادر آن از ازمنه قدیمه آباد و گمان می‌رود دارای مدنیتی بوده است، اما چون تاریخ قبل‌الاسلام آن روشن نیست نمیتوان از چگونگی مدنیت قدیم آن بحث راند.

از قرائن چنان استنباط میگردد که در زمانهای بسیار قدیم تجارت ملایا بطور انحصار بدست تجار سواحل هند بود، چنانچه میگستیز یوتانی که از طرف سیلوکس بدر بار (چندر کپتا) در قرن ۳ قبل‌المیلاد سفیر بود در کتاب خود از آن نام می‌برد به تحقیق پیوسته است که سواحل ملایا در قرن اولیه مسیحی بهند تعلق داشت چنانچه آثار بودائی و کتیبه هادر السنه دکنی از قرن ۴ مسیحی و آثار معابد براهمنی و کتیبه‌ها در رسم الخط ناگری که در شمال هند از قرن ۷ تا ۱۰ رایج بود در آنجا یافت شده اثبات مدعی می‌نماید در قرن ۹ میلادی قرار تحریرات جغرافیدان شهیر اسلامی (ابن خردادبه) این جزیره نام با میرا طوری عظیم (پالم بانگ) تعلق داشت و در باب بنادر سنگاپور و کیده هم اشاراتی در کتاب المسالك و الممالک علامه مذکور بدانجا شده. در ابتدای قرن ۱۳ م راهب بودائی (چاوجوکوا) در بیان مسافرت‌های خود ذکر می‌کند که (کیده کیلان تان، پاهانگ، ترنگانو) مطیع سلطنت بودائی سوماترا که مرکز آن در (پالم بانگ) بود، بوده‌اند.

کتاب تاریخی جاوا نشان میدهد که در قرن ۱۳ و ۱۴ نفوذ امپراطوری براهمنی ماجایاهت (جاوا) تا جزیره‌های ملایا وسعت یافته بود و راجگان آن دیار تحت تسلط و باج‌گذار او بودند.

در همین قرون تجارت اسلامی از ساحل مالابار و سواحل عرب جهت تجارت به جزیره‌های ملایا و جزایر شرق‌الهند آمد و رفت نموده و ضمناً به تبلیغ دین نیز می‌پرداختند چنانچه در سه ۱۲۹۱ م که مارکوپولو سیاح ایتالیوی وارد این دیار گردید مسلمانان و مسلمانی را در آن دیار دید.

در قرن (مابعد) میلادی اهالی چین دین منیف اسلام را قبول کرده امپراطوری سری و جیا (پالم بانگ) را در سوماترا برانداختند و بتصرف مستملکات ملایا و تبلیغ دین اسلام درین دیار پرداخته و در قرن ۱۴ و ۱۵ دیانت خویش را در آنجا تعمیم و استحکام بخشیدند. کتیبه اسلامی از عصر ۱۴ بلسان ملائی و رسم الخط عربی از زمان (سری یا دوگاتوان) شاه اسلامی آنولا که در آن شاه مذکور حکام خود را باستحکام و نشر مذهب اسلام حکم و تاکید می‌نماید، کشف گردیده است.

این بطوطه که در قرن () میلادی وارد سوماترا گردید شرحی در باب این ممالک نگاشته است.

تا قرن ۱۵ میلادی تمام تجارت و سلطنت بدست مسلمانان جزیره بود، بعد از آن در ابتدای قرن ۱۶ پرتگالیها جهازات جنگی خویش را به ملایا فرستادند اما از قشوت سلاطین ملایا شکست فاحش یافتند ولی در سنه ۱۵۱۱ م البوکرك بر بندر ملاکا استیلا جست، سلاطین ملاکا قبل از آمدن پرتگالیها اکثر رؤسای محلی حصص جزایر رامتحت سلطه و اقتدار خویش آورد. و با دختران ایشان از دواج نموده بودند، وقتیکه پرتگالیها بندر ملاکا را استیلا نمودند سلطان مرکز خود را به (جوهور) قرارداد و تا سه صد سال نفوذ و اقتدار سلاطین جوهور بر جزیره‌های ملایا و جزایر شرق‌الهند برقرار بود و در شکست

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

قوة برنگال بسی جد و جهد ورزیدند در نتیجه هالندیها ازین کشمکشها مستفید شدند و بعضی ریاستها که در حصة شمالی جزیره نمای ملایا واقع بودند تحت حیا به شاهان سیام درآمدند .

در سنه ۱۵۲۸ فرانسوی ها ، در ۱۵۹۱ انگلیسها ، در ۱۵۹۵ هالندیها به نواحی ملایا در انحصار تجارتی اهالی برنگال مداخله نمودند در سنه ۱۶۴۱ اهالی آچین (سوماترا) برنگالیا را از ملاکارا نندند وهالندیها که با آچین در راندن برنگالیا در آن وقت اتحاد داشتند جانشین برنگالیا گردیدند برنگالیا وهالندیها به سبب قوت و مخالفت رؤسای محلی نتوانستند نفوذ پیدا کنند وغیر از بندر ملاکارا در آنجا وسعت یابند تنها به انحصار تجارت اکتفا ورزیدند .

در سنه ۱۶۱۳ انگلیسها تجارتخانه مسلحی در حکومت بینی تاسیس نمودند ولی در سنه ۱۶۳۰ م رئیس آن بمقابله هالندیها مقتول و تجارتخانه مذکور مسدود شد .

در سنه ۱۷۸۶ م انگلیسها بندر (پنیانک) را از سلطان (کیده) و در سنه ۱۸۱۹ م بندر شنگا پور را از سلطان جوهور خریدند .

در سنه ۱۸۲۴ ملاکارا که قبلاً در ایام جنگهای ناپولیون بتصرف انگلیس آمده بود تبادلۀ از هالندیها گرفتند هر سه این نقاط در اول از طرف حکومت برطانوی هند اداره می شدند در سنه ۱۸۶۷ م بصورت مستعمره جداگانه تشکیل یافت در سنه ۱۸۷۴ م حکومت براک تحت حیا به برطانیه قرار گرفت و ریاسات باقیانده بعد از آن یکی بعد دیگری تحت الحما یکی برطانیا را پذیرفتند .

در سنه ۱۹۰۹ م چهار ریاست (کیلاتان ماترانگانو ، کیده ، پلس) که هفت سال قبل از قرار معاهده ۱۹۰۲ م تحت حیا به سیام تسلیم شده بود ، سیام حقوق خود به برطانیا واگذار نمود .

کنون ماسوای ریاست (پالاولان ، ساتوم ، یاتانی وغیره) که تحت الحما به سیام میباشند و مستعمره موسوم به ستریت ستلمنتس تحت الحما به برطانیای باشند . ملایا ریاسات ذیل منقسم است :
پیراک سیلانگور ، سونگائی او جونک ، جیلی بو ، جوهور ، ریمبا ، او او او نو وار ، جیم پول ، تیراجی ، گونونگ پاسیرای ، ناس ، یاها نک جوهور ، کیلاتان ، ترنگانو . کیده ، پلس .

منگولیا

کشور منگولیا (مغلستان) سطح مرتفع وسیع است که در شمال شرق چین واقع شده و مسافت آن تخمیناً ۳ میلیون کیلومتر مربع و اکثر حصص اراضی آن بی آب و غیر مزروع است .

از آغاز تاریخ این سرزمین ، مهد آرامش اقوام سلحشور و خانه بر دوشی بوده که در مواقع حوادث خانه بر انداز و شهر آشوب از کشور خود مهاجرت نموده اساس بزرگترین دول متمدنه آسیا و اروپا را از بیخ و بن بر انداخته و مقدرات آینده مثل را بطرح دیگری ریختند .

در تحت قیادت و فرمانفرمائی چنگیز خان و سلاله او (۱۱۶۲ و ۱۲۲۷ میلادی) مغلستان مرکز امپراطوری نصف جهان آنوقت بوده از بحیره بالک و بحر سیاه تا بحر الکاھل و از بحر منجمد شمالی تا بحر هند تماماً در تحت تصرف و تسخیر آنها بوده است .

در سنه ۱۲۶۰ قبلائی خان نواده چنگیز خان تمام ممالک چین را تحت تصرف و اقتدار خود در آورده و سلاله شاهی یوان را تاسیس و روی کار آورد و تا مدت ۱۰۸ سال مغلستان جز و ممالک شاهنشاهان مغولی چینی شناخته میشد . بعد از انقراض سلاله یوان بدست منگها مغلستان از چین مجزا گردیده و شکل ملوک الطوائفی اختیار نمود و درین فرصت شاهان چین باتمام موجودیت خود سعی میکردند که دوباره ممالک چین را

بتصرف خود بیاورند تا اینکه در سنه ۱۶۸۹ در مجلس دولونور تمام امرای مغلستان اجتماع نموده سلطنت شاهنشاهان مانچوی چین را قبول کردند، بعد ازین واقعه تاریخ مغلستان جز و تاریخ چین بشمار می رود؛ در اوایل قرن ۱۹ شاهنشاهان چین از ترس استعلاک جاپان و روس اهالی چین را تشویق نمودند تا اراضی وسیعاً لا مزروع مغلستان را آباد نمایند.

اهالی مغلستان حیات قبیله وی دارند و هر قبیله بنام (چی) که معنی آن توغ است یاد میشود، علاوه برین هر توغ مالک یک خان بوده و هر خان هم بنام جک نامیده می شود و چند قبیله که از یک صلب و نسل باشند بنام ایماق یاد می شوند.

طرز حکومت :

منگولیا در شش ناحیه منقسم است و هر ناحیه در تصرف یک رئیس قومی است و هر رئیس برای اجرای امور اداری یک معاون چینی دارد که بتصویب حکومت چین معین می شود، و این شش ناحیه یا بعبارت دیگرشش ایماق پنجندین هوشن های دیگر منقسم است و هر هوشن راجک آن بامامور چینی که از طرف حکومت معین شده اداره می نمایند.

حکومت منگولیا خراج سالانه را بحکومت چین تادیه نمینماید، ولی برای اجرای امور امنیه، پوسته، و حرب نفی نیکه در آن موقع بکار باشد آماده و مهیا می نماید.

بعد از انقلاب چین حصه که ملحق به روس آسیائی است در اثر تحریک روس جدا شده یک جمهوریت شورائیه تشکیل داده است. و حصه شرقی آن ضمیمه امپراطوری جدید مانچوکو گردیده است.

نجد

نجد در مرکز عرب واقع بوده تخمیناً سه میلیون نفوس دارد - قبایل چادرنشین از ازمئه خیلی قدیم در دشت و نخلستان نجد بهر ای کله ها و رومه های خود گشت و گذار می کنند مهمترین قبیله های بدویها قبایل شمر، حرب، عتیه، مؤتر میباشد در نجد نخلستانهای زیاد وجود دارد لهذا بعضی اهالی پیشه زراعت هم دارند.

در سنه ۸۸۷۱ و قتیکه مدحت پاشا در الحصار قشله خورد عسکری را بنا نهاد نجد رسماً در حدود سلطنت ترکیه درآمد اما در استقلال داخلی این خطه چیزی تأثیر نینداخته بود چنانچه محمد ابن رشید در حائل و عبدالله ابن سعود در ریاض حکمرانی می کردند در سنه ۱۸۹۲ ابن رشید خلاف ابن سعود لشکر کشی نموده به مقام عنیزه فتح حاصل کرده حکمفرمای کل نجد گردید - اما جانشین او عبدالعزیز ابن رشید حکمرانی را دوام داده نتوانست و اگرچه ترکیه برای او امداد رسانیده بودند لیکن ابن سعود در سنه ۱۹۰۵ او را شکست داده در نجد غلبه حاصل کرد - ابن سعود در سنه ۱۹۱۴ الحصار را از ترکان گرفته حدود سلطنت خود را تا به خلیج فارس توسعه داد اما بدوران حرب عمومی خلاف ترکان برادران دینی خود جنگ نکرد و بعد از اختتام جنگ عمومی در سنه ۱۹۲۰ بعضی حصص عشریرا فتح کرد. در سنه ۱۹۲۱ حائل و دیگر علاقه امیر جبل شمر را به تصرف خود آورد و در اوایل ۱۹۲۵ شاه حجاز را براندخته حجاز را اشغال نمود.

در حدود سلطنت سلطان نجد شیخ های متعدد بر علاقه ها حکمرانی می کنند و قانون حکومت خالصاً شریعت بیضای اسلامی است، بعضی وقایع مهمه زیر عنوان عرب و حجاز بیان شده.

نیپال

اولین خانوادہ‌های تاریخی نیپال گیتا بوده موسس آن فی مونی Ne Muni نامدارد بعد ازان خانوادہ‌های متعددی به سر اقتدار آمد که مشهورترین شان اہیر Ahir کراتی Kirati سومالانسی Somavanshi سوریا وانسی Suryavanshi تکوری Thakuri ویشہ تکوری Vaishya Thakury و کرناٹاکی Karnataki بودند - تا سال ۱۳۲۴ و قاع این مملکت به تحقیق معلوم نیست ولی در سال مذکور راجای سیمرون Simraun که از محمد تغلق شکست خورده بود به نیپال حمله ور گردیده آنرا فتح نموده ازان خانوادہ چہار نفر پیغمبر سر اقتدار آمدند ولی بعد ازان شہزادہ راجیوت جابدر Gayabhadra malla بران سلطہ یافت حکمدار ہفتم این خانوادہ جیاس تی Gayastithi malla از سنہ ۱۳۸۶ تا سنہ ۱۴۲۹ بعضی قوانین و مراسم طبقات ملی را در مملکت خود ترویج داد این خانوادہ در سنہ ۱۷۶۸ بواسطہ گورکھا منقرض گردید، گورکھا از مقابل مسلمانان گریختہ اول برکھای کوماؤن Kumaon حمله آوردند سپس در تحت سرکردگی راجا پرتوی زائن بطرف نیپال پیش قدمی نموده و آنرا متصرف گردیدند در سنہ ۱۷۶۵ انگلیس ہا برای کمک راجای کتمند و عسکری در تحت کیتی کن لوچ Kni loch فرستادند ولی بنا کاهی مراجعت نمود پرتوی زائن در سنہ ۱۷۷۴ درگذشت پسر بزرگش پرتاپا سینا Pratapasinha بعد از سه سال حکومت درگذشت رانا بہادر شاہ پسر پرتاپا سینا بیچہ خورد سال ۱۷۹۰ گورکھا برتبت حمله بردند ولی بعد از سه سال جنگ بہ معاہدہ نواکوت Noakote مجبور گردیدند در ۱۷۹۱، ۱۷۹۲ معاہدات تجارتی بین انگلیس و گورکھا امضا گردید .

در سنہ ۱۷۹۵ رانا بہادر ادارہ حکومت را بدست گرفت و در سنہ ۱۸۰۵ بواسطہ ظلم خود بقتل رسید در سنہ ۱۸۱۴ آتش جنگ در بین انگلیس و نیپال در گرفت در نتیجہ نیپالہا نمایندہ انگلیس را در کتمندو بعضی اراضی را در حق انگلیس قبول نمودند در سنہ ۱۸۵۰ جنگ بہادر حکمران نیپال بہ انگلستان سفر نمود و چون بوطن خود بازگشت متوجہ اصلاحات بودہ و خدمات بزرگی برای نیپال بعمل آورد در سنہ ۱۸۵۴ نیپالہا برعلیہ تبت داخل جنگ گردید و این جنگ کاملاً بفائدہ شان انجامید در شورش ہند جنگ بہادر با وجود مخالفت شدید ملت طرفدار انگلیس بودہ کمک برای شان فرستاد و حتی بالاخرہ خودش بسرکردگی ہشت ہزار عسکر و ۲۴ توپ برای معاونت انگلیس داخل ہند گردید، در عوض این خدمات انگلیس او را القاب و اسلحہ و عسکرش را انعام داد . جنگ بہادر در سنہ ۱۸۷۷ درگذشت و برادرش رانا نادیپ سنگ بہادر برسر اقتدار آمد ولی در سنہ ۱۸۸۵ در نتیجہ شورش بزرگ بہ قتل رسیدہ و شمشیر جنگ بہ سلطنت رسید کہ بعد از ۶ سال حکومت درگذشت و برادرش دیپ شمشیر جنگ بہ سلطنت رسید اما بعد از چند ماہ بہ ترک وطن مجبور گشت و سلطنت را در حق برادرش چندر شمشیر جنگ گذاشت مشارالہ در جنگ تبت و انگلیس بطرفداری موخرالذکر بودہ کمک عسکری نمود و در جنگ عمومی نیز بطرفداری انگلیس بودہ تمام عسکر خود را برای کمک شان پیش نمود و تقریباً دہ ہزار نفر شان در ایام جنگ در داخل ہند و سرحدات آن برای انگلیسہا خدمت نمودند و در جنگ استقلال افغانستان سنہ ۱۹۱۹ دہ ہزار نیپالی بہ کمک انگلیس آمد .

انگلیس بدوران جنگ عمومی بہ مہاراجہ نیپال وعدہ دادہ بود کہ نیپال استقلال خارجہ خواهد داشت چنانچہ درین ایام جرنیل بہادر شمشیر سنگہ اولین سفیر مہاراجہ نیپال است کہ در لندن مقرر شدہ .

هند چین فرانسوی

هند چینی فرانسوی بطرف شرق جزیره نهای هند چینی واقع است، بشمال آن چین و بمشرق و جنوب آن بحر چین و بمغرب آن مملکت سیام واقع است، مساحت آن مساوی ۷۴۱۲۵۰ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۵۸۲۰۹۹۰۲۱ نفر است. اداره مملکت بشش حصه تقسیم یافته: ۱ کوچن چین یا حصه جنوبی مستقیماً بطور مستعمره فرانسه اداره میشود ۲ کوانگ چاو و آن از مملکت چین بطور اجاره گرفته شده باقی چهار مملکت: انام، کبودیا، تانکینک، لاؤس تحت الحمايه فرانسه میباشند.

مناطقیکه تاریخ انام در آنها صورت گرفته، از احاطه جغرافیائی امروزه آن مملکت تجاوز میکند. بقرار معلومات موثوقه اولیه انامی ها مردمانی بودند وحشی و زراعت پیشه که بواسطه آلات سنگی بسیار ابتدائی زمین را شیار می نمودند و به رؤسای محلی ملوک الطوائف اطاعت داشته در جلگه پست (رود سرخ) یا (میکونگ) زیست داشتند. بعد کم کم از مملکت چین مدینت کسب کردند به این قسم که چینی ها قبل از عهد مسیح به شمال مشرق شبه جزیره هند چین داخل شده، ابتدا آن قسمت را فقط تحت الحمايه خود ساخته برسوم و عادات بومی ها هیچ تعلق نگرفتند اما از قرن قبل از میلاد و مخصوصاً پس از آنکه تونکن بواسطه جنرال چینی موسوم به (مالی وان) در سنه ۴۳ بعد از میلاد فتح شد، حکام مملکت را کاملاً جزو چین ساخته بیک ولایت چینی تبدیل کردند. و مردم زیادی از چین در آنجا وارد شده عادات، اخلاق، و رسوم مدینت، زبان، ادبیات، عقائد و مذهب چین را با خود آوردند. این حاکمیت شدید انقلاباتی را بوجود آورد ولی معهداً در حدود یک قرن دوام کرد. و در عین حال ملوک الطوائف از بین رفته، مردم انام به اداره و حکومت منظم و با مرکز عادی شده، به این قسم علاوه بر اخذ مدینت، قوت ملی پیدا کردند چنانچه در قرن دوم و قتیکه در اثر انقلابی، یک رئیس ملی جای حاکم چینی را گرفت، دولت انام چنان اتفاقاً و قوتی را مالک بود که بواسطه آن بعد ها توانست رول درجه اول را در تاریخ تمام شبه جزیره بازی کند.

پس از سه سلسله کم دوام و سلاله (لی ها) از ۱۰۱۰ تا ۱۲۲۵ و (تران ها) تا ۱۴۱۳ حکومت کردند و در خلال این اوقات دولت انام با همسایگان خود یعنی بعضی اوقات با چینی ها در شمال و بیشتر با سلطنت (چامپا) در جنوب می جنگید. معهداً در ۱۴۱ تا ۱۴۱۸ خاندان (منگ ها) موفق شد که باردیگر حاکمیت چین را در انام برقرار کند. اما یک نفر انامی موسوم به (لی لوا) سرکردگی هموطنانش را بدست گرفته مدت ده سال بتقابل چین جنگید و در ۱۴۲۸ فتح کرده اتلان امپراطوری نمود. خاندان (لی) که بواسطه او تاسیس شد تا ۱۷۸۹ حکومت داشت.

درین دوره طولیل سلطنت چامپا فتح شده حکومت انام به آخر شبه جزیره رسید و از قرن ۱۷ بداخل دولت کامبودجیه (کوشنشین حالیه) نفوذ کردند. بعد جنگ های داخلی روی کار آمده، قدرت شاهان (لی) کاسته شد. حکمرانان حقیقی انام در قرن ۱۷ و ۱۸ دو خاندان رقیب است که یکی موسوم به (نگوی بن) در جنوب (کوشنشین حالیه) و دیگر (ترینه) در شمال (سلطنت تونکن) حکومت میکردند. جنگ های خونین مابین هر دو دولت مزبور رخ داده در همین وقت است که اروپائی ها شروع به رفت و آمد کردند چنانچه هیئت های کاتولیک بار اول در ۱۶۱۵ به کوشنشین و در ۱۶۲۶ در تونکن پیاده شدند و تجارت شرکت هالندی هند در ۱۶۳۶ در تونکن جا گرفته، بعد تجارت انگلیسی در ۱۶۷۲ و بالاخره تجارت فرانسوی در ۱۶۸۴ در آنجا اخذ موقعیت نمودند.

اخیر قرن ۱۸ برای انام یک دوره انقلاب داخلی شدیدی بود زیرا بدامنی به منتها درجه رسیده، اشرار کوشنشین و بعد تونکن را گرفته رئیس آنها اعلان شاهی نمود (۱۷۸۵) اما یکی از اولاده خان های کوشنشین به تحریک اسقف (اردان) به فرانسه متوسل شده، لوی ۱۶ بواسطه معاهده ورسای (۲۸ نومبر ۱۷۸۷) کمک خود را وعده نمود. با آنکه معاهده اجرا نشد شهزاده مزبور به کمک چند نفر صاحب منصب فرانسوی موفق به دفع انقلاب شده، مملکت را متحد ساخت و سلسله جدید (نگوین) را تشکیل داده بنام

(ژیالونک) سلطنت برآمد (۱۸۰۲ - ۱۸۲۰).

اخلاف ژیالونک سیاست دیگری را تعقیب نمودند. به این معنی که دست فرانسوی‌ها را از کار کشیده و با آنها رفتار زشت را شروع کردند چنانچه در وقت (تیودیوک) کشتی‌های جنگی فرانسه به مداخله و بعضی مظاهرات از قبیل بمباردمان توران (۱۸۴۷) و غیره مجبور گردیدند. و بعد ها در اثر فشارهای مزیدی که بر فرانسویها وارد آمد، ناپلیون سوم و ادار به مداخله گردیده در نتیجه عملیاتی که به آهستگی اداره میشد، ابتدا جزیره (بولوکوندور) و سه ولایت جنوبی (۱۸۶۲) و بعد تمام کوشنشین سفلی به فرانسه تعلق گرفت (۱۸۶۴).

اما (تیودیوک) با وجود از دست دادن قسمت کلی اراضی خویش هنوز هم خود را در نواحی شمالی محکم کرده و بالاخره در اثر واقعات متعددی که از ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۹ دوام کرد و بیشتر آن در حصه فرنکن واقع گردید، تمام انام و تونکن و کوشنشین تحت الحمايه فرانسه شد.

پس از دو سلطان کم دوام یک برادر زاده (تیودیوک) به شاهی انام رسیده، (۱۸۸۵-۱۸۸۹) و از انوقت به بعد چندین نفر دیگر بنام امیراطور تحت الحمايه فرانسه در انام سلطنت نموده اند که آخر آنها (و نه‌توی) است (۱۹۲۵).

امیراطور موجوده انام (باؤدائی) و شاه کمودیا (می سوات مونی وونک) نام دارند.

هانگ کانگ

هانگ کانگ مجموع جزیره و جزیره نئائی است که بردهانه دریای کاتون بساحل چین واقع است. مساحت آن عبارت از ۰۱۲ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۸۴۹۷۵۱ نفر است که ۹۶ فیصد آن چینی می باشد با وجودیکه اهالی اروپا در قرن ۱۶ به سواحل چین وارد گردیده مشغول تجارت شدند ولی تا ابتدای قرن ۱۹ حکومت امیراطوری چین سفرای آنها را بدرجه مساوات قبول نه نموده بلکه بحقارت بایشان نگریده مانند نمایندگان روسای ما تحت آنها رفتار میکرد. و تجار اروپائی را جز به یک بندرگاه معین هرگز اجازه پائین کردن اموال نداده و بجز تاجر مخصوص بدیگر تجار اجازه تجارت نیز نمیداد، اگر فرضاً یکی از اتباع یکی از ممالک اروپا به صدرجنجه و جنایت میگردد تمام بقعه همان ملت تحت محاکمه قرار میگرفت، چون تجارت و ورود تریاک در مملکت ممنوع بود و تجار برطانوی بیشتر به تجارت قاچاق تریاک مشغول بودند باینواسطه ما بین تجار برطانوی و حاکم کاتون مناقشات تولید گردیده و این مسئله باعث شد تا حکومت برطانوی بفرض پیشرفت تجارت تریاک با چین جنک نماید و پس از محاربه سه ساله دولت چین برای انگلیسها جزیره هانگ کانگ را واگذار شد.

از سنه ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۹ م اساس ثروت هانگ کانگ تجارت تریاک بود، بعد از ان از هانگ کانگ تقریباً نقری زیادی بفرض کار کردن در کانهای صلاهی استرلیا و امریکا رهسپار شده و این مسئله نیز بر ثروت هانگ کانگ افزود.

بعد ها چین در ترقی تجارت تریاک تسهیلاتی بیش نمیکرد دولت برطانیه بار دوم در ۱۸۵۷ با چین داخل محاربه گردیده در سنه ۱۸۶۰ جزیره نمای کولون را تصاحب نمود.



سائنامہ « کابل »

منظره يلق بازار هانگ کانگ (چين)

وقتیکه کانال سوئز در سنه ۱۸۶۹ افتتاح گردید اهمیت هانگ کانگ دو بالا شد، در سنه ۱۸۹۸ برای استحکام مزید آن مضافات آنجا را ۹۹ ساله با چاره از حکومت چین گرفتند، و باین واسطه يك قطعه مستحکم حربی و مرکز قوای بحری و بندرگاه تجارتی در شرق اقصی گردید، از اینجهت این نقطه بیشتر جالب توجه حکومت امریکا و جاپان و بلکه تمام دول دنیا واقع شد.

در اثر کانفرانس واشنگتن که در سنه ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ انعقاد یافت برطانیا متعهد گردید که آنجا را تا بدرجه اول استحکامات بحریه مستحکم نسازد.

هند

هند (قدیم) تاریخ قدیم هندوستان در پرده تاریکی واقع شده است، چرا که هنوز توجه خود را گاهی بطرف تاریخ مبذول نکرده اند، و آنها مهابارت را يك ماخذ بزرگ تاریخ می شمارند علی ای حال حفاریات بعضی حصص هندوستان بر تاریخ آن خطه روشنی انداخته می تواند، چنانچه ماخذ تاریخ مابالعموم غارها، صخره ها و ستونهای حفاریات میباشد، خصوصاً حفاریات تکسیلا، موهنجودایرو و هریا، قابل ملاحظه و کشفیات خوبی را مهبانموده است. پس می توانیم بگوئیم که پیش از درآید هام مردم در هندوستان بود و باش داشتند آنها قبل درآید می نامیم، بعد از آن مردمیکه آنها را عمومآ درآیدها میگویند اغلباً از راه بلوچستان به هندوستان داخل شده در آثای زمانه خیلی دراز تمدن و تهذیب خود را نشوون داده اند، کشفیات و آیدی اندس ظاهر میکند که در آن زمان شهرهای بزرگ وجود داشت که در آنها آثار رفاهیت و تمدن نمایان که با سوماریا تشابه بلکه تمدن قدیم تر را نشان میدهد ظاهری می سازد. جهان مارشل خیالی می کنند که معاریجات درآیدها به نسبت عراق عرب و مصر که معاصر آنها بود بلندتر بود. رنگ این مردم سیاه بود.

در سنه ۲۵۰۰ ق، م آریه ها از بلخ مهاجرت را شروع نموده يك قسمت این آریه های مهاجر از کوه های افغانستان عبور نموده به پنجاب رسیدند.

زمان ورود آنها را در پنجاب سال ۱۴۰۰ ق م تخمین می نمایند قسمتی از بومیان قدیمی هند را این مردم آریه مغلوب نمودند و قسمتی را در خود منحل و قسمتی را فرار کردند، آریه های زمان ویدها با بعضی فلزات آشنا بودند، مثلاً آهنگرها، مسگرها، زرگرها در آنها بودند آنها بواسطه عراده ها جنگ میکردند در اسب سواری مهارت خوبی داشتند البته فیل را تا آن زمان اهلی و در جنگ استعمال نمی کردند، این آریه ها از تمدن هندیان قدیم بهره زیادی گرفته و بعضی عادات و رسومات آنها را اختیار و تمام هند شمالی را اشغال کردند. و قسمتی از درآیدها بجنوب کوه هند میاچل کوچ کرده سلطنت های بزرگ را تشکیل دادند.

باید دانست که تمدن آریه های بلخ نسبت به بومیان قدیم افغانستان همیست تر بوده، و آریه ها از بومیان قدیم افغانستان سهم بزرگ تمدن را یاد گرفتند، و همچنان آنها به هندوستان رسیده تمدن بومیان قدیم هندوستان را در خود شامل کردند — البته بعد از آن تمدن و تهذیب بلندی را مالک شدند، کتب دینی آریه ها عبارت

از چهار وید است. و دو کتاب رزمی آنها مهابارت و راماین می باشد، این آریه ها نسبت به اقوام دراویدی خوش چهره سفید پوست، بلند قامت و قوی الجثه بودند، در پنجاب و کشمیر سکونت پذیرفته آن را برهماورته نامیدند، میدان های حاصل خیز گنگا و جنا را الی بنگال اشغال و حکومت های مستقل و متعدد را تاسیس نمودند پیش از زمان بودا ما ازین سلطنت ها و اقلیتی کاملی نداریم اما در ادوار بودائی قطعه زمینیکه مابین دریای نزدیکه و کوه های همایه واقع است مشتمل بر (۱۶) ریاست مستقله بود که بعضی شاهیت ها و بعضی جمهوری های ملی بودند مشهور ترین آنها چهار سلطنت کوساله، مگده، مساس، و آوانتی نام دارد در شمال مغرب این قطعه سلطنت مشهور گندها را به کنار دریای اندس و در نواح پشاور بود.

واقعه مشهور هند که تاریخ صحیح آن معلوم است تولد و حیات بودا است که نام اصلی اش ساکی منی کوتم و در سنه ۵۹۸ ق، م پیدا شده بود دین بودا امروز در چین، تبت، جاپان، مانچوریا، منگولیا، سیام مروج است، در سال ۳۲۷ ق، م سکندر مقدونی اول بکنار رود جهلم پایورس شاه پنجاب جنگ صعب نموده او را شکست داد اسکندر تابدریای بیاسی رسیده میخواست تعرض فتنه خود را ادامه بدهد اما فوج از عبور دریا انکار قطعی و اولاً چار از آنجا بطرف بابل مراجعت نمود و کمی بعد در شوشی درگذشت، و سلطنت وسیع او فیا بین قوماندانهای عسکری پتولی، سیلوکس نکاتور و آنتی گونوس منقسم گشت سیلوکس نکاتور بر علاقه های مشرق از شام الی باختر تصرف نمود.

بعد از مردن سکندر افغانستان و هندوستان کاملاً استقلال خود را حاصل کردند، درین ادوار چندرگیتا یکی از وزرای خانواده نندا در مگده یعنی بهار سلطنت قائم کرده کل هندوستان شمالی را در حیطه سلطنت خود در آورده بنیاد سلاله موریان را نهاد - یونانیها او را سندرا کوتس می نامند - چندرگیتا از ۳۲۲ الی ۲۹۸ ق، م سلطنت کرد.

سیلوکس نکاتور بعد از استحکام سلطنت خود در شامات و عراق عرب و ایران بطرف هندوستان متوجه گشت که آنرا مثل سکندر مکرراً مفتوح نماید - لیکن دید که حریف مقابل او (۶۰۰۰۰۰) پیاده (۳۰۰۰۰) سوار و (۳۶۰۰۰) نفر بهراه فیل های جنگی و (۲۴۰۰۰) نفر بهراه عراده جنگی دارد با آنها سیلوکس با چندرگیتا بجنگ داخل شده شکست فاحشی یافته و مجبور به صلح شده دختر خود را به چندرگیتا به نکاح داد و کل علاقه پنجاب و وادی کابل را واگذار کرده از چندرگیتا (۵۰۰) قیل عطیه یافت، باز بدربار چندرگیتا سفیر خود میکاستینز را در (۳۰۲ ق، م) مقرر نمود، چندرگیتا یکی از بزرگترین شاهان هندوستان است که قسمت اعظم هندوستان را بسلطنت واحد در آورد.

در سنه ۲۷۲ ق، م راجه آشوک نواسه چندرگیتا جانشین گشته حامی و مربی بزرگ مذهب بوده، دین بودائی را رسمی قرار داده برای آن خدمات زیادی کرده و مبلغین این دین را به تبت، چین، برما و سیام، جاوا، سیلون فرستاد، بعد از مرگ او در سنه ۲۲۶ ق، م اقتدار خانواده موریان رو به تنزل گذاشت و در مدت ۳۱ سال هفت شهزاده یکی بعد دیگری سلطنت کردند، بالاخره شاه آخرین برهه را تنها نام را در سنه ۱۸۴ ق، م سه سالار پویش یا متر استگا کشته سلاله سنکا را تاسیس نمود.

در حدود سلطنت وسیع آشوک قسمت بزرگ تر افغانستان، حصه بزرگ بلوچستان، سندھ، کشمیر، نیپال بنگال الی مدراس شامل بود

بعد از موریان سه سلاله مشهور در هندوستان سلطنت کردند ۱ - سنکا ۲ - کانوه ۳ - اندهرا - بانی دودمان سنکا بیروان بودا را بیدریغ قتل نموده برهمنیت را مکرراً در هندوستان زنده ساخت - خاندان های مذکور قریب سال ۴۶۰ میلادی خاتمه می یابند.

در اثنای قرن دوم قبل‌المیلاد شاهان یونانی افغانستان بهند حملات بردند، مشهورترین آنها دیمتریوس، یوکرانائیدس و منیاندیر می باشند خصوصاً منیاندیر تا بنکال فتوحات خود را وسعت داد حتی یوشیا مترا او را از وادی گنگا اخراج نمود.

قریب سنه ۱۰۰ میلادی شاهات (سکائی های چادر نشین آسیای مرکزی) و پهلواها از راه بلوچستان حمله آورده گجرات و کاهیا و ار را اشغال نمودند و به مرور زمان یوئچی های بلخ افغانستان متحد و منتظم شده به توسیع سلطنت خود پرداختند بانی آنها کد فاسس اول (۴۰-۷۸ میلادی) بنای سلاله کوشانی را نهاد. و وادی کابل را فتح کرده اثرات باقیمانده استیلای یونانیان را برانداخت. جانشینان او هند شمال جنوبی را فتح نموده فتوحات خود را تا بنارس توسیع دادند. اما مشهورترین کوشانهای افغانستان کانشکامی باشد، که پایتخت خود را پروش پوره (پشاور امروزی) قرار داده بود. کشمیر و بهار را فتح و خلاف پارتها تعرضات فاتحانه نمود و بالای خاقان چین ظفر و کامیابی حاصل نموده کاشغر، یارکند، و خطن را در حدود سلطنت مقتدر و وسیع خود درآورد. سلطنت کوشانی در هندوستان قریب ۲۳۶ میلادی خاتمه یافت.

بعد ازین، تاریخ هندوستان تاریک است، حتی چندرگپتای اول در سنه ۳۲۰ میلادی سلاله و سلطنت گپتارا تاسیس می نماید، این خاندان از ۳۲۰ الی ۴۸۰ میلادی دوام نموده و این زمان را اکثر اوقات طلایی هندوستان مینامند، چرادرین عهد امنیت تامه حکمرما بوده و مملکت خیلی زیاد ترقی و تمول را مالک شد، حکومت نهایت متنور و وسیع گردید و صنعت هندی بکمال علوم و فنون، موسیقی، سنگ تراشی، مصوری بدرجه بلندی رسید، پنج شاه بزرگ از خاندان گپتا سلطنت کردند، حتی ایقتالیت های پاهوهای سفید شاه آخرین دودمان مذکور یعنی سکندا گپتا نام را برانداخته سلاله مذکور را مستاصل نمودند.

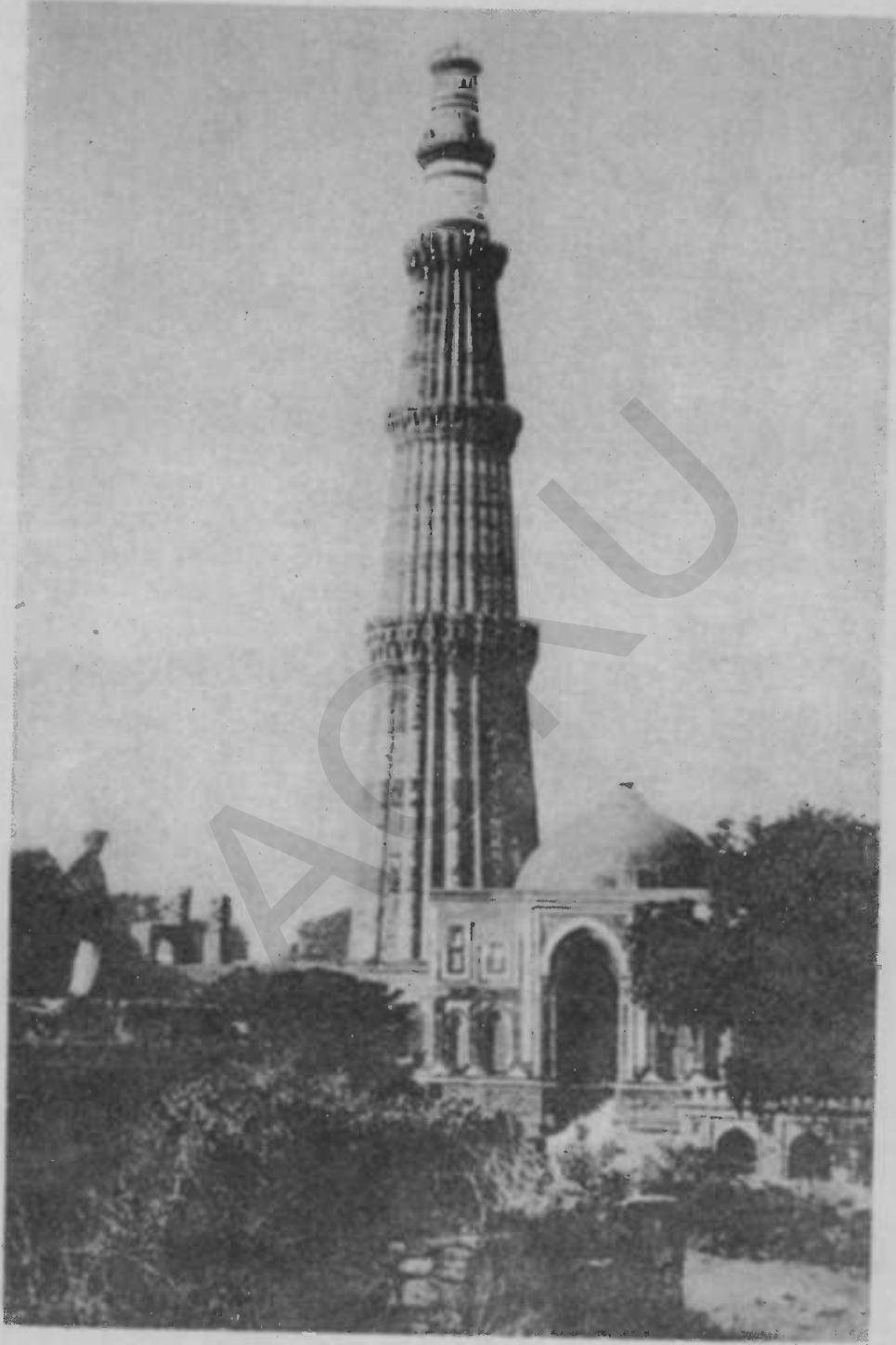
هونهای سفید در سنه ۴۷۰ میلادی شاهان ایران و افغانستان را یامال کرده به تعداد خیلی زیاد به هندوستان هجوم بردند، ظالم ترین و قوی ترین شاه ایقتالیت ها بنام مهیراگله مشهور بود، بالاخره هندیها از ظلم و تشدد فوق العاده او بتنگ آمده اتحاد نموده مهیراگله را شکست دادند، و در آسیای وسطی نیز ترکها بشرکت ایرانی ها قوت ایقتالیت ها را برنداختند، هونهای سفیدیکه به هندوستان داخل شده بودند بسرعت هند شده و در نفوس آنها مدغم و منحل شدند.

آخرین شاه مشهور مقتدر در هند شمالی تاحله مسلمانها (هر شه) نام بود که از سنه ۶۰۶ الی ۶۴۸ میلادی سلطنت کرد، حکومت او بسیار خوب و وسیع بود.

بعد ازین زمان تاریخ هندوستان واضح بوده و اسلام ظهور می نماید
 قرار روایات قدیمه در هند جنوبی سه خاندان مشهور حکمران گذشته اند ۱- یانندیا ۲- چولا ۳- چیرا
 خاندان چولای، هند جنوبی را بالاخره ملک کافور جرنیل سلطان علاء الدین خلجی در سنه ۱۱۲۰ میلادی خاتمه میدهد.

اولین حمله و ورود موثر مسلمانان در هندوستان به عهد خلیفه اموی ولید اول بن عبدالمک
 دوره اسلام: (عهد خلافت ولید اول من حیث فتوحات مسلمانها سهمترین زمانه میباشد از اندلس تا وادی طارم فتوحات مسلمانها وسعت پذیرفته بود) تحت قیادت محمد بن قاسم از راه بلوچستان در سنه ه بوقوع پیوست، و محمد بن قاسم راجه داهروالی سنده را شکست داده تاملتان پیشرفت کا نجان نمود.

بعد از وفات حجاج بن یوسف و سقوط خلافت بنی امیه این ناحیه هندوستان مکرراً آزاد گردید، و در هند شمالی را جگان هندوستان انتظام و عسکر درست داشتند، راجه جیپال که پای تحت او پنهان بود تا لغت و نواح آن



قطب مینار دہلی (یادگار سلاطین افغان درہند)

سلطنت میکرد و از قوه روز افزون امیر سبکتگین اندیشه نموده بحود مملکت او تجاوز نمود سبکتگین فوراً عسکر خود را ترتیب داده به کمک ملک حمید لودی فوج متحده هند وها را شکست داده لغمان و جلال آباد، کرم، پشاور را گرفت (۹۹۱ میلادی) پسرش سلطان محمود غزنوی که برای اشاعت دین اسلام شغف بکمال داشت به هندوستان تخمیناً هفده حمله نمود. هندوهای هند وستان قریباً در موقع هر حمله متحد و متفق شده بکمال شجاعت و تهور جنگ می نمودند اما محمود به مهارت فوق العاده جری خود در هر محاربه هندها را هزیمت می داد. محمود غازی تا وادی دریای گنگا و کجرات گاهیا حملات خود را برده به راجگان شکست خورده تاج و تخت می بخشید. وزر و جواهرات بی حساب که در دیرها و مندرها بیکار جمع شده کل عالم آن زمان را در بحران اقتصادی مبتلا ساخته بود حاصل کرده در نشر علوم و فنون و توسعه تجارت بصرف رساند. در عهد غزنویان پنجاب تحت تسلط مسلمانهای ما تحت محمود بود، محمود یکی از بزرگترین شاهان و قوماندان های عسکری و فاتحین عالم بشمار می رود.

بعد از سقوط غزنویان فاتح بزرگ دیگر شهاب الدین محمد غوری است که بهندوستان حملات برده ملتان، اچ، لاهور را فتح کرد ولی در بار اول پیشرفت خوبی نکرد. مگر بعد از دو سال مجدداً حمله برده لشکر زیاد و منظم هندوهارا در میدان تراهن بر هم زده به دهلی جرنیل عزیز خود یعنی قطب الدین ایبک را حاکم مقرر نمود محمد غوری سند و بنارس را نیز فتح کرده بود بعد از وفات سلطان غزنوی قطب الدین ایبک اولین شهنشاہ مسلمان در هندوستان گردید و محمد بن بختیار خلجی بنگال را در سنه ۱۱۹۹ فتح کرد. قطب الدین تعمیر قطب مینار دهلی را شروع، اما القش آن را تکمیل نمود.

خاندان غلامان در سنه ۱۲۹۰ خاتمه یافت و در عهد این سلاطین مغلهای چنگیزخانی حملات را شروع کردند. اما سلطان علاء الدین خلجی افغان مغلهای چنگیزخانی را نزدیک دهلی شکست فاحش داد از شاهان مسلمان افغان، علاء الدین اولین کسی است که قریباً کل هندوستان را تحت لوای یک سلطنت واحد در آورد. بعد از سقوط خاندان خلجی دودمان تغلکی سلاطین هندوستان شدند لیکن درین ادوار سلطنت واحد هندوستان پراکنده شده در تمام هندوستان روسائی قوی مسلمانها حکومتهای جداگانه را تشکیل دادند، و نیز در بعضی قطعات هندوها مستقل و آزاد شده سلطنتها را تشکیل نمودند. در بنگال، مالوه، کجرات و کشمیر پادشاهان مسلمان بودند. و در دکن (هند جنوبی) علاء الدین اول بنای سلطنت بهمنی را نهاد.

در سنه ۱۳۹۸ تیمور گورکانی بهندوستان حمله آورده دهلی را خراب نمود، بعد از مراجعتش محمد تغلق به پای تخت خود رسید، بعد از تغلقها خاندان سادات در دهلی پادشاه شدند بالاخره بهلول افغان از قبیله لودی در دهلی خاندان لودی را تاسیس نمود.

بابر در سنه ۱۵۲۶ از کابل برآمده در میدان پانی پت ابراهیم لودی را شکست داده سلاطین مغلی را تاسیس نمود، شاهان مغلیه، هندوستان تا سنه ۱۸۵۷ میلادی دوام نمودند.

در دکن هند جنوبی سلطنت بزرگ هندو یعنی و جایانگر از قرن ۱۴ الی ۱۶ میلادی اقتدار داشت، بعد از سقوط سلطنت اسلامی بهمنی پنج خاندان اسلامی در دکن مستقلاً حکمران شدند، در سنه ۱۵۶۵ آنها بام متحد شده سلطنت هندوئی و جایانگر را بر انداختند سلطنت بابر از دریای اکسس الی حدود بنگال و از همایه تا گوالیار وسعت داشت، در زمان او بنگال تحت حکومت افغانها بوده، چنانچه شیر شاه سوری افغان از حکومت بنگال خروج نموده همایون پسر بابر را از هندوستان کشیده تا پنج سال به تدبیر و دانشمندی حکومت نمود این شهر یار خیلی متدن و شجاع بود همایون بعد از ۱۶ سال دهلی را مکرراً اشغال نمود مگر سلطنت مغلیه درین عهد بسیار محدود بوده در هر قطعه حکمرانان مستقل حکمرانی میکردند.

پسرش اکبر یاد شاه در سن ۱۴ سالگی بر تخت دهلی نشسته بامداد پیرم خان بلخی (قوماندان عسکر مغلی) در هندوستان فتوحات زیاد نموده سلطنت مغلی را نهایت محکم نمود ، سلطنت اکبر از کابل و قندهار الی بنگال و از همایه تا برار و سمت داشت می توانیم شهنشاه اکبر را موسس حقیقی خاندان مغل بنامیم .

شاه جهان نوره اکبر عمارات زیاد خصوصاً عمارت بی نظیر تاج محل را تعمیر نمود و تخت طاؤس محکم او ساخته شد ، در عهد اورنگ زیب شاهان علاقه های مسلمان دکن مفتوح و سلطنت مغلی به بزرگترین وسعت تأیید شد ، پس اورنگ زیب عالمگیر بعد از چندین کشتای موری و راجه اشوک ، و سلطان علاء الدین افغان و شهنشاه اکبر چنان سلطانی در هند بود که قریباً کل هندوستان را تحت حکمرانی یک سلطنت واحد در آورد .

بعد از وفات اورنگ زیب مرهته ها در دکن و سکه در پنجاب قوت پیدا کردند و سلطنت مغلی سرعت رو بزوال نهاد و تاخت و حمله نادر شاه افشار در سنه ۱۷۳۹ و قتل عام و تخریب و تاراج دهلی از دست او قوه باقیانده مغلی را صدمه رسانید . که بعد قوت پیدا کرده نتوانست چین قوایج خان ترک یا اصف جاه که سنی المذهب بود در دکن و سعادت علیخان ایرانی که از اهل تشیع بود در او دهه برای نام اطاعت شهنشاه مغل را تسلیم میکردند ولی در حقیقت آزاد بودند . اما بنگال قاعدتاً مالیه بدله می پرداخت .

مرهته های دکن تدریجاً قوتی پیدا کرده در گرد و نواح دهلی رسیدند حتی اعلیحضرت احمد شاه ابدالی شهنشاه افغان از پای تخت خود حرکت نموده اولاً سند و پنجاب را فتح کرده و بعد به میدان پانی پت در ۱۷۶۱ مرهته ها را هزیمت کمر شکن داد . شاهان مغلیه قوت خود را باخته دست نگر دیگران بودند حتی انگلیس ها در ۱۸۵۷ بهادر شاه آخرین شهنشاه بی اقتدار مغل را به برما تبعید نمودند .

تأثیرات اسلام در هندوستان ، پیش از اسلام جمیع حمله آوران که از خارج داخل هندوستان شدند بسرعت در هندوها منحل شده کاملاً هندو گشتند لیکن مسلمانان دین مقدس اسلامی را داخل نموده خدایپرستی و عدل و مساوات را رواج دادند ، رسومات قبیحه مثل (سنی سوختادن زن زنده در آتش همراه نش شوهر او) قریباً کم کردند ، امتیازات قومی هندوها را کاستند .

عمارات بررک ، پایدار و نهایت جمیل را در سرزمین هندوستان تعمیر نمودند ، زبان اردو از اختلاط مسلمانها با هندوها بوجود آمد .

مفکوره وحدانیت خدای تعالی در ذهن هندوها از آن موقع پیدا شده معارف را ترقی و وسعت زیاد دادند . ورود اروپائی ها : پرتگیزیها اولین قوم اروپائی بوده که در هندوستان ۱۴۹۸ میلادی آمده ، راه تجارت را باز کردند ، بعد دچها یعنی هالندیها تفوق جستند ، باز انگلیسها و فرانسویها داخل سرزمین هند شده با هم مقاتله کردند حتی انگلیس بر همه اروپائیها تفوق حاصل نمود .

ملکه الیزابت اولاً در سنه ۱۶۰۰ ایست اندیا کمپنی را تاسیس نمود . کپتان هاکنز در دوره انگلیسها : ۱۶۰۸ از شهنشاه جهانگیر برای تعمیر یک تجارتخانه در بندر سوت اجازه گرفت ، انگلیس در بحر قوت پرتگالیها و دچها را شکست داده آهسته آهسته تا ۱۶۷۹ تجارتخانههای خود را در سورت ، بمبئی مدارس ، کلکته ، بنگال ، فیم کردند اما شهنشاه اورنگزیب از قوت ، روز افزون و تجاوزات آنها ملتفت شده از حدود سلطنت خود همه تجارتخانههای انگلیسی را اخراج نمود .

بعد از وفات شاه عالم اول پسر اورنگزیب سلطنت مغل رو بزوال نهاد . و انگلیسها مواضع تجارت خود را مکرراً اشغال نمودند .

در سنه ۱۷۵۷ سراج الدوله صوبه دار بنگاله به کلکته هجوم آورده قلعه انگلیسی آنجا را مفتوح نموده انگلیسها را محبوس و مقتول نمود. مستر کلدیو با یکمده عسکر و جہازات جنگی به غرض انتقام از مدراس آمد، میر جعفر سیہ سالار سراج الدوله ازین موقع استفاده نموده با انگلیسها خفیہ متحد گردیده سراج الدوله در جنگ اوکی شکست خورده مقتول شد، و میر جعفر سیہ سالار بجای او را اشغال نمود.

شہزادہ علی گوہر مغلی کہ بعد از ان بلقب شاہ عالم ثانی معروف گردید بعزم سرکوبی میر قاسم والی جدید بنگال از دہلی روانہ و عازم مقابلہ شد، ولی در عین زمان از فوت پدر خود شنیدہ بدو مقابلہ بدہلی برگشتہ سریر آرای سلطنت شد و با مستر کلدیو هنگام عزیمت از در موافقت پیدش آمدہ بہ ایست اند یا کمپنی در عوض ادای تادیہ سالیانہ (۲۴) ہزار کلدار سرپرستی مالہ و دیوان بنگالہ را تقویض کرد، درین آوان در دکن ۳ حکومت قومی بومی اقتدار داشت:

۱ - حیدر علی میسور - ۲ - نظام حیدرآباد - ۳ - مرہتہ ہا.

راگو ناتہ یکی از راجگان مرہتہ برای حصول تخت یونا از انگلیسها امداد خواست چنانچہ انگلیسها مداخلت نموده و حزب مخالف را شکست دادند.

تجاوزات حکومت انگلیسی مدراس، حیدر علی سلطنت میسور، و نظام حیدرآباد را بہ خصومت و قتال تحریک داد، ہر دو شاہ مذکور امداد و اتحاد مرہتہ ہا را خلاف دشمن اجنبی مشترک خواستند لیکن بواسطہ سیاست و ران ہستنگز نظام حیدرآباد و مرہتہ غیر جانبدار شدند، با اینہمہ حیدر علی سلطنت میسور بر فوج انگلیسی فتح حاصل کرد. مدراس را محصور نمود حیدر علی در سنہ ۱۷۸۲ وفات کرد و انگلیسها با پسرش تیبو سلطان در سنہ ۱۷۸۴ معاہدہ نمودند.

انگلیسها، نظام حیدرآباد، و مرہتہ قوت روز افزون سلطان (تیبو) را دیدہ با ہم متحد شدہ و بوی اعلان جنگ دادند، سلطان تیبو شکست خورد و نصف مملکت خود را با ۳ ملیون سترلنگ بہ اتحاد یون تسلیم نمود.

در سنہ ۱۷۹۸ لارڈ ولزلی بہندوستان وارد شدہ این پالیسی را اختیار کرد کہ در تمام ہند جنوبی باید برطانیہ فایق و رؤسای بومی ہندوستان زیر حمایت او باشند، در نتیجہ انگلیسها بالای اولشکر کشی کردند، و سلطان تیبو بکمال شجاعت مقابلہ نمودہ شہید گشت، لہذا در تعقیب این نظریہ بہ بعضی راجنگال و نواب ہای آنجا متحد شدہ طرف مقابل را مغلوب و مجدداً با دیگری موافق شدہ یکی ازین متحدین سابقہ را بری انداخت تا آخر بہ تمام حصص ہند جنوبی کامیاب گردید، و پس ازین تاریخ دیگر جنرال گورنر ہا کہ بروی کار آمدند ہمین سیاست و طرز عمل را در ہند شمالی نیز تعقیب کرد و بلافاصلہ بتصرف آن کامیاب گردیدند، مخصوصاً دل ہوزی کہ جنرال گورنر تعین شد این رویہ را بانہایت دلچسپی و تجدیت ہرچہ تمام تر اجرا می نمود. و یکی از خصوصی ترین طرز تصرف این دل ہوزی این بود کہ ہر گاہ از حکمرانان ہند شمالی مستقیماً وارث حقیقی نمایاند علاقہ او را متصرف می شد کذا با ترس و عدم کفایت حکمران محلی نیز حکمران مذکور را خلع کردہ منطقہ او را بتصرف می آورد.

در سنہ ۱۸۴۳ چون امیر ہای سند تحت الحماہ گی را قبول نمی کردند لہذا علاقہ سند ۴۰۰ در عہد لارڈ آلن بورڈ فتح گردیدہ بہ سلطنت برطانیہ ضم شد.

پنجاب درین آوان تحت تسلط سکھا بود، در سنہ ۱۸۴۵ سکھا دریای ستلج را عبور کردہ بہ علاقہ برطانوی حملہ بردند، چہار محاربہ خونریز بکنار دریای ستلج واقع شدہ، انگلیسها تلفات زیاد دادہ بالاخرہ فتح کردند در سنہ ۱۸۴۹ محاربہ دومین سکھا بوقوع پیوستہ و بالاخرہ سکھا شکست خوردند، و پنجاب در سلطنت برطانیہ الحاق گردید.

در سنه ۱۸۳۹ انگلیسها از راه سند و اردافغانستان شده قندهار و کابل و جلال آباد را اشغال نمودند ولی اقوام این سرزمین با اتفاق سرداران خود خیلی بسختی دفاع کرده تمام قشون برطانی مقیم کابل را قتل و مملکت را از سلطه شان نجات دادند. در سنه ۱۸۵۷ در هند قیام بزرگی مشهور بنام برضد حکومت برطانی قایم و خسارات هنگفتی بآنحکومت تولید گردید، و در همین سنه ۱۸۵۷ سیاه هندی انگلیسها بهادر شاه آخرین شاه سلاله تیموری را شاهنشاه هند اعلان کرده برای استقلال خودها خلاف انگلیس اقدام نمودند، ولی بعد از جنگ یکنیم ساله مغلوب گردیده و شهزادگان مغلیه مقتول و خود بهادر شاه به برما محبوس گردید.

حکومت هندوستان از ایست اندیا کمپنی سلب شده رسماً بحکومت برطانیه تعلق گرفت، و مملکت برطانیه قیصره هند اعلان شد. بعد از وفات ملکه وکتوریا ایدرد هفتم شهنشاه هندوستان گردید، درین روزها شاه جارج پنجم شهنشاه هندوستان می باشد.

هند پرتگالی

هند پرتگالی از جزیره و علاقه گوا جزیره دیو و دمن که بساحل شرقی هند واقع است تشکیل یافته است و مساحه مجموعی آن ۳۸۰۷ کیلومتر مربع و نفوس ۵۷۹۹۶۹ می باشد.

چنانکه در بیان تاریخ مکاؤ و تور ذکر یافته است در آخر قرن پانزده پرتگالیها بار اول بساحل هند رسیدند و در ابتدای قرن شانزدهم با اجازت بهادر شاه گجرات ورژسای محلی بر ساحل گجرات کاتیاوار در جزیره دیو و دمن در بمبئی تجارتخانه ها متحصن تاسیس نمودند از آن جمله بمبئی بطور جهیز ملکه کتهر این به برطانیه رسید - باقی تا حال در تصرف پورتگال ها می باشد.

نوا گوا مرکز حکومت در علاقه گوا بر ساحل مالابار واقع و از از منته قدیم در تاریخ مشهور است چنانچه در پورال که کتب مذهبی هندووات می باشد بنام گو وایوری مذکور است - اعراب آنرا بنام سندابور در کتب خود یاد کردند از ابتدای قرن دوم مسیحی تا مدت دوازده صد سال روساء خانواده کدمبادرین سرزمین حکمرانی نمودند - و در سنه ۱۳۱۲ به تصرف مسلمانان آمد که تا شصت سال دران حکومت نمودند بعد از آن جزو امپراطوری هندو جهانگیر گردید که احوال تجمل و شوکت آنرا عبدالرزاق سمرقندی در کتاب مطلع السعدین درج نموده است بعد از آن ضمیمه سلطنت اسلامی دکن معروف به بهمنی گردید و چون در سنه ۱۴۸۲ تجزیه شد گوادر تصرف یوسف عادل شاه بیجاپور در آمد در سنه ۱۵۱۰ در عهد همین پادشاه پرتگالی ها برای بندر معمور رسیدند که مرکز تجارت هند جنوبی و ایران و عربستان و چین بود و جهازات حجاج از همین بندر گاه به حجاز روانه می شدند تجار پرتگالی بدون مقابله داخل شهر شدند لیکن آنرا مملکت مفتوحه قرار دادند - یوسف عادل شاه آنها را شکست داد و از شهر بدر کرد ولی چند ماه بعد واپس آمدند و تمام اهالی مسلم انجارا از زن و مرد و صغیر و کبیر ته تیغ نمودند در او آخر قرن ۱۶ و ابتدای قرن ۱۷ این شهر بکمال شوکت و ثروت و عظمت رسید تبلیغ مسیحیت در شرق آغاز گردید اما چون هالندی ها درین کار وارد گردیدند تجارت کم شد (بعد ازین دفعه ها لندی ها از طرف بحر و مهرا ته ها از طرف خشکه بران حمله آ و ر گردیدند لیکن موضع مذکور را گرفته نتوانستند بالاخره در سنه ۱۷۳۹ با مهرا ته ها عقد صلح بستند - و بعد از آن عروج انگلیسها که حلیف پرتگال اند این خطر را بر طرف نموده و تا کنون از طرف حکومت پرتگال بتوسط یک گورنر جنرال اداره می شود.

هند فرانسوی

هند فرانسوی عبارت از چند بندر متفرقه ایست که در حصص مختلفه هند واقع است. مساحت مجموع آن مساوی ۵۰۸ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۲۸۴۱۰ نفر بوده و به پنج ناحیه تقسیم یافته است

- ۱ - ماهی بساحل مالابار ۲ - کاریکل ۳ - پانديپجری بساحل کارومندل ۴ - یاناؤن (یانام) بساحل گولکنده
- ۵ - چندرنگر در مملکت بنگال بشمال کلکته در کنار دریای اوگلی واقع و مرکز آنها پانديپجری است.

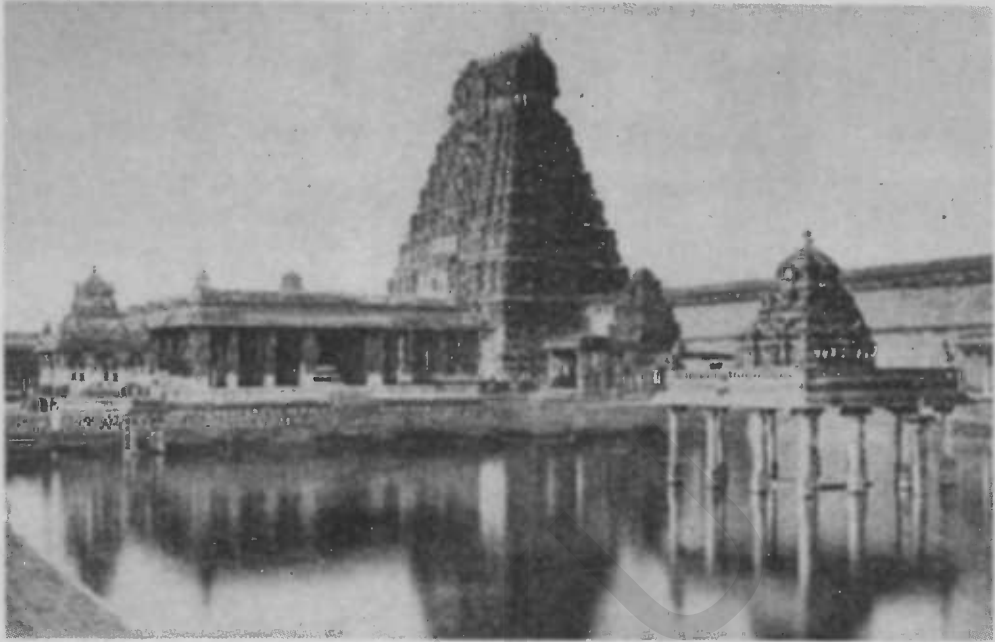
از مقبوضات وسیعۀ فرانس در هند که (دوپلی) آنرا بتصرف خویش درآورده بود تنها همین بندریکه ذکر شد باقیمانده و باقی بتصرف انگلیس درآمده است.

در سنه ۱۶۶۴ میلادی فرانسویها شرکتی برای تجارت شرق تشکیل نمودند، شرکت مذکور در سنه ۱۶۷۳ م قریب پانديپجری را خرید اما هالندیها بروز آنرا تصرف نموده، و در سنه ۱۶۹۹ واپس آنرا بفرانس مسترد کردند و در سنه ۱۶۸۸ در چندرنگر تجارتخانه تاسیس نمودند، در سنه ۱۷۱۹ م دیگر شرکتهای تجارت خارجیۀ فرانس باین شرکت ملحق شده بنام شرکت فرانسوی در هند موسوم و علاوه از امور تجارت مسایل استعمار نیز باین شرکت محول گردید.

در اثر سیاست متخذه، مامورین فرانسوی در هند با رؤسای محلی راجگان و نوابان متفق شده در حالیکه ریاسات یکی با دیگری در نزاع و کشمکش بودند مصالح سیاسیۀ خود را سنجیده گاهی طرفداری از یکی و گاهی از دیگری طرفداری می نمودند. و چون انگلیس و فرانس با هم رقابت تجارتی داشتند بهر کدام ازین رؤسا که انگلیس طرفداری می نمود، طرفداری جانب مقابل را فرانس می گرفت، و در بدل طرفداری خود پول یا زمین از آنها حاصل می کرد. زمانیکه انگلیس و فرانس در اروپا مشغول جنگ می شدند، شرکتهای طرفین نیز در هند یکی با دیگری می آویختند و طرفداران محلی شان نیز با ایشان معاونت می نمود، و رؤسا در محاربات داخلی خود از فوج شرکتهای کار گرفته و در بدل پول ها زمین می دادند، چنانچه در اثر اینطور محاربات در سنه ۱۷۲۶ م ماهی بتصرف فرانس در آمد و در سنه ۱۷۳۹ رئیس (تنجور) بندر کاریکل و مضافات آنرا بفرانسها بخشید.

زمان اوج فرانس در هند عهد (دوپلی) است که در سنه ۱۷۴۲ گورنر جنرال مقبوضات شرکت فرانسوی مقرر گردید و از مناقشات ورثۀ راجۀ تنجور نواب کراناک و نظام الملک اول و جنگلهای دول میسور حیدرآباد و مهرته استفاده کرده و یکی از پسران نظام الملک را که فرانس از و حمایت می نمود به تخت حیدرآباد دکن بنشاند و علاقه های وسیعۀ موسوم به (سرکار) و (کرناک) را در بدل خدمات برای شرکت گرفت، در سنه ۱۷۴۶ بر انگلیس غالب آمده مدراس را تصرف نمود و در سنه ۱۷۵۰ شهر یاناؤن را تاسیس کرد، و باین ذریعہ در تمام جنوب هند نفوذ فرانس حاوی گردید.

(لیوردونی) از باعث رقابتیکه با دوپلی داشت او را تنها گذاشته جهازات جنگی را با خود ببرد. و سهامداران شرکت نیز بواسطۀ مصارف زیادی که دوپلی مینمود، ناراض گردیده و به خدمات قیتمدار او اهمیت نداده مشارالیه را مجوساً در فرانس احضار نمودند، این قدر ناشناسی و تنگ نظری فرانسویها نتیجه وخیمی برای حکومت و ملت فرانس بخشیده منافع مادی و معنوی نیکه در هند در اثر تدابیر علاقۀ دوپلی بدست آمده بود ضایع کردند و مقامات جزئیۀ که اکنون بتصرف فرانس است آنها بارها از دست فرانس برآمده و باز باو سیرده شده است. چنانچه پانديپجری را از سنه ۱۷۶۳ و باز از سنه ۱۷۷۸ تا ۱۷۸۲ و



نمونه معماری هند جنوبی « یک عمارت بزرگ در بنارس »



مدرسه فرانسوی در پانڈیچری « هند فرانسوی »

تاریخچه مختصر ممالک آسیا

بار سوم از سنه ۱۷۹۳ تا ۱۸۱۷ ، و کاریکل را در سنه ۱۸۰۳ و بار دوم در سنه ۱۸۱۴ و ماهی را در سنه ۱۷۶۱ و بار دوم در سنه ۱۷۷۹ و بار سوم در سنه ۱۷۹۳ م انگلیسها متصرف شده و بالاخره بموجب معاهده سنه ۱۸۱۶ بعد از انهدام تمام استحکامات و بشرط اینکه در آینده استحکامات در آنجاها بنا کرده نشود برانسه گذاشته شده .

یمن

قدیم ترین معلوماًتیکه مورخین و جغرافیون یونانی راجع به یمن پیدا کرده اند از قرن سوم قبل از میلاد تجاوز نمیکنند ، فقط از روی انجیل همینقدر معلوم میشود که اهالی یمن در قدیم الایام ینام (سیا) یا (سهبا) یاد میشوند . رومیها نیست های متعددی را بسواحل این مملکت اعزام کردند ، مردمان حبشه کوشش زیاد نمودند و این خاک را به تصرف خود در آوردند اما در ابتدا موفق نشده فقط در حدود سنه ۵۲۹ میلادی توانستند که آن مملکت را اشغال نمایند . در سنه ۶۰۱ یعنی ها خلاف تشدد و مظالم ابن سینانیا از ایران امداد خواستند چنانچه فارسیها یمن را بتصرف خود در آوردند ، به ها کمیت حبشه که عیسویت را در آنجا وارد کرده بودند خاتمه دادند .

در سال ۶۱۰ هجری حضرت محمد صلعم اولاً حضرت علی کرم الله وجهه و ثانیاً معاذ بن جبل را (رض) برای تبلیغ اسلام باهالی یمن اعزام فرمودند ، پس باین قسم یعنی ها اسلام را قبول کرده بزرگوار اداره خلفای اموی و عباسی در آمده تا آنکه در عهد سلسله زبیده که مدت دو قرن از ۲۰۴ تا ۰۹۰ هجری (۸۱۹-۱۰۱۸) عیسوی حکمرانی داشتند استقلال یافته اما وجود این مملکت به قطعات زیاد تقسیم گردیده اداره هر کدام بدست یک رئیس محلی افتاد ، صنعا مرکز سلطنت شعبیه (صلاحیه) قرار گرفت و سلطنت مزبور بواسطه سلاله (همدانیه) ازین رفته شاهان موخرالدکر از ۱۰۹۸ تا ۱۱۷۳ دوام کردند و دران تاریخ تمام مملکت یمن به سلسله ایوبیه مصر منتقل گردید این سلسله بواسطه خاندان رسدلیه که اولاده یکی از امرای خلیفه عباسی بود منقرض شد .

در سنه ۱۵۱۷ اترک عثمان نلی که مصر را فتح کرده بودند به تصرف یمن پرداختند ، قبضه این مملکت که بواسطه سلیم اول شروع شده بود بیش از یک قرن دوام نکرد در سنه ۱۶۳۳ امام های ملی بر سر اقتدار آمد و ترکها مجبور به دست کشیدن گردیدند ، بسمیکه فقط یک رابطه اسمی تا وقت جنگ عمومی یمن را بترکیه الحاق میداد و پس از انقراض سلطنت عثمانی آزاد شد .

شاه حاضره جاجه حمیدالدین المتوکل امام یحیی نام دارد که در سنه تولد شده و پسر خاندان شاهمی : اما محمد است (مسلمان سعیدی)

اولاد :

- | | |
|--|------------------|
| ۱ : الهادی محمد سیف الاسلام ولیعهد سلطنت است . | ۲ : شهزاده حسن . |
| ۳ : شهزاده حسین . | ۴ : » علی . |
| ۵ : » کاظم . | ۶ : » مطهر . |
| ۷ : » عبدالله . | ۸ : » ابراهیم . |
| ۹ : » اسمعیل . | ۱۰ : » جاجه . |



جناب فاضل جمال الدین احمدخان
عضو فخری انجمن ادبی که در
سالنامه کابل کک شایانی نموده اند

نظری به آسیا

آسیا بزرگترین قطعه عالم بوده و بواسطهٔ که در شرق شالی دنیای قدیم وقوع یافته بنام شرق نیز معروف است .

این براعظم شمالاً و جنوباً از ۷۵ درجه عرض بلد شمالی الی ۱۰ درجه عرض بلد جنوبی واقع گشته ، غرباً ، شرقاً از ۲۶ الی ۱۹۰ درجه طول بلد مشرقی امتداد یافته است . مساحت آن مساوی (۴۱۶۰۰۰۰۰) کیلومتر مربع (که تقریباً ثلثی از عالم مسکون را تشکیل می نماید) بوده ، دارای (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) نفوس است که بیشتر از نصف نفوس روی عالم باشد .

براعظم ایشیا خیلی وسیع و از آن رو آب و هوای آن اختلافاتی بهم رسانیده ، باعث تکون و پیدایش نباتات و حیوانات متنوعه گردیده است . آسیا از حیث جبال و قله شامخه ، سطوح مرتفع ، میدان های وسیع حاصلخیز و دشتهای غیر مزروع ، بیابان وریگزار های سوزان ، جزائر سرسبز و شاداب ، بحیره های وسیع و پهناور و بالاخره بواسطهٔ تندرا و برفستان های شالی خود در عالم بی نظیر بوده و بر سائر براعظم های دنیای قدیم و جدید برتری و محاسنی را حائز و دارا است .

چنانکه همالیه در بین جبال ، قلهٔ ایورست در بین قله شامخه ، سطح مرتفع تبت در وسط سطوح مرتفعه ، بحیره خزر در ردیف ابحار داخلی ، میدان ساییبیریا از حیث وسعت ، بحیره مردار و نواحی آن از رهگذر شوری آب و پستی زمین ، میدان گنگا و هوانگک هوا از باعث زرخیزی ، جزیره نمای عرب در قطار جزیره نماها از سبب بزرگی ، یاکتسک از حیث سردی در صنف نقاط مسکونه ، نواحی شرق اردن بواسطهٔ گرمی خود و چرایونچی از کثرت باران هر یک تشخیص و امتیازی دارند که بهیچ صورت از آن نمی توان انکار کرد .

برعلاوهٔ آنهمه ، مهبط ابوالبشر سیدنا آدم علیه السلام بوده ، و سفینهٔ آدم ثانی نوح علیه السلام نیز در خاک آسیا بر روی زمین قرار یافت و نخستین منبع و سرچشمه تهذیب و تمدن شمرده میشود که بعدها سائر قسمت های دنیا از آن سرمشق های عبرت گرفته ، مستفیض و منور گردید .

خطوط و اعداد مروجهٔ کنونی عالم و السنهٔ مهمه نیز ازین سرزمین آغاز ظهور نموده ، مهد و پرورشگاه انبیای جلیل القدر و رهنمایان معروف بشریت تسلیم گشته است .

بزرگترین نژاد های عالم ، سفید پوستها و زرد پوستها ازینجا ظهور نموده ، قدیمترین و بزرگترین کتب سماوی و آبدات تاریخی در همین خاک نزول و تاسیس یافته اند ، حیوانات اهلی بدون استثنا کاملاً درین قطعه انس گرفته و پرورش یافته و بعدها بسائر نقاط عالم پراکنده و مروج گشت . همچنین مزرع اصلی نباتات ، اثمار و حبوبات ما کوله متداول در عالم نیز آسیا بوده ، کشت و کار و طرز استعمال هر یک را سائرین از اهالی این سرزمین بیاموختند ، و چنانکه گفتیم آسیا نه تنها درازمنهٔ قبل از تاریخ بلکه در ادوار بعد از تاریخ نیز همیشه و متمادی مبداء دیانت ، اخلاق ، زراعت ، فلاحه ، صنعت ، حرفت ، تجارت و بحریمائی و فنون حرب و کشورگشائی علم و هنر ، تهذیب و بالاخره سرچشمهٔ تمدن بوده و بر سائر نقاط عالم سمت استادی و پیشوائی را احراز نموده است . وطن عزیز ما افغانستان در قلب این قطعهٔ بزرگ و واقع گشته از حیث تاریخ سابقه درخشان ، تذکار و خاطرات مشعشع و قیمت داری را حائز است . چنانکه از شش هزار سال پیش بلکه افزون تر

نظری به آسیا

ازان اهالی این دیار که عبارت از اسلاف بزرگوار افغان باشد، مهاجرت اختیار کرده، تمدن سومیرها را در عراق و تمدن (موهین جودیرو) را در وادی سند تاسیس نمودند که تقریباً از لحاظ طرز و اسلوب تمدن واحدی بوده، و میتوان گفت که در عصر واحدی هم تشکیل یافته است.

آریه ها ازین سرزمین برخاسته ایران، هندوستان و اورپارا معور و آبادان ساختند. فاتحین و آشورکشایان بزرگ عالم اکثر ازین مملکت بوده، و یا بطور مسافرت و تاخت و تاز ازین سرزمین عبور کرده اند.

خلاصه اگر بگوئیم که تاریخ آسیا عبارت از تاریخ مجمل عالم بوده و تاریخ افغانستان مجمل از تاریخ آسیا است بجا گفته خواهیم بود.

مدنیت آسیا بسی قدیم بوده، علایم و شواهد بسیاری ازین مدنیت پرشکوه موجود است آثار نفیسه که مدنیت قدیمترین و صنایع (۶ هزار سال قبل) آسیا را نشان میدهد در اترکا و شها و حفریات از بلاد قدیمه سند و دجله بدست آمده است، اگرچه درین بلاد سند و دجله بعد و مسافت زیادی است. اما آثار عتیقه نیکه ازین ممالک کشف گردیده باهم شباهت تامی دارند، اگرچه بناهای این دو مملکت در حصص میدانی تعمیر گردیده و در اطراف آن تا چندین کیلومتر بجز میدانهای وسیع خاک دیگر چیزی بنظر نمیآید مگر چون در تزیینات سنگ لاجورد بکار برده اند. چنان مینماید که اهالی آنجاها اصلاً از مملکت کوهستانی مشجری باین دیار رخت اقامت کشیده باشند و نیز از ابنیه و معابد و قبور آنها این مطلب بخوبی واضع می شود اهالی این ممالک فلز طلا و مس را گداز میکردند. خشت پزی، حجاری، کلالی، زرگری مس گری داشتند از همه گذشته دارای فنون حربی هم بودند،

بگانه مملکت کوهستانی نیکه بین این دو مملکت واقع و دارای معدن مهم لاجورد است مملکت افغانستان بوده و عقیده اکثر علما اینست که اهالی کوهستانی افغانستان باند یار رفته و تاسیس مدنیته نموده اند. و این آثار مدنیت شش هزار سال قبل ظاهر میسازد که افغانستان قبل از ان دارای تمدن و شوکت بوده و اهالی آن در دیار مجاور نیز مدنیت خویش را نقل داده و رمغان برده اند.

سامی ها از سومیرها نیکه از مملکت کوهستانی رفته و در غرب آسیا دارای مدنیت بودند کسب تمدن نموده اند سومیرها هزار سال با کمال مدنیت و شوکت حیات بسر بردند بعد از ان رو با تحطاط گذاشته، و سامی ها که از سومیرها اخذ مدنیت نموده بودند چهار هزار و پنجصد سال قبل ازین جای ایشان را گرفته و بابل را مرکز قرار دادند.

پنجصد سال بعد از ان اهل عیلام بابل را فتح کرده مدنیت و زبان ملت مفتوحه را اخذ نمودند، سپس از ان سه هزار سال قبل ازین دوره آشورها شروع شد و ۶۰۶ ق م در فارس سلطنتی عظیم بنایافته شوکت بابل و نوار ادرم شکست.

از وسط آسیا چهار هزار سال قبل اصناف آریه ها از مملکت باختر (بلخ) و سغد که از وادیهای سر سبز و خرم و آباد دنیا بود بطرف جنوب مشرق بهند و بطرف مغرب با ایران و بطرف شمال مغرب با اروپا مهاجرت نموده اند و این مهاجرت صد ها سال دوام ورزیده است.

آبا و اجداد چینی های امروزه از وسط آسیا تقریباً پنج هزار سال قبل ازین در چین (شرق آسیا) رفته و در (هاوانکو) رحل اقامت افکنده و بتاسیس قدیمترین دولتی که (چین) تا حال وجود دارد پرداختند و مدنیت ایشان تا کوریا و جاپان رسید.

در جنوب آسیا در هند قدیمترین تمدنیکه بما معلوم شده در سند بوده، و آثاری از آنجا کشف گردیده که تمدن آنرا بما نشان داده است چنانچه قبلاً به ذکر آن پرداختیم. در زمانیکه سند دارای تمدن بود در حصص وسطی هند اقوام وحشی (منده) زندگانی داشتند که نسل آنان تا حال بنام بهیل و ستال و غیره موجود است.

(دراودیهها) غالباً از طرف شمال غرب وارد هند گردیده و در تمام مملکت پراکنده شده سکونت ورزیده اند سه و نیم هزار سال قبل آریانه‌ها دراودیه‌ها را از صفحات شمالی هندوستان به حصص مرکزی و جنوبی رانندند.

در زیر اثر آریانه‌ها آئین برهمنی در هند نشو و نما یافته و کسب اهمیت نمود، مذهب بودائی دو نیم هزار سال قبل ازین در وادی گنگا تولد یافته آهسته آهسته بر تمام قطعات مرکزی و حصص شرقی و جنوبی آسیا از ساحل مالابار تا جزایر جاپان هم قبول و پذیرائی شد، اگرچه آئین بودا، امروزه روز در مه‌د نشو و نما می‌خورد ابداً پیروی ندارد. اما کثرت اهالی سیلون، برما، تبت، چین، جاپان، منگولیا هند چینی و غیره از پیروان این مذهب می‌باشند.

از دو نیم هزار سال تا قرن ۱۷ مدنیتهای: ۱- چینی ۲- هندی ۳- اسلامی ۴- باختری (آسیای مرکزی) در آسیا حکفر ما بوده است، سه مدنیت اول الذکر از یکدیگر اختلاف داشته، ولی مدنیت چهارم که در ازمته سابق خودش منبع مدنیت های دیگر بود درین زمان از اتحاد و ارتباط مدنیت های دیگر متشکل بود. ولی در تقسیم ملل و تاسیس دول و آبادی و خرابی ممالک و مبادلات تجارتنی حصه مهمی داشته است.

مدنیت چینی در صفحات شرق آسیا حکفر ما بود. کوریا، مانچوریا، جاپان، انام ازو مدنیت آموختند و تاثیر این مدنیت بمملکت منگولیا، تبت، سیام کمبودیا، برما، کاشغر کشمیر نیز رسید، و مدنیت هندی نیز درین ممالک اجرای نفوذ نموده بلکه در بعضی جا بر مدنیت چین نفوذ یافت. در کاشغر و کشمیر مدنیت اسلامی و باختری هم داخل گردید. بهر جائیکه نفوذ مدنیت چین بیشتر بود دیانت کنفوسیوس و رسم الخط چینی (که از بالا بطرف پائین بسطرهای عمودی بقلم موئی تحریر میگردد) و هم سبک مخصوص چین در صنایع رواج یافت.

تاثیر مهمه مدنیت هند عبارت بود از مذهب بودائی که در ازمته قدیمه در وسط آسیا و تبت و منگولستان، جاوا، کمبودیا، سیام، و جزایر شرق الهند رسید، و با کثرت ممالک رسم الخط هندی و سبک هندی در صنایع و ادبیات داخل گردید، چنانچه رسم الخط جاوا، تبت کمبودیا و آثار تاریخی و مذهبی و رسوم و عادات اهالی هند چینی و جزایر شرق الهند برین گواه است.

از یکطرف بواسطه باختر دیانت بودائی بچین و جاپان و از طرف دیگر بواسطه باختر و اسلام علوم و فنون تا ورو پا رسید.

تا نزدیکیها میگفتند که معلم علم و فن تمام دنیا یونان بوده. اما حال شواهد و دلایلی بدست آمده که یونان از باختر علوم و فنون شرق را اخذ کرده است.

اسلام که دین حقانی مقدس و پاک و بزرگترین ادیان است از همه قوائیکه تاریخ نوع بشر از ان حکایت می‌نماید مؤثر واقع گشته است. چنانچه از گوشه غرب آسیا برخاسته و چنان عالمگیر شد که در اندک مدت نه تنها از ساحل بحر اتلانتیک تا جزایر بعیده شرق الهند رسید، بلکه هر شعبه حیات بشر از اسلام مستفید گردید، زیرا تاثیر مدنیت چین بیشتر بامور مادی، و تاثیر مدنیت هند بیشتر بامور معنوی، رسم الخط، صنایع دیانت و بعضی رشته های علوم، و تاثیر باختر چنانچه ذکر شد بیشتر به امور سیاسی بوده.

اما هیچ شعبه حیات بشر (دینی و دنیائی، مادی و معنوی، سیاسی و حربی، تجارتی و اقتصادی، اجتماعی و انفرادی) نیست که اسلام در آن تاثیر نکرده باشد، حتی مللیکه از قبول این دین منیف محروم مانده اند باز هم از تاثیر آن بهره‌مانده اند، از جمله ظهور پروتستان را در دین مسیحی از جمله تاثیرات اسلام و اصلاح آن میتوان گفت. فکر اخوت بشر مساوات و حریت که در دنیا تولید یافته از برکت همین دین برگزیده و حقانی است. دین اسلام یگانه دینی است که امور دین و دنیا را چنان بهم ارتباط بخشید که انفکاک یک از دیگر امکان ندارد.

نظری به آسیا

دین اسلام به هر مملکت و هر قطعه دنیا که رسیده است، رسم الخط، زبان عرب و سبک مخصوص را در صنایع با خود برده است.

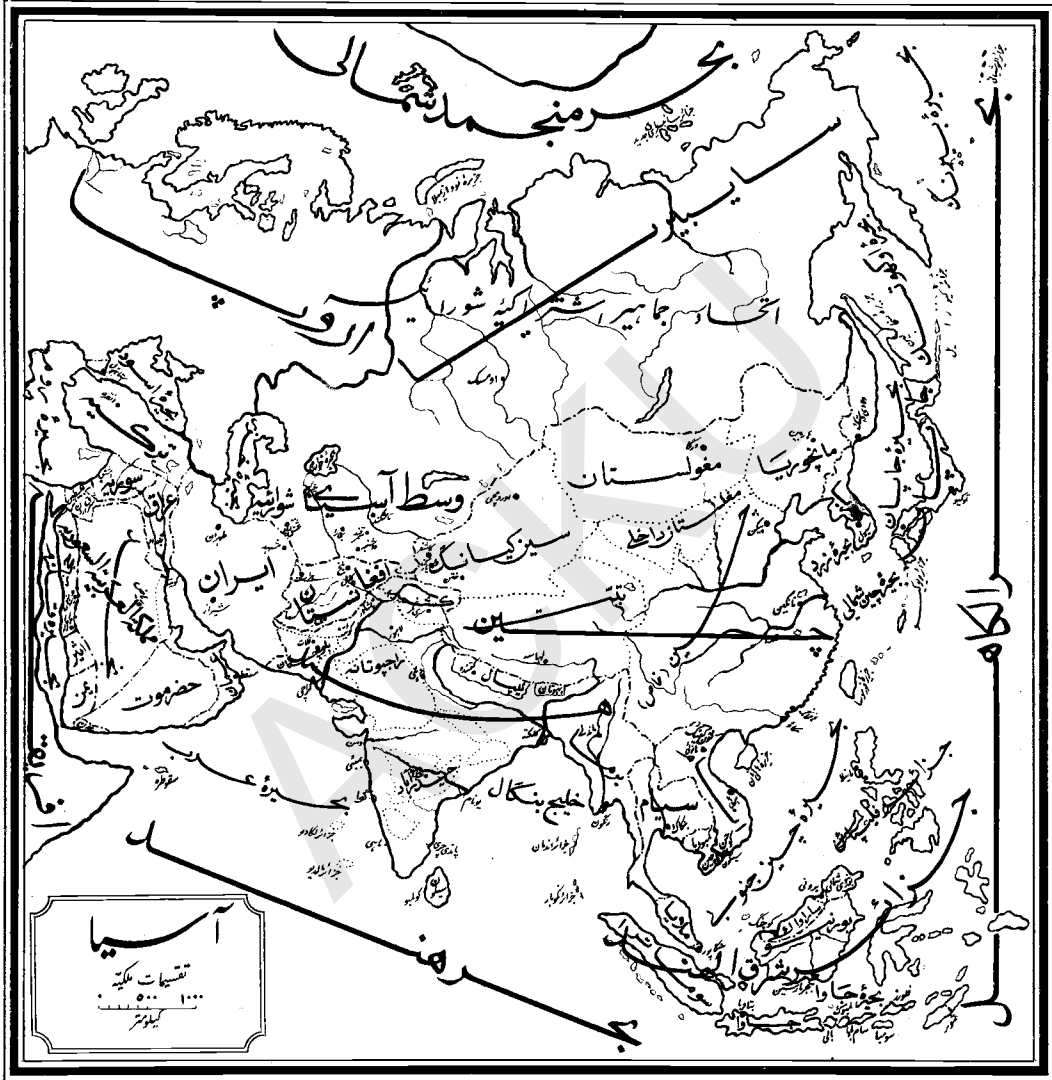
حصه را که ملل باختری در تاریخ آسیای وسطی گرفته اند بیشتر آن به امور حربی و مهاجرت تعلق دارد زیرا در ملل باختر عادی بود که در هر حصه آن که اثری از جنگ و جدال پیدا می شد، اقوام دور و نزدیک با آنجا اجتماع نموده متفقاً بحمله و حرب می پرداختند. مثلاً در ظرف این دوهزار سال چندین دفعه اقوام باختری و آسیای وسطی بر ممالک بعیده تاخت و تاز آورده و بواسطه شجاعت خود بر ممالک متصرف و دولت وسیع تشکیل میدادند، اما از باعث قتل افراد نمیتوانستند آنرا مدتی حفظ نمایند. اگر بعد از زمانی باز اقوام خودشان در ممالک مفتوحه هجوم می آوردند از مدافعه آنها عاجز می آمدند.

اگر چه سلطنت ملل باختر دوام دار نمی بود ولی چون سلطنت وسیع تشکیل می یافت، علما، تجار، صنعت گر سلاح سهولت از یک سر مملکت تا دیگر سر آن رفت و آمد پیدا میکردند و باین واسطه زمینه مساعدی برای تبادل افکار و نقل تمدن تهیه میکردید.

در ازمنه قبل تاریخ اهالی آسیا در افریقا و اروپا حتی در مریکا بارها نفوذ یافته اند، اروپا و افریقا اگر چه در آسیا نفوذ یافته اند، ولی نفوذ آنها موقتی بوده، چنانچه هکسوس و آتوری ها، عربها و عثمانها، بر مصر، فنیقی ها، بر کارتیج و آریانها و اوارها و مجارها و هونها و بلغارها و عربها و مغلها و تراک و غیره به اروپا هجوم برده و ممالک افریقا و اروپا را تصاحب و در آنجا سکونت اختیار نمودند چنانچه تاحال نسل ایشان در آنجاها باقیست. بالمقابل مصرها، بسوریه، و اهل حبشه، برین، یونانها و سکندر کبیر و رومی ها به آسیای کوچک و در ایام جنگهای صلیبی قوای تمام دول مسیحی اروپائی بر فلسطین هجوم آوردند، تاهنگامیکه طریق ایاب و ذهاب خشکه بود آسیا بر قطعات دیگر غالب، اگر قطعات دیگر به آسیا قدم می نهادند فتوحات شان موقتی می بود.

در سنه ۱۴۹۸ م واسکو دیگاما دریا نورد پرتگالی از راه بحر ساحل هند قدم نهاد و بعد از آن اتباع سایر دول بحری اروپا از قبیل پرتگال، هسپانیا، هالند، فرانس، برطانیای ازین یکدیگر بلباس تجارت وارد ممالک آسیای جنوبی و شرقی گردیدند و در امور تجارت از آسیا ثبات طلب مراعات شدند سپس از منازعات و مناقشات داخلی استفاده برده نفوذ خود را توسعه دادند و ممالک را در تحت سلطه و تصرف خویش در آوردند. بعد از آن بین ممالک اروپائی رقابتی در مسایل آسیا پیدا شده پرتگال اکثری مقبوضات خود را از دست داد مقبوضات هسپانیا در قرن ۲۰ بتصرف جمهوری آمریکا درآمد هالندها مقبوضات هندی و سیلون و هند چین خود را به انگلیسها باختند ولی در جزایر شرق الهند توسعه یافتند. فرانسویها از هند متصرف گردیده هند چین را قبضه نمودند. بعد از جنگ عمومی جزو اعظم سلطنت عثمانی ازو مجزا شده تحت انتداب فرانس و انگلیس قرار گرفت. بطرف شمال روس از راه خشکه سای بیریا و حصص شالی آسیای وسطی را آهسته آهسته متصرف شده، و از باعث قتل اهالی و ضعف آنها بدون مشکلات بر آنجاها مالک گردید، ولی چون در شرق اقصی بادولت جایان مقابل شد، شکست فاحش یافت.

در قرن ۱۹ دول مهمه اروپا آسیا را لقمه چرب و شیرین ولایق باع پنداشته خیالاتی در باب فرو بردن آن در سر داشته و آنرا بین خود تقسیم می نمودند، اما درین وقت آثار نهضت در آسیا پیدا شد خلاصه در اوایل قرن ۱۹ جایان رو بترقی محیر العقول نهاده در مدت قلیلی هم سروهم قطار دول بزرگ و مقتدر عالم گردید. و چنانکه گفتیم در سائر ممالک آسیا حس نهضت علم بر افراخته و پیش از همه در سال ۱۹۱۹ افغانستان استقلال کامل خویش را حاصل نمود بعد از آن ایران و سیام از حلقه های اثر خارج و امتیازات و مدارات اروپا تنها یک یک خود را نجات و رهائی بخشیدند و درین اواخر عراق نیز مستقل شناخته شد، در سال حاضر سفیر نیپال بدربار لندن پذیرا شد و رو به بر گرفته هند، جاوا جزایر شرق الهند، سوریه، فلسطین نیز خواهان آزادی گشته و از اجانب برخی از حقوق خود را گرفته و در عقب اختلافی افتاده اند. حتی ولایات امپراطوری سابق چین نیز برای استقلال خویش مجاهدت ورزیده حکومت علیجده تشکیل داده اند.



مسكوكات خارجه

اسم مملكت	اسم سكه	ميار	قيمت بافغانى		ملاحظات
			پول افغانى	پول	
سالوادور	كولون	»	۰	۵	
سيام	باهت	»	۴۲	۴	
سگايور	دالر	»	۶۸	۵	
سويډن	كرون	»	۶۸	۲	
سوئزرلينډ	فرانك	»	۹۳	۱	
فئلانډ	ماركا	»	۲۵	۰	
فرانسه	فرانك	»	۰	۵۸	
فليانن	پيسو	»	۰	۱۵	
كاناډا	دالر	»	۰	۱۰	
كولمبيا	پيسو	»	۷۳	۹	
كوستاريكا	كولون	»	۶۵	۴	پول كاغذى رواج دارد كولون كاغذى مساوى است به ۲۰۰ افغانى
كيوبا	پيسو	»	۰	۱۰	
گواتمالا	كوتزل	»	۰	۱۰	
لاتويه	لات	»	۹۳	۱	
لايبيريا					سكه برطانوى مروج است .
ليتوانيه	ليتاس	»	۰	۱	
مصر	جنى	»	۰	۷۰	
مكسيكو	پيسو	»	۹۹	۴	
نيدرلاندز	كلډار (فلورين)	»	۲	۴	
نيكاراگوا	كاردوبا	»	۰	۱۰	
ناروى	كرون	»	۶۸	۲	
وينزويلا	بوليوار	»	۹۳	۱	
هائيتى	گورد	»	۰	۲	
هاندوارس	لمبرا	»	۰	۵	
هانگري	پنگو	»	۷۵	۱	
هند	رويه كلډار	»	۶۰	۳	
هند چينى	پياستر	»	۹۲	۳	
هسپانيه	پستنا	»	۹۳	۱	
پوروگوى	پيسو (طلائى)	»	۳۴	۱۰	پيسوى كاغذى مروج است كه قيمت نازل دارد .
يوگوسلاويا	دينار	»	۱۷۵		
يونان	دراكمه	»	۱۳		

و مقیاسات ، اوزان ، مقادیر و مسکوکات جاپان

مقیاسات اوزان و مقادیر و مسکوکات جاپان و تطبیق آن با مقیاسات و اوزان و مقادیر و مسکوکات

افغانی :

نوع مقیاس	اسم جاپانی	تطبیق آن به مقیاسات افغانی
طول	ری	کیلومتر ۳۰۹۲۷۲۷
	ری (بحری)	» ۱۰۸۵۳۱۸
	ری (مربع)	مربع کیلومتر ۱۵۰۴۲۳۴۷
مساحت	سویو	مربع متر ۳۰۳۰۵۷۹
	تان (مساوی ۳۰۰ سویو)	آر ۹۰۹۱۷۶۳
	چو (مساوی ۱۰ تان)	هکتار ۰۰۹۹۱۷۳۵
حجم	شو	لیتر ۱۰۸۰۳۹۱
	تو (مساوی ۱۰ شو)	» ۱۸۰۰۲۹۱
	کوکو (مساوی ۱۰ تو)	هکتولتر ۱۸۰۰۲۹۱
وزن	مومه	گرام ۳۰۷۵
	کین (مساوی ۱۶۰ مومه)	» ۶۰۰
	کوان (مساوی ۱۰۰۰ مومه)	کیلوگرام ۳۰۷۵
حجم جہازات	کوکو	تن ۰۰۱
مسکوکات	سن	پول ۸
	ین (۱۰۰ سن)	افغانی ۴۰۹۸۲

علاوه برین مقیاسات متری در جاپان رواج دارد که در تجارت خارجه عموماً استعمال می شود.



احصایه گوسفندان عالم

ارمنان	۴۴,۴۱۰,۰۰۰
کاپری کوریا	۵۱,۹۱۰,۰۰۰
کازاکستان	۸۹,۸۶۰,۰۰۰
آسیا	۱۰۹,۳۸۰,۰۰۰

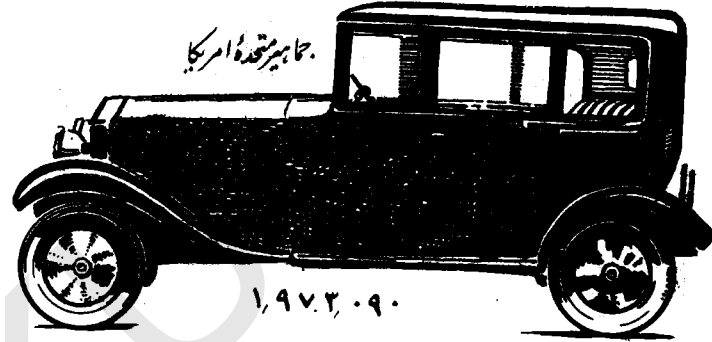
رومانا	۱۸,۹۲۰,۰۰۰
بلژیک	۲۰,۵۶۰,۰۰۰
سپان	۲۲,۰۹۳,۰۰۰
پاکستان	۲۴,۱۸۰,۰۰۰
جزایر برطانیه	۲۸,۱۸۰,۰۰۰
آذربایجان	۲۵,۸۱۰,۰۰۰



افغانستان	۴,۹۸۰,۰۰۰
ایتالیا	۹,۹۰۰,۰۰۰

احصایه اتوموبیل سازی سالانه ممالک عالم

جایز متحدہ امریکا



۱,۹۷۲,۰۹۰

اتوموبیل تیسہ رفتار



کانادا
۶۹,۰۹۲



برطانیہ
۱۶۰,۱۷۸



فرانس
۱۶۱,۳۱۵

باقی ممالک
۱,۶۹۸

استریا
۲,۶۰۰

بلجیم
۲,۹۰۰

چکوسلواکیا
۱۴,۸۵۰

ایتالیا
۲۶,۹۵۰

جرمنی
۵۲,۶۴۳

اتوموبیل بار برداری

ایتالیا ۶,۵۳۰
چکوسلواکیا ۴,۱۳۰
سوئڈن ۱,۷۵۱
اسپین ۱,۶۰۰
سوئیس ۱,۰۰۰
سوئڈن ۲,۱۹۷

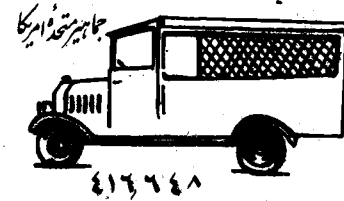
جرمنی ۱۱,۸۱۲

کانادا ۱۷,۵۲۸

آسٹریا ۲۳,۴۰۰

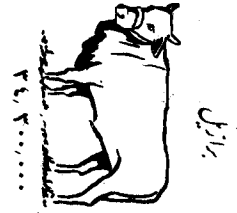
فرانس ۲۵,۵۴۵

برطانیہ ۶۲,۰۴۱



۸۱۶,۶۴۸

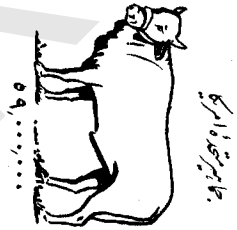
احصائے بھرتا و مالک و عالم



برازیل



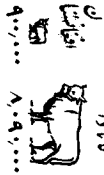
انڈیا اور پاکستان



جاپان اور امریکا



چین



افغانستان



کازاخستان



انڈونیشیا اور تائیوان



اسٹریلیا



برازیل



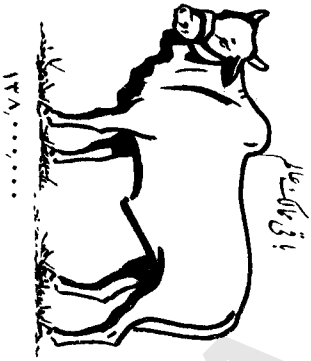
فرانس



جرمنی

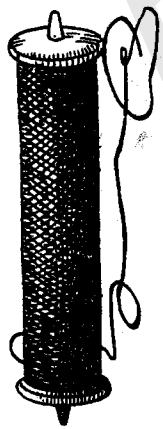
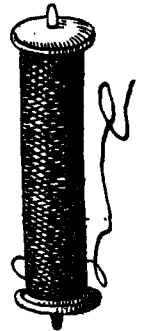




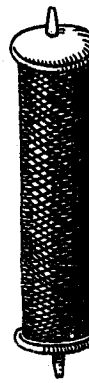


رومانیا

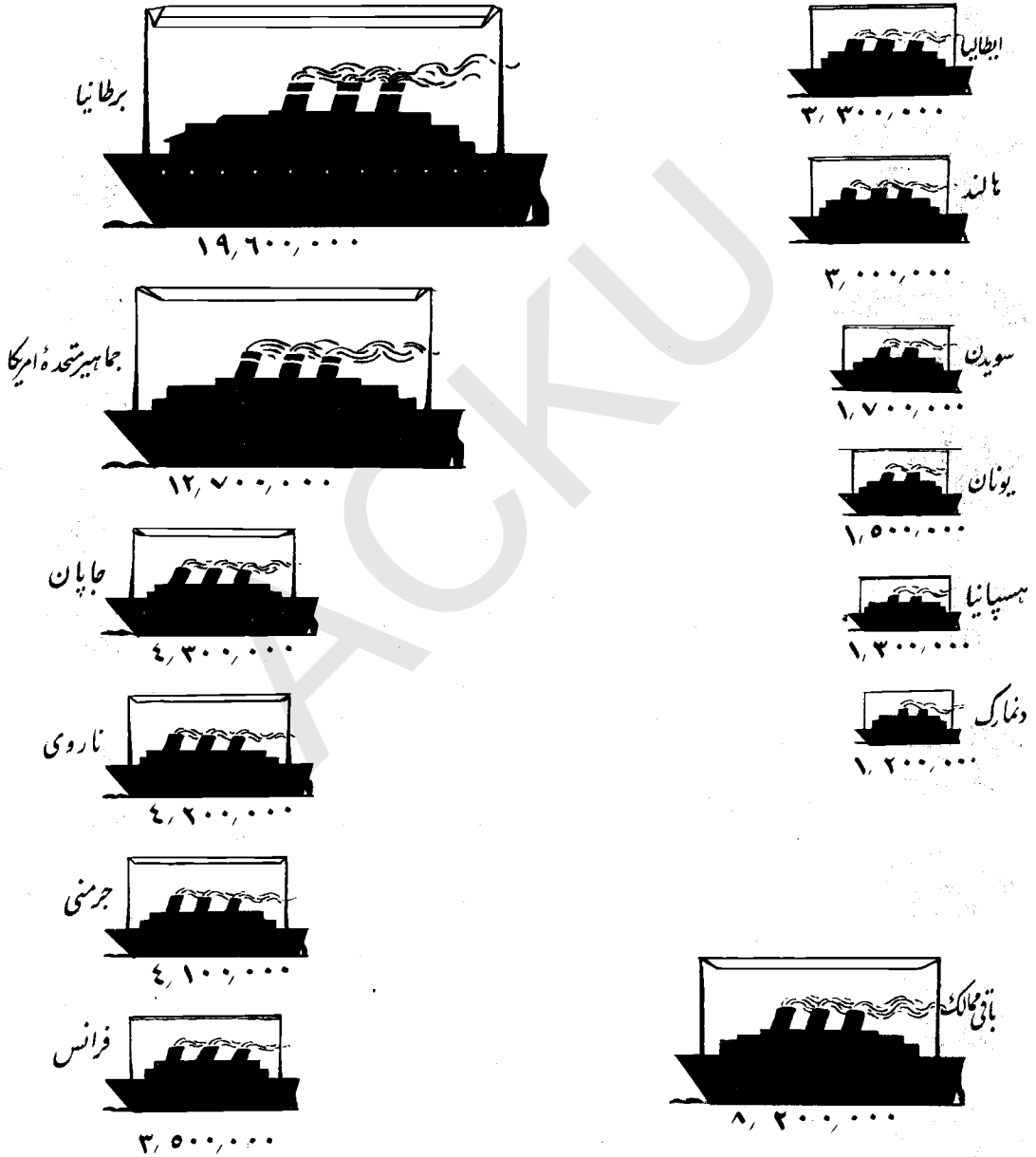


بقیہ عالم

فابریک ٹائی سنگھائی ممالک عالم
بحساب شدہ

	برطانیہ	۵۱,۹۰۸,۶۰۰
	عالمی ممالک امریکا	۳۱,۷۰۹,۰۰۰
	جرمنی	۱۰,۲۳۲,۰۰۰
	فرانس	۱۰,۱۴۴,۰۰۰
	جاپان	۷,۷۹۸,۰۰۰
	ہند	۲,۳۱۲,۰۰۰
	افغانستان و شرف تائیس است	
	باقی ممالک عالم	۳۹,۹۱۲,۰۰۰

جہازات تجارتی ممالک عالم بحساب تن



دستگاہ تیلیفون ممالک عالم بحساب فی صد نفر



۱۶



۱۳



۱۱



۱۰



۹



۸



۸



۷



۹



۴



۴



۴



۴



۴



۴



۴



۱

زهریات و جلوگیری از تأثیر آنها

برای جلوگیری از تأثیرات جانسوز سمیات و عواقب و خیمه آن، از همه بهتر اول آنست که مراجعت به داکتر کرده شود، در صورت عدم دسترس بداکتر لازم است که مطابق هدایات ذیل در پرستاری مسموم کوشش بعمل بیاید.

عموماً اوضاع مسمومین از دو حال خالی نبوده دیده شود که آیا بشخص اطلاعات راجع به مسمومین: مسموم اغما و بیهوشی طاری شده، یا اینکه بحالت اصلی خود کماکان بیهوش است. در صورت دومی مراعات و تمهیل هدایات ذیل ضروری است:

- ۱ - از همه بیشتر برای مسموم اشیائی خورانده شود که زهر بواسطه تحلیل بر آن باقلیت مانده در تأثیرات آن تخفیفی بعمل آید.

- ۲ - مسموم را باستفراق و بهی آوردن.

- ۳ - در صورت ممکن اشیائی به مسموم خورانده شود که در معده از تحلیل سم در آن چنان کیمیاوی یک ترکیبی بوجود آید، که از قطعی حل شدن سم در معده جلوگیری نماید.

ولی خوشبختانه بیکصورت هر دو مقصد اول را چنین حاصل میتوان کرد که اول مسموم را بمقدار زیادی آب شیرگرم اگر ممکن باشد باصابون یا نمک آمیخته خورانده شود، و در صورت عدم دسترس باشیاء مذکور تنها آب شیرگرم نیز کافی است، چه از اثر در کامیابی بطور کافی خوردن آب شیرگرم بوده، و طریق استعمال آن چنین است: اولاً باید ۳ و ۴ گیلاس (متوسط) از آب شیرگرم بمسموم خورانده، به انتظار استفراق آن بود تا قی نماید. و اگر در ۳، ۴ گیلاس استفراق وقی نیاید، ضرور است که تا قی نمودن مسموم به خوراندن آب شیرگرم دوام داد چه آب شیرگرم خود نیز مقی بوده، هر قدریکه خورانده شود بهمان اندازه در قی کردن تسهیلات پیش می کند. و بر علاوه بواسطه فرو بردن (پر) در گلو نیز میتوان تولید استفراق (قی) نمود.

معلومات خصوصی راجع بسمیات معروف

۱: آرسنیک:

(سن کیا یا سم الفار) بطور خالص و بدون ترکیب چیزی می باشد، یا اینکه بصورت غیر مستقیم در زهر موش (عبارت از ادویه ای است که برای کشتن موش بکار می برند) در زهر ملخ (ادویه که برای کشتن ملخ استعمال می شود) و در رنگ های سبز وجود دارد.

علاماتی که از خوردن آرسنیک در مسموم ظاهر میشود عبارت است از درد معده به طور شدید، استفراق، اسهال، شکم دردی، تشنج در یاها، خشکی گلو، عرق سرد و بالاخره اضطراب فوق العاده.

نخستین معالجه آن بکثرت و بمقدار زیاد قی دادن است، تا معده کامل شسته و پاک شود، و بعد از آن کسترایل (روغن بید انجیر) بمقدار کافی برای مسموم داده شود تا بواسطه آن مقداریکه از سم مذکور در معده تحلیل یافته است دفع شود.

و بعلاوه عندالزوم مسموم را گرم نگاهداشته برایش قهوه بدهند.

۲: کاربالک ایسد:

علامات عبارت از زهرسوزنده ایست که اکثریه در تب، روی، دهن، گلوکه بواسطه آن مسموم شده باشد (آبله ها ظاهر شده) استفراق مینماید. ولی اگر مسموم قسمت زیادی از آن را خورده باشد بدیهی است که بیهوش و در حالت اغما نیز می افتد.

فوراً باید معده مسموم را شسته و پاک نموده برای آن مایعات مسکن از قبیل شیر و تخم خام با شیر بتکرار
معالجه : داده شود، وبعلاوه خوردن اشبای دافع ضعف نیز برای مسموم و بصورت فوری ضروری است .

۳- بخارذغال :

(هوائی شدن از غبار و عفونت ذغال) که اکثریه از غازموثرو وجود منقل، و بخاری ناقص برای اشخاص پیدا می شود
علامات آن بصورت مختلف بوده، متعلق بشدت تاثیر آن است که نمی توان آن را محدود کرد. و فقط
در آخرین مرحله حیات، رنگ گوش، ناخن، لب سرخ گردیده، نفس منقطع میشود .

اول : باید مسموم را از اطابقه در آنجا مسموم شده است خارج کرده در موضعیکه
صورت معالجه : دارای هوای پاک و صاف است برده شود .

دوم : در صورت انقطاع و بند شدن نفس دادن تنفس مصنوعی از واجبات است .
سوم : باید مسموم را بو وضعیت افقی (بمثل مرده) روی تخت خواب یا زمین هموار خواب داده (گرم)
و بحالت سکون با استراحت نگهداشته حتی الوسع از حرکت آن جلوگیری نمایند . و از شور و قال مقال کردن
در اطابق مریض نیز اجتناب کرده و بعد از بهوش آمدن مریض را چندروز استراحت داده شود .

۴- ایودین :

(یود) از آنجائیکه درین ایام استعمال تنکچرا یودین بکثرت تداول دارد از اتفاقات گاه گاهی چنین
نیز میشود که بعضی اشخاص آن را سهواً خورده مسموم میشوند .

اولاً باید مسموم را به استفرق آورده، بعد از قی باید که قدری نشایسته
معالجه : یا آرد ترمیده و یا آرد خالص را با آب آمیخته به او بخوراند .

سرب :

سفیده فاشقاری، و روغن هایکه از سفیده فاشقاری ترکیب یافته باشد و محلول سرب در سکه همزه می هستند .
خشکی گلو، تشنه گی زیاد و تولید ذائقه فلزی در دهان، قولنج، تشنج دریا، آوردن
عرق سرد و گاه گاهی فالج یا مسموم آن عارض می شود .

اولاً معده را خالی کرده بقدر ۲ مثقال سودیم سلفید (ملح ایسم) در آب حل کرده داده
معالجه : شود . و اگر ضرورت افتد اشبای مقوی خورانیده شود .

سیاب :

رسکه پور (نسکه پور) دارچکنه، کلومل، وغیره مرکبات سیاب همه زهر اند .
دهان و لب و زبان سفید می گردد، ذائقه فلزی در دهان پیدا می شود، گاهی دهان متورم
میگردد، درد شدید در شکم، قی خون بلغم آلود، و بیخ خونی مستولی می شود، ضعف
شدید و تشنج در تمام جسم رخ میدهد و علاوتاً جسم چسبک و سرد می شود .

اولاً ۳، ۴، ۵ مرتبه قی آورده شود، و بعد از آن سفیدی تخم خام و یا تخم خام و یا
معالجه : مخلوط تخم و شیر خام، برایش خورانده شود .

سلورنای ترت (نقره) :

درد دهان و معده مستولی و لب و دهن اولاً سفید و بعد ها سیاه میگردد، همچنان قی سفید
علاهایت : می آید، لاکن باندک زمان رنگش سیاه میشود . بهترین علاجش قی آوردن بواسطه
آب نمک است، بعد از آن شیر و یا مخلوط شیر و تخم باید خورانده شود و اگر ضرورت
حس شود اشبای مقوی نیز داده شود .

زهریات و جلوگیری از تاثیر آنها

تریاك افیون :

غیر از خود تریاك لادنم مارفیه کودائن ، هی روئین ، پاری گورک و بعضی ادویه سرفه و امساک ، از محصولات و مرکبات همین زهر (تریاك) میباشند .

غنودگی که بالاخره به بی هوشی مبدل می شود اول برش نبض قوی بوده و بعد از آن علامات : آهسته آهسته خفیف میشود تنفس در ابتدا قوی ولی دیرتر میباشند لحظه به لحظه سست شده میرود . مردمک چشم خورد میشود ، چهره اولاً سرخ و بعدها ارغوانی و بالاخره برنگه

جگری مبدل می شود .

چونکه اشیای قی آور به مشکل تاثیر میکنند بنا بران مقدار زیاد نمک آب شیرگرم متواتر **معالجه :** خورنده شود تا که قی بیاید بهترین علاج خوراندن قهوه شیرگرم تیره و نمکین میباشد .

اگر قهوه مجا نشود جای معمولی تیره و نمکی داده شود و علاوتاً شخص خورنده را باواز بلند صدازده و نگذارند که بخواب رود ولی اگر بخواهید که او را بیدار نموده و بذریعه راه رفتن و گردش و غیره از خواب برهائید مفید نبوده و بلکه مرضش بدتر شده می رود .

فاسفورس :

یک جزوی گولیهای موش کش و ادویه دفع کیک مصالح کوگرد است .

علامات : درد شدید در معده ، خون بینی ، بیخ خونی ، تشنج تمام اعضا

بعد از قی دادن ۳ مثقال سودیم سلفید (ملح ایسم) و یا مک نیشن ادویه مقوی **معالجه :** و شیر خورنده شود ، ولی از روغن و اشیای چرب پرهیز داده شود .

غذاهائیکه از باعث دیر ماندن مسموم شده باشد :

اکثر اغذیه خصوصاً ماهی و گوشت مرغ و کچالو بعد از مرور زمان غیر قابل خوردن و مسموم میگردد .

قی ، شکم روی اسهال آب مانند که گاهی به خون آمیخته میباشد ، نبض اولاً قوی بوده و بعد از آن کاملاً ضعیف میشود . لعاب دهن و عرق بدن خود بخود جاری میشود .

بعد از دادن قی کسترائل و یا (ملح ایسم) بطور جلاب داده شود اگر ضعف مستولی شود قهوه گرم بفرس تقویت خورنده شود . **معالجه :**

سمارق :

بعضی انواع سمارق سمیت دارد ، علامت و معالجه آن عیناً مثل سمیت ماکولا تیکه خراب شده است میباشد .

کچله و جوهر آن :

کچله و مرکبات و جوهر آن . (سترک نین) برای معالجه ضعف اعصاب بطور ادویه استعمال میشود . و نیز برای کشتن سگها و حیوانات مضره بکار برده میشود گاه گاه اطفال خوردن آن را به غلط میخورد .

اولاً دردست و یا رعشه و بعد از آن تشنج واقع میشود و بالاخره به تمام عضلات
علامات : جسم تا ثیر مینماید، کمر خم میشود، دهن بسته میگردد، و تنفس به سختی میشود،
و چهره جگری بلکه سیاه میشود.

اولاً قی زیاد مکرر آورده شود، ذغال سفوف و میده برایش خورانده شود
معالجه : و از اشپای مقوی پرهیز داده شود.

وی روان لومی نال و غیره :

این ادویه برای زیادت خواب استعمال میشود، و اگر از اندازه بیشتر خورده شود خواب نهایت سنگین
گردیده بلکه شخص را می کشد.

معالجه : آن مثل معالجه تریاک خورنده است.

تیزاب ها :

جوهر سرکه، تیزاب شوره، تیزاب نمک، تیزاب گوگرد، تیزاب الگ زلک و غیره تیزاب هازهر هستند.
درد سوزنده، درد و سوزش شدید در دهن و گلو و معده. تیزاب در جاهائیکه برسد آن را
علامات : می سوزاند، حلق متورم شده باعث ضیق نفس میگردد، قی و اسهال نیز واقع و ضعف نیز بدرجه
شدید عارض میشود. در چنین حال محلول صابون برای قی آوردن بهتر است، اگر صابون
میسر نشود محلول پلی و اگر آنهم دستگیری نکند آب صاف کفایت میکند. بعد از قی کردن شیر، تخم، روغن زرد،
روغن بادام، و یا مخلوط اینهارا به غرض تسکین باید خورانید.

برای تقویت قلب (ارومینک آمونیا) چند قطره که در یک پیاله انداخته و نوشانده شود مفید است.

اشپای سوزش آور :

از قبیل آب آمونیا (جوهر نوشادر) چونه، سودا کاستک، کاستک پتاس.

علامات : علامت مزبور مثل علامت تیزاب ها میباشد.

علاج : قی ولی برای محلول، پلی استعمال نباید کرد، بعد از اینکه معده پاک شود شیر، سفیدی تخم،
و شیر مخلوط بار و روغن زرد، و یا روغن بادام بغرض تسکین درد و تقویت گرم گرم خورانده شود.

بهترین معلومات صحی

ملاریا یا تب لرزه :

از مهمترین امراضی که قریباً در صدی هشتاد در افراد این مملکت شیوع دارد ملاریا یا تب لرزه میباشد و هر
چندی این مرض آقدر مهلك و کشنده نیست ولی خون انسان را، که عموماً از هر مرضی مدافعه میکند بقدری ضعیف
میسازد که جسم را برای قبول و ابتلای امراض مهلكی مثل سینه و بقل، محرقة، وبا، پیچش، سل و غیره مستعد و
آماده ساخته و در نتیجه بهلاك و مرگ میرساند، وی توانیم بگوئیم که اکثر اشخاصیکه با امراض فوق می پرندهلت
اصلی و شروع آن از مرض ملاریا بوده است، چه وقتیکه میکروب ملاریا بخون داخل شد قوای مدافعه که در
خون بمقابل بروز امراض موجود است ضعیف و کمزور شده و جسم از مقابله و مدافعه این امراض عاجز میآید.

چون در گذشته علت بروز این امراض را هوای خراب دانسته و
 مَلاریا از چه پیدای شود : گمان میکردند خرابی هوا موجب این مرض می شود ازین رو مرض را
 نیز بهمین نام ملیریا موسوم ساختند (ملی بمعنی خراب و ریا هوای خراب)
 ولی در آخرها پس از کشف و تدقیق اطباء معلوم شد که علت بروز این مرض نیز مانند اغلب امراض دیگر ،
 جراثیم مخصوصی است که سرایت آن از یک مریض بمریض دیگر بواسطه پشه ها حاصل شده و رأساً از یک شخص
 بدیگری نقل نمی شود . یعنی وقتیکه پشه مریض ملاریائی را گزیده و خون مریض را مکید ، جراثیم ملاریا که در خون
 مریض امتزاج داشته می باشد همراه خون در جسم پشه داخل می شود و هنگامی که پشه آدم تندرست دیگری را
 گزید جراثیم مرض بواسطه نیش پشه داخل جسم و خون آن شخص شده و ملیریا پیدا می کند ، و بهمین ترتیب مرض
 بوسیله پشه از یکی بدیگری سرایت کرده و انتشار حاصل می کند و از همین باعث است که در موقع بهار که پشه ها زیاد
 می باشند مرض ملیریا شدت و کثرت پیدا کرده و در موسم زمستان که پشه موجود نیست مرض مذکور بندرت مشاهده می شود
 میکروب ملاریا وقتیکه داخل جسم انسان شد ، در ذرات سرخ خون که بوسیله آن جسم نشو و نما و قوت
 حاصل می کند امتزاج حاصل کرده و بمجرد دخول از میکروب در کرات سرخ خوت لرزه و تب پیدا می شود
 و از همین باعث عوام این مرض را تب لرزه مینامند ، میکروب های ملاریا وقتیکه داخل خون شد همان ذرات
 سرخ خوت را که با سطلح طی (گلبول) مینامند خورده و بدادت چوچه شروع کرده و باین وسیله
 میکروبهای خلی کثرت پیدا میکنند کرات سرخ خون وقتیکه خورده شدند جراثیم ملاریا هر کدام جدا جدا
 تجزیه شده بکرات دیگر خون حمله برده و بخوردن آن شروع میکنند و در موقع داخل شدن این جراثیم
 در ذرات سرخ خون دوباره لرزه و تب پیدا شده و بهمین ترتیب مرض دور کرده می رود و در هر دوری
 ذرات سرخ خون خورده شده و میکروبهای ملاریا بوسیله چوچه دادن زیاد شده می روند . میکروبهای ملاریا
 سه قسم تقسیم می شوند ، یک قسمی در (۲۴) ساعت چوچه پیدا کرده و دور لرزه و تب هم هر روز حاصل میشود ،
 قسم دوم در چهل و هشت ساعت چوچه پیدا کرده و در این قسمت لرزه و تب یک روز در میان حاصل میشود
 قسم سوم در هفتاد و دو ساعت چوچه پیدا کرده و دوره تب در این قسمت دوروز بعد بروز میکند که هر سه رقم
 تب را هر شخصی مشاهده کرده خواهد بود .

بواسطه خورده شدن ذرات سرخ خون ، مریض رنگ زرد و ضعف شده و چون وظیفه ذرات سرخ خون
 رساندن غذا بتمام حصه جسم است ، قلت این ذرات در هر حصه بدن کمزوری و ضعف تولید نموده و قوه
 مقابله جسم در مقابل هر مرضی کم می شود ، وقتیکه در حصص مختلف جسم ضعف و کمزوری حاصل شد البته استعداد
 قبول امراض در آن خیلی زیاد شده و فرض کنیم نشو و نمای شش کم باشد و درین موقع میکروب سل بات برسد
 معلوم است که مرض سل باسانی تولید می شود ، همچنان اگر معده و روده بکندی نشو و نماید ، در صورت رسیدن
 میکروبهای بیچش و محرقة ، و با ، باسانی جسم در معرض حمله این امراض واقع می شود و عکس آن هرگاه نشو و نمای
 این اعضا بوسیله ذرات سرخ خون بصورت صحیح و منظم باشد ، امراض مذکوره در مقابل مدافعه این اعضا
 مغلوب شده و ابد امراض پیدا نمیشود و اگر مرض تولید هم شد باسانی رفع آن ممکن است پس معلوم شد که کم شدن
 ذرات سرخ خون جسم را برای قبول هر مرض مستعد ساخته و در نتیجه بواسطه این امراض دچار هلاکت میشود .
 حالاً میتوانیم اهمیت و خطرناکی این مرض را از روی تشریحاتی که دادیم بفهمیم که اجتناب ازین مرض چقدر لازم و ضروریست
 برای نجات و مبتلا نشدن افراد یک مملکت از مرض خطرناک ملاریا
 حفظ ما تقدم مرض ملاریا : اجتناب از چهار چیز لازم است :

- ۱ - پیدایش پشه را کم کردن : تا اینها میکروبهای ملیریا را با شخص تندرست رساننده توانسته و ملیریا
 انتشار پیدا نکند :
- ۲ - خود را از گزیدن پشه محافظت نمودن ، تا هیچ احتمال داخل شدن میکروبهای ملاریا در خون پیدا نشود
- ۳ - هرگاه از گزیدن پشه ها ناگزیر باشد در بهار استعمال کردن کتین تا اگر جراثیم ملاریا بواسطه پشه
 در خون داخل هم شوند بذریعه کتین سهولت هلاک و نابود گردند .

۴ - درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بواسطه کتین پلازموکین، آرسنگ، فولاد و غیره، تا اولاً این مریضها صحتمند شده از امراض مختلفه که در نتیجه کمزوری جسم و ملاریا پیدا می شوند نجات یافته و ثانیاً میکروب ملاریا در خون باقی نمانده از یک موسم بدیگری بواسطه پیدا شدن پشه موجب انتشار مرض ملیریا نگردد. برای اینکه چار اصل فوق را خوب تر ذهن نشین قارئین نمائیم هر ماده را ذیلاً مشروح تر بیان میدهم.

۱ - پیدایش پشه را کم کردن چوت ظهور و پیدایش پشه در آب های دند و مردابها به های شود لازم است که بلدی به هر قدر خند قها و چقور بها یک در گردد و نواح شهر باشد برومسد و نماید: تا آب باران یا برف در خند قهای مذکور جمع نشده و موجب تولید پشه نگردد و هم در ککوچه سرشته آب روها بدرستی

کرده شود تا آنیکه بعد از استعمال از هر خانه بیرون می شود داخل آبرو گردیده و بخارج شهر برود و هر گاه داخل آبادیها و گردد و نواح شهر کدام آب ایستاده یا خندق باشد و چاره بیرون کردن آب یا بر کردن خندق ممکن نباشد، باید بلدی در موسم بهار هر هفته تیل خاک یا کرود آیل (تیل سیاه) که از ذغال ساخته می شود بالای این طور آبهای دند بیندازد، تا چرچه های پشه که در ینگونه آنها پرورش میابند بواسطه ترسیدن هوای تازه هلاک شوند. و همچنانکه بلدی و وظیفه مراقبت و رسیدگی تمام اوضاع بلدی دارد همچنان کم کردن و نابود ساختن پشه و دیگر چیزها یک عامل بروز امراض ساریه میگردد از وظائفت مهم بلدی است و برای این کارها فقط یک دکتور متخصص بلدی لازم است که تقاضای صبحی را در شهر فهمیده و از روی اصول و فن داکتری برقع و دفع آن به بردازد.

۲ - در صورت وجود پشه که انسان به هیچ وسیله دفع آنرا نتواند اجتناب و محافظت از شرگزندگان لازم و ضروریست و چون غالباً پشه های ملاریا در موقع شب انسانرا می گرد بدو لازم است که در خانه ها مائع (فلت) پاش داده شود تا باین وسیله پشه ها بعیرند و هر کس در زیر پشه خانه بخوابد (در پشه خانه باید پشه ها قطعاً داخل شده نتوانند) یک صورت دیگر هم ممکن است که خود را از شرگزندگان پشه محافظت نموده و آن اینست که در موقع خوابیدن روی و دست ها و پایها بروغن یو کلیتوس یا روغن نعناع چرب کرده شود و درین حالت پشه گزیده نمیتواند.

ولی در زیر پشه خانه خوابیدن در موسم بهار برای محافظت از شر پشه بهترین چاره میباشد.

۳ - اگر از گردیدن پشه قطعاً اجتناب نمودن ممکن نباشد باید در بهار هر شخص استعمال کتین را که بهترین کشنده میکروب های ملاریا است عادت داشته باشد و برای حفظ ما تقدم از ملاریا بواسطه کتین، خوردن یا نژده یا نژده، گرین کتین دور در هر هفته کفایت میکند (برای اطفال بتقاضای سن شان داده می شود) یعنی اگر بواسطه پشه جراثیم ملاریا در خون هم داخل شوند این مقدار کتین برای کشتن آن و محافظت جسم از ملاریا کفایت میکند.

۴ - درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بدریعه کتین، آرسنگ و فولاد نهایت ضروریست. چه درین معالجه دو فایده مهم مضمراست. اولاً تا موقعیکه مریضهای ملاریا صحت کامل نشوند خون شان کمزور شده و شکار هر گونه امراض مهلکه میگرددند. و هم کار خود را بدرستی ایفا کرده نتوانسته و نسل نیز کمزور می شود. دوم اینکه پشه از خود جراثیم ملاریا ندارد، فقط همین مریضهای ملاریائی است که جراثیم ملاریا در خون شان جا داشته و بدرستی معالجه شده نمی باشند بعد از هر زمستان وقتیکه پشه پیدا شد اینها را گردیده و صاحب میکرو وهای ملاریائی میگرددند و آنگاه پشه های مذکور اشخاص تندرست دیگر را گردیده باین وسیله مرض ملاریا سرایت و شدت و انتشار پیدا می کنند. بنا بران مریضیکه به تب ملاریا مبتلا می باشند باید بدکتور مراجعه کرده و کم از کم تا سه ماه معالجه را دوام بدهند که میکرو وهای ملاریا بکلی از خون او شان زائل شوند. خوردن کتین تا سه روز یا یک هفته ممکن است که برای قطع کردن تب ملاریا کفایت کند. ولی

برای بکلی صحت یافتن یک مریض ملاریائی اقلأ سه ماه معالجه لازم است و اکثرأ دیده شده است که مریضهای ملاریائی بمعالجه يك هفته، وقتی که تب را قطع دیده اند از معالجه دست کشیده اند. در حالیکه میکروبهای ملاریا در خون شان موجود بوده مرتبأ خون شانرا کمزور ساخته میزود تا اینکه بواسطه کمزوری بمرض مهلك دیگری مبتلا شده و اسپه بطرف فنا می شتابند در خاتمه البته خوانندگان ازین شرح مبسوط اهمیت و خطر ناکی این مرض را دانسته و آنرا سهل نخواهند شمرد.

ریزش

علل و وسائل محافظه از آن

شاید مریضیکه نسبتأ شعوع بسیار داشته و انسان بسیار تر بان دچار میگردد ریزش و خنک زده گی باشد که متعاقب آن زکام و سردردی و سرفه پیش میشود شا به هر که دچار شوید ازین مرض شکایت دارد، اما هیچکدام برای مقابله و مدافعه آن مصدر عملی نمی شوند، و شاید اینهم بسیی باشد که خطر آنرا خوب سنجش نتوانسته و آنرا یک چیز بسیطی تصور مینماید، حال آنکه مرض بد عاقبت و شدیدی است.

اطباء و علما نسبت بمردم درین مورد بیشتر اهتمام بخرج داده بحث و کنج و گاوی زیادی در علل و انتشار و عواقب و وسائل علاج و محافظه از آن نموده و در راه همین بحث و تجربیات خویش جراثیم بسیار اراضی را که از عوامل ریزش گمان می کردند تفحص نمودند که از ان جمله جراثیم آبی الذکر می باشد :-

میکروب نزله شعی و با سیلوس انقلو انزا و با سیلوس (فریدلاندر) و جرثومه دیفتری و غیره. ولی بصورت قاطع یکی ازین میکروبهائیکه زیر بحث قرار داده بودند عاملی در اصابت به ریزش ثابت نشد. علیهذا یک برهان علمی قناعت بخش در طریقه انتشار این مرض که سرایت آن بطور واقع می شود تا هنوز اقامه کرده نتوانستند، چنانچه در نتیجه فحوص تحلیل خانه های کیمیوی هنوز هم واضح نشده است که انتشار آن بواسطه اشخاص، یا اینکه در حال معروض شدن به رطوبت و خنکی حاصل و یا خطر آن در پایان خستگی و اعمال مشقت آور زیاد می شود. چنانچه اطباء تجارپی در ینباب اجرا و ماده را از شخص مبتلا بریزش در جهاز استنشاق شخص سالم نقل کرده و این تجربها چندین دفعه اعاده نموده اند با آن به نتیجه مثبتی واصل نشده. و در اکثر احوال سرایت حاصل نگردیده و شخص سالم مبتلا به ریزش نشده است. م چنان احوال طلبه یکی از مدارس را تحت تدقیق و تفحص قرار داده و فرق قابل ذکر در تکوین جسانی و عادت طلبه که طبیعتاً معروض به ریزش بوده با طلبه نیکه ازین مرض مبرا بوده اند نیافته اند. جز اینکه اولی ها در عمر گذشته شان به ضیق نفس و انواع تب ها معروض بوده و شاید همین علل باشد که اصابت ریزش را بایشان سهل ساخته است.

یکی از شرکتهای بزرگ یمه امریکا در یک سال کامل حالت ریزش را بین مستخدمین خویش بحث و تدقیق کرده و در نتیجه برایش ظاهر شده است که این مستخدمین که بالغ بر (۶۷۰۰) نفری شدند از مجموع شان (۶۲۳۳) روز از روزهای کار ضائع شده است که این روزها فاسوای روزهای است که بیاعت مضاعفات این مرض و امراض دیگری که از اثر آن تولید شده است ضائع شده می باشند.

همچنان ظاهر شد که حد وسطی عدده اشخاصیکه از مستخدمین شان در هزار ۴۲۷ بوده و حد وسطی مدت اشخاصیکه باین مرض گرفتار گردیده بودند ۲۳ روز و حد وسطی زمان ضائع شده گی بالنسبه مجموع مستخدمین ۹ فیصد روز از هر فردی بوده است. در بنایه که این شرکت راجع بمرض مذکور نشر کرده است ذکر یافته که :

« اصابت ریزش بین اشخاص که داخل خانه ها کار میکنند نسبت به شوهر های موثر های کراتی ۹ فیصد برابر و بین افراد امریکائی ۴ برابر بیشتر می باشد. » اما از نقطه نظر مالی ظاهر شده که ابتلاآت ریزش طبقه کارگران امریکا را در سال اقلآ به مصرف نیم میلیون دلار مجبور و خساره مند ساخته است. از روی این رقم ، دهشت خساره مادی که در نتیجه این مرض ، گریبان گیر اشخاص می شود ظاهر میگردد ، گذشته از اینکه چه خطر های حیاتی دیگری از آن تولید می شود.

به هر حال علما باینکه در جرثومه که سبب خود زنده گی میشود اختلاف دارند اما به حقایق عدیة درین باره اتفاق دارند که اول آن انتشار عمومی آنست و شکی در آن نمی باشد. یعنی درمر های بینی ظهور مینماید و شخصی که یک مراتبه بآن دچار شد استعداد مقابله آنرا برای یک مدت کمی که بین ۴ و ۸ هفته میباشد در خود پیدا میکند.

بهمه حال اگر چه علت مبتلا شدن به ریزش تا هنوز صحیح ، معلوم و کشف نشده است اما درین شکی نیست که جسم را برای مقاومت بسیاری از امراض مختلفه ضعیف میگردداند. و این هم ثابت گردیده است که قریباً در صدی پنجاه ، این مرض ، مبادی امراض خطرناکیست که انسانرا عاجز و درمانده میسازد. و همچنان در صدی بیشتر از هفتاد التهابات رئوی و بسیاری امراض نزله های شعبی و مرض (آسما) ازین مرض تولید مینماید. تب روما تیزم (وجع مفاصل) و التهاب اغشیه مفاصل و قلب و دماغ و غیره نیز از باعث همین مرض بانسان دچار میشود که شاید عواطف این امراض تلف کرده ها یا مرض قلب باشد.

از عوامل مهم این مرض وراثت و هوا و وسائل تهویه است چنانچه ملاحظه شده اقطار شمالی که خنک ریاد دارد اهالی آن عادتاً باین مرض مبتلا نمیشوند اما اگر با اهالی شهرهای جنوبی آمیزش پیدا کنند خیلی قابل قبول این مرض مینباشند.

علاج این مرض طوریکه اطباء تجربه کرده اند انواع مختلفه داشته و موفقیت های متفاوتی از آنها حاصل شده است ، اما دوا ی شافی که نفع آن تماماً تجزیه شده باشد تا بحال بدست نیامده .

ادویه که تا امروز برای معالجه ریزش به کار برده می شود (ارجیرویل ، ایودین ، مرکرم ، وکروم ، اورنالین ، افورین ، و اتروپین و کافور) و غیره است که این دواها در قوت و تاثیر خود ها بالای مریض اختلافات و تاثیرات متباینی داشته و هیچکس نمیتواند آن ها را بدون فرموده دکتور استعمال نماید . هم چنان استنشاق گاز کلورین نیز تجربه شده و فقط برای وقایه ازین مرض قریب پنجاه در صد تطعیم آن فایده می بخشد .

یکی از اطباء امریکا در جمله طیبه آسما نوشته و میگوید که باش دادن محلول (بیکلورید زئینق) در بینی و حلق تجربه کرده شود در صورتی که این علاج فایده این محلول را باید در لایه های استخوان روی تزئینق نمود . دکتور مذکور موفقیت این عقیده را اطمینان داده و تاکید کرده میگوید که ممکن است این طریقه را بالای خورد ها و کلانها تجربه کرد .

چیز هایکه انسانرا به تفویض ریزش بیشتر معروض مینماید ؛ اضطرابات محلی که در بینی و حلق پیدا میشود و همچنان التهاب لوز تین و غدود و زیادت عمومی انساجست ، پیش در جمیع احوال باید از طیب استنشاق نمود چرا که اگر التهاب لوز تین زائل هم شود با آن هم انسان معروض به ریزش میباشد زیرا این مرضی است که در تمام مساکن و کار خانجات و دفاتر عمومیت داشته و میکروب آن به نسبت همه چیز بانسان نزدیک تر است .

یک شخصی اگر مبتلای ریزش و خنک زده گی شد ضرور است که خود را از مردمان کناره کرده خود و دیگرانرا از سرایت آن باین وسیله محفوظ بدارد و الا در غیر اینصورت یعنی مثلیکه در عصر حاضر است و بای عام خواهد شد .

بهترین وسیله محافظه از خنک زده گی اینست که انسان دارای جسم قوی و توانا باشد ، چنانچه درین باره از روی بحث و تجربه معلوم شده است که صاحب یک جسم قوی بقدریکه یک جسم ضعیف معروض سرما خورده گی میباشد نیست . اما چیزیکه در اینجا موجب تأسف میشود اینست ، معیشتی که امروزه مردمان دارند به منع این تعرض کهک نمی نماید .

زیرا افراط در گرم کردن اطاق های ارباب جاه و غنا ، کثرت اغذیه چربی دار ، سعی و مجاهدت زیاد اعصاب و جسم در کار ، و باتمام این ها قلت خواب ، عموماً از قوت مقاومت جسم در مقابل امراض و مخصوصاً مرض ریزش که جرائم آن در هر جائی آنتشار دارد می کاهد .

وقتیکه انسان به مقوله « وقایه بهتر از علاج است » قایل شد البته بوسایل وقایه از سرما خوردگی که ذیلاً بیان میگردد متشبت خواهد گردید : نظافت ، اغذیه صحی ، آب نظیف و ستره هوای آزاد ، این چیز ها خیلی بهتر است از استعمال ادویه جات و انواع تداوی ها که بعد از مبتلا شدن خنک زده گی به عمل می آید .

انسان در موقعیکه ظواهر ریزش در وی بروز نمود باید فوراً احتیاجات لازمه را گرفته و بدو با به بینی که مبدأ مرض شمرده می شود اعتنا و آرا همیشه نظیف و پاک نگهدارد خصوصاً مرهای بینی که تاثیر بزرگی در صحت اشخاص دارد ، و معروف است که این مر ها برای تنظیم حرارت جسم جلد ، حرارت افزاز میکند . و همچنان بینی نیز رطوبت را برای دور کردن مخلقات و اینکه سطح جسم از شدت خشکی محفوظ باشد فراز نمی نماید .

اما کمتر اشخاص باین علم دارند که در صدی بیست . این حرارت ، و قسمت اعظم این رطوبتی که از جسم خارج می شود ، (قبل از این که این هوا را ریه های رقیق و لطیف استنشاق نمایند) از راه اغشیه بینی برای گرم ساختن و رطوبت دادن هوای که تنفس می نمایند خارج میشود . در اینجا است که دیده می شود وظیفه اسامی بینی طوریکه عادتاً مردم گمان دارند تنها استنشام نیست بلکه بینی و دهان و هنجره برده های خوبی است که بین جسم و امراض کشیره حایل واقع میشوند .

علی العموم کثرت نوشیدن آب در هر وقتیکه ضرورتی بدان حسر کند ، مفید است .

اما برای کثرت صرف غذا توصیه نمی شود زیرا مردمان عادتاً بیشتر از اندازه که احتیاج دارند غذا می خورند . مگر اهمیت درینجاست که انسان چنان غذای صحی را استعمال نماید تا او را بالای امراض مخصوصاً مرض ریزش غالب و قوی بسازد . علیهذا برای جسم اسپورت و ورزش که نشاط عضلات جسم را بیشتر کرده و به قوت آن میافزاید ضروری میباشد ، و بهتر است که این تمرینات بدنی در هوای آزاد اجرا شود . مهمتر از تمام اینها اینست که جسم بهمان اندازه راحتی که احتیاج دارد برخوردار گردد . و بایست هر شخصی ثلث روز خویش را در مقابل ثلث دیگری که مصروف سعی و عمل می شود بخوابد ، اما ثلث سوم لازم است که براحث گذشتانده شود در حالیکه غذا و ریاضت بدنی هم شامل آن میباشد .

هرگاه تمام این قواعدیکه فوقاً ذکر یافت متابعت شده و ضمناً انسان از رطوبت پایها حذر نماید و در مقابل جریان هوا نیز ایستاده نشده از صرایت مرض خود را کناره نگهدارد هیچ جای شك نیست که از مرض ریزش و سرما خوردگی در امان باقی می ماند و باین وسیله روزی برسد که ابداً و باء این مرض وخیم که صحت مردم را افساد کرده از کار و باز شان بازمی دارد باقی نماند .

تعجب در اینجا است که باتمام چیز های که ذکر شد مردم خطر ریزش را اندازه و تخمین نتوانسته و بآن اهمیت لازمه را نمی گذارند در حالیکه لازم است در راه مجادله با این مرض يك عادت وسیع و دامنه دار مثلک براضد سل نشر شده و فائده هم بخشید باید نشر شود .

سوء هضم و علاج آن

مرض بد هضمی در اکثر اشخاص دیده می شود مختصراً علل آن قرار ذیل است :

۱ - جویدن بی قاعده : اکثریه غذا را بی اینکه خوب در داخل دهان جویده و میده نمایند می بلعند ، گوئی مزه را در قوت کردن غذا می یابند نه در جویدن ، در حالیکه معلوم است ، غذا اولاً در دهان تحلیل شده و با لعاب دهن مخلوط می شود و باین وسیله غذا ملایم می شود . هکذا لعاب دهن (کاربوهایدرت) که در غذا موجود است مثل آرد و گندم و غیره هضم مینماید پس اگر غذا خوب جویده نشود ، رطوبت دهن داخل لقمه اثر نمیکند و درینصورت به معده که رسیده باعث بد هضمی می شود و از روی اینها معلوم شد که بد هضمی اصلاً مرض غیبی است ، بلکه (مثل تب) علت آن در خود ما موجود است . زیرا اگر دقت نمائیم خداوند بما (۳۲) دندان عطا فرموده است و باید اقللاً ۳۲ دفعه هر لقمه را بجویم تا لقمه خوب میده شده و لعاب دهن بهره ذره اش داخل گردد و غذا به هضم برسد ، این بی پروائی در جویدن غذا غالباً در اشخاصیکه بخوابی دندان مبتلا می باشند و به نقص خود واقف بوده و با هسته گی غذا میخورند و خوب می جویند ، اشخاصیکه باین نوع بد هضمی دچار باشند از زبان شان فهمیده می شود زیرا زبان آنها خیلی بارداشته می باشد و بین برده سفیدی که در روی زبان است دانه های سرخ Papilla بنظر میرسد . اینگونه مریضها نزد خیلی داکترها علاج کرده و ادویة بسیار استعمال کرده اند . اما مورث نتیجه نشده . زیرا علاج اساسی آن جویدن مطابق قانون قدرت است .

۲ - خرابی دندان مثل کرم خوردن دندان چه در سوراخهای کرم خوردگی هزاران قسم جراثیم جمع شده و همراه لقمه یکجا داخل معده میگردد و موجب بد هضمی میشود . زیرا رطوبتی که در معده موجود است سم این جراثیم بر هم و مغشوش می سازد ، درین گونه بد هضمی جویدن خراب دخالت نداشته و بلکه جراثیم که داخل دندانها می باشند در آن موثر است و علاج آن رفتن نزد دندان سازی باشد ، چه وقتی که دندانها اصلاح شد در ظرف چند روز دیده می شود که اشتها زیاد شده و وزن بدن هم بیش میگردد .

۳ - بر خوردن - - بر خوردن باعث ورم جگر ، بد هضمی تقرص میگردد و اکثرأ دیده میشود که شخصی زیاد غذا میخورد اما فربه نشده و رنگش همیشه زرد میباشد . هر چند این اشخاص بظاهر خود را مریض نمی نگرند ولی در حقیقت همیشه مریض می باشند و در نتیجه بد هضمی دچار امراض شدید دیگری شده و طاققت روحانی شان کم و بالاخره در عمر شان نیز نقصان واقع می گردد .

۴ - غذای بی وقت خوردن ، یعنی روز چار یا پنج یا شش بار خوردن یا اینکه در ۲۴ ساعت تنها یک مراتبه غذا صرف کردن از علل بد هضمی است . زیرا شخصی که چند مراتبه در یکروز غذا میخورد ، یک غذا هنوز در معده اش به تحلیل رسیده نمی باشد که غذای دیگری رسیده و عمل هضم را فاسد میسازد و مثلیکه بالای غذای پخته که آب انداخته شود مزه اش بکلی از بین میرود همانطور عمل هضم نیز که تمام نشده و غذای دیگری بمعده برسد موجب سوء هضم میگردد همچنان در ۲۴ ساعت یگمراتبه غذا خوردن نیز مضر صحت است ، زیرا قدرت طبیعی که در معده می باشد معطل مانده و رطوبت معده کم خارج نمی شود و چون معده خیلی به کندی کار می نماید یک غذای معمولی نیز موجب سوء هضم می گردد .

۵- کمی بعض اجزای غذا ، مثل ویتامین که موجب سوء هضم می گردد .

۶ - نوع غذا مثل سبزی بوسیده ، گوشت های نیم گندیده ، میوه های خام و غیره ، وقتیکه داخل معده تندرست شد هضم را خراب میسازد .

۷ - غذا یا آب بسیار گرم یا بسیار سرد خوردن باعث خراش یا بی حسی غلاف معده شده و باین ذریعه رطوبتی که در معده موجود است خارج نمیشود و موجب بد هضمی میگردد .

- ۸- استعمال آب بسیار، شاید بعضی ها بگویند که آب معمولی چگونگی تولید سوء هضم مینماید در صورتیکه آب در عمل سوء هضم دخالت نامه داشته آب بسیار در حرارت معده نقصان وارد مینماید .
و سپس همراه لعاب معده مخلوط شده اثراتش را زائل میسازد و معده را کلات میکند ، و بالاخره موجب بد هضمی میشود اما قبل از صرف غذا هرگاه شوربا Protines خورده شود رطوبت معده خیلی زیاد خارج شده غذا را به هضم میرساند .
- ۹- بعضی امراض مثل ، لاریاء فقر الدم (انیما) مرض دق ، سل ، امراض کرده ، رماتیسم ، امراض جگر و دل باعث بد هضمی میشود .
- ۱۰- بد هضمی زنهای حامله ، که در نتیجه یک عقده که بغز شان پیدا میشود از غذای خوب نقرت پیدا کرده و در عوض گل سرشوی ، نان باسی و غیره را می خورند .
- ۱۱- بعض اغذیه ثقیل مثل نخود ، باقلا ، تخم مرغ ، که خیلی زیاد جوش داده شده باشد ، گرم ، ییاز ، کچالو ، هرگاه بسیار خورده شود بد هضمی تولید میکند .
- ۱۲- اشخاص معتاد به عملهای بد ، مثل تمباکو ، چرس ، بنگ ، تریاک شراب به بد هضمی دچار می شوند .
خوانندگان محترم البته از روی تشریحات فوق علل پیش شدن سوء هضم را دریافته و از دچار شدن بان اجتناب خواهند ورزید و هر چند علل پیش شدن سوء هضم بسیار است ولی فقط مهم ترین آنها که در بین عموم دیده میشود درین مقاله ذکر شده است .

خواب پس از غذا

معمولاً پس از غذا احساس سستی و خستگی در خود می کنیم و بنظر مان می رسد که بخواب احتیاج داریم ولی باید بدانیم که این احساس حقیقی ندارد و ما خسته نیستیم بلکه فقط علامت اینست که جهاز هضم بکار افتاده و عمل خود را شروع کرده است و خستگی ما مولود خون زیادی است که از تمام اطراف بدن متوجه جهاز هضم شده است اگر درین وقت خود را تسلیم خواب کردیم جهاز هضم نیز در کار خود کند خواهد شد و نمی تواند بخوبی عمل خود را انجام دهد زیرا که در موقع بیداری عمل هضم بهتر از موقع خواب انجام می گیرد و ازین جهت است که در موقع بیداری احساس می کنیم که غذای ما بخوبی هضم نشده است اگر غذا خیلی سنگین باشد در موقع خواب اعضای داخلی را صدمه زده و مارا دچار کابوس می کند و خوابهای وحشتناک می بینیم بنابراین بایستی پس از صرف غذا بقدر دو ساعت بیدار ماند و ورزش های مختصر از قبیل راه رفتن و حرکات ساده دیگر را انجام داد و پس از آن خوابیدن مانعی ندارد - این را نیز باید در نظر داشت که ورزشهای سخت و حرکات زیاد بعد از غذا ممکن است انسانرا دچار مخاطره سازد .

کاروتین

کاروتین - رنگ زرد زردک و مسکه و شیر و بعضی میوهها و بقولات زرد و نارنجی بهترین موانع امراض جهاز تنفس میباشد و نیز در مرض برده چشم که در پیری عارض میشود مفید است و تولید خون صالح یکی از خواص آنها و باعث زود التیام یافتن زخم ها و دانه های باشند .

غسل و تأثیر آن در بدن و قلب

اگرچه انسان در جولانگاه زندگانی به بسا چیزها محتاج است ولی بیشتر از همه سلامت مزاج و برقراری صحت خویش اشد احتیاج دارد زیرا یک انسان تا دارای صحت کامل نباشد از عهده هیچکاری بدر آمده

توانسته و هیچک از احتیاجات لازمه حیاتیه را نمیتواند تکمیل نماید. پس برای هر انسان صحت فرض و برای وقایه صحت عملی داشتن آن قوانین، یعنی همان چاره های بر اصلی که ارباب علوم و فنون با کاوش و زحمت زیاد و تجربه بدست آورده اند نهایت الزم است.

اولین شرط صحت مندی و تندرستی و جلوگیری از امراض، نظافت و طهارت است که علمای صحتی نیز در اولین صحائف مولفات خود آنرا جا داده و مطالعین را بآن توصیه می نمایند. دین متین اسلام هم پیروان شریعت مطهره نبویه صلی الله علیه و آله و سلم را باین امر تاکید می فرماید.

چنانچه شست دست و پا و روی، و تمیز نمودن دندانها و دهن و بینی و گوشها و دیگر منافذ وجود را که در وضوهای نمازهای پنجگانه امر و لازم دانسته است عین همین نظافت و طهارت و جلوگیری از امراض است.

علمای حفظ الصحه هم بالعموم همین قواعد طهارت اسلامی را بحسن صورت تلقی کرده و بتامی آن تمام کتله بشریت را دعوت و توصیه می نمایند ولی در وصایای خود نظر به تجارب و اکتشافاتی که حاصل نموده اند یاره احتیاط های لازمه را علاوه می نمایند که فی الواقع اگر آن احتیاطها بمرض عمل نماید، بی شبهه مضار زیادی را در خود دارد.

اینک یاره ازان و صایا را اگر چه از روی یک قسمت معلومات خیلی جزئی و محدود است ولی بی لزوم و هدر نمی باشد تحریر نموده و در معرض افاده مطالعین گذاشته می شود.

تعریف ساده نظافت تمیز نمودن تمام اقسام وجود است بذریعه غسل،
۱ - نظافت و طهارت : استحجام، دلك (۱) و مراد از غسل و استحجام و دلك اولاً یلكی و صفائی بدن است تا چرك و لوثیکه در اثر عرق از گرد و خاك هوا و ملبوسات بروی جلد پیدا می شود از وجود زائل بشود - دوم كشودن مسامات روی جلد که هوای صاف از آن منافذ کوچک از ادانه داخل وجود شده بتواند.

اولین شرط در استحجام و یا غسل اینست که آب غسل بتمام معانی یلك یعنی عاری از گرد و خاك و جراثیم باشد. اگر چه نظر به تجارب (یاستور) آنها بالعموم دارای مکروب میباشند و در موقع غسل آن آب حتماً در دهان و بینی و گوش و دیگر روایای بدن داخل می شود لذا ضرورت است که آب تعقیب یعنی به واسطه جوش دادن جراثیم آن کشته و بعدها باندازه لازمه سرد ساخته و بآن غسل شود، مگر به علتیکه این امر خالی از اشکال نیست، یعنی همه کس نیسر شده نمیتواند، بناءً چاره آسانترین را باید سراغ کرد. طوریکه کتب صحیه اطلاعات میدهد: آب چاهها و چشمه سارها به نسبتیکه از زمین بر می آیند و عبور از طبقات مختلفه زمین آنرا فلتر کرده می باشد، نسبتاً احتمال کثافت و آلاش در آن کمتر است.

ازین هم سهل تر آبهای که صابون بآن زود کف می کند و سبزیجات ذریعه آن در اندک جوش ملامت می شود چنانکه برای اطعمه و دیگر استعمالات بینه صالح می باشد هکذا برای غسل نیز عاری از شوائب است.

غسل نظر به بموضوعیکه ما در آن بحث داریم می خواهیم مطالع را به مفاد و مضار آن آگاهی داده متوجه سازیم دو صورت دارد: غسل آب سرد و غسل آب گرم.

غسل آب سرد يك غسل بسیار ساده و سهل است اما بشرطیکه آب نباید آنقدر سرد باشد که انسان در اتنای غسل سردی زیاد حس کند و وجود را بجزاند زیرا مقصد از غسل زدودن لوثات بدنیه و باز نمودن مسامات جلدیه است این مطلب البته ذریعه اییکه بسیار سرد باشد عملی شده نمی تواند، چه آب بسیار سرد از يك طرف

«۱» دلك یعنی زدودن چرك بواسطه کیسه یا دستمال درشت تمناك از بدن.

چرك را در مسامات قائم و مومك میسازد و از طرف دیگر تعادل حرارت بدن را بر هم زده خون را بسیار تحريك و مخصوصاً بطرف غشای مخاطی بینی سوق نموده و غشای مخاطی را متورم و روپه گرفته باعث تولید مرفه و سینه درد و سردردی و كوفتگی اعضاء یعنی موجب مرض انفلوآنزا میشود. و هم نظر به تجارب دكتور (رودولف) و دكتور (بهك) این غسل دردل نیز اجرای تاثیر مینماید. دكتوران مذکور مینویسند که غسل آب سرد حجم دل را خیلی بزرگ و حرکت نبض را خیلی بطی و رنگ جلد را نیز تغییر داده چهره را نهایت زرد و زار میسازد.

مع الاسف بسیاری از اهالی را می بینم که در موسم تیر ماه و زمستان خواه از مجبورت یا از عدم اطلاع و معلوم حفظ الصحه در کنار دریا و جوی و کازین و غیره بآب نهایت سرد و آنهم در هوای آزاد و خنک غسل میکنند، حتی بسیار دیده شده که در وسط زمستان بخی را شکستاده و بین آن غسل کرده اند. حال آنکه این عمل طوریکه در فوق تذکار گردید چقدر مضرات را عامل میشود. با خصوص برای کسانی که مرض عصبی و روما تیزم دارند، قوانین صحیه دستور میدهد که آب غسل میبایستی دارای ۱۵ الی ۳۰ درجه حرارت باشد و مدت غسل نیز از ده دقیقه بیشتر طول نکشد، چه جای آنکه دارای چندین درجه برودت بوده و بان دریک مدت دراز غسل شود، اما اگر فور مول که حفظ الصحه میفرماید عمل بشود گذشته از اینکه تمام آن مضار سلف الذکر را جلوگیری مینماید یک قسمت منافع را نیز بوجود عائد میکند، مثلاً دوران خون را شدت و افعال عصبیه را انتظام و اوعیه جلد را تقلص و خون را در اعضاء داخلی دفع و سوق نموده بوجود بکونوع حرارت بیش مینماید، چنانچه درین اثنا چون یکمقدار زیاد خون به اوعیه جلد رجوع میکند ضربان دل و حرکات تنفس را هم کمی سرعت میدهد. و این غسل برای اشخاص کم قوه و هم کسانی که اسپورت می نمایند نهایت مفید می باشد.

غسل آب گرم: بر اینکه از اندازه زیاد دارای حرارت نباشد یعنی طوریکه کتب حفظ الصحه تعیین نموده، از ۳۵ تا ۴۰ درجه بیشتر حرارت نداشته باشد، زیرا اگر حرارت آن از ۴۰ درجه اضافه باشد احتقان دماغ (خون بینی) برای انسان پیش میشود و از طرف دیگر برعکس غسل آب سرد که گفتیم حجم دل را بزرگ و سرعت تنفس را بطی می سازد درین جا غسل آب گرم حجم دل را خورد و حرکت تنفس را تسریع و خون را به نهایت شدت بطرف دل بهجوم می آورد.

بنابراین توصیه میشود که بآب بسیار گرم غسل نشود و درجات آن که در فوق تعیین گردیده حتماً مرعی و مدت استجمام هم از (۱۵) دقیقه اضافه تر طول نکشد.

ظاهر است که معلوم نمودن درجه حرارت و برودت آب، مقیاس الحراره بکار دارد و این آله در دست عامه نمی باشد بجز اشخاص معدودی که فی الجمله مستعد و متمول اند و البته برای متمولین لزوم گفتن این چیزها آنقدر مهم نیست زیرا خودشان این قدر میدانند و فهمیده میتوانند مراد ما درین جا آگاهی طبقه پایا تر است و میتوانیم بایشان بگوئیم که اگر مقیاس الحراره میسر نمی شد اقلآ اینقدر هوش نمائید که آب غسل آنقدرها سرد نباشد که وجود را بجزاند و هم نه بآن اندازه جوشان باشد که بسوزاند یعنی آب را گرم و سرد کرده و بکمال اعتدال بان غسل نماید.

یقین است کسانی که صحت و وجود خود را دوست میدارند از مطالعه این سطور مستفید گردیده اوقات و درجاتی را که علم حفظ الصحه راجع بآب غسل تعیین و ما آنرا در فوق تا یک اندازه متذکر شدیم به هر صورت مرعی و عملی خواهند داشت.

شیر نا جوش داده

بسیاری مردم معتقدند که شیر جوشانده خواص و غذائیت خود را از دست میدهد، یکی از مجامع علمی امریکا در این موضوع تحقیقات طولانی و عمیقی کرده و چنین نتیجه گرفته است:

- ۱ - وزن اطفالی که بشیر جوشانیده تغذیه کرده اند سنگین تر از وزن اطفالی ست که شیر ناجوشیده خورده اند.
 - ۲ - طول قامت دسته اول بیش از دسته دوم است.
 - ۳ - اطفالی که پدرا نشان بخوردن شیر ناجوش داده معتاد بوده اند زود تر به امراض دیفتری و مرض معده مبتلا میشوند ، تا آنها که پدرا نشان شیر جوشانده میخورده اند .
- بنابراین لازم است مادران شیر را جوشانده با اطفال بدهند و از پیروی عقیده غلط زنانه و عامه پرهیز نمایند .

آب میوه برای اطفال شیر خوار

مطابق آخرین تجربیاتی که در باب ویتامین بعمل آمده ملاحظه شده است که رشد و نمو اطفال بواسطه این ماده فوق العاده خوب می شود و ویتامین مخصوصاً در میوه جات تازه زیاد یافت می شود باین لحاظ اگر در آخر ماه اول عمر اطفال با آنها آب انگور ، آب پرتقال ، آب سیب ، آب سنتره و غیره بخوراند بر رشد و نمو آنها کمک کرده اند و ارجح اینست که آب میوه را با د و یا سه برابر حجم آن با آب جوشیده مخلوط نموده و در بین دوشیر خوردن یک قاشق غذا خوری بخوراند .

جلوگیری از اسهال اطفال شیر خوار

دکتور بکه درین مورد تجربیات زیادی کرده است اظهار عقیده نموده میگوید : اسهال شدید اطفال شیر خوار از کم وزن گردیدن جسم شان معلوم می شود چه در زمان اسهال از بدن اطفال آب زیاد ضایع شده و کم وزن گردیدن اطفال نیز مربوط به ضیاع آب از وجود شان است ، اگر خواسته شود که ضایع شدن آب نقصان یافته و یا بکلی قطع شود لازم می شود برای اطفال موادیکه کرات سفید بیشتر داشته باشد داده شود و برای این مقصود اولتر از همه قند در خوراک شان افزودن فایده مند است ، چه هر قدر قند زیاد داده شود از ضیاع گلی کوزین Glycogen (ماده آبی که حال نشایسته را دارد) جلوگیری بعمل می آید ، و خلاصه اینکه مواد قندی برای اعضای طفل خیلی با اهمیت بوده و تاثیر زیاد می بخشد .

در موقع قند زیاد دادن به طفل باید از خوراک معتاد او تنها جای کم کرده شود (در زمان اسهال بعضاً جای تیره سیاه میدهند) (فورمول) استعمال این طریقه در علاج یک اهمیت فوق العاده دارد و علاوه تا دکتور تجربه کننده مخلول ذیل را نیز استعمال کرده است :

سول رنجریک ٹک ، شیرہ برنج ، فی صدش الی هشت قند انگور .

دکتور بکه در طی شش سال تجربیات در زمان اسهال اطفال قند در خوراک شان ضم کرده است بهیچ وجه ناراض نبوده و بلکه برعکس آن از این تجربه خویش اظهار مسرت مینماید و سایر اشخاص هم در نتیجه استعمال این فورمول (طرز) نتیجه درستی حاصل کرده اند .

دکتور فوق میگوید در زمان وقوع مرض اسهال اطفال باید از خوراک شیر احتیاط لازمه کرده شود و هر قدر که وضعیت اسهال مخوف باشد بهمان اندازه از خوراک شیر باید اجتناب ورزیده شود ، و عوض خوراکیهای با شیر آمیخته ، نان دبل بریان شده و آرد کچالوداده شود ، بعد از گذشتن یک مدت نسبتاً زیادی میتوان با احتیاط تمام شیر را در خوراک علاوه کرد .

علاوه بر خوراک قند در موقع اسهال اطفال (آدری نالین) استعمال کرده و اگر استفراغ شدید تولید نمود (سول رنجری) به داخل جسم طفل رزق کرده شود .

این تدایوی بعضاً برای مریضان یک حیات تازه بخشیده و در نتیجه وزن در کمترین مدتی زیاد می گردد و بالاخره تا بحال از این علاج یک نتیجه بدی مشاهده نرسیده است .

سرما خوردگی اطفال

بسیاری از مادران بخیال پرورش و عادات دادن اطفال خود بزندگانی طبیعی و متاثر نشدن از سرما و گرما، آنها را در سرما و هوای آزاد سرد در جریان باد های خنک می گذارند، این فکر خطا و اساساً غلط است، آثار اوقات این عمل غلط که مخالف با اصول صحی است موجب ابتلاء بامراض سخت و مهلك می شود خصوصاً امراض ریوی و سینه،

همان طور عادت دادن طفل به لباس های زیاد و بیچیدن او در قنداق و نظایر آن غلط و برای آتیۀ طفل بسیار مضر است.

حمایۀ اطفال از سل

اطفالیکه از مادر های مسلول متولد میشوند بهترین طریق محافظه و حمایۀ ایشان آن است که از والدۀ های شان جدا کرده آنها را در صحرا و در قصبات و دهات پرورش نمایند.

از چهل سال باینطرف در فرانسه مؤسسۀ از طرف پروفیسور دکتور گرانشر تاسیس یافته: اطفالی را که از مادر های مسلول بوجود می آیند از والدۀ هایشان جدا کرده و آنها را در یک دهی که جامع شرایط صحی است داخل آن مؤسسۀ مینمایند. این مؤسسۀ در ظرف این چهل سال خیلی خدمات بزرگی ازین جهت برای جامعه نموده است و اطفال مذکور خیلی کم بمرض سل دچار شده اند مگر مسئله جدا کردن اطفال تاکنون از والدۀ های شان حسب اختیار والدۀ ها بوده است. باین هم خیلی از والدۀ ها بمفارقت اولاد های خود راضی نمیشوند.

چون تاکنون قابل ترشح بودن سل به جنین و سرایت آن ثابت و قطعی کشف نشده است، از آن جهت بعضی پروفیسور های مخالف و محتاط بنام محافظه و حمایۀ قطعی حیات اولاد جدا کردن طفل را از والدۀ مسلول آن مجبوری گرفته و برزی آن قانونی وضع کرده اند. دکتور روکسن که رئیس مؤسسۀ گرانشر است شدیداً باین اقدام اعتراض کرده و دعوی نموده است که اثر کسبون BCG درین خصوص قیمت خود را بدرجۀ کافی اثبات کرده و اگر بعد از ولادت در هفته اول به نوزاد این دوا از راه دهن داده شود، طفل بجوایش ابوبین مسلول خویش بلا تهنکه نزد ایشان مانده می تواند. دکتور مذکور این قانون مجبوری جدا کردن اولاد را از ابوبین اصلاً طرفدار نیست.

خال چیچک

قریباً یکنیم صد سال پیشتر یکی از دوستان اران عالم انسانیت با وجود مخالفت های هم عصرانش خال چیچک را ایجاد کرده بر مخلوق خدا یک احسان عظیمی نمود، چه مرض چیچک ازان امراض موزیه ایست که در موقع بروز و بای آن تخمیناً در صدی پنجاه نفر از مرضای چیچک را بورطۀ هلاک میراند، اما در حالت عکس آن یعنی اشخاصیکه خال چیچک زده و برای مدافعۀ چیچک وجود را مستعد ساخته باشند در صد دو یا شش نفر ضائع می شوند و از روی این تناسب فایده خال چیچک را می توان فهمید که تا چه اندازه موجد آن بعالم بشریت خدمت کرده است.

در ممالک راقیه برای زدن خال چیچک محتاج به تشویق و تبلیغ ملت نبوده و چون خود مردم بفوائد آن باخبر می باشند برای خال زدن چیچک اولاد های خود بشفاخانه رجوع کرده حکومت هم از روی احصائیه نومولودها و والدین را بخیال زدن اولادشان مجبور ساخته و باین وسیله غالبیت از مرض چیچک محفوظ میمانند.

اما در افغانستان تا حال اکثراً به اشخاص بفوائد خال چیچک معتقد نبوده و آنرا چیزی بی فائده تصور میکنند، ازین رو اولاد های خود را خال چیچک زده و روی اطفال معصوم را بدنامی و چیچکی ساخته و بر علاوه با امراض دیگری که در دیگر اعضای جسم در نتیجه چیچک پیدای شود اطفال را مبتلا ساخته و اگر ملتفت شده باشید آغوش اغلب مادرها را این مرض شوم بواسطه فنای اولاد شان خالی ساخته و شدت مرض شوم مذکور اطفال معصوم را بهلاکت و مرگ می کشاند. در اوائل خال چیچک را از آبله های خود مرخص چیچک یا (ارچک) های خشک شده مرخص مذکور بدست آورده و پس از آنکه آنرا خوب سائیدند به شخص سالم خال میزدند، اما پس از تجربهای زیاد این اصول غیر مفید ثابت شده و امروزه دوای خال چیچک را از گو ساله میگیرند.

در دوره حیات انسان سه مرتبه خال چیچک بدن احتیاج دارد که اول آن در دوره طفولیت و دوم بسن ده الی دوازده سالگی و سوم در موقع جوانی میباشد. و اشخاصیکه خال چیچک زده باشند از مرض چیچک قطعاً محفوظ شمرده نشده و حتی در بعضی اوقات اشخاص معمری که پنجاه سال داشته بمرض چیچک مبتلا شده اند. بهترین سنی برای زدن خال چیچک در دو یا سه ماهگی اطفال می باشد (بشرطیکه طفل تندرست و توانا باشد) اما اگر و بای چیچک موجود باشد لحاظ عمر را نکرده باید بلا معطل بخال زدن مبادرت نماید. ولی طفل اگر به امراض تب، اسهال، پیچش، امراض جلدیه یا مرضهای ولادتی مبتلا باشد درین حالت تا شفا یافتن طفل عمل خال زدن باید معطل گرده شود، بعد از زدن خال چیچک زیر هدایت آبله کوب چند دقیقه مراقبت لازم است که دوای آب چیچک در جای خال خوب خشک شده و طفل آنرا پاک نکند. و تا ده روز بعد از زدن خال در جائیکه خال زده شده می باشد بعضی میکرو بیهای دیگر جمع شده و در آنجا دانه های کوچک کوچکی نمودار شده که اغلب گان می کنند خال چیچک تاثیر خود را اجرا نموده است. در حالیکه این آبله های خال چیچک نمی باشد و درین احوال دقت و تعمق زیاد لزوم داشته و باندک تردید باید به طبیب مراجعه شود چهار پنج روز که از عمل آبله کوبی گذشت در جائیکه خال زده می باشد دانه های خورد خوردی نمودار شده و آبله ها ظهور می کنند، درین آبله ها رطوبت و چرک پیدا شده و بعد از سرور (۱۲) تا (۱۵) روز آبله های مذکور خشک شده و بجای آن ارچک تولید می کنند و قتیکه ارچکهای مذکور ریخت نشانه خال چیچک برای تمام عمر باقی می ماند. فعلاً در شفاخانه ملکی و شفاخانه مستورات خال چیچک برای عموم بصورت مجانی زده شده و مردم باید عاقبت این مرض و خیم را دانسته برای زدن خال چیچک اطفال خود را در شفاخانه ها بفرستند.

بهترین معلومات زراعتی

سبزی کاری در ماه های بهار

شهور اوائل بهار (حمل و ثور) نسبت به تمامی ماه های سال برای سبزی کاری زحمت دار تر است زیرا این موسم، مناسب و مخصوص است برای زرع انواع مختلفه نباتات و امور متعلقه آن از قبیل: قلمه، پارو دادن، آب دادنهای ابتدائی و غیره، پس باید باغبان درین ماه یک روز را هم بعبت نگذرانند و مخصوصاً از روزهاییکه هوا صاف بوده و آفتاب میتابد بخوبی استفاده نموده و هر نوع تخم را در موقع مناسب در زمین بيفشانند - اینک درینجا طریق زرع انواع مختلفه سبزیجات شرح داده می شود:

در سبزیجاتیکه یکجا زرع می شوند بهتر است در اول اول سبزیجاتیکه یکجا کاشته میشوند: بکاشتن پیاز سفید و پیازهای متنوعه دیگر اقدام شود (اگر قبلاً تیر ماهی زرع نشده باشد) اما باید دانست که پیاز در زمین سالم و اندکی سخت که فقط سال گذشته بآن پارو داده شده باشد زرع میشود، در یک آرد

سبزی کاری در ماه های بهار

(۲۵۰ زرع مربع) تقریباً ۲۵۰ گرام (مساوی نیم پاو) تخم پاش داده شود و اگر میل باشد قدری تخم اسفناج (بالک) و کاهوی بهاری هم بآن علاوه شود این دو سبزی قبل از بزرگ شدن نیاز حاصل میدهند. یعنی از بیخ کنده می شوند و نیز اگر در چهار اطراف کرد تخم باقلای کلان (لویا و غیره) که یک سبزی گوارا و زودرس است هم پاش داده شود این نبات در ظرف چند روز بسر حاصل آمده و دانه های کلان باقلا پیدا میشود و در همان وقت حاصل آن بدست می آید و دانه های باقلای مذکوره را جوش داده تازه میخورند و نیز مقداری از آنرا برای زمستان خشک میکنند. در روی خیابانها (پلوانها) لبلبوی سفید و کلم گلدار و کلم دوه میکارند و فاصله های بین آنها را همراهی تخم تراپیزک زمینی و گشنیز و غیره نباتات زودرس که همراه طعمهای بهاری میشود پر میکنند، نباتات اخیره باستانی کلم و لبلبو که وقت رسیدن آن تیرما است در ظرف یک ماه بزرگ شده و بمصرف میرسند.

اگر تمام این سبزیجات تازه خوری به اصول باغبانی در یک مربع زمین متوسط (دارای ده متر عرض و ده متر طول) کاشته شود، ضروریات و احتیاجات یک خانواده متوسط را که دارای ۱۰ نفر باشند بخوبی تکافو خواهد نمود. ولی همه این نباتات باستانی بعضی از اقسام آن برای صرفیات بهاری است، لهذا یک باغچه سبزی کاری خانوادگی باید دارای سبزی بجات دیگری هم باشد:

یک مربع زمین دیگری باید برای زردک بهاری زودرس و زردک تیرماهی (که برای زمستان حفظ می شود) تخصیص داده شود ولی زمین آن باید نرم و پس از زرع تخمها کود (پارو) حیوانی به مقدار کافی داده شود، تخمها بهتر است بعضی اینکه متفرقاً پاش داده شود در یک خط مستقیم کاشته شود اینطور که ابتدای کرد به خطوط ۲۵ سانتیمتری (هر ۲۵ سانتیمتر تقریباً ربع یک گز است) تقسیم شود و بعد در هر خط مذکور زمین باندازه سه سانتیمتر حفر نموده شود و آنگاه تخم در جویه کوچک مذکور پاش داده شود، یک گرام (پنج یک مثقال) برای یک متر مربع زمین کفایت میکند، به این طریق علاوه بر نمایش عمومی نباتات، غیشاوه و مراقبتهای باغبانی دیگر آسان میشود چون زردکها سبز شوند در نوبت اول برگهای آنرا سمر میزنند و سبزی مذکور را به حیوانات میدهند و هم از آن یک قسم غذا درست میکنند، پس از این سرزدن قوت نبات زیاد شده و بیخ آن (اصل زردک) بزرگ میشود، علاوه برین وقتی که نبات رو به نمو گذاشت یکی دو بار زمین آنرا غیشاوه (و چین) و نرم می کنند. زردک بهاری که رنگ زرد دارد در ظرف ۶۰ روز حاصل می دهد ولی بسیار کوچک کوچک می باشد. اما زردکهای تیرمائی دارای رنگ سرخ و بزرگ می باشد و در ماههای اول خزان چیده شده و در جاهای خاکی برای مصارف زمستانی حفظ می شود.

برای زراعت ترب زمین بسیار نرم و پر قوت بکار نیست و مراقبتهای زیادی هم لازم ندارد. ۳- ترب: و اگر در یک مربع کوچک (۱ متر مربع) تخم آن افشاندن شود برای مصارف بهاری و زمستانی یک عائله ده نفری کفایت خواهد کرد زیرا حاصل زیاد میدهد و کمتر فاسد میشود و هر تخم آن بطور قطع حاصل می دهد لهذا در یک مربع کوچک باید از دور قم تخم ترب که یکی دارای شکل مدور و رنگ سرخ است و در ظرف سه هفته سبزی کند و در یکماه حاصل می دهد، و دیگری سفید و دراز شکل بوده در ظرف دو ماه بزرگ شده هم در شروع تابستان و هم برای زمستان حفظ و صرف شده می تواند کاشته شود، غیشاوه و نرم کردن زمین برای قسم اول لازم نیست ولی ترب زمستانی را باید چند مرتبه تحت مراقبت گرفت و در ماههای خزان آنها را چیده در جاه حفظ نمود.

شلغم از اول الی ۱۵ ثور کاشته می شود و در او اخر بهار و شروع تابستان حاصل می دهد ۴- شلغم: تخم شلغم برای هر متر مربع نیم گرام (ده مثقال) کفایت می کند و بهتر است که ابتدا بدون ترتیب در زمین نرم و زیر و رو شده یا شیده شود و بعد تخمها بواسطه شاخی یا خا کروب لب چه زیر خاک گردد آب باران روئیدن نباتات را سرعت خواهد بخشید، چون سبز شد آنها را بیکه باید کرد

و در فاصله ده سانتیمتر (دم حصه گز) بجز يك به نباید گذاشت شلغم بهاری رنگ سفید و شکل دراز دارد و در تابستان حاصل می دهد، شلغم تیرمائی مدور و سرخ رنگ و بزرگ است و برای زمستان در چاهای خاکی حفظ می شود.

صفات میزه شیر و مستخرجات آن

غالباً اشخاصی که شیر استعمال میکنند خوبی و خرابی آنرا از روی رنگ آن حدس میزنند مثلاً شیری را که برنگ قهقاز باشد (یعنی رنگ زرد مائل بسفیدی) و یادارای يك ورقه ضخیم قهقاز باشد آنرا می پسندند و برعکس شیری را که رنگ آن مائل به نیلی و دارای ورقه نازک قهقاز باشد خوش نکرده آنرا مفید نمیدانند. اگرچه علائم مذکوره تا يك اندازه صحیح شمرده می شود ولی علی العموم رنگ و ضخامت ورقه قهقاز علامه خوبی شیر نبوده و مقدار روغنی که در شیر وجود دارد از آن معلوم نمیگردد.

اگر ذرات چربی در شیر، بزرگ و برنگ قهقاز باشند ورقه قهقاز آن ضخیم و برعکس در صورت وجود ذرات کوچک و قلت ماده رنگی در شیر با آنکه بآلبسه شیری که ورقه قهقاز آن ضخیم و رنگ خوبی دارد حاوی روغن زیادی هم باشد، قهقاز آن نازک و کمرنگ میباشد.

از تجارب عدیله که درین باره در ظرف سالها گذشته حاصل گردیده چنین مفهوم میگردد که زردی رنگ مسکه و قهقاز بواسطه ماده رنگی که موسوم به کیروتین Carotin است میباشد. وجه تسمیه این ماده به اسم کیروتین از جهت آنست که زردی رنگ کاروت Carrot (زردک) بواسطه ماده مذکوره است و اگر احياناً این ماده در زردک وجود نمی داشت رنگ آن زرد نمی بود. اگرچه کیروتین عموماً در نباتات سبزم دیده میشود اما سبب سبزی نباتات ماده دیگری مسمی به کلوروفیل Chlorophyll است که ماده مذکوره نباتات را به نظرها سبز جلوه میدهد.

وقتی که گاوها، نباتاتی را که دارای کیروتین میباشد تغذیه میکنند ماده رنگی نباتاتی که کیروتین دارند کیروتین به خون آنها داخل شده و ذرات روغن شیر آنرا بخود جذب میکنند و شیریکه دارای مقدار زیاد ذرات چربی باشد رنگ زرد تیره را از خود ظاهر میکند.

در نباتات سبز از قبیل گیاههای تازه چرا گاوها فارینج Forage Erbos زردکها - کیل Kale (یک نوع کلم است) کلمها و سالیج Silage کیروتین به مقدار زیادی وجود دارد. اما در کاه سبز و ریشه های زرد نباتات، ماده مذکوره با اندازه بسیار قلیلی بنظر می رسد. پس اگر در علوفه گاوها مقدار زیاد کیروتین وجود داشته باشد رنگ شیر و مستخرجات آن (از قبیل: قهقاز، ماست و غیره) با اندازه ذرات چربی آن دارای رنگ زرد می باشند یعنی اگر ذرات چربی در شهر کمتر وجود داشته باشد زردی رنگ شیر کمتر و اگر بیشتر باشد قیماً زردی رنگ آن بیشتر خواهد بود و همچنین قهقاز شیری که مقدار کیروتین آن بیش است رنگ آن زرد تیره (بالنسبه شیرش) بوده و مسکه آن هم دارای رنگ تیزتری میباشد. علاوه بر آن یکمقدار کیروتینی که در شیر جذب میشود در نتیجه تزریق علوفه کیروتین دار مقدار دیگری از آن در جسم حیوان نیز جمع شده بصورت ذخیره میباشد.

ولی گاوها عموماً به يك اندازه کیروتین را به شیر با جسم خود تحویل داده نمی توانند و بهترین آنها که قوه تحویل کیروتین را دارند آنرا به شیر با جسم خود جذب میکنند نسل جرسی Jersey و گورنسی Guernsey است، ازین جهت است که جسم و پوست بعضی اقسام گاوها بیشتر و از بعضی کمتر زرد بنظر میرسند. از طرف دیگر اگر تغذیه گاوها دارای کیروتین نباشد یا مقدار کمی در آن وجود داشته باشد کیروتینی که در جسم گاو ذخیره شده آهسته آهسته بشیر آن جذب میشود و متدرجاً رنگ شیر هم مائل بسفیدی گشته قهقاز آن نازک و نامرئی میگردد هرگاه گاو مذکور تا مدت مدیدی علفهای کیروتین دار تغذیه نکند البته بعد از چندی شیر آن کاملاً سفید گشته و قهقاز و مسکه که از آن بدست آورده شود نیز برنگ سفید خواهند بود.

بازیهای اولیا

اولیایك وادی است در یونان که در آنجا عبادت گاه معروف مشتری که رب الارباب اهالی یونان قدیم بود واقع و از ابتدای سنه ۷۷۶ قبل از مسیح تا ۳۹۴ بعد از میلاد یعنی تا مدت ۱۱۶۰ سال بحال خود باقیانده و بعد از مرور هر چهار سال جشن بزرگی در آنجا انعقاد می یافت، و بازیهای از قبیل مسابقه های دویدن، جهیدن، خیز زدن، مشت زدن، کشتی گرفتن، نزه زدن، حلقه انداختن، عرابه جنگی دو اندن، و غیره معمول بوده و اهالی یونان قدیم درین مسابقه ها شرکت داشتند، و علاوه بر آن از طرف حکومتهای بلاد یونانی نمایندگانی در آن میدان های مسابقه اشتراک می ورزیدند و برای کسانی که فاتح این میدانها می بودند تاجی از برگ... بطور جائزه اعطا می گردید. با وجودیکه از حیث قیمت و ارزش چیزی نبود، ولی در آنوقت از گرانبها ترین و معظم ترین جوایز عالم بشمار می آمد.

در آغاز سنه ۱۸۹۴ بارون پیردوکرتن Baron Pierre de... فرانسوی محرمک و باعث گردید که بازیهای اولیای که متروک و موقوف گردیده بود بعد از شانزده قرن دوباره در معرض اجرا گذاشته شود. این بود که از سنه ۱۸۹۶ دوباره بازیهای اولیایك رواج یافته و از هر مملکت بهترین افراد آن بغرض مسابقه در آن بازیها اشتراک می ورزد، بازیهای کتونی اولیا قرار ذیل است:

دویدن، جهیدن، خیز زدن، سنک (یکسیره) و، چکش (یکسیره) انداختن، نزه انداختن، حلقه انداختن، مشت زدن، شنا کردن، شمشیر بازی، کشتی گیری، بایسکل دوایی، نشان زدن با تفنگ و تفنگچه (پنت ایتلان) ورزش پنجگانه (یعنی اشتراک یک نفر در پنج بازی از بازی های مذکور). (دیک ایتلان) ورزش ده گانه، یعنی اشتراک یک نفر در ده بازی مذکور فرسیت، چوگان، بازی تینس، فت بال، هاکی، مکر اس، جناسستیک، بازیهای زمستانی از قبیل مسابقه یخک با اندازه ۱۵۰۰ متر ۳۰۰ متر، ۱۰۰۰ متر در روی یخ مسطح. و بذریعہ سکای (آله که بواسطه آن روی برف راه میروند) روی برف مسافه های ۱۸، ۵۰ کیلومتر را میموند، و خیز زدن بواسطه سکای، و سورجه خوردن.

اینست که بعد از آن سال بازیهای المییک بتاریخ های ذیل بمقامات مختلفه اجرا یافته است.

شهر	مملکت	سنه
آتنه	یونان	۱۸۹۶ میلادی
پاریس	فرانسه	» ۱۹۰۰
سنت لوئی :	جایهیر متحده امریکه	» ۱۹۰۴
لندن	برطانیه	» ۱۹۰۸
ستا کهلیم	سویدن	» ۱۹۱۲
در سنه ۱۶ بواسطه حرب عمومی اجرا نیافت.		
اتتورب	بلجیم	» ۱۹۲۰
پاریس	فرانسه	» ۱۹۲۴
امستردام	هالیند	» ۱۸۲۸
لاس انجلس	جایهیر متحده امریکه	» ۱۹۳۲
برلین	جرمنی	» ۹۹۳۶

در آخرین مسابقه اولیایك که در سنه ۱۹۳۲ بمعرض اجرا گذاشته شده ایتالیا بدرجه اول جایهیر متحده امریکه بدرجه دوم، فنلند سوم، مجارستان چهارم، جاپان پنجم بوده اند و در سایر بازیها اشخاصیکه حایز نمره اول در آن سال بوده اند. اسامی شان قرار ذیل است.

نتائج دھین مسابقہ بین المللی اولیا

دویدن

ریکارڈ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
ریکارڈ عالم	دقیقہ	ثانیہ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
ریکارڈ عالم بشار میرود	۱۰۰۳	۱۰۰۳	جاہیر متحدہ امریکہ	ای تولان	اسم شخص نمبر اول	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
»	»	۲۱۰۳	»	»	»	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
»	»	۴۶۰۲	»	»	ڈبلیو کار	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
»	»	۱ ۴۹۰۸	»	»	تی - ہمیس	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰
ریکارڈ عالم ۵۱ ثانیہ ۵۰ دقیقہ میاشد	۳ ۵۱۰۲	۳ ۵۱۰۲	ایطالیا	ایل - بیچالی	ایل - بیچالی	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰
» ۱۴ - ۲۸۰۲	۱۴ ۳۰	۱۴ ۳۰	فنلینڈ	ایل - لہتینن	ایل - لہتینن	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
» ۳۰ - ۶۰۲	۳۰ ۱۱۰۴	۳۰ ۱۱۰۴	یولینڈ	جی - کوسو کنسکی	جی - کوسو کنسکی	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
» بشار میرود	۱۰ ۳۳	۱۰ ۳۳	فنلینڈ	وی - ایسو هولو	وی - ایسو هولو	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰
» ۱۴۰۴ ثانیہ	۱۴۰۶	۱۴۰۶	جاہیر متحدہ امریکہ	ہی - سالنگ	ہی - سالنگ	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰
» ریکارڈ عالم است	۵۱۰۸	۵۱۰۸	آئرلینڈ	آر - تسٹل	آر - تسٹل	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
» بشاری رود	۴۰	۴۰	جاہیر متحدہ امریکہ	(چایار چارنفری)	(چایار چارنفری)	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
»	۳ ۸۰۲	۳ ۸۰۲	»	»	(» »)	۱۶۰۰	۱۶۰۰	۱۶۰۰	۱۶۰۰

پیادہ رفتن

ریکارڈ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
ریکارڈ عالم	دقیقہ	ثانیہ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
»	۴ ۵۰	۴ ۵۰	۱۰	۱۰	تی گرین	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
»	۲ ۳۱	۲ ۳۱	۳۵	۳۵	ماراتون جی زا بالابالا	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳

خیز زدن

ریکارڈ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
ریکارڈ عالم	دقیقہ	ثانیہ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
»	۱۰۹۷	۱۰۹۷	کانادا	وی مگناتن	وی مگناتن	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
»	۷۰۶۴	۷۰۶۴	جاہیر متحدہ امریکہ	ای - ایل - گوردون	ای - ایل - گوردون	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
»	۱۵۱۷۲	۱۵۱۷۲	جاپان	سی نیبو	سی نیبو	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
»	۴۰۳۱۵	۴۰۳۱۵	جاہیر متحدہ امریکہ	دبلیو ملر	دبلیو ملر	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰

انداختن (پرتاب کردن)

ریکارڈ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
ریکارڈ عالم	دقیقہ	ثانیہ	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
»	۴۹۰۴۹	۴۹۰۴۹	جاہیر متحدہ امریکہ	جی اندراس	جی اندراس	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
»	۷۲۰۷۱	۷۲۰۷۱	فنلینڈ	ایم - جاروی ن	ایم - جاروی ن	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
»	۱۶۱۰۰۶	۱۶۱۰۰۶	جاہیر متحدہ امریکہ	ایل - شکستن	ایل - شکستن	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
»	۵۲۰۲۷	۵۲۰۲۷	آئرلینڈ	پی - رو کالاکان	پی - رو کالاکان	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰

متفرقہ

تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم	تایم
»	۸۴۶۲۰۲۳	۸۴۶۲۰۲۳	جاہیر متحدہ امریکہ	جی باش	جی باش	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
»	۳۲	۳۲	سویڈن	جی آکسن ستیرنا	جی آکسن ستیرنا	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

سالخوردگان

بعضی اوقات در جراید از اشخاص سالخورده بحثی و خبری انتشار میابد مردم در اطراف این چینه اشخاص سالخورده به تردد دچار گردیده و حیرت میکنند، مثلاً وقتی جراید خبر فوت یکنفر چینی را (لی چنگک یون) که بعمر ۲۵۶ سالگی در ۱۹۳۳ فوت شده نشر کرد کمتر کسی باور نمود.

وجود چنین اشخاص سالخورده موجب حیرت نیست، تورات بسیار پیغمبران را یاد میدهد که از صدسال بیشتر زندگی کرده اند. یکی از سالخوردگان بعد از طوفان حضرت ابراهیم است صلوة الله علی نبینا وعلیه السلام. و حضرت اسحق و یعقوب و موسی علیهم السلام. حضرت ابراهیم ۲۷۵ سال و حضرت اسحق ۱۸۰ سال و حضرت یعقوب ۱۴۷ سال و حضرت موسی ۱۲۰ سال عمر نموده اند.

دروقت حاضر نیز بسی اشخاص موجودند که عمر زیادی دارند، زارو آغای ترک ۱۶۰ سال عمر دارد و تا حال ۹ زن گرفته و در صد و دو زوجة دهمین که از خودش ۷۵ سال خورد تراست افتاده شاید این زن نیز کهنه نماید. هکذا در افغانستان اشخاص موجودند که در حدود ۲۰۰ و ۱۸۰ سال عمر نموده و اکنون در قید حیات میباشند. و اشخاص دیگر یکی که از ۱۸۰ سال کمتر و متجاوز از یکصد سال عمر دارند در نقاط افغانستان بکثرت وجود دارند که در ذیل اسامی چندی از ایشان ذکر میشود:

۲۰۰ ساله؟

مره گئی قوم کاکری ساکن ملاحانا تا اکنون نکاح نکرده است سنش در حدود ۲۰۰ سال و از وقت اعلیحضرت احمد شاه و تیمور شاه و غیره حکایه می کنند. هر شخص ریش سفید که عمرش صدساله شده باشد نامبرده را بریش سیاه ندیده است - دندانهای او بعضی که افتیده بود نو پیدا شده.

۱۸۰ ساله

در سمت جنوبی در علاقۀ ارگون موضع میدانک حاجی گل ولد احمد شاه ولد سکندر قوم دولت زائی بعمر ۱۸۰ سالگی در قید حیات است، این شخص هنوز بکلی از کار نمانده، حرکت کرده میتواند دید چشمش ضعیف گردیده، در عمر خود یک زن گرفته و از آن ۹ اولاد تولد شده که ۴ نفر آن حیات دارند و صاحب نواسه میباشد. از قراریکه بیان میکند در بطن مادر از موعد معینه قدری بیشتر مانده و هنگامیکه تولد یافته است موهای سرش آنقدر طویل بوده است که تا پاهایش میرسید. این شخص حیات منزویانه و کناره آبری را دوست دارد.

۱۷۰ ساله

بهادر نام، در نازیان شنواری سمت مشرق که سنش بالغ بر یکصد و هفتاد سال گردیده حیات دارد. این شخص واقعات گذشته را بوضاحت حکایت می کند.

رمضان نام ساکن کتوت هزاره که سنین عمرش به یکصد و هفتاد سال رسیده، ولی کنون نسبت به ضعف بدن از جا حرکت کرده نمی تواند.

۱۶۰ ساله

در قریه ده نایی که فاصله ۳ میل کوهات است باز گلخان نام که رئیس آن قریه میباشد بعمر ۱۶۰ سالگی رسیده است، این شخص افغان و از قوم خشک است شغل او زمینداری است دوپسر یکی بعمر ۹۹

و دیگری بمر صد ساله دارد .

قوای باز گل خان و دید چشم او هنوز خوب است .

۱۵۰ ساله

در سمت مشرق افغانستان در (کنر خاص) شخصیکه سنین عمرش به ۱۵۰ سال رسیده است در قید حیات میباشد ، اسم این شخص یار محمد خان است . مشاهدات خود را خوب بیاد دارد .

ملا مجید خان در شنواری سمت شرقی که یکی از علمای جید و در علوم حدیث و تفسیر عالم است بسن ۱۵۰ سال رسیده است :

۱۴۵ ساله

میر جان نام پسر فیروز قوم سنگو خیل ساکن نازیان شنواری علاقه سمت مشرقی که گنگ و لال است بسن ۱۴۵ سال رسیده است و اشخاص مسن نیز کبر سن او را تصدیق نموده اند .

۱۲۰ ساله

در موضع پشد سمت مشرقی امر سنگ هندو که عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است وجود دارد ، هندانهایش محکم و ریشش هنوز بکلی سفید نشده ، وقوه اش زایل نگردیده از یک قریه بدیگر قریه ترددی نماید .

محمد عباس نام افغان ساکن سرده اشتر شهر غور بند سنین عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است . محمد عباس در نیمدت عمر خود چهار بار تاهل نموده که سه ازان فوت گردیده و عیال آخرین او حیات دارد . ابن افغان مسن صاحب ۳۰ اولاد بوده ده نفر آن فوت شده و ۲۰ نفر حیات دارد که ۱۴ نفر ذکور و ۶ نفر اناث اند . اولاد مذکور نیز صاحب اولاد میباشد که فعلاً تعداد شان خیلی زیاد است . محمد عباس تا پنج کیلو متر مسافه را حاضر آ نیز پیاده طی نموده میتواند ، پیشه اش دهقانی بوده است .

حاجی شاه ولی مقارن به اوائل ماه ذی حجة الحرام سنه ۱۳۵۲ هجری قمری ، مرحله سال یکصد و بیستین حیات و اطمینان کند ، حواسش مانند اشخاص جوان سالم ، و هیچگونه آثار ضعف قلبی و دماغی در وجودش سراغ نمیشود کلمات را بترتیب مناسب ادا کرده سوالات را به بهترین صورت ادراک و بطور معقول جواب می دهد . مشار الیه تا سن پانزده سالگی عمر خود را تحت تربیه والدین خود گذرانده و بعد ازان الی زمانیکه سنین عمرش به سی می رسد پانزده سال یک استقامت مصروف شبانی بوده و در طی زحمات بدنی یک سرمایه اندوخته در سال سیم حیات ازدواج کرده و بهمین ترتیب با پنج نفر عیال شرعی وصلت کرده است . از آنجمله چهار نفر عیالش فوت شده و یک زوجه اش تا کنون حیات و هر دو بکمال مسرت عمر بسر می برند .

این شخص والد (۲۹) نفر اولاد است که از آنجمله بیست و دو نفر ذکور و هفت نفر اناث می باشند تعداد نواسه و نیره اش به پنجاه و چهار نفر می رسد که سی و هشت نفر آن ها متعلق به اولادهای ذکور و ۱۶ نفر مر بوط دختران او هستند ، دو سال قبل یعنی در ۱۳۱۰ هجری شمسی یک نفر پسر و یک نفر دختر او بسن طفولیت برض چپک وفات کرده اند . مع ذلک فعلاً خاتمش حامله و عقرب وضع حمل می نماید .

از همه بیشتر چیزیکه اسفا ترا بدانستن سوانح این شخص معمر مائل می سازد این است که این شخص در طول مدت یکصد و بیست سال حیات خود یک ساعت هم مریض نشده و با کمال مسعودیت در سابه صحت جسم و ثروت و استعدادیکه دارد امر ارحیات می نماید قوای جسمی را به اندازه خوب مالک است ، مانند اشخاص جوان و خوش هاضمه هر قسم غذا تناول کرده و بتدر کافی از لذایذ خواب تمتع جسته هر روز بدون اضافه یکپزار قدم

بعضی از معمرین افغانستان

Quelques Cas Rares de Longevité en Afghanistan.



حاجی شاه ولی پنجشیری ۱۲۰ ساله
120 ans



حاجی گل قوم دولت زائی ۱۸۰ ساله
180 ans



میره کی قوم کاکری در حدود ۲۰۰ ساله
Environ 200 ans



محمد غلام خان پنجشیری ۱۱۱ ساله
111 ans



محمد هم خان پنجشیری ۱۱۹ ساله
119 ans

سالنامه « کابل »

راه می رود در فصول زراعت با بیاری اراضی خود رغبتاً پرداخته هکذا بسواری اسپ از علی آباد الی خان آباد آمده و این فاصله را که تقریباً ده کروه میشود بيموده باز واپس بخانه خود میرود، خلاصه این شخص بکمال تندرستی و قوای ذهنی و بدنی در قریه علی آباد مسکوت و بمعیت فامیل و منسوبین خود که يك قریه مختصری از وجود شان تشکیل شده بکمال بی غمی اوقات خود را میگذرانند .

مراد بای ولد سنگی ساکن بازار خوست اندراب مربوط ولایت قطن عمرش (۱۲۰) سال است قوای او سالم و به خوشی امرار حیات مینماید .

۱۱۵ ساله

بابه نام ساکن (خا قناه) چال مربوط حکومت اشککش قطن ، سنین عمرش در حدود ۱۱۵ اولاد ذکور و اناث او بالغ بر ۱۲ نفر و نواسه و نبیره اش تا ۶۰ نفر میباشد، و فعلاً هم تندرست است .

مسما ت ریزه ماه بنت قربان بیگ قوم هزاره قاضی خیل ساکن چهارباغ خوست مربوط حکومت اندراب عمرش به ۱۱۵ سال می رسد این زن سال خورده از ۱۲ پسر و یک دختر خود که زنده اند (۵۰) نفر ذکور و اناث و نواسه و نبیره حیات دارد و ۳۰ نفر مزید بران مرده اند که مشارالیه والده ۹۳ نفر انسانها شده و فعلاً حیات می باشد .

بای مراد ولد خال مراد قوم هزاره قاضی خیل سکونتش در چهارباغ خوست سنش در حدود (۱۱۵) و فعلاً دارای ۷ نفر اولاد ذکور و اناث و ۴۰ نفر نواسه ذکور و اناث میباشد .

۱۱۳ ساله

ارباب حسن ولد حیات خان قوم هزاره فاطول مربوط ولایت قطن سنش در حدود ۱۱۳ میباشد اولاده مذکور و اناث این شخص معمر بالغ بر ۳۱ نفر می شود که فعلاً همه شان در قید حیات زیست مینمایند .

۱۱۲ ساله

ملاخدا بخش پنجشیری سکونت گزین خوست اندراب عمرش ۱۱۲ ساله مشارالیه ۳ نفر دختر و ۴ نفر پسر ۱۵ نفر نواسه و نبیره دارد . که عموماً در عرصه حیات وجود داشته وقت بصری برند .

۱۱۱ ساله

احمد خان بای ولد محمد رضا قوم تاجک سکونت پذیر علاقه داری خوست قطن سنش بالغ (۱۱۱) ۶ نفر پسر و ۵ نفر دختر و ۲۲ نفر نواسه ذکور و اناث دارد .

محمد غلام ولد محمد جعفر ساکن قریه کورابه پنجشیر که سنین عمرش به یکصد و یازده سال رسیده است ، و قوای جسمی او نهایت درست و کارزراعتی خود را بخوبی اجرا میتواند ، در فکر او چیزی نقص عاید نشده ، و در هنگام تابستان بوقت و فور آب از دریای پنجشیر باسانی عبوری نماید . صحتش خیلی خوب است .

۱۱۰ ساله

سید غلام نبی ساکن چهاردره غور بند که حاضرأ یکصد و ده سال عمر دارد . صاحب ۲۱ اولاد بوده و از انجمله پسر آخرین او در سال ۱۳۱۲ تولد یافته است . چهارده نفر از جمله اولادش مرحوم شده باقی در قید حیات اند .

سالخوردگان

ریش سید غلام هنوز بکلی سفید نشده. تا ۷ کیلومتر راه را پیاده پیسوده میتواند چشمهای قدری گپین شده اما بواسطه عینک میتواند کتب را مطالعه نماید. شغلش دهقانی بود.



زبیده ماه بنت نفس محمد قوم هزاره شادی خال سکونتش در بهارک خوست سنین عمرش در حدود ۱۱۰ سال از ۶ پسر و ۲ دختر نواسه و نبیره پسری و دختری ذکور و اناث (۴۰) نفر نواسه و ۳۰ نفر نبیره زنده دارد.

۱۰۷ ساله

محمد صاحبزاده ولد جناب مراد علی صاحبزاده مرحوم که سنین عمرش به (۱۰۷) سال رسیده پنج پسر دارد که پسر بزرگ او ریش ماش و برنج گردیده. صاحبزاده مذکور شخص عالم و فاضل بوده چندین کتاب در علم تصوف تالیف کرده و حالاً م کتاب و حاشیه های باریک کتاب ها را بدون عینک مطالعه و مکاتبه کرده میتواند، و از زمان سلطنت امیر دوست محمدخان مرحوم و وزیر محمد اکبر خان حکایات مینویسد.

۱۰۵ ساله

حاجی میرجان قوم صافی ساکن الاصل لغمان حال باشنده خان آباد سکونت گزین قریه کشم قندوز که سن آن در حدود (۱۰۵) سال است فی الحال وجودش سالم و قوه روحی و بدنی آن خوب است اولاد این شخص تا ۱۲۰ نفر تخمین شده که فی الحال اکثری از اولاد های او شامل خدمات رسمی بوده اما خود حاجی موصوف به شناختن اکثر اولاد های ذکور و اناث خود موفق نمی شود. و علاوه بر همین روزها بخانه اش یک دختر تولد شده.



قربان علی ولد محمد رضا قوم تاجک ساکن ایچانی خوست مربوط اندراب سنین عمرش در حدود (۱۰۵) دارای ۵ نفر پسر و ۶ نفر دختر و از پسران و دختران مذکور خود ۳۰ نفر نواسه و نبیره ذکور و اناث زنده و حیات دارد.

۱۰۳ ساله

ناش محمد ولد دولت ساکن اندراب عمرش در مرحله ۱۰۳ و از ۸ نفر پسر و دختر تا ۶۱ نفر نواسه و نبیره دارد.

۱۰۰ ساله

سید قدم بای ولد نیاز محمد قوم تاجک سکونتش در قریه خوست اندراب عمرش ۱۰۰ سال و از ۱۰ نفر پسر و ۶ دختر (۵۸) نفر نواسه ذکور و اناث و ۵ نفر نبیره دارد که جمع اولاد او (۷۹) نفر می شود فعلاً تمام آنها حیاتند. شخصاً توانا و هنوز ۳ نفر عیال زنده و حیات تحت نکاح دارد.



جلال الدین ولد هارون ساکن کلی خیل وردک که سنین عمرش به صد سال رسیده، و هنوز بقوت بوده بایک جوان متوسط مقابله و زور آزمائی کرده می تواند، کاملاً صحت و تندرست می باشد.



عبدالقدوس ساکن بره کی راجات لوگر که سن مذکور به صد سال رسیده، فعلاً صحتش کاملاً خوب و حیات دارد.



پښتو

ع. ۱۱، مین قائد خان، نمر لای، عضو غدار پٹی

پښتونوم د ژبے : له تکی شخه دنظر دهغه ملت چپدے ژبه ویونکی دی
 پښتو ژبه د پښتنوده اودا ملت جان پښتون یا بصورت د جمع پښتانه او
 خپله ژبه پښتو پایه لجه دمشق او شمال مشرق دخلقو پختو بولی او په لجه د
 اهالی دمشق او شمال مشرق پښتانه چه نوم د دے قوم دی پختانه تلفظ کیزی اودا کلمه
 د پختانه هغه ملت بنی چه دوه نیم زره کاله پخواه هر دو تس په نامه د پاکتویس
 یاد کړی دی او په مرکویدا "کنر پنامه د پکته سراغلی دی، یعنی پښتانه یا پختانه
 او پښتو یا پختو په هغه پخوانی زمانه کنر مرادف له نامه شخه د پاکتیا او پکتانه او پکته دی،
 بیلواو بار قولدا ونور محققین عینا په دا عقیده تصدیق او ملگرتیا کوی .

نوبدے مفهوم سره دا غیور قوم له پخوانی زمانے نه د آریان، اوسیدونکی د دے مخکی
 دی، په اسرائیلی مهاجرینو او په نورو مختلفو تکرانوارو او ارتباط لری اودا ژبه ئی خپله اصلی او پخوانی
 ژبه ده .

مبدأ د ژبے : له دیرے مدے شخه پدے اعتراف سوی دی چه دامذکور سوے ژبه
 آریان د ژبو شخه یوه ژبه ده اما شخه مدة کبری چه پدے باب کن چه آید ادا ژبه د "ایرانی آریه"
 توک ده یاد "هندی آریه" بناخ ده بحث او جگره ده نو نظریات د جینو محققینو پدے باب

(۲) نروبر اولدیم کتاب هندیا نو .

محررينيكه درسال سوم مجله كابل كلك قلمى فرموده اند



جناب صفرعلى خان (امى)



جناب مير محمد صديق خان متعلم مكتب
هالى استقلال



جناب نجيب الله خان متعلم مكتب على
استقلال



جناب جلال الدين خان طرزى



جناب عبد الفور خان عضومطبعه عمومى

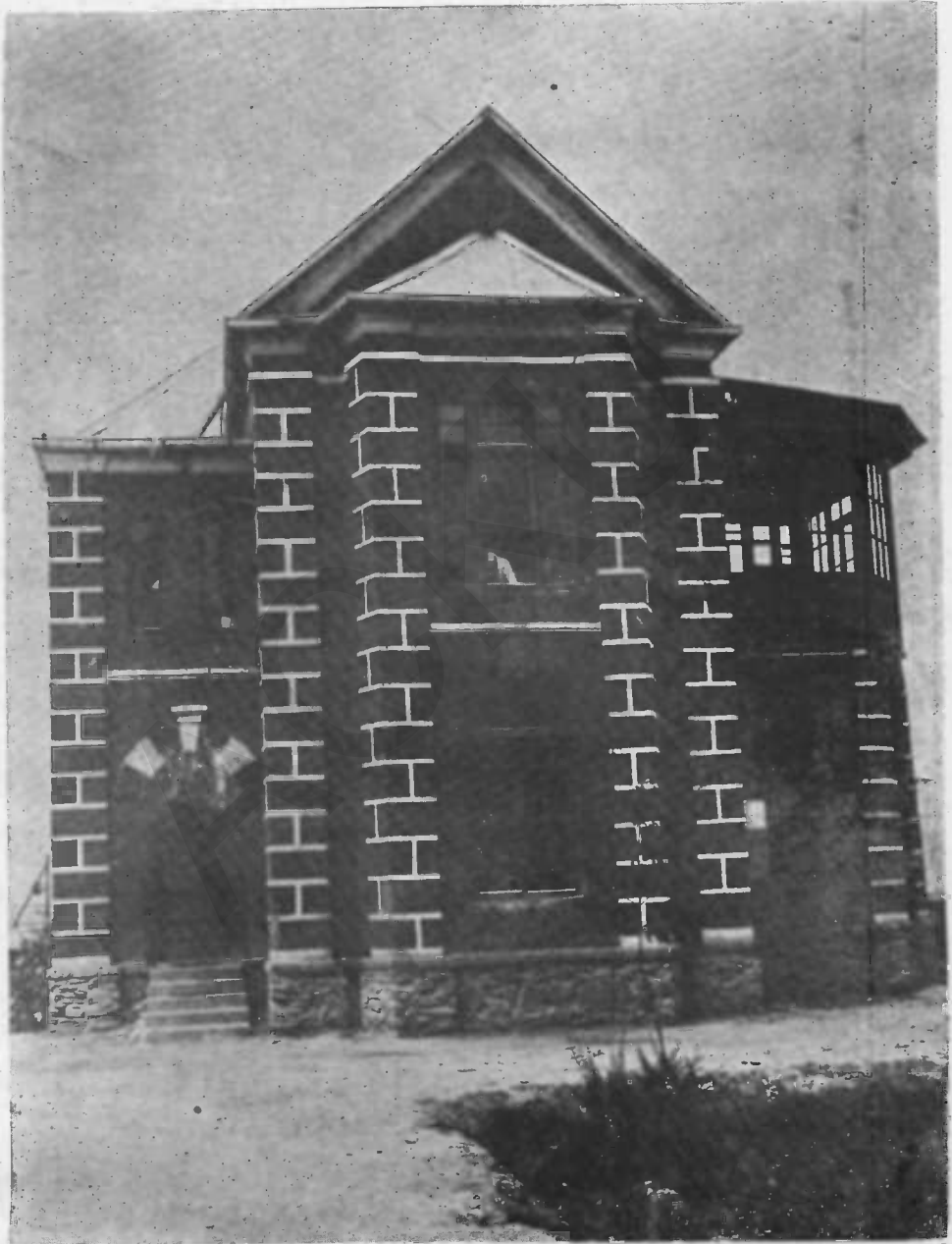


ع' خير محمد خان نولى مشر پيلوت



جناب عبدالمظيم خان « عظيمى »

Les Collaborateurs de la « Revue de Kaboul » (3ème année de Publication).



محل ادارة مجله و سالنامه كابل

Siège du Bureau de la "Revue de Kaboul" et de l'"Almanach de la Revue de Kaboul"

کبن پہ لاندے صورت سرلیکل کبزی: محققین و علما، ایرانی یا آریانی شہرے پدو ویو پو پو خویشلی او توضیح کوی ئی: غربی و شرقی لوئی او عدا نمونے دمغربی شہر، نوے پارسی بولی چہ بالواسطہ دزہرے پارسی ٹخندھنا منشیانواختلہ سوده، زہرہ نموند مشرقی ٹوک، ہفہ معروف شہر د ژند "گنی او وائی چلارے ٹوک ٹخندھہ بین دنور ژبو، دغلجہ شہرے چاوس پہ پامیرات کبن خبرے بانڈی کبزی پیدا سوئی او دبلو خور بہ ہم پدے دستہ اہلری او پستو ہم لہ ہفہ ٹوک ٹخندھہ راوتلیدہ .

نظریات د محققینو:- پروفیسر مولر^(۱) پخپل اثر کبن (راجع و شہرے تہ دپستو)^(۲) اول و اچلہ نظریہ ظاہر کریئے چہ پستو پہ دستہ دمشقی اہلری ۱۸۶۲ع، ڈاکٹر "ترومپ" پخپل پستو گرامر کبن چہ ۱۸۷۳ع کبن لیکلی سوی دی پوقوی لیلوسوئی د اچلہ علی نظریہ شکا کر کریئے چہ دپستو شہرہ ہیچکلا لہ رویہ دصحت پہ ایرانی اہلری بلکہ دھند آیرن دکورنی یو ٹوک دہ اوزیبات نیر دیوالی دسندی شہرے سہلری اومڈ کورڈاکر علاوہ پروفیسر بیان وائی چہ اثر بہ دھند آیرن کورنی یو صحیحہ ٹوک نک بلکہ یوہ قلیبی و مستقلہ شہرہ چہ اولین ذریعہ د نقل و انتقال ئی دھند آیرن کورنی نہ دایرانین و کورنی تہ تشکیل کری، اولہ جہتہ خصائص و نشانی د دوار و شہر بولری او غورہ مینزلت دپراگرت^(۳) یعنی دھندی دکورنی نشانے زبانی پکبن کدی، داعلی نظریہ د پروفیسر فون پیکل لہ خواہ ٹخندھہ اثر کبن ئی موسویہ (مدینت دایران)^(۴) ہم قبولہ سو اودا ڈاکٹر "ہارنل" لہ خواہ ہم گرامر کبن ئی موسویہ (گودین لینکوج)^(۵) دا نظریہ منلی سوی ہ او ہر شو (مسیود مستتر) ہم پخپل اثر کبن موسویہ (راپورٹ دہلیت فیلو لوی پہ ہندوستان کبن)^(۶) چہ ۱۸۷۶ع کبن چاپ سوی دی د نظریہ ئی منلی وہ اما پس لہ در و کلونہ پخپل بل اثر کبن چہ موسویہ (راجع و ملی نشید و تہ دافغان)^(۷) دی لچیلہ اولی نظریہ نہ گزید لی او پد انوی کتاب کبن ئی د نظریہ ظاہر کریئے چہ پستو حتما پہ دستہ دمشقی، دایرانین پہ کورنی امر لری اولہ "شند" ٹخنیالہ یوے علی شہرے ٹخندھہ شہر تہ نیر دی با متحد وی مشتق سوی دہ پہ واقع کبن د اثر بہ یعنی پستو د شہر د شہرے سرد اسے نسبت لری

(۱) Eratische Alterthumskunde (۲) Über die Sprache der Afghancen (۳) Zend (۴) Zund

(۵) Gandian Languages (۶) Rapport sur une Mission philologique dans L'Hindoustan.

(۷) Chants populaires des Afghans.

لکہ چہ نوی فاسی قدیم دفاسی سراجپہ کینو کس پینخی خطود هفا منشیا فوضط سو) اہ لری . پرن مذکور سوے
 ژبہ پر واضح صورت ہر دھندل شمال مغرب بخیر اوتلی اونشأت کی کری دی ہر خوچ پخیز ات کن یوہ شہر دایرانین دہ .
 داوہ لنڈ نظریات بعض محققینو چہ باب اشتقاق دپستو شرقی ویکل سول مکرزہ لیکونکی ددی مقالے
 ترهغندل نری چہ لغات اودبیان دپستو کس می تحقیق کری اوہم داژبہ خامورنی شہر دہ پہ ہغہ آخر نظریہ داکتر
 "ترومپ" چروائی (دا شہر دھندل آیرین دکورنی یو صحیح توک نہ بلکہ یوہ قدیمی اومستقلہ شہر دہ چہ اولی
 دنقل وانتقال کی دھندل آیرین دکورنی نہ دایرانین وکورنی نہ تشکیل کری) ملکر تیا اوتصدیق کومراو خیا پر مدعا
 قدامت دے خاورے اوہغہ ہجرتونہ چہ دد خاورے شخہ سوی دی شاہدا وکواہ دی ، سرلرے چہ ترهوسہ سیدک و
 کس چہ مہد آسایش اومدائت آریادی ونہ حفریات نکسوی چہ دخر اوبونہ کی ہغہ آثاراوشواہد چہ قدامت دد
 خاورے پورہ وینی سراورنی مکر بیاہ ترهغہ خاچہ حفریات علما وخصو علی ہیئت نوند فرانس پہ ہغہ نڈا فرچہ
 د" بلخ" پخر اوبکس چہ نڈا کوڈ آیران باید نرنہ وویل سی ، تدقیقات کری اوخپلہ نظیرہ کی ظاہرہ کرے معلوم
 چہ انجک لہ دیر قدیم وختہ محدد شروندون دانسانانوہ چہ کلک اود آثر تمدن پزانکو دعلہ کی لایبہ وہ
 اویقین دی کہ اصولی حفریات پد خاورے کس اجراسی دیر مہتمہ آثاراوشواہد ہنور ہم لاستہ سراسی چہ تمدن د
 آیرانی قوم اصلی اوسیدونکی دے خاورے پر نسبت کلک اواثر دیر بخواہ ثابت کی .
 نوپہ پیری سر دتاریخ دعلما وویلی سوچہ مرکز شروندون او اول مہد پرورش آیرانی قوم مخمور دیر مملکت
 شمالی خواہ وہ اوپنخلفونز ما نوکین لوی لوی تکران لہے خاورے شخہ پر نسبت دیزات الی دنفوس اویانور حوات چہ
 مرور سر دانسان پہ شروندون کس طبعاً حادث کی بزی و ہجرت تہ مجبور سول اوپہ پراخو جگہ او دپستو دھندل افاس
 او غربی مالک کس کی بجای و نیوہ او یو قسمت ہم پدے خپلو خاورے اوتاریخی جگہ کس استوگہ اختیار کرے .
 نوپدے صورت چہ اصلی جای دغہ جگہ اوما جرت ہم لہے جایہ و ہند تہ سوی وی اوہم دوہ نیم نرنہ
 کالہ پنخواہ ددے ژبے ذکر سوی وی شہر ننگہ کی بزی چہ پستولہ بنا خد غربی (فارسی) یا لہ بنا خد شرقی (شہر دہ)

مشتق او آخستلی سوی می؟ بلکه دیرینا خون لده ژبې شخه باید وتلی و بولو.

افغان :- پدوجه تسمیې کین دافغان دکلې زهر زهر روایات موجود دی، بعضه سم له ضرب المشلو او متلا و له روایتوسه داکلمه «افغانا» شخه مشتق بولی لکه چروائی افغانا نمسی (طالوت) پادشاه دالیر فی او افغانان هم نسل دهغه پادشاه دی او بعضه وائی چه معنی دکلې شور و غوغا دهغه وخت چه دوشه پدین اسلام سول شیطانان پدژرا او چیغونسکور سول، او بعضه بل تعبیر و ته تراشی چه هغه اضطراب و اغتاشا چه دای او لاینقطع پدینخ ددوی کس پعلت دجنکو او بدیو موجود دی او مخکه ئی پدشور او غوغا نیولی ده ددوی ام «افغان» سه. اوقس علمه دلدی رنکه روایات او علل زریات لپاره دوجه تسمیې ددی کلې موجود دی او خلقو و تیر جوهر کرمی می معزایو صحیح هیئت او مصدر و دی کلې ته نسی پیدا کیلای، اگر چه اسم دافغان دیر پنخواه استعمال سوی دی مگر کجا چیرقین تیریز ددی ادی چه دافنوم پد تولو بنسټون دی اطلاق سوی، نو دافغان لکه سوری، غوری، اویلی او نور پد اول کین یوازې قبیله وی نوموه، پس ته ادبی نوم و گرنزید لکه چه آغا دفتوحات د عرب کس بچمله دنور و نومود افغانستان دطوائفو، پغور کس لکه سوری او غوری کا هی هم د بعضو قبیلو نوم پد بنی افغان یا دسوی او داسلام پد تاریخو کس ئی ذکر سوی او «راها میهیرا» هند می منجم هم پد شپه مرقن دمیلا دی کس ئی پد نام د او اکاندیا او اکاند نور وری دی او پد شپه مرقن د هجری نوم د افغان پد هغو طوائفو د پستانه اطلاق سوی چه دسلیمان پد غر و کس ئی استوگنه د لوده او البرونی اول وک د بعضو قبیلو چه دسند و وادی تیریزه وه پد نام دافغان یاد کرمی او د بریتانیا اسلامی انسکلوپی دیکي چه ریورقی ساکین د جنوب «کرمی» او شرق د غرنی پد نام دافغان یاد کرمی، او فردوسی پد (۱۱) قرن کین دافغان د طائفه نوم وری او ابن بطوطه هم پد (۱۲) قرن کین دافغان د نام ذکر کرمی.

د پنجمه قرن شخه د هجری و دی خواه تدر و و نوم دافغان د پستانه د لویو طوائفو پد ریف کین داخل او پس له خرمده په خارج کس نوم دافغان، ند اچه ادبی نوم و گرنزید بلکه نوی مراتلونکی او مهاجرین

دہستانہ دطوائف وہم لہ ہر قبیلے او عشیرے چہ وہ بلا استثناء بہ نامہ دافغان یاد سول اولوئی طائفے دہستانہ
 چہ پنخواہ دکورنی (فامیلی)، او قبیلے بہ نامہ مشہورہ او بہ ہندوستان او نور و خایو کبریٰ استوکنہ کولہ لاندے
 نوے نامہ شخہ خلاص سول، نو اکثر موخین اولرے خلقوتہ بہ معرفت او پیروند والی د لویو طائفو شہہ
 پینہ سوہ او ددے نوے نامہ دافغان تر عنوان لاندے فی قول پستانہ قول نکمل، لکہ چہ سلاطین د
 غلامانو (جلمے کبہ نیستونکی د قطب الدین، التمشیہ، بلبنیہ، خضر خانیہ، خلجیہ (غلی)، او تغلق شہشاہیہ
 بہ ہندوستان کبر دہستانو شخہ بیل او سو ابولی، یوارہ لہ او محلہ د لہ موخین او محققینو د اروپا او آسیا
 پادے حقیقت سید لہ لکہ مستر ملسن، مستر براون، مستر ولیم بیل، مستر اسلمن، خاوندان سہ
 المتاخرین او حیات افغانی او خورشید جہان او نور لکہ چہ برون موخ د تاریخ د ایران د سلسلے، سلاطین
 دغور، دفرزہ کولہ لہ پستانو شخہ بولی او ملسن قطب الدین اول فاتح ددہلی یونامہ دہشتون کبریٰ او مستر
 مارسدن پدخپل کلاسیکی تاریخ کبر سلسلہ د غلامانو، التمشیہ، بلبنیہ، خضر خانیہ، غلجہ (غلی)،
 تغلق شاہیہ بہ ہندوستان کبر و اضحالہ سلسلے شخہ دہشتون فی شماری، او تامس ولیم بیل (صاحب
 د مفتاح)، د تغلق شاہیہ د پادشاہانو نسب ہم دغور دہشتونو شخہ بولی.

علی احوال پسر لہ (۱۶) قرن شخہ د مسیحی نوٹر افغان عمومیت پید کی او پسر لہ ہنوجہ (درانیو) کو
 او جیم سلطنت افغانستان تشکیل کی، کلد افغان د قول اہالی د افغانستان ملی نورسہ اونور
 د مملکت ہم افغانستان کبہ نیستون د سہ.

و جد تسمینی دافغان او ماہیت ددے کلے بہ نزد د محققینو لہ تر ہوسہ مجہول او نا معلوم دی او
 داچلہ روایا تو شخہ ہنجرہ "افغانا" او بنی اسرائیل نسبت کوی او یا داملت لہ فرہوشخہ د "بخت نصر"
 وغیرہ شماری محض غلط او غلط محض دی جکہ چہ د آثوری او کلدانی سامی سلطنتو د درجہ پہ
 (۵۳۸ ق ۲۰ کبر کوروش لہ لاسہ خاتمہ پید کمرہ) بہ عین د ترقی او کمال کبر د نرا کروس وغرق

رسیدلی وہ، لہجہ ددے چہ پر مشرق کبر قوی کوچی (چادر نشین)، دآربائی واقع وہ او آٹوری اوکلانی
 پر مغرب کبر مدار مصر ہر چہ یولوی قوی دولت وہ جنکیدلہ دمشق وخواہ تہ متوجہ کیدای نسوی اونفی
 دیہود یا نوچہ پر عمدا کیں ددوم سا رکون ۷۲۱ ق ۴۰ وہ او پے عصر د بخت نصر کیر پادشاہ دکلا لے کیں
 ۵۱۲ ق ۴۰ واقع سوہ علی الترتیب پر علاقہ دمیڈیا اود بابل پر شہر کیں وہ دمیڈیا دیہود یا نو فر ایران
 پد نیردے او ہمایہ ملتو کیں قول منحل سول اود بابل یہودیان پس لہ د وونسلو پد نہانہ کیں دکوروش
 کیر موسس دھنا منشی سلطنت، بیرتہ خپل وطن تہ (فلسطین)، ولا ریل او خپل خراب سوی مسکن
 او معابد فی جو ریکرل او بعض لہ قبائلو شخہ دیہود یا نو پے مصر او مدینہ منورہ کیں جای د استنو کئی
 اختیار کی .

پشان یا پٹھان یا پٹھان :-

دپشان وجہ تسمیہ نام معلوم دہ او دیر بی اساسہ روایات او موضوعی قصہ پدک باب کیں کیری بعضی
 اشتقاق او موہومی اخراج ددکے کلے پدک موضوعی قصہ باند برابر وی چہ حضرت سرور کائنات صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم قیس نامی پر نام دپشان یاد کیری او نوم فی عبدالرشید ابنی دی او معنی دپشان پد بادبان
 دکبستی کوی او بعضی فی لاندنی برخدہ جھانزوائی او بعضی داروایت کوی چہ پستون پد اول وار کیں
 چہ داخل دہندوستان سہ پد پتنہ کیں فی جای وینوی پدک سبب پد نام دپشان مسی سہ و علم ہند .
 اول الذکر روایت تمامًا جعلی او بی اساس لیدہ کیری "جکچہ ہفہ نہانہ د عربی وہ او پد عربی کیں
 (پ) نستہ او کہ ہفہ (ب) فرض کوہم یقین دی چہ دامعنی مفہوم ددے کلے کیدای نی بلکہ بتان
 یا بتہان بدد عرب پد لغا تو کیں موجود نوی، اوہم داخبرہ نہ پد حایث شریف اونہ پد نور دینی او مد
 روایا تو کیں چاتہ پد نظر ویرغلی .

(۱) دہے بحث ندی چہ قیس پر حضور حضرت رسول اللہ مبارک تالی بانالی ندی بلکہ یقین کیری چہ تالی دی، جکچہ پد مور پستون دین اسلام
 خول کر دی او اسلام د شکر کند ولو پیشتر ہم دہے پستونوہ مقصد د شجہی بہ نام دپشان کیں دی

دوم روایت کہ خہم تریوے اندازے داد ویر کونکی دی مکر تحقیقات و تدقیقات چہ پکس
سوی دی دانوم محرف د پختانیا پختانہ مخذی خکہ چہ ہندیا نو د پختانہ یاد پختانہ کلمہ محرف
کری او پخیل تلفظ اولہ جہ فی موزون او برابرہ کہے دہ او پخیل لکت کبس نے رواج ویر کری دی
اودانوم د پشان یا پشان ہم لہ (۱۶) قرن مخذیدے خواہ د ہند محری نو او موخینو استعمال
کری دی چہ ترہوسہ پستون تہ پشان وائی .

تلفظ اولہ جہ :-

ہفت اول ملت چہ د پستو پشہ خبرے کوی من حیث العموم ہغدیوہ د پستو شہ بدہ،
مکر پہلہ جہ اول تلفظ کبس د بعضو دیر لہ اختلاف دی چہ موہ ہغدیوہ د و بر خویشوا و پستو
نربان او پختون زبان تعبیر و تہ کوو، مغرب او شمال مغرب پختون زبان او مشرق او شمال شرق
پختون زبان ویل کیروی، پختون زبان پہ تلفظ کبس حرف د "ب" ش او حرف د "و" ژ وائی او
پختون زبان حرف د "ب" پرخ او حرف د "و" پک تلفظ کوی، او جای داستو گنی
د قولو پستو فرشتہ پہ (رہ) یادوی او ہغدیوہ علاقہ عبارت دہ چہ شمالاً جنوباً
لصوات او با جوہر مخذہ تر سوی او بکرا و شرقاً او غرباً لہ حسن ابدال مخذہ ترکا بل چہ
قندھا رہم پکس کی دی شامل دی .

لیکونکی امین اللہ "نہ لای"

نہ د جناب فاضل مولوی جمال الدین خان اود جناب عبدالباقی خان سرکاتب دا انجمن مخذہ دیر شکر کوہ
چہ جناب مولوی صاحب بعضو ماخذ راہو د لید دی او سرکاتب صاحب پتہ محمد بعضو ماخذ و کمک راہہ کری دی .

سالنمای ۱۳۱۳ هجری شمسی

ایام هفتگی که از زواول هر برج شروع شده							اسمای بروج		تعداد ایام بروج	
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	حل	۳۱	روز	
شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	ثور	۳۱	روز	
سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	جوزا	۳۱	روز	
جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	سرطان	۳۲	روز	
شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	اسد	۳۱	روز	
جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	سنبله	۳۱	روز	
دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	میزان	۳۱	روز	
پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	عقرب	۳۰	روز	
شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	قوس	۲۹	روز	
یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	جدی	۲۹	روز	
دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دلو	۳۰	روز	
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	حوت	۳۰	روز	
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز بسبب و هم محرم احرام رخصتی یک روز بسبب مولود سعادت ام ۱۲ بیج الاون رخصتی ۲ روز بسبب جشن استقلال رخصتی هشت روز برج اسد بسبب افتتاح شورای ملی در سنه ۱۲۸۵ رخصتی یک روز ولادت سعادت اعظم حضرت محمد طاهر شاه ۱۲۸۵ میلادی بسبب جشن نجات در ۲۳ میزان رخصتی یک روز ۱۳۱۲ جلوس منیت مانوس اعظم حضرت محمد طاهر شاه ۱۲۸۵ بسبب اول رمضان المبارک رخصتی یک روز بسبب عید فطر رخصتی سه روز بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز			
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸				
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵				
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲				
محمد اوونسی			۳۲	۳۱	۳۰	۲۹				

هیئت انجمن ادبی کابل
Le Directeur et les Membres Actifs du Cercle Littéraire de Kaboul



عاليقدر حفيظ الله خان «مبتم سالنامه»

عاليقدر صداقتماآب شهزاده احمد علي خان دراني
« مدير انجمن ادبي »



عاليقدر غلام جيلاني خان اعظمي
« معاون انجمن ادبي »



عاليقدر سرور خان گوبا «عضوانجمن ادبي»



عاليقدر امين الله خان زمرای
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر محمد کریم خان ترمی
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر فاضل قاری عبدالله خان، شاعر شهید
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر محمد سرور خان صبا
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر غلام جیلانی خان جلالی
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر سيد قاسم خان رشتيا
«عضو انجمن ادبی»

هیئت تحریر دفتر انجمن ادبی کابل
Le Bureau du Cercle Littéraire de Kaboul.



فهرست مضامین سالنامه کابل

سال ۱۳۱۲

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
	تشکیلات ولایات و حکومتی های اعلی و حکومتی های کلان ۱۱۶	الف	مقدمه
	» ولایت کابل	۱	مختصر سوانح ذات همایونی
۱۱۷	» قندهار		تعهد نامه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه
۱۱۸	» هرات	۴	بجلس شورای ملی
۱۱۹	» مزار شریف		بیعتنامه و کلای دارالشورای ملی بحضور
۱۲۰	» قطنن و بدخشان	۵	اعلیحضرت همایونی
۱۲۱	حکومتی اعلای مشرق		فرمان پادشاهی راجع به برقراری
۱۲۲	» جنوب	۶	ج، ع، ج والا حضرت صدراعظم صاحب
۱۲۳	» مینه	۷	معرفی کابینه دولت بحضور اعلیحضرت همایونی
۱۲۴	» فراه و چخانسور	۸	خط مشی حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه
۱۲۵	حکومت کلان شمالی		تعزیت و تهنیت کوردیلو ماتیک بحضور اعلیحضرت
»	» غزنی	۱۱	همایونی و نطق جوایبه اعلیحضرت
»	» دایزنگی	۱۲	واقعه شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی
۱۲۶	» اوگر	۱۷	تیزاد افغانیان
۱۲۶	» گرشک	۳۱	جغرافیای طبیعی افغانستان
۱۲۶	» نلات	۶۱	معادن افغانستان
»	» ارزگان		مختصر حالات جغرافیای و طبقات الارضی حدود
»	» شیرغان	۷۶	سلسله هندوکش
»	» بدخشان	۸۴	تشکیلات مملکتی
»	» اسما و کنرها	»	صدارت عظمی
۱۲۸	تشکیلات دوایر ملی	۸۶	وزارت حریه
۱۳۰	ریاست شورای ملی	۹۵	وزارت خارجه
۱۳۵	ریاست اعیان	۱۰۳	وزارت داخلیه
۱۳۸	ریاست بلدیه کابل	۱۰۴	وزارت عدلیه
۱۴۰	تشکیلات دوایر حضور	۱۰۵	وزارت مالیه
»	وزارت دربار	۱۰۷	وزارت معارف
۱۴۱	دارالتحریر شاهی	۱۰۹	وزارت تجارت
۱۴۲	سرباوریت حربی حضور همایونی	۱۱۰	وزارت فواید عامه
۱۴۳	دایره قلعه بیگیت ارگ شاهی	۱۱۳	ریاست صحیه
		۱۱۵	» پست ، تلگراف ، تلفون

سالمه « کابل »

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۹۷	غور	۱۴۴	اجرا آت دواير مملکتی
۱۹۸	نظریات علمای روسیه شوروی نسبت بصنایع تاریخی افغانستان	»	امور حربیه
۲۰۶	کور دیپلوماتیک مقیم دربار کابل	۱۴۹	امور خارجیہ
۲۰۸	وقایع مهمه جهان در سال ۱۳۱۲	۱۵۰	امور داخلیہ
۲۵۵	ملاقات دیپلمات ها	۱۵۶	» عدلیہ
۲۵۶	نقشه ملاقات	۱۵۷	» مالیہ
۲۵۷	سیاحتیکه در سال ۱۳۱۲ بافغانستان آمده اند	۱۵۸	» معارف
۲۶۱	سرمایه های بزرگ در برابر بحران عالمگیر	۱۵۹	» تجارت و زراعت
۲۷۵	تاریخ های دانستی	۱۶۳	» فواید عامه
۲۹۰	مبدأ ظهور کاغذ	۱۶۵	» طیبه
۲۹۵	اختراعات	۱۶۶	» پست ، تلفون ، تلگراف
۳۰۹	جایزه نوبل	۱۶۷	پسته خانه های داخلی افغانستان
۳۱۷	رادیو تیلی میخانیک	۱۶۸	مجلس محترم شورای ملی
۳۲۲	ممالک عالم	۱۶۹	» » اعیان
۳۴۵	نفوس شهرهای بزرگ عالم	۱۷۰	ریاست بلدیہ کابل
۳۴۶	بندرگا های بزرگ عالم	۱۷۱	امور بلدی و لایات و اطراف
۳۴۷	کتابخانه های بزرگ عالم	۱۷۲	مطبوعات و طن
۳۵۳	احصائیه قوه برق آبشارهای دنیا	۱۷۳	امور مطابع
۳۵۸	تاریخچه مختصر آسیا	۱۷۵	شرکت اسهای ملی افغان
۴۵۴	نظری به آسیا	۱۷۸	شرکت تنویرات
۴۵۹	تقسیمات وقت	۱۷۹	دایرة زراعت و نسلگیری و تربیه حیوانات
۴۶۲	مسکوکات خارجه	۱۸۰	اصولنامه ها و لوایح که در سال ۱۳۱۲ تصویب شده
۴۶۴	مقیاسات ، اوزان ، مقادیر و مسکوکات جاپان	۱۸۱	اعطای نشان
۴۶۵	احصائیه ها	۱۸۲	افتتاح رفقی سناتوریم
۴۷۱	قسمت حفظ الصحه (معلومات صحی)	۱۸۵	» جاده دره شکاری
۴۸۶	معلومات زراعت و فلاحت	۱۹۰	» نهر سراج مشرق
۴۸۹	بازیهای اولمپیا	۱۹۱	انجمن کشافان
۴۹۱	سالخور دگان	۱۹۲	تمدید سرکهای جدید
۴۹۶	پشتو	۱۹۵	تعمیر پل ها



فهرست تصاویر سالنامه کابل

سال ۱۳۱۲

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۸۴	ع ، ص ذولفقار خان مشاور اول صدارت عظمی		یکورق قرآن شریف بخط مبارک حضرت
	ع ، ص محمد شاه خان رئیس ضبط احوالات		علی کرم الله وجهه و نامه مبارک حضرت
۸۴	صدارت عظمی		رسول صلی الله علیه و سلم .
	ع ، ص سید احمد خان مشاور دوم صدارت عظمی	۱	ذات هایون اعلی حضرت محمد ظاهر شاه افغان
۸۴ - ۸۵	آمران دوا یر صدارت عظمی (۵ قطعه)	۱۲ - ۱۳	شهر یار فقید افغانستان اعلی حضرت محمد نادر شاه شهید
۸۴ - ۴۵	قصر صدارت عظمی	۱۶ - ۱۷	جامع شریف هرات
۸۵	والا حضرت وزیر صاحب حرابه		شرفاقتما بان جناب حضرت صاحب و جناب
۸۶	ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حرابه	۱۶ - ۱۷	نقیب صاحب
۸۷	« احمد علیخان » اردو	۱۸ - ۱۹	وزیر اکبر خان غازی
۸۸	« سید حسن خان » حرابه	۱۸ - ۱۹	سید جمال الدین افغان
۸۸	ع ، ش شیر احمد خان » لوازمات		مجسمه های که از تپه خزانه عقب چند اول
	ع ، ش محمد عمر خان » انجمن اصلاح	۲۰ - ۲۱	کشف شده (۵ قطعه)
۸۹	وترقی حرابه		مجسمه های مرمر که از کوتل خیر خانه
۸۹	ح ، محمد احسانخان قوماندان طیاره	۲۰ - ۲۱	کشف شده (۵ قطعه)
۹۰	ع ، ش سردار علی شاه خان فرقه مشراول		مجسمه های که از تپه مرنجان کشف شده
۹۱	ع ، ش سید عبدالله خان رئیس فابریکات حربی	۲۴ - ۲۵	(۵ قطعه)
	ع ، ش سردار اسدالله خان قوماندان		منظره استویه های که از تپه مرنجان کشف شده
۹۲	فرقه شاهین	۲۴ - ۲۵	(۲ قطعه)
	ع ، ع ش ، س ، ا محمد غوث خان نائب سالار		رسم بودای رنگه کاریکی از طلاب مدرسه
۹۲	قول اردوی مرکز	۳۰ - ۳۱	صنایع نفیسه کابل
	ع ، ش عبد القیوم خان قوماندان		منظره یک استویه عصر گریکو بودیک که
۹۲	فرقه توپچی	۳۰ - ۳۱	درنجرا ب کشف شده
	ع ، ش غلام محمد خان قوماندان فرقه		عتایق عصر گریکو بودیک که درتگاب و نجراب
۹۴	اول مرکز	۳۰ - ۳۱	کشف شده (۳ قطعه)
	ع ، ش عبد الغنی خان	۳۱	آقای غلام جیلانی خان جلالی
۹۴	دوم مرکز	۶۰ - ۶۱	رسم رنگه نمونه قشون ملی افغان در قرن ۱۹
	ع ، ش نور محمد خان	۶۱	آقای محمد احسان خان معدن شناس
۹۴	سوم مرکز	۶۶ - ۶۷	نقشه معادن افغانستان
	ع ، ش خان زمانخان		رسم رنگه نمونه لباس و طرز معیشت فامیلی
۹۴	عسکری غزنی	۷۴	افغانستان در قرن (۱۹)
	ع ، ش عبد الاحد خان » عسکری	۷۶	آقای سید عبد الاحد خان
۹۴	قندهار		ج ، ع ، ج والا حضرت سردار محمد هاشمخان
۹۴	ع ، ش محمد شعبان خان قوماندان عسکری هرات	۸۳	صدر اعظم

سالنامه « کابل »

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۱۰۵	ع، ص غلام مجتبی خان معین دوم مالیه	۹۵ - ۹۴	قوماندان های عسکری (۴ قطعه)
۱۰۷-۱۰۶	آمران دوائر وزارت مالیه بارئیس و معاون و مدیر ضرابخانه (۱۲ قطعه)	۹۵ - ۹۴	والا حضرت وزیر صاحب حریه و منصبدار های مرکز تادریه غنند مشر اول
۱۰۷	ع، ج سردار احمد علیخان وزیر معارف	» »	آمران دوائر وزارت حریه (۳۶ قطعه)
۱۰۷	ع، ص عبدالجبار خان معین معارف	۹۵	ع، ج فیض محمد خان وزیر خارجه
۱۰۹-۱۰۸	آمران دوائر وزارت معارف (۱۶ قطعه)	» »	ع، ص غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجه
۱۰۹-۱۰۸	عمارت جدید تربیه حیوانات واقع ده بوری	۹۶	» » محمد عثمان خان » دوم »
۱۰۹-۱۰۸	آمران دوائر وزارت تجارت (۹ قطعه)	۹۷ - ۹۶	آمران دوائر وزارت خارجه (۲۱ قطعه)
۱۰۹	ع، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت	۹۷	والا حضرت سردار شامو لیخان وزیر مختار پاریس
۱۰۹	ع، ص محمد حسین خان معین اول وزارت تجارت	۹۸	ع، ج سلطان احمدخان سفیر کبیر افغانی در انقره
۱۰۹	» » غلام غوث خان » دوم »	۹۸	» » شیر احمد خان » » طهران ۹۸
۱۱۰	ع، ج الله نواز خان وزیر فوائد عامه	۹۸	» » عبدالحسین خان » » مسکو ۹۸
۱۱۰	ع، ص نصر الله خان معین	۹۹	» » علی محمد خان وزیر مختار » لندن ۹۹
۱۱۳-۱۱۲	آمران دوائر وزارت فوائد عامه (۱۶ قطعه)	۹۹	» » محمد قاسم خان » » روما ۹۹
۱۱۳	ج، محمد اکبر خان رئیس صحبه	۱۰۰	» » حبیب الله خان » » جاپان ۱۰۰
۱۱۵-۱۱۴	آمران دوائر ریاست » (۶ قطعه)	۱۰۰	» » محمد صادق خان » » مصر ۱۰۰
۱۱۵-۱۱۴	شفاخانه ملکی هرات		ع، ص صلاح الدین خان جنرال قونسل
۱۱۵-۱۱۴	داکترهای شفاخانه های ملکی مرکز (۹ قطعه)	۱۰۲	افغانی در دهلی
۱۱۵-۱۱۴	عمارت جدید وزارت معارف	۱۰۲	ع، ص باز محمد خان جنرال قونسل افغانی در تاشکند
۱۱۵-۱۱۴	آمران دوائر ریاست پسته و تلگراف (۱۱ قطعه)	۱۰۲	ص، محمد صدیق خان جنرال قونسل افغانی در مشهد
۱۱۵	ج، رحیم الله خان رئیس ریاست پسته و تلگراف	۱۰۲	ص، عبدالودود خان قونسل افغانی در مرو
۱۱۶	و، ج محمد عمر خان والی کابل	۱۰۲	ص، عبدالرسول خان وکیل التجار پشاور
۱۱۶	ع، ص سید حبیب خان مستوفی ولایت کابل		محصلین افغانی که در سنه ۱۳۱۲ از مدارس خارجه با شهادت نامه وارد وطن شده اند (۶ قطعه)
»	ح، طره باز خان قوماندان کوتوالی	۱۰۳-۱۰۲	آمران دوائر وزارت داخله (۶ قطعه)
۱۱۶-۱۱۷	آمران دوائر ولایت کابل (۶ قطعه)	۱۰۳-۱۰۲	مدیران دوائر ریاست تنظیمه ولایات شمالی (۴ قطعه)
»	» » قندهار (۸ قطعه)		ع، ج ۱۰۱ محمد گل خان وزیر داخله ۱۰۳
»	و، ج غلام فاروق خان وکیل نائب الحکومه قندهار		ع، ص عبدالرشید خان معین اول وزارت داخله ۱۰۳
۱۱۷	قندهار		ع، ص نیک محمد خان معین سوم وزارت داخله »
۱۱۸	» » عبدالرحیم هرات		ع، ج فضل احمد خان وزیر عدلیه ۱۰۴
۱۱۹-۱۱۸	آمران دوائر مرکزی ولایت هرات (۸ قطعه)		آمران دوائر وزارت عدلیه (۵ قطعه) ۱۰۵-۱۰۴
»	» » مزار شریف (۸ قطعه)		رئیس و مامورین مطبوعه عمومی (۸ قطعه) ۱۰۵-۱۰۴
»	و، ج عبدالجمیل خان وکیل نائب الحکومه مزار شریف		ع، ص محمد حسین خان معین اول مالیه ۱۰۵
»	» » شیر احمد خان وکیل نائب -		
۱۲۰	الحکومه قطن و بدخشان		
	آمران دوائر مرکزی ولایت قطن و بدخشان (۶ قطعه)		
۱۲۰-۴۲۱			

فهرست تصاویر

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۱۴۰	ع، ج سردار احمد شاه خان وزیر دربار	۱۲۰ - ۱۲۱	آمران دوائر حکومت اعلاى مشرقى (۹ قطعه)
»	ع، ص محمد حیدر خان معین دربار	۱۲۱	ع، ش سردار محمد داؤد خان حاکم اعلاى مشرقى
۱۴۱-۱۴۰	آمرین دوائر وزارت دربار (۶ قطعه)	۱۲۲	ع، ص محمد افضل خان حاکم اعلاى جنوبى
» » »	مأمورین دارالتحریر شاهی (۹ قطعه)	۱۲۲ - ۱۲۳	آمران دوائر حکومت اعلاى جنوبى (۹ قطعه)
۱۴۱	ع، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور	»	»
۱۴۲	ع، ش سید شریف خان سرپایور حربى حضور	»	»
۱۴۳-۱۴۲	یاورهای حربى حضور (۷ قطعه)	۱۲۳	اعلاى مینه
» » »	مصاحبین حضور (۴ قطعه)	»	ع، ع، ش محمد انور خان وکیل حاکم
» » »	یک منظره از قصر دلکشا	۱۲۴	اعلاى فراه
» » »	» » » برج شمالی	۱۲۶ - ۱۲۷	حکام کلان
۱۴۳	ع، ش عبدالغنی خان قلعه بیگی ارگ	»	منتظمین تلگرافخانه های قندهار، هرات
۱۴۵-۱۴۴	یک منظره از نمایش کشافان	»	مزار، مدیر بخارات و مامور معابر مشرقى (۵ قطعه)
» » »	» » »	۱۳۰	ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی
» » »	معاینه انداخت تعلیمگاه خورد ضابطان	۱۳۲ - ۱۳۳	وکلای ولایت کابل
۱۴۹-۱۴۸	قول اردوی مرکزی .	»	» » قندهار
» » »	یک قطعه پیاده فرقه شاهی	»	» » هرات
» » »	یک قسمت طلاب مکتب حریه	»	» » مزار شریف
» » »	ع، ش قوماندان و معلمین و یک قسمت از طلاب مکتب حریه .	»	وکلای ولایت قطن و بدخشان
» » »	گروپ هوا بازان .	»	» حکومت اعلاى مشرقى
» » »	تیم والی بآل وزارت حریه	۱۳۲ و ۱۳۳	» » جنوبى
» » »	ع، ع، ش سردار محمد داؤد خان با منصب داران مشرقى .	»	» » مینه و فراه
» » »	یک حصه از بیت الخدام های جدید تعمیر واقع ما ما خیل مشرقى .	۱۳۵	ع، ج میر عطاء محمد خان رئیس مجلس اعیان
» » »	یک دسته از عساکر مشرقى	۱۳۵	ع، ص محمد اکبر خان معاون اول
» » »	سرك جدید سمت مشرقى در حد در و تنه	۱۳۶	» » عبدالرحیم خان دوم
» » »	دائرة فرقه مشرکى مشرقى در علاقه وزیرى .	۱۳۶ - ۱۳۷	اعضای جدید مجلس اعیان
» » »	سرك مشرقى در حد در و تنه	»	ع، ص محمد یوسف خان رئیس دائرة تربیه حیوانات
» » »	یک قطعه از عساکر گردیز	»	و ص عبداللطیف خان منشی شورا و ص سید محمد خان منشی اعیان و ع، عبدالغفار خان سرحد دار دکه، و ص محمد موسی خان مدیر محاسبه
» » »	بالا حصار گردیز	»	تربیه حیوانات، و ص میر علی احمد خان مدیر هوتل
» » »	تهانه جدید محافظین راه جلال آباد	»	کابل و غ عبدالغفور خان وکیل سرمامور پلیس
» » »	» » »	»	کابل و ش سید کمال خان مدیر محبس دهمزنگ
» » »	میدان ارگ قندهار و صاحب منصبان فرقه فراه .	۱۳۶ - ۱۳۷	ص، غلام رضا خان مدیر محاسبه قوماندان
» » »	مداومین تعلیمگاه عسکری فراه	»	کو توالی کابل
» » »	» » »	۱۳۸	و، ج گل احمد خان رئیس بلدیة کابل
» » »	» » »	۱۳۸-۱۳۹	آمرین دوائر ریاست بلدیة کابل
» » »	» » »	»	رؤسای بلدیة

سالنامه « کابل »

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۱۶۷-۱۶۶	جدول محصولات بسته‌هوائی (۲ صفحه)	۱۴۹-۱۴۸	يك قطعه از عسکر پیاده هرات
» » »	نقشه خطوط تليفون افغانستان	» » »	دوره اول تعليمگاه خورد ضابطان
۱۷۱-۱۷۰	بازار جديد اندرابی	» » »	قول اردوی مرکز
» » »	قسمت الحاقیه عمارت و وزارت خارجه	» » »	گروپ منصبداران سمت جنوبی
» » »	جاده بازار شاهي	» » »	دوره دوم تعليمگاه خورد ضابطان
» » »	حمام جديد بلديه در کابل	» » »	قول اردوی مرکز
۱۷۳-۱۷۲	ارباب جرائد (ده قطعه)	» » »	يك قطعه از عساکر ارگون
۱۷۵-۱۷۴	دكانهای جديد چين حضوری کابل	۱۵۵-۱۵۴	یل گلباغ
» » »	هیئت مدیره شرکت اسهای	» » »	یل ملا قربان
۱۷۷-۱۷۶	گروپ عمومی مأمورین شرکت اسهای	» » »	یسته خانه جدید کابل و مجلس دهمزنک
» » »	عمارت شرکت اسهای و منظره پل هارتن	» » »	عمارت ریاست نسل‌گیری علی آباد
» » »	و هتل گذر گاه کابل	» » »	یل شیله نایق جلال آباد
۱۸۳-۱۸۲	افتتاح رفقی سناتوریم	» » »	بند نهر سراج جلال آباد
» » »	منار جديد ساعت وزارت حریه	» » »	یل سراچه علیخان در جلال آباد
۱۸۵-۱۸۴	نمونه خطاطی قدیم افغانستان	» » »	عمارت باغ سرده قندهار
» » »	خط خانم سردار عبدالقدوس خان	» » »	یل ارغنداب قندهار
» » »	اعتماد الدوله مرحوم	» » »	عمارت جدید مطبوعه عمومی کابل و
۱۹۵-۱۹۴	نقشه سرکهای افغانستان	» » »	هوتل جدید قندهار
۱۹۷-۱۹۶	یل چوره‌گلی و پل نذرآباد (در سمت مشرقی)	» » »	کوتی گمرک یل ارغسان قندهار و
» » »	مسجد و جایگاه مبارک خرقة شریف در قندهار	» » »	تهانه جدید یلیس قندهار
» » »	منار یاد کار شهدای میوند در قندهار	» » »	یل کلان و پل خورد ارغسان قندهار
۲۰۷-۲۰۶	سفر اتیکه در سال ۱۳۱۲ بدر بار کابل وارد شدند	» » »	یل چشت
۲۰۸	آقای احمد علیخان	» » »	» »
۲۱۲-۲۱۱	کنفرانس خلع سلام (دو صفحه)	» » »	دایره مهندسی ریاست تنظیمه ولایات شمالی
۲۱۴	رئیس جمهور ترکستان چین	» » »	هوتل جدید مزار شریف
۲۱۵	لیدر های مسلمان ترکستان چین	» » »	نمونه رسم یکی از طلبه مدرسه صنایع نفیسه کابل
۲۱۶	دلائلی لامه روحانی تبت	۱۵۹-۱۵۸	نقشه حفریات تپه مرنجان
۲۱۹-۲۱۸	عمارت جدید مجمع ملل	» » »	مسجد بابر شاه در کابل
» » »	یکی از جلسات مجمع ملل	۱۶۳-۱۶۲	عمارت جدید دو اخانه کابل
۲۱۹	اعلیحضرت شاه ایران و کابینه جدید ایران	» » »	جاده بازار شاهي
۲۲۱	کنفرانس اقتصادی لندن	» » »	فابریکه تجاری کابل
۲۲۲	کنفرانس ملل طلا	» » »	عمارت جدید مکتب صنایع نفیسه کابل
۲۲۳	امضای قرارداد چار گانه (دو قطعه)	» » »	گمرک جدید کابل
۲۲۴	» » » » (دو قطعه)	» » »	عمارت جدید وزارت فوائد عامه
۲۲۶	دی ولیرا فاند ملی آیرلند	۱۶۵-۱۶۴	» » » » (از بهلو)
۲۲۷	جنرال اودوفی لیدرنیلی یوشان آیرلند	» » »	جلالتآب رئیس صحیه ودا کترها
۲۲۷	مراجعت قشون عراق پس از سرکوبی آنورهاها	» » »	وبعضی از طلاب مدرسه طی
۲۲۹	ارکان ریاست فوق العاده قوه اجرائیه کیوبا	» » »	بعضی از داکترهای کابل
۲۳۰	یک دسته از توپخانه پاراکی	» » »	

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۲۶۸	اوتو ولف و تهیسن متمولین المانی	۲۳۱	اعلیحضرت امیر فیصل و اعلیحضرت امیر غازی
۲۶۹	لارد آیویک متمول انگلیسی و دریفیوز گندم فروش فرانسوی	۲۳۳	مستر روزولت رئیس جمهور امریکا
۲۷۰	نظام حیدرآباد و آغاخان نوابان هندی	۲۳۴	لیتوینوف کمیسر امور خارجه شوروی
۲۷۱	سالی جوئل متمول افریقای، سرباز بلند اهاروف ملیو تریونانی و دیوک آف ویست مینستر سرمایه دآر انگلستان لارد ترازمیری متمول معروف انگلستان	۲۳۵	امضای قرارداد بالقان
۲۹۹	تاریخ وی زنده	۲۳۶	زدیکی ایتالیا و مجارستان
۳۰۲	موتریک چرخه	۲۳۷	هند نیورگه و هتلر در یک مجلس حزب نازی
۳۰۶	آله حفاظت جهازهای تحت البحری	۲۳۸	زدو خورد اعراب و یهود در فلسطین
۳۰۷	پراشوت بزرگ		اعلیحضرت ابن سعود، اعلیحضرت امام یحیی و سر لشکر افواج سعودی و سر لشکر افواج بن ۲۴۰
۳۰۸	آدم مصنوعی و کشتی طیاره بردار بزرگ	۲۴۲	ستالین دیکتاتور روسیه
۳۱۷	آقای محمد صدیق خان رادیو میخانیک	۲۴۳	ملاقات موسولینی و لیتوینوف
۳۱۹	اولین طیاره که بواسطه رادیو اداره شده نقشه اولین پرواز ذریعه طیاره بی بیلوت و اولین موتریکه بواسطه رادیو اداره شد	۲۴۴	و ایسرای هند، مستر پتیل فقید و شاه نیپال
۳۲۰	ترکاندن کیسه های گیس افشان ذریعه آله تبلیغاتی	۲۴۵	سومین کنفرانس میز مدور در لندن
۳۶۷	یکی از آبشارهای بزرگ مملکت آستونیا	۲۴۶	یک منظره از خرابی های زلزله ولایت بهار (هند)
۳۶۳	منار جامع امیر در بخارا	۲۴۷	کمیسر اعلائی انگلیس در فلسطین و کمیسر اعلائی فرانسه در سوریا
۳۶۶	طهران - قصر بهارستان	۲۴۸	رئیس الوزرای جاپان، وزیر حرب سابق جاپان و وزیر حرب حالیه جاپان
۳۶۲	یک منظره از شهر ماندلی برما	۲۴۹	امیر اطور مانچوکو، جنرال چیانگ کای شک صاحب منصب چین
۳۷۱	یکی از مناظر سراسر اوک (بورنیو)	۲۵۰	یک منظره از جشن سال دم جمهوریت ترکیه
۳۷۵	یک منظر از شهر لاسا	۲۵۱	اتنای ای دن سیاستمداران انگلستان و پرواز طیاره انگلیسی بر فراز قله ایورست همالیه
۳۷۸	شهر جدید انقره	۲۵۲	گاستون دورگه و رئیس الوزراء فرانسه
۳۸۴	یک منظره از شهر کیوتو	۲۵۳	البرت اول شاه فقید بلجیم و لئوبولد سوم شاه جدید بلجیم
۳۹۰	دیوار چین	۲۵۴	دو نفوس صدر اعظم استریا و دبوکا صدر اعظم مقتول رومانیه
۳۹۴	یک منظره شهر مکه معظمه	۲۵۶	نقشه مسافرت های یکساله سیاسی در اروپا
۴۰۰	شهر اومسک	۲۶۰-۲۶۱	مستخدمین خارجی در افغانستان (۳۰ قطعه)
۴۰۴	یکی از مناظر ساحلی سیلون	۲۶۱	آقای سید قاسم خان رشتیا، جیمس وایت و کلیس هارتی متمولین انگلیس
۴۰۷	یک بازار شهر بیروت	۲۶۲	اوتو کاهن متمول امریکائی
۴۱۱	شهر بغداد	۲۶۳	پیرین مارکن و راکفیلر متمولین امریکائی
۴۲۳	مسجد قبه الصخره در بیت المقدس	۲۶۴	ایوار گروگر سویدنی شاه گوگرد و ساموئیل اسول متمول امریکا
۴۲۸	یل چوبی بردریای سربنگر	۲۶۵	هنسی متمول فرانسوی
۴۳۲	شهر موکدن	۲۶۶	خورد و میلن سرمایه داران بزرگ امریکا
۴۳۵	یک منظره کوهستان مکاؤ		
۴۴۲	منظره یک بازار هانگ کانگ		
۴۴۶	قطب منار دهلی		
	نمونه معماری هند جنوبی (بنارس) و مدرسه فرانسوی پاندریچری		
۴۵۲			

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۴۹۳	معمربین افغانستان (۵ قطعه)	۴۵۴	جناب فاضل مولوی جمال الدین خان
	مختصر مینیکیه در سال سوم مجله کابل کلمه قلمی	۴۵۸	نقشه آسیا
۴۹۵-۴۹۴	نموده اند (۷ قطعه)	۴۶۱-۴۶۰	نقشه ساعت های عالم
» » »	محل اداره مجله و سالنامه کابل	۴۶۵	احصائیه گوسفند (نقوش)
۴۹۶	ع ، امین الله خان زمرلای	۴۶۶	»
	تقوم	۴۶۷	»
۴۹۷-۴۹۶	مدیر و اعضا و گردید قترانجمن (۱۱ قطعه)	۴۶۷	»
۵۰۲	مقابل	۴۶۹	»
		۴۷۰	»
			تلفون

غلطنامه

از قارئین محترم خواهش میروم که نخست اغلاط ذیل را تصحیح نموده، سپس بمطالعه آغاز بفرمایند:

صفحه	سطر غلط	صحیح	صفحه	سطر غلط	صحیح
۱	۲ دار لسلطه	دار السلطنه	۵۹	۱۱ شور تیه	شور تیه
۱۸	۳ دو کاوش ها	وکاوش ها	۶۷	۲۳ که درخشدگی	که بدرخشدگی
۲۰	۱۹ صفحامنشی های	هخامنشی ها	۶۷	۲۳ معلوم باشد	معلوم شد
	یاورق		۶۸	۱۸ بطرول داراست	بطرول راداراست
۲۲	۸ عمدی - ایک	انگلیسی - ایک	۷۱	۱۱ فستقی	یسته بی
۲۵	۱۵ بگویم	بگویم	۷۹	۱۹ سمت مشرق مغربی	از طرف غرب بشرق
۲۵	۱۸ ۸۰۰۰	۸۰۰	۸۰	۲۵ مشرقاً غرباً	غرباً بافغانستان
۳۲	۱۳ ۴۶۰ متر	۹۴۰ متر			امتداد یافته
۳۳	۳۳ رد متر	دو متر	۹۵	۹ مدیت	مدیریت
۴۴	۱۷ باوجود	باوجود	۹۷	۹ السی	بسی
۳۵	۵ متفاوت الاضلاع	متفاوت الاضلاع	۱۲۲	۱۲ رگمک	گمک
۳۶	۲۴ اورا لوبری شن	ارا لوبری شن	۱۲۸	۷ ۲۸	۱۲۸
۳۶	» » »	» » »	۱۲۸	۷ جمعیت العبا	جمعیت العبا
۳۶	» » »	» » »	۱۷۲	۲۲ خش گواری	خوش گواری
۳۷	۳۱ دره کلیم	دره کلیم	۱۳۲	۱۰ ارغستان	ارغسان (ازا کوسیا)
۳۸	۳ خاواک بسندان	خاواک بسندان	۱۳۳	۲۴ میرفضلی احمدخان	میر فضل احمد خان
»	۳۴ وتل خاواک	کوتل خاواک	۱۳۴	۲۱ مرکز و علاقه دارها	مرکز و علاقه داری
۳۹	۳۱ کوتل یارون	کوتل یارون			های بیرن سونه
	۴ هزار متر	۴۶۰۰ متر	۱۴۵	۲ افراد و خوردضابطان	افراد و خوردضابطان و ضابطان
۴۰	۷ خارنیت	خاصیت	۱۴۶	۲۶ تبدیل فورم البسه	فورم البسه
۴۸	۹ بندر ۵۲ ونیم	بندر ۵۲ ونیم	۱۴۶	۲۶ ساخته شده	تبدیل شده
۴۸	۳۱ سوشه	شوشه	۱۴۸	۱ تعلیم	تعلیم
۵۶	۲۲ اشجار این حصص	در اشجار این حصص	۱۵۲	۲۶ علی نگار	النکار
۵۸	۳۶ طیورنکه	طیوریکه	۱۵۴	۷ اسکان	سکوت
۵۹	۹ تمیر خان آباد	تمیر خان آباد			